

In the name of God

34000 واژه و اصطلاح انگلیسی به فارسی رشته حسابداری

گرد آورنده:

روح الله یوسفی رامندی

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

تقدیم به بردارم: جواد یوسفی رامندی

a	
	رقم ۱۰ در مبنای شانزده، اولین حرف الفبای انگلیسی
a banking perspective	
	از دیدگاه بانک
a behavioral approach	
	رویکرد / دیدگاه رفتاری
a corporate bond interest rate	
	نرخ بهره اوراق قرضه شرکتهای معتبر
a cross b	
	a ضربدر b
a descriptive approach	
	رویکرد / روش توصیفی
a first degree vertex	
	یک رأس درجه یک
a formula approach	
	روش مبتنی بر فرمول
a fortiori	
	به طریق اولی
a historical perspective	
	دیدگاه تاریخی
a legal approach	
	رویکرد / دیدگاه قانونی
A module	
	قطعه، مدول

A module of finite type A	مدول متناهی تولید شده A-مدول از نوع متناهی
a posteriori	پسین، پس از تجربه، بعدی، از قبل
a posteriori probability	احتمال پسین
a posteriori proposition	قضیه بعدی
a precedes b	است b قبل از a
a priori	پیشین
a priori distribution	توزیع پیشین
a priori estimate	برآورد پیشین
a priori probability	احتمال پیشین
a priori proposition	قضیه پیشین، قضیه قبلی
a private economy	اقتصاد خصوصی
a statement of basic accounting theory	بیانیه تئوری بنیاد حسابداری

a structural approach	رویکرد / دیدگاه ساختاری
a succeeds b	a بعد از b
a systems framework	چارچوب سیستمی
a tax approach	رویکرد / دیدگاه مالیاتی
a variety of	نوعی، نسخه ای، تغییری
a variety of other	نسخه دیگری، انواع دیگری، انواع مختلف دیگری
a.m.	بعد از نیمه شب، قبل از ظهر، صبح
a.s.n. curve	منحنی میانگین تعداد نمونه
aaa (american accounting association)	انجمن حسابداری (حسابدارن) آمریکا
Aalen's additive risk model	مدل مخاطره جمعی آلن
ab initio	از ابتدا، از آغاز
abac	آباک

abacus	چرتکه
Abandonment	واگذاری
abandonment of assets	واگذاری (کنارگذاری) دارائیها
abandonment of operations	توقف با تعطیلی عملیات
abate	تخفیف دادن پایین آوردن
Abatement	تخفیف
abbreviate	مختصر کردن، خلاصه کردن، علامت اختصار به کار بردن
abbreviation	مخفف علامت اختصاری اختصار
abc analysis	طبقه بندی اقلام موجودی بر اساس ارزش نسبی آنها
abel continuity theorem	قضیه پیوستگی آبل
Abel inequality	نابرابری آبل
abel integral equation	معادله انتگرال آبل

abel limit theorem	قضیه حد آبل
abel partial summation formula	فرمول جمع جزئی آبل
abel problem	مسأله آبل
abel summability	مجموع پذیری آبل
Abel theorem	قضیه آبل
Abel's formula	فرمول آبل
abel's identity	اتحاد آبل
abel's inequality	نامساوی آبل، نابرابری آبل
abel's method of summation	روش جمع زنی آبل
abel's problem	مسأله آبل
abel's test	آزمون آبل
abel's test for convergence of series	آزمون آبل در مورد همگرایی سری ها

abel's theorem	قضیه آبل
abel's theorem on power series	قضیه آبل در مورد سری های توانی
abelian	آبلی
abelian category	دسته آبل، رسته آبل
abelian differential	دیفرانسیل آبل
abelian equation	معادله آبل
abelian extension	توسیع آبل
abelian free group	گروه آزاد آبلین
abelian function	تابع آبل
abelian group	گروه جابجایی، گروه آبلین، گروه آبل، گروه تعویض پذیر
abelian ideal	ایده آل آبل
abelian integral	انتگرال آبل

abelian lie algebra	جبر لی آبدلی
abelian lie group	گروه لی آبدلی، گروه لی تعویض پذیر
abelian p group	گروه آبدلی-p
abelian projection operator	عملگر تصویر آبدلی
abelian ring	حلقه آبدلی
abelian subvariety	زیرچندگونای آبدلی
abelian sum	مجموع آبدلی
abelian surface	رویه آبدلی
abelian theorem	قضیه آبدلی
Abelian theorems	قضیه های آبدلی
abelian variety	چندگونای آبدلی
aberration	انحراف، عدم انطباق کانونی، ابیراهی

abeyance	تعليق بلا تکلیفی
ability	توانائی، قابلیت
ability to pay theory	تئوری قدرت پرداخت
ability to service debt	قدرت پرداخت (اصل و فرع) بدهی
abm (activity based management)	بر مبنای فعالیت مدیریت
abnormal	غیر عادی، ناهنجار، نابهنجار
abnormal curve	خم نانرمال
abnormal earnings	سودهای غیر عادی سود غیر متعارف
abnormal performance index	شاخص عملکرد غیر عادی
abnormal rate of return	نرخ بازده غیر عادی
abnormal return	بازده غیر متعارف (غیر عادی)
abnormal spoilage	ضایعات غیر عادی

abort	ناتمام ماندن، لغو کردن
about	حول، در حول، در حدود، پیرامون
above	از بالا
above average risk	ریسک بالاتر از متوسط
above bounded set	مجموعه از بالا کراندار
above mentioned	مذکور
Above Par	بالای بهای اسمی
above the line	بیش از حد متعارف
abrasion	ساییدگی، سایش، خراشیدگی
abrasive	سایشی، ساینده، خراشنده، ماده ساینده
abrasive cleaning	تمیزکاری سایشی
abridge	خلاصه کردن، کوتاه کردن، مختصر کردن

abridged	مختصر
abridgement	خلاصه، اختصار
abrogation of agreement	فسخ یا لغو قرارداد
abruptly	ناگهان
abscissa	طول، خفت، مختص طول، طول نقطه (در دستگاه مختصات)
absence of causal connection	نبود علت و معلولی رابطه
absent	حذف کردن
absolute	مطلق
absolute asymptotic efficiency	کارایی مجانبی مطلق
absolute complement	متمم مطلق
absolute constant	ثابت مطلق
absolute continuity	

پیوستگی مطلق	
absolute convergence	
همگرایی مطلق	
absolute convergence series	
سری همگرای مطلق، سلسله تقارب مطلق	
absolute cumulative frequency	
فراوانی جمعی مطلق	
absolute curvature	
خمیدگی مطلق	
absolute derivation	
مشتق گیری مطلق	
absolute deviation	
انحراف مطلق	
absolute differentiation	
مشتق گیری مطلق، مشتق یابی مطلق	
absolute dispersion	
پراکندگی مطلق	
absolute error	
خطای مطلق	
absolute error of an approximation	
خطای مطلق یک تقریب	
absolute extremum	
فرینه مطلق، اکستریم مطلق	
absolute frequency	

فر اوانی مطلق	
absolute frequency of event	
فر اوانی مطلق حادثه، فر اوانی مطلق پیشامد	
absolute geometry	
هندسه مطلق	
absolute inequality	
نامساوی مطلق، نابرابری مطلق	
absolute maximum	
ماکزیم مطلق، بیشینه مطلق	
absolute maximum modulus principle	
اصل کالبد ماکزیم مطلق	
absolute minimum	
می نیم مطلق، کمینه مطلق	
absolute moment	
گشتاور مطلق	
absolute norm	
نرم مطلق	
absolute number	
عدد مطلق	
absolute numbers	
اعداد مطلق	
absolute priority	
اولویت کامل / مطلق	
absolute retract	

درون بر مطلق	
absolute risk aversion	
ریسک گریزی مطلق	
absolute stability	
پایداری مطلق	
absolute term	
متغیر / عامل ثابت	
absolute term in an expression	
جمله ثابت در یک عبارت	
absolute term of a polynomial	
جمله ثابتِ یک چندجمله ای، جمله ثابت چندجمله ای	
absolute value	
قدر مطلق ارزش مطلق	
absolute value function	
تابع قدر مطلق	
absolute value of a complex number	
مطلق عدد مختلط، مدول یک عدد مختلط، قدر مطلق یک عدد مختلط، اندازه یک عدد مختلط	
absolute value of a real number	
قدر مطلق یک عدد حقیقی	
absolute value of a sequence	
قدر مطلق یک دنباله	
absolute value of a vector	
قدر مطلق یک بردار	

absolute velocity	تندی مطلق، سرعت مطلق
absolute zero	صفر مطلق، ریشه مطلق
absolutely	به طول مطلق، مطلق، مطلقا
absolutely closed space	فضای مطلقا بسته
absolutely continuous	پیوسته مطلق
absolutely continuous function	تابع مطلقا پیوسته
absolutely continuous spectrum	طیف مطلقا پیوسته
absolutely convergent	به طور مطلق همگرا، همگرای مطلق، مطلقا متقارب، مقارب مطلق، همگرا به طور مطلق
absolutely convergent double series	سری دوگانه همگرای مطلق، سری دوگانه مطلقا همگرا
absolutely convergent power series	سری توانی مطلقا همگرا
absolutely convergent series	سری به طور مطلق همگرا
absolutely convex set	

absolutely irreducible character	مجموعه مطلقاً کوژ
absolutely irreducible representation	مشخصه مطلقاً تحویل ناپذیر
absolutely minimal model	مدل مطلقاً مینیمال
absolutely series	سریهای مطلق
absolutely unbiased estimator	برآوردگر مطلقاً ناریب
absorbency	جاذبیت
absorbent	جاذب
absorbent element	عنصر جذب کننده
absorbing	جاذب
absorbing barrier	سد جاذب
absorbing boundary	مرز جاذب
absorbing Markov chain	

absorptance	زنجیر مارکوف جاذب
absorption	ضریب جذب
absorption coefficient	جذب، جذب شدن
absorption costing	ضریب جذب
absorption costing full costing income	هزینه جذبی نام دیگر هزینه یابی کامل
absorption law	سود هزینه یابی جذبی (هزینه یابی کامل)
absorption of light	قانون جذب
absorption probability	جذب نور
absorption rule	احتمال جذب
abstract	قانون جذب
abstract algebra	مفهوم انتزاعی خلاصه چکیده
abstract element	جبر مجرد

	عنصر مجرد
abstract group	
	گروه مجرد
abstract integral	
	انتگرال مجرد
abstract L space	
	فضای مجرد L
abstract L_p space	
	فضای مجرد L_p
abstract Lp space	
	فضای مجرد Lp
abstract L-space	
	فضای مجرد L
abstract m space	
	فضای مجرد m
abstract mathematics	
	ریاضیات محض، ریاضی مجرد، ریاضیات مجرد، ریاضی آهنجیده
abstract number	
	عدد انتزاعی، عدد غیر محسوس، عدد مجرد، عدد مطلق
Abstract of account	
	خلاصه حساب
abstract of title	
	سند مالکیت

abstract riemann surface	رویه ریمان مجرد
abstract set	مجموعه مجرد
abstract space	فضای مجرد
abstract system	دستگاه مجرد
abstract variety	چندگونای مجرد
abstract word	کلمه مجرد
abstraction	تجرید
abstractness	تجرید
absurd	باطل، ممتنع
absurd hypothesis	فرض خلف
absurd relation	نسبت پوچ، رابطه ممتنع، نسبت ممتنع، رابطه مزخرف
absurd statement	حکم باطل

absurdant	فراوان، بسیار، اضافی، زاید
absurdant number	عدد زائد
absurdity	پوچی، بیهودگی، مزخرف بودن، مزخرف
abundant number	عدد زائد
abusive tax shelter	سپر مالیاتی نامشروع طفره رفتن از پرداخت مالیات
academic circles	محافل دانشگاهی
academy of accounting historians	آکادمی (فرهنگستان) مورخین حسابداری
accelerate	تسریع کردن، تند شدن، شتاباندن، شتاب دادن، شتاب گرفتن
accelerated	تند شونده، شتابی، مسرعه، شتاب دار
accelerated convergence	همگرایی تسریع یافته
accelerated depreciation	استهلاک سریع (تسریعی)
accelerated depreciation methods	روشهای استهلاک سریع (تسریعی)

accelerated life testing	آزمون عمر شتابیده
accelerated motion	حرکت تند شوونده، حرکت شتابدار، حرکت مسرعه
accelerated particle	ذره شتاب دار
accelerating field	میدان شتاب دهنده
accelerating vector	بردار شتابان
acceleration	شتاب
acceleration depreciation	استهلاک تسریعی
acceleration of gravity	شتاب ثقل
acceleration vector	بردار شتاب
Accelerationist-policy	سیاست شتابگرا
Accelerationist-policy'	اعتبار پذیرش
accelerator	شتاب دهنده

accept	قبول کردن، قبولی، پذیرش
accept reject approach	روش (رویکرد) قبول یارد
acceptability constant	ضریب قابلیت پذیرش
acceptable audit risk (aar)	ریسک قابل پذیرش حسابرسی
acceptable process level	سطح فرایند قابل قبول
acceptable quality level	سطح کیفیت پذیرفتنی
acceptable quality level (aql)	سطح قابل قبول کیفیت
acceptable risk of assessing control risk too low (aracr)	ریسک قابل پذیرش بر آورد ریسک کنترل در سطح بسیار پایین
acceptable risk of incorrect acceptance (aria)	ریسک پذیرش نادرست
acceptable risk of incorrect rejection (arir)	ریسک رد نادرست
acceptance	تصویب، قبول، قبولی، پذیرش، دریافت

acceptance and continuation of clients	پذیرش و حفظ (تداوم کار با) صاحبکاران
acceptance criteria	معیار پذیرش
acceptance error	خطای پذیرش
acceptance inspection	بازرسی برای پذیرش
acceptance number	عدد پذیرش
acceptance priority rule	قاعده اولویت پذیرش
acceptance process level	سطح پذیرش فرایند
acceptance process zone	منطقه پذیرش فرایند
acceptance region	ناحیه پذیرش
acceptance sampling	نمونه‌گیری پذیرشی
acceptance test	آزمون پذیرش
acceptation	پذیرش

accepting	پذیرفته شدن، پذیرفتنی، قابل قبول
accepting state	حالت قبول شده
acceptor	پذیرنده
Access	دسترسی
access controls	کنترل‌های دسترسی
access time	زمان دسترسی، زمان دستیابی
accessible	قابل دسترسی
accessible boundary point	نقطه مرزی دست یافتنی
accessible services	خدمات بارگیری و تخلیه بار، خدمات ضمنی، خدمات معین
accessible states	وضعیت های قابل دسترسی
accessorial services	خدمات براگیری و تخلیه بار، خدمات ضمنی، خدمات معین
accessory	همدست، فرعی، جانبی

accessory parameter	پارامتر فرعی، پارامتر مازاد
accident	تصادف، واقعه، حادثه، پیشامد
accident frequency rate	نرخ فراوانی تصادف
accident insurance	بیمه حوادث
accidental	تصادفی، اتفاقی، غیر مترقبه
Accommodate	وام دادن
accommodation	توافق، مساعده، قرار
accommodation endorsement	ظهر نویسی دوستانه
Accommodation endorsment	پشت نویسی وام
accommodation note	برات دوستانه
accompanied by	همراه با
accompanied notes	یادداشت‌های پیوست (همراه)

accompanying	همراه
accompanying invoice	فاکتور ضمیمه صورتحساب پیوست
accompanying notes	یادداشت‌های پیوست (همراه)
accord	تطبیق دادن، مطابقت دادن
accordance	مطابقت
accordant	مطابق
according as	با توجه به، برحسب این که، هرگاه، اگر، که معادل است با
according to	برحسب، بر طبق، طبق، با توجه به، به موجب، به قول، مطابق، به عقیده ی
according to	مطابق با ... بر اساس...
accordingly	بر اساس آن، متناسب با آن، بنابراین
Account	حساب، حساب بانکی
account analysis method	

	روش تجزیه و تحلیل حسابها
account balance	مانده حساب
account book	دفترچه حساب
account certification	تصدیق حساب تعیین صحت و سقم حساب
account executive	متصدی حساب
account format	شکل حساب به شکل حساب
account group	گروه حساب
account heading	سرفصل / عنوان حساب
Account only check	چک بسته
account payable	حساب پرداختی
Account Payment	حساب پرداختی
account receivable	حساب دریافتی
Account settled	

Account statement	تسویه حساب
Account title	صورت حساب
account title and explanation	عنوان حساب
account turn over	عنوان و شرح حساب
account with treasury capital budget	محاسبه برگشت سرمایه
account with treasury operating budget	جاری با خزانه بودجه سرمایه ای
accountability	جاری با خزانه بودجه جاری
accountable	مسئولیت پاسخگویی
Accountancy	پاسخگو مسئول
Accountant	حسابداری
accountants' liability	حسابدار
Accounting	حسابرسان مستقل (مسئولیت حقوقی حسابداران)

حسابداری
accounting allocations
تخصیص های حسابداری
accounting as a current economic reality
حسابداری بعنوان یک واقعیت اقتصادی
accounting as a multiple paradigm science
حسابداری بعنوان یک دانش چند الگویی
accounting as an ideology
ایدئولوژی (حسابداری بعنوان یک مکتب)
accounting bases
مبانی حسابداری
accounting beta
بتای حسابداری
accounting changes
تغییرات حسابداری
accounting curriculum
برنامه آموزشی حسابداری
accounting cycle
چرخه حسابداری دوره عمل حسابداری
accounting data
اطلاعات (داده های) حسابداری
accounting earnings
سود (عایدات) حسابداری
accounting earnings based plans

طرحهای (پاداش و حقوق و مزایای) مبتنی بر وسد حسابداری
accounting education change commission (aecc)
کمیسیون ایجاد تحول در نظام آموزشی حسابداری
accounting english
زبان تخصصی حسابداری
Accounting entity
شخصیت حسابداری
accounting entity assumption
فرض شخصیت حسابداری
accounting equation
معادله حسابداری
accounting estimate
برآورد حسابداری
accounting firm
موسسه حسابرسی موسسه ارائه دهنده خدمات حسابداری و حسابرسی
accounting for changing prices
حسابداری تغییر قیمتها
accounting for income taxes
حسابداری مالیات بر درآمد
accounting for leases
حسابداری اجاره ها
accounting for pension plans

سحابداری طرحهای بازنشستگی
accounting for replacement investments
حسابداری سرمایه گذاریهای جایگزینی
accounting gimmicks or tricks
ترفندها یا حيله های حسابداری
accounting graduate
فارغ التحصيل حسابداری کارشناس حسابداری
accounting guidelines
رهنمودهای حسابداری
accounting hall of fame
تالار تندیس چهره های شاخص و ماندگار حسابداری
accounting higher education
آموزش عالی حسابداری تحصیلات تکمیلی حسابداری
accounting historians
مورخین (تاریخدانان) حسابداری
accounting history
تاریخچه (پیشینه تاریخی) حسابداری
Accounting information
اطلاعات حسابداری
accounting information system (ais)
سیستم اطلاعاتی حسابداری
Accounting Management
حسابداری مدیریت
accounting measurement scales

مقیاسهای اندازه گیری (سنجش) حسابداری
accounting period
دوره محاسباتی، دوره حسابداری، دوره عمل حسابداری
accounting phd scholar
دانشجوی دوره دکترای تخصصی حسابداری .
accounting practice
شیوه عمل (کار) حسابداری حرفه حسابداری
accounting price
قیمت محاسباتی، قیمت حسابداری
Accounting principles
اصول حسابداری
accounting principles board (apb)
هیات تدوین اصول حسابداری
Accounting procedures
روشهای حسابداری
accounting process or cycle
فرایند (یا چرخه) حسابداری
Accounting profession
حرفه حسابداری
accounting professionals
حسابداری حرفه ای
accounting pronouncements
نشریات حسابداری
Accounting rate of interest

نرخ بهره حسابداری
accounting rate of return (arr)
نرخ بازده حسابداری نرخ بازده دفتری
accounting records
سوابق حسابداری اسناد و مدارک حسابداری
accounting research bulletins (arb)
بولتن های پژوهشی حسابداری بولتن بولتن های تحقیقات حسابداری
accounting research studies (ars)
مطالعات پژوهشی حسابداری
accounting software
نرم افزارهای حسابداری
accounting standard setting bodies
نهادهای (مراجع) تدوین استانداردهای حسابداری
Accounting standards
استانداردهای حسابداری
accounting standards executive committee (acsec)
کمیته اجرایی استانداردهای حسابداری
accounting system
سیستم حسابداری
accounting terminology
اصطلاحات حسابداری آشنایی با اصطلاحات حسابداری (اصطلاح شناسی حسابداری)
accounting terms

اصطلاحات تخصصی حسابداری	
accounting theory	تئوری حسابداری
accounting treatment	نحوه عمل حسابداری روش حسابداری
accounting vocabulary	لغات و اصطلاحات حسابداری
accounts	حسابها
accounts code	کد حسابها
accounts heading	سرفصل حساب‌های شخصی (در دفاتر کل)
Accounts Payable	حسابهای پرداختی
accounts payable ledger	دفتر معین حسابهای پرداختی
accounts payable master file	پونده اصلی حسابهای پرداختی
accounts payable trial balance	تراز آزمایشی (جدول سنی) حسابهای پرداختی
Accounts Receivable	حسابهای دریافتی

accounts receivable balance related audit objectives	اهداف حسابرسی مربوط به مانده حسابهای دریافتنی
accounts receivable turnover	گردش حسابهای دریافتی گردش مطالبات
Accredit	اعتبار نامه دادن
accreditation	اعتبار سنجی
accredite	به رسمیت شناختن، معتبر ساختن
accredited	معتبر دارای اعتبار نامه مجاز
accretion	افزایش ارزش رشد / نمو طبیعی
accretive operator	عملگر افزایشدهنده
accroissement	افزایش
accros	افقی
accrual accounting	حسابداری تعهدی
accrual accounting rate of return (aarr)	

نرخ بازده حسابداری (تعهدی)
accrual basis
مبنای تعهدی بر مبنای تعهد
accrual basis accounting
حسابداری تعهدی
Accrual basis of accounting
روش تعهدی حسابداری
accrual method
روش تعهدی
Accrual Salaries and Wages Payable
حقوق و دستمزد پرداختی
Accrual-basis accounting
حسابداری تعهدی
accruals
اقلام تعهدی اقلام تحقق یافته اما پرداخت نشده
accruals accounts
حساب های معوق
accrue
حاصل شدن، افزوده شدن، تعلق گرفتن، منتج گردیدن، فراهم شدن
accrued estimated warranty costs
هزینه های معوق برآوردی تضمین محصول
accrued expense
هزینه تحقق یافته اما ثبت نشده (پرداخت نشده) هزینه معوق

Accrued interest	بهره تعلق یافته
accrued interest on note payable	بهره معوق (تحقق یافته) سند پرداختی
accrued liabilities	بدی های معوق بدهی های تحقق یافته اما پرداخت نشده
accrued liability	بدهی پرداخت نشده بدهی معوق
Accrued loan commissions	کارمزد تعلق یافته وام
accrued payroll expenses	هزینه های معوق حقوق و دستمزد
accrued revenue	درآمد معوق درآمد تحقق یافته اما دریافت نشده
accumulate	انباشتن جمع آوری کردن
accumulate depreciation	ذخیره استهلاک، استهلاک جمع شده
accumulated	مجمع
accumulated benefit obligation	تعهد (بدهی) مزایای انباشته
accumulated depreciation	استهلاک انباشته

accumulated depreciation of equipment	استهلاک انباشته تجهیزات
accumulated error	خطای مجتمع، خطای انباشته، خطای جمع شدگی
accumulated losses	زیانهای انباشته
accumulated postretirement benefit obligation	بدهی مزایای انباشته بعد از بازنشستگی
accumulation	انباشتگی
accumulation factor	ضریب انباشتگی، ضریب تجمع
accumulation point	نقطه تجمع، نقطه انباشتگی، نقطه حدی، نقطه اجتماع
accumulative error	خطای جمعی
accumulator	مخزن
accunulate	انباشتن، تجمع
accuracy	صحت
accuracy (in Neyman's sense)	درستی (به تعبیر نیمن)

accuracy to n decimal places	دقت تا n رقم اعشار
accurate	درست، دقیق، تحقیقی، صحیح
accurate control	بازبینی دقیق، کنترل درست
accurate to	با تقریب
accurately	با دقت
ace	تک خال، آس
ACEAN	سازمان همکاریهای اقتصادی جنوب شرق آسیا
achieve	انجام دادن، رسیدن، موفق شدن
achievement test	آزمون کامیابی، آزمون موفقیت، آزمون توفیق
acicular bainite	بینیت سوزنی شکل
acid test ratio	نسبت آنی نسبت سریع
acicular ferrite	فریت سوزنی شکل

ackermann function	تابع آکرمان
acknowledgement	تصدیق اعلام وصول
Acknowledgement of Receipt	اعلام وصول
acnode	نقطه مزدوج، نقطه مجزا، نقطه منفرد، نقطه تنها
acoustic	صوتی، مربوط به صدا
acoustic memory	حافظه صوتی
acoustical	صوتی
acoustics	صدا شناسی، علم الاصوات
acquire	به دست آوردن
acquired company	شرکت تحصیل شده (خریداری شده)
acquiring company	شرکت تحصیل کننده (خریدار)
acquisition	تحصیل تصاحب از طریق خرید

acquisition and payment cycle	چرخه تحصیل (خرید) و پرداخت
acquisition and retirements	تحصیل و کنارگذاری
Acquit	پرداختن-تسویه کردن
Acquital	واریز، پرداخت
acquittance	مفاصه حساب، برائت نامه
Acquittance	سند تسویه حساب
acre	آکر، در حدود ۴۰۴۷ متر مربع، جریب فرنگی
across	از وسط، از روی، از میان، سرتاسر، بر روی
acrs (accelerated cost recovery system)	سیستم بازیافت سریع بهای تمام شده
act	انجام دادن، عمل کردن، اثر کردن
Act of bankruptcy	قانون ورشکستگی
act on	وارد شدن، اثر کردن

actible repair time	زمان فعال تعمیراتی
acting partner	شریک فعال
action	اثر، عمل، فعالیت، واکنش، کنش، اقدام، انجام
action at a distance	اثرات از راه دور، عمل از فاصله دور
action integral	انتگرال کنش
action lines	خطوط عمل
action of a group	عمل یک گروه، کنش یک گروه
action principle	اصل کنش
action space	فضای عمل
action variable	متغیر کنش
activator	راه انداز، فعال کننده، حساب گر، فعال ساز
active	

فعال، موثر، بهره بردار، جاری، تنزیل بردار، کاری، کارگر، کنشی، ربح دار، دایر	
active binding tight constraint	محدودیت فعال-مار-تنگ
Active bond	سند قرضه فعال
Active capital	سرمایه فعال
active constraint binding tight	محدودیت فعال-مار-تنگ
Active debt	بدهی در جریان
active element	عنصر فعال
active management	مدیریت فعال
Active market	بازار فعال
active power	توان مؤثر
active state	حالت فعال
Activity	فعالیت

activity analysis	تجزیه و تحلیل فعالیتها
activity attributes	مشخصات (نشانه های) فعالیت
activity based budgeting abb	بودجه بندی بر مبنای فعالیت
activity based cost abc system	سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت
Activity Based Costing	هزینه یابی بر اساس فعالیت
activity based costing abc system	سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت
activity based management abm	مدیریت بر مبنای فعالیت
activity capacity	سطح گنجایش فعالیت
activity center	مرکز فعالیت
activity drivers	عوامل ایجاد فعالیت عوامل وقوع فعالیت محرکهای فعالیت
activity dummy	فعالیت مجازی
activity elimination	حذف فعالیت

activity flexible budgeting	بودجه بندی انعطاف پذیر فعالیتها
activity formal	چارچوب (ساختار) فعالیت شکل (قالب) فعالیت
activity free slack	فرصت آزاد-فعالیت
activity inventory	فهرست فعالیتها
activity level	سطح فعالیت
activity output measure	معیار ستانده فعالیت
activity productivity analysis	تجزیه و تحلیل قدرت بهره وری (اثر بخشی) فعالیتها
activity ratios	نسبتهای فعالیت نام دیگر نسبتهای کارایی و گردش
activity reduction	کاهش فعالیت
activity sampling	نمونه برداری از کار
activity selection	انتخاب (برگزیدن) فعالیت
activity service	فعالیت خدماتی

activity sharing	تقسیم فعالیتها مشارکت در فعالیتها سهمی شدن در فعالیتها
activity total slack	فرصت کل فعالیت
activity variance	انحراف فعالیت
Actual	واقعی- فعلی
actual annual rate of return	نرخ بازده واقعی سالانه
actual casts	هزینه های واقعی
Actual Cost	بهای تمام شده، هزینه واقعی
actual cost system	سیستم هزینه یابی واقعی
actual costing	هزینه یابی واقعی
actual factory overhead	سربار واقعی کارخانه
actual fixed costs	هزینه های ثابت واقعی
actual policy	سیاست واقعی

Actual Production	تولید واقعی
actual production and cost data	اطلاعات واقعی تولید و هزینه ها
actual retirement of bonds	باز خرید واقعی اوراق قرضه
Actual Stock	موجودی واقعی- موجودی فعلی
Actual value	ارزش واقعی
actual volume	حجم واقعی
actual warranty costs	هزینه های واقعی تضمین محصول
actually	در حقیقت، واقعا، بالفعل، واقعیت، فعلیت
actuarial	آماري، تعیین شدن توسط آمار
actuarial statistics	بیمه آمار
actuary	بیمه آمارشناس بیمه آمار ۲. 1
actuate	به راه انداختن، راه انداختن، به کار انداختن

actuator	کار انداز، راه انداز، به کار اندازنده، محرک
acute	تند، حاده، حادالزاویه
acute angle	زاویه حاده
acute angled	حادهالزاویه، زاویه حاده
acute angled triangle	مثلث حاده
acute triangle	مثلث حاده
acuteness	تندی، شدت، حدت
acyclic	غیر حلقوی، نادوری، زنجیری، بدون دور، نادور، غیر دوری
acyclic graph	گراف بی دور
acyclical	غیر دوری، غیر دوره ای
ad absurdum	برهان خلف
ad absurdum statement	

قیاس خلف، برهان خلف، گزاره خلف
ad hoc
موقت موردی با توجه به موقعیت خاص
ad hoc discount
تخفیف موردی تخفیف موقت
ad hoc needs
نیازهای موقت / موردی
ad infinitum
تا بینهایت، به همین ترتیب تا آخر، به سمت بینهایت
ad valorem
بر اساس ارزش / قیمت درصد ارزش یا قیمت
ad valorem duty
حقوق گمرکی بر اساس ارزش کالا
Adams Bashforth method
روش آدمز بشفرت
adams moulton method
روش آدمز-مولتن
adapt
سازش کردن، توافق کردن، تطبیق دادن
adaptability
قابلیت انطباق، وفق پذیری، تطبیق پذیری
adaptation
انطباق، سازش، سازگاری، توافق، تناسب
adaptive

adapative control	سازوار، تطبیق‌پذیر
adapative method	کنترل تطبیقی، کنترل وفقی
adapative sampling	روش سازوار
adapative sequential procedure	نمونه‌گیری سازوار، نمونه‌گیری تطبیق‌پذیر
Add	شیوه دنباله‌ای سازوار
add based histogram	افزودن
Add up	نمودار پله‌ای پایه افزوده
added	جمع کردن
Added Value	اضافی، اضافه شده
added value(value added)	ارزش افزوده
addend	ارزش افزوده
addendum	جمع‌وند

افزوده، قسمت بالایی دندان، اضافه، ضمیمه
addendum circle
دایره سر دنده، دایره سر دندان
adder
جمع کننده، افزاینده
adder subtractor
مدار جمع و تفریق کننده
addibility
قابلیت جمع، جمع پذیری
addible
افزودنی، قابل جمع زدن
adding
افزون
adding machine
ماشین، جمع زنی، ماشین حساب
Addition
افزایش- الحاق
addition axioms
اصول موضوع جمع
addition function
تابع جمع
addition law
قانون جمع
addition of figures

جمع ارقام
addition of matrices
جمع ماتریس ها
addition of two polynomial functions
جمع دو تابع چندجمله ای
addition of vectors
جمع بردارها
addition principle
قضیه جمع احتمالات، اصل جمع
addition property of equalities
خاصیت جمع تساوی ها، خاصیت جمع برابری ها
addition property of inequalities
خاصیت جمع نامساوی ها، خاصیت جمع نابرابری ها
addition sign
علامت جمع
addition system
دستگاه (عدد نویسی) جمعی
addition table
جدول جمع
addition theorem
قضیه جمع
additional
اضافی، افزوده، تکمیلی، افزایشی، بیشتر
additional fund needed

وجوه اضافی مورد نیاز
additional paid in capital
صرف سهام سرمایه پرداخت شده مازاد بر ارزش اسمی
additions
ملحقات / اضافات
additive
جمعپذیر
additive category
دسته جمعی، رسته جمعی
additive constant
مقدار ثابت افزودنی
additive function
تابع جمعی
additive functional
تابعک جمعی
additive functor
تابعگون جمعی
additive group
گروه جمعی
additive group of rational numbers
گروه جمعی اعداد گویا
additive identity
عضو خنثی در جمع، عضو همانی جمع
additive interval function

تابع بازه ای جمعی
additive inverse
معکوس جمعی، عنصر متقارن، قرینه، عکس جمعی، وارون جمعی، قرینه جمعی، عضو معکوس در جمع
additive inverse element
عنصر وارون جمعی
additive law
قانون جمعی
additive measure
اندازه جمعی
additive model
مدل جمع پذیر
additive nature
خصوصیت جمعی، ماهیت جمعی
additive notation
نماد جمعی
additive number theory
نظریه جمعی اعداد
additive property
خاصیت جمع پذیری
additive risk model
مدل مخاطره جمعی
additive set function
تابع مجموعه ای جمعی

additive structure	ساختار جمعی
additive subgroup	زیرگروه جمعپذیر
additive valuation	ارزه جمعی
additively	جمعی
additives	افزودنی، ماده بهساز، مواد افزودنی، افزایه
additivity	جمعی بودن
additivity assumption	فرض جمع پذیری
additivity of lebesgue measure	جمعی بودن اندازه لبگ
Addressee	دریافت کننده
adequach	کفایت
adequate	کافی، مناسب، مساوی ساختن، متساوی بودن
adequate disclosure	افشای کافی

adequate sample	نمونه کافی
adequately	به قدر کافی
adhere	چسبیدن، متصل بودن، دوسیدن
adherence	چسبیدگی، چسبندگی، دوسیدگی
adherent	چسبیده
adherent point	نقطه چسبیده
adhesion	چسبیدگی، نیروی جاذبه، نیروی ربایش، چسبندگی
adhesive bonding	الحاق چسبی، چسباندن، اتصال چسبی
adhesive joining	اتصال چسبی
adiabatic	بی دررو
adiabatic approximation	تقریب بی در رو
adiabatic curve	خم بی در رو

adiabatic curves	آدیاباتیک، منحنی های بی در رو
adiabatic expansion	انبساط بی در رو
adinfinitum	به همین ترتیب تا آخر، بینهایت، الی آخر، به سمت بی نهایت
adjacence	مجاورت، نزدیکی، همسایگی
adjacency	همجواری، مجاورت، همسایگی
adjacency list	لیست مجاور
adjacency matrix	ماتریس مجاورت
adjacency structure	ساختار مجاورتی
adjacency table	جدول مجاورت
adjacent	نزدیک، در مجاورت بودن، متصل بودن، هم جوار، مجاور، نزدیک، هم پهلو
adjacent angle	زاویه مجاور
adjacent angles	

	زوایای مجاور
adjacent basis	
	پایه مجاور
adjacent extreme point	
	نقطه غایی مجاور، نقطه فرین مجاور
adjacent fundamental product	
	حاصل ضرب اساسی مجاور
adjacent point	
	نقطه مجاور
adjacent points	
	نقطه های مجاور
adjacent side	
	ضلع مجاور
adjacent sides	
	اضلاع مجاور
adjacent supplementary angles	
	زوایای مجانب مکمل، زوایای مجانب، زوایای مکمل مجاور
adjacent vertice	
	رأس مجاور
adjacent vertices	
	راس های مجاور
adjoin	
	ملحق کردن، ضمیمه کردن، وصل کردن، منضم کردن
adjoined	

	الحاقی، وابسته، ضمیمه
adjoined determinant	
	دترمینان الحاقی
adjoining	
	اضافه کردن، الحاق، متصل، پیوسته، تکیه داشتن، مجاور
adjoining a square root to a ring	
	الحاق یک جذر به یک حلقه
adjoint	
	الحاقی، پیوند، معاون، وابسته، اضافه کردن
adjoint boundary condition	
	شرط مرزی الحاقی
adjoint boundary value problem	
	مسأله مقدار مرزی الحاقی
adjoint differential equations	
	معادله های دیفرانسیل الحاقی
adjoint differential expression	
	عبارت دیفرانسیل الحاقی
adjoint equation	
	معادله الحاقی
adjoint functor	
	تابعگون الحاقی
adjoint kernel	
	هسته الحاقی
adjoint Lie algebra	

	جبر لی الحاقی
adjoint matrix	
	ماتریس الحاقی، مزدوج ماتریس، ماتریس متمم، ماتریس همال
adjoint operation	
	عمل الحاق
adjoint operator	
	عامل الحاق، عملگر الحاقی
adjoint partial differential equation	
	معادله دیفرانسیل جزئی الحاقی
adjoint process	
	فرایند الحاقی
adjoint representation	
	نمایش الحاقی
adjoint space	
	فضای الحاقی
adjoint to	
	اضافه شونده
adjoint transformation	
	تبدیل الحاقی، تبدیل وابسته
adjonit matrix	
	ماتریس الحاقی
adjugate	
	متمم

adjugate matrix	ماتریس متمم، ماتریس همال
adjunct account	حساب الحاقی حساب ضمیمه
adjunction	پیوست، الحاق، افزایش
adjunction space	فضای الحاقی
adjustment for seasonal variation	تنظیم برای تغییرات فصلی
adjust	تنظیم، میزان کردن، مطابق کردن، تعدیل کردن، تنظیم کردن
Adjust Salary Schedule	ترمیم جدول حقوقی
adjustable	قابل تنظیم، قابل تطبیق، قابل تعدیل
adjustable rate preferred	سهام ممتاز با نرخ سود متغیر
adjustable wrench	آچار قابل تنظیم، آچار فرانسه
adjusted	تطبیق شده، تراز، تراز شده
adjusted beta	

adjusted cost of goods sold	بهای تعدیل شده کالای فروش رفته
adjusted trial balance	اصلاح شده (تراز آزمایشی تعدیل شده)
Adjusted trial balance columns	ستونهای تراز آزمایشی اصلاح شده
adjusting entry	ثبت تعدیلی (اصلاحی)
adjusting journal entries	ثبتهای (روزنامه ای) تعدیلی (اصلاحی) ثبتهای اصلاحی دفتر روزنامه
Adjusting process	فرآیند اصلاح حسابها
Adjustment	تعدیل و اصلاح – تنظیم
adjustment for calendar variation	تنظیم برای تغییرات تقویمی
Adjustment of chare prices	تعدیل قیمت های سهام
adjustment time	زمان تنظیم
adjustment value	ارزش تعدیل

Adjustments	اصلاحات - تعديلات
adjustments and eliminations	تعديل (اصلاحات) و حذفیات
Adjustments columns	ستونهای اصلاحات
Administer	اداره کردن
Administration	امور اداری
Administrative	قانون اداری
Administrative Action	اقدام اداری
Administrative Assistant	معاون اداری
administrative cost	هزینه اداری
administrative costs	هزینه های اداری
administrative department	واحد اداری
administrative duties	وظایف اداری

administrative expenditures	هزینه های اداری
administrative expense budget	بودجه هزینه های اداری
administrative functions	وظایف اداری، نقش های اداری
administrative hierarchy	سلسله مراتب اداری
administrative management	مدیریت اداری
administrative manager	مدیر اداره
administrative organization	سازمان اداری
Administrative Staff	کادر اداری
administrative working papers	کاربرگهای عمومی (اداری)
admissibility	قابلیت قبول
admissible	مجاز
admissible aequence	دنباله پذیرفتنی

admissible decision function	تابع تصمیم پذیرفتنی
admissible estimator	برآوردگر پذیرفتنی
admissible function	تابع پذیرفتنی
admissible homomorphism	هم ریختی پذیرفتنی
admissible hypothesis	فرض پذیرفتنی
admissible isomorphism	یکریختی پذیرفتنی
admissible lattice	مشبکه پذیرفتنی
admissible monomial	یک جمله ای پذیرفتنی
admissible normal subgroup	زیرگروه نرمال پذیرفتنی
admissible range	میدان مجاز
admissible rule	قاعده قابل قبول
admissible sequence	دنباله پذیرفتنی

admissible subgroup	زیرگروه پذیرفتنی
admissible value	مقدار قابل قبول
admission	پذیرش، تصدیق
admission by investing in the partnership	پذیرش/ ورود از طریق سرمایه گذاری در شرکت
Admission to stock exchange	پذیرش در بورس
admit roots	ریشه پذیرفتن
adopt	اتخاذ کردن
adoption	اتخاذ
adsorption	برآشام، انقباض گاز ها و مایعات روی سطوح
Advance	قرض دادن
Advance deposit	ودیعه پرداخت
Advance of credit	اعلامیه دریافت

Advance of money	پیش پرداخت وجه
Advance Payment	مساعده- پیش پرداخت
advance payment prepayment	پیش پرداخت
advance pricing agreement	قرارداد قیمت گذاری سلف
advance rent	پیش دریافت (پرداخت) اجاره
advanced	پیشرفته، عالی
advanced accounting	حسابداری پیشرفته
advanced analysis	آنالیز پیشرفته، آنالیز عالی
Advanced Benefits	مزایای پیشرفته
advanced calculus	حساب دیفرانسیل و انتگرال پیشرفته
advanced commissions	پیش پرداخت کارمزد حق الزحمه / کمیسیون پیش دریافت شده
advanced financial accounting	

حسابداری مالی پیشرفته
advanced from customers
پیش دریافت از مشتریان
advanced management accounting
حسابداری مدیریت پیشرفته
advanced manufacturing environment
شرایط (محیط) پیشرفته تولید
advancement
پیشرفت
advances to employees
پیش پرداخت به کارکنان
advances to unconsolidated subsidiaries
پیش پرداخت به واحدهای فرعی تلفیق نشده
advantage
سود، صرفه، مزیت، آوانتاژ، بهره
advantages and disadvantages
مزایا و معایب
advection
وزش افقی
adverse opinion
اظهار نظر مردود نظر مردود گزارش حسابرسی مردود
adverse selection
نامطلوب (گزینش نامناسب انتخاب نادرست)
adverse selection phenomenon

پدیده انتخاب نادرست / گزینش نامناسب
advertising
تبلیغات بازرگانی، آگهی های تجاری، اعلان
advertising budget
بودجه تبلیغات (تبلیغاتی)
advisable
قابل قسمت، مقتضی
advise
آگاهی دادن، مناسب
adviser
مشاور
advising bank
بانک ابلاغ کننده بانک اطلاع دهنده
Advising of a credit
ابلاغ اعتبار
advocates
طرفداران حامیان مبلغان
aeq function
تابع هم ارز
aerator
هوا دهنده، دمنده هوا، بادزن
aerodynamics
آئرو دینامیک
aerostatics

علم هوانوردی، علم خواص مکانیکی هوا	
affect	تغییر کردن
affidavit	سوگند نامه اقرار نامه با قید سوگند
affiliate	واحد وابسته
affiliated company	شرکت وابسته
affiliation structure	ساختار وابستگی
affine	مستوی
affine algebraic group	گروه جبری آفین
affine algebraic variety	چند گونای جبری آفین
affine basis	پایه مستوی
affine binormal	قائم دوم آفین
affine chain	زنجیر مستوی
affine congruent subset	

	زیرمجموعه آفینی همنهشت
affine connection	
	التصاق آفین
affine coordinates	
	مختصات آفین، مختصات مستوی
affine curvature	
	خمیدگی آفین
affine differential geometry	
	هندسه دیفرانسیل آفین
affine distortion	
	دگرشکلی آفین
affine equivalence	
	هم ارزی مستوی
affine geometry	
	هندسه آفین
affine hyperplane	
	ابر صفحه آفین
affine line	
	خط مستوی
affine linear variety	
	تنوع خطی مستوی
affine locally symmetric space	
	فضای موضعا متقارن آفین
affine mapping	

	نگاشت مستوی، گسترش مستوی
affine minimal surface	
	رویه مینیمال آفین
affine morphism	
	ریختی آفین
affine normal	
	قائم آفین
affine plane	
	صفحه آفین
affine reference	
	چارچوب آفین
affine ring	
	حلقه آفین
affine simplex	
	سادک مستوی
affine space	
	فضای مستوی، فضای آفین
affine torsion	
	تاب آفین
affine transformation	
	تبدیل آفین، تبدیل مستوی، تبدیل خطی یک انتقال
affine variety	
	چندگونای آفین
affinely congruent subsets	

	زیرمجموعه های آفینی-همنهشت
Affinity	
	وابستگی، پیوستگی
affirm	
	اثبات کردن، تصدیق کردن، اظهار کردن
affirmation	
	اثبات، اظهار، تصدیق، تأیید، ایجاب
affirmative	
	مثبت، موجب، کلمه اثبات
affirmative action choice	
	خط مشی تأثیر مثبت
affirmative particular proposition	
	قضیه موجبه جزئی
affirmative proposition	
	گزاره موجب، قضیه موجبه
affirmative sentence	
	گزاره موجب
affirmative statement	
	گزاره موجب
affirmative universal proposition	
	قضیه موجبه کلی
affirmatively	
	به طور مثبت
affix	

علامت گذاشتن، نشان دادن، چسباندن، ضمیمه کردن، نگار، نشان کردن، همزاد
affluence and poverty indexes
شاخصهای غنا و فقر
after sale services costs
هزینه های خدمات پس از فروش
after tax cost of capital
هزینه سرمایه بعد از (کسر) مالیات
After tax income
در آمد پس از کسر مالیات آن
after tax nominal return
بازده اسمی بعد از (کسر) مالیات
after tax real return
بازده واقعی بعد از (کسر) مالیات
afterward
پس از آن، بعدا، سپس، بعد از این
age hardening
پیراسازی، سخت کردن زمانی، سختگردانی
age theory
نظریه سن
aged trial balance
جدول سنی بدهکاران
Agency
آژانس – نمایندگی

agency costs	هزینه های نمایندگی
agency costs opposed by lenders	هزینه های نمایندگی تحمل شده از سوی وام دهندگان
agency fund	حساب مستقل وجوه وصولی به نمایندگی از سایر سازمانها
agency problem	مساله (مشکل) نمایندگی
agency theory	تئوری نمایندگی نظریه کارگزاری
Agenda	دستور کار – جلسه
Agent	عامل- نماینده
Agent bank	بانک کارگزار
Aggregate	کل-جمع
aggregate corporation	تصدی جمعی، شرکت مرکب، بنگاه مرکب
Aggregate demand	تقاضای کل
aggregate index numbers	اعداد شاخص کل

aggregate market	مجموع بازار
Aggregate spending	مخارج کل
Aggregate supply	عرضه کل
aggregation	انبوهش، تجمع
aggregative	جمعی، جامع
aggregative index	شاخص انبوهی
aggregative model	مدل انبوهشی
aggressive current asset strategy	استراتژی متهورانه داراییهای جاری
aggressive current liability strategy	استراتژی متهورانه بدهیهای جاری
aggressive financial strategy	استراتژی مالی متهورانه
aggressive growth	رشد متهورانه
aggressive investment	سرمایه گذاری متهورانه

aggressive reporting	گزارشگری متهورانه
aggressive stocks	سهامی که تغییرات آنها بیش از تغییرات متوسط بازار است
Aggressor	مهاجم، معامله گری که با اعتقاد به افزایش قیمت‌های مبادرت به خرید می کند
Aging	طبقه بندی سنی
aging of debtors	تجزیه و تحلیل زمانی (سنی) حسابداری دریافتی / بدهکاران تهیه جدول سنی بدهکاران
Agio	صرف پول
agiotage	صرافی، معاملات بروات
agitate	به هم زدن
agitation	آشفستگی
agonic	بی انحراف، بی میل، بی گوشه
Agr(Agriculture)	کشاورزی، وابسته به کشاورزی
agree with	

سازگار بودن، یکی بودن، متحد بودن	
agreed upon procedures	
روشهای (دستورالعمل های) توافقی	
agreed upon procedures engagement	
رسیدگی بر مبنای روشهای توافقی	
Agreement	
توافقنامه- قرارداد	
agreement by arbitration	
توافق با حکمیت	
Agresti coefficient (tau)	
ضریب اگریستی (تاو)	
aicpa professional standards	
استانداردهای حرفه ای انجمن حسابداران رسمی آمریکا	
aim	
نقل و انتقال بین بانک ها	
aim of a mapping	
نتیجه یک نگاشت	
air	
هوا	
air clamp	
بست بادی، گیره هوایی	
Air consignment note	
سند ارسال هوایی	
air gage	

درجه باد، سنجه هوایی
air gap
فاصله هوایی، شکاف هوایی، دهانه ورود و خروج هوا، شکاف، چاک
air hardening
خنک کردن در هوا، سختی پذیری در هوا، سختسازی فلز در هوا
Air mail receipt
رسید پست هوایی
air quality problem
مسأله کیفیت هوا
air resistance
مقاومت هوا
air vessel
هواگیر، محفظه هوا، مخزن هوا
Air waybill;AWb
بارنامه هوایی
aircraft assignment problem
مسأله تخصیص هواپیما
airy body
شکل هوایی
Aitchison distribution
توزیع ایتچیسون
Aitken equation

	معادله ایتکن
ajar	
	نیم باز
Akaike's criterion	
	ملاک آکائیکه
Alarms	
	هشدار دهنده‌ها
aleatory	
	کتره‌ای
aleatory variable	
	متغیر کتره‌ای
aleph	
	حرف الف
aleph identity	
	اتحاد الف
aleph naught	
	الف صفر
aleph null	
	الف صفر
Alexander ideal	
	ایده آل الگزاندر
Alexander polynomial	
	چندجمله ای الگزاندر
alexander pontryagin duality	

دوگانی الگزاندر-پونتریاگین
alexandroff compactification
فشرده سازی الکساندروف
algebra
جبر
algebra homomorphism
همریختی جبرها
algebra isomorphism
همریختی جبرها
algebra of events
جبر پیشامدها
algebra of linear transformations
جبر تبدیل های خطی
algebra of logic
جبر منطق
algebra of 0 symbols
جبر 0 ها
algebra of propositions
جبر گزاره ها
algebra of sets
جبر مجموعه ها
algebra of simplex method
جبر روش سیمپلکس
algebra of treatments

جبر تیمار ها
algebra parametrical representation
نمایش پارامتری جبری
algebraic
جبری
algebraic addition
جمع جبری
algebraic algebra
جبر جبری
algebraic calculus
حساب جبری
algebraic closure
بستار جبری
algebraic complement
متمم جبری
algebraic composition
ترکیب جبری
algebraic curve
خم جبری
algebraic dependence
وابستگی جبری
algebraic derivative
مشتق جبری
algebraic deviation

انحراف جبری	
algebraic dimension	
بعد جبری	
algebraic division	
تقسیم جبری	
algebraic division algebra	
جبر بخشی جبری	
algebraic dual space	
فضای دوگان جبری	
algebraic element	
عنصر جبری	
algebraic equation	
معادله جبری	
algebraic expression	
عبارت جبری	
algebraic extension	
توسیع جبری	
algebraic extension of a field	
توسعه جبری یک میدان	
algebraic family	
خانواده جبری	
algebraic function	
تابع جبری	
algebraic geometry	

	هندسه جبری
algebraic group	
	گروه جبری
algebraic homotopy	
	هوموتوپی جبری
algebraic hull	
	غلاف جبری
algebraic identify	
	اتحاد جبری
algebraic identity	
	اتحاد جبری
algebraic inequality	
	نابرابری جبری
algebraic integer	
	عدد صحیح جبری
algebraic invariant	
	ناوردای جبری
algebraic law of composition	
	قانون ترکیب جبری
algebraic logarithm	
	لگاریتم جبری
algebraic method	
	روش ریاضی (جبری)
algebraic multiplication	

ضرب جبری
algebraic multiplicity of an eigen value
چندگانگی جبری ویژه مقدار
algebraic multiply of an eigenvalue
ضرب جبری مقدار ویژه
algebraic number
عدد جبری
algebraic number theory
نظریه جبری اعداد
algebraic numbers
عدد های جبری
algebraic of degree n
جبری از درجه n
algebraic operation
عمل جبری
algebraic operations
اعمال جبری
algebraic representation
نمایش جبری
algebraic scheme
طرح جبری
algebraic sheaf
باقته جبری
algebraic simbols

علائم جبری	algebraic singularity
تکینگی جبری	algebraic solution
حل جبری، جواب جبری	algebraic structure
ساختار جبری	algebraic subtraction
تفریق جبری	algebraic sum
حاصل جمع جبری، مجموع جبری	algebraic surface
رویه جبری	algebraic system
ساختمان جبری، دستگاه جبری	algebraic systems
دستگاه های جبری	algebraic topology
مکان شناسی جبری، توپولوژی جبری	algebraic torus
چنبره جبری	algebraic value
مقدار جبری	algebraic variety

چند گونای جبری	
algebraic vlaue of vector	
مقدار جبری بردار	
algebraical composition	
ترکیب جبری	
algebraical operation	
عمل جبری	
algebraically	
به طور جبری، از راه جبر	
algebraically closed	
بسته جبری	
algebraically closed field	
هیأت جبری بسته	
algebraically equivalent cycle	
دوره جبری هم ارز	
algebraically equivalent cycles	
دوره‌های جبری-هم ارز	
algebraically independent element	
عنصر جبری مستقل	
algebraically independent elements	
عنصر های جبری-مستقل	
algebraist	
جبردان	
algorism	

الگوریتمی	
algorist	
الگوریتمساز	
algorithm	
روش انجام کار / حل مساله	
algorithmic	
الگوریتمی، خوارزمیک	
algorithmic independence	
استقلال الگوریتمی	
algorithmic information theory	
نظریه الگوریتمی اطلاع	
algorithmic language	
زبان الگوریتمی	
alias	
دگرنام، هم اثر	
alias group	
گروه هم اثر	
alias matrix	
ماتریس هم اثر	
aliasing	
هم اثر سازی	
alibi	
دگر جا	
alidade	

	عضاده، آلیداد
Alienate	
	واگذار کردن
Alienee	
	انتقال گیرنده
align	
	تراز کردن
aligned	
	همراستا، همتراز، ردیف شده، تراز شده
alignment	
	صف بندی، صف، ردیف، همراستایی، راستگی، همطرازی، امتداد، همترازی
alignment chart	
	نموگرام، نمودار
alike	
	یک جور، مساوی، یکسان، متشابه، شبیه
aline of action	
	خط اثر
aliquant	
	باقیمانده دار
aliquant part	
	قسمت باقیمانده دار
aliquot	
	عاد کردن، عاد کننده، جزء

aliquot part	جزء عاد کننده، مقسوم علیه
aliquot parts	اجزا
aliquot parts of a number	اجزای عدد
alkaline	قلیائی
all	هر، همه، کلیه، تمام
all around	اطراف
all crash point	نقطه همه شکنایی
all inclusive approach	رویکرد جامع روش همه شمول
all integer programming	برنامه ریزی صحیح محض
all purpose	همه کاره، همه منظوره
all risks insurance	بیمه تمام خطر
all share index	شاخص کل سهام

all umbilic surface	رویه تمام ناف، رویه همه نقطه نافی
allele	ژن همردیف
allied company	شرکت وابسته
Allocate	تخصیص دادن
Allocated	اختصاص یافته
allocated joint costs	هزینه های مشترک تخصیص یافته
allocating indirect costs	تخصیص هزینه های غیر مستقیم
Allocation	تخصیص
Allocation of loans	تخصیص وامها، اعتبارات
allocation of resources	تخصیص منابع
allocation of samples to the strata	انتساب نمونه ها به طبقات
allocation of the preliminary judgment about materiality	

allocationally efficient market	قضاوت اولیه درباره سطح اهمیت
allokurtic curve	بازاری که از لحاظ تخصیص سرمایه، کارا می باشد
allometry	خم قناس
all-or-none compliance	رعایت همه یا هیچ یک از مقررات
Allotment	توزیع، تحویل
allotment period	دوره تخصیص
allow	اجازه دادن، جایز شمردن، پذیرفتن، مجاز به استفاده بودن
allowable	مجاز
allowance	تغییر مجاز، حد مجاز، مجاز، اجازه، فضای مجاز، مقدار مجاز، فوق العاده، مزایا، مستمری، هزینه مجاز
allowance for depreciation	اندوخته استهلاک
allowance for discounts	اندوخته برای تحقیقات نقدی فروش

allowance for doubtful accounts	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
allowance for returns	ذخیره برگشتیها
allowance for sales returns	ذخیره برگشتیهای فروش
allowance for sampling risk	حداکثر ریسک قابل قبول نمونه گیری
allowance for sampling risk (asr), precision	حداکثر ریسک قابل قبول نمونه گیری (دقت)
allowance for uncollectible accounts	ذخیره حسابهای (مطالبات) غیر قابل وصول
allowance method	روش ذخیره گیری
allowances	فوق العاده حقوق، بیکاری های مجاز
allowed time	زمان مجاز
alloy	همبسته، آلیاژ، عیار زدن
almanac	تقویم نجومی، تقویم سالانه
almost	تقریباً

almost all zero	تقریباً همه صفر
almost certain convergence	همگرایی تقریباً مطمئن
almost certainly convergence	همگرایی تقریباً حتمی، همگرایی با احتمال یک
almost everywhere	تقریباً در همه جا، گویی در هر جا
almost everywhere continuous function	تابع تقریباً همه جا پیوسته
almost everywhere convergent	تقریباً همه جا همگرا
almost everywhere convergent sequence	دنباله تقریباً همه جا همگرا
almost invariant test	آزمون تقریباً ناوردا
almost periodic	تقریباً متناوب، تقریباً دوره ای
almost periodic function	تابع تقریباً دوره ای
almost sure convergence	همگرایی قریب به یقین
almost surely	قریب به یقین

almost surely convergence	همگرایی تقریباً حتمی، همگرایی با احتمال یک
almost uniform convergence	همگرایی تقریباً یکنواخت
along	در امتداد، روی، در طول
alpha	ضریب آلفا
alpha risk	ریسک آلفا
alphabet	الفبا
alphanumeric	حرفی عددی، الفبایی عددی، الفبا-عددی، ترکیب الفبایی-شماره ای، الفبا-شماره ای
already	در گذشته، قبلاً، اکنون
also	باز هم
alter	تغییر دادن، تغییر کردن، اصلاح کردن
alteration	تغییر، دگرگونی، اصلاح
altered number	

عدد گیری
alternate
تبدیل کردن، جایگزین کردن، گردش، تغییر دادن، یک در میان تغییر دادن، متقابل، متبادل، صورت دیگر، عوض، شق، دیگر، نوبت، به نوبت عوض کردن، بدل، متناوب کردن، تناوب داشتن، استحالہ
alternate angle
زاویه متبادل
alternate angles
زاویه های متبادل
alternate definition
تعریف دیگر
alternate exterior angle
زاویه متبادل برونی
alternate exterior angles
زاویه های متبادل برونی
alternate hypothesis
فرض مقابل
alternate interior angle
زاویه متبادل درونی
alternate interior angles
زاویه های متبادل درونی
alternate procedures
روشهای متفاوت

alternate ratio	ابدال نسبت
alternate sequence	دنباله متناوب
alternated	متناوب
alternately	متناوباً، به تناوب، به عبارت دیگر، یک در میان
alternating	متناوب
alternating bilinear mapping	نگاشت دو خطی متناوب
alternating character	شخصیت متناوب
alternating current	جریان متناوب
alternating form	صورت متناوب
alternating function	تابع متناوب
alternating group	گروه متناوب
alternating harmonic	

هم آهنگ متناوب، همساز متناوب، توافقی متناوب، توافقی واری
alternating harmonic series
سری توافقی متناوب
alternating matrix
ماتریس متناوب
alternating multilinear function
تابع چندخطی متناوب
alternating p linear mapping
نگاشت متناوب p-خطی
alternating polynomial
چندجمله ای متناوب، چندجمله ای واری
alternating sequence
دنباله متناوب
alternating series
سلسله متناوب، سری متناوب، رشته متناوب، سلسله یک در میان مثبت و منفی
alternating series test
آزمون سری متناوب
alternating trilinear mapping
نگاشت سه خطی یک متناوب
alternation
ترکیب فصلی
alternative

روش، مقابل، فرض مقابل، تناوبی، جایگزین، گزینه، شق، راه، بدیل، دگرین، متناوب، چاره
alternative algebra
جبر متناوب
alternative denial
ناسازگاری متقابل
Alternative drawee
برات گیر
alternative field
هیأت متناوب
alternative hypotheses
فرضیه های جایگزین
alternative hypothesis
فرض مقابل
alternative minimum tax (amt)
حداقل بدیل مالیاتی
alternative optimal solutions
جواب های بهینه دگرین
Alternative payee
گیرنده برات
alternative procedures
رویه های مختلف روشهای متفاوت
alternative ring
حلقه متناوب

alternative series	سری متناوب
alternative solution	جواب دیگر
Alternatives	آلترناتیوها – گزینه ها
alternatives identification	شناسایی راهکارهای موجود شناسایی بدیلها
although	با آن که، هر چند، با این که
altimeter	فرازیاب، ارتفاع سنج، اوج نما
altitude	ارتفاع، بلندی، فرازا، افزار، بالا، فراز، ارتفاع از سطح دریا
altitude of figure	ارتفاع شکل
altitude of triangle	عمود مثلث
altitude theorem	قضیه ارتفاع
altitudinal	مربوط به ارتفاع، ارتفاعی، وابسته به اوج
altogether	

	روی هم
amalgamated product	
	حاصل ضرب ملقمه ای
amalgamated sum	
	مجموع ملقمه ای
a-marginal	
	ا (a)-حاشیه‌ای
ambient	
	محیط، احاطه کردن
ambiguity	
	ابهام
ambiguous	
	مبهم، تاریک، دو پهلو
ambiguous point	
	نقطه مبهم
ambiguousness	
	ابهام
ambit	
	حدود، پیرامون، محوطه، حوزه
amenability	
	میانگین‌پذیری
Amend	
	اصلاح کردن
Amendment	

	اصلاحیه
American Accounting Association	
	انجمن حسابداری امریکا
american accounting association (aaa)	
	انجمن حسابداری (حسابداران) آمریکا
american assembly of collegiate schools of business (aacsb)	
	انجمن دانشکده های بازرگانی آمریکا
American Institute of Certified Public Accountants	
	انجمن حسابداران رسمی امریکا
american institute of certified public accountants (aicpa)	
	انجمن حسابداران رسمی آمریکا
american put option	
	گواهینامه اختیار فروش و یا عدم فروش آمریکایی
american stock exchange ase	
	بورس سهام آمریکا
American-style option	
	این نوع از قراردادهای اختیار معامله می تواند در هر زمانی اجرا شود و از جمله در هنگام تاریخ انقضاء اجرا شوند.
amicable numbers	
	اعداد متحاب
amid	
	وسط

amiss	نادرست
among	از جمله، در میان، در زمره ی
amorphous	بی رخ، بی شکل، بی نظم
Amortization	استهلاک، بازپرداخت
Amortization adjustment factor	ضریب تعدیل اقساط
amortization of a dept	استهلاک بدهکاری، استهلاک دین
amortization of capitalized costs	انقضای مخارج سرمایه ای شده استهلاک مخارج منظور شده به حساب دارایی
amortization of goodwill ء	انقضاء سرقفلی
amortization rate	ضریب استهلاک
amortization ء	انقضاء دارایی های نامشهود
amortize	تقسیم قرض، مستهلک کردن
amortized	

amortized cost	مستهلك
Amount	بهای منقضى شده / مستهلك شده
Amount due	مبلغ - مقدار
amount of information	مانده معوق
ampere	مقدار اطلاعات، مقدار آگاهی
ample	آمپر، واحد شدت جریان
amplification	وسیع، فراوان
amplifier	بسط، توسعه، دامنه دهی، تفصیل، تقویت، بزرگ کردن، فزونسازی، تقویت، دامنه زدن
amplitude	تقویت کننده
amplitude of a complex number	دامنه، پهنه، زاویه نوسان، دامنه نوسان، دامنه نوسان، فاصله تغییرات، دامنه آرگومان، فاز
amplitude of a point	زاویه عدد، اندازه یک عدد مختلط

زاویه قطبی	
an analogy	
تمثیل قیاس	
an ethical approach	
رویکرد / دیدگاه اخلاقی	
an independent body	
نهاد مستقل	
an indeterminacy resolving	
رفع ابهام	
an infinitive mass	
جرم بینهایت بزرگی	
an inspection of	
با بررسی و تحقیق، با بررسی	
analog	
مشابه، قیاسی	
analog computer	
کامپیوتر قیاسی	
analog data	
داده های قیاسی	
analog quantity	
کمیت قیاسی	
analogical reasoning	
استدلال تمثیلی	
analogize	

قیاس کردن
analogous
مشابه، تشابهی، قیاسی، به همین ترتیب، نظیر، مشابه با، قابل مقایسه، متشابه، قابل قیاس، شبیه، متناظر
analogous switching circuit
مدار الکتریکی مشابه، مدار کلید دار هم ارز
analogously
به طور مشابه، به طریقی مشابه، به همین ترتیب
analogue
نظیر، مانند، تشابهی، مدل های مشابه، شبیه، مشابه، قیاسی
analogy
قیاسی، مشابه سازی، مطابقت، تشابه، شباهت، قیاس، مشابهت، قیاس تشبیهی، قیاس مشابهت، مشابهت قیاس، تمثیل
analyse
تجزیه و تحلیل کردن، تجزیه کردن، تجزیه و تحلیل، مطالعه کردن
analyser
تحلیل گر
Analysis
تحلیل
analysis big
آنالیز بزرگ
Analysis Code
کد تحلیلی
analysis into single degree of freedom

analysis of covariance	تجزیه به درجات آزادی منفرد
analysis of deviance	تحلیل کوواریانس
analysis of variance	تحلیل انحراف
analysis of variance anova	تحلیل واریانس
analysis of variance in two way classification	تجزیه و تحلیل واریانس (نوعی روش تحلیل آماری)
analysis schedule	تجزیه واریانس دو طرفه
analysis sheet	کاربرگ تجزیه و تحلیل جدول تجزیه و تحلیل
analysis situs	تحلیل نامه
analyst	تحلیل موضعی (توپولوژی)
analytic	آنالیز دان، تحلیل گر
analytic at a point	تحلیلی
analytic capacity	تحلیلی در یک نقطه

analytic continuation	گنجایش تحلیلی
analytic curve	امتداد تحلیلی، تمدید تحلیلی، ادامه تحلیلی
analytic engine	مختم تحلیلی، منحنی تحلیلی
analytic function	ماشین تحلیل گر
analytic geometry	تابع تحلیلی
analytic geometry plane	هندسه تحلیلی، هندسه تحلیلی، هندسه آراسته
analytic immersion	صفحه هندسه تحلیلی
analytic index	فروبری تحلیلی
analytic isomorphism	شاخص تحلیلی
analytic judgement	یکریختی تحلیلی
analytic method	حکم تحلیلی
analytic model	روش تحلیلی، روش تحلیل

analytic neighborhood	نمونه تحلیلی، مدل تحلیلی
analytic number theory	همسایگی تحلیلی
analytic plane	نظریه تحلیلی اعداد
analytic plane geometry	صفحه تحلیلی
analytic predicate	هندسه مسطحه تحلیلی
analytic prolongation	محمول تحلیلی
analytic representation	ادامه تحلیلی
analytic solid geometry	نمایش تحلیلی
analytic vector	هندسه فضایی تحلیلی
analytical	بردار تحلیلی
analytical data	تحلیلی
analytical deductive	اطلاعات تحلیلی

تحلیلی قیاسی	
analytical estimation	
تخمین تحلیلی	
analytical mechanics	
مکانیک تحلیلی	
analytical mind	
ذهن تحلیلیگر	
analytical presentation of distribution	
نمایش تحلیلی توزیع	
analytical presentation of probability	
نمایش تحلیلی احتمال	
analytical procedures	
بررسیهای تحلیلی روشهای تحلیلی	
analytical procedures risk apr	
ریسک بررسی های (روشهای) تحلیلی	
analytical test	
آزمون تحلیلی	
analytically	
به طور تحلیلی، تحلیلی بودن	
analyticity	
تحلیلی بودن	
analyze	
تجزیه و تحلیل کردن	
analyzer	

analyzing disbursements	تجزیه کننده، تحلیلگر، تحلیل کننده
analyzing profitability	تجزیه و تحلیل پرداختهای نقدی
Anatocism	تجزیه و تحلیل سودآوری
ancestor	نزول خواری
ancestral	نیا، نیایی، جد، پدر بزرگ
anchor	نیایی
anchor ring	لنگر انداختن، لنگر
anchoring	چنبره
ancillary	تکیه و اعتماد به اطلاعات تاریخی
ancillary information	کمکی، دستیار، فرعی
ancillary statistic	اطلاع کمکی
ancillary statistics	آماره کمکی

Ancillary letter of credit	آمار فرعی
and	اعتبار اسناد جنبی
and function	و، ترکیب عطفی
and so forth	تابع و
and so on	به غیره
and the like	و به همین ترتیب، و غیره
Anderson-Darling test	و غیره
Andrews function plot	آزمون اندرسون-دارلینگ
Anecdotal	نمودار تابعی اندروز
angle	شایعات و شنیده هایی که در بازار منتشر می شوند
angle at circumference	زاویه
angle at the center	زاویه های محاطی

زاویه مرکزی
angle bending
خم کردن ورق
angle between a line and a plane
میل یک خط نسبت به یک صفحه، میل، زاویه بین خط و صفحه
angle between two intersecting curves
زاویه بین دو منحنی متقاطع
angle between two planes
زاویه بین دو صفحه
angle bisector
نیمساز زاویه
angle exterior to parallel straight lines
زاویه خارج از خط های راست موازی
angle exterior to triangle
زاویه خارج از مثلث
angle formed by a tangent and a chord
زاویه ظلّی
angle gage block
سنجه زاویه، شابلن زاویه سنج
angle in a circle
زاویه محاطی
angle in a segment
زاویه پذیرفته قوس

angle of a lune	زاویه هلال
angle of bite	زاویه درگیری نورده، زاویه گاز نورده، زاویه نورده کاری
angle of declivity	زاویه نشیب
angle of depression	زاویه شیب
angle of elevation	زاویه فراز، زاویه ترفیع
angle of friction	زاویه اصطکاک
angle of incidence	زاویه تابش
angle of inclination	زاویه شیب، زاویه میل
angle of reflection	زاویه انعکاس
angle of refraction	زاویه بازتاب، زاویه شکست، زاویه انکسار
angle of rotation	زاویه دوران
angle of two vectors	زاویه بین دو بردار

angle preserving mapping	تبدیل حافظ زاویه، نگاشت حافظ زاویه
angle rotation of conformal angstrom unit	واحد بین المللی طول موج، واحد انگستروم
angstrom	آنگسترم
angstrom unit	واحد انگستروم
angular	زاویه ای، مربوط به زاویه، زاویه دار، گوشه ای
angular acceleration	شتاب زاویه ای
angular coefficient	ضریب زاویه ای
angular coordinate	مختص زاویه ای
angular distance	فاصله زاویه ای
angular distribution	توزیع زاویه ای
angular frequency	فراوانی زاویه ای، بسامد زاویه ای
angular measure	اندازه زاویه

angular moment	گشتاور جنبشی، گشتاور زاویه ای
angular momentum	اندازه حرکت زاویه ای، گشتاور جنبشی، گشتاور زاویه ای، گشتاور گوشه ای
angular point	نقطه زاویه ای
angular region	ناحیه زاویه ای
angular sector	قطاع زاویه ای
angular speed	تندی زاویه ای
angular transformation	تبدیل زاویه‌ای
angular velocity	سرعت زاویه ای
angularly	به طور زاویه ای
angularly simple	ساده به طور زاویه ای
angularly simple region	ناحیه ساده به طور زاویه ای
angulate	

	زاویه دار، گوشه ای
angulation	
	زاویه دار سازی، گوشه دار سازی
anharmonic	
	ناهمساز، غیر توافقی، ناتوافقی، ناموزون
anharmonic ratio	
	نسبت ناتوافقی، نسبت ناموزون، نسبت نامتوافق، غیر توافقی، نسبت ناهمساز
anisotropic quadratic form	
	صورت درجه دوم ناهمروند
annealing	
	نَورِ دیدن
Annex	
	ضمیمه- پیوست
Annexes	
	ضمائم- پیوست ها
annihilate	
	پوچ کردن، نابود کردن، صفر کردن، باطل کردن، منهدم کردن، پوچ ساختن، پوچ کردن
annihilating ideal	
	ایده آل پوچساز، ایده آل صفرساز
annihilating polynomial	
	چندجمله ای پوچساز
annihilation	

annihilation operator	صفر سازی، باطل سازی، فنا، نیستی
annihilator	عملگر پوچساری
annihilator subspace	پوچساز
Announcement	زیر فضای متعامد
Annual	اعلانیه، اظهاریه، گزارشهایی که پس از نشست اعضای کمیته های تصمیم گیرنده در بانکهای مرکزی، اعلام می شوند
Annual accounting period	سالانه
annual approach	دوره حسابداری سالانه
annual audit	روش (رویکرد) سالانه
annual audit fee	حسابرسی سالانه
annual budget	هزینه / حق الزحمه حسابرسی سالانه
annual contract	بودجه سالانه
	قرارداد سالانه

annual coupon payment	پرداخت بهره سالانه
annual coupon rate	نرخ بهره سالانه
annual depreciation	استهلاک سالانه
annual dividend growth rate	نرخ رشد سالانه سود سهام
annual earning	عواید سالانه
annual financial statement	گزارش مالی سالانه
Annual financial statements	صورت‌های مالی سالانه
annual general meeting(agm)	صاحبان سهام(مجمع عمومی عادی سالانه)
annual insurance expense	هزینه بیمه سالانه
annual net present value approach (anpv)	روش ارزشی فعلی خالص سالانه
annual net sales	خالص فروش سالانه
annual percentage rate (apr)	درصد سالانه نرخ بهره / بازده سالانه

annual premium	حق بیمه سالانه / پاداش سالانه
Annual Report	گزارش سالیانه
Annual return	بازده سالانه
annuitant	حقوق بگیر
annuity	سالواره قسط السنین مستمری سالانه اقساط مساوی سالانه
Annuity bond	سند قرضه مستمر
annuity due	قسط مساوی قابل پرداخت / دریافت در اول دوره
annuity method	روش قسط السنین
annul	از بین بردن، صفر کردن
annular	حلقوی، حلقه ای شکل، طوقی، دایره ای
annular domain	حوزه طوقی
annulated	حلقوی، حلقه دار

annulator	از بین برنده، صفر کننده
annulus	تاج دایره، طوق، حلقه، چنبره، حلقه دایره
annulus of integrity	حلقه درست، حلقه بی عیب
annum	سال
anomalies	موارد خلاف قاعده استثنائات نابهنجاریها
anomalous threshold	آستانه بی هنجار
anomaly	مورد استثنا نابهنجاری مورد خلاف قاعده
another	یکی دیگر، دیگری
ANOVA	انوا
Ansari-Bradley W-statistic	آماره W ی انصاری-برادلی
answer	جواب دادن، جواب، نتیجه
answer in affirmative	جواب مثبت دادن، جواب مثبت

ant dilutive security	اوراق بهادار ضد تقلیل
antecedent	مقدم، صورت، صورت کسر، صورت نسبت، پیشرو، سابق، قبل
antedate	پیش بینی کردن، سبقت
anthropological mathematics	ریاضیات انسان شناسی
anthropometric	آنتروپومتریک
anti	ضد، پیشوند به معنی ضد و مخالف، عکس
anti automorphism	ضد خودسانی
anti clockwise	جهت مثبت، خلاف جهت عقربه ساعت، غیر ساعت وار، جهت مثلثاتی، پادساعتگرد، عکس جهت عقربه های ساعت
anti commutative	غیر جابجایی
anti hermitian	پاد هرمیتی، ضد هرمیتی
anti isomorphism	پاد یکرختی
anti log / anti-log	

آنتی لگاریتم، پاد لگاریتم، عکس لگاریتم
anti rank
پاد رتبه، ضد رتبه
anti sense
جهت مخالف مثلثاتی
anti trust laws
قوانین ضد انحصار
antiautomorphism
پادخودریختی
anticipate
پیشی گرفتن بر، جلو انداختن، پیش بینی کردن
Anticipated incomes theory
نظریه پیش بینی در آمد
Anticipation
پیش بینی، پیش بینی قیمت یا روند حرکت قیمت توسط تحلیلگران
anticommutative
پاد جابجایی
anticommutative rule
قاعده پاد تعویضپذیری
anticosine
معکوس کسینوس، عکس کسینوس
anticotangent
عکس کتانژانت

antiderivative	پاد مشتق
antiendomorphism	پاد درونریختی
antihyperbolic function	تابع معکوس هذلولی
antilexicographical	ضد فرهنگ لغتی
antilinear	پادخطی، ضد خطی
antilogarithm	آنتی لگاریتم، پاد لگاریتم، عکس لگاریتم
antilogarithmic	عکس لگاریتمی
antimodal	ضد نمایی
antimodal distribution	توزیع ضد نمایی
antimode	پادمُد
antinomy	تنازع احکام، تناقض دو قانون
antiparallel	

غیر موازی، نامتوازی، موازی مخالف، زاویه های راست به تبادل
antipodal
دو سر قطر، متقاطع
antipodal map
نگاشت متقاطع
antipodal point
نقطه متقاطع
antipodal points
نقاط دو سر قطر، نقاط متقاطع
antipodes
نقاط متقاطع
antirank
پادرتبه
antireflexive
ضد انعکاسی، ضد بازتابی، غیر انعکاسی، نابازتابی
antireflexive relation
رابطه غیر انعکاسی، رابطه ضد انعکاسی، رابطه ضد بازتابی
antisine
معکوس سینوس، عکس سینوس
antismoothing
پادهموار سازی
antisymmetric

ضد متقارن، نامتقارن، متقابل	
antisymmetric law	
قانون پادمتقارن	
antisymmetric matrix	
ماتریس پادمتقارن، ماتریس متقارن چاوله	
antisymmetric multilinear mapping	
نگاشت چندخطی پادمتقارن	
antisymmetric relation	
رابطه پاد متقارن	
antisymmetric tensor	
تانسور پادمتقارن	
antisymmetrisation	
نامتقارن سازی، ضد متقارن کردن، نامتقارن کردن، پادمتقارن کردن	
antisymmetry	
بی تقارنی، ضد تقارنی، تقارن مخالف، پاد تقارنی	
antitangent	
معکوس تانژانت، عکس تانژانت	
antithesis	
آنتی تز، برابر نهاد	
antithetic variate	
متغیر متضاد	
antitrigonometric function	
تابع معکوس مثلثاتی	

anumerate	شمردن
any event	در هر صورت
any more	دیگر
any of	یکی از
any pair	هر دو
any two of the four atoms	دو اتم از چهار اتم
any where	نقطه دلخواهی
anywhere	هر قسمت، هرگز
anywhere else	در هر جای دیگری
aortic	آئورت
aortic valve	دریچه آئورت
apart	به فاصله، غیر از، جدا، دور از هم، مجزا

apart from	غیر از
apeak	راست، به طور عمودی
aperiodic	غیر دوره ای، نامتناوب، بی تناوب، نادوره ای، بدون دوره، بی توالی، بی دوره، غیر متناوب
aperiodic endomorphism	درونریختی نادوره ای
aperiodic motion	حرکت غیر دوره ای
aperture	روزنه، شکاف، سوراخ
apex	فرق، قله، رأس مثلث، رأس مخروط، اوج، نوک، قله، بالاترین نقطه، رأس، تارک، رأس مخروط یا هرم، رأس مقابل به قاعده در مثلث
apex angle	زاویه رأس، زاویه فوقانی
Apex loan	وام مثلثی-وام رأسی
aphelion	نقطه اوج، دورترین فاصله، دورین
apical	رأسی، مربوط به رأس

apocenter	ورامرکز
apodictic	برهانف قابل توضیح، مستلزم بیان حقیقت
apodictic judgement	حکم ضروری
apodosis	جواب شرط
apodosis thesis	تالی
apogee	اوج
aposteriori	بعدی، پسین، از معلول به علت رسیده
apothem	ارتفاع، سهم، فاصله مرکز چندضلعی منتظم تا یکی از اضلاع آن
apparatus	دستگاه
apparent	ظاهری، ظاهر، آشکار، شفاف، پیدا
apparent divisor	مقسوم علیه آشکار
apparent outline	

دوره ظاهری
appear
ظاهر شدن، قرار داشتن، به نظر رسیدن، نشان دادن
appearance
ظهور، حضور، نمایش، نمود، احتمال، سیما، شکل، طرح صورت
append
ضمیمه کردن، اضافه کردن
appendage
ضمیمه، اضافه
appendix
ضمیمه پیوست
Applicability of accounting
قابلیت اجرای حسابداری
applicability of information
کاربرد اطلاعات
Applicable
قابل اجرا - عملی
applicable laws and regulations
قوانین و مقررات موضوعه (آمره)
Applicant
متقاضی
applicate
بلندی، ارتفاع

Application	نرم افزارهای کاربردی
application controls	کنترل‌های کاربردی
Application Development Tools	ابزارهای تولید نرم افزار
application form	فرم درخواست کار نمونه درخواست
Application Implementation Method	متدولوژی پیاده سازی سیستم
Application Tier	لایه نرم افزارهای کاربردی
applications of linear programming	کاربردهای برنامه ریزی خطی
applied	قابل اجرا، کاربردی، عملی، کاربرده
applied emf	اعمال شده emf
applied force	نیروی مؤثر، نیروی وارده
applied mathematics	ریاضیات کاربردی، ریاضی کاربردی
applied overhead	سربار جذب شده

applied probability	احتمال کاربردی
applied statistics	آمار کاربردی
Apply	بکار بردن
apply to	اثر کردن بر، اعمال شدن بر
applying	با استفاده از، با توجه به
applying overhead to production	جذب (تخصیص) سربار به تولید
Appointed Agent	نماینده رسمی- کارگزار
Apportion	سر شکن کردن
apportionable	قابل تقسیم، قابل قسمت، بخش پذیر
apportionment	تقسیم، قسمت، بخش
appraisal	ارزیابی، تقویم، تعیین قیمت، تعیین قیمت، ارزشیابی، برآورد قیمت، برآورد، تقویم، ارزیابی
appraisal cost	

هزینه (مخارج) ارزیابی	
appraisal or valuation services	
خدمات ارزیابی و ارزشگذاری	
appraise	
تقویم نمودن، ارزیابی کردن	
appraised value	
ارزش کارشناسی	
Appreciate	
افزایش ارزش	
appreciation	
افزایش ارزش قدردانی	
Appreciation/upvaluation	
افزایش قیمت یک ارز در مقابل ارز دیگر، سهام یا کال، تقویت ارزش پول	
approach	
رهیافت	
approach a limit	
نزدیک شدن به سمت حد	
approgession	
رگرسیون تقریب	
appropriate	
مناسب، مخصوص، مقتضی، اختصاص دادن، متناظر با، مربوطه، متناظر آن، درست و مناسب	
appropriate order	

ترتیب درست، ترتیب مناسب
appropriate square
مربع مربوطه
Appropriation
تخصیص وجه
appropriation of retained earnings
تخصیص سود انباشته
approve
تصویب / تایید کردن
approved list
فهرست تایید شده فهرست مجاز
approximate
تقریب زدن، نزدیک شدن، نزدیک ساختن، به تقریب زدن، تعیین مقدار تقریبی، محاسبه تقریبی، تقریب، تقریبی، تخمین زدن
approximate %95 confidence interval
فاصله تقریبی ۹۵٪ اطمینان بخش
approximate derivative
مشتق تقریبی
approximate eigenvalue
ویژهمقدار تقریبی
approximate from above
تقریب از بالا (اضافی)
approximate from below

تقریب از پایین (نقصانی)
approximate integration
محاسبه تقریبی انتگرال
approximate normality
نرمال بودن تقریبی
approximate polynomial
چندجمله ای تقریب
approximate quotient
خارج قسمت تقریبی
approximate solution
جواب تقریبی
approximate test
آزمون تقریبی
approximate theorem
قضیه تقریب
approximate value
مقدار تقریبی
approximate yield to maturity aytm
نرخ بازده تقریبی تا تاریخ سررسید
approximated net realizable value at split off allocation
تخصیص بر مبنای ارزش خالص بازیافتنی برآوردی در نقطه تفکیک
approximately

به تقریب، تقریبا، تخمینا، تقریب زدن	
approximation	تقریب
approximation calculus	حساب تقریب
approximation formula	فرمول تقریب
approximation formulas	فرمول های تقریب
approximation from above	تقریب اضافی
approximation from below	تقریب نقصانی
approximation method	روش تقریبی
approximation theorem	قضیه تقریب
approximation theorem of weierstrass	قضیه تقریب وایر اشتراس
approximation theory	نظریه تقریب
approximation to distribution	تقریب توزیع
approximation to function	

تقریب تابع
approximation to mathematical functions
تقریب تابعهای ریاضی
approximative
تقریبی
apriori
از علت به معلول رسیده، پیشین، علنا، قبلی
apron conveyor
نقاله صفحه دار، نقاله تسمه ای، نقاله زنجیری صفحه دار
apse line
قطر اطول مسیر، خط رئوس، خط اوج و حضیض، قطر اطول یا اقصر مدار سیاره، محور بزرگ مسیر
apse of a curve
نقطه اوج یک منحنی، نقطه نهایی
apsis
اوج، حضیض، نزدور
aqueous
مایع
Ar
مخفف:، ورود، پیشوند: همان -ad- است که پیش از r به -ar- تبدیل می شود، عربی، (امریکا) سرباز نیروی هوایی، (امریکا) ایالت ارکانزاس، (امریکا) مقررات ارتش
arabic figures
ارقام عربی، ارقام هندی
arabic letters for numerals

شمارها به حروف عربی	
arabic numbers	
اعداد عربی	
Arabic numerals	
رقم های عربی	
Arbitrage	
آربیتراژ، کسب سود از تفاوت در قیمت یک جفت ارز یا اوراق بهادار با خرید از بازاری که در آن قیمت پایینتر است و فروش آن در بازار دیگری که قیمت در آن بالاتر است.	
arbitrage pricing theory apt	
تئوری قیمت گذاری آربیتراژ	
arbitrarily	
به طور دلخواه، اختیاری	
arbitrarily small	
به طور دلخواه کوچک	
arbitrarily small quantity	
مقدار کوچک دلخواه	
arbitrariness	
دلخواهی، اختیاری	
arbitrary	
دلخواه	
arbitrary allocation process	
فرایند تخصیص اختیاری	
arbitrary assumption	

فرض اختیاری	
arbitrary constant	
ثابت دلخواه	
arbitrary number	
عدد اختیاری	
arbitrary origin	
مبدا دلخواه	
arbitrary parameter	
پارامتر اختیاری	
arbitrary scale	
مقیاس دلخواه	
arbitrary small	
به طور دلخواه کوچک	
Arbitration	
داوری، حکمیت	
arbor	
محور مرکزی، میل محور، میله فرز، قانجاق ریختگی، محور	
arc	
کمان، قوس، آرک، طاق	
arc blow	
انحراف قوس، وزس قوس، انحراف جرقه	
arc cosecant	
آرک کسکانت	

arc cosine	آرک کسینوس
arc cotangent	قوس ظل تمام، آرک کتانژانت
arc function	تابع طول قوس، تابع درازای کمان
arc length	طول کمان
arc length function	تابع طول قوس
arc length of a curve	طول قوس یک منحنی
arc resistance furnace	کوره قوسی مقاومتی
arc secant	آرک سکانت
arc sine	آرک سینوس
arc stabilizer	پایدار کننده قوس
arc tangent	آرک تانژانت، قوس ظل
Archimede axiom	اصل موضوع ارشمیدس

archimede problem	مسأله ارشمیدس
archimede spiral	مارپیچ ارشمیدسی
archimedean	ارشمیدسی
Archimedean axiom	اصل موضوع ارشمیدس
archimedean law	قانون ارشمیدسی، قانون ارشمیدس
archimedean order	ترتیبی ارشمیدسی
archimedean ordered field	هیأت مرتب ارشمیدسی
Archimedean principal	اصل ارشمیدس
archimedean principle	اصل ارشمیدسی
Archimedean property	ویژگی ارشمیدسی
Archimedean solids	اجسام ارشمیدسی
archimedean spiral	مارپیچ ارشمیدسی

archimedean totally ordered group	گروه کاملاً مرتب ارشمیدسی
Archimedean valuation	ارزه ارشمیدسی
archimedes principle	اصل موضوع ارشمیدس
archimedes spiral	پیچ ارشمیدسی، پیچ بی انتها
Archive	آرشیو - بایگانی
arc-sine	آرک‌سینوس
arc-sine distribution	توزیع آرک‌سینوسی
arc-sine transformation	تبدیل آرک‌سینوسی
arcwise	کمانی، کمانوار
arcwise connected	همبند قوسوار
arcwise connected set	مجموعه مسیری همبند، مجموعه همبند کمانوار
arcwise connected space	فضای قوسی همبند

are	آر، صد متر مربع
are aware of	مطلع شوید
are contained in	در ... باشد
are equally spaced	هم فاصله هستند
are in order	به ترتیب باید مورد توجه قرار گیرد
are need	مورد نیازند
are to	باید بخواهیم، خواسته باشیم
are to be	باید، بایستی
area	مساحت ۲. سطح ۱.
area element	عنصر مساحت، جزء سطح
area franchise	حق الامتیاز فروش منطقه ای
area sample	نمونه منطقه ای، نمونه ناحیه ای

area sampling	نمونه‌گیری در سطح
area shaded	سطح سایه دار
area under curve	سطح زیر منحنی نرمال
areal	سطحی
areal coordinates	مختصات گرانیگاهی
areal integral	انتگرال روی سطح
areal velocity	سرعت مساحتی
aren't permitted	مجاز نباشد
Arfwedson distribution	توزیع آرفودسون
argand diagram	نمودار آرگان
argand's diagram	نمودار آرگاند
argue	بحث کردن، با دلیل ثابت کردن

argument	شناسه
argument of a complex number	شناسه یک عدد مختلط، آرگومان یک عدد مختلط
argument of a function	شناسه تابع
argument of complex number	آوند عدد مختلط
argument of function	شناسه تابع
argument principle	اصل آوند
argumentation	استدلال، مباحثه، مناظره، بحث، مناظرات، اقامه حجت
arise	ناشی شدن، به وجود آمدن
aristotelian logic	منطق ارسطو
arithmetic	حساب
arithmetic calculus	حساب
arithmetic expression	عبارت حسابی

arithmetic function	تابع حسابی
arithmetic genus	گونای حسابی
arithmetic logarithm	لگاریتم حسابی
arithmetic mean	میانگین حسابی میانگین ساده
arithmetic mean weighted	میانگین حسابی وزنی
arithmetic modular group	گروه کالبدی حسابی
arithmetic operations	عملیات حسابی
arithmetic progression	تصاعد حسابی
arithmetic proposition	تناسب حسابی، تناسب عددی
arithmetic scale	مقیاس حسابی، سنجه حسابی
arithmetic sequence	تصاعد حسابی، دنباله حسابی
arithmetic series	سری حسابی

arithmetic subgroup	زیرگروه حسابی
arithmetic sum	مجموع حسابی
arithmetic triangle	مثلث حسابی
arithmetical	حسابی، مربوط به علم حساب
arithmetical character	ویژگی حسابی، خصالت حسابی
arithmetical decimal system	دستگاه اعشاری حساب
arithmetical function	تابع حسابی
arithmetical number	عدد حسابی
arithmetical operations	عملیات حسابی
arithmetical progression	تصاعد عددی، تصاعد حسابی
arithmetical proportion	تناسب حسابی
arithmetical system	دستگاه حسابی

arithmetician	عالم علم حساب
arithmetising	حسابیدن
arithmometer	نوعی ماشین محاسبه
arm	ضلع، بازو
arm conveyor	نقاله بازویی
arm elevator	بالابر بازودار
arm's length exchange	مبادله (معاوضه) عادی مبادله (معاوضه) در شرایط متعارف
arm's length transaction	معادله (مبادله) عادی معامله در شرایط متعارف
armillary sphere	کره مشبک
arms of an angle	اضلاع یک زاویه
around	دو طرف، اطراف، دور تا دور، گرداگرد، پیرامون
arrange	

مرتب شدن، ترتیب دادن، مرتب کردن، تنظیم شدن، قرار دادن، تعبیه کردن، آراستن
arrange a polynomial in order of descending powers
چندجمله ای را بر حسب قوای نزولی مرتب کردن
arranged
آراسته، مرتب شده
arrangement
ترتیب
array
آرایه
array mean
میانگین آرایه‌ای
arrear
به عقب، پس افت، بدهی پس افتاده
Arrears
بدهیهای معوق
arrival
وارد، ورودی
arrival rate
آهنگ ورود
arrow
پیکان، تیر، فلش، سهم، خیز
arrow category

	دسته پیکان
arrow diagram	
	نمودار پیکانی
arrow network	
	شبکه برداری
arrowhead	
	نوک پیکان
arrows	
	پیکان ها
ars conjectandi	
	فن حدس
art	
	هنر
article	
	ماده (قانون / قرارداد) مقاله
Articles	
	ماده ها (مواد) – فصول – کالاها موضوعات- شروط
articles of association	
	اساسنامه شرکتنامه
articles of incorporation	
	اساسنامه شرکتنامه
articles of partnership	
	شرکتنامه اساسنامه شرکت / شراکت تضامنی
articulation	

	مفصل بندی
articulation of financial statements	
	همبستگی صورتهای مالی به یکدیگر
artificial	
	فرضی، ابتکاری، مصنوعی، ساختگی
artificial activity	
	فعالیت مصنوعی
artificial aging	
	کهنه کردن مصنوعی
artificial basis technique	
	روش پایه ساختگی
artificial constraint	
	محدودیت مصنوعی، محدودیت فرضی، قید فرضی
artificial intelligence	
	هوش مصنوعی
artificial intelligence modeling approach	
	رهیافت مدل هوش مصنوعی
artificial person	
	شخص (شخصیت) حقوقی
artificial technique	
	روش مصنوعی
artificial variable	
	متغیر فرضی، متغیر مصنوعی، متغیر ساختگی
artificial vector	

	بردار مصنوعی، بردار ساختگی
artin symbol	
	نماد آرتین
artinian	
	آرتینی
artinian module	
	مدول آرتینی
Artinian ring	
	حلقه آرتینی
as	
	به صورت، وقتی که، هر بار که
as a result of	
	در نتیجه، برآمد، پیامد، در اثر
as a whole	
	تمامی
as asserted	
	که حکم مورد نظر است
as before	
	شبيه حالت قبل، که همان مقدار قبلی است، مانند گذشته داریم
as claimed	
	نتیجه مورد نظر، همان گونه که مطرح شد
as compared with	
	نسبت به، پیش، در مقایسه با
as far as	

as follow	تا آنجا که
as in	به طریق زیر
as indicated above	مانند، نظیر
as is now common practice	عبارت بالا را، همانطور که در بالا به آن اشاره شد
as large as we wish	چنان که متداول است، طبق معمول
as long as	هر چقدر بخواهیم بزرگ کنیم
as of...	تا وقتی که، مادامی که، به شرطی که
as of... در تاریخ ... به تاریخ ...
as required	... در تاریخ... به تاریخ...
as scalars	که نتیجه مورد نظر بوده است، نتیجه مورد نظر
as soon as	به صورت اسکالر
as though	اگر

با این که، گوئی	
as well	
	هم
as well as	
	مانند، و
as with	
	همچون، همانند
as yet	
	تاکنون، که فعلا
ascend	
	صعود کردن، بالا رفتن، عروج کردن
ascendant	
	صعودی، بالارو
ascendant curve	
	خم صعودی
ascendant function	
	تابع صعودی، تابع بالارو
ascending	
	صعودی، فزاینده، فزازی
ascending central series	
	سری مرکزی افزایشی
ascending chain	
	زنجیر فزاینده
ascending chain condition	

شرط زنجیر فزاینده	
ascending error	
خطای فزاینده	
ascending power	
توان صعودی، قوه صعودی	
ascending powers	
توان های فزاینده، قوای صعودی	
ascending reduction	
برداشتن عدد، رفع عدد	
ascension	
صعود، عروج	
ascensional	
صعودی	
ascent	
صعود، فراز، عروج	
ascertain	
تحقیق کردن، معلوم کردن، ثابت کردن	
ascoli arzela theorem	
قضیه آسکولی-آرتسلا	
ascoli theorem	
قضیه آسکولی	
ascribe	
نسبت دادن، اسناد دادن، حمل کردن	
aside	

Ask	صرف نظر از
asked or ask price	نرخ فروش یک ارز؛ کالا یا سهام توسط فروشنده (معمولا کارگزار)
Asked price	قیمت پیشنهادی قیمت عرضه شده
aslant	نرخ‌ی که یک بانک برای فروش ارز و یا اعطای سرمایه ارائه می‌کند.
aslope	کج، مورب، حرکت مایل
Aspect	سرازیر
asperity angle	جنبه
aspriation level models	زاویه درستی، زاویه خشنی
Assay	مدل‌های سطح انتظار
assemblage	سنجش – محک
Assemble	جمع آوری، مجموعه، عمل سوار کردن

مونتاژ کردن
assembler
سر هم کننده، همگذار
assembling
جفت کردن، سوار کردن، اتصال ادوات
assembly
سوار کردن، همگذاری، مجموعه، اجتماع، گروه
assembly chart
نمودار منتاژ
assembly head
کله گی مونتاژ
assembly line
خط مونتاژ
Assembly-To-Order
مونتاژ بر اساس سفارش
assert
دفاع کردن از، اظهار قطعی کردن، اثبات کردن، حاکی بودن، شرح دادن، نشان دادن
assertion
تصدیق، حکم، بیان، تأیید، اثبات، ادعا، تأکید
assertions
ادعاها اظهارات
assertoric judgement
حکم واقعی

asserts that	بیان می کند
Assess	ارزیابی کردن
assessed value	بهای ارزیابی شده
assessing risk exposure	برآورد آسیب پذیری در برابر ریسک
Assessment	ارزیابی مالیاتی، ارزیابی
assessment measures	معیارهای ارزیابی
assessment of control risk	ارزیابی (برآورد) ریسک کنترل
assessment of probabilities	ارزیابی احتمالها
assessments	آرای صادره دادگاه ها اظهار نظرها عوارض ویژه
assessor	ارزیاب
Asset	دارائی، سرمایه اعم از نقدی یا غیر نقدی
asset allocation	تخصیص دارایی (سرمایه)

asset based financing	وام رهنی تامین مالی از طریق وثیقه گذاشتن دارایی ها
asset class	نوع دارایی طبقه / گروه دارایی
asset liability method	روش دارایی / بدهی
asset revaluation	تجدید ارزیابی دارایی
asset surrendered	دارایی و اگذار شده
asset turnover	گردش دارایی
Asset valuation	ارزیابی دارایی
assets	دارایی، ترکه ها، دارایی ها، موجودی ها
assets turnover	گردش دارایی ها
assign	تخصیص دادن، حواله کردن، واگذار کردن، اختصاص دادن، انتقال دادن، منصوب کردن، گماردن، نسبت دادن، جایگزین کردن، قرار دادن
Assignable	قابل انتقال

assignable cause	علت اسنادپذیر
assignable cause variation	انحراف با دلیل
assignable causes of variations	علل قابل تشخیص
assignable variation	تغییر قابل انتساب
Assignee	گیرنده حواله بدهی
assigning receivables	واگذاری کردن مطالبات / گرو گذاشتن مطالبات
assignment	تسهیم تکلیف
Assignment chack	چک انتقال پستی
assignment problem	مسأله تخصیص، مسأله گمارش، مسأله کارگماری
assignment scheme	طرح نسبت دهی
assimilation	جذب، شبیه
assistants	کارآموزان دستیاران

associate	شرکت پذیری، مربوط ساختن، وابسته، وابسته بودن، شریک، نسبت دادن، شرکت دادن، شریک کردن، ترکیب کردن، پیوند یافتن، پیوند دادن، عضو وابسته، مربوط کردن، عمل شرکت پذیری، وابسته
associate curve	منحنی وابسته
associate law	قانون شرکت پذیری
associate matrix	ماتریس وابسته
associate of an element	وابسته یک عنصر
associate operator	تابع های لژاندر وابسته، عملگر الحاقی
associate to the left	الحاق به چپ
associate with	مربوط به
associated	متناظر، وابسته، شبه، شریک، مربوط
associated chebyshev	شبه چبیشف
associated companion matrix	

ماتریس وابسته همراه	
associated ideal	
ایده آل وابسته	
associated lauguerre	
شبه لاگر	
associated legendre	
شبه لژاندر	
associated Legendre functions	
تابع های لژاندر وابسته	
associated radius of convergence	
شعاع همگرایی مربوطه	
associated with	
مربوط به	
associated with each	
با هر ... وابسته است	
associated with quadratic form	
مربوط به فرم درجه دوم	
association	
انجمن وابستگی موسسه ارتباط شراکت	
association coefficient	
ضریب پیوند	
associative	
شرکت پذیری، انجمنی، شرکت پذیر، پیوندی، ترکیب، جمعیت پذیر، ترکیب پذیر، همبند	

associative algebra	جبر شرکت پذیر
associative composition	همنهش انجمنی
associative law	قانون شرکت پذیری، قانون انجمنی، قانون ترکیب، قانون جمعیت پذیری، اصل شرکت پذیری
associative law of composition of mappings	خاصیت انجمنی ترکیب نگاشت ها
associative of product	انجمنی بودن ضرب
associative operation	عمل شرکت پذیری، عمل انجمنی
associative property of addition	خاصیت شرکت پذیری جمع
associative relative to factors	انجمنی نسبت به عوامل عدی
associative ring	حلقه شرکت پذیر
associative rule	قاعده شرکت پذیری
associative subsets	زیرمجموعه های انجمنی، زیرمجموعه های وابسته
associativity	

شرکت پذیری	
associativity law	
قانون شرکت پذیری	
associativity of composition of mappings	
خاصیت شرکت پذیری ترکیب نگاشت ها	
associativity of product	
شرکت پذیری ضرب	
assume	
گرفتن، انگاشتن، در نظر گرفتن، فرض کردن، به شکلی در آمدن	
assume a value	
قبول کردن یک مقدار، مقدار پذیرفتن	
assumed	
مفروض، فرض شده	
assumed discount rate	
نرخ تنزیل فرضی	
assuming that	
اگر	
Assumpsit	
تعهد	
assumption	
پیش فرض، فرض، مفروض، گیرش	
assumptions	
مفروضات فرضها پیش فرضها	

assumptions in linear programming	فرضیه های برنامه ریزی خطی
Assurance	بیمه- بیمه عمر
assurance services	خدمات اطمینان دهی
asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط مجانبی یک هذلولی
astable	ناپایدار
astroid	سیارک نما، منحنی ستاره گون، ستاره گون، ستاره وار، خم ستاره ای، سیارک
astrolabe	اسطرلاب
astrology	تنجیم، علم ستاره شناسی، علم نجوم، احکام نجوم، علم هیئت، نتیجه
astronomer	منجم، هیئت دان
astronomic	نجومی، هیئتی
astronomical	نجومی، هیئتی
astronomy	

ستاره شناسی، علم نجوم، نجوم، هیئت
asymmetric
نامتقارن
asymmetric distribution
توزیع نامتقارن
asymmetric function
تابع غیر متقارن، تابع نامتقارن
asymmetric information
عدم دسترسی یکسان به اطلاعات نامتقارن
asymmetric population
جامعه نامتقارن
asymmetric relation
رابطه بی تقارن
asymmetrical
نامتقارن، ناهمال
asymmetrical information
اطلاعات نامتقارن
asymmetry
نامتقارنی
asymptote
مجانِب، خطِ مجانِب
asymptote parabola
سهمی مجانِب، مجانِب سهمی، سهمی مجانِبی
asymptotic

مجانبي، مجانب وار، مجانب، همگام	
asymptotic behaviour	رفتار مجانبی
asymptotic cone	مخروط مجانبی
asymptotic cone of a hyperboloid	مخروط مجانبی یک هذلولی
asymptotic convergence	همگرایی مجانبی
asymptotic curve	خم مجانبی
asymptotic direction	امتداد مجانبی، مجانب راستا
asymptotic distribution	توزیع مجانبی
asymptotic efficiency	کارایی مجانبی
asymptotic expansion	بسط مجانبی
asymptotic formula	فرمول مجانبی
asymptotic formula of poisson	فرمول مجانبی پواسون
asymptotic line	

asymptotic method	خم جانبی
asymptotic normality	روش جانبی
asymptotic parallel	نرمال بودن جانبی
asymptotic point	نقطه جانبی
asymptotic property	ویژگی جانبی
asymptotic relative efficienct	کارایی نسبی جانبی
asymptotic relative efficiency	کارایی نسبی جانبی
asymptotic relative efficiency of estimator	کارایی نسبی جانبی برآوردگر
asymptotic representation	نمایش جانبی
asymptotic series	سری جانبی
asymptotic set	مجموعه جانبی
asymptotic standard error	

خطای معیار جانبی	asymptotic sufficiency
بسندگی جانبی	asymptotic tangent
مماس جانبی	asymptotic test
آزمون جانبی	asymptotic value theorem
قضیه مقدار جانبی	asymptotic variance
واریانس جانبی	asymptotical expansion
بسط جانبی	asymptotical independence
نابستگی جانبی	asymptotically
به طور جانبی، جانباً	asymptotically efficient estimator
برآوردگر جانباً کارآ	asymptotically equal
مجانبا مساوی	asymptotically normal
مجانبا طبیعی	asymptotically stable

به طور مجانبی پایدار	
asymptotically unbiased estimator	
بر آوردگر مجانباً نااریب	
asymptotics	
مجانبیات	
at a loss	
غیر مطمئن، سردرگم، متحیر	
at a time	
در هر بار، در یک زمان	
at all events	
در هر حال	
at any n	
به ازای هر n	
at countable	
متنها شمارا	
At Factory	
در کارخانه	
at hand	
با کمی توجه، در دست	
at least	
حداقل، دست کم، کمینه	
at most	
منتها، خیلی باشد، حداکثر، بیشینه	
at most countable set	

at most countably infinite	مجموعه منتهای شمارا
at once	حداکثر نامتناهی شمارش پذیر
At par	فورا، مستقیما
at random	به قیمت اسمی
at rest	به تصادف، بر حسب اتفاق، همین طوری، بی هدف، بدون منظور، به تصادف، به اتفاق
at seller's option	در حال سکون
at some point	به اختیار / انتخاب فروشنده
at the money	در یک نقطه مشخص
at the most	به قیمت بازار
at which	به حداکثر
athwart	که در آنجا
	از این سو به آنسو، از وسط، برضد

Atiyah Singer index theorem	قضیه شاخص عطیه-سینگر
atiyan singer index theorem	قضیه شاخص عطیه-سینگر
atlas	اطلس
atmosphere	جو، هوا
atmospheric statistics	آمار جوّی
atmost countable	حداکثر شمارشپذیر
atmost countable set	مجموعه حداکثر شمارشپذیر
atom	اتم، ساده، ذره، کوچکترین جزء، غیر قابل تجزیه
atomic	ساده، بسیط، اتمی، ذره ای
atomic bomb	بمب اتمی
atomic element	عنصر اتمی
atomic expression	عبارت اتمی

atomic formula	فرمول اتمی
atomic integral domain	حوزه صحیح اتمی
atomization	گردسازی، افشانش
attach	متصل کردن، متصل شدن، ضمیمه کردن
attach to	متصل به، بسته نشده باشد
Attached	ضمیمه – پیوست
attached to	متصل به، وابسته
Attachment	توقیف
attain	رسیدن، نائل شدن، بدست آوردن
attendance	حضور
attendance book	دفتر حضور و غیاب
attention directing techniques	شیوه های جلب توجه

attenuation	تظریف، نازک، رقیق، تلطیف
attenuator	کاهشگر، تضعیف کننده، رقیق کننده
Attest	تأیید امضاء
attest audit	حسابرسی اعتبار دهی نام دیگر حسابرسی مستقل
attest function	خدمات گواهی دهی خدمات اعتبار دهی
attestation	اعتبار دهی گواهی دهی
attestation engagement	قرارداد خدمات اعتبار دهی
attestation services	خدمات اعتبار دهی
At-the-money	تراز پرداختها، ثبت سیستماتیک معاملات بین شرکتهای داخلی و خارجی، بانکها، موسسات خصوصی و ایالتها در یک دوره مشخص.
Balance of payments	
attitude	وضع، ایستار
attorney at law	وکیل حقوقی

attract	جذب کردن، کشیده شدن، ربودن
attraction	ربایش
attractive	کششی، ربایش، جاذب
attractive potential	پتانسیل رباینده، پتانسیل جاذب
attribute	مشخصه ویژگی صفت
attribute based costing abc ii	صفت) هزینه یابی بر مبنای ویژگی (
attribute characteristic	مشخصه وصفی
attribute sampling	مشخصه) نمونه گیری بر مبنای صفت (
attribute sampling plan	طرح نمونه گیری وصفی
Attributes	مشخصه- خصایص
attributes inspection	بازرسی وصفی
attributes of the combining companies	ویژگیهای شرکتهای ترکیب شونده

Auction	حراج، به مزایده گذاشتن
Auction market	بازار مزایده
Audit	ممیزی
audit ability	قابلیت رسیدگی قابل حسابرسی بودن
audit activity	فعالیت (خدمات) حسابرسی
audit adjustment	ثبت اصلاحی حسابرسی
audit adjustments	تعدیلات (اصطلاحات) حسابرسی
audit assurance	اطمینان حسابرسی
audit brief	توجیه گونه حسابرسی
audit committee	کمیته حسابرسی (کمیته ای متشکل از اعضای غیر) موظف هیات مدیره
audit committee charter	آیین نامه (منشور) کمیته حسابرسی
audit cycle	

	چرخه حسابرسی
audit decision aids	
	چک لیستهای راهنمای حسابرسی
audit failure	
	عدم موفقیت حسابرسی در دستیابی به اهداف ناکامی حسابرسی قصور حسابرسی
audit fees	
	حق الزحمه حسابرسی
audit files	
	پرونده های حسابرسی
audit firm	
	موسسه حسابرسی
audit instructions	
	دستورالعملهای حسابرسی
audit literature	
	ادبیات حسابرسی
audit of decisions	
	ممیزی تصمیمات
audit of historical financial statements	
	حسابرسی صورتهای مالی تاریخی
audit period	
	دوره حسابرسی
audit plan	
	طرح جامع حسابرسی

audit practice	عمل / روال کار حسابرسی
audit procedures	روشهای رسیدگی حسابرسی
audit program	دستورالعمل جامع رسیدگی حسابرسی برنامه حسابرسی
audit programme	دستورالعمل های تفصیلی رسیدگی های حسابرسی برنامه حسابرسی
audit report	گزارش حسابداری
audit risk	ریسک حسابرسی
audit risk model	مدل ریسک حسابرسی
audit sampling	نمونه گیری در حسابرسی
audit software	نرم افزارهای حسابرسی
audit standards	استانداردهای حسابرسی
audit techniques	تکنیک های حسابرسی
audit terms	

	اصطلاحات تخصصی حسابرسی
audit test	آزمون حسابرسی
audit trail	زنجیره عطف حسابرسی
audit voucher	سند حسابرسی شده
audit working papers	کاربرگهای (مجموعه شواهد) حسابرسی
audit year	سال مورد حسابرسی
audited	حسابرسی شده
audited financial statements	صورت‌های مالی حسابرسی شده
audited voucher	سند حسابرسی (رسیدگی) شده
auditee	واحد مورد رسیدگی واحد مورد حسابرسی
auditing	حسابرسی
auditing around the computer	حسابرسی پیرامون رایانه
Auditing experience	

تجربه حسابرسی	auditing guidelines
رهنمودهای حسابرسی	Auditing knowledge
دانش حسابرسی	auditing process
فرایند حسابرسی	auditing standards
استانداردهای حسابرسی	auditing through the computer
حسابرسی درونی سیستمهای رایانه ای	auditing with technology
حسابرسی به کمک رایانه	Auditor
حسابرس- ممیز	auditor business risk
ریسک تجاری حسابرس	auditor's association
ارتباط حسابرسی	auditor's deep pockets
مسئولیت مالی حسابرسان	auditor's opinion
نظر (اظهار نظر) حسابرسی	auditor's recommendations

پیشنهادات حسابرسان
auditor's standard unqualified report
گزارش مقبول استاندارد حسابرسی
Auditors Report
گزارش حسابرسی
auditors unqualified report
گزارش حسابرسی مقبول
augment
زیاد شدن، زیاد کردن، علاوه شدن، افزودن
augmentation
اضافه، افزایش
augmentation of an algebra
افزایش یک جبر
augmented
افزوده، افزوده شده
augmented algebra
جبر افزوده
augmented histogram
نمودار آله ای افزوده
augmented matrix
ماتریس افزوده
augmented set
مجموعه افزوده شده
augmented solution

جواب گسترده
authentication value of the audit
ارزش تصدیق کنندگی حسابرسی
authenticity
درستی، اعتبار، صحت، سندیت
authoritative guidelines
رهنمودهای قاطع / امرانه
Authority
اختیار اجازه
Authority for Payment
مجوز پرداخت
authorization
صدور مجوز اعطای مجوز تصویب
authorization of stock
تصویب (اجازه) انتشار سهام
authorized capital nominal capital
سرمایه مجاز سرمایه ثبت شده
authorized signers
صاحبان امضاهای مجاز
auto correlation
همبستگی خودکار، خودهمبستگی، خود رابط
auto regression
خودهمگرایی
auto tempering

	بازگشت خود به خود
autocode	
	خود رمز
autoconjugte	
	مزدوج با خود، خود همیوغ
autocorrelation	
	همبستگی پیامی (مستمر)
autocorrelation function	
	تابع خود همبستگی
autocovariance	
	اتوکو واریانس
autofunction	
	تابع خاص
automata	
	ماشین های خودکار
automated bond system (abs)	
	سیستم خودکار خرید و فروش اوراق قرضه
automated gaging	
	اندازه گیری اتوماتیک
automated inspection	
	بازرسی اتوماتیک
automatic	
	خودکار، اتوماتیک، اتومات
automatic assembly	

مونتاز خودکار	
automatic check	
وارسی خودکار، مقابله خودکار	
automatic coder system	
سیستم سفارش اتوماتیک	
automatic computer	
کامپیوتر خودکار	
automatic control	
کنترل خودکار	
automatic interaction detection technique	
فن خودکار آشکارسازی اثر متقابل	
Automatic transfer of saving	
انتقال اتوماتیکی پس انداز	
automatic wokhead	
کله گی خودکار	
automatically	
خود به خود	
Automation	
اتوماسیون	
automorph	
خودسان	
automorphic	
خودسانی، خودریخت، هم شکل، خوددیسسه، خودشکل	
automorphic function	

تابع خودریخت، تابع خودسانی
automorphism
خودریختی، هم‌شکلی، خودسانی، خوددیسگی، خودشکلی
automorphism identity
اتحاد خودسانی
automorphism of group
خودسانی گروه‌ها، اتومرفیسم گروه، خودسانی گروه
automorphism of module
خودسانی مدول، اتومرفیسم مدول
Autonomous spending change
تغییر اتوماتیکی مخارج
autonomous system
دستگاه خودگردان
autonomy
استقلال آزادی عمل
autoregressive
اتورگرسیو
autoregressive integrated moving average model
مدل میانگین متحرک جمع‌بسته اتورگرسیو
autoregressive model
مدل اتورگرسیو
autoregressive process
فرایند اتورگرسیو

autoregressive series	سری خود برگشتی
autoregressive-moving average model	مدل میانگین متحرک اتورگرسیو
autumnal equinox	اعتدال پاییزی
auxiliary	معین، اضافی، کمکی، امدادی، معاون
auxiliary circle of a hyperbola	دایره اصلی هذلولی
auxiliary circle of an ellipse	دایره اصلی بیضی
auxiliary element	عنصر معین
auxiliary equation	معادله کمکی
auxiliary sample	نمونه کمکی
auxiliary unknown	مجهول معاون، مجهول کمکی
auxiliary variable	متغیر کمکی
availability	در دسترس بودن آماده بودن

Available	قابل وصول – در دسترس
available for sale	آماده برای فروش
available for sale securities	اوراق بهادار آماده برای فروش
Available Margin	موجودی ضریب معاملات که در حالت باز بودن معامله به صورت شناور است.
Average	متوسط، میانگین
average absolute deviation	متوسط قدر مطلق های انحرافات
average accumulated expenditures	میانگین مخارج انباشته
Average balance	متوسط موجودی
average case	حالت میانگین
Average Cost	هزینه میانگین
average cost procedure	روش میانگین هزینه روش متوسط بهای تمام شده
average cost retail	

متوسط بهای خرده فروشی
average cost variable
متغیر هزینه متوسط
average critical value method
روش مقدار بحرانی متوسط
average curvature
خمیدگی متوسط
average density
چگالی متوسط
Average deposit
سپرده متوسط
average depreciation rate
متوسط (میانگین) نرخ استهلاک
average deviation
متوسط انحراف، انحراف میانگین، انحراف متوسط
Average due date
سر رسید متوسط
average extra defective limit
حد متوسط اقلام معیوب اضافی
average inventory
متوسط موجودی
Average Inventory Quantity
میانگین موجودی انبار
average invested capital

میانگین سرمایه گذاری متوسط داراییهای سرمایه گذاری شده	
average life	متوسط عمر
average net return	متوسط بازده خالص
average number of shares outstanding	میانگین تعداد سهام در جریان / در تملک صاحبان سهام
average of a function	متوسط یک تابع
average of n numbers	متوسط n عدد
Average order	مرتبه متوسط
average outgoing quality	متوسط کیفیت خروجی
average outgoing quality limit	حد متوسط کیفیت خروجی
average payment period	متوسط دوره پرداخت
average range	متوسط دامنه
Average rate	نرخ متوسط
average rate of change	

متوسط میزان تغییر، میزان تغییر متوسط	
average rate of increase	
متوسط میزان افزایش، نمو متوسط، نمو میانگین	
average rate of return	
نرخ بازده متوسط	
average revenue	
درآمد متوسط	
average run length	
متوسط مدت اجرا	
average sample number	
متوسط تعداد نمونه	
average sampling interval	
متوسط (میانگین) فاصله نمونه گیری	
average speed	
(مقدار) سرعت متوسط	
average tax rate	
متوسط نرخ مالیات	
Average term	
سررسید متوسط	
average total inspection	
متوسط کل قطعات بازرسی شده، متوسط تعداد کل مورد بازرسی	
average value	
مقدار متوسط، مقدار میانگین	

average velocity	سرعت میانگین، سرعت متوسط، میانگین سرعت
average waiting time	متوسط زمان انتظار
averaged shifted histogram	بافت‌نگار میانگین انتقالی
averaging	متوسط‌گیری
Avoid	اجتناب کردن
avoidable delay	تأخیر قابل اجتناب
avoidance of takeover	احتراز (اجتناب) از تصاحب / بلعیده شدن شرکت
avoiding costly mistakes	اجتناب / احتراز از اشتباهات پرهزینه
avoirdupois	مقیاس اوزان سنگین، نوعی دستگاه اندازه‌گیری وزن
award	مشخص کردن
away	فاصله، دور، مخالف
axes	محورها

axes of coordinates	محور های مختصات
axial	محوری، آسه ای
axial distribution	توزیع محوری
axial force	نیروی محوری
axial symmetry	تقارن محوری
axiom	اصل موضوع
axiom of addition	اصل جمع، اصل موضوع جمع
axiom of additivity	اصل جمع پذیری، اصل موضوع جمعی
axiom of archimedes	اصل ارشمیدس
axiom of choice	اصل موضوع انتخاب
axiom of compatibility	اصل سازگاری
axiom of constructibility	اصل موضوع ساخت پذیری

axiom of continuity	اصل پیوستگی، اصل موضوع پیوستگی
axiom of extension	اصل موضوع محتویات
axiom of extensionality	اصل موضوع توسیع
axiom of hausdorff	اصل هاوسدورف
axiom of induction	اصل موضوع استقرا
axiom of infinity	اصل موضوع بینهایت، الص متعارف بینهایت
axiom of least upper bound	اصل کوچکترین کران بالا
axiom of linear completeness	اصل موضوع کمال خطی
axiom of neighborhoods	اصل همسایگی ها
axiom of nested intervals	اصل فواصل تو در تو، اصل بازه های تو در تو
axiom of pairing	اصل موضوع جفت کردن
axiom of parallels	اصل موضوع توازی

axiom of power set	اصل موضوع مجموعه توانی
axiom of recurrence	اصل استقرا
axiom of reducibility	اصل موضوع تحویل پذیری
axiom of separation	اصل تجزیه
axiom of specification	اصل تشخیص، اصل تجرید
axiom of zermelo	اصل زرمelo
axiomatic	اصولی، اصل موضوعی
axiomatic definition of probability	تعریف اصل موضوعی احتمال
axiomatic field theory	نظریه اصل موضوعی
axiomatic method	روش اصل موضوعی
axiomatic probability theory	تئوری احتمالات
axiomatic set theory	نظریه اصل موضوعی مجموعه‌ها

axiomatic system	دستگاه اصل موضوعی
axiomatic theory	نظریه اصل موضوعی، تئوری اصل موضوعی
axiomatic theory of probability	تئوری موضوعی احتمال
axiomatically	به صورت اصل موضوعی
axiomatizable theory	نظریه اصل موضوع پذیر
axiomatization	اصل موضوعی سازی
axiomatize	تدوین کردن اصول موضوعه، اصل گذاردن
axioms	اصول متعارف اصوب بدیهی و پذیرفته شده
axioms of probability	اصول موضوع احتمال
axis	محور
axis of cone	تیر مخروط، سهم مخروط
axis of coordinates	محور مختصات

axis of cylinder	تیر ستون، سهم استوانه
axis of homology	محور تجانس
axis of revolution	محور دوران
axis of rotation	محور دوران
axis of symmetry	محور تقارن
axle	محور، محور چرخ، میله
axonometric	نمایش نقاط بر حسب تصویر های شان در فضا
axonometric axes	محور های محور سنجی ای
axonometric projection	تصویر محور سنجی ای
axonometry	محور سنجی
azimuth	زاویه سمت، سمت، زاویه بردار وضع نقطه نسبت به محور مختصات قطبی، زاویه
B	

دومین حرف الفبای انگلیسی، رقم ۱۱ در مبنای ۱۶

baby bonds

اوراق قرضه کم ارزش

babylonian numeration

عدد نویسی بابلی

bac cab

بک - کب

bac cab rule

قاعده بک - کب

bachelier's method

روش باشولیه

bachelor

دارای مدرک کارشناسی

Back

پشت نویسی

back charges

پرداخت مخارج انجام شده

Back Flush

لیست مداد

back flush costing

هزینه یابی معکوس هزینه یابی از انتها به ابتدا هزینه یابی
دیر هنگام

Back letter

گواهی

back log	سفارشات انجام نشده، عقب افتادگی، تراکم، عقب افتاده، معوق
back off angle	زاویه آزاد پشت، زاویه پشت، زاویه آزاد پشت دندان
back pressure	فشار تخلیه، فشار انعکاسی، فشار برگشت، پس فشار
back slash	\ ممیز وارونه
back substitution	جای گذاری پس رو، جایگزینی پسرو
back to	دوباره برگشتن
Back to back credit	اعتبار ارزی اتکائی
back track	به عقب برگشتن، در جهت عکس پیمایش کردن، به بالا برگشتن
back tracking	در جهت عکس پیمایش کردن، مسیر برگشتی
back up	حمایت، زاپاس، پشتیبانی کردن، اضافی، یدکی، پشتیبان، پشت بند
backdoor financing	تامین مالی غیر مستقیم تامین مالی از طرق غیر متعارف

background	پس زمینه، زمینه، سابقه، زمینه تجربی
backing bars	میله های پشتی، شمش های پشت بند
backing ring	حلقه پشت بندی
backing strap	تسمه پشت بندی
backing strip	تسمه پشت بندی، تسمه پشت بند، پشت بندی تسمه ای
backlash	گشادی، لقی، جای بازی، لقی
backlog depreciation	استهلاک پس مانده
backlog reporting	گزارشگری مقادیر پس مانده
backtrack	از آخر به اول برگشتن، در جهت عکس پیمایش کردن، به بالا برگشتن
backup and recovery system	سیستم پشتیبانی و بازیافت
backward	پس رفتی، پس رو، به عقب، قهقرائی، به پشت
backward computations	

محاسبات پسرو، محاسبات معکوس
backward difference
تفاضل پسرو
backward difference operator
عملگر تفاضلی پسروس
backward differences
تفاضلات پسرو
backward emission
گسیل پسرو
backward equation
معادله پس رو، معادله قهقرائی
backward indentation
پله ای به طرف عقب
backward induction
استقرای پسرو
backward induction method
روش استقرای پس رفتنی
backward linkage
ارتباط پسین
backward pass
مرور به پس
backward planning
برنامه ریزی رو به عقب، طرح ریزی از جلو به عقب، طرح ریزی پس رو، طرح ریزی معکوس

backward substitution	جایگذاری از پایین
bad debt expense	هزینه مطالبات سوخت شده
bad debt reserve	اندوخته (ذخیره) مطالبات سوخت شده / مشکوک الوصول
Bad debts	مطالبات لاوصول (مشکوک الوصول)
bad debts allowance account	حساب ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
Bad debts loss	زیان ناشی از لاوصول ماندن مطالبات
Bail bond	ضمانت نامه
Bailer	ضامن
bail-out	، به قید کفیل ازاد کردن و شدن
bailout payback	دوره بازیافت / نجات سرمایه
Bair category theorem	قضیه رسته ای بئر
Bair condition	شرط بئر

bair function	تابع بئر
bair measure	اندازه بئر
Bair set	مجموعه بئر
bair space	فضای بئر
bair zero dimensional space	فضای صفر بعدی بئر
bair's set	مجموعه بئر
Balance	تراز - بالانس
Balance a Budget	تراز بودجه
balance carried forward	مانده منقول به صفحه بعد، مانده منقول
balance delay curve	منحنی تأخیر تعادل
balance equation	معادله تعادل
Balance in Hand	مانده موجودی

balance of account	مانده حساب توازن حساب
Balance of Payment	مانده پرداختها
Balance of payments	تراز پرداختی
Balance of the account	مانده حساب
balance per bank statement	مانده (طبق) صورتحساب بانک
balance per books	مانده (طبق) دفاتر شرکت
balance related audit objectives	اهداف حسابرسی مربوط به مانده حسابها
Balance Sheet	تراز نامه
balance sheet account	حسابهای ترازنامه (ای)
Balance sheet accounts	حسابهای تراز نامه (ای)
balance sheet audit	حسابرسی ترازنامه (ای)
Balance sheet columns	ستونهای ترازنامه

Balance sheet date	تاریخ ترازنامه
balance sheet equation	معادله ترازنامه
balance sheet statement of financial position	ترازنامه صورت وضعیت مالی
balance tree	درخت متوازن
balanced	متعادل
balanced block design	طرح بلوکی متعادل
balanced circuit	مدار متعادل
balanced difference	تفاضل متعادل
balanced differences	تفاضل های متعادل
balanced functor	تابعگون متعادل
balanced hull	غلاف متعادل
balanced incomplete block design	طرح بلوکی ناکامل متعادل

balanced range of error	دامنه خطای متعادل
balanced runner	راهگاه متوازن
balanced sample	نمونه متعادل
balanced scorecard approach	روش ارزیابی متوازن
balanced set	مجموعه متعادل
Balancing	مانده گیری
balancing transportation model	مدل ترابری متوازن
balking	امتناع
ball	جسم کروی، گلوله، توپی، دکمه، ساچمه، توپ، گوی، مهره
ball bouncing	برگشت توپ
ball bouncing problem	مساله برگشت توپ
ball in metric space	گوی در فضای متریک

ball shaped	گوی مانند، کروی، به شکل گوی
ball valve	شیر کروی، شیر ضربه ای، سوپاپ ساچمه ای
ballistics	پرتابه شناسی، علم پرتاب
balloon payment	پرداخت بالونی
ballot	برگه انتخابات
ballot box	صندوق رأی
ballot problem	مسأله رأی گیری
ballot theorem	قضیه رأی گیری
Banach algebra	جبر باناخ
banach analytic space	فضای تحلیلی باناخ
Banach area of a surface	مساحت باناخ یک رویه
banach dieudonne theorem	قضیه باناخ-دیودونه

banach fixed point theorem	قضیه نقطه ثابت باناخ
banach integral	انتگرال باناخ
banach lattice	مشبکه باناخ
banach mazur convergence theorem	قضیه همگرایی باناخ-مازور
banach space	فضای باناخ
banach star algebra	جبر ستاره ای باناخ
banach steinhaus theorem	قضیه باناخ-اشتینهاوس
Banach Tarski paradox	پارادوکس باناخ-تارسکی
Band	محدوده مجاز نوسان، حد بالایی و پایینی دخالت در بازار ارز در یک سیستم نرخ مبادله ثابت ارز. در صورتی که نرخ تبدیل به سقف محدوده مجاز نوسان برسد، بانک مرکزی مجبور به فروش ارزهای خارجی و در صورتی که به کف محدوده مجاز برسد اقدام به خرید ارز خواهد نمود. نرخ تبادلاتی می تواند بین این محدوده به صورت آزاد شناور بماند.
band chart	

نمودار نواری	
band gap	
ظرفیت نواری	
band interest expense	
هزینه بهره اوراق قرضه	
band machine	
ماشین اره نواری	
band matrix	
ماتریس نواری	
banded	
نواری	
banded above	
بالا کراندار	
banded below	
پایین کران دار	
banded convergence theorem	
قضیه همگرایی (دنباله های) کران دار	
banded from above	
بالا کراندار	
banded from below	
پایین کران دار	
banded function	
تابع کران دار	
banded linear operator	

عملگر خطی کران دار	
banded linear transformation	
تبدیل خطی کران دار	
banded matrix	
ماتریس کران دار	
banded measurable function	
تابع اندازه پذیر کراندار	
banded measure space	
فضای اندازه کران دار	
banded metric space	
فضای متریک کراندار	
banded operator	
عملگر کراندار	
banded sequence	
دنباله کران دار	
banded set	
مجموعه کران دار	
banded uniform space	
فضای یکنواخت کراندار	
banded variation	
تغییر کراندار	
bandedness principal	
اصل کرانداری	
Bandwagon effect	

Bank acceptance	اثر ارا به موسیقی
Bank Account	پذیرش بانکی
Bank agent	حساب بانکی
Bank balances	کارگزار بانکی
Bank Charges	مانده های حساب بانکی
Bank clearing	هزینه های بانکی
bank collection	پایپای بانکی
bank confirmation	وصولی های بانک
Bank Credit	تاییدیه بانک
Bank Deposit	اعتبار بانکی
bank deposits	سپرده بانکی
bank discount basis	سپرده های بانکی

bank discount rate method	مبنای تنزیل بانک
Bank Drafts	روش نرخ تنزیل بانکی
bank failure	حواله بانکی
Bank for international settlements	ورشکستگی بانکی
Bank hopping company	بانک پرداختهای بین المللی
Bank house	شرکت بانکی
bank interest	مؤسسه بانکی
Bank Liabilities	ربح بانکی، بهره بانکی
Bank lien	بدهی های بانکی
Bank Loan	حق تصرف بانکی
bank loans	وام بانکی
Bank note	وامهای بانکی

	اسکناس
Bank of circulation	
	بانک ناشر اسکناس
Bank panic	
	سراسیمه گی بانکی
Bank Rate	
	نرخ بانکی
bank rate of discount	
	نرخ تنزیل بانکی
bank reconciliation	
	صورت مغایرت حسابهای بانکی صورت مغایر بانکی
Bank reserve	
	ذخیره بانکی
Bank rupt	
	ورشکسته شدن
bank service charge	
	هزینه (کارمزد) خدمات بانک
bank statement	
	صورت حساب بانک
Bankable	
	قابل پذیرش برای بانک
banked	
	مانع
banked curve	

Banker	منحنی مانع
banker's acceptance	بانکدار
banker's bill	استاندارد تضمین شده بانکی
Banking act of 1935	برات / حواله بانکی
Banking facilities	قانون بانکداری سال ۱۹۳۵
Banknote rate	تسهیلات بانکی
Banknotes	نرخ اسکناس، نرخ مبادله ارز که در معاملات اسکناس استفاده می شود.
bankroll	پول کاغذی یک کشور که توسط بانک مرکزی به عنوان پول قانونی منتشر می شود.
Bankrupt	پشتوانه، سرمایه بانک
bankruptcy	ورشکسته
bankruptcy risk	ورشکستگی

ریسک ورشکستگی
banks
موجودی نزد بانک ها
bar
خط، میله، اهرم، بند، میله مدرج، خرپا، پایه، حایل، خط کسری
Bar chart
نمودار میله ای، یکی از انواع نمودارهای نمایش قیمت
bar code
رمز میله ای، رمز نواری
bar code reader
خواننده رمز نواری
bar diagram
شکل ستونی، نمودار میله ای، نمودار ستونی، نمودار خطی
bar printer
چاپگر میله ای
Bargain
خرید ارزان، چانه زنی
bargain purchase option
اختیار خرید به قیمتی ارزانتر از قیمت جاری بازار اختیار خرید مذاکره ای
barn
واحد سطح معادل ۱۰۲۴ سانتیمتر مربع
barometric

	فشاری
barometric equation	
	معادله فشاری
barrel	
	بشکه، لوله، استوانه گردان، بشکه ای، قرقره غلتک
barrel printer	
	چاپگر بشکه ای
barrel tangle	
	گردان بشکه ای
barreled space	
	فضای چلیکی
Barren money	
	پول عقیم
barrier	
	حصار، سد، مانع، تکه جدار، تور سیمی
barriers to entry	
	موانع ورود (به بازار)
Barter	
	تهاتر - مبادله
barycenter	
	گرانیگاه، مرکز ثقل، مرکز فشار، گران مرکز، مرکز جرم
barycentric coordinates	
	مختصات گرانیگاهی، مختصات مرکز ثقل، مختصات مرکز جرم

barycentric coordinates	مختصات گرانیگاهی
base	پایه
base angles of a triangle	زوایای مجاور به قاعده مثلث
base circle	دایره مبنا
Base coin	سکه تقلبی
base criteria	معیار اصلی
base field	هیئت پایه
base for a topology	پایه توپولوژی
base for logarithm	پایه برای لگاریتم، مبنای لگاریتم
base inventory	موجودی پایه (مبنا)
base level of consumption	سطح پایه مصرف
base line	خط صفر، خط مبنا، خط اصلی، خط کور

base of a logarithmic function	پایه تابع لگاریتمی
base of a number system	پایه دستگاه عددی، مبنای یک دستگاه شمار
base of a solid	قاعده یک جسم
base of a topological space	پایه فضای توپولوژیک
base of a triangle	قاعده مثلث
base of natural logarithm	پایه لگاریتم طبیعی
base of neighborhoods	پایه همسایگی ها
base of triangle	قاعده مثلث
base pay	حقوق پایه
base period	دوره پایه (مبنا)
base price	قیمت مبنا
base rate	نرخ پایه، تعرفه مبنا

base space of a fiber bundle	فضای پایه کلاف تار
base stock method	روش موجودی کالای پایه
base value	مقدار پایه
Base year	سال پایه
base year costs	هزینه های سال پایه (مبنا)
based on	بر اساس، بر پایه ی
bases adjacent	پایه های مجاور
bases for stratification	مبانی طبقه بندی کردن
Basic	پایه اساسی
Basic accounting model	معادله اساسی حسابداری
basic assumptions	مفروضات بنیادی فرضیات مبنا
basic concepts	مفاهیم بنیادی

basic condition	شرط اساسی
basic control	کنترل اساسی
basic cost terms	اصطلاحات اساسی / بنیادی هزینه
basic data	داده های پایه ای، داده اصلی
basic dual solution complementary	مکمل جواب پایه دوگان
basic earnings per share (beps)	سود اولیه (پایه) هر سهم
basic elements	عناصر اصلی (اساسی یا بنیادین)
basic equation	معادله اصلی (اساسی)
basic feasible	شدنی پایه
basic feasible partition	افراز شدنی پایه
basic feasible solution	جواب شدنی پایه، جواب ممکن بنیادی، جواب شدنی اصلی، جواب اساسی، جواب اساسی موجه
basic field of a linear space	

هیأت پایه ای فضای خطی
Basic financial statements
صورت‌های مالی اساسی
basic form
فرم اساسی
basic fractions
کسر های بنیادی
basic induction principle
اصل استقرای اساسی
basic information
اطلاع پایه ای
basic Jordan block
قالب ژردان اساسی
basic jordan blocks
قطعات بنیادی ژردان
basic matrix
ماتریس بنیادی
basic of accounting
مبنای حسابداری
basic operation
عمل اصلی
basic period
دوره مبنا / پایه
basic point

	نقطه مبنا (پایه)
basic policy	سیاست اساسی
basic premises	مفروضات بنیادی
basic reason	دلیل اساسی
basic rectangle	مستطیل اساسی
basic risk	ریسک پایه (مبنا)
basic sets of a linear space	مجموعه های پایه ای فضای خطی
basic solution	جواب پایه ای، جواب پایه، حل اساسی
basic space	فضای پایه
basic standard	استاندارد اساسی
basic terminology	اصطلاحات بنیادین (اصلی یا اساسی)
basic time	زمان پایه
basic variable	

بردار پایه، متغیر اصلی، متغیر پایه، متغیر پایه ای، متغیر اساسی	
basic variables	متغیر های پایه
basic vector	بردار پایه ای
basicaly	اساسی، اساسا، ابتدایی، بنیادی، پایه ای
Basis	کوچکترین واحد تغییرات نرخ بهره
basis frequency	کم بسامد
basis of a vector space	پایه فضای برداری، پایه یک فضای برداری
basis of commutative group	پایه گروه جابجایی پذیر
basis of module	پایه مدول
basis of vectors	بردار های پایه، بردار های پایه ای
basis vector	بردار پایه
basket lump sum purchase	

خرید دسته جمعی داراییها خرید مجموعه ای از دارایی ها به صورت یکجا
basket purchase
خرید دسته جمعی داراییها خرید مجموعه ای از دارایی ها به صورت یکجا
Batch
پارتی- محموله
batch control sheet
برگ کنترل دسته
batch level cost
هزینه در سطح دسته ای (گروهی) از محصولات
batch level drivers
محرك های هزینه در سطح دسته (گروه) محصول
batch processing
پردازش دسته ای
batch production
تولید انبوه، تولید دسته ای
batch
انباشته، گروه، قسمت-قسمتی، دسته، مقدار، یک سری، یک سفارش، یک محموله
bath
حوضچه، حمام، خزینه
baye's action
عمل بیز
baye's basic theorem

baye's corollary	قضیه اصلی بیز
baye's criterion	قضیه فرعی بیز
baye's formula	ملاک بیزی، محک بیز
baye's loss	فرمول بیز
baye's postulate	زیان بیز
baye's rule	اصل بیز، فرض مسلم بیز
baye's theorem	قاعده بیز، قانون بیز
bayes decision rule	قضیه بیز
bayes estimator	قاعده تصمیم بیز
bayes formula	برآورد کننده بیزی
bayes loss	فرمول بیز
bayes procedure	زبان بیز، زیان بیزی

	شیوه بیز
bayes risk	
	مخاطره بیزی، مخاطره بیز، مخاطره بیس
bayes rule	
	قانون بیس
Bayes theorem	
	قضیه بیز
bayesian	
	بیزی
bayesian analysis	
	تجزیه و تحلیل بیزی
bayesian concept	
	مفهوم بیزی
bayesian criterion	
	ملاک بیزی، معیار بیزی
bayesian distribution	
	توزیع بیزی
bayesian inference	
	استنباط بیزی، استنباط به شیوه بیز
bayesian interval	
	فاصله بیزی
bayesian limit	
	حد بیزی
bayesian method	

	روش بیزی
bayesian prediction	
	پیشگویی بیزی
bc (activity based costing)	
	هزینه یابی بر مبنای فعالیت
be able to	
	قادر باشد
be sure	
	ثابت کنید، مطمئن، یقینا، محققا، البته، در حقیقت، مسلم، به طور قطع
bead	
	برجستگی، زبانه، لایه، زنجیره، مهره
beam	
	دسته، اشعه، پرتو، شعاع، تیر
beam compass	
	پرگار بازو دار
beam numbers	
	عدد های تیری
Bear	
	پیش فروش کردن
bear market	
	بازار کم رونق بازار رو به افوال
Bearer	
	حامل، آورنده

Bearer bond	اسناد قرضه بی نام
bearer bonds	اوراق قرضه بی نام
Bearer Mortgage note	اوراق رهنی بی نام
Bearer note	سند طلب در وجه حامل
Bearer securities	اوراق بهادار بی نام
Bearer share	سهم بی نام
bearin mind	توجه داریم که
bearing	تکیه گاه، سمت و جهت، وضعیت نقطه ای نسبت به مبدأ، محور
Bearish	نزولی
Bearish market	روند کلی بازار در یک بازه زمانی نزولی
beat	تپش
beating the market	

غلبه بر بازار (کسب بازده) بیش از بازده متعارف بازار
beats
ضربان
because
چون، زیرا
because of
بدین دلیل، بواسطه، اما به علت
bed
بستر، کف، کفی، لایه، پشته، طبقه، لایه بندی، بستر گذار
bee line
اقصر فاصله، خط راست
before decimal
قسمت صحیح عدد حقیقی
beginning balance
مانده اول دوره مانده در ابتدای دوره
beginning cash balance
مانده وجه نقد در ابتدای دوره مانده اول دوره وجه نقد
Beginning inventory
موجودی کالای ابتدای دوره
behave
عمل کردن، رفتار کردن
behavior
طرز عمل و عکس العمل، رفتار، وضع، روش عمل، کردار
behavioral accounting

حسابداری رفتاری	
behavioral accounting research	
تحقیقات رفتاری حسابداری تحقیقات حسابداری رفتاری	
behavioral approach	
روش (رویکرد) رفتاری	
behavioral considerations	
ملاحظات رفتاری	
behavioral implications	
بازتابهای رفتاری	
behavioral research	
تحقیقات رفتاری	
behaviour	
رفتار	
Behrens Fisher test	
آزمون برنس-فیشر	
behrens fisher's problem	
مسأله بهرنز-فیشر	
bei	
بی	
bei function	
تابع بی	
being processed	
که پردازش می شوند	
bell curve	

منحنی زنگی شکل، منحنی زنگ
bell graph
نگار زنگسان، نمودار زنگی
bell shaped
زنگی شکل، زنگوله ای، زنگدیس، زنگی، زنگوله ای شکل
bell shaped curve
منحنی متقارن منحنی زنگوله ای شکل
belong
متعلق بودن، تعلق داشتن
belonging
متعلق بودن، تعلق داشتن، تعلق
belonging relation
رابطه تعلق
below
پائین، زیر
below par
کمتر از ارزش اسمی
belt
نوار، بند، زبان قفل، تسمه، منطقه
belt theorem
قضیه تسمه
bench
میز دستگاه، میز، کارگاه، میز کار
bench inspector

	بازرس میز کار
bench vise	
	گیره، گیره میزی
benchmark	
	مارک دستگاه، معیار، نشانه مبنا، نشان، محک، نشانه
benchmark portfolio	
	پرتفولیوی الگو (معیار)
Benchmarking	
	محک زنی، مقایسه برای محک زنی – بهینه کاوی – الگو برداری
bend	
	خم کردن، خمش، خم، خمیدگی، گره، زانویی
bend point	
	نقطه خمش
bend point of a curve	
	نقطه عطف منحنی
bend up	
	خمیدگی، خم کردن، پیچ
Bend	خمیدگی، خم کردن، پیچ
	خمیدگی، خم کردن، پیچ
bending	
	خمشی، خمش، انحناء، خمیدگی، خمکاری
bending a surface	
	خماندن رویه

bending invariant	پایای خمش
bending moment	گشتاور خمشی
Beneficial	سودمند
beneficial interests	حقوق انتفاعی
Beneficiary	ذینفع
benefit	منفعت، سود، نفع، مستمری، استفاده
benefit cost analysis	تحلیل هزینه-فایده
benefit cost ratio	نسبت فایده-هزینه
benefit years of service approach	روش (رویکرد) دوره انتفاع / سنوات خدمت
Benefits	سود – مزایا
benefits provided ranking	اولویت بندی بر مبنای ارائه خدمات
bent	خمش، قاب، مقدار خمش، خم، پایه

Bernoulli differential equation	معادله دیفرانسیل برنولی
Bernoulli distribution	توزیع برنولی
bernoulli equations	معادلات برنولی
bernoulli function	تابع برنولی
bernoulli lemniscate	پروانه برنولی
bernoulli method	روش برنولی
bernoulli model	مدل برنولی
bernoulli number	عدد برنولی
bernoulli numbers	اعداد برنولی
bernoulli perodic functions	توابع متناوب برنولی
bernoulli polynomial	چندجمله ای برنولی
bernoulli polynomials	چندجمله ای های برنولی

bernoulli process	فرآیند برنولی
bernoulli scheme	شمای برنولی، طرح برنولی
Bernoulli shift	تغییر جای برنولی
bernoulli spiral	مارپیچ برنولی
Bernoulli theorem	قضیه برنولی
bernoulli trial	امتحان برنولی، آزمایش برنولی
Bernoulli trials	امتحان های برنولی
bernoulli's differential equation	معادله فاصله برنولی
bernoulli's equation	معادله برنولی
bernoulli's form of law of larg numbers	قانون اعداد بزرگ به صورت برنولی
bernoulli's formula	فرمول برنولی
bernoulli's theorem	قضیه برنولی

Bernstein curve	خم برتران، خم مزدوج
Bernstein theorem	قضیه برشتین
bertrand curve	خم برتران، خم مزدوج، منحنی برتراند
bertrand's paradoxes	باطل نمای برتران
bertrand's postulate	اصل برتراند
bessel differential equation	معادله دیفرانسیل بسل
bessel functions	تابع های بسل
bessel inequality	نابرابری بسل
bessel integral	انتگرال بسل
bessel interpolation formula	فرمول درونیابی بسل
bessel's inequality	نامساوی بسل
best approximation	بهترین تقریب

best approximation of a continuous function	بهترین تقریب تابع پیوسته
best approximation of an irrational number	بهترین تقریب عدد گنگ
best asymptotically normal	بهترین به طور مجانبی نرمال، بهترین مجانباً نرمال
best asymptotically normal estimator	بهترین برآورد کننده مجانباً نرمال
best decimal approximation	بهترین تقریب اعشاری
best distribution	توزیع بتا
best efforts basis	فروش (عرضه) اوراق بهادار بر مبنای نهایت تلاش
best estimate	بهترین برآورد
best estimator	بهترین برآورد کننده
best fitting line	بهترین خط برازنده
best invariant estimator	بهترین برآورد کننده ناورد
best linear unbiased estimate	بهترین برآورد خطی نااریب

best linear unbiased estimator	بهترین برآوردکننده خطی نااریب
best of a logarithmic function	پایه تابع لگاریتمی
Best Practice	بهترین روش
best prediction equation	بهترین معادله پیش بینی
best prediction line	بهترین خط پیش بینی
best predictor	بهترین پیشبین
bet	شرط بستن، شرط بندی
beta	دومین حرف الفبای یونانی، بتا، ؟
beta distribution	توزیع بتا
beta distribution law	قانون توزیع بتا
beta function	تابع بتا
beta integral	انتگرال بتا

beta probability distribution	توزیع احتمالات بتا
beta stationary	ثابت بودن ضریب بتا
betti group	گروه بتی
betti numbers	عدد های بتی
between	میان، بین، در میان
betweenness	میانوند، بینیت، میان بودن
betweenness axiom	اصل موضوع میانبود، اصل موضوع بینیت
betweenness axioms	بنداشت میانبود
bevel	شیبدار، اریب، گونیا، نبشی، مورب
bevel protractor	نقاله نجاری، نقاله مورب
beyond	ماوراء، خارج است، دورتر، برتر از
Bezout theorem	قضیه بزو

bezout's theorem	قضیه بزو
bi	پیشوندی به معنای دوتایی یا دودویی
biadditive	دو جمعی، دو جمعپذیر
biadditive mapping	نگاشت دو جمعی
bianchi identities	اتحاد های بیانکی
bianchi identity	اتحاد بیانگی، همانی بیانکی
bias	اریبی
bias error	خطای اریبی
bias in cluster sampling	اریبی در نمونه گیری خوشه ای
biased	اریب شده، پیشقدر، اریب، تور
biased estimator	برآورد کننده اریب
biased sample	نمونه اریب

biased sampling	نمونه برداری غیر تصادفی، نمونه برداری نامتعادل، نمونه گیری جهت دار، نمونه گیری اریب، نمونه برداری، نمونه برداری غیر تصادفی
biased statistic	آماره اریب
biased test	آزمون اریب
biaxial	دو محوری
bibliography	کتابنامه / کتابشناسی فهرست کتابهای مرتبط ماخذ شناسی
bicompact set	مجموعه فشرده
bicomplex	مجتمع مضاعف
biconcave	مقعر الطرفین
biconditional	دو شرطی، ترکیب دو شرطی، گزاره دو شرطی
biconditional composition	ترکیب دو شرطی
biconditional connective	ادوات ترکیب دو شرطی

biconditional proposition	گزاره دو شرطی
biconditional sentence	گزاره دو شرطی
biconditional statement	گزاره دو شرطی
bicone	دو مخروطی، دو مخروط با قاعده مشترک
bicontinuous	از دو سو پیوسته، دو پیوسته، پیوسته دو سویی
bicontinuous function	تابع دو پیوسته
bicontinuous mapping	نگاشت دو سو پیوسته
biconvex	محدب الطرفین
bicorn	دو شاخه
bicorn curve	منحنی دو شاخه
bicuspid	دو گوشه، دو دندان، دو پایه
Bid	پیشنهاد مزایده یا مناقصه

bid ask spread	اختلاف قیمت خرید و فروش
bid bond	ضمانتنامه شرکت در مناقصه یا مزایده
bid price	قیمت پیشنهادی خرید
Bidder	پیشنهاد دهنده مزایده یا مناقصه
bidual	همزاد دوم، دوگان دوم، همتای دوم
bidual space	فضای دوگان دوم
bieberbach conjecture	حدس بییرباخ
bifocal	دو کانونی
big	بزرگ
Big Bang	استقرار یکباره
Big Bang Approach	رویکرد و استقرار یکباره
big board	بوس (سهام) نیویورک

big crunch	انهدام بزرگ
big M method	روش M-بزرگ
big M method analysis	آنالیز روش M بزرگ
bigraph	گراف دو بخشی
biharmonic	دو هماهنگ، دو همساز
biharmonic boundary value problem	مسأله مقدار مرزی همساز دوگانه
biharmonic function	تابع همساز دوگانه
biholomorphic mapping	یک ریختی تحلیلی
bijection	تابع دو سو، نگاشت دو سو، دوسویی، نگاشت دو سویی، نگاشت یک به یک و پوشا
bijection mapping	نگاشت دو سویی، دو سویی، نگاشت دو سو
bijective	دو سویی، متقابل، نگاشت دو طرفه، گسترش
bijective correspondence	

	رابطه دو سویی
bijection function	
	تابع پوشا، تابع دو سو
bijection transformation	
	تبدیل دو سو، تبدیل دو خطی
bilateral	
	دو طرفه، دو جانبه
bilinear form	
	صورت دو خطی، صورت مضاعف خطی، فرم دو خطی
bilinear	
	دو خطی
bilinear form	
	فرم دو خطی
bilinear functional	
	تابعک دو خطی
bilinear interpolation	
	درون یابی دو خطی
bilinear mapping	
	تبدیل دو خطی، نگاشت دو خطی
bilinear operation	
	عمل دو خطی
bilinear transformation	
	تبدیل دو خطی
Bilingual	

	دو زبانه
Bill	
	صورتحساب – قبض
Bill for collection	
	برات وصولی
Bill holder	
	دارنده برات
Bill in blank	
	برات سفید
Bill of Exchange	
	برگ سفته- برات
Bill of exehage	
	برات ارزی
Bill of Lading	
	بارنامه
bill of loading	
	بارنامه کشتی، بارنامه حمل کالا
bill of material	
	صورت ریز مواد، لیست مواد
Bill of Material Processors	
	پردازشگرهای لیست مواد
Bill of Materials	
	صورت مواد ، فهرست قطعات
Bill of Service	

لیست خدمات یا صورتحساب خدمات
bill payable
سفته های پرداختی، اسناد پرداختی، برات پرداختی
Bill renewal
تمدید برات
billet
شمش چهارگوش، شمش سبک
billing
نوشتن صورت حساب
billion
میلیارد، بیلیون، در آمریکا ۱۰۹، در انگلستان ۱۰۱۲
Bills Payable
صورت حسابهای پرداختی – اسناد پرداختی
bimetallic strip
زوج فلز تسمه ای، نوار دو فلزی، تسمه دو جنسه
bimodal
دو نمایی، دو مدی
bimodal distribution
توزیع دو مدی
bimodule
دو مدول
binary
در مبنای دو، دو تایی، دودویی، دو جایی، دو گانه، پایه دودویی، مضاعف، دو وضعیتی، مزدوج

binary arithmetic	حساب در مبنای دو
binary base	مبنای دو، پایه دو
binary binet's rule	قاعده بینه دودویی
binary connective	ادات دو طرفی، اادات دو تایی
binary counter	شمارنده دودویی
binary digit	بیت، رقم دودویی
binary experiment	آزمایش دوتایی
binary fission	انشقاق دویی
binary logarithm	لگاریتم دودویی
binary number system	دستگاه اعداد دودویی، دستگاه اعداد در مبنای دو، دستگاه دودویی
binary operation	عمل دوتایی، قانون ترکیب داخلی، عمل دو جایی
binary relation	

رابطه دوتایی	
binary scale	
مقیاس دودویی	
binary system	
دستگاه دودویی، دستگاه اعداد دودویی، دستگاه عددنویسی پایه دو، دستگاه اعداد مبنای دو، دستگاه دوتائی	
binary tree	
درخت دودویی	
binary tree traversal	
پیمایش درخت دودویی	
bind	
مرتبط کردن، بستن	
binding constraint	
محدودیت الزام آور	
binding constraints active tight	
محدودیت های فعال مار تنگ	
binet formula	
فرمول بینه	
binomial	
دو جمله ای	
binomial approximation	
تقریب دو جمله ای	
binomial array	
مثلث خیام-پاسکال	

binomial coefficient	ضریب دو جمله ای
binomial coefficients	ضرایب دو جمله ای، ضریب های دو جمله ای
binomial congruence	همنهشتی دو جمله ای
binomial distribution	توزیع دو جمله ای
binomial distribution law	قانون توزیع دو جمله ای
binomial equation	معادله دو جمله ای
binomial expansion	بسط دو جمله ای، بسط نیوتن
binomial expression	عبارت دو جمله ای
binomial formula	فرمول دو جمله ای
binomial indicatrix	نشانگر قائم دوم
binomial integral	انتگرال دو جمله ای
binomial option pricing model	مدل دو جمله ای قیمت گذاری اختیار معامله

binomial probability distribution	پخش احتمال دو جمله ای، توزیع احتمال دو جمله ای
binomial series	سری دو جمله ای
binomial theorem	قضیه دو جمله ای، دستور دو جمله ای، دو جمله ای نیوتن
binomial trial	امتحان دو جمله ای
binormal	بی نرمال، قائم دوم، هنجار دوم، دو ستون
binormal indicatrix	نشان گر قائم دوم
bioassay	آزمون زیستی
biorthogonal	دو متعامد، دو متعامدی
bipartite	دو قسمتی
bipartite graph	گراف دو بخشی
bipoint	دو نقطه
bipolar	دو قطبی

bipolar coordinates	مختصات دو قطبی
bipolar theorem	قضیه دو قطبی
bipunctual coordinates	مختصات نسبت به دو نقطه
bipyramid	دو هرم با قاعده مشترک، هرم مضاعف
biquadratic	درجه چهارم، دو مجذوری
biquadratic equation	معادله دو مجذوری، معادله درجه چهارم
bird in the hand argument theory	نظریه (استدلال) پرنده در دست
birectangence	دو انکساری، دو شکستی
birectangular spherical triangle	مثلث کروی دو قائمه ای
birkhoff integral	انتگرال برکاف
birth	تولد
birth and death	تولد و مرگ

birth and death process	فرایند زاد و مرگ
birth process	فرایند زاد
birth rate	میزان تولد
bisect	دو نیمه کردن، نصف کردن
bisect in area	منصف در مساحت
bisection	تتصیف، دو بخشی، نیمسازی
bisection method	روش تتصیف
bisection transposition method	روش تتصیف-تراش
bisector	منصف، نیمساز
bisector of a line segment	عمود منصف، منصف یک پاره خط
bisector of angle	نیمساز زاویه
bisector plane	صفحه منصف، نیمساز

bisectrix	منصف، نیمساز و خط منصف، منصف زاویه
bisquare equation	معادله دو مجذوری
bissextile	سال کبیسه
bit	بیت، نوکی، نیش، رقم دودویی، ذره، خرده
bitmap	نقشه بیتی
biunique	دو سویی، یک به یک و دو جانبه
biunique correspondence	تناظر یک به یک
biunivocal	دو سویی
biunivocal correspondence	رابطه دو سویی
biunivocal mapping	گسترش دوسویی
bivariant	دو متغیری
bivariate	دو متغیری، دو متغیره

bivariate analysis	تحلیل دو متغیره
bivariate binomial distribution	توزیع دو جمله ای دو متغیره
bivariate conditions	شرایط مرزی، شرایط حدود، شرایط کرانه ای
bivariate distribution	توزیع دو متغیره
bivariate generating function	تابع مولد دو متغیره
bivariate normal distribution	توزیع نرمال دو متغیره
bivariate normal surface	سطح دو متغیری نرمال
bivariate transformation	تبدیل دو متغیره
bivector	دو برداری
black	سیاه
black box	جعبه سیاه
black hole	چاله سیاه

Black List	لیست سیاه
bladed ejector	پران تیغه ای
bladed wheel	چرخ پره دار، چرخ پره
bland's cycling prevention rule	قاعده ممانعت دوری بلند
blanded surface	سطح آمیخته، رویه آمیخته
Blank	جای خالی- خالی
Blank Check	چک سفید
blank confirmation form	فرم تاییدیه خالی (سفید)
blank endorsement	ظهر نویسی بدون قید شرط ظهر نویسی سفید مهر
blank or zero balance confirmation	تاییدیه خالی یا بدون درج مانده حساب
Blanket	کلی
blanket insurance	بیمه کلی، بیمه جامع

Blanket Order	سفارشات کلی
blistering	طبله کردن
Block	مسدود کردن
block design	طرح بلوکی
block diagonal matrix	ماتریس قطری قطعه ای
block diagram	نمودار قطعی، نمودار خانه ای، نمودار بلوکی
block effect	اثر بلوکی
block effects	اثر های بلوکی
block matrix	ماتریس بلاکی
block multiplication	ضرب جدولی، ضرب بلوکی
block pivot	محور گیری بلوکی
block pivoting	محور گیری بلوکی

block sample selection	مقطعی)انتخاب نمونه به صورت خوشه ای (
block scanning	قطعه خوانی
blocking	قطعه بندی، قالب کردن، قالبزنی
blocking hyperplane constraint	محدودیت ابر صفحه مسدود کننده
blocking variable	متغیر بلوک بندی
blood	خون
blood pressure	فشار خون
blow	دمیدن، وزیدن
blow hole	مک هوا، حفره، مک
blue chip company	شرکت مقتدر و معتبر
blue print	چاپ آبی، نقشه محصول، چاپ اوزالید، نقشه، طرح، نقشه اوزالید
blue sky laws	

قوانین ایالتی حمایتی از حقوق سرمایه گذاران	
blueprint for fraud	طرح تقلب
blunder	خطب
board of director's	هیات مدیره
Board of government	هیئت مدیره
Board of Trade Clearing Corporation	شرکتی مستقل در بازار سهام شیکاگو که تمامی معاملات انجام شده در این مرکز توسط آنها به تایید نهایی رسیده و گارانتی می شود.
board of trustees	هیات امنا
bob	شاقول، وزنه
body	جسم، بدنه
BOE	بانک مرکزی انگلستان
bogie	چرخ جفتی، واگن تخت، واگن بی لبه
boil	

	جوشیدن، جوشش
boiler	
	ظرف، شکل
BOJ	
	بانک مرکزی ژاپن
bold face type	
	حروف سیاه برجسته
bolster plate	
	صفحه بالشتک
Boltzmann constant	
	ثابت بولتسمان
boltzmann costant	
	ثابت بولتسمان
Boltzmann equation	
	معادله بولتسمان
boltzmann relation	
	رابطه بولتسمان
bolyai geometry	
	هندسه بویایی
bolzano weierstrass theorem	
	قضیه بولتسانو-وایر اشتراس
bolzano's theorem	
	قضیه بولزانو
bond	

	قرضه
bond carrying amount	ارزش دفتری اوراق قرضه
bond conversion	دیل اوراق قرضه
bond discount	تنزیل اوراق قرضه، تنزیل اوراق بهادار
bond discount amortization	امضای کسر اوراق قرضه
Bond holder	صاحب سهم
Bond issue	انتشار اوراق قرضه
bond pricing	قیمت گذاری اوراق قرضه
bond rating	رتبه بندی (تعیین درجه یا کیفیت) اوراق قرضه
bond refunding decision	تصمیم جایگزینی اوراق قرضه
bond swapping	معاوضه اوراق قرضه
bonding facilities	تسهیلات استفاده از اوراق قرضه، امکان استفاده از اوراق قرضه

Bonds	اوراق قرضه، اوراقی با ارزش اسمی و نرخ بهره معین در یک دوره زمانی معین. اوراق قرضه می تواند هم از طرف دولت و هم از سوی بخش خصوصی منتشر شود.
bonds payable	اوراق قرضه پرداختی
bonds payable premium	صرف اوراق قرضه پرداختی
Bonnet mean value theorem	قضیه مقدار میانگین بونه
bonnet theorem	قضیه بونه
Bonus	پاداش، جایزه – کالای مجانی از یک نوع قلم کالای فروخته شده
bonus plan hypothesis	نظریه (فرضیه) طرح پاداش
bonus plans	طرح های پاداش
Book	دفتر
book keeping	دفترداری
book of original entry	دفتر روزنامه

book to market	ارزش دفتری به قیمت بازار
book value	ارزش دفتری
book value method	روش ارزش دفتری
book value of a plant asset	ارزش دفتری (دارایی ثابت مشهود)
book value of the equity	ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
book value per share	ارزش دفتری هر سهم
book value per share of common	ارزش دفتری هر سهم عادی
Bookkeeping procedures	روشهای دفتر داری
bookkeeping system	سیستم دفتر داری
books of original entry	دفاتر فانونی
boolean	بولی، بولیین
Boolean algebra	جبر بولی

boolean algebra	جبر بول
boolean equation	معادله بولی
boolean expression	عبارت بولی
boolean function	تابع بولی
boolean lattice	مسأله بولی، جبر بولی
Boolean logic	منطق بولی
boolean matrix	ماتریس ۰ و ۱، ماتریس بولی
boolean notation	نمادگذاری بولی
boolean operation	عمل بولی
boolean operations	عمل های بولی
boolean product	ضرب بولی، حاصل ضرب بولی
boolean ring	حلقه بولی

Boolean space	فضای بولی
boom market	بازار پررونق بازار داغ
booster	توان افزای، فشار افزای، توان افزا
bootstrap loader	بار کننده خود راه انداز
border	کران، کنار، لبه، کناره، مرز، دوره، سرحد، مرز، حاشیه، مرز بستن
border line	خط مرزی
border price	قیمت مرزی
bordered hessian determinant	دترمینان مرزی هسین
bore	سوراخ کردن، سوراخ، دهانه، قطر داخلی، حفره، کردن قطر داخلی لوله، روزنه، گرد
borel class	رده بورل، کلاس بورل
borel field	هیأت بورل، رده بورل
Borel Lebesgue theorem	

قضیه بورل-لبگ	
Borel measurable	
برل – اندازه پذیر	
Borel measurable function	
تابع برل – اندازه پذیر	
Borel measure	
اندازه بورل	
Borel sets	
مجموعه های بورل	
boring mill	
فرز سوزاخ تراشی، میله داخل تراشی	
Borrow	
قرض گرفتن	
borrower	
استقراض کننده	
Borrowing	
استقراض - وام گیری	
Bose Einstein distribution	
توزیع بوز-اینشتین	
boss centered leadership	
رهبری با تمرکز روی مدیر	
boston stock exchange (bse)	
بورس سهام بوستون	
both inclusions	

این دو رابطه شمول	
both quotients	
	هر دو کسر
Bott generators	
	مولد های بوت
bott genertor	
	مولد بوت
bott isomorphism	
	یکریختی بوت
bottleneck	
	گلوگاه تنگنا
Bottle-Neck	
	تنگنا- گلوگاه
bottom	
	ته، پایین، کف، در پایین
bottom line	
	سطر آخر نتیجه نهایی
bottom up	
	پایین به بالا
bottom up forecasting	
	پیش بینی بر مبنای از پایین به بالا
bottoming tap	
	قلاویز پسرو، قلاویز نهایی، قلاویز انتها رزوه کن
bouncing	

	برگشت
bound	
	کران
bound from above	
	کراندار از بالا
bound from below	
	کران دار از پایین
bound index	
	اندیس مقید
bound occurrence	
	مورد پابند
bound of a function	
	کران تابع
bound variable	
	متغیر پابند، متغیر مقید
boundary	
	مرز
boundary above	
	از بالا کراندار، کران دار از بالا
boundary condition	
	شرط مرزی
boundary conditions	
	شرایط مرزی، شرایط کرانی، شرایط حدی
boundary equation	

boundary layer	معادله مرزی، معادله حدی
boundary line	لایه مرزی
boundary of a set	خط مرزی، دوره، مرز
boundary of opportunity set	مرز مجموعه
boundary operator	حد و مرز مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری
boundary point	عملگر مرزی
boundary point of a set	نقطه مرزی، نقطه کرانه‌ای
boundary set	نقطه مرزی یک مجموعه
boundary space	مجموعه مرزی
boundary value problem	فضای مرزی
boundary values	مسئله مقدار مرزی
boundaryless	مقادیر مرزی

نامحدود، بی لبه، بی کران
bounded
کراندار، محدود، کرانه دار، محصور، پایاندار
bounded above
از بالا محدود باشد به، از بالا محدود، از بالا کراندار، کراندار از بالا
bounded away from zero
کراندار دور از صفر
bounded below
از پایین محدود، از پایین کراندار، کراندار از پایین
bounded by
محدود به
bounded convergence
همگرایی محدود
bounded convergence theorem
قضیه همگرایی (دنباله های) کراندار، قضیه همگرایی محدود
bounded distance
فاصله کراندار، دوری کراندار
bounded distributive lattice
شبکه پخش پذیر کران دار
bounded from above
کراندار از بالا
bounded from below

کران دار از پایین	
bounded from the left	
محدود از چپ	
bounded from the right	
محدود از راست	
bounded function	
تابع کراندار، تابع محدود	
bounded interval	
فاصله کراندار، بازه کراندار	
bounded linear operator	
عملگر خطی کراندار	
bounded linear transformation	
تبدیل خطی کراندار	
bounded matrix	
ماتریس کراندار	
bounded measurable function	
تابع اندازه پذیر کراندار	
bounded measure	
اندازه کراندار	
bounded measure space	
فضای اندازه کراندار	
bounded metric space	
فضای متریک کراندار	
bounded operator	

عملگر کراندار
bounded sequence
دنباله کراندار، دنباله محدود، دنباله کناره دار
bounded set
مجموعه کراندار
bounded sets
مجموعه های کراندار
bounded simplex algorithm
الگوریتم سیمپلکس محدود
bounded simplex tableau
جدول سیمپلکس کران دار
bounded subset from the left
بخش کراندار از پایین
bounded subset from the right
بخش کراندار از بالا
bounded system
دستگاه مقید
bounded uniform space
فضای یکنواخت کراندار
bounded variable
متغیر کراندار
bounded variables
متغیر های محدود، متغیر های با پایان، متغیر های حد دار، متغیر های کراندار

bounded variables case	حالت متغیر های کران دار
bounded variation	با تغییرات محدود، تغییر کراندار
boundedly	به طور کراندار، محدودا، به طور محدود، کران دار
boundedly convergence	همگرایی کراندار، همگرایی محدود
boundedly convergence sequence	دنباله همگرای کراندار، دنباله محدودا همگرا
boundedness	کراندار
boundedness principle	اصل کراندار
boundedness theorem	قضیه کراندار
boundless	نامحدود، بی کران
Bounty	کمک هزینه دولتی
Bourse	بورس
bow	کمان، قوس، خم شدن

bow compass	نوعی پرگار
bow compasses	پرگار کروی
bowl	کاسه، پیاله، کاسه راهنما، جام
box	مربع، خالی
box design	طرح مستطیلی، طرح جعبه ای
box jig	جیگ صندوقی
brace	ابرو، آکولاد، آغوشک
braces	دو ابرو، آکولاد
brachistochrone	خم کوتاه ترین زمان
brachistochrone problem	مسأله خم کوتاهترین زمان
Bracket	براکت
bracket function	تابع درست، تابع بخش، درست

bracket product	حاصلضرب کروشه ای
bracketing method	روش محاصره، روش محدود سازی
brackets	کروشه های []
Branch	شعبه
branch bank accounts	حسابهای بانکی شعبه
Branch banking	بانکداری شعبه ای
branch books	دفاتر شعبه
branch cut	برش فرعی، بریدگی شاخه ای
branch inventory	موجودی کالای شعبه
branch of a curve	شاخه یک منحنی
branch of a function	شاخه تابع
branch of a hyperbola	شاخه یک هذلولی

branch operation	عملیات شعبه
branch point	نقطه انشعاب، نقطه شاخه، نقطه فرعی، نقطه شاخه ای
branched chain	زنجیره شاخه وار
branching	شاخه ایجاد کردن، شاخه ای
branching process	فرایند شاخه ای
Brand	علامت ساخت – مارک
brand names	نامهای تجاری
Brauer group	گروه براوئر
brauer theorem	قضیه براوئر
Breach	نقض
breach of contract	نقض قرارداد
breadth	عرض، پهنا، پهنه

breadth first search	جستجوی عرضی، جستجوی ردیفی
break	قطع
break down	تجزیه کردن
break even	سر به سر شدن، بی سود، سر به سر
break even analysis	تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر، تجزیه و تحلیل سر به سر، تحلیل نقطه سر به سر
break even chart	نمودار نقطه سر به سر
break even point	نقطه سر به سر
break even time (bet)	زمان سر به سر
breakdown	از کار افتادگی
breakeven	صاف شدن، بر به بر شدن
breath of market	عمق بازار
Bretton Woods system	

سیستم برتون وودز
Brianchon theorem
قضیه بریانشون
Bribe
رشوه
bridge
پل
bridge crane
جرثقیل پلی
bridge deck
یک دسته ورق بازی
bridge of a graph
پل گراف
bridge welding
جوش پل واره
briefly
مختصراً
briggs logarithm
لگاریتم بریگس
briggs logarithm base
مبنای لگاریتم بریگس
bring into
به روی بردن، مورد دقت قرار دادن، گذاشته شدن
british association thread

پیچ اتحادیه مهندسين انگلیسی	
broad	عریض، پهن، گشاده، منبسط
Broad Money	
مبلغی پول در هر شکل اعم از سپرده در بانک و یا بصورت مسکوک و اسکناس	
broaden	تعریض، پهن کردن
broadway	
از عرض، از پهنا	
broadwise	
از عرض، از پهنا	
broken	
شکسته، منکسر	
Broken date	
تاریخ انقضاء قرار داد، نرخ مبادله سلف برای یک دوره زمانی غیر استاندارد. دوره های زمانی استاندارد به صورت یک هفته ای، دو هفته ای، ۱۲، ۶، ۳، ۲، ۱ ماهه	
broken interval	
فاصله منقطع	
broken line	
خط شکسته، خط منکسر	
Broker	
کارگزار، شخص یا موسسه ای که در ازای دریافت کمیسیون کار واسطه گری را در مبادلات مالی انجام می دهد.	

Brokerage	حق دلالی
Brokerage Fee	کمیسیون دریافتی کارگزار از معامله گران در ازای انجام یک معامله.
brokerage fees	حق الزحمه کارگزاری
brought forward ...	نقل از صفحه ...
brouwer's fixed point theorem	قضیه نقطه ثابت براور
brownian motion	حرکت براونی
browser	بررسی کننده
browsing	بررسی
btran	پسرو
bubble	حباب، جوشیدن
bucket	سبد، ملاغه، سطل
bucket conveyor	

	نقاله سطلی
bucket elevator	
	بالابر سطلی زنجیره ای
buckle	
	سگک، قلاب، کمانه کردن
budan's theorem	
	قضیه بودان
budget	
	بودجه
Budget (Deficit)	
	بودجه، کسری بودجه
Budget Allocation	
	اختصاص دادن بودجه
budget allotment	
	تخصیص بودجه
budget amendment	
	اصلاح بودجه
Budget Approval	
	تایید بودجه
Budget Ceiling	
	سقف بودجه
budget committee	
	کمیته بودجه
budget deficit	

	کسری بودجه
budget director	
	مدیر بودجه
budget execution	
	اجرای بودجه
budget manual	
	دستورالعمل بودجه راهنمای بودجه
budget of survey	
	بودجه آمارگیری
budget slush	
	بودجه مخفی / سری
budget surplus	
	مازاد بودجه
budget variance	
	انحراف بودجه
budgetary accounting	
	حسابداری بودجه، حسابداری بودجه ای
budgetary accounts	
	حسابهای بودجه ای
budgetary control	
	کنترل بودجه
budgetary control principle	
	اصل کنترل بودجه ای
budgetary slack	

متغیر مجازی بودجه ای
budgeted
بودجه شده
budgeted balance sheet
ترازنامه بودجه شده
budgeted cost
هزینه (بهای تمام شده) بودجه شده
budgeted income statement
صورت سود و زیان بودجه شده
budgeted overhead
سربار بودجه شده
budgeting
بودجه بندی (ریزی)
budgeting gamesmanship
شگرد بودجه بندی
budgeting procedures
ریزی روشهای (رویه های) بودجه بندی (
buffer
میانگیر، سپر، واسطه، گردآورنده، ضربخور، ذخیره کننده موقت، ضربگیر، حافظه واسطه ای کامپیوتر
buffer gate
دریچه میانگیر
buffer stock
موجودی محافظ، موجودی ذخیره، موجودی واسطه

buffon needle problem	مسأله سوزن بوفون
buffon's needle	سوزن بوفون
buffon's needle problem	مسأله سوزن بوفون
bug	خطا، اشکال
Build	ساخت
build in	از پیش آماده
build mission	رسالت کاشت / ایجاد
build out of	ساخته شدن از، از ... ساختن
build up	ایجاد کردن، ساختن
building acceptance	پروانه ساختمان
building hand over	تحويل ساختمان
building modification costs	مخارج تعدیلات ساختمان

building permission	پروانه ساختمان
building society	موسسه/مجمع مالی اعتباری (مسکن)
Buildings	ساختمانها
built in	سر خود، تعبیه شده
built up	انباشته، انباشت، روکش
bulb	توپی، تابانه، لامپ
bulging	باد کردن
bulging die	قالب گشادکننده
bulk	تنه، جسم، توده، انبوه، حجیم، دسته جمعی
bulk arrival	ورود گروهی
Bulk Cargo	بار فله
bulk queue	صف دسته ای

bulk sampling	نمونه گیری قله ای، نمونه گیری دسته ای
bulk service	خدمت گروهی
Bull buying	پیش خرید
bull market	بازار پررونق
Bullish	صعودی
Bullish (Market)	گاؤ نر، روند افزایشی در نمودار قیمت
bumps	به هم ریختگی
Bundle	گروهی از اقلام که می‌توان آنها را با قیمت ویژه‌ای کمتر از جمع تک تک آنها فروخت، دسته
bundle group	گروه کلافی
bundle mapping	نگاشت کلافی
bundle morphism	ریختی کلافی
bundle of circles	

	دسته دواير، اشعه دواير
bundle of lines	
	بافه خط
bundle of planes	
	دسته صفحات، بافه صفحه
bundle space	
	فضای کلافي، فضای کلی
Bundling and Unbundling	
	قرار دادن اجزای مختلف یک محصول در کنار هم و تشکیل یک محموله
bunker	
	مخزن، سيلو، انبار
buoy	
	شناور ساختن (معلق ساختن)
buoyancy	
	شناوری
buoyancy force	
	نیروی شناوری
buoyant	
	شناور (معلق)
buoyant force	
	نیروی بالابر
bureau	
	اداره کل، دفتر

burnside theorem	قضیه برنساید
burrel tumbling	گرداندن بشکه ای
burst event	واقعه جوششی
bush	بوش زدن، بوش انداختن، بوش
bushel	مقیاس وزن معادل ۴ پک و ۳۲ کوارتز، پیمانۀ غله و میوه معادل ۳۶ لیتر
Business Solution Mapping	طراحی راه حل کسب و کار
Business	کسب و کار
business administration	مدیریت بازرگانی
business combination	ترکیب بخاری
business cycle indicators	شاخص های چرخه تجاری
business day	روزکاری روز غیر تعطیل
Business document	

سند و مدرک تجاری
business enterprise
واحد تجاری (انتفاعی)
business entity
واحد تجاری (انتفاعی)
Business entity concept
مفهوم شخصیت تجاری
business environment
محیط تجاری
business failure
ناتوانی در پرداخت اصل و فرع تعهدات (بدهیها) شکست تجاری
business function costs
هزینه های انجام فعالیت تجاری
business functions for the sales and collection
فعالیت های تجاری چرخه فروش و وصول مطالبات
business intelligence (bi) system
سیستم هوشمند تجاری ()
business law
قانون تجارت
Business Management
مدیریت کار و کسب
Business organizations
سازمان های تجاری

Business Plan	طرح کسب و کار
Business Process Reengineering	مهندسی مجدد فرآیندهای تجاری، کاری
business process reengineering (bpr)	مهندسی مجدد فرایند تجاری ()
business reengineering	مهندسی مجدد تجاری
business relations	روابط تجاری
business risk	ریسک تجاری
business system	نظام کاری، نظام بازرگانی
Business To Business	تجارت الکترونیکی (بنگاه با بنگاه)
Business To Consumer	تجارت الکترونیکی (بنگاه با مصرف کننده)
Business To Government	تجارت الکترونیکی (بنگاه با دولت)
Business transactions	معاملات تجاری
business unit	واحد تجاری (انتفاعی)

business valuation	تعیین ارزش واحد تجاری
business value added activity	فعالیت ارزش افزوده تجاری
Business venture	اقدامات کار و کسبی
Businessman	شاغل در کسب و کار
busy	اشغال، مشغول
busy cycle	چرخه اشتغال سیستم
busy period	دوره اشتغال
but	مگر، غیر از، که
butt	لب به لب کردن، لب به لب، سر به سر
butterfly lemma	لم پروانه ای
button clamp	گیره صفحه ای
buttress tooth	دندانه اره ای

Buy	; ; خرید، اشاره به خرید ارز، کالا یا سهام
buyback agreement	موافقتنامه (قرارداد) خرید (بیع) متقابل
buzz group	گروه غیر رسمی
by	طبق، بنا به، روش، با، از طریق، به وسیله ی
By – Product	محصول فرعی
by analogy with	بنا به تشابه با
by contrast	در مقابل آن، بر عکس
by deleting	از حذف
by far	با این حال، با این وجود
by hypothesis	بنا به فرض
by idempotency	خودتوانی، بنا به قانون خودتوانی
by inspection	با بررسی، با بررسی و تحقیق

by inspection of	با بررسی
by laws	آئین نامه ها
by means of	به وسیله ی، به کمک
by parts	جزء به جزء
by placing checks	علامت گذاشتن
by product	محصول فرعی فرآورده جانبی
by successively labeling	با برچسب زدن متوالی
by the principle of	بر اساس
by the quantity	به اندازه
by the way	به هر حال
by utilizing	با استفاده از
by virtue of	پس، طبق، بر طبق، بنا به، به کمک

by which	که از طریق آن، که بر طبق، که به وسیله آن
By-Law	آئین نامه – مقررات
Bypass	گذرگاه فرعی
C.I.F	قیمت بعلاوه هزینه حمل و نقل و هزینه بیمه
c.r (credit)	بستانکار (بس) .
Cable	کابل – تلگراف
Cable transfer	انتقال تلگرافی
Calculate	محاسبه کردن
calculation	محاسبه حساب کردن
calculator	ماشین حساب
calculus	حساب
Calendar	تقویم

Calendar (Economic)

تقویم زمان بندی انتشار شاخصهای اقتصادی

Calendar year

سال تقویمی

Calender

تقویم

call features

ویژگی های باز خرید

call for tenders

دعوت به مناقصه دعوت به همکاری

Call margin

حد خالص نقدینگی سرمایه گذار، در صورتی که معامله کننده از میزان سپرده احتیاطی که نزد کارگزار به امانت گذاشته است تجاوز کند، پیغام Call margin از طرف کارگزار به مشتری ارسال می شود.

Call Margin Warning

اخطار کسری موجودی خالص یک حساب، زمانی رخ می دهد که نرخ محصولی که توسط صاحب حساب خریداری یا فروخته شده بر عکس حرکت کند و به جایی برسد که موجودی صاحب حساب کافی نباشد، که در این حالت می بایستی افزایش موجودی داده و یا مقدار لازم از پوزیشنهای (معاملات) موجود را ببندد.

Call money

اعتبار مالی که بصورت وام بانکها برای مدت زمان بسیار کوتاهی پرداخت میکنند، و می توان نسبت به باز پرداخت آن در همان روز، یک یا دو روز بعد اخطار داد.

Call off	متوقف کردن
Call option	حق خرید یک مبلغ مشخص ارز خارجی در قیمت یا نرخ تبدیل توافق شده از فروشنده قرارداد سلف در سر رسید قرارداد
Call permium	تفاوت باز خرید
call premium	صرف باز خرید
call price	قیمت باز خرید
call privilege	امتیاز باز خرید
call provision	شرط باز خرید
callability risk	ریسک قابلیت باز خرید
callable	قابل باز خرید
callable at the option of the corporation	قابل باز خرید به انتخاب / اختیار شرکت
Callable bond	برگه بهادار قابل خرید

callable bonds	اوراق قرضه قابل باز خرید
callable preferred stock	سهام ممتاز قابل باز خرید
Cambridge equation	معادله کمبریج
Canadian Institute of Chartered Accountants	انجمن حسابداران خبره کانادا
Cancel	لغو کردن - باطل کردن
cancelability	قابل فسخ بودن
canceled checks	چکهای باطل شده
cancellation	فسخ
Cancelled debt	بدهی باطل شده
Capacitor	خازن
Capacity	ظرفیت
capacity costs	هزینه های مربوط به ظرفیت

Capacity Requirements Planning	برنامه‌ریزی نیازهای ظرفیتی
Capacity Utilisation	ظرفیت بهره‌وری
Capital	سرمایه
Capital account	حساب سرمایه
capital acquisition repayment cycle	چرخه تحصیل سرمایه و بازپرداخت
capital asset	دارایی سرمایه‌ای ثابت دارایی بلند مدت
Capital Asset Pricing Model	مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای
capital asset pricing model (capm)	مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای
Capital assets	دارایی‌های سرمایه‌ای
capital budgeting	بودجه‌بندی سرمایه‌ای بودجه‌بندی پروژه‌های بلند مدت سرمایه‌گذاری
capital charge	مخارج سرمایه‌هزینه سرمایه
capital commitments	

تعهدات سرمایه ای
Capital Consumption Allowance
کسر مصرف سرمایه
Capital efficiency
کارایی سرمایه
Capital equipment
تجهیزات سرمایه ای
Capital Expenditure
هزینه های سرمایه ای
capital expenditures
مخارج سرمایه ای
capital expenditures budget
بودجه مخارج سرمایه ای
Capital flow
جریان سرمایه
capital formation
تشکیل سرمایه
capital formation gain or loss
سود یا زیان تشکیل سرمایه
Capital gain
عایدی سرمایه ای
Capital goods
کالای سرمایه ای
Capital Investment

capital investment decisions	سرمایه گذاری ثابت
Capital investment loan	تصمیمات سرمایه گذاریهای بلند مدت
capital lease	وام سرمایه گذاری
Capital loss	اجاره سرمایه ای اجاره بلند مدت
capital maintenance	زیان سرمایه ای
capital maintenance approach	حفظ (نگهداشت) سرمایه
capital maintenance measure	روش حفظ (نگهداشت) سرمایه
Capital market	معیار حفظ سرمایه
capital market disorders	بازار سرمایه
capital market line (cml)	اختلالات (بی نظمی های) بازار سرمایه
capital markets	خط بازار سرمایه
Capital mortgage	بازارهای سرمایه

رهن سرمایه	
Capital not paid in	
سرمایه پرداخت نشده	
capital projects fund	
حساب مستقل پروژه های عمرانی حساب مستقل پروژه های سرمایه گذاری بلند مدت	
capital rationing	
جیره بندی سرمایه	
Capital reserve	
اندوخته یا ذخیره سرمایه ای	
Capital resources	
منابع سرمایه ای	
Capital stock	
سهام سرمایه	
capital stock certificate book	
دفتر ثبت مالکیت سهام سرمایه	
capital structure theory	
تئوری (نظریه) ساختار سرمایه	
Capital supply	
سرمایه به صورت سهام	
capital uses	
مصارف سرمایه	
Capitalization	
توزیل سرمایه	

capitalization criteria	معیارهای سرمایه‌ای کردن
capitalization guidelines for expenditures	رهنمودهای سرمایه‌ای کردن (به حساب دارایی منظور کردن) مخارج
capitalization of income method of valuation	ارزشگذاری بر مبنای روش سرمایه‌ای کردن سود
capitalization rate	ضریب سرمایه‌ای تلقی نمودن تنزیل سرمایه
capitalization under uncertainty	سرمایه‌ای کردن در شرایط عدم اطمینان / ریسک
capitalization weighted market index	شاخص مبتنی بر میانگین موزون ارزش بازار سهام
Capitalize	به حساب داری بردن
capitalize a cost	سرمایه‌ای تلقی کردن مخارج به حساب دارایی بردن مخارج
capitalized costs	هزینه‌های (مخارج) سرمایه‌ای تلقی شده
capitalized lease	اجاره سرمایه‌ای شده اجاره سرمایه‌ای بلند مدت
caption	عنوان سرفصل
Card	

کارت	Card Index
کارتکس	career opportunity
فرصت شغلی	Cargo
بار - محموله	Cargo Declaration
اظهار نامه محموله	carriage and insurance paid to (cip)
پرداخت کرایه حمل و بیمه کالا تا مقصد	carriage paid to (cpt)
پرداخت کرایه حمل کالا تا مقصد	Carried forward....
نقل از	Carry
حمل کردن	Carry forward
نقل به بعد کردن	carry forward working paper
کاربرگ انتقالی به دوره های آتی	Carrying cost of capital
هزینه راکدگذاری سرمایه	carrying costs

هزینه های نگهداری	
carrying value	
ارزش دفتری ارزش انتقالی به دوره های آتی	
carrying value book value	
ارزش دفتری ارزش انتقالی به دوره بعد	
carrying value of bond	
ارزش دفتری اوراق قرضه	
carry-over	
(حسابداری) انتقال به صفحه بعد دادن	
Cartan maximum principle	
اصل غلبه، اصل ماکسیمم کارتان	
Cartesian	
دکارتی	
Cash	
صندوق، نقد کردن	
Cash account	
حساب نقد	
cash acquisition	
تحصیل نقدی	
cash audit	
حسابرسی وجوه نقد	
Cash balance	
موجودی نقد	
cash basis	

	مبنای نقدی
cash basis accounting	
	حسابداری نقدی
Cash basis of accounting	
	روش نقدی حسابداری
Cash Before Delivery	
	دریافت وجه نقد قبل از تحویل
cash budget	
	بودجه وجوه نقد
Cash cheque	
	چک نقد
Cash Conversion Cycle	
	چرخه تبدیل وجوه نقد
cash count	
	شمارش وجوه نقد
Cash credit	
	اعتبار نقدی
cash cycle	
	چرخه وجوه نقد
cash disbursements journal	
	دفتر روزنامه پرداختهای نقدی
Cash discount	
	تخفیف نقدی
cash discount period	

دوره استفاده از تخفیف نقدی
cash discounts
تخفیفات نقدی
Cash dispenser
ماشین پرداخت نقد
cash distribution plan
طرح توزیع وجوه نقد
cash distribution schedule
جدول توزیع وجوه نقد
cash dividends payable
بود سهام (نقدی) پرداختی
cash effect of transaction
نقدی معامله / مبادله
cash equivalents
مبادله‌های وجه نقد
Cash flow
گردش نقدی
Cash Flow Accounting
حسابداری جریانهای نقدی
cash flows
جریان های نقدی
cash flows from financing activities
جریانهای نقدی حاصل از فعالیتهای تامین مالی
Cash holdings

	دارایی های نقدی
cash in flows	
	جریانهای ورودی وجه نقد
Cash income	
	درآمد نقدی
Cash Management	
	مدیریت نقدینگی
Cash on delivery	
	نقد هنگام تحویل
cash on hand	
	وجودی وجه نقد صندوق
Cash On Shipment	
	تحویلی وجه نقد در هنگام ارسال
Cash order	
	صورت سفارش نقدی
cash out flows	
	جریانهای خروجی وجه نقد
cash overdraft	
	برداشت نقدی
Cash payment	
	پرداخت نقدی
Cash payments	
	پرداختهای نقدی
cash position	

	وضعیت نقدینگی
Cash projections	
	محاسبه جریان نقد
Cash purchase	
	خرید نقدی
Cash receipts	
	دریافتهای نقدی
cash receipts journal	
	دفتر روزنامه دریافتهای نقدی
cash remitted to home office	
	وجه نقد حواله / ارسال شده به اداره مرکزی
Cash reserve	
	اندوخته نقد
Cash security loan	
	وام اوراق بهادار به وثیقه نقد
cash short and over	
	وجه نقد (کسری و اضافه موجودی صندوق)
Cash spot	
	قیمت نقدی
cash squeeze	
	مشکل نقدینگی
Cash surrender value	
	ارزش واگذاری نقد
cash up approach	

روش غیر مستقیم روش مغایرت گیری
Cashback
کش بک
Cash-basis accounting
حسابداری نقدی
Cashier
تحویله‌دار
cashless
غیر نقدی
Cassionary
انتقال گیرنده
casts to account for
هزینه‌های قابل تخصیص
casus irreducibilis
حالت تحویل ناپذیر
Catalogue
کاتالوگ
catch basis accounting
حسابداری نقدی
Category
دسته بندی
causal factors
عوامل علی عوامل علت و معلولی
causality

رابطه علیت	
cause and effect diagram	
نمودار علت و معلول	
cause and effect relationship	
رابطه علت و معلولی	
Caution	
تضمین	
Cautioner	
ضامن	
CBI	
اتحادیه صنعت انگلستان	
ceiling	
سقف	
ceiling price	
قیمت سقف قیمت حد بالا نام دیگر ارزش خالص بازیافتنی	
Center for Interim Comparison	
مرکز بررسی و مقایسه اطلاعات میاندوره ای	
center for research in security prices (crsp)	
مرکز مطالعات قیمت اوراق بهادار (واقع در دانشگاه شیکاگو آمریکا)	
Center of Group	
مرکز گروه	
Central bank	
بانک مرکزی	

Central Processing Unit	واحد پردازش مرکزی
Central value	مقدار مرکزی
centralization	تمرکز گرایی
Centralized Data Base	پایگاه مرکزی داده‌ها
centralized decision making	تصمیم‌گیری متمرکز
Cents	سنت - یک صدم دلار
Certainty Equivalent	معادل یقین
certainty equivalent wealth	میزان ثروت در شرایط بدون ریسک
certainty of information	قطعیت / اطمینان‌پذیری اطلاعات
Certificate	گواهی، سند
Certificate of analysis	گواهی ارزیابی
Certificate of deposit	گواهی سپرده

certificate of incorporation	گواهی ثبت شرکت گواهی تاسیس
certificate of indebtedness	گواهی دین سند وام
Certificate of inspection	گواهی بازرسی
certificate of merit	لوح تقدیر تقدیر نامه
Certificate of origin	گواهی مبدأ
Certificate of pledge	گواهی وثیقه
certificate of practical completion	گواهی پایان (تکمیل) کار
Certificate of receipt	گواهی رسید
Certificate of stock	گواهی سهام
Certificate of Weight	گواهی وزن
certified accountant	حسابدار مستقل حسابدار رسمی
certified checks	چکهای تایید شده / تضمین شده

Certified chegue	چک گواهی شده
Certified Financial Planner	برنامه ریز رسمی مالی
Certified Information Systems Auditor	حسابرس رسمی سیستمهای اطلاعاتی
certified information systems auditor (cisa)	حسابرسی رسمی سیستمهای اطلاعاتی
Certified Internal Auditor	حسابرس داخلی رسمی مجاز
certified internal auditor (cia)	حسابرسی رسمی داخلی
Certified Management Accountant	حسابدار مدیریت رسمی خبره
certified management accountant (cma)	حسابدار رسمی مدیریت
Certified Public Accountant	حسابدار رسمی - حسابدار قسم خورده
certified public accountant (cpa)	حسابدار رسمی حسابرسی مستقل
cessation of learning	توقف یادگیری
Chain banking	بانکداری زنجیره ای

Chain Store	فروشگاه زنجیره‌ای
chairperson of the board	رئیس هیات مدیره
challenge exercise	تمرین چالشی
Change	پول خرد، تبدیل کردن
change in accounting estimate	تغییر در برآوردهای حسابداری
change in accounting principle	تغییر در اصل (اصول) حسابداری
change in equity	تغییر در حقوق مالکیت
Change in procedure	تغییر در روش
change in reporting entity	تغییر در شخصیت گزارشگری واحد اقتصادی
change in value	تغییر در ارزش
change to ... value	تغییر به مقدار ...
chaos theory	نظریه (تئوری) آشوب

chapter summary	خلاصه فصل
character	خصوصیات اخلاقی شخصیت
character classification	طبقه بندی بر مبنای خصوصیات اخلاقی
characteristic line	خط مشخصه
characteristic solution	ویژه بردار، بردار مشخصه
characteristic vector	ویژه بردار، بردار مشخصه
Charge	هزینه
Charge account	حساب اعتباری
Charge Area	حوزه هزینه
charge off	به حساب هزینه منظور کردن حذف دارایی
Charges	هزینه ها، بدهی ها
charitable contributions	کمکهای خیریه مشارکتهای نیکوکارانه

Chart	چارت – نمودار
chart of accounts	فهرست (نمودار) حسابها
charter	منشور اساسنامه آیین نامه
Chartered Accountant	حسابدار خبره – حسابدار مجاز
chartered association of certified accountants (caca)	انجمن حسابداران خبره انگلستان
Chartered bank	بانک مجاز
Chartered Financial Consultant	مشاور خبره مالی
Chartered Institute of Management Accountant	انجمن حسابداران مدیریت رسمی
Chartered Institute of Public Finance and Accountancy	موسسه رسمی مالیه و حسابداری مستقل عمومی
Chartered Public Accountant	حسابدار خبره رسمی
Charting Tool	سرویس نمودارهای قیمت که توسط برخی نرم افزارهای معامله ارائه می شود.

chartist	متخصص رسم نمودار
chattel mortgage	رهن اموال منقول
Cheap money	پول ارزان
Check	چک کردن - بررسی کردن
check (cheque)	چک
Check card	چک کارت
Check clearing and collection	تسویه چک و وصول آن
Check Number	شماره چک
Checking account	حساب جاری
Checking deposit	سپرده جاری
Cheque book	دسته چک
Cheque stub	ته چک

Cheque to bearer	چک در وجه حامل
chi square test	آزمون کای به توان دو
chief accountant	حسابدار ارشد حسابدار کل
Chief Executive Officer	مسئول ارشد اجرایی سازمان، مدیر عامل
chief executive officer (ceo)	مدیر عامل
Chief Financial Officer	مقام مالی ارشد
chief financial officer (cfo)	مدیر ارشد مالی معاونت مالی
chief operating officer	مدیر ارشد عملیاتی
Chink	پول خرد
choice criterion	معیار انتخاب
choice theory	تئوری (نظریه) انتخاب
chord	وتر

chronological records	اسناد و مدارک زمانی (تهیه شده بر حسب زمان)
cia (certified internal auditor)	حسابرسی داخلی خبره حسابرس رسمی داخلی
cia adapted	اقتباس شده از آزمون حسابرسان رسمی داخلی آمریکا
cima (certificate in management accounting)	گواهینامه رسمی حسابداری مدیریت
Cincinnati Stock Exchange	بورس سهام سینسیناتی
cincinnati stock exchange (cse)	بورس سهام سین سیناتی
circle	دایره
circuit	مدار
Circular Cheques	چکهای در گردش
Circular Flow	جریان دوری
Circular permutation	جایگشت دوری
Circular- Permutation	جایگشت دوری

circulating capital	سرمایه در گردش سرمایه جاری
Circuler permutation	جایگشت دوری
circumference	محیط دایره
cisa (certified information system auditor)	حسابرس رسمی سیستمهای رایانه ای اطلاعاتی
City bank	بانک شهر
Claim	ادعا - مطالبه
claim on assets	ادعا بر داراییها
claim on income	ادعا بر سود
Claim under a guarantee	مطالبه بر اساس ضمانت نامه
Claimable	قابل مطالبه
Claimant	مدعی
claims	ادعاها

clarity	شفافیت
classes of inventories	انواع مختلف موجودی کالا طبقات مختلف موجودی کالا
classes of transactions in the sales and collection cycle	گروه معاملات چرخه فروش و وصول مطالبات
classical variables sampling	نمونه گیری سنتی بر اساس متغیرها
Classification	دسته بندی
classification error	اشتباه (خطای) طبقه بندی
Classification issue	بحث طبقه بندی
classified balance sheet	ترازنامه طبقه بندی شاه
Classify	طبقه بندی کردن
Clause	ماده قانون
Clean credit	اعتبار بدون سند
Clean draft	

	برات بدون شرط
Clean letter of credit	
	اعتبار نامه ساده
Clean payment	
	پرداخت ساده
clean report	
	گزارش مقبول (حسابرسی)
clean surplus theory	
	تئوری مازاد خالص
cleaning of the site	
	برچیدن کارگاه
Clear	
	ترخیص، ترخیص کردن
clearance certificate	
	برگ تصفیه حساب گواهی ترخیص
Clearing agreement	
	موافقت نامه تهاتر
Clearing bank	
	بانک تسویه کننده
Clearing facilities	
	تسهیلات پایاپای
Clearing house	
	اتاق پایاپای
clearinghouse	

اتاق پایایی	
clerical accuracy	
صحت محاسباتی	
Client	
مشتری	
client business risk	
ریسک تجاری صاحبکار	
Client Server	
مدل سرور - کاربر	
Climate (Business)	
وضعیت اقلیمی، اشاره به شاخصهای مربوط به وضعیت تجاری هر کشور	
Climates	
شرایط اقتصادی	
Close	
بسته	
close end fund	
صندوق سرمایه گذاری با سرمایه ثابت	
Closed economy	
اقتصاد بسته	
closed end fund	
صندوق مشترک سرمایه گذاری با سرمایه محدود (ثابت)	
closed end investment company	
شرکت سرمایه گذاری با سرمایه محدود (ثابت)	

Closed Loop MRP	تهیه مواد به صورت حلقه بسته
Closed Trade P/L	سود یا ضرر قعطی معامله بسته شده
closely held corporation	شرکت سهامی خاص
closing balance	مانده آخر دوره
closing day	روز بستن حسابها آخرین روز دوره حسابداری
closing entries	ثبتهای بستن حسابها
Closing journal entries	ثبتهای روزنامه بستن حسابها
Closing of account	بستن حساب
Closing out	پوشش یک معامله باز (اوراق قرضه دولتی، ارزها یا کالاها) با یک معامله هج مساوی و خلاف جهت آن
Closing price	قیمت در زمان بسته شدن بازار
Closing process	فرآیند بستن حسابها
closing the accounts	

	بستن حسابها
closing the books process	
	فرآیند بستن حسابها و دفاتر
closure	
	بست
Clustering	
	همبندی / خوشه بندی
cma (certified management accountant)	
	حسابدار رسمی مدیریت
cma adapted	
	اقتباس شده از آزمون حسابداران رسمی مدیریت امریکا
co ownership	
	مالکیت مشاع / مشترک
coaxial	
	هم محور
Co-contraction / Cocontraction	
	هم انقباضی
code of conduct	
	آئین رفتار و کردار حرفه ای
code of ethics	
	آئین رفتار حرفه ای
code of professional conduct	
	آئین رفتار حرفه ای
Coded account	

حساب ریزی	
codependency	
وابستگی متقابل	
Codes of professional conduct	
مقررات و اصول رفتار حرفه ای	
codification approach	
رویکرد / دیدگاه قانونی	
coding the books	
کدبندی کردن دفاتر	
coefficient	
ضریب	
coefficient of correlation	
ضریب همبستگی	
coefficient of determination	
ضریب تعیین (تشخیص)	
coefficient of interest	
ضریب بهره	
coefficient of nondetermination	
ضریب عدم تعیین (تشخیص)	
Coefficient of Variance	
ضریب انحراف	
coefficient of variation (cv)	
ضریب تغییر (ات)	
cofinal object	

شء آغازى	
Coin	سكه
Coinage	سكه زنى
Coinage prerogative	امتياز ضرب سكه
coincident indicators	شاخص هاى همزمان
Collateral	برات وثيقه دار
Collateral loan	وام وثيقه دار
collateral trust bonds	اوراق قرضه امانى رهنى
Collect	وصول كردن
collectability	قابليت وصول
Collectable	قابل وصول
Collecting	جمع آورى - گردآورى
Collection	

	وصول
Collection Charges	
	هزینه های وصول
Collection department	
	اداره وصول
Collection fee	
	کارمزد وصولی
collection from customers	
	وصولی از مشتریان
collection method	
	روش وصول
Collection order	
	دستور وصول
collection policy	
	سیاست وصول مطالبات
Collection teller	
	باجه دریافت
collusion	
	همدستی تبانی
collusive pricing	
	قیمت گذاری تبانی شده
column	
	ستون
columnar journal	

دفتر روزنامه چندستونی
COM membership
اجازه عضویت و معامله کالا توسط اشخاص مستقل در بورس شیکاگو
Combination
ترکیبیات
combined financial statements
صورت‌های مالی ترکیبی
combined leverage
اهرم مرکب
combining contracts
ادغام کردن قراردادها
comfort letter
تاییدیه حسابرس مستقل نامه اطمینان دهی
Command Of Goods in General
قدرت عمومی خرید کالا
commander theory
تئوری مدیریت نظریه سلسله مراتب
Commerce
بازرگانی
Commercial
تجاری
Commercial account
حساب تجاری

Commercial bank	بانک تجاری
commercial credit	اعتبار تجاری (بازرگانی)
Commercial Department	اداره بازرگانی – بخش بازرگانی
Commercial invoice	صوت حساب تجاری
Commercial letter of credit	اعتبار نامه تجاری
Commercial loan	وام تجاری
Commercial Ministry	وزارت بازرگانی
Commercial paper	اوراق بهادار تجاری
Commission	حق العمل کاری- کمیسیون
Commission (Fee)	حق العمل، کمیسیون دریافتی در ازای انجام سفارش خرید و فروش که بسته به نوع قرار متفاوت می باشد.
commission rate	درصد کمیسیون درصد حق الزحمه
Commitment	

تعهد
Commitment Budgeting
تعهد و الزام برای بودجه گذاری تعهد برای تعلق بودجه
Commitment fee
حق تعهد
commitments
تعهدات
committed cost
هزینه / مخارج تعهد شده
committed fixed expenses
هزینه های ثابت تعهد شده
Committee
کمیته
Committee on Accounting Procedure
کمیته تدوین رویه های حسابداری
committee on accounting procedures (cap)
کمیته تدوین روشهای حسابداری
Commodity
کالا - محصول
commodity bond note
اراق قرضه / اسناد منتشره به پشتوانه موجودی کالا
Commodity Credit Corporation
شرکت اعتبارات کالا
Commodity equilibrium

تعادل بازار کالا
Commodity Exchange
بازار کالا
Commodity Futures Trading Commission
کمیسیون معاملات سلف کالا
Commodity loan
وام کالائی
common body of knowledge (cbk)
مجموعه ای از دانش متعارف
Common Business Oriented Language
زبان معمول برنامه نویسی تجارت کوبول
common cost
هزینه های عمومی هزینه مشترک
common factor
عامل مشترک
common fixed expenses
هزینه های ثابت عمومی هزینه های ثابت مشترک
common law
عرف حقوقی
common sense
عقل سلیم درک عمومی
common size balance sheet
ترازنامه همگن شده ترازنامه هم مقیاس
common size statements

صورت‌های مالی هم مقیاس (همگن شده)	
Common stock	سهام عادی
common stock equivalents (cses)	معادل‌های سهام عادی
common stock valuation	تعیین ارزش سهام عادی
commonly controlled companies	شرکتهای تحت کنترل مدیریت واحد
communicating the results	گزارشگری نتایج انتقال نتایج
Communication	ارتباطات
communication skills	مهارتهای ارتباطی
Commutative	جا به جایی
compact	فشرده
companies under common management	شرکتهای تحت مدیریت مشترک / واحد شرکتهای زیر نظر مدیریت واحد
Company	شرکت

company accounts	صورت‌های مالی شرکت اصطلاح (انگلیسی) حساب‌های شرکت
Company policies	خط مشی های شرکت
company promoter	موسس شرکت بنیانگذار شرکت
company's acts	قانون شرکتها
comparability	قابلیت مقایسه مقایسه پذیری
comparable	قابل مقایسه
comparative analysis	تجزیه و تحلیل مقایسه ای
comparative balance sheet	ترازنامه مقایسه ای
comparative financial statements	صورت‌های مالی مقایسه ای
comparative negligence	سهل انگاری دو طرفه قصور متقابل
compare	مقایسه کردن
Comparison	

	مقایسه
comparison schedule	
	کاربرگ مقایسه ای جدول مقایسه
compass	
	پرگار
compatible accounting information systems	
	سیستمهای اطلاعاتی حسابداری سازگار
compensate	
	توان دادن، پاداش دادن، عوض دادن، جبران کردن
compensated absences	
	ذخیره بازخرید مرخصی کارکنان
compensating balance	
	مانده جبرانی
compensation	
	حقوق و مزایا جبران خدمات
compensation expense	
	هزینه تخفیف تشویقی هزینه حقوق و مزایا
compensation strategy	
	استراتژی حقوق و مزایا استراتژی جبران خدمات
Compensatory	
	اجباری- جبرانی
compensatory controls	
	کنترل‌های جبرانی
compensatory evidential matter	

شواهد جبرانی / جبران کننده	
compensatory plan	
طرح جبران خدمات	
Compete	
رقابت کردن	
competence of evidence	
قابل قبول بودن شواهد	
competent evidential matter	
شواهد قابل قبول (قابل اطمینان)	
competing hypotheses	
فرضیه های رقیب	
competing theories	
تئوری های رقیب	
competitive bidding	
مناقصه رقابتی	
competitive tendering from an open list	
مناقصه عمومی	
competitive tendering from selected list	
مناقصه محدود	
compilation of financial statements	
تهیه و تنظیم صورتهای مالی	
compilation services	
خدمات تهیه و تنظیم صورتهای مالی	
complement	

	متمم
complementary services	خدمات مکمل
complementary trigonometric function	تابع مثلثاتی متمم
complete audit	حسابرسی جامع (کامل) رسیدگی کامل
complete graph	گراف کامل
Complete Knocked Down	قطعات کاملاً منفصله
complete market	بازار کامل / کارآ
completed contract method	روش تکمیل قرارداد روش کار تکمیل شده
completed performance method	روش تکمیل عملکرد
completeness	کامل بودن تمامیت
completing the engagement checklist	تکمیل کردن چک لیست کنترل‌های داخلی
completion of the work	تکمیل کار
Complex	

	مختلط
complex capital structure	
	ساختار پیچیده سرمایه
compliance audit	
	حسابرسی رعایت
compliance error	
	اشتباه رعایت
compliance test	
	آزمون رعایت
compliance testing	
	آزمون رعایت نام دیگر آزمون کنترلها
compliance with	
	رعایت ... انطباق با ...
component	
	مولفه
component of business	
	بخشی از واحد تجاری
component percentage	
	درصد جزء به کل
Components	
	اجزاء
composite contribution margin	
	حاشیه فروش مرکب / کل
composite depreciation	

استهلاک گروهی دارایی های غیر مشابه
compound
ترکیب کردن، امیختن
compound amount
مجموع اصل و فرع و ام مبلغ انباشته
Compound entry
ثبت مرکب
compound financial instrument
اوراق بهادار مالی دوگانه / مرکب
Compound interest
بهره مرکب
compound interest method
روش بهره مرکب
Compound journal entries
ثبت مرکب روزنامه
Compound yield
بازده مرکب
compounding
انباشتن فرایند محاسبه بهره مرکب فرایند انباشته بهره وری بهره
compounding of interest
دفعات محاسبه بهره در سال انباشته بهره
compounding period
دوره انباشتن بهره روی بهره دوره محاسبه بهره مرکب

comprehensive accounting dictionary	فرهنگ جامع حسابداری
Comprehensive Annual Financial Report	گزارش مالی جامع سالانه
comprehensive audit	حسابرسی جامع
comprehensive basis of accounting	مبنای جامع حسابداری
comprehensive income	سود جامع
comprehensive income statement	صورت سود و زیان جامع
comprehensive management dictionary	فرهنگ جامع مدیریت
comprehensive recognition	شناسایی جام
comprehensive reconciliation	مغایرت گیری جامع
Compromise	مصالحه
comptroller	بازرس حسابداری، ممیز، ذیحساب
Compulsory	اجباری- قهری

Compulsory saving	پس انداز اجباری
compustat	بانک اطلاعاتی رایانه ای اوراق بهادار و صورتهای مالی شرکتهاى سهامى عام در آمریکا
computation	محاسبه
computed upper exception rate (cuer)	حد بالای ضریب انحراف محاسبه شده بالاترین حد محاسبه شده ضریب انحراف
Computer Aided Design	طراحی به کمک کامپیوتر
computer aided design (cad)	طراحی به کمک رایانه
Computer Aided Design Drafting	طراحی به کمک کامپیوتر
Computer Aided Manufacturing	تولید به کمک کامپیوتر
computer aided manufacturing (cam)	تولید به کمک رایانه
Computer Aided Process Planning	برنامهریزی فرآیند تولید توسط کامپیوتر
computer assisted audit	حسابرسی به کمک رایانه
Computer Assisted Audit Techniques	

تکنیکهای حسابرسی به کمک کامپیوتر
computer assisted audit techniques (caat)
فنون حسابرسی به کمک رایانه
computer assisted trading system (cats)
سیستم خرید و فروش به کمک رایانه
computer audit
حسابرسی رایانه
computer audit programme
برنامه حسابرسی رایانه ای
computer centre audit
حسابرسی مرکز رایانه
computer fraud
قلب رایانه ای
computer integrated manufacturing (cim) system
سیستم تولید هماهنگ با کامپیوتر
computer integrated manufacturing (clm)
تولید کنترل شده از طریق رایانه
computer software costs
هزینه های نرم افزارهای رایانه ای
Computer Technology Research
تحقیقات در تکنولوژی کامپیوتر
Computer-Integrated Manufacturing
تولید یکپارچه کامپیوتری – تولید به کمک کامپیوتری

computerized accounting system	سیستم حسابداری رایانه ای
concave	مقعر
concentration banking	نظام بانکداری متمرکز
concept in the small	مفهوم موضعی
Concept of materiality	مفهوم اهمیت
conceptual framework	چارچوب نظری ساختار مفهومی
conceptual framework project	پروژه چارچوب نظری
concern	دغدغه واحد اقتصادی
concluding remarks	نتیجه گیری
concurrent engineering	مهندسی همزمان
condensed balance sheet	ترازنامه فشرده (خلاصه شده)
Condition	شرایط

Conditional indorsement	پشت نویسی الزامی
conditional receivable payable	مطاببات / پرداختی های مشروط
cone	مخروط
Confederation of Asian and Pacific Accountants	کنفدراسیون حسابداران پاسیفیک و آسیا
Conference	کنفرانس
conference method	روش برگزاری همایش
Confidence	اعتماد، رضایت و اطمینان، اشاره به شاخص رضایت مصرف کنندگان
confidence index	شاخص اطمینان
confidence interval	فاصله اطمینان
confidence level	سطح اطمینان ضریب اطمینان
Confidence limits	حدود اطمینان

Confidential	محرمانه
confidential information	اطلاعات محرمانه
confidentiality	رازداری محرمانه بودن
confidentiality principle	اصل رازداری / محرمانه بودن اطلاعات صاحبکار
Confirm	تایید کردن
Confirmation	تأییدیه
confirmation request	درخواست تأییدیه
Confirmed credit	اعتبار تأیید شده
conflict of interest	تضاد منافع
conflicting objectives	اهداف متناقض (متضاد)
confrontation strategy	استراتژی مواجهه
congeneric merger	ادغام واحدهای اقتصادی فعال در زمینه های مختلف تجاری

conglomeration	ادغام نامتجانس (ناهمگن) مجتمع
Congruence	همنهشتی
conjugate curve	خم برتران، خم مزدوج
connected	همبند
connected graph	گراف همبند
Connected vertex	رئوس همبند
connecting affiliated relationship	رابط و واحدهای فرعی وابسته
Consensus	پیش بینی بازار
Consensus Value	مقدار جمعی
consequences	پیامدهای اقتصادی
conservatism	محافظ کاری احتیاط
conservative current asset strategy	راهبرد/ استراتژی محافظه کارانه در مورد داراییهای جاری

conservative current liability strategy	راهبرد/ استراتژی محافظه کارانه در مورد بدهیهای جاری
conservative estimation	برآورد محافظه کارانه تخمین محتاطانه
conservative growth	رشد محافظه کارانه
conservative strategy	استراتژی محافظه کارانه
conservative valuation	ارزشگذاری محافظه کارانه
conservative view	دیدگاه/ نگرش محافظه کارانه
conservative working capital strategy	راهبرد/ استراتژی محافظه کارانه در مورد سرمایه در گردش
consideration paid	مابه ازاء پرداختی
consignee	حق العمل کار
Consignment	محموله – کالا
consignor	آمر
consistency	

ثبات رویه یکنواختی
consistency principle
اصل ثبات رویه
Consol
ورقه قرضه
Consolation
تسلیت، دلداری، رفتارهای پس از ضرر در بین معامله گران
console
اوراق قرضه مادام العمر
consolidated accounts
صورت‌های مالی تلفیقی (اصطلاح انگلیسی ها)
Consolidated balance sheet
ترازنامه تلفیقی
consolidated balance sheets after acquisition
ترازنامه تلفیقی پس از تحصیل
consolidated entities
واحدهای تلفیقی
consolidated financial statements
صورت‌های مالی تلفیقی
consolidated income statement
صورت سود و زیان تلفیقی
consolidated net assets
خالص دارایی های تلفیقی
consolidated net income

سود خالص تلفیقی	
consolidated quotations system	
سیستم یکپارچه تعیین قیمت (خرید و فروش) اوراق بهادار	
consolidated statement of cash flows	
صورت جریانهای نقدی تلفیقی صورت تلفیقی جریانهای نقدی	
consolidated statements	
صورت‌های (مالی) تلفیقی	
consolidated tax return	
اظهارنامه مالیاتی تلفیقی	
consolidation	
تلفیق	
consolidation at acquisition	
تلفیق در مقطع (تاریخ) تحصیل	
consolidation policy	
سیاست (خط مشی) تلفیق	
consolidation procedures	
رویه های (روشهای) تلفیق	
consolidation techniques	
تکنیک های تلفیق	
consolidation theories	
تئوریهای (نظریه های) تلفیق	
constant	
کامل ثابت پارامتر متغیر ثابت	

constant dollar accounting	حسابداری بر مبنای دلار (ریال) ثابت
constant gross margin percentage (nrsv) method	روش ارزش خالص بازیافتنی مبتنی بر درصد ثابت سود ناخالص
constant gross margin percentage method	روش درصد ثابت سود ناخالص
constant growth	رشد ثابت
constant growth model	مدل مبتنی بر رشد ثابت
constant marginal utility	مطلوبیت نهایی ثابت
constant purchasing power	قدرت خرید ثابت
constant term	متغیر / عامل ثابت
constraining principles	اصول محدود کننده
constraint	محدودیت عامل محدود کننده
constraint set	مجموعه محدودیت
construct validity	

اعتبار ساختاری
construction defects
نقایص پیمان نقایص ساختمانی
construction in process
پیمان (ساختمان) در جریان تکمیل (ساخت)
construction in progress (cip)
پیمان در جریان ساخت ساختمان در جریان تکمیل
Construction loan
وام ساختمانی
construction management
مدیریت پیمان
constructive approach
رویکرد سازنده
constructive fraud
معادله تقاب تقاب ساختگی
constructive gains and losses
سود و زیانهای (غیر عملیاتی) ساختگی
constructive retirement of bonds
بازخرید / ابطال تصنعی اوراق قرضه
constructive retirement of preferred stock
بازخرید / ابطال تصنعی سهام ممتاز
Consult
مشورت کردن
consumable life

عمر مفید عمر قابل بهره برداری
Consumables
کالاهای مصرفی
Consumer
مصرف کننده
Consumer credit
اعتبار مصرفی
Consumer price index
شاخص قیمت کالای مصرف کننده
consumer price index (cpi)
شاخص قیمت مصرف کننده
Consumer Price Index for all Urban Consumers
شاخص قیمت مصرف کنندگان نقاط شهری
Consumer surplus
مازاد مصرف کننده
Consumption
مصرف
Consumption rate of interest
نرخ بهره مصرف
consumption ratio
نسبت مصرف
Contact
تماس
contemplated total volume

حجم کل تولید مورد انتظار
contemporary cost accounting system
سیستم حسابداری بهای تمام شده / صنعتی معاصر
contemporary responsibility accounting
حسابداری سنجش مسئولیت معاصر
contemporary theory
تئوری معاصر (نوین)
content validity
اعتبار محتوایی
Contents
محتویات مندرجات
contents in brief
چکیده فهرست مندرجات خلاصه فهرست مطالب
Continental
اقلیمی، قاره ای، اشاره به تاثیر رویداد اقتصادی یا سیاسی در بعد فیزیکی آن
contingencies
رویدادهای احتمالی
contingency
احتمالی اقتضایی
Contingency fund
وجوه احتیاطی
contingent fees
حق الزحمه مشروط حق الزحمه احتمالی

contingent immunization	مصون سازی احتمالی / مشروط
Contingent liability	بدهی احتمالی
contingent loss	زیان احتمالی زیان مشروط
contingent pay	پرداخت احتمالی (حق الزحمه) مشروط
Contingent reserve	اندوخته احتیاطی
contingently issuable common shares	سهام عادی قابل انتشار مشروط
contingently issuable shares	احتمالی (سهام قابل انتشار مشروط)
Continued bond	اوراق قرضه تمدید شده
continued loss	زیان مستمر
continuing auditor	حسابرسی دائم
continuing franchise fee	حق الزحمه دائم حق الامتیاز فروش
continuing investment	سرمایه گذاری مستمر

continuing operations	عملیات مستمر
Continuing Professional Education	آموزش مداوم حرفه ای
continuity assumption	فرض تداوم فعالیت
continuous	پیوسته
continuous audit	حسابرسی مستمر
continuous budgeting	بودجه بندی مستمر
Continuous Improvement	بهبود مستمر
continuous improvement standard cost	هزینه استاندارد بهبود مستمر
continuous life	عمر دائم نامحدود
continuous market	بازار مستمر
continuous pricing function	کارکرد قیمت گذاری مستمر
continuous replenishment	تجدید مستمر

contour lines	خم های تراز، خط های تراز
contra account	حساب متقابل حساب کاهنده
contra asset	حساب کاهنده دارایی حساب متقابل دارایی
contra claim	ادعای متقابل
contra equity approach	روش کاهنده حقوق صاحبان سهام
contra memorandum accounts	طرف حسابهای انتظامی
Contract	قرارداد
contract documents	مستندات / اسناد و مدارک قرارداد
Contract guarantee	ضمانت قرارداد
contract interest rate	نرخ بهره قرارداد
contract manufacturer	تولید کننده قرارداد مجری پیمان
contract on a cost plus fee basis	قرارداد مبتنی بر بهای تمام شده با اضافه درصدی حق الزحمه

contract period	دوره / طول مدت قرارداد
Contract Price	قیمت قرار داد
contract sum	کل / مجموع قرارداد
contract terms	شرایط قرارداد
contract vendor	فروشنده قرارداد
contract works	کارهای پیمان
contracting costs	هزینه های (تنظیم یا عقد) قرارداد
Contracting parties	طرفین قرار داد
Contractionary policy	سیاست انقباضی
Contractor	پیمانکار
contractual agreement	توافق قراردادی
contractual obligations	تعهدات قراردادی

contractual restrictions	محدودیت های قراردادی محدودیت های مبتنی بر شرایط / مفاد قراردادها
contractual rights	حقوق مالکانه قراردادی
contributed capital	سرمایه پرداخت شده
contributed capital in excess of par	سرمایه پرداخت شده مازاد بر ارزش اسمی صرف سهام
Contribution	مشارکت
contribution in kind	آورده غیر نقدی سرمایه گذاری غیر نقدی
contribution income statement	صورت سود و زیان تهیه شده بر اساس روش حاشیه فروش
contribution margin	حاشیه فروش
contribution margin income statement	صورت سود و زیان تهیه شده بر اساس روش حاشیه فروش
contribution margin per unit	حاشیه فروش هر واحد محصول
contribution margin percentage	درصد حاشیه فروش
contribution margin ratio (cmr)	

نسبت حاشیه فروش	
contribution margin variance	
انحراف (مغایرت) حاشیه فروش	
contribution per unit	
حاشیه فروش هر واحد محصول	
contributions	
آورده ها سرمایه پرداخت شده مشارکتها	
contributory negligence	
سهل انگاری متقابل	
control	
کنترل	
control account	
حساب کنترل (کنترلی)	
control activities	
فعالیت‌های کنترلی	
control chart	
نمودار کنترل	
control costs	
هزینه های کنترل کنترل هزینه ها	
control environment	
محیط کنترلی / کنترل	
control factor unit	
واحد (عامل) کنترل	
Control groups	

	گروه‌های کنترل
control limits	
	محدودیتها کنترلی محدود کنترل
control objectives	
	اهداف کنترلی / کنترل
control risk (cr)	
	ریسک کنترل
control risk matrix	
	ماتریس ریسک کنترل
control total	
	جمع کنترل
controllability	
	قابلیت کنترل
controllable costs	
	هزینه های قابل کنترل
controllable variance	
	انحراف قابل کنترل
Controlled Foreign Corporation	
	شرکت سهامی خارجی تحت کنترل
controller	
	مدیر امور مالی کنترولر
controlling	
	کنترل
Controlling account	

حساب کنترل	
controlling interest	
حق کنترل سهامداران حاکم	
controversial issues	
موضوعات جنجالی مباحث بحث برانگیز	
Convention	
کنوانسیون، نشست یک شورای همکاری های اقتصادی یا سیاسی	
conventional approach	
رویکرد مرسوم روش سنتی (متداول)	
conventional retail	
خرده فروشی مرسوم / سنتی	
conventional retail inventory method	
روش سنتی خرده فروشی	
Convergence	
همگرایی	
convergence with probability one	
همگرایی تقریباً حتمی، همگرایی با احتمال یک	
conversion	
تبدیل	
Conversion at par	
تعویض به نرخ اسمی	
conversion cost	
بهای (هزینه) تبدیل	

conversion costs	هزینه های تبدیل
Conversion discount	تنزیل تبدیل
conversion of debt to equity	به سرمایه (مثلا اوراق قرضه یا مشارکت به سهام)
conversion of foreign currencies	تبدیل ارزها / اقلام ارزی
Conversion permium	جایزه تبدیل
conversion premium	صرف تبدیل
conversion privilege	امتياز تبدیل
Conversion rate	نرخ تبدیل
Conversion right	حق تبدیل
conversion to equity method	روش تبدیل به سهام / ارزش ویژه
Conversion value	ارزش تبدیل
Convert	تبدیل کردن

Convertibility	قابلیت تبدیل
convertibility risk	ریسک قابلیت تبدیل
convertible	قابل تبدیل
convertible bonds	اوراق قرضه قابل تبدیل
Convertible currency	پول قابل تبدیل
convertible debt	بدهی قابل تبدیل
convertible into common stock	قابل تبدیل به سهام عادی
convertible preferred stock	سهام ممتاز قابل تبدیل
Convertible securities	اوراق بهادار قابل تبدیل
convexity	تحدب
Conveyance	سند انتقالی
co-occurrence	هم رخدادی

cooking the books	حساب سازی کردن
cooling-off period	دوره آرامش موقت برای حل مسالمت آمیز اختلاف نظرات
Cooperation	تعاونی- همکاری
cooperative	تعاونی
Coordination	هماهنگی
copyright	حق نشر حق تالیف
core account	حساب خالص
core competencies	نقاط قوت کلیدی
core objective	هدف اصلی
corner portfolio	بهترین سرمایه گذاری مجموعه پرتفوی بهینه پرتفوی گوشه
corporate bonds	اوراق قرضه شرکتهای سهامی
corporate charter	اساسنامه شرکت سهامی

corporate debt securities	اوراق بهادار بدهی شرکتهای سهامی
corporate dividend policy	سیاست تقسیم شود شرکت سهامی
corporate finance	مدیریت مالی شرکتهای سهامی
corporate financial structure	ساختار مالی شرکتهای سهامی
corporate governance	مدیریت ، کنتر و نظارت بر امور شرکت
corporate income tax	مالیت بر درآمد شرکت
Corporate Information systems	سیستمهای اطلاعات جامع- سیستم های اطلاعات مشترک
corporate insiders	افراد داخل شرکت / افرادی که به اطلاعات داخلی شرکت دسترسی دارند
corporate joint venture	مشارکت خاص سهامی سرمایه گذاری مخاطره آمیز در قالب یک شرکت سهامی
corporate loans	وامهای شرکت
corporate minutes	صورتحساب شرکت
corporate secretary	

	دبیر / منشی شرکت
corporate social accounting	
	حسابداری سنجش مسئولیت اجتماعی شرکتهای سهامی
Corporation	
	شرکت سهامی، مؤسسه
Corpus	
	سرمایه اولیه
Correct	
	صحیح- تصحیح کردن
corrected cash balance	
	مانده اصلاح شده وجه نقد
correcting entries	
	ثبتهای اصلاحی
Correcting entry	
	ثبت اصلاحی
Correction of errors	
	اصلاح اشتباهات
corrective actions	
	اقدامات اصلاحی
corrective controls	
	کنترل‌های اصلاح کننده
correlation	
	همبستگی
correlation analysis	

تجزیه و تحلیل همبستگی	
correlation coefficient	
ضریب همبستگی	
Correspondence	
مکاتبات	
Correspondence check	
چک مکاتبه ای	
Correspondent bank	
بانک کارگزار	
corresponding documents	
مستندات مربوط	
corresponding figures	
ارقام مشابه / متناظر	
corridor approach	
روش یا رویکرد دهلیز رویکرد باریکراه	
corroborating evidence	
شواهد مکمل شواهد تایید کننده	
corroborating evidential matter	
شواهد تایید کننده شواهد مکمل	
corruption	
ارتشاء	
Cost	
بهای تمام شده	
cost accounting	

حسابداری بهای تمام شده حسابداری صنعتی
cost accounting controls
کنترل‌های حسابداری بهای تمام شده (صنعتی)
cost accounting information
اطلاعات حسابداری بهای تمام شده (صنعتی)
cost accounting records
اسناد و مدارک حسابداری بهای تمام شده (صنعتی)
Cost Accounting Standards Board
هیات استانداردهای حسابداری صنعتی
cost accounting standards board (casb)
هیات تدوین استانداردهای حسابداری بهای تمام شده (صنعتی)
cost accounting system
سیستم حسابداری بهای تمام شده سیستم حسابداری صنعتی
cost accumulation
گردآوری (انباشت) هزینه
cost accuracy
صحبت بهای تمام شده
cost advantage
مزیت بهای تمام شده مزیت هزینه ای
cost allocation
تخصیص هزینه
cost allocation base
مبنای تخصیص هزینه

cost and freight (c&f)	بهای تمام شده و هزینه کرایه حمل
cost assignment	تسهیم هزینه
cost avoidance	اجتناب از هزینه
cost based prices	قیمتهای مبتنی بر بهای تمام شده
cost behavior	رفتار هزینه
cost behavior pattern	الگوی رفتار هزینه
cost benefit analysis	تجزیه و تحلیل هزینه منفعت
cost benefit approach	روش تجزیه و تحلیل هزینه منفعت
Cost Center	مرکز هزینه
cost consciousness	آگاهی از هزینه هشیاری از هزینه
cost control system	سیستم کنترل هزینه (بهای تمام شده)
cost driver	محرک هزینه عامل ایجاد (وقوع) هزینه موجد هزینه

cost driver analysis	تجزیه و تحلیل محرک (های) هزینه
cost effective	مقرون به صرفه اقتصادی
cost elements	عناصر بهای تمام شده (هزینه)
cost estimation	برآورد (تخمین) هزینه (بهای تمام شده)
cost flow	جریان گردش بهای تمام شده / هزینه
cost flow assumptions	مفروضات جریان گردش هزینه
cost formula	فرمول هزینه (بهای تمام شده)
cost hierarchy	سلسله مراتب هزینه
cost incidence	انجام (تحمل) هزینه رخداد (وقوع) هزینه
cost incurred	هزینه متحمل هزینه انجام شده بهای تمام شده متحمل
cost indifference point	هزینه نقطه بی تفاوتی بهای تمام شده ()
cost leadership	رهبری هزینه (بهای تمام شده)

cost management	مدیریت هزینه (بهای تمام شده)
cost management information system	سیستم اطلاعاتی مدیریت هزینه / بهای تمام شده
cost management system (cms)	سیستم مدیریت هزینه / بهای تمام شده
cost measurement	اندازه گیری هزینه (بهای تمام شده)
cost method	روش بهای تمام شده
cost minimization	حداقل کردن هزینه (بهای تمام شده)
cost object	موضوع هزینه
cost of acquisition	بهای تمام شده تحصیل
cost of bank loans	هزینه وامهای بانکی
cost of borrowing	هزینه استقراض
Cost of capital	هزینه سرمایه
cost of goods available for sale	بهای تمام شده کالای آماده برای فروش

cost of goods sold	بهای تمام شده کالای فروش رفته
Cost of Labor	هزینه نیروی کار
cost of living index	شاخص هزینه زندگی
cost of long term debt	هزینه بدهی بلند مدت
cost of production report	گزارش هزینه تولید
Cost of properties and services	بهای تمام شده دارائیهها و خدمات
cost of quality	هزینه کیفیت
cost of resource usage	هزینه مصرف منابع
cost of unused activity	هزینه فعالیت مصرف نشده
cost of work certified	بهای تمام شده (هزینه) کار تایید شده
cost per purchase order	هزینه (بهای تمام شده) هر بار سفارش خرید
cost per unit	بهای تمام شده هر واحد محصول هزینه هر واحد محصول

cost plus contract	قرارداد امانی قرارداد مبتنی بر بهای تمام شده با اضافه درصدی سود
cost plus fixed fee contract	قرارداد مبتنی بر بهای تمام شده با اضافه حق الزحمه ثابت
cost plus method	روش بهای تمام شده با اضافه درصد معینی سود
cost pool	مرکز هزینه مخزن هزینه
cost prediction	پیش بینی بهای تمام شده / هزینه
cost predictions	پیش بینی اقلام بهای تمام شده پیش بینی هزینه
cost presentation	نحوه ارائه / انعکاس هزینه
Cost price	قیمت تمام شده
Cost principle	اصل بهای تمام شده
cost reconciliation	مغایرت گیری هزینه
cost recovery method	روش بازیافت بهای تمام شده
cost reduction	

تقلیل هزینه کاهش بهای تمام شده
cost saving
هزینه (صرفه جویی در بهای تمام شده)
cost structure
ساختار هزینه (ساختار بهای تمام شده)
cost system
سیستم هزینه یابی سیستم بهای تمام شده
cost tables
جداول هزینه
cost to be capitalized
یعنی به حساب دارایی (مخارجی که باید سرمایه ای شود) منظور شود
cost to cost method
روش هزینه به هزینه
cost tracing
ردیابی هزینه
cost volume profit (cvp)
هزینه حجم سود
cost volume profit (cvp) analysis
تجزیه و تحلیل رابط بین هزینه حجم سود
cost volume profit graph
نمودار رابطه هزینه حجم سود
cost without fee contract
قرارداد مبتنی بر بهای تمام شده بدون حق الزحمه

Cost& Freight	قیمت بعلاوه هزینه حمل
cost, insurance and freight (cif)	قیمت کالا، بیمه و کرایه حمل تا بندر مقصد
Cost, Insurance, Freight	سیف – بهای کالا، بیمه و هزینه حمل تا بندر مقصد
Cost-Benefit Analysis	تحلیل هزینه/فایده
Costing	هزینه یابی
costing system refinement	اصلاح سیستم هزینه یابی
Cost-Of-Living Adjustment	تعدیل هزینه زندگی
Cost-Plus-Fixed Fee Contract	قرارداد امانی بهای تمام شده به اضافه سود معقول
costs advertisement	هزینه های تبلیغات
costs annual bonus	هزینه های پاداش سالانه
costs bank commission	هزینه های کارمزد بانک
costs child allowance	هزینه های حق اولاد

costs cleaning	هزینه های نظافت
costs domestic traveling	هزینه های مسافرات داخلی
costs electricity	هزینه های برق
costs entertainment	هزینه های پذیرایی
costs launch & canteen	هزینه ناهار و رستوارن / آبدارخانه
costs of quality	هزینه های کیفیت
costs printed matters	هزینه های تکثیر و صحافی جزوه
costs subsequent to acquisition	مخارج بعد از تحصیل
costs to date	هزینه های (مخارج) انجام شده تا به این تاریخ
costs traveling to abroad	هزینه های مسافرت خارجی
Cost-Volume-Profit Analysis	تحلیل رابطه هزینه- حجم - سود
Countable	قابل شمارش

Counter	وسیله شمارش
Counter check	چک غیر قابل انتقال
counter claim	ادعای متقابل
Counter clerk	کارمند باجه
Counter credit	اعتبار متقابل
Counter foil	ته چک
counterbalancing errors	اشتباهاتی که یکدیگر را خنثی می کنند اشتباهات موازنه ای
Countercyclical	ضد دوره ای
counterparty risk	ریسک طرف مقابل
Country	کشور
Coupon equivalent yield	بازده معادل کوپن
Coupon note	نرخ کوپن

coupon payment	پرداخت بهره
Coupon rate	نرخ کوپن
covariance	کوواریانس
Cover	پوشش
covering number	عدد پوششی
Covering purchase	خرید پوششی
cpa (certified public accountant)	حسابدار رسمی حسابرس مستقل
cpa adapted	اقتباس شده از آزمون حسابداران رسمی آمریکا
cpa uniform examinations	آزمونهای سراسری حسابداران رسمی آمریکا
cpa vision process	فرایند تجسم نقش حسابرسان مستقل
cpa web trust services	خدمات اطمینان دهی حسابرسان مستقل / حسابداران رسمی در اینترنت
CPA (certified public accountant)	

حسابدار قسم خورده
Credibility of accounting information
اعتبار (قابلیت قبول) اطلاعات حسابداری
Credit
بستانکار - بستانکار کردن
Credit Amount
مقدار اعتبار
Credit application
تقاضای اعتبار
Credit balance
تراز بستانکار
Credit bank
بانک اعتباری
Credit card
کارت اعتباری
credit card sales
فروش از طریق کارت اعتباری
Credit Control
کنترل اعتبار
credit department
دایره (واحد) اعتبارات
Credit entry
ثبت بستانکار
Credit facilities

تسهيلات اعتباری	
Credit insurance	
بیمه اعتباری	
Credit interest	
بهره بستانکار	
credit management	
مدیریت اعتبارات	
credit manager	
مدیر اعتبارات	
credit memo	
اعلامیه بستانکار	
credit memorandum or credit memo	
اعلامیه بستانکار	
Credit policy	
سیاست اعتباری	
credit standing	
وضعیت اعتبار	
credit terms	
شرایط اعتبار دهی	
Credit union	
اتحادیه اعتباری	
Creditor	
بستانکار	
creditors	

creditors sundry	بستانکاران اعتبار دهندگان
creditors' subsidiary ledger	بستانکاران متفرقه
cricle	دفتر معین بستانکاران
criminal liability for accountants	دایره
Criteria	مسئولیت کیفری / جزائی / مدنی حسابداران (حسابرسان)
Criterion	معیار
Critical	معیارها
critical event	بحرانی
critical event theory of revenue recognition	رویداد اصلی (حیاتی)
critical path	تئوری رویداد اساسی شناسایی درآمد
Critical Path Method	مسیر بحرانی
Critical Paths	روش مسیر بحرانی

فعالیت های مسیرهای بحرانی
Critical Paths Activities
فعالیت های مسیرهای بحرانی
critical perspective research
تحقیقات انتقادی
Critical strip
نوار بحرانی
critical success factors
عوامل اصلی (حیاتی) موفقیت
cross check
آزمون محاسبات کنترل متقابل
cross foot
جمع افقی
cross of market
پهنه بازار گستردگی بازار
Cross Pairs
جفت ارزی که شامل دلار آمریکا نگردد
Cross Rate
برابری جفت ارز غیر از دلار آمریکا
cross reference
عطف متقابل
cross sectional – descriptive analysis
تحلیل توصیفی مقطعی
cross sectional analysis

	تجزیه و تحلیل مقطعی
crosscheck	
	کنترل متقابل
Crowding-in	
	ازدحام پذیری
Crowding-out	
	ازدحام زدائی
Crude Oil	
	نفت خام
Crunode	
	گره، نقطه دوگانه معمولی
cube	
	مکعب
cumulative	
	انباشته جمع شونده
cumulative abnormal return (car)	
	بازده انباشته غیر عادی
cumulative average time	
	میانگین زمان انباشته
cumulative average time learning model	
	مدل یادگیری مبتنی بر میانگین زمان انباشته
Cumulative distribution	
	توزیع فراوانی تجمعی
Cumulative dividend	

سود سهام تراکمی
cumulative dividends
سود سهام جمع شونده (انباشته)
cumulative effect
اثر انباشته
cumulative effect of accounting changes
اثر انباشته تغییرات حسابداری
cumulative effect of change in accounting principles
اثر انباشته تغییر در اصول حسابداری
cumulative effect type accounting change
تغییر حسابداری دارای / از نوع اثر انباشته
cumulative error
خطای جمع شونده، خطای جمعی
cumulative preferred stock
سهام ممتاز با سود جمع شونده
Cumulative probability
احتمال تجمعی
cumulative time
زمان انباشته
cumulative voting system
سیستم رای گیری تجمعی
Currency
پول رایج

currency appreciation	افزایش قدرت خرید واحد پولی افزایش نرخ ارز
currency depreciation	کاهش نرخ ارز کاهش قدرت خرید واحد پولی
Currency of bill	دوره برات
Currency pooling system	نظام ائتلاف ارزش
currency risk	ریسک ارز ریسک ناشی از کاهش قدرت خرید واحد پولی
currency risk management	مدیریت ریسک ارز
Currency swap	معاوضه ارزی
Currency translation	برگردانیدن ارزها
Current	جاری
Current account	حساب جاری
Current accounting period	دوره حسابداری جاری
current accruals	

بدهیهای جاری ناشی از هزینه های تحقق یافته (ولی) پرداخت نشده	
current asset	دارایی جاری
Current assets	دارایی های جاری
current catch up approach	روش جاری
Current condition	وضعیت جاری
current cost	هزینه جاری ارزش جاری
Current Cost Accounting	حسابداری بهای جاری
current cost financial statements	صورت‌های مالی مبتنی بر بهای / ارزشهای جاری
current cost system of accounting	سیستم حسابداری مبتنی بر بهای / ارزشهای جاری
Current coupon	نرخ جاری کوپن
current exit value	ارزش جاری خروجی (فروش)
current file	پرونده جاری

current fund	حساب مستقل وجوه اعتبارات جاری وجوه عمومی
current input prices	ارزشهای ورودی جاری
current issues in accounting	مباحث جاری در حسابداری
current issues in auditing	مباحث جاری در حسابرسی
Current liabilities	بدهی های جاری
current liability	بدهی جاری
current market price	قیمت جاری بازار
Current Market Value	ارزش جاری بازار
current market value exit value	ارزش جاری بازار (ارزش خروجی)
current maturing portion of long term debt	حصه جاری بدهی بلند مدت
Current money	پول رایج
current notes payable	اسناد پرداختی جاری

current operating concept	مفهوم عملیات جاری
current operating performance	نتایج عملکرد (عملیاتی) جاری
current operating performance approach	روش / رویکرد نتایج عملیات جاری
Current operations	عملیات جاری
current period approach	روش دوره جاری
current portion	حصه (سهم) جاری
current portion of long term debt	حصه (سهم) جاری بدهی بلندمدت
current practices	رویه های جاری شیوه های کنونی
Current price	قیمت جاری
Current Purchasing Power accounting	حسابداری قدرت خرید جاری
current rate	نرخ جاری
current rate method	روش نرخ جاری

current ratio	نسبت جاری
current replacement cost	ارزش جاری جایگزینی بهای جاری جایگزینی
current reproduction cost	بهای جاری تولید مجدد
current resources	منابع جاری
current unrestricted fund	حساب مستقل جاری نامحدود
Current value	ارزش جاری
current value accounting	حسابداری مبتنی بر ارزشهای جاری
Current yield	بازده جاری
current yield coupon yield	بازده جاری (بهره)
current-concurrent method	روش جاری غیر جاری
currently attainable standards	استانداردهای در حال حاضر قابل دستیابی
currently reported net income	سود گزارش شده کنونی / جاری گزارش جاری سودخالص

Curve Fitting	انطباق منحنی
custodian	امین سرپرست نماینده مجاز
Custody account	حساب حفاظتی
custom duties	عوارض گمرکی تعرفه های گمرکی
Custom house	گمرک
custom made	سفارشی
Customer	مشتری
customer advances	پیش دریافت از مشتریان
customer costing system	سیستم هزینه یابی مشتری
Customer Data	داده های مشتری
customer life cycle costs	هزینه های چرخه عمر مشتری
Customer Relationship Management	مدیریت ارتباط با مشتریان

customer response time	زمان واکنش (پاسخ) مشتری
customer service	خدمات پس از فروش
Customer Solution Acceptance	پذیرش راه حل مشتری
customer support costs	هزینه های ارائه خدمات پس از فروش به مشتری
customer value	ارزش (برای) مشتری
customer's agreement	موافقت مشتری
Customization	بومی سازی
Customized check	چک علامت دار
Customs	گمرک
Customs Clearance	ترخیص گمرکی
Customs Duty	حقوق گمرکی
Cut	مجموع چکها

Cut – off rate of return	نرخ بازده مجاز
cut off	مقطع گیری زمانی انقطاع زمانی
cut off bank statement	صورتحساب مقطعی بانک
cut off date	تاریخ انقطاع (مقطع گیری) زمانی
cut off error	اشتباه مقطع گیری زمانی
cut off statement	صورتحساب مقطعی
cut off test	ازمون انقطاع زمانی / مقطع گیری زمانی
cut off verification	رسیدگی مقطعی
cutoff misstatements	تحریفات مقطع گیری زمانی
cutoff tests	آزمونهای مقطع گیری زمانی
cycle	دور
cycle approach	روش چرخه (معاملات)

cycle time	زمان چرخه
cyclic	دوری
Cyclic Group	گروه دوری
D	چهارمین حرف الفبای انگلیسی، رقم ۱۳ در مبنای ۱۶
d / derive	به معنای مشتق differentiate
d' alembert criterion	معیار دالامبر
d' alembert solution	جواب دالامبر
d' alembert test	آزمون دالامبر، آزمون تعمیم یافته نسبت
d' alembert wave equation	معادله موج دالامبر
d' alembert's test for convergence	آزمون دالامبر برای همگرایی
D'Alembert criterion	معیار دالامبر
D'Alembert solution	جواب دالامبر (برای مساله کوشی)

D'Alembert test	آزمون دالامبر، آزمون تعمیم یافته نسبت
daily pay	مزد روزانه، پرداخت مزد روزانه
daily posting	نقل روزانه
daily rate	روزمزدی، نرخ روزانه
daily rate worker	کارگر روزمزد
daily resource sum	مجموع روزانه منبع
daily-paid employee	کارمند روزمزد
dalambert's ratio	نسبت دالامبر
dam	بستن، سد، مسدود کردن، مسدود کننده جریان، بند
Damage	خسارت- خراب
Damaged Goods	کالای خسارت دیده
damaged merchandise	کالای صدمه دیده کالای معیوب

damped	میرا، مستهلک شونده
damped motion	حرکت میرا، حرکت مستهلک شونده
damped oscillation	نوسان میرا
damped vibration	ارتعاش میرا
damped vibrations	نوسانات میرا
damped wave	موج میرا
damper	درپوش، دریچه خفه کن، خفه کن، تضعیف کننده، ضربه گیر، مستهلک کننده، مانع، عایق
damping	میرایی
damping coefficient	ضریب میرایی
damping factor	ضریب میرایی، عامل میراننده
damping force	نیرو میرا
damping spheres	

	کره های دندلین
dantzig's rule	
	قاعده دانتزیک
Darboux curve	
	خم داربو
darboux theorem	
	قضیه داربو
darboux's theorem	
	قضیه داربو
dash	
	کشه، خط تیره، خط فاصله، خط چین، تکه خط
dashed	
	خط چین شده، خط چین
dashed circle	
	دایره خط چین شده
dashpot	
	میرا ساز
Data	
	داده – اطلاعات
data abstraction	
	مجزاسازی داده ها
data analysis	
	تحلیل داده ها، داده کاوی
data bank	

مرکز اطلاعاتی، اطلاعاتی، بانک اطلاعاتی
data base
پایگاه داده ها، بانک اطلاعات، پایگاه اطلاعاتی، ذخیره اطلاعات
data base file
فایل بانک اطلاعات
Data Base Management System
سیستم مدیریت پایگاه اطلاعاتی
data base memo
فایل یادداشت بانک اطلاعات
data collecting
گردآوری داده ها
data collection
جمع آوری داده ها
Data Communication
ارتباط داده ها
data convertion
پانچ، تبدیل اطلاعات
data date
تاریخ دانسته ها
Data Definition Language
زبان تعریف داده ها
Data Dictionary
لغت نامه اطلاعات

data digestion	گوارش اطلاعات
data draft	برات مدت دار
data entry	داده های وارد شده
data envelopment analysis (dea)	تحلیل پوششی اطلاعات
data feedback	بازخور داده ها
data file	پرونده اطلاعاتی
Data Filter	فیلتر داده ها
data fitting	برازش داده ها
data flow diagram (dfd)	نمودار جریان / گردش اطلاعات
data handling	برداشت داده ها
Data Isolation	ایزوله شدن اطلاعات
data item	عنصر اطلاعاتی، اقلام داده ای

data literate	متخصص اطلاعات (داده پردازی)
Data Manipulating- language	زبان عملیات ورزی داده
Data Mining	داده کاوی
data processing	پردازش اطلاعات، داده آمایی، فراوری اطلاعات، پرورش داده ها، مرکز فرابری داده
data processing personel	کارکنان فرابری داده
data recording	مشخصات، داده نگاری، ضبط داده، ثبت داده ها
data reduction	تلخیص داده ها
Data Redundancy	تکرار داده ها
data set	بانک اطلاعاتی مجموعه داده ها
data sheet	ورقه آماری، برگه اطلاعاتی، برگ آماری
data size	اندازه داده ها، تعداد داده ها
data smoothing	

همسازی داده ها
data structure
ساختار داده ها
data system
دستگاه اطلاعاتی، سیستم اطلاعاتی، سیستم داده ها
data table
جدول داده ها
data transfer controls
کنترل‌های انتقال اطلاعات
data transmission equipment
وسیله انتقال داده ها
data type
نوع اطلاعات
Data Warehouse
انبار داده
Database
بانک اطلاعاتی- پایگاه اطلاعاتی
Database Management System
سیستم مدیریت پایگاه داده
database management systems
سیستم های مدیریت بانک اطلاعاتی
Database Tier
لایه پایگاه داده
Date

تاریخ – مورخه	
date of arrival	
تاریخ ورود	
date of declaration	
تاریخ اعلام سود سهام	
date of delivery	
تاریخ تحویل	
Date of ezpiry	
تاریخ پایان مدت	
date of grace	
مهلت	
Date of Maturity	
موعد – سررسید	
date of order	
تاریخ سفارش	
date of payment	
تاریخ پرداخت	
date of practical completion	
تاریخ پایان کار	
date of record	
تاریخ تعیین / شناسایی سهامداران مشمول سود	
dating and reissuance	
تاریخ گذاری و صدور / انتشار مجدد	
datum	

	داده
Day loan	
	وام روزانه
day of the week effect	
	اثر روز خاص هفته
day order	
	سفارش روزانه
Day to Day	
	هر روزه- روزمره
day to day expenditures	
	مخارج روزمره (روزانه)
day to day operations	
	عملیات روزمره
day trader	
	معامله گری که بر اساس نوسانات ناچیز قیمت در کوتاه مدت خرید و فروش می کند، معامله گرانی که موقعیتهای معامله ای اتخاذ می کنند که قبل از پایان روز معامله تسویه می شوند
day's sales in receivables	
	متوسط فروش نسبی روزانه
Days of grace	
	دوره مهلت
dcision rule	
	قاعده تصمیم گیری، قاعده تصمیم

De Moivre formula	فرمول دمواور
de moivre's formula	دستور دو موآور، فرمول دو موآور
de moivre's theorem	دستور دو موآور، قضیه دو موآور
De Morgan	دمرگان
De Morgan law	قانون دمورگان
De Morgan rules	قاعده های دمرگان
de morgan's rules	قواعد دمورگان، قواعد دو مورگان
de morgan's theorems	قضایای دمورگان
De Rham decomposition	تجزیه ڈرام
Dead account	حساب غیر فعال
dead angle	زاویه خفا
dead file	بایگانی راکد

dead heading pay	هزینه ایاب و ذهاب
Dead Line	ضرب الاجل
Dead loan	بدهی سوخت شده
dead weight	وزن خالص
deadheading pay	هزینه ایاب و ذهاب، حق ایاب و ذهاب
Deadline	موعد
Deal	معامله
deal with	سروکار داشتن، مربوط به، سروکار پیدا کردن
Dealer	معامله گر - واسطه
dealers' spread	بازده معامله گران
Dear money	پول گران
death	مرگ (و میر)

death benefit	مستمری وظیفه، مستمری قوت
death of a partner	فوت شریک
death process	فرایند مرگ
death rate	میزان مرگ (و میر)
debased histogram	نمودار پله ای پایه کاسته
debasing	پایه کاهی، کاستن پایه
debatable	قابل بحث، قابل مناظره
debenture	اوراق قرضه تضمین نشده
debenture bonds	اوراق قرضه تضمین نشده
Debenture holder	دارنده برگه استقراض
Debit	بدهکار - بدهکار کردن
debit a sum to a person	مبلغی را بحساب بدهی کسی گذاشتن

Debit amount	مبلغ بدهکار
Debit balance	مانده بدهی
Debit Card	کارت‌هایی که به اندازه پولی که در آنها قرار دارد قابلیت خرج کردن دارند، کارت بدهی
debit entry	ثبت بدهکار
debit instrument	سند بدهی
debit interest	بهره بدهکار
debit memo	اعلامیه بدهکار
debit memorandum	برگ بدهکار
debit memorandum or debit or debit memo	اعلامیه بدهکار
debt	وام، بدهی، قرض
debt equity ratio	نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام
debt extinguishment	

	باز خرید / تصفیه بدهی
debt financing	
	تامین مالی از محل استقرار ض تامین مالی از طریق انتشار اوراق بدهی
debt holders	
	اعتبار دهندگان بستانکاران دارندگان اوراق بدهی
Debt instruments	
	ابزارهای بدهی
Debt ratio	
	نسبت بدهی
debt refunding	
	جایگزینی اوراق بدهی
debt restructure	
	تجدید ساختار بدهی
debt securities	
	اوراق بهادار بدهی
debt service fund	
	حساب مستقل تامین مالی و بازپرداخت دیوان بلندمدت
debt versus equity	
	بدهی در مقابل سرمایه
debt-equity swap	
	تعویض بدهی با سهام
Debtor	
	بدهکار

Debtor warrant	تعهد کتبی بدهکار
debtors	بدهکاران
debtors control account	حساب کنترل بدهکاران
debtors' subsidiary	دفتر معین بدهکاران
Debt-paying ability	توانائی پرداخت بدهی
Debts	دیون - بدهیها
debug	تصحیح اشتباهات، اشکالزدایی، خطایابی، برطرف کردن اشکالات، عیب
deburring	خشزدایی، صاف کردن لبه های تیز
deca	ده، ده برابر، ده تایی، پیشوند یونانی به معنی ده
Decade	دوره ده ساله، به یک دهه عملکرد مالی یک شرکت یا موسسه گفته می شود.
decadent	زایل شونده، منحط، رو به انحطاط
decadic logarithm	

لگاریتم متعارفی، لگاریتم ددهی
decadic system
دستگاه ددهی، دستگاه اعشاری
decagon
ده ضلعی
decagonal
ده ضلعی گون، ده ضلعی، دارای ده ضلع
decahedral
ده وجهی
decahedron
ده وجهی
decameter
دکامتر
decanting chamber
اطاق تخلیه
decastere
ده متر مکعب
decay
تباہ شدن، تحلیل رفتن، تباہی، واپاشی، تلاشی، تحلیل
decay constant
ثابت تحلیل
decelerate
کاستن، کند کردن
decelerated

	مبطئه، کند شونده
deceleration	
	کند شوندي، کندی، شتاب کاهش، شتاب منفي، و اشتاب، کاهش سرعت، فرایند برگشت پذیر، کندمان
decend	
	نزول کردن، کاهش یافتن
decentral inspection	
	بازرسی غیر مرکزی
decentralization	
	تمرکز زدایی عدم تمرکز
decentralized decision making	
	تصمیم گیری غیر متمرکز
decentralized filing	
	بایگانی غیر متمرکز
decentralized hiring	
	استخدام غیر متمرکز
decentralized organizations	
	سازمانهای غیر متمرکز
decentralized planning	
	برنامه ریزی غیر متمرکز، طرح ریزی غیر متمرکز
deci	
	پیشوندی یونانی به معنی یک دهم
decibel	
	دسیبل

decidability problem	مسأله تصمیم پذیری
decidable	تصمیم پذیر
decide	تصمیم گرفتن
decided	مصمم، قطعی
decigram	یکدهم گرم، دسی گرم
decile	دهک
decillion	دسیلیون، در انگلیس ۱۰ به توان ۶۰ است.
decilliter	یکدهم لیتر، دسی لیتر
decimal	دهدهی، اعشاری، عشر
decimal approximation	تقریب اعشاری
decimal approximations	تقریب های اعشاری
decimal equivalent of a fraction	معادل اعشاری یک کسر متعارفی

decimal expansion	بسط ددهی، بسط اعشاری
decimal fraction	کسر ددهی، کسر اعشاری
decimal logarithm	لگاریتم ددهی، لگاریتم اعشاری
decimal notation	مرتبه های وضعی
decimal number	عدد ددهی، عدد اعشاری
decimal numbers	اعداد اعشاری
decimal place	مرتبه اعشاری، ارقام اعشاری
decimal point	ممیز
decimal representation	نمایش ددهی، نمایش اعشاری
decimal system	دستگاه ددهی، دستگاه اعشاری
decimalize	اعشاری کردن
decimeter	یک دهم متر، دسیمتر

decipher	کشف رمز نمودن، از رمز خارج کردن
Decision	تصمیم
decision box	جعبه تصمیم
decision criteria	ضابطه های تصمیم گیری، معیار های تصمیم گیری
decision criterion	معیار تصمیم (گیری)
decision function	تابع تصمیم
decision guidelines	رهنمودهای تصمیم گیری دستور العمل های تصمیم گیری
decision making	تصمیم گیری
decision making body	مقام تصمیم گیرنده، مرجع تصمیم گیرنده
decision making under certainty	تصمیم گیری در شرایط اطمینان
decision making under conflict	تصمیم گیری در شرایط تعارض
decision making under risk	

تصمیم گیری در شرایط ریسک، تصمیم گیری در حالت ریسک
decision making under uncertainty
تصمیم گیری در حالت عدم اطمینان کامل، تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان کامل
decision model
مدل تصمیم گیری
decision model approach
رویکرد / مدل تصمیم گیری
decision problem
مساله تصمیم
decision relevance of information
مربوط بودن اطلاعات در تصمیم گیری
decision rule
قاعده تصمیم
decision space
فضای تصمیم
Decision Support System
سیستم پشتیبان تصمیم گیری
decision support systems (doss)
سیستم های تسهیل کننده فرایند تصمیم گیری
decision symbol
نماد تصمیم گیری
decision table

جدول تصمیمی، جدول تصمیم گیری
decision theory
تئوری تصمیم، نظریه تصمیم، نظریه تصمیم گیری
decision tree
تصمیم گیری شاخه ای، درخت تصمیم گیری، درخت تصمیم
decision usefulness
مفید بودن تصمیم گیری سودمندی در تصمیم گیری
decision usefulness approach
رویکرد/ دیدگاه سودمندی برای تصمیم گیری
decision variable
متغیر تصمیم (گیری)
decision variables
متغیر های تصمیم گیری
deck
دست، دسته، کارت، دسته کارت، یک دست ورق
Declaration
اظهارنامه
declaration date
تاریخ اعلام / تصویب
declarative sentence
گزاره
Declare
اعلام کردن – اظهار کردن
declination

	میل، انحراف، تمایل، شیب، مایل
Decline	
	کاهش، به کاهش قیمت یک ارز، سهام یا کالا در بازار گفته می شود.
decline stage	
	مرحله تنزل قیمت
declining balance method	
	روش مانده نزولی
declivity	
	شیب، سرازیری
Decode	
	کشف رمز کردن
decoder	
	رمز گشا
decoding	
	رمز خوانی، رمز گشایی، رمز برداری، کشف رمز، رمز یابی
decoiler	
	کلاف بازکن
decomposable	
	تجزیه پذیر
decomposable into particular events	
	حادثه قابل تجزیه به حوادث خاص
decomposable set	

decompose	مجموعه تجزیه پذیر
decomposable operator	واهمنهستن، وانهادن، تجزیه شدن، تجزیه کردن، تبدیل کردن
decomposition	عملگر تجزیه پذیر
decomposition into prime factors	تجزیه
decomposition into primes	تجزیه به عوامل اول
decomposition of a fraction	تجزیه به اعداد اول
decomposition of a matrix	تجزیه کسر
decomposition of event into particular events	تجزیه یک ماتریس
decomposition of vector	تجزیه حادثه به حوادث خاص
decomposition principle	تجزیه بردار
decomposable operator	اصل تجزیه
Decrease	عملگر تجزیه پذیر

decrease in stock	کاهش
decreasing	کاهش در موجودیها
decreasing cost industry	نزولی، کاهش‌ی، کاهنده
decreasing divided differences	صنعت با هزینه های نزولی
decreasing failure rate	تفاضل های منقسم نزولی
decreasing function	میزان شکست کاهنده
decreasing function of one variable	تابع نزولی، تابع کاهش‌ی
decreasing mapping	تابع یک متغیره نزولی
decreasing marginal rate of substitution	نگاشت کاهش‌ی، نگاشت نزولی
decreasing sequence	نرخ نهایی جانشینی نزولی
decreasing trend	دنباله نزولی
decreasingly	روند نزولی

	به طور نزولی
decrement	
	تنزل، کاهش، نقصان، نزول، کاهش
decuple	
	ده برابر کردن، ده برابر
dedekind axiom of continuity	
	اصل موضوع پیوستگی ددکیند
dedekind cut	
	برش ددکیند
Dedekind definition of finiteness	
	تعریف ددکیند از تناهی
dedekind dicriminant theorem	
	قضیه مبین ددکیند
Dedekind discriminant theorem	
	قضیه مبین ددکیند
Dedekind domain	
	حوزه ددکیند
dedekind eta function	
	تابع اتای ددکیند
dedekind sum	
	مجموع ددکیند
dedekind's theorem	
	قضیه ددکیند
dedicated machine	

ماشین اختصاصی
dedline date
موعد قرار گذاشته شده
deduce
کاستن، استنتاج کردن، نتیجه گرفتن، به دست آوردن
Deduct
کسر کردن - کاستن
deduction
استقراء، تخفیف، کسور، استنتاج، قیاس، استنباط، استدلال، نتیجه گیری، استنتاج، کاهش، قیاس، کسر
deduction par analogie
استنتاج تمثیلی
deduction theorem
قضیه استنتاج
deductive
استنتاجی، قیاسی، برانگیزشی
deductive approach
رویکرد / روش قیاسی
deductive argument
استدلال استنتاجی، استدلال قیاسی
deductive completeness
تمامیت قیاسی
deductive method
روش قیاسی

deductive reasoning	استدلال قیاسی
deductive science	علم قیاسی
deductive system	دستگاه قیاسی، دستگاه استنتاجی
deductive theory	تئوری قیاسی
Deed of assignment	سند واگذاری
deep	ژرف، عمیق، گود
deep discount or zero coupon bonds notes	اوراق قرضه / اسناد بدون بهره یا با تخفیف هنگامت
deep drawing	کشیدن عمقی، کشش عمقی
defalcation, peculation	اختلاس، دستبرد، کلاهبرداری، دزدی
Default	پیش فرض
default disk drive	دیسک خوان فرض شده
default free bonds	اوراق قرضه بدون ریسک نکول ناتوانی در پرداخت

default in payments	قصور در پرداخت ها
default premium	ناتوانی در (صرف عدم پرداخت بدهی صرف نکول) پرداخت
Default risk	مخاطره پیمان شکنی
default value	ارزش قراردادی
Defaulted bond	سند قرضه معوق
defaulted notes	اسناد نکول شده اسناد سوخت شده
defeasance provision	شرط ابطال شرط فسخ
Defect	عیب – صدمه
defect free	بدون نقص
Defective	معیوب
defective equation	معادله ناقص
defective matrix	

ماتریس ناقص
defective number
عدد ناقص
defective product
محصول (کالای) معیوب
defective unit
واحد معیوب
defective units
واحدهای معیوب
Defensive stocks
سهام تدافعی
defensive stocks
سهام تدافعی سهام مقاوم سهامی که تغییرات قیمت آنها از تغییرات متوسط بازار کمتر است.
deferred correction
تصحیح نهایی
deferential income
درآمد تفاضلی (درآمد فروش، مبنای هزینه متغیر)
deferrals
انتقال بخشی از دریافتها یا پرداختهای نقدی گذشته به دوره جاری یا آتی انتقالی به دوره های آتی
deferred annuity
اقساط مساوی معوق اقساط انتقالی به دوره های آتی
Deferred bond

	سند قرضه موجل
deferred charges	
	مخارج انتقالی به دوره های آتی
deferred compensation	
	حقوق و مزایای انتقالی به دوره های آتی
deferred credit	
	اعتبار انتقالی
deferred credits	
	درآمدهای انتقالی به دوره های آتی
deferred debt issue costs	
	هزینه های انتقالی (به دوره های آتی) انتشار اوراق بدهی
deferred gain	
	سود غیر عملیاتی انتقالی به دوره های آتی
deferred gross profit	
	سود ناویژه (ناخالص) انتقالی به دوره های آتی
deferred income	
	پیش دریافت درآمد، درآمد های انتقالی
deferred method	
	روش انتقال به دوره های آتی
deferred payment credit	
	اعتبار با پرداخت معوق
deferred profit sharing plan	
	طرح سهام کردن در منافع آتی
deferred repairs / deferred maintenance	

تعمیرات معوق / حفظ و نگهداری معوق شده
Deferred reserve
ذخائر معوق
deferred revenue
درآمد انتقالی به دوره های آتی
deferred tax
مالیات انتقالی به دوره های آتی
deferred tax credit
اعتبار مالیاتی انتقالی (به دوره های بعد)
deferred tax debt
بدهی مالیاتی انتقالی (به دوره های بعد)
deferred tax, back duty
مالیات معوق، مالیات انتقالی به دوره های آتی
deferred taxation
مالیات بندی معوق (مربوط به آینده)
deferred-payment sale
فروش قسطی
deficiency
ناکارایی، عدم کارایی، کمبود، نقص
deficiency account or statement
حساب (صورتحساب) کسری / دارای نقصان
Deficiency advances
وامهای پوششی
deficiency index

شاخص نا کارایی	
deficiency, shortage, deficit, short	
کمبود، کسری، عیب و نقص	
deficiency, shortage, shorts	
کمبود، کسری، عیب و نقص	
deficient	
ناقص	
deficient number	
عدد ناقص	
Deficit	
کسر بودجه- عدم موازنه	
Deficit financiny	
تأمین منابع کسری	
Deficit spending	
خرج از محل کسری	
deficit, shortage	
کسری، کمبود، زیان	
Define	
تعریف کردن	
defined	
تعریف شده، معین	
defined benefit plan	
طرح (بازنشستگی) با مزایای معین	
defined contribution plan	

طرح (بازنشستگی) با سهم مشارکت معین	
defined every where	
	همه جا تعریف شده
defined term	
	حد تعیین شده
definiendum	
	معرف
definiens	
	معرف (منطق)، معرف ها
defining	
	تعریف
defining equation	
	معادله معرف
defining hyperplane	
	تعریف ابرصفحه
defining ideal	
	ایدال معرف
defining relation	
	رابطه معرف، رابطه تعریف کننده
defining variable	
	تعریف متغیر
definite	
	معین، مشخص، قطعی، معلوم
definite description	

شرح مشخص، توصیف مشخص، توصیف رسا
definite integral
انتگرال معین، جامعه معین
definite integration
انتگرال گیری معین
definite intergral
انتگرال معین
definite negative
مطلقا منفی

In the name of God

۳۴۰۰۰ واژه انگلیسی به فارسی (حسابداری جلد دوم)

(English-Persian)

Collector: Rohollah Yousefi Ramandi

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

This text is dedicated to the one I love: Hamid Yousefi
Ramandi

definite on an interval	
	معین روی یک فاصله
definite order	
	ترتیب معین
definite positive	
	مطلقا مثبت
definitely determinable liability	
	بدهی قطعی، بدهی معلوم و مشخص

definiteness	تعیین، معین بودن، قاطعیت، تصریح، صراحت
Definition	شناخت- تعریف
definition by abstraction	تعریف به تجرید
definition by induction	تعریف به استقرا، تعریف بوسیله استقرا
definition by recurrence	تعریف به استقرا، تعریف برگشتی، تعریف تراجعی
definition constraint	محدودیت تعریف
definition of a function	تعریف یک تابع
definition of concept	تعریف مفهوم
definition of distribution function	تعریف تابع توزیع
definition of event	تعریف حادثه
definition of notion	تعریف مفهوم
definition of operations of events	تعریف عملیات روی حوادث

definition of terms	تعریف اصطلاحات
definitive	قطعی
deflaction	کجی، شکم انداختن
deflated newton method	روش نیوتن ترمیم یافته
deflated polynomial	چندجمله ای کاهش یافته
deflating (deflation)	تورم زدایی، کاهش قیمت ها، رکود
deflation	رکود
deflation cost	هزینه ضد تورم
deflation method for an eigenvalue problem	روش کاهشی برای مسأله ویژه مقدار
deflationary	ضد تورمی
deflator	عامل تعدیل کننده
deflect	

کج شدن، منحرف شدن، منعکس کردن، منحرف، شکستن، منحرف کردن
deflection
انحناء، شکست، خیز، انحراف، کجی، انکسار، واخمش
deflective
انحرافی
deflector
منحرف کننده
deflexed
منحرف شده
deform
تغییر شکل دادن، بدشکل شدن
deformability
دگر دیس پذیری
deformable
دگر دیس پذیر، تغییر پذیر
deformation
دگر دیسی، تغییر شکل به حالت بدتر، ناقص، تبهگون
deformation retract
درون بر تغییر شکل، درونکش تغییر شکل
defraud
از راه خلاف (غیرقانونی) کسی را از حق یا مالکیت خود محروم کردن
defrauder

کلاه بردار
defunct company
شرکت ورشکسته یا منحل شده
defunct company, Liquidated company
شرکت منحل
degeneracy
تباهیدگی، تبهگنی، تباهی، انحطاط، ناقصی
degeneracy and shadow prices
تباهیدگی و قیمت های سایه
degeneracy in basic feasible solutions
تباهیدگی و قیمت های سایه
degeneracy order
درجه تباهیدگی
degenerate
تباهیده
degenerate basic solution
جواب پایه ای تباهیده
degenerate bilinear form
صورت دو خطی تبهگون
degenerate bounded variables
متغیر های کراندار تباهیده
degenerate closed interval
استحاله فاصله بسته زوال یافته، بازه بسته تبه شده
degenerate conic

مقطع مخروطی تباهیده، تبهگون، مقطع مخروطی منحن، مخروط تبهگون، مخروطی تبهگون، مخروط ناسره، مخروطی ناسره
degenerate conic section
مقطع مخروطی تباه شده
degenerate eigenvalue
ویژه مقدار تباهیده
degenerate equation
معادله تبهگون
degenerate extreme point
نقطه فرین تباهیده
degenerate iteration/pivot
تکرار/محورگیری تباهیده
degenerate mapping
نگاشت تباهیده
degenerate matrix
ماتریس مخصوص
degenerate quadric surface
رویه درجه دوی تباهیده
degenerate quadric surfaces
رویه های درجه دوی تباهیده
degenerate saddle point
نقطه زینی تباهیده
degenerate series

degenerate solution	سری تباهیده
degenerate tree	حل منحط
degenerated	درخت تبهگون، درخت تباهیده
degenerated dilatation	انبساط ضایع شده
degrade	تنزل دادن، تنزل کردن
degrease	گریس زدایی، چربی زدایی
Degree	درجه
degree function	تابع درجه
degree measure	مقیاس درجه
degree modulo 2	درجه به پیمانہ ۲
degree of a curve	درجه یک منحنی
degree of a polynomial	

درجه یک چندجمله ای
degree of accuracy
دقتی، تقریب، تقریبی
degree of an equation
درجه یک معادله
degree of belief
درجه اعتقاد
degree of censure
درجه سانسور
degree of certainty
درجه اطمینان، درجه اعتماد
degree of combined leverage (DCL)
درجه اهرم ترکیبی
degree of contact
درجه تماس، درجه سایش
degree of correspondence
درجه (میزان) انطباق
Degree of Financial Leverage
درجه اهرم مالی
degree of financial leverage (DFL)
درجه اهرم مالی
degree of focus
درجه تمرکز
degree of freedom

درجه آزادی	degree of generalization
درجه تعمیم	degree of interaction
درجه مواجهه	Degree of Operating Leverage
درجه اهرم عملیاتی	degree of operating leverage (DOL)
درجه اهرم عملیاتی	degree of permutation
درجه تبدیل	degree of preventive maintenance
درجه فعالیت های نگهداری	degree of proposition
درجه اعتماد گزاره	degree of proposition likelihood
درجه درست نمایی گزاره	degree of the system
درجه دستگاه	degree of total leverage
درجه اهرم کل	degree of variability
درجه تغییرپذیری	degressive

	نزولی
degresstion	
	نزول
deka	
	ده
del	
	دل، عامل
del credere agent	
	حق العمل کار ضامن، عامل فروش که بدهی خریدار را تضمین می کند
del operator	
	عملگر دل، عملگر نابلا
delambre analogies	
	قیاس های دلامبر، فرمول های گاوس
Delay	
	تاخیر
delay differential equation	
	معادله دیفرانسیل تاخیری
delay in delivery	
	تاخیر در تحویل
delay in payment	
	تاخیر در پرداخت
delay in payment, lag in payment	
	تاخیر در پرداخت

delay in settlement	تاخیر در تسویه
delay of cash outflow	عقب انداختن جریان نقدی خروجی
delayed costing	هزینه یابی با تاخیر نام دیگر هزینه یابی معکوس
delayed debt	بدهی به تاخیر افتاده (پرداخت نشده)
delayed delivery	تحویل با تاخیر
delayed income	درآمد معوقه
delayed recognition	شناسایی با تاخیر
delegant	حواله دهنده (بدهکار به طلبکار خود)
delegation of authority	تفویض اختیار به رده های پایین تر
delegation of powers	احاله اختیار
delegation of responsibility	تفویض مسئولیت
delegation of work	تفویض کار

Delete	حذف کردن
deleted	سفته
deleted limit	حدّ سوده
deleted neighborhood	همسایگی محذوف
deleted neighbourhood	همسایگی سفته
deleting	حذف
deletion	حذف
deleverage	اهرم زدایی
delicate	ظریف
delimit	محدود کردن، تعیین حدود
delimitate	تعیین حدود کردن، محدود کردن
delineate	نمایش دادن، مشخص کردن، توصیف کردن، ترسیم کردن

delineation	نمایش، توصیف، تصویر، طرح
delineator	کیلومتر شمار، توصیف کننده، طراح
delinquency tax	مالیات تعویض
delinquent accounts receivable	مطالبات معوق
delinquent taxes	مالیاتهای معوق
delist	حذف عضویت در بورس از فهرست خارج کردن
Deliver	تحويل دادن
deliver the goods to the warehouse	تحويل کالا به انبار
deliver, hand over	تحويل دادن
delivere	تولید شدن
delivered at frontier (DAF)	تحويل کالا در مرز
delivered duty paid (... named port of destination)	

تحويل کالا در محل مقرر در مقصد با ترخيص و با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی (... نام محل مقرر در مقصد)
delivered duty paid (DDP)
تحويل کالا در محل مقرر در مقصد با ترخيص و با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی
delivered duty unpaid (ddu)
تحويل کالا در محل مقرر در مقصد بدون ترخيص و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی
delivered duty unpaid (DDU) (... named port of destination)
تحويل کالا در محل مقرر در مقصد بدون ترخيص و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی (... نام محل مقرر در مقصد)
delivered ex quay (DEQ)
تحويل کالا روی اسکله در بندر مقصد
delivered ex ship (des)
تحويل کالا روی عرشه کشتی در بندر مقصد
delivered ex ship (DES) (.. named port of destination)
تحويل کالا روی عرشه کشتی در بندر مقصد (... نام بندر مقصد)
Delivery
تحويل
delivery and shipment
(زمان) تحويل و حمل
delivery basis

شناسایی درآمد بر مبنای تحویل کالای فروش رفته	
Delivery bond	تضمین تحویل
delivery carrier	کشتی حمل کننده
delivery charge, carrying charge	هزینه حمل و نقل انتقالی به دارائی
delivery chute	سرسره تحویل
delivery date	تاریخ تحویل
delivery department	اداره تحویل
delivery equipment	وسیله نقلیه، وسیله تحویل
delivery expense	هزینه تحویل
delivery lead time	فاصله زمانی بین دادن سفارش و تحویل گرفتن کالا
Delivery Note	برگه تحویل
delivery of health care, health care delivery, provision of health care	ارائه خدمات درمانی

delivery point	نقطه تحویل
delivery rate	میزان تحویل
delivery tube	لوله تحویل
Delivery Versus Payment	تحویل در ازای پرداخت- تحویل در زمان پرداخت
delivery versus payment (DVP)	تحویل در ازای وجه
delta	دلتا
delta function	تابع دلتای دیراک
deltodieux	سه گوش، دلتا مانند
deltohedron	دوازده وجهی
deltoid	سه گوش، دلتا مانند، دلتاوار
demagnete	مغناطیس زدا
Demand	تقاضا

demand bill	برات رویت، برات دیداری (مواد ۲۴۱ و ۲۵۵ قانون تجارت)
demand cost	هزینه عندالمطالبه (بر طبق تقاضا)
demand curve	منحنی تقاضا
demand debt	بدهی عندالمطالبه
demand deposit	سپرده دیداری، سپرده جاری
demand draft, sight bill, sight draft, short bill	برات دیداری
demand for payment	تقاضای پرداخت
demand forecasting	پیش بینی نیاز
Demand Forecasts	پیش بینی های تقاضا
demand function	تابع تقاضا
demand loan	وام دیداری (بدون سررسید)
demand management	

کنترل تقاضا
demand note
برگ درخواست (پرداخت)
demand oriented pricing
قیمت گذاری با توجه به شرایط تقاضا
demand pull
تورم ناشی از افزایش تقاضا
demand pull inflation
تورم ناشی از افزایش تقاضا
demand pull inventory system
سیستم موجودی کالای مبتنی بر کشش تقاضا
demand -pull inventory system
سیستم موجودی کالای مبتنی بر کشش تقاضا
demand surface
سطح تقاضا
demand, requirement
تقاضا، تقاضای شخص برای کالا یا خدمت
demanding, claimable
مورد مطالبه
demarcate
محدود کردن، تعیین حدود کردن، حدفاصل تعیین کردن
demi
پیشوندی به معنای نیم و نصف
Demise

انتقال، انتقال دادن	
demise charter	
اجاره دربست کامل	
Demographical Information Database	
پایگاه داده اطلاعات جغرافیایی	
demography	
مردم نگاری	
demoivre's formula	
دستور دموآور	
demoivre's theorem	
قضیه دموآور	
demoivre-laplace integral theorem	
قضیه انتگرالی دموآور-لاپلاس، قضیه انتگرال دموآور-لاپلاس	
demoivre-local theorem	
قضیه دموآور-لاپلاس	
demolition	
انهدام، تخریب	
Demonetize	
از رواج انداختن، بی اعتبار کردن	
demonstrate	
ثابت کردن، نشان دادن، به دست آوردن، به نمایش در آوردن، ثبوت، اثبات کردن، برپایی	
demonstration by contradiction	

برهان خلف	
demonstrative	
برهانی، اثباتی	
demonstrative syllogism	
قیاس برهانی	
demorgan's law	
قانون دمورگان	
demonstration	
نمایش، تظاهر، برهان، اثبات، باز نمود	
demotion	
تنزیل رتبه، تنزیل مقام	
demurrage	
کرایه بابت معطلی کشتی یا وسیله نقلیه باربری، زیان دیرکرد بارگیری یا تخلیه، دموراژ	
Demurrage charge	
هزینه جریمه تاخیر (کشتی، کامیون)	
dendrite	
دندانه ای شکل، شاخه نباتی، شاخوار	
denial	
ضد یک حکم، خلف، نفی، تکذیب، انکار، رد،	
denial of the antecedent	
رد مقدم	
denitration	
تکنولوژی ضد آلودگی، دنیتره کردن	

denjoy integrals	انتگرال های دانژوا
denomination of shares	نام گذاری طبقات سهام
Denomination Report	گزارش طبقه بندی
denominator	مخرج کسر
denominator function	تابع مخرج کسر، تابع مخرج
denominator level	سطح مبنا، سطح فعالیت عادی مخرج کسر
denominator of a progression	قدر نسبت
denominator variance = volume variance	انحراف مبنای جذب سربار
denote	نشان دادن، نمایش دادن، نمایاندن، علامت گذاشتن، نشان کردن، علامت گذاری
dense	چگال
dense set	مجموعه چگال
dense subset	

زیرمجموعه متر اکم، زیرمجموعه چگال
density
چگالی
density function
تابع چگالی، تابع چگالی احتمالی، تابع فراوانی
density function of multidimensional random variable
تابع چگالی کمیت تصادفی چندبعدی
density function of random variable
تابع چگالی کمیت تصادفی
density of probability distribution
چگالی توزیع احتمال
density property
خاصیت چگالی
dented
دنداندار
denticulate
دنداندار، کنگره دار، مضرس
denumerable
شمارای نامتناهی، شمارای بی پایان، شمارش پذیر، شمارا، منتها شمارا، شماره پذیر، شمردنی، قابل شمارش
denumerable set
مجموعه قابل شمارش، مجموعه شمارا، مجموعه شمارش پذیر، مجموعه شماره پذیر
denumerably infinite

denumerate	شمارا
denumeration	شمردن
Department	شمارش
department cost	بخش- اداره- دایره
department cost summary	هزینه دایره (هزینه بخش)
department head	خلاصه هزینه دایره (اداره)
department report	رئیس اداره، رئیس دایره
Department Store	گزارش قسمت، گزارش دایره
department, bureau, section	فروشگاه بزرگ
departmental	اداره (دایره، بخش)، بخش، واحد مستقل از سازمان
departmental accounting	اداره ای، دایره ای
departmental accounts	واحد مستقل

departmental actual overhead	حساب های دواير
departmental aims	سربار واقعی دوايري
departmental cost of production report	اهداف واحدی
departmental direct cost	گزارش هزینه تولید دواير
departmental distribution of cost	هزینه مستقیم دایره ای (هر دایره)
departmental expense analysis sheet	توزیع هزینه به دواير
departmental fixed costs	کارت (برگ) تجزیه تحلیل هزینه های دواير
departmental organization	هزینه های ثابت دایره
departmental overhead rate	واحد تشکیلاتی
departmental policy	نرخ سربار دایره ای (دواير)
departmental rate of return	سیاست واحدی
departmentation	نرخ بازده برحسب قسمت ها

واحدسازی اداری، تقسیم وظایف، گروه بندی وظایف، دیپارتمان بندی، طبقه بندی
departmentation by process
طبقه بندی بر اساس فرایند
departmentation by product
طبقه بندی بر حسب محصول
departmentation by time
طبقه بندی بر حسب زمان
departments
دوایر
departure
حرکت، عزیمت، عدول، مقصد
departure from
عدول از ... تخطی از ... عدم رعایت ...
departure from historical cost
انحراف از بهای تمام شده تاریخی
departure rate
آهنگ خروج
departure station
مبدا حرکت
depend
مستقل نبودن، بستگی داشتن، مربوط بودن، وابسته بودن
depend on
با توجه به، مبتنی بر، بسته بودن

dependence	اتکا، ارتباط، وابستگی، ناستقلال، بستگی، عدم استقلال
dependence intensity	شدت وابستگی
dependence measure of intensity	اندازه شدت وابستگی
dependence of events	وابستگی حوادث
dependency	بستگی، ارتباط، وابستگی
dependent	وابسته
dependent constraints	محدودیت های وابسته
Dependent Demand	تقاضاهای وابسته (مشروط)
dependent differentiation	مشتق گیری وابسته
dependent equations	معادلات وابسته
dependent event	پیشامد وابسته
dependent events	پیشامد های غیرمستقل، پیشامد های وابسته

dependent function	تابع وابسته، تابع غیر مستقل
dependent functions	توابع وابسته
dependent on	وابسته به، مربوط به، وابسته به
dependent samples	نمونه های وابسته
dependent set	مجموعه نامستقل
dependent variable	متغیر وابسته، متغیر تابع
dependent variable costs	هزینه های متغیر وابسته
dependent vectors	بردار های وابسته
dependent's allowance	فوق العاده عائله تحت تکفل
depict	نشان دادن، معین شدن، رسم کردن، نقش کردن
deplating	پوسته برداری، آبکاری معکوس، ورقه برداری
depletable	دارایی استهلاک پذیر (در منابع طبیعی)

depletion	کاهش (استهلاک) منابع طبیعی هزینه تهی شدن منابع طبیعی
depletion accounting	روش محاسبه استهلاک منابع طبیعی
depletion allowance	ذخیره تهی شدن (استهلاک) مخازن و منابع طبیعی
depletion asset	دارایی نقصان پذیر (تهی شدنی)
depletion base	مبنای استهلاک منابع طبیعی
depletion rate	نرخ استهلاک منابع طبیعی
Deposit	سپرده- پس انداز
deposit account	حساب سپرده
deposit claims	مطالبات سپرده ای
Deposit funds	منابع سپرده گذاری شده
deposit in transit	سپرده بین راهی، وجوه در راه
deposit insurance	بیمه سپرده

Deposit money	پول تودיעی
deposit on order registration	سپرده ثبت سفارشی
deposit payable	سپرده پرداختی
deposit rate	نرخ سپرده
deposit ratio	نسبت سپرده ای (سپرده ها به سرمایه)
Deposit receipt	رسید سپرده
deposit receivable	سپرده دریافتی
Deposit slip	برگه سپرده
deposit warrant	مجوز سپرده پذیری
deposit, fiduciary, trust funds	امانت، سپرده
depository	امانت دار، سپرده پذیر، بانک یا موسسه سپرده پذیر
deposition efficiency	بازدهی رسوب

deposition rate	نرخ رسوب
depositor	امانت گذار، صاحب سپرده
Depository bank	بانک سپرده پذیر
Depository Transfer Check	چک انتقال سپرده
depository trust company (DTC)	شرکت سپرده امانی
Deposits	سپرده ها
deposits in transit	وجوه بین راهی، وجوه در راه
Deppreciate	کاهش ارزش
depreciable	قابل استهلاک، استهلاک پذیر
depreciable amount	مبلغ قابل استهلاک
depreciable asset	دارایی استهلاک پذیر (در منابع طبیعی)
depreciable assets	داراییهای استهلاک پذیر

depreciable cost	بهای تمام شده مشمول استهلاک، بهای تمام شده استهلاک پذیر
depreciate	مستهلك کردن
depreciated asset	دارایی مستهلك شده
depreciated book value	ارزش دفتری مستهلك شده
depreciated cost	بهای تمام شده منهای استهلاک انباشته
depreciated cost (depreciated value)	خالص ارزش دفتری دارایی
depreciated cost, unamortized cost, amortized cost	بهای تمام شده مستهلك شده
depreciated original cost	بهای تمام شده اولیه منهای استهلاک انباشته
depreciated replacement cost	بهای جایگزینی مستهلك شده
depreciated value	ارزش دفتری، بهای تمام شده مستهلك شده
depreciation	استهلاک، کاهش پیاپی

depreciation accounting	حساب داری استهلاك
depreciation adequacy	تخصیص درست استهلاك انباشته
depreciation adjustment	تعدیل استهلاك
Depreciation allowance	ذخیره استهلاك
depreciation base	مبنای استهلاك
depreciation base (basis)	مبنای استهلاك
depreciation based on income	روش چند درصد سود
depreciation couple-declining balance (DDB)	استهلاك مانده نزولی مضاعف
depreciation expense	هزینه استهلاك
depreciation funds invested	وجوه استهلاكی سرمایه گذاری شده
depreciation funds, sinking funds	وجوه استهلاكی سرمایه گذاری شده
depreciation method	روش استهلاك

Depreciation of currency	ارزان شدن ارزش برابری پول
depreciation provision	ذخیره استهلاك
depreciation provision on (at) asset	ذخیره استهلاك دارایی
depreciation rate (ratio)	ضریب استهلاك، نرخ استهلاك
depreciation recapture	بازیافت استهلاك
depreciation reserve	اندوخته استهلاك
depreciation reserve funds	وجوه اندوخته استهلاكی
depreciation reserve ratio	ضریب اندوخته استهلاك
depreciation taken into account	استهلاك به حساب منظور شده
depreciation written off	استهلاك منظور شده (به هزینه برده شده)
depreciation, amortization	کاهش ارزش ، مستهلك کردن
depressed	تنزل یافته

depressed equation	معادله تنزل یافته
Depression	کساد
deprival value	زیان ناشی از بلا استفاده بودن یک قلم دارایی، ارزش فقدان، ارزش جبرانی
Dept	بدهی، بدهی و تعهدات مالی اشخاص، موسسات یا دولت‌ها
depth	عمق
depth first search	جستجوی عمقی
depth gage	عمق سنج، ژرفا سنج، ژرفا نما، کولیس سوراخ، کولیس عمق سنج
depth line	خط ژرفا
depth of an ideal	ژرفای یک ایده آل
depth of cut	عمق تراشه برداری، عمق برش
depth of fusion	عمق ذوب
depth of market	

عمق بازار	depth of smoothness
عمق نرمی	depth of teeth
گودی دندان، ارتفاع دندان	deputy
قائم مقام، معاون، جانشین	deputy chairman
نایب رئیس هیات مدیره	deputy manager
قائم مقام مدیر	derange
به هم زدن ترتیب، بر هم زدن، پریشیدن	derangement
پریش، بی ترتیبی، در هم ریختگی	derangements number
تعداد پریش ها	derate / de-rate
پایین آوردن نرخ (مالیات)	deregistration
توقف ثبت ریدادهای مالی	deregulation
مقررات زدایی، حذف مقررات	derelict asset (property), abandoned asset

دارایی متروک (بی صاحب)
derivable
قابل اشتقاق، مشتق پذیر، قابل مشتق گیری، دارای مشتق، مشتق دار
derivable in the ordinary sense
مشتق پذیر به مفهوم معمولی
derivation
مشتق گیری، استخراج، اشتقاق، به دست آمدن
derivation of ring
مشتق حلقه
derivation product
محصول مشتق (فرعی)
derivation tree
درخت اشتقاق، اشتقاق درخت
derivative
اوراق بهادار مشتقه، ابزارهای مالی
derivative financial instruments
اوراق بهادار (مالی) مشتقه
derivative financial instruments, derivative securities
اوراق بهادار (ابزار مالی) مشتقه
derivative function
تابع مشتق
derivative instruments and hedging activities

اوراق بهادار مشتقه و فعالیتهای مقابله با ریسک
derivative market
بازار ابزارهای مالی ، بازار مشتقه
derivative of a complex function
مشتق یک تابع مختلط
derivative of a real function
مشتق یک تابع حقیقی
derivative of a vector valued function
مشتق یک تابع برداری
derivative of an integral
مشتق انتگرال
derivative of determinant
مشتق دترمینان، مشتق معین
derivative of function
مشتق تابع
derivative of linear form
مشتق فرم درجه اول
derivative of matrix
مشتق ماتریس
derivative of quadratic form
مشتق صورت درجه دوم
derivative securities
اوراق بهادار مشتقه
derivative set

	مجموعه مشتق
derivative with respect to x	
	مشتق نسبت به x
derivatives	
	اوراق بهادار مشتقه
derive	
	مشتق گرفتن، نتیجه گرفتن، پیدا کردن، استخراج کردن، به دست آوردن
derive from	
	به دست آمدن از، مشتق شدن از
derived	
	ثابت کرده، مشتق شده، به دست آمده، استخراج شده
derived curve	
	خم مشتق
derived demand	
	تقاضای مشتق
derived function	
	تابع مشتق
derived group	
	گروه فرعی، زیرگروه تعویض گر
derived rule	
	قاعده مشتق
derived set	
	مجموعه مشتق

derived subgroup	زیرگروه مشتق
derived unit	واحد فرعی
derogation clause	شرط فسخ
derogatory matrix	ماتریس تخفیف پذیر
derogatory stipulation	شرط زیان آور
Desargues	دسارگ
Desargues configuration	ترکیب دسارگ
desargues theorem	قضیه دزارگ
Descartes rule of signs	هندسه دکارت، قاعده علامت های دکارت
Descartes theorem	هندسه دکارت، قاعده علامت های دکارت
descartes' rule of signs	قانون علایم دکارت
descendable	قابل نزول، قابل کاهش

descendant	نزولی، پایین رو، نازل، نسل، نسل بعدی
descendant curve	خم نزولی
descendant function	تابع نزولی
descendant node	کسر سطح پایین تر
descending	نزولی، کاهشی، کاهنده نزولی
descending central series	سری مرکزی کاهشی
descending chain	زنجیر کاهشی
descending order	ترتیب کاهشی، ترتیب نزولی
descending powers	قوای نزولی
descent	نزول، سقوط، هبوط، نشیب
descent time	زمان سقوط
describe	توضیح دادن، توصیف کردن، شرح دادن، رسم کردن

described	رسم کردن، توصیف شده، وصف شده، موصوف
description	تشریح، شرح، توصیف، تقریر، وصف
description big	توصیف بزرگ
Description column	ستون شرح
description of a set	توصیف یک مجموعه
description of goods purchased	مشخصات کالای خریداری شده
description, specification	شرح مشخصات، توضیح، توصیف، تشریح
descriptive	تشریحی، توصیفی، ترسیمی
descriptive approach	روش (رویکرد) توصیفی
descriptive captions	عنوان های توصیفی
descriptive geometry	هندسه ترسیمی
descriptive scale	مقیاس ترسیمی، مقیاس توصیفی

descriptive statistic	آماره توصیفی، شاخص توصیفی
descriptive statistics	آمار توصیفی
descriptive study	مطالعه توصیفی، مطالعه تشریحی
Design	طرح، نقشه
design date sheet	برگ اطلاعات طراحی
design matrix	ماتریس طرح
design of an experiment	طرح آزمایش
design of experiment	طرح آزمایش، طراحی آزمایش
design of products services or processes	طراحی محصولات خدمات یا فرایندها
design of sampling	طرح آمارگیری نمونه ای
design of weldment	طراحی جوش
design review	مرور طرح

design workshop	کارگاه طراحی
designate	نمایش دادن، نشان دادن، تخصیص دادن، در نظر گرفتن، تعیین کردن، انتخاب کردن، علامت گذاری کردن، معین کردن، گماشتن، گماردن، مشخص کردن
designated vertex	رأس مشخص
designation	معرفی، سمت، نقش
designed in costs	هزینه های طراحی داخلی
designer	نقشه کش، طرح آفری، طراح
designing	طرح ریزی
desirability	مطلوبیت
desirability statement	صورت حساب شرایط مطلوب
desirability, adequacy	مطلوبیت
desire	تمایل داشتن، تمایل +`

desired function	عمل مورد نظر
desired quality level	سطح کیفیت مطلوب
desk calculation	محاسبات دستی
desk calculator	ماشین حساب رومیزی
desktop	صفحه نمایش
Desktop Tier	لایه نمایش
despite	در صورت
Destination	مقصد
destroy	خراب شدن، از بین رفتن
destructive test	آزمایش تخریبی، آزمایش مخرب
detachable part	قطعه قابل انفصال
detached	منفصل، جدا

detachment	تجزیه، تفکیک
detail	مشخصات، جزئیات، تفصیلات
detail account	حساب تفصیلی
detail accounting	حسابداری تشریحی (جزء به جزء)
detail drawing	رسم تفصیلی
detail of account	ریز حساب
detail of working capital	صورت ریز سرمایه در گردش
detail review, detail study	بررسی تفصیلی
detailed	مفصل، تفصیلی
detailed account	دفتر معین، حساب مشروح (حاوی جزئیات)
detailed accounting	حسابداری تفصیلی
detailed audit	حسابرسی کامل، رسیدگی تضمینی

detailed auditing	حسابرسی کردن عمیق (به ریز)
detailed budget	بودجه به ریز
detailed calculation	محاسبه به ریز
detailed checking	رسیدگی به ریز (کامل)
detailed drawings	نقشه های تفصیلی
detailed finding	یافته های تفصیلی
detailed guidance	رهنمود تفصیلی
detailed income statement	صورتحساب سود و زیان به شکل تفصیلی
detailed network	شبکه تفصیلی
detailed project	طرح تفصیلی
detailed statement	صورتحساب با شرح ریز (کامل)
Details	جزئیات

details as per attached sheet	
	جزئیات طبق ورقه پیوست
detect	
	کشف کردن، آشکار ساختن، یافتن
detecting	
	ردیابی
detecting error	
	آشکار سازی خطا
detection	
	آشکار سازی، کشف، یافت، تشخیص
detection risk	
	ریسک عدم کشف تحریفات
detective controls	
	کنترل‌های کشف کننده کنترل‌های تشخیص دهنده
detective controls, transfer controls	
	کنترل های اکتشافی
deteriorating economic positions	
	اوضاع نابسامان اقتصادی
deterioration	
	فرسودگی
determinable current liabilities	
	بدهیهای جاری قابل تعیین
determinable liabilities	
	بدهی های قابل تعیین

determinant	تعیین کننده، بازدارنده، مانع، دترمینان، مبین، جداگر، معین، نمایانگر
determinant equation	معادله دترمینان
determinant function	تابع دترمینان
determinant of a linear transformation	دترمینان یک تبدیل خطی
determinant of a matrix	دترمینان یک ماتریس
determinant of a system of linear equation	دترمینان یک دستگاه معادلات خطی
determinant of an endomorphism	دترمینان یک درسانی
determinant of linear transformation	دترمینان تبدیل خطی
determinant of matrices	دترمینان ماتریس ها
determinant of matrix	دترمینان ماتریس
determinant of system of linear equations	دترمینان دستگاه معادلات خطی
determinant rank	

determinant tensor	رتبه دترمینان
determinantal	تانسور دترمینان
determinate	دترمینانی
determination	تعیین حدود کردن، معین، مشخص
determine	تعیین کرده، مصمم
determined	تعیین کردن، تعریف شدن، معین کردن، مشخص کردن
determined overhead rate	نرخ تعیین شده سر بار
determined system	دستگاه معین
determining	تعیین کردن، قطع کردن
determining relation	رابطه تعیین کننده
deterministic	غیر احتمالی، قطعی، تثبیتی، قطع شده، جبری، تعینی، معین قطعی

deterministic assumption	فرض قطعی بودن، فرض معین بودن
deterministic distribution	توزیع قطعی
deterministic model	مدل قطعی
deterministic problems	مسأله های قطعی
deterministic process	فرایند قطعی
deterministic system	سیستم قطعی، دستگاه معین
deterministic time	زمان معین
detract	کم کردن، کاستن
detraction	کاهش
detractive	کاهشی
Devaluate	تضعیف ارزش پول
devaluation	از ارزش انداختن کاهش رسمی ارزش (پول, بها, نرخ)

devaluation of share, dilution	کاهش ارزش سهم
Develop	توسعه
develop, expand	توسعه دادن
developable	قابل بسط، قابل توسعه، گسترده، قابل گسترش، گسترش پذیر
developable surface	سطح گسترش پذیر، رویه گسترده
developed countries	کشور های پیشرفته
developer	توسعه دهنده، ظاهر کننده
developing countries	کشور های در حال توسعه
development	گسترش، بسط، توسعه، عمران، پرورش، پیشرفت، تحت تکفل، عائله، بهسازی، ایجاد
development and research cost	هزینه توسعه و تحقیق
development budget	بودجه عمرانی
Development credit agreement	

development of determinant	موافقتنامه اعتبار توسعه ای
development plan	بسط دترمینان
development project	طرح توسعه
development stage enterprise	پروژه توسعه ای
development, expansion	واحد تجاری در مرحله قبل از بهره برداری
deivable	توسعه
deviate	قابل انحراف، انحراف پذیر
deviation	انحراف ورزیدن، منحرف شدن، منحرف
deviation angle	انحراف، تغییر مسیر
deviation from the mean	زاویه انحراف
deviation of random variable	انحراف از میانگین (آمار)
deviation point	انحراف کمیت تصادفی

نقطه انحراف	
deviation points	
نقطه های انحراف	
deviation rate	
ضریب انحراف، ضریب مغایرت	
deviation rate occurrence rate, exception rate	
ضریب انحراف	
deviation score	
نمره انحرافی	
deviator	
اختلاف سنج، انحراف سنج	
device	
وسیله، اسباب، شیوه، آلت، دستگاه، خار، ضامن، نقشه، قطعه، طرح	
devide	
تقسیم	
divider	
بخش کننده، بخشگر، تقسیم کننده، جدا کننده، پرگار، پرگار تقسیم، مقسم	
divider caliper	
پرگار اندازه گیر، پرگار اندازه گیری	
divisor	
مقسوم علیه، بخشیاب	
devition	

	انحراف
devote	
	وقف کردن، تخصیص دادن
dexidization	
	اکسیژن گیری، اکسیژن زدایی، اکسید زدایی
dexidizer	
	اکسیژن گیر، اکسیژن زدا
diagnosis	
	تشخیص، شناخت، عیب یابی
diagnosis system	
	سیستم تشخیص
diagnosis time	
	زمان تشخیص
diagonable	
	قابل تبدیل به یک ماتریس قطری
diagonal	
	قطر
diagonal canonical form	
	شکل متعارف قطری
diagonal element	
	عنصر قطری
diagonal elements	
	عضو های روی قطر
diagonal form	

diagonal matrix	شکل قطری
diagonal of a polygon	ماتریس قطری / مورب
diagonal of the product	قطر چند ضلعی
diagonal partial sum	قطر حاصل ضرب
diagonal point	مجموع جزئی قطری
diagonal process	نقطه تقاطع قطر ها
diagonal relation	فرآیند قطری
diagonalizable	رابطه قطری
diagonalizable linear transformation	اثر ماتریس، مجموع قطری ماتریس
diagonalizable linear transformations	قطری پذیر
diagonalizable matrix	تبدیل خطی قطری پذیر
	تبدیل خطی قطری شدنی

ماتریس قطری پذیر	
diagonalizable operator	
عملگر قطری شدنی	
diagonalization	
قطری کردن	
diagonalize	
به صورت قطری درآوردن، قطری کردن	
diagonalized	
قطری شده	
diagonalizing matrix	
ماتریس قطری کننده	
diagonally dominant	
مسلط قطری	
diagonally dominant matrix	
ماتریس با قطر غالب	
diagonally dominant system	
دستگاه مسلط قطری	
diagonalizable linear transformation	
تبدیل خطی قطری شدنی	
Diagram	
دیاگرام، نمودار	
diagram of a function	
نمودار تابع	
diagrammatic	

نمایشی، نموداری
diagrammatically
به طور نمایشی، به طور نموداری
dial
شماره گیر، ساعت، صفحه مدرج، ساعتی، شماره گرفتن، صفحه مدرج، صفحه شماره گیر، صفحه ساعت، دگمه صفحه مدرج، شماره گرفتن
dial gage
اندازه گیر ساعتی، سنجه عقربه ای
dial indicator
عرقبه نشان دهنده، سنجه، ساعت اندازه گیر، اندازه گیر ساعتی، شمارنده نمایشگر
dial press
پرس با میز گردان
dialectical syllogism
قیاس جدلی
diameter
قطر
diameter of a circle
قطر دایره
diameter of a conic
قطر مقطع مخروطی
diameter of a set in a metric space
قطر مجموعه در فضای متریک
diameter of an ellipse

قطر یک بیضی	
diametral	
قطری، وابسته به قطر، واقع در طول قطر	
diametral pitch	
گام قطری	
diametrical	
قطری، متقاطع	
diametrically	
در طول قطر، در جهت قطر، کاملا، شدیداً	
diametrically opposite	
قطرا متقابل، متقاطع	
diamond	
لوزی، الماس، خشت	
diagonal	
قطر	
diaphragm gate	
مدخل دیافراگمی	
dice	
تاس	
dichotomic	
دو ارزشی، ثنایی	
dichotomous	
دو حالتی، دو ارزشی	
dichotomous variable	

	متغیر دو حالتی
dichotomy	
	دو رستگی، دوگانگی، تقسیم دو ارزشی، طبقه بندی دو ارزشی، تقسیم به دو بخش، انشعاب به دو شعبه، دو حالتی بودن
dicontinuity	
	ناپیوستگی
dicontinuous group	
	گروه ناپیوسته
dictionary order	
	ترتیب فرهنگ لغتی
dictionary order topology	
	توپولوژی ترتیب قاموسی
dictum de omni et nullo	
	احکام همه و هیچ
dicyclic group	
	گروه دو گردشی
dido's problem	
	مسأله دیدو
die	
	تاس ها، قالب، ماتریس، تاس، حدیده کردن، سنبه، حدیده ای
die and stock	
	حدیده و دسته
die block	

ماتریس قالب سازی، جعبه حدیده، جاقالبی
die holder
ماتریس نگهدار، نیمه پایینی قالبگیر، حدیده نگهدار، قالبگیر، کفشک پایینی
die land
کفی دور قالب
die making
قالب سازی
die opening
مجرای باز، دهانه قالب، منفذ ورود به قالب، قالب
die set
مجموعه نگهدارنده، دست قالب، قالب نگهدار
dielectric
نارسانا، نارسانای برقی، عایق، دی الکتریک
diet problem
مسأله رژیم غذایی
diffeomorphism
وابرریختی، وابرسانی
differ
اختلاف داشتن
Difference
اختلاف
difference equation
معادله تفاضلی

difference estimation	برآورد تفاضلی، برآورد اختلاف
difference from	بجز، متمایز شدن
difference group	گروه تفاضلی، گروه تفاضل
difference medule	گروه تفاضل
difference method	روش تفاوت نمره ها، روش تفاضلی، روش متغیر گسسته
difference methods	روش های تفاضلی، روش های متغیر گسسته
difference module	مدول تفاضل
difference notation	نماد تفاضل
difference of cardinal numbers	تفاضل اعداد اصلی
difference of events	تفاضل حوادث
difference of ordinals	تفاضل اعداد ترتیبی
difference of relations	تفاضل روابط، تفاوت روابط

difference of sets	تفاضل مجموعه ها
difference of two sets	تفاضل دو حافظه، تفاضل دو مجموعه، متمم نسبی دو مجموعه
difference of zero	تفاضل صفر
difference operator	عامل تفاضل، عملگر تفاضلی
difference property	خاصیت تفاضل، خاصیت تفاضلی
difference quotient	خارج قسمت تفاضلی
difference quotients	خارج قسمت های تفاضلی
difference score	نمره تفاوت
difference sequence	دنباله تفاضل ها
difference set	مجموعه تفاضل
difference table	جدول تفاضل، جدول تفاضل ها
different	

different fiscal periods	به صورت دیگر، متمایز، مختلف، متفاوت، نابرابر
different numbers	دوره های مالی متفاوت
differentiability	اعداد متفاوت
differentiability continuous	مشتق پذیری
differentiable	به طور مشتق پذیر پیوسته
differentiable atlas	مشتق پذیر
differentiable chain	اطلس مشتق پذیر
differentiable function	زنجیر مشتق پذیر
differentiable manifold	تابع مشتق پذیر
differentiable simplex	خمینه مشتق پذیر
differential	سادک مشتق پذیر
differential and integral calculus	تفاوت قیمت، تفاضلی

حساب دیفرانسیل و انتگرال
differential calculus
حساب دیفرانسیل
differential coefficient
مشتق، ضریب دیفرانسیل
differential cost
هزینه (بهای تمام شده) تفاضلی
differential cost analysis
تجزیه و تحلیل بهای تمام شده تفاضلی
differential cost items
اقلام تفاضلی بهای تمام شده
differential costing
هزینه یابی تفاضلی (نهائی)
differential element
عنصر دیفرانسیل، عنصر بینهایت کوچک
differential equation
معادله دیفرانسیل، معادله فاصله
differential equation of high degree
معادله دیفرانسیل مرتبه عالی، معادله دیفرانسیل درجه عالی
differential equation with constant coefficients
معادله دیفرانسیل با ضرایب ثابت
differential equation with nonseparated variables
معادله دیفرانسیل با متغیرهای جدا نشده

differential equation with second side	معادله دیفرانسیل با طرف ثانی
differential equation with separated vaiables	معادله دیفرانسیل با متغیر های جداشده
differential equation with variables coefficients	معادله دیفرانسیل با ضرایب متغیر
differential equation without second side	معادله دیفرانسیل بدون طرف ثانی
differential estimate	برآورد تفضیلی
differential form	فرم دیفرانسیل
differential geometry	هندسه دیفرانسیل
differential invariant	پایای دیفرانسیل
differential invariants	پایا های دیفرانسیل
differential investment	سرمایه گذاری تحت شرایط مختلف
differential of composite function	دیفرانسیل تابع چند متغیر
differential operator	عملگر دیفرانسیل

differential piece work plan	طرح پاره کاری نسبی
differential pricing	عرصه یک نوع کالا با قیمت های متفاوت
differential quotient	مشتق دیفرانسیلی، خارج قسمت
differential topology	توپولوژی دیفرانسیل
differentiale	مشتق پذیر
differentialindexing	تنظیم جزئی
differentiate	مشتق گرفتن، دیفرانسیل گرفتن
differentiated marketing	بازاریابی بر مبنای نیازهای متفاوت
differentiation	تمایز ایجاد تماز مشتق گیری
Differentiation constant	ثابت دیفرانسیل
differentiation of an integral	دیفرانسیل گیری از یک انتگرال
differentiation of integral	مشتق انتگرال

differentiation operator	عملگر مشتقگیری
differentiation transformation	تبدیل مشتق گیری، تبدیل دیفرانسیل گیری
difference set	مجموعه تفاضل
diffidence region	ناحیه بی اعتمادی
diffract	به اجزاء تقسیم شدن، پراشیدن
diffraction	پراش، انکسار
diffuse	پخش کردن، منتشر کردن، افشاندن
diffusion	انتشار، اشاعه، پراکنش، پخش، تراوش، نفوذ
diffusion annealing	تابکاری همگنساز، آنیل دیفوزیونی
diffusion coefficient	ضریب نفوذ، ضریب دیفوزیونی
diffusion equation	معادله پخش
diffusion process	فرایند پخش، فرآیند پراش، مرحله انتشار

deficiency index	شاخص ناکارایی
digest	خلاصه اطلاعات، خلاصه کردن، هضم کردن
digit	رقم، انگشت، پیکر
digital	عددی، پیکره ای، شماره ای، نمره ای، رقمی
digital analog	رقمی-تشخیصی، رقمی-قیاسی
digital computer	کامپیوتر دیجیتال، کامپیوتر عددی، کامپیوتر رقمی، حسابگر رقمی، شمارگر رقمی
digital control	کنترل رقمی
digital device	کامپیوتر رقمی
digital quantity	کمیت رقمی
digital table	تخته ترافیکی
Digital Work	کسب کار به حالت مدرن و دیجیتالی- عملیات دیجیتالی
digitizer	

	رقم ساز، رقمی کننده
digraph	
	گراف جهت دار
dihedral	
	دو وجهی، دو سطحی، فرجه
dihedral angle	
	زاویه دو سطحی، زاویه دو وجهی، فرجه، زاویه مسطحه فرجه
dihedral group	
	گروه دو وجهی، گروه زاویه دو وجهی
dihedron	
	دو وجهی، فرجه، زاویه دو وجهی
dilatation	
	گسترش، انبساط، تجانس
dilation	
	اتساع
dilatometer	
	گسترش سنج، انبساط سنج
dilemma	
	معضل بلا تکلیفی بر سر دوراهی ماندن
dilute	
	رقیق کردن، رقیق
diluted earning per share	
	سود تقلیل یافته هر سهم

diluted earning per share (DEPS)	سود تقلیل یافته هر سهم
diluted earnings per share (deps)	سود تقلیل یافته هر سهم
dilution	تقلیل کاهش
dilution effects of conversion	آثار تقلیل دهندگی تبدیل
dilution of ownership	کاهش (تقلیل) سطح مالیکت
dilution problem	مسأله ترفیق
dilutive securities	اوراق بهادار تقلیل دهنده (سود هر سهم)
dimension	بعد، اندازه، مقدار، پیمانہ، اندازه گیری
dimension function	تابع بعد
dimension of basis	بعد پایه
dimension of euclidean space	بعد فضای اقلیدسی
dimension of linear variety	بعد وارپته خطی

dimension of probability density	بعد چگالی احتمال، اندازه چگالی احتمال
dimension of vector space	بعد فضای برداری
dimension theory	نظریه ابعاد، نظریه بعد
dimensional	با بعد، ابعادی، اندازه ای
dimensional analysis	تحلیل ابعادی، تحلیل کمیت های فیزیکی بر حسب ابعاد اصلی
dimensional formula	فرمول ابعادی
dimensional stability	پایداری اندازه، ثبات بعدی، دوام ابعادی
dimensionality	تعداد ابعاد، بعد-چندی
dimensionality problem	مسأله تک بعدی
dimensioning	اندازه گیری
dimensionless	بی بعد، فاقد بعد
dimensionless covariance	

کوواریانس بی بعد	
dimensionless number	
عدد بی بعد، عدد مطلق	
dimensions of a rectangular figure	
ابعاد یک شکل راست گوشه	
dimensions of space	
بعد های جایگاه، ابعاد مکان	
dimetric skew axonometry	
محور سنجی کج دو واحدی، محور سنجی جبهی	
diminish	
کم شدن، کم کردن، کم جلوه دادن، کاستن	
diminishing efficiency	
بهره وری نقصانی	
diminishing marginal utility	
مطلوبیت نهایی نزولی	
diminishing rate	
نرخ نزولی	
diminishing return, decreasing return	
بازده نزولی (رو به کاهش)	
diminishing returns	
بازده نزولی	
diminishing-balance method (reducing-balance method)	
روش مانده نزولی (در استهلاك)	

diminution	کاهش، تقلیل
dimple hole	حفره کله قندی
Dini derivatives	مشتق های دینی
Dini series	سری دینی
dini surface	رویه دینی
Dini test	آزمون دینی
dini's theorem on fourier series	قضیه دینی در مورد سری های فوریه
dini's theorem on uniform convergence	قضیه دینی در مورد همگرایی یکنواخت
diophantine	دیوفانتوسی، دیوفانتی
diophantine analysis	آنالیز دیوفانتوسی، آنالیز دیوفانتی، تحلیل دیوفانتی
diophantine appoximation	تقریب دیوفانتوسی، تقریب دیوفانتی
Diophantine approximation	تقریب دیوفانتی

diophantine equation	معادله دیوفانتوسی، معادله دیوفانتی
diophantine equations	معادلات دیوفانتوسی، معادلات چندجمله ای با مجهولات صحیح
dip	فرورفتگی، شیب
dip transfer	انتقال عمقی، انتقال قطره ای
dipole	دو قطبی، دی پل
Dirac	دیراک
Dirac delta function	تابع دلتای دیراک، تابع دلتا
dirac deta function	تابع دلتای دیراک، تابع دلتا
dirac distribution	توزیع دیراک
direct	مستقیم، راهنما، سراسر است، درست، جهت دادن، راسته، موافق، راست
direct (wages-labor)	دستمزد مستقیم، نیروی کار مستقیم
direct access	

direct access storage devices (DASD)	دسترسی مستقیم
direct addition	انبارهای دسترسی مستقیم
direct advertising expenditures	جمع مستقیم
direct allocation	هزینه های تبلیغ مستقیم
direct allocation basis of apportionment	تخصیص مستقیم
direct allocation method	روش (تخصیص مستقیم) در تسهیم
direct analytic continuation	روش تخصیص مستقیم (در تسهیم)
direct and indirect tax	ادامه تحلیلی مستقیم
direct approach	مالیات مستقیم و غیرمستقیم
direct assessment method	روش (رویکرد) مستقیم
direct charges (expenses)	روش سنجش مستقیم
direct control	مخارج مستقیم

کنترل مستقیم
direct correlation
همبستگی مستقیم
Direct Cost
هزینه مستقیم
direct cost of a cost object
هزینه مستقیم موضوع هزینه
direct costing
هزینه یابی مستقیم نام دیگر هزینه یابی متغیر
direct costing approach
روش (رویکرد) هزینه یابی مستقیم
direct costs
هزینه های مستقیم
direct costs of acquisition
مخارج / هزینه های مستقیم تحصیل
direct current
شدت جریان مستقیم
direct data entry
ثبت مستقیم داده ها
direct decomposition of a group
تجزیه مستقیم گروه
direct departmental charges
هزینه های مستقیم دواير
direct division of medical care

	بخش درمان مستقیم
direct effect illegal acts	
	اعمال غیر قانونی دارای اثر مستقیم
direct -effect illegal acts	
	اعمال غیر قانونی دارای اثر مستقیم
direct estimation	
	برآورد مستقیم
direct factor of a group	
	عامل مستقیم گروه
direct factory cost	
	هزینه مستقیم کارخانه
direct factory overhead	
	هزینه سربار مستقیم کارخانه
direct financial interest	
	منافع مالی مستقیم
direct financial interests	
	منافع مالی مستقیم
direct financing	
	تامین مالی مستقیم، تدارک مالی مستقیم
direct financing lease	
	اجاره (از نوع) تامین مالی مستقیم
direct fixed expenses	
	هزینه های ثابت مستقیم
direct holdings	

direct inventory reduction method	سرمایه گذاریهای مستقیم
direct investment	روش کاهش مستقیم ارزش موجودی کالا
direct labor	سرمایه گذاری مستقیم
direct labor budget	کار مستقیم، دستمزد مستقیم
direct labor cost	بودجه دستمزد مستقیم بودجه نیروی کار مستقیم
direct labor efficiency variance	هزینه کار مستقیم
direct labor hour rate	انحراف کارایی کار مستقیم، انحراف کارایی
direct labor hours	نرخ ساعتی کار مستقیم
direct labor hours (DLH)	ساعات کار مستقیم
direct labor idle-time variance, idle times variance	ساعات کار مستقیم
direct labor rate variance	انحراف اوقات بیکاری
	انحراف نرخ کار مستقیم، انحراف نرخ دستمزد مستقیم

direct labor total variance	جمع انحراف کار مستقیم، انحراف کل کار مستقیم
direct labor variance	مغایرت کار مستقیم
direct labour cost (direct wages)	دستمزد مستقیم
direct labour efficiency variance (labour efficiency variance)	انحراف کارایی دستمزد مستقیم
direct labour hour rate (labour hour rate)	نرخ دستمزد هر ساعت کار مستقیم
direct labour rate of pay variance (labour rate variance)	انحراف نرخ دستمزد
direct liability	بدهی مستقیم
direct limit	حد استقرایی، حد مستقیم
direct limit theorem	قضیه حدی مستقیم
direct limit theorem of characteristic function	قضیه حدی مستقیم تابع مشخصه
direct machine hours	ساعات کار مستقیم ماشین

direct manufacturing costs	هزینه های مستقیم ساخت
direct manufacturing labor costs	هزینه های دستمزد مستقیم تولید
direct material	مواد مستقیم
direct material cost	بهای تمام شده مواد مستقیم
direct material price variance	انحراف قیمت مواد مستقیم، انحراف نرخ مواد مستقیم
direct material usage budget	بودجه مصرف مواد مستقیم
direct material(s) mixture variance	مغایرت ترکیبی مواد مستقیم
direct material(s) price variance	مغایرت قیمت مواد مستقیم
direct material(s) usage variance	مغایرت مصرف مواد مستقیم
direct material(s) variance	مغایرت هزینه مواد مستقیم
direct materials	مواد مستقیم، مواد اولیه
direct materials budget	بودجه مواد مستقیم

direct materials cost	هزینه مواد مستقیم، هزینه مواد اولیه
direct materials cost variance	انحراف خالص مواد خام
direct materials costs	هزینه های مواد مستقیم
direct materials inventory	موجودی مواد مستقیم
direct materials mix variance	انحراف مواد مستقیم به قیمت استاندارد
direct materials price variance	انحراف قیمت مواد مستقیم
direct materials quantity variance	انحراف مقدار مواد مستقیم
direct materials stocks (direct materials inventory)	موجودی مواد مستقیم
direct materials total cost variance	انحراف کل هزینه مواد مستقیم، مجموع انحراف قیمت مواد مستقیم و انحراف مصرف مواد مستقیم
direct materials usage variance	انحراف مصرف مواد مستقیم
direct materials yield variance	انحراف بازده مواد مستقیم

direct measurement	اندازه گیری مستقیم
direct method	روش مستقیم
direct method allocation	روش سرشکن کردن مستقیم
direct network	شبکه جهت دار
direct numerical control	کنترل عددی هدایت شده
direct observation method	روش مشاهده مستقیم
direct of some groups	حاصل ضرب مستقیم چند گروه
direct orientation	جهت مستقیم
direct overhead	سربار مستقیم
direct overhead cost, direct overhead	هزینه سربار مستقیم
direct payment	پرداخت مستقیم
direct process	تولید مستقیم

direct product	حاصل ضرب دکارتی، حاصل ضرب مستقیم، ضرب مستقیم، حاصل ضرب سرراست
direct product of modules	حاصل ضرب مستقیم چند مدول
direct product of sets	حاصل ضرب دو مجموعه
direct product of two rings	حاصل ضرب مستقیم دو حلقه
direct product of two sets	حاصل ضرب مستقیم دو مجموعه
direct product of two vectors	حاصل ضرب اسکالر دو بردار، حاصل ضرب مستقیم دو بردار
direct production cost of sales	هزینه فروش تولید مستقیم
direct projection (estimate) of misstatement	برآورد مستقیم تحریف
direct proof	برهان مستقیم
direct proportion	تناسب مستقیم
direct reduction	احیاء مستقیم
direct relationship	

	بستگی مستقیم
direct sales cost	هزینه های مستقیم فروش
direct sense	جهت موافق، جهت مخالف، جهت مستقیم، جهت مثلثاتی، حرکت عقربه های ساعت
direct substantive tests	آزمون های مستقیم محتوا
direct sum	مجموع مستقیم، حاصل جمع مستقیم
direct sum decomposition of a k module	تجزیه به مجموع مستقیم یک k مدول
direct sum of submodules	مجموع مستقیم زیرمدول ها
direct summand	سازه مستقیم
direct supervision	سرپرستی مستقیم، نظارت مستقیم
direct syllogism	قیاس مستقیم
direct system of sets	دستگاه استقرایی مجموعه ها، دستگاه مستقیم مجموعه ها
direct tax	مالیات مستقیم

direct tax rate	نرخ مالیات مستقیم
direct taxation act	قانون مالیاتهای مستقیم
direct taxation act, direct tax law(act)	قانون مالیات های مستقیم
direct test of account balances	آزمون مستقیم مانده حسابها
direct test of final balances	آزمون مستقیم مانده حسابهای نهایی (مانده های نهایی)
direct test of financial balances	آزمون مستقیم مانده ها
direct tracing	ردیابی مستقیم
direct trigonometric function	توابع مثلثاتی مستقیم
direct valuation	ارزشیابی مستقیم
direct variable	متغیر مستقیم
direct variable cost	هزینه متغیر مستقیم
direct variation	تغییر مستقیم

direct wage rate variance	انحراف دستمزد مستقیم
direct wage variance, labor rate variance	انحراف نرخ دستمزد مستقیم
direct wage(s) cost, direct labor cost	هزینه دستمزد مستقیم
direct wages	دستمزد مستقیم (هزینه)
direct write down method	روش تقلیل مستقیم
direct write off method	روش حذف مستقیم
directed	سو دار، جهت دار، توجیه شده، هدایت شده
directed angle	زاویه سودار
directed circle	دایره سودار
directed curve	منحنی جهت دار
directed distance	فاصله جهت دار، فاصله سو دار، فاصله راستا دار
directed edge	یال جهت دار

directed family	خانواده سودار
directed graph	گراف مودار
directed line	خط سو دار، خط راستا دار، خط جهت دار
directed line segment	پاره خط جهت دار، پاره خط راستا دار
directed number	عدد جبری
directed sample selection	انتخاب جهت دار (هدفمند) نمونه
directed set	مجموعه سو دار
directedness	جهت دار، توجیه، جهت دار بودن
directing	فرماندهی، رهبری، ارشاد، هدایت کردن، هدایت
direction	سو، امتداد، راستا، جهت، ظرف، هادی، جهت، فرماندهی، سمت، ارشاد، راستا، هدایت
direction angle	زاویه هادی
direction angles	

زاویه های خط راستا نما
direction associated with unbounded solution
جهت متناظر با جواب نامتناهی
direction cosine
کسینوس هادی (جهت)
direction field
راستای میدان، میدان راستا، میدان سو ها
direction number
پارامتر هادی، عدد راستا، عدد راستا نما
direction numbers
اعداد هادی
direction of asymptote
راستای مجانب
direction of convex set
جهت مجموعه محدب
direction of polyhedral set
جهت مجموعه چندوجهی
direction of ray
بعد شعاع
direction of the asymptote
راستای مجانب
direction parameter
پارامتر هادی
direction ratio

نسبت هادی	
direction ratios	
نسبت های هادی	
direction set	
مجموعه جهت	
direction symbol	
نماد جهت	
direction vector	
بردار هادی، راستای خط، بردار	
directional	
راستا، جهت دار، سوئی، جهتی، هادی	
directional cosine	
کسینوس هادی	
directional derivative	
مشتق جهت دار، مشتق سوئی، مشتق جهتی، مشتق امتدادی	
directional derivative of function	
مشتق راستا دار تابع، مشتق تابع در یک راستا	
directional parameter	
پارامتر جهتی	
directive	
دستور، دستور کامپایلر، جهت دار، جهت دهنده، ارشادی، دستورالعملی، هدایت کننده، هادی	
directivity	
راستا، استقامت	

directly congruent figures	شکل های مستقیما همنهشت
directly induced topology	توپولوژی نگار، توپولوژی مستقیما القاء شده
directly proportional	مستقیما متناسب، متناسب مستقیم
directly proportional quantities	کمیت های مستقیما متناسب، کمیت های متناسب
directly similar	مجانس مستقیم، مستقیما متشابه
director	هادی
director circle	دایره هادی
director circle of a hyperbola	دایره هادی هذلولی
director cone	مخروط هادی
director general, general manager	مدیر کل
director production cost of sales	بهای تمام شده کالای فروش رفته
director's attendance book	دفتر حضور و غیاب مدیران

director's remuneration (director's emoluments)	کل دریافتی مدیران ارشد یک شرکت طی سال
directors' circular	بخشنامه مدیران
directory	فهرست راهنما، جدول راهنما، راهنما، فهرست
directrix	هادی، خط هادی، منحنی هادی، راهنما
directrix focus	کانون هادی
directrix focus distanse	فاصله کانون هادی
directrix focus property	خاصیت کانون هادی
directrix of a conic	خط هادی مقطع مخروطی
directrix of a parabola	خط هادی سهمی
directrix of conic	خط هادی مقطع مخروطی
directrix of parabola	راهنمای سهمی
directrix vertex	راس هادی

directrix vertex distance	فاصله راس هادی
dirichlet conditions	شرط های دیرکله
dirichlet drawer principle	اصل کشوی دیرکله
dirichlet integral	انتگرال دیریکله
dirichlet kernel	هسته دیریکله
dirichlet principle	اصل دیریکله
dirichlet problem	مسأله دیریکله
dirichlet product	حاصل ضرب دیریکله
Dirichlet series	سری دیریکله
Dirichlet test	آزمون دیریکله
Dirichlet transform	تبدیل دیریکله
dirichlet unit theorem	قضیه یکای دیریکله

dirichlet's function	تابع دیریکله
dirichlet's test	آزمون دیریکله
dirichlet's test for convergence of series	آزمون دیریکله برای همگرایی سری ها
dirichlet's test for uniform convergence of series	آزمون دیریکله برای همگرایی یکنواخت سری ها
dirty float	نوسان شدید، ارز شناور مشروط
disability	از کار افتادگی
disability benefit	مستمری از کار افتادگی
disability charge	غرامت نقص عضو، غرامت از کار افتادگی
disability compensation	غرامت از کار افتادگی
disability insurance	بیمه از کار افتادگی
disability pension	حقوق وظیفه، مستمری از کار افتادگی
disabled status	

حالت از کار افتادگی
disadvantage
عیب
disadvantages
معایب ایرادات
disaggregated cost
تجزیه یک قلم هزینه به اجزای تشکیل دهنده آن
disaggregation
تفکیک یا تجزیه یک واحد به بخش های کوچکتر
disaggregation of financial data
جداسازی اطلاعات مالی
disaggregation of income tax expense
تفکیک هزینه مالیات بر درآمد
disagreements
موارد عدم توافق
disappear
پاک شدن
disapprove
تصویب نکردن، تایید نکردن
Disbursement
پرداخت - خرج
disbursement cash disbursement, cash payment
پرداخت نقدی (خرج نقدی)
Disbursing account

	حساب پرداختها
disbursements	
	پرداخت نقدی، مخارج
disc	
	صفحه مدور، قرص، گرده
disc cam	
	بادامک صفحه ای
disc gate	
	مدخل صفحه ای
disc of convergence	
	قرص همگرایی، گرده همگرایی
disc type clutch	
	دیسک کلاچ، کلاچ دیسکی
discharge	
	تسویه حساب، اخراج کردن، تخلیه الکتریکی، مصرف، تخلیه شدن، مصرف شدن
discharge, discharging	
	پرداخت، تادیه بدهی
discharged bill	
	برات پرداخت شده
discharged employee	
	کارمند اخراجی
discharged statement, unpaid statement	
	صورتحساب پرداخت نشده

discharging berth, discharging wharf	اسکله تخلیه
discharging wharf	بندر محل تخلیه
disciplinary body	نهاد انضباطی
disciplinary regulations	مقررات انضباطی
discipline	نظم، انضباط، نظام، مجازات
disclaim an account	حسابی که توسط حسابرس تایید نشده است
disclaimer of opinion	عدم اظهار نظر
disclaimer of opinion, denial of opinion	امتناع از اظهار نظر، عدم اظهار نظر
disclaimer report	گزارش عدم تایید حسابرسی
Disclose	افشاء کردن
disclosure	افشاء
disclosure checklist	فهرست کنترل موارد افشاء

disclosure in financial reporting	افشاء در گزارشگری مالی
disclosure of accounting policies	افشاء خط مشی های حسابداری، افشاء رویه های مالی
disclosure of facts	افشای حقایق
disclosure of financial policies	افشای رویه های مالی
disclosure of replacement cost information	افشای اطلاعات بهای جایگزینی
disclosure of segments of an enterprise	افشای اطلاعات قسمت های واحد تجاری
disclosure principle	اصل افشاء
disclosure requirements	الزامات افشاءگری
discoloration	تبدیل رنگ، رنگ رفتگی، بی رنگی، تغییر رنگ
disconnect	ناهمبند کردن
disconnected	ناهمبند، گسسته، نامرتبط
disconnected metric space	

فضای متری ناهمبند، فضای متریک نامرتب، فضای متریک ناهمبند، فضای متریک گسسته
disconnected set
مجموعه گسسته، مجموعه ناهمبند، مجموعه نامرتب
disconnectedness
ناهمبندی
discontinued
قطع شده
discontinued operations
عملیات متوقف شده
discontinuity
ناپیوستگی
discontinuity point
نقطه ناپیوستگی
discontinuous
ناپیوسته، منفصل، ناپیوسته، گسسته، منفصل، شکسته، انفصالی
discontinuous distribution
توزیع ناپیوسته
discontinuous function
تابع ناپیوسته
discontinuous group
گروه ناپیوسته
discontinuous oscillatory function

	تابع نوسانی ناپیوسته
discontinuum	
	ناپیوستار
discordance	
	اختلاف
discordant	
	ناهماهنگ
discordant sample	
	نمونه ناهماهنگ
Discount	
	تخفیف
discount allowed	
	تخفیف اعطایی به مشتریان
discount and premium amortization of bonds	
	استهلاک کسر و صرف اوراق قرضه
Discount bank	
	بانک تنزیل کننده
discount earned	
	تخفیف دریافتی
discount factor	
	عامل تنزیل
discount factor (present-value factor)	
	عامل تعیین کننده ارزش فعلی (تخفیف، تنزیل)
discount lost	

	تخفیف از دست رفته
discount market	
	بازار تنزیل
discount on a bond	
	کسر (تخفیف) اوراق قرضه
discount on bonds payable	
	کسر (تخفیف) اوراق قرضه پرداختی
Discount on common stock	
	کسر سهام عادی
discount on notes payable	
	تنزیل اسناد پرداختی
discount on stock	
	کسر (تخفیف) سهام
discount on stock, share discount, stock (shares) discount	
	کسر سهام
discount payable, discount paid	
	تخفیف پرداختی
Discount rate	
	اعتبار از طریق تنزیل، نرخ تنزیل
discount rate, rate of discount	
	نرخ تخفیف، نرخ تنزیل
discount statement	
	صورتحساب تخفیف (تنزیل)

discount value	ارزش فعلی جریان های نقدی آتی
Discount window	تسهیلات تنزیل
discount, allowance	تخفیف
discount, deficit, shortage	کسر (سهام)
discount, give a discount	تخفیف دادن، به ارزش حال درآوردن
Discountability	قابلیت تنزیل
Discountable bill	برات قابل تنزیل
discounted cash flow	تنزیل گردش وجوه، جبران نقدینه تنزیل شده
discounted cash flow (DCF)	ارزش فعلی جریان های نقدی، جریان های نقدی تنزیل شده
discounted cash flow methods	روش های تنزیل (گردش وجوه، وجوه نقد)
discounted cash flows	جریان نقدینه تنزیل شده
discounted cash flows (dcf)	جریانهای نقدی تنزیل شده تنزیل جریانهای نقدی

discounted future earnings	تنزیل سودهای آتی
discounted pay back	استرداد وجه با ارزش روز
discounted present value	ارزش فعلی تنزیل شده
discounted value	ارزش تنزیل شده
discounted value of bills	ارزش تنزیلی برات
discounting	تنزیل کردن
discounting a note payable	تنزیل (کردن) سند پرداختی
discounting a note receivable	تنزیل (کردن) سند دریافتی
discounting future earnings	تنزیل درآمدهای آتی
discounting model	مدل تنزیل کردن
discounting notes receivable	تنزیل (کردن) اسناد دریافتی
discounting revenue	تنزیل کردن درآمد

Discounts trade	تخفیفات مقداری، تخفیفات تجاری
Discover	کشف- درک
Discovery of errors	کشف اشتباهات
discrete distribution	توزیع گسسته، توزیع مجزا
Discredit	بی اعتبار کردن
Discrepancy	مغایرت
Discrete	تولید گسسته، ناپیوسته
discrete approach	روش عددی، نگرش تکه تکه
discrete deterministic process	فرایند قطعی گسسته
discrete distance	دوری گسسته، فاصله گسسته، فاصله مجزا
discrete distribution	پخش جدا، پخش گسسته، تقاضای گسسته
discrete entity	موجودیت گسسته

discrete events simulation	شبیه سازی وقایع گسسته
discrete loss	زیان غیر مستقیم
Discrete Manufacturing	تولید ناپیوسته
discrete metric	متر مجزا
discrete metric space	فضای متری گسسته، فضای متری مجزا، فضای متریک مجزا، فضای متریک گسسته
discrete model	مدل ناپیوسته
discrete optimization	بهینگی گسسته
discrete probability distribution	توزیع احتمالی ناپیوسته
discrete probability function	تابع احتمال گسسته، تابع احتمال مجزا
discrete probability space	فضای احتمال گسسته
discrete quantity	کمیت منفصل، چندی گسسته
discrete random variable	

متغیر تصادفی ناپیوسته / گسسته
discrete reandom variable
متغیر گسسته، کمیت تصادفی ناپیوسته، متغیر تصادفی گسسته، متغیر تصادفی مجزا
discrete set
مجموعه گسسته، مجموعه مجزا
discrete space
فضای گسسته
discrete structure
ساختمان گسسته
discrete topological space
فضای توپولوژیک گسسته
discrete topology
توپولوژی گسسته
discrete type distribution function
تابع توزیع ناپیوسته
discrete valuation
ارزه گسسته، مقدار مجزا
discrete variable
متغیر ناپیوسته، کمیت ناپیوسته، متغیر گسسته، متغیر منفصل، متغیر جدا
discrete variable methods
روش های تفاضلی، روش های متغیر گسسته
discrete variate

متغیر ناپیوسته / گسسته
discrete view approach
مستقل)دیدگاه (نگرش یا رویکرد) مجزا (
discretion
احتیاط، رعایت
Discretionary & Mandatory Spending
مخارج/مصارف اختیاری و اجباری
discretionary cost
هزینه تحت کنترل هزینه اختیاری
discretionary fixed expenses
هزینه های ثابت تحت کنترل هزینه های ثابت اختیاری
Discretionary monetary policy
سیاست پولی مصلحتی
discretionary order
سفارش تحت کنترل، سفارش اختیاری
discretionary trustee
امین مختار
discretization
گسسته سازی
discriminant
مبین
discriminant analysis
تجزیه و تحلیل تمایز دهنده
discriminant function

تابع ممیز، تابع تشخیص	
discriminant of a polynomial equation	
مبین یک معادله چندجمله ای	
discriminant of a quadratic equation	
مبین معادله درجه دوم	
discriminate analysis	
تجزیه و تحلیل تمایزی	
discrimination	
تمیز دادن، تشخیص	
discriminatory	
تشخیص دهنده	
discriminatory analysis	
تجزیه تشخیص دهنده ها	
discriminatory duty	
حقوق گمرکی تبعیضی / تبعیض آمیز	
discuss	
توضیح دادن، بررسی کردن، مطرح کردن، بحث کردن	
discussion	
بحث، مذاکره، بررسی	
discussion memorandum	
گزارش تبدیل نظر	
disenfranchise	
سلب حق	
disengaged worker, unemployed worker	

کارگر بیکار	
disequilibrium	قانون عدم تعادل، عدم تعادل
dished	مقعر، گود
dishonor of a note	نکول سند و اخواست کردن سند
dishonored accountant	حسابدار بی صلاحیت
dishonored notes receivable	اسناد دریافتنی نکول (واخواست) شده
Dishonour	عدم پرداخت
Disinflation	تورم زدایی
disintegrate	مورد تلاشی قرار گرفتن
disintegration	از هم پاشیدگی، تلاشی
disintermediation	واسطه زدایی حذف واسطه گرایی
Disinvestment	سرمایه برداری
disjunction	

	ترکیب فصلی، مجموع منطقی
disjoin	
	جدا شدن، جدا کردن
disjoined	
	مجزا، جدا شده، جدا
disjoint	
	منفصل، غیر متصل، مجزا، جدا از هم، از هم جدا، جدا، نامتقاطع، ناپیوسته، ناهمبند
disjoint cycles	
	حلقه های از هم جدا، حلقه های جدا
disjoint disk	
	قرص جدا از هم
disjoint events	
	پیشامد های مجزا، حوادث نامتقاطع، حوادث ناسازگار
disjoint finite set	
	مجموعه با پایان جدا از هم
disjoint set	
	مجموعه جدا از هم
disjoint sets	
	مجموعه های از هم جدا، مجموعه های جدا از هم، مجموعه های نامتقاطع، مجموعه های منفصل، مجموعه های ناپیوسته، مجموعه های مجزا
disjoint spaces	
	فضا های مجزا از هم
disjoint tree	

درخت مجزا، درخت متمایز، درخت جدا از هم
disjoint union
اجتماع جدا از هم
disjointed
مجزا، جدا، متغایر، از هم جدا شده
disjunction
ترکیب فصلی، مجموع منطقی، فصل، انفصال
disjunction of cases
فصل حالت ها، تفصیل حالت ها
disjunction of propositions
ترکیب فصلی گزاره ها
disjunctive
فصلی، مجزا
disjunctive canonical form
صورت متعارف ترکیب فصلی
disjunctive composition
ترکیب فصلی
disjunctive normal form
صورت متعارف فصلی، صورت نرمال ترکیب فصلی، صورت نرمال فصلی
disjunctive proposition
قضیه شرطیه منفصله
disjunctive syllogism
قیاس استثنایی منفصل

disk	قرص
disk algebra	جبر قرصی
disk drive	دیسک چرخان، گرده چرخان، دیسک خوان، گرده راه
disk of convergence	گرده همگرایی، قرص همگرایی
Disk Operating System	سیستم عامل داس
disk storage	حافظه مغناطیسی صفحه ای شکل، حافظه صفحه ای
dislocation	جابجاشدگی، تغییر محل، نابجایی، جدایی، جا به جایی
dismantling and removing the asset	مخارج پیاده سازی و برچیدن دارایی
dismantling cost	هزینه پیاده کردن اجزاء (ماشین)
dismember	تجزیه کردن، جدا کردن، بریدن اندام
dismiss	منفصل کردن، مطرح نکردن، مرخص کردن
dismissal pay, severance pay	پرداخت مزد انفصال خدمت

Dismissal, lay off	اخراج
dismissals	حذفیات، موارد حذف شدنی
disorder	بی نظمی، اخلال
disorganization	بی سازمانی
dispatch	حمل سریع کالا
Dispatch money	پاداش سرعت
dispatch office	دفتر توزیع، اداره ارسال مراسلات
dispatch order	سفارش حمل سریع
dispatch(ing) money	پاداش سرعت کار (در حمل نقل)
dispatch(ing), (to) hand over	فرستادن، ارسال
dispatcher, sender	فرستنده
dispatching	ارسال

dispensation, exemption	معافیت، بخشودگی / معافیت گمرکی
dispense	حذف کردن
dispense with	معاف شدن از / رها شدن از / نادیده گرفتن
dispenser	پخش کن، مخزن پخش کن
dispersion	پراکندگی
dispersion analysis	تجزیه و تحلیل پراکندگی
dispersion index	شاخص پراکندگی
dispersion matrix	ماتریس کوواریانس، ماتریس پراکندگی
dispersion of components of multidimensional random variable	پراکندگی اجزای کمیت تصادفی چند بعدی
dispersion of frequencies	پراکندگی فراوانی ها
dispersion of random variable	پراکندگی کمیت تصادفی، واریانس کمیت تصادفی
dispersion of two random variables	

وارپانس دو کمیت تصادفی
dispersion strengthening
سخت گردانی پراکندگی، سخت سازی پراکندگی
displacement
جا به جا شدن، تعویض، جابجایی، تغییر مکان، جابجا کردن، جابجا شدن، جابجا شدگی
displacement vector
بردار تغییر مکان، بردار مکان، بردار موضعی
displacing group
جا به جایی گروهی
display
نمایش، آشکار کردن، نمایش دادن، ظاهر شدن
display control
کنترل نمایشی، کنترل تصویری
display decision
تصمیم گیری در خصوص محل انعکاس / نمایش تصمیم گیری درباره محل گزارش
display screen
صفحه نمایش، پرده نمایش
disposable
یکبار مصرف
disposable personal income
درآمد شخصی قابل تصرف
disposal

در دسترس، موجود، در اختیار	
disposal date	
تاریخ واگذاری، تاریخ فروش	
disposal of a business segment	
فروش، توقف عملیات، مصادره توسط نهادهای دلتی	
disposal of a segment of an enterprise	
واگذاری قسمتی از یک واحد تجاری	
disposal of assets	
فروش داراییها	
disposal value	
ارزش واگذاری (اسقاط)	
disposals account	
حساب اموال واگذار شده، حساب فروش دارایی های ثابت	
disposing of fixed asset	
خروج دارایی ثابت از جریان	
disposing of variances	
بستن حساب های انحراف	
disposition of variances	
بستن انحرافات	
disproof	
ابطال، برهان خلف، رد	
disproportion	
بی تناسب کردن، بی تناسبی	
disproportionate	

	بی تناسب کردن، بی تناسب
disproportionately	
	نامتناسبا
disproportionateness	
	بی تناسبی
disprove	
	رد کردن
disputes	
	مناظرات مذاکرات
disqualification of accountant	
	عدم صلاحیت حسابدار
disregard	
	صرف نظر کردن
disrete probability distribution	
	توزیع احتمال منفصل، توزیع احتمال مجزا
Dissaving	
	پس انداز منفی
dis-seasonal unemployed worker	
	کارگر بیکار فصلی
dissertation	
	رساله پایان نامه تز
dissimilar	
	نامتشابه، ناهمانند
dissimilar activities	

فعالیت های غیر مشابه	dissimilar assets
دارایی های غیر مشابه	dissimilar terms
جمله های نامتشابه	dissipation
به هدر رفتن، گراکندگی، اتلاف	dissipation of energy
اتلاف انرژی	dissipative
تلف کننده	dissociate
جدا کردن، تفکیک کردن	dissociation
تفکیک، گسستگی، جدا سازی، شکند	dissociation pressure
تنش تفکیک، فشار تفکیکی	dissolution
فرآیند تصفیه (انحلال) شرکت	dissolution and liquidation of a partnership
انحلال و تصفیه شرکت تضامنی	dissolution of a joint stock company
انحلال شرکت سهامی	dissolution of company

انحراف شرکت	dissolution of limited companies
انحلال شرکت های سهامی	dissolution, liquidation, winding up
انحلال، فسخ	dissymmetric
نامتقارن	dissymmetry
عدم تقارن، نامتقارنی	Distance
فاصله	distance between two skew lines
فاصله بین دو خط متنافر	distance formula
فرمول فاصله	distance function
تابع فاصله، تابع دوری	distance relations
رابطه متری، رابطه طولی	distance set
مجموعه فاصله	distant
فاصله دارد، فاصله دار، دور	distillery

تقطیر
distillery problem
مساله تقطیر
distinct
تمتایز، ناهمانند، مجزا، متفاوت
distinct direction
جهت متمایز
distinct root
ریشه متمایز
distinct roots
ریشه های متمایز
distinct sets
مجموعه های متمایز
distinct solution
جواب متمایز، ریشه متمایز
distinct system of parameters
دستگاه متمایز پارامترها
distinction
تشخیص، باز شناخت، فرق، امتیاز، برتری، ترجیح، تفاوت، تمایز
distinguish
تمیز دادن، باز شناختن، فرق گذاشتن، متمایز کردن
distinguished
مشخص کردن، اختلاف زا، ممتاز، متشخص

distinguished element	عضو متمایز، عضو مشخص
distinguished inequalities	نابرابری های دگر شکلی
distinguished normal form	صورت نرمال اصلی
distorsion inequalities	نابرابری های دگر شکلی
distorsion theorem	قضیه دگر شکلی
distort	تغییر شکل دادن، از شکل انداختن، مسخ
distortion	تحریف
distress merchandise	کالای معیوب (خراب)
Distressed Goods	کالای توقیفی
distributable	قابل پخش، پخش پذیر، قابل توزیع
distributable (profit-income), profit available for distribution	سود قابل توزیع
distributable income	

سود قابل توزیع	
distributable profits	
سود قابل تقسیم	
distributable reserves	
اندوخته های قابل تقسیم	
distributable surplus	
مازاد قابل توزیع	
distribute	
پخش پذیر بودن، توزیع کردن، پخش کردن، تقسیم شدن، انتشار	
distributed	
توزیع شده، منبسط	
distributed data processing	
پردازش اطلاعات پراکنده / پردازش اطلاعات توزیعی	
distributor's cooperative society	
شرکت تعاونی توزیع	
distributive lattice	
شبکه پخش پذیر	
Distribution	
توزیع - پرداخت	
distribution (cost-expense-overhead)	
هزینه توزیع	
distribution cost	
هزینه توزیع	

distribution curve	منحنی توزیع، خم توزیع
distribution derivative	مشتق تابع تعمیم یافته
distribution free	آزاد-توزیع
distribution free method	روش آزاد-توزیع
distribution function	تابع توزیع، تابع پخش، تابعی توزیعی
distribution function in general sense	تابع توزیع به مفهوم کلی
distribution function of components of system	تابع توزیع اجزای دستگاه
distribution function of multi dimensional random variable	تابع توزیع کمیت تصادفی چند بعدی
distribution function of random variable	تابع توزیع کمیت تصادفی
distribution function of subsets of system	تابع توزیع زیرمجموعه های دستگاه
distribution function of system of variables	تابع توزیع زیرمجموعه های دستگاه

distribution function of two dimensional random variable	تابع توزیع کمیت تصادفی دو بعدی
distribution function properties	خواص تابع توزیع
distribution function table	جدول تابع توزیع
distribution law	قانون توزیع
distribution law of frequency	قانون توزیع فراوانی
distribution law of function of random variable	قانون توزیع تابع از کمیت تصادفی
distribution law of multidimensional random variable	قانون توزیع کمیت تصادفی چند بعدی
distribution law of random variable	قانون توزیع کمیت تصادفی
distribution law of sum of random variables	قانون توزیع حاصل جمع کمیت های تصادفی
distribution law of two random variables	قانون توزیع دو کمیت تصادفی
distribution manager	مدیر توزیع

distribution measures	معیارهای توزیع
distribution of frequencies	توزیع فراوانی ها
distribution of function of random variables	توزیع کمیت های تصادفی
distribution of multidimensional random variable	توزیع کمیت تصادفی چندبعدی
distribution of partial correlatoin coefficient	توزیع ضریب همبستگی جزئی
distribution of primes	توزیع اعداد اول
distribution of random variable	توزیع کمیت تصادفی
distribution of two random variables	توزیع دو کمیت تصادفی
distribution problem	مسأله توزیع
Distribution Requirements Planning	برنامهریزی توزیع محصول
distribution test	آزمایش توزیع آزاد
distribution to owners	

پرداختی به مالکان توزیع بین مالکان
distributional
توزیعی، پخش‌ی
distributional effects
آثار توزیعی
distributional gain
سود توزیع
distributive
پخش‌پذیری
distributive lattice
مشبکه توزیع پذیر
distributive law
قانون توزیعی، قانون پخش‌ی، قانون پخش پذیر، قانون توزیع پذیر
distributive number
عدد توزیعی
distributive properties of set operations
خواص توزیعی اعمال مجموعه ای
distributive property
پخش پذیر، خاصیت توزیعی
distributive rule
قاعده پخش‌پذیری
distributivity

پخش پذیری، توزیع پذیری، خاصیت توزیعی، خاصیت پخششی	
Distributor	توزیع کننده
disturb	مختل کردن
disturbance	بی نظمی، آشفتگی، اختلال
disturbance term	عامل مزاحم عامل خطا
ditution	درجه دقت
diurnal	نام قدیمی دفتر روزنامه
divalent	دو ظرفیتی
Divergence	واگرایی
divergence of a vector field	دیورژانس میدان برداری
divergence theorem	قضیه دیورژانس
divergent	واگرا

divergent integral	انتگرال واگرا
divergent product	حاصل ضرب واگرا، حاصل ضرب متباعد
divergent sequence	دنباله همگرا
divergent series	سری واگرا
divergently parallel	به طور واگرا موازی
diverging	واگرا
diverging to zero	واگرا به صفر
diverse	گوناگون، مختلف
diverse ingredient	اجزاء مختلف
diversifiable risk	ریسک تنوع پذیر
diversification	تنوع بخشیدن به فعالیت های شرکت، گسترش دادن دامنه فعالیت ها
diversification across industry	

تنوع بخشی در حوزه صنعت
diversified portfolio
پرتفوی متنوع مجموعه (سرمایه گذاری) متنوع
diversified portfolios
پرتفوی های متنوع مجموعه سرمایه گذاریهای متنوع
diversity
تمایز
divestiture
تبدیل سرمایه گذاریها به وجه نقد
divestment
بی بهره سازی
dividable
قابل تقسیم
divide
تقسیم کردن، بخش کردن، عاد کردن
divide through
با تقسیم دو طرف بر
divided
تقسیم شده، مقسوم، منقسم
divided difference
تفاضل منقسم، تفاضل تقسیم شده
divided differences
خارج قسمت های تفاضلی
Dividend

سود سهام
dividend control (dividend limitation)
محدود کردن مبلغ سود تقسیمی به سهامداران
Dividend coupon
کوپن سود سهام
dividend coverage ratio
نسبت پوشش سود سهام
dividend decision
تصمیمات مربوط به تقسیم سود
dividend declared
سود سهام اعلام شده
dividend declared and unpaid
سود سهام اعلام شده و پرداخت
dividend discount model
مدل تنزیل (گردن) سود سهام
dividend growth method
مدل مبتنی بر رشد سود سهام
dividend guaranteed, guaranteed dividend
سود سهام تضمین شده
dividend in arrears
سود معوق سهام
dividend irrelevance theory
تئوری (نظریه) نامربوط بودن سود سهام
dividend paid

dividend payable	سود سهام پرداخت شده
dividend payment date	سود سهام پرداختی
dividend payout	تاریخ پرداخت سود سهام
dividend payout ratio	نسبت سود تقسیمی
dividend per share	نسبت سود تقسیمی نسبت پرداخت سود سهام
dividend per share (DPS)	سود هر سهم
dividend per share payout ratio	نسبت سود تقسیمی هر سهم، سود نقدی (یا پرداخت شده) هر سهم
dividend preferences	نسبت پرداخت سود نقدی هر سهم
dividend price ratio	اولویت های سود سهام
dividend puzzle	نسبت سود نقدی هر سهم به قیمت بازار هر سهم نسبت بازده نقدی سود سهام
dividend rate	معمای سود سهام
	نرخ سود سهام

dividend receivable	سود سهام دریافتی
dividend reinvestment plan	طرح سرمایه گذاری مجدد سود تقسیمی
dividend stability	ثبات سود سهام
dividend unpaid	سود سهام پرداخت نشده
dividend yield	بازده (نقدی) سود سهام
dividends	سود سهام
dividends declared	سود سهام اعلام شده
dividends declared, declared dividend	سوم سهام اعلام شده
dividends in arrears	سود سهام معوق سود سهام اعلام نشده (پرداخت نشده)
dividends in arrears, passed dividends, arrears of dividend	سود سهام معوق
dividends payable	سد تقسیمی پرداختنی
dividends payable in stock	

Dividends Per Share	سود سهمی پرداختی
dividends per share (dps)	سود پرداختی هر سهم
divident	سود تقسیمی هر سهم نقدی (یا پرداخت شده) هر سهم
dividers	مقسوم
divides	پرگار اندازه گیر
dividing head	عاد می کند
divisibility	سر تقسیم کننده، کله گی تقسیم
divisibility assumption	بخشپذیری
divisibility on	فرض تقسیم پذیری
divisibility relation	بخش پذیری بر
divisibility relation	رابطه تقسیم پذیری
divisible	رابطه تقسیم پذیری

بخش پذیر، تقسیم پذیر، قابل قسمت
divisible a module
مدول تقسیم پذیر-a
divisible element
عنصر تقسیم پذیر
divisible loan
وام قابل تقسیم
divisible subgroup
زیرگروه تقسیم پذیر
Division
تقسیم - بخش - قسمت
division algebra
جبر تقسیم، جبر تقسیمی
division algorithm
الگوریتم تقسیم
division in extreme and mean ratio
تقسیم به نسبت ذات وسط و طرفین
division manager
مدیر اداره
division of cpa firms
بخش موسسات حسابرسی
division of labor
تقسیم کار
division of work

	تقسیم کار
division ring	
	حلقه تقسیم، حلقه بخشی، حلقه تقسیمی، هیئت
division ring of quaternions	
	هیئت کواترنیون
divisional	
	تقسیمی
divisional cost	
	هزینه تسهیمی (تقسیمی)
divisional management	
	مدیریت بخشی
divisional profit accounting	
	حسابداری سودبخشی مراحل
divisionalization	
	فرایند تبدیل یک شرکت به واحد های فرعی یا یک شرکت مجزا
divisive reorganization	
	تقسیم یک واحد سامانی به دو یا چند واحد تجاری جداگانه
divisor	
	مقسوم علیه
divisor of zero	
	مقسوم علیه صفر
divisor value	
	مقدار مقسوم علیه

DNA	
	DNA
DNA molecule	
	مولکول DNA
do commute	
	جا به جا پذیر بودن
Do or Die Approach	
	روش انجام بده والا بمیر
dock	
	لنگرگاه، بار انداز
dock charge	
	هزینه بار اندازی
dock warrant	
	رسید انبار بار انداز
dock, quay, Jetty, wharf, wet dock	
	بار انداز، اسکله
dockage	
	عوارض لنگر انداختن، حق بار اندازی
Doctor of Business Administration	
	دکترای مدیریت بازرگانی
doctrine	
	تز، دکترین
doctrine of chances	
	اصول تصادفات

doctrines	عقاید نظریات
Document	سند
document against payment (DIP)	سند در مقابل پرداخت
Document Imaging System	سیستم‌های تصویر سازی اسناد
documentary	اسنادی، سندی، مدرک دار
Documentary acceptance credit	اعتبار پذیرش اسنادی
Documentary bill	برات اسنادی
documentary bill of exchange	برات اسنادی
documentary collection	وصولی اسنادی
Documentary credit	اعتبار اسنادی
Documentary credit collection	وصول اعتبار اسنادی
documentary credit(s), documentary letter of credit (documentary)	

اعتبار اسنادی	documentary draft
حواله یا برات	documentary draft bill
برات اسنادی	documentary evidence
شاهد مستند، سند کتبی	documentary evidence of origin
مدرک مستند مبدا	documentary letter of credit
اعتبار نامه اسنادی	documentary, documented, formal
مستند	documentation
مستندسازی، تهیه سند	documents against acceptance
تسلیم اسناد در مقابل قبولی برات	documents against payment
تسلیم اسناد در مقابل پرداخت	documents analysis
تجزیه و تحلیل اسناد	documents flow chart
نمودار گردش اسناد، نمودار خط سیر اسناد	documents payable

	اسناد پرداختنی
dodecagon	
	دوازده ضلعی، دوازده گوشه
dodecahedral	
	مربوط به دوازده وجهی
dodecahedral group	
	گروه دوازده وجهی
dodecahedron	
	دوازده وجهی، شکل فلکی
dodge romig sampling plans	
	طرح های نمونه گیری داج-رامیگ
doesn't matter	
	مهم نیست
dog	
	لبه گیر، نوک گیر، گیره قلبی، توک گیر، رینگ، زبانه، حایل، سگ دست، قلاب، گیره، بازو، قلاب، چنگک
dog plate	
	صفحه بند، صفحه نوک گیر، صفحه لبه گیر
dogmatic	
	قاطع، متعصب، جزمی، کوتاه فکر
Dollar Unit Sampling	
	نمونه برداری واحد پولی
dollar unit sampling (dus)	
	نمونه گیری بر اساس واحد پولی

dollar unit sampling (DUS), monetary unit sampling	نمونه گیری واحد پولی
dollar value retail lifo	روش خرده فروشی اولین صادره از آخرین وارده ریالی / دلاری
dollar value retail lifo method	روش خرده فروشی اولین صادره از اولین وارده ریالی /دلاری
dollar weighted return	بازده ریالی / دلاری
dollars-and-cents	دلار و سنت
dolly	بوبین، صفحه چرخدار، آرایه مستحکم
Domain	دامنه
domain of a function	دامنه یک تابع
domain of a mapping	دامنه یک نگاشت
domain of a relation	دامنه یک رابطه
domain of a variable	دامنه یک متغیر

domain of definition	حوزه تعریف، دامنه تعریف
domain of definition of a function	حوزه (تعریف) تابع
domain of function	حوزه تعریف تابع، ناحیه تعریف تابع
domain of gaussian integers	دامنه اعداد صحیح گوسی، حوزه اعداد صحیح گوسی
domain of holomorphy	حوزه تمام ریختی
domain of influence	حوزه نفوذ
domain of mapping	مجموعه تعریف
domain of quantification	دامنه سور، دامنه سورگیری
domain of relation	تلخیص تعریف رابطه
domain of variability	حوزه تغییر پذیری
domain set	مجموعه قلمرو
Domestic	داخلی، محلی

Domestic currency	پول محلی
domestic market	بازار داخلی
domestic resource cost	هزینه منابع داخلی
Domestic Sales	فروش داخلی
domestic value added	ارزش افزوده داخلی
domicile of a bill	محل پرداخت برات یا حواله
dominant	مسلط، غالب، مستولی، مشرف
dominant causes	علل مسلط
dominant eigenvalue	مقدار ویژه مسلط
dominant eigenvector	بردار ویژه مسلط
dominant firm	واحد تجاری مسلط
dominant sequence	دنباله غالب

dominant vector	بردار غالب، بردار مسلط
dominate	حاکم شدن، رایج شدن
dominated	تسلطی
dominated convergence	همگرایی تسلطی
dominated convergence theorem	قضیه همگرایی مغلوب
dominated convergene	همگرایی مستولی
dominating integral	انتگرال غالب
dominating principle	اصل غلبه، اصل ماکسیمال کارتانه
dominating series	سری غالب
domination	تسلط
domination principle	اصل غلبه، اصل ماکسیم کارتانه
don't care	مقدارش مهم نیست، مهم نبودن

donated asset	دارایی اهدا شده (اهدائی)
donated assets	داراییهای اهدا شده
donated capital	سرمایه اهدا شده
donated stocks	سهام اهدا شده سهام اهدایی
donated treasury stock	سهام خزانه اهدا شده
donation	اهدا کردن
donations box	صندوق کمک به فقرا
done deal	انجام شده
donor	اهداء کننده
donor imposed conditions	شرایط تحمیلی توسط اهداء کننده
Dormant account	حساب راکد
dormant member of director	عضو غیر موظف هیات مدیره

dos external command	دستورات خارجی داس
dos internal command	دستورات داخلی داس
dot	نقطه، نقطه گذاردن، خال
dot diagram	نمودار نقطه ای
dot matrix printer	چاپگر نقطه ماتریسی، چاپگر با ماتریس نقطه ای، چاپگر نقطه ای
dot product	ضرب داخلی، حاصل ضرب داخلی، ضرب نقطه ای، حاصل ضرب نقطه ای
dot prompt	علامت نقطه
dotted	نقطه چین
double	دو برابر بودن، دو برابر کردن، مضاعف، دو برابر، دوگانه
double angle	زاویه مضاعف
double angle formula	فرمول زاویه مضاعف
double auction	

	حراج
double bar	
	دو خط مضاعف عمودی
double blowing	
	دمش مضاعف، دمیدن مجدد
double calssification	
	طبقه بندی مضاعف
double circle	
	دو دایره
double complex	
	مجتمع مضاعف
double concave	
	دو کاو، مقعر الطرفین
double connectivity	
	پیوستگی مضاعف، همبندی مضاعف، ارتباط مضاعف
double convex	
	دو کوژ، محدب الطرفین
double coset	
	هم مجموعه مضاعف
double counting	
	احتساب (شمارش) مضاعف
double cusp	
	نقطه بازگشت مضاعف
double declining balance (ddb) depreciation	

استهلاک مانده نزولی مضاعف
double declining balance (ddb) depreciation method
روش استهلاک مانده نزولی مضاعف
double declining balance method
روش مانده نزولی مضاعف
double dual
دوگان مضاعف
double entry
حسابداری دویل، حسابداری مترادف
double entry accounting
دفتر داری دویل
double entry accounting system
سیستم حسابداری ثبت دو طرفه
double entry bookkeeping
دفتر داری با ثبت دو طرفه، روش ثبت مترادف، دفتر داری دویل، دفتر داری دو طرفه
double exponential
نمایی دویاری
double exponential distribution
توزیع نمایی دو گانه
double helix
مارپیچ مضاعف
double in reverse order

	به ترتیب عکس، با عکس ترتیب
double inequality	
	نامساوی دوگانه
double integral	
	انتگرال مضاعف
double interchange	
	تعویض دوگانه، دو بار تعویض
double knockout mold	
	قالب با بیرون انداز دوگانه
double length	
	با طول مضاعف
double limit	
	حد مضاعف
double mathematical induction	
	استقرای دوگانه ریاضی
double negation	
	نقیض دوگانه
double periodicity	
	تناوب مضاعف
double point	
	نقطه دوگانه، نقطه مضاعف
double precision	
	دقت مضاعف، دقت دوگانه
double prime	

زگوند، “، علامت (“)
double product
حاصل ضرب مضاعف
double pyramid
هرم مضاعف
double ratio
نسبت همساز
double reduction helical gear
مارپیچ دو کاهشی، چرخ دنده های نوع هلیکال
double root
ریشه مضاعف، ریشه دوگانه
double sample acceptance sampling
روش نمونه برداری و مرحله ای
double sampling
نمونه گیری مضاعف، نمونه گیری دوباری، نمونه گیری دوگانه
double sampling plan
طرح دو نمونه ای
double sequence
دنباله دوگانه، رشته مضاعف، دنباله مضاعف
double series
سری مضاعف، سلسله مضاعف، رشته مضاعف، سری دوگانه
double sided drive

double specification limits	دیسک خوان دو طرفه
double sum	مشخصه فنی با حدود دو طرفه
double summation	حاصل جمع مضاعف، مجموعه مضاعف
double tangent	جمع دو طرفی
double taxation	مماس دو گانه
double tempering	مالیات مضاعف
double valued	بازگشت دو مرحله ای
double valued function	دو مقداری
Double-entry accounting system	تابع دو مقداری
doublet	سیستم حسابداری دو طرفه
doubling	دو قطبی، زوج، جفتی، دوگان
doubling of cube	مضاعف سازی

	تضعیف مکعب
doubling time	
	زمان مضاعف سازی
doubly	
	به طور دوگانه، دو بار، دوبراری، دو تایی، مضاعفا
doubly asymptotic	
	دو مجانبی
doubly balanced	
	دو بار متعادل
doubly equidistant curve	
	منحنی مضاعف هم فاصله
doubly periodic	
	دو تناوبه، با دو تناوب
doubly periodic function	
	تابع دو تناوبه، تابع دو تناوبی، تابع دو دوره ای
doubly ruled surface	
	رویه دو خط خطی
doubly stochastic	
	تصادفی دو باری
doubly traced	
	دو ردی، دو اثری
doubly transitive permutation group	
	گروه جایگشتی دوگانه ترایا
Doubt	

	تردید، شک
doubtful debts	
	مطالبات مشکوک الوصول
doudecimal scale	
	مقیاس دوازدهی
Dow Jones Industrial Average	
	متوسط صنعت داو جونز
dow jones industrial average (djia) index	
	شاخص متوسط (میانگین) صنعتی داو جونز
dow theory	
	تئوری نظریه داو
dowel	
	میل مهار، میخ چوبی، خار اتصال، مفتول
dowel pin	
	پین قالب
down	
	عمودی
down milling	
	فرزکاری همراه
down nose	
	دماغه به پایین
down payment	
	پیش قسط پیش پرداخت
Down Planning	

	برنامهریزی از بالا به پایین
Down Sizing	
	فرآیند کوچک نمودن
down time	
	از کار افتادگی، زمان خوابیدگی، خوابیدن، زمان از کار افتادگی، زمان بی کاری
down trend	
	روند نزولی
downhand	
	مسطح و پایین
downhill	
	رو به پایین، سرپایینی
downside risk	
	ریسک کاهش قیمت ریسک تنزل
downstream costs	
	هزینه های مرتبط با فروش دارای توسط شرکت اصلی به واحدهای فرعی
downward	
	به سمت پایین
downward bias	
	پایین-اریبی
downward concave function	
	تابع مقعر روبه پایین
downward concavity	

downwards	تقعر به طرف پایین
dozen	به پایین به طرف پایین
dr. debit	دو جین
draft	بدهکار (بد)
draft agreement	حواله، حواله بانکی، چرکنویس،
draft at sight	پیش نویس قرارداد
draft at sight, sight draft, Sight Bill	برای دیداری
Draft at tenor	برای دیداری
draft audit report	برای مدت دار
draft book	پیش نویس گزارش حسابرسی
draft budget	دفتر حوالات (دفتر بروات)
draft partnership agreement	بودجه پیشنهادی

	پیش نویس قرارداد مشارکت
drafting	
	ترسیم، نقشه کشی
drafts drawee	
	حواله های ارزی
draftsman	
	رسام، نقشه کش، طراح
draftsmanship	
	نقشه کشی، رسم فنی
drag	
	حرکت پویا، خطوط موجی برش، درجه، پسکشی، درجه زیر، درجه پایینی، درجه تحتانی، مانع، کشش
dragout phase	
	فاز کشیدگی
dram	
	درم
drastic	
	شدید
draw	
	رسم کردن، از حساب برداشتن، برداشت، ترسیم، ثابت کردن، بیرون آوردن، کشیدن، خارج کردن، عبود دادن، بیرون کشیدن، قرعه کشی
draw (a check)	
	چک کشیدن، صادر کردن چک
draw a conclusion	

نتیجه گرفتن	
draw a line	مرور دادن یک خط، رسم یک خط
draw bar	میله اتصال، میل کشش، میله کشش، سپر بند
draw from	مرسوم از
draw out	بیرون کشیدن، استخراج کردن
draw spike	میله در آور
draw through	عبور کردن
Draw up a Contract	تنظیم قرار داد
draw up a declaration / fill in the declaration	تنظیم کردن اظهارنامه
draw up a process verbal	تنظیم کردن صورت مجلس
draw with replacement	استخراج با جایگذاری
draw without replacement	استخراج بدون جایگذاری
drawback	

پس گرفتن، برگشت حقوق گمرکی	
drawee	گیرنده حواله یا برات
drawer	برات کش، برات دهنده
drawing	کشیدن (حواله یا برات)
Drawing account	حساب برداشت
drawing board	تخته رسم
drawing cutter tube	لوله مسی کشیده شده، لوله مسی بدون درز
drawing die	قالب کشش، قالب کششی
drawing editor	ادیتور نقشه کشی
drawing elements	عناصر نقشه
drawing extent	وسعت نقشه
drawing limit	محدوده نقشه
drawing lots	

استخراج تصادفی، اقتراع، قرعه کشی	
drawing paper	کاغذ رسم
drawing pin	پونز
drawing right, right to draw, withdraw	حق برداشت
drawingless	بی شکل
drawingless flowchart	نمودار گردشی بی شکل
drawings	برداشت ها
drawn parts	قطعات کشیده شده
drawn up in duplicate	صادر شده در دو برگ
drier	خشک کننده، خشک کن
drift	سوراخ کردن، گوه، مته
drill bush	بوش راهنمای مته
drill rod	

	میله مته
drilling	
	مته کاری، سوراخ کردن
drive	
	طی کردن، پیمودن، راه انداز، راندن، کشش، محرکه، محرک
driver analysis	
	تجزیه و تحلیل عوامل ایجاد (محرکهای) هزینه
driver tracing	
	ردیابی محرکهای هزینه
drivers	
	محرکها
driving force	
	نیروی محرک
drop	
	رسم کردن، فرود آمدن، کاهش یافتن، افتادن، تنزل، قطره، حذف کردن
drop hammer punch	
	سمبه ضربه ای، سمبه با چکش رها شدنی
dropped	
	اخراج کردن، کاهش یافته، تنزل یافته
drug	
	دارو
drug dosage	

جرعه دارو	
drug dosage problem	
مساله جرئه دارو	
drum	
بشكه، استوانه كوچك، استوانه، غلتك، طوقه، قرقره	
dry bottom	
كف خشك كوره	
du pont model	
مدل دو پانت	
dual	
همزاد، ثنوی، دوگان، دوگانه، جفت، ثانویه، دو واحدی	
dual and lagrangian multipliers	
دوگانی و ضرایب لاگرانژ	
dual aspect concept	
مفهوم دو طرفه بودن حساب ها	
dual aspect entry, double entry	
ثبت دو طرفه (حساب)	
dual basis	
پایه دوگانی	
dual bundle	
كلاف دو گان	
dual canonical form	
شكل متعارفی دوگان	
dual category	

dual cell	رسته دو گان
dual complementary basis	حجره دوگان
dual control	پایه مکمل دوگان
dual curve	نظارت دو جانبه، کنترل مضاعف
dual dated audit report	خم دو گان
dual dating	گزارش حسابرسی با تاریخ گذاری دوگانه
dual equation	تاریخ گذاری دو گانه
dual feasibility and primal optimality	معادله دوگان
dual figure	بهبینگی اولیه و شدنی دوگان
dual flow plasma	شکل دوگان
dual gap	پلازما با لایه ثانویه گاز
dual graph	فاصله دوگانی

گراف دوگان	
dual group	
گروه دوگان	
dual homomorphism	
همریختی دوگان	
dual identity	
شناسایی دوگانه، هویت	
dual isomorphism	
یکریختی دوگان	
dual lattice	
مشبکه دوگان	
dual map	
نقشه دوگان	
dual mixed form	
شکل های مختلط دوگان	
dual module	
مدول دوگان	
dual of a right k module	
دوگان یک راست k -مدول	
dual of dual	
دوگان دوگان	
dual of restricted primal problem	
مساله اولیه محدود شده دوگان	
dual operation	

عمل دوگان	dual operator
عملگر دوگان	dual order
ترتیب دوگان	dual pricing
قیمت گذاری دوگانه	dual pricing arrangement
توافق (برنامه) قیمت گذاری دوگانه	dual pricing solution
راه حل قیمت گذاری دوگانه	dual problem
مساله ثانویه، مساله دوگانه، مساله دوتایی	dual professional care
اعمال مراقبت حرفه ای	dual purpose sampling
نمونه گیری دو منظوره	dual purpose test
آزمون دو منظوره	dual rate method
روش دو نرخ	dual security
اوراق بهادار تضمین شده	dual set

روش سیمپلکس دوگان	
dual simplex algorithm	
الگوریتم سیمپلکس دوگان	
dual simplex method	
روش سیمپلکس دوگان، روش سیمپلکس مزدوج، روش سیمپلکس ثانویه	
dual simplex method convergence	
همگرایی روش سیمپلکس دوگان	
dual simplex tableau	
جدول سیمپلکس دوگان	
dual space	
فضای دوگانی	
dual standard form	
شکل استاندارد دوگان	
dual statement	
گزاره دوگان	
dual supervisor's principle	
اصل ناظر دوگانی	
dual tensor	
تانسور دوگان	
dual variable	
متغیر دوگان	
dual variables	
متغیر های دوگان	

dual-capacity system	سیستم تفکیک وظایف
duality	اصل برابری مقادیر بدهکار و بستانکار هر رویداد مالی در حسابداری
duality in space	دوگانی در فضا
duality of polyhedra	دوگانی چندوجهی ها
duality principle	اصل دوگانی
duality property	ویژگی دوگانی
duality theorem	قضیه دوگانی
duality theorems	قضایای دوگانی
dual-purpose test	آزمون با هدف دوگانه
dual-rate method	روش دو نرخ
ductile	شکل پذیر، قابل کشش، قابل مفتول شدن، مفتول پذیر، نرم
ductility	

انعطاف پذیری، نرمی، خاصیت کش آمدن، نرمش، شکل
پذیری، مفتول پذیری، تورق

Due

سررسید

due allowance

فوق العاده مقرر

Due Date

سررسید

due date, maturity

سررسید، موعد

due diligence

دقت عمل سخت کوشی جدیت

Due from

طلب از

due from bank

طلب از بانک

Due from banks on demand

مطالبات دیداری از بانکها

Due from banks on time

مطالبات مدت دار از بانکها

due from other funds

بدهی سایر حسابهای مستقل طلب از سایر حسابهای مستقل

Due on demand

قابل پرداخت پس از تقاضا

due process procedure	فرآیند چند گانه تدوین استانداردهای حسابداری مالی
due professional care	مراقبت های تخصصی و حرفه ای
Due to	بدهی به
due to bank	بدهی به بانک
Due to banks on demand	بدهی های دیداری به بانکها
Due to banks on time	بدهی های مدت دار به بانکها
due to other funds	بدهی به سایر حسابهای مستقل
due to other governmental units	بدهی به سایر سازمانهای دولتی
due to regression	به واسطه رگرسیون
due to the continuity of function	نظریه پیوستگی تابع
dummy	ظاهری
dummy activity	فعالیت مجازی، فعالیت موهومی

dummy bar	میله کف بند
dummy index	اندیس ظاهری
dummy index of a tensor	شاخص ظاهری تانسور
dummy level	سطح مجازی
dummy names on payroll	اسامی ساختگی در لیست حقوق
dummy origin	منبع ساختگی، منبع مصنوعی
dummy variable	متغیر مجازی، متغیر ظاهری، متغیر بی تفاوت، نشانه بی تفاوت
dummy variables	متغیرهای مجازی (مصنوعی)
dummy wage	دستمزد ساختگی
Dumping	ارزان فروشی
Dunning letter	سند طلبکاری
duo	

دو، زوج	
duodecimal	
دوازدهی، دوازده تایی	
duodecimal numeration system	
روش شماره گذاری در مبنای دوازده	
duodecimal scale	
مقیاس دوازدهی	
duodecimal system	
پایه دوازده، دستگاه شمار در مبنای دوازده	
duplex process	
فرایند دوگانه، روش دوگانه	
duplicate	
دو نسخه ای، المثنی، دو نسخه، تکراری، نسخه دوم، کپی، دو برگ	
duplicate confirmation	
تاییدیه المثنی	
duplicate disclosure	
افشای مضاعف	
duplicate ratio	
نسبت به قوه دو	
duplicate receipt	
رسید المثنی	
duplicating attachment	
دستگاه الحاقی کپی ساز	

duplication	کپی، تکرار کردن، دو برابر کردن، دو برابر، نسخه برداری، تکرار، نسخه برداری، دوباره کاری، تکثیر، رونوشت برداری
duplication check	مقابله از راه تکرار
duplication formula for gamma function	فرمول دو برابر سازی برای تابع گاما
duplication formulas	دستور های دو برابر
duplication of the cube	تضعیف مکعب
DuPont formula	فرمول دوپانت
durability	دوام، ماندگاری
durability Of documents	قابلیت دوام اسناد
Durable	بادوام، پایدار
Durable Goods	کالای بادوام
durable goods, hard goods	کالای بادوام

durante absentia	در مدت غیبت
duration	مدت / دوره انتظار
duration of shipment	دوره حمل (زمان حمل)
duration of the work	مدت انجام کار
durometer	سختی سنج، سختی سنج لاستیک، دورومتر
duties of accountant, accountant duties	وظایف حسابدار
duties on buyer's account	حقوق گمرکی به حساب خریدار است
Duty	حقوق و عوارض
duty = tariff	حقوق گمرکی، عوارض، وظیفه
duty allowance	فوق العاده به ماموریت
duty analysis card	کارت تجزیه و تحلیل وظایف
duty drawback	تخفیف در تعرفه گمرکی

Duty Free	معاف از حقوق گمرکی
duty paid	حقوق گمرکی پرداخت شده
duty trip allowance	فوق العاده های مسافرت اداری ، فوق العاده مسافرت و ماموریت
duty, duties, excise, excise tax, toll, task	عوارض
dwarf	کوتوله
dwell	توقف، مکث
dwindling (asset)	دارایی تحلیل رفتنی
dyad	دویی، زوج، جفت، دوگان
dyadic	دودویی، ثنایی، دوتایی، دوگانگی، مجازی، ظاهری، ساختگی
dyadic number system	دستگاه اعداد دودویی، دستگاه دودویی
dyadic product	ضرب دوگانی
dyadic relation	

نسبت دوتایی
dyadic system
دستگاه دوتائی، دستگاه شمار در مبنای دو
dynamic
متحرک، متغیر، پویا، دینامیک
dynamic analysis
تجزیه و تحلیل تحرکی، تجزیه و تحلیل پویایی
dynamic equilibrium
تعادل پویا، تعادل دینامیک، تعادل دینامیکی
dynamic instability
پایداری پویا
dynamic optimization
اپتیم سازی دینامیک
dynamic programming
برنامه ریزی پویا، برنامه ریزی دینامیک
dynamic specification
مشخصات دینامیکی
dynamic system
دستگاه پویا
dynamical system
دستگاه دینامیکی
dynamics
پویایی، پویایی شناسی، جنبشی، دینامیک، علم دینامیک، نیرو شناسی، علم القوا

dynamometer	توان سنج، نیرو سنج، گشتاور سنج، توان متر، دینامومتر
dyne	دین
dysfunctional behavior	رفتار غیر حرفه ای
dysfunctional decision making	تصمیم گیری غیر حرفه ای
E	پنجمین حرف البای انگلیسی، انرژی، رقم ۱۵ در مبنای ۱۶، عدد نپر، عدد اوپلر
E Commerce	تجارت الکترونیکی (بنگاه با دولت)
e function	تابع-e
e.g.	برای مثال، مثلا
each occurrence	هر مورد، هر وقوع، هر نمونه
each of which	که هر یک از آنها، در هر یک از آنها
each other	با یکدیگر
ear protection	

	محافظ گوش
earlier	
	قبلا
earliest finish	
	زودترین زمان ختم
Earliest Finish Time	
	زودترین زمان خاتمه فعالیت
earliest start	
	زودترین زمان شروع
Earliest Start Time	
	زودترین زمان شروع فعالیت
Earliest Time	
	زودترین زمان
earliest time of occurrence	
	زودترین زمان وقوع
early deliberations	
	تبادل نقطه نظرات اولیه
early exercise	
	معامله قبل از موعد
early extinguishment of a debt	
	بازپرداخت بدهی قبل از سررسید
early finish time	
	زودترین زمان پایان
early retirement of bonds	

بازخرید اوراق قرضه قبل از سررسید	early retirement of debt (bonds)
بازخرید/ ابطال زودتر از موعد بدهی	early retirement of debt bonds
بازخرید/ ابطال زودتر از موعد بدهی(اوراق قرضه)	early start date
زودترین تاریخ آغاز	early start time
زودترین زمان شروع	early withdrawal penalty
خسارت برداشت قبل از موعد مقرر	earmark
کنار گذاردن، تخصیص دادن	earn
تحصیل کردن (درآمد)، به دست آوردن	Earn or Pilot Approach
رویکرد پیاده سازی محدود	earn profit (to), profit (to)
سود به دست آوردن	earned (revenue-income) accrued income
درآمد تحقق یافته	earned capital
سرمایه کسب شده	earned income

درآمد تحقق یافته	
earned surplus	
مازاد تحصیل شده	
earned surplus = retained earnings	
مازاد مکتسب، مازاد تحقق یافته	
earned surplus unappropriated	
مازاد مکتسب تقسیم نشده	
earnest money	
بیعانه	
earning	
سود خالص، عادی	
earning (profit) forecast	
پیش بینی سود	
Earning After Taxes	
سود پس از کسر مالیات	
earning asset	
دارایی مولد (سودآور)	
Earning Before Interest and Taxes	
سود قبل از کسر بهره و مالیات	
Earning Before Taxes	
سود قبل از کسر مالیات	
earning capacity	
ظرفیت درآمد	
earning dividend	

	سود سهام
Earning Per Share	
	درآمد سود هر سهم
earning potential	
	توان بالقوه کسب درآمد
earning power	
	توان سوددهی، قدرت سودآوری
earning process	
	فرآیند کسب سود، فرآیند کسب درآمد
Earning restatement	
	تجدید ارائه سود
earning yield	
	بازده عواید (حاصل عواید)
earning(s) per share	
	درآمد حاصل از هر سهم
Earnings	
	عواید
earnings available for ordinary shareholders	
	سود خالص متعلق به صاحبان سهام عادی
earnings before interest and after tax(ABIAT)	
	درآمد پس از وضع مالیات و قبل از کسر بهره
earnings before interest and tax (ebit)	
	سود قبل از (کسر) بهره و مالیات
earnings before interest and tax(EBIT)	

earnings from operation	سود قبل از بهره و مالیات به علاوه هزینه بهره
earnings management	مدیریت سود
earnings on stockholders' capital	عواید سرمایه سهامداران
earnings per share (EPS)	سود هر سهم
earnings price ratio	نسبت سود (هر سهم) به قیمت (هر سهم)
earnings process	فرایند کسب درآمد
earnings ratio	نسبت های عواید درآمدی
earnings retained	سود انباشته
earnings statement = income statement	صورتحساب درآمد و هزینه، صورتحساب درآمد
earnings variability	نوسان درآمد
earnings yield	نسبت سود هر سهم به قیمت بازار همان سهم
earnings, proceeds, incomes	

	عواید، درآمد
earnings-to-price ratio	
	نسبت سود به قیمت
earn-out agreement (contingent contract)	
	قرارداد مشروط در خرید یک شرکت
earn-out provision, subscription right (or warrant), contingent pay	
	پرداخت (حق الزحمه) مشروط، پرداخت احتمالی
earth	
	زمین
earth line	
	خط زمین، خط ارض
earthy body	
	شکل زمینی، شکل ارضی
ease of attendance	
	سهولت کاربرد
ease of formation	
	سهولت تشکیل (تاسیس)
ease of transferability of ownership	
	سهولت انتقال مالکیت
easement	
	سهولت/ ساده بودن
Easily marketable assets	
	دارایی های سهل البیع

Easing monetary policy	آسان سازی سیاست پولی
easy commodity	کالای نامرغوب
easy market	بازار سست
easy term, short term	کوتاه مدت
E-Business	کسب کار الکترونیکی
ecart	تابع شبه متریک
ECB	بانک مرکزی اتحادیه اروپا
eccentric	خارج از مرکز، مختلف المکز
eccentric angle	زاویه خروج از مرکز، زاویه مرکزگریز
eccentric clamp	گیره با مکانیسم خارج از مرکز
eccentric sequence	دنباله مرکزگریز
eccentric set	مجموعه مرکزگریز

eccentricity	مرکزگریزی، خروج از مرکز، برون مرکزی
echelon	پله مانند
echelon form	صورت پلکانی، پلکانی شکل، صورت پله ای، پلکانی
echelon matrix	ماتریس پله ای، ماتریس پلکانی
echo	انعکاس صورت، منعکس شدن، پژواک
eclipse	گرفتگی، کسوف و خسوف
eclipse of the moon	ماه گرفتگی، خسوف
eclipse of the sun	خورشید گرفتگی، کسوف
ecliptic	خسوفی و کسوفی، دایره البروج
econometric model	مدل اقتصادسنجی، مدل اکونومتریک
econometric models	مدلهای اقتصادسنجی
econometrics	اقتصادسنجی

economic	اقتصادی
economic (profit-income), economic earnings	سود اقتصادی
economic activity	فعالیت اقتصادی
economic aid	کمک اقتصادی
economic analysis	تجزیه تحلیل اقتصادی
economic and financial affairs	امر اقتصادی و دارایی
economic appraisal	ارزیابی اقتصادی
economic approaches	رویکردهای (روشهای) اقتصادی
economic batch quantity	مقدار سفارش به صرفه
economic concept of income	مفهوم اقتصادی سود
Economic Conversion Quantity	مقدار با صرفه تبدیل
economic cooperation administration (ECA)	اداره همکاری اقتصادی

economic data	اطلاعات اقتصادی
Economic decisions	تصمیمات اقتصادی
economic department	بخش اقتصادی
economic development	توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی
economic development accounting	حسابداری توسعه اقتصادی
economic downturn	رکود اقتصادی
economic earning	عایدی اقتصادی (منافع اقتصادی)
economic efficiency	کارایی اقتصادی
economic engineering	مهندسی اقتصاد
economic enterprise	واحد اقتصادی
economic entity	واحد اقتصادی شخصیت اقتصادی
economic equilibrium	تعادل اقتصادی

Economic events	رخدادهای اقتصادی
economic expansion	رشد اقتصادی
economic factors, functional	عامل تبعی یا اقتصادی
Economic Forecasts	پیش بینی های اقتصادی
economic function	کارکرد اقتصادی
economic good	کالای اقتصادی
economic growth	رشد اقتصادی
economic growth rate	نرخ رشد اقتصادی
economic indicators	شاخص های اقتصادی
economic interpretation	تعبیر اقتصادی
economic life	عمر اقتصادی
economic life of asset	عمر اقتصادی دارایی

economic life of leased property	عمر اقتصادی دارایی مورد اجاره
economic lot size	میزان سفارش اقتصادی
economic lot size, economic batch quantity	مقدار تولید مقرون به صرفه
economic manufacturing quantity	با صرفه ترین مقدار ساخت
economic obligations	تعهدات اقتصادی
economic of duality	تعبیر اقتصادی دوگان
Economic of scale	صرف جویبهای ناشی از مقیاس
Economic Order Quantity	مقدار سفارش مقرون به صرفه اقتصادی
economic order quantity (EOQ)	با صرفه ترین مقدار سفارش ، مقدار اقتصادی سفارش
economic ordering quantity	سفارش مقرون به صرفه، با صرفه ترین مقدار سفارش، مقدار مقرون به صرفه سفارش
Economic planners	برنامه ریزان اقتصادی
economic planning	

برنامه ریزی اقتصادی	
economic produce runs (epr)	
مقدار تولید اقتصادی	
economic production quantity	
با صرفه ترین مقدار تولید	
economic purchase quantity	
با صرفه ترین مقدار خرید	
economic purchase quantity (EPQ)	
با صرفه ترین مقدار خرید	
economic rate	
نرخ اقتصادی	
economic rationality	
منطق اقتصادی	
economic recession, depression, economic downturn	
رکود اقتصادی	
economic resources	
منابع اقتصادی	
economic risk	
ریسک اقتصادی	
economic sanction	
تحریم اقتصادی	
economic statistics	
نرخ بازده اقتصادی	

economic structure	بنای اقتصادی، ساختار اقتصادی، ساخت اقتصادی
economic substance	تشکیلات اقتصادی
economic system	نظام اقتصادی
economic trends	گرایش های اقتصادی، روند های اقتصادی
economic unit	واحد اقتصادی
economic unit concept	مفهوم واحد اقتصادی
Economic units	واحدهای اقتصادی
economic value	ارزش اقتصادی، ارزش فعلی جریان های نقدی مورد انتظار آینده
economic value added (EVA)	ارزش افزوده اقتصادی
economic value of the firm	ارزش اقتصادی واحد تجاری
economic warfare	جنگ اقتصادی
economical	

اقتصادی، به صرفه، علم اقتصاد
economical development
توسعه اقتصادی
economical interest
بهره اقتصادی
economical obligations
تعهدات اقتصادی
economical order size
اندازه سفارش اقتصادی
economical rent
بهره مالکانه (اجاره اقتصادی)
economically
از لحاظ اقتصادی
economically reworked
واحدهای مشمول دوباره کاری
economics
علم اقتصاد
economics of regulation
اقتصاد قوانین و مقررات / اصول اقتصادی نظارت
economics of scale
صرفه جویی در مقیاس
economics of scale (scale effect)
صرفه جویی به مقیاس
economics of the audit

	اصول اقتصادی حسابرسی
economist	
	اقتصاد دان
economy	
	اقتصادی صرفه جویی و صلاح اقتصادی مقرون به صرفه
economy and efficiency audit	
	حسابرسی صرفه اقتصادی و کارایی
economy of scale	
	صرفه جویی مقیاس
ecsaine	
	جرم مصنوعی
euclidean	
	اقلیدسی
euclidean algorithm	
	الگوریتم اقلیدسی
euclidean distance	
	دوری اقلیدسی، فاصله اقلیدسی
euclidean division	
	تقسیم اقلیدسی
euclidean geometry	
	هندسه اقلیدسی
euclidean line	
	خط اقلیدسی
euclidean metric	

	متر اقلیدسی
euclidean plane	
	صفحه اقلیدسی
euclidean sphere	
	فضای اقلیدسی
Edge	
	یال
edge angle	
	زاویه یالی
edge bisector	
	نیمساز ضلع
edge dislocation	
	جابجایی لبه ای، نابجایی لبه ای
edge file	
	فایل یال
edge joint	
	اتصال لبه ای
edge of a graph	
	یال گراف، خط گراف
edge of regression	
	یال بازگشت
edge weld	
	جویش لبه ای
edges of a graph	

edgin	یال های گراف، خط های گراف
Edit	حاشیه گذاری، لبه سازی
edition	ویراستن - تصحیح کردن - تنظیم کردن
editor in chief	ویرایش
edomorphism	سر دبیر
educe	درونریختی
education	استنباط کردن، استنتاج کردن، استخراج کردن
effect	استنتاج بیواسطه
effect of changing prices	انجام دادن، اجرا کردن، اثر، معلول، تایید، نتیجه، نتیجه اجرا، نتیجه اثر، اثر کردن
effective	اثر تغییر قیمت ها، اثر قیمت فروش
effective address	اثر بخش، کارآمد، موثر، ثمر بخش، سودمند
	نشانی موثر

effective advertising	تبلیغات موثر (اثر بخش)
effective annual rate	نرخ (بهره) موثر سالیانه
effective audit	رسیدگی موثر، حسابرسی موثر
effective constructability	ساخت پذیری موثر
effective constructibility	ساخت پذیری موثر
effective control	کنترل کارآمد، کنترل موثر
effective cost of debt	هزینه موثر استقراض (بدهی)
effective cross section	سطح مقطع موثر
effective date	تاریخ موثر، تاریخ قطعی
effective error	خطای موثر
Effective exchange rate	نرخ مؤثر ارز
effective finance decision	تصمیم قاطع مالی

effective force	نیروی موثر
Effective interest rate	نرخ مؤثر بهره
effective interest rate method	روش نرخ بهره موثر
effective interest rate, effective rate of interest	نرخ موثر بهره، نرخ واقعی بهره
effective internal audit	حسابرسی داخلی موثر
effective measures	معیارهای اثربخش / موثر
effective rate of interest	نرخ موثر (واقعی) بهره در بازار نرخ بهره رایج در بازار
effective rate of return	نرخ موثر بازدهی
effective ratio	نسبت (ضریب) موثر، نسبت کارایی
effective time	زمان موثر
effective transformation group	گروه تبدیل های موثر
effectiveness	اثر بخشی میزان دستیابی به اهداف

effectiveness audit	حسابرسی از لحاظ کارایی و اثربخشی
effectiveness efficiency and economy 3es audit	حسابرسی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی نام دیگر حسابرسی عملیاتی
effectiveness measures	معیارهای اثربخشی
effects of changing prices	آثار تغییر قیمت ها
efficiency	کارایی میزان دستیابی به اهداف با حداقل هزینه
efficiency (variance)	انحراف کارائی
efficiency and economy	کارایی و توجیه اقتصادی
efficiency measures	معیارهای کارایی
efficiency of cluster sampling	کارایی، نمونه گیری خوشه ای، سودبخشی نمونه گیری خوشه ای
efficiency of ratio estimate	سودبخشی برآورد نسبتی
efficiency of stratification	سود بخشی طبقه ای
Efficiency of the operations	

کارایی عملیات	
efficiency of two stage sampling	
سود بخشی نمونه گیری دو مرحله ای	
efficiency percentage	
درصد کارایی	
efficiency rate	
ضریب کارایی	
efficiency rating	
ارزیابی کارایی	
efficiency ratio	
نسبت کارایی	
efficiency variance	
انحراف کارایی	
efficiency, performance	
کارایی (راندمان)	
efficiency-effectiveness audit (comprehensive audit; extended scope audit)	
حسابری جامع یا فراگیر	
efficient	
کارا، کارآمد، بهره ور، با راندمان، مؤثر	
efficient audit	
حسابرسی کارا، حسابرسی با کمترین هزینه و در کوتاهترین زمان	
efficient capital market	

efficient estimate	بازار سرمایه کارا
efficient estimator	برآورد سودبخش
efficient management	برآورد کننده کارا
efficient market hypothesis	مدیریت کارآمد
efficient market hypothesis (EMH)	فرضیه بازار کارا
efficient market model	فرضیه بازارهای کارا (کارآمد)
efficient markets hypothesis (emh)	مدل بازار کارا
efficient markets paradigm	فرضیه بازارهای کارا
efficient portfolio	نظریه بازارهای کارا
efficient set frontier	پرتفوی کارا مطلوبترین مجموعه سرمایه گذاری
efficient set theorem	مجموعه (مرز) کارا
efficient solution	نظریه (اصل) مجموعه کارا

جواب کارا	
efficient solutions	
جواب های کارا	
Efficient-Market Hypothesis	
فرضیه بازار کارا	
effort	
تلاش	
Egorov theorem	
قضیه یگوروف	
eigen	
خاص، مشخص، مشخصه، راکد	
eigen element	
ویژه بردار، بردار مشخصه	
eigen frequency	
بسامد ویژه	
eigen function	
ویژه تابع، تابع ویژه، تابع مشخصه، تابع خاص	
eigen function expansion	
بسط ویژه تابعی	
eigen matrix	
ویژه ماتریس	
eigen space	
فضای ویژه	
eigen state	

حالت ویژه	
eigen value	
مقدار ویژه، ویژه مقدار، مقدار مشخصه، ریشه مشخصه، مقدار ویژه، مقدار خاص، ریشه راکد، مقدار راکد	
eigen value equation	
معادله ویژه مقدار ها	
eigen value of a matrix	
مقدار خاص ماتریس	
eigen vector	
بردار راکد، بردار ویژه، بردار خاص، ویژه بردار، بردار مشخصه	
Eigenelement	
ویژه بردار، بردار مشخصه	
eigenfunction	
تابع ویژه	
eigenfunction expansion	
بسط ویژه تابع	
eigenmatrix	
ویژه ماتریس	
eigenvalue	
مقدار ویژه	
eigenvalue equation	
معادله ویژه مقدار ها	
eigenvector	

ویژه بردار، بردار مشخصه
eight
هشت
eight leaved rose curve
خم گلبرگ هشت برگی
eight-column general journal
دفتر روزنامه هشت ستونی
eighteen
هیجده
eighteenth
هجدهمین، هیجدهم، یک هیجدهم
eighth
هشتمین، هشتم، یک هشتم
eightieth
هشتادمین، یک هشتادم
eighty
هشتاد
eign column
ستون ویژه
einstein
اینشتین
einstein convention
قرارداد اینشتین
einstein equivalency principle

اصل هم ارزی اینشتین، اصل هم ارزی	
einstein series	سری اینشتین
einstein space	فضای اینشتین
Eisenstein	آیزنشتاین
Eisenstein criterion	محک آیزنشتاین
either	هر کدام، هر یک، هم، هر یک از، هر
either diagram	یکی از نمودار ها
either gain or loss	یا سود یا زیان
either group operation	هر عمل گروهی
eject	بیرون راندن، پس زدن، دفع کردن
ejection	اخراج، دفع، پس زنی، بیرون پاشی، پراندن، بیرون انداختن قطعه، بیرون رانی
ejector	بیرون انداز، افشانک، پاشنده، پخش کننده، پران

ejector bar	شمش پران
ejector blade	تیغه پران
elapse	پیمودن
elapsed time	مدت زمان سپری شده
elastic	کشسان، کش دار، ارتجاعی، مرتجع، الاستیک، جهمند، قابل ارتجاع، قابل انبساط، لاستیک سان
elastic body	جسم کشسان
elastic currency system	سیستم قابل انعطاف پولی
elastic demand	تقاضای با کشش
elastic force	نیروی کشسان
elastic limit	حد الاستیک، حد مهمندی، حد کشسانی، مرز ارتجاعی
elastic restoring	بازگردان الاستیک
elastic restoring force	

نیروی بازگردان الاستیک	
elastic spring	
	فنر قابل ارتجاع
elasticity	
	کشش، کشش تقاضا یا کشش عرضه
elasticity demand	
	تقاضای الاستیسیته
elasticity of cost	
	کشش (انعطاف) هزینه
elasticity of demand	
	کشش تقاضا
elasticity of financial statements	
	عناصر صورت های مالی
elasticity of income	
	کشش (انعطاف) درآمد
elasticity of supply	
	کشش عرضه
elasticity of total cost	
	انعطاف پذیری هزینه کل
elasticity of working capital	
	اجزای سرمایه در گردش
elasticity of yield to maturity	
	کشش پذیری بازده تا تاریخ سررسید
elasticity production	

	کشش تولید
elayed recognition	
	شناسایی با تاخیر
elect	
	انتخاب کردن، منصوب کردن
electric circuit	
	مدار الکتریکی
election of officers	
	انتخاب مدیران
election or removal of legal inspectors	
	انتخاب یا عزل بازرسان
electric	
	کهربایی، برقی
electric arc	
	قوس الکتریکی، جرقه الکتریکی
electric cell	
	باتری
electric charge	
	بار الکتریکی
electric circuit	
	مدار الکتریکی
electric field	
	میدان الکتریکی
electric force	

electric intensity	شدت میدان الکتریکی
electric network	شبکه الکتریکی
electric typewriter	ماشین تحریر الکتریکی
electrical condenser	خازن الکتریکی
electrical equivalent	هم ارز الکتریکی
Electricity	برق
electrocoating	پوشاندن الکتریکی
electrode	برق رسان، الکتروود
electrode extension	طول مؤثر الکتروود
electrode lead	کابل الکتروود
electrode polarity	قطب الکتروود
electromagnetic	

الکترومغناطیسی
electromagnetic interaction
بر هم کنش الکترومغناطیسی
electromagnetic radiation
تشعشع الکترومغناطیسی
electromagnetic wave
موج الکترومغناطیسی
electromagnetism
الکترومغناطیس
electronic commerce
تجارت الکترونیکی
electronic computer
کامپیوتر الکترونیکی
Electronic Data Interchange
مبادله الکترونیکی داده‌ها
electronic data interchange (EDI)
مبادله داده‌ها از طریق سیستم‌های الکترونیکی
Electronic Data Processing
پردازش الکترونیکی داده‌ها داده‌پردازی الکترونیکی
electronic data processing (EDP)
پردازش داده‌ها از طریق ابزار یا سیستم الکترونیکی
Electronic Fund Transfer
انتقال الکترونیکی وجوه (سرمایه)
electronic fund transfer (EFI)

انتقال الکترونیکی وجوه
electronic fund transfer (eft)
انتقال الکترونیکی وجوه
Electronic funds transfer (E.F.T)
انتقال الکترونیکی وجوه
electronic funds transfer at point of sale
انتقال الکترونیکی پول به هنگام فروش
electronic funds transfer at point of sales (EFTPOS)
انتقال وجوه الکترونیکی در لحظه فروش
electronic funds transfer system (EFTS)
سیستم الکترونیکی انتقال جود
electronic internet commerce
تجارت الکترونیکی (اینترنتی)
Electronic Procurement
تدارکات الکترونیکی
electronic transfer of data
انتقال الکترونیکی اطلاعات
electronic transfer of funds (ETF)
نقل و انتقال وجوه از طریق سیستم الکترونیک
electrostatic
الکتروستاتیک
electrostatic potential
پتانسیل الکتروستاتیک

electrostatics	علم ایستا برقی، برق ساکن، الکتریسیته ساکن
element	عنصر
element function	تابع عضو
element of a determinant	درایه دترمینان، عنصر دترمینان
element of a matrix	درایه ماتریس، عنصر ماتریس
element of a set	عنصر مجموعه، عضو مجموعه، عنصر یک مجموعه، هر یک از عناصر یک مجموعه
element of arc	جزء قوس
element of arc length	عنصر طول قوس
element of area	عنصر مساحت، عنصر سطح
element of determinant	درایه دترمینان، عنصر دترمینان
element of integration	جزء انتگرال، جزء انتگرال گیری
element of mass	

جزء جرم
elemental
اصلي، بسيط
elementary
مقدماتی، ابتدایی، عادی، بسيط، جزئی
elementary algebra
جبر مقدماتی
elementary analysis
آنالیز مقدماتی
elementary column operation
عملیات مقدماتی ستونی
elementary column operations
عمل های ستونی ابتدایی
elementary diffusion equation
معادله مقدماتی پخش، معادله مقدماتی انتشار
elementary divisor
مقسوم علیه مقدماتی
elementary divisors
مقسوم علیه های مقدماتی
elementary event
حادثه ساده، پیشامد ساده، پیشامد مقدماتی
elementary function
تابع مقدماتی، توابع مقدماتی، توابع ابتدایی
elementary functions

elementary geometry	تابع های مقدماتی
elementary matrix	هندسه مقدماتی
elementary matrix operations	ماتریس مقدماتی
elementary neighborhood	عملیات ماتریس مقدماتی
elementary operation	همسایگی مقدماتی
elementary particle	عمل مقدماتی
elementary row operation	ذره بنیادی
elementary row operations	عمل مقدماتی
elementary set	عمل های سطری ابتدایی
elementary symmetric function	مجموعه مقدماتی
elementary symmetric functions	تابع متقارن ابتدایی
elementary transformation	توابع متقارن مقدماتی

تبدیل ابتدایی، تبدیل مقدماتی، ترادوسی ابتدایی
elementary units
واحد های مقدماتی
elementary waves
امواج مقدماتی
elements
مبانی
elements of a matrix
درایه های ماتریس، اجزای ماتریس، عنصر های ماتریس
elements of a set
عناصر مجموعه
elements of a triangle
اجزاء مثلث، اجزای اصلی مثلث
elements of financial statements
عناصر صورت های مالی
elements of geometry
مبانی هندسه
elements of working capital, working capital components
اجزای تشکیل دهنده سرمایه در گردش
elements sum
مجموع عضو ها
elevation
فراز، ارتفاع، ترفیع

elevation of a given point	فراز یک نقطه مفروض
elevator	نقاله مکانیکی، آسانسور، بالابر
eligible	سزاوار مستحق واجد شرایط
eligible bank	بانک پذیره پذیر
eligible investment, qualified investment	سرمایه گذاری واجد شرایط (قابل قبول)
eligible paper	اوراق بهادار
eliminate	حذف کردن، رفع نمودن
eliminate approach	رویگرد حذف کردن
eliminate indeterminacy	رفع ابهام
eliminating entry	ثبت حذف کننده
Elimination	حذف- ادغام
elimination constant	ثابت حذف

elimination form of the inverse	شکل حذفی ماتریس معکوس
elimination method	روش حذفی، روش حذف
elimination of an unknown	حذف یک مجهول
elimination of non value added operations	حذف عملیات فاقد ارزش افزوده
elimination of non-value-added operations	حذف عملیات فاقد ارزش افزوده
elimination process	فرآیند حذف
ellipses of spread	بیضی های پراکنندگی
ellipse	بیضی
ellipses of canonical form	بیضی های شکل قانونی
ellipsis	انداختن لغات، حذف، انداختگی
ellipsoid	بیضی وار
ellipsoid of concentration	بیضی وار تمرکز

ellipsoid of inertia	بیضی وار لختی
ellipsoid of revolution	بیضی وار دورانی، کره وار، بیضوی گون دوار، بیضی وار دوار
ellipsoidal	شبيه بیضی، شبه بیضی
ellipsoidal coordinates	مختصات بیضیواری
ellipsoidal harmonic function	تابع همساز بیضی واری
elliptic	مربوط به بیضی، بیضوی، بیضی وار، بیضی گون، مرغانه ای، تخم مرغی، بیضی شکل
elliptic cone	مخروط بیضوی، مخروط بیضی گون
elliptic coordinates	مختصات بیضوی
elliptic cylinder	استوانه بیضوی
elliptic cylinder function	تابع استوانه ای بیضوی
elliptic cylindrical coordinates	مختصات استوانه ای بیضی وار
elliptic cylindrical surface	

استوانه بیضوی، رویه استوانه ای بیضوی
elliptic differential equation
معادله دیفرانسیل بیضوی
elliptic differential geometry
هندسه دیفرانسیل بیضوی
elliptic equation
معادله بیضی گون
elliptic function
تابع بیضوی، تابع بیضی گون
elliptic geometry
هندسه بیضوی، هندسه نااقلیدسی
elliptic integral
انتگرال بیضوی
elliptic intergral
انتگرال بیضوی
elliptic irrational function
تابع گنگ بیضوی
elliptic modular group
گروه مدولی بیضوی
elliptic operator
عملگر بیضوی
elliptic paraboloid
سهمی وار بیضوی، سهمی گون بیضوی، سهمی وار بیضوی گون

elliptic point of a surface	نقطه بیضوی رویه
elliptical	مربوط به بیضی
elliptical cylinder	استوانه بیضوی، استوانه بیضی وار، استوانه بیضی گون
elliptical geometry	هندسه بیضوی
ellipticity	پختی، نسبت تفاضل دو نیم قطر بیضی به قطر اطول آن
elongation	بزرگ شدن، از دیاد طول، تطویل
elongation of a vector	کشیدگی بردار
else	در غیر این صورت
elsewhere	در سایر نقاط، جای دیگر
elucidate	توضیح دادن
emanate	ناشی شدن، جاری شدن، بیرون آمدن، سرچشمه گرفتن
embargo	تحریم تجاری

embed	محاط کردن، جا دادن، نشانیدن، غوطه ور کردن، خواباندن
embeddable	جایزیر، قابل نشانیدن
embeddable space	فضای نشاندنی
embedded	محاطی، فرو رفته
embedded blank	فضای خالی وسط
embedded markov chain	زنجیر مارکوف نشانده شده
embedding	جادهی، نشاننده، نشانیدن
embedding theorem	قضیه نشانیدن
embeded	متداخل، تو در تو، فرو رفته، محاط شده، نشانده
embezzlement	اختلاس استفاده نامشروع از داراییها
embezzlement, misappropriation	اختلاس پول
embossing	قلمزنی، چاپ برجسته، برجسته کاری

embrittlement	شکنندگی، ترد شکنندگی، تردی
emergency amortization	استهلاک زودتر از موقع (غیر منتظره)
emergency facilities	تسهیلات فوری (ضروری)
emergency maintenance	نگهداشت اضطراری
Emergency money	پول اضطراری
emergent system	سیستم غالب، سیستم مسلط
emerging debt instruments	ابزارهای جدید بدهی اوراق بهادار بدهی نوظهور
emerging issues task force (eitf)	کمیته بررسی مسائل و موضوعات اضطراری
emerging issues task force statements (EITF)	بیانیه های کمیته ویژه مسائل اضطراری
emerging markets	بازارهای در حال توسعه، بازارهای نوپا، بازارهای نوظهور
emerging stock markets	بازارهای نوظهور سهام، بازارهای نوپای سهام
emigrate	

eminence	مهاجرت کردن
emission	برجستگی، بلندی، تعالی
emission theory	نشر، انتشار
emit	نظریه گسیلی
emitter	تخلیه کردن، منتقل کردن، ساطع کردن
emphasis of matter paragraph	انتشار دهنده
emphasize	بند تاکید بر موضوع (مطلب) خاص
empirical	تاکید کردن
empirical constants	آزمایشی، تجربی
empirical curve	ثابت های تجربی
empirical distribution	منحنی تجربی
empirical distribution function	توزیع تجربی

empirical evidence	تابع توزیع تجربی
empirical formula	شواهد تجربی
empirical probability	فرمول تجربی
empirical results	احتمال تجربی
Employ	نتایج تجربی
employed	استخدام کردن
employed population	معمول، رایج
Employee	جمعیت شاغل
employee class promotion	کارمند- استخدامی
employee employer relationship	ترفیع کارکنان
employee evaluation	رابطه کارمندی و کارفرمایی
employee fraud	ارزیابی کارمندان

تقلب کارمندان
employee incentive compensation plans
طرح های تشفیقی خرید سهام توسط کارکنان
employee quality
کیفیت کارکنان
Employee Retirement Income Security Act of 1974
قانون تامین درآمد بازنشستگی کارکنان سال ۱۹۷۴
employee share ownership
مالک شدن سهام توسط کارکنان
employee share ownership plan
برنامه اعطای سهام شرکت به کارکنان
Employee Stock Ownership Plan
برنامه مالکیت سهام کارکنان
employee stock ownership plan (ESOP)
طرح مالکیت کارکنان در سهام
employee time sheet
برگ ثبت اوقات ورود و خروج کارکنان
employee's contribution for insurance
بیمه سهم کارمند
employee's day work rate
نرخ کار روزانه کارمند
employee's income tax
مالیات بر درآمد کارمند

employee's insurance contribution	سهم کارمند بیمه
employee's remuneration	پاداش کارمند
employee's saving contribution	سهم پس انداز کارمند
Employees	کارکنان
employees' benefits, salaried benefits	مزایای کارمندان
employees' compensation	پاداش حقوق بگیران
employees' holiday provision	ذخیره مرخصی کارکنان
employees' share scheme	طرح مشارکت کارکنان
employees' termination benefits	مزایای پایان خدمت کارکنان
employees' termination cost	هزینه پایان خدمت کارکنان
employees' termination-pay provision	ذخیره پرداخت پایان خدمت کارکنان
Employer	کار فرما- استخدام کننده

employer's contribution for insurance	بیمه سهم کارفرما
employer's earnings	عایدات کارفرما
employer's liabilities	تعهدات کارفرما
employer's liability insurance	بیمه مسئولیت کارفرما
employer's saving contribution	سهم پس انداز کارفرما
employer's social security contribution	سهم بیمه تامین اجتماعی کارفرما
employer-employee relationship	رابطه کارفرما و کارمند
Employment	اشتغال - استخدام
employment act	قانون استخدام
Employment Agency	آژانس کاریابی
employment agreement	قرارداد استخدام
employment coefficient	ضریب اشتغال

employment market, job market, efficient market	بازار کار
employment of capital	اشتغال سرمایه
employment of labor	اشتغال به کار
employment rate	درجه اشتغال، میزان اشتغال
employment taxes	مالیات حقوق
empowerment	اختیار
emptiness problem	مسأله تهی بودن
empty	تهی، خالی
empty class	مجموعه خالی
empty feasible region	ناحیه شدنی تهی
empty graph	گراف تهی
empty intersection	

	اشتراک های تهی
empty product	
	حاصلضرب تهی
empty relation	
	رابطه تهی
empty sequence	
	دنباله پوچ، رشته تهی
empty set	
	مجموعه تهی
empty sets	
	مجموعه خالی، مجموعه تهی
empty space	
	فضای پوچ، فضای تهی
empty string	
	رشته پوچ، رشته تهی
empty subset	
	زیرمجموعه تهی
empty tree	
	درخت تهی
empty word	
	کلمه پوچ، کلمه خالی، کلمه تهی
emulsifying solution	
	حلال تعلیق ساز
emulsion	

en masse conveyor	شیرابه
enacted marginal tax rate	نقاله محفظه دار
Enactment	نرخ نهایی مالیات بر درآمد
encapsulation	تصویب
Encash	محفوظ سازی اطلاعات، در حفاظ قرار دادن اطلاعات
encash / encashment	نقد کردن
encashable	نقد کردن چک
encircle	قابل تبدیل به پول نقد
enclose	دور گرفتن، در بر داشتن، احاطه کردن، دور زدن
enclosed	محصور کردن، قرار داشته باشد، در جوف قرار دادن، داخل پرانتز گذاشتن
enclosed accounts	محصور شده، محاط
	حساب های در جوف (همراه گزارش)

enclosed balance-sheet	ترازنامه در جوف (به پیوست)
enclosed with	محدود به
enclosing	در میان گرفتن، بین آنها ... قرار دارد، محطی
Enclosure	ضمیمه – پیوست
encode	به رمز در آوردن
encoding	رمز گذاری، کدگذاری
encompass	احاطه کردن، شامل بودن
encounter problem	مسأله ملاقات به پایان رسیدن، انتها، نقطه منتهای، دو سر، فرجام، آخر، پایان، کناره
encourage	تشویق شدن
encumbrance	مخارج پیش بین شده، تعهد، تامین اعتبار
encumbrance accounts	حساب های تعددی
encumbrances	

encyclopedia of accounting systems	تعهدات قطعی نشده
end	دایره المعارف سیستم های حسابداری
end clearance	به پایان رسیدن، انتها، نقطه منتها، دو سر، فرجام، آخر، پایان، کناره
end mill	زاویه آزاد انتهایی
end of fiscal (financial) year	تیغه فرز انگشتی، فرز قشنگی، فرز انگشتی
End Of the Month	آخر سال مالی
end of year	پایان ماه
end of year (EOY)	آخر سال (مالی)
end point	آخر سال (مالی)
end points	نقطه پایان، نقطه سر، نقطه انتهایی
end product	نقاط انتهایی
	محصول نهایی

end return	ماه‌یچه کاری
end to end control	کنترل ته به ته
end to start control	کنترل ته به سر
end use	کاربرد
end user computing	محاسبات کار بر نهایی
end value	ارزش انتهایی
end vertex	راس منتهای، راس پایانی
end year discount (rebate)	تخفیف آخر سال
ended	مختوم، پایان یافته
ended line	خط مختوم
ending finished goods inventory budget	بودجه موجودی کالای ساخته شده پایان دوره
ending inventory	موجودی (کالای) پایان دوره

ending inventory valuation	تعیین ارزش موجودی پایان دره
ending market price	قیمت بازار در پایان دوره
Ending owner's capital	سرمایه مالک در پایان دوره
endless	بی پایان، بی انتها، لایتناهی، بدون نهایت
endless rolling	نورد کاری یکسره، نورد بی انتها، نورد یکسره
Endlessness	بی نهایت، بی پایانی، بی انتهایی
endlong	از طول، از درازا
endo	درونی
End-of-period capital	سرمایه پایان دوره
Endogenous	درون زا
endogenous variable	متغیر درونزا
endomorphich	درون ریخت، درون شکل، درون دیسه

endomorphism	درونریختی
endomorphism of fields	درون ریختی هیئت، درونسانی هیئت، اندومورفیسم هیئت
endomorphism of groups	درون ریختی گروه، درونسانی گروه، اندومورفیسم گروه
endomorphism of rings	درون ریختی حلقه، درونسانی حلقه، اندومورفیسم حلقه
Endorse	پشت نویسی کردن
endorsed note payable	سند پراختی ظهر نویسی شده
Endorsee	ذینفع پشت نویسی
endorsement	ظهر نویسی (اسناد)
endorsement liability	بدهی ناشی از ظهر نویسی
Endorser	پشت نویس
endowment assurance	بیمه عمر مختلط
endowment fund	حساب مستقل وجوه موقوفه

Endowment Sukuk	اوراق وقف
endpoint	نقطه انتهایی
endpoint costing	هزینه یابی معکوس هزینه یابی با تأخیر
Energy	انرژی
energy integral	انتگرال انرژی
energy principle	اصل انرژی
enforcement of a judgment	اجرای احکم
engagement letter	قرارداد موافقتنامه تفاهمنامه
engagement letter (letter of engagement)	قرارداد حسابرسی
engagement letter, agreement	قرارداد، موافقتنامه، تفاهم نامه
engagement planning	برنامه ریزی کار
engagement risk	ریسک پروژه حسابرسی، ریسک حسابرسی

engagement, warranty, requirement	التزام
engaging	کاربرد
engine	ماشین
engineer	مهندس
Engineer To Order	مهندسی بر اساس سفارش
engineered cost	هزینه اندازه گیری شده هزینه مهندسی
Engineering	مهندسی
engineering audit	حسابرسی مهندسی
engineering change order (eco)	مهندسی تغییرات سفارشی
ENGLISH	FARSI
engraving and printing costs	مخارج چاپ و انتشار
engrossment, speculation	احتکار

enlarge	گسترش دادن، بزرگ کردن
ennead	یک دسته نه تائی
Enquiry	پیشنهاد قیمت – استعلام- درخواست
enriques surface	رویه انریکس
ensure	به دست آمدن
enter	وارد شدن، وارد کردن
entering	وارد شدن
entering basic variable	متغیر ورود به پایه، متغیر اساسی ورودی
entering variable	متغیر وارد شونده، متغیر ورودی
Enterprise	موسسه سرمایه گذاری شرکت، سازمان
enterprise fund	حساب مستقل انتفاعی
enterprise net income	سود خالص واحد اقتصادی

enterprise performance	عملکرد واحد اقتصادی
Enterprise Resource Planning	سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی (بهم پیوسته)
enterprise standard industrial classification (ESIC)	کد مربوط به طبقه‌ای که شرکت در آن قرار می‌گیرد.
Enterprise Systems	سیستم‌های سازمانی
Enterprise Wide Systems	سیستم‌های در برگیرنده کل سازمان
entertainment expense	هزینه پذیرائی
entire	تام
Entire Agreement	موافقت کامل
entire complex plane	صفحه مختلط کامل
entire function	تابع تام
entire linear transformation	تبدیل خطی تام
entire number scale	

entire ring	مجموعه تمام اعداد حقیقی
entire series	حوزه صحیح
entire space	فضای تام
entirely	به طول کامل، به کلی، تماما، کاملا
entitle to	مستحق به ... سزاوار ...
Entitlement Programs	برنامه های استحقاقی
entity	واحد تجاری واحد اقتصادی
Entity assumption	فرض شخصیت تجاری
entity assumption (concept)	فرض وجود حسابداری
Entity concept	مفهوم شخصیت تجاری
entity equity	حقوق / ارزش ویژه واحد اقتصادی
Entity Relationship Diagram	

Entity Relationship Modeling	نمودار ارتباط موجودیت‌ها
entity theory	مدل سازی ارتباط موجودیت‌ها
entity value	تئوری (نظریه) واحد اقتصادی
entourage	ارزش وجود حسابداری
entrance fee, fee	پیرامون
entries	حق ورودی
entries of a matrix	درایه ها، اجزاء، عناصر
entring	عناصر ماتریس، جمله های یک ماتریس
entropy	وارد شدن
entropy of a partition	بی نظمی نابسامانی
entropy of an endomorphism	آنترופی افراز
Entry	آنترופی درونریختی

ورودی
entry block
کنده مدخل
entry criterion
معیار ورودی به پایه
entry criterion basis
معیار ورودی به پایه
entry for warehousing
ورود به انبار، قبض انبار، (برای کالاهایی که مشمول حقوق گمرکی هستند)
entry in book of accounts
ثبت در دفاتر حساب
entry of a determinant
درایه دترمینان، عنصر دترمینان
entry of a matrix
درایه ماتریس، عنصر ماتریس
entry value
ارزش ورودی / خرید، هزینه جایگزینی یک قلم دارایی
enumerable
شمارای نامتناهی
enumerable sets
مجموعه های شمارش پذیر
enumerably infinite
شمارا

enumerate	شمردن، برشمردن، شماره گذاری کردن، یک یک نام بردن
enumerating	شمارش، شمردن
enumeration	شماره گذاری، شمارش
enumeration problem	مسأله شمارش
enumeration theorem	قضیه شمارش
enumerative	شمارشی
envelope	پوش
environment	فراگیر، محیط برنامه نویسی، محیط، دور و بر
environment audit (green audit)	بررسی اثر فعالیت های یک سازمان بر محیط زیست
environment of accounting	محیط حسابداری
environmental	محیطی
environmental constraints	محدودیت های محیطی

environmental elements	عوامل محیطی
epicycle	مقدار تدویر
epicycloid	برون چرخزاد، برون چرخنما
epigraph	اپی گراف
epimorphic	بروریکت، بردیسه
epimorphism	برو ریختی
epistemology	معرفت شناسی شناخت شناسی
epitrochoid	برون چرخه زاد، اپی تروکوئید
epitrochoidal curve	منحنی اپی تروکوئیدی
epsilon	اپسیلون، حرف پنجم الفبای یونانی
epsilon chain	زنجیر اپسیلون
epsilon delta	اپسیلن – دلتا

epsilon delta method	روش اپسیلن – دلتا
equipotential	هم پتانسیل، هم ظرف، هم قوت
equal	مساوی
equal events	حوادث یکسان، حوادث همانند، حوادث مساوی، حوادث برابر
equal matrices	ماتریس های مساوی، ماتریس های برابر
equal probabilities	احتمال های مساوی
equal sets	مجموعه های مساوی، مجموعه های برابر
equal vectors	بردار های همسنگ، بردار های برابر، بردار های مساوی
equal weighted	درصد سرمایه گذاری مساوی در هر سهم
equal weighted marker index	شاخص بازار با وزن مساوی
equal-annual-payment method	روش پرداخت یکسان هزینه استهلاک در سال های متوالی
equal-instalment depreciation	

استهلاک به روش خط مستقیم، استهلاک به اقساط مساوی
equality
برابری
equality constraints
برای محدودیت های مساوی
equality of functions
تساوی توابع
equality of numbers
تساوی دو عدد
equality of ordered pairs
تساوی زوج های مرتب
equality of polynomials function
تساوی دو تابع چندجمله ای
equality of sets
تساوی دو مجموعه، تساوی مجموعه ها
equality of triangles
تساوی مثلث ها
equality of two complex numbers
تساوی دو عدد مختلط
equality of two mappings
تساوی دو نگاشت
equality of two matrices
تساوی دو ماتریس
equality of vectors

همسنگی بردار ها	
equality relation	
رابطه برابری	
equality sign	
علامت برابری	
equalization	
برابر سازی، تسویه	
equalization fund(s)	
وجوه برابر سازی	
equalization provision	
ذخیره برابر سازی	
equalization rate	
نرخ تعدیل (برابر سازی)	
equalize	
برابر قرار دادن	
equalizer	
برابر ساز	
equalizing dividend	
برابر سازی سود سهام	
equally	
به تساوی، متساویا، به طور مساوی	
equally likely	

همشانس، متساوی الاحتمال، با احتمال برابر، متساوی الاحتمال، با احتمال برابر، همچند، همسان، همتراز، احتمال یکسان
equally likely events
پیشامد های دارای احتمال مساوی، پیشامد های دارای احتمال همتراز، پیشامد های همشانس، پیشامد های متساوی الاحتمال
equally power events
حوادث همتوان
equally probable
همتراز
equally probable events
حوادث هم احتمال
equally probable outcoms
نتایج هم احتمال
equally spaced points of subdivision
نقاط تقسیم متساوی الفاصله
equally well
همین طور
equal-weighted
مساوی در هر سهم (درصد سرمایه گذاری)
equal-weighted market index
شاخص بازار با وزن مساوی
equate
برابر بودن، برابر کردن
equation

	معادله
equation of a hyperplane	
	معادله یک زیر صفحه
equation of continuity	
	معادله پیوستگی
equation of equinoxes	
	معادله اعتدالین
equation of harmonic oscillator	
	معادله نوسانگر همساز
equation of heat conduction	
	معادله رسانش گرما
equation of motion	
	معادله حرکت
equation of payments	
	موازنه / برابری در پرداخت ها
equational	
	معادله ای، تعدیلی
equations of a homomorphism	
	معادلات یک همسانی
equations of a linear variety	
	معادلات یک متغیره خطی
equations of Enneper	
	معادله های انپر
equations of motion	

معادله های حرکت	
equations of transformation	
معادله های ترادیسی نیمان، استوا، خط استوا، دایره استوا، خط استوا	
equator	
نیمان، استوا، خط استوا، دایره استوا، خط استوا	
equator of an ellipsoid of revolution	
دایره عظیمه بیضوی دوار	
equator of movement	
منطقه حرکت	
equatorial	
استوائی	
equatorial quantum number	
عدد کوانتومی استوائی	
equi	
پیشوندی به معنی هم یا مساوی	
equiangle	
زاویه مساوی	
equiangle spiral	
مارپیچ زاویه برابر	
equiangular	
همزاویه، متساوی الزاویه	
equiangular hyperbola	
هذلولی متساوی الساقین	

equiangular polygon	چندضلعی متساوی الزوایا، چندضلعی برابر زاویه
equiangular triangle	مثلث متساوی الزوایا
equicontinuity	یکسان پیوستگی، همپیوستگی، هم اتصالی
equicontinuous	همپیوسته
equicontinuous functions	تابع های یکسان پیوسته
equidimensional	همبعد
equidistance	متساوی الفاصله، هم فاصله
equidistant	هم فاصله، متساوی الفاصله، متساوی البعد
equidistant curve	خم هم فاصله
equidistant hypersurface	ابر رویه هم فاصله
equidistributed	همتوزیع
equilateral	متساوی الاضلاع، متساوی الزاویه

equilateral hyperbola	هذلولی متساوی الساقین، هذلولی دو پهلو برابر، هذلولی متساوی القطرین
equilateral hyperbolic coordinates	مختصات هذلولوی متساوی الساقین، مختصات هذلولوی قائم
equilateral polygon	چندضلعی متساوی الاضلاع
equilateral spherical polygon	چندضلعی منتظم کروی
equilateral triangle	مثلث متساوی الاضلاع، مثلث سه پهلو، برابر، مثلث راست پهلو
equilateral triangle group	گروه مثلث متساوی الاضلاع
equilibrium	به حالت تعادل، تعادل، موازنه، همتراز
equilibrium demand	تقاضای تعادل
equilibrium diagram	نمودار ساختمانی، نمودار تعادلی، نمودار تعادل
equilibrium expected return	بازده مورد انتظار تعادلی
equilibrium point	نقطه تعادلی
equilibrium price	

equilibrium problems	قیمت تعادلی
equilibrium supply	مسائل تعادل
Equilibrium, balance	تولید تعادل
equimultiple	موازنه ، تعادل
equinumerous sets	هم ضریب، هم مضرب
equinoctial point	مجموعه های هم عدد
equinox	نقطه اعتدال
equinumerable sets	اعتدال شب و روز، نقطه اعتدال
equinumerate	مجموعه های هم ارز، مجموعه های هم توان
equinumerous	همعداد
equinumerous sets	همعدد، همقوه
equioceillation	مجموعه های همعدد

نوسان یکسان
Equipment
تعهدات
equipment bond (trust certificate)
اوراق قرضه رهنی
equipment compatibility
هماهنگی تجهیزات
equipment depreciation
استهلاک تجهیزات
equipment failure
خرابی تجهیزات
equipment financing
تامین مالی تجهیزات
equipment-replacement expenditure
مخارج جایگزینی تجهیزات
equipollent
ابزار، تجهیزات، ساز و برگ، وسایل، اثاثه، وسیله، ساز و برگ، لوازم، کار افزار، دستگاه
equipollent sets
مجموعه های هم ارز، مجموعه های همتوان
equipollent vectors
بردار های همسنگ
equipotency
هم توانی، هم قوه ای

equipotent sets	مجموعه های هم ارز، مجموعه های هم توان
equipotential	همپتانسیل
equipotential lines	خطوط هم پتانسیل
equipotential surface	رویه هم پتانسیل، سطح هم پتانسیل
equiprobable	هم احتمال
equiprobable space	فضای هم احتمال
equirepartition	همبخشی
equitable	عادلانه، منصف
equitable apportionment	سرشکن کردن هزینه های مشترک به روش معقول
Equities	حقوق مالی
equities, liabilities and shareholder's equity	بدهی ها و حقوق صاحبان سهام
equity	حق مالکانه ارزش ویژه حق مالکیت

equity accounting	حسابداری مبتنی بر ارزش ویژه
equity basis net income	سود خالص مبتنی بر ارزش ویژه
equity capital	دارایی خالص، ارزش ویژه، سهام سرمایه
equity capital to long-term debt ratio	نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام
equity capital to total debt ratio	نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام
equity contract, stock	قرارداد خرید سهام
equity finance	تامین مالی از طریق انتشار سهام عادی
equity financing	تامین مالی از طریق انتشار سهام
equity in subsidiary realized income	حق مالکیت بر سود تحقق یافته واحد فرعی
equity instrument	اوراق بهادار سرمایه‌ای ابزار سرمایه‌ای
equity interest	حقوق صاحبان سهام/ حق مالکانه
equity method	روش ارزش ویژه

equity method for investments	روش ارزش ویژه سرمایه گذاریها
equity method investment	سرمایه گذاری بر مبنای روش ارزش ویژه
equity method of accounting	حسابداری ارزش ویژه
equity method of accounting for long-term investment	روش ارزش ویژه در سرمایه گذاری بلندمدت
equity multiplier ratio	نسبت ضریب حق صاحبان سهام
equity premium	صرف سهام
equity pricing	قیمت گذاری سرمایه
equity rate	نرخ برابری
equity ratio	نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع کل
equity securities	اوراق بهادار سرمایه ای اوراق بهادار مبین حق مالکانه
equity share	هر نوع سهمی در یک شرکت
equity share capital	

equity swap	سرمایه سهمی سهامداران
equity theories	معاوضه سهام
equity theory	تئوریهای مربوط به حقوق صاحبان سهام
equity theory residual	تئوری عدالت نسبی تئوری ارزش ویژه
equity transaction	تئوری حقوق باقی مانده / نهائی / مازاد
equity trust	هر رویداد مالی که بتواند ارزش ویژه شرکت را افزایش یا کاهش دهد.
equivalence classes	اتحادیه سهامداران
equivalence	دسته های معادل
equivalence class	تبادل
equivalence classes	دسته هم ارزی، کلاس هم ارزی، رده هم ارزی، دسته هم ارز
equivalence of distances	دسته های معادل

هم ارزی دو دوری	equivalence of ideals
هم ارزی ایدآل ها	equivalence of mass and energy
تبادل جرم و انرژی	equivalence of paths
معادل بودن مسیر ها	equivalence of two arrows
هم ارزی دو فلش	equivalence problem
مسأله هم ارز بودن	equivalence relation
نسبت هم ارزی، رابطه هم ارزی، بستگی هم ارزی، رابطه تعادلی	equivalent
هم بها (هم ارز ، هم قیمت)	equivalent affinity
تبدیل آفین هم ارز	Equivalent amount
مبلغ تعادل	equivalent annual cost
هزینه معادل سالانه	equivalent assertions
حکم های هم ارز	

equivalent bond yield	معادل نرخ بازده
equivalent compensation	جبران معادل
equivalent criteria	معیار های هم ارز
equivalent electrical circuit	مدار الکتریکی هم ارز
equivalent elements	عناصر هم ارز
equivalent equations	معادله های هم ارز
equivalent events	حوادث هم ارز
equivalent figures	اشکال معادل
equivalent fractions	کسر های هم ارز
equivalent goods	کالای معادل
equivalent inequalities	نامعادلات هم ارز
equivalent inequalities	نابرابری های هم ارز

equivalent matrices	ماتریس های هم ارز
equivalent production	تولید معادل / برابر
equivalent production schedule	جدول معادل آحاد تولید
equivalent representation	نمایش معادل
equivalent sets	مجموعه های هم ارز، مجموعه های هم توان
equivalent solids	اجسام متعادل، اجسام معادل
equivalent taxable yield	معادل نرخ بازده مشمول مالیات
equivalent transformations	تبدیل های هم ارز
equivalent units	معادل آحاد تولید
equivalent units of output	معادل آحاد تولید
equivalent units of production	معادل آحاد تولید
equivalent vectors	بردار های هم ارز

equivalent weights	وزن های معادل
equivalent yield	بازده معادل
equivalently	به طور هم ارز، معادلا، به طور معادل، معادل آن، به بیان دیگر
equivocal	دارای دو معنی، دو پهلو، مبهم
erasable	پاک شدنی
eraser	مداد پاک کن
erg	ارگ
ergodic	ارگودیک
ergodic chains	زنجیر های ارگودیک
ergodic Markov chain	زنجیر مارکوف ارگودیک، زنجیر مارکوف تحویل نا پذیر
ergodic source	منبع ارگودیک
ergodic theory	

نظریه ارگودیک	
ergonomy	
ارگونومی	
erlangen	
ارلانگی	
erlangen distribution	
توزیع ارلانگی	
Erlangen program	
برنامه ارلانگن	
Erlanger program	
برنامه ارلانگن	
ERM (Exchange Rate Mechanism)	
متدی برای ثابت نگه داشتن نرخ مبادله ارز	
erogodic	
همه سویی	
erratic	
ناسازگار، اشتباه آمیز، مغلوط	
erroneous	
نادرست، نامعقول، غلط	
Error	
خطا	
error analysis	
تجزیه و تحلیل اشتباه	
error and trial	

	آزمایش و خطا
error bound	
	کران خطا، کران خطایی
error cause	
	علت (علل) اشتباه
error cause identification	
	شناسایی علت (علل) اشتباه
error correction	
	اصلاح (تصحیح) اشتباه
error costs	
	هزینه های اشتباهات
error detecting	
	کشف خطا
error due to measurement	
	اشتباه اندازه گیری
error extrema	
	اکسترم های خطا
error function	
	تابع خطا
error generation	
	تولید خطا
error of an approximation	
	خطای یک تقریب
error of estimate	

خطای برآورد	
error of input data	
خطا های داده های ورودی	
error of measurement	
خطای اندازه گیری	
error of the first kind	
خطای نوع اول، اشتباه نوع اول	
error of the second kind	
خطای نوع دوم، اشتباه نوع دوم	
error of type i	
خطای نوع اول	
error of type ii	
خطای نوع دوم	
error or mistake	
خطا یا اشتباه	
error probability	
احتمال خطا	
error range	
برد خطا، نرخ خطا	
error rate	
میزان خطا، نرخ خطا	
error space	
فضای خطا	
error sum of squares	

مجموع مربعات خطا ها، مجموع توان دوم خطا ها	
error term	
	عامل خطا
error theorem	
	قضیه خطا
errors	
	اشتباهات سهوی
errors in the original entries	
	اشتباه در ثبت های اصلی
errors of accounts	
	اشتباهات حساب ها
errors of input data	
	خطا های داده های ورودی
escalation	
	افزایش ارزش
escalator	
	آسانسور، پلکان متحرک، پلکان برقی
escapable cost	
	هزینه قابل اجتناب
escape	
	فرار
escape velocity	
	سرعت گریز، سرعت فرار
escheat	

سرپرستی دارایی، دارایی بلاوارث
escompte
تنزیل، تخفیفات نقدی
escribe
محاط خارج کردن، از خارج محاط کردن
escribed
محاطی خارج، محاطی خارجی
escribed circle
دایره محاطی خارجی
escribed circle of a triangle
دایره محاطی خارجی مثلث
Escrow foud
وجوه امانی
essential
اساسی
essential constant
ثابت اساسی
essential data for auditing
مجموعه اطلاعات مورد لزوم حسابرسی
essential singular point
نقطه تکین اساسی
essential singularity
تکینی اساسی
essential singularity (singular point)

essential spectrum	نقطه استثنائی اصلی
essentially	طیف اساسی
essentially bounded measurable function	سوپریم اساسی
essentially complete class	اساساً، ضرورتاً، ذاتاً
essentially indirect proof	تابع اندازه پذیر اساساً کراندار
Establish	رده اساساً کامل
establish a company	استدلال ذاتاً غیر مستقیم
establish a factory	اصول سرمایه گذاری ها
establishing financial accounting standards	تاسیس کردن
establishment	شرکتی تاسیس کردن ، تاسیس کردن شرکت

establishment date	موسسه، بنگاه، تاسیس
establishment of premium rates	تاریخ تاسیس
establishment, foundation	برقراری نرخ های حق بیمه
estalon	تاسیس، بنا نهادن ، بنیانگذاری
estate	معیار اوزان و اندازه ها
estate accounting	حق سند مالکیت یا مدرک دیگری موید حق مالکیت در یک دارایی
estate duty	تهیه فهرستی از اموال توسط مامور تصفیه
estate income	مالیات بر ارث
estate tax	درآمد حاصل از اموال
esteem needs	مالیات بر املاک، مالیات بر دارایی
estimable parameter	نیاز های مربوط به مقام و احترام
	پارامتر برآوردپذیر

Estimate	برآورد کردن
estimate and test about multiple correlation coefficient	برآورد و آزمون درباره ضریب همبستگی چندگانه
estimate of cash requirements	برآورد وجوه نقد مورد نیاز
estimate of costs	تخمین مخارج
estimate of error	برآورد خطا
estimate, appraisal, assessment	برآورد، ارزیابی کردن
estimated	برآورد شده
estimated accounts	حساب های تخمینی
Estimated amount of depreciation	مبلغ برآوردی استهلاک
estimated annual expense	هزینه سالیانه تخمینی (برآورد شده)
estimated annual income	درآمد سالیانه تخمینی
estimated balance sheet	

ترازنامه تخمینی	
estimated budget	
بودجه تخمینی	
estimated cost	
بهای تمام شده برآوردی	
estimated cost of disposal	
هزینه برآورده شده واگذاری (فروش)	
estimated cost to complete	
برآورد هزینه های لازم برای تکمیل پیمان	
estimated debt (liability)	
بدهی تخمینی	
estimated economic life	
عمر مفید اقتصادی برآورد شده، عمر مفید برآوردی	
estimated economic useful life	
عمر مفید اقتصادی برآوردی	
estimated expense (cost)	
هزینه تخمینی	
estimated factory overhead	
سربار پیش بینی شده / برآورد شده کارخانه	
estimated income	
درآمد تخمینی	
estimated items	
اقلام برآوردی	
estimated liability	

estimated life	بدهی برآوردی
estimated life of asset	عمر تخمینی
estimated loss	عمر تخمینی دارایی
estimated machine hours	ضرر تخمینی
estimated net realizable value	ساعات کار برآورد شده ماشین آلات
estimated net realizable value (nrv) method	بازیافتی، ارزش خالص قابل تحقق ارزش خالص بازیافتی برآوردی
estimated net realizable value method	روش ارزش خالص بازیافتی برآوردی
estimated overhead	روش ارزش خالص بازیافتی برآوردی
estimated physical life	سربار برآورده شده
estimated population exception rate (EPER)	عمر طبیعی (فیزیکی) تخمینی
estimated process average	ضریب انحراف برآوردی جامعه
	تخمین متوسط فرایند

estimated product warranties	هزینه های برآوردی تضمین محصول
estimated profit	سود تخمینی
estimated regression line	خط رگرسیون تخمینی
estimated residual value	ارزش باقی مانده (اسقاط) برآوردی
estimated revenue	درآمد برآوردی، عایدات تخمینی
estimated sale(s)	فروش تخمینی
estimated salvage value	ارزش تخمینی اسقاط
estimated statement	صورت حساب تخمینی
estimated statement of cost	صورت حساب تخمین هزینه
estimated statement of income	صورت حساب تخمین درآمد
estimated time of arrival	زمان تقریبی ورود
estimated time of departure (EID)	زمان تقریبی عزیمت

estimated total amount	مبلغ کل تخمینی
estimated total cost	کل هزینه تخمینی
estimated uncollectible accounts	مطالبات مشکوک الوصول
estimated uncollectible delinquent taxes	مالیاتهای معوق غیر قابل برآوری
estimated uncollectible interest	بهره مشکوک الوصول
estimated useful life	عمر مفید برآوردی
estimated value	ارزش تخمینی
estimated value of stock	ارزش تخمینی موجودی
estimated volume	حجم تخمینی
estimated warranty obligations	بدهی های (تعهدات) برآوردی تضمین محصول
estimates of future dividends	برآورد سود آتی سهام
estimating cost system	سیستم هزینه یابی تخمینی

estimating-cost accounting	حسابداری هزینه یابی تخمینی
estimating-cost system	سیستم برآورد هزینه
estimation	برآورد، تخمین، برآورد کردن، تخمین زدن، ارزیابی، تقریب
estimation , estimate	تخمین (برآورد)
estimation accuracy	دقت تخمین
estimation error	خطای تخمین
estimation objective	هدف برآورد
estimation of accuracy	برآورد درستی
estimation of cash-flow.	تخمین گردش وجوه
estimation of cost	برآورد هزینه
estimation of loss	تخمین ضرر
estimation of mean	

estimation of profit	برآورد میانگین
estimation of scrap value	تخمین سود
estimation of stock in hand	تخمین ارزش قراضه
estimation sampling	تخمین موجودی انبار
estimation space	نمونه گیری برآورد
estimation theory	فضای برآورد
estimator	تئوری تخمین
et cetera	برآورد کننده، ارزیاب، تخمین زننده
eta variable	و غیره، الی آخر
eta vector	متغیر اِتا
etc	بردار اِتا
etching	و غیره، الی آخر

حک کاری، حکاکی، تیزابکاری
ethical behavior
رفتار اخلاقی، رفتار مبتنی بر ارزشهای اخلاقی
ethical dilemma
معضل اخلاقی بلاتکلیفی اخلاقی
ethical duty of accountant
وظیفه اخلاقی حسابدار
ethical duty of auditor
وظیفه اخلاقی حسابرس
ethical principles, ethics
اصول اخلاقی
ethics
اصول اخلاقی اخلاقیات
ethics rulings
آرای صادره درباره آیین نامه رفتار حرفه ای
euclid axiom
اصل موضوع اقلیدس
euclid's axioms
اصول اقلیدس
euclid's elements
کتاب اصول اقلیدس
euclid's lemma
لم اقلیدس
euclid's line

خط اقلیدسی	
euclid's plane	
صفحه اقلیدسی	
euclidean	
اقلیدسی	
Euclidean algorithm	
الگوریتم اقلیدسی	
euclidean construction	
ترسیم اقلیدسی	
euclidean distance	
فاصله اقلیدسی	
euclidean division algorithm	
الگوریتم اقلیدسی تقسیم	
euclidean function	
تابع اقلیدسی	
euclidean geometry	
هندسه اقلیدسی	
euclidean line	
خط اقلیدسی	
euclidean metric	
متریک اقلیدسی	
euclidean norm	
نرم اقلیدسی	
euclidean plane	

	صفحه اقلیدسی
euclidean ring	
	حلقه اقلیدسی
euclidean space	
	فضای اقلیدسی، فضای دکارتی
euclidean sphere	
	کره اقلیدسی
Euclidean vector space	
	فضای برداری اقلیدسی
euclidian	
	اقلیدسی
Euler	
	اویلر
euler angles	
	زاویه های اویلر، زوایای اویلر
euler characteristic	
	مشخصه اویلر، مشخصه اویلر-پوانکاره
euler circuit	
	دور اویلری
Euler constant	
	ثابت اویلر
Euler criterion	
	محک اویلر
euler diagram	

نمودار اویلر	
Euler formula	
فرمول اویلر	
euler function	
تابع اویلر	
euler integral of the second kind	
انتگرال اویلر نوع دوم	
euler lagrange equations	
معادلات اویلر-لاگرانژ	
euler method	
روش اویلر	
Euler multiplier	
ضریب اویلر	
euler product	
حاصل ضرب اویلر	
euler sum formula	
دستور جمع‌زنی اویلر	
euler summation formula	
دستور جمع بندی اویلر	
Euler theorem on polyhedra	
قضیه اویلر در چند وجهی‌ها	
euler transformation	
تبدیل اویلر	
euler venn diagram	

	نمودار اویلر-ون
euler's constant	
	ثابت اویلر، مقدار ثابت اویلر
euler's diagram	
	تصویر اویلر، نمودار اویلر
euler's differential equation	
	معادله اویلر
euler's equation	
	معادله اویلر
Euler's equidimensional equation	
	معادله همبعد اویلر
euler's function	
	تابع اویلر
euler's integral of the first kind	
	انتگرال نوع اول اویلر
euler's theorem for polyhedrons	
	قضیه اویلر در مورد چندوجهی
euler's theorem on homogeneous functions	
	قضیه اویلر در مورد توابع همگن
eulerian	
	اویلری
Eulerian graph	
	گراف اویلری
eulerian path	

مسیر اویلری
eulerian pointcare characteristic
مشخصه اویلر-پوانکاره، مشخصه اویلر
eulerian trail
گذر اویلری
Euro
واحد پول اتحادیه اروپا
Euro – clear
پایپای اروپایی
Eurobanks / Euro-banks
بانک ها یا واسطه های مالی که در بازار «واحد پول اتحادیه اروپا» فعالیت می کنند.
Eurobonds
اوراق قرضه اروپایی
Euro-commercial paper (ECP)
اوراق تجاری که به یورو منتشر می شود و مرکز آن در لندن است.
Eurocredit
اعتبار اروپایی
euro-dollar
دلار اروپایی
eurodollar certificate of deposit
گواهی سپرده خارجی
eurodollar deposit

سپرده خارجی یورو دلار
eurodollar market
بازار دلار اروپائی
Eurodollars
دلارهای اروپایی
European accounting association (EAA)
انجمن حسابداری اروپا
european audit findings
ارزیابی یافته های حسابرسی
European currency – unit (E.C.U)
واحد پول اروپایی
European Currency Unit
واحد پول اروپا اکو
European currency unit (ECU)
واحد پول اروپا
European Economic Community
جامعه اقتصادی اروپا بازار مشترک
European economic community (EEC)
جامعه اقتصادی اروپا
European Monetary System (E.M.S)
سیستم مالی و پولی اتحادیه اروپا
European monetary system (EMS)
سیستم پولی اروپا
European Monetary Union(E.M.U)

European option	اتحادیه پولی اروپا
European Union (EU)	برگ اختیار معامله اروپایی
Eutectic	اتحادیه اروپا
evaluate	همگداز، خوشگداز
evaluate a limit	ارزیابی، بررسی
evaluate of a curve	رفع ابهام
evaluate of a surface	ارزیابی یک منحنی
evaluate the goods	ارزیابی یک سطح
evaluated asset	ارزیابی کردن کالا
evaluated goods	دارایی ارزیابی شده
evaluated, valued	کالای ارزیابی شده
evaluating audit finding	ارزیابی شده

ارزیابی یافته های حسابرسی
evaluation
برآورد، رفع ابهام، ارزیابی، سنجش، ارزشیابی، محاسبه، تخمین
evaluation criteria
معیارهای (ضوابط) ارزیابی
evaluation map
نگاشت ارزیابی
evaluation of a limit
رفع ابهام از یک حد
evaluation of internal control
بررسی سیستم کنترل داخلی
evaluation of work done
ارزیابی کار انجام شده
evaluation techniques
تکنیک های ارزیابی
evaluation, assessment, appraisal
ارزیابی (تقویم)، ارزشیابی
evaluator
ارزیاب
evaporating
تبخیر
evaporation
تبخیر

even	زوج، حتی، هموار، جفت
even function	تابع زوج، تابع متقارن
even integer	عدد صحیح زوج
even inversion	انعکاس زوج
even number	عدد زوج
Even par swap	معاوضه با مبلغ اسمی کمتر
even parity bit	بیت توازن زوج
even periodic extension	گسترش زوج دوره ای
even permutation	جایگشت زوج
even polynomial	چندجمله ای رخ
even though	حتی اگر
even vertex	رأس زوج

even when	حتی در حالی که
evenly	به طور مساوی
evenly even	زوج الزوج
evenly even odd	زوج الزوج و الفرد
evenness	خاصیت زوج یا فرد بودن، زوج بودن، زوجیت، خاصیت زوج بودن
event	رویداد رخداد حادثه
event of default	در صورت نقض مفاد قرارداد
event space	فضای واقعه
events accounting	حسابداری مبتنی بر رویدادها
events after the balance sheet date	رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه
events and conditions	رویدادها و شرایط
eventual	

	احتمالی
eventually	
	سرانجام، در نتیجه، بنابراین
evenwhen	
	حتی در حالیکه
ever	
	اصلا
ever decrease	
	مدام کم شدن
every dense	
	همه جا متراکم، همه جا سنگین، همه جا چگال
every dense subset	
	زیرمجموعه همه جا چگال
everywhere	
	همیشه، همواره، همه جا
everywhere dense	
	همه جا چگال، همه جا متراکم
everywhere dense set	
	مجموعه همه جا چگال
everywhere dense subset	
	زیرمجموعه همه جا چگال، بخش همه جا چگال
eviction, dispossession, expropriation	
	خلع ید
Evidence	

evidence mix	گواهی- مدارک
evidences required for auditing	ترکیب شواهد
evident	مدارک و دلایل مورد لزوم حسابرسی
evidential equivalence	آشکار، واضح، صریح
evidential interpretation	هم ارزی مقرون به دلیل
evidential matter	تفسیر مقرون به دلیل
evidential matter, evidence	شواهد
evidential meaning	شواهد، مدارک مستند (مستدل)
evidentiary effect	معنی مقرون به دلیل
evidently	اثر مشهود، نتیجه مشهود
evoke	بدیهی است که، ظاهراً
evolent	احضار کردن

	گسترش دهنده، گسترنده
evolute	
	گسترده، گسترش، خم مرکزی، پیچ، گسترنده
evolute of a curve	
	گسترده خم، گسترده یک منحنی
evolute of a surface	
	گسترنده یک سطح
evolution	
	تکامل تدریجی سیر تکاملی
evolutionary process	
	فرایند تکامل تدریجی
evolve	
	کامل شدن
evolvent	
	پیچ
ex ante	
	آینده پیش بینی شده
ex claim / ex-claim	
	طلب بدون بهره
ex distribution date	
	تاریخ توزیع سود سهام
ex dividend date	
	تاریخ شناسایی سهامداران مشمول سود
ex factory / ex-factory	

	(بهای) تحویل کالا در کارخانه
ex gratia	
	التفات، بخشش، (از روی لطف و بدون هیچ دلیل و قانونی چیزی را به عنوان هدیه دادن)
ex post	
	گذشته تاریخی
ex post alpha	
	ضریب آلفای تاریخی
ex post facto	
	گذشته تاریخ
ex post selection bias	
	اوریب ناشی از انتخاب نمونه از دوره یا دوره های گذشته
ex quay / ex-quay	
	تحویل در بارانداز مقصد
ex quay duty paid	
	روی اسکله (ترخیص شده از گمرک)
ex radius	
	شعاع دایره محاطی خارجی
ex rights	
	سهام فاقد حق تقدم خرید
ex rights date	
	تایخ انقضای مهلت استفاده از حق تقدم خرید
ex stock	
	موجودی انبار

ex store, disposal, available	موجود، در اختیار، در دسترس
ex works (exw)	تحويل کالا در محل کارخانه/ انبار فروشنده
exact	دقیق، صحیح، تحقیقی، درست، کامل
exact confidence interval	فاصله اعتماد دقیق
exact density	چگالی دقیق
exact differential	دیفرانسیل کامل
exact differential equation	معادله دیفرانسیل کامل
exact differential form	صورت دیفرانسیل کامل
exact division	تقسیم بودن باقیمانده، تقسیم کامل
exact equation	معادله کامل
exact form	فرم کامل
exact functor	تابعگون کامل

exact interest, real interest	بهره حقیقی (واقعی)
exact limit	حد واقعی
exact number	عدد صحیح
exact sciences	علوم دقیقه
exact sequence	دنباله کامل
exact sequence of groups	دنباله درست از گروه ها
exact solution	حل دقیق، جواب دقیق
exact total differential	فاصله جمع کامل
exact value	ارزش دقیق
exactly	تنها، دقیقا، به درستی، به دقت، عینا
exaggerated value	ارزش بیش از واقع اظهار کردن
examination	بررسی ، امتحان کردن

examination of accounts	رسیدگی به حساب ها
examination of accounts by auditor	رسیدگی به حساب ها توسط حسابرسی
examination of goods	وارسی و ارزیابی کالا
examination standards	استانداردهای بررسی
examine	بررسی دفاتر، رسیدگی
examiner, investigator, inspector	بازرس
examining and evaluating information	بررسی و ارزیابی اطلاعات
example	مثال، نمونه، مسأله
excapable cost	هزینه قابل حذف
ex-capitalization (ex-cap)	سرمایه گذاری بدن بهره
excavation	خاکبرداری
Exceed	متجاوز شدن، اشاره به رکورد جدیدی از قیمت یا تولید

exceeding	بزرگتر، بیش از
exceedingly	بی نهایت، بی حد، متجاوزا
excellent	خوبی
excenter	مرکز دایره محاطی خارجی محیطی مثلث
excenter of a triangle	مرکز دایره محاطی خارجی مثلث
excentricity	خروج از مرکز
except	به استثنای غیر از، استثناء کردن، به جز، مگر
except for concept	مفهوم به “استثنای”
except for order	صرف نظر از ترتیب، به جز از نظر ترتیب
except that	با این تفاوت که
except while	به جز در مواردی
exception	استثناء

exception principle	اصل استثناء
exception rate	ضریب استثناء
exceptional	استثنائی
exceptional cash flows	جریان های نقدی استثنایی
exceptional compact simple lie group	گروه لی ساده فشرده استثنایی
exceptional events	رویدادهای استثنایی
exceptional expense	هزینه استثنائی
exceptional income	درآمد استثنائی
exceptional items, unusual items	اقلام استثنائی
exceptions rate	ضریب استثناء
exceptive proposition	قضیه مفید استثنا
excess	

زیادی، افزونی، فزونی، مانده، اضافی، تفاضل، بیشی، فزونی، مازاد	
excess allocated to identifiable net assets	مازاد تخصیص یافته به خالص داراییهای قابل شناسایی
excess capacity	ظرفیت اضافی
excess cover treaty	قرارداد پوشش بیمه ای ضایعات بیشتر
excess deductions account (EDA)	حساب کسورات مازاد
excess equity (margin)	مازاد سرمایه
excess materials requisitions	درخواست مواد اضافی (یعنی بیش از مقدار)
excess of income over expense	مازاد درآمد بر هزینه
excess present value index	شاخص مازاد ارزش فعلی، شاخص ارزش فعلی اضافی
excess profits tax	مالیات بر سود اضافی
Excess reserve	ذخیره اضافی
excess return	بازده اضافی بازده مازاد

excess shares	سهام زائد
excess tax payable	مالیات اضافه پرداختنی
excess tax, surtax	مالیات اضافی
excess, extra, surplus, additional	اضافی
exchange	مبادله، معاوضه، تسعیر، تبدیل، بورس
EX-Change	مبادله ارز – تسعیر ارز
exchange acquisition (distribution)	عرضه عمده سهام در بورس
Exchange adjustment	تعدیل ارز
Exchange allocation	تخصیص ارز
exchange at a discount	ارز به کسر
exchange at a premium	ارز به صرف
Exchange broker	کارگزار ارز

exchange check	چک متقابل، چک تعویضی
exchange control	کنترل ارزی، کنترل ارز
exchange control department (office)	اداره نظارت بر ارز
exchange control performance checks	کنترل بر ارز، محدود کردن ارز
exchange control regulations	مقررات نظارت بر ارز
exchange dealer	دلال ارز
exchange declaration	اظهارنامه ارزی
exchange depreciation	کاهش ارزش پول یک کشور نسبت به واحد پول کشور طرف معامله
exchange devaluation	تنزل رسمی ارزش ارز
exchange difference	تفاوت تسعیر
exchange earnings	درآمد حاصل از تسعیر ارز
exchange equalization account	

حساب برابری ارز	exchange equalization fund
صندوق تعدیل نرخ ارز (برابری ارز)	exchange equalization provision
ذخیره برابری ارز	exchange exposure (foreign exchange exposure; currency exposure)
قرار گرفتن در معرض ریسک ناشی از نگهداری پول خارجی	exchange gain
سود مبادله سود (غیر عملیاتی) معاوضه	exchange gain (or loss)
سود مبادله، سود (غیر عملیاتی) معاوضه	exchange integral
انتگرال تبادل	exchange loss
زیان تسعیر، زیان تبدیل	exchange matrix
ماتریس تعویض	exchange of common shares stocks
معاوضه (مبادله) سهام عادی	exchange of currency
تبدیل (تسعیر) ارز	exchange of dissimilar assets

معوضه داراییهای غیر مشابه	
exchange of goods	
	مبادله کالا
exchange of shares	
	مبادله سهام
exchange offer	
	پیشنهاد معاوضه
Exchange price	
	قیمت مبادله
exchange privilege	
	امتياز معاوضه
exchange rate	
	نرخ مبادله ارز (نرخ تسعیر ارز)
exchange rate at balance sheet date	
	نرخ تسعیر ارز در تاریخ ترازنامه
exchange rate at transaction date	
	نرخ تسعیر ارز در تاریخ معامله
exchange rate equalization	
	تعدیل (برابرسازی) نرخ ارز
Exchange rate Flexibility	
	انعطاف پذیری نرخ ارز
exchange rate fluctuations	
	نوسانات نرخ ارز
exchange rate risk	

ریسک ناشی از تغییر نرخ ارز	
exchange rate system	
سیستم نرخ ارز	
exchange rate, conversion rate	
نرخ تسعیر	
Exchange reserves	
ذخیره ارزی، پوشش ارزی	
exchange restrictions	
محدودیت های ارزی	
exchange risk	
خطر تسعیر، ریسک ارز	
exchange sort	
مرتب کردن معاوضه ای	
Exchange stability	
ثبات ارزی	
exchange stabilization	
تثبیت ارز	
exchange stabilization fund	
صندوق تثبیت ارز	
exchange trade	
معامله عمده در بورس	
exchange value	
ارزش مبادله، ارزش کمی	

exchanger, currency exchanger foreign exchanger, broker	صراف
exchanges of dissimilar goods and services	مبادله کالاها و خدمات غیر مشابه
exchanges of similar goods and services	مبادله کالاها و خدمات مشابه
Exchequer account	حساب خزانة
Exchequer bill	اسناد خزانة داری
exchequer, treasury	خزانة (خزانة داری)
excircle	دایره محاطی خارجی
excircle of a triangle	دایره محاطی خارجی مثلث
excisable	قابل مالیات گیری
excise duties, excise tax	مالیات بر مصرف کالای داخلی
excise tax	مالیات اموال داخلی، مالیات بر مصرف
exciseman / excise-man	

	مامور مالیاتی
excitation	
	برانگیختگی
excited	
	برانگیخته، تهییج شده
ex-claims	
	مطالبات بدون بهره
exclude	
	شامل ... نیست، مستثنی کردن، خارج کردن، شامل نبودن، طرد کردن
excluded	
	خارج شده، منتفی شده، مطرود
excluded income (tax), tax free income	
	درآمد معاف از مالیات
excluded middle	
	نفی ثالث، طرد شق ثالث، طرد شق وسط
excluding	
	بدون احتساب، به استثنای، به جز
excluding value added VAT, excluding vat	
	بدون مالیات بر ارزش افزوده
exclusion	
	استثناؤ، عدم شمول
exclusion of subsidiaries from consolidation	
	حذف واحدهای فرعی از شرکت تلفیقی

exclusion principle	اصل طرد
exclusive	انحصاری، تنها، محدود، نافی، ناسازگار و نافی
exclusive contract	قرارداد انحصاری
exclusive dealing	معامله استثنایی، خرید و فروش استثنایی
exclusive disjunction	فاضل مانع جمع، یای انحصاری، ترکیب فصلی
exclusive events	پیشامد های مجزا، پیشامد های ناسازگار
exclusive or	یاء مانع جمع، یاء مانعه الجمع، یای انحصاری، or انحصاری
exclusive proposition	قضیه مفید حصر
exclusive range	دامنه فراگیر
exclusive right	حق انحصاری
exclusively	منحصرا
Excuse	

عذر - بهانه
ex-distribution date
تاریخ توزیع سود سهام
EX-Dividend
عدم تعلق سود سهام – فاقد سود سهام
ex-dividend share
سهام بدون سود
ex-drawing
بدون حق برداشت
Execute
اجرا کردن
Executed
اجرا شده
executes
خواهد داشت، دارد
executing
انجام می دهد، دارد
execution
اجراء
execution of agreement, Performance of agreement (contract)
اجرای قرارداد
execution, conduct, performance
اجراء، به عمل درآوردن

executive	اجرایی، رئیس، مدیر اجرایی، مجری، انجام دهنده
executive board	هیات عامل (مجریه)
executive director	مدیر اجرایی
Executive Information Systems	سیستم‌های اطلاعات اجرا (مدیریت ارشد)
executive management	مدیریت دایره، مدیریت میانی، مدیریت واسطه، مدیریت اجرایی
executive manager	مدیر اجرایی
executive program	برنامه انجامگر / اجرایی
executive share option scheme	طرح ارائه برگ حق تقدم خرید به کارکنان
executive summary	چکیده، خلاصه مفید، خلاصه مدیریتی
Executive Support Systems	سیستم‌های پشتیبانی مدیریت اجرایی
Executives	مدیران اجرایی- مدیران ارشد
Executor	

executory contract	مسئول – مجری
executory costs	قرارداد اجرایی
executory transactions (contracts)	هزینه های اجرایی
exemplary damages	معاملات (قراردادهای) مشروط و قولنامه ای
exempt organization	جرائم بازدارنده
exempt transfer	سازمان معاف از مالیات
exemption clause	معاف از مالیات انتقال سرمایه
exemption for tax	ماده معافیت، شرط معافیت
exemption from payment of debt	معافیت از مالیات
exemptions from preparing consolidated financial statements	برائت از پرداخت دین
exeption	معاف از تهیه صورت های مالی تلفیقی
	استثناء

exercise	قیمت توافقی قیمت قابل اعمال
exert	وارد کردن، اعمال کردن، اجرا کردن، به کار کردن
ex-factory	بهای تحویل در کارخانه
exhaust	پوشاندن
exhausted	فرسوده
exhaustion	افنا، اشباع
exhaustion method	روش افنا
exhaustion property	خاصیت اشباع
exhaustion property of area	خاصیت اشباع مساحت، روش افنای مساحت
exhaustive	فراگیر، جامع، فرسا، فراشده، کامل
exhaustivity	فرسایی
exhausts	ندارد، شامل ... نیست

exhibit	شکل
exist	موجود بودن، وجود داشتن، هست بودن
existence	وجود
existence and uniqueness theorem	قضیه وجود و یگانگی
existence bounded variables	متغیرهای کران دار موجود
existence distribution function	تابع توزیع وجود، تابع توزیع موجودیت
existence or occurrence	وجود یا رخداد (وقوع)
existence proof	اثبات وجود
existence theorem	قضیه وجود و یکتایی، قضیه وجود و یکتایی
existence uniqueness theorem	قضیه وجودی یکتایی
existential	وجودی، هستی
existential quantifier	سور وجودی، کم جزئی

existential quantifier	سور وجودی
existential sentence	گزاره وجودی
Exit	خروج
exit criterion	معیار خروجی
exit criterion basis	معیار خروجی از پایه
exit interview	تبادل نظر نهایی (با صاحبکار در حسابرسی عملیاتی)
ex-legal	اوراق قرضه فاقد اظهار نظر حقوقی
exogenous variable	متغیر برون زا
exorbitant expense	هزینه فوق العاده (کمر شکن)
Expand	بسط
expand, broaden	گسترده کردن، گسترش دادن
expandability	بسط پذیری، قابلیت انبساط

expandable	قابل انبساط، بسط پذیر
expanded	مبسوط
expanded economy	اقتصاد در حال گسترش
expanded notation	شکل مبسوط
expanded order	ترتیب مبسوط
expanded testing	آزمون های گسترده
expanding sequence	دنباله منبسط شونده، دنباله افزایشی
expansion	توسعه کمی رشد و گسترش
expansion coefficients	ضریب های بسط
expansion factor	عامل بسط
expansion in a series	بسط به سری
expansion investment	سرمایه گذاری توسعه ای

expansion of a determinant	بسط دترمینان
expansion of the universe	انبساط جهان
expansion path	مسیر توسعه، مسیر بسط، مسیر گسترش
Expansionary policy	سیاست انبساطی
expatriate	به تفضیل بیان کردن
expatriates	کارکنان تبعه خارج (کارکنان خارجی)
expect	انتظار داشتن
Expectation	انتظارات
expectation function	تابع انتظاری، تابع امید ریاضی
expectation of components of system	امید ریاضی اجزای دستگاه
expectation of frequency	امید ریاضی فراوانی
expectation of product	امید ریاضی حاصل ضرب

expectation of random variable	امید ریاضی کمیت تصادفی
expectation of relative frequency	امید ریاضی فراوانی نسبی
expectation of sum	امید ریاضی حاصل جمع
expectation variance model	الگوی انتظار پراکندگی
expectations gap	فاصله (شکاف) انتظارات
expectations hypothesis	نظریه انتظارات (عقلایی)
expectations of components of multidimensional random variable	امید ریاضی اجزای کمیت تصادفی چند بعدی
expecte monetary value	ارزش پولی مورد انتظار
expecte profit	سود قابل انتظار، سود مورد انتظار
expecte return	بازده منتظره
expecte time	زمان مورد لزوم، زمان انتظاری
expecte utility criterion	

معیار مطلوبیت مورد انتظار
expected value
امید ریاضی، ارزش انتظاری، ارزش مورد انتظار، میانگین، ارزش منتظره، حد انتظار
expected
منتظره، چشم داشت
expected activity level
حجم مورد انتظار فعالیت، سطح فعالیت مورد انتظار
expected activity time
زمان مورد انتظار فعالیت
expected actual capacity
ظرفیت واقعی مورد انتظار
expected annual capacity
ظرفیت مورد انتظار سالانه
expected capacity
ظرفیت مورد انتظار
expected cash flow
گردش وجود نقد مورد انتظار
expected cell frequency
امید فراوانی خانه، امید ریاضی فراوانی خانه
expected deviation rate
ضریب انحراف مورد انتظار
expected error
خطای مورد انتظار

expected exit value	ارزش خروجی مورد انتظار
expected frequency	فراوانی نظری، فراوانی مورد انتظار
Expected future benefits	منافع منتظره آتی
expected inflation rate of interest	نرخ مورد انتظار تورم بهره
expected life of asset	عمر مورد انتظار دارایی
expected misstatement	تحریف مورد انتظار
expected monetary value	ارزش پولی مورد انتظار
expected monetary value (EMV)	ارزش پولی مورد انتظار
expected opportunity loss (eol)	زیان مورد انتظار فرصت از دست رفته
expected postretirement benefit obligations	تعهد (بدهی) مورد انتظار مزایای بعد از باز نشستگی
expected rate of occurrence	ضریب مورد انتظار وقوع / رویداد، ضریب رویداد مورد انتظار
expected rate of return	

نرخ بازده مورد انتظار	expected return (er)
بازده مورد انتظار	expected return vector
بردار بازده مورد انتظار	expected sale(s)
فروش مورد انتظار	expected standard
استاندارد مورد انتظار	expected value
مقدار انتظاری، مقدار امید ریاضی، امید ریاضی، مقدار محتمل، مقدار میانگین، مقدار منتظره، مقدار چشم داشتی	expected value (EV)
ارزش مورد انتظار	expected value (mean)
ارزش مورد انتظار (میانگین)	expected value of mean square
امید میانگین توان های دوم، امید ریاضی، میانگین های توان های دوم	expected value of perfect information (EVPI)
ارزش مورد انتظار اطلاعات کامل	expected value of random variable
امید ریاضی کمیت تصادفی	expected variance

انحراف مورد انتظار
expected yield to maturity
بازده مورد انتظار تا تاریخ سررسید
expected yield -to-maturity
بازده مورد انتظار تا تاریخ سررسید
Expend
خرج کردن
expendable
قابل مصرف، مصرف کردنی
expendable fund
حساب مستقل و جوده قابل مصرف
expendable funds
حساب مستقل و جوه قابل تصرف
expended appropriation (fund)
اعتبار تخصیصی مصرف شده، آن بخش از جوه تخصیص یافته که برابر با مخارجی باشد که برای رویداد مورد بحث به مصرف رسیده است.
expenditure
تعهد پرداخت، هزینه پرداخت، مخارج، هزینه، خرج
expenditure accounting
حسابداری هزینه
expenditure applicable to prior years
هزینه از محل اعتبارات سنواتی
expenditure equation

معادل هزینه
expenditure on repairs or maintenance
مخارج تعمیر یا نگهداری
expenditure rate, cost rate
نرخ هزینه
expenditure variance (overhead expenditure variance)
انحراف هزینه سر بار
Expenditures
مخارج
expenditures applicable to prior years
مخارج متسری به سالهای قبل مخارج سنواتی
expenditures forecast
پیش بینی مخارج
expense
هزینه دوره هزینه
expense (expenditure) account charges account
حساب خرج
expense account
حساب هزینه، حساب خرج
expense account analysis
تجزیه و تحلیل حسابهای هزینه
expense analysis sheet
کارت های تجزیه و تحلیل هزینه

expense efficiency audit	حسابرسی کارائی هزینه
expense estimate	تخمین هزینه
expense heading	سرفصل هزینه
expense materials, material used, consumables	مواد مصرفی
expense ratio	نسبت هزینه
Expensive	گران
experience	تجربه کردن، وارد کردن، وارد بر، تجربه، آزمون، تجربه تصادفی، امتحان، آزمایش
experience curve	منحنی تجربه
experience rating	تعیین نرخ زیان در مقایسه با شرکت های دیگر
experiment	آزمایش
experiment conditions	شرط های آزمایش
experimental	

آزمایش، تجربه ای، تجربی، آزمایشی
experimental analysis
تحلیل آزمایش
experimental conditions
شرایط آزمایشی
experimental data
داده های تجربی، داده های آزمایشی
experimental design
طرح آزمایشی
experimental evidence
مدرک آزمایشی
experimental group
گروه آزمایشی
experimental method
روی تجربی، روش آزمایشی
experimental probability
احتمال آزمایشی، احتمال تجربی
experimental sample space
فضای نمونه ای آزمایشی
experimental sampling distribution
توزیع نمونه ای تجربی
experimenter
آزمایشگر
Expert

	کارشناس
expert accountant	حسابدار متخصص (خبره)
expert auditor	حسابرس خبره (متخصص)
expert reliance	اتکا بر نظر تخصصی کارشناس
expert system	سیستم متخصص
Expertise	کارشناسی کردن
expiration	انقضاء، خاتمه
expiration date	تاریخ انقضاء
expiration of period	انفصال مدت
expire	خاتمه، منقضی شدن، سپری شدن
Expired	تاریخ گذشته
expired agreement, agreement expired	قرارداد منقضی شده
expired cost	

	بهای منقضی شده
expiry date	
	تاریخ انقضاء، سررسید
Expiry date of a credit	
	تاریخ سررسید یک اعتبار
expiry date of the credit	
	تاریخ انقضای اعتبار
expiry date of the letter of guarantee	
	تاریخ انقضای مدت ضمانتنامه
ex-pit transaction	
	معامله خارج از بورس
explain	
	توضیح دادن، شرح دادن
explain and predict	
	شرح و پیش بینی
explain why	
	علت را بیان کردن، علت را بیان کنید
explained variation	
	تغییرات قابل توضیح
Explanation	
	شرح - توضیح
explanatory paragraph	
	بند توضیحی
explanatory variables	

متغیرهای توضیحی (مستقل)	
explementary angles	زوایای مزدوج
explicit	روشن، آشکار، واضح، صریح
explicit contracts	قراردادهای صریح
explicit coordinates	مختصات صریح
explicit definition	تعریف بسیط
explicit formula	فرمول صریح
explicit function	تابع صریح
explicit scheme	طرح صریح
explicit, clear	روشن، صریح
explicitly	به صورت صریح صریحاً صراحتاً
explicitly	صریحاً، به صراحت
exploitation	

exploratory move	بهره برداری
explosion chart	حرکت اکتشافی
explosive bonding	فرم تفکیکی قطعات
exponent	اتصال انفجاری
exponent of differential equation	نما، نماینده، قوه، توان
exponent of root	توان معادله دیفرانسیل
exponent sign	فرجه توان کسری، نمای کسری
Exponential	نما، نماینده، قوه، توان
exponential behaviour	نمایی
exponential curve	رفتار نمائی
exponential decay	خم نمایی
exponential density function	نزول نمایی

exponential distribution	تابع چگالی نمایی
exponential distribution family	پخش نمایی، توزیع نمایی
exponential equation	معادله نمایی
exponential equations	معادله نمائی
exponential fit	برازش نمایی
exponential form	شکل نمائی
exponential form function	تابع با شکل نمایی
exponential fourier transform	تبدیل نمائی فوریه، تبدیل فوریه نمایی
exponential function	تابع نمایی
exponential growth and decay	رشد و تحلیل نمایی
exponential integral	انتگرال نمایی، انتگرال قوه ای
exponential law	

Exponential MA	قانون نماها
exponential model	نوعی اندیکاتور که بر اساس میانگیری اطلاعات گذشته عمل می کند.
exponential operator	مدل نمایی
exponential order	عملگر توان
exponential probability distribution	مرتبه نمایی
exponential random variable	تابع توزیع نمایی
exponential regression	متغیر تصادفی نمایی
exponential series	همبستگی نمایی، برگشت نمایی، رگرسیون نمایی
exponential smoothing	سری نمایی، بسط ماکلورن
exponential to the base	هموارسازی نهایی، همگون سازی دوره های زمانی
exponential values of sin x and cos x	نمایی در پایه ی
	مقادیر نمایی سینوس x و کسینوس x

exponentially	به طور نمایی
exponentially damped	به طور نمایی میرا
exponentially damped oscillation	نوسان به طور نمایی میرا
exponentially decreasing	به طور نمایی نزولی
exponentially decreasing function	تابع به طور نمایی نزولی
exponentially increasing	به طور نمایی صعودی
exponentially increasing function	تابع به طور نمایی صعودی
exponentially weighted moving average	میانگین موزون متحرک
exponentiation	نمایی کردن، نما
exponention	توان
exponents	نماها
Export	صادرات

export allocation or quota	سهمیه یا تخصص صادرات
export bill exchanged	برات (صادراتی) خارج تسعیر شده
Export certificate	گواهی صادراتی
Export credit	اعتبار صادراتی
export credit insurance	بیمه اعتبارات صادرات
export credits guarantee department(ECGD)	تضمین صادرات
export declaration	اظهارنامه صادراتی
export documentary credit	اعتبار اسنادی صادراتی
export documentary credits	اعتبارات اسنادی صادراتی
export duties and taxes	حقوق و عوارض صادرات
Export financing	تأمین منابع صادراتی
Export financing credit	اعتبار تأمین منابع برای صادرات

export of capital	صدور سرمایه
export packer	موسسه بسته بندی کالای صادراتی
export quota	سهمیه صادراتی
export rate	نرخ صادراتی
export regulation office	اداره مقررات صادرات
export restraints	محدودیت های صادراتی
export sales	فروشهای صادراتی
export tax	مالیات بر صادرات
export-import (exim) bank	بانک صادرات و واردات
export-import bank	بانک صادرات، واردات
exports	صادرات
exports, exportation	صادرات

ex-post accounts	حساب های ماسبق
exposure draft	پیش نویس نهایی، متن پیشنهادی
express	بیان کردن، نشان دادن
express liability, specific debt	بدهی مختص
express warranty	ضمانت صریح، تعهدنامه ویژه
express x as a function of y	بیان کردن y را بر حسب x
expression	عبارت
expressive	بیانگر، نشانگر
expressive completeness	تمامیت بیانی
experiment	آزمایش، آزمون
expropriation	مصادره، سلب مالکیت
ex-quay	تحویل در بندر، تحویل در اسکله

extradius	شعاع دایره محاطی خارجی
ex-repayment	بازپرداخت بدون بهره
ex-right, ex-scrip, ex-coupon, ex-capitalization (ex-cap), ex-bonus	بدون حق تقدم، یعنی منافع مربوط به اوراق مزبور به فروشنده تعلق دارند.
EX-Rights	بدون حق رای
ex-rights date	تاریخ انقضای مهلت استفاده از حق تقدم خرید
extend	تمدید کردن افزایش دادن دامنه
Extend credit	اعطاء اعتبار نمودن
extendable bonds	اوراق قرضه قابل تمدید
extendable notes	اسناد قابل تمدید
extended	توسعه یافته
extended audit scope	حسابرسی با دامنه گسترده

extended axiom of addition	اصل تعمیم یافته جمع
extended binary tree	درخت دو دویی گسترش یافته
extended complex	مختلط توسعه یافته
extended complex number system	دستگاه اعداد مختلط گسترش یافته، دستگاه عدد های مختلط وسعت یافته
extended complex plane	صفحه مختلط توسعه یافته، صفحه مختلط وسعت یافته، صفحه مختلط منبسط
extended cycloid	چرخزاد کشیده
extended mean value	مقدار میانگین تعمیم یافته
extended mean value theorem	قضیه مقدار میانگین تعمیم یافته
extended real line	خط حقیقی مختوم، خط حقیقی گسترش یافته
extended real number system	دستگاه اعداد حقیقی گسترش یافته، دستگاه اعداد حقیقی توسعه یافته، دستگاه عدد های حقیقی وسعت یافته
extended real numbers system	دستگاه منبسط اعداد حقیقی

extended state transition function	تابع تبدیل حالت تعمیم یافته
extended term insurance	بیمه تمدید شده (مدت تمدید شده)
extended trial balance	تراز آزمایشی تفکیک شده
extended value chain	زنجیره گسترش یافته ارزش
Extension	تمدید
extension factor	عامل توسعه
extension field	میدان توسعه
extension of a field	توسیع هیأت
extension of identities principle	اساس تمدید همانی ها
extension of mapping	تعمیم گسترش
extension of prediction	حمل مصداقی
extension ring	حلقه توسعه

extensionality	محتوا
extent	گسترده، حیز، مکان، حد، دامنه تغییرات، وسعت، دامنه
extent of information dissemination	حجم انتشار اطلاعات، دامنه توزیع اطلاعات
exterimenter	آزمایشگر
exterior	برون
exterior algebra	جبر برونی، جبر گراسمان
exterior angle	زاویه خارجی، زاویه برونی
exterior content	قدر برونی
exterior derivative	مشتق برونی
exterior interior angles	زوایای متناظر
exterior measure	اندازه برونی
exterior of a set	برون مجموعه

exterior point	نقطه خارجی
exterior point of a set	نقطه برون مجموعه
exterior product	ضرب خارجی، حاصل ضرب خارجی، حاصل ضرب برداری، حاصل ضرب برون
exterior product of linear forms	حاصل ضرب خارجی فرم های خطی
exterior product of two vectors	ضرب خارجی دو بردار، حاصل ضرب خارجی دو بردار
exterior region	ناحیه بیرونی، ناحیه خارجی
external	خارجی، بیرونی، برون
External account	حساب خارجی
external angle	زاویه خارجی
external applications, external users	مصارف خارجی
external audit	حسابرسی مستقل
external audit fee	

external auditing	حق الزحمه حسابرسی خارجی
external auditor	حسابرسی مستقل
external auditor = public accountant = certified public accountant	حسابرس مستقل
external auditor, independent auditor	حسابرس مستقل، حسابرس خارجی
external auditor's opinion	نظر حسابرس مستقل
external auditor's opinion	اظهار نظر حسابرس مستقل
external auditor's report	گزارش حسابرس مستقل
external balance	تراز خارجی
external bill, foreign bill	برات بیگانه
External bonds	اوراق قرضه منتشر شده در خارج
external common tangents	مماس های مشترک بیرونی، مماس های مشترک خارجی

external composition	ترکیب خارجی، همنهش بیرونی
external constraints	محدودیت‌های خارجی
external costs	هزینه های بیرونی
external data	داده های خروجی، اطلاعات خروجی
external debt	بدهی خارجی
external decision makers	تصمیم گیرندگان برون سازمانی
external direct product	حاصلضرب مستقیم بیرونی
external direct sum	مجموع مستقیم خارجی
external division of a line segment	تقسیم برونی پاره خط
external document	سند خارجی
external events	رویدادهای خارجی
external evidence	شواهد برون سازمانی

external expansion	توسعه از بیرون
external failure costs	هزینه های عیب و نقص خارجی
external financial reporting	گزارشگری مالی خارجی
external financial statements	صورت های مالی خارجی (برون سازمانی)
external financing	تأمین مالی خارجی
external financing, self-financing	تامین مالی خارجی
external investment	سرمایه گذاری خارج از (شرکت ، محل کار)
external language	زبان برونی
external law	قانون خارجی
external linkages	پیوندهای / روابط / ارتباطات خارجی
external loan	وام خارجی (از منابع خارجی)
external node	گره خارجی

external operation	عمل برونی
external rate of return	نرخ بازده خارجی
external reconstruction	بازسازی برونی
external reports	گزارش های برون سازمانی (خارجی)
external requirements	ضرورت های برون سازمانی، الزامات برون سازمانی
external review	بررسی مستقل
external sources	منابع خارجی
external standards	استانداردهای خارجی
external tangent	مماس برونی
external tangent of two circles	دوایر مماس خارج
external tangents	مماس های برونی
external to the organization	برون سازمانی

external transaction	معامله با افراد خارج از سازمان
external transactions	معاملات خارجی
External users	استفاده کنندگان خارج
external users (of financial statement)	استفاده کنندگان خارجی با برون سازمانی
external validity	اعتبار برونی
external variable	متغیر خارجی
external-internal evidence	شواهد برون = درون سازمانی
externalities	برون زا
externally tangent circles	دوایر مماس خارج
extinction coefficient	ضریب خاموشی
extinction probability	احتمال انقراض
extinction time	زمان انقراض

extinguishment of debt	تسویه (باز پرداخت) بدهی
extinguishment of debt, early	تسویه بدهی
Extra	اضافی
Extra charge	هزینه اضافی
extra charges	هزینه های اضافی
extra cost	هزینه اضافی
extra dividend	سود سهام فوق العاده (اضافی)
extra ordinary depreciation	استهلاک غیر مترقبه
extra ordinary loss	ضرر غیر مترقبه (استثنایی)
extra premium	پاداش اضافی
extra works	کارهای جدید/ فوق العاده
extract	استخراج کردن، بیرون کشیدن

extract a root	استخراج جذر، ریشه گرفتن
extract a root of a number	استخراج ریشه عدد
extracting the cubic root	ریشه سوم گیری، کعب گیری
extracting the square root	ریشه دوم گیری، جذر گیری
extraction	استخراج
extractive industries	صنایع استخراجی
extralogical	فرامنطقی
extraneous	خارجی، نامربوط، بیگانه
extraneous root	ریشه خارجی
extraneous solution	جواب خارجی
extraneous	غیر اصلی، اضافی
Extranet	شبکه خارجی

extraordinary cash flow	جریان های نقدی غیر مترقبه
extraordinary depreciation	استهلاک ناشی از فرسایش
extraordinary events	رویدادهای غیر مترقبه
extraordinary expense	هزینه غیر مترقبه
extraordinary gain	سود (غیر عملیاتی) غیر مترقبه، سود فوق العاده
extraordinary general meeting (EGM)	مجمع عمومی فوق العاده
extraordinary items	اقلام غیر مترقبه
extraordinary items, unusual items	اقلام غیر عادی (غیر مترقبه)
extraordinary performance	عملکرد فوق العاده
extraordinary repairs	تعمیرات غیر مترقبه، تعمیرات اساسی که گاهی مستلزم تعویض قطعات اصلی یا جایگزین کردن دارایی می شود.
extraordinary tax	مالیات فوق العاده ، مالیات غیر مترقبه
extrapolation	

	برونیابی
extrapolate	
	برون یابی، برون یابی کردن
extrapolation	
	بستن تناسب برای تعیین یکی از ارقام مجهول
extrasensory perception	
	ادراکات فوق حسی
extremal	
	نهایی، انتهایی، سرآمد، اکسترمال
extremal quasiconformal mapping	
	نگاشت شبه همدیس اکسترمال
extreme	
	حد غایی، حدی، نهایت، فرین، منتهی الیه، اکستریم، فری، ماگزیموم و مینیمم، نهایی، مفرط، بنال، بنالی، اکستریم
extreme absolute value	
	قدر مطلق اکستریم
extreme constrained value	
	مقدار مقید اکستریم
extreme direction	
	جهت راسی
extreme directions adjacent	
	جهت های راسی مجاور
extreme local value	
	مقدار موضعی اکستریم

extreme of a function	اکسترمم تابع
extreme point	نقطه اکسترم، نقطه انتهایی، نقطه راسی، نقطه گوشه ای، نقطه حدی، نقطه منتهایی، نقطه فرین، نقطه نهایی، نقطه کرانی، نقطه غایی
extreme value	مقدار اکستريم
extreme value problem	مساله مقدار اکسترم
extreme value theorem	قضيه مقدار اکستريم
extremely	خیلی زیاد، بغایت، بشدت، نهایتاً، بی نهایت
extremes	طرفین، دو طرف
extremes of a proportion	طرفین در تناسب، طرفین تناسب، حدین، طرفین، رأسین
extremity	دو سر، دو انتها، انتها، نهایت، حد نهایی
extremum	فرینه، اکستريم، غایی، حداقل یا حداکثر تابع، اکسترمم، حد نهائی، غائی
extremum of a function	اکسترمم تابع، حد اکثر یا حداقل تابع

extremum problems	مسائل اکسترمم
extrude	بیرون کشیدن، فشار کاری، حدیده کاری
ex-warehouse	تحویل کالا از انبار
ex-warrants	اوراق قرضه بدون برگ اختیار خرید سهام
Ex-work, ex-factory	در کارخانه، تحویل در کارخانه
eye distance	فاصله عینی
eye estimate	برآورد عینی
eye protection	محافظ چشم
F	پنجمین حرف الفبای انگلیسی، رقم ۱۵ در مبنای ۱۶
F distribution	توزیع f
f statistic	آماره f
f test	آزمون f

f(x) is bounded	کراندار است $f(x)$
F.O.B Destination	تحويل در بندر (بدون کرایه حمل)
F.O.B. Shipping Point	پس کرایه- پرداخت کرایه در مقصد
fabricate	ساختن
fabrication	ساخت، کالای ساخته
Face	وجه
Face amount	مبلغ اسمی
face amount (or value)	ارزش اسمی، مبلغ اسمی
face angle	زاویه وجه
face bend	خمش رویی
Face capital	سرمایه اسمی
face of a polyhedron	وجه چند وجهی

face of a simplex	وجه سادک
face operator	عملگر وجهی
face plate	صفحه گیره، صفحه مرغک، صفحه نظام
face shield	تابلو ایمنی، تابلو حفاظتی، سیر حفاظتی
Face value	ارزش اسمی
face value of bond	ارزش اسمی اوراق قرضه
face value, nominal value	ارزش اسمی (ظاهری)
face width	پهنای سینه، پهنای دندان
face-to face control	کنترل رودرویی
facial	وجهی
facilitating payment	مبلغ پرداختی برای تسهیل/تسریع امور اداری
facilities	امکانات، اعتبارات، تسهیلات، ابزار، وام، وسایل

Facilities	تسهیلات
facilities and equipment	امکانات و تجهیزات
facilities and limitations	تسهیلات و محدودیت ها
facilities design	طراحی سیستم های فیزیکی
facility	وسایل و تجهیزات، اعتبار
facility cost	هزینه امکانات
facility fee	کار مزد، حق الزحمه
facility layout	آرایش امکانات، نحوه استقرار امکانات
facility level activities	فعالیت های سطح کارخانه
facility location	موقعیت امکاناتی
facility location problem	مسأله محل امکانات
facility management	مدیریت امور تسهیلاتی، مدیریت تسهیلات

facility planning	برنامه ریزی امکانات
facility requisition	درخواست تسهیلات
facility sustaining costs	هزینه های مرتبط با سطح کارخانه
facs region	ناحیه شدنی
fact	قانون، واقعیت، حقیقت، چگونگی امر
fact that	با استناد به این که
faction	دسته بندی
factitious statement	صورتحساب ساختگی
factitious, artificial, forged	ساختگی
factor	کارگزار، عامل، ضریب، سازمان یا شرکت خریدار مطالبات
factor analysis	تحلیل عاملی
factor beta	

ضریب بتای عامل	
factor comparison method	
روش مقایسه عوامل	
factor factor relationship	
رابطه عامل-عامل	
factor group	
گروه عاملی، گروه عامل، گروه خارج قسمت	
factor loading	
شناسایی و تعیین ضرایب عوامل	
factor loading model (flm)	
مدل شناسایی و تعیین ضریب عوامل	
factor model	
مدل عاملی	
factor of a polynomial	
عامل چندجمله ای	
factor of a term	
فاکتور یک جمله	
factor of an integer	
عامل یک عدد صحیح	
factor of production	
عوامل تولید	
factor of proportionally	
ضریب تناسب، نسبت تناسب	
factor out	

فاکتور گرفتن، عامل مشترک گرفتن	
factor ring	
	حلقه خارج قسمت ها، حلقه رده های مانده ای
factor risk	
	ریسک عاملی
factor risk premium	
	صرف ریسک عاملی
factor system	
	دستگاه عاملی
factor theorem	
	قضیه سازنده
factor theorem of algebra	
	قضیه عامل ها در جبر
factor tree diagram	
	نمودار درختی عوامل
factorability	
	قابلیت تجزیه
factorable	
	تجزیه شدنی، قابل تجزیه، قابل تجزیه به صورت حاصلضرب
factorable polynomial	
	چندجمله ای تجزیه پذیر
factorage, brokerage, commission	
	حق العمل، حق المعملکاری

factorial	فاکتوریل
factorial design	طرح عاملی
factorial experiment	طرح فاکتوریل
factorial function	تابع فاکتوریل، تابع سازه ای
factorial moment generating function	تابع مولد گشتاور عاملی
factorial notation	نماد فاکتوریل، !
factoring	عاملیت، سیاهه نویسی فروختن مطالبات به موسسه ای که کارش وصول مطالبات است.
factoring accounts receivable	فروش حساب های دریافتی، واگذار کردن حساب های دریافتی به موسسات وصول کننده طلب
factorization	تجزیه
factorization method	روش تجزیه (به عامل ها)، روش نردبانی
factorization of a matrix	تجزیه یک ماتریس
factorization of a natural number	

تجزیه عدد طبیعی
factorization of a polynomial
تجزیه یک چندجمله ای
factorization of a transformation
تجزیه یک تبدیل
factorization of an algebraic sum
تجزیه مجموع جبری
factorization theorem
قضیه تجزیه (به عامل ها)
factorize
تجزیه کردن به عوامل، تبدیل کردن به صورت ضرب چند عامل، تجزیه کردن به عوامل، فاکتور گرفتن، به صورت عوامل ضرب در آوردن
factors
کارگزار، دلال، ۲. تأمین کننده اعتبار، وام دهنده، ۱. سرمایه گذار، ۳. نماینده، عامل
factors of production
عوامل تولید
factory
کارخانه، مراکز تجاری
factory burden
سربار کارخانه هزینه های ثابت کارخانه
factory burden costs
هزینه های سربار کارخانه
factory burden, factory overhead cost

هزینه سربار کارخانه، هزینه های غیرمستقیم کارخانه
factory clerical staff
کارکنان دفتری کارخانه
factory cost (expense), manufacturing cost
هزینه کارخانه، هزینه تولید
factory cost of goods
بهای کارخانه ای کالا (بدون هزینه های اداری و بازاریابی)
factory cost per unit
بهای کارخانه هر واحد
factory cost summary
خلاصه هزینه کارخانه
factory costs (factory expenses)
هزینه های تولید
factory departmentalization
تفکیک کارخانه به دواير
factory economy
اقتصاد کارخانه ای
factory expense
هزینه کارخانه
factory expense headings
سرفصل هزینه های کارخانه
factory foreman
مباشر کارخانه
factory general expense (cost)

factory indirect cost	هزینه عمومی کارخانه
Factory Inspector	هزینه غیر مستقیم کارخانه
factory machinery depreciation	بازرس کارخانه
factory order	استهلاک ماشین آلات کارخانه
factory overhead	سفارش کارخانه
factory overhead (indirect manufacturing cost)	سربار کارخانه
factory overhead absorption rate	سربار تولید
factory overhead costs	نرخ جذب سربار کارخانه
factory supplies	هزینه های سربار کارخانه
factory supplies inventory	مواد مصرفی کارخانه، ملزومات کارخانه (مواد غیر مستقیم)
facultative endorsement	موجودی ملزومات مصرفی کارخانه
	ظهر نویسی اختیاری

fade	محو شدن
fading	محو شدن
faf financial accounting foundation	بنیاد حسابرسی مالی
fail	از کار افتادن، خراب شدن، شکست خوردن، موفق نشدن، رد شدن
fail (to)	تنزل کردن، افت کردن
fail back	پشتیبان، یدکی
fail position	اوراق تحویل نشده
fail to deliver	ناتوانی در تحویل
fail-back pay	مزد زمان توقف کار
failure	قصور، ناتوانی، نارسائی، عدم توفیق، شکست
failure analysis	تحلیل خرابی، تحلیل نقص
failure costs	

هزینه های عیب و نقص
failure in payment
نکول، عدم توانایی پرداخت
failure rate
نرخ خرابی، میزان شکست، نرخ شکست
failure rate function
تابع نرخ شکست
fair
نمایشگاه، بازار مکاره
fair (price- value)
قیمت عادلانه، قیمت منصفانه
fair average quality (FAQ)
مرغوبیت جنس در حد استاندارد
fair coin
سکه سالم
fair competition
رقابت مشروع
fair game
بازی منصفانه
Fair Labor Standards Act
قانون معیارهای منصفانه کار
Fair market price
قیمت عادلانه بازار
fair market price (value)

ارزش منصفانه بازار، قیمت عادلانه بازار
fair market value
ارزش متعارف بازار
fair presentation
ارائه مطلوب (منصفانه)
fair price function
کاکرد تعیین قیمت منصفانه
fair profit
سود عادلانه
fair rate
نرخ عادلانه
fair rate of return
نرخ عادلانه بازده
fair return
بازده عادلانه
fair toss
تاس سالم
fair trade price
قیمت مشروع تجاری
fair value
ارزش روز محصول به قیمت عادلانه، قیمت متعارف
fair value (mark-to-market) method
روش ارزش متعارف (تعدیل با ارزش بازار)
fair value mark to market method

روش ارزش متعارف (تعدیل با ارزش بازار)	
fair value of leased property	ارزش منصفانه دارایی مورد اجاره
fair value pooling	ادغام با قیمت عادلانه
fair value recovery criterion	معیار بازیافت ارزش متعارف
fair wear and tear	فرسایش طبیعی، استهلاک متعارف
fairly	منصفانه
fairness	منصفانه، مطلوبیت ارائه، قابلیت قبول (حساب)
fairness audit report, clean audit report	گزارش غیر مشروط حسابرسی
fair-trade price	قیمت تجاری منصفانه (معقول)
fair-value accounting	حسابداری ارزش متعارف
faithful	باوفا
faithful functor	تابعگون صادق
faithful linear representation	

نمایش خطی صادق	
faithful presentation	
نمایش وفادار	
faithful representation	
نمایش صادق، نمایش وفادار	
Fake	
تقلبی- بدل غیر اصلی	
Fall	
سقوط	
fall in price, price drop	
سقوط قیمت	
fallcy	
استدلال همیشه نادرست، استدلال نادرست، مغالطه	
fallible measure	
اندازه خطا دار	
falling	
افتان	
falling stone	
سنگ افتان	
falling stone problem	
مساله سنگ افتان	
false acceptance	
پذیرش غلط	
false accounting	

حساب سازی	false balance sheet
ترازنامه کاذب	false document
سند کاذب	false inventory
صورت برداری نادرست (کاذب) ، موجودی کالای نادرست	false papers
اسناد کاذب (غیر قانونی)	false position
نابجایی	false position method
روش نابجایی	false proposition
قضیه کاذب	false rejection
رد غلط	false representation
ارائه و یا اظهاریه دروغین	false statement
صورت حساب کاذب (قلابی)	false stratification
طبقه بندی غلط	

Falsification	جعل
falsify, distortion	تحریف مورد انتظار
falt spaces	فضا های تخت، فضا های مسطح
familiar	آشنا، معروف
familiar relation	رابطه آشنایی
family	خانواده، دسته، گروه
family allowance	کمک هزینه خانوادگی، حق تاهل
family of curves	دسته منحنی ها
family of ellipses of dispersion	خانواده بیضی های چگالی های یکسان
family of equal densities	خانواده بیضی های چگالی های یکسان
family of functions	خانواده تابع ها
family of lines	دسته خطوط

family of points	خانواده نقطه ها
family of sets	خانواده مجموعه ها
family of similar ellipses	خانواده بیضی های مشابه
family of surfaces	دسته سطوح
family partnership	شرکت تضامنی خانوادگی
family supplement, benefits for family, family allowance, dependent's allowance	کمک عائله مندی
fan gate	مدخل بادبزی
fan of errors	پره خطاها
fan shaped network	شبکه پنجه ای شکل
fanout / fan-out	تجزیه یک حساب به دو یا چند حساب
Fare	کرایه
fare (rent-hire) expense	

هزینه کرایه	
farey sequence	
دنباله فاری	
farkas lemma	
لم فارکاس	
Farm credit	
اعتبار کشاورزی	
Farm loan	
وام کشاورزی	
farm out	
واگذاری مسئولیت	
Farm-letting Sukuk	
اوراق مزارعه	
farther in	
تاریخ انقضای زودتر	
farther out	
تاریخ انقضای دیرتر	
FAS price	
قیمت تحویل وسیله نقلیه	
FAS, free along side	
قیمت به علاوه هزینه حمل تا بندر مبدا	
fase solution	
جواب شدنی	
fashion	

	روش، راه، طریقه
fashion goods	
	کالاهای مطابق روز (مد)
fashionable goods	
	کالاهای متداول
fast	
	سریع
fast Fourier transform	
	تبدیل سریع فوریه
fastener	
	بست، خار، نگهدارنده، گیره، چفت، محکم کننده
fastening	
	چفت و بست
fastest estimated budget	
	بودجه طبق آخرین برآورد
fatal error	
	خطای مهلک
fate	
	وضعیت، سرنوشت برات از لحاظ قبول و یا نکول آن
fate of collections	
	وضعیت وصول مطالبات
fate of goods	
	وضعیت کالا
father son grandson relationship	

رابطه پدر پسر نوه
fathom
عمق پیمائی کردن، واحد عمق پیمایی، برابر شش یارد
fatigue
فرسودگی، خستگی
fatigue load
نیروی خستگی
fatigue loading
نیروی خستگی
fatigue strength
استحکام فرسایش، مقاومت در برابر خستگی، مقاومت خستگی
fatou's lemma
لم فاتو
fault
تقصیر
fault analysis
تحلیل عیب، عیب کاوی
fault detection
عیب یابی
faulty
معیوب
favorable direct labor variance
انحراف مساعد دستمزد مستقیم

favorable event	پیشامد مساعد
favorable material price variance	انحراف مساعد نرخ مواد
favorable material usage variance	انحراف مساعد مصرف مواد
favorable opinion	نظر موافق
favorable overhead variance	انحراف مساعد سربار
favorable price variance	انحراف مساعد قیمت
favorable rate variance	انحراف مساعد نرخ مواد
favorable trade balance	موازنه مساعد تجاری
favorable usage variance	انحراف مساعد مصرف
favorable variance	مغایرت (انحراف) مساعد
favorable volume variance	انحراف مساعد حجم
favorable wage efficiency variance	انحراف مساعد کارایی دستمزد

favorable wage rate	انحراف مساعد نرخ دستمزد
Favourable	سودآور
favourable case	حالت مساعد
favourable cases	حالت های مساعد
favourable cases number	تعداد حالات مساعد
favourable event	پیشامد برگزیده
favourable outcome	نتیجه مساعد
favourable pair	جفت مرجح
favoured event	پیشامد برگزیده
feasibility	امکان پذیری، عملی بودن
feasibility study	بررسی امکانات، بررسی مقدرات، مطالعه امکان سنجی
feasible	قابل اجرا، عملی بودن، توجیه پذیر

feasible basic solution	جواب پایه ای قابل قبول
feasible cost	هزینه عمل شدنی
feasible point	نقطه قابل دسترس، نقطه شدنی
feasible region	ناحیه (منطقه) موجه
feasible set	مجموعه طرح های توجیه پذیر
feasible solution	جواب، راه حل موجه (مقدور)
feather edge	لبه نازک شده، لب تیز، لبه تیز
feature	ترکیب، جنبه، چهره، ریخت، مظهر، سیما، شکل، طرح، صورت، کیفیت، ویژگی، طرح، مشخصه، خاص، خصیصه
features quality of design	مشخصات (کیفیت طراحی)
federal fund rate	نرخ بهره بین بانک ها
Federal funds	وجوه فدرال
Federal Insurance Contributions Act	

قانون سهم مشارکت در بیمه حکومت مرکزی فدرال امریکا	
Federal reserve	
خزانه داری فدرال ایالات متحده امریکا	
federal reserve bank	
بانک مرکزی امریکا	
Federal reserve system	
شبکه فدرال رزرو	
Federal Trade Commission	
کمیسیون تجارت مرکزی	
federation of manufacturers	
اتحادیه تولید کنندگان	
fee	
دستمزد، شهریه، اجرت، حق الزحمه، قیمت، ورودیه، نرخ	
fee charged	
هزینه دریافت شده	
fee, wage	
اجرت، حق الزحمه	
feed	
دادن، جلو بردن، بار، خوراندن، تغذیه، خوراک، تغذیه کردن، خورد، هدایت کردن	
feed back	
بازخورد	
feed back value	
ارزش بازخورد	

feed box	جعبه بار
feed into	به عنوان ورودی دادن، داده شدن، خوراک دادن، دادن
feed mix	ترکیب غذایی
feed mix problem	مسأله ترکیب غذا
feed pitch	گام پیشبری، گام تغذیه
feed power	قدرت بار
feed rate	نسبت بار، میزان تغذیه
feed reel	حلقه خوراننده، چرخه تغذیه کن
feed rod	میله گرد کار، مفتول تغذیه، میله تغذیه
feed roller	غلتک خوراک دهنده، غلتک پیشبر، غلتک تغذیه کن، قرقره تغذیه کننده
feed track	شیار پیشبری، مسیر تغذیه، کانال تغذیه
feedback	

بازخورد، باز خور (نتایج)، بازتاب (اطلاعات)
feedback loop
جریان انعکاسی، حلقه پس خور، بازخورد حلقوی، حلقه پس خورنده
feedback queue
صف با برگشت
feedback system
سیستم مدار بسته، سیستم دارای پس خور، سیستم بازیافت
feedback value
ارزش بازخورد
feeder
خوراننده، بازده، خوراک دهنده، تغذیه کننده
feeding
تغذیه
feeding device
خوراننده، تغذیه کننده
Fees
مخارج
fees received on issues of shares
حق الزحمه دریافتی بابت صدور سهام
fees received on transfers of shares
حق الزحمه دریافت بابت انتقال (سهام)
Fejer kernel
هسته فیر

Fejer mean	میانگین فِیر
Fejer theorem	قضیه فِیر
fejer's theorem	قضیه فیجر
Feller process	فرآیند فلر
fellow of chartered institute of management accountants (FCLMA)	عضو پیوسته انجمن حسابداران مدیریت
fellow of the chartered association of certified accountants (FCCA)	عضو پیوسته انجمن حسابداران رسمی (چارترد)
fellow of the institute of credit management (FICM)	عضو موسسه مدیریت اعتبارات در انگلستان
fellow subsidiary company	شرکت فرعی عضو
Fermat last theorem	آخرین قضیه فرما
fermat numbers	اعداد اول فرما
fermat prime	عدد اول فرما

Fermat principle	اصل فرما
Fermat theorem	قضیه فرما
fermat's last theorem	آخرین قضیه فرما
fermat's prime numbers	اعداد اول فرما
fermat's principle	اصل فرما
Fermat's principle of least time	اصل حداقل زمان فرما
fermat's spiral	مارپیچ فرما، حلزونی فرما
fermat's theorem	قضیه فرما
ferrari's solution of the quartic	حل معادله درجه چهار به روش فراری
ferrite core	چنبره مغناطیسی، چنبره فریتی
ferro magnetic	آهن مغناطیسی شده، فرم مغناطیسی
ferule	خط کش پهن

fessibility condition	شرط شدنی بودن
fewer and more	کمتر و بیشتر
fiat	حکم، فرمان، دستور
FIATA combined transport BIL	بارنامه حمل ترکیبی – فیاتا
fiber	لایه، لیف، تار
fiber bundle	کلاف تاری
fiber optic	رشته نوری
fiber product	حاصل ضرب تاری
fiber space	فضای تاری
fibered	لایه ای
Fibonacci numbers	عدد های فیبوناتچی
fibonacci sequence	دنباله فیبوناچی

Fibontchi sequence	دنباله فیبوناچی
fibration	لایه سازی
fictitious account	حساب ساختگی (واهی)
fictitious asset	دارایی موهوم
fictitious cash	موجودی نقد موهوم (واهی)
fictitious liability	بدهی واهی (ساختگی)
fictitious transaction	معاملات جعلی
fictitious worker on payroll	کارگر صوری در لیست دستمزد
fictitious year	سال پنداری
fidelity bond	وجه الضمان سپرده جبران خسارت دریافت تضمین از کارکنان
fidelity insurance	بیمه سرقت، بیمه دزدی
fiducial	

	بر پایه اعتقاد یا اعتماد
fiducial argument	
	بحث فیدوسیال
fiducial concept	
	مفهوم فیدوسیال
fiducial distribution	
	توزیع فیدوسیال
fiducial interval	
	فاصله فیدوسیال
fiducial limit	
	حد فیدوسیال
fiducial line	
	خط رویت، خط نما
fiducial method	
	روش فیدوسیال
fiducial probability	
	احتمال فیدوسیال
fiducial theory	
	نظریه فیدوسیال
fiduciary	
	قیم، امین، معتمد، امانت، سپرده
fiduciary advance payment	
	پیش پرداخت امانی
fiduciary asset	

	دارایی امانتی
fiduciary bond	
	ضمانت شرافتی، قرارداد اعتباری، قرضه شرافتی
fiduciary currency	
	پول اعتباری (اسکناس)
fiduciary funds	
	حساب مستقل وجوه امانی
fiduciary funds, trust fund	
	حساب مستقل وجوه امانی
fiduciary loan	
	وام اعتباری (بدون ضمانت)
Fiduciary trans ation	
	نقل و انتقال به عاملیت
field	
	رشته زمینه حوزه
field allowance	
	فوق العاده خارج از مرکز (ناحیه)
field auditor	
	حسابرس متخصص در یک صنعت خاص
field axioms	
	اصول موضوع هیات
field costs	
	هزینه های میدانی
field definition form	

فرم تعریف حوزه	
field equations	
معادلات میدان	
field experiments	
تجربیات (آزمایشات) میدانی	
field extension	
توسیع میدان	
field intensity	
شدت میدان	
field length	
طول میدان	
field of a quotients	
میدان خارج قسمت ها، هیئت خارج قسمت ها	
field of algebraic numbers	
میدان عدد های جبری	
field of complex numbers	
میدان اعداد مختلط، هیئت خارج قسمت ها	
field of events	
میدان پیشامد ها، میدان حوادث	
field of fractions	
هیات کسر ها	
field of integrity	
میدان بی عیبی	
field of matrices	

field of moduli	هیئت ماتریس ها
field of numbers	هیات هنگ ها
field of quotients	حوزه اعداد، هیئت اعداد، میدان اعداد
field of rational fuctions	میدان خارج قسمت ها
field of rational numbers	میدان توابع گویا
field of real numbers	میدان عدد های گویا
field of symmetric rational fuctions	میدان اعداد حقیقی، اعداد هیئت حقیقی
field studies	میدان توابع گویای مقدماتی
field theory	مطالبات میدانی
field work	نظریه هیات ها، نظریه میدان ها
field work standards	اجرای عملیات رسیدگی
fiery body	استانداردهای اجرای عملیات حسابرسی (رسیدگی)

شکل آتشی، شکل ناری
fifo costing
هزینه یابی اولین صادره از اولین وارده
fifo costing method
روش هزینه یابی اولین صادره از اولین وارده (فایفو)
fifo method of process costing
روش اولین صادره از اولین وارده در هزینه یابی مرحله ای
fifteen
پانزده
fifth
پنجمین، پنجم
fifth postulate of euclid
اصل پنجم اقلیدس
fifty
پنجاه
fifty-one percent subsidiary
شرکت فرعی پنجاه و یک درصدی
figurable
شکل پذیر
figurate number
عدد مصور
figurate numbers
اعداد مصور، اعداد چندضلعی شکل
figuration

صورت بندی	
figurative	
مجازی، تلویحی	
figurative constant	
ثابت تلویحی، ثابت مجازی، عدد، شکل، پیکر، رقم، شکل، صورت، نگاره، پیکره	
figure	
رقم(عدد) شکل	
figure circumscribed about a circle	
شکل بر دایره، شکل محیط به دایره	
figure eight curve	
منحنی شکل هشت	
figure of merit	
میزان رویه	
figure out	
دریافتن، استنباط کردن	
figure up	
جمع زدن، به حساب آوردن	
File	
پرونده	
file integrity	
اصالت پرونده	
file label	
برچسب فایل	

file maintenance	به روز رسانی پرونده، نگهداشت فایل
file name	نام فایل
file specification	مشخصه فایل
fill	پر کردن
fill or kill order	انجام یا ابطال سفارش
filler	پر کن، پر کننده، لایی، درز گیر، میله استحکام، نبشی
fillet	گرده، ماهیچه، فیله، راکورد
filling system	سیستم بایگانی
film analysis	تجزیه و تحلیل فیلم
filter	پالایه، صافی، تصفیه کردن، زلال کردن، صاف کردن، پالودن
filter base	پایه پالایه
filter glass	

	شیشه صافی
filter press	
	صافی فشاری، روغنگیر
filter rules	
	قواعد فیلتر
filtration	
	عبور از صافی، زلال سازی، تصفیه
filtration degree	
	درجه پالایش
fin	
	زائده، تیغه نازک، پره
Final	
	نهایی
final account	
	حساب قطعی، حساب نهایی
final accounts with audit report	
	حساب های نهایی با گزارش حسابرسی
final accounts with directors report	
	حساب های نهایی با گزارش مدیران
final adjustments	
	اصلاحات نهایی ، تعدیلات نهایی
final analysis	
	تجزیه و تحلیل نهایی
final approval	

final approval of the budget	تصویب نهایی
final audit	تصویب نهایی بودجه
final audit report	حسابرسی نهایی
final balance	گزارش نهایی حسابرسی
final balance sheet	مانده نهایی
final budget	ترازنامه نهایی
final certificate	بودجه نهایی
final certificate of completion	گواهی قطعی، گواهی (صورت مجلس)، تحویل قطعی
final consumer	گواهی قطعی اتمام کار
final destination	مصرف کننده نهایی
final dividend , year-end dividend	مقصد نهایی
final expense	سود تقسیمی نهایی ، سود پایان سال

final good	هزینه نهایی
final handover	کالای نهایی
final inspection	تحویل دادن قطعی
final installment	بازرسی نهایی
final object	آخرین قسط پرداختی
final pay scheme	شیء پایانی
final payment	مبنای آخرین حقوق (در بازنشستگی)
final point	پرداخت قطعی، پرداخت نهایی
final point vector	نقطه پایانی
final price	بردار نقطه انتهایی
final product	قیمت نهائی
final report	کالای نهایی / محصول نهایی

گزارشات نهایی	final result
نتیجه نهایی	final sales volume variance
انحراف حجم فروش نهائی	final set
مجموعه پایانی	final settlement
قرارداد ارفاقی، تصفیه نهایی	final state
حالت پایانی، حالت نهایی	final statement
صورت وضعیت قطعی	final table
جدول نهایی	final take over acceptance
تحويل قطعی صورت وضعیت قطعی	final take-over (acceptance)
صورت وضعیت قطعی، تحويل قطعی	final topology
توپولوژی انجامی، توپولوژی پایانی	final value
مقدار انتهایی، ارزش نهایی	final value theorem

قضیه مقدار پایانی
finally
بنابراین
finance
تامین (تدارک) مالی کردن، مالی
Finance bill
برات مالی
Finance charges
هزینه های تأمین مالی
finance company
شرکت تأمین مالی
finance department, treasury
خزانه داری
finance director
مدیر امور مالی
Finance Entry Generation
گزارش دهی مالی- ایجاد ثبت مالی
finance lease
اجاره با تأمین مالی، اجاره سرمایه ای
finance manager
مدیر مالی
Finance market
بازار مالی
Finance Module

ماژول مالی
finance responsibility
مسئولیت مالی
finance vice president
معاونت مالی معاون امور مالی
finance, financial resources, funds resources
منابع مالی
Financial
مالی
financial (capital) lease
اجاره مالی (سرمایه ای)
financial account
حساب مالی
financial accountant
حسابدار مالی
financial accounting
حسابداری مالی
financial accounting and reporting
حسابداری و گزارشگری مالی
financial accounting concepts
مفاهیم حسابداری مالی
financial accounting data
مجموعه اطلاعات حسابداری مالی
Financial Accounting Foundation

بنیاد حسابداری مالی
financial accounting foundation (FAF)
بنیاد حسابداری مالی
financial accounting information
اطلاعات حسابداری مالی
financial accounting information system
سیستم اطلاعاتی حسابداری مالی
Financial accounting principles
اصول حسابداری مالی
financial accounting series
مجموعه نشریات حسابداری مالی
Financial Accounting Standard Advisory Council
شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی امریکا
financial accounting standards advisory council (FASAC)
شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی
Financial Accounting Standards Board
هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی این هیات شامل ۷ نفر عضو می باشد و در سال ۱۹۷۳ تاسیس شده است
financial accounting standards board (FASB)
هیئت استانداردهای حسابداری مالی
financial accounting system
سیستم حسابداری مالی
Financial activities

فعالیت‌های مالی	financial activity
فعالیت مالی	financial advisor
مشاور مالی	financial affairs
امور مالی	financial analysis
تجزیه و تحلیل مالی	financial analyst
تحلیلگر مالی	financial analysts' federation
فدراسیون تحلیلگران مالی	financial appraisal
ارزیابی مالی	financial asset
اوراق بهادار دارایی مالی	Financial assets
دارائیهای مالی	financial audit
حسابرسی مالی	financial authority
صاحب اختیار مالی	financial books

	دفاتر مالی
financial breakeven	
	نقطه سربسر مالی
financial breakeven point	
	نقطه سربسر مالی
financial break-even point	
	نقطه سر به سر مالی
financial budget	
	بودجه مالی
financial capability	
	توان مالی
financial claim	
	ادعای مالی
financial claims	
	مطالبات مالی، دعاوی مالی
financial compliance audit	
	حسابرسی مالی رعایت
financial condition	
	وضعیت (شرایط) مالی
financial controls	
	کنترل های (داخلی) مالی
Financial credit	
	اعتبار مالی
financial crisis	

بحران مالی	Financial data
داده های مالی	financial data processing
پردازش اطلاعات مالی	financial decision making
تصمیم گیری مالی	financial diary
وقایع روزانه مالی	financial difficulties, pecuniary difficulties
مشکلات مالی	financial director's report
گزارش مدیر مالی	financial distress
پریشانی مالی	financial document
سند مالی	financial economists
اقتصاددانان مالی	financial engineering
مهندس مالی	financial excerpts
نکات برگزیده مالی	Financial Executives Institute

انجمن مدیران ارشد مالی
financial expenses, finance expense (cost)
هزینه مالی
financial facilities
تسهیلات مالی
financial facilities expense
هزینه تسهیلات مالی
financial flexibility
انعطاف پذیری مالی
financial forecast
پیش بینی مالی
financial forecast, financial projections
پیش بینی مالی
financial found accounting
حسابداری منابع مالی
financial health
سلامت مالی
financial highlights
نکات برجسته مالی نکات مهم مالی
financial history
پیشینه مالی، تاریخچه مالی
financial implications
بازتاب های مالی، پیامدهای (تبعات) مالی
financial incentive

انگیزه مالی	
financial incentives	
حقوق و مزایای مالی	
financial index	
شاخص مالی	
financial information	
اطلاعات مالی	
financial innovation	
نوآوری مالی ابداع مالی	
financial institution	
موسسه مالی، نهاد مالی	
Financial institutions	
مؤسسات مالی	
financial instrument	
ابزار مالی، ورقه بهادار مالی	
financial interest	
منافع مالی	
Financial intermediaries	
مؤسسات مالی واسطه	
financial intermediary	
واسطه مالی	
financial internal control	
کنترل‌های داخلی مالی	
financial investment	

سرمایه گذاری در اوراق بهادار (داراییهای مالی) سرمایه گذاری مالی	
financial lease	اجاره مالی (سرمایه ای)
financial ledger	دفتر مالی
financial ledger control account	حساب کنترل دفتر مالی (در دفاتر هزینه)
financial leverage	اهرم مالی
financial leverage index	شاخص وام سنجی، شاخص سودمندی وام
financial leverage multiplier	ضریب اهرم مالی
financial liability (obligation)	تعهد مالی، بدهی مالی
financial liquidity	نقدینگی مالی
financial management	مدیریت مالی
financial manager	مدیر امور مالی مدیر مالی
financial manager, controller	مدیر امور مالی

financial market	بازار مالی
Financial markets	بازارهای مالی
financial mixture	ترکیب مالی
financial operation, transaction	عملیات (عملکرد) مالی
financial performance	عملکرد مالی
financial period, fiscal period	دوره مالی
financial plan	برنامه مالی
financial planning	برنامه ریزی مالی
financial planning models	مدلهای برنامه ریزی مالی
financial policy	(سیاست، رویه) مالی، خط مشی مالی
financial position	وضعیت مالی
financial position (condition)	وضعیت مالی

financial position of borrower	وضع مالی وام گیرنده
financial press	نشریات مالی
financial problem	مشکل مالی
financial productivity measure	معیار (سنجش) بهره وری مالی
financial projection	پیش بینی خالص مالی
financial projections	پیش بینی های مالی
financial rate of return	نرخ بازدهی مالی
financial ratio	نسبت مالی
financial ratio analysis	تحلیل نسبت های مالی
Financial ratios	نسبتهای مالی
financial records	پرونده / ثبت تهای مالی
financial regulation	مقررات مالی

financial report	گزارش مالی
financial reporting	گزارشگری مالی
financial reporting and changing prices	گزارشگری مالی و تغییر سطح قیمتها
financial reporting council (FRC)	گزارشگری مالی خارجی
Financial Reporting Exposure Draft	متن پیشنهادی گزارشگری مالی
financial reporting standard (FRS)	شورای گزارشگری مالی
financial reporting standard for smaller entities (FRSSE)	استانداردهای گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک
financial resources	منابع مالی
financial resources information information system	سیستم اطلاعاتی منابع مالی
financial reward	پاداش مالی، جایزه مالی
financial risk	خطر مالی

financial sales records	مدارک مالی فروش
financial scandal	رسوایی مالی
financial services	خدمات مالی
financial slacks	منابع مالی
financial societies	محافل مالی
financial source, resource	منبع مالی
financial standing	اعتبار مالی، وضع مالی
financial statement	صورتحساب مالی
financial statement assertions	ادعاهای (مندرج در) صورت های مالی
financial statement audit	حسابرسی صورت های مالی
financial statement cycles	چرخه های مربوط به صورت های مالی
financial statement disclosure checklist	فهرست موارد افشا در صورت های مالی

financial statements (reports, information)	گزارشات مالی
financial statements audit	حسابرسی صورتهای مالی نام دیگر حسابرسی مستقل
financial status	وضع مالی
financial strength	قدرت مالی
financial structure	ساختار (بنیه) مالی
financial success	موفقیت مالی
financial support	حمایت مالی
financial systems	سیستم های مالی
financial transaction	رویداد (معاملات) مالی
financial unit	دستگاه (واحد) مالی
financial weakness	ضعف مالی
financial wealth	ثروت مالی

financial well being	سلامت مالی رفاه مالی
financial wellbeing, financial health	سلامت مالی، رفاه مالی
financial year	سال مالی (سال حسابداری)
Financier	متخصص تأمین منابع
financing	تامین منابع مالی
financing activities	فعالیت‌های تأمین مالی
financing activity	فعالیت تأمین مالی
financing agent	عامل (کارگزار) مالی
financing agreement	قرارداد تأمین مالی
financing and investment decisions	تصمیمات تأمین مالی و سرمایه گذاری
financing and obligation	تامین مالی و تعهد (بدهی)
financing consequences	پیامدهای تأمین مالی

financing cost	هزینه تامین مالی
financing costs	هزینه های تامین مالی
financing cycle	چرخه تامین مالی
financing decision	تصمیم تامین مالی
financing internal control	کنترل داخلی مالی
financing lease	تامین مالی از طریق رهن و اجاره
financing strategy	استراتژی تامین مالی
financing, affairs	امور تامین مالی
find	یافتن، پیدا کردن، به دست آوردن
find out	نشان دادن، تحقیق کردن
finding	تعیین، محاسبه، جستجوی، تشخیص، یافتن
finding cube root	پیدا کردن ریشه سوم

finding square root	پیدا کردن ریشه دوم
findings	یافته ها نتایج حاصله
fine	خوب، جریمه، ریزه، ریز، نازک، ظریف، جریمه کردن
fine bank bill	برات بانکی معتبر
fine measurement	اندازه گیری دقیق
fine rate	نرخ ممتاز (عالی)، کمترین نرخ
fine setting	پرداخت کاری، تنظیم دقیق
fine structure	ساختار ریز
fine teeth	دندان ریز، دنده ریز، ریز دندان
fine topology	توپولوژی ریز
fine tuning	میزان سازی دقیق
fine, penalty	جریمه، جریمه مالیاتی

fineness	دقت ظرافت
finer	ظریفتر، ریز تر، نرم تر، خوب تر
finger	انگشتی، انگشت، انگشته، شاخ، ایندکس
finger computing	محاسبه سرانگشتی
finger dexterity test	مهارت سنجی انگشتان، تست مهارت انگشتان
finger gauge	ضخامت سنج
fingering	جوش انگشتی
finish	تمام کردن، خاتمه دادن، به پایان رسانیدن، پوشش نهایی، پرداخت کاری، پرداخت، تکمیل، پایان، ختم، تمیز کاری
finish allowance	ضریب پرداخت
finish to finish relationship	رابطه پایان به پایان
finish to start relationship	رابطه پایان به آغاز، ارتباط پایان به آغاز
finished	

تمام شده، تمام، مختوم
finished (goods-stock) warehouse
انبار کالای ساخته شده
finished good
کالای ساخته شده
Finished Goods
کالاهای تمام شده
finished goods inventory
موجودی کالا(های) ساخته شده
finished goods ready for sale
کالای ساخته شده آماده فروش
finished goods stock account
حساب موجودی کالای ساخته شده
finished goods stock insurance
بیمه کالای انبار شده
finished product
کالای نهایی، محصول آماده، کالای ساخته شده
finishing
پرداخت کردن، تکمیل، پرداخت کاری، تمام کاری، پرداخت، روسازی
finishing cut
ظریف تراشی، باز پرداخت
finishing mill

نورد تکمیل، دستگاه نورد نهایی، دستگاه پس نورد، نورد پایان
finishing pass
گذر نهایی، کالیبر نهایی
finishing stand
مقام پس نورد
finishing tooth
دندانہ پرداخت
finite
با پایان، متناهی، محدود، پایان دار، معین، با کران
finite additive measure
اندازه جمعی متناهی
finite affine space
فضای مستوی با بعد متناهی
finite algebraic growth
نمو جبری متناهی
finite arithmetic
حساب متناهی
finite automata
ماشین خودکار با پایان
finite base
پایه متناهی
finite basis for an ideal
پایه متناهی ایدال

finite boolean algebra	جبر بولی با پایان
finite cardinal	عدد اصلی متناهی
finite cardinal number	عدد اصلی متناهی
finite cell complex	مجمع حجره ای متناهی
finite collection	دسته متناهی، گردایه متناهی، مجموعه متناهی
finite complement topology	توپولوژی مکمل های پایان دار ها، توپولوژی مکمل های پایاندار
finite connected graph	گراف همبند با پایان
finite continued fraction	کسر مسلسل متناهی
finite convergence	همگرایی متناهی
finite convergence set	همگرایی متناهی روش سیمپلکس
finite covering	پوشش متناهی
finite decimal representation	

finite derivative	نمایش اعشاری متناهی
finite derivatives	مشتق متناهی
finite difference	مشتقات متناهی
finite difference method	تفاوت محدود، تفاضل محدود
finite differences	روش تفاضل متناهی
finite dimensional	تفاضل متناهی، تفاضلات متناهی
finite dimensional linear space	با بعد متناهی
finite dimensional space	فضای خطی متناهی-بعد
finite dimensional vector space	فضای متناهی البعد، فضا با بعد متناهی
finite directed graph	فضای برداری با بعد متناهی
finite division ring	گراف جهت دار با پایان
finite element	حلقه بخشی متناهی

اجزاء محدود، عنصر محدود
finite equiprobable spaces
فضاهای محدود هم احتمال
finite expansion
توسعه از درجه متناهی، بسط محدود، بسط پایان، بسط پایاندار، بسط متناهی
finite extension
توسیع متناهی
finite field
میدان متناهی، هیأت متناهی، میدان پایان دار، هیأت پایان دار
finite fraction
کسر متناهی
finite geometry
هندسه متناهی
finite group
گروه متناهی
finite increment
افزایش محدود
finite integral
انتگرال با حدود متناهی
finite intersection property
ویژگی اشتراک متناهی
finite interval

فاصله متناهی، فاصله کراندار، بازه باپایان	
finite length	طول با پایان
finite limit	حد متناهی
finite limits	حدود متناهی
finite linear combination	ترکیب خطی متناهی
finite mathematics	ریاضیات متناهی
finite matrix	ماتریس متناهی
finite moment theorem	قضیه گشتاور متناهی
finite morphism	ریختی متناهی
finite multigraph	گراف چندگانه
finite number	عدد متناهی
finite number of sets	تعداد متناهی از مجموعه ها، تعداد محدود مجموعه ها
finite optimal solution	

	جواب بهینه متناهی
finite ordinal number	
	عدد ترتیبی متناهی، عدد ترتیبی محدود
finite parameter space	
	فضای پارامتری محدود
finite population	
	جامعه محدود
finite population correction	
	تصحیح جامعه محدود
finite population correction factor	
	عامل تصحیح جامعه متناهی، عامل تصحیح جامعه محدود
finite product	
	حاصل ضرب متناهی
finite quality	
	کمیت متناهی
Finite Scheduling	
	برنامه ریزی محدود
finite sequence	
	دنباله متناهی، مجموعه محدود، مجموعه پایان دار، مجموعه با پایان
finite set	
	مجموعه متناهی
finite space	
	فضا با بعد متناهی

finite state	حالت با پایان
finite state automata	ماشین خودکار با حالت با پایان
finite state transducer	مترجم حالت با پایان
finite stochastic process	فرآیند تصادفی محدود
finite subcollection	زیردسته متناهی، زیرخانواده متناهی، زیرمجموعه متناهی
finite subcovering	زیرپوشش متناهی
finite tree	درخت با پایان
finite uniformity	یکنواختی محدود
finite universe	جامعه محدود
finite vector space	متناهیها، با پایان، به طور با پایان، به طور متناهی
finitely	متناهیها، با پایان، به طور با پایان، به طور متناهی
finitely additive	متناهیها جمعی، متناهیها اضافیش، جمع پذیر متناهی

finitely additive measure	سنج متناهی اضافی، اندازه متناهی جمعی
finitely generated	به طور متناهی تولید شده
finitely generated A module	مدول متناهی تولید شده A-مدول از نوع متناهی
finitely generated free commutative group	گروه جابجایی پذیر آزاد از نوع متناهی
finitely generated group	گروه از نوع متناهی
finitely generated group	گروه متناهی تولید شده
finitely generated ideal	ایده آل از نوع متناهی
finitely generated left ideal	ایده آل چپ از نوع متناهی
finitely generated module	مدول متناهی تولید شده
finitely generated ring	حلقه متناهی تولید شده
finiteness	تناهی، متناهی بودن
finiteness problem	مسئله با پایان بودن

Finsler geometry	هندسه فینسلر
Finsler metric	متریک فینسلر
finsler space	فضای فینسلری
Fire	اخراج کردن
fire insurance	بیمه آتش سوزی
fire loss	زیان ناشی از آتش سوزی
fire prevention	پیشگیری از آتش سوزی
fire protection	حفاظت در مقابل آتش سوزی
fired	پخته شده
Firm	محکم، استوار - شرکت ، کمپانی
firm commitment	تعهد قطعی
firm name	نام بنگاه اقتصادی

Firm offer	پیشنهاد قطعی
firm purchase commitment	تعهد قطعی خرید
firm purchase commitments	تعهدات قطعی خرید
firm size	اندازه شرکت
firm's capital structure	ساختار سرمایه نخستین
firm's capital ,structure	ساختار سرمایه شرکت
firm's earnings	عایدات شرکت
Firs lien	حق وصول اولیه
first	اول
first (initial) audit	حسابرسی نخستین
first antecedent	اولین عضو اصلی
first board	تاریخ تحویل آتی

first boundary value problem	اولین مساله مقدار مرزی
first class creditors	بستانکاران درجه اول (دارای اولویت)
first class papers	اسناد درجه یک
first collateral (security)	وثیقه اول
first come antecedent serve	سرویس به ترتیب ورود
first come first serve	نظام نوبتی، اولین ورودی اول سرویس می گیرد
first coordinate	مختص اول
first degree	درجه یک
first derivative	مشتق مرتبه اول
first derivative test	آزمون مشتق اول
first difference	اولین اختلاف
first element	عنصر اول، ابتدا، عنصر اول، اولین عنصر، عنصر ابتدا

first element of a set	عنصر ابتدای یک مجموعه
first element of matrix	عنصر مقدم ماتریس
first element of set	کوچکترین جزء مجموعه
first entrance time	زمان اولین ورود
first fundamental form of a hypersurface	اولین صورت بنیادی ابر رویه
first half of the financial year	نیمه اول سال مالی
first in first out	به ترتیب ورود، به ترتیب، اولین صادر از اولین وارده، اولین خروجی از اولین ورودی
First In, First Out	اولین صادره از اولین وارده فایفو
first in, first out (fifo)	اولین صادره از اولین وارده (فایفو)
first in, first out (fifo) inventory costing method	هزینه یابی موجودی کالا به روش اولین صادره از اولین وارده
first in, first out (fifo) process costing method	روش هزینه یابی مرحله ای اولین صادره از اولین وارده
first isomorphism theorem	

اولین قضیه یکرختی	
first kind	
نوع نخست، نوع اول	
first law of cosines	
قانون اول کسینوس ها	
first mode	
اولین نما	
first mortgage	
رهن دست اول	
first mortgage debenture	
اوراق قرضه رهنی با اولویت نخست	
first octant	
هشت یک اول	
first of all	
قبل از هر چیز	
first order	
مرتبه اول، رسته اول	
first order derivative	
مشتق رتبه اول	
first order differential	
دیفرانسیل رتبه اول	
first order differential equation	
معادله دیفرانسیل مرتبه اول	
first order differential operator	

عملگر دیفرانسیل مرتبه اول	
first order fundamental magnitude	
	نخستین شکل اساسی
first order logic	
	منطق مرتبه یک
first order polynomial function	
	تابع چندجمله ای درجه اول
first price, original price	
	قیمت اصلی
first principal line	
	خط افقی
first projecting line	
	خط قائم
first projection	
	تصویر اول
first quadrant	
	چهار یک اول
first quarter	
	سه ماهه اول ، فصل اول
first quartile	
	ربع اول
first rate	
	عالی (درجه یک)
first side of an equality	

طرف اول یک تساوی	first side of equality
طرف چپ تساوی	first two
دو تای اول	first variation
اولین وردش	first year operation
عملکرد سال اول	firsthand experience
تجربه دست اول	Fiscal agent
نماینده مالی	fiscal control
کنترل مالی	fiscal discount rate
نرخ تنزیل مالی	fiscal entity
شخصیت مالی، واحد مالی	Fiscal measures
مقیاسهای مالی	fiscal period
دوره مالی	Fiscal policy

سیاست مالی	
fiscal policy, financial policy	
سیاست مالی (پولی)	
fiscal stimulation	
انگیزش مالی	
fiscal year	
سال مالی	
fish tail piece	
قطعه به شکل دم ماهی	
fisher behrense distribution	
توزیع فیشر-بهرنز	
fisher rate	
ضریب/ نرخ فیشر	
Fisher Z distribution	
توزیع Z فیشر	
Fisher Z transformation	
تبدیل Z فیشر	
fisher's discriminant function	
تابع تشخیص فیشر	
fission	
شکافتن، انشقاق	
fit	
برازیدن، مناسب بودن، انطباق، جور کردن، جذب و جفت کردن، برزاندن، مقتضی، شایسته، درخور، جادادن،	

جاگرفتن، اندازه بودن، سوار کردن قطعه ها، جفت و جور کردن، برآزش
fit curve
برآزاندن منحنی
fit into
گنجانیدن، گنجیدن
fitness for use
مناسب برای استفاده
fitted value
مقدار برآزنده شده
fitting
برآزش، برآزاندن، برآزندگی، مناسب، جفت سازی، سوار کردن، جور کردن، جوراندن، مهره، مهره اتصال، ماسوره
fitting constants
برآزاندن ثابت ها
fitting curve
منحنی انطباق ها
five lemma
ملم پنج
five square matrix
ماتریس مربعی مرتبه ۵
fix
اصلاح کردن، تغییر دادن، استوار کردن، بستن، مرتبط کردن، مربوط کردن، برجا، ثابت، برجا بودن، مشخص شدن، بیان کردن، ثابت

fix up	مرتب کردن
fixed	مشخص، ثابت شده، میزان، ثابت، پابرجا، ثابت، استوار، بسته، مرتبط، معین، برجا، تثبیت شده، مشخص
fixed amount, constant amount	مبلغ ثابت
fixed asset	دارایی ثابت
fixed asset at cost	دارایی ثابت به قیمت (بهای) تمام شده
fixed asset coverage ratio	نسبت تامین وام از محل دارایی ثابت
fixed asset depreciation	استهلاک دارایی ثابت
fixed asset register	دفتر (ثبت) دارایی ثابت
fixed asset reserve	اندوخته دارایی ثابت
fixed asset turnover ratio	نسبت گردش دارایی ثابت
fixed assets	داراییهای ثابت
fixed assets master file	

پرونده اصلی دارایی های ثابت
fixed assets turnover
گردش دارایی ثابت
fixed assets turnover ratio
نسبت گردش دارایی ثابت
fixed budget
بودجه ثابت
fixed budget, static budget
بودجه ثابت
fixed capital expenditure
هزینه سرمایه ای ثابت
fixed capital goods
کالای سرمایه ای ثابت
fixed charge problem
مسأله هزینه ثابت
fixed charges
مخارج ثابت، مخارج مقطوع، طلب های معین، هزینه های ثابت
fixed coefficient production function
تابع تولید ضریب ثابت
fixed cost
هزینه ثابت
fixed cost allocation
تسهیم (تخصیص) هزینه ثابت

fixed cost equation	معادله هزینه ثابت
fixed cost per unit	هزینه ثابت واحد محصول
fixed costs	هزینه های ثابت
fixed costs per unit	هزینه های ثابت هر واحد محصول
Fixed debt	بدهی ثابت
fixed debt (liability)	بدهی ثابت (دراز مدت)
Fixed deposit	سپرده ثابت
fixed exchange rate	نرخ های ثابت ارز، نرخ کنترل شده ارز
fixed exchange rates	نرخهای ثابت ارز
fixed field	هیئت ثابت
fixed income securities	اوراق بهادار با درآمد (سود) ثابت
fixed interval inventory	زمان بین دو سفارش

fixed interval sampling	نمونه گیری با فاصله ثابت
fixed interval selection	انتخاب نمونه با فاصله ثابت
fixed length	طول ثابت
fixed liability = long- term liability	بدهی ثابت (بلندمدت)
fixed loan, fixed rate loan	وام با بهره ثابت
Fixed Lump Sum contract	قرارداد مقطوع
fixed manufacturing cost	هزینه ثابت ساخت
fixed obligation	تعهد ثابت
Fixed operating Cost	هزینه های ثابت عملیاتی
fixed order interval	فاصله زمانی سفارش ثابت
fixed order inventory model	مدل میزان سفارش ثابت
fixed order size	مقدار سفارش ثابت

fixed overhead	سربار ثابت
fixed overhead absorption rate	نرخ جذب سربار ثابت
fixed overhead budget variance	انحراف بودجه سربار ثابت
fixed overhead capacity variance	انحراف ظرفیت سربار ثابت
fixed overhead cost, fixed cost	هزینه سربار ثابت
fixed overhead spending variance	انحراف مصرف سربار ثابت
fixed overhead standard	استاندارد سربار ثابت
fixed overhead total variance	انحراف کل سربار ثابت
fixed overhead volume variance	انحراف حجم سربار ثابت
fixed point	نقطه ثابت، ممیز ثابت
fixed point field	هیئت ثابت
fixed point iteration	تکرار نقطه ثابت

fixed point method	روش ممیز ثابت، روش نقطه ثابت
fixed point of mapping	نقطه ثابت نگاشت
fixed point theorem	قضیه نقطه ثابت
fixed position layout	طرح بر اساس ثبات محل مواد
fixed price construction contract	قرارداد مقطوع ساختمانی
fixed price contract	قرارداد مقطوع، قرارداد بر اساس قیمت های مقطوع
fixed proportion production function	تابع تولید نسبت ثابت
Fixed rate lending	وام با بهره ثابت
fixed ratio	نسبت ثابت
fixed resale price	حداقل قیمت
Fixed term	مدت ثابت
fixed value	مقدار ثابت

fixed vector	بردار ثابت، بردار بسته، بردار وابسته، بردار مرتبط
fixed-assets turnover	گردش دارایی های ثابت
fixture	بست، نگهدارنده، کارگیر، سه نظام، مکانیسم نگهدارنده قطعه کار، چفت و بست
fixtures and fittings	منصوبات و ملزومات ساختمان
flabby sheaf	بافه پراکنده
flag	پرچم
flag of convenience	کشتی با پرچم غیر
flake	ورقه ورقه شدن، شاخه ای، پولک
flange	پیوند لوله، توپی، بال، باله
flanged joint	اتصال لبه برگردان
flank	شکم دندان، دیواره، دامنه دندان

In the name of God

۳۴۰۰۰ واژه انگلیسی به فارسی (حسابداری_جلد سوم)

(English-Persian)

Collector: Rohollah Yousefi Ramandi

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

This text is dedicated to the one I love: Hamid Yousefi
Ramandi

flare	گشاد، شیپوره
flare beval	پخ بالی
flash	درخش، ریشه، جرقه، جرقه ای، ترشح، بیرون زدن، قی
flash back arreston	شیر یک طرفه مانع برگشت گاز
flash point	درجه اشتعال، نقطه اشتعال
flash report	گزارش اصلاحی، گزارش فوری
flat	هموار، تحت صاف، مسطح، یکنواخت، کفی، تحت، پنجره
flat A module	مدول تخت-A
flat angle	

زاویه مسطح، زاویه نیم صفحه، زاویه ۱۸۰ درجه	
flat bond, ex-bond	
	سند قرضه بدون بهره
flat bottom	
	کفی تخت
flat chisel	
	قلم دم پهن، اسکنه دوم پهن، قلم تخت
flat form tool	
	رنده فرم مسطح
flat market	
	بازار راکد
flat morphism	
	ریختی تخت
flat organization	
	سازمان مسطح
flat plate	
	صفحه تخت، صفحه صافی، صفحه هموار، تنکه هموار
flat point of a surface	
	نقطه تخت رویه
flat position	
	وضعیت تخت، حالت درازکش
flat price	
	قیمت یکنواخت (یک قیمت)
flat space	

فضای مسطح	
flat surface	
رویه هموار، سطح تخت	
flat type organization	
سازمان مسطح	
flat yield	
بازده هموار	
flatbed	
مسطح	
flatness	
تختی	
flattened ellipsoid	
بیضیوار پخ	
flection	
انحنا، خمیدگی	
fleed	
سیلان	
Fleet Management	
مدیریت ناوگان	
flex	
نقطه عطف، برگشت، عطف	
flex point	
نقطه عطف	
Flexi Fields	

	فیلهای آزاد
flexibility	انعطاف پذیری، خم پذیری، نرمی، خمش، قابلیت انعطاف
flexibility and liquidity	انعطاف پذیری و نقدینگی
flexibility in presentation	انعطاف پذیری در نحوه ارائه
flexibility of rates	انعطاف پذیری نرخ ها
Flexible	قابل انعطاف
flexible (floating) exchange rate	نرخ متغیر ارز
flexible budget	بودجه انعطاف پذیر
flexible budget variance	انحراف بودجه انعطاف پذیر
flexible clamp	گیره تغییر پذیر، بست تاشو، بست با انعطاف
flexible exchange rate	نرخ انعطاف پذیر ارز
flexible manufacturing system (FMS)	سیستم انعطاف پذیر تولید
flexible pipe	

flexible rate	لوله خرطومی، لوله تاشو
flexible shaft grinder	نرخ انعطاف پذیر ارز
flexible tool	سنگ خرطومی
flexion	ابزار خم شدنی، قلم تاشو
flexowriter	خمیدگی، انحناء
flight number	ماشین پانچ
flip	شماره پرواز
flip flop	ضربه
float	مدار دو ضربه ای، الاکلنگ، کلید الاکلنگی
float factor	چک های در جریان وصول، منابع مالی در دسترس
float time	ضریب شناوری
floater	زمان راه اندازی

	اوراق وثیقه
floating	
	متغیر، شناور
floating (debt-liability)	
	بدهی شناور (در جریان)
floating (flexible) exchange rate	
	نرخ ارز متغیر، نرخ ارز شناور
floating asset = current asset	
	دارایی جاری
Floating assets	
	دارایی های شناور
floating bond	
	سند قرضه کوتاه مدت
Floating capital	
	سرمایه شناور
floating capital ,working capital, circulating capital	
	سرمایه در گردش
floating charge	
	هزینه متغیر، وثیقه شناور
floating credit	
	اعتبار در جریان، اعتبار جاری
floating debt	
	بدهی های جاری (کوتاه مدت)

floating exchange rate	نرخ ارز متغیر
floating exchange rates	نرخهای ارز شناور
floating pad	بالشتک آزاد
floating point	نقطه متغیر، ممیز شناور، ممیز سیار، نقطه اعشار سیار، ممیز غیر صحیح، نقطه غیر صحیح
floating point method	روش ممیز شناور
floating point number	عدد با نقطه شناور
floating policy	بیمه نامه متغیر
floating prices	تعیین (تثبیت) قیمت ها
floating prime rate	نرخ بهره شناور
floating rate	نرخ شناور (سود)، نرخ متحرک
floating rate loan	وام با نرخ شناور
floating-rate certificate of deposit	

سپرده با نرخ بهره متغیر
floating-rate loan
وام با نرخ بهره متغیر
floats
اسناد در جریان وصول (سررسید کوتاه)
floor
کف
floor function
تابع کف
floor price
قیمت کف نام دیگر حد پایین یا ارزش خالص بازیافتی منهای سود ناخالص متعارف
floor trader
داد و ستدکنندگان تالار بورس
floor value
ارزش پایه
floppy disk
دیسک نرم، دیسک، دیسک لرزان، فلاپی دیسک، گرده لرزان، گرده لغزان
Floquet theorem
قضیه فلوکه
flor inspector
بازرس سیار
flotation

عرضه سهام شرکت، برای نخستین بار به مردم، دعوت از مردم برای پذیره نویسی
flotation costs
هزینه های انتشار اوراق بهادار
flotsam
کالای آب خورده در کشتی
Flout of funds
اقلالم در راه
flow
شارش
flow capital
سرمایه جاری
flow chart
نمودار گردش کار، نمودگر جریان کار
flow chart symbols
نمودار گردش، نقشه جریان کار، نمودار گردش، نمودار گردش، نمودگر
flow concept
مفهوم جاری
flow diagram
نمودار جریان
flow direction
جهت جریان
flow lines

خطوط راهنما
flow of costs
جریان گردش هزینه ها
flow of events
سیل حوادث، جریان حوادث
flow of goods
جریان گردش کالا (محصول)
flow of intensity
شدت سیل حوادث
flow of payments
گردش پرداخت ها
Flow Order
سفارش جریان
flow out
خارج شدن، خالی شدن
flow pattern
طرح جریان
flow process
پروسه جریان
flow process chart
نمودار جریان کار، نمودار جریان تولید، نمودار جریان، نمودار جریان فرآیند
flow production
تولید پیوسته، تولید جریانی

flow rate	میزان جریان، آهنگ جریان، نرخ جریان، آهنگ شارش
flow statement	صورت جریان حساب ها، صورت وجوه دریافتی و مصارف، تغییرات وضع مالی
flowchart	نمودار گردش کار، نمودگر جریان کار، نمودار گردش عملیات، فلوچارت
flow-of-funds analysis	تجزیه و تحلیل جریان وجوه
Fluctuate	نوسان کردن
fluctuation	نوسان، تغییر قیمت
fluctuation limit	حد مجاز تغییر قیمت
fluctuations	نوسانات
fluent	سیال، روان، سلیس، متغیر، شارنده
fluent quantity	کمیت روان، کمیت سیال
fluid	شاره، سیال
fluid asset	

دارای نقدشدنی	fluid flow
جریان سیال	fluid mechanics
مکانیک شاره ها، مکانیک سیالات	fluid pressure
فشار مایع	flush
هم سطح کردن، هم سطح، هم تراز، لبریز، تراز، سرریز	flush pin gage
سنجه میخ دار	flushing
خالی کردن بافر، تخلیه کردن، فلاش کردن	flute
شکاف حلزونی، شیار، خیاره، قاشقی، شکاف حلزونی	flux
شار	flux box
جعبه گدازه	flux cored
روانسازی مغزی	flux of a vector field
شار یک میدان برداری	fluxed line

	خط شار
fluxion	
	میزان تغییر، سیالی، نرخ تغییر، فلوکسیون، حساب دیفرانسیل، تفاضل
fly wheel	
	چرخ لنگر
flyaway kit	
	کوله پشتی
flying shear	
	قیچی نورد، قیچی پروانه ای
flywheel	
	چرخ طیار، گردانه، چرخ لنگر
foam	
	کف آتش نشانی، کف، اسفنج
foamed plastic	
	پلاستیک اسفنجی، کف پلاستیکی، پلاستیک متخلخل
FOB airport	
	فوب فرودگاه
FOB destination	
	فوب مقصد
fob origin	
	فوب مبدا
focal	
	کانونی

focal axis	محور کانونی
focal chord	وتر کانونی، شعاع کانونی
focal chord of a conic	وتر کانونی یک مقطع مخروطی
focal date, on due date	راس مدت
focal distance	فاصله کانونی
focal length	فاصله کانونی
focal plane	صفحه کانونی
focal point	نقطه کانونی
focal property	خاصیت کانونی
focal property of an ellipse	خاصیت کانونی بیضی
focal radius	شعاع کانونی
focalization	تمرکز در کانون

focalize	در کانون متمرکز کردن
focus	کانون، به کانون آوردن، نکته، میزان کردن، نقطه احتراق، نقطه سوزان، متمرکز کردن
focus for a Gauss mapping	کانون نگاشت گاوس
focused	تمرکز یافته
fold	تا کردن
fold application	استفاده از چندتایی، کاربرد چندتایی
folded	دو تا
folio column of the account	ستون عطف حساب
folium	منحنی فولیوم، منحنی شکل برگ
folium of descartes	برگ دکارتی، فولیوم دکارت
follow	بعد از، پس از، دنبال کردن، پشت سر هم قرار گرفتن، متابعت کردن، به دنبال، تعقیب کردن، منتج شدن، نتیجه دادن، حل شدن، به دنبال آمدن

follow from	نتیجه شدن از، نتیجه شدن
follow rest	کمر بند متحرک، تکیه گاه متحرک
follow up	پیگیری
followed by	به دنبال آن، بعد از ... می آید (است)
following	زیر، متعاقب، ذیل
following the crowd	تبعیت از عامه
FOMC	کمیته بازار آزاد بانک فدرال آمریکا
foot	جمع عمودی
footing	جمع عمودی
footing test	امتحان جمع عمودی
footnote	پاورقی، زیرنویس
footnote disclosures	موارد افشار در یادداشتهای پیوست صورتهای مالی

foot-notes to the balance sheet	یادداشت های زیر ترازنامه
for	بر حسب، به ازای، به ازاء، در مورد، نسبت به، وقتی که
for account of	از طرف (به حساب)
for all	به ازای هر، برای هر
for all values of	به ازای تمام مقادیر، به ازای جمیع مقادیر
for all x	هر چه باشد x، به ازای تمام مقادیر x
for completeness	مشخص شدن مسأله به عنوان یک مثال عینی، برای تکمیل مطلب، برای کامل شدن بحث
for if	زیرا اگر
for instance	به عنوان مثال، مثلاً، برای مثال
for our purpose	برای منظور فعلی ما
for payment of	در ازاء
for performing	

مورد نیاز برای انجام	
for profit organizations	
سازمانهای انتفاعی	
for some	
به ازای بعضی	
for sufficiently large values	
به ازای مقادیر به قدر کافی بزرگ، به ازای جمیع مقادیر به اندازه کافی بزرگ	
for the case	
در حالت	
for the reason	
به این ترتیب	
for the sake of	
به منظور	
for the year ending (ended)	
برای سال مالی منتهی به ...	
for the year ending ended	
()	
for this reason	
بدین جهت	
for typographical reasons	
به دلایل چاپی	
for whenever	
زیرا اگر	

for which	که در مورد آن
forbearance	خودداری
forbidden	غیر مجاز، ممنوع
Force	نیرو
force majeure	عامل قهری، وضعیت اضطراری، فورس ماژور
force major	قوه قهریه
force polygon	چندضلعی نیروها
forced	واداشته
forced loan	وام اجباری (اضطراری)
forced oscillatory motion	حرکت نوسانی واداشته
forced oscillation	نوسان واداشته
forced oscillations	نوسانات واداشته

forced sale	فروش اجباری
forced -sale value	قیمت فروش الزامی
forced saving	پس انداز اجباری
forced vibration	ارتعاش واداشته
forced vibrations	نوسانات واداشته
fore going	فوق، مذکور، ذکر شده
Forecast	پیش بینی
forecast data	اطلاعات پیش بینی شده
forecast of income	پیش بینی درآمد
forecast, foresight, provision, anticipation, forecasting, prediction	پیش بینی
Forecasting	مجموعه پیش بینی
forecasts	

	پیش بینی ها
foreclose	
	توقیف/ ضبط کردن ملک رهنی
foreclosed assets	
	داراییهای توقیف، ضبط شده
foreclosure	
	توقیف یا ضبط داراییهای در رهن
foregoing	
	بنابر آنچه گفته شد
forehand welding	
	جوشکاری پیش دستی
Foreign	
	خارجی
Foreign bill	
	برات بیگانه
foreign bill of exchange	
	برات خارجی
Foreign borrowing	
	وام گیری از خارج
foreign branch	
	شعبه خارجی (خارج از کشور)
foreign corporation	
	شرکت خارجی
foreign corrupt practices act (fcpa)	

قانون منع ارتشا در فعاليتهاى بازرگانى خارجى	
foreign corrupt practices act of 1977	
قانون ۱۹۷۷ منع ارتشا در فعاليتهاى بازرگانى خارجى	
Foreign Currency	
	ارز خارجى
Foreign currency account	
	حساب ارزى
Foreign currency debt	
	بدهى ارزى
foreign currency exchange	
	تسعير اقلام ارزى، تبديل ارزى
foreign currency exchange loss	
	زيان حاصل از تسخير ارز
Foreign currency holding	
	موجوديهائى خارجى
foreign currency loan	
	وام ارزى
foreign currency rate	
	نرخ ارز
foreign currency transactions	
	معاملات (مبادلات) ارزى
foreign currency translation	
	تبديل ارز
Foreign Direct Investment	

foreign exchange	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
Foreign exchange allocation	تبدیل ارز
foreign exchange control	تخصیص ارز
foreign exchange cover	کنترل ارزهای خارجی
Foreign exchange dealer	ارز پشتوانه
foreign exchange difference	معامله گر ارز
Foreign exchange market	اختلاف تبدیل ارز خارجی
Foreign exchange permit	بازار ارز
foreign exchange rate, rate of exchange	مجوز ارز
foreign exchange regulations	نرخ تسعیر ارز، نرخ برابری ارز
foreign exchange reserves / external reserves	مقررات تسعیر ارز
Foreign exchange restrictions	ذخایر ارزی

foreign exchange risk	محدودیت‌های ارزی
foreign exchange rules	خطر تسعیر ارز
foreign exchanges	قوانین تسعیر ارز
foreign investors	مبادلات ارزی
Foreign liabilities	سرمایه گذارای خارجی
foreign market, exchange market	بدهی های خارجی
foreign monetary items	بازار ارز خارجی
foreign nationals	اقلام پول خارجی
foreign operations	اتباع خارجی
foreign payment order	عملیات (مبادلات) خارجی
foreign port of unloading	حواله ارزی (کتبی و تلگرافی)
foreign return	بندر خارجی که بایستی کالا در آنجا تخلیه شود

Foreign Sale	بازده خارجی
foreign subsidiaries	فروش خارجی
foreign trade	واحدهای فرعی خارجی
foreign trade financing	تجارت خارجی
foreign trade zones	تامین مالی تجارت خارجی
foreign transactions	مناطق آزاد تجاری خارجی
foreign-exchange dealer	معاملات (مبادلات) خارجی
foreknowledge	صراف
foreman, supervisor, steward	آگاهی / دانش قبلی
forensic accountant	مباشر
forensic accounting	کارشناس رسمی دادگستری در زمینه حسابداری
	حسابداری مربوط به امور دادگاه (مسائل دادگاهی) ، حسابداری دادگستری

forensic audit	حسابرسی موارد دادگاهی
forensic auditors	حسابرسان امور دادگاهی
foreseeable loss	زبان قابل پیش بینی
foreseeable users	استفاده کنندگان قابل پیش بینی
foreseen user	استفاده کننده پیش بینی شده
forest	جنگل
forex	بازار تبادلات ارزی
forfeit	جرمه بستن / کردن
forfeit, penalty	جریمه، تاوان، غرامت
forfeiture	جریمه غرامت
forfeiture clause	شرط ضرر
Forge	جعل کردن

Forged cheque	چک جعلی
forged paper	سند جعلی
forged, fabrication, counterfeit	جعلی (ساختگی)
forgery insurance	بیمه جعل (سند)
forgivable loan	وام قابل بخشش
fork	چنگالک، محل انشعاب، تیر دو شاخه، قلاب، چنگک، چنگال
form	صورت
form of class	فرم از رده ی
form over substance	رجحان شکل بر محتوا
formal	رسمی، صوری، قانونی، مدنی
formal acceptance	پذیرش رسمی
formal certainty	

	یقین صوری
formal definition	
	تعریف صوری
formal definition of probability	
	تعریف صوری احتمال
formal delivery, formal acceptance	
	تحویل رسمی
formal expression	
	عبارت صوری
Formal financial statements	
	صورت‌های مالی رسمی
formal group	
	گروه رسمی
formal linear combination	
	ترکیب خطی صوری
formal logic	
	منطق صوری
formal method	
	روش رسمی، روش صوری
formal notice	
	یادداشت رسمی
formal organization	
	سازمان رسمی
formal power series	

سری توانی صوری	
formal prerequisite	
پیش نیاز صوری	
formal rule	
قاعده صوری	
formal statement	
گزاره صوری	
formal syntax	
نحو منطقی	
formal system	
دستگاه صوری	
formal variable	
متغیر صوری	
formalism	
صورت گرایی، دیس گرایی، اساس صوری، اصالت صورتس، اصالت شکل	
formalization	
صورت بخشی، قالب ریزی	
formalize	
قالب ریزی کردن، به صورت رسمی بیان کردن، شکل دادن، فرم دادن	
formalized	
صورت گرفته، صورت بسته	
formally	

مطابق تعریف، به طور صوری، ظاهراً، شبیه، معمولاً، به طور رسمی
format
هیئت، شکل، قالب، فرم بندی، قالب بندی
format and content
شکل و محتوا
formation
شکل یافتن، تشکیل، تشکل، تکوین
formation of inspection lot
تشکیل انباشته بازرسی
formative
تشکیل دهنده
formed by
حاصل از
former
اول، نوع دوم
forms (or levels) of market efficiency
شکل های مختلف (سطوح) کارایی بازار سرمایه
forms or levels of market efficiency
شکلهای مختلف (سطوح) کارایی بازار سرمایه
formula
فرمول
formula of average of probabilities
فرمول احتمال متوسط

formula of direct transform	فرمول تبدیل مستقیم
formula of finite increments	دستور نمو های محدود، رابطه نمود های محدود
formula of total probability	فرمول احتمال، فرمول احتمال کل
formulae	فرمول ها، دستور ها
formulae for change of basis	دستور های تعویض پایه
formulary	دستورنامه
formulate	به شکل فرمول درآوردن، به قاعده فرموله کردن درآوردن، فرمول بندی کردن، به قاعده درآوردن
formulation	فرمول، صورت بندی، فرموله کردن، فرمول بندی
formulation stage	مرحله طرح ریزی
formulization	دستور سازی
formulize	دستور ساختن، فرمول بندی کردن
for-profit organizations	

forthcoming year accounts	سازمان های انتفاعی
fortune	حساب های سال آینده
forum	انجمن، مجمع
Forward	ارسال کردن
forward (future) rate	نرخ های آتی
forward combination	ادغام با شرکت بعد از خود
forward computations	محاسبات پیشرو
forward contract	پیمان آتی، قرارداد سلف
forward cover	پیش خرید ارز
forward cycle	دور پیشرو
forward difference	تفاضل پیشرو
forward difference operator	

عملگر تفاضلی پیشرو
forward differences
تفاضلات پیشرو، تفاضلات پیش رونده
forward differences operator
عملگر تفاضلات پسرو
forward emission
گسیل پیشرو
forward equation
معادله پیشرو
forward exchange contract
قرارداد نرخ آتی ارز، مبادله ارزی سلف
forward exchange market
بازار سلف ارز
forward exchange transactions
معاملات پیش فرض ارز
forward financial statement
صورت های مالی آینده
Forward Funding
تأمین مالی از محل منابع سال بعد
forward indention
پله ای به طرف جلو
forward integration
ادغام با واحد تجاری بعد از خود
forward interest rate

نرخ بهره با دوره تنفس	
forward looking information	اطلاعات آینده نگر
forward -looking information	اطلاعات آینده نگر
Forward market	بازار سلف
forward market, in foreign exchange	بازار پیش خرید ارز، بازار سلف
forward pass	مرور به پیش، حرکت رفت
forward planning	طرح ریزی به جلو
forward price	قیمت سلف
forward purchase	پیش خرید، خرید سلف
forward rate	نرخ ارز سلف (وعده دار)، نرخ آتی
forward selling, selling in advance	پیش فروش
forward shift	انتقال پیشرو
forward shipment	

حمل آتی	
forward substitution	
	جای گذاری از بالا
forwarded	
	از پیش فرستاده شده، حمل شده
forwarder, carrier	
	متصدی حمل و نقل / حمل کننده / موسسه حمل و نقل، حامل
forwarding	
	حمل و نقل
forwarding agency	
	نماینده‌گی حمل و نقل
forwarding agent	
	نماینده حمل و نقل
forwarding charges	
	هزینه های ارسال
forwarding country	
	کشور فرستنده
forwarding instructions, shipping instructions	
	دستورات حمل
forward-rate agreement	
	قرارداد نرخ وام آینده
Forwards	
	قراردادهای سلف

Foucault pendulum	آونگ فوکو
found	تأسیس کردن، بنا نهادن
foundation	اصل، مبدأ، بنیان، پای بست، پایه، اساس، بنیاد، پی ریزی، شالوده، زیربنا
foundations of geometry	بنیاد های هندسه، مبانی هندسه
foundations of mathematics	بنیاد های ریاضیات، مبانی ریاضیات
founder	بنیانگذار، پایه گذار، مؤسس
founder, establisher, institutor, promoter	مؤسس، بنیانگذار
founders' share	سهام موسسین شرکت
four	چهار
four basic operations	چهار عمل اصلی
four big	چهار موسسه بزرگ حسابرسی در دنیا چهار غول حسابرسی در دنیا
four color conjecture	

four color problem	حدس چهار رنگ
four color theorem	مساله چهار رنگ
four column	قضيه چهار رنگ
four face	چهار ستونی
four fold	چهار وجهی
four fundamental operations	چهار برابر، چهار گانه، چهار جلسه ای
four group	چهار عمل اصلی
four leaf clover	چهار گروه، چار گروه، گروه درجه دوم
four petaled	شبر چهار برگ
four petaled rose	چهار پر
four principal operations	رز چهار پر
four sided	چهار عمل اصلی

چهار بر، چهار ضلعی	
four square theorem	
قضیه چهار مربع	
four step rule	
قانون چهار مرحله ای	
four variance approach	
روش (رویکرد) چهار انحرافی	
four way valve	
شیر چهار طرفه	
four-column general journal	
دفتر روزنامه چهار ستونی	
Fourier analysis	
آنالیز فوریه	
Fourier coefficients	
ضریب های فوریه	
Fourier cosine series	
سری کسینوسی فوریه	
Fourier double integral theorem	
قضیه انتگرال دوگانه فوریه	
Fourier integral theorems	
قضیه های انتگرال فوریه	
Fourier Laplace transform	
تبدیل فوریه-لاپلاس، مبدل فوریه-لاپلاس	
Fourier series	

سری فوریه	
Fourier sine series	
سری سینوسی فوریه	
Fourier single integral theorem	
قضیه انتگرال ساده فوریه	
Fourier Stieltjes transform	
تبدیل فوریه-استیلتیس، مبدل فوریه-استیلتیس	
Fourier theorem	
قضیه فوریه	
Fourier transform	
تبدیل فوریه، مبدل فوریه	
fourth	
چهارم	
fourth degree	
درجه چهارم	
fourth degree polynomial	
چندجمله ای درجه چهارم	
fourth market	
بازار دست چهارم	
fourth proportional	
چهارمین جزء متناوب	
fourth quadrant	
ربع چهارم	
fractile	

کسرک	
Fraction	
	کسر – اعشار
fraction defectives	
	نسبت ضایعات
fraction in lowest terms	
	برخه ساده نشدنی
fraction line	
	خط کسری
fraction number	
	شمار برخه ای
fractional	
	کسری، برخه ای
fractional currency, coins, change money, change fund, cash float	
	پول خرد
fractional cut	
	برش کسری، بار ظریف
fractional distillation	
	تقطیر جزء به جزء
fractional equation	
	معادله کسری
fractional exponent	
	نماینده کسری، توان کسری، نمای کسری، قوه کسری

fractional ideal	ایدآل کسری
fractional linear	خطی کسری
fractional linear transformation	تبدیل خطی کسری
fractional part	جزء کسری
fractional power	قوه کسری
fractional reserve	اندوخته جزئی
fractional share	پاره سهم
fractional share warrants	گواهینامه های حق خرید پاره سهم
fractional year depreciation	استهلاک بخش از سال
fracture	شکستگی، شکست، گسست، برش، گسیختگی، ترک
fracture stress	تنش شکست، بار پارگی
fragment	

پاره، تکه، خرده ریزه، قطعه، تقسیم کردن، قطعه قطعه کردن، خرده، خرد کردن	
fragmentation	معامله متقابل
frame	چارچوب، اسکلت بندی، بدنه، تنه، شاسی، قفسه، قاب
frame field	میدان کنجی
frame of reference	دستگاه مرجع
frame of sampling	چارچوب نمونه گیری
framed	کنج دار
framed submanifold	زیرچندگونای کنج دار
Framework of concepts	چهارچوب مفاهیم
Franchise	امتیاز
franchise fee	حق فرانشیز
franchise tax	مالیات بر حق فرانشیز (اسم تجاری)

franchise, deductible	اجازه استفاده از نام تجاری، واگذاری حق انحصاری
franchise, royalty, copyright	حق امتیاز
franchisee	دریافت کننده حق الامتیاز فروش
franchises licenses	حق الامتیاز انحصاری فروش
Franchising or Pilot Approach	رویکرد پیاده سازی محدود
Franchising Strategy	راهبرد امتیاز دهی
franchisor	واگذارنده/ اعطا کننده حق الامتیاز فروش
fraud	کلاهبرداری، تقلب
fraud conveyance	نقل و انتقال اموال به قصد فریب بستانکاران
fraud identification, neutralization and deterrence	شناسایی، خنثی سازی و پیشگیری تقلب، نام نرم افزار مرتبط
fraud in sales	تدلیس و غبن در معامله

fraud investigation	بررسی تقلب
fraud misappropriation of money	اختلاس (سوء استفاده)
fraud risk assessment	برآورد ریسک تقلب ، ارزیابی ریسک تقلب
fraud risk factors	عوامل ریسک تقلب
Fraudulent	ورشکستگی
fraudulent bankruptcy	ورشکستگی نامشروع (به تقلب)
fraudulent document	اسناد تقلبی
fraudulent financial reporting	گزارشگری مالی فریبکارانه
fraudulent trading	تجارت نامشروع
fraudulent, manipulation	حساب سازی نامشروع، آمیخته با تقلب
Frechet derivative	مشتق فرشه
Frechet distance	فاصله فرشه

Frechet L space	فضای فرشه-L
Frechet space	فضای فرشه، فضای خطی شبه نرم‌مدار
Fredholm determinant	دترمینان فردهولم
Fredholm integral equations	معادله های انتگرال فردهولم
Fredholm method	روش فردهولم
Fredholm operator	عملگر فردهولم
Free	آزاد-مجانی
Free – limit loan	وام بدون حد
free Abelian group	گروه آبلی آزاد
free air departure (FAD)	تحويل در داخل هواپیما
Free Alongside Ship	تحويل در نقطه بارگیری – تحويل در کنار کشتی
free alongside ship (FAS)	تحويل در کنار کشتی

free and open market	بازار آزاد
free body diagram	نمودار جسم آزاد
free boundary	آزاد مرز
free capital	سرمایه آزاد
free carrier	تحویل کالا در محل مقرر به حمل کننده
free carrier (... named place)	تحویل کالا در محل مقرر به حمل کننده (... نام محل مقرر)
free carrier (fca)	تحویل کالا در محل مقرر به حمل کننده
free cash flow	جریان نقد آزاد
free distribution	توزیع آزاد
free exchange rates	نرخهای ارز آزاد
free fit	جا رفتن خوب، انطباق آزاد
free float	

شناوری آزاد، تأخیر آزاد، فرجه آزاد
free from state regulation
مبرا(معاف) از مقررات دولتی
free generators
مولد های آزاد
free group
گروه آزاد
free in and out (FIO)
مخارج بارگیری و تخلیه بر عهده اجاره کننده کشتی
free index
اندیس آزاد
free lunch
پذیرایی رایگان
free machining steel
فولاد خوش تراش
Free margin
موجودی ضریب معاملات به دلار که در حالت باز بودن معامله بصورت شناور است.
Free market
بازار آزاد
free market economy
اقتصاد بازار آزاد
free markets

بازارهای آزاد بازارهایی که از سیطره قوانین و مقررات نظارتی، آزاد
free module
مدول آزاد
free movement of capital
آزادی جابجایی سرمایه
free neutron
نوترون آزاد
free occurrence
مورد آزاد
free of charge
مجانی، رایگان
free of duty, duty free, free of charge
معاف از حقوق گمرکی
free of error and bias
عاری از هر نوع خطا و سوگیری
free of income tax
معاف از مالیات بر درآمد
free of tax
بدون مالیات، معاف از مالیات
Free On Board
فوب – تحویل در روی عرشه کشتی
free on board (FOB)
تحویل روی عرشه (FOB)

free on charge (FOC)	بدون هزینه، مجانی (FOC)
free on quay	تحویل روی اسکله
free on rail	تحویل کالا در ترن، تحویل در راه آهن
free on rail road (FOR)	تحویل کالا روی واگن قطار
free on raliroad	تحویل روی واگن
Free On Truck	تحویل کالا روی کامیون
free oscillation	نوسان آزاد، ارتعاش آزاد
free parameter	پارامتر آزاد
Free Port	بندر آزاد
free product of groups	حاصل ضرب آزاد گروه ها
free rate, open rate	نرخ آزاد، نرخ رسمی
Free reserves	ذخایر آزاد

free rider	سواری رایگان
free semigroup	نیم گروه آزاد
free space	خلاء
free system	دستگاه آزاد
free trade zone	منطقه آزاد تجاری
free trade, open trade	تجارت آزاد
free variable	متغیر آزاد
free variable form	صورت متغیر آزاد
free vector	بردار آزاد، حامل آزاد
free vibration	نوسان آزاد، ارتعاش آزاد
Free Zone	منطقه آزاد
freedom	آزادی

freedom degree	درجه آزادی
freedom from bias	رعایت بیطرفی عاری از تمایلات جانبدارانه (یکسویه)
freehold share	سهم مشاع عرصه ساختمان
Freight	کرایه حمل
freight (expense-charge-cost)	هزینه حمل
freight all kinds	انواع هزینه حمل
freight allowance	ذخیره کرایه حمل
freight audit agency	آژانس بازرسی حمل کالا
freight carriage	بازبری، کرایه، هزینه حمل
freight charge, shipping expense	مخار حمل، محموله
freight contracting	عقد قرارداد حمل
freight declaration	اظهارنامه بار (گیری)

freight forward	هزینه حمل در مقصد پرداخت می شود
freight forwarder, forwarding	واسطه حمل و نقل، کارگزار حمل
freight in	کرایه حمل کالای خریداری شده حمل به داخل
freight in (charge)	هزینه حمل وارده
freight in, carriage inward(s)	هزینه حمل کالای خریداری شده
freight in, transportation in	حمل به داخل
freight inward	کرایه حمل ورودی، هزینه تحویل
freight manifest	اعلامیه کرایه و بارکشی، مانیفست بار
freight out	هزینه تحویل کالا
freight out charge	هزینه حمل صادره
freight out costs	مخارج حمل کالای فروخته شده هزینه های حمل به خارج
freight outward	کرایه حمل به خروجی

freight paid	هزینه حمل پرداخت شده
freight payable at destination carriage forward (=c ... collect) / freight collect	هزینه حمل در مقصد پرداخت می شود
freight prepaid	هزینه حمل پیش پرداخت شده
freight rate	نرخ کرایه بار
freight rebate	تخفیف هزینه حمل، تخفیف کرایه بار
freight tax	مالیات کرایه حمل
freight, transport, shipping, carriage	حمل، حمل و نقل، باربری
frequency	فرکانس
frequency curve	خم فراوانی
frequency density	چگالی فراوانی
frequency diagram	نمودار بسامد، نمودار فراوانی
frequency distribution	

توزیع بسامد، پخش بسامد، توزیع فراوانی، پخش فراوانی، توزیع تواتر
frequency distribution graph
نمودار توزیع فراوانی
frequency domain
دامنه تواتر، دامنه فراوانی
frequency element
عنصر فراوانی، جزء فراوانی
frequency function
تابع فراوانی
frequency of certain event
فراوانی حادثه یقین
frequency of impossible event
فراوانی حادثه غیر ممکن
frequency of intersection event
فراوانی حادثه مقطع
frequency of opposite event
فراوانی حادثه معکوس
frequency of sum event
فراوانی حادثه حاصل جمع
frequency of union event
فراوانی حادثه اجتماع
frequency polygon

چندضلعی بسامد، چندضلعی فراوانی، کثیرالاضلاع فراوانی	
frequency rate	ضریب حادثه
frequency surface	رویه فراوانی
frequency table	جدول فراوانی
frequent	مکرر
frequently	مکررا، غالباً، بکرات
fresh start measurement	اندازه گیری ابتدا به ساکن / اولیه
fresnel integral	انتگرال فرنل
Fresnel integrals	انتگرال های فرنل
fresnel's integrals	انتگرال های فرنل
friction	سایش اصطکاک، اصطکاک، مالش
frictional	اصطکاکی، مالشی

frictionless	بی اصطکاک، بی مالش
friendly numbers	عدد های متحاب
friendly takeover	تصاحب دوستانه
fright charge	کرایه بار
fringe payments, fringe benefits	مزایای شغلی
frobenius theorem	قضیه فروبنیوس
from the fact that	از این شرط که
from then on	از آنجا به بعد
from to chart	جدول از - به
from without	از خارج
front	پیش، جلو
front end loading	شناسایی زودرس

front line	خط جبهه، خط مقدم
frontal	پیشی، جلوئی
frontal line	خط جبهی
frontier	مرز
frontier of a set	مرز مجموعه
frontier point of a set	نقطه مرزی مجموعه
frontier traffic	داد و ستد مرزی
frozen account	حساب مسدود شده
frozen asset	دارایی بلوکه (مسدود)
Frozen Assets	دارایی‌های مسدود شده
Frozen capital	سرمایه مسدود شده
frustration	بر هم زدن یا بر هم خوردن (قرارداد)

frustration of contract	فسخ قرارداد
frustum	مخروط ناقص
frustum of a cone	مخروط ناقص
frustum of a pyramid	هرم ناقص
FTA World Share Index	شاخص سهام فعال در سراسر دنیا که به وسیله تایمز مالی ارائه می شود
fuchsian	فوکسی
function of two variables	تابع دو متغیری، تابع دو متغیره
fulfill	برآوردن، انجام دادن، اجرا کردن، برقرار بودن، صدق کردن، تمام کردن، تکمیل کردن، برآوردن
fulfilment (of a contract) / performance (of a contract)	اجرای (قرارداد)
Full – service bank	بانک همه کاره
full absorption costing	هزینه یابی جذبی کامل

full accrual method	روش تعهدی کامل
Full amount	تمام مبلغ
full angle	زاویه تمام صفحه
full capacity	ظرفیت کامل، گنجایش کامل
full capacity output	محصول ظرفیت کامل
full coding	کد گذاری کامل
full consolidation	تلفیق کامل
full container load (FCL)	ظرفیت پرکانتینر ، ظرفیت کامل کانتینر
full cost method	روش هزینه یابی کامل روش بهای تمام شده کامل
full costing	هزینه یابی کامل نام دیگر هزینه یابی جذبی
full costing approach	روش (رویکرد) هزینه یابی کامل جذبی
full dimension	بعد کامل

full dimensional	بعد کامل
full disclosure principle	اصل افشای کامل
full disclosure, adequate disclosure	افشای کافی (کامل)
full disjunctive normal form	صورت نرمال فصلی کامل
full embedding theorem	قضیه نشانیدن کامل
full employment	اشتغال کامل
full fledged liability	بدهی تضمین شده
full group	گروه تمام
full investigation	پی جویی کامل
Full legal tender coins	سکه های رایج قانونی
full load	ظرفیت کامل، گنجایش کامل
full paid debt	بدهی کلا پرداخت شده

Full payment	کل پرداخت
full product costs	کل هزینه های مرتبط با محصول
full rank matrix	ماتریس رتبه کامل
full reliance	اعتماد کامل
Full settlement	تسویه حساب کامل
full time members	اعضای تمام وقت
full work related disability	از کار افتادگی کلی ناشی از کار
full-cost data	اطلاعات بر حسب مجموع هزینه
full-fledged liability	بدهی کامل
full-paid capital stock	سهامی که کل ارزش آن پرداخت شده باشد
full-paid interest	بهره تمام پرداخت شده
full-paid shares	سهام تماما پرداخت شده

full-reduced form	فرم کامل – تعدیل شده
full-time salary	حقوق تمام وقت
fully complete space	فضای تماماً کامل
fully diluted earnings per share (FD EPS)	سود تقلیل یافته هر سهم
fully normal space	فضای تماماً نرمال
Fully paid	به طور کامل پرداخت شده
Fully paid – up capital	سرمایه تماماً پرداخت شده
fully-paid up share capital	سرمایه سهمی تمام پرداخت شده
funcitonal type of organization	سازمان بر مبنای نوع عملیات با وظایف اصلی و تخصصی
Function	عملکرد – وظیفه
function algebra	جبر تابعی
function functor	تابعگون

function generator	مولد تابع، تابع زا
function inverse	عکس (معکوس) تابع
function key	کلید عملیاتی
function notation	نماد تابعی
function of a complex variable	تابع یک متغیر مختلط
function of a function	تابع یک تابع
function of bounded variation	تابع با تغییرات کراندار
function of complex variable	تابع متغیر مختلط
function of decision	نقش تصمیم، معادله تصمیم
function of function	تابع تابع، تابع مرکب
function of one real variable	تابع یک متغیر حقیقی
function of random variable	تابع از کمیت تصادفی

function of real variable	تابع متغیر حقیقی
function of sequence of random variables	تابع از دنباله کمیت های تصادفی
function of several variables	تابع چند متغیره
function of structure	تابع طرح
function space	فضای تابعی
function table	جدول تابع
function theory	نظریه تابع
function value	مقدار تابع، تابع مقدار تابع
function vector	بردار تابع
functional	تابعک
functional analysis	آنالیز تابعی، آنالیز فونکسیونل
functional audit	حسابرسی فعالیت های حوزه خاص

functional basis split	تقسیم کار بر اساس وظایف
functional budget	بودجه یک واحد سازمان، بودجه عملیات، بودجه دوایر
functional budgets	بودجه عملیاتی
functional calculus	حساب تابعی
functional calculus of first order	حساب محمولات مرتبه اول
functional calculus of higher order	حساب محمولات مراتب بالاتر
functional chart	نمودار وظایف
functional classification	طبقه بندی بر حسب واحد سازمانی، طبقه بندی بر مبنای وظیفه
functional constraint	قید تابعی
functional currency	ارز فعال
Functional Department	صورت کارکردی- واحد عملیات
functional design	

طرح تابعی	functional determinant
دترمینان تابعی	functional distribution of cost
توزیع عوامل هزینه	functional equation
معادله تابعی	functional equations
معادلات تابعی	functional expense classification
هزینه ها بر حسب وظایف	functional fixation
ثبات عملکرد	functional identity
اتحاد تابعی	functional inspection
بازرسی عملیاتی	functional organization
سازمان تخصصی	functional relation
رابطه تابعی	functional scale
مقیاس تابعی	functional statement

functional supervision	صورت هزینه ها بر حسب واحدهای سازمانی
Functionality(Modularity)	سرپرستی تخصصی، نظارت فنی
functionalization	ویژگی ماژولار بودن
functionary	تقسیم کار بر حسب نوع عملیات
functioning	تابعی
functions of class	عملکرد
functor	توابع متعلق به طبقه ی
Fund	تابعگر
fund account	سرمایه – وجه تنخواه- منابع مالی
fund accounting	حساب مستقل
fund balance	حسابداری حسابهای مستقل نام دیگر حسابداری دولتی(یا) سازمانها و موسسات غیرانتفاعی
	تراز یا مانده حساب مستقل

fund balance sheet	ترازنامه حساب مستقل
fund equity	ارزش ویژه حساب مستقل
fund received from head office	وجوه دریافتی از دفتر مرکزی
fund trial balance	تراز آزمایشی حساب مستقل
fund types	انواع صندوق مشترک سرمایه گذاری انواع حسابهای مستقل
fundament	پایه، اساس، بنیاد
fundamental	شالوده ای، مبانی، بنیادی، اساسی، اصلی، اصولی، اولی
fundamental accounting assumption	مفروضات اساسی حسابداری
fundamental accounting concepts	مفاهیم بنیادین حسابداری
fundamental accounting equation	معادله اساسی حسابداری
fundamental accounting principles	اصول اساسی حسابداری
Fundamental Analysis	

تحلیل بنیادی، تحلیل نمودار قیمت و پیش بینی حرکت با استفاده از تحلیل آمار و ارقام اخبار اقتصادی

fundamental basis theorem

قضیه اساسی پایه ها

fundamental class

رده اصلی

fundamental concepts

مفاهیم بنیادی

fundamental cycle

دور اصلی

fundamental determinant

دترمینان بنیادی

fundamental equation

معادله بنیادی

fundamental error

اشتباه با اهمیت

fundamental error, substantive error

اشتباه اساسی

fundamental exact sequence

دنباله کامل اصلی

fundamental form

صورت اصلی

fundamental frequency

فراوانی اصلی

fundamental group	گروه اساسی
fundamental magnitudes	اندازه های اساسی
fundamental of management accounting	اصول (زیربنایی) حسابداری مدیریت
fundamental operations	اعمال اصلی
fundamental operations of arithmetic	چهار عمل اصلی حساب، عمل های اصلی حساب
fundamental period	دوره بنیادی
fundamental principle	اصل اساسی
fundamental product	حاصل ضرب اساسی
fundamental region	ناحیه اصلی
fundamental relation	رابطه اصلی
fundamental sequence	دنباله اساسی
fundamental set	مجموعه اساسی

fundamental solution of the Cauchy problem	جواب اصلی مساله کوشی
fundamental space	فضای اساسی
fundamental structure	ساختمان اصلی، ساختار اصلی
fundamental system of solutions	دستگاه اصلی جواب ها
fundamental tensor	تانسور متریک، تانسور اصلی
fundamental theorem	قضیه اساسی
fundamental theorem of algebra	قضیه اصلی جبر، قضیه اساسی جبر
fundamental theorem of arithmetic	قضیه اساسی علم حساب، قضیه اساسی حساب
fundamental theorem of calculus	قضیه اساسی حساب دیفرانسیل و انتگرال
fundamental theorem of calculus of line integrals	قضیه اساسی حساب دیفرانسیل و انتگرال انتگرال های خط
fundamental theorem of duality	قضیه اساسی دوگان
fundamental theorem of Morse theory	

قضیه اصلی نظریه مورس	
fundamentalism	بنیادگرایی
fundamentalists	طرفدارای (معتقدین به) نظریه تجزیه و تحلیل بنیادی اصول گرا دیان
fundamentally	اساسا
fundamentals	اصولی مبانی
fundamentals of managerial finance	مبانی (اصول) مدیریت مالی
foundation	اساس، بنیان، پایه، شالوده، بنیاد
funded loan	وام پشتوانه دار ، وام با پشتوانه مالی
funded status	تأمین وجوه شده
funding loan	وام تامین وجوه
funds account	حساب اعتبارات
funds acquisition	تحصیل وجوه

funds application	مصرف وجوه
funds asset	دارایی متعلق به اعتبار
funds collected for third parties	وجوه دریافتی به نیابت از طرف اشخاص ثالث
funds flow analysis	تجزیه، و تحلیل جریان وجوه
funds flow statement	صورت گردش وجوه
funds flow to long-term debt ratio	نسبت جریان نقدی به بدهی های بلندمدت
funds flow to total debt ratio	نسبت جریان نقدی به کل بدهی ها
funds obtained (received) collections	وجوه دریافتی به نیابت از طرف اشخاص ثالث
funds provided by operations	وجوه حاصل از عملیات
funds sources, source(s) of funds, source of cash	منابع وجوه
funds statement	صورت جریان وجوه
funel	

هرم، مخروط، قیف
funicular
مربوط به کشش کابل با ریسمانس
fured annuity
مستمری ثابت
furlong
واحد اندازه گیری طول، تقریباً معادل ۲۰۱/۱۷
furniture and fixture
اثاثه و منصوبات
furniture and fixtures
اثاثه و منصوبات
further
به علاوه، از این گذشته، وانگهی، با تفضیل بیشتر، بعدی، به علاوه، بیشتر، دیگر، مطالب بیشتر، بالاخره
furthermost
دورترین
furthest
دورترین
furthest point of a curve
دورترین نقطه یک منحنی
fusion
تلفیق، ترکیب، ذوب، در هم آمیزی، ادغام، گداختن، همجوشی
fusion line

	خط نوب
future	
	آینده، آتی
Future accounting period	
	دوره حسابداری آتی
Future benefits	
	منافع آتی
future cash flows	
	جریان های نقدی آتی، جریان های آتی وجه نقد
future experiment	
	آزمایش بعدی
future futures contract	
	قراردادهای سلف
Future operations	
	عملیات آتی
future option	
	اختیار خرید و یا عدم خرید قراردادهای سلف
Future prospects	
	چشم اندازهای آتی
Future revenues	
	درآمدهای آتی
future sample	
	نمونه بعدی
future service potential	

خدمات بالقوه آتی
future trends in accounting
روندهای آتی (در) حسابداری
future value
ارزش آتی (آینده)
future value factor
فاکتور ارزش آتی ، عامل ارزش آتی
future value of 1
ارزش آتی یک، ارزش یک ریال (یا هر واحد پول دیگر) در آینده
future value of 1 Rial table
جدول ارزش آینده یک ریال
future value of a deferred annuity
ارزش آتی اقساط مساوی انتقالی به دوره های آتی
future value of a single amount
ارزش آتی مبلغ (مقدار) واحد
future value of an annuity
ارزش آتی اقساط مساوی قابل دریافت / پرداخت در اول دوره
future value of an annuity due
ارزش آتی اقساط قابل دریافت/ پرداخت در اول دوره
future value of an ordinary annuity
ارزش آتی اقساط مساوی قابل دریافت / پرداخت در آخر دوره

future value table of an ordinary annuity of 1 Rial	جدول ارزش آینده اقساط عادی یک ریال
Futures	آتی ها، بازاری که در آن تحویل کالاهای تجاری در آینده انجام می پذیرد.
futures (futures contract)	قراردادهای سلف، قراردادهای آتی
futures market	بازار معاملات پیمان های آتی
fuzzy logic	منطق فازی (عدم قطعیت)
g	هفتمین حرف الفبای انگلیسی
g.c.d	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
g.c.f	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
g.l.b	بزرگترین کران پایین
gaap generally accepted accounting principles	اصول پذیرفته شده حسابداری
gaap guide	راهنمای اصول پذیرفته شده حسابداری

gaap practice manual

راهنمای عملی / حرفه ای اصول پذیرفته شده حسابداری

gaas generally accepted auditing standards

استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی

GAAS guide

راهنمای استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی

gaas practice manual

راهنمای عملی / حرفه ای استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی

gage

درجه، اندازه، سنج، فرمان، سنجیده، اندازه گیر، معیار
اندازه، پیمانہ کردن، پیمانہ، اندازه زدن، مقیاس، معیار،
مدرج کردن، قطر سنج، عقربه نشان دهنده

gage block

سنجه معكب مستطیلی، شابلون مكعب

Gain

نفع بردن

gain (loss) contingencies

سود یا زیان احتمالی

gain (loss) of purchasing power

سود (زیان) قدرت خرید

gain contingency

سود احتمالی

gain on sale of assets

سود (غیر عملیاتی) حاصل از فروش داراییها

gain or loss	سود یا زیان احتمالی
gain or loss account	حساب سود یا زیان
gain or loss on disposal	سود یا زیان (غیر عملیاتی) ناشی از واگذاری / فروش
gain sharing	تسهیم سود
gain, benefit, interest	منفعت، نفع بردن، به دست آوردن، درآمد (سود) غیر عملیاتی
gains	سودهای غیر عملیاتی
gains contingencies	سودهای احتمالی
gal	گال، واحد شتاب برابر با یک سانتیمتر بر مجذور ثانیه
galactic	کهکشانی
galaxy	کهکشان
galenic figure	شکل جالینوسی
gallery	

	تالار
gallon	
	گالن، واحد حجم برابر با $3/7853$ لیتر
galloping inflation	
	تورم شتابنده، تورم حاد
Galois algebra	
	جبر گالوا
Galois cohomology	
	همانستگی گالوا
galois equation	
	معادله گالوا
galois extension	
	توسیع گالوا
galois field	
	هیأت گالوا
Galois group	
	گروه گالوا
galois theorey	
	نظریه گالوا
Galois theory	
	نظریه گالوا
gambler	
	بورس باز، خطر کننده، ریسک پذیرنده
gambler ruin problem	

مسأله ورشکستگی بازیکن	
gambler's ruin	
پاک باختگی قمار باز	
game	
مسابقه، بازی	
game of chance	
بازی شانسی، بازی تصادف آمیز	
game theory	
تئوری بازی، نظریه بازی، تئوری مقابله، نظریه بازی ها	
game theory (theory of games)	
نظریه بازی ها	
game theory models	
مدل های تئوری بازی ها	
game theory problems	
مسائل تئوری بازی	
games	
بازی ها	
games of chance	
بازی های تصادف آمیز	
gaming	
دست کاری در قواعد «بازی» برای سود بردن یا سرگرمی	
gamma	
سومین حرف یونانی، ؟، ؟	

gamma arrival distribution	ورودی با توزیع گاما
gamma distribution	توزیع گاما
gamma function	تابع گاما، انتگرال نوع دوم اوپلر
gamma function integral	انتگرال تابع گاما
gamma integral	انتگرال گاما
gamma probability density function	تابع چگالی احتمال گاما
gamma service	سریس گاما
gang	دسته، گروه
gang chart	نمودار گانت
gang milestone chart	نمودار پایان نمای گانت
gang milling	فرزکاری گروهی
gang punch	منگنه گروهی

Gantt chart	
	نموداری که در محور افقی آن فعالیت برنامه ریزی شده و در محور عمودی آن تاریخ نوشته شود ، نمودار گانت
gap	
	شکاف، فاصله، عدم توازن میان صادرات
Gap Analysis	
	تحلیل شکاف ها و تفاوت‌های فرآیندها
gap gauge	
	شبلون دهان اژدری
gap in coverage	
	ناکافی بودن تضمین
Garbage In Garbage Out	
	ورودی اشتباه خروجی اشتباه
garnishee order	
	حکم توقیف مال ، دستور توقیف مال
Gas	
	گاز
gas metal arc	
	قوس فلزی، گازی
gas vent	
	مجرای عبور گاز
gasb governmental accounting standards board	
	هیات تدوین استانداردهای حسابرسی دولتی
gasket	

لایی، واشر، لایه آب بندی، قالباق، درزگیر، پولک	
gate	
دریچه، دروازه، پای راهگاه، مدخل، راه قالب	
gate cutter	
	شیاربر
gate symbol	
	نماد دریچه
gate times recording	
	ضبط اوقات ورود و خروج
gather	
	گردآوردن، گردآمدن
gather in the stops	
	تجمع سفارشات
gather up	
	جمع آوری کردن
gatherer, collector	
	تحصیل دار (جمع کننده)
gauge	
	پیمانہ
gauge length	
	طول نمونه
gauge theory	
	نظریه پیمانہ ای
gauge transformation	

	تبدیل پیمانه ای
gauging	
	شیارزنی، شابلون گیری، اندازه گیری
gauss curve	
	منحنی گاوس
gauss differential equation	
	معادله دیفرانسیل گاوس
gauss error integral	
	انتگرال خطای گاوس
Gauss formulas	
	قیاس های دلامبر، فرمول های گاوس
gauss hypergeometric differential equation	
	معادله دیفرانسیل فوق هندسی گوس
Gauss integral	
	انتگرال گاوس
Gauss interpolation formula	
	فرمول درونیابی گاوس
gauss jordan process	
	فرآیند گاوس-ژوردان
gauss jordan reduction	
	تقلیل گاوس- جردن، کاهش گاوس-جردن
gauss method	
	روش گاوس
gauss reduction method	

روش کاهش گاوس	
gauss sum	
مجموع گاوس	
gauss theorem	
قضیه گاوس	
gauss type quadrature	
تعیین مساحت زیر منحنی به روش گاوس	
Gauss' Lemma	
لم گاوس	
gaussian	
گوسی	
gaussian algorithm	
الگوریتم گاوسی	
gaussian curvature	
انحنای گاوسی، خمیدگی گوسی، خمیدگی گاوسی، خمیدگی کلی	
gaussian distribution	
توزیع گوسین، توزیع گوسی، پخش گاوسی، توزیع گاوس، توزیع نرمال	
gaussian elimination	
روش حذف گوسی	
gaussian elimination algorithm	
الگوریتم حذف گاوسی	
gaussian elimination method	

روش حذف گاوسی	
gaussian fourier coefficients	
ضرائب عمومی فوریه	
gaussian integer	
عدد صحیح گاوسی، عدد های گاوسی	
gaussian integers	
عدد های صحیح گاوسی	
gaussian jordan process	
فرآیند گوس ژردان، روند گوس ژوردان	
gaussian plane	
صفحه گاوسی، صفحه گوسی	
gaussian probability density function	
تابع چگالی احتمال گاوسی	
gaussian process	
فرآیند گوسی، روند گوسی	
gaussian reduction	
کاهش گاوسی، تقلیل گاوسی، تقلیل گاوسین، کاهش گاوسین	
gaussian reduction matrix	
ماتریس کاهش گوسی	
gaussian sum	
مجموع گوسی	
gaussian triangularization	
مثلثی گاوسی	
gaze length	

	طول مؤثر
GCD Greatest Common Divisor	
	بزرگترین مقسوم الیه مشترک – ب م م
gear	
	درگیری، اسباب، افزار، ادوات، دنده، چرخ دنده
gear transmission	
	انتقال حرکت به وسیله دنده، جعبه دنده
gearing	
	انتقال حرکت به وسیله دنده، تطبیق دادن، تطابق
gearing (capital gearing; equity gearing; financial gearing leverage)	
	گرفتن وام
gearing adjustment	
	تغییرات مالی
gearing proportion	
	نسبت وام سنجی
gearing ratios (leverage ratios)	
	نسبت بدهی ها، نسبت های اهرمی
gearing, leverage	
	اهرمی عمل کردن (وام)
gelfand transform	
	تبدیل گلفاند، مبدل گلفاند
genealogy	
	نسب، شجره نامه

general	کلی (عمومی)
general (generalized) purchase	خرید کلی (عمومی)
general acceptance	قبولی کلی
general accident	حادثه غیر ناشی از کار
general account	حساب اعتباری مشتریان نزد کارگزار
general accountant	حسابدار کل، حسابرس دیوان محاسبات
general accounting (audit) office	دیوان محاسبات
general accounting department	اداره کل حسابداری
General Accounting Office	دیوان محاسبات در امریکا
general accounting office auditor	حسابرس دیوان محاسبات
General Agreement on Tariffs and Trade	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات
general agreement on tariffs and trade (gatt)	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

general analytic space	فضای تحلیلی عمومی
general and administrative expenses	هزینه های عمومی و اداری
general antiderivative	پادمشتق کلی
general audit	ممیزی عمومی، حساب رسی عمومی
general audit (auditing)	حسابرسی کل
general audit objectives	هدف های کلی حسابرسی
general auditor	حسابرس کل
general authorization	تصویب عمومی
general average statement (adjustment)	صورت (یا اعلامیه) خسارت کلی
general average, gross average	خسارت عمومی، خسارت همگانی، خسارت کلی کشتی، خسارت مشتری
general averaging	متوسط گیری عمومی
general cantor set	

مجموعه عام کانتور	
general cargo	
	بار متفرقه
general cargo rate (GCR)	
	نرخ حمل بار متفرقه (عمومی)
general cash	
	وجوه نقد موجود
general cash account	
	حساب وجه نقد عمومی
general circulation	
	بخشنامه عمومی
general compulsory social insurance	
	بیمه اجتماعی اجباری عمومی
general conditions	
	شرایط عمومی
general conditions of contract	
	شرایط عمومی پیمان (قرارداد)
general conditions of contract, general terms of contract	
	شرایط عمومی پیمان (قرارداد)
general cone	
	مخروط کلی (عمومی)
general context	
	زمینه کلی

general contingency reserve	اندوخته برای جبران خسارت ها یا هزینه های عادی
general contractor	پیمانکار عمومی
general contractor, general conditions general coverage	پیمانکار عمومی (پیمانکار انواع پیمان ها)
general control	کنترل عمومی
general controls	کنترل‌های عمومی
General creditor	بستانکار معمولی
general curve	خم عمومی
general definition	تعریف کلی / عمومی
general demand	تقاضای کلی
general disclosure	افشای موارد کلی
general endorsement	ظهر نویسی عمومی
general expense (expenditure)	

general expenses	هزینه عمومی
general expenses budget	هزینه های اداری و تشکیلاتی، هزینه های عمومی
general factory manager	بودجه هزینه های عمومی
general fixed asset account group	مدیر کل کارخانه
general fixed assets	گروه حساب داراییهای ثابت
general fixed-assets account group	دارایی های ثابت یک واحد (سازمان) دولتی
general fourier coefficients	گروهی از حساب هایی که برای ثبت داراییهای ثابت عمومی یک واحد دولتی به وجود می آورند
general fund	ضرایب عمومی فوریه
general gift	حساب مستقل عمومی، وجوه عمومی، منابع مالی عمومی
general inspection	هبه عام ، هدیه عام
general inspection level	بازرسی کلی، بازرسی عمومی
	سطح بازرسی عمومی

general insurance	بیمه عمومی
general insurance system	نظام بیمه همگانی
general integral	انتگرال عمومی، جامعه عمومی
general journal	دفتر روزنامه عمومی
general judgement	حکم کلی
general ledger	دفتر کل (عمومی)
general ledger account	حساب دفتر کل
general ledger accounts	حسابهای دفتر کل
general ledger adjustments account	حساب تعدیلات دفتر کل
general linear group	گروه خطی عام
general long term debt account group	گروه حساب بدهیهای بلند مدت عمومی
general long-term debt	

پرداخت کرد	بدهی بلندمدت را که باید از محل درآمدهای عمومی
general long-term debt accounting group	یک گروه از بدهی های بلندمدت
general manager	مدیر کل
general mathematics	ریاضیات عمومی
general meeting	مجمع عمومی
general meeting of shareholders	مجمع عمومی صاحبان سهام
General mortgage	رهن عمومی
general mortgage bond	اوراق قرضه با رهن کامل
general negligence	سهل انگاری عمومی
general obligation bond	اوراق قرضه دولتی
general operating expense	هزینه های اداری و فروش، هزینه عمومی عملیات
general overhead	سربار عمومی

general partner	شرکت تضامنی، شریک با مسئولیت نامحدود، شریک ضامن
general partnership	شرکت تضامنی با مسئولیت نامحدود
general partnership, company limited by guarantee	شرکت تضامنی با مسئولیت نامحدود
general plant services, general factory services	خدمات عمومی کارخانه
general polynomial	چندجمله ای کلی
general power	توان (ی) کلی (عمومی)
general power function	تابع توان (ی) کلی (عمومی)
general price index	شاخص عمومی قیمت ها
general price level	سطح عمومی قیمت
general price level accounting	حسابداری سطح عمومی قیمت ها
general price level index	شاخص سطح عمومی قیمت ها

general principle of convergence	ضابطه کلی همگرایی، اصل کلی تقارب، ضابطه کلی تقارب
general property tax	مالیات بر دارایی، مالیات بر اموال
general provision	ذخیره عمومی، مقررات عمومی
general purchasing power	قدرت خرید عمومی
general purchasing power concept of capital maintenance	مفهوم قدرت خرید عمومی حفظ سرمایه
general purchasing power of money	قدرت خرید عمومی پول
general purpose	همه منظوره
general purpose external financial reporting	گزارشهای مالی (برون سازمانی) / عمومی / منظوره
general purpose financial statements	صورت های مالی که هدف های عمومی را تامین می کنند.
general purpose machine	ماشین همه کاره، ماشین عمومی، ماشین همه منظوره
general records	دفتر کل عمومی، دفاتر روزنامه، پرونده ها و اسنادی که مویذ ارقام موجود در دفتر کل باشند.

general relativity	نسبیت عام (عمومی)
general reserve	اندوخته عمومی
general resultant	برایند کلی، برایند همگانی
general revenue	درآمدهای عمومی
general revenue sharing	تقسیم درآمدهای دولت مرکزی (فدرال) بین دولت های ایالتی و محلی
general risk contingencies	احتمال های مربوط به مخاطرات عمومی
general risks	خطرهای عمومی
general root	ریشه عمومی
general rule	قاعده کلی، قاعده عمومی
general sales tax	مالیات عمومی بر فروش کالا
general sequence	دنباله کلی
general services	

خدمات عمومی	
general setting	
وضعیت عمومی	
general shortage	
کمبود عمومی	
general shortage of labour, shortage of manpower	
کمبود عمومی کار	
general solution	
جواب عمومی	
general solution of linear equations	
جواب کلی معادلات خطی	
general specification	
مشخصه عمومی	
general standard	
استاندارد عمومی	
general standards	
استانداردهای عمومی	
general structure	
ساختار کلی	
general supervisor	
مباشر کل	
general survey	
پژوهش کلی	

general system	سیستم عمومی / معمولی
general system of preferences (GSP)	سیستم عمومی ترجیحات
general system theory	تئوری عمومی سیستم، نظریه عمومی سیستم، فرضیه عمومی سیستم
general tariff	تعرفه عمومی (یک ماخذ حقوق گمرکی)
general term	جمله عمومی (کلی)
general term of series	جمله عمومی سری
general terms	شرایط عمومی
general terms of contract	شرایط عمومی پیمان
general terms, general conditions	شرایط عمومی
general theorem of probability	قضیه عمومی احتمال
general theorem of repeated trials	قضیه عمومی آزمایش های تکراری
general theory	

general theory of relativity	نظریه عمومی (کلی)
general topology	نظریه عمومی نسبیت
general treasurer	توپولوژی عمومی
general treasurer, treasury general	خزانه دار کل
general treasury administration	خزانه داری کل
general tree	مدیریت خزانه داری کل
general warehouses	درخت عمومی
generality	انبارهای عمومی
generality approach	عمومیت، هامانی، کلیت
generalizability	رویکرد کلی نگری
generalization	قابلیت تعمیم
generalizations	تعمیم دادن

	کلیات
generalize	تعمیم دادن، عمومیت دادن، عمومیت
generalized	توسعه یافته، تعمیم یافته، هاما نیده
generalized analysis of variance	تجزیه واریانس تعمیم یافته
generalized audit program	برنامه حسابرسی عمومی
generalized audit software	نرم افزار عمومی حسابرسی
generalized audit software (gas)	نرم افزار عمومی حسابرسی
generalized continuum hypothesis	فرض پیوستار تعمیم یافته
generalized coordinates	مختصات تعمیم یافته، مختصات لاگرانژی
generalized function	تابع تعمیم یافته
generalized inverse	معکوس تعمیم یافته
generalized jacobian variety	چندگونای ژاکوبی تعمیم یافته
generalized poincare conjecture	

تعمیم حدس پوانکاره
generalized ratio test
آزمون دالامبر، آزمون تعمیم یافته نسبت
generalized roll's theorem
قضیه رل تعمیم یافته
generalized upper bound constraint
محدودیت عام حد فوقانی
generalized volume
حجم تعمیم یافته
generally
در حالت کلی، به طور کلی، عموماً، کلاً
generally accepted accounting
اصول متداول حسابداری
generally accepted accounting (auditing) standards (GAAS)
استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی
generally accepted accounting practices
رویه های قابل قبول عمومی حسابداری، اصول پذیرفته شده عمومی
Generally Accepted Accounting Principles
اصول عمومی پذیرفته شده در حسابداری
generally accepted accounting principles (GAAP)
اصول پذیرفته شده حسابداری
generally accepted auditing principles

اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری
Generally Accepted Auditing Standards
استانداردهای عمومی پذیرفته شده در حسابرسی
generally accepted auditing standards (gaas)
استانداردهای مبتنی بر میانگین
generally speaking
به طور کلی، قطع نظر از جزئیات، در حالت کلی
generate
تولید کردن
generate, establish
به وجود آوردن، تولید کردن، زاد و ولد کردن
Generated
ایجاد شده
generated by
تولید شده توسط، حاصل از، تولید شده بوسیله ی
generated by vectors
مخروط تولید شده با بردار ها
generated left ideal
ایده آل چپ ایجاد شده
generated subgroup
زیرگروه ایجاد شده
generated submodule
زیرمدول ایجاد شده
generating

مولد، پدیدآور، مولد، ایجاد کننده	
generating curve	
خم مولد	
generating element	
عنصر مولد	
generating function	
تابع مولد، تابع ایجاد کننده	
generating line	
خط مولد	
generating process	
فرآیند تولید، فرآیند تولید چرخ دنده	
generating set	
مجموعه تولید کننده	
generating system	
دستگاه مولد	
generation	
نسل، تولید، پیدایش، مولد، نقطه	
generative	
تولیدی	
generative process	
پروسه مولد	
generator	
مولد	
generator of a cone	

مولد مخروط	generator of a group
مولد گروه	generator of a prism
مولد منشور	generator of a surface of translation
مولد یک سطح انتقالی	generator of cone
پدیدآور مخروط	generator of group
مولد گروه	generatrix
مولد، پدیدآورنده، خط مولد	generatrix function
تابع مولد	generic
کلی، عمومی، جنسی، نوعی	genetics
علم وراثت، علم تکوین	geneva mechanism
مکانسیم جنوا	genral term
جمله عمومی، عبارت عمومی	genral term of a series

جمله عمومی سری	
genral theory of groups	
نظریه عمومی گروه ها	
genral theory of relativity	
نظریه نسبت عام	
genral topology	
توپولوژی عمومی	
genralized	
تعمیم یافته، تعمیم، عمومیت داده شده	
genralized form	
شکل تعمیم یافته، فرم کلی	
genralized function	
تابع تعمیم یافته	
genralized volume	
حجم تعمیم یافته	
genus	
گونا	
genus of a surface	
گونای رویه	
genus of surface	
نوع رویه	
geocentric coordinate system	
دستگاه مختصات زمین مرکزی	
geodesic	

ژئودزیک	
geodesic circle	
دایره ژئودزیک	
geodesic construction problem	
مسأله ترسیم هندسی	
geodesic coordinates	
مختصات ژئودزیک	
geodesic curvature	
خمیدگی ژئودزیک	
geodesic curveture	
خمیدگی ژئودزیک	
geodesic distribution	
توزیع هندسی	
geodesic figure	
شکل هندسی	
geodesic genus	
گونای هندسی	
geodesic line	
کوتاه ترین خط، خط ژئودزیک، خط مساحی	
geodesic mean	
میانگین هندسی	
geodesic number theory	
نظریه هندسی اعداد	
geodesic progression	

	تصاد هندسی، دنباله هندسی
geodesy	
	شناخت (تعیین) شکل زمین از نظر ریاضیات
geodetic	
	مربوط به کوتاه ترین خط اتصال وابسته به ژئودزی
geodetic surveying	
	نقشه برداری ژئودزی
geology	
	زمین شناسی
geomagnetism	
	ژئومغناطیس
geometer	
	هندسه دان
geometric	
	هندسی
geometric average	
	واسطه هندسی
geometric condition	
	شرط هندسی
geometric construction problem	
	مساله ترسیم هندسی
geometric derivative	
	مشتق هندسی
geometric distribution	

توزیع هندسی، پخش هندسی	geometric distribution law
قانون توزیع هندسی	geometric figure
شکل هندسی	geometric genus
گونای هندسی	geometric interpretation
تعبیر هندسی	geometric interpretation inverse matrix
تعبیر هندسی ماتریس معکوس	geometric locus
مکان هندسی	geometric mean
میانگین هندسی	geometric mean return
بازده مبتنی بر میانگین هندسی	geometric number theory
نظریه هندسی اعداد	geometric probability law
قانون توزیع احتمال هندسی	geometric programming
برنامه ریزی هندسی	geometric progression

تصاعد هندسی، فرایازی هندسی
geometric property
ویژگی هندسی
geometric redundancy
تباھیدگی ترسیمی
geometric relation
رابطه هندسی، نسبت هندسی
geometric relationship
رابطه هندسی
geometric representation
نمایش هندسی
geometric sequence
دنباله هندسی
geometric sequence and series
دنباله و سری هندسی
geometric series
سری هندسی
geometric solution of linear programs
جواب ترسیمی برنامه های خطی
geometric vector
بردار هندسی
geometrical
ترسیم هندسی، هندسی، به روش هندسی
geometrical condition

شرط هندسی	
geometrical construction	
ساختمان هندسی	
geometrical interpretation	
تعبیر هندسی	
geometrical optics	
اپتیک هندسی، نورشناسی هندسی	
geometrical probability	
احتمال هندسی	
geometrical representation	
نمایش هندسی	
geometrical speaking	
با بیان هندسی	
geometrically	
از طریق هندسی، به صورت هندسی، تعبیر هندسی، به طریق هندسی، به طور هندسی، از لحاظ هندسی	
geometrically speaking	
با بیان هندسی	
geometry	
هندسه، علم هندسه	
geometry of numbers	
هندسه اعداد	
geometry of sets	
هندسه مجموعه ها	

get	رسیدن، داریم، به دست آوردن، به دست می آید
getting started	شروع
giant star	ستاره غول آسا
gibb's phenomenon	پدیده گیبس
Gibbs phenomenon	پدیده گیبس
gifts with reservation of benefit	هدیه با شرط بهره مند شدن از منافع آن
giga	یک بیلیون (۱۰۹)، یک میلیارد
gilt-edged shares	سهم ممتاز
give	حاصل شدن
give an example	مثال بزنید
give authority to auditor	اختیار دادن به حسابرس
give rise to	

ناشی از، منتهی شدن، باعث به وجود آمدن، منجر گردیدن، به دست دادن
given
داده شده، مفروض، فوق، معلوم، معین
given that
با این فرض که، می دانیم که، برای
given without proof
که آنرا بدون اثبات می آوریم
glamor (glamour) stock
سهام محبوب، سهام پر جاذبه، سهام پر زرق و برق
glamour stock
سهام پرجاذبه زرق و برق
glide
لغزه
global
همه جایی، در کل، جایی، فراگیر، کروی، جامع، کلی، سرتاسری
global analytic functions
توابع تحلیلی یکجا
global bisection
تتصیف جامع
global concept
مفهوم کلی، ویژگی کلی
global convergence

global custody	همگرایی جامع
global economy	نگهداری اوراق بهادار
global error	اقتصاد جهانی
global maximum	خطای جامع، خطای کل میدان، خطای سراسری
global minimum	ماکزیم کلی
global properties	مینیم کلی، حداقل مطلق
global property	خواص سرتاسری
global system of trade preferences (GSTP)	خاصیت عمومی، خاصیت کلی
globalization	نظام جهانی ترجیحات تجاری
globe	جهانی شدن
globoid	کره، گوی
globular	گوی مانند، کروی

گوی مانند، کروی	
globular transfer	
انتقال گلوله ای	
glossary	
واژه نامه	
glueing	
چسباندن	
gluing theorem	
قضیه چسباندن	
gnomon	
عَلَم	
GNP deflator	
شاخص تعدیل کننده تولید ناخالص ملی	
go	
دسترسی پیدا کردن	
go ahead	
منافع خود را ترجیح دادن	
go gage	
سنجه برو	
go through	
انجام دادن	
go through an account	
حسابی را رسیدگی کردن	
Goal	

هدف
goal congruence
اشتراک منافع، همگون بودن هدف ها، نداشتن تضاد منافع
goal difficulty
هدفی که دستیابی به آن مشکل است
goal orientation
هدف جویی
goal oriented
هدف گرا
goal output indicator
شاخص تعیین کننده محصول (یا نتیجه کار)
goal programming
برنامه ریزی برای تعیین هدف
Godel completeness theorem
قضیه کمال گودل، قضیه تمامیت گودل
Godel incompleteness theorem
قضیه عدم کمال گودل، قضیه ناتمامیت گودل
godel numbering
عددگذاری گودلی
godel numbers
اعداد گودل
going away
خرید عمده اوراق بهادار
going concern assumption

going concern company	فرض تداوم فعالیت
Going concern concept	شرکت دایر
going concern or continuity assumption	مفهوم تداوم فعالیت
going concern value, going value	قرض تداوم یا استمرار فعالیت
going out of existence	ارزش با فرض تداوم فعالیت
going private	منحل شدن عدم تداوم فعالیت
going public	تبدیل به سهامی خاص کردن یک شرکت سهامی عام، خصوصی سازی
going value	تبدیل به سهامی عام شدن
going wage rate	ارزش رایج، ارزش مستمر
going-concern assumption	دستمزد متداول، مزد جاری
going-concern value	فرض تداوم فعالیت

خالص ارزش دارایی ها (ارزش دفتری)، ارزش ویژه، حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت	
Gold – backing	سیستم پایه طلا
Gold – exchange standard	سیستم پایه ارز
Gold alloy	عیار طلا
gold and foreign exchange reserve	ذخایر طلا و ارز
gold bar	شمش طلا
Gold bar (bullion)	شمش طلا
gold base reserve	اندوخته بر پایه طلا
Gold bonds	اوراق قرضه طلا
gold bullion standard	پایه شمش طلا، پایه طلای غیر مسکوی
Gold certificates	گواهینامه های طلا
Gold coin	سکه طلا

Gold holdings reserves	ذخایر طلا
gold market	بازار طلا
Gold parity	برابری طلا
Gold spot precious metal trading	معاملات نقدی و تحویل فوری فلز گرانبهای طلا
gold standard	پایه طلا، سیستم واحد پولی طلا
goldbach problem	مسأله گولدباخ
golden handcuffs	دستبندهای طلایی
golden parachute	چتر نجات طلایی
golden ratio	نسبت زرین، نسبت طلایی
golden ratio search	جستجوی نسبت طلایی
golden rectangle	مستطیل زرین
golden section	برش زرین، تقسیم زرین، تقسیم طلایی

golden shares	سهام طلایی
gompertz curve	منحنی گومپرتز
goniometer	زاویه سنج، وسیله ای برای اندازه گیری زاویه
good	محصول، کالا، جنس
good afloat	کالای در راه
good business reasons for issuing	دلایل تجاری مناسب برای انتشار ...
good faith	حسن نیت
good faith deposit	ودیعه با حسن نیت
good faith duty	با حسن نیت کامل
good faith gesture	صداقت/ حسن نیت ظاهری
good in process	کالای در جریان ساخت
good in process inventory	موجودی کالای در جریان ساخت

good nits	آحاد (واحد‌های) سالم محصول
good till cancelled order	سفارش با اعتبار تا اطلاع بعدی
good units, safe units	واحد‌های سالم محصول
good until cancelled	معتبر تا اطلاع ثانوی
good will	سرقفلی
goodness	شانس، نیکویی، خوبی
goodness of fit	نیکویی برازاندن، خوبی برازیدن، آزمون تطابق، زیبایی، نیکویی برازش
goodness of fit test	تست خوبی انطباق، آزمون نیکویی برازش
goodness pf fit	مناسب بودن برازش نیکویی برازش
Goods	کالا - مال التجاره
goods and chattels	اموال و دارائی های منقول
goods and services	

گالاها و خدمات	
goods available for sale	گالای آماده برای فروش
goods charged with customs duty	گالای مشمول عوارض گمرکی
goods clearing agreement	قرارداد پایاپای کالا
goods damaged by water	گالای آینده
goods declaration	اظهارنامه کالا
goods in free circulation, authorized goods	گالاهای مجاز
goods in hand of agent	گالا نزد نماینده (یا کارگزار)
goods in hand of others	گالا در دست دیگران
goods in process account	حساب گالای در جریان ساخت
goods in transit	سفارشات در راه، گالاهای در راه گالای بین راهی
goods insurance	بیمه کالا
goods inventory at the end of the year	

موجودی کالای ساخته شده آخر سال (آخر دوره)	goods inward book
دفتر کالای وارده (رسیده)	goods inward declaration
اظهارنامه کالای وارده (رسیده)	goods inward records
مدارک و اسناد کالای وارده (رسیده)	goods manifest
مانیفست کالا	goods of inferior quality, Junk
بنجل	goods on consignment
کالا(های) امانی	goods on sale
کالای آماده فروش	goods out on sale
کالای ارسالی برای فروش	goods out ward
کالای ارسالی	goods out with agent
کالای ارسالی به نمایندگی	goods outward book
دفتر کالای ارسالی (صادره)	goods outward records

مدارک و اسناد کالای صادره (ارسالی)
goods profit percentage
درصد سود روی کالا
goods purchased account
حساب کالای خریداری شده
Goods Receipt Note
برگه رسید کالا
goods received department
اداره دریافت کالا
goods received, goods inward
کالای رسیده
goods sent to branch at cost price
کالای ارسالی به شعبه به قیمت تمام شده
goods sent to branch at selling price
کالای ارسالی به شعبه به قیمت فروش
Goods sold
کالاهای فروخته شده
goods sold account
حساب کالای فروخته شده
goods, material, article, commodity
کالا، جنس، مواد، مال التجاره، امتعه
Goodwill
سرقفلی

goodwill arising on consolidation, consolidated goodwill, consolidation excess	سرقفلی ترکیبی
goodwill at cost price	سرقفلی به قیمت تمام شده
goodwill on consolidation	سرقفلی ادغام شرکت ها، سرقفلی تلفیقی
googol	عدد یک با صد صفر جلوی آن (۱۰۱۰۰)
gordon's dividend valuation model	مدل ارزشیابی مبتنی بر سود سهام مدل گوردن
govern	اداره کردن، بیعت کردن، پیروی کردن
governing	حکومت
governing laws	قوانین حاکم
Government	دولت
Government accountant	حسابدار دولتی
government accounting standards board (GASB)	هیئت استانداردهای حسابداری دولتی

Government agencies	مؤسسات دولتی
government aid items	اقلام کمک های دولت
government assistance, government aid	کمک دولت
government audits	حسابرسیهای دولتی
government bond calendar	فهرست عرضه اوراق قرضه دولتی
government bonds	اوراق قرضه دولتی
government grant	کمک دولتی، کمک بلاعوض
Government Loan	وام دولتی
government obligations	تعهدات دولت
government owned company, state owned company, crown corporation	شرکت دولتی
Government Subside	سوبسید
Government treasury	

خزانه دولت
government(al) accounting
حسابداری دولتی
government's accounts
حساب های دولتی
Governmental
دولتی
governmental accounting
حسابداری سازمانی غیر انتفاعی حسابداری دولتی
governmental accounting standards
استانداردهای حسابداری دولتی
Governmental Accounting Standards Advisory Council
شورای مشورتی استانداردهای حسابداری دولتی در امریکا
Governmental Accounting Standards Board
هیات تدوین استانداردهای حسابداری دولتی – این هیات در سال ۱۹۸۴ شکل گرفت و مسئولیت تدوین و صدور بیانیه هایی را در مورد استانداردهای حسابداری دولتی بر عهده دارد
governmental accounting standards board (gasb)
هیات تدوین استانداردهای
governmental agencies
نهادهای دولتی
governmental and municipal accounting

حسابداری دولتی و شهرداریها
governmental auditing
حسابرسی دولتی
Governmental bodies
شرکتهای دولتی - نهادهای دولتی
governmental funds
حساب های مستقل برای وجوه دولتی، انواع وجوهی که در سازمان های دولتی، برای تامین هدف های خاص در نظر می گیرند
governmental grants, related to assets, government grants, grants
کمک های بلاعوض دولت
Governmental Management
مدیریت دولتی
governmental property
اموال دولتی
governmental purchasing
خرید دولتی
governor
تنظیم کننده
Grace Percentage
درصد ارفاقی (درصدی که مدیر عامل معمولاً به صورت استثنا در نظر می گیرد).
grace period
مهلت اضافی پرداخت

grace period, deadline	
	مهلت زمانی جهت رفع مواد تخطی از شرایط قرارداد، مهلت شروع بازپرداخت وام، مهلت
Grace Quantity	
	مقدار فراتر از اعتبار (ارفاقی)
grad	
	یک صدم زاویه قائمه، گراد
graduate	
	درجه بندی کردن
gradation	
	درجه بندی
Grade	
	درجه
grade accounts, classify accounts	
	طبقه بندی کردن حساب ها
graded	
	مدرج، زینه بندی شده
graded a module	
	مدول مدرج-a
graded algebra	
	جبر مدرج
graded ideal	
	ایدال مدرج
graded ring	

	حلقه مدرج
gradient	شیب، شیب دار، گرادیان، ضریب زاویه، زینی، شیب چندی
gradient field	میدان گرادیان
gradient method	روش گرادیان
gradient of a function	گرادیان تابع
gradient of a line	شیب خط
gradient of a stright line	ضریب زاویه خط راست
gradient of stright line	شیب، ضریب زاویه
gradient vector	بردار گرادیان
grading	درجه بندی، نمره دادن، زینه بندی
grading method	روش رتبه بندی، روش درجه بندی
gradual	تدریجی

gradual tax	مالیات تدریجی
gradually	رفته رفته، به تدریج
graduate	درجه بندی کردن، مدرج کردن
graduate accounting admission tests	آزمونهای کارشناسی ارشد حسابداری
graduate management admission test (gmat)	آزمون کارشناسی ارشد مدیریت
graduated	درجه بندی شده، مدرج
graduated rate structure	نرخ مالیات تصاعدی
graduation	درجه بندی، تقسیم بندی، مدرجه، درجه، زینه بندی، اعطای درجه
graeco latin	لاتین-یونانی
grain	کوچکترین واحد سنجش
grain boundary	مرز دانه ها، مرز دانه ای
grain structure	

	ساختمان دانه ای
gram	
	واحد وزن برابر یک هزارم کیلوگرم
Gram Schmidt orthogonalization	
	عمود سازی گرام – اشمیت
Gram Schmidt orthogonalization process	
	فرآیند عمود سازی گرام – اشمیت
Gram Schmidt process	
	فرآیند گرام-اشمیت
gram theorem	
	قضیه گرام
grammar	
	دستور
grand	
	بزرگ، اکبر
grand lot scheme	
	طرح برای بسته بزرگ
grand mean	
	میانگین کل
grand term	
	جمله بزرگ، حد اکبر
grandeur	
	بزرگی
grandfather clause	

حفظ اعتبار قوانین قبلی
grant = grant in aid
کمک بلا عوض، اعطا کردن، بخشیدن
grant date
تاریخ اعطا
grant in aid
کمک بالا عوض دولتی
grant in aid, grant granting aid, bounty, grant
کمک بلا عوض مشروط
grant related to asset
کمک بلا عوض مربوط به دارایی
grant related to income
کمک بلا عوض مربوط به درآمد
granting of long-term credits
اعطای اعتبار بلندمدت
granting of short-term credits
اعطای اعتبارات کوتاه مدت
grantor
واگذارنده اختیار معامله
grants
کمک های بلا عوض
grants and donations
کمک ها و اعانات
granular

دانه ای، مدور، هسته ای، دانه دار
graph
گراف
graph of a binary relation
نمودار یک رابطه دوتایی
graph of a correspondence
نمودار یک تناظر
graph of a function
نمودار تابع
graph of a relation
نمودار رابطه
graph of binary relation
نمودار رابطه دوتایی
graph of correspondence
گراف تناظر
graph of function
گراف تابع، نمودار تابع
graph of mapping
نمودار نگاشت، گراف نگاشت
graph of relation
گراف رابطه، نمودار رابطه
graph theory
نظریه گراف ها، نظریه گراف
graph, diagram, chart, graphic

نمودار
graphic
نموداری، هندسی، گرافیک، ترسیمی، گراف، نگاره، خط نما، تصویری
graphic analysis
تجزیه و تحلیل نموداری (مصور)
graphic method
روش ترسیمی (نموداری)
graphical
ترسیمی، منحنی، به کمک رسم
graphical calculation
محاسبه نموداری
graphical differentiation
مشتقگیری نموداری
graphical evaluation and review technique
فن ارزیابی و بازنگری گرافیکی
graphical format
شکل نموداری
graphical integration
انتگرالگیری نموداری
graphical presentation of probability distribution
بیان گرافیکی توزیع احتمال
graphical representation

نمایش گرافیکی، نمایش تصویری، نمایش ترسیمی، نمایش خم تغییرات، نمودار
graphical solution
حل ترسیمی، حل نموداری
Graphical User Interface
استفاده از رابط کاربر گرافیکی و گرافیک
graphically
از روی شکل، به وسیله شکل، از طریق هندسه
graphics
علم ترسیم
grasp
گرفتن، محکم گرفتن، دستگیره، قلاب
gratia
التفات، بخشش، (از روی لطف و بدون هیچ دلیل و قانونی چیزی را به عنوان هدیه دادن)
grating
شبکه، شبکه بندی، مشبک
gratuitous
بلاعوض، مجانی
gratuitous loan (or free loan)
وام قرض الحسنه
gratuitous transfer tax
مالیات بر نقل و انتقال بلاعوض
Gratuity Accrual

سیستم تعهدی انعام	
gratuity fund	
صندوق بیمه عمر کارگزاران	
gratuity, bonus, tip	
انعام	
graveyard market	
بازار راکد و بی رونق	
gravitate	
گرانیدن، از قانون جاذبه پیروی کردن، گرانش، ثقل، جاذبه، گرانی	
gravitation	
ثقل، گرانش	
gravitational	
ثقلی، گرانشی	
gravitational attraction	
جاذبه ثقلی	
gravitational constant	
ثابت گرانشی	
gravitational field	
میدان گرانشی	
gravitational force	
نیروی گرانشی	
gravitational interaction	
بر هم کنش گرانشی	

gravitational potential	پتانسیل ثقلی
gravitational radius	شعاع ثقلی
gravitational theory	نظریه جاذبی
gravity	گرانی، نیروی ثقل، جاذبه زمین، گرانش، جاذبیت، کشش، ثقل
gravity screens	حایل های ثقلی
gravity wheel conveyor	نقاله چرخى وزنى
gray area	حوزه مبهم نکته/ مورد مبهم وضع/ وضعیت مبهم
great	بزرگ، زیاد
great and small circles	دایره های خرد و بزرگ، دوائر بزرگ و کوچک
great circle	دایره عظیمه
greater	بزرگتر
greater than	

greater than expected	بزرگتر از
greater than or equal to	بیشتر از حد مورد انتظار
greatest	بزرگترین
greatest common divisor	بزرگترین مقسوم علیه مشترک، بزرگترین عامل مشترک، بزرگترین بخش‌یاب مشترک
greatest common factor	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
greatest common measure	بزرگترین اندازه مشترک
greatest element	بزرگ‌ترین عنصر، عنصر ماکسیم
greatest integer	بزرگترین عدد صحیح
greatest integer function	تابع بزرگترین عدد صحیح، تابع جزء صحیح
greatest integer in	بزرگترین عدد صحیح در

greatest integer less than a real number	قسمت صحیح عدد حقیقی، بزرگترین عدد صحیح کوچکتر از یک عدد حقیقی معین
greatest integral	جامعه بالاترین، جامعه کامل
greatest lower bound	بزرگترین کران پایینی
greatest member	عضو اکثر، بزرگترین عضو
greatest possible error	بزرگترین خطای ممکن
greek alphabet	الفبای یونانی
Green back	اصطلاحی برای دلار امریکا در بازار فارکس
green formula	فرمول گرین
green functions	تابع های گرین
green mail	پرداخت حق حساب برای جلوگیری از خرید
green measure	اندازه گرین
green reporting	

گزارش سبز	
green sand	ماسه خام، ماسه تر، ماسه سبز
green's formulas	دستور های گرین، روابط گرین
green's function	تابع گرین
green's theorem	قضیه گرین
Greenback	دلار امریکا
greenmail	تهدید به خلع ید، خرید مقدار زیادی از سهام یک شرکت، سپس فروش مجدد آن به شرکت به قیمتی بیش از قیمت بازار و در ازای آن دادن تعهد مبنی بر ندادن پیشنهاد خرید (برای کل شرکت)
gregory leibniz formula	فرمول گریگوری-لایب نیتس
gregory newton formula	فرمول گری گوری-نیوتن
grey market	بازار راکد، بازار کم رونق
grid	تور، شبکه ای از نقاط نقطه چین، شبکه، فضا دهنده، توری، صفحه

grid sampling	نمونه گیری توری
grid search method	روش جستجوی شبکه ای
groove	شیار، چاک، فاق، بریدگی، شیارکندن، شیار
grooved part	قضیه شیار دار
grooved rool	غلتک شیار دار
Gross	ناخالص
gross (income-earnings)	درآمد ناخالص
gross (income-profit), gross profit on sale, profit margin	سود ناخالص
gross (margin-profit) method	روش سود ناخالص
gross (profit-margin) variance	سود ناویژه مغایرت (انحراف)
Gross Amount	مبلغ ناخالص
gross amount approach	

روش ناخالص مبلغ خرید
gross asset
دارایی ناخالص
gross average
خسارت مشترک، خسارت همگانی، زیان همگانی
gross average / general average
خسارت همگانی / خسارت مشترک
gross book value
ارزش دفتر ناخالص
gross book value of asset
ارزش دفتر ناویژه دارایی
gross cash flow
گردش نقد ناخالص
gross contribution margin
حاشیه فروش ناخالص
gross current replacement cost
ارزش جایگزینی ناخالص
Gross Domestic Product (GDP)
تولید ناخالص داخلی
gross dividend per share
سود ناخالص هر سهم، کل ناخالص سود تقسیمی را که شرکت در یک سال پرداخت می کند تقسیم بر تعداد سهام عادی در دست عموم
Gross Domestic Product

محصول ناخالص داخلی
gross domestic product at factor
تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل
gross earnings = gross income
درآمد (عایدات) ناخالص
gross error
خطای ناخالص
gross estate
ارزش ناخالص دارایی
gross fixed asset
دارایی ثابت ناخالص
Gross fixed investment
سرمایه گذاری ثابت خالص
Gross Income
درآمد ناخالص
Gross interest
بهره ناخالص
gross investment in the lease
سرمایه گذاری ناخالص در اجاره
gross lease
اجاره کامل
gross margin
سود ناخالص

gross margin (gross profit; gross profit margin)	سود ناویژه، سود ناخالص، حاشیه فروش
gross margin analysis, gross profit analysis	تجزیه و تحلیل سود ناویژه
gross margin method	روش سود ناخالص
gross margin percentage	درصد سود ناخالص
gross margin percentage, gross profit percentage	درصد سود ناخالص
gross margin ratio (gross profit percentage)	نسبت سود ناویژه، درصد سود ناویژه
gross margin recognition	شناسائی سود ناخالص
gross margin, gross profit ratio	نسبت سود ناخالص
Gross National Product	تولید ناخالص ملی
Gross national product (G.N.P)	محصول ناخالص مالی
gross national product (GNP)	تولید ناخالص ملی

gross national product at factor	تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل
gross national product at market	تولید ناخالص ملی به قیمت بازار
gross output	بازده ناخالص، تولید ناخالص
gross pay	حقوق ناخالص پرداخت ناخالص
gross pay, gross salary	حقوق ناخالص، پرداخت ناخالص
gross product	محصول ناخالص
Gross profit	سود ناخالص
gross profit analysis	تجزیه و تحلیل سود ناخالص
gross profit gross margin	سود ناخالص
gross profit margin	حاشیه سود ناخالص
gross profit method	روش سود ناخالص
gross profit on sales	سود ناخالص فروش

gross profit percentage	درصد سود ناویژه
gross profit ratio	نسبت سود ناخالص، درصد سود ناخالص
gross purchase	خرید ناخالص
gross realized profit	سود ناویژه تحقق یافته
gross redemption yield (effective yield; yield to maturity)	نرخ بازده داخلی اوراق قرضه که در تاریخ معین خریداری و تا سررسید نگهداری می شود
gross replacement cost	بهای ناخالص جایگزینی
gross residual value	ارزش اسقاط مال
gross return on net assets	بازده ناخالص از دارایی های خالص
gross sale	فروش ناخالص (ناویژه)
gross spread	هزینه انتشار اوراق بهادار
Gross theorem	قضیه گروس

Gross To Net Logic	برنامه کلان آموزش و منطق ناخالص به خالص
Gross Weight	وزن ناخالص
gross working capital	سرمایه در گردش ناخالص
Gross yield	بازده ناخالص
gross-price method (of recording purchase, sales discounts)	روش مبتنی بر ناخالص قیمت. هنگام ثبت خرید و تخفیف از فروش
gross-profit ratio	نسبت سود ناویژه
ground	زمینه، زمین، اساس
ground field	هیئت زمینه، میدان زمینه
ground line	خط الارض
ground ring	حلقه پایه ای
grouped frequency distribution	توزیع فراوانی گروه شده

Group	گروه
Group abelian	گروه آبدلی
group accounts (group financial statement)	صورت های مالی تلفیقی، صورت های مالی گروهی
group algebra	جبر گروهی
group assignments	تکالیف گروهی
group attitude	گرایش گروهی
group axioms	اصول گروه
group balance	توازن گروهی
Group banking	بانکداری متمرکز
group bonus plan	طرح پاداش دسته جمعی
group buns plan	طرح پاداش دسته جمعی
group character	مشخصه گروه

group companies	گروه واحدهای تجاری
group constraint	محدودیت گروهی
group correlation	همبستگی گروهی
group creditors insurance	بیمه گروهی طلبکاران
group depreciation	استهلاک گروهی
group development	پیشرفت گروهی، گسترش گروهی
group homomorphism	هم ریختی گروهی
group insurance	بیمه دسته جمعی، بیمه گروهی
group isomorphism	ایزومورفیسم گروه ها
group layout	جانمایی گروهی، طرح گروهی، آرایش گروهی
group life insurance	بیمه زندگی گروهی
group of accounts	گروه حساب ها

group of automorphisms	گروه خودریختی ها
group of automorphisms of a module	گروه خودسانی های یک مدول
group of homomorphisms	گروه همسانی ها
group of inner automorphisms	گروه خوددیسگی های درونی
group of motions	گروه حرکت ها
group of order n	گروه از مرتبه n
group of outer automorphisms	گروه خوددیسگی های بیرونی
group of permutations of a set	گروه جایگشت های یک مجموعه
group of permutations of n objects	جایگشت های n گروه شیء
group of quaternion units	گروه یکه های کوترنیونی
group of similitudes	گروه تشابهات
group of transformations	گروه تبدیل ها

group of transformations of a set	گروه تبدیلات یک مجموعه
group of units	گروه یکه ها
group operating on a set	گروه عامل بر یک مجموعه
group operation	عمل گروهی
group pressure	فشار گروهی
group replacement	تعویض گروهی
group representation	نمایش گروه
group ring of a compact group	حلقه گروهی یک گروه فشرده
group scheme	طرح گروهی
group structure	ساختار گروهی، ساخت گروهی
group technology	تکنولوژی گروهی
group theory	نظریه گروه

group undertaking	واحد تجاری فرعی
group value	ارزش گروه
groupage (=consolidation)	دسته بندی کردن (= ادغام کردن)
groupage agent	عامل ادغام
grouped	گروه بندی شده
grouped data	داده های دسته بندی شده
grouped frequency distribution	توزیع فراوانی گروه شده
grouping	دسته بندی، گروه بندی، گروه بندی کردن
grouping error	خطای طبقه بندی
grouping financial statement	ارائه صورت های مالی واحدهای فرعی به صورت خلاصه و ارائه توضیح لازم
grouping sheet, grouping working paper	کاربرگ گروه بندی حساب ها
grouping terms	

	دسته بندی جملات
groupoid	
	گروه وار
grow	
	رشد کردن، نمو کردن
Growth	
	رشد
growth companies	
	شرکتهای در حال رشد
growth company	
	شرکت در حال رشد
growth curve	
	خم رشد
growth factor	
	عامل رشد
growth function	
	تابع رشد
growth rate	
	نرخ رشد
growth stage	
	مرحله رشد
growth stock	
	سهام(شرکتهای) در حال رشد
Guarantee	

گارانتی - تضمین	Guarantee credit
اعتبار ضمانتی	guarantee fund
سپردہ تضمینی	guarantee society
شرکت تضامنی	Guarantee, guaranty, warranty, bond, bail
ضمانت، تعهد، وثیقہ، سپردہ	guaranteed annual salary
حقوق سالانہ تضمین شدہ	guaranteed annuity
مستمری تضمین شدہ	guaranteed bill
برات تضمین شدہ	guaranteed bond
اوراق قرضہ تضمین شدہ	Guaranteed credit
اعتبار تضمین شدہ	guaranteed deposit
سپردہ تضمین شدہ	guaranteed dividend .
سود تضمین شدہ	guaranteed funds

و جوه تضمين شده	guaranteed income contract
قرارداد درآمد تضمين شده	guaranteed interest, collateralized interest
بهره تضمين شده	guaranteed investment certificate
گواهی سرمایه گذاری تضمين شده	guaranteed letter
ضمانت نامه	guaranteed loan
وام تضمين شده	guaranteed minimum pension
حداقل مستمری تضمين شده	guaranteed mortgage
رهن تضمين شده	guaranteed payment
پرداخت تضمين شده	guaranteed price
قیمت تضمين شده	guaranteed residual
ارزش باقیمانده (اسقاط) تضمين شده	guaranteed residual value
ارزش باقیمانده تضمين شده	guaranteed share

سهم تضمین شده	
guaranteed wages	
دستمزد تضمین شده	
guaranteeing association	
نهاد تضمین کننده (ضامن)	
guaranteeing chain	
زنجیره (شبکه) تضمین کننده	
guarantor	
ضامن، کفیل، متعهد	
guaranty	
ضمانتنامه، تعهدنامه، وجه الضمان، تضمین	
Guaranty funds	
وجوه تضمینی	
guard	
حامل، حفاظ، نگهبان، محافظ، سپر، جلوبند	
guardian, headmaster	
سرپرست، ولی	
guarding figure	
رقم محافظ	
gudermanian	
تابع گودرمانی، گودرمانی	
gudermann function	
تابع گودرمان	
gudermannian	

گودرمانی	
guess	
	حدس زدن، حدس
guessed mean	
	میانگین فرضی
guessed score	
	نمره فرضی
guide	
	بست، راهنمایی کردن، کلید، ضامن، راهنما، گیره، هادی
guide curve	
	خم هادی
guide edge	
	لبه راهنما
guide pin	
	میله راهنما، خار مرکز یاب، میل راهنما، میله هدایت
guide post	
	میل راهنما
guide tube	
	لوله راهنما
guideline	
	رهنمود دستور العمل
guidelines for internal auditors	
	رهنمودی برای حسابرسان داخلی
guidelines on statements	

خطوط راهنمای صورت حساب ها	
gum	چسب زدن، چسب، کائوچو، لاستیک
gunning process	فرآیند تفنگی، روش تفنگی
gyrate	دوران کردن، دوران، دایره ای
gyration	چرخش، دوران، ژیراسیون
gyratory	دورانی
gyre	دوران، گردش دایره ای
gyro compass	قطب نمای ژيروسکوپی
gyrodial	مارپیچی
gyroscop	گردش نما، ژيروسکوپ
gyroscopic	گردش نمایی، چرخه نمایی
H	علامت اختصاری ساعت و ارتفاع، حرف هشتم الفبای انگلیسی

H test	آزمایش H، H-آزمایش
ha	علامت اختصاری برای هکتار
haag's method	روش هاگ
hachure	هاشور، هاشور زدن
hacksaw	کمان اره، اره کمانی، اره آهنبر
hacksaw frame	کمان اره دستی
had we expressed a as x	اگر x را بر حسب (به صورت) a بیان کرده بودیم
hadamard conjecture	حدس آدامار
Hadamard inequality	نابرابری آدامار
Hadamard multiplication theorem	قضیه ضرب آدامار
hadamard's three circle theorem	قضیه سه دایره هادامارد
hade	زاویه انحراف از قائم

hahn banach theorem	قضیه هان-باناخ
haircut	تعدیل کردن ارزش اوراق بهادار
half	پیشوندی به معنی نصف، نیمه، نصف، نیم
half angle	نیم (نیمه - نصف) زاویه
half angle formula	فرمول نصف زاویه
half angle substituiton	جانشانی نیم (نیمه - نصف) زاویه
half closed	نیم بسته
half infinite	نیمه متناهی
half infinite interval	فاصله نیمه نامتناهی
half interval	بازه نیم باز، فاصله نیم باز، بازه نیم متناهی
half life	نیمه عمر
half line	نیمخط، خط شعاعی، پرتو

half multidimensional interval	سنگفرش نیم باز
half open	نیم باز، نیم گشوده
half open interval	بازه نیمباز
half plaid	نیمه پیچازی
half plane	نیم صفحه
Half Price	نصف قیمت
half range	نیم دامنه ای
half rotation	نیم دوران
half -secret trust	وصیت فاقد موصی له
half space	نیم فضا
halfline	نیم خط
halfspace	نیم فضا

halt state	حالت توقف
halting problem	مسأله توقف
halve	نصف کردن
halved	نصف شده
halving	تتصیف
ham sandwich theorem	قضیه ساندویچ هام
hamel basis	پایه همل
Hamilton canonical equation	معادله های متعارف همیلتونی
hamilton canonical equations	معادله های متعارف همیلتون
hamilton cayley theorem	قضیه هامیلتون-کیلی
hamiltonia	هامیلتونی
Hamiltonial cycle	دور همیلتونی

Hamiltonian graph	گراف همیلتونی
hamiltonian	هامیلتونی
hamiltonian circuit	مدار همیلتونی، دور همیلتونی
Hamiltonian cycle	دور همیلتونی
hamiltonian function	تابع همیلتونی
hamiltonian graph	گراف همیلتونی
Hamiltonian mechanics	مکانیک همیلتنی
hammering the market	زیر فشار قرار دادن بازار
hand	سمت، دست، طرف
hand held	دستی
hand money	بیعانه، پیش قسط
hand nut	مهره دستی، فلکه دستی

hand over of site	تحويل محل کارگاه
hand over, practical completion, provisional hand over	تحويل موقت / مشروط
hand print	دستنویس
hand rammer	کوبه دستی
hand reame	برقوی دستی
hand shield	حفاظ دستی، ماسک دستی
hand tape	قلاویز دستی
hand -written accounting system, manual accounting system	سیستم حسابداری دستی
handbook	کتاب راهنما، راهنما، کتاب دستی
handbook of internal accounting controls	راهنمای کنترل های داخلی حسابداری
handbuilt prototype	نمونه دست ساز

handicraft economy	اقتصاد مبتنی بر صنایع دستی
handing	جابجا کردن، جا به جایی، حمل و نقل
handle	به کار بردن
handling charge / handling cost	هزینه جابجایی
handling charges	مخارج (هزینه های) جابجایی / نقل و انتقال
handling of goods	جابجایی کالا
handout	اوراق توزیعی
hand-over / handover	تحویل، تحویل قطعی، تفویض کردن، تحویل دادن
hang Kong index	شاخص بورس هنگ کنگ
hang up	توقف غیر برنامه ای، توقف ناخواسته
hanging	آویزان
hanging chain	زنجیر آویزان

hankel function	تابع هنکل
hankel transform	تبدیل هنکل
haphazard sample selection	انتخاب نمونه به صورت نامنظم
haphazard selection	انتخاب بدون نصب
happening	رویداد
harbor / harbour	بندرگاه
hard cash	پول نقد مسکوک
hard copy	نسخه چاپی
hard currency	ارز معتبر، ارز قابل قبول، پول رایج باداوم
hard data	اطلاعات قطعی (یا عینی)
hard disk	دیسک سخت
hard loan	وام مطمئن (مستحکم)

hard money	پول فلزی، پول معتبر
hard recession	رکود شدید، افت شدید
hard surfacing	سختی سطحی
hardening	سخت شدن، سخت کردن، آب دادن
hardening temperature	درجه حرارت سخت کردن
harder to see	به سختی قابل رؤیت هستند
hardfacing	پوشش سخت، پوشش سخت ساینده، سخت پوشی، سخت کردن سطحی
hardness	استحکام، سختی
Hardware	سخت افزار
hardware controls	کنترل‌های سخت افزاری
hardware controls, manager controls	کنترل های سخت افزار
hardy class	

فضای هاردی، کلاس هاردی
Hardy space
فضای هاردی
harmonic
همساز
harmonic alternating series
سری متناوب توافقی
harmonic analysis
آنالیز همساز، آنالیز هارمونیک
harmonic average
واسطه موزون
harmonic conjugate
مزدوج توافقی، مزدوج همساز
harmonic conjugates of two points
مزدوج های همساز دو نقطه، مزدوج های توافقی دو نقطه
harmonic continuation
فاصله همساز
harmonic damped oscillator
نوسان گر میرای توافقی
harmonic division
تقسیم همساز، تقسیم توافقی، تقسیم موزون
harmonic division of a line
تقسیم توافقی یک خط
harmonic function

تابع همساز	harmonic mean
میانگین همسان	harmonic measure
اندازه همساز	harmonic motion
حرکت همساز	harmonic oscillation
نوسان هماهنگ	harmonic oscillator
نوسان گر همساز	harmonic pencil
اشعه توافقی، دسته خط توافقی، دسته خطوط توافقی، دسته خطوط موزون	harmonic points
نقطه های همساز، نقطه های توافقی	harmonic progression
تصاعد توافقی، تصاعد همساز، دنباله همساز	harmonic quadrilateral
چهارضلعی هارمونیک	harmonic quaternion
چهارگانه همساز	harmonic range
تقسیم توافقی، رشته توافقی	

harmonic ratio	نسبت توافقی
harmonic row	تقسیم توافقی
harmonic sequence	تصاعد همساز، دنباله همساز
harmonic series	سری همساز، سلسله توافقی، رشته توافقی، سری توافقی
harmonic simple motion	حرکت ساده توافقی
harmonic spaces	فضاهای موزون، فضاهاى هماهنگ
harmonic synthesis	ترکیب همساز
harmonic tetrad	چهاره توافقی
harmonization	هماهنگ سازی یکسان سازی
harmonization of accounting standards	یکسان سازی استانداردهای حسابداری
Harmonized	هماهنگ و همساز شده
harmonized system (HS)	سیستم هماهنگ شده

harmonized system convention	کنوانسیون سیستم هماهنگ شده
harmony	هماهنگی، همسازی، تطابق
harvest mission	رسالت برداشت/ نتیجه گیری
harvesting strategy	استراتژی کسب سود در کوتاه مدت
hash total	جمع درهم، جمع غیر عادی
hatch	هاشور، هاشور زدن
hatched	هاشور خورده، آژیده
haulage	کرایه حمل کالا
hausdorff	هاسدورف
hausdorff axiom	اصل موضوع هاسدورف، دومین اصل موضوع تفکیک
Hausdorff maximal principle	اصل ماکسیمال هاسدورف
hausdorff space	فضای هاسدورف، t_2 -فضا

hausdorff subset	بخش مجزا
hausdorff topology	توپولوژی مجزا
have	قرار داشتن، واقع بودن، دارای ... است.
have to	بخواهیم
haversine	توان دوم سینوس نصف قوس
having	با در دست داشتن، که دارای
having completed	پس از اتمام
hazard	مخاطره، تصادف، خطر
hazard rate	میزان خطر
hazardous	خیلی خطرناک، تصادفی، اتفاقی
head	رو، شاخک، شیر، نوک، سر، رئیس، کله، کله گی، کلاهک، سرستون
head lease	

قرارداد اجاره اصلی
head line
سرمقاله، تیتر
head note
سربرگ
head of accounting, head of accounts, accounting general, chief accountant
رئیس حسابداری
head of auditing department
رئیس اداره حسابرسی
head of bookkeeping section
رئیس دایره دفتر داری
head of budget department
رئیس اداره بودجه
head of cost accounting department
رئیس اداره حسابداری صنعتی
head of department
رئیس اداره
head of financial affairs
رئیس امور مالی
head of financial department
رئیس اداره خدمات مالی
head of financial planning department
رئیس اداره برنامه ریزی مالی

head of general accounting department	رییس کل حسابداری
Head Office	دفتر مرکزی
head office current account	حساب جاری مرکز، حساب جاری اداره مرکزی
head office expense	هزینه اداره مرکزی
head office, central office, headquarter	دفتر مرکزی
head on collision	برخورد رویاروی یا مستقیم
head or tail	شیر یا خط
head recursion	بازگشتی از ابتدا
head stock	پایه صفحه نظام، نگهدار مرغک ثابت، سر دستگاه
head tally clerk	متصدی بارشماری
head teller	سرتحویلدار
headed bush	بوش لبه دار

header	لوله پخش، لوله رابط، لوله اصلی
header node	سر گره
heading	عنوان سرفصل
headless bush	بوس مسطح، بوش صاف
headline earnings per share	گزارش خاص در مورد سود هر سهم
headmaster, manager, boss, chief, president	رییس، کارفرما، مدیر
headquarter	اداره / دفتر مرکزی
headquarter for prisoners of war's affairs	ستاد رسیدگی به امور آزادگان (اسرای جنگی)
health care cost	هزینه خدمات درمانی بهداشتی
health care organizations	سازمانهای خدمات درمانی
health care plan	طرح خدمات درمانی
heap	حافظه پویا، حافظه آزاد

heat	حرارت، گرما
heat conduction equation	معادله رسانش گرما
heat conductoin equation	معادله رسانش گرما
heat equation	معادله گرما
heat sensitive	حساس به گرما، گرما-حساس
heat treatable	عملیات حرارتی پذیر
heat treating	عملیات حرارتی، عمل با گرما
heat treatment	عملیات حرارتی، چاره کاری حرارتی، عملیات گرمایی
heater	مولد گرمایی، گرمکن
heater plates	صفحات گرم کننده
heating time	زمان گرمادهی
heaviside unit function	تابع یکه هوی ساید

heavy evidence	شواهد (شهادت) افواهی
heavy market	بازار سنگین، بازار پر عرضه
heavy penalties	جرایم سنگین
heavy sale	فروش سنگین (انبوه)
heavy shape	پروفیل سنگین
heavy string	نیم سنگین
heavy tail	دنبال سنگین
heavy tax	مالیات سنگین
hebrew number symbols	علامت عددی عبری
hecta	صد، صد برابر
hecta hectare	پیشوندی به معنی صد یا صد برابر هکتار، واحد سطح برابر با ۱۰۴ متر مربع
hecto	

صد، صد برابر، پیشوندی به معنی صد یا صد برابر	
hectohedron	
	صدوجهی
hedge fund	
	صندوق تامین سرمایه گذاری
hedger	
	ابزار مقابله با ریسک
Hedging	
	معامله‌تأمینی
hedging exchange risk	
	پوشش مخاطره تبدیل
hedging transactions	
	معاملات پوششی
heel	
	پاشنه
heel of the tool	
	نشیمن گاه قلم، پاشنه ابزار
heel pin clamp	
	گیره پایین پاشنه ای
height	
	ارتفاع، بلندی، قلاویژ پاشنه ای
heighten	
	بلند کردن، ارتفاع دادن، بلندتر نمودن
Hein Borel theorem	

قضیه هاینه-بورل	heine borel property
خاصیت هاینه-بورل	heine borel theorem
قضیه هاینه-بورل	heine borel's theorem
قضیه هاینه-بورل	held to maturity
نگهداری شده تا سر رسید	helical
ارتفاع، بلندی، حلزونی، مارپیچی	helical gear
حلزونی، مارپیچی، پیچی، پیچشی، دورپیچ فلزی	helice
منحنی مارپیچی، منحنی فنری	helicoid
پیچ وار، سطح مارپیچی، مارپیچ وار	helicoid insert
مغزی مارپیچ	helix
پیچ، مارپیچ مستدیر، مارپیچ استوانه ای، منحنی مارپیچی، منحنی فنری، قرقره مارپیچی، منحنی حلزونی، مارپیچ، حلزونی، توماری	helix angle

زاویه مارپیچ	
helix inversion	
انعکاس	
hello centric	
خورشید مرکزی	
hemi	
پیشوندی به معنی نیم، نصف، نیمه	
hemicycle	
منحنی نیم دایره ای، نیم دایره	
hemisphere	
نیم کره	
hemispherical	
نیمه کروی، نیم کروی	
hence	
بنابراین، از این رو	
hence forth	
من بعد، از این پس، از این به بعد	
hendecagon	
یازده ضلعی، یازده گوشه	
hept	
هفت	
hepta	
هفت	
heptad	

هفت گانه، هفت تائی	
heptagon	
هفت ضلعی	
heptagonal	
هفت ضلعی، هفت گوشه، هفت وجهی	
heptahedron	
هفت وجهی	
hereditary ring	
حلقه موروثی	
hereditary semi ring	
نیم حلقه موروثی	
hereditary	
ارثی، موروثی	
hereditary property	
ویژگی موروثی	
hereditary ring	
حلقه موروثی	
hereditary semi ring	
نیمحلقه موروثی	
heritable	
قابل توارث، برماندپذیر	
hermaphrodite caliper	
اندازه گیر نر و ماده، پرگار مرکزیاب، پرگار نر-ماده، پرگار بغل، پرگار موازیکش	

hermit polynomials	چندجمله ای های ارمیت
hermite differential equation	معادله دیفرانسیل هر میت
hermite polynomials	چندجمله ای های هر میت
hermite's theorem	قضیه هر میت
hermitian	هرمیتی
hermitian adjoint	الصاق هر میتی
hermitian form	صورت ارمیتی، صورت هر میتی، فرم هر میتی
hermitian kernel	هسته ارمیتی
hermitian matrix	ماتریس هر میتی، ماتریس ارمیتی، ماتریس خودالحاقی
hermitian product	حاصلضرب هر میتی
hermitian space	فضای هر میتی، فضای ارمیتی
hermitian transformation	تبدیل هر میتی

hermitian triangle	مثلث هرمیتی
heron's formula	فرمول هرون
hessian determinant	دترمینان هیسین
hessian matrix	ماتریس هیسین
heterogeneity	ناهمگنی
heterogeneity of errors	ناهمگنی خطاها
heterogeneous	نامتناسج، ناهمگن
heterogeneity	ناهمگنی
heterological	ناهمگون
heteromecic number	عدد غیری
heteroscedastic	واریانس ناهمگن
heteroskedasticity	ناهمسانی واریانس

heuristic	راهنما، رهگشا، ابتکاری، غیر مستدل، راه حل حسی، ذهنی، جنبه حسی
heuristic method	روش رهگشا
heuristic model	مدل ذهنی
heuristic process	روش تجربه یافت
hew	شقه کردن، شقه، قطع کردن
hex	شش، شش تایی
hexaangular	شش گوشه
hexad	شش تائی
hexagon	شش ضلعی، مسدس
hexagonal	شش ضلعی، مسدس، مسدسی
hexagonal prism	منشور، مسدس القاعده
hexagonal system	

دستگاه شش ضلعی، دستگاه مسدسی	hexagonal web
بافته شش ضلعی، بافته مسدسی	hexagram
ستاره شش پر	hexahead cap screw
پیچ کله شش گوش، پیچ سرشش گوش	hexahedra
شش وجهی	hexahedral
شش وجهی گون، شش وجهی	hexahedral group
گروه شش وجهی	hexahedron
شش وجهی	hyperbolic cosine
کسینوس هذلولوی، کسینوس هیپربولیک	hidden asset
دارایی مخفی	Hidden Factor
عامل ناپیدا	hidden quality costs
هزینه های پنهان کیفیت	Hidden reserves

hidden tax	ذخایر پنهان
hidden tax	مالیات پنهان، مالیات غیر مستقیم
hierarchical	سلسله مراتبی
hierarchical structure	ساختار مبتنی بر سلسله مراتب سازمانی
hierarchy	سلسله مراتبی
hierarchy of (gaap)	سلسله مراتب اصول پذیرفته شده حسابداری
hierarchy of accounting qualities	سلسله مراتب ویژگیهای کیفی اطلاعات حسابداری
hierarchy of activities	سلسله مراتب فعالیت ها
High	بالاترین قیمت ثبت شده
high alloy	آلیاژ سخت
high council of tax	شورای عالی مالیاتی
high frequency induction	فرکانس بالای القایی
high frequency resistance	

high frequency spark	مقاومت با فرکانس
high level	جرقه فرکانس
high level staff, heavy level staff	سطح بالا
high margin product	کارمندان سطوح بالا
high order	محصول (تولید) با سود بالا
high order derivative	درجه عالی
High Performance	مشتق رتبه عالی
high pitch	دیفرانسیل مرتبه عالی
High powered money	عملکرد بالا
High Quality	گام بلند
high quality audit	پول پر قدرت
	کیفیت بالا

high -quality audit	حسابرسی با کیفیت بالا
high rate	حسابرسی با کیفیت بالا
high rate of interest	نرخ سنگین
high sale production	نرخ سنگین بهره
high speed steel	تولید پر فروش
high speed tool steel	فولاد تندبر
high tax council	فولاد ابزار تندبر
high tech companies	هیئت حل اختلاف تجدید نظر
high value selection	شرکتهای دارای قدرت تکنولوژی بالا شرکتهای با فناوری بالا
high yield bonds	انتخاب اقلام بزرگ
highballing	اوراق قرضه دارای بازده زیاد
	افزایش مصنوعی قیمت سهام

higher	بلند تر، بالاتر، بیشتر
higher arithmetic	حساب عالی، تئوری اعداد
higher derivative	مشتق بالاتر
higher derivatives	مشتق های مرتبه بالاتر، مشتق های مرتبه بالاتر
higher limit	حد بالایی
higher mathematics	ریاضیات عالی
higher order	مرتبه بالاتر
higher order derivative	مشتق مرتبه بالاتر
higher order drivative	مشتق مرتبه بالاتر
higher rate	نرخ بالاتر
higher-rate tax	نرخ بالاتر مالیات بر درآمد
highest	بالاترین، عالی ترین، بلند ترین

highest common divisor	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
highest common factor	بزرگترین مقسوم علیه مشترک، بزرگترین عامل مشترک
highest in, first out (hifo)	اولین صادره از بالاترین قیمت‌های وارده
highest priority	بالاترین اولویت
highest rate	بالاترین نرخ
high-grade bond	اوراق قرضه بسیار معتبر
high-tech companies	شرکت های دارای قدرت تکنولوژی بالا، شرکت های با فناوری بالا
high-value test	آزمون اقلام بزرگ
Hike	پرش های شدید و ناگهانی قیمت
hilbert basis theorem	قضیه پایه هیلبرت
Hilbert cube	مکعب هیلبرت
Hilbert modular form	

صورت مدولی هیلبرت	
hilbert space	
فضای هیلبرت	
hindu arabic numerals	
ارقام هند و عربی	
hint	
راهنمایی	
hire charge	
اجاره بها	
hire purchase	
اجاره بها به شرط تملیک	
hire purchase (HP)	
خرید قسطی، اجاره خرید، اجاره به شرط تملیک	
hire purchase account	
حساب اجاره خرید	
hire purchase interest	
بهره اجاره خرید	
hire-purchase agreement	
قرارداد اجاره به شرط تملیک	
Hiring	
استخدام کردن	
histogram	
هیستوگرام، نمودار ستونی	
historical accounting	

حسابداری بر حسب ارزش های تاریخی
historical background
پیشینه تاریخی، تاریخچه
historical convention rule, cost convention
قاعده بهای تاریخی
historical cost
بهای تاریخی، بهای تمام شده تاریخی
historical cost (HC)
هزینه تاریخی، بهای تمام شده تاریخی
historical cost accounting
حسابداری بر مبنای هزینه (بهای تمام شده) تاریخی
historical cost basis
مبنای بهای تمام شده تاریخی
historical cost constant-dollar accounting
به ارزش های تاریخی همگن
historical cost convention
مبنای اندازه گیری به واحد پول، اصل اتخاذ واحد پول برای محاسبه مبنای بهای تمام شده تاریخی
historical cost current cost
قیمت تمام شده جاری
historical cost of the goods
بهای تمام شده تاریخی موجودی ها
historical cost system
سیستم بهای تمام شده تاریخی

historical cost versus current fair value	مقابل ارزش متعارف جاری بهای تمام شده تاریخی
historical cost-constant dollar (HC-CD)	ارزش های تاریخی همگن
historical costs	هزینه های تاریخی
historical data	ارقام و اطلاعات تاریخی
historical exchange rate	نرخ تاریخی ارز
historical input price	قیمت / ارزش ورودی تاریخی
historical proceeds	مبلغ پول نقدی که هنگام عرضه اوراق قرضه به دست می آید
historical rate	نرخ تاریخی ارز
historical rate of return	نرخ بازده تاریخی
historical summary	خلاصه حساب سنوات گذشته، خلاصه حساب تاریخی
historical trading range	دامنه تغییرات تاریخی قیمت سهام
historical weights	

historical yield	ضرایب تاریخی
historical-cost convention	بازده تاریخی
hitchcock transportation problem	اصل هزینه (بهای تمام شده) تاریخی
hnmomorphism	مسأله حمل و نقل هیچکاک
hoarder	همریختی
Hoarding	محتکر
hobbing	احتکار، کینز
hoder	مادگی سازی، قالب سازی
hodograph	گیره، پایه نگهدارنده، بست، انبر، چنگک
hoeless	شتاب نگار، شتاب
hoist	بیهوده، بی نتیجه، نومید
	جرثقیل، بالابر، قلاب، زنجیری، چرخ و زنجیر، چرخ بالاکش

Hold	نگهداشتن
hold for	صادق بودن
hold mission	رسالت داشت / نگهداری
hold time	زمان نگهداری
holder condition	شرط هولدر
Holder inequality	نابرابری هولدر
holder's inequality	نابرابری هولدر، نامساوی هولدر
holders of the company	دارندگان (صاحبان) شرکت
hold-harmless agreement	قرارداد بدون مخاطره
holding company (parent company; parent undertaking)	واحد تجاری اصلی، شرکت مادر، شرکت اصلی
holding cost	هزینه نگهداری
holding gain	

سود حاصل از نگهداشتن، داریایها، سود احتکار
holding gain and loss
سود (زیان) ناشی از نگهداری موجودی
holding gain net of inflation
سود نگهداری کالا پس از احتساب آثار تورم
holding gains or losses
سود یا زیان غیر عملیاتی از نگهداری دارایی یا داشتن بدهی
holding period yield
بازده دوره نگهداری
holding stack gain or loss
سود یا زیان نگهداری موجودی
holding time
زمان مکالمه، زمان درگیری، زمان مشغولی
holding, maintenance, retention
نگهداری، حفظ، ضبط
hole
سوراخ، حفره، چاله
holistic evaluation
ارزیابی کلی (نسبت به فعالیت بازاریابی کالا)
holistic view
دیدگاه/ نگرش کل نگرانه
hollow
گودی، مجوف، حفره، توخالی

holo	پیشوندی به معنی کامل، تمام، مشابه
hologram	تصویر سه بعدی، تصویر لیزری، هولوگرام
holohedron	چندوجهی کاملاً متقارن، حالت کریستالی، کاملاً متقارن
holomorph	هلوریکت
holomorphic	تمام ریخت
holomorphic continuation	ادامه تحلیلی
holomorphic function	تابع تمام ریخت، تابع هولومرف، تابع تحلیلی
holomorphic mapping	نگاشت تمام ریخت
holomorphism	هلوریکتی
holonomic	هولونرم
Home Appliances	لوازم خانگی
home equity account	حساب رهن مجدد خانه، میزان اعتبار

home market	بازار داخل کشور
home mortgage loan	وام مسکن رهنی
home service agent	نماینده فروش داخلی
home trade, domestic trade, inland trade, internal trade	تجارت داخلی
homeomorphic	همسان ریخت، هم شکل، هم ساختمان، همانسان
homeomorphic graph	گراف همسان ریخت
homeomorphic spaces	فضا های همسان ریخت
homeomorphism	همانریختی، همسانی، همسان ریختی، نگاشت توپولوژیک
homo	پیشوندی به معنی همجنس، نظر، مانند، هم
homocentric	هم مرکز، متحدالمركز
homogeneity	همگونی، همگنی، تجانس
homogeneity property	

خاصیت همگنی
homogeneous
یک پارچه، متجانس، همگون، همگن، یکنواخت
homogeneous assets
دارایی های همگن
homogeneous coordinates
مختصات متجانس، مختصات همگن
homogeneous difference equation
معادله تفاضلی همگن، معادله دیفرانسیل همگن، معادله فاصله همگن
homogeneous differential
دیفرانسیل همگن
homogeneous differential equation
معادله دیفرانسیل همگن
homogeneous distribution
توزیع همگن
homogeneous equation
معادله همگن
homogeneous equations
معادلات همگن
homogeneous expression
عبارت همگن
homogeneous function
تابع همگن

homogeneous function of degree	تابع همگن از مرتبه ی
homogeneous function of degree n	تابع همگن از مرتبه n
homogeneous ideal	ایده آل همگن
homogeneous integral equation	معادله انتگرالی همگن
homogeneous linear system	دستگاه خطی همگن
homogeneous markov chains	زنجیره های مارکوف همگن
homogeneous polynomial	چندجمله ای همگن
homogeneous property	خاصیت همگنی
homogeneous space	فضای همگن
homogeneous system	دستگاه همگن، دستگاه متجانس
homogeneous transformation	تبدیل همگن
homogenizing	همگن کردن، یکنواخت کردن

homographic	هم نگار، هوموگرافیک
homographic function	تابع هوموگرافیک
homographic transformation	تبدیل هم نگار، تبدیل همنگاری
homography	هم نگاری
homological	همتایی، هومولوژیکی
homological algebra	جبر مانستگی
homological dimension	بعد مانستگی
homological mapping	نگاشت مانستگی
homologically connected space	فضای مانسته بسته
homologous	همانند، متشابه، همتا، هومولوگ
homologous cycles	دور های مانسته
homologous elements	عنصر های متناظر

homology	همتایی، هومولوژی، همسانی، مشابهت، تناظر یک به یک، مانستگی
homology classes	رده های مانستگی
homology exact sequence	دنباله کامل مانستگی
homology group	گروه مانستگی، گروه بتی
homology theory	نظریه مانستگی
homomorphic	همریخت، همشکل
homomorphic groups	گروه های هم ریخت، گروه های هومومرف، هومورفیسم گروه ها
homomorphic image	نگارنده هم ریخت، تصویر همسان، نگاره همدیسه
homomorphism	هم شکلی، همسانی، هم ساختمان، هم ریختی
homomorphism of fields	هومومورفیسم هیئت، هومورفیسم هیئت ها، همسانی هیئت ها، همسانی میدان ها
homomorphism of groups	

هومومرفیسم گروه ها، هومومرفیسم گروه، همسانی گروه ها
homomorphism of rings
هومومرفیسم حلقه، هومومرفیسم حلقه ها
homomorphy
همسانی، هم ساختمانی، هومورفی، اشتراک اسم
homoscedastic
واریانس همگن
homoscedastic distribution
توزیع هم واریانس
homoscedasticity
همگون یا بدون پراکندگی بودن
homothetic
متجانس، همسان
homothetic figure
مجانس، شکل مجانس
homothetic figures
شکل های متجانس
homothetic transformation
تبدیل تجانسی
homothety
تجانس
homothety with ratio
تجانس با نسبت ...

homothtic center	مرکز تجانس
homotopic	هم مکان، هموتوپیک، همجا
homotopic functions	تابع های هموتوپیک
homotopic mappings	نگاشت های هموتوپیک
homotopic paths	مسیر های هم مکان
homotopy	هوموتوپی
homotopy class	رده هوموتوپی
homotopy equivalent systems	دستگاه های هوموتوپی-هم ارز
homotopy group	گروه هوموتوپی
homotopy set	مجموعه هوموتوپی
homotopy theorem	قضیه هوموتوپی
homotopy to a point	همجایی با یک نقطه

homotopy type	نوع هوموتوپی
honoured draft (bill)	برات قبولی نوشته
hook	حلقه استوانه ای، چنگک، قلاب، کلاهک، گیره
hook's law	قانون هوک
hop	جهش
hopper	ناودان، جهنده، قیف، قیف ناودانی، دهانه، خزینه، ناودانی، لجنگیر، محفظه خوراک دستگاه، کاسه ای
horizon	افق، سطح افق، خط افق
Horizontal	افقی
horizontal (merger-integration combination)	ادغام افقی، ترکیب افقی
horizontal analysis	تجزیه و تحلیل افقی
horizontal asymptote	مجانب افقی
horizontal audit	

horizontal axis	محور افقی
horizontal base	پایه افقی
horizontal business combination	ترکیب افقی شرکت ها
horizontal combination	ترکیب افقی شرکت ها
horizontal direction	امتداد افقی، جهت افقی
horizontal expansion of a graph	بسط افقی یک گراف
horizontal form	شکل افقی (ترازنامه)، شکل محاسباتی
horizontal integration	ادغام در سطح افقی
horizontal line	خط افقی
horizontal line property	خاصیت خط افقی
horizontal plane	صفحه افقی
horizontal projection	

horizontal spread	تصویر افقی
horizontal trace	شکاف افقی
horizontal transfers	اثر افقی
horizontal trimming	انتقالات افقی
horizontal vector	افقی چین، اصلاح افقی
horizontally	بردار افقی
horizontally simple	به طور افقی
horizontally simple region	به طور افقی ساده
horner's method	ناحیه به طور افقی ساده
horocycle	روش هورنر
horsepower	دایره زمانی
host computer	اسب بخار

	کامپیوتر میزبان
hostile takeover	
	خریدن و تحت کنترل گرفتن یک شرکت به روش خصمانه
Hot bill	
	برات داغ
hot chamber die casting process	
	فرآیند دای کاست با محفظه داغ
hot cracking	
	ترک خوردگی داغ، ترک گرمایی، ترک برداشتن گرم
hot hardness	
	سختی در درجه حرارت
hot resistance	
	مقاومت حرارتی
hot rolled steel	
	فولاد نورد گرم شده
hot rolling	
	نورد گرم
hot runner	
	راهگاه گرم
hot spinning	
	خم کاری گرم، خراطی گرم، چرخ کاری گرم
hot spray	
	پاشیدن گرم
hot work steel	

hourly basis payment	فولاد گرم کار
hourly wage rate	پرداخت ساعت کاری (بر اساس ساعت کار)
house account	نرخ مزد ساعتی
house air (way) bill	حساب کارگزاری
house maintenance call	بارنامه هوایی داخل
house rental expense (charge)	اخطار جهت حفظ ودیعه
Household	هزینه اجاره مسکن
household allowance	خانوار
householder method	حق عائله مندی
Housing	روش خانوار
housing allowance	مسکن
housing renewal planning problem	کمک هزینه مسکن

مسأله طرح توسعه خانه سازی
how far
چقدر، تا کجا
how long
چه مدت، چقدر، تا کی
how long take
در ... طول می کشد
how often
چند بار
however
اما، با این وجود، به هر حال، ولی
hub
مرکز، توپی چرخ، مرکز چرخ، سر لوله، ماسوره، توپی
huge amount
مبلغ هنگفت
hull
قشر، غلاف، پوست، پوسته، نیام
hull insurance
بیمه بدنه کشتی
hull kernel topology
توپولوژی هسته-غلافی
human asset accounting
حسابداری دارایی های انسانی
human capital

سرمايه انسانی
human error
خطای بشری، خطای انسانی
Human Force
نیروی انسانی
human information processing (HIP)
پردازش اطلاعات انسانی، مطالعه یا تحقیق درباره فرایندهای تصمیم گیری
human information processing accounting
حسابداری رفتاری
Human Management
مدیریت منابع انسانی
human relations
روابط انسانی
human resource accounting
حسابداری منابع انسانی
Human Resource Management
مدیریت منابع انسانی
human resources
منابع انسانی
Human Resources Accounting
حسابداری منابع انسانی
Humidity
رطوبت

hundred	عدد صد، ۱۰۰
hundreds	صدگان، صدها، مرتبه صدگان
hundreds digit	رقم صدگان
hurdle rate	نرخ حد نصاب
Hurwitz	هرویتس
hurwitz criterion	معیار تصمیم‌گیری هارویس، معیار ترکیب بد بینانه-خوش بینانه
Hurwitz ring	حلقه هرویتس
huygens formula	رابطه هویگنس
hybrid	پیوندی، دورگه، ترکیبی
hybrid annuity	اقساط مختلط
hybrid method	روش پیوندی
hybrid search	

جستجوی پیوندی، تجسس پیوندی
hydraulics
علم حرکت مایعات
hydro form press
پرس فرم هیدرولیکی
hydrodynamic
مربوط به علم القوای مایعات هیدرولیک، علم نیرو و حرکت آبگونه ها
hydrometer
آبگونه سنج، هیدرومتر، چگالی سنج
hydrostatic
هیدرواستاتیک
hydrostatic paradox
تناقض هیدرواستاتیک
hyper
فوق، فراتر، بالاتر، ابر، عالی، بالا
hyper graeco latin
فوق لاتین-یونانی
hyperbola
هذلولوی
hyperbolic
هذلولی گون
hyperbolic argument
شنا سه هذلولوی

hyperbolic cosecant	کسکانت هذلولی گون
hyperbolic cosecant inverse	عکس (معکوس) کسکانت هذلولی
hyperbolic cosine	کسینوس هذلولی گون
hyperbolic cotangent	کتانژانت هذلولی
hyperbolic cotangent inverse	عکس (معکوس) کتانژانت هذلولی
hyperbolic cylinder	استوانه هذلولی
hyperbolic cylindrical surface	رویه استوانه ای هذلولی گون
hyperbolic equation	معادله هذلولی گون
hyperbolic function	تابع هذلولی
hyperbolic function inverse	عکس (معکوس) تابع هذلولی
hyperbolic geometry	هندسه هذلولی
hyperbolic identity	اتحاد هذلولی

hyperbolic inverse	عکس (معکوس) هذلولوی
hyperbolic inverse function	تابع معکوس هذلولوی
hyperbolic logarithm	لگاریتم هذلولوی
hyperbolic paraboloid	سهمی وار هذلولوی گون، سهمی گون هذلولوی، سهمی گون هذلولوی، زین اسبی
hyperbolic partial differential equation	معادله دیفرانسیل جزئی هذلولوی
hyperbolic point	نقطه هذلولوی
hyperbolic point of a surface	نقطه هیپر بولیک یک سطح
hyperbolic secant	سکانت هذلولوی
hyperbolic secant inverse	عکس (معکوس) سکانت هذلولوی
hyperbolic sector	قطاع هذلولوی، قطاع هذلولوی گون
hyperbolic sine	سینوس هذلولوی
hyperbolic sine inverse	

عکس (معکوس) سینوس هذلولوی	
hyperbolic spiral	مارپیچ هذلولوی
hyperbolic substitution	جانشانی هذلولوی
hyperbolic tangent	تانژانت هذلولوی
hyperbolic trigonometry	مثلثات هذلولی
hyperboloid	هذلولی گون
hyperboloid of one sheet	هذلولی گون یک پارچه، هیپربولوئید یک پارچه
hyperboloid of revolution	هذلولی گون دوار
hyperboloid of revolution of one sheet	هذلولی گون دوار یک پارچه
hyperboloid of two sheets	هذلولی گون دو پارچه
hypercomplex	فوق مختلط
hypercomplex number	عدد مختلط چند برگی
hypercomplex numbers	

	اعداد فوق مختلط
hypercube	
	ابر مکعب، فوق مکعب
hyperelliptic	
	زبر بیضی گون
hyperelliptic differential equation	
	معادله دیفرانسیل ابر هندسی
hyperelliptic integral	
	انتگرال ابر بیضوی
hypereutectoid	
	روی شبه هم گداز، روی بوتکتوئید، هایپر بوتکتوئید
hyperexponential	
	فوق نمایی
hyperexponential distribution	
	توزیع فوق نمایی
hyperexponential probability density function	
	تابع چگالی احتمال فوق هندسی
hypergeometric	
	فوق هندسی، ابر هندسی
hypergeometric differential equation	
	معادله دیفرانسیل فوق هندسی
hypergeometric distribution	
	توزیع ابر هندسی، توزیع فوق هندسی
hypergeometric equation	

معادله فوق هندسی	
hypergeometric function	
تابع فوق هندسی، تابع ابر هندسی	
hypergeometric series	
سری فوق هندسی	
hypergeometry	
فوق هندسه	
hyperinflation	
تورم عنان گسیخته، تورم شدید	
Hypermedia	
ابرسیانه	
hyperparallel	
آبر، زبر موازی	
hyperplane	
فوق صفحه، زبر صفحه، ابر صفحه	
hyperplane coordinates	
مختصات ابر صفحه	
hyperplane definition	
تعریف ابر صفحه	
hyperspace	
ابرفضا	
hypersphere	
فوق کره، زبر کره، ابر کره	
hypersurface	

هیپرسطح، ابر رویه، ابر سطح، فوق سطح
hypervolume
ابر حجم، هیپر حجم، شبه حجم، زیر حجم
hyphen
کشک، خط فاصله، فاصله
hypo
زیر، تحت، کمتر از حد معمول
hypocycloid
بتو چرخزاد
hypocycloid of four cusps
درون چرخزاد با چهار تیزی
hypocycloid three cusps
تیکوسپید، هیپوسیکلوئید با سه نقطه بازگشت خم
hypocycloid with four cusps
خم ستاره ای، خم هیپوسیکلوئید با چهار نقطه عطف
hypoelliptic operator
عملگر زیر بیضوی
hypoeutectoid
زیر شبه هم گذار، زیر یوتکتوئید، هیپویوتکتوئید
hypograph hyperplane
هیپوگراف ابر صفحه
hypoid bevel gear
چرخ دنده مخروطی قوسی
hypotenuse

وتر مثلث قائم الزاویه، وتر، وتر زاویه قائمه، قطر	
hypothecate	به رهن گذاشتن
hypothecated asset = pledged asset	دارایی گرو گذاشته شده
hypothecation	گرو گذاشتن، رهن گذاری، دادن مجوز به بانک برای فروش کالاهای امانی (کالاهایی که به عنوان گرو وام) نزد بانک است.
hypothecation agreement	قرارداد رهنی
hypothecator, mortgager	راهن، گروگذار
Hypothee	گرو گذاشتن
hypotheses	فرضیه های قابل آزمون
hypothesis	فرض
hypothesis of equality	فرض مساوی بودن
hypothesis of no difference	فرض نبودن تفاوت
hypothesis testing	

آزمون فرضیه، آزمون فرض، آزمون کردن فرض	
hypothetic	فرضی
hypothetic proposition	قضیه شرطیه
hypothetical	فرضی، پنداشتی، شرطی، احتمالی
hypothetical event	حادثه فرضی
hypothetical imperative	امر مشروط
hypothetical syllogism	قیاس استثنایی
hypotrochoid	درون چرخه زاد، هیپوتروکوئید
i	نهمین حرف الفبای انگلیسی
i genus	گونا-i
I Owe You	فته طلب – سند بدهکاری
i th indexed member of a family	عضو i لم زیرنویس خانواده
i.b.m	

	شرکت آی بی ام
I.D	
	هویت
I.O.U	
	سند بدهکاری
i.s.o	
	سازمان بین المللی استاندارد ها
ice cream cone	
	قیف بستنی
ice cream cone proof	
	اثبات قیف بستنی
icing the tails	
	کوتاهسازی دُمها
icon	
	تصویر، شکل، شمایل
iconic model	
	مدل شمایل
icosa	
	بیست
icosahedral	
	بیست وجهی، گروه بیست وجهی
icosahedral group	
	گروه بیست وجهی
icosahedron	

	بیست وجهی
icosi	
	پیشوندی به معنی بیست و بیست تایی
ide	
	محیط، محیط برنامه نویسی
idea	
	انگار، ایده، اندیشه، مفهوم، انگاره، فکر، تصور
idea of the proof	
	نحوه اثبات
ideal	
	آرمان، ایده آل، آرمانی، دلخواه، خیالی، ایدآل دو طرفه
ideal capacity variance	
	انحراف ظرفیت، انحراف حجم فعالیت
ideal capacity, theoretical capacity	
	ظرفیت مطلوب، ظرفیت اسمی
ideal class	
	رده ایده آل
ideal class group	
	گروه رده های ایدآل
ideal efficiency	
	کارایی مطلوب
ideal elements	
	عناصر مثالی
ideal factors	

عامل های مثالی	
ideal gas	گاز کامل
ideal gas law	قانون گاز کامل
ideal line	خط آرمانی، خط بی نهایت، خط ایده آل
ideal metric	متریک آرمانی
ideal number	عدد مثالی
ideal or theoretical capacity, ideal capacity	ظرفیت ایده آل
ideal point	نقطه ایده آل، نقطه آرمانی، نقطه ایده آلی، نقطه مثالی، نقطه بی نهایت
ideal power function	تابع توان ایده آل
ideal size	اندازه بحرانی
ideal spanned by	ایده آل به وجود آمده توسط یک مجموعه، آرمان (ایده آل) پدید آمده به وسیله ی
ideal standard	

استاندارد مطلوب، استاندارد ایده آل	
ideal standard (ideal standard cost)	
هزینه استاندارد مطلوب	
ideal standards	
استانداردهای مطلوب (ایده آل)	
ideal theory	
نظریه ایدآل ها	
idealize	
دلخواه سازی، به صورت ایده آل درآوردن	
idealizer	
ایده آل ساز	
ideals	
ایده آل ها	
ideate	
تصور کردن	
idempotence	
خود توانی	
idempotent	
خودتوان	
idempotent element	
عنصر توان آزاد، عنصر خودتوان	
idempotent law	
قانون خود توانی	
idempotent matrix	

ماتریس خودتوان	
idempotent measure	
اندازه خودتوان	
idempotent operator	
عملگر خودتوان	
ident	
تشخیص دادن، تعیین هویت کردن، تطبیق، تطبیق دادن	
idented	
مشخص شده، تعیین هویت شده	
identic	
همانند، همسان، یکسان	
identical	
همانند، یکسان	
identical concept	
مفهوم واحد	
identical equality	
برابری همانی	
identical figures	
اشکال همانند، شکل های معکوسا همنهشت	
identical function	
تابع همانی	
identical mapping	
گسترش یکسانس	
identical sets	

مجموعه های همانند
identical transformation
تبدیل به خود
identical twins
هم شکمان یکسان، دو قلوی یکسان
identically
متحد، عینا، به طور همانند، به طور یکسان
identically distributed
مانند هم بخش شده، توزیع یکنواخت، هم توزیع، توزیع یکسان
identifiability
شناسایی پذیری
identifiable
قابل شناسایی
identifiable assets
دارایی های قابل شناسایی، دارایی های اثبات شده
identifiable assets and liabilities
دارایی ها و بدهی ها با هویت مشخص
identifiable assets test
آزمون دارایی های قابل شناسایی
identifiable intangible assets
داراییهای نامشهود قابل شناسائی
identification
شناسایی

identification keys	کلیدهای شناسایی
identification number	عدد شناسایی
identification problems	مسئله‌های شناسایی
identification space	فضای شناسایی
identification stage	مرحله شناسایی
identified	یکی شده
identifier	شناسه، شناساگر، تشخیص دهنده، شاخص
identify	یکی گرفتن، بازشناخت، تعیین هویت کردن، تشخیص دادن، همانند شدن، همانند کردن
identify asset	تعیین هویت دارایی
Identify Element	عضو خنثی
identities	اتحادها
identities for hyperbolic functions	

اتحاد هایی در مورد توابع هذلولوی گون

Identity

هویت

identity automorphism

خودسانی همانی

identity character

مشخصه همانی

identity component of a topological group

مؤلفه همانی گروه توپولوژیک

identity element

عنصر همانی

identity for addition

همانی جمع

identity for multiplication

همانی ضربی

identity function

تابع همانی

identity law

قانون همانی

Identity map

نگاشت همانی

identity mapping

نگاشت همانی

identity matrix

ماتریس همانی	
identity morphism	
دیسگی همانی	
identity of polynomials	
همانی چندجمله ای ها	
identity operation	
عمل همانی	
identity operator	
عملگر همانی	
identity permutation	
جایگشت یکه	
identity relation	
رابطه همانی، نسبت همانی	
identity theorem for analytic function	
قضیه اتحاد برای توابع تحلیلی	
identity theorem for power series	
قضیه همانی برای سری های توانی	
identity transformation	
تبدیل همانی، گسترش یکسان، تبدیل متحد	
idiosyncratic risk	
ریسک قابل حذف نام دیگر ریسک غیر سیستماتیک ریسک منحصر به شرکت	
I-divergence	
آی (I)-واگرایی	

idle	بیهوده، بلااستفاده، مرده، هرز
idle balance	مانده راکد
idle capacity	ظرفیت بلا استفاده، ظرفیت ناکارآمد، کمبود در ظرفیت تولید، ظرفیت بیکار، ظرفیت راکد
idle capacity cost	هزینه ظرفیت بی کار
idle capacity ratio	نسبت ظرفیت بلا استفاده، نسبت ظرفیت ناکارگی
idle capacity variance (capacity usage variance, fixed overhead capacity variance)	انحراف ظرفیت سربار ثابت
idle capital, dead capital	سرمایه راکد (بیکار)
idle cash	وجه نقد راکد وجه نقد بلااستفاده
idle cash balance	مانده نقدی راکد
idle cash, surplus funds	وجه بلا استفاده، وجوه راکد
idle facilities	تسهیلات راکد

idle facilities cost	هزینه تسهیلات راکد
idle facility expense	هزینه تسهیلات بلا استفاده
idle machine hours (lines)	ساعات کار بیکار ماشین
idle period	دوره بیکاری
idle plant	تسهیلات بلا استفاده
Idle reserve	نقدینگی بیکار
idle time	زمان تلف شده نیروی انسانی یا ماشینی آلات زمان بلا استفاده
idle time pay	دستمزد وقت بیکاری
idle times card	کارت اوقات بیکاری
idle times variance analysis	تجزیه و تحلیل انحراف اوقات بیکاری
if	به شرطی که، هرگاه
if and only if	اگر و تنها اگر (معمولا از iff استفاده می شود)

if any	در صورت وجود، اگر باشد
if clause	عبارت شرطی، جزء شرطی جمله
if converted method	روش تبدیل مشروط
if lacking	در صورت نبود
if m is given the input	اگر ورودی m باشد
if must	اگر لازم باشد
if not	مگر، مگر آن که
if possible	در صورت امکان
if statement	عبارت شرطی، دستور if
if then	اگر ... آنگاه
if we require that	اگر بخواهیم داشته باشیم
if-then test	آزمون اگر-آنگاهی

ignore	در نظر نگرفتن، چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن
Ijarah Sukuk	اوراق اجاره
ill conditioned	نامساعد، بدحالت، بد طرح
ill conditioned differenced equation	معادله دیفرانسیل نامساعد، معادله دیفرانسیل بد وضع
ill conditioned matrix	ماتریس بد وضع، ماتریس نامساعد
ill conditioned system	دستگاه بد وضع
ill conditioning	بد حالت بودن
ill-calibrated	بدکالیبره
ill-conditioned matrix	ماتریس بدشرطیده
ill-conditioned system of equations	دستگاه معادلات بدشرطیده
illegal acts	فعالیت های غیر قانونی
illegal agreement	موافقت نامه غیر قانونی

illegal dividend	سود سهام غیر قانونی
illegal document	سند غیر قانونی
Illegal interest	بهره غیر قانونی
illegality	کار خلاف قانون
illiquid asset	دارائیهای غیر قابل تبدیل به پول
illiquid assets	داراییهای غیر سیال
Illiquidity	فقدان نقدینگی
illogical reasons	دلایل غیر منطقی
illogical reasons of auditor	دلایل غیر منطقی حسابرس
illumination	روشنایی، روشن
illusory association	پیوند پنداری
illusory correlation	همبستگی پنداری

illustrate	توضیح دادن، شرح دادن، با مثال توضیح دادن، مصور کردن
illustrated brochure	بروشور مصور
illustration	مثال تشریحی
illustrative	روشنگر، گویا، توضیح دهنده
illustrative problem	مسأله تشریحی
ilustrate	نشان دادن
image	تصویر کردن، منعکس کردن، تصویر کردن، تجسم کردن، تصویر، نگاره، نقش، تندیس
image of a function	نگاره تابع
image of a homomorphism	تصویر یک همسانی
image of function	نگاره تابع
image of point	تصویر نقطه
image of x under f	

تصویر x تحت f	
image processing	
پردازش تصویر	
image restoration and reconstruction	
بازپردازی و بازسازی تصویر	
image set	
مجموعه تصویر ، مجموعه تصاویر	
image under	
نقش تحت	
image value	
مقدار تصویر	
imaginary	
موهومی	
imaginary axis	
محور موهومی، محور انگاری	
imaginary circle	
دایره موهومی	
imaginary curve	
منحنی موهومی	
imaginary function	
تابع موهومی	
imaginary geometry	
هندسه انگاری	
imaginary hypersphere	

ابرکره انگاری	
imaginary line	
	خط موهومی
imaginary number	
	عدد انگاری، عدد موهومی، عدد مختلط
imaginary observation	
	مشاهده انگاری
imaginary of complex number	
	قسمت موهومی عدد مختلط
imaginary part	
	قسمت موهومی
imaginary point	
	نقطه موهومی
imaginary quantity	
	کمیت موهومی، مقدار موهومی
imaginary root	
	ریشه انگاری، جواب موهومی، ریشه موهومی
imaginary roots	
	ریشه های موهومی
imaginary unit	
	واحد انگاری
imagination	
	تصویر، قدرت خلاقه، قدرت مقابله با مسائل
imaginative	

	فرضی
imaginatively	
	به طور تصویری، تصویرا
imagine	
	در نظر گرفتن، تصور کردن، انگاشتن
imbalance	
	نامتعادل
imbalance account	
	حساب نامتوازن
imbalance function	
	تابع نامتعادل
Imbalance in international payments	
	عدم تعادل در پرداختهای بین المللی
imbalance of orders	
	عدم تعادل سفارشات
imbalanced statement	
	صورتحساب نامتوازن
imbed	
	جادادن، نشانیدن، جاسازی کردن، محاط کردن، فرو کردن
imbedding theorem	
	قضیه نشانده
imbedded markov chain	
	زنجیره محاطی مارکوف
imitation on scope	

محدودیت در دامنه رسیدگی
immaterial
ناچیز، جزئی، بی اهمیت
immaterial items
اقلام بی اهمیت
immeasurable
اندازه ناپذیر
immediate
نظارت مستقیم، حافظه با دسترسی مستقیم، سرپرستی مستقیم، بی واسطه، بلافاصله، بلافاصله، فوری، تالی، مابعد، پی آیند
immediate annuity
مستمری فوری
immediate deduction
استنتاج مستقیم
immediate heir
وارث بلافاصله
immediate holding company
شرکت بلافاصله مادر، یک واحد تجاری که واحد تجاری دیگر را تحت کنترل دارد و خودش تحت کنترل شرکت دیگری (واحد تجاری اصلی) می باشد.
immediate inference
استنتاج بی واسطه
immediate predecessor

فعالیت یک مرحله قبل، مقدم بی واسطه، مقدم بلافصل،
سابق بلافصل، عنصر بلافاصله جلوتر

immediate recognition

شناسایی فوری

immediate successor

تالی بلافصل، تالی بی واسطه

immediately

بلافاصله، فوراً

immediately follows

بلافاصله پس از

immense

بی کران، بی اندازه

immensely

به طور بی اندازه، خیلی

immensity

بی کرانی، زیادی

immersion

فروبری، غوطه وری، غوطه ور

immigration-emigration

برون کوچی-درون کوچی

immigration-emigration processes

فرایندهای برون کوچی-درون کوچی

immoderate

بیش از حد، افراطی

immortal asset / mortal asset	دارایی فناپذیر / دارایی فناپذیر
immovable	دارایی غیر منقول
immovable property	اموال غیر منقول
immovable property (asset)	دارایی های (اموال) غیر منقول
immovable stock	موجودی کالای بی تحرک
implementation	انجام، اجرا، تکمیل
immunization	مقابله با ریسک مصون سازی
immutability	تغییر ناپذیری
immutable	تغییر ناپذیر
immutably	به طور تغییر ناپذیر
impact	برخورد، ضربه ای، تأثیر، تصادف، اثر، تصادم، ضربه
impact parameter	پارامتر های برخورد

impact strength	ضربه خوری، استحکام به ضربه، تحمل ضربه، مقاومت به ضربه، ایستادگی در مقابل ضربه
impaired assets	دارایی های کمتر از مبلغ اسمی لیست شده در تراز نامه
Impaired capital	سرمایه کمتر از مبلغ اسمی
impairment	کاهش در سرمایه، کاهش ارزش
impairment loss	زیان کاهش ارزش
impairment of assets	زیان دیدگی دارایی ها، کاهش ارزش دارایی ها
impairment of value	کاهش ارزش، زیان دیدگی ارزش
impairment review	بررسی رویدادهایی که موجب کاهش ارزش اقلام شده اند
impart	به دست آوردن، تعیین کردن، مرتبط ساختن
impedance	مقاومت ظاهری
imperceptible asset	دارایی غیر محسوس
imperfect auditing	

حسابرسی ناقص (ناتمام)
imperfect competition
رقابت ناقص
imperfect competitive market
بازار رقابت ناقص
imperfect field
هیأت غیر تام
imperfect market
بازار ناقص
imperfect markets school
مکتب بازارهای ناقص
imperfection
نقص
imperfectly
به طور ناقص
imperishable stock / perishable stock
موجودی کالای فاسد نشدنی / فاسد شدنی
impermeable
ناتراوا، غیر قابل نفوذ
Impersonal account
حساب غیر شخصی
impersonal ledger, general ledger
دفتر کل
implement

انجام دادن، فراهم نمودن
implementation
استقرار و اجرا
implementation considerations
ملاحظات مربوط به اجرا و پیاده سازی
implementation of law
اجرای قانون
implicant
الزام
implication
الزام، استلزام، ایجاب
implication judgement
حکم به تضمن
implicit
ضمنی، تلویحی، مفهوم، غیر صریح
implicit contract theory
تئوری مبتنی بر قرارداد تلویحی / ضمنی
implicit coordinates
مختصات غیر صریح
implicit differentiation
مشتق گیری ضمنی
Implicit export rate
نرخ ارز ضمنی صادرات
implicit function

تابع ضمنی، تابع غیر صحیح	
implicit function theorem	
قضیه تابع ضمنی	
implicit guarantee	
تضمین ضمنی	
implicit interest rate	
نرخ بهره ضمنی	
implicit relation	
رابطه ضمنی	
implicitly	
مستند (پوشیده) ضمنی تلویحی	
implied by	
مستتر در	
implied contract	
قرارداد ضمنی یا غیر مکتوب	
implied interest rate	
نرخ ضمنی بهره	
implied return	
بازده ضمنی	
implies	
نتیجه می گیریم	
imply	

نتیجه گرفتن، تلویحا فهماندن یا دلالت کردن بر، نتیجه دادن، ایجاب کردن، اشاره داشتن بر، در برداشتن، معنی دادن، مستلزم بودن	
imporation	وارد کردن
Import	واردات
import and export	واردات و صادرات
import and export duties and taxes	حقوق و عوارض ورودی و خروجی
import barriers	موانع وارداتی
import credit	اعتبار وارداتی
import declaration	اظهارنامه ورودی
import documentary credits	اعتبارات اسنادی وارداتی
import duties and taxes	حقوق و عوارض ورودی
import order registration	ثبت سفارش واردات
import quota	

import rate	سهمیه واردات
Import Restrictions	نرخ ورود (کالا)
import surcharge	محدودیت‌های واردات
import tariff	تعرفه اضافی، سور شارژ واردات
importance	تعرفه گمرک، تعرفه واردات
importance coefficient	اهمیت
importance factor	ضریب اهمیت
importance mean	عامل اهمیت
importance of components	میانگین اهمیت
importance sampling	اهمیت مولفه‌ها
important	نمونه‌گیری نقاط مهم
important identity	مهم، قابل ملاحظه، چشمگیر

Importer	اتحاد مهم
impose	وارد کننده
imposed budget	اعمال کردن
impossibility	بودجه تحمیلی
impossible	عدم امکان
impossible construction problems	غیر ممکن، ناممکن، ممتنع، محال
impossible event	مسأله های ترسیم نشدنی
impossible outcome	پیشامد ناممکن
impredicative definition	پیشامد غیر ممکن
imprest account	تعریف غیر محموله ای
imprest cash	حساب تنخواه گردان
imprest cash (fund)	تنخواه گردان

تنخواہ گردان	
imprest fund	
تنخواہ گردان	
imprest payroll account	
حساب مستقل حقوق و دستمزد	
imprest petty cash fund	
حساب مستقل تنخواہ گردان	
imprest system	
سیستم تنخواہ گردان	
imprest system, petty cash system	
سیستم تنخواہ گردان	
imprest cash book	
دفتر تنخواہ گردان	
improbable	
غیر محتمل، بعید	
improbablility	
عدم احتمال	
improper	
ناویژه، ناسره، غیر عادی، مجازی	
improper conic	
مخروطی ناسره، مخروطی تبهگون	
improper convergent integral	
انتگرال همگرای مجازی	
improper distribution	

	توزیع ناسره
improper divergent	
	همگرای مجازی
improper divergent integral	
	انتگرال واگرای مجازی
improper face	
	وجه ناسره
improper fraction	
	کسر ناسره، کسر نما، کسر بزرگتر از واحد، کسر ناویژه، تابع ناسره
improper function	
	تابع ناسره
improper integral	
	انتگرال ناسره، انتگرال توسعی، انتگرال ناویژه
improper integral of the first kind	
	انتگرال ناویژه نوع اول، انتگرال ناسره نوع اول
improper integral of the second kind	
	انتگرال ناویژه نوع دوم، انتگرال ناسره نوع دوم
improper interference of auditor	
	دخالته بی مورد حسابرس
improper intergral	
	انتگرال ناسره
improper matrix	
	ماتریس نامنظم، ماتریس انعکاس پذیر

improper point	نقطه غیر حقیقی
improper rational	گویای مجازی
improper riemann integral	انتگرال ناویژه ریمان، انتگرال ریمان مجازی
improper subgroup	زیرگروه غیر بدیهی، زیرگروه خاص
improve	اصلاح کردن، بهتر کردن، پیشرفت کردن، بهتر شدن
improved asset	دارایی اصلاح شده
improved euler method	روش اصلاح شده اویلر
Improvement	بهینه سازی- پیشرفت
improvement betterment	بهبود(بهسازی)
improvement loan	وام اصلاح و بهبود
improvement other than building	اعیانی غیر از ساختمان
improvements other than building	بهسازی های غیر از تاسیس (ساخت)

improving basic feasible solutions	جواب های شدنی پایه اصلاح شده
improving bounded variables	متغیر های کراندار اصلاح شده (بهبود یافته)
impulse	ضربه، تحریک، برانگیزش
impulse function	تابع ضربه ای، تابع ضربه
impure	ناخالص
impurity	ناخالصی
imputation	برآورد نرخ بهره
imputed cost (alternative cost)	هزینه تلویحی (هزینه جایگزین)
imputed costs	هزینه های منتسب
imputed interest	بهره منتسب
imputed interest rate	نرخ بهره تخصیصی
imputed payment	پرداخت انتسابی

imputed price	ارزش تخمینی
imputed value	ارزش تلویحی
in	داخل، موجود، در، درون، برحسب، نسبت به، به
in a moment	اندکی بعد
in a row	متوالی، پشت سر هم
in accord with	با توجه به، بنا بر
in accordance with	به موجب
in addition	علاوه بر این، هم چنین
in addition to	علاوه بر، بعلاوه
in advance	از پیش، پیشاپیش
in agreement with	سازگار با
in all material respects	از کلیه جهات با اهمیت

in all three cases	در هر سه حالت
in any sense	به هیچ وجه
in as much as	به موجب آن که
In balance	موازنه - تراز
in bowl tooling	ابزار بندی درون کاسه ای
in cash	به صورت پولی، به صورت نقدی، نقدی، با پول
in certain cases	در بعضی موارد
in charge accountant	سرپرست گروه حسابرسی حسابدار / حسابرس مسئول
in charge auditor	حسابرس مسئول کار
in common	مشترک
in computing	در عملیات کامپیوتری، در محاسبات کامپیوتری
in conditioned nitial value problem	مساله با مقدار اولیه بد وضع

in connection with	مباحث مربوط به
in contrast to	برخلاف، در مقابل
in control	تحت کنترل
in debt	بدهکار، در قرض، زیر قرض، مقروض
in depth auditing	حسابرسی عمیق (حسابرسی عمقی)
in detail	به تفصیل، با ذکر جزئیات
in doing so	به این ترتیب
in effect	در حقیقت
in either	در یکی از دو
in enhanced version	نسخه پیشرفته ای
in general	به طور کلی، در حالت کلی
in half	از وسط

in handing	سروکار داشتن
in itself	بخودی خود
in kind	غیر نقدی، کمک هزینه جنسی، جنسی، کلایی
in line free transfer machine	ماشین انتقال در خط
in line processing	پرورش پیوسته، پردازش در خط، پردازش فوری
in order	به ترتیب
in order to	برای، برای این که
in other instances	یعنی
in other notation	به عبارت دیگر
in other words	به عبارت دیگر
in our case	در این حالت
in pairs	به دفعات زوج

in particular	در حالت خاص
in passing	به مسأله، به موضوع
in place of	به جای
in point	در خور، بجا، مناسب
in practice	در عمل، عملاً
in process inspection	بازرسی در فرآیند
in process measurement	اندازه گیری در حین کار، اندازه گیری درون فرآیند
in question	مورد بحث
in reference to	در رابطه با
in regard to	در مورد، راجع به، در خصوص
in restraint of trade	تحت محدودیت تجاری
in sequence	به ترتیب

in series	به طور متوالی، به طور سری
in service training	کارآموزی ضمن خدمت، کارآموزی عملی، آموزش ضمن خدمت
in similar fashion	به همین ترتیب
in some areas	در پاره ای موارد
in such a case	در چنین حالتی
in such away	طوری که
in such fashion	به این ترتیب
in summary	به طور خلاصه
in symbolic form	به صورت نمادی
in terms of	به صورت، بر حسب
in that order	به همان ترتیب، به همین ترتیب
in the money option	

نوعی گواهینامه اختیار خرید یا فروش سهام که در آن قیمت مورد توافق کمتر از قیمت بازار سهام باشد	
in the presence of	در حضور
in the sense of	طبق
in the sequence of	به دنبال، بعد از
in this context	در این زمینه، در این ارتباط
in this manner	به همین ترتیب، به این صورت
in this sense	از این نظر
in transit funds, cash in transit	وجوه در راه
in transit goods, goods in transit	کالای در راه
in transit stock	موجودی کالای در راه
in tune	هم کوک، کوک، هم ساز
in turn	به نوبه خود، به نوبت، به ترتیب

in use	قابل استفاده، در حال استفاده
in vibration	ضمن نوسان
in view	مورد نظر
in view of	با توجه به
in which case	به این معنی که، به این صورت که
in words	با عبارت، به صورت لفظی، در قالب کلمات
inaccessible	غیر قابل دسترس، غیر قابل دسترسی
inaccessible point	نقطه دست نیافتنی
inaccuracy	بی دقتی، عدم دقت
inaccurate	غیر دقیق، نادرست
inaccurately	بدون دقت
inactive	غیر فعال، بیکار، منتظر خدمت

inactive (passive) investment	سرمایه گذاری غیر فعال
inactive account	حساب غیر فعال
inactive asset	دارایی های بی بازده
inactive audit file	پرونده راکد حسابرسی
inactive balance	مانده راکد (بیکار)
inactive bond	اوراق قرضه غیر فعال
inactive constraint	محدودیت های غیر فعال
inactive share (stock)	سهم غیر فعال (راکد)
inactive stock	موجودی (کالا) راکد
inactivity	توقف (عدم فعالیت)
inadequacy	عدم کفایت، کاهش ارزش
Inadequacy loss	ضرر عدم کاردانی

Inadequacy of reserves	عدم کفایت ذخایر
inadequate	ناکافی
inadequate auditing	حسابرسی ناکافی (نامناسب)
inadequate disclosure	افشای ناقص
inadequate response	پاسخ ناکافی
inadequate stock-taking	موجودی گیری غیر کافی (نامناسب)
inadmissible	غیر مجاز، ناپذیرفتنی
inadmissible decision rule	قاعده تصمیم ناپذیرفتنی
inadmitted asset	یک قلم دارایی که هنگام فروش (انحلال شرکت) هیچ ارزشی نداشته باشد
inalienable	انتقال ناپذیر
inalienably	به طور انتقال ناپذیر
in-and-out trader	

بورس باز، بورس باز خریدار و فروشنده اوراق در یک روز
inappreciable
بی بها، ناچیز
inbred
درون زاد
inbreeding
درون پیوندی
incalcuability
محاسبه ناپذیری
incalcuable
غیر قابل محاسبه، محاسبه نشدنی
incandescence
افروختگی، گداختگی
incandescent
فروزان، گداخته، تابان
incenter
مرکز دایره محاطی مثلث، مرکز دایره محاطی داخلی مثلث، مرکز کره محاطی داخلی چهاروجهی
incenter of triangle
مرکز دایره محاطی داخلی مثلث
incentive
مشوق، پاداش، انگیزه، سائق
incentive fee, bonus, compensation, reward, remuneration fee, premium, incentive, gratuity

پاداش، پرداخت بر مزد از بابت خدماتی که انجام داده، جایزه
incentive payment
پرداخت مزد بر اساس زمان انجام کار
incentive plan
طرح انگیزش (تشویقی)
incentive plans
طرح های انگیزشی برنامه های حقوق و مزایا
incentive shares
سهام تشویقی
Incentive Stock Options
طرحهای تشویقی اختیار خرید سهام
incentive system
سیستم تشویقی
incentive taxation
مالیات بندی انگیزشی
incentive wage system
سیستم انگیزش مزد (سیستم تشویقی مزد)
incentives
طرحهای انگیزشی
incentre of a triangle
مرکز دایره محاطی داخلی مثلث، درون مرکز مثلث
inception of the lease
شرع قرارداد اجاره

incestuous share trading	معاملات خودمانی سهام
inch	اینچ، واحد طول انگلیسی تقریباً ۲/۵۴ سانتیمتر
in-charge auditor	سرپرست گره رسیدگی حسابرسی، حسابرس مسئول
Inchoate instrument	سند ناکامل
incidence	تابش، برخورد، وقوع، تلاقی، حدوث
incidence axioms	اصول موضوع وقوع
incidence function	تابع وقوع
incidence geometry	هندسه وقوع
incidence matrix	ماتریس وقوع
incidence of tax	تعلق (تحمل) واقعی مالیات
incidence plane	صفحه وقوع
incidence relation	رابطه برخوردی

incident	منضم، اندرافتاده، واقعه، حادثه، تابنده، تابش، فرود آمدن، برخورد کردن
incident on	واقع شدن روی، واقع شدن
incidental authority	اختیارات موردی
incidental beneficiary	ذینفع اتفاقی، ذینفعی که در سایه اجرای قرارداد بر حسب تصادف منتفع می شود
incidental cost (charge)	هزینه جزئی (فرعی) / اتفاقی
incidental costs	هزینه های اتفاقی
incidental defect	نقص جزئی، نقص فرعی
incidental expenses	مخارج اتفاقی
incidental sample	نمونه اتفاقی، نمونه تصادفی
incidental sampling	نمونه گیری تصادفی، نمونه گیری اتفاقی
incidental transactions	معاملات اتفاقی / جانبی / فرعی
incidentally	

	اتفاقا
incircle	
	دایره محاطی داخلی
incircle of triangle	
	دایره محاطی داخلی مثلث
incliabie	
	تمایل پذیر
inclination	
	میل
inclination angle	
	مورب، کجکی، کج، شیبدار، مایل
inclination of a line in a plane	
	میل خط در صفحه
inclination of a line in space	
	شیب خط در فضا، شیب یک خط فضایی
inclination of a plane	
	شیب یک صفحه
inclination of straight line	
	میل خط راست
inclinatoriy	
	تمایل پذیر، متمایل
incline	
	متمایل کردن، منحرف شدن، شیب دادن
inclined	

مورب، شیب دار، مایل، سطح شیب دار، جرم، ذرات محبوس شده
inclined angle
زاویه بین دو ضلع زاویه شیب
inclined plane
سطح شیب دار، سطح مایل
inclinometer
شیب سنج
include
شامل بودن، شامل شدن، در بر داشتن، شامل ... است
included
مشمول، محتوا
included angle
زاویه بین
including
به انضمام، به ضمیمه، شامل، با، به اضافه
inclusion
درآمد، شمول، اشمال، جزئیت، دربری
inclusion and exclusion principle
اصل رد و قبول
inclusion exclusion principle
اصل شمول-عدم شمول
inclusion in large sense
شمول به معنای وسیع

inclusion in strict sense	شمول به معنای دقیق
inclusion map	نگاشت مشمول، نگاشت گنجان، نگاشت شمول
inclusion mapping	نگاشت شمول
inclusion of negatives	شمول قرینه
inclusion relation	رابطه شمول، رابطه اندراج
inclusion sign	علامت شمول
inclusion-exclusion method	روش شمول و طرد
inclusive	شامل، مشمول، داشته باشد
inclusive cost (charge), over-an cost	هزینه جامع
inclusive or	یای شمول
inclusive range	دامنه فراگیر
inclusion and exclusion principle	اصل رد و قبول، اصل شمول و عدم شمول

incoherence	بی ارتباطی
Income	درآمد
income account	حساب درآمد
income adjusted	درآمد تعدیل شده
income and expenditure (expense)	درآمد و خرج
income and expense summary	خلاصه حساب سود و زیان، حساب خلاصه سود و زیان
income applicable to common stock	سود متعلق به سهام عادی
income applicable to senior securities	سود متعلق به اوراق بهادار اولویت دار
income as a predictive device	سود به عنوان ابزار پیش بینی
income averaging	متوسط گیری درآمد
income before deduction of tax	درآمد قبل از کسر مالیات
income before extraordinary items	سود قبل از اقلام غیر مترقبه

income bond	اوراق قرضه درآمدی (مبتنی بر سود)
income deductions card	کارت کسورات درآمد
income determination	تعیین درآمد
income determination models	مدلهای تعیین سود
income distribution models	مدلهای توزیع درآمد
income earned, earned income	درآمد کسب شده
income equation	معادله درآمد
income from cash penalties	درآمد حاصل از جریم نقدی
income from continuing operation	درآمد حاصل از عملیات جاری
income from continuing operations	سود حاصل از عملیات مستمر
income from discontinued operations	درآمد حاصل از عملیات متوقف شده
income from discount, discount earning	درآمد حاصل از تخفیف

income from sales, revenue from sales	درآمد حاصل از فروش
income gearing	نسبت سود قبل از بهره مالیات به ناخالص بهره
income generating unit	واحد ایجاد کننده درآمد
income inequality measure	معیار نابرابری درآمد
income manipulation	دستکاری در سود
income measurement	اندازه گیری سود، تعیین سود
income realization	تحقق بخشیدن به درآمد
income realization concept	مفهوم تحقق به درآمد
income recipients	دریافت کنندگان سود
income share	سهم درآمدزا
income smoothing	هموار سازی سود
income standard	

در هزینه یابی استاندارد، میزان درآمد مورد انتظار از پیش تعیین شده (در مورد اقلامی که به فروش خواهد رفت).
income statement
صورت سود و زیان
income statement accounts
حساب های صورت سود و زیان
income statement budget
بودجه صورت سود و زیان
income statement identity
صورت تطبیق درآمد و هزینه
income statement summary
خلاصه صورتحساب سود و زیان
income statement, profit and loss statement
صورت سود و زیان
Income statements columns
ستونهای صورت سود و زیان
income stream
جریان درآمد
income subject to tax, taxable income
سود مشمول مالیات
income summary
خلاصه سود و زیان
income summary account
خلاصه حساب سود و زیان

income summary, profit and (or) loss summary	خلاصه سود و (یا) زیان
income tax	مالیات مستقیم بر درآمد
income tax acts	قوانین مالیات بر درآمد
income tax allocation	تخصیص مالیات بر درآمد
income tax allowance	بخشودگی مالیات بر درآمد
income tax assessment	ارزیابی مالیات بر درآمد
income tax collection	وصول مالیات بر درآمد
Income tax declaration (statement)	اظهارنامه مالیات بر درآمد
income tax disputes	دعاوی مالیات بر درآمد
income tax equalization provision	ذخیره برابری مالیات بر درآمد
income tax law	قانون مالیات بر درآمد
Income tax laws	

قوانین مالیات بر درآمد
income tax liability
بدهی مالیات بر درآمد
income tax month
ماه مالیات بر درآمد
income tax paid
مالیات بر درآمد پرداختی ، مالیات بر درآمد پرداخت شده
income tax payable
مالیات بر درآمد پرداختنی
income tax payable provision
ذخیره مالیات بر درآمد پرداختنی
income tax rate
نرخ مالیات بر درآمد
income tax rate schedule
جدول نرخ مالیات بر درآمد
income tax regulations
مقررات مالیات بر درآمد
income tax return
اظهارنامه مالیاتی
income tax schedules
جدول مالیات بر درآمد
Income taxes payable
مالیات بر درآمد پرداختنی
Income velocity of money

سرعت گردش درآمدی پول	
income, revenue, profit, earning	
درآمد	
income-production asset	
دارایی مولد درآمد	
income-tax allocation	
تخصیص مالیات بر درآمد	
incoming auditor	
حسابرس جدید (آتی)	
incoming auditor, successor auditor	
حسابرس جانشین، حسابرس جدید (آتی)	
incoming cash flow	
جریان نقدی درآمد	
incoming partner	
شریک وارد شونده / جدید	
incommensurability	
مقیاس ناپذیری طول ها	
incommensurable	
بی مقیاس مشترک، نامتوافق، اندازه نگرفتنی، اندازه ناپذیر، بخش ناپذیر	
incommensurable magnitude	
کمیت اندازه ناپذیر	
incommensurable numbers	
اعداد اندازه ناپذیر، اعداد نامتوافق	

incommon	مشترک
incommutable	غیر جابجایی، تعویض ناپذیر، جابجایی ناپذیر
incomparable	ناهمسنجیدنی، قیاس ناپذیر، ناسنجیدنی، بی قیاس
incompatibility	ناسازگاری
incompatible	نا همساز، ناسازگار، متناقض، متضاد
incompatible duties	وظایف ناسازگار (متداخل)
incompatible duties (functions)	وظایف مانعه الجمع، وظایف، متناقض، وظایف ناسازگار
incompatible equations	معادله های ناسازگار
incompatible event	پیشامد ناسازگار
incompatible events	پیشامد های ناسازگار
incompatible functions	اقدام ناسازگار
incompatible occupations, incorrect acceptance	

قبول نادرست (پذیرش نادرست / ناسازگار)
incompatible to
مغایر با... ناسازگار با...
incompleteness
کمال ناپذیری
incomplete
نا کامل، ناقص، ناتمام
incomplete accounting records
مدارک ناقص حسابداری
incomplete application of the equity method
کاربرد ناقص روش ارزش ویژه
incomplete audit
حسابرسی ناتمام
incomplete beta function
تابع بتای ناقص
incomplete block design
طرح بلوکهای ناقص
incomplete contract
پیمان ناتمام
incomplete contract cost
هزینه (قیمت) پیمان ناتمام
incomplete data
اطلاعات ناقص
incomplete equity method

روش ارزش ویژه ناقص	
incomplete fluid	سیال تراکم ناپذیر
incomplete gamma function	تابع گامای ناقص
incomplete gamma functions	توابع گامای ناقص
incomplete induction	استقرای ناقص
incomplete ordered field	میدان مرتب ناکامل
incomplete transaction	معامله ناتمام
incompletely specified	به طور ناقص تعیین شده
incompleteness	ناکامل بودن
incompleteness of system of axioms	ناکامل بودن دستگاه آکسیوم ها
incompressible	تراکم ناپذیر
incompressible fluid	مایع تراکم ناپذیر
inconceivable	

غیر قابل فہم، غیر قابل تصور
incongruent solution
جواب ناهمنہشت
inconsiderable
ناچیز، بی اہمیت، جزئی
inconsistency
ناسازگاری
inconsistent
ناسازگار، متناقض، نامتوافق
inconsistent bias
اریبی ناسازگار
inconsistent equations
معادلات ناسازگاری
inconsistent formal system
دستگاہ صوری ناسازگار
inconsistent inequality
نابرابری ناسازگار
inconsistent system
سیستم ناسازگار
incontestable clause
شرط غیر قابل تردید، شرط غیر قابل اعتراض
Inconvertible
غیر قابل تبدیل
inconvertible bill of exchange

برات ارزی غیر قابل تبدیل
Inconvertible currency
پول غیر قابل تبدیل
incorporate
شرکت کردن، شرکت دادن، در هم ادغام شدن
Incorporated
شرکت سهامی
incorporated company
شرکت به ثبت رسیده، شرکت با مسئولیت محدود
Incorporated enterprise
شرکت به ثبت رسیده
incorporation
تاسیس شرکت
incorporation of audit firms
شرکت های تضامنی حسابرسی با مسئولیت محدود
incorporation process
فرایند تاسیس یک شرکت سهامی
incorrect confidence limits
حدود اعتماد غلط
incorrectness
نادرستی
incosistency
ناسازگاری، تباین
increasable

افزایش پذیر، قابل افزایش
Increase
افزایش دادن
increase endorsement
تصدیق با تایید افزایش
increase in asset
افزایش در دارایی
increase in price
ترقی قیمت (افزایش در قیمت)
increase in value
افزایش ارزش
increase in working capital
افزایش در سرمایه در گردش
increase of capital
افزایش سرمایه
increase of premium
افزایش حق بیمه
increase on investment
افزایش سرمایه گذاری
increase reduction, rise (in price)
ترقی / تنزل فراینده، افزایش (در قیمت)
increasing
فزاینده، افزایشی، صعودی
increasing cost

increasing failure rate	هزینه بالا رونده / فراینده
increasing function	میزان شکست فزاینده
increasing index	تابع صعودی
increasing mapping	شاخص (اندیس) صعودی
increasing marginal utility	نگاشت صعودی، نگاشت افزایشی
increasing order	مطلوبیت نهایی صعودی
increasing ratio	ترتیب صعودی
increasing return	نسبت فزاینده
increasing sequence	بازده صعودی
increasing trend	دنباله افزایشی، دنباله صعودی، رشته صعودی
increasing volume of production	روند فزاینده، روند صعودی
increment	افزایش حجم تولید

Increment (al) cost, final cost, marginal cost, manufacturing cost	نمو، افزایش، رشد
increment notation	هزینه نهایی
increment of a function	نماد نمو
increment of variable	نمو یک تابع
increment of x	نمو یک متغیر
incremental	نمو x
incremental (revenue-income)	تفاضلی، نهایی، افزایشی
incremental allowance	درآمد افزایشی
incremental analysis	اضافه حدود مجاز / حدود مجاز افزایشی
incremental analysis (marginal analysis)	تجزیه و تحلیل تفاضلی
incremental approach	تجزیه تحلیل هزینه نهایی، تجزیه و تحلیل تفاضلی
	روش اضافی / تفاضلی ، روش مبتنی بر اقلام نهایی

incremental benefit	تغییر در سود
incremental borrowing rate	نرخ نهایی (تفاضلی) استقراض
incremental budget	بودجه تفاضلی، بودجه نهایی
incremental budgeting	بودجه بندی بر مبنای سال قبل
incremental cash flow	جریان نقد اضافی
incremental cash flows	تفاضلی (جریانهای نقدی فزاینده)
incremental common cost allocation method	روش تفاضلی تخصیص هزینه های مشترک
incremental compiler	کامپایلر نموی
incremental cost	هزینه تفاضلی
incremental cost of capital	هزینه سرمایه اضافی، هزینه سرمایه تفاضلی
incremental cost, marginal cost	هزینه نهایی، هزینه (بهای تمام شده) افزایشی
incremental data	داده های نموی، داده های افزایشی

incremental information content	محتوای اطلاعات فزاینده
incremental method	روش تفاضلی
incremental net benefit	تغییر در خالص منافع
incremental or base line budgeting	بودجه بندی تفاضلی یا پایه ای
incremental revenue	درآمد تفاضلی
incremental sample size	اندازه نمونه اضافی
incremental separate costs	هزینه های تفاضلی جداگانه
incremental unit time learning model	مدل یادگیری زمان تفاضلی هر واحد محصول
incumbent	شاغل، متصدی
incumbrance(s) / encumbrance	تعهد (در جمع تعهدات)، تامین اعتبار، تعهد هزینه
Incur	خسارت دیدن
incursion	درون گشت

incurvate	بداخل خمیدن، بدخل خمیده
incurvation	بداخل خمیدگی
Indebtedness	بدهکاری
indebtedness ratio, debt ratio	نسبت بدهی
indecomposable	تجزیه ناپذیر
indecomposable group	گروه تجزیه ناپذیر
indecomposable set	مجموعه تجزیه ناپذیر
indeed	واضح است
indefeasible, irrevocable	غیر قابل فسخ
indefinability of the concept of truth	تعریف ناپذیری مفهوم راستی
indefinable	غیر قابل تعریف
indefinite	نامعین

indefinite description	توصیف نامعین، شرح نامشخص
indefinite integral	انتگرال نامعین
indefinite integration	انتگرالگیری نامعین، یافتن تابع اولی
indefinite intergral	انتگرال نامعین
indefinite judgement	حکم معدول
indefinite life	عمر نامحدود
indefinite number	عدد نامعین
indefinite quadratic form	صورت درجه دوم نامعین
indefinitely	به طور نامعین، تا ابد
indefiniteness	ابهام
indefinitiveness	ابهام
indegree	درجه ورودی

indemonstrable	غیر قابل اثبات
indent	دندانه دار کردن، کنگره دار کردن
indentation	دندانه، کنگره، تورفتگی، پله ای
indented	دندانه ای، کنگره دار
indention	به صورت پله ای
indentities	اتحاد های اساسی مثلثاتی
indenture	سند (قرار داد) انتشار اوراق قرضه
independence	استقلال
independence axioms	اصول موضوع مستقل
independence classes	رده های مستقل
independence equations	معادله های مستقل
independence events	پیشامد های مستقل

independence from line operations	استقلال از لحاظ فعالیت های سازمانی
independence functions	تابع های مستقل
independence in appearance	استقلال ظاهری
independence in fact	استقلال واقعی
independence of access	استقلال از لحاظ دسترسی
independence of auditors	استقلال حسابرس، حسابدار مستقل
independence of events	نابستگی حوادث، مستقل بودن حوادث
independence random variables	متغیر های تصادفی مستقل
independence standards board	هیات تدوین استانداردهای استقلال
independence theorem	قضیه استقلال
independence-in -appearance	استقلال ظاهری
independence-in-fact	استقلال واقعی

independent	مستقل
independent accountant = public accountant	حسابدار مستقل، حسابدار رسمی
independent accountant's opinion	نظر حسابدار مستقل
independent accountants' society	جامعه حسابداران مستقل
independent appraisal function	وظیفه ارزیابی مستقل
independent audit	حسابرس مستقل نام دیگر حسابرس مالی
independent audit (auditing), external audit	حسابرسی مستقل
independent audit report	گزارش حسابرس مستقل
independent auditor	حسابرس مستقل بین المللی
independent auditors' report	گزارش حسابرسان مستقل
independent axioms	اصول موضوع مستقل
independent checks	کنترل‌های مستقل

independent classes	رده‌های مستقل
independent contractor	پیمانکار مستقل
independent contrasts	مقایسه های مستقل
Independent Demand	تقاضاهای مستقل
independent element	عنصر مستقل
independent equation	معادله های مستقل
independent equations	معادله‌های مستقل
independent events	پیشامدهای مستقل
independent examination of auditor	رسیدگی مستقل حسابرسی
independent financial adviser (IFA)	مشاور مالی مستقل
independent float	شناوری مستقل
independent functions	تابعهای مستقل

independent international auditor	حسابرس مستقل بین المللی
independent international finance expert	متخصص مستقل مالی بین المللی
independent investigation	تحقیق مستقل
independent null hypothesis	فرض صفر مستقل
independent of the path	مستقل از مسیر
independent professional accountants	حسابداران مستقل حرفه ای
independent project	طرح / پروژه مستقل
independent projects	طرح (پروژه های) مستقل
independent public accountants	حسابداران عمومی (رسمی) مستقل
independent random variable	متغیر تصادفی مستقل
independent random variables	متغیرهای تصادفی مستقل
independent random vectors	بردارهای تصادفی نایسته

independent register	سازمان مستقل کنترل کننده سهام
independent registrar	سازمان مستقل کنترل کننده سهام
independent review	بررسی مستقل
independent set	مجموعه مستقل
independent set of functions	مجموعه مستقل توابع
independent trials	آزمایش های نایسته، آزمایش های مستقل
independent valuer	ارزیاب مستقل
independent variable	متغیر غیر وابسته، متغیر مستقل
independent vectors	بردار های مستقل
independent warehouse	انبار مستقل
in-depth analysis, vertical analysis	تجزیه و تحلیل عمقی، تجزیه و تحلیل عمودی
indestructibility	فنا ناپذیری، استواری، پایداری

indestructible	فنا ناپذیر، تخریب ناپذیر
indeterminacy	ابهام
indeterminate	مجهول، نامشخص، نامعین، مبهم، متغیر
indeterminate appropriation	تخصیص مبهم
indeterminate equation	معادله سیاله
indeterminate equations	معادله های سیاله، معادله های مبهم
indeterminate expressions	عبارات مبهم، صور مبهم
indeterminate form	صورت مبهم، صورت نامعین
indeterminate forms	صور مبهم، صور نامعین، صورت های مبهم
indeterminate proposition	قضیه مهمله
indeterminate quantity	کمیت مبهم
indeterminate system	دستگاه مبهم

indetermination	شک، تردید
indetermined	مبهم، نامعین
indeterminedness	ابهام، نامعینی، نامعین بودن
index	شاخص
index center	شاخص مرکز
index certificate	گواهی شاخص
index chart	نمودار شاخص
index fund	صندوق سرمایه‌گذاری در سهام شاخص
index linked insurance	بیمه‌ای که با تغییرات شاخص تعدیل می‌شود
index model	مدل شاخص مدل مبتنی بر شاخص
index number	عدد شاخص، شاخص
index number comparison	شاخص سنجی

index numbers	اعداد شاخص
index of a permutation	شاخص جایگشت، شاخص یک جایگشت
index of a quadratic form	شاخص صورت درجه دوم
index of a radical	عدد واقع در فرجه رادیکال
index of a subgroup	شاخص زیر گروه
index of dispersion	شاخص پراکندگی
index of fit	شاخص برازش
index of industrial production	شاخص تولید صنعتی
index of nilpotence	شاخص پوچتوانی
index of precision	شاخص دقت
index of retail prices	شاخص قیمت های خرده فروشی
index of summation	

اندیس جمع، اندیس، محاسبه جمع بندی، عمل جمع، حاصلجمع یابی
index of wholesale prices, wholesale price index
شاخص قیمت های عمده فروشی
index plate
صفحه تقسیم
index set
مجموعه زیر نویس
index set of a family
مجموعه زیر نویس خانواده
index sets
مجموعه اندیس گذار
indexation
پیونددهی، شاخص بندی، رعایت سطح عمومی قیمت در مورد متغیرهایی مانند مالیات، حق بیمه و مستمری
indexed class
کلاس اندیس گذار، کلاس اندیس دار
indexing
اندیس کننده
indexing (and cross referencing)
طبقه بندی اسناد و تطبیق آنها در کاربرگ های حسابرسی
indexing function
تابع اندیس دار
indexing machine

	دستگاه تقسیم
indexing rotating disk feeder	
	تغذیه کننده دیسکی دوار تقسیمی
indexing set	
	مجموعه اندیس دار، مجموعه اندیس گذار
indexing slot	
	شکاف تقسیم
indexing table	
	صفحه تقسیم
index-removal method	
	روش حذف شاخص
indicate	
	مجموعه زیر نویس خانواده، نشان دادن، مشخص کردن، ذکر کردن، اشاره کردن
indicated	
	مربوطه، داده شده، زیر
indicated yield	
	نرخ سود بر حسب درصدی از مبلغ سرمایه گذاری
indicating variable	
	متغیر مشخصه
indication	
	نشانه، گواه
indications of source	
	علائم محل ساخت (مبدا)

indicator	شاخص، نمایه، نماگر
indicator function	تابع نشانگر
indicator of an integer	معرف یک عدد صحیح
indicator variable	متغیر شاخص
indicatrix	شاخص، اندیکاتریس
indice	اندیس
indices	زیرنویس ها، اندیس ها، زیرنگاشت ها
indicial	اندیسی، شاخصی، زیرنویسی
indicial equation	تابع نشانگر
indicial relations	روابط تعیین کننده
indidence	برخورد
indifference	بی تفاوتی

indifference curve	منحنی بی تفاوتی
indifference point	نقطه بی تفاوتی
indifference point analysis	تحلیل نقطه بی تفاوتی
indifference zone	ناحیه بی تفاوتی
indifferent	بی تفاوت
indifferent quality level	سطح کیفیت بی تفاوت
indiffidence	عدم بی اعتمادی
indirect	نا سرراست، غیر مستقیم
indirect (labour-wages)	دستمزد غیر مستقیم
indirect access	دسترسی غیر مستقیم
indirect approach	روش (رویکرد) غیر مستقیم
indirect assessment method	روش سنجش غیر مستقیم

indirect censoring	سانسور غیر مستقیم
indirect charges (expenditures)	مخارج غیر مستقیم
indirect conformal mapping	معادله شاخصی
indirect consequences	آثار / پیامدهای غیر مستقیم
indirect control	کنترل غیر مستقیم
indirect cost	هزینه غیر مستقیم
indirect costs of a cost object	هزینه های غیر مستقیم موضوع هزینه
indirect damage	خسارت غیر مستقیم
indirect debt (liability)	بدهی غیر مستقیم، بدهی احتمالی
indirect departmental charges	هزینه های غیر مستقیم دوایر
indirect differentiation	مشتق گیری غیر مستقیم
indirect division of medical care	بخش درمان غیر مستقیم

indirect effect illegal acts	اعمال غیرقانونی دارای تأثیر غیرمستقیم
indirect factory wages	دستمزد غیر مستقیم کارخانه
indirect financial interest	منافع مالی غیر مستقیم
indirect holding	سرمایه گذاری (مالکیت) غیر مستقیم
indirect jump	جهش غیر مستقیم
indirect labor	دستمزد (نیروی کار) غیر مستقیم
indirect labour cost	هزینه دستمزد غیر مستقیم، هزینه کار غیر مستقیم
indirect labour rate variance	مغایرت نرخ کار غیر مستقیم
indirect least squares	کمترین توانهای دوم غیر مستقیم
indirect liability	بدهی غیر مستقیم
indirect manufacturing costs	هزینه های غیر مستقیم تولید
indirect material	مواد غیر مستقیم

indirect material rate variance	مغایرت نرخ مواد غیر مستقیم
indirect material usage variance	مغایرت مصارف مواد غیر مستقیم
indirect material, prime costs, indirect expense	مواد غیر مستقیم، مواد اولیه غیر مستقیم
indirect materials	مواد غیر مستقیم
indirect materials cost	هزینه مواد غیر مستقیم
indirect measurment	اندازه گیری غیر مستقیم
indirect method	روش غیر مستقیم
indirect obligation	تعهد غیر مستقیم
indirect overhead	سربار غیر مستقیم
indirect parity	برابری غیر مستقیم
indirect proof	اثبات غیر مستقیم، برهان غیر مستقیم
indirect proportionality	تناسب معکوس، نگاشت همدیس نامستقیم

indirect quoted free exchange rate	نرخ آزاد تبدیل غیر مستقیم
indirect tax	مالیات غیر مستقیم
indirect tax, excise tax	مالیات غیر مستقیم
indirect taxation	مالیات غیر مستقیم
indirect taxes	مالیات های غیر مستقیم
indirect time	زمان غیر مستقیم
indirect valuation	ارزیابی غیر مستقیم
indirect wage rate	نرخ دستمزد غیر مستقیم
indirect-effect illegal acts	اعمال غیر قانونی دارای تاثیر غیر مستقیم
indirectly proportional quantities	کمیت های معکوسا متناسب
indiscerptibility	ناگسستگی
indiscrete	ناگسسته

indiscrete topology	توپولوژی ناگسسته، توپولوژی ناهموار
indiscrimination stock taking	موجودی گیری در هم بر هم (قاطی)
indistinguishable	غیر قابل تمایز
individual	فرد، منفرد، جزء، خاص، شخصی، اختصاصی، تک، انفرادی، فردی، منحصر به فرد
individual accounts	صورتحساب های شرکتی، صورت های مالی شرکتی منفرد
individual and collective responsibility of partners	مسئولیت فردی و جمعی شرکاء
individual and collective responsibility, several and joint liability (responsibility)	مسئولیت فردی دسته جمعی
individual income tax	مالیات بر درآمد فردی
individual member	عضو منفرد
individual moving-average inequality	نابرابری میانگینهای متحرک تکی
individual proprietorship	

مالکیت انفرادی
individual retirement account
حساب بازنشستگی فردی
individual retirement account (IRA)
طرح بازنشستگی برای کسانی که هیچ نوع بیمه ای ندارند.
individual risk theory
نظریه مخاطره تکی
individual savings accounts (ISA)
حساب های پس انداز شخصی
individual segregation
جاسازی حساب مشتریان در موسسه کارگزاری
individual variable
متغیر فردی
individually or in the aggregate
به تنهایی یا در مجموع
individuals
افراد
indivisibility
بخش ناپذیری
indivisible
تقسیم ناپذیر، غیر قابل تقسیم، بخش ناپذیر، تقسیم نشدنی
indivisible overhead, on-cost overhead
سربار غیر قابل تقسیم
indorsed draft

	حواله ظهر نویسی شده
indorser, drawer	
	برات گیر ، محال علیه
induce	
	القاء کردن، انگیختن، موجب شدن
induced	
	انگیخته، القاء شده، القایی
induced by	
	القاء شدن توسط، القایی توسط
induced charge (expense)	
	هزینه القایی
induced equivalence class	
	کلاس هم ارزی القاء شده
induced form	
	فرم القاء شده
induced homomorphism	
	همریختی القا شده، همریختی القایی
induced operation	
	عمل القاء شده، عمل القایی
induced operator	
	عملگر القا شده
induced order	
	ترتیب القاء شده، ترتیب القایی
induced order on	

ترتیب القاء شده روی، ترتیب القایی بر
induced order relation
نسبت ترتیبی القایی
induced order statistics
آماره‌های ترتیبی ایجاد شده
induced ordering relation
نسبت ترتیبی القاء شده
induced relation
رابطه القاء شده
induced representation
نمایش القا شده، نمایش القایی
induced topology
توپولوژی القا شده، توپولوژی القایی
inducement
موجب، القاء، انگیزش
induct
هدایت کردن، القاء کردن
inductance
ضریب خودالقائی، خودالقاء، خودالقائی
induction
استقرا، روش استقرا
induction economics
اقتصاد صنعتی
induction engineer

مهندس صنایع، مهندس صنعتی	
induction hygiene	بهداشت صنعتی
induction management	مدیریت صنعتی
induction mathematics	ریاضیات استقرائی
induction principle	اصل استقراء
induction property	خاصیت استقرا
induction psychology	روان شناسی صنعتی
induction revolution	انقلاب صنعتی
induction safety	ایمنی صنعتی، حفاظت صنعتی
induction union	اتحادیه صنعتی، سازمان صنعتی
induction welding	جوشکاری القایی
inductive	استقرایی
inductive approach	

روش (رویکرد) استقرایی	
inductive assumption	
فرض استقرایی	
inductive definition	
تعریف استقرایی	
inductive hypothesis	
فرض استقرای، فرض استقرائی	
inductive limit	
حد استقرایی، حد مستقیم	
inductive logic	
منطق استقرایی	
inductive proof	
دلیل استقرایی	
inductive reasoning	
استدلال استقرایی	
inductive set	
مجموعه استقرایی	
inductive step	
مرحله استقرایی	
inductive system of sets	
دستگاه استقرایی مجموعه ها، دستگاه مستقیم مجموعه ها	
inductively	
به صورت استقرایی	
inductor	

مقاومت القایی، القاء کننده، سلف
industrial
صنعتی
industrial aid bond
اوراق قرضه برای توسعه صنعت
industrial bank
بانک صنعتی
industrial building
ساختمان های تجاری
industrial concern
بنگاه صنعتی
industrial development Bank
بانک توسعه صنعتی
industrial development bond
اوراق قرضه توسعه صنعت
industrial development bond (idb)
اوراق قرضه توسعه صنعتی (صنایع)
industrial development bond (IDB)
اوراق قرضه توسعه صنعتی (صنایع)
industrial engineering method
روش مهندسی صنایع
industrial estate
منطقه صنعتی، شهرک صنعتی، ناحیه تجاری
industrial insurance

industrial management	بیمه صنعتی
industrial organizations	مدیریت صنعتی
industrial partnership	موسسات صنعتی
industrial standard ratios	مشارکت صنعتی
industrial union, guild	نسبت های استاندارد صنعتی
industrial value chain	اتحادیه صنعتی
industrialists	زنجیره ارزش صنایع (صنعتی)
industrialization	صاحبان صنایع
industrially advanced company	صنعتی شدن، صنعتی کردن
Industry	شرکت پیشرفته صنعتی
industry analysis	صنعت
industry audit guides	تجزیه تحلیل صنعت

رهنمودهای (دستورالعملهای) حسابرسی صنایع	
industry average	
	میانگین صنعت شاخص صنعت
industry averages	
	شاخص های صنعت
industry characteristics	
	خصوصیات صنعت
industry peculiarities	
	خصوصیات صنعتی
industry practices	
	خصوصیات صنعتی
industry ratios	
	نسبت های صنعت
industry segment	
	بخش صنعت
industry segments; industrial segments	
	قسمت های صنعتی
industry specific rules	
	مقررات/قواعد مختص صنعت
industry standard	
	استاندارد صنعت
Inefficiency	
	عدم کارایی
inefficient portfolio	

پرتفوی غیرکارآ (غیر بهینه)	
inefficient statistic	
	آماره ناکارآ
inelastic	
	بی کشش
inelastic demand	
	تقاضای بی کشش
inequal	
	نابرابر، نامساوی
inequalities for expected sample sizes	
	نابرابریهای مربوط به اندازه‌های مورد انتظار نمونه
inequalities on distributions	
	نابرابریهای مربوط به توزیعها
inequality	
	نابرابری
inequality constraints	
	محدودیت های نامساوی
inequation	
	نامعادله
inequility	
	نامعادله، نابرابری
inequilateral	
	مختلف الاضلاع
inequivalence	

نا هم ارزی	
inertia	
	اینرسی (جبر)
inertia matrix	
	ماتریس لختی
inertia tensor	
	تانسور لختی
inertial	
	اینرسی، جبری، قوه جبری، خاصیت جبری
inertial coordinate system	
	دستگاه مختصات لخت
iness proposition	
	قضیه مطلقه
inessential	
	غیر اساسی، غیر ضروری
inessential map	
	نگاشت غیر اساسی
inevitable chare (expense)	
	هزینه قطعی و حتمی
inexact	
	غیر دقیق، نادقیق، ناکامل
inextensibility	
	انبساط ناپذیری، غیر قابل اتساع
infant mortality	

	مرگ و میر نوزادان
infeasibility	
	نشدنی
infeasible	
	نشدنی
infeasible solution	
	جواب غیر موجه، جواب نشدنی
infeed	
	تغذیه به داخل، بار به تو، بار به داخل
infer	
	استنباط کردن، استنتاج کردن، اشاره کردن به، پی بردن به، حدس زدن
inference	
	استنباط
inference design based vs. model based	
	استنباط مبتنی بر طرح در مقابل استنباط مبتنی بر مدل
inferential	
	استنباطی
Inferential Statistic	
	آمار استنباطی
inferential statistics	
	آمار استنباطی
inferior	
	زیرین، پائینی، اسفل

inferior limit	حد زیرین
inferior point	نقطه پایینی، نقطه اسفل
inferior triangular matrix	ماتریس مثلثی زیرین
infima	زیرینه ها
infimum	اینفیمم
infinite	نامتناهی
infinite branch	شاخه بی پایان
infinite branch of a curve	شاخه نامحدود یک منحنی
infinite cardinal	عدد اصلی نامتناهی
infinite cardinal number	عدد اصلی نامتناهی
infinite collection	دسته نامتناهی، گردایه نامتناهی، مجموعه نامتناهی
infinite continued fraction	کسر مسلسل نامتناهی

infinite cyclic group	گروه دوره ای نامتناهی
infinite decimal	اعشاری نامتناهی
infinite decimal fraction	کسر اعشاری نامتناهی
infinite decimal representation	نمایش اعشاری نامتناهی
infinite derivative	مشتق نامتناهی
infinite descent	نزول نامتناهی
infinite dimensional	نامتناهی البعد، بی نهایت بعدی، با بعد نامتناهی
infinite dimensional inner product space	فضای ضرب داخلی با بعد نامتناهی
infinite dimensional linear space	فضای برداری نامتناهی بعد
infinite dimensional space	فضای با بعد نامتناهی، فضای نامتناهی البعد
infinite discontinuity	ناپیوستگی نامتناهی
infinite divisibility	بینهایت بار تقسیم‌پذیری

infinite field	میدان نامتناهی
infinite group	گروه نامتناهی، گروه بینهایت، گروه نامحدود
infinite integral	انتگرال توسعی، انتگرال نامتناهی
infinite interval	بازه بی پایان، فاصله نامحدود، فاصله بینهایت
infinite lattice	شبکه بی پایان
infinite limit	حد نامتناهی، حد بینهایت
infinite limits	حدود نامتناهی
infinite number	تعداد بی پایان، عدد نامتناهی
infinite point	نقطه نامتناهی
infinite population	جامعه نامحدود، جامعه نامتناهی
infinite product	حاصل ضرب بی پایان، حاصل ضرب نامتناهی
infinite product of topological spaces	حاصل ضرب بی پایان فضاهاى توپولوژیک

infinite queue	صف نامتناهی
infinite root	ریشه بینهایت
infinite sample space	فضای نمونه نامحدود
Infinite Scheduling	برنامهریزی نامحدود
infinite sequence	دنباله نامتناهی، رشته نامتناهی
infinite series	سری نامتناهی، رشته نامتناهی، سری های نامتناهی، سلسله های نامتناهی
infinite set	مجموعه نامتناهی، مجموعه بی پایان
infinite small quantity	کمیت بینهایت کوچک
infinite topology	توپولوژی نامتناهی
infinitely	بی نهایتا، بینهایت، بی پایان، نامحدود، بیکران
infinitely differentiable	بی نهایت بار مشتقپذیر
infinitely differentiable function	

تابع بی نهایت مشتقپذیر	infinitely divisible distribution
توزیع بی نهایت تقسیمپذیر	infinitely great
بینهایت بزرگ	infinitely large
بینهایت بزرگ	infinitely many
بی نهایت	infinitely many element
بی نهایت عنصر	infinitely many points
بینهایت نقطه	infinitely many times
بینهایت بار	infinitely often
تقریبا بینهایت بار	infinitely proceeding
تا بینهایت جریان یابنده	infinitely quantity
کمیت بینهایت بزرگ	infinitely small
بینهایت کوچک	infinitely small quantity

کمیت بینهایت کوچک
infiniteness
بی پایانی، نامتناهی کوچک
infinitesimal
بی نهایت کوچک
infinitesimal analysis
آنالیز فاصله، آنالیز بینهایت کوچک ها
infinitesimal calculus
حساب بینهایت کوچک ها، آنالیز مقادیر بینهایت کوچک، آنالیز فاصله
infinities
بینهایت ها
infinitude
نهایت، کمیت غیر شمارش پذیر، عدد بینهایت، لایتناهی، حالت یا کیفیت نامتناهی بودن
infinity
بینهایت
infinity in c
بینهایت در دستگاه اعداد مختلط توسعه یافته
infinity in r
بینهایت در دستگاه اعداد حقیقی توسعه یافته
infix
میانوند
inflated distribution

	توزیع آماسیده
inflated inventory	
	موجودی متورم شده گزارش موجودی کالا به قیمتی بیش از واقع
inflated profit	
	سود بادکرده
inflated stock	
	موجودی تورمی
inflation	
	تورم
inflation accounting	
	حسابداری تورمی
inflation hedge	
	مقابله با تورم مصون سازی در مقابل تورم
inflation indexed security	
	اوراق بهادار شاخص بندی شده با سطح تورم
inflation -indexed security	
	اوراق بهادار شاخص بندی شده با سطح تورم
Inflation Premium	
	صرف تورم
inflation rate	
	نرخ تورم، افزایش سطح کل قیمت ها
inflationary	
	تورمی

inflationary changes	تغییرات تورمی
inflationary factors	عوامل تورمی
inflationary influence	تأثیر تورمی
inflationary period	دوره تورمی
inflection	خمیدگی، عطف، خمش، برتاب
inflection accounting	حسابداری تورمی
inflection point	نقطه عطف
inflection tangent	مماس عطفی
inflection tangent to a curve	مماس بر منحنی در نقطه عطف
inflectional	عطفی
inflectional tangent	مماس عطفی
inflexible	خم نشدنی، غیر قابل انحناء

inflexion	تغییر انحناء عطف
inflexion point	نقطه عطف
Inflow	ورودی
inflow of cash	جریان ورود وجه نقد
Inflows of cash	جریانات ورودی وجه نقد
influence	اثر، نفوذ، تأثیر
influence curve	خم تأثیر
influence diagram	نمودار تأثیر
influence function	تابع تأثیر
influence surface	رویه تأثیر
influential	بانفوذ
influential data	داده‌های موثر

influential observation	مشاهده موثر
influential organizations	سازمان های ذی نفوذ (تاثیرگذار)
inforce, valid, reliable, reputable, honoured, valid	معتبر
inform	مطلع کردن، آگاه ساختن
informal	مدون نشده
informal group	ترکیب غیر رسمی سازمان، گروه غیر رسمی
informal opinion	اظهار نظر آگاهانه
informal organization	سازمان غیر رسمی
informal procedures	روش های غیر مدون
informal records	مدارک اسناد غیر رسمی
informatics	انفورماتیک، خودکاری آگاهانه
information	

اطلاعات، مجموعه ای از واقعیت ها، آگاهی
information and communication
اطلاعات و گزارشگری
information asymmetry
عدم تقارن اطلاعات، عدم دسترسی یکسان به اطلاعات
information attributes
ویژگیهای/ خواص اطلاعات
information benefit ve. cost
منافع اطلاعات در مقابل هزینه آن
information bits
زره های اطلاعات، آگاهی
information center
مرکز اطلاعات
Information Communication Technology
فناوری اطلاعات و ارتباطات
information content
مضمون(بار) اطلاعاتی محتوای اطلاعاتی
information content of dividends hypothesis
فرضیه محتوای اطلاعاتی سود سهام
information content of earnings
محتوای(مضمون) اطلاعاتی سود
information economic theory
تئوری اقتصادی بودن اطلاعات
information economics

اطلاعاتی که می تواند بر تغییرات (رفتار) اقتصادی اثر بگذارد
information feedback
بازخور اطلاعات، بازگشت اطلاعات
information flow
جریان اطلاعات، گردش اطلاعات
information for financial control
اطلاعات جهت کنترل مالی
information for management control
اطلاعات جهت کنترل مدیریتی
information hypothesis
فرضیه (نظریه) اطلاعات
information inductance
تلقین اطلاعات
information induction
استقرا اطلاعات
information interchange
تبادل اطلاعات
information intermediaries
واسطه های اطلاعاتی
information link
به هم پیوستن، پیوند اطلاعات
information matrix
ماتریس اطلاع

information media	ابزار اطلاعاتی، واسطه اطلاعاتی
information needs	نیازهای اطلاعاتی
information overload	انباشت بیش از حد اطلاعات، ارائه بیش از حد اطلاعات
information processing	پردازش داده ها، پردازش اطلاعات
information report	گزارش اطلاعاتی
Information Resource Management	مدیریت منبع اطلاعات
information retrieval	بازیابی اطلاعات
information risk	ریسک اطلاعات
information source	منبع اطلاعات
information statistic	آمار اطلاعاتی
information system	سیستم اطلاعاتی
Information Systems	سیستم‌های اطلاعاتی

information systems management	مدیریت سیستم های اطلاعاتی
information technology	تکنولوژی اطلاعاتی
information technology (IT)	مخفف تکنولوژی اطلاعاتی، فن آوری اطلاعات
information technology strategy	استراتژی تکنولوژی اطلاعات
information theory	تئوری اطلاعاتی
informatique	انفورماتیک، خودکاری آگاهانه
informative experiment	آزمایش آگاهی بخش
informative outcome	پیشامد آگاهی بخش
informative sample size	اندازه نمونه آگاهی بخش
informed	با خبر، آگاه، مطلع
informed authority	مقام آگاه
Informed decision	تصمیم آگاهانه

Informed judgment	قضاوت آگاهانه
informer	خبر دهنده، مخبر، آگاه گر
infra	مادون، پائین
infra red	مادون قرمز
infra red detector	آشکارساز مادون قرمز
infrastructure (social overhead capital)	زیرساختار
infrastructure costs	هزینه یابی زیربنایی
infrequent in occurrence	وقوع (رخداد) غیر مکرر
infrequently	به ندرت، کم، گاهی گاهی
infringe legal powers	تجاوز از اختیار قانونی کردن
infringement	تخطی از شرایط قرارداد نقض مفاد قرارداد
ingot	شمس مربع القاعده، شمس

ingredient	جزء ترکیبی، جزء عناصر، عوامل، اجزاء
ingredients	مواد متشکله، اجزاء متشکله، جزء
ingredients of primary qualities	عناصر تشکیل دهنده ویژگی های کیفی اولیه
inherent	ذاتی، اصلی
inherent bias	ارایی ذاتی
inherent confidence level	سطح اعتماد ذاتی
inherent limitation	محدودیت ذاتی
inherent limitations	محدودیت های (نارساییهای) ذاتی
inherent limits	حدود اعتماد ذاتی
inherent maintainability	قابلیت نگهداری ذاتی
inherent risk (ir)	ریسک ذاتی
inherent significance level	سطح معنی دار بودن ذاتی

inherent tax	مالیات بر ارث
inherently ambiguous	ذاتا مبدا
inheritance	ارث (میراث)
inheritance tax return	مالیات بر ارث متوفی
inheritance tax waiver	مفاصا حساب مالیات بر ارث
inheritance tax, succession tax, death duty, estate duty	مالیات بر ارث متوفی
inhibit	جلوگیری کردن، نهی کردن
inhibition	جلوگیری، منع
inhomogeneity	ناهمگنی
inhomogeneous	غیر همگن، ناهمگن
inhomogeneous coordinates	مختصات ناهمگن
inhomogeneous difference equation	

معادله تفاضلی ناهمگن
initial
پاراف کردن
initial adoption
بکارگیری برای اولین بار (اولیه)
initial and terminal lines
خطوط آغازی و پایانی
initial audit
حسابرس نخستین
initial authorized capital
سرمایه ثبت شده (اسمی) اولیه
initial basic feasible solution
جواب شدنی پایه آغازین
initial block
بلوک آغازین
initial bounded variables
متغیرهای کراندار اولیه (آغازین)
initial campaign
معرفی کالا به بازار
initial capital, starting capital, opening capital
سرمایه اولیه، سرمایه اصلی
initial charge
خرج اولیه
initial condition

initial conditions	شرط آغازی
initial data analysis	شرایط اولیه
initial delivery and handing costs	تحلیل آغازین داده‌ها
initial direct costs	مخارج حمل و نقل اولیه
initial distribution of income	هزینه های مستقیم اولیه
initial distribution of wealth	توزیع اولیه درآمد
initial error	توزیع اولیه ثروت
initial franchise fee	خطای آغازین
initial investment	حق فرانشیز اولیه
Initial margin	سرمایه گذاری اولیه
initial margin requirement	حداقل سپرده اولیه
initial object	اعتبار اولیه مورد نیاز

initial ordinal number	شء آغازين
initial overhead	عدد ترتيبى آغازى
initial phase	هزينه بالا سرى
initial point	فاز اوليه
initial point of a vector	نقطه اوليه
initial point of vector	نقطه آغازى بردار، ابتداى بردار
initial provision	نقطه شروع بردار
Initial Public Offering	ذخيرہ اوليه
initial public offering (ipo)	اولين عرضه عام سهام
initial public offering (IPO)	عرضه (انتشار) عمومى اوليه اوراق بهادار
initial purchase price	عرضه (انتشار) عمومى اوليه اوراق بهادار
initial ray	قيمت خريد اوليه

initial recognition	شعاع نخستین
initial reserve	شناخت اولیه
initial sales	اندوخته اولیه
initial sample size	فروش اولیه محصولی جدید
initial segment	تعداد نمونه اولیه، حجم اولیه نمونه
initial set	بخش اولیه، بخش آغازی، قطعه یک مجموعه متعلق به یک عنصر
initial solution set	مجموعه اولیه، مجموعه آغازین
initial state	جواب اولیه روش سیمپلکس
initial suffix	حالت آغازی، حالت اولیه، حالت شروع
initial time	اندیس مبداء، پسوند آغازی
initial topology	لحظه شروع
	توپولوژی آغازی

initial value	ارزش اولیه
initial value problem	مساله با مقدار اولیه
initial value theorem	قضیه مقدار آغازی
initial velocity	سرعت اولیه
initial vertex	رأس اولیه
initial vertice	رأس ابتدا
initial wealth	ثروت اولیه
initial yield	نسبت بازدهی اولیه، در آمد ناخالص سالانه اولیه قلم دارایی تقسیم بر هزینه های اولیه همان یک دارایی
initialization	آغازینسازی
initially	در آغاز، ابتداء، در ابتدا
initiate	براه انداختن، آغاز کردن، مورد استفاده قرار گرفتن
initiation	

	آماده سازی
initiator	
	بادی، آغاز کننده
initiatory expense (cost)	
	هزینه اولیه
injection	
	تابع یک به یک، نگاشت یک به یک، یک به یک
injective	
	یک به یک، یک سو
injective , one to one	
	یک بیک
injective function	
	تابع یک به یک
Injective Function (one-to-one)	
	تابع یک به یک
injective function = one to one function	
	تابع یک به یک
injective mapping	
	نگاشت یک به یک، گسترش انژکتیو
inland bill of exchange, domestic, bill of exchange	
	برات داخلی
inland customs	
	گمرک داخلی (داخل کشور)

inland duty	عوارض داخلی
inland freight	هزینه حمل داخلی
inland purchase	خرید داخل کشور
inland revenue (GB), internal revenue	درآمد داخلی
inland waterway bill of lading	بارنامه آبراه داخلی
inland waterway consignment note	صورت ارسال بار از طریق آبراه داخلی
inlet	ورودی، دهانه، مدخل
in-lieu tax	مالیات معوض
innate	فطری
inner	داخلی
inner and outer tolerance interval	بازه تحمل درونی و برونی
inner automorphism	خودسانی داخلی

inner composition	ترکیب داخلی
inner inference	استنباط درونی
inner jordan content	محتوای ژوردان داخلی
inner measure	سنج درونی، اندازه داخلی، اندازه درونی
inner operation	عمل داخلی، عمل درونی
inner product	ضرب (حاصل ضرب) داخلی
inner product of sets	حاصل ضرب داخلی مجموعه ها
inner product of two vectors	ضرب داخلی دو بردار
inner product of vectors	ضرب داخلی بردار ها
inner product space	فضای با (حاصل) ضرب داخلی، فضای ضرب داخلی، فضای حاصل ضرب داخلی
inner region	ناحیه داخلی
inner sum	

	مجموع داخلی
innotational form	
	با نماد ریاضی
innovate	
	نو آوری کردن
innovation	
	ابداع، نو آوری
innovation variance	
	واریانس عامل ابداع
innumerable	
	بی شمار، شمارش ناپذیر، ناشمار، غیر محدود
innumerably	
	به طور بی شمار
innumeros	
	بی شمار
inorder	
	میان ترتیب
inorder traversal	
	پیمایش میان ترتیب
inprimitive system	
	دستگاه غیر ابتدایی
input	
	ورودی
input alphabet	

	الفبای ورودی
input bit	
	بیت ورودی
input controls	
	کنترل‌های ورودی
input data	
	مجموعه اطلاعات داده شده
input device	
	دستگاه ورودی، نماد ورودی
input equation	
	معادله ورودی
input measure	
	اندازه ورودی
input oriented principles	
	اصل متمرکز بر داده ها
input output	
	ورودی-خروجی، ورودی و خروجی، داده-ستاده، داده-بازده، گذاشت-برداشت
input output coefficients	
	ضرایب داده ستاده
input output device	
	طرح ورودی خروجی
input output management	
	مدیریت ورود-خروج

input output statement of funds	صورتحساب منابع و مصارف وجوه
input symbol	نماد ورودی
input tape expression	عبارت ورودی نوار
input tradeoff efficiency	کارایی تعادل (توازن) داده
Input/Output	ورودی / خروجی
Input-Output	ورودی و خروجی
input-output analysis	تجزیه و تحلیل داده، ستانده
input-output statement	صورتحساب داده ها و ستاده ها (منابع و مصارف)
inquiry	پرس وجو
inquiry of the client's attorney	پرس وجو از وکیل حقوقی صاحبکار
inquiry of the client's attorney	پرس و جو از وکیل حقوقی صاحبکار
inradius	شعاع دایره، شعاع کره محاطی، شعاع دایره محاطی

inscribable	محاط شدنی، قابل محاط
inscribe	محاط کردن، محاط شدن، محاطی بودن
inscribed	محاط شده، محاطی، محاط
inscribed angle	زاویه محاطی
inscribed circle	دایره محاطی داخلی، دایره محاطی
inscribed circle of a polygon	دایره محاطی یک چندضلعی
inscribed circle of a triangle	دایره محاطی یک مثلث
inscribed polygon	چندضلعی محاطی، چندضلعی محاط شده
inscribed region	ناحیه درون کشیده
inseparability	عدم تفکیک پذیری
inseparable	جدا ناشدنی
inseparable cost	هزینه غیر قابل تفکیک

inseparable element	عنصر تفکیک ناپذیر
inseparable extension	توسیع تفکیک ناپذیر
inseparable from	غیر قابل تفکیک از ..
inseparable polynomial	چندجمله ای تفکیک ناپذیر
insert	جایگزین کردن، قرار دادن، گذاشتن، جای دادن، درج کردن، تیغچه، بوش، جا انداختن، قطعه اضافی داخلی، جا دادن، جا گذاری، فرو کردن
insertion	جایگزینی، درج
inside	داخل، داخلی، درونی، درون، تو
inside caliper	پرگار داخلی، پرگار داخل، پرگار دهانه سنج، قطر سنج داخلی
inside information	اطلاعات داخلی / محرمانه / خصوصی
inside market	مظنه قیمت داخلی
inside micrometer	میکرومتر داخل سنج، ریزسنج داخلی، میکرومتر داخلی

insider	فردی که به اطلاعات محرمانه (داخلی) دسترسی دارد (مثل مدیران)
insider dealing (insider trading)	معامله درون سازمانی
insider trading	مبادله به سیله افراد داخل شرکت
Insight	بینش و دید تحلیلی
insoluble	غیر قابل حل
insolvable	عاجز از پرداخت دیون (مفلس)
insolvency	عدم توانایی در پرداخت بدهیها ورشکستگی
insolvency administration order	حکم دادگاه برای مدیریت بر دارایی های یک مدیون متوفی ورشکسته
insolvency practitioner	مامور اجرای امور مربوط به ورشکستگی شرکت
insolvent asset	دارایی غیر کافی برای بدهی
insolvent estate	ترکه غیر مکفی (برای دین)
insolvent law	

قانون اعسار
insolvent, bankrupt
درمانده در پرداخت، معسر، مفلس، ندار، متوقف، درمانده
insourcing
تأمین از داخل
inspect
بازرسی کردن بررسی کردن بازدید کردن
inspect, examine
بازرسی کردن کالا
Inspection
بازرسی
inspection by attributes
بازرسی وصفی
inspection by variable
بازرسی کمی
inspection certificate
گواهی بازرسی
inspection department (office)
اداره بازرسی
inspection feedback
بازخور بازرسی
inspection frequency
تواتر بازرسی
inspection level

سطح بازرسی	inspection lot
انباشته بازرسی	inspection of purchased goods
بازرسی کالای خریداری شده	inspection of purchased material
بازرسی مواد خریداری شده	inspection paradox
پارادوکس بازرسی	inspection point
نقطه بازرسی / کنترل	inspection record
سابقه بازرسی	inspection sampling
نمونه‌گیری برای بازرسی	Inspection Sheet
برگه بازرسی	inspection station
ایستگاه بازرسی	inspection time
زمان بازرسی / کنترل	inspection, survey, examination
بازرسی، رسیدگی، معاینه، بازدید	Inspector

inspector error	بازرس خطای بازرس
inspector general	بازرس کل
inspector of taxes	ممیز مالیاتی
instability	بی ثباتی، ناستواری، ناپایداری
instability index of earnings	شاخص بی ثباتی سود
installation	برپا کردن، نصب، استقرار، برپایی، دستگاه، برقراری
installation audit	حسابرسی مرکز کامپیوتر
installation controls, general controls	کنترل های عمومی
installation costs	هزینه های نصب و راه اندازی
installation costs (fee)	هزینه های نصب
installation fee	حق الزحمه/ هزینه نصب
installation of accounting system	

برقراری سیستم حسابداری	
installation review	
بررسی تجهیزات	
installations	
تأسیسات	
installed capacity	
ظرفیت نصب شده، کارخانه	
Installment	
قسط	
installment annuity	
قسط	
installment bond	
سند قرضه اقساطی	
installment buying	
خرید اقساطی	
installment contract	
قراردادهای اقساطی	
installment credit	
اعتبار اقساطی، خرید اقساطی	
installment debt (liability)	
بدهی اقساطی	
installment financial services	
خدمات مالی اقساطی	
installment funds	

	وجوه اقساطی
installment liquidation	
	انحلال تدریجی
installment loan	
	وام اقساطی
installment method	
	روش فروش اقساطی روش تدریجی
installment method of accounting	
	روش حسابداری (فروش) اقساطی
installment method of recognition	
	شناسایی به روش قسطی
installment notes	
	اسناد اقساطی
installment payment, annuity due, payment of installments	
	پرداخت اقساطی
installment purchase	
	خرید اقساطی
installment receivable	
	اقساط دریافتنی
installment sale	
	فروش اقساطی
installment sales method	
	روش فروش اقساطی

installment transactions	معاملات اقساطی
installments receivable	اقساط دریافتنی
instalment	قسط
instance	نمونه
instance of a formula	نمونه فرمول
instant	دم، لحظه، آن
instantaneous	آنی، لحظه ای
instantaneous axis	محور لحظه ای
instantaneous failure rate	میزان شکست آنی
instantaneous mean	میانگین لحظه ای
instantaneous rate	نسبت لحظه ای، سرعت لحظه ای
instantaneous rate of change	

میزان آنی تغییر، سرعت لحظه ای تغییر، میزان لحظه ای تغییر
instantaneous value
مقدار لحظه ای
instantaneous velocity
سرعت لحظه ای
instead
بجای
instead of
بجای، در عوض
institute of accountants
موسسه حسابداران
institute of administrative accountants
انجمن حسابداران اداری
institute of auditors
موسسه حسابرسیان
institute of certified public accountants
انجمن حسابداری رسمی
institute of chartered accountants
موسسه حسابداران خبره
Institute of Chartered Accountants in Australia
انجمن حسابداران رسمی خبره در استرالیا
Institute of Chartered Accountants in England and Wales

انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز
institute of chartered accountants in England and Wales (ICAEW)
انجمن حسابداران خبره انگلستان و ویلز
institute of chartered accountants in Ireland (ICAI)
انجمن حسابداران خبره در ایرلند
institute of chartered accountants in scotland (icas)
انجمن حسابداران خبره اسکاتلند
institute of chartered accountants of england and wales (icaew)
انجمن حسابداران خبره انگلستان و ویلز
institute of chartered accountants of Scotland (ICAS)
انجمن حسابداران خبره در اسکاتلند
Institute of Chartered Financial Analyst
انجمن تحلیلگران خبره مالی
institute of cost and management accountants
انجمن حسابداران هزینه و مدیریت
institute of cost and management accountants (ICMA)
انجمن حسابداران هزینه و مدیریت
institute of credit management
انجمن میران اعتبارات
institute of external auditors

موسسه حسابرسان خارجی
Institute of Internal Auditors
انجمن حسابرسان داخلی
institute of internal auditors (iia)
انجمن حسابرسان داخلی
institute of internal auditors (IIA)
انجمن حسابرسان داخلی
Institute of Management Accountants
انجمن حسابداران مدیریت
institute of management accountants (IMA)
انجمن حسابداران مدیریت
institute of professional accountants
موسسه حسابداران حرفه ای
institute of public accountants
موسسه حسابداران عمومی (رسمی)
institution to commence
دستور به آغاز کار
institution, organization institute, entity, institute
موسسه، نهاد، شرکت
institutional buyer
موسسه های خریدار
institutional investor
موسسه سرمایه گذار

institutional investors	نهادهای / موسسات سرمایه گذاری
institutional loan	وام موسساتی (سازمانی)
instruction	آموزش، دستورالعمل، دستور، تعلیم، راهنما، یاددهی، تدریس
instruction, procedure, code of practice	دستورالعمل، آموزش حسابداری
instructive	چیز یاد دهنده، عبرت آمیز، آگاهی دهنده
instrument	راهنمای علائم، وسیله پرداخت، وسیله، سند، ابزار، سنج، آلت
instrument (financial instrument)	ابزار مالی، سند، مدرک
instrument of assignment	سند واگذاری
instrumental variable	متغیر ابزاری
instrumental variable estimation	برآورد با متغیر ابزاری
insufficient capacity	ظرفیت غیر کافی
insufficient estimate	

	برآورد غیر کافی
insulate	
	جدا کردن، مجزا کردن
insulation	
	جداسازی
insurable	
	بیمه شدنی
insurable asset	
	دارایی بیمه شدنی
insurable interest	
	مالکیت شخصیتی یا حقوقی در دارایی های خسارت پذیر
insurable value	
	ارزش قابل بیمه شدن، ارزش جایگزینی دارایی های موجود
insurance	
	بیمه
insurance agent	
	نماینده بیمه
insurance broker	
	واسطه بیمه، دلایل بیمه
insurance certificate	
	گواهی بیمه، مدرک بیمه
insurance claim	
	خسارت بیمه

insurance company	شرکت بیمه
insurance contract	قرارداد بیمه
insurance cover note	یادداشت پوشش خطر بیمه
insurance coverage	پوشش بیمه ای
insurance demand auditing	تقاضای بیمه ای برای حسابرسی
Insurance demand for auditing	تقاضای پوشش بیمه برای حسابرس
insurance expense	هزینه بیمه
insurance fund	منابع بیمه ای
insurance fund investment	سرمایه گذاری وجوه بیمه
insurance hypothesis	فرضیه، نظریه بیمه
insurance part of medical care	بخش بیمه ای خدمات درمانی
insurance policy	بیمه نامه

insurance premium	حق بیمه
insurance premium, premium fee schedule, contribution, net premium	حق بیمه، قسط بیمه
insurance prepaid	بیمه پیش پرداخت شده
insurance rate	نرخ بیمه
insurance rating	نرخ بندی بیمه
insurance registrar	دفتر ثبت بیمه
insurance registry book, insurance registrar	دفتر ثبت بیمه
insurance regulations	مقررات بیمه
insurance reserve	ذخیره بیمه
insurance reserve funds	وجوه اندوخته بیمه
insurance type charges	مخارج انواع بیمه
insurance, assurance	

	بیمه
insure asset	
	بیمه کرن دارایی
insured account	
	حساب بیمه شده
insured amount	
	مبلغ بیمه شده
insured asset	
	دارایی بیمه شده
insured pension plan	
	طرح بیمه بازنشستگی
insured value	
	ارزش بیمه شده
insured, assured	
	بیمه گذار، بیمه شده
insurer, assurer, underwriter	
	بیمه گر، بیمه کننده
insurer's representative	
	نماینده بیمه گر
intake stroke	
	ضربه مکش
intangible	
	دارایی نامشهود یا نامحسوس
intangible asset	

دارایی غیر ملموس، دارایی غیر مشهود، دارایی غیر مادی، دارایی غیر عینی، دارایی نامشهود
intangible assets
داراییهای نامشهود
intangible fixed asset
دارایی ثابت غیر مشهود
intangible fixed assets
دارایی های ثابت نامشهود
intangible measures
معیارهای نامشهود
intangible output
محصول غیر عینی (غیر مادی)
intangible property (or assets)
دارایی غیر قابل لمس
intangible value
ارزش نامرئی (غیر عینی)
intedependence
ارتباط متقابل، وابستگی درونی
integer
صحیح
integer modulo m
اعداد صحیح به پیمانۀ m
integer modulu
پیمانۀ صحیح

integer monic	تکین صحیح
integer multiplies of x	مضرب های صحیح x
integer number	عدد صحیح، عدد درست
Integer Part	جز صحیح، قسمت صحیح
integer power	توان عدد صحیح
integer programming	برنامه ریزی عدد صحیح
integer programming problem	مسأله برنامه ریزی صحیح
integer root	ریشه صحیح
integer variable	متغیر صحیح
integers modulo p	اعداد صحیح به سنج p، اعداد درست به سنج p
integrability	انتگرال پذیری
integrability condition	شرط انتگرال پذیری

integrability of continuous function	انتگرال پذیری تابع پیوسته
integrable	انتگرال پذیر
integrable differential equation	معادله دیفرانسیل انتگرال پذیر
integrable function	تابع انتگرال پذیر
integrating factor	عامل انتگرال گیری، عامل انتگرال ساز، فاکتور انتگرال
integral	انتگرال
integral asymptotic formula of de moivre laplace	فرمول مجانبی انتگرال دو موآور-لاپلاس
integral by parts	انتگرال جزء به جزء
integral calculus	حساب انتگرال، حساب جامع، حساب جامعه
integral chain	زنجیر صحیح-r
integral closure	بستار صحیح
integral coefficient	

ضریب صحیح	
integral cosine	
	کسینوس انتگرال
integral costing system	
	سیستم هزینه یابی پیوسته (همگون)
integral curvature	
	خمیدگی انتگرالی، خمیدگی گاوسی کل
integral curve	
	خم جامعه، منحنی انتگرال
integral curves	
	خم های انتگرال
integral depending on a parameter	
	انتگرال وابسته به یک پارامتر
integral derivative rule	
	قاعده مشتق انتگرال
integral domain	
	قلمرو صحیح
integral element	
	عنصر صحیح، عنصر صحیحا وابسته
integral equation	
	معادله انتگرالی
integral exponent	
	توان انتگرال
integral function	

	تابع صحیح، تابع تام
integral geometry	هندسه انتگرال ها
integral index	اندیس صحیح
integral logarithm	لگاریتم انتگرال، انتگرال صحیح
integral multiple	مضرب صحیح
integral number	عدد صحیح
integral of MSE	انتگرال میانگین توان دوم خطاها
integral of the second kind	انتگرال نوع دوم، انتگرال دوگانه، انتگرال دوبر
integral of the third kind	انتگرال نوع سوم، انتگرال سه گانه، انتگرال تریپل
integral operator	عملگر انتگرالی، اپراتور انتگرالی
integral optimization	بهینه سازی با اعداد صحیح
integral part	جزء لاینفک
integral power	

قوه صحیح، توان صحیح	
integral quaternion	
کوترنیون صحیح	
integral r chain	
زنجیر صحیح-r	
integral r chain group	
گروه r-زنجیر صحیح	
integral representation	
نمایش انتگرالی	
integral root	
ریشه صحیح	
integral set	
مجموعه انتگرال	
integral sign	
علامت انتگرال	
integral sine	
سینوس انتگرال	
integral symbol	
علامت انتگرال	
integral test	
آزمون انتگرالی، آزمون انتگرال	
integral test for convergence	
آزمون انتگرال برای همگرایی	
integral transform	

تبدیل انتگرالی	
integral transformation	
تبدیل انتگرال	
integral transforms	
تبدیلات انتگرالی	
integral value	
مقدار صحیح	
integral view (approach)	
دیدگاه (نگرش / رویکرد) مکمل	
integral view approach	
دیدگاه (نگرش یا رویکرد) مکمل	
integral with respect to x	
انتگرال نسبت به x	
integrally	
به طور درست، به طور کلی	
integrally closed ring	
حلقه صحیحا بسته	
integrally dependent	
به طور صحیح وابسته	
integrand	
انتگرالده	
integrant	
مؤلفه، عنصر، مکمل، جزء یکپارچه	
integraph	

انتگرال نگار
Integrate
یک پارچه
integrated account
حساب کامل شده، حساب های یکپارچه، حساب های همبسته
integrated accounting software
نرم افزار یکپارچه/ جامع حسابداری
integrated approach
روش / رویکرد جامع / یکپارچه
integrated circuit
مدار کلی، مدار یک پارچه، مدار مجتمع
Integrated -Information Systems
سیستم های اطلاعات یک پارچه
integrated moving average
میانگین متحرک جمع بسته
integrated test facility
امکان آزمون همگام
integrated test facility (ITF)
یک سیستم رایانه دارای برنامه کد و داده های خاص که یک موسسه حسابرسی آن را در سیستم رایانه صاحب کار قرار می دهد.
integrating
انتگرال ساز، انتگرال گیری
integrating factor

عامل انتگرال گیری
integration
یکپارچه کردن، ترکیب، تجميع
integration by
انتگرال گیری به وسیله ی
integration by change of variable
انتگرال گیری با تعویض متغیر
integration by part
انتگرال گیری جزء به جزء
integration by partial fractions
انتگرال گیری با استفاده از کسر های جزئی، انتگرال گیری به روش کسر های ساده
integration by parts
انتگرال گیری جزء به جزء
integration by power series
انتگرال گیری با سری توانی
integration by substitution
انتگرال گیری به وسیله تغییر متغیر، انتگرال گیری با تعویض متغیر، انتگرال گیری از راه تبدیل متغیر
integration by substitution = integration by change of variable
انتگرال گیری با تعویض متغیر
integration by use of series
انتگرال گیری با استفاده از سری ها
integration constant

ثابت انتگرال گیری	
integration factor	
عامل انتگرال گیری	
integration operator	
عملگر انتگرال گیری	
integration perspective	
نگرش مکمل	
integration voluntary settlement	
تسویه اختیاری با ترکیبی از روش های درستکاری، صحت، صداقت، تمامیت	
integrator	
انتگرال گیر	
integri	
کامل، تمام	
Integrity	
درستی - امانت - راستی	
integrity and reliability of information	
صحت و قابلیت اعتماد اطلاعات	
integro differential equation	
معادله انتگرو دیفرانسیل	
integrodifferentiation	
انتگرال-دیفرانسیل گیری	
intellectual capital	
سرمایه معنوی	

intellectual property	مالکیت معنوی
intellectual property right	حق مالکیت معنوی
intelligent	باهوش، زیرک، اندیشمند
intelligent systems	سیستم های هوشمند / خبره
intelligent terminal	پایانه هوشمند
intense	شدید، متمرکز
intensifier	تشدید کننده
intensity	شدت
intensity function	تابع شدت
intensity of electric field	شدت میدان الکتریکی
intensive	متوجه به یک نقطه، متمرکز، شدید
intensive lines	خطوط شدیدا متمرکز

intentional distortion	تحریف عمدی
intentional wrongdoing	خطای عمدی
inter	بین، میان، در میان قرار دادن
inter arrival	بین دو ورود متوالی
inter arrival time	زمان بین دو ورود
inter fund transfers	نقل و انتقالات داخلی وجوه انتقالات بین حسابهای مستقل
intercluster correlation coefficient	ضریب همبستگی داخل خوشه ها
interaction	اثر متقابل
interaction effect	اثر متقابل
interaction model	مدل با اثر متقابل
interactive	محاوره ای، سؤال و جوابی
interactive data analysis	تحلیل تعاملی داده‌ها

Interactive Financial Planning System	سیستم برنامه ریزی متعامل مالی
interactive qualities	ویژگیهای کیفی تعاملی
interalia	میان چند چیز دیگر
inter-American accounting association	انجمن حسابداران سراسر آمریکا
interarrival	بین دو ورود
interarrival time	زمان بین دو ورود
inter-bank deposits	سپرده بانک ها نزد یکدیگر
interbank funds	وجود فی ما بین بانک ها
inter-bank loan	وام فی ما بین بانک ها
interbank market	بازار بین بانکی
inter-bank offered rate	نرخ پیشنهادی ما بین بانک ها
Interbank rate	نرخ بهره بین بانکها

interblock information	اطلاع بین بلوکی
Intercaction	اثر متقابل
intercensal	بین سرشماری
intercept	عرض از مبدأ عامل ثابت
intercept elevation	عرض از مبدأ
intercept form	صورت طول و عرض از مبدئی
intercept of a line	قطع یک خط
intercept parameter	عامل ثابت عرض از مبدأ
interceptor	حائل، بازدارنده
interception	برش، جلوگیری، فصل، انقطاع
interceptor	بازدارنده، حائل
interchangability	

معاوضه پذیری، تبادل پذیری، قابلیت جایگزینی، یدک پذیری
interchange
عوض کردن، معاوضه، مبادله، تفویض، با تبدیل، جابجا کردن، مبادله کردن، تعویض
interchangeability
قابلیت تعویض متقابل
interchangeable
تعویض پذیر
interchangeable part
قطعات استاندارد (که به راحتی جایگزین قطعات موجود می شوند)
interchangeably
به جای یکدیگر، به جای هم
interchanging
تعویض، تبدیل، معاوضه، مبادله
interclass
بین گروه ها
intercluster
درون خوشه ای، بین خوشه ای
intercoder agreement
توافق بین کدگذاران
Inter-commodity spread
شکاف کالایی
inter-company account balances

مانده های حساب فی ما بین شرکت ها
inter-company account payable
حساب پرداختی بین شرکتی
inter-company account receivable
حساب دریافتی بین شرکت ها
intercompany accounts
دفتر کل عمومی، حساب های بین شرکت های عضو گروه
inter-company accounts
حساب های بین شرکت های عضو گروه، حساب های فیما بین شرکت های گروه
inter-company bonds
اوراق قرضه بین شرکت ها
inter-company comparisons
مقایسه های فی ما بین شرکت ها
inter-company debt
بدهی فیما بین گروه شرکت ها
intercompany elimination
حذف اقلام شرکت های وابسته
Inter-company eliminations
اقلام حذفی بین شرکت ها
inter-company inventory transfer
انتقال موجودی بین شرکت ها
intercompany loans
وامهای فیما بین شرکتهای عضو گروه

intercompany pricing	قیمت گذاری داخلی
intercompany profit	سود حاصل از فعالیت درون گروهی یک شرکت یا سود بین شرکت های گروه
Inter-company profit	سود داخلی (بین شرکت ها)
inter-company profit or loss	سود یا زیان بین شرکت ها
Inter-company purchase	خرید فی ما بین شرکت ها
intercompany receivables and payables	دریافتیها و پرداختیهای فیما بین شرکت های عضو گروه
Inter-company sale	فروش بین شرکت ها
intercompany transaction (intra-group transactions)	معامله بین شرکت ها
inter-company transactions	معاملات فی ما بین شرکت ها
Inter-company transfer pricing	قیمت گذاری انتقالات داخلی
interconnected networks	شبکه های متصل به هم

interdecile range	دامنه بین دهکی
inter-department profit	سود فی ما بین دوایر
inter-department transfers	انتقالات بین ادارات (دوایر)
interdepartmental profit	سود بین واحدهای سازمانی
interdependence analysis	تحلیل هموابستگی
interdependent function	تابع هموابسته
intereffect orthogonality	تعامد بین اثری
interence	استنتاج، استنباط
intereqartile	میان چارکی، بین چارک ها
Interest	بهره- سود
Interest – rate swap	معاوضه نرخ بهره
interest account	حساب بهره

interest accrued to principal	بهره متعلق به اصل
Interest bearing	بهره دار - بهره زا
interest bearing liability	بدهی بهره دار
interest bearing note	اسناد بهره دار
interest bearing notes	اسناد بهره بردار
interest capitalization	به حساب دارایی بردن هزینه تامین مالی، به حساب منظور کردن بهره
interest costs capitalized	مخارج بهره منظور شده به حساب دارایی
interest cover (fixed -charge-coverage ratio)	پوشش بهره
Interest coverage	پوشش بهره
interest coverage ratio	نسبت پوشش بهره
Interest due	بهره معوق
interest during construction	

بهره طی احداث/ ساخت
interest expense
هزینه بهره
interest factor
عامل بهره
interest for delay
بهره دیرکرد
interest formulas
فرمول محاسبه بهره (بهره مرکب)
Interest free
بدون بهره
interest guaranteed
سود تضمین شده (بهره)
Interest income
درآمد حاصل از بهره
Interest leakage
برداشت بهره
Interest margin
تفاوت بهره
interest method of amortization
روش انقضای مبتنی بر نرخ بهره، روش بهره استهلاک
interest on call(s)
بهره عندالمطالبه، بهره دیداری
interest on capital

interest on deposits	سد تضمین شده (بهره) سرمایه
interest on inventory loan	بهره سپرده ها/ سود تضمین شده سپرده گذاریها
interest on inventory loan	بهره وام موجودی کالا
interest on mortgage	بهره وام موجودی کالا
interest on the projected benefit obligation	بهره رهن
interest paid	بهره بدهی پیش بینی مزایا
interest payable	بهره پرداخت شده
Interest payment	بهره پرداختنی
interest period	پرداخت بهره
Interest policy	دوره مشمول بهره
Interest Rate	سیاست مبتنی بر بهره
interest rate implicit in the lease	نرخ بهره

نرخ ضمنی بهره در قرارداد اجاره
interest rate margin
حاشیه نرخ سود
interest rate parity
دوگانگی نرخ بهره
interest rate per annual
نرخ بهره سالیانه
interest rate risk
ریسک ناشی از نوسان نرخ بهره
interest rate, rate of interest
نرخ بهره
interest receivable
بهره دریافتی
interest receivable account
حساب بهره دریافتی
Interest revenue
عواید حاصل از بهره
interest sensitive stocks
سهام حساس به تغییرات نرخ بهره در بازار
interest statement
صورتحساب بهره
Interest subsidy
تخفیف بهره
Interest warrant

	حواله بهره
interest-bearing instrument	
	ابزار بهره زا
interest-bearing loan	
	وام با بهره
interest-bearing note	
	سند بهره دار
interested parties	
	گروههای ذی نفع/ ذی علاقه
interested third parties	
	اشخاص ثالث ذینفع
interest-free banking	
	بانکداری بدون بهره (ربا)
interest-free loan	
	وام بدون بهره، قرض الحسنه
interest-only loan	
	وام با بهره اقساطی
interest-rate guarantee	
	تضمین نرخ بهره
interest-rate parity	
	دوگانگی نرخ بهره
interest-rate risk	
	ریسک ناشی از نوسان نرخ بهره
interests, benefits, gains, cost-benefit	

حقوق، منافع	
Interfacing	
واسطه سازی	
interfere	
مداخله کردن	
interference	
اختلال ۲. تداخل 1.	
interference filter	
پالایه اختلال	
interference of waves	
تداخل موج ها	
interferometer	
تداخل سنج	
interfirm comparison	
مقایسه چند شرکت	
inter-firm comparisons	
مقایسه های فی ما بین بنگاه ها	
interfractile distance	
فاصله بین کسرکی	
interfractile range	
دامنه بین کسرکی	
Inter-fund accounts	
حساب نقل و انتقال بین وجوه مستقل دلتی	
inter-fund transfer	

انتقال وجه بین اعتبارات	
Inter-fund transfers.	
مبالغ انتقالی بین اعتبارات	
intergral	
انتگرال	
interim accounts	
حساب های میان دوره ای	
interim analysis	
تحلیل موقتی	
interim audit	
حسابرسی ضمنی حسابرسی میان دوره ای	
interim audit (auditing)	
حسابرسی طی سال، حسابرسی ضمنی، حسابرسی میان دوره ای	
interim audit procedures	
روش های حسابرسی ضمنی	
interim audit work	
حسابرسی ضمنی	
interim balance sheet	
ترازنامه میان دوره ای	
interim certificate	
گواهی مقدماتی	
interim closing of accounts	
بستن میان دوره ای حساب ها (به طور موقت)	

interim dividend paid	سود سهام پرداختی طی سال
interim financial information	اطلاعات مالی میان دوره ای
interim financial reporting	گزارش مالی میان دره ای
interim financial statements	صورت‌های مالی میان دوره ای
interim financial statements (interim accounts' interim report)	صورت های مالی میان دوره
interim period	دوره سه ماهه دوره ضمنی
interim quality performance report	گزارش میان دوره ای کیفیت عملکرد
interim quality standards	استانداردهای کیفیت میان دوره ای
interim reporting	گزارشگری میان دوره ای
interim reporting requirements	الزامات گزارشگری میان دوره ای
interim reports	گزارشات میان دوره ای
interim share (stock)	

interim share purchase	سهم موقت
interim statement	خرید میان دوره ای سهام
Interim statements	صورت‌های میان دوره ای
interinsically	به طور ذاتی
interior	درون، درونی
interior angle	زاویه داخلی، زاویه متداخل
interior angle of a polygon	زاویه درونی چندضلعی
interior angles	زوایای داخلی
interior common tangent	مماس مشترک داخلی
interior content	قدر درونی
interior measure	اندازه داخلی، سنج داخلی
interior of a set	

interior of an angle	درون یک مجموعه، درون مجموعه
interior operator	عملگر درونی
interior point	نقطه داخلی
interior point of a set	نقطه درونی مجموعه
interior product	حاصلضرب درونی
interior region	ناحیه درونی
interior sale	فروش داخله
interjacent	واقع در میان، میانی
interlocking	قفل درونی، قفل از داخلی، درون قفلی، در هم گیر انداختن، در هم قفل انداختن
interlocking accounts	حساب های به هم بسته
interlocking directorate	اعضای هیئت مدیره مشترک

inter-market trading system (ITS)	نوعی شبکه ارتباطی الکترونیکی که تالار بورس های بزرگ را به یکدیگر مرتبط می سازد.
intermediary, broker	واسطه (دلال واسطه)
intermediat	منقطع، متناوب، دوره ای، غیر پیوسته، مقطع
intermediat production	تولید منفصل، تولید ناپیوسته، تولید گهگاهی
intermediate	متوسط، بینابینی، واسطه، میانی، وسط، میانه، بینی
intermediate account	حساب واسط، حساب با واسطه
intermediate accounting	حسابداری میانه، حسابداری سطح میانی
intermediate accounting controls	کنترل های داخلی حسابداری
intermediate calculations	محاسبات میانی
intermediate cash flows	جریان های نقدی میان دوره ای
intermediate consignee	گیرنده واسطه (خریدار واسطه)
intermediate field	

هیات میانی	
intermediate frequency	
میان بسامد	
intermediate good	
کالای واسطه، کالای واسطه ای، کالای میانی	
intermediate goods or product	
کالای واسطه ای	
intermediate holding company	
شرکتی که در یک گروه به عنوان واحد تجاری اصلی محسوب شده اما همین شرکت در گروه بزرگ تر به عنوان واحد تجاری فرعی به حساب می آید	
intermediate mill	
دستگاه میان نورد	
intermediate product	
محصول میانی	
intermediate space	
فضای میانی	
intermediate term credit	
اعتبار متوسط المدت	
intermediate term loan	
وام متوسط المدت	
intermediate time debt	
بدهی متوسط المدت	
intermediate value	

intermediate value theorem	مقدار میانی
intermediate vertex	قضیه مقدار میانی
intermediate, middleman, broker	راس میانی
intermediate-term financing	واسطه، دلال، کارگزار
intermediate-term loans	تامین مالی میان مدت
intermediation	وام های میان مدت
intermittent	واسطه (دلال واسطه)
intermodal transport	متناوب، نوبتی
Internal	حمل با چند نوع وسیله نقلیه
internal accounting control system	داخلي
internal accounting controls	سیستم کنترل داخلی حسابداری
internal accounting standards	کنترل های داخلی حسابداری

استانداردهای بین المللی حسابداری	
internal additive consistency of estimators	
سازگاری جمعی درونی برآوردگرها	
internal administrative control	
کنترل داخلی اداری	
internal analysis	
تجزیه و تحلیل درونی	
internal angle	
زاویه داخلی	
internal angle bisector	
نیمساز داخلی، نیمساز زاویه داخلی	
internal applications, internal users	
مصارف داخلی	
internal audit adjustments	
تعدیلات اصلاحی حسابرسی داخلی	
internal audit approach	
رویکرد حسابرسی داخلی	
internal audit check	
رسیدگی حسابرسی داخلی	
internal audit department	
اداره حسابرسی داخلی	
internal audit file	
پرونده حسابرسی داخلی	
internal audit findings	

internal audit manual	یافته های حسابرسی داخلی
internal audit objectives	دستورالعمل حسابرسی داخلی
internal audit office	هدف های حسابرسی داخلی
internal audit procedure	دفتر حسابرسی داخلی
internal audit program	رویه عمل حسابرسی داخلی
internal audit questionnaire	برنامه حسابرسی داخلی
internal audit recommendations	پرسشنامه حسابرسی داخلی
internal audit records	پیشنهادهای حسابرسی داخلی
internal audit report	مدارک و اسناد حسابرس داخلی
internal audit resources	گزارش حسابرسی داخلی
internal audit services	منابع حسابرسی داخلی
internal audit standards	خدمات حسابرسی داخلی

استانداردهای حسابرس داخلی	
internal audit(ing) services	
خدمات حسابرسی داخلی	
internal auditing	
حسابرسی داخلی	
internal auditing standards (IAS)	
استانداردهای حسابرسی داخلی	
internal auditor	
حسابرس داخلی	
internal balance	
تراز داخلی	
internal bisector	
نیمساز داخلی	
internal capital resources	
منابع سرمایه ای داخلی	
internal check	
ریسک داخلی	
internal chill	
خنک کن داخلی	
internal common tangent	
مماس مشترک داخلی	
internal composition	
ترکیب داخلی	
internal composition law	

internal consistency	قانون ترکیب درونی
internal constraints	انسجام / هماهنگی درونی
internal control	محدودیت های داخلی
internal control checklist	کنترل داخلی
internal control components	چک لیست / فهرست کنترل های داخلی
internal control evaluation sheet	عناصر تشکیل دهنده کنترل داخلی
internal control instruction	برگ ارزیابی کنترل داخلی
internal control letter	دستورالعمل کنترل داخلی
internal control procedures	نامه کنترل داخلی
internal control questionnaire	روش های کنترل داخلی
internal control questionnaire (ICQ)	پرسشنامه کنترل های داخلی
internal control risk	پرسشنامه کنترل داخلی

خطر کنترل داخلی	
internal control structure (system)	
ساختار (سیستم) کنترل داخلی	
internal control system	
سیستم کنترل داخلی	
internal control weakness	
ضعف / نقاط ضعف کنترل داخلی	
internal controls	
کنترل های داخلی	
internal controls structure	
ساختار کنترلهای داخلی	
internal debt	
قرض داخلی ، بدهی داخلی	
internal decision makers	
تصمیم گیرندگان برون سازمانی، تصمیم گیرندگان خارج از واحد تجاری داخلی (درون سازمانی)	
internal deconstruction	
تجدید ساختار داخلی	
internal direct	
مستقیم داخلی	
internal direct product	
حاصل ضرب مستقیم درونی	
internal direct sum	
مجموع مستقیم داخلی	

internal division of a line segment	تقسیم درونی پاره خط
internal division of line segment	تقسیم درونی پاره خط
internal documents	مدارک داخلی ، مدارک درون سازمانی
internal economic rate of return	نرخ بازدهی داخلی اقتصادی
internal events	رویدادهای داخلی
internal evidence	شواهد داخلی
internal expansion	توسعه از درون
internal expansion financing	رشد از طریق استفاده از منابع مالی داخلی
internal external angles	زوایای داخلی خارجی
internal failure costs	هزینه های عیب و نقص داخلی
internal financial controls, internal rate of return	کنترل های مالی داخلی
internal financial rate of return	

نرخ بازده داخلی مالی
internal financial reporting
گزارشگری مالی داخلی
internal financing
تأین مالی داخلی (از منابع داخل شرکت)
internal fraud
تقلب درون سازمانی
internal investment loan
وام سرمایه گذاری داخلی (از منابع داخلی)
internal investment resources
منابع سرمایه گذاری داخلی
internal investment, home investment
سرمایه گذاری داخلی
internal law
قانون داخلی
internal least squares
کمترین توانهای دوم درونی
internal linkages
روابط / ارتباطات داخلی
internal loan
وام داخلی (از منابع داخلی)
internal management reports
گزارش های داخلی مدیریت
internal markets

internal national debt	بازارهای داخلی
internal node	قرض ملی داخلی
internal operating controls	گره داخلی
internal operation	کنترل های داخلی عملیاتی
Internal Planning	عمل درونی
internal product	برنامهریزی داخلی
Internal rate of return	حاصل ضرب داخلی، ضرب داخلی
internal rate of return (IRR)	نرخ بازده داخلی
internal reconstruction	نرخ بازده داخلی
internal report	تجدید ساختار داخلی
internal reporting	گزارش داخلی (درون سازمانی)
internal reserve, inner reserve	گزارشگری داخلی

internal revenue (income)	ذخیره داخلی
internal revenue agents	درآمد داخلی
Internal Revenue Code	مميزين مالياتي شعب وصول ماليات
internal revenue service (irs)	قانون اداره درآمد داخلی در امریکا
Internal Revenue Service	وزارت دارایی (آمریکا)
internal revenue service (IRS)	اداره مالیات بر درآمد در امریکا
internal review	اداره مالیات های داخلی (در آمریکا)
internal service fund	بررسی داخلی
internal sources	حساب مستقل خدمات و تدارکات داخلی
internal state	منابع داخلی
internal symmetry	حالت داخلی
internal tangent of two circles	تقارن درونی

internal tangents	مماس مشترک داخلی دو دایره
internal traffic	مماس های درونی
internal transaction	تردد داخلی
internal usage	مبادلات داخلی
internal use software	مصرف داخلی
Internal users	نرم افزار ایجاد شده برای مصارف داخلی
internal validity	استفاده کنندگان داخلی
internal verification	اعتبار درونی
internal verification, verification	تبیین درونی
internal vertex	ممیزی ، تایید صحت ثبت عملیات
internal voucher	رأس داخلی
internal-external evidence	سند داخلی

شواهد درون (برون) سازمانی
internalization
نهادینه ساختن
internally efficient market
بازار دروناً کارآ
internally generated report
گزارش ماخذ از منابع داخلی
internally tangent circles
دوایر مماس داخل
international accounting (multinational accounting)
حسابداری بین المللی
international accounting standard (IAS)
استانداردهای بین المللی حسابداری
International Accounting Standards
استانداردهای بین المللی حسابداری
international accounting standards (IAS)
استانداردهای حسابداری بین المللی
international accounting standards board
هیات استانداردهای بین المللی حسابداری
International Accounting Standards Committee
کمیته تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری
international accounting standards committee (IASC)

international arbitrage	کمیته استانداردهای بین المللی حسابداری
international association of book-keepers	آربیتر اژ بین المللی
International Auditing Practices Committee	جامعه دفتر داران بین المللی
international auditing practices committee (IAPC)	کمیته بین المللی حرفه های حسابداری
international bank	کمیته اجرایی حسابرسی بین المللی، یک کمیته ثابت در فدراسیون بین المللی حسابداران
International Bank for Reconstruction and Development	بانک بین المللی
international bank for reconstruction and development (IBRD)	بانک ترمیم و توسعه بین المللی
international center for settlement	بانک بین المللی ترمیم و توسعه
international chamber of commerce (ICC)	مرکز بین المللی تصفیه
international clearing union	اتاق بازرگانی بین المللی (ICC)
	اتحادیه پایاپای بین المللی

international commercial terms (INCOTERMS)	شرایط بازرگانی بین المللی
international committee for accounting cooperation (ICAC)	کمیته بین المللی همکاری حسابداری
international commodity agreement	موافقتنامه بین المللی کالا
International Congress of Accountants	کنگره بین المللی حسابداران
international congress of accountants (ICA)	کنگره بین المللی حسابداران
international cooperation administration	اداره همکاری بین المللی
international coordination committee for the accounting profession (ICCAP)	کمیته بین المللی همکاری حسابداری
international customs declaration form	اظهارنامه بین المللی گمرکی مدل
international development fund	صندوق بین المللی توسعه
International Federation of Accountants	فدراسیون بین المللی حسابداران
international federation of accountants (IFAC)	فدراسیون بین المللی حسابداران (آیفک)

international finance	مالیه بین المللی
international finance corporation	شرکت مالی بین المللی
international finance expert	متخصص مالی بین المللی
international financial sources	منابع مالی بین المللی
international financing	تامین مالی بین المللی
international foreign trade statistics	آمار تجارت خارجی بین المللی
international investing	سرمایه گذاری بین المللی
International Labor Organization	سازمان بین المللی کار
international labour organization (ILO)	سازمان بین المللی کار
International liquidity	نقدینگی بین المللی
international liquidity	نقدینگی بین المللی
international loan	وام بین المللی

international management accounting practice statement (imaps)

بیانیه‌های حرفه ای بین المللی حسابداری مدیریت

international management accounting practice statements (IMAPS)

بیانیه های حرفه ای بین المللی حسابداری مدیریت

international managerial finance

مدیریت مالی بین الملل

international market price

قیمت بازار بین المللی

International Monetary Fund

صندوق بین المللی پول

International monetary fund (I.M.F)

صندوق بین المللی پول

international monetary fund (IMF)

صندوق بین المللی پول

international monetary market

بازار بین المللی پول

international monetary market (IMM)

بازار بین المللی پول

international mutual fund

صندوق مشترک سرمایه گذاری بین المللی

international organization for securities commission (IOSCO)

کمیسیون سازمان های بین المللی برای اوراق بهادار

International Organization of Securities Commissions	سازمان بین المللی کمیسیونهای اوراق بهادار
international organization of securities commissions (ioscs)	سازمان
international reserves	ذخایر بین المللی
international securities market association	سازمان بازارهای بین المللی اوراق بهادار
international sources of funds	منابع بین المللی اعتبار
international standardization	استانداردسازی بین المللی
International Standardization Organization	سازمان بین المللی استانداردسازی
international standards on auditing (isa)	استانداردهای بین المللی حسابرسی
international standards on auditing (ISA)	استانداردهای بین المللی حسابرسی
international standards organization	سازمان استانداردهای بین المللی
international standards organization (ISO)	سازمان استانداردهای بین المللی

international trade	تجارت بین المللی
international trade commission	کمیسیون بین المللی پول
international trade organization	سازمان تجارت بین المللی
international trade terms	اصلاحات تجارت بین المللی
interneighbor interval	بازه بین همسایه‌ها
Internet Explorer	مرورگر اینترنتی
Internet Procurement	خرید یا تامین از طریق اینترنت
interpenetrating samples	نمونه‌های نافذ بر هم
interpenetrating subsamples	زیرنمونه‌های نافذ بر هم
interpercentile distance	فاصله بین صدکی
Inter-period allocation	تخصیص بین دوره ای
Inter-period allocation of tax	تخصیص بین دوره ای مالیات

Inter-period tax allocation	تخصیص مالیاتی بین دوره ها
interpolate	درون یافتن، واسطه یابی کردن، درونیابی کردن
interpolated rate	نرخ نسبی
interpolation	درون یابی (واسطه یابی) کردن
interpolation formula	فرمول درونیابی
interpolation method	روش درونیابی
interpolation search method	روش جستجوی درون یابی، روش تجسس درون یابی
interpolation space	فضای درونیابی
interpolation theorem	قضیه درونیابی
interpret	تعبیر کردن، تفسیر کردن
interpretable statement	صورتحساب قابل تفسیر
interpretation	تفسیر

interpretation in the frequency sense	تفسیر به مفهوم فراوانی
interpretation of control reports	تفسیر گزارشات کنترلی
interpretation of financial comparisons	تفسیر سنجش های مقایسه ای مالی
interpretation of financial reports	تفسیر گزارشات مالی
interpretation of variances	تفسیر مغایرات (انحرافات)
interpretation through KKT conditions	طریق شرایط KKT تعبیر از
interpretations	تفاسیر
interpreter	مفسر، مترجم
interquartile	میان چارکی، بین چارک ها
interquartile range	دامنه بین چارکی
inter-relationships	روابط فی ما بین
interrelationships among accounts	روابط بین حساب ها

interrupt	وقفه، ایجاد وقفه کردن
interruption	وقفه، انقطاع
intersect	تقاطع
intersecting	متقاطع
intersecting lines	خطوط متقاطع
intersection	اشتراک
intersection method	روش مقطعی
intersection of events	اشتراک پیشامدها
intersection of family	مقطع خانواده
intersection of planes	تقاطع صفحات
intersection of relations	مقطع روابط، اشتراک روابط
intersection of sets	اشتراک مجموعه‌ها

intersection of subgruops	مقطع دو زیرگروه
intersection of two lines	تقاطع دو خط
intersection of two surface	مقطع دو رویه، فصل مشترک دو رویه
intersection of two surfaces	مقطع دو رویه، فصل مشترک دو رویه
intersection point	نقطه تقاطع
intersection point of the three altitudes of a triangle	نقطه تقاطع سه ارتفاع مثلث
intersegment sales	فروش بین بخش ها
inter-segment transfers	انتقالات بین بخش ها (قسمت ها)
inter-service department changes	هزینه خدمات متقابل دواير خدماتی دیگر
interspace	جداساختن، فاصله، حائل
interspatial	میان فضائی
Interstate commerce commission	

interstice	فضای واقع بین اشیاء نزدیک به هم
interstitial	واقع در فضای با اشیاء نزدیک به هم، درون حفره ای، بین نشین
intertemporal	بین زمانی
interval	بازه
interval connectedness	همبندی بازه
interval covering	فاصله پوشاننده
interval estimate	تخمین فاصله ای، برآورد فاصله ای
interval estimation	برآورد بازه ای
interval function	تابع بازه ای
interval halving	نصف کردن فاصله
interval linear programming	برنامه ریزی خطی بازه ای

interval mapping	نگاشت بازه
interval mapping theorem	قضیه نگاشت بازه
interval measurement	اندازه گیری فاصله ای
interval of confidence	دامنه اطمینان
interval of constancy	بازه ثبات، فاصله تغییر ناپذیری
interval of convergence	بازه همگرایی، فاصله تقارب، فاصله همگرایی
interval of indeterminacy	تازه ابهام
interval of inedterminacy	بازه ابهام
interval of integration	فاصله انتگرالگیری، بازه انتگرال گیری
interval of ratio measurement	اندازه گیری فاصله ای یا نسبی
interval of variation	فاصله تغییرات، حدود تغییرات
interval or scale	مقیاس فاصله ای یا نسبی

interval sampling	نمونه گیری فاصله ای
interval scale	مقیاس فاصله ای
interval subset	زیر مجموعه بازه
intervalic	فاصله ای
intervening variables	متغیرهای مداخله گر / مزاحم
Intervention	دخالت
intervention model analysis	تحلیل مدل مداخله ای
Interview	مصاحبه
interviewer	پرسشگر، مصاحبه کننده
interviewer bias	اریبی مصاحبه گر
interviewer variance	واریانس مصاحبه گر
into	غیر پوشا، به تو، در، بتوی

into mapping	نگاشت بتوی
intra	پیشوندی به معنی داخل، داخل، در طی، تو
intra block	درون بلوکی
intra block effects	اثر های درون، رده ای
intra class correlation	همبستگی درون-رده ای
intra vires	در محدوده / داخل اختیارات قانونی
intra-block effect	اثر درون بلوکی
intra-block information	اطلاع درون بلوکی
intra-class	درون رده
intra-class correlation	همبستگی درون رده ای
intra-class correlation coefficient	ضریب همبستگی درون رده ای
intracluster	درون خوشه ای

intracluster correlation	همبستگی داخل خوشه ها
intra-company transfer pricing	قیمت گذاری انتقالات داخلی
intra-group	بین گروه
Intra-group transactions	معامله هایی که بین شرکت های عضو یک گروه (یک مجتمع) انجام می شود
Intranet	شبکه داخلی
intransitive	ناتراگذر، نامتعدی
intransitive group	گروه ناتراپا
intransitive permutation	تبدیل غیر انتقال پذیر
intransitive relation	رابطه غیر انتقال پذیر
intraperiod tax allocation	تخصیص مالیات در دوره
Intra-period tax allocation	تخصیص مالیات بین اقلام صورت های مالی
intrinsic	

اصلى، باطنى، ذاتى، اندرونى
intrinsic equation
معادله ذاتى
intrinsic equations
معادله هاى ذاتى
intrinsic equations of a space curve
معادلات ذاتى يك منحنى فضائى
intrinsic geometry
هندسه ذاتى
intrinsic properties
ویژگی هاى ذاتى
intrinsic properties of a curve
خصوصیت ذاتى منحنى
intrinsic rank test
آزمون رتبه‌اى ذاتى
intrinsic value
ارزش ذاتى
intrinsic value of an option
ارزش ذاتى برگ اختیار معامله
introduce
معرفى شدن، عرضه کردن، معرفى کردن، در نظر گرفتن، مطرح کردن، نشان دادن، تعريف کردن، آشنا کردن
introduction
مقدمه معرفى موضوع

introduction stage	مرحله مقدماتی
introductory	مقدماتی
introductory paragraph	بند مقدمه
intuition	شهود، دریافت ناگهانی، درک مستقیم، اشراق، بصیرت، بینش
intuitionism	شهودگرایی
intuitionistic mathematics	ریاضیات شهودی
intuitionism	شهودگرایی
intuitionistic	اشراقی، شهودی، ادراکی
intuitionistic logic	منطق شهودی
intuitionistic mathematics	ریاضیات شهودی
intuitive	دریافتی، شهودی، ادراکی
intuitive principle of abstraction	

اصل شهودی تجرید
intuitively
به طور شهودی
Invalid
بی ارزش- بی اعتبار
Invalidate
ساقط کردن ارز اعتبار
invalidity
بی اعتباری، عدم اعتبار
invariable
نامتغیر، تغییر ناپذیر، پایا، ثابت، استوار، بی تغییر، پابرجا
invariance
ناوردایی
invariance concepts in statistics
مفهومهای ناوردایی در آمار
invariance of cross ratio
ناوردایی نسبت ناهمساز
invariance of cross ratio = invariance of anharmonic ratio
ناوردایی نسبت ناهمساز
invariance principle
اصل ناوردایی
invariance theorem
قضیه ناوردایی

invariance under similarity transformation	پایایی تحت تبدیل تشابه
invariant	ناوردا
invariant delta function	تابع دلتای ناوردا
invariant direction	امتداد خاص، امتداد ممتاز، امتداد تغییر ناپذیر، امتداد پایا، جهت ثابت
invariant distribution	توزیع ناوردا
invariant element	عنصر ثابت
invariant estimator	برآوردگر ناوردا
invariant factor	عامل پایدار، سازه پایا
invariant measure	اندازه ناوردا
invariant metric	متریک ناوردا
invariant prior distribution	توزیع پیشین ناوردا
invariant property	

ویژگی ناوردا	
invariant statistics	
آماره‌های ناوردا	
invariant subgroup	
زیرگروه ناوردا	
invariant subset	
زیرمجموعه ثابت	
invariant subspace	
زیرفضای ناوردا	
invariant vector	
بردار خاص، بردار ممتاز، بردار تغییر ناپذیر، بردار پایا	
invariants of an abelian group	
ثابت‌های یک گروه آبدلی	
invent	
ابداع کردن، اختراع کردن، جعل کردن	
inventive	
ابداعی، اختراعی	
inventor	
جاعل، مخترع	
inventoriable costs	
هزینه‌های قابل تقسیم به حساب موجودی کالا	
inventoriable product costs	
هزینه‌های محصول / انبارشده	
inventorial cost	

هزینه سیاهه ای
inventories, physical inventory, stock
موجودی انبار، سهم
Inventory
موجودی انبار
inventory adjustment, stock adjustment
تعدیل موجودی
inventory allowance method
روش ذخیره گیری برای کاهش ارزش موجودی ها
inventory and warehousing cycle
چرخه موجودی کالا و انبارداری
inventory at beginning period of goods
موجودی اول دوره کالا
inventory at end of the period
موجودی کالا در جریان ساخت آخر دوره
inventory card
کارت انبار

In the name of God

۳۴۰۰۰ واژه انگلیسی به فارسی (حسابداری_جلد چهارم)

(English-Persian)

The Collector: Rohollah Yousefi Ramandi

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

This text is dedicated to the one I love: Hamid Yousefi
Ramandi

inventory certificate	گواهی موجودی انبار (که صاحبکاران باید به حسابرسان ارائه دهند)
inventory certification	تاییدیه انبار
inventory classification	طبقه بندی موجودی کالا
inventory completion tests	آزمون های تکمیل موجود کالا
Inventory Control	کنترل موجودی (انبار)
inventory control theory	نظریه تنظیم موجودی کالا
inventory cost	هزینه/ بهای تمام شده موجود کالا
inventory costing	هزینه یابی موجودی کالا
inventory count	شمارش موجودی
inventory cut-off (date)	

	(تاریخ) انقطاع انبارگردانی
inventory equation	معادله موجودی کالا
inventory financing	تامین مالی موجودی ها
inventory holding gain / loss	سود یا زیان ناشی از نگهداری موجودی کالا
inventory holding profits (gains)	سود حاصل از نگهداری موجودی کالا
inventory holding profits gains	سود حاصل از نگهداری موجودی کالا
inventory liquidation	کاهش موجودی پایه
inventory management	مدیریت موجودی کالا، مدیریت موجودی ها
inventory management policies	سیاستهای مدیریت موجودی کالا
inventory model	مدل موجودی، مدل انبارداری
inventory obsolescent	از مد افتادگی موجودی کالا نابایی موجودی کالا
inventory of real estate	موجودی اموال غیر منقول
inventory price tests	

آزمون های قیمت موجود کالا	
inventory pricing methods	
روشهای قیمت گذاری موجودی کالا	
inventory problem	
مسأله انبارداری	
inventory profit	
سود موجودی کالا	
inventory rate variance	
انحراف نرخ موجودی	
inventory ratios	
نسبت های موجودی کالا	
inventory reserve	
اندوخته موجودی کالا	
inventory shortages cost	
هزینه کسری موجودی کالا	
inventory tag	
برگ شمارش موجودی	
inventory taking methods	
روش های تعیین موجودی کالا، روش های موجودی گیری، روش های انبارگردانی	
inventory theory	
نظریه موجودی کالا	
inventory to sales ratio	
نسبت فروش به موجودی	

inventory to working capital ratio	نسبت موجودی کالا به سرمایه در گردش
inventory turnover	گردش موجودی کالا
inventory turnover period, average number of days, inventory in stock	متوسط گردش موجودی کالا
inventory turnover rate	سرعت گردش موجودی
inventory valuation (stock valuation)	تعیین ارزش موجودی ها
inventory valuation account	حساب تعدیل موجودی ها
inventory valuation methods	روش های ارزیابی موجودی
inventory value variance	انحراف ارزش موجودی
inventory, stock, stock in trade	موجودی اول دوره کالا
inventory-sales ratio	نسبت فروش به موجودی
Inverse	معکوس
inverse analytic function	

	تابع تحلیلی وارون
inverse bijection	
	دوسوئی عکس
inverse classes	
	کلاس های معکوس
inverse correlation	
	همبستگی غیر مستقیم
inverse correspondence	
	تناظر وارون
inverse distribution	
	توزیع وارون
inverse element	
	عنصر عکس، عامل معکوس، عضو معکوس، عضو وارون، عنصر وارون
inverse formula	
	فرمول معکوس
inverse formula for fourier transforms	
	فرمول معکوس برای تبدیلات فوریه
inverse fourier transform	
	تبدیل معکوس فوریه
inverse function	
	تابع وارون
inverse function theorem	
	قضیه تابع معکوس

inverse Gaussian distribution	توزیع گاوسی وارون
inverse hypergeometric distribution	توزیع فوق هندسی وارون
inverse hyperbolic functions	توابع هذلولی معکوس، توابع معکوس هیپر بولیک
inverse image	نقش معکوس
inverse image of a set	نگاره وارون مجموعه
inverse image of point	تصویر معکوس نقطه
inverse image of under	تصویر معکوس ... تحت
inverse image under	نقش معکوس تحت
inverse image with respect to	نقش معکوس تحت
inverse interpolation	درونیابی وارون، درونیابی معکوس
inverse Laplace transform	تبدیل لاپلاس معکوس
inverse logarithm	لگاریتم معکوس، پادلگاریتم، آنتی لگاریتم

inverse mapping	نگاشت وارون، مطابقه عكس
inverse matrix	ماتريس وارون
inverse matrix calculation	محاسبه ماتريس معكوس
inverse matrix condition for existence	شرط وجود ماتريس معكوس
inverse matrix definition	تعريف ماتريس معكوس
inverse median estimation	بر آورد ميانه به روش وارون
inverse morphism	ريختي وارون
inverse number	عدد عكس، عدد معكوس
inverse of a function	معكوس يك تابع
inverse of a point	منعكس نقطه
inverse of a proposition	نقيض يك گزاره
inverse of function	عكس تابع

inverse of image	عكس تصوير
inverse of matrix	عكس ماتريس، معكوس ماتريس
inverse of ratio	عكس كسر، كسر معكوس
inverse operation	عمل معكوس، عمل وارون
inverse order	ترتيب معكوس
inverse point	نقطه معكوس
inverse points	نقاط منعكس
inverse probability	احتمال وارون
inverse proportion	تناسب معكوس، نسبت متكافى، تكافى نسبت
inverse rank	رتبه وارون
inverse ratio	عكس كسر، نسبت معكوس، كسر معكوس
inverse regression	رگرسیون وارون

inverse relation	نسبت معکوس، رابطه معکوس
inverse relationship	بستگی معکوس
inverse sampling	نمونه‌گیری وارون
inverse sine transformation	تبدیل سینوسی وارون
inverse tangent	تانژانت معکوس
inverse tanh transformation	تبدیل تانژانت هذلولوی وارون
inverse to itself	معکوس خودش
inverse transformation	تبدیل معکوس، ترادیدی وارون، تبدیل وارون
inverse trigonometric function	تابع مثلثاتی معکوس
inverse trigonometric functions	تابع های مثلثاتی وارون، توابع مثلثاتی معکوس
inverse variation	تغییر به نسبت عکس
inversely	معکوس، برعکس، به طور معکوس

inversely congruent figures	شکل های معکوسا همنهشت
inversely induced topology	توپولوژی نگار وارون
inversely proportional	متناسب معکوس، معکوسا متناسب
inversely proportional quantities	کمیت های معکوسا متناسب
inversely similar	مجانس معکوس، معکوسا متشابه، معکوسا مشابه
inverses of hyperbolic functions	معکوس های توابع هذلولی گون
inversion	انعکاس
inversion formula	فرمول وارون
inversion formula for fourier transfor	فرمول معکوس برای تبدیل لاپلاس
inversion formulas	فرمول های انعکاس
inversion of permutation	انعکاس در تبدیل
inversor	عاکس

invert	معکوس کردن، عکس کردن معکوس، وارون کردن
inverted	وارونه
inverted beta distribution	توزیع بتای وارونه
inverted Dirichlet distribution	توزیع دیریکله وارونه
inverted gamma distribution	توزیع گامای وارونه
inverted proportion	خلاف نسبت، عکس نسبت
inverted scale	ترکیب / مقیاس معکوس
inverted transform	تبدیل وارون
inverted Wishart distribution	توزیع ویشارت وارونه
inverter	عکس کننده، معکوس کننده
invertibility	وارون شوندگی
invertible	معکوس پذیر

invertible element	عنصر وارون پذیر
invertible element of a ring	عنصر وارون پذیر حلقه
invertible function	تابع معکوس پذیر
invertible linear transformation	تبدیل خطی معکوس پذیر
invertible matrix	ماتریس عکس پذیر، ماتریس معکوس پذیر، ماتریس وارون پذیر
invertible transformation	تبدیل معکوس پذیر
investable funds	وجوه آماده سرمایه گذاری
invested capital	سرمایه پرداخت شده
invested value, capitalized value	ارزش سرمایه گذاری شده
investee	شرکت/ واحد سرمایه پذیر سرمایه پذیر
investigate	تحقیق کردن، رسیدگی کردن، جست و جو برای شناسایی علت های مربوطه
investigation	

رسیدگی بررسی تحقیق و تفحص	investigation on accounts
رسیدگی به حساب ها	investigation, review, study inspection, review engagement, verification
بررسی (تعیین)، بازرسی، رسیدگی	investigator
پژوهشگر، بازجو، محقق	investing activities
فعالیت های مربوط به سرمایه گذاری	investing ratio, capitalization ratio
نسبت سرمایه گذاری	Investment
سرمایه گذاری	investment (company-trust)
شرکت سرمایه گذاری	investment adviser
مشاور سرمایه گذاری	investment advisor (adviser), investment counsel, investment consultant
مشاور سرمایه گذاری	investment advisory firms
موسسات ارائه دهنده خدمات مشاوره سرمایه گذاری	investment agreement

investment allowance	موافقت نامه سرمایه گذاری
investment amount	تخفیف مالیاتی سرمایه گذاری
investment analysis	مبلغ سرمایه گذاری
investment analyst	تجزیه و تحلیل سرمایه گذاری
investment bank	تحلیلگر سرمایه گذاری (مالی)
investment banker	بانک سرمایه گذاری
investment base	بانک سرمایه گذار
investment cash flows	اساس سرمایه گذاری
investment center	جریان های نقدی سرمایه گذاری
investment certificate	مرکز سرمایه گذار
investment committee	گواهی سرمایه گذاری
Investment Company	کمیته سرمایه گذار

شرکت سرمایه گذاری	investment company (or trust)
شرکت سرمایه گذاری	investment credit
اعتبار سرمایه گذاری تخفیف سرمایه گذاری	investment decision
تصمیم سرمایه گذاری	Investment decisions
تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری	investment environment
محیط سرمایه گذاری	investment exchanges
شرکت واسطه سرمایه گذاری دلال سرمایه گذاری	investment grade
اوراق قرضه دارای کیفیت خوب	investment guarantee
ضمانت سرمایه گذاری	investment guidelines
رهنمودهای سرمایه گذاری	investment in bonds
سرمایه گذاری در اوراق قرضه	investment in branch
سرمایه گذاری در شعبه	investment in default

اوراق بهادار تحت تملک سازمان که امکان سوخت آنها وجود دارد
investment in marketable securities
سرمایه گذاری در اوراق بهادار قابل داد و ستد
investment income
درآمد/ سود حاصل از سرمایه گذاری
investment measures
اقدامات سرمایه گذاری
Investment Opportunities Schedule
جدول فرصتهای سرمایه گذاری
investment opportunities schedule (ios)
جدول فرصتهای سرمایه گذاری
Investment paper
برگه سرمایه گذاری
investment policy
خط مشی/ سیاست سرمایه گذاری
investment problem
مسأله سرمایه گذاری
investment process
فرآیند سرمایه گذاری
investment revaluation reserve
ذخیره تجدید ارزیابی سرمایه گذاری
Investment revenue
درآمد حاصل از سرمایه گذاری

Investment savings account	حساب پس انداز سرمایه گذاری
Investment securities	اوراق بهادار سرمایه گذاری
investment style	سبک سرمایه گذاری
Investment Tax Credit	امتیاز معافیت مالیاتی سرمایه گذاری
investment tax credit (itc)	تخفیف / مزایای مالیاتی سرمایه گذاری خاص
investment tax credit (LTC)	تخفیف / مزایای مالیاتی سرمایه گذاری خاص، تشویق مالیاتی
investment turnover rate	سرعت گردش سرمایه گذاری
investment value	ارزش سرمایه گذاری شده
investments by owners	سرمایه گذاری توسط مالکان
Investor	سرمایه گذار
investor's capital	سرمایه سرمایه گذار
invisible	نامرئی

invisible asset	دارایی های نامشهود
Invisible transactions	نقل و انتقالهای نامرئی
Invite	دعوت – دعوتنامه
Invoice	فاکتور
invoice confirmation	تایید فاکتور / سیاهه
invoice sale	صورتحساب فروش
invoice, bill, customs invoice, statement	فاکتور، سیاهه خرید، سیاهه تجاری
involuntary bankrupt merchant	تاجر ورشکسته بدون تقصیر
involuntary bankruptcy	ورشکستگی به درخواست بستانکاران، ورشکستگی غیر ارادی
involuntary conversion	تبدیل ناخواسته
involuntary reorganization	تجدید سازمان اجباری
involuntary retirement	بازنشستگی اجباری

involuntary saving	پس انداز غیر عادی
involuntary unemployment	بیکاری غیر عمدی (غیر ارادی)
involute	گسترده، پیچ، گسترنده، باز شده، گسترنده، گسترش دهنده
involute curve	منحنی گسترده
involute of a curve	گسترنده خم
involute of a space curve	گسترده یک منحنی فضایی
involute of a surface	گسترده یک سطح
involute of circle	پیچ دایره
involute of the circle	گسترده یک دایره
involution	به توان رسانی، برگشت، تضامن، بسط
involution in a banach algebra	برگشت در جبر باناخ
involution law	قانون برگشتی، قانون برگشت

involution of algebraic correspondence	برگشت تناظر جبری
involution element	عنصر تضامنی
involutory	تضامنی
involutory matrix	ماتریس خودوارون
involutory property	خاصیت تو در تو
involutory property duality	خاصیت تو در تو دوگانی
involutory system	دستگاه برگشتی
involve	همراه بودن، ناشی شدن، عبارت است از، به کار رفتن، مستلزم بودن، متضمن بودن، شامل شدن، ایجاب کردن
invoming inspection	بازرسی ورودی
inward	به طرف داخل، درونگرا
inward bill of lading	بارنامه ورودی
inward invoices	

سیاهه های وارده	
inward manifest or import manifest	
اظهارنامه ورود (کالا)	
inward processing	
فرآوری در داخل	
inward vector	
بردار درونگرا	
Iran airline pension fund	
صندوق بازنشستگی هواپیمایی کشور	
Iran insurance company pension fund	
صندوق بازنشستگی شرکت بیمه ایران	
Iranian income tax law	
قانون مالیات بر درآمد ایران	
irrational	
نامناسب، نامستدل	
irrational	
اصم	
irrational algebraic surface	
رویه جبری گنگ	
irrational equation	
معادله اصم، معادله گنگ	
irrational exponent	
نماینده اصم، نماینده گنگ، توان ناگویا، نمای گنگ، توان گنگ	
irrational function	

	تابع گنگ
irrational number	
	عدد گنگ
irrational root	
	ریشه اصم
irrationality	
	اصمیت، اصم بودن، گنگی
irrecoverable	
	وصول نشدنی (غیر قابل وصول)
irrecoverable cost	
	هزینه غیر قابل بازیافت
irredeemable bond	
	سند قرضه غیر قابل بازخرید
irredeemable bonds	
	اوراق قرضه غیر قابل بازپرداخت
irredeemable securities	
	اوراق بهادار غیر قابل بازخرید
irredeemable stocks	
	سهام فاقد سررسید
irreducibility	
	تحویل ناپذیری
irreducibility theorem	
	قضیه تحویلناپذیری
irreducible	

	تحويل ناشدنی
irreducible 3 manifold	
	خمینه سه بعدی تحويل ناپذیر
irreducible case	
	حالت تحويل ناپذیر
irreducible character	
	مشخصه تحويل ناپذیر، مشخصه ساده
irreducible component	
	مولفه تحويل ناپذیر
irreducible continuous geometry	
	هندسه پیوسته تحويل ناپذیر
irreducible element	
	عضو تحويل ناپذیر
irreducible element of a ring	
	عنصر تحويل ناپذیر حلقه
irreducible equation	
	معادله تحويل ناپذیر
irreducible factor	
	سازه تحويل ناپذیر
irreducible form	
	صورت تحويل ناپذیر، صورت ساده نشدنی
irreducible ideal	
	ایده آل تحويل ناپذیر
irreducible k module	

irreducible Markov chain	مدول تحویل ناپذیر- k
irreducible module	زنجیر مارکوف نافروکاستنی
irreducible polynomial	مدول تحویل ناپذیر
irreducible radical	چندجمله ای تحویل ناپذیر
irreducible representation	رادیکال تحویل ناپذیر
irreducible riemannian manifold	نمایش تحویل ناپذیر
irreducible ring	خمینه ریمانی تحویل ناپذیر
irreducible R-module	حلقه تحویل ناپذیر
irreducible set	مدول تحویل ناپذیر – R
irreducible symmetric Hermitian space	مجموعه تحویل ناپذیر
irreducible tensor	فضای ارمیتی متقارن نافروکاستنی
irreducible variety	تانسور تحویل ناپذیر

	چندگونای تحویل ناپذیر
irredundant	نافزونه، غیر زائد
irredundant decomposition	تجزیه نافزونه
irredundant intersection	اشتراک نافزونه
irreflexive	ضد بازتابی، ضد انعکاسی، نابازتابی، غیر انعکاسی
irreflexive relation	رابطه نابازتابی
irregular	نامنظم، بی قاعده، غیر عادی
irregular gains	درآمدهای (غیر عملیاتی) غیر مکرر
irregular items	اقلام غیر معمول / غیر مکرر
irregular losses	زیانهای (غیر عملیاتی) غیر مکرر
irregular matrix	ماتریس نامنظم
irregular permutation	جایگشت نامنظم، جانشینی غیر منظم
irregular point for a set	

نقطه غیر عادی مجموعه	
irregular polygon	
چندضلعی غیر منتظم، چندضلعی نامنظم	
irregular singular point	
نقطه تکین غیر عادی	
irregular surface	
سطح نامنظم	
irregularities	
سوء جریانات ، تخلفات	
irregularity of accounts	
بی نظمی حسابها	
irregularity, irregularities	
اختلال، اختلالات اشتباه در یک ثبت دفتری	
irrelevant	
نامربوط، بی معنا	
irremovable	
انتقال ناپذیر	
irremovable discontinuity	
ناپیوستگی رفع ناشدنی	
irrespective	
بدون توجه	
irreversible embrittlement	
تردی غیر برگشت پذیر	
irreversible process	

	فرایند برگشت‌ناپذیر
irrevocable	غیر قابل بازیافت، برگشت ناپذیر
irrevocable agreement	موافقت نامه غیر قابل فسخ
irrevocable and confirmed documentary credits	اعتبارات اسنادی برگشت ناپذیر و تایید شده
irrevocable confirmed L/C	اعتبار اسنادی تایید شده غیر قابل برگشت
irrevocable contract	قرارداد غیر قابل فسخ
irrevocable credit	اعتبار غیر قابل برگشت (غیر قابل فسخ)
Irrevocable documentary credit	اعتبار اسنادی برگشت ناپذیر
irrevocable documentary credit	اعتبار اسنادی غیر قابل فسخ، اعتبار اسنادی برگشت پذیر
irrevocable documentary credits	اعتبارات اسنادی برگشت ناپذیر
irrevocable guarantee	تضمین غیر قابل فسخ
irrevocable letter of credit	اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت
irrevocable non-confirmed L/C	

اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت تایید نشده
irrotational
بی چرخش، غیر چرخشی، نادرانی
irrotational field
میدان بدون چرخش
irrotational flow
جریان غیر دورانی
irrotational vector field
میدان برداری بی ناو
is allowed
مجاز باشد، معتبر باشد
is an element of
یک عنصر ... است
is called
خوانده می شود
is concerned with getting
متوجه خواندن
is considered to be
فرض می شود
is contained in
زیرمجموعه، زیرمجموعه ... است، در درون ... قرار دارد، در داخل ... بودن، داخل ... است، در ... قرار دارد
is coupled
وصل کرده است

is defined as	بنا به تعریف، چنین تعریف می کنیم
is determined	تعریف شده است
is due to	از ... ناشی می شود، قرار است، منسوب است
is found	به دست می آوریم، پیدا می کنیم
is included in	در داخل ... بودن
is inversely proportional	نسبت معکوس دارد
is irrelevant	مربوط نیست
is isomorphic to	با ... یکسان است
is meant	مورد نظر می باشد
is not obligatory	صرف نظر کردن
is preferable to	نسبت به ... ترجیح دارد
is referred to	توصیه می شود

is said to be	گویند
is subject to	اگر قرار باشد، وارد شدن
is the same as	برابر است
is understand	نشان دهنده این است، به مفهوم این است که، عبارت است از
is unrestricted	هیچ گونه محدودیتی ندارد
is useful	سودمند است
Ising model	مدل آیزینگ
Islamic banking	بانکداری اسلامی
Islamic economy	اقتصاد اسلامی
ISM (Institute of Supply Management)	موسسه مدیریت عرضه در آمریکا
iso	یک، یکسان
iso cost lines	خطوط هم هزینه، منحنی های سطح، خطوط هم خرجی

isobar	همفشار
isobaric surface	رویه تک فشار، رویه ثابت فشار
isochron	هم‌دوره
isochronous	همزمان
isochronous curve	منحنی همزمان
isoclinal	هم شیبی، هم شیب، یک شیبه
isodiametric	متساوی القطر
isoexpected return line	خط بازده مورد انتظار یکسان
isogonal	همزاویه ای، متساوی الزوایا، مطابق، تک گوشه ای، دارای زاویه های برابر، هم زاویه
isogonal mapping	نگاشت هم زاویه ای
isogonal transformation	تبدیل حافظ زاویه
isogonic	

متساوی الزوایا	
isokurtic arrays	
آرایه‌های هم‌کشیده	
isolate	
مجزا کردن، جدا کردن	
isolate point	
نقطه منفرد، نقطه مجزا	
isolated	
تنها، منزوی، منفرد، جدا	
isolated critical	
بحرانی منزوی	
isolated critical point	
نقطه بحرانی منزوی	
isolated ordinal number	
عدد ترتیبی تنها	
isolated point	
نقطه تنها	
isolated primary component	
مولفه ابتدایی تنها	
isolated real root	
ریشه حقیقی منزوی، ریشه حقیقی منفرد	
isolated set	
مجموعه تنها	
isolated singular point	

نقطه استثنایی تنها، نقطه تکین تنها	
isolated singularity	تکینی تنها
isolated square	مربع تنها، مربع منفرد
isolated vertex	رأس تنها
isolated zero	صفر منفرد
isolated zeros	صفر های تنها
isolation	تنهایی، انفراد
isomer	هم فرمول، هم ترکیب، ایزومر
isomerism	هم ترکیبی، هم فرمولی
isometer	طولپای
isometric	هم مقیاس، ایزومتریک، همانمتری
isometric axonometry	محورسنجی طولپای
isometric graph	

isometric mapping	گراف یکرخت
isometric projection	نگاشت طولپای
isometric spaces	تصویر هم مقیاس
isometric surfaces	فضا های طول پای
isometry	رویه های طولپای
isomorph	همسنجی
isomorphic	یکسان، هم ریخت، همسان
isomorphic algebraic systems	یکسان، هم ریخت، همسان، یک ریخت
isomorphic boolean algebra	دستگاه های جبری یکرخت
isomorphic graphs	جبر بولی یک ریخت
isomorphic groups	گراف های یکرخت
isomorphic lattice	گروه های یکرخت

شبکه یک ریخت
isomorphism
یکریختی
isomorphism graph
یکریختی گراف‌ها
isomorphism of fields
ایزومورفیسم هیئت‌ها، هم ریختی هیئت‌ها، ایزومورفیسم میدان‌ها
isomorphism of groups
ایزومورفیسم گروه، هم ریخت گروه‌ها، ایزومورفیسم گروه‌ها
isomorphism of ordered sets
ایزومورفیسم مجموعه‌های مرتب، هم ریختی مجموعه‌های مرتب
isomorphism of rings
هم ریختی حلقه‌ها، ایزومورفیسم حلقه‌ها
isomorphism theorems
قضایای ایزومورفیسم
isomorphous
همسان، هم شکل، هم ریخت
isomorphy
هم ریختی، ایزومورفی، همشکلی، یکدستی
isoperimeter inequality
نامساوی هم پیرامونی
isoperimetric

هم محیط، هم پیرامون، متساوی المحيط
isoperimetric curves
خم های برابر محیط
isoperimetric inequalities
نابرابری های برابر-محیطی
isoperimetric problems
مساله های برابر-محیطی
isoperimetrical
هم پیرامون، متساوی المحيط
isoperimetry
هم پیرامونی
isoresource curve
منحنی منبع همسان
isosceles
مثلث متساوی الساقین، متساوی الساقین
isosceles spherical triangle
مثلث کروی متساوی الساقین
isosceles trapezoid
دوزنقه متساوی الساقین
isosceles trapozoid
دوزنقه متساوی الساقین
isosceles triangle
مثلث متساوی الساقین، مثلث دو پهلو برابر، مثلث راست پای
isother

	منحنی، ایزومتر
isotherm	
	همدما
isothermal	
	هم دما، حرارت تابستانی یکسان
isothermal conjugate system of curves on a surface	
	دستگاه مزدوج منحنی های هم دما روی یک سطح
isothermal coordinates	
	مختصات تکدمایی
isothermal expansion	
	انبساط همدمایی
isothermal lines	
	خط های تکدما
isothermal parameters	
	پارامتر های تکدمایی
isothermal transformation	
	استحاله در دمای ثابت، استحاله ایزوترم
isothermic	
	هم دما
isothermic family of curves on a surface	
	دسته منحنی های هم دما روی یک سطح
isotone	
	همنوا، ایزوتون، هم نوترون
isotonic	

همنوایی	
isotonic inference	
استنباط همنوایی	
isotonic regression	
رگرسیون همنوایی	
isotopy	
ایزوتوپی	
isotrope	
متحدالخواص، ایزوتروپ، همسان، تکروند، متشابه الامتداد، یکسانگرد	
isotropic	
همسانگرد	
isotropic curve	
منحنی همگن، منحنی ایزوتروپ	
isotropic distribution	
توزیع همسانگرد	
isotropic lines	
خطوط متشابه الامتداد، خطوط تکروند	
isotropic plane	
صفحه ایزوتروپ	
isotropy	
همسانگردی	
isotropy subgroup	
زیرگروه هم روندی	

issuance of bonds	انتشار اوراق قرضه
issuance, issuing	صدور، انتشار
Issue	صادر کردن- انتشار دادن
Issue a guarantee	صادر کردن ضمانت نامه
issue a permit	صدور اجازه
Issue credit	گشودن اعتبار
issue of material	صدور (ارسال) مواد
issue of shares, stock issue	انتشار سهام
issued capital stock (issued share)	سهام صادر شده
issued date	تاریخ انتشار
issued stock	سهام منتشره
issuing	صدور کالا از انبار

issuing association	نهاد صادر کننده
issuing authority	سازمان انتشار دهنده
issuing bank	بانک ناشر
Istisna Sukuk	اوراق استصناع
it can be seen that	می توان تحقیق کرد که
it follow that	در نتیجه خواهیم داشت، در این صورت
it is advisable	بهتر است
it is common practice	معمولا، امری معمولی است
it is common practice to	معمولا
it is convenient	کار را ساده می کند
it is convenient to	بهتر است، شایسته است
it is customary	معمولا

it is easy to draw	رسم ... آسان است
it is easy to verify	به آسانی ثابت می شود
it is found that	ملاحظه می شود که
it is normal	بهتر است
it is possible to	می توان
it is readily seen	به سادگی معلوم می شود که
it is required to	بخواهیم، می خواهیم، مطلوب است
it is then advisable	به همین مناسبت توصیه می شود که
it is understood that	معلوم باشد، بدانیم
it means	یعنی
it should be noted that	لازم به یادآوری است که
it was found that	معلوم شد که

it would be unfortunate	صحیح نیست، درست نیست
it's useful	بهتر است که
italicised	کج شده
Item	نوع ارز یا کالا یا سهام
item analysis	تحلیل سوال
item by item application	روش قلم به قلم
item by item sequential plan	طرح نمونه گیری پی در پی قلم به قلم
item examine sampling	نمونه گیری با امتحان سوال
item response theory	نظریه پاسخ سوال
item sampling	نمونه گیری از سوال
itemize	قلم به قلم نوشتن، جزء به جزء مشخص کردن، جزء به جزء مرتب کردن، جزء به جزء تجزیه و تحلیل کردن
itemized price list	

	لیست جزء به جزء قیمت
items of asset	اقلام دارایی
iterate	تکرار کردن، بارستن
iterated	تکراری، مکرر
iterated exponential distribution	توزیع نمایی مکرر
iterated integral	انتگرال مکرر
iterated integration	انتگرال گیری مکرر
iterated kernel	هسته مکرر
iterated limit	حد مکرر
iterated maximum likelihood estimate	برآورد ماکسیمم درستتمایی تکراری
iterated series	سری مکرر
iteration	تکرار
iteration method	

روش تکرار	iteration process
روش مبتنی بر تکرار	iterative
ترجیحی، تکراری	iterative ellipsoidal trimming
پیرایش بیضی‌وار تکراری	iterative improvement
اصلاح تکراری	iterative method
روش تکراری	iterative process
فرایند تکراری	iterative proportional fitting
برازش متناسب تکراری	iterative regression
رگرسیون تکراری	iterative step
قدم تکراری	iteratively reweighted least squares
کمترین توانهای دوم بازوزون تکراری	Ito processes
فرایندهای ایتو	its argument

آرگومان خود را	
itself	
	خود، هم
invertible function	
	تابع وارون پذیر
invertible matrix	
	ماتریس وارون پذیر
j	
	دهمین حرف الفبای انگلیسی
jackson networks	
	شبکه های جکسون
jacobi condition	
	شرط ژاکوبی
Jacobi differential equation	
	معادله دیفرانسیل ژاکوبی
jacobi field	
	میدان ژاکوبی
jacobi identity	
	اتحاد ژاکوبی
jacobi imaginary transformations	
	تبدیل های انگاری ژاکوبی
jacobi inverse problem	
	مسأله وارون ژاکوبی
jacobi matrix	

	ژاکوبی ماتریس
jacobi method	
	روش ژاکوبی
Jacobi polynomials	
	چندجمله ای های ژاکوبی
jacobi symbol	
	نماد ژاکوبی
jacobi transformation	
	تبدیل ژاکوبی
jacobi's identity	
	اتحاد ژاکوبی
jacobi's polynomials	
	چندجمله ای های ژاکوبی
jacobi's theorem	
	قضیه ژاکوبی
jacobian	
	دترمینان ژاکوبی، ژاکوبی، ژاکوبین
jacobian determinant	
	دترمینان ژاکوبی، ژاکوبی
jacobian elliptic functions	
	توابع بیضوی ژاکوبی
jacobian matrix	
	ماتریس ژاکوبین، ماتریس ژاکوبی
jacobian of n functions in n variables	

	ژاکوبین n تابع n متغیره
jacobian of transform	ژاکوبین تبدیل
jacobian of transformation	ژاکوبین تبدیل
jacobian variety	چندگونای ژاکوبی
jacobson radical	رادیکال جیکوبسن
jag	دندانه دار کردن، دندانه، بریدگی
jagged	دندانه دار، اره مانند، پله ای
jaggy	دندانه ای
jam	گیر کردن، مسدود کردن، تراکم، فشرده شدن
jamming	انسداد، مسدود کردن
jansen's inequality	نامساوی جانسن
january effect	اثر ماه ژانویه
jargon	

	اصطلاح خاص یک رشته / حرفه / صنعت
jensen formula	فرمول ینسن
jensen inequality	نابرابری ینسن
jerk	کشش، ضربه، برخورد، تکان تکان
jig	الگوی کار، الگو، قید، هدایت کننده ابزار، گیره، راهنما، راهنمای کار
jig and fixture	قید و بند
jig boring	سوراخ کاری دقیق
jo'aalah, contract of reward	جعاله
job	کار سفارش شغل
job analysis	تجزیه و تحلیل شغل، تحلیل و بررسی حرفه، کارشکافی
job card, job ticket	شرح وظیفه، کارت شماره کار، کارت شماره سفارش
job centered	متمرکز روی کار، کار مدار

job classification	طبقه بندی بر حسب شغل (کار)، طبقه بندی مشاغل
job control operation control	کنترل عملیات (کار)
job cost card	کارت هزینه کار معین
job cost record	سابقه/ کارت هزینه/ بهای تمام شده سفارش
job cost sheet	برگ هزینه/ بهای تمام شده سفارش
job cost systems	سیستم های هزینه یابی سفارش کار
job costing record	سابقه/ کارت هزینه یابی سفارش کار
job documentation	راهنمای عملیات
job enlargement	عناصر تشکیل دهنده شغل، گسترش محدوده مشاغل، توسعه کار
job evaluation	ارزشیابی شغل
job group	گروه شغلی، رشته شغلی
job hazards	خطرات شغلی

job hierarchy	سلسله مراتب شغلی
job knowledge	کاردانی، معلومات شغلی
job method of cost accounting	روش حسابداری هزینه یابی کارمزدی
Job Miscellaneous Expenses	هزینه‌های متفرقه شغل
job order	سفارش کار
job order cost sheet	برگ هزینه سفارش کار
Job Order Costing	روش سفارش کار در حسابداری صنعتی
job order costing system	سیستم هزینه یابی سفارش کار
job planning	برنامه ریزی شغلی
job production	تولید تکی (تکسازی)
job rating	ارزیابی شغل، تقویم شغل، نرخ گذاری کار
job satisfaction	رضایت شغلی

job sequence	توالی کار ها
job shop scheduling	زمان بندی کار در کارگاه
job shop work	کار کارگاهی
job specification	مشخصات کار
job standard	معیار کار
job surrounding	شرایط کار، محیط کار
job task pyramid	هرم وظایف، سلسله مراتب رسمی شغلی، نمودار سازمان رسمی
job time card	کارت اوقات کار معین
job training	آموزش کار
Jobbers turn	سهم دلالی
Jobless claim	مدعیان بیکاری
jodgement	حکم، قضاوت، تصدیق

jodgement sample	نمونه قضایی
jodgement sampling	نمونه برداری قضاوتی
join	الحاق کردن، متصل نمودن، پیوستن، جفت شدن، وصل شدن، الحاق، وصل، اجتماع، اتحاد، وصل کردن، متصل کردن، ملحق شدن، ملحق کردن، اتصال
join irreducible	تحویل ناپذیر الحاقی
join irreducible decomposition	تجزیه تحویل ناپذیر الحاقی
join of elements in a lattice	وست عنصرها در شبکه
join of sets	الحاق مجموعه ها
join of two subgroups	وست دو زیرگروه
Joing stock bank	بانک سهامی
Joing surety	وثیقه مشترک
joining rate	نرخ اتصال

joint	همبند، مشترک، مفصل، اتصال، توأم، زانویی، بند، درز، اتصال، لولا، چفت، متصل، متحد، شکاف
joint account	حساب مشترک
joint account agreement	توافق نامه حساب مشترک
joint and several bond	سند قرضه با ضمانت چند مشاعی
joint and several liabilities	دیون تضامنی، مسئولیت تضامنی، بدهی مشترک
joint and several liability bond (Joint bond)	اوراق قرضه با ضمانت مشترک
joint audit	حسابرسی (رسیدگی) مشترک
joint bayesian distribution	توزیع بیزی مشترک
joint characteristic function	تابع مشخص توأم
Joint Contract	قرارداد مشترک
joint contract (agreement)	قرارداد مشتری
joint cost	

Joint Current account	هزینه مشترک
joint demand	حساب جاری مشترک
joint denial	تقاضای مشترک
joint density	نفی مشترک، ترکیب عطفی دو نقیض، نفی مضاعف
joint density function	چگالی توأم
joint design	تابع چگالی توأم
joint distribution	طرح اتصال
joint distribution function	توزیع توأم، توزیع مشترک، بخش مشترک
joint effects	تابع توزیع توأم، تابع پخش توأم
joint frequency function	تأثیرات مشترک
joint gap	تابع چگالی توأم
joint informations	درز جوش

اطلاعات مشترک	
joint insurance	
بیمه اشتراکی	
Joint liability	
بدهی مشترک	
joint liability (debt)	
بدهی مشاع، مسئولیت مشترک (در مورد یک بدهی)	
joint marginal distribution	
توزیع حاشیه ای توأم	
joint occurrence	
فراوانی مشترک	
joint parameter spaces	
فضاهای پارامتری مشترک	
joint penetration	
عمق نفوذ اتصال	
joint probabilities	
احتمالات توأم، احتمالات مشترک، احتمالات همبسته	
joint probability	
احتمال مشترک	
joint probability density	
چگالی احتمال مشترک	
joint probability distribution	
توزیع احتمال توأم، توزیع حاشیه ای توأم	
joint probability function	

	تابع احتمال توأم
joint probability table	جدول احتمال توأم، جدول احتمال مشترک
joint process	فرآیند مشترک
joint product method of cost accounting	روش حسابداری هزینه یابی محصول مشترک
joint products	محصولات مشترک
joint random variable	متغیر تصادفی توأم
joint rate	نرخ مشترک
joint restraint	مهار اضافی اتصال
joint services account	حساب خدمات مشترک
Joint stock	سرمایه مشترک
joint stock companies	شرکتهای سهامی تضامنی
joint stock company	شرکت سهامی
joint stock partnership	

	شرکت مختلط سهامی
joint tariff	تعرفه مشترک
joint tenancy	مالکیت مشاع، اجاره مشترک
joint tenant	مالیات مشترک، مستاجر مشترک
joint use agreement	قرارداد استفاده مشترک
joint variance	مغایرت (انحراف) مشترک
joint venture	سرمایه گذاری مشترک اولیه سرمایه گذاری مخاطه آمیز مشارکت مخصوص
joint venture account	حساب مشارکت عملی (تجارت مشترک)
joint-and-several liability	مسئولیت مشترک در برابر یک بدهی
jointly	با هم، مشترکا، توأما
jointly and severally	وام با ضمانت مشترک
jointly continuous	پیوسته توأم

jointly distributed	مشترکاً توزیع شده، توأماً توزیع شده
jolt type machine	ماشین رها کن
jolting	بالا بردن و رها کردن
Jordan	ژردان
jordan algebra	جبر ژوردان
jordan arc	کمان ژوردان، قوس ژوردان
Jordan block	قالب ژردان
Jordan canonical form	فرم متعارف ژردان
jordan content	محتوای ژوردان
jordan curve	منحنی ژردان، خم ژوردان، خم بسته ساده
jordan curve theorem	قضیه منحنی ژوردان، قضیه خم ژوردان
jordan domain	حوزه ژوردان

Jordan form	فرم ژردان
jordan matrix	ماتریس ژردان
jordan measurable set	مجموعه اندازه پذیر ژردان، مجموعه دارای اندازه ژردان
jordan measure	اندازه ژوردان
jordan test	آزمون ژردان
jordan theorem on fourier series	قضیه ژردان در مورد سری های فوریه
jordan's lemma	لم ژوردان
joukowski transformation	تبدیل ژوکوفسکی، تبدیل حافظ زاویه
joule	واحد کار، انرژی و حرارت در دستگاه SI تقریبا
Journal	دفتر روزنامه، نشریه
journal book	دفتر گزارش روزانه
journal entry	ثبت دفتر روزانه

journal ledger	دفتر روزنامه و کل
journal of accountancy	مجله حسابداری
journal of cost management (jcm)	مجله مدیریت هزینه/ بهای تمام شده
journal sale form	فرم دفتر روزنامه فروش
journal voucher	برگه حسابداری یا سند روزنامه
journal voucher summary	خلاصه اسناد روزنامه
journal, day book, daily book, journal book	دفتر روزنامه و کل
Journalization	ثبت در دفتر روزنامه
journalize	در دفتر روزنامه ثبت کردن، در دفتر روزنامه وارد کردن
journalizing	روزنامه نویسی، تحریر دفتر روزنامه
joystick	دسته فرمان
judge	داور

judgement	قضاوت، داورى، فتوى، رأى، حكم
judgement methods	روش های نظری
judgement sampling	نمونه گیری قضاوتی توسط حسابرسان
Judgment	قضاوت
judgmental method (of risk adjustment)	روش قضاوتی (تعدیل ریسک)
judgmental method of risk adjustment	روش قضاوتی (تعدیل ریسک)
judgmental opinion	اظهار نظر مبتنی بر قضاوت
judgmental risk evaluation	ارزیابی قضاوتی مخاطره
judgmental sampling	نمونه گیری قضاوتی نام دیگر نمونه گیری غیر آماری
judicial arbitrator	داور قانونی، داور قضایی
judicial authorities	مقامات قضایی
judicial review	تجدید نظر قضایی

jump	پرش، جهش، افزایش ناگهانی
jump cut broach	خانکش با دندان‌ها جهت دار
jump discontinuity	ناپیوستگی جهشی
jump statement	دستور پرشی، دستور شرطی
jump-sum purchase	خرید گروهی از داراییها به طور یکجا
junction	نقطه اتصال، برخوردگاه، اتصال، ارتباط، پیوندگاه، پیوند، انشعاب، نقطه اتصال، محل ربط، مفصل
junction point	نقطه اتصال
junior	کوچکتر، کهنتر
junior accountant	حسابداری که تحت سرپرستی یک حسابدار ارشد کار می‌کند
junior auditor	کمک حسابرس
Junior creditor	اعتبار دهنده رده دوم
junior grade employee	

	کارمند دونپایه
junior stock incentive plan	
	طرح تشویقی خرید سهام
junk bonds	
	اوراق قرضه بنجل اوراق قرضه ریسک بالا
jupiter	
	سیاره مشتری
jurisdiction clause	
	شرط داوری
just	
	فقط
just as before	
	که مثل حالت قبل است
just as in	
	درست مشابه قسمت
Just In Time	
	به هنگام
just in time (jit)	
	بموقع
just in time (jit) costing	
	هزینه یابی بموقع
just in time (jit) philosophy	
	فلسفه بموقع
just in time (jit) production	

فرآیند تولید بموقع	
just in time (jit) purchasing	
خرید بموقع	
just in time manufacturing system	
سیستم تولید بموقع	
just, fair	
مناسب، منصفانه	
justice and fairness	
عدالت و انصاف	
justifiability	
روایی	
justifiable	
قابل تصدیق، صدق پذیر، توجیه پذیر، قابل توجیه	
justifiable excuse	
عذر موجه	
justification	
اثبات، دلیل، صدق، توجیه	
justify	
توجیه کردن، توجهی کردن، دلیل آوردن، صدق کردن	
Just-In-Time	
سیستم‌ها به روش آنی و به موقع	
just-in-time purchasing	
خرید به موقع	
juxtapose	

	پهلوی هم گذاشتن
juxtaposition	
	پهلوی هم گذاری، پهلوی هم نهادن، همجواری، کنار هم قرار دادن
k	
	یازدهمین حرف الفبای انگلیسی
k cycle	
	دور-k-سیکل، k
k dimensional space	
	فضای k بعدی
k dimensional subspace	
	زیر فضای k بعدی
k fold	
	مکرر مرتبه k
k group	
	گروه-k
k permutation	
	جایگشت-k
k ply permutations	
	تبدیلات انتقال پذیر k گانه
k ply transitive group	
	گروه انتقال پذیر k گانه
k regular	
	منتظم-k

k sample problem	مساله -k نمونه گیری
k transitive permutation	گروه k-ترایا جایگشتی
k variate normal distribution	توزیع نرمال متغیره k
kaizen	بهبود مستمر، کایزن (اصطلاح ژاپنی)
kaizen budgeting	بودجه بندی کایزن
kaizen costing	هزینه یابی کایزن (اصطلاح ژاپنی) هزینه یابی بر مبنای بهبود مستمر
kanban	نوعی روش انبارداری ژاپنی که در آن از سیستم «بموقع» استفاده می شود
kanban system	نوعی روش انبارداری ژاپنی که در آن از سیستم «بموقع» استفاده میشود
kappa	کاپا، حرف دهم الفبای یونانی
karnaugh map	نقشه کارنو
karush kuhn tucher conditions duality	دوگانگی شرایط کروش-کان-تاگر

keen	قابل رقابت
Keep	نگهداری کردن
keep accounts	حساب های دائمی
keep in	ذخیره شده
keep in mind	به خاطر داشتن، یادآور شدن
keep or drop decision	تصمیم به توقف یا ادامه
keep track of	مورد توجه قرار دادن، پردازش کردن، پی گیری و دنبال کردن
Keeper	نگهداری کننده
keeping in mind	با در نظر گرفتن
kelvin functions	تابع های کلوین
kepler laws	قانون های کیپلر
kerf	شکاف، پهنای برش، شکاف برش، خار

kernel	هسته، شالوده، مغز، کرنل
kernel function	تابع هسته
kernel of a homomorphism	هسته هم ریختی
kernel of a transformation	هسته یک تبدیل
kernel of an integral equation	هسته معادله انتگرالی
kernel of an integral transform	هسته تبدیل انتگرالی
kernel of linear mapping	هسته نگاشت خطی
kev	کلید، خار، دکمه، واحد انرژی مساوی هزار الکترون ولت
Key	کلیدی- کلید
key board	صفحه کلید، صفحه کلیدی، تخته کلید، صفحه شستی ها، مجموعه شستی ها
key business ratio	نسبت های صنعت، نسبت های کلیدی (در تجزیه و تحلیل صورت های مالی)
Key Calculations	

محاسبات کلیدی	key controls
کنترل‌های کلیدی	Key currency
پول کلیدی	key dirve taper nose
دماغه مخروطی خار خور	key factor
عامل کلیدی (عامل اساسی)	key features
مشخصات اصلی ویژگی‌های مهم (کلیدی)	Key Field
فیلد کلیدی	key hole type die
قالب سوراخ کلیدی	key industry
صنعت کلیدی، صنعت عمده، صنعت اساسی، صنعت پایه ای، صنایع ماشین سازی، صنایع مادر	Key Information
اطلاعات کلیدی	Key Inventory
موجودی کالای کلیدی	Key Items
اقلام کلیدی	

key job	شغل مهم، شغل کلیدی، شغل اصلی، شغل حساس، شغل عمده
key man	شخص کاربر
key management	مدیریت ارشد ، مدیریت کلیدی
Key Mustang	صنایع کلیدی
key operation	عمل کلیدی
key operations	عملیات اساسی (کلیدی)
Key Personnel	پرسنل کلیدی
key point	نکته کلیدی نکته مهم
Key Points	نکات کلیدی
key profitability factor	عامل کلیدی سودآوری
key punch	کلید منگنه، منگنه کلیدی، دکمه منگنه
Key Purchase	خرید کلیدی

key rate	نرخ پایه
key ratio	نسبت کلیدی
key resource	منابع کلیدی
Key Services	خدمات کلیدی
key sources of information	منابع اصلی / کلیدی اطلاعات
key success factors	عوامل کلیدی (اصلی) موفقیت
key terms	اصطلاحات مهم (کلیدی)
key vaiable	متغیر کلیدی
key variable	متغیر کلیدی
key variables	متغیرهای کلیدی (اصلی)
keyboard	صفحه کلید
keying	

قطع متناوب، جازدن، قطع و وصل کردن، درگیر کردن، زخمی کردن	
key-man insurance	بیمه مدیران
Keynesian	طرفداران مکتب کینز
Keynesians and monetarists	طرفداران مکتب کینز و طرفداران مکتب پولی
keyseat rule	خط کش مخصوص جاخار
keyway	جاخار، شیار خار، جای خار
khayyam newton binomial	دوجمله ای خیام-نیوتن
khinchin theorem	قضیه خینچین
Kick Off	شروع
kick press	پرس ضربه ای
kickback	رشوه
killed steel	فولاد آرام، فولاد کشته

killing differential equation	معادله دیفرانسیل کیلینگ
killing fire	گرمای آرام کردن، بالاترین حد درجه حرارت
Killing vector field	میدان برداری کیلینگ
kilo	پیشوندی به معنی هزار
kilogram	کیلوگرم، هزار گرم
kilometer	کیلومتر، یک هزار متر
kilometric	کیلومتری
kinematics	سینماتیک، حرکت شناسی
kinetic	جنبشی
kinetic energy	انرژی جنبشی
kinetic friction	اصطکاک جنبشی
kinetics	علم اثر نیرو و بر حرکت اجسام مادی، سینتیک، جنبش شناسی

kink	تاب، گره زدن، گره، گره خوردن، پیچ دار کردن
Kit Functionality	برای تشخیص این است که آیا Stock مجانی برای هدیه موجود است
Kite cheque	چک ساختگی
kiting	حساب به حساب کردن وجوه از طریق چک کلاه به کلاه کردن
kleen closure	پوشش کلین، بستار کلین
klein bottle	بطری کلاین
klein four group	گروه چهارتایی کلاین، گروه چهار کلاین
klein group	گروه کلاین
klein's four group	گروه چهار تائی کلاین
knack	مهارت، فن
knapsack problem	مسأله کوله پشتی، مسأله سبکی کوله بار
kneading	

	ورز دادن، ورز
knee	
	زانو، زانویی، مفصل
knee type milling machine	
	ماشین فرز زانویی
kneecap	
	کاسه زانو، کاسه زانویی
kneejoint	
	مفصل زانو، مفصل زانویی
knob	
	گره، دستگیره گوی شکل، شستی، ضامن، تکه، برآمدگی
knock out pin	
	میله بیرون انداز، میله پران
knot	
	گره دریایی، گره، واحد سرعت دریایی معادل با ۶۰۷۶/۱ فوت در ساعت، واحد سرعت باد
knot group	
	گروه گرهی
knot how	
	دانش فنی، دانش و فن، مهارت، فوت و فن، لم، طرز کار
knot theory	
	نظریه گره
knowing that	
	با این فرض که، به شرطی که، با علم به این که

Knowledge	دانش
Knowledge Bay	پایگاه دانش
Knowledge Level Systems	کارکنان فرهیخته
Knowledge Work Systems	سیستم‌های دانش محور
known	معلوم، داده
knurl	کنگره دار، کنگره، آجدار، آجزنی، آج، مخطط
Kolmogorov axiom	اصل موضوع کولموگوروف
Kolmogorov backward equation	معادله پسرو کولموگوروف
kolmogorov equation	معادله کولموگوروف
kolmogorov forward equation	معادله پیشرو کولموگوروف
Kolmogorov inequalities	نابرابری های کولموگوروف
kolmogorov sinai invariant	ناوردای کولموگوروف-سینایی، آنتروپی تبدیل

kolmogorov's form of the law of large numbers	قانون اعداد بزرگ به صورت کولموگوروف
kolmogorov's form of the strong law of large numbers	قانون قوی اعداد بزرگ به صورت کولموگوروف
kolmogorov's inequality	نامساوی کولموگوروف
kolmogorov's system of axioms of probability	دستگاه اصول کولموگوروف احتمال
konig's symbol	نماد کونیگ
konigsberg bridges problem	مسأله پل های کونیگسبرگ
kotone	ستون
krein milman theorem	قضیه کراین-میلمن
Kronecker delta	دلتای کرونکر
kronecker index	شاخص کرونکر
Kronecker product	حاصلضرب کرونکر
kronecker set	

	مجموعه کرونگر
krull's theorem	
	قضیه کرول
kruskal wallis test	
	آزمون کروسکال-والیس
kuhn's modified gradient	
	ضریب تعدیل کوهن
kummer relation	
	رابطه کومر
kummer's equation	
	معادله کومر
kummer's test for convergence	
	آزمون همگرایی کومر
kuratowski graphs	
	گراف های کوراتوفسکی
Kuratowski space	
	فضای کوراتوفسکی
kurtosis	
	کشیدگی، ستیغ، انحنا، پخی
kurtosis coefficient	
	ضریب کشیدگی
L	
	دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی
l space	

L-فضا	
L.u.b	
	کوچکترین کران بالا
L'hospital rule	
	قاعده هویپیتال، قاعده لویپیتال
L'hospital's rule	
	دستور لویپیتال، قانون هویپیتال
L'hospital's theorem	
	قضیه هویپیتال
L2 norm	
	نرم L2، هنج L2
label	
	برچسب
labeled digraph	
	گراف جهت دار برچسب گذاری شده
labeled graph	
	گراف نشاندار، گراف برچسب دار
Labeling	
	برچسب-برچسب زنی
lable	
	برچسب زدن، طبقه بندی کردن، علامت، نشانی، مشخصه، مشخصات، برگه، برچسب
labor	

کار، نیروی کار، کارگر، نیروی کارگری، نیروی انسانی، دستمزد	
labor = labour	
	کار، کارگر، هزینه دستمزد
labor cost	
	هزینه دستمزد
labor efficiency variance	
	انحراف کارایی دستمزد/ نیروی کار
Labor Force	
	نیروی کار
labor inspection	
	بازرسی کار
labor intensive	
	طرح کارطلب، کارطلب، کاربر، نفربر، کارگربر
labor law	
	قوانین کارگری، قانون کارگری، حقوق کار
Labor Laws	
	قانون کار
Labor market	
	تعادل بازار کار
labor mix variance	
	انحراف ترکیب دستمزد
Labor of credit	
	فقدان اعتبار

labor productivity	بهره دهی کار
labor rate	نرخ دستمزد
labor rate variance	انحراف نرخ دستمزد
Labor supply	عرضه نیروی کار
labor time record	کارت اوقات کار کارکنان کارت ساعات کارکرد کارکنان
Labor Turnover	گردش نیروی کار
labor unions	اتحادیه های کارگری
Laboratory	آزمایشگاه
laboratory experiments	تجربیات آزمایشگاهی
labor-saving innovation	نوآوری در صرفه جویی در هزینه دستمزد
labour (wage) price variance, labour rate variance, labour turnover	انحراف نرخ دستمزد
labour (wages) efficiency variance	

labour account, wages account	انحراف کارآیی دستمزد
labour agreement (contract)	حساب دستمزد
labour cost card	قرارداد کار
labour cost summary	کارت هزینه کار معین
labour costs (wages costs)	صورت خلاصه هزینه دستمزد
labour efficiency variance	دستمزد، هزینه دستمزد
labour excess, excess labour	انحراف کارآیی دستمزد، نیروی کار
labour hour absorption rate of overhead	کار اضافه
labour hours	نرخ جذب ساعتی سربار
labour hours variance	ساعت کار کارگران
labour incurred	انحراف ساعات کار
labour intensive	کار انجام شده

نیروبر، شرکتی که در آن هزینه دستمزد پیش از هزینه سرمایه اهمیت دارد
labour law
قانون کار
labour legislations
قوانین کارگری
labour market
بازار کار
labour mix
ترکیب نیروی کار
labour mix variance
انحراف ترکیب نیروی کار، مغایرت ترکیب کار (دستمزد)
labour oriented
کاربر
labour overtime
اضافه کار کارگری
labour piracy
کارگر ربایی
labour policy
سیاست استخدام کارکنان
labour quantity variance
انحراف کارایی نیروی کار
labour rate
نرخ دستمزد

labour rate variance	انحراف نرخ کار (دستمزد)
labour ration subsidy	کمک هزینه کارگری
labour related benefits	مزایای مربوط به کارگران
labour surplus	مازاد کار
labour time variance	انحراف ساعات کار (دستمزد)
labour turnover	گردش نیروی کار
labour turnover ratio	نسبت گردش کار
labour usage variance	انحراف مصرف کار (دستمزد)
labour variance	انحراف دستمزد
labour-cost ratio	نسبت هزینه استاندارد دستمزد مستقیم به هزینه واقعی
labour-hour method of depreciation	روش (ساعت کار) برای محاسبه استهلاک، استهلاک بر مبنای ساعت کارکرد
Labour-off the job pay	

پرداخت مزد ایام بیکاری	
lack of fit	نقض بر ارزش
lack of order of accounts	بی ترتیبی حساب ها
lacuna	رخنه، حفره
lacunary	حفره ای
lacunary values	مقادیر رخنه ای
ladder method	روش تجزیه (به عامل ها)، روش نردبانی
ladder network	شبکه نردبانی
ladder sliding	لغزش نردبان
ladder sliding problem	مساله لغزش نردبان
laddered portfolios	سرمایه گذاری های پلکانی
lag	فاصله زمانی، عقب افتادگی
lag factor	

فاکتور خرید (فروش) نسبه	
lag in payment by debtors	تاخير پرداخت بدهكاران
lag in payment of salary	تاخير در پرداخت حقوق
lag in payment of wages	تاخير در پرداخت دستمزد
lagging indicators	شاخص هاي تاخيري، دوره هاي زماني همگام با سطوح مختلف فعاليت هاي اقتصادي
Lagrange	لاگرانژ
lagrange bracket	کروشه لاگرانژ
lagrange coordinates	مختصات لاگرانژی
lagrange equation of motion	معادله حرکت لاگرانژ
lagrange identity	اتحاد لاگرانژ
lagrange interpolation	درونيابي لاگرانژ
Lagrange multiplier	ضريب لاگرانژ

lagrange multiplier function	تابع ضرب کننده لاگرانژ، تابع تکثیر کن لاگرانژ
Lagrange multipliers	ضریب های لاگرانژ
lagrange theorem	قضیه لاگرانژ
lagrange's differential equation	معادله دیفرانسیل لاگرانژ
lagrange's form of the remainder for taylor's theorem	صورت باقیمانده لاگرانژ در قضیه تیلور
lagrange's formula	فرمول لاگرانژ
lagrange's formula of interpolation	فرمول درون یابی لاگرانژ
Lagrange's identity	اتحاد لاگرانژ
lagrange's theorem	قضیه لاگرانژ
lagrange's trigonometric identity	اتحاد مثلثاتی لاگرانژ
lagrangian	لاگرانژین، لاگرانژی
lagrangian dual problem	

مسأله دوگان لاگرانژین	
lagrangian function	تابع لاگرانژ
lagrangian multipliers	مضارب لاگرانژین، ضریب لاگرانژ
lagrangian theorem	قضیه لاگرانژ
lags in delivery time	تأخیر در زمان تحویل یا تولید کالا
laguerre functions	توابع لاگر
laguerre geometry	هندسه لاگر
laguerre polynomials	چندجمله ای های لاگر
laguerre's differential equation	معادله دیفرانسیل لاگر
laissez-faire	بدون نظم
lambda	ضریب لاندا
lambda matrix	ماتریس لاندا
lambda transition	

تبدیل تهی، تبدیل لاند	
lame differential equation	
معادله دیفرانسیل لامه	
lame function	
تابع لامه	
Lame' differential equation	
معادله دیفرانسیل لامه	
Lame' function	
تابع لامه	
lamina	
لایه، ورقه	
laminar flow	
شارش لایه ای	
laminar object	
جسم ورقه ای	
laminated	
ورق مانند، متورق، چندلایه، ورقه ورقه شده	
laminating	
لایه سازی، ورقه سازی	
lamination	
ورق شدن، ناخالصی لایه ای، پوسته پوسته شدن	
lancing	
شیار سازی، چاک دادن	
land	

	زمین، کفی
land and deed registry	
	ثبت اسناد و املاک
land improvement	
	بهسازی زمین، تاسیسات (زیربنایی) در زمین
land patent	
	جواز زمین
land tax	
	مالیات بر اراضی
land transport	
	حمل و نقل جاده ای
land, estate, real estate, real property, properties	
	زمین، املاک
landed cost	
	هزینه تحویل کالا
landed pluger	
	سمبه پله ای
landed price	
	قیمت اعلام شده یک کالا که شامل هزینه حمل و تخلیه می شود
landed terms	
	بهای کالا به شرط تخلیه در بند مقصد
landing	
	ورود به خشکی (فرودگاه)
Landing certificate	

	گواهی تخلیه
landing gear	
	ارابه فرود
landing storage delivery (LSD)	
	تخلیه، نگهداری، تحویل
landlord	
	موجر، مالک زمین
landmark	
	نشان مرزی، راهنما
landscaping	
	محوطه سازی
Language	
	زبان
language equation	
	معادله زبان
language of business	
	زبان تجارت، زبان واحد تجاری
labor force	
	نیروی کار
lap	
	روی هم قرار گرفتن، لب روی هم، چرخ پرداخت، روی هم افتادن، صیقل دادن، زیر کار، ساییدن، صیقل زدن، ساییدن دقیق
lap joint	

مفصل روی هم، اتصال نیم-نیم، جوشکاری، اتصال روی هم، اتصال پوششی
laplace
فرمول مجانبی موآور-لاپلاس
Laplace differential equation
معادله دیفرانسیل لاپلاس
laplace expansion
بسط لاپلاس
laplace function
تابع لاپلاس
laplace operator
عملگر لاپلاس، لاپلاسی، عامل لاپلاس، اپراتور لاپلاس
laplace transform
تبدیل لاپلاس، مبدل لاپلاس، تبدیل لاپلاس
laplace's differential equation
معادله دیفرانسیل لاپلاس
laplace's equation
معادله لاپلاس
laplace's theorem
قضیه لاپلاس
laplacian
لاپلاسی
laplacian operator
عملگر لاپلاسی

lapping	کلاه به کلاه کردن
lapping of accounts receivable	کلاه به کلاه کردن حسابهای دریافتی
lapse	منقضی شدن، به پایان رسیدن قرارداد بیمه
lapse of stock option	انقضای مدت استفاده از اختیار خرید سهام (انقضای مهلت استفاده از برگ اختیار معامله سهم)
lapse rate	نرخ افت، سرعت افت
Larceny	دزدی حيله گرانه
large sample theory	نظریه بزرگ، نمونه ها
large	بزرگ
large capitalization stocks large caps	سهام شرکتهایی که ارزش بازار بالایی برخوردارند سهام شرکتهای بزرگ
large numbers	شرط لازم و کافی قانون اعداد بزرگ
large purchase	خرید عمده
large quantity	

	بی نهایت بزرگ
large sample	
	بزرگ-نمونه
large sample approximation	
	تقریب با نمونه بزرگ
large sample inference	
	استنباط با نمونه بزرگ
large sample theory	
	نظریه بزرگ نمونه ها
large scale production	
	تولید در مقیاس وسیع، تولید انبوه، تولید مقیاس
large stock dividend	
	سود سهمی زیاد
large-capitalization stocks (large-caps)	
	سهام شرکت هایی که از ارزش بازار بالایی برخوردارند (سهام شرکت های بزرگ)
largely	
	جامعا، به طور فراگیر
largen	
	وسعت بخشیدن، بزرگ کردن
larger	
	بزرگتر
larger area	
	سطح بزرگتر، قطعه بیشتر از نیم

larger than	بزرگ تر از
larger topology	توپولوژی قویتر
largest	بزرگترین
largest member	بزرگترین عدد، بزرگترین عضو
largest return on investment	بیشترین بازده سرمایه گذاری
lashing	تسمه کشی، جهازبندی باز
last	آخرین، دوام آوردن، واپسین، پائیدن
last come first serve	سرویس به ترتیب عکس ورود، نظام آخرین مشتری
last day of field work	آخرین روز اجرای عملیات رسیدگی / تحقیق میدانی
last element	آخرین عنصر، عنصر آخر، جزء انتها، عضو انتها
Last in First out	روش قیمت گذاری اولین صادره از آخرین وارده
last in first out (lifo) inventory costing method	هزینه یابی موجودیها به روش صادره از آخرین وارده اولین

last in, first out (lifo)	اولیه صادره از آخرین وارده لایفو
last invoice pricing	قیمت گذاری براساس آخرین فاکتور خرید
last price	آخرین قیمت (بها)
last sale	قیمت آخرین معامله
last theorem of Fermat	آخرین قضیه فرما
last theorem of poincare	آخرین قضیه پوانکاره، قضیه نقطه ثابت پوانکاره-برکاف
last trade	آخرین معامله در یک روز کاری
lastest time of occurence	دیرترین زمان مجاز برای وقوع
Last-In, First-Out	اولین صادره از آخرین وارده لایفو
last-in-first-out cost (LIFO cost)	روش اولین صادره از آخرین وارده
lasting price	قیمت بادوام
latch	زبانہ، بست، قفل، قفل فنری، چفت

latch jig	جیگ چفتی
late charges	هزینه دیرکرد
late finish time	دیترین زمان پایان
late insured person	بیمه شده فوت شده
late payment fine	زیان دیرکرد
late start time	دیرترین زمان شروع
late tape	تاخیر در گزارش قیمت معاملات
lateness	دیرکرد
latent	نهفته، نهان
latent defect	عیب ناپیدا، نقص پنهان
latent root	مقدار ویژه، ریشه راکد
latent root of a matrix	مقدار ویژه یک ماتریس

latent vector	بردار راکد، بردار ویژه
later year investment	سرمایه گذاری سال بعد
lateral	کنترل ردیفی (کنترل جانبی)
lateral area	مساحت جانبی، سطح جانبی
lateral edge	یال جانبی
lateral face	وجه جانبی
lateral surface	رویه جانبی
laterally	از پهلو، جانبا
latest allowable time	آخرین مهلت مجاز
latest purchase price method	روش آخرین قیمت خرید
Latest Time	دیرترین زمان
latex	لاتک، لاستیک خام، شیره لاستیک، لاتکس

latin square	مربع لاتین
latin squares	مربعات لاتین
latitude	عرض جغرافیایی، عرض
latter	نوع اول، دوم، اخیر، قسمت اخیر
lattice	مشبک
lattice distribution	توزیع مشبک، توزیع مشبک
lattice homomorphism	همریختی مشبک
lattice isomorphism	یکریختی مشبک
lattice point	نقطه شبکه
latus rectum	پارامتر سهمی، طول قطر اطول، ضلع قائم، وتر کانونی
latus rectum of a conic	پارامتر منحنی مخروطی
latus rectum of ellipse	راست وتر بیضی

latus rectum of hyperbola	راست وتر هذلولی
latus rectum of parabola	راست وتر سهمی
laundering	تطهیر پول، پول شویی، مشروع سازی درآمد نامشروع ، پولشویی
Laurent	لوران
Laurent expansion	بسط لوران
laurent series	سلسله لورن، سری لوران، رشته لوران، سری لوران
Law	قانون
law expense	هزینه حقوقی
law merchant	حقوق بازرگانی، حقوق تجارت
law of a group	قانون گروه
law of action and reaction	قانون کنش و واکنش
law of area	

قانون مساحت ها
law of associativity
قانون پذیری شرکت
law of binomial probability distribution
قانون توزیع احتمال های دو جمله ای
law of cancellation
قانون حذف
law of combination
قانون ترکیب
law of commutativity
قانون جابجائی
law of composition
قانون ترکیب، قانون همنهش
law of conservation
قانون بقا
law of conservation of momentum
قانون بقاء اندازه حرکت
Law of contract
قانون قرار داد
law of contradiction
قانون تناقض
law of cooling
قانون تبرید
law of corporations (company act)

قانون شرکت ها
law of cosines
قانون کسینوس ها
law of cotangents
قانون کتانژانت ها
law of diminishing return
قانون بازده نزولی
law of diminishing returns
قانون بازده نزولی
law of distributivity
قانون پخشی
law of errors
قانون خطا ها
law of excluded middle
قانون طرد شق ثالث، قانون طرد واسطه
law of exponents
قانون نما ها
law of geometric probability distribution
قانون توزیع احتمال های هندسی
law of gravitation
قانون گرانش
law of growth
قانون رشد، قانون نمو
law of hypergeometric probability distribution

قانون توزیع احتمال های فوق هندسی
law of inertia
قانون ماند
law of inner composition
قانون ترکیب داخلی، قانون همنهش درونی
law of iterated logarithm
قانون لگاریتم مکرر
law of large numbers
قانون اعداد بزرگ
law of left distributivity
قانون پخش پذیری از چپ
law of logarithms
قانون لگاریتم ها
law of logic
قانون منطق
law of markov polya probability distribution
قانون توزیع احتمال های مارکوف-پولیا
law of motion
قانون های حرکت
law of parallelogram
قانون متوازی الاضلاع
law of pascal's triangle
قانون مثلث پاسکال
law of poisson probability distribution

قانون توزیع احتمال های پواسون
law of probability
قانون احتمالات
law of probability distribution
قانون توزیع احتمال ها
law of quadratic reciprocity
قانون متعکس تربیعی، قانون تقابل مجذوری، قانون تقابل مربعی، قانون متقابل تربیعی
law of reflection
قانون انعکاس
law of refraction
قانون تفرق
law of right distributivity
قانون پخش پذیری از راست
law of signes
قانون علامت ها
law of signs
قانون علامت ها
law of simplification
قاعده ساده کردن
law of sines
قانون سینوس ها
law of small numbers
قانون اعداد کوچک

law of succession	قانون وراثت، قانون (تقسیم) میراث
law of supply and demand	قانون عرضه و تقاضا
law of tangents	قانون تانژانت ها
law of total probability	قانون مجموع احتمالات، قانون احتمال مجموع، قضیه جمع احتمالات
law of two points probability distribution	قانون توزیع احتمال های دوزنقه ای
lawful expense	هزینه قانونی (مشروع)
lawful heir, heir at law	وارث قانونی
Lawful money	پول قانونی
lawless, unlawful, illegal	غیر قانونی
laws	ترکیب قوانین، ترکیب قوانین توزیع های دو جمله ای، ترکیب قوانین توزیع های نرمال، ترکیب قوانین توزیع های نمایی
laws and regulations	قوانین و مقررات
laws of chance	

	قوانین شانس
laws of logarithms	
	قانون های لگاریتم ها
laws of logic	
	قوانین منطق
laws of motion	
	قانون های حرکت
laws of the mean	
	قضیه های مقدار میانگین
lawyer's letter	
	تأییدیه وکیل حقوقی
lawyer's letter	
	درخواست تأییدیه وکیل حقوقی
lay	
	قرار دادن
lay days	
	روزهای معین برای بارگیری یا باراندازی کشتی (بدون تعلق خسارت تاخیر)
lay down	
	پایه گذاری کردن، کنار گذاشتن
lay off	
	اختیار شدن، برکناری، معلق از خدمت تعلیق، انتظار خدمت موقت
lay out	

ارایش، طرح اولیه قالب، طرح، نقشه اولیه، جانمایی، طرح مقدماتی، طرح جانمایی، آرایش چیدن، طرح چیدن، طریقه چیدن، استقرار، ماکت، ترتیب، طرحبندی، طراحی، تنظیم
lay time
زمان بارگیری (یا باراندازی) کشتی
layaid off
واقع بودن، قرارداشتن
layer
پوسته، طبقه، ورقه، قشر، لایه
layoff, vacation
تعطیل، انتظار خدمت کارگر، حالت تعلیق
layout
طرح، آرایش
layout chart
نمودار جا و مکان
layout planning chart
جدول طراحی کارخانه
LB
علامت اختصاری پوند، واحد وزن معادل ۴۵۳/۷ گرم
LCD Least Common Denominator
کوچکترین مضرب مشترک - ک م م
LCFS
سرویس به ترتیب عکس ورود، نظام آخرین مشتری
LCL

حد کنترل پایین، حد پایین کنترل	
lead	رهبری، هدایت
lead lag quantity	ارزش تأخیر
lead schedule	کاربرگ اصلی
lead time	فرجه زمانی، فاصله زمانی بین دادن سفارش دریافت کالا یا جنس
lead to	منتهی شدن، بدست دادن
leader merchandising	پیشرو در عرضه، پیشرو در قیمت گذاری
leadership	راهبردی، هدایت
leadership leading	پیشروی رهبری
leading	مقدم
leading coefficient	ضریب پیشرو، ضریب اصلی
leading indicators	شاخص های پیشرو

leading insurer	بیمه گر اصلی
leading non 0	مقدم غیر صفر
leading nonzero entry	درایه غیر صفر اصلی
leading submatrix	زیرماتری مقدم
leading term	جمله پیشرو، جمله اصلی
leading terms	جمله پیشرو
leading zero	صفر های قبل از عدد
leading zeros	صفر های پیشرو
leads to	منتهی شدن
Leaf	برگ
leaf jig	الگوی بازشدنی
leafed	گلبرگ، گلبرگی

leak	رخنه، نشست، نشست کردن، چکه
leakage	کمبود (نشستی)، کاستی
leap	پرش، کبیسه، جست
leap day	روز آخر سال کبیسه، روز کبیسه
leap year	سال کبیسه
learn	آموختن، فراگرفتن
learning curve	منحنی یادگیری (اثر یادگیری)
learning exponent	توان یادگیری
learning objectives	اهداف آموزشی یادگیری اهداف آموزشی
Learning Organization	سازمانی یادگیرنده
Learning Requirements Planning	برنامه‌ریزی نیازهای آموزشی
learns	در می‌یابد

lease	اجازه
lease accounting	حسابداری اجاره
lease agreement	قرارداد اجاره
lease agreement (contract)	قرارداد اجاره
lease agreements	قراردادهای اجاره
lease asset	دارایی استیجاری
lease financing	تامین مالی از طریق اجاره
lease inception date	تاریخ شروع اجاره
lease liability	بدهی اجاره
lease obligations	تعهدات اجاره
lease option agreement	اجاره با حق خرید
lease prepayment	پیش پرداخت اجاره

lease purchase agreement	قرارداد اجاره خرید
lease purchase vendor	فروشنده اجاره خرید
lease receivable	اجاره دریافتی
lease receivable, rent receivable	اجاره دریافتی
lease selling accounts	حساب های اجاره فروشی
lease term	مدت اجاره، شرایط اجاره
lease terms	شرایط اجاره
lease, rent	اجاره
leaseback (renting back)	دوباره اجاره کردن، اجاره مجدد
leased asset	دارایی اجاره داده شده
leased property	اموال / دارایی مورد اجاره، ملک استیجاری
leasehold	اجاره مال به وسیله فروشنده، حق استفاده از مورد اجاره

leasehold improvement	بهسازی اموال استیجاری
leasehold improvements	بهسازی اموال تجاری
leasehold mortgage	اجاره مورد رهن
leasehold property	مال اجاره ای
leaseholder	اجاره دار، مستاجر، اجاره کننده
leaseholding, tenancy	اجاره داری
leasing	اجاره اعتباری
leasing company	شرکت لیزینگ
leasing revenue	درآمد اجاره
leasing versus buying	اجاره در مقابل خرید
least	حداقل، کوچکترین، کمترین، اقل
least absolute remainder	کوچکترین باقیمانده مطلق

least absolute value	کمترین قدر مطلق
least amount	کمترین مقدار، کوچکترین مقدار
least common denominator	کوچک ترین مخرج مشترک
least common divisor	کوچکترین مضرب مشترک
least common multiple	کوچکترین مخرج مشترک
least cost	کمترین هزینه
least cost analysis	تحلیل حداقل هزینه
least cost combination	ترکیب هزینه حداقل
least cost criterion	ملاک هزینه حداقل
least cost method	روش کمترین هزینه
least cost production method	روش تولید با حداقل هزینه
least element	

عضو اقل، کوچترین عضو، کوچترین عنصر، عنصر مینیمم، عنصر اقل، عنصر کمینه
least favorable distribution
توزیع با کمترین مساعدت
least lower bound
کوچترین کناره پایین
least member
عضو اقل، عنصر کمینه
least preferred co worker
همکاران با کمترین امتیاز
least significant difference
کمترین تفاوت معنی دار
least square
کوچترین مربع
least square approximation
تقریب کمترین توان های دوم، تقریب کمترین مربعات
least squares
کوچترین توان های دوم، کمترین توان های دوم
least squares approximation
تقریب حداقل مربعات
least squares criterion
ملاک کمترین مجذورها
least squares estimate
برآورد با کمترین توان های دوم

least squares estimator	بر آورد کننده کمترین
least squares law	قانون کمترین مربعات
least squares line	خط کمترین مربعات
least squares method	روش حداقل مجزورات، روش کمترین مجذور ها، روش کمترین توان های دوم، روش کمترین مربعات، روش حداقل مربعات
least squares regression analysis	تجربه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات
least unit cost	حداقل هزینه واحد
least upper	کمترین بالایی
least upper bound	سوپر مم، زیرینه، کوچکترین کران بالا، کرانه بالایی، کوچکترین
least upper bound property	خاصیت کوچکترین کران بالایی
least upper bound theorem	قضیه کوچکترین کران بالا
least-cost combination	ترکیب کمترین هزینه
least-cost position	

least-cost production	موقعیت کمترین هزینه
Leave	محصول کمترین هزینه
Leave Application	مرخصی
Leave Balance Tracking (Annual)	تقاضای مرخصی
leave buyout	ردیابی باقیمانده مرخصی (سالانه)
Leave Cancellation	خرید مرخصی استفاده نشده
leave of absence with pay	باطل کردن مرخصی
leave pay, vacation pay	حقوق ایام مرخصی
Leave Resumption	استفاده از مرخصی
leave traveling charge	هزینه مسافرت مرخصی
Leave Without Pay	مرخصی بدون حقوق
leaving	

	خارج شدن
leaving basic variable	
	متغیر خروج از پایه، متغیر اساسی خروجی
leaving variable	
	متغیر خارج شونده
Leavings	
	اموال، میراث
lebesgue bounded convergence theorem	
	قضیه تقارب محدود لبگ
lebesgue criterion	
	محک لوبگ، آزمون لبگ
lebesgue criterion for riemann integrability	
	معیار لوبگ برای انتگرال پذیری ریمان
Lebesgue decomposition theorem	
	قضیه تجزیه لبگ
Lebesgue integrable	
	لبگ - انتگرال پذیر
lebesgue integrable function	
	تابع انتگرال پذیر لبگ، تابع انتگرال پذیر به تعبیر لبگ
Lebesgue integral	
	انتگرال لبگ
lebesgue integral of a complex function	
	انتگرال لوبگ یک تابع مختلط
lebesgue measurable function	

تابع اندازه پذیر لبگ	
lebesgue measure	
اندازه لوبگ، سنج لوبگ	
lebesgue monotone convergence theorem	
قضیه همگرایی یکنوای لبگ	
Lebesgue number	
عدد لبگ	
lebesgue radon integral	
انتگرال لوبگ-رادون	
lebesgue steiltjes integral	
انتگرال لبگ-استیلتیس	
lebesgue stieltjes integral	
انتگرال لبگ-استیلتیس، انتگرال لبگ-رادون	
lecture	
کنفرانس، نطق	
lectures	
درس‌هایی، درس‌ها	
ledeburite	
لدبوریت	
ledger	
دفتر کل	
Ledger account	
حساب دفتر کل	
ledger cards	

کارت های (ماشینی) دفاتر
ledger control account
حساب کنترل دفتر کل
lee way
مهلت
left
باقی ماندن، چپ
left annihilator
پوچساز چپ
left cancellation law
قانون حذف از چپ، قانون حذف از سمت چپ
left circular helix
مارپیچ استوانه ای چپ گرد
left congruence
همنهشتی چپ
left continuity
پیوستگی سمت چپ
left continuous function
تابع چپ پیوسته، تابع پیوسته چپ
left coordinate system
دستگاه مختصات دست چپی
left coset
هم مجموعه چپ، همدسته چپ، هم مجموعه به چپ، طبقه چپ، هم رده چپ

left coset space	فضای خارج قسمت های چپ، فضای هم مجموعه های چپ
left derivative	مشتق چپ، مشتق دست چپی
left descendant	نسل چپ
left differentiable function	تابع چپ مشتقپذیر
left distributive	پخش پذیر از چپ
left distributive law	قانون پخشپذیری از چپ
left division	بخش چپ
left division algorithm	الگوریتم بخش چپ
left downward	از چپ به پایین
left downward slanted line	خط متمایل به سمت چپ، متمایل به سمت پایین
left endpoint	نقطه انتهایی چپ
left factor	عامل چپ

left half	نیمه سمت چپ
left half open	نیمباز چپ
left half plane	نیمه صفحه چپ
left hand	چپ (دست)
left hand continuity	پیوستگی چپ
left hand coordinate system	دستگاه مختصات چپ (دست)
left hand derivative	مشتق چپ
left hand jump	پرش چپ
left hand limit	حد چپ
left hand shadow price	قیمت سایه چپ
left hand tangent	مماس چپ دست
left hand tangent line	خط مماس چپ

left handed	چپ گرد
left handed coordinate system	دستگاه مختصات چپگرد
left handed curve	خم چپگرد، منحنی چپ گرد
left handed helix	مارپیچ چپ دست
left handed trihedral	کنج چپ گرد
left hereditary ring	حلقه موروثی چپ
left ideal	ایدال چپ
left identity	همانی چپ
left invariant tensor field	میدان تانسوری چپ ناورد
left inverse	وارون چپ، معکوس چپ
left inverse element	عنصر وارون چپ
left invertible	معکوسپذیر چپ

left invertible linear transformation	تبدیل خطی معکوسپذیر چپ
left invertible matrix	ماتریس معکوسپذیر چپ
left jump	جهش دست چپی
left k module	مدول چپ k
left limit	حد چپ
left linear grammar	دستور خطی چپ
left lower derivative	مشتق پایین چپ
left most	منتهی الیه سمت چپ
left multiple	مضرب چپ
left multiples	مضرب های طرف چپ
left multiplication	ضرب از چپ
left noetherian	نوتری چپ

left open interval	فاصله از سمت چپ باز، بازه نیمباز از چپ
left over capacity	ظرفیت باقیمانده ظرفیت مازاد ظرفیت خالی
left quasicontinuity	شبه پیوستگی چپ
left quotient space	فضای خارج قسمت های چپ، فضای هم مجموعه های چپ
left R module	مدول چپ - R
left ring	حلقه چپ
left semihereditary ring	حلقه نیم-موروئی چپ
left shift	تغییر مکان به چپ، انتقال به چپ
left side	سمت چپ
left simplifiable element	عضو ساده شندی از چپ
left singulos vector	بردار منفرد چپ
left subtree	زیردرخت چپ

left successor	تالی چپ
left tangent	مماس چپ
left topology	توپولوژی چپ
left upper derivative	مشتق بالای چپ
left vector space	فضای برداری چپ
leftchild	بچه چپ
lefthand die	قالب چپگرد، حدیده چپگرد
lefthand thread	رزوه چپ پیچ، پیچ چپگرد
lefthand tool	ابزار چپ بر، قلم چپگرد
leftmost branch	سمت چپ ترین شاخه
leftmost derivation	اشتقاق از چپ
left-over capacity	ظرفیت باقی مانده، ظرفیت مازاد ظرفیت خالی

leftward	به چپ
leg	ساق
leg of a triangle	ساق یک مثلث، ضلع یک مثلث
leg size	طول ساق جوش
legacy, field, inheritance, heritage	میراث، ارث ترکه
Legal	قانونی
legal (public) liability	بدهی قانونی (عمومی)
legal authority	اعمال قدرت قانونی، اعمال قدرت بر اساس قانون
legal basis method	روش مبنای قانونی
legal bodies	نهادهای قانونی
legal capital	سرمایه قانونی، سرمایه اسمی
legal competency	صلاحیت قانونی شخص برای ادای شهادت

legal considerations	ملاحظات حقوقی
legal cost	هزینه قانونی، هزینه دادرسی
legal counsel	شورای حقوقی
legal currency, the currency of the country	پول رسمی (رایج) کشور
legal deposit	سپرده قانونی
legal documents	اسناد حقوقی (قانونی)
legal domicile	اقامتگاه قانونی
legal entity	شخص / شخصیت حقوقی
legal entity (or person), artificial person, legal entity	شخص (شخصیت) حقوقی
legal entity of the company	شخصیت حقوقی شرکت
legal fee	حق المشاوره، حق الوکالت
legal fees	

	هزینه های قانونی / مخارج حقوقی
legal form	شکل قانونی
legal formality	تشریفات قانونی
legal format	شکل قانونی
legal inspector's (statutory examiner's) checklist	چک لیست بازرس قانونی
legal inspector's fee	حق الزحمه بازرس قانونی
legal inspectors statutory examiners checklist	چک لیست بازرس قانونی
legal interest	بهره قانونی
legal letter	تاییدیه حقوقی
legal liability	مسئولیت قانونی، بدهی قانونی
legal maximum reserve	حداکثر اندوخته قانونی
legal minimum reserve	حداقل اندوخته قانونی
Legal mortgage	

رهن قانونی	
legal note(s) (H.S.)	
یادداشت قانونی (سیستم هماهنگ شده)	
legal notification	
اظهارنامه (اخطاریه) قانونی	
legal obligation	
تعهد قانونی	
legal office (or department)	
اداره حقوق (قضائی)	
legal representation	
تاییدیه (وکیل / مشاور) حقوقی	
legal representation letter, lawyer's letter	
تاییدیه (وکیل / مشاور) حقوقی	
legal requirements	
الزامات قانونی	
legal reserve	
اندوخته قانونی	
legal reserve account	
حساب اندوخته قانونی	
legal reserve funds	
وجوه اندوخته قانونی	
legal reserve insurance	
بیمه اندوخته قانونی	
legal reserve, required reserve, statutory reserve	

سپردہ قانونی، اندوختہ قانونی	
legal restriction	محدودیت قانونی
legal restrictions	محدودیتہای قانونی
legal right of set-off	حق تہاتر
legal settlement	تسویہ قانونی
legal stage (state)	وضعیت حقوقی
legal status of deceased partner	وضعی حقوقی شریک فوت شدہ
legal status of new partner	وضعیت حقوقی شریک جدید
legal suit	دادخواست قانونی، تعقیب قضایی
legal title	مالکیت قانونی
legal transfer	نقل و انتقال رسمی اوراق بہادر
legal validity	اعتبار قانونی
legal validity of shares	

اعتبار قانونی سهام
legalize
مجاز کرن، قانونی کردن
Legendre associated differential equation
معادله دیفرانسیل وابسته لژاندر
legendre coefficient
ضریب لژاندر
legendre differential equation
معادله دیفرانسیل لژاندر
legendre functions
تابع های لژاندر
legendre polynomial
چندجمله ای لژاندر
legendre polynomials
چندجمله ای های لژاندر
legendre symbol
علامت لژاندر
legendre's differential equation
معادله دیفرانسیل لژاندر
legendre's method
روش لژاندر
legendre's polynomials
چندجمله ای های لژاندر
legislate

legitimate expense for tax	قانون گذراندن
legitimate method of costing	هزینه مشروع (مجاز) برای مالیات
legitimate variable	روش معقول (مشروع) هزینه یابی
legitimate variables	متغیر قانونی
leibnitz's formula	رابطه لیبنیتز، دستور لایب نیتس
leibnitz's rule	دستور لیبنیتس، دستور لایب نیتس
leibnitz's series	سری لایب نیتز
leibniz formula	فرمول لایبنیتس
Leibniz test	آزمون لایبنیتز
leibniz test for convergence	آزمون همگرایی لایب نیتز
leibniz's theorem or formula	قضیه یا فرمول لایب نیتز
lemma	

	لم
lemniscate	
	لمنیسکات
lemniscate of bernoulli	
	خم پروانه برنولی
Lend	
	قرض دادن- وام دادن
lender	
	قرض دهنده وام دهنده
lending at a premium	
	کارمزد مربوط به قرض دادن سهام
lending at a rate	
	نرخ بهره سهام استقراری
Lending decisions	
	تصمیمات مربوط به اعطای وام
Lending fund	
	سرمایه سپرده شده در بانک یا موسسه اعتباری
lending institutions	
	مؤسسات اعطاکننده تسهیلات مالی مؤسسات وام دهنده
Lending limit	
	حدود وام گیری
length	
	درازای
length of a curve	

طول یک منحنی	length of a line segment
طول یک پاره خط	length of a rectangle
طول یک مستطیل	length of a vector
طول یک بردار، نرم بردار، طول بردار	length of confidence interval
طول فاصله اعتماد	length of service
سابقه خدمت، سنوات خدمت	length of stroke
طول حرکت رنده، طول کورس	length of vector
طول بردار	length sum
مجموع طول	lengthen
دراز کردن	lengthways
طولی، در امتداد طول	lengthwise
طولی، در امتداد طول	lengthy

	طویل
lens	
	ذره بین، عدسی، لنز
lenticular	
	ذره بین، عدسی وار
leontief input output model	
	مدل های ورودی-خروجی لئون تیف
lepto kurtic	
	منحنی بلند
less	
	کمتر
Less Developed Countries	
	کشورهای کمتر توسعه یافته
less than	
	کمتر از
less than ...	
	... کمتر از ...
less than container load (LCL)	
	کمتر از ظرفیت کانتینر
less than expected	
	کمتر از حد مورد انتظار
less than or equal	
	کمتر یا مساوی
less than or equal to	

کوچکتر مساوی	
less the few that may	
کمتر ممکن است	
lessee	
مستأجر اجاره کننده	
lessee, tenant	
مستاجر، اجاره کننده	
lessee's borrowing rate	
نرخ استقراض برای اجاره کننده	
lessee's implicit interest rate	
نرخ ضمنی سود تضمین شده برای اجاره کننده	
lessee's incremental borrowing rate	
نرخ فرضی استقراض برای اجاره کننده	
lessen	
کم کردن	
lessor	
موجر اجاره دهنده	
lessor accounting	
حسابداری اجاره توسط اجاره دهنده (موجر)	
let	
اگر، هرگاه، فرض کردن، گرفتن، گذاردن، اگر، فرض کنید، قراردادادن	
Letter	
نامه	

letter dispatched book	دفتر نامه های صادره
Letter of advice	برگه اعلامیه
letter of agreement, agreement, consent letter, letter of consent	موافقت نامه سرمایه گذاری
letter of allotment	تسهیم نامه (صورت یا برگ تسهیم)
letter of application	تقاضای استخدام
letter of authorization	وکالتنامه
letter of awareness	اخطاریه
letter of commitment, warranty, written undertaking	تعهدنامه
Letter of Credit	اعتبار نامه- اعتبار اسنادی
letter of credit (documentary credit)	اعتبار اسنادی، اعتبار نامه بانکی
letter of credit (lc)	اعتبار اسنادی

Letter of credit opening	اطلاعیه گشایش اعتبار
letter of declaration	اظهارنامه
Letter of deposit	برگه سپرده
letter of engagement	قرارداد حسابرسی
letter of guarantee issue cost	هزینه صدور ضمانت نامه
Letter of guaranty	ضمانت نامه
Letter of indemnity	غرامت نامه
letter of recommendation, representation by management	تاییدیه مدیران
letter of representation	تاییدیه مدیران
letter of representation, representation letter	نامه تأیید صحت اطلاعات توسط مدیران (تاییدیه مدیریت)
letter of understanding	یادداشت تفاهم
Letter of undertaking	

	تعهدنامه
letter of violation	
	تخلفنامه
letters patent	
	اسم ثبت شده (نام شرکت یا کالا که به ثبت می رسد) امتیازنامه، گواهی اختراع
Level – line repayment	
	بازپرداخت به اقساط مساوی
level	
	سطح، تراز، تراز کردن، مسطح، همسطحی، مرحله، ارتفاع، رتبه، مسطح کردن
level curve	
	منحنی تراز
level curves	
	خم های تراز، خط های تراز
level line	
	منحنی تراز، خط تراز
level lines	
	خم های تراز، خط های تراز
level number	
	عدد سطح، شماره سطح
level of a factor	
	سطح یک عامل
level of a test	

تراز یک آزمون	
level of activity	سطح فعالیت
level of aggregation	سطح / میزان تجميع
Level of analysis	سطح تحليل
level of attainment	سطح فعالیت
level of confidence	سطح اطمینان، سطح اعتماد
level of employment	سطح اشتغال، میزان اشتغال
level of error	سطح اشتباه
level of risk	سطح خطر
level of significance	سطح تشخیص، سطح معنادار بودن، سطح معنی دار بودن
level surface	رویه تراز، سطح تراز، سطح افق
levelled reference polynomial	چندجمله ای مرجع تراز شده
levelling	

تراز، تراز کردن
levelling pad
لایی تراز
levels of market efficiency
سطوح کارایی بازار
lever
دسته، اهرم، میله، اهرم دستی
leverage
اهرم، اهرمی (عمل کردن)
Leverage Buyout
خرید اهرمی
leverage lease
خرید به منظر اجاره
leverage ratio, gearing ratio
نسبت اهرمی
leverage ratios
نسبت های اهرمی
leveraged buyout (LBO)
خرید اهرمی، تصاحب از طریق استقراض
leveraged company
شرکت با بدهی
leveraged lease
اجاره بلندمدت اهرمی
leveraged stock

سهام خریداری شده از طریق وام
levi's converse theorem
قضیه معکوس لوی
levi's direct theorem
قضیه مستقیم لوی
Levy
جمع آوری
levy assessment
عوارض دولتی (شهرداری)، عوارض ارزیابی مالیات
lexical analysis
تحلیل لغوی
lexico length order
ترتیب طول لغت و الفبایی
lexicographic
قاموسی، فرهنگ لغتی، ترتیب الفبایی
lexicographic cycling prevention rule
قاعده ممانعت از دوری الفبایی
lexicographic linear ordering
ترتیب خطی الفبایی
lexicographic order
ترتیب حروف الفبا
lexicographic ordering
ترتیب الفبایی، ترتیب فرهنگ لغتی، ترتیب قاموسی
lexicographical order

ترتیب الفبایی، ترتیب فرهنگ لغتی، ترتیب قاموسی
lexicographically
به صورت الفبایی
lexicographically nonnegative vector
بردار به طور الفبایی نامنفی
lexicographically positive vector
بردار به طور الفبایی مثبت
lexicography
به صورت الفبایی
liabilities
بدهیها
Liability
بدهی- تعهد- مسئولیت- قابلیت پرداخت
liability (scrip) dividends payable
بدهی سود سهام پرداختنی
liability certificate, certificate of debt
گواهی (تاییدیه) بدهی
liability coverage, liability payable
مبلغ قابل پرداخت بدهی
liability for endorsement
بدهی حاصل از ظهرنویسی، بدهی احتمالی
liability ledger
دفتر تعهدات (بدهی ها)
Liability management

مدیریت بدهی	liability method
روش بدهی	liability of auditors
مسئولیت (تعهد) حساب‌رسان	Liability on bills of exchange
تعهد بروات ارزی	liability representation
تاییدیه بدهی‌ها	liability reserve; accrued liability
بدهی تعلق گرفته و پرداخت نشده	liability scrip dividends payable
بدهی سود سهام پرداختی	liability sheet
ورقه (صورت) بدهی	liability to group companies
بدهی به شرکت‌های عضو گروه	liability to parent company
بدهی به شرکت مادر، اصلی	liability to subsidiaries
بدهی به شرکت‌های فرعی	liability, debt, due
بدهی، تعهد، الزام، دین	Liable

	بدهکار - مدیون - مقروض
liable for damages	
	مسئول خسارت
liable for payment	
	مسئول پرداخت
liable for payment of debts	
	مسئول پرداخت بدهی ها
liable to pay duty, dutiable	
	مشمول پرداخت حقوق گمرکی
liable to tax, taxable, retable	
	مشمول مالیات
liberate	
	آزاد کردن
Libra	
	علامت اختصاری پوند، واحد وزن معادل ۴۵۳/۷ گرم
librarian	
	بایگان، کتابدار
librarian system	
	سیستم بایگانی
library functions	
	توابع کتابخانه ای
Licence	
	مجوز
License	

	گواهی- لیسانس- حق امتیاز
license, royalty	
	حق الامتیاز، حق التالیف، اجازه نامه
licensed public accountant	
	حسابدار رسمی دارای مجوز کار
licensing agreement	
	موافقت برای بهره برداری
lid	
	سرپوش، قاب، درپوش، درب
lie	
	قراردادن، قرار داشتن
lie algebra	
	جبر لی
lie bracket	
	کروشه لی
Lie derivative	
	مشتق لی
lie group	
	گروه لی
lie product	
	ضرب لی
lie transformation group	
	گروه تبدیل های لی
lien	

حق تصرف وثیقه حق وصول طلب
lien on shares
حق تصرف سهام
life annuity
مستمری (قسط) مادام العمر
life annuity installments
مستمری قسط السنین
life assurance
بیمه عمر
life cycle
دوره حیات چرخه عمر
life cycle budgeting
بودجه بندی بر مبنای چرخه عمر محصول
life cycle cost management
مدیریت هزینه چرخه عمر (دوره حیات) محصول
life cycle costing
هزینه یابی چرخه عمر محصول
life cycle costs
هزینه های چرخه عمر محصول
life expectancy
طول عمر، میانگین عمر، عمر انتظاری
life insurance
بیمه عمر
Life insurance companies

	شرکت های بیمه عمر
Life interest	
	بهره بیمه عمر
life of machine	
	عمر ماشین
life periods method	
	روش مجموع سنوات
life table	
	جدول طول عمر
life table of asset	
	جدول عمر قابل استفاده دارایی
life tenant	
	مالکیت مادام العمر
life testing	
	آزمایش طول عمر، آزمون کردن طول عمر
Life Time	
	طول عمر
Life-long annuity	
	مقرری سالانه مادام العمر
lifetime	
	درازای زندگی
LIFO	
	اولین صادره از آخرین وارده
lifo costing	

هزینه یابی به روش اولین صادره از آخرین وارده
lifo liquidation
تصفیه لایفو
lifo valuation allowance
ذخیره اولین صادره از آخرین وارده/ لایفو ارزشیابی
lift
بالا بردن، بلند کردن، خیز
lift time
عمر، عمر میانگین، عمر متوسط
Light
سبک- روشن- نور
light and heating expense
هزینه روشنایی و حرارت
light pen
قلم مغناطیسی، قلم نوری
light taxation
مالیات بندی سبک ، اخذ مالیات کم
light year
سال نوری
lighterage
هزینه بارگیری و باراندازی از کشتی توسط دوبه
lightly coated electrode
الکتروود با روپوش نازک
like

	مساوی، برابر، متساوی، مثل، مشابه
likelihood	درست‌نمایی
likelihood function	تابع درست‌نمایی، تابع بخت
likelihood function of sample	تابع درست‌نمایی نمونه
likelihood of sample	درست‌نمایی نمونه
likelihood probability	احتمال درست‌نمایی
likelihood ratio	نسبت درست‌نمایی
likelihood ratio statistic	آمار نسبت درست‌نمایی
likelihood ratio test	آزمون نسبت درست‌نمایی
likely	متشابه، محتمل، مناسب، شبیه، شایسته
likely error	خطای احتمالی اشتباه محتمل
likely errors in the financial statements	اشتباهات احتمالی در صورت‌های مالی
liken	

	تشبیه کردن
likewise	
	به طور مشابه، هم، نیز، به همین ترتیب، همین طور
limaçon	
	منحنی حلزونی، حلزونی
limaçon of pascal	
	حلزونی پاسکال، خم حلزونی پاسکال
limb	
	عضو
lime stone	
	سنگ آهک، آهک خام
Limit	
	حد - سقف
limit at infinity	
	حد در بینهایت
limit comparison	
	مقایسه حد
limit comparison test	
	آزمون مقایسه حدی، آزمون مقایسه ای حدی
limit distribution of sum of random variables	
	توزیع حدی حاصل جمع کمیت های تصادفی
limit function	
	تابع حد
limit gauge	

اندازه گیر حدی، شابلون حدی

limit inferior

حد اسفل

limit law

قانون حدی

limit of a function

حد یک تابع، حد تابع

limit of a net

حد تور

limit of a sequence

حد دنباله

limit of a variable

حد یک متغیر

limit of frequency

حد فراوانی

limit of function

حد تابع

limit of integration

حدود انتگرالگیری

limit of summation

حد جمعبندی

limit of the right of a function

حد راست تابع

limit on the left of a function

حد چپ تابع	
limit on the right of a function	
حد راست تابع	
limit order	
سفارش محدود	
limit order book	
دفتر سفارشات محدود	
limit point	
نقطه حدی	
limit price	
قیمت محدود	
limit superior	
حد بالا، حد اعلا، حد زبرین	
limit theorems	
قضایای حدی، قضیه های حدی	
limit theorems of characteristic function	
قضایای حدی تابع مشخصه	
limit value	
مقدار حد، مقدار حدی	
Limitation	
محدودیت	
limitation of action, limitation period	
مرور زمان	
limitation of ratio analysis	

محدودیت‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی

limitation on scope

محدودیت در دامنه رسیدگی

limitation period

دوره محدودیت

limited

محدود

limited assurance

اطمینان محدود

limited assurance, negative assurance

اطمینان محدود (نسبی)

limited audit

حسابرسی محدود

Limited cheque

چک محدود

limited company

شرکت با مسئولیت محدود

limited dividend company

شرکت با سود سهام محدود

limited function

تابع حد

limited inferior

حد پایین، حد اسفل

limited integrator

انتگرال گیر محدود	
limited liability	
	مسئولیت محدود
limited liability company	
	شرکت با مسئولیت محدود
limited liability company, limited company	
	شرکت با مسئولیت محدود
limited liability partnership (LLP)	
	شرکت تضامنی با مسئولیت محدود
limited life	
	عمر محدود
limited life expectancy	
	اندازه گیری حدی، شابلون حدی
limited open end mortgage bond	
	اوراق قرضه با رهن محدود
Limited order	
	دستور محدود
limited partner	
	شریک با مسئولیت محدود
limited partnership	
	شرکت تضامنی مختلط، مشارک مختلط، مشارکت محدود
limited partnership with shares	
	شرکت مختلط سهامی
Limited Power Of Attorney	

اختیار محدود وکیل	
limited power of attorney (LPOA)	
وکالت محدود	
limited recourse financing	
وام با تضمین خاص	
limited resource allocation	
تخصیص منابع محدود	
limited trading authority	
وکالت جهت انجام دادن معامله	
limiting	
حدی، سامانی	
limiting behavior	
رفتار حدی	
limiting distribution	
توزیع حدی	
limiting factor (principal budget factor)	
عامل محدود کننده	
limiting frequency	
بسامد حدی	
limiting hypersphere	
ابر کره حدی	
limiting parallel	
موازی حدی	
limiting probabilities	

	احتمالات حدی
limiting process	روش حدی
limiting quality	کیفیت حدی
limiting value	مقدار حدی، حد، مرز
limiting velocity	سرعت حدی
limitless	نامحدود، بی حد
limits	محدوده
limits of class	حدود دسته
limits of confidence	حدود اطمینان
limits of integration	حدود انتگرال گیری، حد های انتگرال گیری
limits of supervision	حدود نظارت
lindberg and levi's value theorem	قضیه حدی لیندبرگ و لوی
lindberg's condition	

	شرط لیندبرگ
Lindelof space	
	فضای لیندلوف
lindelof theorem	
	قضیه لیندلوف
Line	
	خط
line and staff	
	صف و ستاد
line and staff organization	
	سازمان صف و ستاد
line and staff relations	
	روابط صفی و ستادی
line and staff responsibility	
	مسئولیت صفی و ستادی
line at infinity	
	خط بی نهایت، خط در بینهایت، خط ایده آل
line authority	
	اختیار صفی، قدرت صفی
line belonging to set	
	خط متعلق به مجموعه
line bundle	
	کلاف خطی
line by line	

سطر به سطر	
line concentrator	
متمرکز کننده خطی	
line deagram	
نمودار خطی	
line departments	
ادارات صفی	
line employee	
کارمند صفی	
line feed	
تعویض سطر	
line graph	
گراف یالی	
line inspection	
بازرسی در خط	
line integral	
انتگرال خط	
line intergral	
انتگرال روی خط	
line joining p and q	
خط واسط p و q	
line management	
مدیریت صفی	
line managers	

	مدیران صفی
line of balance	خط تعادل
line of best fit	خط بهترین برازش
line of centers	خط المرکزین، خط دو مرکز
line of contact	خط تماس
line of credit	حد اعتبار
line of curvature	خط خمیدگی، خم انحناء
line of enclosure	خط انسداد
line of product	خط تولید
line of regression	خط برگشت
line of sight	خط دید
line of symmetry	خط تقارن
line of upsides	

خط رئوس، محور اطول مسیر	
line organization	سازمان صف
line position	پست / جایگاه صفی
line printer	چاپ خطی
line production	تولید زنجیری
line responsibility	مسولیت صفی
line segment	پاره خط، قطعه خط، تکه خط
line supervisor	سرپرست صف
line symmetry	تقارن محوری
line up	همترازی، به صف در آمدن، قطار شدن
line vector	بردار سطر، بردار خط
line with the greatest slope	منحنی بزرگترین شیب، خط بزرگترین شیب
line x line	

خط اندر خط زدن	
linear	خطی
linear algebra	جبر خطی
linear algebraic equation	معادله جبری خطی
linear algebraic group	گروه جبری خطی
linear application	کاربرد خطی
linear array	آرایه خطی
linear bounded automata	ماشین خودکار خطی کراندار
linear code	کد خطی
linear combination	ترکیب خطی
linear composition	ترکیب خطی
linear composition of vector	ترکیب خطی بردار
linear congruence	

هم ارزی خطی، همبستگی خطی
linear congruence equation
معادله خطی همبستگی
linear convergence
همگرایی خطی
linear correlation
همبستگی خطی
linear cost function
تابع هزینه خطی
linear demand
تقاضای خطی
linear density
چگالی خطی
linear dependence
ارتباط خطی، بستگی خطی، وابستگی خطی
linear dependent
مستقل خطی
linear dependent vector
بردار وابسته خطی
linear depreciation
استهلاک خطی
linear differential
دیفرانسیل خطی
linear differential equation

معادله دیفرانسیل خطی	linear differential equation of order n
معادله دیفرانسیل خطی از مرتبه n	
linear displacement	جابجائی خطی
linear element	عنصر خطی
linear equation	معادله خطی
linear equation or expression	معادله یا عبارت خطی
linear equations	معادلات خطی
linear estimate	برآورد خطی
linear estimator	برآوردکننده خطی
linear expression	بسط خطی، عبارت خطی
linear estimator	برآوردکننده خطی
linear factor	عامل خطی، سازه خطی
linear first order difference equations	

	معادلات تفاضلی مرتبه اول خطی
linear form	
	صورت خطی
linear fractional	
	خطی کسری
linear fractional transformation	
	تبدیل کسری خطی، تبدیل موبیوس
linear function	
	تابع خطی
linear functional	
	تابع خطی
linear genus	
	گونای خطی
linear group	
	گروه خطی
linear growth	
	رشد خطی
linear homogeneous equation	
	معادله همگن خطی
linear homotopy	
	همجایی خطی
linear independence	
	استقلال خطی، ناوابستگی خطی
linear independence of a vector	

linear inequalities	استقلال خطی بردار
linear integral equation	نامعادلات خطی، نابرابری های خطی
linear interpolation	معادله انتگرالی خطی
linear least squares fit	برازش کمترین مربعات خطی
linear mapping	نگاشت خطی، گسترش خطی، تحویل خطی
linear measure	مقیاس طول
linear model	مدل خطی
linear momentum	اندازه حرکت خطی
linear motion	حرکت خطی
linear multistep method	روش چندگامی خطی
linear network	شبکه خطی
linear number	

	عدد خطی
linear operator	
	عامل خطی، عملگر خطی
linear optimization	
	اپتیمم سازی خطی
linear order	
	ترتیب خطی
linear ordering	
	ترتیب خطی
linear ordering relation	
	رابطه ترتیب خطی، نسبت ترتیب خطی
linear part	
	قسمت خطی
linear polynomial	
	چندجمله ای خطی
linear primal	
	اولیه خطی
linear programming	
	برنامه ریزی / برنامه نویسی خطی
linear programming problem	
	مسأله برنامه ریزی خطی
linear property	
	خاصیت خطی
linear regression	

linear relation	رگرسیون خطی
linear relationship	رابطه خطی
linear search	ارتباط خطی
linear sorted array	جستجوی خطی
linear space	آرایه مرتب شده خطی
linear space of functions	فضای خطی، فضای برداری
linear span	فضای خطی توابع
linear statistics	پیمای خطی
linear structural equation system	آمار خطی
linear subspace	دستگاه معادله های خطی ساختار
linear system	زیر فضای خطی
linear term	دستگاه خطی

linear topological space	فضای خطی توپولوژیک، فضای برداری توپولوژیک
linear topology	توپولوژی خطی
linear transformation	تبدیل خطی
linear trend	روند خطی
linear variety	چند گونای خطی
linear velocity	سرعت خطی
linear-cut approach	روش کاهش خطی
linearisation	خطی سازی
linearity	رابطه خطی
linearity property	خاصیت خطی بودن، خاصیت خطی
linearity with respect to the integrand	خطی بودن نسبت به تابع زیر انتگرال، خطی بودن نسبت به عبارت زیر انتگرال

linearization	خطی سازی
linearizing	خطی کردن، خطی کننده
linearizing transformation	تبدیل کننده خطی
linearly	خطی
linearly dependant	وابسته خطی
linearly dependence	وابستگی خطی
linearly dependent	وابسته خطی، دارای وابستگی خطی
linearly dependent elements	عناصر های خطی وابسته
linearly dependent vectors	بردار هایی با وابستگی خطی
linearly describing	بیان خطی
linearly disjoint fields	هیات های خطی-مجزا
linearly estimable parameter	پارامتر خطی برآوردپذیر

linearly independant	مستقل خطی
linearly independence	استقلال خطی
linearly independent	دارای استقلال خطی، مستقل خطی، به طور خطی مستقل
linearly independent elements	عناصر های خطی-مستقل
linearly independent quantities	کمیت های مستقل خطی
linearly independent set	مجموعه مستقل خطی
linearly independent vector	بردار مستقل خطی
linearly independent vectors	بردار های مستقل خطی
linearly ordered	خطی مرتب، مرتب خطی، مرتب به ترتیب خطی، مرتب شدن به صورت خطی
linearly ordered set	مجموعه مرتب خطی، مجموعه مرتب به ترتیب خطی
linearly ordered subset	زیرمجموعه مرتب خطی
linearly subspace	

	زیرفضای خطی
lineation	
	ترتیب روی خط و یا خط گذاری
line-by-line consolidation	
	تلفیق سطر به سطر
liner trade	
	کشتیرانی منظم تجاری
linearly independent vectors	
	بردار های مستقل خطی
lines not situated in the sameplane	
	خطوط متنافر
lines of a graph	
	یال های گراف، خط های گراف
lines of flow	
	خطوط جریان
lines of force	
	خطوط قوا
lines of intersection	
	فصل های مشترک
lining	
	کفی، لنت ترمز، لنت
Link	
	وصل کردن- پیوند دادن
link polygon	

چندضلعی پیوندی
link representation
نمایش پیوندی
linkage
پیوند، مفصل، ترکیبی از مفصل ها، اتصال، رابطه، ارتباط، به هم پیوستگی، پیوند، الحاق
linked list
لیست پیوندی
linked representation
نمایش پیوندی
linking
زنجیره ای، اتصال
linking coefficient
ضریب پیوند
linking number
عدد زنجیره ای
liouville's theorem
قضیه لیوویل
lip
لبه، کناره، لب
lip pouring
لبریزی
lipschitz condition
شرط لیپ شیتس، شرط لیپ شیتز

lipschitz equivalence	هم ارزی لیپ شیتسی
lipschitz function	تابع لیپ شیتسی
lipschitz functions	توابع لیپ شیتز
lipschitz mapping	نگاشت لیپ شیتسی، نگاشت لیپ شیتز
Liquid	تغذیه
liquid asset	دارایی پول شدنی، دارایی سیال
liquid assets	داراییهایی که قدرت نقدینگی بالایی دارند داراییهای سیال
Liquid funds	منابع نقد
liquidate	تسویه کردن، واریز کردن، نقد کردن
liquidate a company	شرکتی را بر چیدن، منحل کردن شرکت، انحلال شرکت
liquidated asset	دارایی نقد شده
liquidated damages	خسارات نقدی

Liquidated debt	بدهی نقدشو
liquidating a partnership	انحلال شرکت تضامنی
liquidating value	ارزش نقدینگی
liquidation	انحلال
liquidation (winding-up)	انحلال، تسویه، تسویه کردن دارایی ها
liquidation costs	هزینه های تسویه
liquidation dividend	سود سهام انحلال
liquidation dividend profit (earning) guaranteed, guaranteed profit	سود تسویه
liquidation due to bankruptcy	انحلال به دلیل ورشکستگی
liquidation expense	هزینه تسویه
liquidation in installments	انحلال تدریجی
liquidation of a company	

liquidation proceedings	تصفیه یک شرکت
liquidation value	اقدامات تسویه
liquidation value of assets	ارزش تسویه، ارزش انحلال (ارزش برچیدگی)
liquidator	ارزش برچیدگی دارایی ها
liquidator, trustee in bankruptcy, equity receiver	مدیر امور تصفیه مدیر انحلال
liquidity	مدیر تصفیه
liquidity management	نقدینگی / قدرت نقدشوندگی
liquidity of a bank	مدیریت بر نقدینگی
liquidity of accounts	نقدینگی یک بانک
liquidity of assets	به نقد تبدیل کردن حساب ها
liquidity of papers	قابلیت نقدینگی دارائیهها
Liquidity preference	قابلیت نقدینگی اوراق و اسناد

	رجحان نقدینگی
liquidity preference premium theory	
	تئوری (صرف) رجحان نقدینگی
liquidity premium	
	صرف نقدینگی
liquidity ratio	
	نسبت نقدینگی
liquidity ratio (acid-test ratio; quick ratio)	
	نسبت سریع، نسبت آبی، نسبت های نقدینگی
liquidity ratios	
	نسبتهای نقدینگی
Liquidity trap	
	وام نقدینگی
liquidus	
	خط ذوب
List	
	لیست- فهرست
list of accounts payable	
	صورت حساب های پرداختنی (بدهی ها)
list of accounts receivable	
	صورت حساب های دریافتنی (طلب ها)
list of accounts, chart of accounts, accounting manual	
	فهرست حساب ها

list of assets	صورت دارایی ها
list of duties	فهرست وظایف، شرح وظایف
list of liabilities (debts)	صورت بدهی ها
list of prices	فهرست قیمتها
list price, catalog price	قیمت مندرج در لیست، قیمت معین
list sample	نمونه فهرستی
list structures	ساختار های فهرستی
listed company	شرکت پذیرفته شده در بازار بورس
listed security	اوراق بهادار / سهم (شرکت) پذیرفته شده در بورس
listed shares	سهام پذیرفته شده (در بورس)
listing	صورت، صورت برداری، فهرست کردن
listing of non cash investment and financing activities	

فهرست فعالیتهای سرمایه گذاری و تأمین مالی غیرنقدی	
listing of non-cash investment and financing activities	
فهرست فعالیت های سرمایه گذاری و تأمین مالی غیر نقدی	
listing particulars	
مشخصات شرکت متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار	
lit	
	وصل
liter	
	لیتر، واحد حجم
literal	
	حرفی، به صورت حرفی، حرف، کلمه
literal coefficients	
	ضرائب حرفی
literal constant	
	ثابت حرفی
literal equation	
	معادله حرفی
literal expression	
	عبارت حرفی
literal notation	
	نمادگذاری حرفی
literal numbers	
	ارقام حرفی

literature review	بررسی ادبیات موضوعی
litigate	دادخواهی کردن، اقامه دعوا کردن
litigation	دعوی قضائی، دعوی حقوقی تحقیق قانونی، دعاوی مطروحه، دادخواهی
litigation support	پشتیبانی، یا پشتوانه دادخواست
litotes	اثبات گزاره ای از راه نفی نقیض آن
little's result	فرمول های لیتل، استنتاج لیتل
lituus	چنگک
live roll conveyor	نقاله غلتکی با نیروی محرکه
Live -Run	فعالیت زنده- مستقیم
living wage, minimum wage	حداقل مزد
Load	بار
load fund	

صندوق سرمایه گذاری با هزینه کارمزد
load point
نقطه بهره برداری، نقطه بارگیری
load sensitivity
حساسیت بار
load sharing
تقسیم بار
load, burden
بار، محموله
loadable, executable, feasible
قابل اجرا
Loading
بارگیری
loading charge
هزینه بارگیری
loading for contingencies
اضافه کارمزد هزینه های احتمالی حق بیمه
loading in branch inventory
سود تحقیق نیافته موجودی کالای شعبه
loading participation in profit
هزینه مشترک در سود
loading space
فضای قابل بارگیری
loading the goods on ship

	بارگیری کالا در کشتی
loan	
	قرض دادن، وام دادن، امانت دادن، وام
loan (at) with interest	
	وام بهره دار
Loan account	
	حساب وام
Loan against a promissory note	
	وام در مقابل سفته
Loan against piedad	
	وام در مقابل وثیقه
loan agreement	
	قرارداد وام
loan amortization schedule	
	جدول استهلاك وام
loan at call	
	وام دیداری، وام عندالمطالبه
loan at notice	
	وام غیر دیداری
Loan bank	
	بانک استقراضی
loan cap	
	سقف وام
Loan capital	

	سرمایه استقراری
Loan certificate	
	گواهی وام
loan charges	
	هزینه های وام (اخذ و استفاده وام)
loan collateral	
	تضمین وام، وثایق وام
loan commission	
	حق کمیسیون وام
Loan contract	
	قرارداد وام
loan fee	
	حق الزحمه وام
loan from partners	
	وام دریافتی از شرکاء
loan guarantee scheme	
	طرح تضمین وام
loan holder	
	وام دهنده
loan impairments	
	کاهش ارزش وام زیان دهی وام
loan interest, interest on loan	
	بهره وام
loan on deeds	

وام تعهدی، وام با سند کتبی	
loan on deposit	
اعطای وام به وثیقه سپرده	
loan on notes	
وام در مقابل اسناد تجاری (سفته)	
loan on overdraft	
وام اضافه برداشت	
loan on stocks	
وام (قرض) در مقابل سهام	
loan on trust	
وام شرافتی	
Loan opplication	
تقاضای وام	
Loan portfolio	
پرتفوی وام	
loan position	
وضعیت وام	
loan position statement	
صورت وضعیت وام	
loan receivable	
وام دریافتی	
loan repayment factor	
فاکتور بازپرداخت وام	
loan statement	

	صورت حساب وام
loan stock	
	سهام قرضه، سهام وام سرمایه
loan to capital ratio, capital structure ratio, debt-equity ratio	
	نسبت وام به سرمایه
loan to equity ratio	
	نسبت وام به حقوق صاحبان سهام
loan to partners	
	وام پرداختی به شرکاء
loan value	
	ارزش وام
loanable funds	
	وجوه قابل استقراض، وجوه وام دادنی
loaned	
	وام گیرنده
loaned flat	
	وام بدون بهره
loanee	
	وام گیرنده
loans receivable	
	وامهای دریافتی
loans to employees	
	وام پرداختی به کارکنان

lobe	نیم موج، حلقه، نیم دوره تناوب
local	موضعی، محلی، گله
Local Area Network	شبکه محلی
local base	پایه موضعی
local basis	پایه موضعی
local behaviour	رفتار موضعی
Local bill	برات محلی
local compactness	فشرده‌گی موضعی
local concept	مفهوم موضعی
local constrained extremum	اکسترمم مقید موضعی
local coordinate system	دستگاه مختصات موضعی
local currency	ارز محلی / داخلی، واحد پول محلی

local decentralization	عدم تمرکز محلی
local error	خطای محلی، خطای موضعی
local extremum	اکسترمم نسبی، اکسترمم موضعی
local homomorphism	همریختی موضعی
local hornomorphism	همریختی موضعی
local inverse	معکوس موضعی
local inverse function	تابع معکوسی موضعی
local isomorphism	یکریختی موضعی
local jig	جیگ موضعی
local limit theorem	قضیه حد موضعی، قضیه حدی مکانی، قضیه حد محلی
local maximum	ماکزیمم نسبی، ماکزیمم موضعی
local maximum modulus principle	اصل کالبد ماکزیمم موضعی

local minimum	مینیمم موضعی
local operating system	سیستم عامل موجود
local parameter	پارامتر موضعی
local property	خاصیت موضعی
local purchase	خرید داخلی (محلی)
local rate	نرخ داخلی
local ring	حلقه موضعی
local safe keeping (LSK)	اوراق بهادار متعلق به مشتری
local sale	فروش داخلی
Local Sales	فروش داخلی
local stability	پایداری موضعی
local strict maximum	ماکزیمم اکید موضعی

local strict minimum	مینیمم اکید موضعی
local time	زمان موضعی
local truncation error	خطای برش موضعی
local uniformizing variable	متغیر یکسان کننده موضعی
localization	موضعی سازی
localization theorem	قضیه موضعی سازی
localized heat treatment	عملیات حرارتی موضعی
locally	به طور موضعی، گله ای، موضعا
locally arcwise connected space	فضای موضعا قوسی همبند
locally closed subset	زیر مجموعه موضعا بسته
locally compact	فشرده موضعی
locally compact group	گروه موضعا فشرده

locally compact space	فضای موضعا فشرده
locally connected	همبندی موضعی
locally connected space	فضای موضعا همبند
locally connected topological space	فضای توپولوژیک موضعا همبند
locally constant	موضعا ثابت، ثابت موضعی
locally contractible space	فضای فرشه موضعا انقباض پذیر
locally convex frechet space	فضای فرشه موضعا محدب
locally euclidean group	گروه موضعا اقلیدسی
locally finite algebra	جبر موضعا متناهی
locally homogeneous space	فضای موضعا همگن
locally one to one	یک به یک موضعی
locally one to one mapping	نگاشت یک به یک موضعی

locally trivial fiber space	فضای تار ی موضعا بدیهی
locate	محل چیزی را تعیین کردن، مستقر کردن، تعیین محل کردن، معلوم کردن
locating errors	تعیین محل خطا ها
locating pin	پین تعیین موقعیت، پین استقرار
locating roots	تعیین محل ریشه ها
Location	مکان- موقعیت مکانی
location parameter	پارامتر مکان
location scale parameter	پارامتر مکان مقیاسی
Location Transfer In	مکان حمل (مکان رسید کالا)
Location Transfer Out	مکان حمل به بیرون
Location Wise	بر طبق مکان
locator	

	موضع دهنده، موقعیت دهنده
lock gate	
	دریچه آب بند
Lock up capital	
	تبدیل سرمایه به دارایی ثابت
locked in costs	
	هزینه های تعهد شده/ ثابت
locked market	
	بازار راکد
lock-in capital, loan capital, debt capital	
	سرمایه وامی، سرمایه حبس شده
locus	
	مکان هندسی
locus of the equation	
	مکان هندسی یک معادله، مکان هندسی معادله، نمودار معادله
locus regit actum	
	اسناد تابع قوانین محل صدور
log	
	ثابت روزانه، جدول، جدول کارنما، نمودار گرفتن، نمودار
logarithm	
	لگاریتم
logarithm function	
	تابع لگاریتمی، تابع لگاریتم
logarithm integral	

logarithm of a complex number	انتگرال لگاریتمی
logarithm to the base a	لگاریتم یک عدد مختلط
logarithm to the base e	لگاریتم در مبنای a
logarithmic	لگاریتم در پایه e
logarithmic capacity	لگاریتمی
logarithmic convex function	گنجایش لگاریتمی
logarithmic curve	تابع محدب لگاریتمی
logarithmic decrement	منحنی لگاریتمی، خم لگاریتم
logarithmic derivative	کاهش لگاریتمی
logarithmic derivative of a function	مشتق لگاریتمی
logarithmic differential	مشتق لگاریتمی یک تابع
logarithmic differentiation	دیفرانسیل لگاریتمی

	مشتقگیری لگاریتمی
logarithmic equation	
	معادله لگاریتمی
logarithmic function	
	تابع لگاریتمی، تابع لگاریتم
logarithmic integral	
	انتگرال لگاریتمی
logarithmic intergral	
	انتگرال لگاریتمی
logarithmic laws	
	قانون های لگاریتمی
logarithmic normal law	
	قانون نرمال لگاریتمی
logarithmic scale	
	مقیاس لگاریتمی
logarithmic series	
	سری لگاریتمی، رشته لگاریتمی
logarithmic singularity	
	تکینی لگاریتمی
logarithmic spiral	
	مارپیچ لگاریتمی، مارپیچ برنولی
logarithmic systems	
	دستگاه های لگاریتمی
logarithmic table	

جدول لگاریتمی	
logarithmic transformation	
تبدیل لگاریتمی	
logic	
منطق	
logic add	
جمع منطقی	
logic analyzer	
تحلیل گر منطقی	
logic arithmetic unit	
واحد منطق و حساب	
logic circuit	
مدار منطقی	
logic design	
طراحی منطقی، طرح منطقی	
logic diagram	
نمودار منطقی	
logic element	
عنصر منطقی	
logic function	
تابع منطقی	
logic gate	
دریچه منطقی	
logic instruction	

	دستور العمل منطقی
logic multiply	
	ضرب منطقی
logic network	
	شبکه منطقی
logic operation	
	عمل منطقی
logic product	
	حاصل ضرب منطقی
logic shift	
	تغییر مکان منطقی
logic sum	
	مجموع منطقی
logic switch	
	گزینه منطقی
logic symbol	
	نماد منطقی
logic unit	
	واحد منطقی
logic variable	
	متغیر منطقی
Logical	
	مجازی – منطقی
logical 0 state	

logical 1 state	حالت صفر منطقی
logical add	حالت یک منطقی
logical addition	جمع منطقی
logical analysis	جمع منطقی
logical analysis of mathematics	تحلیل منطقی
logical argument	تحلیل منطقی ریاضیات
logical axioms	استدلال منطقی
logical conjunction	اصول موضوع منطقی
logical connective	عطف منطقی
logical connector	رابطه منطقی
logical constant	رابط منطقی
logical debugging	ثابت منطقی

	اشکالزدایی منطقی
logical design	
	طرح منطقی، هم ارزی منطقی
logical disjunction	
	فصل منطقی
logical equivalence	
	تبادل منطقی، هم ارزی منطقی
logical form	
	صورت منطقی، فرم منطقی
logical function	
	تابع منطقی
logical implication	
	التزام منطقی، استلزام منطقی، نتیجه منطقی
logical inference	
	استنتاج منطقی
logical ingredients	
	اجزاء منطقی
logical necessity	
	ضرورت منطقی، بایستگی منطقی
logical not	
	نفی منطقی، نقض منطقی
logical notation	
	نماد منطقی
logical operation	

	عمل منطقی
logical operator	
	عملگر منطقی
logical operators	
	عملگر های منطقی
logical possibility	
	امکان منطقی
logical product	
	حاصل ضرب منطقی
logical reasoning	
	استدلال منطقی
logical shift	
	استدلال منطقی، برهان منطقی
logical state	
	حالت منطقی
logical sum	
	ترکیب فصلی، مجموع منطقی
logical symbol	
	مظاهر منطق، نماد منطقی
logical symbols	
	نماد های منطقی
logical syntax	
	نحو منطقی
logical trace	

	رد منطقی
logical truth	
	راستی منطقی
logical types	
	طبقات منطقی
logical value	
	ارزش منطقی
logical variable	
	متغیر منطقی
Logical View	
	دید منطقی
logically	
	منطقا
logically equivalent	
	منطقا هم ارز
logically imply	
	به طور منطقی ملتزم
logicism	
	منطق گرایی
logistic	
	لژیستیک
logistic chain	
	زنجیر تدارکاتی
logistic curve	

منحنی تابع نمائی	
logistic growth	
رشد لژیستیک	
logistic spiral	
مارپیچ هم زاویه	
logistic system	
دستگاه منطقی	
Logistic Transaction	
عملیات پشتیبانی	
Logistics	
تدارکات – پشتیبانی	
Logistics Management	
مدیریت لجستیک	
logit	
لاجیت	
loglinear	
لگاخطی	
loglinear model	
مدل لگاخطی، مدل خطی لگاریتمی	
lognormal	
لگانرمال	
lognormal distribution	
توزیع لگانرمال، توزیع نرمال لگاریتمی	
Logo	

علامت سر برگ- تیترا - عنوان
London inter bank mean rate
میانگین نرخ بهره بین بانکی لندن
London inter bank offered rate (LIBOR)
نرخ بهره کوتاه مدت بین بانکی لندن
London inter-bank bid rate (LIBID)
نرخ داخلی بهره بانک های لندن
Long
خرید
long dated bill
برات بلندمدت
long distance
راه دور
long division
تقسیم طولانی، عمل تقسیم با ذکر کلیه مراحل آن
long established policy
سیاست دیرینه
long form auditing
حسابرسی تفصیلی (مفصل)
long form auditor's report
گزارش تفصیلی حسابرسی
long form auditor's report long form report, long-term report
گزارش بلند (گزارش تفصیلی) حسابرس

long format	صورت تفصیلی
long haul	خط سیر بلند
long lasting plants	تاسیسات با عمر بلندمدت
long lease	اجاره بلندمدت اهرمی
long lived assets	داراییهای بلندمدت
long lived intangible assets	داراییهای نامشهود بلندمدت
long measure	مقیاس طول
long range	دراز مدت، دوربرد
long range budget	بودجه با محدوده طویل
long range performance report	گزارش عملکرد بلندمدت
long range plan	برنامه با محدوده وسیع
long range planning	برنامه ریزی درازمدت، طرح ریزی درازمدت

long range resource planning	برنامه ریزی درازمدت منابع
long run	بلند مدت
long run capital budget	بودجه سرمایه ای دراز مدت
long run cash budget	بودجه نقدینه دراز مدت
long run earnings	عایدات بلندمدت
long run market rate	نرخ بلندمدت بازار
long run performance	اجرای بلندمدت
long run profit maximization	به حداکثر رسانی طویل المدت سود
long run profitability	قابلیت سوددهی بلندمدت
long run rate	نرخ بلندمدت
long standing policy	سیاست (خط مشی) بلندمدت
long tail	دنبال دراز

long tail insurance	بیمه دنباله دار
long tail liability	تعهد طولانی مدت
long tap	اوراق بهادار بلندمدت
Long term	بلندمدت
long term (debt-liability) debt capital	بدهی بلندمدت
long term (strategic) financial plans	برنامه های مالی بلندمدت (راهبردی)
long term asset	دارایی بلندمدت
long term asset, long-lived	دارایی بلندمدت
long term borrowings	قراردادهای بلندمدت ساختمانی / قراردادهای پیمانکاری
long term construction contracts	قراردادهای بلندمدت ساختمانی، قراردادهای پیمانکاری
long term contract	قرارداد بلندمدت
long term contracts	قراردادهای بلندمدت

long term debts to net worth ratio	نسبت بدهی بلندمدت به ارزش ویژه
long term financing	تامین مالی بلندمدت
long term forecast	پیش بینی درازمدت
long term investment	سرمایه گذاری بلندمدت
long term investments	سرمایه گذاریهای بلندمدت
long term lease	اجاره بلندمدت
long term liabilities	بدهی های دراز مدت
long term liability	بدهی بلندمدت
long term loan	وام بلندمدت
long term monetary assets	دارایی های بلندمدت پولی
long term note payable	اسناد پرداختی بلندمدت
long term notes payable	اسناد پرداختی بلندمدت

long term notes receivable	اسناد دریافتنی بلندمدت
long term obligations	تعهدات (بدهی های) بلندمدت
long term planning	برنامه ریزی طویل المدت
long term prepaid expenses	پیش پرداخت بلندمدت هزینه ها
long term receivables	حساب های دریافتنی بلندمدت
long term refundable deposits	سپرده های قابل استرداد دراز مدت
long term solvency	قدرت پرداخت تعهدات بلندمدت
long term strategic financial plans	برنامه های مالی بلندمدت (راهبردی)
long term variable cost	هزینه متغیر بلند مدت
longer	اطول، درازتر
longest	بلندترین
longest beam	بلندترین تیر

longest beam problem	مساله بلندترین تیر
longest path model	مدل طولیترین مسیر عبور
longest side	ضلع مهین
longitude	طول جغرافیایی، طول
longitudinal	در امتداد طول، طولی
Long-Term	دراز مدت
Long-term liability	بدهی بلند مدت
Long-term obligations	تعهدات بلند مدت
longwise	در جهت درازا، در طول
look ahead	پیش بینی کردن
look up	پیدا کردن، جستجو کردن
loop	

کمند، طوقه، پیچ حلقه ای، طوق، حلقه، بست، پیچ، دور، دریچه، چرخ، مدار، گیره، سوراخ
loop body
جسم حلقوی
loop free
بدون دور
loop in a graph
طوقه در گراف
loop of a curve
حلقه یک منحنی
loop space
فضای طوقه ای
loop theorem
قضیه طوقه ای
looper
دستگاه حلقه انداز
loose fit
انطباق لق، انطباق شل
loose leaf
کارت یا اوراق آزاد
loose leaf ledger
دفتر کل مجلد (اوراق جداشدنی)
lop sided
غیر متقارن

Lorentz force	نیروی لورنتس
lorentz group	گروه لورنتز
Lose	ضرر کردن
Loss	ضرر- زیان
loss (gain) on repossession	زیان (سود) ناشی از تملک مجدد
loss and gain = profit and loss	سود و زیان
loss and gain account	حساب سود و زیان
loss area	منطقه زیان
loss assessment	ارزیابی میزان خسارت
loss carried forward	زیان انتقال یافته به دوره های آتی
loss carried forward, loss carryforward	زیان انتقال یافته به دوره های آتی
loss carry over	انتقال زیان به دوره های آتی

loss carryback	زیان انتقالی به دوره های قبل
loss carryforward	زیان انتقالی به دوره های آتی زیان قابل انتقال به دوره های آینده
loss constraints	محدودیت‌های زیانی
loss contingency	زیان احتمالی
loss factor	ضریب اتلاف
loss from abnormal spoilage	زیان حاصل از ضایعات غیر عادی
loss from discontinued operations	زیان حاصل از عملیات متوقف شده
loss function	تابع زیان
loss gain on repossession	زیان(سود) ناشی از تملک مجدد
loss marking operation	عملکرد زیانبار
loss of accuracy	فقدان دقت
Loss of Profit	افت سود

loss of scale	نبود مقیاس
loss of value (or fall in value)	افت ارزش
loss on bad debt	ضرر حاصل از مطالبات سوخت شده
loss on contract	ضرر پیمان (ضرر مقاطعه)
Loss on exchange	زیان ناشی از تبدیل
loss on manufacture	انتقال کالا از واحد تولید به واحد کالای ساخته شده به قیمتی کمتر از بهای تمام شده
loss on residual value guarantee	زیان حاصل از تضمین ارزش اسقاط/ باقیمانده
loss on stocks due to fall in price	زیان موجودی ها بر اثر سقوط قیمت
loss payable endorsement	بیمه به نفع دیگران
loss per share	زیان هر سهم
loss ratio	نسبت زیان
losses	

	زیانها
Losses on receivables	زیان ناشی از دریافتها
lost capital	سرمایه از دست رفته
lost discount	تخفیف از دست رفته
lost discount, cash sales discounts	تخفیفات نقدی فروش، تخفیف از دست رفته
lost revenue	درآمد از دست رفته
lost usefulness (depreciation)	استهلاک یا از دست رفتن توان سوددهی دارایی
lost-dated papers	اوراق بهادار دراز مدت
lot	قرعه، مقدار زیاد، توده، انبوه، انباشته
lot acceptance sampling	نمونه برداری مورد قبول محموله
lot by lot inspection	بازرسی انباشته به انباشته
lot formation	تشکیل انباشته
lot quality	

	کیفیت انباشته
lot size	
	مقدار تولید، میزان تولید، اندازه انباشته، حجم انباشته
Lot Sizing	
	دسته کردن
lot tolerance percent defective	
	درصد کالای خراب در یک محموله
lot tolerance percentage defective	
	حداکثر ضایعات قابل قبول، ماکزیمم خرابی در محصول، درصد قابل قبول محموله معیوب
loterie	
	قرعه
lottery	
	بخت آزمائی
loudness	
	بلندی
Low	
	پایینترین نرخ ثبت شده قیمت
low level language	
	زبان سطح پایین
low load fund	
	صندوق سرمایه گذاری با سرمایه اندک
low of cost and net realizable value rule	

قاعده مبتنی بر اقل «بهای تمام شده» و «خالص ارزش باز یافتنی»
low order
مرتبه پائین
low p e stocks
سهامی که ضریب قیمت به سود پایین دارند
low pass filter
صافی پائین گذر
low pitch
گام کوتاه
Low priced shares
سهام ارزان قیمت
lowballing
رقابت حسابرس برای جذب صاحب کار (از طریق کم کردن حق الزحمه)
lower
پائین تر، کمتر، پایین، کوچکتر، پایینی، زیرین
lower bound
کران پایین
lower boundary
مرز پایین
lower bounded variables
متغیرهای مشخص شده با حد پایین
lower case

حروف کوچک الفبای انگلیسی، حالت پائین تر	
lower central series	دنباله پایین مرکزی
lower class	طبقه پایین
lower class boundary	حد پایین طبقه
lower control limit	حد کنترل پایین، حد پایین کنترل
lower critical probability	حد پایین احتمال بحرانی
lower derivative	مشتق پایین
lower envelope	پوش زیرین
lower integral	انتگرال پایین
lower level management	مدیریت سطح (رده) پایین
lower limit	حد اسفل، حد پایین، حد پائینی
lower limit function	تابع حد پایین
lower limit of an integral	

حد پایین انتگرال
lower limit of summation
حد پایینی جمع بندی
Lower of Cost or Market
اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار
lower of cost or market (LCM) rule
قاعده اقل بهای تمام شده یا بازار
lower of cost or market price (value)
حداقل قیمت تمام شده یا قیمت بازار
lower of cost or market rule
قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار
lower of cost or market valuation
ارزیابی براساس اقل قیمت تمام شده
lower quality statistic
شاخص کیفیت پایین
lower quartile, lead time
اقل بهای تمام شده یا قیمت روز، ربع تحتانی
lower real limit
حد واقعی پایین
lower riemann sum
مجموع ریمان پایینی، مجموع پائینی ریمان
lower right corner
پایین ترین گوشه سمت راست
lower semicontinuous function

	تابع پایین نیم پیوسته
lower semilattice	
	نیم مشبکه پایین
lower specification limit	
	حد فنی پایین، حد قابل قبول پایینی
lower stieltjes sum	
	مجموع اشتیل یس پایینی، مجموع پائینی استیلجس
lower sum	
	مجموع پایین، مجموع پایینی، حاصل جمع پایینی
lower than	
	پائین تر از، کمتر از
lower triangular	
	پایین مثلثی
lower triangular matrix	
	ماتریس مثلث پایینی، ماتریس پایین مثلثی، ماتریس زیر قطری، ماتریس مثلثی زیرین
lowest	
	پائین ترین
lowest common multiple	
	کوچکترین مضرب مشترک
lowest cost operation	
	عملکرد با کمترین هزینه
low-load fund	
	صندوق سرمایه گذاری با سرمایه اندک

low-return capital	سرمایه گذاری بازده کم
loxodrome	مارپیچ ثابت-زاویه
loxodromic curve	خم ثابت-زاویه
loxodromic spiral	مارپیچ ثابت-زاویه
lozenge	لوزی
LPC	همکاران با کمترین امتیاز
LTPD	حداکثر ضایعات قابل قبول، ماکزیم خرابی در محصول، درصد قابل قبول محموله معیوب
lu decomposition	تجزیه Lu، فاکتورگیری Lu
LU face	وجه LU
lu factorization	تجزیه Lu، فاکتورگیری Lu
LU factors	فاکتورهای LU
lubricant	

روان کننده، نرم کننده، چرب کننده، روانساز
lubrication
روانسازی، رونوازی، روانکاری، روغنکاری
lucrative capital
سرمایه پر سود
lucrative investment
سرمایه گذاری پر سود
lucrative profit opportunities
فرصت ها (امکانات) زیاد سوددهی
ludolfine number
عدد ?
luminescence
تابناکی، پرتو افشانی
lump sum acquisition
تحصیل (خرید) به طور یکجا
lump sum compensation
غرامت مقطوع
lump sum contract
قرارداد مقطوع براساس قیمت کل کار
lump sum payment
پرداخت مبلغ (یکجا) مقطوع
lump sum purchase
خرید (یکجا) مقطوع
lump sum sales

فروش دسته جمعی ، یکجا	
lump sum appropriations	
اعتبارات کلی تخصیص های کلی / یکجا	
lunar	
قمری	
lunar month	
ماه قمری	
lunar ocean tide	
جزر و مد قمری اقیانوس ها	
lune	
هلال، قسمتی از سطح کره واقع بین دو دایره عظیمه	
luxury article	
کالای تجملی (لوکس)	
luxury trade	
تجارت کالای لوکس	
lyapunov's condition	
شرط لیاپونوف	
lyapunov's inequality	
نامساوی لیاپونوف	
lyapunov's theorem	
قضیه لیاپونوف	
lying	
قرار گرفتن	
lying within	

	واقع در
M	
	سیزدهمین حرف الفبای انگلیسی، در اعداد رومی عدد ۱۰۰۰
m cycle	
	دور m تایی
m dimensional point	
	نقطه m بعدی
m tuple	
	تایی m
Machine	
	دستگاه- ماشین
machine book-keeping	
	دفترداری ماشینی
machine hours	
	ساعات کار ماشین (آلات)
machine index	
	واحد تقسیم ماشین، اندیکس ماشین
machine language	
	زبان ماشین
machine loading	
	تنظیم ظرفیت ماشین، بار کردن ماشین
machine location problem	
	مسأله تعبیه ماشین
machine number	

	عدد ماشینی
machine operating hours	ساعت کارکرد ماشین
machine operation cost	هزینه عملیات ماشین
machine oriented	ماشین بر، ماشین مبنا
machine paced work environment	محیط کاری سرمایه بر
machine rent charge (expense)	هزینه اجاره ماشین
machine scheduling problem	مسأله برنامه ریزی ماشین
machine set-up	آماده کردن کامپیوتر یا ماشین دیگر
machine time sheet (record)	برگ اوقات کار ماشین
machine times	اوقات کار ماشین
machine utilization	کاربرد ماشین
machine-hour rate	نرخ ساعت کار ماشین، نرخ سرشکن کردن هزینه سربار بر اساس ساعت کار ماشین

machine-hours method of depreciation	استهلاك به روش ساعت کار ماشین آلات
machinery	ماشین آلات
machinery account	حساب ماشین آلات
machinery and equipment	ماشین آلات و تجهیزات
machinery depreciation	استهلاك ماشین آلات
Maclaurin	مکلورن
Maclaurin series	سری مکلورن
maclaurin's formula	دستور ماکلورن، رابطه ماکلورن
maclaurin's series	سری ماکلورن، رشته ماکلورن، سلسله ماکلورن
macro	کل، کلان
macro accounting = national income accounting	حسابداری کلان، حسابداری درآمد ملی
macro political risk	ریسک سیاسی در سطح کلان

macroeconomic factors	عوامل اقتصاد کلان متغیرهای کلان اقتصادی
Macro-economic factors, macroeconomic factors	مولفه های اقتصاد کلان، متغیرهای کلان اقتصادی
Macroeconomic vtew	دیدگاه اقتصاد کلان
macroeconomics	اقتصاد کلان
macrovariable model (mvm)	مدل متغیر کلان
magazine	محفظه، جعبه ماتریس، مخزن
magic square	مربع جادوئی، مربع شگفت انگیز، مربع، مربع و فقی
magnet	مغناطیس، آهنربا
magnetic	مغناطیسی
magnetic chuck	سه نظام الکترومغناطیسی، وسیله نگهدارنده مغناطیسی، گیره نظام مغناطیسی
magnetic drum storage	حافظه استوانه مغناطیسی
magnetic field	

	میدان مغناطیسی
magnetic flow detection	
	عیب یاب مغناطیسی
magnetic meridian	
	نصف النهار مغناطیسی
magnetic observatory	
	رصدخانه مغناطیسی
magnetic permeability	
	نفوذ پذیری مغناطیسی
magnetic poles	
	قطب های مغناطیسی
magnetic saturation point	
	نقطه اشباع مغناطیسی
magnetic storage	
	حافظه مغناطیسی، انباره مغناطیسی
magnetic tape	
	نوار مغناطیسی
magnetic variation	
	ناپایداری مغناطیسی
magnetostriction	
	تغییر بعد مغناطیسی، الاستیسیته مغناطیسی، قابلیت ارتجاعی مغناطیسی، دگرسانی آهنربایی
magnification	
	بزرگنمایی

magnification ratio	نسبت بزرگ نمایی
magnifier	ذره بین، درشت کننده
magnify	بزرگ کردن، درشت کردن
magnifying power	ضریب درشت نمائی، ضریب بزرگ نمائی
magnitude	بزرگی، قدر، اندازه، میزان بزرگی
magnitude of a complex number	قدر مطلق عدد مختلط
magnitude of a vector	نرم بردار، طول بردار، قدر مطلق بردار، مقدار عددی بردار
Mail	پست کردن- پست
Mail credit	اعتبار پستی
mail order	حواله پستی، سفارش پستی
mail order business	کسب کار مکاتبه ای
mail order of payment	دستور پرداخت کتبی

mail order sale	فروش مکاتبه ای
mail payment order	حواله ارزی کتبی
mail transfer	حواله کتبی، حواله پستی
Main	اصلی
Main Account	حساب اصلی – حساب کلی
main body	متن اصلی
main body of financial statements	متن اصلی صورتهای مالی
main contract	پیمان اصلی، قرارداد اصلی، قرارداد دست اول
main contractor	پیمانکار اصلی
main contractor, major contractor	پیمانکار دست اول، پیمانکار اصلی
main credit	اعتبار اصلی
main credits	اعتبارات اصلی

main diagonal	قطر اصلی
main diagonal of a matrix	قطر اصلی ماتریس
main documentary credit	اعتبار اسنادی اصلی
main documentary credits	اعتباری اسنادی اصلی
main effect	اثر اصلی
main frame	اثر اصلی
main function	وظیفه اصلی
main insured person	بیمه شده اصلی
main issues	اهداف اصلی
main menu	فهرست اصلی
main office	دفتر مرکزی
main population under coverage	جمعیت بیمه شده اصلی تحت پوشش

main processor	پردازش کننده اصلی
main product	محصول اصلی
main product cost	هزینه تمام شده محصول اصلی
main ram	کوبه اصلی، ضربه زن اصلی
main row	سطر اصلی
mainly	اصلی، اساسا
maintain	نگهداری کردن
maintainability	تعمیر پذیری، قابلیت نگهداری
maintenance	نگهداری و مراقبت
maintenance call	اخطار کسر ودیعه
maintenance cost	هزینه نگهداری، هزینه نگهداری دارای ثابت
maintenance cost (expense)	هزینه تعمیر و نگهداشت

maintenance costs	هزینه های تعمیر و نگهداری
maintenance cycle	زمان دور نگهداری، سیکل نگهداری
maintenance excess	سرمایه مازاد
maintenance lease	اجاره با تعمیر و نگهداری
maintenance of capital	نگهداشت سرمایه
maintenance of physical capital	نگهداشت سرمایه فیزیکی (مادی)
maintenance period	دوره تعمیر و نگهداری
maintenance period, retention period	دوره تعمیر و نگهداری
maintenance personnel	کارکنان واحد تعمیر و نگهداری
maintenance policy	سیاست نگهداری
maintenance requirement	حداقل ودیعه
maintenance reserve	اندوخته تعمیر و نگهداری

major	مهم، ارشد، عمده، اصلی، تخصصی، بزرگ، بزرگ تر، مهاد، بیشتر، اکبر، برتر
major and minor premise	صغری و کبرای قیاس، کبری و صغری
major arc	قوس اطول، کمان بزرگتر
major arc of a circle	قوس بزرگ تر دایره
major axis	محور اطول
major axis of an ellipse	قطر اطول بیضی
major capital	سرمایه عمده
major capital project	طرح بزرگ سرمایه ای
major customer	مشتری عمده
major defect	نقائص اصلی و عمده
major defects	نواقص اصلی / عمده
major diameter	

قطر بزرگ، قطر اصلی	
major dimension	اندازه بزرگ
major duties	تکالیف عمده
major effects	تأثيرات عمده
major expansion project	پروژه توسعه ای عمده
major object	هدف عمده
major premise	کبرای قضیه منطقی، کبرای قیاس
major repair budget	بودجه تعمیرات اساسی
major repair or extraordinary repair	تعمیر اساسی یا تعمیر فوق العاده
major sale	فروش عمده
major work	کار اصلی
majorant	مهتر
majorate	

	محدود کردن
majore	
	بیشیده
majorer	
	بیشیدن
majority equity holders	
	سهامداران / صاحبان سهام اکثریت
majority equity holders, majority stockholders	
	صاحبان سهام اکثریت
majority function	
	تابع اکثریت
majority interest	
	دارنده منافع بیشتر
majority of shares	
	اکثریت سهام
majority shareholders	
	سهامداران اکثریت
majority shareholders' vote	
	رای اکثریت صاحبان سهام
majority voting system	
	سیستم رای گیری تجمعی
majority-owned subsidiary	
	واحد فرعی
majorized	

	مهاده شده، مهتر شده
majorized term	
	حد اكبر
make	
	به دست آوردن، در نظر گرفتن
make allowance on	
	تخفیف قایل شدن، تخفیف دادن
Make an Appointment	
	قرار ملاقات گذاشتن
Make an Offer	
	پیشنهاد دادن
make disappear	
	محو شدن
make into	
	تبدیل شدن
make or buy decision	
	تصمیم گیری بین ساخت، تصمیم گیری بین خرید
make or by decision	
	تصمیم به ساخت یا خرید
make provision, forecast	
	پیش بینی کردن
make ready time	
	زمان آماده سازی، زمان راه اندازی دستگاه
make sure	

	تحقیق کردن، مشخص کردن، ثابت کردن
Make to Order	
	ساخت براساس سفارش
make up	
	ساختار، به دست آوردن، تشکیل شدن، آراستن
Maker	
	سفته ساز، صادر کننده سفته
maker (signatory) of promissory note	
	صادر کننده (امضاء کننده) سفته
maker of a note	
	صادر کننده سند
Make-to-Stock	
	ساخت به منظور انبار کردن
Making a Decision	
	تصمیم گرفتن
making decision	
	تصمیم گیری
making tot stock	
	ذخیره سازی
mala fide	
	از روی سوء نیت (اصطلاح بورس)
maladministration	
	سوء مدیریت، مدیریت بد
malfeasance	

مرتکب اشتباه شدن	
malfunction	
بد کار کردن	
malinvestment, mal-investment	
سرمایه گذاری نامناسب	
malpractice	
قصور حرفه ای تخلف حرفه ای	
malpractice insurance	
بیمه خدمات حرفه ای در برابر اقداماتی قانونی	
Man Hour	
نفر- ساعت	
man rating	
ارزیابی کارکنان	
man to man comparison	
مقایسه فرد به فرد، روش مقایسه ای نفر به نفر	
man week	
نفر- هفته، هفته-کارگر	
Manage	
اداره کردن	
manage, administer	
اداره کردن، اجرا کردن	
managed (band) exchange rates	
محدوده نوسان نرخ ارز	
Managed account	

مدیریت سرمایه	
managed costs (expenses)	مخارج برنامه ریزی شده
management	مدیریت، اداره کردن
management accountant	حسابدار مدیریت
management accounting	حسابداری مدیریت
management accounting data (information)	مجموعه اطلاعات حسابداری مدیریت
management accounting guidelines (MAGs)	رهنمودهای حسابداری مدیریت
management accounting information	اطلاعات حسابداری مدیریت
management accounting structure	ساختار حسابداری مدیریت
management advisory services	خدمات مشاوره مدیریت
management analysis	تجزیه و تحلیل مدیریت
management appraisal	ارزیابی مدیریت
management assertions	

ادعاهای مدیریت / اظهارات (کتبی) مدیریت
management attitude
نگرش مدیریت
management audit
حسابرسی مدیریت نام دیگر حسابرسی عملیاتی
management buy-in / buyin (MBI)
خرید شرکت دائر به وسیله مدیرانی از خارج موسسه
management buyout
خرید سهام شرکت توسط مدیریت
management buy-out / buyout (MBO)
خرید شرکت شرکت دائر به وسیله مدیرانی از داخل موسسه
management by exception
مدیریت بر اساس استثنا
management by exception principle
اصل مدیریت بر پایه استثنا
management by objective
مدیریت بر مبنای هدف
management by objective (mbo)
مدیریت بر مبنای اهداف
management by objectives (MBO)
مدیریت بر اساس هدفها
management by result
مدیریت بر مبنای نتیجه کار
management committee

management consultant	کمیته مدیریت
management consulting services	مشاور مدیریت
management control system (MCS)	خدمات مشاوره مدیریت
management development	سیستم کنترل مدیریت، کنترل فرد
management discretion	پرورش مدیران، توسعه مدیریت
management discussion and analysis	نظریه با صلاحدید مدیریت
management expenses	تجزیه و تحلیل و توضیحات مدیریت
management fee	مخارج مدیریت
Management For Objectives	حق الزحمه مدیریت
management fraud	مدیریت برای اهداف
Management Information System	تقلب مدیریت/ مدیران
management information system (MIS)	سیستم اطلاعاتی مدیریت

سیستم اطلاعات مدیریت
Management Information Systems
سیستم‌های مدیریت اطلاعات
management integrity
صداقت، درستکاری، صلاحیت اخلاقی مدیریت
management letter
نامه مدیریت
management letter of representation
تأییدیه مدیریت
management letter, letter of recommendation
نامه مدیریت
management of cash
اداره وجوه نقد
management of production
مدیریت تولید
management override of internal controls
زیر پا گذاردن کنترل های داخلی
management performance
میزان مهارت موفقیت در یک فعالیت
management performance audit
حسابری عملکرد مدیریت، (حسابرسی عملیاتی)
management ratios
نسبت های مدیریت
Management Reengineering

management remuneration

حق الزحمه مدیریت

Management reports

گزارشات مدیریت

management representation

تاییدیه مدیریت، که مدیران به حسابرس ارائه می کنند

management representation letter

تاییدیه مدیران / مدیریت

management representation or assertions

اظهارات (یا ادعاهای) مدیریت

management responsibility

مسئولیت مدیریت

management review (or audit)

بررسی یا حسابرسی مدیریت

management science = operations research

تحقیق در عملیات، دانش مدیریت

management style

شیوه های مدیریت

management systems

سیستم های مدیریت

management trail

رهنمون مدیریت

management zone

منطقه مدیریت	
management's discussion and analysis	
تجزیه و تحلیل و نقطه نظرات مدیریت	
management's authority	
اختیار مدیران	
management's discussion and analysis	
تجزیه و تحلیل و نقطه نظرات مدیریت	
management's illegal acts	
اقدامات خلاف قانون مدیران	
Manager	
مدیر	
manager = director	
مدیر	
manager's compensation	
حق الزحمه مدیر	
manager's fee	
حق الزحمه مدیر	
Managerial accountant	
حسابدار مدیریت	
managerial accounting	
حسابداری مدیریت	
managerial compensation	
حقوق و مزایای مدیریت	
managerial control	

کنترل مدیریتی	
managerial control systems	
سیستم های کنترل مدیریتی	
managerial economics	
اقتصاد مدیریت	
managerial finance	
مدیریت مالی	
managerial finance, financial management	
مدیریت مالی	
managerial function	
وظیفه مدیریتی	
managerial functions	
وظایف مدیریت	
managerial personnel	
پرسنل اداره کننده	
managerial statistics	
آمار مدیریت	
managerial systems	
سیستم های مدیریت	
Managers	
مدیران	
managing director	
مدیر عامل	
Mandant	

	وکالت
mandate	اختیار عمل، دستور مافوق
mandated audit	حسابرسی اجباری، حسابرسی الزامی
Mandatory	اجباری- الزامی
mandatory labour, forced labour, compulsory labour	کار اجباری
mandatory redemption	بازخرید اجباری
mandatory saving	سپرده اجباری
Man-Day	نفر- روز
mandrel	میله محور، سنبه، نگهدار مرغک، میله، کارگیر
Manging director	مدیر عامل
manifest	اظهارنامه بار، شرح محموله
manifest (cargo)	بارنامه عمومی (هر نوع وسیله نقلیه)

manifold	بسلا
manifold chamber	محفظه چند راهه، محفظه مانيفولد
manifold without boundary	خمينه بي مرز
manipulate	برزیدن، پردازش کردن
Manipulate profits	دستکاری کردن سود
manipulating the accounting records	حساب سازی
manipulation	ایجاد بازار گرمی، دستکاری، جهت دهی
manipulation of accounts	حساب سازی
manipulation of linear program	برنامه خطی دست کاری
Man-Month	نفر - ماه
manner	طریقه، روش
manner of combining interests	روش ترکیب منافع

Manners & Material	معادن و مواد معدنی
manning table	جدول نیروی انسانی
manpower	دستمزد، کار، نیروی انسانی، کارکرد
man-power	نیروی انسانی، جمعیت فعال
manpower control	کنترل نیروی انسانی
manpower development	توسعه نیروی انسانی
manpower management	مدیریت نیروی انسانی
manpower planning	برنامه ریزی نیروی انسانی
manpower turnover	گردش نیروی انسانی، چرخش نیروی انسانی
mantissa	مانتیس، جزء اعشاری لگاریتم یک عدد
mantissa of a logarithm	جزء اعشاری لگاریتم
manual	مجموعه دستورالعمل ها و مقررات

manual accounting system	دستور العمل سیستم حسابداری
manual labor (work)	کار دستی / یدی
manual of accounting == accounting manual	دستور العمل حسابداری
manual of operation	راهنمای انجام کار
manual operation symbol	نماد عملیات دستی
manual skill	مهارت یدی
manual time	زمان حرکت یدی
manually	دستی، به طور دستی
Manufacturing product	محصولات کارخانه ای
manufacture	ساختن، تولید کردن
manufacturer	سازنده، تولید کننده (کارخانه دار)
manufacturing	تولیدی، ساخت

manufacturing accounting	حسابداری تولید
manufacturing accounts	حسابهای تولید
manufacturing budget	بودجه ساخت (کالا)
manufacturing cell	واحد تولید بخش تولیدی
manufacturing company	شرکت تولیدی
manufacturing control	کنترل ساخت
manufacturing cost	هزینه تولید، هزینه ساخت
manufacturing cost (expense), output cost, product cost	هزینه تولید (محصول)
manufacturing cost of finished goods	بهای تمام شده کالای ساخته شده
manufacturing cost of goods produced	هزینه ساخت، هزینه تولید کالای ساخته
manufacturing cost variance	مغایرت هزینه ساخت
manufacturing cycle efficiency (mce)	

کارایی چرخه تولید	
manufacturing efficiency	
کارایی ساخت	
manufacturing enterprise	
موسسه صنعتی	
manufacturing lead time	
مدت زمان مورد نیاز برای تولید	
manufacturing licence	
اجازه ساخت، لیسانس ساخت	
manufacturing measure	
معیار ساخت (تولید)	
manufacturing mix	
ترکیب ساخت	
manufacturing order	
سفارش تولید	
manufacturing overhead	
سربار تولید (ساخت)	
manufacturing overhead allocated	
سربار تخصیص یافته تولید	
manufacturing overhead costs	
هزینه های سربار تولید	
Manufacturing Plan Sequences	
برنامه مراحل ساخت	
manufacturing plant	

کارخانه تولیدی
manufacturing process
مرحله ساخت، جریان ساخت (فرایند تولید)
manufacturing productivity
بهره وری ساخت
manufacturing profit (or loss)
سود (یا زیان) تولید
manufacturing progresses
مراحل ساخت
Manufacturing Resource Planning
برنامه‌ریزی منابع تولید
manufacturing resource planning (MRP)
برنامه‌ریزی منابع تولیدی
manufacturing rights
حقوق ساخت
manufacturing sector companies
شرکتهای تولیدی شرکتهای بخش تولید
manufacturing sites
کارخانه های تولیدی
manufacturing statement
صورت هزینه کالای ساخت شده
manufacturing supplies
ملزومات ساخت
manufacturing time

	زمان تولید
manufacturing vice president	
	معاون / معاونت تولید
manuscript	
	دست نویس، نسخه اول
manuscript signature	
	امضای اصل
many figure	
	شکل بسیار پهلو
many many	
	چند به چند
many many relation	
	نسبت چند به چند
many one	
	چند به یک
many one relation	
	نسبت چند به یک
many sided	
	چندضلعی، چندگوشه ای، چند جنبه ای
many times	
	به کرات
many to many function	
	تابع چند به چند، تابع چند ارزشی، تابع نامعین
many to many relation	

many to one correspondence	رابطه چند به یک
many valued	تناظر چند به یک
many valued function	چند مقداری، چند ارزشی
many valued logic	تابع چند ارزشی، تابع چند مقداری
many zeros	منطق چند ارزشی
map	تعداد زیادی صفر
mapped	نگاشت، تصویر کردن، نقشه، نگاشتن، تابع
mapping	نگاشته شده
mapping diagram	نگاشت، گسترش، تابع، نمایش، انتقال نقطه به نقطه، انتقال
mapping into	نمودار نگاشت
mapping onto	گسترش یک سو
maps	گسترش پوشا

	نقشه
marble	
	مهره
marching	
	رژه رفتن
marching process	
	روند گام به گام
margin	
	حاشیه سود، سود ناخالص، تفاوت ارزش
margin account	
	حساب اعتباری
margin agreement	
	قرارداد خرید اعتباری
Margin call	
	میزان ضرر معاملات بیشتر از حد مجاز آن
Margin level	
	درصد ضریب معاملات نسبت به موجودی که در حالت باز بودن معامله بصورت شناور است.
margin of profit ratio	
	نسبت حاشیه سود
margin of safety (MS)	
	حاشیه ایمنی
margin of safety ms	
	حاشیه ایمنی / حاشیه اطمینان

margin purchase	خرید اعتباری / نسبه
Margin requirement	موجودی مورد نیاز برای انجام یک یا چند معامله که معمولاً به درصد یا مبلغ نمایش داده می شود.
margin risk	ریسک از دست دادن سپرده
margin security	اوراق بهادار قابل خرید به صورت اعتباری
marginal	نهایی
marginal analysis	تجزیه و تحلیل نهایی
marginal approach	روش حد نهایی
marginal balance, final balance	مانده نهایی، مازاد درآمد به هزینه های متغیر
marginal benefit	فایده نهایی
marginal cash flow	گردش نهایی وجوه نقد
marginal cost	هزینه نهایی
marginal cost curve	

منحنی هزینه نهایی	
marginal cost equation	
معادله هزینه نهایی	
marginal cost function	
تابع هزینه نهایی	
marginal cost of capital (MCC)	
هزینه نهایی سرمایه	
marginal cost of production	
هزینه نهایی تولید	
marginal cost price	
قیمت بر حسب هزینه نهایی	
marginal cost pricing	
قیمت گذاری بر مبنای کل هزینه های نهایی	
marginal costing, variable costing	
هزینه یابی نهایی ، هزینه یابی متغیر	
marginal demand	
تقاضای نهایی	
marginal density	
چگالی کناری، چگالی حاشیه ای	
marginal distribution	
توزیع نهایی، توزیع کناری، توزیع حاشیه ای، بخش کناری	
marginal distribution function	
تابع توزیع حاشیه ای، تابع توزیع گروهی از اجزا	
Marginal efficiency of capital	

کارایی نهایی سرمایه	
marginal efficiency of investment	
بازده نهایی سرمایه گذاری	
marginal equation	
معادل هزینه یابی نهایی	
marginal factor cost	
هزینه عامل نهایی، هزینه نهایی عامل تولید	
marginal fixed cost	
هزینه نهایی عامل تولید	
marginal frequency	
فراوانی حاشیه ای، تواتر حاشیه ای	
marginal income rate	
ضریب درآمد نهایی، ضریب سود حاشیه ای	
marginal income, incremental revenue	
درآمد نهایی (درآمد فروش یک محصول اضافی)	
marginal investment	
سرمایه گذاری نهایی	
marginal learning curve model	
مدل منحنی یادگیری نهایی	
Marginal letter of credit	
اعتبارنامه نهایی	
marginal net product	
تولید خالص نهایی	
marginal physical product	

محصول فیزیکی نهایی	
marginal probabilities	
احتمالات حاشیه ای	
marginal probability	
احتمال کناری، احتمال حاشیه ای	
marginal product	
محصول (تولید) نهایی	
marginal productivity	
بهره وری نهایی، قدرت نهایی تولید	
marginal productivity of capital	
بهره وری نهایی سرمایه	
marginal productivity theory	
تئوری بهره وری نهایی	
marginal profit	
سود حاشیه ای	
marginal profit (income)	
سود نهایی	
marginal project	
طرح نهایی	
marginal propensity	
تمایل حاشیه ای	
marginal propensity to consume	
تمایل حاشیه ای به مصرف	
marginal propensity to import	

میل نهایی به واردات
marginal propensity to save
تمایل نهایی به پس انداز، گرایش نهایی به پس انداز
marginal rate of input substitution
نرخ نهایی جانشینی نهاده
marginal rate of return
نرخ بازده نهایی
marginal rate of return over cost
نرخ نهایی بازده بر حسب هزینه
marginal rate of substitution
نرخ نهایی جانشینی
marginal rate of tax
نرخ نهایی مالیات
marginal rate of time preference
نرخ نهایی ارجحیت زمانی
marginal rate, final rate
نرخ نهایی
Marginal reserve requirement
ذخیره قانونی نهایی
marginal return on capital
بازده نهایی سرمایه
marginal revenue
درآمد نهایی
marginal significance

	اهمیت نهایی
marginal tax rate	
	نرخ نهایی مالیات
marginal time model	
	مدل زمان نهایی
marginal total	
	حاصل جمع حاشیه ای
marginal unit cost	
	بهای تمام شده واحد کالای نهایی، بهای تمام شده یک واحد اضافی
marginal utility	
	فایده نهایی
marginal utility of income	
	مطلوبیت نهایی در آمد
marginal weights	
	ضرایب نهایی
marginality	
	حاشیه ای
marginals	
	فراوانی های کناری
marine	
	دریایی، بحری، وابسته به دریانوری
marine bill of lading	
	بارنامه دریایی (کالا)

marine carrier	وسيله حمل و نقل دريایی
marine charge	نرخ حمل و نقل دريایی
marine insurance, sea insurance	بیمه دريایی
marine policy	بیمه نامه دريایی
mariner	دریانورد، کشتیران
maritime insurance	بیمه دريایی
maritime law	حقوق دريایی
maritime lien	برتری دریائی، امتیاز دریایی
maritime survey	بازرسی دریایی
mark	نشانه
mark to the market	به روز درآوردن حساب
mark up	افزایش قیمت فروش حاشیه فروش

mark up pricing	تعیین افزایش قیمت
mark up pricing method	روش تعیین افزایش قیمت
markdown	کاهش قیمت فروش
mark-down	قیمت کالا را به منظور فروش پایین آوردن
markdown cancellation	لغو کاهش قیمت فروش
marked	علامت دار
marked (marking) to the market	تعدیل با قیمت (ارزش) بازار
marked cheque, stamped cheque, enfaced check	چک ممهور ، چک مهر شده
marked or marking to the market	تعدیل با قیمت (ارزش) بازار
marked shares	سهام ممهور ، سهام مهر شده
market	خرید و فروش کردن، بازار، یک حوزه جغرافیایی، محل خرید و فروش
market acceptance	

پذیرش کالا توسط بازار
market analysis
تجزیه و تحلیل بازار، گزارش تحلیلی از بازار
market appraisal
سنجش بازار
Market Auction Preferred Stock
بازار حراج سهام ممتاز
market based research
تحقیقات مبتنی بر بازار سرمایه
market beta
ضریب بتای بازار
market capitalization
ارزش جاری (بازار) سهام ارزش جاری سرمایه بازار
market capitalization (market valuation)
تعیین ارزش بازار
market capitalization rate
نرخ تنزیل بازار سهام
market channels
مجاری بازار (توزیع)
market conditioning
اثرگذاری بر بازار
market conditions
شرایط بازار
Market crash

market demand potential	سقوط بازار
Market determined exchange rate	تقاضای بالقوه بازار
market discount function	نرخ تبدیل قطعی بازار
Market discount rate	تابع تنزیل بازار، کارکرد / نقش تنزیلی بازار
Market economy	اقتصاد بازار
market efficiency	کارایی بازار
market equilibrium	تعادل بازار
market equilibrium point	نقطه تعادل در بازار
market equilibrium price	قیمت تعادل بازار
market exchange rate	نرخ ارز بازار
market expectation theory of the term structure	تئوری انتظارات بازار ساختار زمانی نرخ بهره
market failure	

market for management labor	شکست / نارسایی بازار، قصور بازار
market forces	بازار خدمات مدیران حرفه ای
market growth	نیروهای بازار، قدرت های بازار
market hours	روند بازار، احتمال افزایش سریع قیمت ها
market index	ساعات کار بازار
market index of stock prices	شاخص بازار
market interest rate	شاخص بازار قیمت سهام
Market Lead Time	نرخ بازار بهره
market life	مدت زمان انتظار بازار
market maker	عمر بازاری
market method	بازار ساز
market or sales value method	روش بازار

روش ارزش فروش یا بازار	market order
سفارش بازار، نظم بازار	market oriented enterprise activities
فعالیت‌های موسسات اقتصاد بازار	market out clause
شرایط اضطراری بازار	market overreaction
واکنش (عکس العمل) بیش از حد بازار نسبت به ...	market penetration
رسوخ به بازار	market place
محل بازار	market planning
برنامه ریزی جهت بازاریابی	market portfolio
پرتفوی بازار، مجموعه سرمایه گذاری های بازار	market price
قیمت بازار	market price list
فهرست قیمت های بازار	market price per share
قیمت بازار هر سهم	market rate

market rate of discount	نرخ بازار، نرخ بهره پایه
market rate of interest, market price per share	نرخ بازار تنزیل
market rate of investment	نرخ بهره در بازار
market report	نرخ بازار سرمایه
market research	گزارش بازار
market research expense	بررسی بازار، تحقیق روی بازار
market risk	هزینه بررسی بازار
market risk premium	market research, market review, market survey
market risk return function	بررسی (تحقیق) بازار
market risk -return function	ریسک بازار
market segmentation theory	صرف مخاطره بازار

market share	تئوری بخش بندی بازار
market share variance	سهم بازار
market size	انحراف سهم بازار
market size variance	اندازه بازار
market structure	انحراف اندازه بازار
market study	ساختار بازار
market survey	بررسی بازار
market tendency	بررسی بازار
market tendency is falling	تمایل بازار
market tendency is upward	تنزل (روند) بازار
market tests	ترقی (روند) بازار
market timing	آزمون های بازار

market trend	تعیین زمان مناسب برای انجام دادن معامله
market trust	روند بازار
market value	بازار انحصاری
market value = fair value	ارزش بازار
market value method	ارزش بازار، ارزش روز
market value method for investment	روش ارزش بازار
market value method for investments	روش ارزش بازار برای سرمایه گذاری
market value of stock (goods)	روش ارزش بازار سرمایه گذاریها
market value ratios	ارزش بازاری کالا
market value weights	نسبت های ارزش بازار
market value-weighted index	ضرایب ارزش بازار
marketability	شاخص موزون قیمت / ارزش سهام

قابلیت فروش، سهولت فروش، قابلیت مبادله
marketable
فروش رفتنی، قابل فروش سریع (در بازار)
marketable asset
دارایی قابل فروش (در بازار)
marketable bonds
اوراق قرضه قابل داد و ستد
Marketable collateral
وثیقه قابل فروش
marketable debt security
اوراق بهادار بدهی قابل خرید و فروش
marketable equity securities
اوراق سهام قابل داد و ستد
marketable goods
کالای قابل عرضه به بازار
marketable investment
سرمایه گذاری سریع معامله در بازار
marketable loan
وام قابل خرید و فروش
Marketable secueity
سند بهادار قابل فروش
marketable securities
اوراق بهادار قابل خرید و فروش اوراق بهادار معاملاتی

marketable securities, street securities, trading securities	اوراق بهادار قابل داد و ستد
marketable shares	اوراق سهام قابل داد و ستد
market-based price	قیمت بر پایه بازار
market-based transfer pricing	قیمت گذاری انتقالات داخلی بر مبنای قیمت بازار
marketing	بازاریابی
marketing & sales	بازاریابی و فروش
marketing and administrative expense	هزینه بازاریابی و اداری
marketing area	منطقه توزیع کالا / بازاریابی
marketing budget	بودجه بازاریابی
marketing channel	مجرای بازاریابی (توزیع) ، کانال بازاریابی
marketing consultant	مشاور بازاریابی
marketing cost (expense)	

هزینه بازاریابی	
marketing cost variance	
انحراف هزینه بازاریابی	
marketing expense budget	
هزینه بازاریابی بودجه	
Marketing Management	
مدیریت بازار یابی	
marketing or selling costs	
هزینه بازاریابی یا فروش	
marketing policy	
روش بازاریابی	
marketing research	
تحقیق بازاریابی	
marketing vice president	
معاون / معاونت بازاریابی	
market-oriented enterprise activities	
فعالیت های مؤسسات اقتصاد بازار	
marketplace	
بازار	
marking	
تعدیل، علامت گذاشتن	
marking clerk	
نرخ گذار (در بورس)	
marking quotation	

Markov chain	قیمت گذاری، مزنه
markov chains	زنجیر مارکوف
Markov decision process	زنجیر های مارکوف
markov inequality	فرآیند تصمیم مارکوف
markov matrix	نابرابری مارکوف
markov polya distribution	ماتریس مارکوف
markov process	توزیع مارکوف-پولیا
markov property	فرآیند مارکوف
Markov shift	ویژگی مارکوف
markov's condition	تغییر جای مارکوف
markov's inequality	شرط مارکوف
markov's lemma	نامساوی مارکوف

لم مارکوف	
markov's theorem	
قضیه مارکوف	
markovian decision process	
فرآیند تصمیم مارکوف، فرآیند تصمیم گیری مارکوف	
markowitz model	
مدل تک شاخصی مدل مارکوویتز	
markup	
افزایش قیمت فروش	
mark-up	
میزان افزوده به قیمت هزینه کالا به منظور جبران سربار و کسب سود	
markup cancellation	
حذف افزایش	
marriage allowance	
کمک ازدواج	
martingale	
تنظیم مقادیر بر حسب دوره های زمانی	
mascheroni's constant	
ثابت ماسکرونی	
mask	
پوشش	
maskant	
پوشش مقاوم، ماسک	

masking	پوشش، روکش، روپوشانی
mass	جرم، مجموع، مقدار، توده
mass customization	سفارش سازی انبوه
mass defect	کاستی جرم
mass density	جرم مخصوص، جرم ثابت
mass function	تابع جرم
mass investment	سرمایه گذاری انبوه
mass market product	محصول پر فروش
mass number	عدد جرمی
mass of probability	جرم احتمال
Mass Production	تولید انبوه
mass production, large scale production	تولید انبوه

mass scale experiment	توده آزمایش ها
mass scale trial	توده آزمایش ها
mass servicing	سرویس گیری گروهی
mass spring system	دستگاه جرم و فنر
mass storage	انبارش توده ای، بایگانی، تل انباره
mass transport	نقل جرم
Master	اصلی
master accountant, senior accountant	حسابدار ارشد
master budget	بودجه جامع، بودجه اصلی
master budget plan	طرح بودجه جامع
master budget utilization	استفاده از بودجه جامع
master budget volume	ظرفیت مورد انتظار، تعیین ظرفیت مورد انتظار واحد

master control account	حساب کنترل اصلی (در دفتر کل برای دفاتر فرعی)
master file	پرونده اصلی
master grade	درجه شاخص
master of accounting	کارشناس / کارشناس ارشد حسابداری
master of business administration	کارشناس / کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی
master plan	برنامه کلان
master problem	مسئله مادر، مسئله اصلی
Master Production Schedule	جدول تولید اصلی
Master Production Scheduling	برنامه‌ریزی کلان تولید
master requisition	برگ درخواست از انبار
master schedule	برنامه زمانی کلان
Master Scheduling	زمانبندی کلان

master standing data file controls	کنترل‌های پرونده اصلی و اطلاعات پاتیا
master-budget utilization	استفاده از بودجه جامع
mat	بی جلا، شبکه، جفت کردن، در هم گیر انداختن
match	مطابقت دادن، تطبیق کردن
match plate pattern	مدل صفحه ای
matched	جور شده
Matched – Maturity transaction	نقل و انتقال با سررسیدی مشابه
matched pairs	زوج جور شده، جفت های جور شده، جفت های جور
matched samples	نمونه های همتا
matched variables	متغیرهای همتا
matching	مقابله، تطابق
matching concept	مفهوم (اصل) تعلق زمانی، اصل تطابق

matching concept of cost and income	تضمین هزینه با درآمد
matching distribution	توزیع جور شده ها
matching of cost with revenue	تطابق هزینه با درآمد
Matching payment	پرداخت متقابل
matching principle	اصل تطابق، اصل مقابله هزینه های هر دوره با درآمدهای همان دوره
matching problem	مسأله جور سازی
Matching rule	قاعده تطابق
matching variable	متغیر تنظیم کننده
mate	همراه
mate's receipt	رسید کاپیتان کشتی
material	کالای مادی، مواد اولیه، با اهمیت، عمده
Material asset value	

ارزش مادی دارایی	
material classification	
طبقه بندی مواد	
material damage	
خسارت مادی	
material effect	
اثر با اهمیت، تاثیر عمده	
material error	
اشتباه با اهمیت	
material goods	
مواد، کالا، جنس، کالای مادی	
material handing	
حمل و نقل مواد	
material handling	
جا به جایی، حمل مواد، مبادله مواد اولیه	
material hopper	
قیف مواد، قیفی مواد	
material impact	
تاثیر عمده / با اهمیت	
material implication	
استلزام مادی، استلزام منطقی	
material in amount	
مبلغ با اهمیت با اهمیت از لحاظ مبلغ رقم عمده	
material in process	

مواد در جریان ساخت	
material in transit	
مواد در راه	
material information	
اطلاعات مهم	
Material Issue	
صدور مواد – خروج مواد	
material issued	
مواد صادره	
material issued to product	
مواد صادره جهت تولید	
material ledger card	
کارت معین مواد	
material misstatement	
نادرست نمایی، تحریف عمده، تحریف با اهمیت	
material misstatements	
تحريفات بااهمیت تحريفات عمده	
material omission	
تقلب به صورت حذف تحریف با اهمیت	
material on site	
مواد و مصالح پای کار	
material price	
قیمت مواد	
material price variance	

انحراف نرخ مواد
material purchase price variance
انحراف نرخ خرید مواد اولیه
material quantity variance
انحراف مقدار مواد
material quantity variance = material usage variance
انحراف مصرف مواد
material related cost
هزینه مربوط به مواد
Material Request
درخواست مواد
Material Request Planning
برنامه‌ریزی درخواست مواد
material requirements planning
برنامه‌ریزی کالای مورد نیاز، طرح ریزی نیازمندی مواد
Material -Requirements Planning
برنامه‌ریزی مواد مورد نیاز
material requisition
درخواست مواد
material requisition from
برگ درخواست مواد
material requisition, material requisition form, material requisition record

Material Resource Planning	برگ دادخواست مواد
Material Return	برنامه ریزی منابع مواد
material returned	برگشت مواد
material returned to store	مواد برگشتی
material returned to supplier	مواد برگشتی به انبار
material revised board	مواد برگشتی به عرضه کننده
material specifications	برگ تجدید نظر مواد
material spoilage	خصوصیات مواد
material transfer	ریخت و پاش مواد
material transfer note	انتقال مواد
material usage	سند انتقال مواد
material usage variance	مصرف مواد

انحراف مصرف مواد	
material variance	
انحراف مواد	
material weakness	
ضعف با اهمیت، نقاط ضعف عمده	
material weakness in internal control	
ضعف با اهمیت در سیستم کنترل داخلی	
materiality	
اهمیت نسبی، با اهمیت بودن	
materiality concept	
مفهوم اهمیت	
materiality constraint	
محدودیت اهمیت	
materiality principle	
اصل اهمیت	
materialize	
مادی کردن	
materially misstated	
به طور با اهمیت تحریف شده، تحریف عمده	
materials	
مواد	
materials and services	
مواد و خدمات	
materials and supplies inventory	

انبار مواد خام و ملزومات
materials control
کنترل مواد
materials cost
بهای تمام شده مواد اولیه
materials handling costs
هزینه های نقل و انتقال / جابجایی مواد
materials inventory
موجودی مواد
materials inventory warehouse
انبار مواد خام
materials issued
صدور مواد
materials issued analysis sheet
برگ مشخصات ریز مواد
materials issued at an inflated price
مواد صادره به قیمتی بیش از قیمت خرید
materials issued in excess of requirements
مواد صادره زائد بر احتیاج
materials mix variance
انحراف ترکیب مواد
materials price variance
انحراف قیمت مواد
materials purchase budget

بودجه خرید مواد
materials purchased
مواد خریداری شده
materials quantity variance
انحراف مصرف مواد، واریانس کمیت مواد
Materials Requirements Planning
برنامه ریزی نیازمندیهای مواد
materials requirements planning (MRP)
برنامه ریزی مواد اولیه مورد نیاز
materials requisition
انحراف مصرف مواد، واریانس کمیت مواد
materials requisition (stores issue note; stores requisition)
درخواست مواد (از انبار)
materials requisition record
برگ درخواست مواد
materials usage budget
بودجه مصرف مواد
materials usage variance
انحراف مورد مواد
materials used
مواد مصرفی / مصرف شده
materials yield variance
انحراف بازده مواد

maternity	کمک هزینه ایام استراحت بارداری
maternity benefits	مزایای ایام استراحت بارداری
maternity leave	مرخصی ایمان
mathematical	از راه ریاضی، به طریق ریاضی، ریاضی
mathematical accuracy	صحت محاسباتی / ریاضی
mathematical analysis	آنالیز ریاضی
mathematical analysis of logic	تحلیل ریاضی منطق
mathematical axioms	اصول موضوع ریاضی
mathematical background	سابقه ریاضی
mathematical characterization	مشخص کردن معادلات ریاضی
mathematical definition	تعریف ریاضی
mathematical equation	معادله ریاضی

mathematical error	اشتباه ریاضی و محاسباتی
mathematical expectation	انتظار ریاضی، امید ریاضی
mathematical framework	چارچوب ریاضی
mathematical induction	استقرای کامل، استقراء ریاضی، استقرای ریاضی
mathematical logic	منطق نمادی، منطق ریاضی
mathematical mode	مدل ریاضی
mathematical model	مدل ریاضی، قالب ریاضی، نمونه ریاضی، مدل ریاضی
mathematical necessity	ضرورت ریاضی
mathematical object	شیء ریاضی
mathematical operation	عمل ریاضی
mathematical optimization	بهینه سازی ریاضی
mathematical physics	فیزیک ریاضی

mathematical point	نقطه هندسی
mathematical point of view	نظرگاه ریاضی
mathematical probability	احتمال ریاضی، امکان ریاضی
mathematical problems	مسائل ریاضی
mathematical programming	برنامه ریزی ریاضی
mathematical recreations	تفریحات ریاضی
mathematical statistical model of experiment	مدل آماری-ریاضی آزمایش
mathematical statistics	آمار ریاضی
mathematical structure	ساختار ریاضی / محاسباتی
mathematical symbols	نماد های ریاضی
mathematical system	دستگاه ریاضی
mathematical theory of relativity	نظریه ریاضی نسبیت

mathematically	به طور ریاضی، به طریق ریاضی
mathematician	ریاضیدان، ریاضی دان
mathematics	ریاضیان، ریاضی
mathieu's differential equation	معادله دیفرانسیل ماتیهو
mating	به هم خوردن، جفت شدن
mating surfaces	سطوح مماس
matrices	ماتریس ها، آرایه ها
matrices addition	جمع ماتریس ها
matrices group	گروه ماتریس ها
Matrix	ماتریس
matrix addition	جمع ماتریس ها، جمع ماتریس
matrix adjoint	ماتریس الحاقی

matrix algebra	جبر ماتریس ها
matrix calculus	حساب ماتریس ها، حساب ماتریسی
matrix characteristic	مشخصه ماتریسی
matrix definition	تعریف ماتریس
matrix determinant	دترمینان ماتریس
matrix diagonal	قطر ماتریس
matrix dimension	بعد ماتریس
matrix elementary	عناصر ماتریس
matrix equation	معادله ماتریسی
matrix game	بازی ماتریسی، بازی مستطیلی
matrix gauge	اندازه گیر مرکب
matrix generator	مولد ماتریس

matrix inversion	مکعوس کردن ماتریس
matrix line printer	چاپگر خط ماتریسی
matrix multiplication	ضرب ماتریس ها
matrix of an endomorphism	ماتریس یک در سانی
matrix of change of base	ماتریس تغییر پایه، ماتریس تبدیل مبنا، ماتریس تبدیل پایه
matrix of coefficients	ماتریس ضرایب ها
matrix of correlation coefficients	ماتریس ضرایب همبستگی
matrix of covariance	ماتریس کوواریانس
matrix of eigenvalues	ماتریس ریشه های راکد
matrix of latent roots	ماتریس ریشه های راکد
matrix of linear transformation	ماتریس یک تبدیل خطی
matrix of losses	ماتریس زیان ها

matrix of transition probability	ماتریس احتمال انتقال
matrix operations	عملیات ماتریس
matrix permutation	ماتریس تبدیل
matrix polynomial	چندجمله ای ماتریسی
matrix printer	چاپگر ماتریسی
matrix product	حاصل ضرب ماتریس
matrix rank	رتبه ماتریس
matrix representation	نمایش ماتریسی
matrix representing	ماتریس نمایش
matrix ring	حلقه ماتریسی
matrix statistical model	مدل ماتریس آماری
Matrix Structure	ساختار ماتریسی

matrix theory	نظریه ماتریس ها
matrix thread gauge	رزوه سنج مرکب
matrix unit	یکا ماتریس
matrix with complete rank	ماتریس با رتبه کامل
matter	ماده
mature economy	اقتصاد بدون رشد
Matured	سررسید شده
matured bill	برات سررسیده
matured claims	مطالبات سررسیده
matured debt (liability)	بدهی سررسیده
maturing	در حال سررسید
maturing (debt-liability)	بدهی در حال سررسید

maturing loan	وام در حال سررسید
maturity	سررسید، تاریخی که یک بدهی به سررسید می رسد
maturity amount	مبلغ در سررسید
maturity basis	مبنای محاسبه
maturity date	تاریخ سررسید
maturity of debt	موعد پرداخت بدهی
maturity of loan	تاریخ پرداخت وام
maturity stage	مقطع تاریخ سررسید و عده سررسید
maturity value	مبلغ بدهی هنگام سررسید، ارزش سررسید، ارزش در سررسید
maturity value of debt	ارزش سررسید بدهی
maturity yield	بازده تا سررسید، ارزش سررسید، ارزش در سررسید، ارزش اسمی
maxcimal basic rectangle	

	مستطیل اساسی ماکسیمال
maxheap	
	درخت حافظه پویای ماکسیمم
maxi minimum	
	ماکسی-مینیمم
maxima	
	حداکثر، حداکثر حداکثر ها
maximal	
	ماکسیمال
maximal basic rectangle	
	مستطیل اساسی، مستطیل اساسی ماکسیمال
maximal concentration function	
	تابع تمرکز ماکسیمال
maximal deficiency	
	ناکارایی ماکسیمال
maximal element	
	عنصر ماکسیمال، عضو ماکسیمال
maximal ideal	
	ایده آل بیشین، ایده آل ماکسیمال
maximal linearly ordered subset	
	زیر مجموعه مرتب خطی ماکسیمال
maximal member	
	عنصر ماکسیمال، عضو ماکسیمال
maximal member of a set	

عضو بیشینه یک مجموعه	
maximal prime divisor	
مقسوم علیه اول ماکسیمال	
maximal subset	
زیر مجموعه بیشینه	
maximal subspace	
زیر فضای ماکسیمال	
maximal subword	
زیر کلمه ماکسیمال	
maximality	
بیشتر بودن، مهینی	
maximax	
ماکزیمم ماکزیمم ها، حداکثر حداکثر ها، بیشترین بیشترین ها	
maximax criterion	
معیار ماکسیماکس	
maximin	
بیشترین کمترین ها، بیشینه کمینه، حداکثر حداقل ها، ماکزیمم مینیمم ها	
maximization	
بیشینه سازی	
maximization of contribution margin, contribution margin maximization	
حداکثر کردن حاشیه فروش	
maximization of income	

حداکثر کردن درآمد	
maximize	
به حداکثر رساندن	
maximize investment	
سرمایه گذاری حداکثر	
maximize return on investment	
به حداکثر راندن بازده سرمایه گذاری	
maximizing price	
حداکثر سازی قیمت	
Maximum	
حداکثر	
maximum (Max)	
حداکثر، بیشترین	
maximum and minimum stock	
حداکثر و حداقل موجودی در انبار	
maximum capacity	
حداکثر ظرفیت	
maximum decrease	
کاهش ماکزیمم	
maximum efficiency	
حداکثر کارایی	
maximum efficiency rate	
ضریب حداکثر کارایی	
maximum element	

بزرگ ترین عنصر، عنصر ماکسیم
maximum flow model
مدل حداکثر جریان ارسال، مدل ارسال ماکزیم
maximum height
حداکثر ارتفاع، ارتفاع اوج
maximum increase
افزایش ماکزیم
maximum invariant subgroup
زیرگروه ثابت ماکزیم
maximum length
طولانی ترین طول، حداکثر طول
maximum likelihood
حداکثر احتمال، احتمال رخداد حداکثر، حداکثر درستنمایی
maximum likelihood estimate
برآورد راست نمایی ماکزیم، برآورد حداکثر درست نمایی
maximum likelihood estimation
برآورد درستنمایی ماکسیم، برآورد کننده درستنمایی ماکسیم، برآورد بر اساس درست نمای بیشینه
maximum likelihood estimator
برآورد کننده درستنمایی ماکسیم
maximum likelihood method
روش درست نمایی ماکسیم، روش حداکثر درست نمایی
maximum modulus principle
قضیه ماکسیم قدر مطلق، اصل ماکسیم قدر مطلق

maximum modulus theorem	قضیه حداکثر قدر مطلق
maximum pensions	حداکثر مستمری ها
maximum period of payment	حداکثر دوره بازپرداخت
maximum point	نقطه اوج، نقطه بیشینه، نقطه حداکثر، نقطه ماکزیمم
maximum point on a curve	نقطه اوج یک منحنی
maximum price, highest price	قیمت ماکزیمم (حداکثر)
maximum pricing	قیمت گذاری حداکثر
maximum principle	اصل ماکسیمم
maximum revenue	ترکیب درآمد حداکثر
maximum standard deviation	حداکثر انحراف معیار
maximum stock	موجودی حداکثر
maximum stock level holding	حداکثر سطح نگهداری موجودی

maximum transfer price	بالاترین قیمت انتقالی
maximum utility	ماکزیم سودمندی
maximum value flow model	مدل ماکزیم ارزش حاصل
Max-Loss	حداکثر واحد خرد
maxterm	جمله ماکسیم
Maxwell Boltzmann distribution	توزیع ماکسول-بولتسمان
Maxwell convention	قرارداد ماکسول
maxwell convection	قرارداد ماکسول
meager	لاغر
meager set	مجموعه رسته اول
meal allowance	فوق العاده غذا
mean	میانگین، متوسط

mean absolute deviation	میانگین قدر مطلق انحرافات
mean age	میانگین سنی
mean and extreme ratio	نسبت ذات وسط و طرفین
mean and range of card	میانگین و دامنه تغییرات کارت
mean average	مقدار متوسط
mean axis of ellipsoid	محور متوسط بیضی گون
mean convergence	همگرایی میانگین، تقارب میانگین
mean curvature	خمیدگی میانگین
mean deviation	انحراف میانگین
mean difference	تفاضل میانگین، میانگین قدر مطلق تفاضل ها
mean distance	فاصله میانگینی، میانگین حداکثر و حداقل فاصله یک سیاره از قمر آن، فاصله متوسط
mean effective value	

مقدار مؤثر متوسط	
mean error	
خطای میانگین	
mean estimation	
برآورد میانگین	
mean life	
عمر، عمر میانگین، عمر متوسط	
mean lifetime	
عمر متوسط	
mean normal curvature	
انحنای میانگین	
mean of data	
میانگین داده ها	
mean ordinate	
مقدار متوسط تابع، عرض متوسط	
mean per unit estimator	
برآورد میانگین در هر واحد	
mean per unit measurement	
اندازه گیری (برآورد) میانگین هر واحد	
mean proportional	
واسطه هندسی	
mean proportional between two numbers	
واسطه هندسی دو عدد	
mean rank method	

روش میانگین رتبه ها	
mean recurrence time	
میانگین زمان برگشت	
mean return	
بازده مورد انتظار	
mean solarday	
روز متوسط خورشیدی	
mean square	
میانگین مجذور ها، پراش	
mean square approximation	
تقریب میانگین مربعی	
mean square deviation	
میانگین مربع انحراف ها	
mean square error	
میانگین مربع خطاها	
mean square errors	
میانگین توان دوم خطا ها	
mean terms of proportion	
وسطین تناسب	
mean time to failure	
زمان متوسط تا خرابی	
mean time to repair	
متوسط زمان تعمیر	
mean value	

مقدار میانی، مقدار متوسط، مقدار میانگین	
mean value formula	
دستور مقدار میانگین	
mean value of a function	
مقدار میانگین تابع، مقدار میانگین یک تابع	
mean value theorem	
قضیه واسطه، قضیه مقدار میانی	
mean value theorem for integral	
قضیه مقدار میانی برای انتگرال	
mean value theorem of the differential calculus	
قضیه مقدار میانی حساب دیفرانسیل	
mean value theorems	
قضیه های مقدار میانگین	
mean variance	
واریانس میانگین	
mean vector	
بردار میانگین	
meaningless	
بی معنی	
mean-per-unit measurement	
اندازه گیری (برآورد) میانگین هر واحد	
meanpoint	
نقطه میانگین، نقطه میانی	
meanproportional	

	واسطه هندسی
means	
	وسایل
means of clearing	
	وسایل (اسناد) واریز و تسویه
means of control	
	ابزارهای کنترل
means of entry	
	وسیله ثبت در دفتر
means of payment	
	وسایل پرداخت
means of transportation	
	وسایل حمل و نقل
means that	
	به این معنی است که
measurability	
	قابلیت اندازه گیری
measurable	
	اندازه پذیر
measurable cardinal number	
	عدد اصلی اندازه پذیر
measurable channel	
	کانال اندازه پذیر
measurable cover	

	پوشش اندازه پذیر
measurable event	
	پیشامد تصادفی، پیشامد اندازه پذیر
measurable function	
	تابع اندازه پذیر
measurable kernel	
	هسته اندازه پذیر
measurable set	
	مجموعه اندازه پذیر
measurable space	
	فضای اندازه پذیر
measure	
	سنجیدن، اندازه گرفتن
measure a distance	
	فاصله یابی کردن
measure of a set	
	اندازه یک مجموعه
measure of center	
	اندازه مرکزیت
measure of distribution	
	اندازه پراکندگی
measure of intensity of dependency of events	
	اندازه شدت وابستگی حوادث
measure of kurtosis	

اندازه کشیدن	
measure of length	
مقیاس طول	
measure of probability	
اندازه احتمال	
measure of set	
اندازه مجموعه	
measure of size	
اندازه حجم	
measure of variations	
اندازه تغییرات	
measure of volume	
گنجا، اندازه حجم	
measure preserving transformation	
تبدیل حافظ اندازه	
measure space	
فضای اندازه	
measure theory	
نظریه اندازه	
measure unit	
واحد اندازه گیری	
measure zero set	
مجموعه صفر، اندازه	
measured	

	سنجیده
measured goods	کالای اندازه گیری شده
measureless	بی اندازه
Measurement	سنجش
measurement attributes	خاصه های اندازه گیری
measurement concept	مفهوم اندازه گیری
measurement cost	هزینه اندازه گیری
measurement date	تاریخ محاسبه
measurement error	خطای اندازه گیری
measurement in terms of money	اندازه گیری در قالب پول
Measurement of Performances	اندازه گیری عملکرد
measurement of revenue	اندازه گیری درآمد عملیاتی
measurement process	

فرایند اندازه گیری
measurement standards
استاندارد های اندازه گیری
Measurement Unit
واحد سنجش
measurement, evaluation
سنجش یا اندازه گیری
measures of central tendency
اندازه های گرایش به مرکز، اندازه های تمایل به مرکز، مقادیر متمایل به مرکز، مشخص کننده های مرکزی، سنجیده های گرایش به مرکز
measures of dispersion
معیار های پراکندگی
measures of risk aversion
معیار های ریسک گریزی
measures of standards
استاندارد های اندازه گیری
measures of variability
اندازه های تغییر پذیری
Measuring
اندازه گیری
measuring unit
واحد اندازه گیری
Mechanic

	مکانیک
mechanical	
	مکانیکی
mechanical ability	
	توان مکانیکی، توانایی مکانیکی
mechanical accuracy test	
	آزمون صحت مکانیکی
mechanical advantage	
	مزیت مکانیکی
mechanical comprehension	
	درک مکانیکی، ادراک فنی
mechanical drawing	
	رسم فنی، ترسیم بوسیله ابزار مکانیکی، رسم مکانیکی
Mechanical Engineering	
	مهندسی مکانیک
mechanical fastening	
	بستن مکانیکی
mechanical tape reader	
	نوار خوان مکانیکی
mechanics	
	مکانیک
mechanics rules	
	قوانین مکانیک
mechanism	

مکانیزیم، مکانیسم، سازوکار	
mechanized accounting system	
سیستم حسابداری ماشینی	
mechanized accounts	
حساب های مکانیزه	
mechanized data processing	
پرورس داده ها به طور مکانیزه، داده پردازی مکانیزه	
mechanized operation	
عملیات مکانیزه	
mecro miniaturization	
تفکیک سازی میکرومتری	
Media	
وسایل ارتباط جمعی	
medial	
میانی	
medial triangle	
مثلث میانک	
median	
میانه توزیع، عدد وسط	
median class	
طبقه میانه	
median in statistics	
میانه، عنصر میانی	
median location	

میانگین جایابی	
median of a trapezoid	میانه ذوزنقه، میان خط ذوزنقه
median of a triangle	میانه مثلث
median parameters	پارامتر های میانه
median point of a triangle	نقطه میانی مثلث
median ratio	نسبت میانه
median regression line	خط رگرسیون میانه
medical insurance	بیمه درمانی
medium	دنده متوسط، رابط، محیط، پیرامون، متوسط، واسطه، وسیله، معتدل، میانجی، رسانه
medium fit	انطباق متوسط
medium force fit	انطباق با نیروی متوسط
medium frequency	میان بسامد

medium hard steel	فولاد نیم سخت
medium of exchange	وسیله مبادله
medium range	میان مدت
medium range planning	برنامه ریزی میان مدت
medium ratio	نسب میانه
medium size	متوسط
medium size entities	واحدهای اقتصادی متوسط
Medium term	میان مدت
medium wave	موج متوسط
medium-size company	شرکت متوسط
medium-term capital	سرمایه میان مدت
medium-term contract	پیمان میان مدت

medium-term forecast	پیش بینی میان مدت
meet	ارضا کردن، صدق کردن، برآوردن، انجام دادن، برخورد کردن، تلاقی، برخورد، قطع کردن، تماس، واژه، قدیمی برای مقطع
meet irreducible	تحویل ناپذیر تماسی
meet irreducible element	عنصر تحویل ناپذیر تماسی
meet of elements in a lattice	تماس عنصر ها در مشبک
meet of sets	تماس مجموعه ها، اشتراک مجموعه ها
meet of two sets	مقطع دو مجموعه، اشتراک دو مجموعه، قدر مشترک دو مجموعه
Meeting	جلسه- ملاقات
mega	پیشوندی به معنی یک میلیون
mellin transform	تبدیل ملین
melt temperature	دمای ذوب
melting range	

	طیف ذوب، دامنه ذوب
melting rate	
	میزان ذوب، نرخ ذوب، سرعت ذوب
Member	
	عضو
member corporation	
	شرکت عضو
member of a set	
	عضو یک مجموعه
member of set	
	عضو مجموعه
member of the association of accounting technicians (MAAT)	
	عضو انجمن تکنسین های حسابداری انگلستان
member organization	
	ثبت بصورت یادداشت
member takedown	
	تخفیف بین اعضا
member's entrance fee	
	حق ورودیه عضو
members of an equation	
	عضو های یک معادله
members' voluntary Liquidation (members' voluntary winding-up)	

Membership	عضویت
membership problem	مسأله عضویت
membership symbol\	نماد تعلق، نماد عضویت
membrane	غشاء
membrane	غشاء
memonic	یادآور
memorandum account	حساب یادداشتی (توضیحی)
memorandum of association	اساس نامه
memorandum of financing	برگ تامین وجوه
memorandum reconciliation account	حساب آماري تطبيق حساب ها
memorize	ذخیره کردن
memory	

تغذیه کننده، حافظ، یاد	
memory capacity	
گنجایش حافظه	
memory location	
خانه حافظه	
memory store	
مخزن حافظه	
memoryless	
بی حافظه، فاقد حافظه، بدون حافظه	
menelaus theorem	
قضیه منلائوس	
meniscus	
هلال یا جسم هلالی شکل، عدسی از یک سو مقعر و از سوی دیگر محدب، سطح محدب یا مقعر	
mensuration	
اندازه گیری، پیمایش	
mental activity	
فعالیت فکری	
mental arithmetic	
حساب ذهنی، محاسبه ذهنی	
mental attitude	
نگرش ذهنی بیطرفانه استقلال رای	
mental fatigue	
فرسایش ذهنی، خستگی فکری، فرسودگی	

mention	اشاره کردن، بیان شدن
Menu	منو
menu planning problem	مسأله برنامه غذایی، مسأله طراحی برنامه غذایی
meokurtic	منحنی با درجه مناسب کشیدگی
mercantile agent	نماینده تجاری، کارگزار، عام
mercator projection	تصویر مرکاتور، نقشه مرکاتور
merchandise	کالای تجاری، موجودی کالا
merchandise advance	پیش پرداخت کالا
merchandise in transit	کالای بین راه
merchandise inventory	موجودی کالا
Merchandise purchased	کالای خریداری شده
merchandise returned to home office	کالای برگشتی به اداره مرکزی

merchandise turnover = inventory turnover	
(دفعات) گردش موجودی کالا، دوره گردش موجودی کالا	
Merchandising business	
	شرکت فروشنده کالا
merchandising company	
	شرکت بازرگانی
merchandising operations	
	عملیات / فعالیت بازرگانی
merchandising sector companies	
	شرکتهای (بخش) بازرگانی
merchant bank	
	بانک تجاری
merchant books	
	دفاتر تجاری
merchant wholesaler	
	عمده فروش
merchant, businessman, trader	
	بازرگان، تاجر
merchantable	
	قابل معامله، قابل فروش
mercury	
	سیاره عطارد، جیوه
merely	
	فقط، صرفاً

merge	در آمیختگی، ادغام کردن، ترکیب کردن، قاطی کردن، اختلاط اطلاعات، به طور ردیفی، پوشش
merge bias	جابجایی در آمیختگی
merge event	واقعه پوششی
merge relationship	رابطه در آمیختگی
merger	جذب ادغام
merger and acquisition	ادغام و تملیک
merging audit evidence	ادغام شواهد حسابرسی
meridian	نصف النهار
meridian of a surface of revolution	نصف النهار رویه دورانی
meridian of celestial sphere	نصف النهار کره سماوی
meridian of earth	نصف النهار زمین
meridian plane	

	صفحه نصف النهاری
merit bad	
	کالای مضر
merit pay	
	کارانه
merit rate	
	درجه شایستگی
merit rate of employee	
	درجه شایستگی کارمند
meromorphic	
	برخه ریخت
meromorphic function	
	تابع برخه ریخت، تابع مروفورفیک، تابع برخه ریخت
meromorphism	
	برخه ریختی
Mersenne number	
	عدد مرسن
mersenne numbers	
	اعداد مرسن
mersenne prime number	
	عدد اول مرسن
mersenne prime numbers	
	اعداد اول مرسن
mertens theorem	

	قضیه مرتنس
mesh	تور مانند، مشبک کردن، شبکه، سوراخ، جور شدن، گیر انداختن
mesh of a covering	قطر پوشش
mesh size	چشمه غربال
mesne	وسطی، میانی
message	خبر، پیام فرستادن، پیغام، پیام، مکالمه
message switching	مبادله پیام یا اطلاعات
meta	پیشوندی به معنای فوق، متا، ماوراء
meta mathematics	متا ریاضیات، ماوراء ریاضی
meta system	مابعدالاستگاه
meta theorem	مناقضیه، ماوراء قضیه
metadiscriminant	فوق مبین
metal spraying	

	بارش فلزی، فلز پاشی
metalanguage	
	شبه زبان، ماوراء زبان
metallic yield	
	محصول فلزی، باردهی فلزی
metallurgy	
	فلزکاری، متالورژی
metallogic	
	فوق منطق، شبه منطق، ماوراء منطق
metamathematical	
	متا ریاضی
metamathematics	
	فرا ریاضیات، فرا ریاضی
metaproof	
	فوق دلیل، متا دلیل
metastale	
	فوق پایدار
metatheorem	
	فوق قضیه
metavariable	
	فوق متغیر، متا متغیر
Metayer contract	
	قرار داد مزارعه
meter	

metering device	متر، معادل ۳۹/۳۷ اینچ، سنجه
method	وسیله سنجش
method of accounting for treasury stock	روش حسابداری سهام خزانه
method of calculation	روش محاسبه
method of disks	روش قرص ها
method of exhaustion	روش اشباع، روش افنا
method of false position	روش موقعیت نادرست
method of fitting constants	روش برازاندن ثابت ها، روش برازش ثابت ها
method of intersection	روش برش
method of least squares	روش حداقل مربعات
method of linearization	روش خطی سازی
method of measurement	

روش اندازه گیری	method of neglect
روش اغماض	method of paried comparison
روش مقایسه مزدوج	method of penalty
روش جریمه	method of pivot selection
روش انتخاب پاشنه	method of pricing goods dispatched
روش قیمت گذاری محصول ارسالی	method of quadrature in differential equations
روش حل معادله های دیفرانسیل با انتگرال گیری	method of shells
روش غشاء ها	method of successive approximation
روش تقریب متوالی	method of successive approximations
روش تقریب های پیاپی	method of successive bisection
روش دو نیم سازی متوالی	method of successive bisections
روش تنصیفات متوالی	method of successive iteration

روش تکرار متوالی	
method of the auxiliary hypothesis	
روش فرض کمکی	
method of undetermined coefficients	
روش ضرایب نامعین، روش ضرایب مبهم، روش ضرایب نامعلوم	
method of valuation	
روش ارزیابی	
method of valuing	
روش تعیین ارزش	
method of variation of constants	
روش تغییرات مقادیر ثابت	
method of variation of parameters	
روش تغییر اعداد ثابت، روش تغییر پارامترها	
method of washers	
روش واشرها	
method study	
مطالعه روش	
methodology	
روش شناسی	
methods analysis	
تحلیل روشها	
methods engineering	
مهندسی روشها	

methods improvement	بهبود روش ها
methods of absorbing overhead	روش های جذب سربار
methods of accounting for treasury stock	روش های حسابداری سهام خزانه
methods of allocation	روش های تخصیص
methods study	مطالعه روش ها، بررسی روش ها
meticulous calculation	محاسبه بسیار دقیق
metoorite	سنگ آسمانی
metre	متر
metric	متریک، سنجه ای، فاصله ای، تابع فاصله، متری
metric geometry	هندسه متری، هندسه متریک
metric invariant	ناوردای متریک
metric space	فضای متری، فضای فاصله ای، فضای متریک

metric subspace	زیر فضای متریک، زیر فضای فاصله ای
metric system	دستگاه فاصله ای، دستگاه متریک
metric tensor	تانسور متریک، تانسور اصلی
metric theory of function	تئوری متریک تابع
metric value	اندازه کمی
metric vector space	فضای برداری متریک
metric vernier caliper	کلیس ارتفاع سنج
metrizable	متریک پذیر، متری پذیر
metrizable space	فضای فاصله پذیر، فضای متری شدنی، فضای متریک پذیر
metrization theorem	قضیه متریک سازی
metrology	تخصص اندازه گیری، علم اندازه گیری، سنجه شناسی
micro	جزء، خرد، پیشوندی به معنی یک میلیونیم

micro political risk	ریسک سیاسی در سطح خرد
micro structure	ساختمان ذره ای، ریز ساختمان
microcomputer	ریز کامپیوتر، خرد کامپیوتر، ریز رایانه، ریز رایانگر
microeconomics	اقتصاد خرد
microeconomy	اقتصاد خرد، اقتصاد میکرو
microhardness	ریز سختی، سختی ریز
micrometer	ریز سنج
micrometer caliper	ریز سنج، میکرومتر، اندازه گیر میکرومتر
micrometer depth gage	میکرومتر عمق سنج، عمق سنج میکرومتری
micron	یک هزارم میلیمتر، میکرون
microprocessor	خرد آما، داده پرداز، ظریف، ریز پردازنده، میکرو پروسور
microstructure	ساختمان ذره ای

microwave	موج ریز
mid	پیشوندی به معنی وسط
mid line	خط واصل اوساط، دو ساق دوزنقه، خط میانه
mid point	نقطه وسط، نقطه میانی
mid range	میان دامنه، میان برد
mid year population	جمعیت وسط سال
mid-day work	کار نیمه روزه
middle	میانی، میان، وسط
middle level management	مدیریت سطح (رده) میانی
middle management	مدیریت سطح میانی
middle manager	مدیر واسطه
middle paragraph explanatory, paragraph	بند توضیحی (گزارش)

middle point	میانگاه، وسط
middle term	حد اوسط، حد وسط
Middleman	واسطه
middleman, broker	واسطه، کارگزار
middling	میانی
middlingly	به طور میانی
midland	بین النواحی
midmost	دقیقا واقع شده در وسط، وسط ترین
midperpendicular	عمودمنصف
midpoint	نقطه میانی
midpoint formula	فرمول نقطه میانی
midpoint of a line segment	وسط پاره خط

midpoint rule	قاعده میانگاهی
midrange	نیم دانه
midst	قسمت وسط
midway	وسط، نیمه راه
mile	واحد طول معادل ۲۵۸۰ فوت یا ۱۶۰۹ متر، میل، مایل
mileage	کرایه به میل، مسافت پیموده شده به میل
Mileage cost	هزینه سفر به مایل
milestone	واقعه مهم، منزلگاه، شاخص کار، پایان نما، برهه
milestone event	رویداد شاخص
milestone network	شبکه شاخص
milky	شیری
milky way	راه شیری

milkyway	راه شیری
mill	سنگ شکن، کارخانه، فرز، دستگاه پرداخت، آسیا
mille	هزار
miller modigliani (mm) approach	روش / دیدگاه میلرو مودیلیانی
milli	یک هزارم، پیشوندی به معنی یک هزارم
milliard	میلیارد، هزار میلیون، ۱۰۹
milliard (billion)	میلیارد
millin transform	تبدیل ملین
million	میلیون، هزار هزار، ۱۰۶
mimic	تقلید کردن
min max method	روش حداقل حداکثر
min max technique	تکنیک مینیماکس

min-based system pricing	سیستم قیمت گذاری تحویل کارخانه
minding	تصور، انگاشت
mineral	معدنی
mineral reserves	ذخایر معدنی
mineral resources	ذخایر معدنی
mineral rights	حق بهره برداری از معادن
mineur	اصغر
mineure	صغری
minheap	درخت حافظه پویای مینیم
mini max approximation	تقریب مینی ماکس
mini maximum	مینی ماکسیمم
miniamal rule	روش برآزش

miniature	ظریف، کوچک
minicase	رخدادک
minicomputer	کامپیوتر کوچک، ریزکامپیوتر، مینی کامپیوتر
minima	حداقل
minimal	کمین، مینیمال، حداقل، کوچکتر، کهنه، اقل، کمینه
minimal basis	پایه مینیمال
minimal boolean expression	عبارت بولی مینیمال
minimal cover	پوشش مینیمال
minimal curve	خم مینیمال
minimal element	کمترین عضو، عضو کمینال، عنصر مینیمال، عضو مینیمال
minimal equation	معادله مینیمال
minimal extension	توسیع کهن

minimal form	صورت مینیمال
minimal generating set	مجموعه تولید کننده کهن
minimal ideal	ایدال مینیمال
minimal left ideal	ایده آل چپ مینیمال
minimal member	عضو مینیمال
minimal polynomial	چند جمله ای مینیمال، کثیر الجمله کهنه
minimal prime divisor	مقسوم علیه اول مینیمال
minimal prime ideal	ایده آل اول مینیمال
minimal right ideal	ایده آل راست مینیمال
minimal spanning tree	درخت فراگیر حداقل
minimal sufficiency	کیفیت مینیمال
minimal sum	مجموع مینیمال، حاصل جمع مینیمال

minimal sum form	صورت مجموع مینیمال
minimal sum of product form	صورت مجموع حاصل ضرب های مینیمال
minimal sums	حاصل جمع مینیمال
minimal surface	رویه مینیمال
minimal surface method	رویه کمترین مساحت
minimal tree	درخت مینیمال
minimality	کهنی
minimax	مینیماکس
minimax criterion	ملاک مینیماکس
minimax decision function	تابع تصمیم مینیماکس
minimax estimate	برآورد اقل اکثر
minimax point	نقطه زین اسبی

minimax property	خاصیت مینی ماکس
minimax regret	مینیمم حداکثر زیان
minimax rule	قاعده مینی ماکس
minimax solution	تابع تصمیم مینیماکس
minimax strategy	استراتژی مینیماکس، خط مشی مینیماکس
minimax technique	تکنیک مینیماکس، تقریب چبیشف، روش مینیماکس
minimax theorem	قضیه مینیماکس
minimax theory	نظریه مینی ماکس
minimization	کمینه سازی
minimization of cost	حداقل کردن بهای تمام شده
Minimum	حداقل
minimum acceptable rate of return	حداقل نرخ بازده قابل قبول

Minimum cash requirement	حداقل موجودی نقدی قانونی
Minimum cashratio	حداقل قیمت نقد
minimum element	عنصر مینیمم، عنصر کمینه، عنصر کهنه
minimum height	حداقل ارتفاع
minimum initial investment	حداقل سرمایه گذاری اولیه
minimum lease payments	حداقل پرداختی های اجاره حداقل اقساط اجاره
minimum level of cash	حداقل سطح موجودی نقد
minimum level of cash holding	حداقل سطح نگهداری موجودی نقد
minimum liability	حداقل بدهی
minimum modulus principle	اصل کالبد مینیمم
minimum moment	گشتاور حداقل
minimum old age pension	حداقل مستمری بازنشستگی

minimum path	کوتاهترین مسیر
minimum point	نقطه حداقل، نقطه مینیمم
minimum principle	اصل حداقل
minimum qualifications	حداقل شرایط لازم
minimum ratio test	آزمون مینیمم کسر
minimum requirements	حداقل شرایط لازم
minimum transfer price	کمترین قیمت انتقالی
minimum traveling time	حداقل زمان پیمایش
minimum variance estimator	برآورد کننده مینیمم
minimum variance set	مجموعه ای از پرتفوی هایی که با توجه به نرخ بازده مورد انتظار خود، کمترین ریسک را دارند
minimum variation	حداقل تغییر
minimum wage legislation	

قانون حداقل دستمزد	
minimum wage rate	
حداقل نرخ دستمزد	
Ministry	
وزارتخانه	
Ministry of Agriculture	
وزارت کشاورزی	
Ministry Of Commerce	
وزارت بازرگانی	
ministry of cooperative	
وزارت تعاون	
Ministry of Culture and Higher Education	
وزارت فرهنگ و آموزش عالی	
Ministry of Defense	
وزارت دفاع	
Ministry of Economic Affairs and Finance	
وزارت امور اقتصادی و دارایی	
ministry of economic and finance	
وزارت امور اقتصادی و دارایی	
Ministry of Energy	
وزارت نیرو	
ministry of finance	
وزارت دارایی	
Ministry of foreign Affairs	

وزارت امور خارجه
Ministry of Health and Welfare
وزارت بهداری و بهزیستی
Ministry of Housing
وزارت مسکن
Ministry of Interior
وزارت کشور
ministry of labor and social affairs
وزارت کار و امور اجتماعی
Ministry of Post Telegraph and Telephone
وزارت پست و تلگراف و تلفن
Ministry of Road and Transportation
وزارت راه و ترابری
minkowski reduction theory
نظریه تحویل مینکوفسکی
min-max method, high-low method
روش حداقل، حداکثر
minor
کهاد، کوچک، کوچکتتر، کھین، اقصر
minor a determinant
کھین یک دترمینان
minor accountant, auditor, accountant assistant
کمک حسابدار (حسابدار جزء)، کمک حسابدار
minor arc

قوس اقصر، کمان کوچکتر	
minor arc of a circle	
قوس کوچکتر دایره	
minor axis	
محور اقصر	
minor axis of an ellipse	
قطر اقصر بیضی، محور اقصر بیضی	
minor defect	
عیب جزئی، نقص جزئی	
minor defects	
نواقص جزئی	
minor determinant	
دترمینان کهاد، دترمینان جزء، معین فرعی، دترمینان جزء، زیر دترمینان	
minor diameter	
قطر کوچک	
minor of a determinant	
کهاد دترمینان	
minor of a matrix	
کهاد ماتریس	
minor of an element in a determinant	
کھین یک عنصر در دترمینان	
minor of matrix	
ماتریس جزء زیر ماتریس، مینور ماتریس، کھین ماتریس	

minor premise	صغرای قضیه، صغری
minor premiss	صغری
minor sector	قطاع کوچکتر
minor segment	قطعه کوچکتر
minor term	جمله کوچک، حد اصغر
minor works	کارهای جزئی
minorant	مادون، پائین، کهنتر
minore	کمیده، کهنین دار
minorer	کمیدن، فروبستن
minority active investment	سرمایه گذاری فعال اقلیت
minority inactive investment	سرمایه گذاری غیرفعال اقلیت
minority interest	حقوق سهامداران اقلیت منافع اقلیت

minority interest income	سود سهامداران اقلیت
minority of shareholders	اقلیت صاحب سهام
minority shareholders, minority stockholders	صاحبان سهام اقلیت
minority shareholders' right (mterest)	حقوق صاحبان سهام اقلیت
minority stock holders	سهامداران جزء سهامداران اقلیت
minority stockholders	سهامداران / صاحبان سهام اقلیت سهامداران اقلیت
minorized	کهنتر شده، کهاد شده
minors of order r	مینور های مرتبه r
Mint	ضرابخانه
Mint par	برابری ضرب
Mint Planning	برنامهریزی مواد مورد نیاز
mintage, seigniorage	حق الضرب

minterm	جمله مینیم
minterm canonical form	صورت متعارف جمله مینیم
minuend	مفروق منه
minus	منها، منفی
minus infinity	منهای بینهایت
minus lable arrow	پیکان با برچسب منفی
minus sign	علامت منها
minus tolerance	تلرانس منفی
minute	صور تجلسه
minute book of board of directors	دفتر خلاصه مذاکرات هیئت مدیره
minute book of general meeting	دفتر خلاصه مذاکرات مجمع عمومی
minutes book	دفتر ثبت صور تجلسات

minutes of directors, minutes of board of directors	صورت جلسات هیئت مدیره
minutes of general meeting	صورت جلسات مجمع عمومی
mirror finished surface	سطح صیقلی
mirror image	تصویر آئینه ای، تصویر آئینه گونه، قرینه تایی
mirroring	قرینه سازی
misapplication	بکارگیری نادرست
misapplication office expenses	هزینه های متفرقه اداری
misappropriation	استفاده نادرست، حیف و میل، تخصیص نادرست (در حسابداری دولتی)
misappropriation on wages	اختلاس دستمزد
miscalculate	اشتباه حساب کردن
miscalculation	محاسبه غلط
miscast	

	اشتباه محاسبه کردن
miscellaneous	متفرقه
miscellaneous asset	دارایی متفرقه
miscellaneous bank charge	هزینه متفرقه بانکی
miscellaneous control account	حساب کنترل مخارج متفرقه
miscellaneous expense, other expense	هزینه متفرقه
miscellaneous expenses	هزینه های فرعی
miscellaneous income	درآمد متفرقه (کم اهمیت)
miscellaneous problems	مسائل متفرقه
miscellaneous process	فرآیند فرعی، عملیات غیر دقیق
miscellaneous revenue	درآمد متفرقه (کم اهمیت)
misclassification	طبقه بندی نادرست
miscount	

	بد حساب کردن، بد شمردن
misfeasance	استفاده نادرست، حیف و میل، تخصیص نادرست (در حسابداری دولتی)
misinterpretation	تفسیر نادرست، سوء تعبیر
misleading	گمراه کننده، گمراه کردن
misleading financial statements	صورت‌های مالی گمراه کننده
mismatching	جور نشدن، به هم نخوردن، عدم تقارن، مقطع
mismatching of cost with revenue	عدم تطابق دقیق هزینه‌ها با درآمد
misoperate	اشتباهی مرتکب شدن
mispriced security	اوراق بهادار درست قیمت گذاری نشده
misprint	اشتباه چاپی
misrepresentation	اظهاریه دروغین، القاء شبهه، قالب حقیقت، بیان کاذب
misshapen	ناجور

missing	از دست رفته
missing asset	دارایی مفقود (ناپیدا)
missing data	داده های گم شده
missing documents	اسناد و مدارک مفقود شده فقدان اسناد و مدارک
missing links	حلقه های مفقوده
missing the market	از دست دادن بازار
mission	هیئت، رسالت، مأموریت، هیئت اعزامی
mission statement	بیانیه رسالت‌ها و اهداف کلان
misstated items	اقلام تحریف شده
misstatement	ارائه نادرست، تحریفات
misstatement bounds	حدود بالا و پایین
misstatements	تحریفات

misstatements of facts	تحریف حقایق
mistake	اشتباه
misunderstanding	سوء تفاهم، درک نادرست
mix	ترکیب مخلوط مختلط
mix ratio	نسبت ترکیب (نسبت) ، ترکیبات
mix variance	انحراف ترکیب مواد
mixed	مختلط، مرکب، مخلوط شده، آمیخته، مخلوط
mixed account	حساب مختلط
mixed acquisition	خرید تعدادی از انواع دارایی ها به طور یکجا
mixed base number	عدد آمیخته پایه، عدد آمیخته مبنا
mixed central moments	گشتاور های مرکزی آمیخته، گشتاور های مختلط مرکزی
mixed cost	هزینه مرکب هزینه مختلط

mixed cost formula method	روش فرمول هزینه مختلط
mixed decimal	(عدد) دهدهی آمیخته، عدد اعشاری غیر صحیح
mixed decision	تصمیم آمیخته
mixed expense	هزینه مرکب
mixed expression	عبارت آمیخته
mixed ideal	ایدال آمیخته
mixed integer problem	مسأله آمیخته با اعداد صحیح
mixed line	خط مختلط
mixed moment	گشتاور مختلط
mixed number	عدد کسری، عدد آمیخته
mixed partial derivative	مشتق جزئی مخلوط، مشتق پاره ای آمیخته، مشتق جزئی آمیخته
mixed partial derivatives of the second order	مشتقات جزئی مخلوط مرتبه دوم

mixed periodic	متناوب مرکب
mixed periodic fraction	کسر متناوب مرکب
mixed product	حاصل ضرب مختلط سه بردار، محصول ترکیبی، محصول مختلط
mixed radix number	عدد آمیخته-پایه، عدد آمیخته-مبنا
mixed recurrent	متناوب مرکب
mixed recurrent fraction	کسر متناوب مرکب
mixed recurring	متناوب مرکب
mixed recurring continued fraction	کسر مسلسل بازگشتی آمیخته
mixed sample	نمونه مختلط
mixed sampling	نمونه گیری آمیخته
mixed strategy	استراتژی آمیخته
mixed system	

	نظام آمیخته
mixed tariff	
	تعرفه مختلط
mixed tensor	
	تانسور آمیخته
mixed variance	
	مغایرت ترکیبی
mixer	
	مخلوط کننده، مخلوط کن، به هم زن
mixer chamber	
	محفظه اختلاط
mixture	
	آمیخته، اختلاط، ترکیب، آمیزه، مخلوط
mixture experiment	
	آزمایش مخلوط
mnemonic	
	نماد ساده
mobile	
	جسم متحرک، پویا، متحرک
mobile cathode	
	کاتد متحرک، کاتد جنبشی
mobility	
	پویایی، تحرک
mobius band	

	نوار موبیوس
mobius function	
	تابع موبیوس
mobius geometry	
	هندسه موبیوس
Mobius inversion	
	انعکاس موبیوس
Mobius strip	
	نوار موبیوس
Mobius transformation	
	تبدیل کسری خطی، تبدیل موبیوس
mod	
	باقیمانده، مانده
mod p quadratic residue	
	باقیمانده درجه دوم با کالبد p
modal logic	
	منطق موجه
modal proposition	
	قضیه موجه
modal sentence	
	گزاره موجه
modality	
	جهت
Mode	

حالت	
mode class	
طبقه نما	
mode of a distribution	
نمای یک توزیع	
mode of distribution	
نمای یک بخش	
mode of production	
طرز تولید، نحوه تولید	
Mode of shipment	
شیوه حمل	
mode of transportation	
شیوه و روش حمل و نقل	
model	
سرمشق، شکل دادن، طرح، الگو، مدل، طرح ریختن، مدلسازی، نمونه، قالب	
model building	
ساخت مدل، مدلسازی	
model theory	
نظریه مدل ها	
modeling	
مدل بندی، مدل سازی، نمونه سازی، قالب سازی	
modem	
تلفیق و تفکیک کننده، دستگاه دادگان، مودم	

moderate income	درآمد متوسط
moderate priced goods	کالای با قیمت معقول
modern	جدید، مدرن، نوین
modern accounting	حسابداری روزآمد (مدرن)
modern algebra	جبر مدرن، جبر نوین
modern auditing	حسابرسی نوین
modern investment theory	تئوری نوین سرمایه گذاری نظریه جدید مجموعه
modern portfolio theory	تئوری نوین پرتفوی نظریه جدید مجموعه سرمایه گذاری
modernization	نوسازی
modification	تغییر، تغییر شکل، تعدیل، اصلاح، پیرایش
modification of books of accounts	تغییر شکل دفاتر حساب
modification of terms	تعدیل شرایط

modified	اصلاح شده، به ساخته، پیراسته، اصلاح شده
modified accelerated cost recovery system	سیستم تعدیل شده باز یافت سریع بهای تمام شده
modified accelerated cost recovery system (macrs)	سیستم تعدیل شده باز یافت سریع تمام شده بهای
modified account	حساب تغییر شکل داده
modified accrual basis	روش تعهدی اصلاح شده
modified auditor's report	گزارش تعدیل شده حسابرسی
modified auditor's report	گزارش تعدیل شده حسابرس
modified bessel	شبه بسل
modified bessel function	تابع بسل تعدیل شده
modified cancellation law	قانون حذف اصلاح شده
modified cash basis	مبنای نقدی تعدیل شده، روش نقدی اصلاح شده
modified duration	مدت زمان تعدیل شده انتظار

modified euler method	روش اویلر تعدیل یافته
modified historical cost accounting system	سیستم بهای تمام شده تاریخی تعدیل شده
Modified Internal Rate of Return	نرخ بازده داخلی تعدیل شده
modified limits	حدود تصحیح شده
modified martempering	مارتمپرینگ اصلاح شده
modified mathieu function	تابع تبدیل یافته ماتیهو
modified Mathieu functions	تابع های تبدیل یافته ماتیهو
modified mean	میانگین تعدیل یافته
modified second	تفاضل های دوم اصلاح شده
modified temporal method	روش موقت اصلاح شده
modified treasury stock method	روش تعدیل شده سهام خزانة
modify	اصلاح کردن، پیراستن، تعدیل کردن، دگرگون کردن

Modify	تعدیل کردن – اصلاح کردن
modifying dual solution primal	جواب دوگان اصلاح شده
modifying language	عبارت تعدیلی
Modular	برنامه ریزی مجموعه ای
modular arithmetic	حساب پیمانه ای، حساب هم نهشتی، حساب هنگی
modular function	تابع مدولی
modular group	گروه مدولی
modular lattice	مشبک مدولی
modular law	قانون مدولی
module	بخش قسمت واحد
moduli	پیمانه ها
modulo	پیمانه

modulo m	به سنج m
modulo n	به پیمانہ n
modulo n integer	عدد صحیح با کالبد n
Modulus	قدر مطلق
modulus of a complex number	قدر مطلق عدد مختلط
modulus of a congruence	پیمانہ ہمنہشتی
modulus of a vector	نرم بردار، طول بردار
modulus of an elliptic integral	ہنگ انتگرال بیضوی
modulus of continuity of a function	ہنگ پیوستگی تابع
modulus of elasticity	ضریب ارتجاع، ضریب جہندی، ضریب کشسانی، ضریب ارتجاعی
modulus of logarithms	ضریب تبدیل لگاریتم ہا
modulus of rigidity	

ضریب صلابت	
modulus of rupture	
مدول پارگی، ضریب شکست، ضریب گسیختگی، ضریب پارگی	
modulus of toughness	
ضریب سفتی، ضریب چقرمگی	
modus ponens	
قیاس استثنایی	
moebius transformation	
تبدیل موبیوس	
moiety	
نصفه	
mold	
شکل دادن، قالب‌ریزی کردن، قالب‌گیری، قالب	
mold ability	
قابلیت قالب‌گیری	
mold assembly	
مونتاژ قالب	
mold board	
تخته زیر درجه	
mold body	
بدنه قالب	
mold designer	
طراح قالب	
mold frame	

	چهارچوب قالب، قاب قالب
mold identification	
	مشخصه شناسایی قالب، مشخصات قالب
molding compound	
	ماده قالبگیری
moldmaker	
	قالبساز
molten	
	مذاب، ذوب شو
moment	
	ممان، گشتاور، لختی
moment about the mean	
	گشتاور نسبت به میانگین، گشتاور حول میانگین
moment about the origin	
	گشتاور نسبت به مبدأ، گشتاور حول صفر
moment generating function	
	تابع مولد گشتاور
moment of a couple	
	گشتاور زوج
moment of a force	
	گشتاور نیرو
moment of couple	
	گشتاور زوج نیرو
moment of inertia	

گشتاور لختی، ممان اینرسی، انگر لختی، گشتاور ماند	
moment of momentum	
گشتاور اندازه حرکت	
moment of the n th order	
گشتاور مرتبه n ام	
momental	
گشتاوری	
momentarily	
برای لحظاتی، به طول لحظه ای	
moments of different order	
گشتاور های مرتبه های مختلف	
moments of random variable	
گشتاور های متغیر تصادفی	
momentum	
تکانه، اندازه حرکت، گشتاور	
Monetarism	
مکتب پولی	
monetarist	
طرفدار نظریه پول	
Monetarists	
پول گرایان	
monetary	
پولی	
monetary amount	

میزان (مبلغ) پولی
monetary asset
دارایی پولی
monetary assets
دارایی های پولی
monetary assets and liabilities
دارایی ها و بدهی های پولی
monetary assumption
فرض واحد پولی، فرض ثبات واحد پولی
monetary authorities
مقامات پولی
Monetary base
پایه پولی
monetary cash basis accounting
حسابداری نقدی تعدیل شده
monetary compensation
پاداش پولی
monetary current asset
دارایی جاری پولی
monetary current assets
داراییهای جاری پولی
monetary current liabilities
بدهیهای جاری پولی
monetary data

	اطلاعات پولی
monetary debt	
	بدهی پولی
Monetary deflation	
	انقباض پولی، محدودیت پولی
Monetary equilibrium	
	تعادل پولی
monetary errors	
	اشتباه در ثبت
Monetary Financial Institutions	
	نهاد های مالی و پولی
monetary gain or loss	
	سود و زیان پولی
monetary gold	
	طلای بانکی
monetary incentives	
	انگیزه های پولی
monetary item	
	قلم پولی
monetary liabilities	
	بدهی های پولی
monetary measure allocation	
	تخصیص بر اساس معیار پولی
monetary measurement convention	

اصل محاسبه اقلام پولی	
monetary nonmonetary method	
روش پولی غیر پولی	
monetary order	
حواله بانکی	
monetary policy	
سیاست پولی	
monetary principle	
اصل ثابت انگاشتن واحد پول، اصل واحد پول	
monetary reserve(s)	
اندوخته (های) پولی	
Monetary reserves	
ذخایر پولی	
monetary risk	
مخاطره پولی	
Monetary rules	
مقررات پولی	
Monetary standard	
پایه سیستم پولی	
monetary stock	
موجودی پولی	
monetary system	
سیستم پولی	
Monetary targets	

	اهداف پولی
monetary transactions	
	مبادلات پولی
monetary unit	
	واحد پولی
monetary unit assumption	
	فرض (ثبات) واحد پولی
monetary unit concept	
	اصل اتخاذ واحد پول در محاسبه
monetary unit sampling	
	نمونه گیری بر اساس واحد پول
monetary unit sampling (mus)	
	نمونه گیری بر اساس واحد پولی
monetary value	
	ارزش پولی
monetary working capital	
	سرمایه در گردش پولی، پول در محاسبه
monetary working capital adjustment	
	تعدیل سرمایه در گردش پولی
monetary-nonmonetary method	
	روش پولی ، غیر پولی
monetization	
	تبدیل به پول
monetization of debts	

تبدیل به پول کردن دیون	
Monetize	
	پولی کردن
Money	
	پول
Money agent broker	
	کارگزار پول
Money and exchange	
	پول و ارز
money back	
	تضمین بازپرداخت
money center banks	
	بانک‌های بزرگ جهانی
money changing	
	صرافی پول
money charger	
	صراف پول، متخصص ارز
Money creation	
	خلق پول
money equivalent	
	معادل پول، برابر پولی
Money illusion	
	توهم پولی
Money income	

	درآمد پولی
money laundering	
	پول شویی یا تطهیر پول ، پول شویی
money laundry	
	پول شویی
Money lender	
	قرض دهنده پولی
Money loan	
	وام پولی
money making	
	پول ساختن (جمع کردن)
money market	
	بازار پول
Money market deposit	
	سپرده بازار پول
money market funds	
	وجوه بازار پول
Money market instruments	
	ابزارهای بازار پول
money market line	
	خط بازار پول
money market loans	
	وامهای کوتاه مدت
Money market mutual funds	

وجوه متقابل پول
Money market papers
برگه بازار پول
Money market rate
نرخ بازار پول
money markets
بازارهای پول
money measurement
واحد اندازه گیری بر حسب پول
Money measures
واحدهای پولی
Money multiplier
فزاینده پولی
money order, transfer (money), remittance
حواله پول / حواله وجه واگذاری
Money orders
حواله های پولی
money rate of interest
نرخ پولی بهره (نرخ نقدی بهره)
Money Resource Planning
برنامه ریزی منابع پولی
money spread
شکاف قیمتی
Money supply

	عرضه پول
Money transfers	
	انتقال های پولی
money wages	
	دستمزد نقدی (پولی)
moneyed, man of money	
	پول دار
monic	
	تکین
monic polynomial	
	چندجمله ای تکین
monitor	
	پیگیر، بازرس، نمایشگر، دستگاه بازبینی، دستگاه کنترل، مواظبت کردن، کنترل کردن
Monitoring	
	نمایش از طریق مانیتورها- پیگیری
monitoring expenditures	
	هزینه های نظارت
monitoring value	
	ارزش نظارتی
monoaxial	
	تک محوری
monochromatic	
	تک رنگ، تکفام

monochromatic light	نور تک فام
monochrome	تک رنگ
monodirectional	یک سوئی، یک جهتی
monodromy	تک مقداری
monodromy matrix	ماتریس مداری
monogeni	تحلیلی
monogenic function	تابع تک‌ژنی
monogram	منوگرام
monoid	تکوار، نیمگروه یکه دار، تکواره
monomer	تکپار، منومر
Monometallism	نظام پایه تک فلزی
monomial	یک جمله ای، تک جمله ای، چندجمله ای، چندجمله ای تکین

monomial expression	عبارت تک جمله ای
monomorphic	تکدیسسه، تکریخت، تکسان
monomorphism	تکریختی، تکسانی
monopolies and mergers commission	کمیسیون انحصارها و ادغامها
monopolistic	انحصارگر
monopolistic competition	رقابت انحصاری
monopolistic firm	شرکت انحصارگر
monopolistic position	موقعیت انحصاری
monopolistic right, franchise, exclusive right	حق انحصار
monopoly	انحصار
monorail conveyor	نقاله تک ریلی
monosyllabic	تک هجایی

monotone	یکنواخت، یکنوا
monotone convergence theorem	قضیه همگرایی یکنوا
monotone decreasing function	تابع ناصعودی، تابع یکنوای نزولی
monotone function	تابع یکنوا
monotone increasing function	تابع نانزولی، تابع یکنوای صعودی
monotone mapping	نگاشت یکنوا
monotone operator	عملگر یکنوا
monotone property	خاصیت یکنوایی
monotone sequence	دنباله یکنوا
monotone system of sets	دستگاه یکنوای مجموعه ها
monotonic	یکنوا
monotonic case	حالت مونوتونیک

monotonic decreasing	صعودی، نزولی یکنواخت
monotonic decreasing quantity	کمیت نزولی یکنواخت
monotonic decreasing sequence	دنباله یکنوای نزولی
monotonic function	تابع یکنوا
monotonic increasing	صعودی، صعودی یکنواخت
monotonic increasing sequence	دنباله یکنوای صعودی
monotonic sequence	دنباله یکنوا
monotonic system of sets	دستگاه یکنوای مجموعه ها
monotonically decreasing sequence	دنباله نزولی یکنواخت، دنباله یکنوای نزولی
monotonically increasing sequence	دنباله یکنوای صعودی
monotonicity	یکنوایی
monotonicity law	قانون یکنواختی

monotonicity test	آزمون یکنوایی
monotonous application of cost	سرشکنی (تسهیم) یکنواخت هزینه
monotonous auditing	حسابرسی یکنواخت
monotonously	به طور یکنواخت
monotonous density	دانسیته یکنواخت
monotonous distribution	توزیع یکنواخت
monotony	یکنواختی
monte carlo method	روش مونت کارلو
monte carlo simulation	شبیه سازی مونت کارلو
month	یک دوازدهم سال، ماه
Monthly	ماهانه
monthly allowance	مقرری ماهانه

monthly closing date	تاریخ بستن ماهیانه حساب‌ها
monthly physical count	شمارش فیزیکی ماهانه، انبارگردانی ماهانه
monthly rent	اجاره ماهانه
monthly salary	حقوق ماهیانه
Monthly settlement	تسویه ماهانه
monthly wages worker	کارگر مزدبگیر ماهانه
mood	ضریب
moral control	کنترل اخلاقی
moral hazard	خطر اخلاقی
moral hazard phenomenon	پدیده خطر اخلاقی
Moral principles and values	اصول و ارزشهای اخلاقی
Moral suasion	ترغیب اخلاق

Moratorium	مهلت قانونی
moratorium to pay tax	مهلت قانونی پرداخت مالیات
moratorium, usance	مهلت، تمدید قرارداد، مهلت پرداخت بدهی
moratory interest, late interest	بهره دیرکرد
more	چند
more concisely	به صورت فشرده تر
more convenient	مناسب تر
more generally	به طور کلی
more over	علاوه بر این، به علاوه
more than	بزرگ تر از، بیشتر از
moreover	بعلاوه
morera's theorem	قضیه موررا

morphism	ریختار
morphisms	ریختی ها
morphologic set	مجموعه ریختی
Morse inequalities	نابرابری های مورس
Morse theory	نظریه مورس
mortal asset	دارایی از بین رونده (فناپذیر)
mortality	استهلاک پذیری دارایی
mortality chart	نمودار استهلاک پذیری
mortality curve	منحنی مرگ و میر
mortality function	تابع مرگ و میر، تابع فنا
mortality of asset	فناپذیری دارایی
mortality of stock	فناپذیری موجودی کالا

mortgage	گروه، رهن، وثيقه
Mortgage bank	بانک رهنی
mortgage bank, pawn bank	بانک رهنی
mortgage bond	اوراق قرضه رهنی
mortgage certification	گواهینامه رهنی
mortgage creditor	طلبکار با وثيقه
mortgage debt	بدهی رهنی
mortgage deed	سند رهن
mortgage lead	مشخصات/اطلاعات مربوط به مشتری احتمالی رهن
Mortgage loan	وام رهنی
mortgage loan, loan on mortgage	وام رهنی، وام با وثيقه
mortgage market	بازار رهن

mortgage note payable	سند پرداختی رهنی
mortgage notes	اسناد وثیقه
mortgage payable	دیون رهنی
mortgage pool	اوراق قرضه رهنی
mortgage, pledge	گرو گذاشتن، رهن گذاشتن
mortgaged	به رهن گذاشته شده
mortgaged asset	دارایی رهنی (به رهن گذاشته شده)
mortgaged company	شرکت رهنی
mortgagee	گرو گیرنده، شخص یا سازمانی که دارایی نزد آن گروه گذارده شود.
Mortgages payable	دیون رهنی پرداختی
mortgagor	وام دهنده
mosaqat	

مساقات (عقد مساقات)	
most	بیشترین
most applications	در بیشتر موارد
most efficient estimate	سود بخش ترین بر آورد
most likely error	اشتباه (خطای) بسیار محتمل
most likely estimate	محتمل ترین بر آورد
most likely time estimate	بر آورد زمانی محتمل
most optimistic time	حداکثر زمان خوشبینانه
most pessimistic time	حداکثر زمان بدبینانه
most powerful	تواناترین، قوی ترین
most powerful critical region	تواناترین ناحیه بحرانی
most powerful test	تواناترین آزمون
most probable number of occurrence of event	

most probable parameter point	محتمل ترین تعداد وقوع حادثه
most probable time	محتمل ترین نقطه پارامتری
most probable value	محتمل ترین مقدار
mothball evaporating	تبخیر گلوله نفتالین
mother population	جامعه مادر
motion	حرکت
motion analysis	تجزیه و تحلیل حرکات
motion and time study	حرکت و زمان سنجی
motion economy	اقتصاد حرکت
motion in a circle	حرکت دورانی، حرکت روی یک دایره
motion in a straight line	حرکت مستقیم الخط، حرکت روی یک خط راست
motion study	

مطالعه حرکت، حرکت سنجی، بررسی حرکات، تحرک سنجی
motivate
انگیختن، برانگیختن
motivation
انگیزش، انگیزه، تشویق
motivational cost
میانگین متحرک
motive
انگیزه
mount
مونتاژ، نصب کردن، نمو کردن، صعود کردن، کار گذاشته شدن متصل شدن، انباشتن، زیاد شدن، سوار شدن
mouse
ماوس، موش، موشواره
mouth
دهان، دهانه
movable
قابل حرکت، متحرک
movable laundry
لاوک متحرک
movable property = movables
اموال منقول
move
جابجایی، حرکت، انتقال، بردن، حرکت دادن، نقل مکان کردن

move back and forth	رفت و برگشت کردن
move into	منتقل کردن به
move round	دور زدن
move time	زمان انتقال زمان حرکت
Moveable Assets	دارایی های منقول
movement	گردش جابجایی
movement detector	آشکارساز حرکت
moving	متحرک (حرکت)
moving average	میانگین متحرک
moving average method	روش میانگین متحرک / سیار
moving average process	فرایند مبتنی بر میانگین متحرک
moving total	جمع متحرک

moving trihedral	سه وجهی متحرک
MPC (Manetary Policy Committee)	کمیته سیاستگذاری پولی انگلستان
MRP Item -Bom	اقلام
much	زیاد، بسیار
multatis mutandis	پس از تصرفات لازم
multi	پیشوندی به معنی چند، چند ...
Multi – currency credit	اعتبار چند ارزی
multi channel queue	صف چند کانالی
multi column chart	نمودار چند ستونی
multi dimensional distribution	قانون توزیع چند بعدی، قانون توزیع چند متغیره
multi level continuous sampling plan	طرح نمونه گیری پیوسته چندسطحی
multi programming systems	سیستم‌های چند برنامه‌ای

multi purpose	چند منظوری، چند هدفی، چند کاره
multi slide press	پرس چند کشویی
multi stage	چند مرحله ای، چند طبقه
multi stage sampling	نمونه برداری چند درجه ای، نمونه برداری چند مرحله ای، نمونه گیری چند مرحله ای
multi stage test	آزمون چند مرحله ای
multi step income statement	صورت سود و زیان چند مرحله ای
multi type	چند گونه
Multi User	چند کاربره
multi valued function	تابع چند ارزشی
multi variable differential calculus	حساب دیفرانسیل چند متغیره
multi variate distribution	توزیع چند بعدی، توزیع چند متغیره
multi variate distribution law	

قانون توزیع چندبعدی، قانون توزیع چند متغیره	
multi-alternative decision	
تصمیم بین چند گزینه	
multiblade	
چند پره، چند تیغه	
multichannel	
چندکانالی، چندکاناله	
multichannel amplifier	
تقویت کننده چند کاناله	
multicolinearity	
چند همخطی	
multicollinearity	
وابستگی متغیرهای مستقل به یکدیگر	
multi-column journal	
دفتر روزنامه چند ستونی	
multicommodity matrix	
ماتریس چند منظوره	
Multidimensional	
چند بعدی	
multidimensional derivative	
مشتق چندبعدی	
multidimensional distribution	
توزیع چند بعدی، توزیع چندمتغیره	
multidimensional hypergeometric distribution	

توزیع ابر هندسی چند بعدی	
multidimensional normal distribution	
توزیع نرمال چند بعدی	
multidimensional random variable	
کمیت تصادفی چند بعدی	
multidivisional problem	
مسأله چند بخشی	
multifactor model	
مدل چند عاملی	
multiform	
چندشکلی، چندصورتی	
multiform function	
گسترش چند ارزشی، تابع چندسانی، تابع چند فرمولی	
multigraph	
یال چندگانه	
multilateral	
چند وجهی، چندجنبه ای، چندضلعی	
multilateral trade	
تجارت چندجانبه	
multilateral transport	
حمل و نقل چند منظوره	
multilevel affiliation	
خرید و ادغام شرکتها	
multilinear	

	چندخطی
multilinear algebra	
	جبر چند خطی
multilinear form	
	قرم چندخطی
multilinear function	
	تابع چندخطی
multilinear mapping	
	نگاشت چندخطی
Multimedia Database	
	پایگاه داده چند رسانه‌ای
multimodal	
	چندنمایی
multimodal distribution	
	توزیع چند مدی
multimodale	
	چند نمایی
Multinational bank	
	بانک چند ملیتی
multinational company	
	شرکت چند ملیتی
multinational corporation	
	شرکت فراملیتی، شرکت (سهامی) چند ملیتی
multinational corporation (mnc)	

شرکت فراملیتی شرکت (سهامی) چند ملیتی	
multinational firm	
	شرکت چند ملیتی
multinomial	
	بسجمله ای
multinomial coefficient	
	ضریب چندجمله ای
multinomial coefficients	
	ضرائب چندجمله ای
multinomial distribution	
	توزیع چندجمله ای
multinomial expression	
	عبارت بسجمله ای
multinomial theorem	
	قضیه بسجمله ای
multinomial trials	
	امتحان های بسجمله ای
multiobjective program matrix	
	برنامه ریزی خطی با چند تابع هدف
multipass	
	چندراهه، چندگذره
multipass weld	
	جوش چند راهه
multiple root	

	ریشه مکرر
multiphase sampling	
	نمونه گیری چندگانه
Multiple	
	چندگانه
multiple acceptance sampling plan	
	طرح چند نمونه ای برای پذیرش
multiple branching	
	انشعاب چندگانه
multiple breakeven points	
	وجود چند نقطه سر به سر
multiple cavity	
	محفظه چندگانه
multiple cavity mold	
	قالب چندسوراخه
multiple choice	
	چند انتخابی
multiple choice questions	
	سوالات (پرشسهای) چند گزینه ای
multiple classification	
	رده بندی چندگانه
multiple comparisons test	
	آزمون مقایسه ای چندگانه
multiple correlation	

همبستگی چندتایی، همبستگی جامعه، همبستگی چندمتغیری، همبستگی چند جانبه	
multiple correlation coefficient	ضریب همبستگی چندگانه
multiple critical paths	مسیر های چندگانه بحرانی، دارای چند مسیر بحرانی
multiple edge	یال چندگانه
multiple edge gate	مدخل لبه ای چندگانه
multiple electrode	الکتروود چند تایی
multiple equation	معادله چندتایی
multiple exchange rate	نرخ چندگانه ارز
multiple growth model	مدل مبتنی بر رشد چندگانه
multiple integral	انتگرال چندگانه
multiple integration	انتگرال گیری چندگانه
multiple loop	حلقه چندگانه

multiple mathematical induction	استقرای چندگانه ریاضی
multiple period quality trend report	گزارش روند کیفیت چند دوره ای
multiple point	نقطه چندگانه، نقطه مکرر، نقطه مضاعف، نقطه بستا، نقطه مکرر
multiple range test	تست چند دامنه
multiple rate	نرخ ترکیبی
multiple reflection	انعکاس چندگانه
multiple reflection problem	مساله انعکاس چندگانه
multiple regression	رگرسیون چندگانه (چند متغیره)
multiple relationships	روابط چندگانه
multiple riemann integral	انتگرال چندگانه ریمان، انتگرال ریمان چندگانه
multiple root	ریشه مکرر
multiple root of an equation	

multiple sample acceptance sampling plan	ریشه چندگانه یک معادله
multiple sampling	روش نمونه برداری چندمرحله ای
multiple sampling plan	نمونه گیری چندگانه
multiple services	طرح چند نمونه ای
multiple solution rates	خدمات چندگانه
multiple step format	نرخ های بازده متعدد
multiple step income statement	شکل چند مرحله ای
multiple stratification	صورت سود زیان چند مرحله ای
multiple tangent	طبقه بندی چندگانه
multiple tariff system	مماس چندگانه
multiple taxation	سیستم تعرفه متعدد
multiple valued	مالیات بندی ترکیبی

چند مقداری، چند ارزشی	
multiple valued function	
تابع چند مقداری	
multiple variable	
چند متغیره	
multiple zero	
صفر مکرر	
multiples	
اضعاف، امثال	
multiple-step format	
شکل چند مرحله‌ای	
multiplicable	
قابل ضرب، ضرب شدنی	
multiplicand	
مضروب	
multiply inverse	
معکوس ضربی	
multiplication	
ضربی، ضرب	
multiplication factor	
ضریب تکثیر، عامل ضرب	
multiplication function	
تابع ضربی	
multiplication group	

	گروه ضربی
multiplication identity	
	همانی ضربی، عضو خنثی ضربی
multiplication inverse	
	مکعوس ضربی، وارون ضربی
multiplication law	
	قانون حاصل ضرب
multiplication of a vector by a scalar	
	ضرب یک بردار در یک اسکالر
multiplication of determinants	
	ضرب دترمینان ها
multiplication of matrices	
	ضرب ماتریس ها، ضرب ماتریس ها، ضرب ماتریس
multiplication of series	
	ضرب سری ها
multiplication probability theorem	
	قضیه حاصل ضرب احتمالات
multiplication set	
	مجموعه حاصل ضرب
multiplication table	
	جدول ضرب
multiplication theorem	
	قضیه ضرب، قضیه حاصل ضرب
multiplicative	

	ضربی
multiplicative axiom	
	اصل متعارف ضربی
multiplicative congruence	
	همنهشتی ضربی
multiplicative congruential method	
	روش ضربی مبنا، روش تکثیر متجانس
multiplicative constant	
	ضرب ثابت
multiplicative functional	
	تابع ضربی
multiplicative function	
	تابع ضربی
multiplicative functional	
	تابع ضربی
multiplicative group	
	گروه ضربی
multiplicative identity	
	عضو همانی ضرب
multiplicative inverse	
	وارون ضربی، عکس ضربی، عکس
multiplicative law	
	قانون ضربی
multiplicative notation	

نماد ضربی	
multiplicative property	
خاصیت ضربی، خاصیت ضرب پذیری	
multiplicative semigroup	
نیمگروه ضربی	
multiplicative sequence	
دنباله ضربی، دنباله ضرب پذیر	
multiplicative system	
دستگاه ضرب پذیر	
multiplicative valuation	
ارزه ضربی	
multiplicatively	
به طور ضربی	
multiplicator	
مضروب فیله	
multiplicity	
چند بارگی، مرتبه تکرار، تعدد، چندگانگی، تکرر، دفعات تکرار	
multiplicity of a root	
چندگانگی ریشه	
multiplicity of a root of an equation	
مرتبه تکرار ریشه یک معادله، تکرر ریشه یک معادله	
multiplied by ...	
ضربدر ...	
multiplied by number of insured years	

	ضربدر سنوات حق بیمه
Multiplier	
	ضریب فزاینده
Multiplier effect	
	تاثیر ضریب فزاینده
multiply	
	تابیدن، ضرب کردن
multiply by	
	ضرب در، ضرب کردن در
multiply connected	
	چند پارچه، همبند چندگانه
multiply connected domain	
	ناحیه چند پارچه، حوزه چندگانه همبند، حوزه همبند چندگانه، میدان چند پارچه
multiply connected set	
	مجموعه چندگانه همبند
multiply connected space	
	فضای چندگانه همبند
multiply coonected	
	همبند چندگانه
multiply coonected domain	
	قلمرو همبند چندگانه
multiply through	
	با ضرب دو طرف در

multiply transitive permutation group	گروه جایگشتی چندگانه ترایا
multipolar	چندقطبی
multipolar coordinates	مختصات چندقطبی
multiproduct firm	شرکت چند محصولی
Multipurpose	چند منظوره
multipurpose survey	آمارگیری چندمنظوره
multipurpose testing	آزمون چند منظوره
multistage	چند مرحله ای
multistage allocation process	فرآیند تخصیص چندمرحله ای
multi-stage consolidation	تلفیق چند مرحله ای
multistage sampling	نمونه گیری چند مرحله ای
multi-step income statement	صورت سود و زیان چند مرحله ای

multistep method	روش چندگامی
Multi-Tier	پشتیبانی معمار چند لایه
multitime period problem	مسأله چند دوره ای
multiuse	چند استفاده ای
multivalence	چند ارزی
multivalent	چند ارزی، چند ظرفیتی
multivalent function	تابع چند ارز
multivalued	چند مقداری، چند ارزشی، چند ارزی
multivalued function	تابع چند مقداری، تابع چند ارزشی
multivariable differential calculus	حساب دیفرانسیل چند متغیره
multivariate	چند وردائی، چند متغیری، چند متغیره
multivariate analysis	تحلیل چند متغیره

multivariate distribution	توزیع چند متغیره
multivariate distribution function	تابع توزیع چند متغیره
multivariate frequency function	تابع فراوانی توزیع چند متغیره
multivariate linear regression	رگرسیون چند متغیره خطی، رگرسیون خطی چند متغیره
multivariate normal distribution	توزیع نرمال چند متغیره
multivariate probability function	تابع احتمال چند متغیره
multivariate random variable	کمیت تصادفی چند متغیره
multivariate regression	رگرسیون چندمتغیره
multivector	چندبرداره
Municipal bank	بانک شهرداری
municipal bond	اوراق قرضه شهرداری‌ها
municipal bonds	اوراق قرضه شهرداری

Municipal Finance Officers Association	انجمن مدیران مالی شهرداریها
Murabaha Sukuk	اوراق مرابحه
Musharekaha Sukuk	اوراق مشارکت
must know that	باید مشخص کند که
Musts	بایدها- ضروریات
mutation	تغییر اساسی و چشمگیر، تغییر بزرگ
Mutilated cheque	چک ناقص
mutual	دو جانبه، دو طرفه، متقابل، مشترک، دو سوئی، دو سره
Mutual account	حساب مشترک
mutual agency	نماینده متقابل / دو جانبه
mutual agreement (contract)	قرارداد متقابل
mutual fund	صندوق مشترک سرمایه گذاری

mutual fund custodian	امانت دار
mutual fund open-end fund	شرکت سرمایه گذاری محدود
mutual investment	سرمایه گذاری متقابل
mutual investment funds	وجوه سرمایه گذاری متقابل
mutual recognition directive	مقررات شناسایی متقابل
Mutual savings banks	بانکهای پس انداز متقابل
mutuality	دو سره بودن، تقابل
mutuality exclusive	دوبدو ناسازگار
mutually	یکدیگر، مشترکا، دوبدو
mutually dependent variables	متغیرهای دو به دو وابسته
mutually disjoint	دو به دو از هم جدا
mutually disjoint sets	مجموعه های دوبدو مجزا

mutually exclusive	دو به دو ناسازگار، ناسازگار، مانع‌الجمع
mutually exclusive event	پیشامد دودو ناسازگار
mutually exclusive events	پیشامد های ناسازگار، حوادث ناسازگار، پیشامد های دودو ناسازگار، وقایع مانع‌الجمع
mutually exclusive projects	طرح های مانع‌الجمع طرح های سرمایه گذاری ناسازگار
mutually orthogonal	دودو متعامد
mutually perpendicular	دو به دو عمود بر هم
muzzle	گریز
muzzle velocity	سرعت گریز
myopic behavior	رفتار کوتاه بینانه
myriad	پیشوندی به معنی ده هزار
myriagram	ده هزار گرم
myrialiter	

	ده هزار لیتر
N	
	علامت مجموعه اعداد طبیعی، چهاردهمین حرف الفبای انگلیسی
n adic extension	
	گسترش n عملوندی
n ary	
	n تایی
n ary composition	
	ترکیب n تایی
n ary forms	
	صورت های n تایی
n ary operation	
	عمل n تایی
n ary relation	
	رابطه n تایی
n ball	
	گوی n بعدی
n bit sequence	
	دنباله n بیتی
n cell	
	حجره-n
n closed interval	
	بازه بسته n بعدی
n colorable	

n connected graph	رنگ پذیر- n
n cycle	گراف n -همبند
n dimensional	دور n بعدی
n dimensional closed interval	فاصله بسته n بعدی
n dimensional Euclidean geometry	هندسه اقلیدسی n بعدی
n dimensional euclidean space	فضای n بعدی اقلیدسی
n dimensional measure	اندازه n بعدی
n dimensional open interval	فاصله باز n بعدی، بازه باز n بعدی
n dimensional point	نقطه n بعدی
n dimensional random vector	بردار n بعدی تصادفی
n dimensional region	ناحیه n بعدی
n dimensional space	

فضای n بعدی	
n dimensional space of coordinates	
فضای n بعدی مختصات	
n dimensional vector	
بردار n بعدی	
n element product	
حاصلضرب n عنصری	
n factorial	
عاملی n فاکتوریل، n	
n fold integral	
انتگرال n گونا	
n fold of a	
a لایه n	
n gon	
ضلعی n	
n inclusive	
خود n، شامل n	
n measure	
اندازه n	
n measure zero	
صفر اندازه n	
n person game	
بازی n نفره	
n space	

	فضای n بعدی
n sphere	
	کره n بعدی
n square matrice	
	ماتریس مربعی از مرتبه n
n square matrix	
	ماتریس مربعی مرتبه n
n times differentiable function	
	تابع n بار مشتق پذیر
n tuple	
	گانه n تائی، n گانه، n
n tuple ordered	
	تایی مرتب n
n tuple point	
	نقطه مکرر از درجه n
n tuples	
	تایی n
n vector	
	برداره n
n web	
	بافته- n
nabla	
	نابلا
nabla operator	

	عملگر نابلا
nadir	
	سمت القدم، حضيض
nafta (north american free trade agreement)	
	موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی
	naive estimator
	برآوردگر ناپخته
naive investors	
	سرمایه گذاران مبتدی سرمایه گذاران کم اطلاع
naive set theory	
	نظریه طبیعی مجموعه ها
naked contract	
	قرارداد بی پشتوانه (بی تضمین)
naked debenture	
	اوراق قرضه بدون تضمین / بدون وثیقه
name bond	
	سند قرضه بانام
name brand	
	نام تجارتي مشهور
name of security	
	نام ورقه بهادار
name plugging	
	تکرار نام یا علامت تجاری
name tag, label	

برچسب، کارت مشخصات	
named port of destination	
بندر مقصد مشخص	
named port of shipment	
بندر مشخص برای حمل	
named vessel	
کشتی مشخص	
namely	
یعنی، به این ترتیب که	
names of stockholders	
اسامی سهامداران	
nancial Accounting Standards Board	
هیات استانداردهای حسابداری مالی	
nano	
پیشوندی به معنی ۱۰-۹	
nanstandard natural number	
عدد طبیعی ناستاندارد، عدد طبیعی غیر استاندارد	
nap	
سفره	
naperian logarithm	
لگاریتم نپری	
napier	
نپری	
napier number	

عدد نپر	napier rule
قاعده نپر	napier's analogies
فرمول نپر، فرمولی برای حل مثلث های کروی	napier's rules
قوانین نپر	napierian
نپری	napierian logarithm
لگاریتم طبیعی، لگاریتم نپری	napierian logarithm base
مبداء لگاریتم نپری، مبنای لگاریتم نپری	napking
دستمال سفره	napking ring
حلقه دستمال سفره	nappe
دامنه، پارچه، هر یک از دو مخروطی که در رأس مشترک اند	narration
شرح معامله	narrative
کتبی شرح نوشته	narrative form = report form

فرم گزارش
Narrow
کاهش آهسته آهسته نرخ ارز در نمودار قیمت
narrow down
کم کردن
narrow market
بازار کم عمق
narrowband process
فرایند باریک‌نوار
narrowing the spread
کاهش حاشیه سود
Nash axioms
اصول موضوع ناش
Nash equilibrium
تعادل ناش
national accounting
حسابداری ملی
National accounts
حسابهای ملی
National Association of Accountants
انجمن ملی حسابداران امریکا
national association of accountants (naa)
انجمن ملی حسابداران
National Association of Insurance Commissioners

انجمن ملی حق العمل کاران بیمه
National Association of Securities Dealers
انجمن ملی واسطه های اوراق بهادار
national association of securities dealers (nasd)
انجمن ملی معامله گران اوراق بهادار
National Association of Securities Dealers Automated Quotations
انجمن ملی استعلام خودکار واسطه های اوراق بهادار
national association of securities dealers automated quotations (nasdap)
انجمن ملی سیستم قیمت گذاری خودکار معامله گران اوراق بهادار
national auditing practices
قواعد/ رویه های حسابرسی ملی
national auditing standards
استانداردهای ملی حسابرسی
national bank
بانک ملی
national brand
نشان ملی
national budget
بودجه ملی
national capital
سرمایه ملی
national commission on fraudulent financial reporting

national committee on government accounting	کمیسیون ملی رسیدگی به تقلب در گزارش‌های مالی
national council on governmental accounting	کمیته ملی حسابداری دولتی
national debt	شورای ملی حسابداری دولتی
national economy	قرض ملی، بدهی دولت
national expenditure, national cost (expense)	اقتصاد ملی
National Income	هزینه ملی
national income accounting	درآمد ملی
national income, social income	حسابداری درآمد ملی
national market system nasdaq (nms)	درآمد ملی
national product	سیستم بازار ملی
National product	(تولید) محصول ملی
national wealth	محصول ملی

nationality	ثروت ملی
nationalized company	ملیت
natural	شرکت ملی شده
natural basis	طبیعی
natural boundary	پایه طبیعی
Natural business year	مرز طبیعی
natural conjugate prior	سال تجاری طبیعی - سال مالی و تجاری عادی
natural contingencies	پیشین مزدوج طبیعی
natural cubic spline	ممکنات طبیعی
natural domain	اسپلاین درجه سه طبیعی
natural equation of a curve	قلمرو طبیعی
natural equations of a surface	معادله طبیعی خم

معادله های طبیعی رویه	
natural expense classification	
طبقه بندی طبیعی هزینه ها	
natural exponential family	
خانواده نمایی طبیعی	
natural frequency	
بسامد طبیعی، فرکانس طبیعی	
natural geometry	
هندسه طبیعی	
natural homomorphism	
همومورفیسم طبیعی	
natural injection	
یک سویی طبیعی	
natural interest	
بهره عادی، بهره معمولی	
natural interest rate	
نرخ بهره طبیعی	
natural logarithm	
لگاریتم معمولی	
natural mapping	
نگاشت طبیعی	
natural model	
مدل طبیعی	
natural number	

عدد طبیعی	
natural numbers	
اعداد طبیعی	
natural order	
ترتیب طبیعی	
natural parameter	
پارامتر طبیعی	
natural person	
شخص حقیقی	
natural process	
پویش طبیعی، فرآیند طبیعی، فرآیند عادی	
natural resources wasting assets	
منابع طبیعی (دارایی های اتلاف پذیر)	
natural rubber	
کائوچو، لاستیک طبیعی	
natural sciences	
علوم طبیعی	
natural series powers	
مرتبه های طبیعی	
natural sine	
جیب راست	
natural surjection	
دوسویی طبیعی	
natural transformation	

تبدیل های طبیعی
natural transformations
تبدیل های طبیعی
natural weighting
وزن دادن طبیعی
naturalistic sampling
نمونه‌گیری طبیعت‌نگرانه

In the name of God

۳۴۰۰۰ واژه انگلیسی به فارسی (حسابداری_جلد پنجم)

(English-Persian)

Collector: Rohollah Yousefi Ramandi

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

This text is dedicated to the one I love: Hamid Yousefi
Ramandi

nature	خصوصیات، ماهیت، طبیعت، سرشت
nature of inventories	ماهیت موجودی‌ها
naught	صفر، هیچ، خطا
nautical mile	میل دریائی، واحد طول انگلیسی برابر ۶۰۸۰ فوت یا ۱۸۵۳/۲ متر
Navigation	

	راهبری- هدایت
n-dimensional quadrature	
	مربع‌بندی n-بُعدی
near	
	نزدیک، تقریباً، در مجاورت
Near – bank	
	شبه بانک
Near – money	
	شبه پول
near cash	
	شبه نقد
nearest point sampling	
	نمونه‌گیری نزدیکترین نقطه
nearest-neighbor density estimation	
	برآورد کردن چگالی به روش نزدیکترین همسایه
nearest-neighbor method	
	روش نزدیکترین همسایه
nearest-neighbor sampling	
	نمونه‌گیری نزدیکترین همسایه
nearly balanced design	
	طرح تقریباً متعادل
nearly balanced incomplete block design	
	طرح بلوکی ناقص تقریباً متعادل
nearly complete	

تقریبا کامل
near-neighbor estimation
برآورد بر اساس همسایه نزدیک
necessarily
ببایستگی، لزوما، الزاما
necessary
لازم
necessary and sufficient
لازم و کافی
necessary and sufficient condition
شرط لازم و کافی
necessary condition
شرط لازم
necessary condition for convergence
شرط لازم برای همگرایی
necessary condition of law of large numbers
شرط لازم قانون اعداد بزرگ
necessary premisses
مقدمات ضروری
necessity
لزوم، بایستگی، ضرورت
neck
گردنه، گلوگاه، گردن، گلویی
necking

باریکسازی، ایجاد گردونه، گلودادن، بغلتراشی
needed
مورد نظر، مورد توجه، مدنظر، مطلوب
needle
خار، شاخص، عقربه، سوزن، سوزنی
needle problem
مسأله سوزن بافون، مسأله سوزن
needn't change
نیازی به تغییر ندارد
negate
نفی کردن، انکار کردن
negation
خنثی سازی، تناقض، نفی، قرینه یک بردار، نفی، نقیض
negation of a proposition
نقیض گزاره
negation of a statement
نفی یک گزاره
negative
منفی، قرینه
Negative – balance
تراز منفی
Negative – interest
بهره منفی
negative angle

	زاویه منفی
negative assurance	
	اطمینان منفی، اظهار نظر منفی حسابرس در مورد صورت‌های مالی صاحب کار
negative balance / adverse balance	
	مانده منفی
negative binomial	
	بینم منفی، دو جمله ای منفی
negative binomial distribution	
	توزیع دو جمله‌ای منفی
negative cash flow	
	جریان نقدی منفی
negative confirmation	
	تأییدیه منفی (در حسابرسی)
negative correlation	
	همبستگی منفی
negative curvature	
	خمیدگی منفی
negative cut	
	بریدگی منفی
negative definite	
	معین منفی
negative definite form	
	فرم معین منفی

negative definite matrix	ماتریس معین منفی
negative dependency of events	وابستگی منفی حوادث
negative direction	سوی منفی
negative equity	سرمایه منفی
negative exponent	نماینده منفی، توان منفی، نمای منفی، قوه منفی
negative exponential distribution	توزیع نمایی منفی
negative feedback	واخوراند منفی، پس خور منفی، عکس العمل معکوس، ضدواکنش، عکس العمل منفی
negative goodwill	سرقتی منفی
negative hypergeometric distribution	توزیع فوق هندسی منفی
negative infinity	منهای بی نهایت
negative integer	عدد صحیح منفی
negative integer part	

negative interest	قسمت عدد صحیح منفی
negative moments	بهره منفی
negative multinomial	گشتاورهای منفی
negative multinomial distribution	چندجمله ای منفی
negative number	توزیع چندجمله‌ای منفی
negative numbers	عدد منفی
negative of a rational integer	اعداد منفی
negative opinion	قرینه یک عدد صحیح گویا
negative orientation	نظر منفی
negative part	جهت منفی
negative part of a function	قسمت منفی
negative part of a random variable	جزء منفی تابع

بخش منفی یک متغیر تصادفی
negative particular proposition
قضیه سالیه جزئیه
negative pledge clause
شرط عدم در رهن گزاردن دارایی
negative power
توان منفی
negative proposition
گزاره سالب
negative quantity
کمیت منفی
Negative rate of interest
نرخ بهره منفی
negative rational number
عدد گویای منفی
negative root
ریشه منفی
negative semi definite matrix
ماتریس نیمه معین منفی
negative semidefinite
نیمه معین منفی
negative semidefinite matrix
ماتریس نیمه معین منفی
negative sense

negative sentence	جهت منفی
negative sign	گزاره سالب
negative skewness	علامت منفی
negative social value	چولگی منفی
negative statement	ارزش اجتماعی منفی
negative term	گزاره سالب
negative universal proposition	حد منفی
negative variation	قضیه سالبه کلیه
negative variation function	تغییر منفی
negative variation of a mapping	تابع تغییرات منفی
negative verification	وردش منفی نگاشت
negative working capital	تأییدیه منفی

negative yield curve	سرمایه در گردش منفی
negatively	منحنی بازده منفی
negatively oriented	به طور منفی
negatively oriented path	با جهت منفی، جهت دار با جهت منفی
negatively skewed	مسیر با جهت منفی، گذر جهت دار با جهت منفی
negativeness	کجی منفی
negativity	منفیت، کیفیت منفی بودن
neglect	منفیت، کیفیت منفی بودن
neglected firm effect	اغماض کردن، صرف نظر کردن
negligence	اثر شرکت لحاظ نشده/ اغماض شده
negligible	سهل انگاری
negligible value	قابل اغماض، جزئی، ناچیز، قابل صرف نظر

	بدون ارزش
negotiability	
	قابل معامله، انتقال پذیری
Negotiable	
	قابل معامله
negotiable / non negotiable	
	قابل معامله / غیر قابل معامله
negotiable assets	
	دارایی‌های قابل معامله (قابل انتقال)
negotiable bill	
	برات قابل انتقال (به وسیله ظهر نویسی)
negotiable bonds	
	اوراق بهادار
negotiable certificate of deposit	
	گواهی سپرده بانکی قابل معامله
negotiable check	
	چک قابل نقل و انتقال (دادوستد)
negotiable error	
	اشتباه قابل گذشت / بحث
Negotiable instrument	
	سند قابل انتقال
negotiable papers	
	اوراق و اسناد قابل انتقال
negotiable securities	

اوراق بهادار قابل معامله	
negotiable warehouse receipt	
رسید انبار قابل معامله	
negotiated static budget	
بودجه ثابت مذاکره ای	
negotiated transfer price	
قیمت انتقالی مذاکره ای	
negotiated transfer pricing	
قیمت گذاری توافقی انتقالات داخلی	
negotiated underwriting	
تعهد خرید قرار دادی	
negotiating bank	
بانک معامله کننده، بانک کارگزار	
negotiation	
مذاکره گفتگو به منظور حل اختلاف و توافق	
Nei's diversity	
چندگونگی نای	
Nei's diversity measure	
اندازه چندگونگی نای	
neighbor designs	
طرحهای همسایه	
neighborhood	
نیش، بر، همسایگی	
neighborhood of a point	

همسایگی نقطه	
neighborhood system	
دستگاه همسایگی ها	
neighbourhoods	
دستگاه اصلی همسایگی ها، دستگاه اصلی از همسایگی ها	
neither gain nor loss	
نه سود و نه زیان	
Nelder-Mead simplex method	
روش سادکی نِلدِر-مید	
Nelson-Aalen estimator	
برآوردگر نلسون-آلن	
neper	
واحد لگاریتمی اندازه گیری شدت صوت	
nephroid	
کلیه گون	
nested	
آشپانی، تو در تو، متداخل	
nested cell	
حجره آشپانی، فاصله های آشپانی	
nested error	
خطای آشپانی	
nested intervals	
بازه های آشپانی	
nested multiplication	

ضرب تو در تو
nested row-column designs
طرح‌های سطری-ستونی آشیانی
nested sequence
دنباله تو در تو
nested sets
مجموعه‌های آشیانی
nested squares
مربعات تو در تو
nesting
تو در تو، متداخل
nesting in design
آشیانی در طرح
Net
خالص
net (value-worth)
ارزش خالص
Net 30
نسیه خالص ۳۰ روزه
net advantages
مزایای خالص
Net Amount
مبلغ خالصی
net application of funds

خالص مصارف وجوه	
net asset	
خالص دارایی‌ها، ارزش ویژه	
net asset value	
خالص ارزش دارایی‌ها	
net asset value (NAV)	
خالص ارزش دارایی	
Net Assets	
دارایی‌های خالص	
net avails	
خالص مبلغ	
net back price	
قیمت پس از کسر مخارج	
net benefit	
سود خالص، فایده خالص	
net book value	
خالص ارزش دفتری	
net book value (NBV)	
خالص ارزش دفتری	
net capital requirement	
خالص سرمایه مورد نیاز	
net carrying amount	
خالص ارزش دفتری، خالص ارزش ثبت شده	
net cash	

خالص وجوه نقد	
net cash currency	
نقد خالص ارزی	
net cash flow	
گردش خالص وجوه نقد	
net current assets	
خالص دارائی‌های جاری	
net current replacement cost	
خالص ارزش جاری جایگزینی	
Net Domestic Product	
تولید خالص داخلی	
Net earnings	
دریافتی خالص	
net export of goods and services	
خالص صادرات کالا و خدمات	
net identifiable assets	
خالص دارایی‌های قابل شناسایی	
Net Income	
درآمد خالص	
net income approach	
روش سود خالص	
net income available to common stockholders	
سود خالص قابل توزیع به صاحبان سهام عادی سود خالص متعلق به سهامداران عادی	

Net Income Before Tax	سود خالص قبل از کسر مالیات
Net income figure	رقم سود خالص
net income or loss	سود (یا زیان) خالص / ویژه
net income to residual holders	سود خالص متعلق به دارندگان حقوق باقیمانده / نهایی / مازاد
Net interest	بهره ویژه
net inventory value	مقدار موجودی خالص
net lease	اجاره خالص
net liquid assets	خالص دارایی‌های نقد شدنی
net loss	زیان خالص / ویژه
net margin	خالص سود نا ویژه
net mark up	خالص افزایش قیمت فروش
net markdowns	خالص کاهش قیمت فروش

net markups	خالص افزایش قیمت فروش
net method	روش خالص
net monetary assets	خالص دارائی‌های پولی
net monetary items	خالص اقلام پولی
net of income taxes	خالص از مالیات بر درآمد
net of tax display	نمایش بصورت «خالص پس از کسر مالیات»
net operating income	روش درآمد عملیاتی خالص
net operating income approach (NOI)	روش سود عملیاتی خالص ، رویکرد سود عملیاتی
net operating loss	خالص زیان عملیاتی
net pay	دریافتی/پرداختی خالص حقوق پس از کسر کسورات
net payment	خالص پرداخت
net payment of salary	خالص پرداخت حقوق

Net Present Value	ارزش خالص فعلی
net present value (NPV)	خالص ارزش فعلی
net present worth	ارزش ویژه کنونی، ارزش کنونی خالص
Net Price	قیمت خالص
net proceeds	عایدات خالص
Net Profit	سود خالص
net purchases	خریدهای خالص
Net Realizable Value	ارزش خالص بازیافتنی
net realizable value (NRV)	خالص ارزش قابل تحقق، خالص ارزش بازیافتنی
net realizable value less normal profit margin	ارزش خالص بازیافتنی منهای سود ناخالص متعارف
net realizable value method	روش ارزش خالص بازیافتنی / قابل تحقق
net relevant cost	خالص هزینه مربوط

net return	بازده خالص، برگشتی ناب
net sales	فروش (های) خالص
net value, net worth, equity, right	ارزش ویژه
Net Weight	وزن خالص
net working capital	خالص سرمایه در گردش
Net worth	ارزش ویژه
net worth to fixed assets ratio	نسبت ارزش ویژه به دارایی‌های ثابت
net worth to long-term debt ratio	نسبت ارزش ویژه به بدهی‌های بلندمدت
Net, end of month	نسبه قابل پرداخت در پایان ماه
Network	شبکه ائی
network analysis	تحلیل شبکه‌ای
network capital	سرمایه در گردش

network logic	منطق شبکه
network of circles	شبکه دواير
network planning	برنامه ریزی شبکه ای
network theory	نظریه شبکه‌ها
networking convention	قاعده شبکه سازی
networks of queue	شبکه های صف
networks of queues	شبکه صفها
Neumann boundary condition	شرط مرزی نویمان
neumann function	تابع نویمان
neumann law	قانون نویمن
Neumann line	خط نویمان
neumann problem	مسأله نویمن، مسأله نویمان

Neumann series	سری نویمان
neumann's formula	فرمول نویمان
neumann's function	تابع نویمان
neumann's polynomial	چندجمله ای نویمان
neumann's problem	مسأله نویمان
neumann's series	سری نویمان
neumann's triangle	مثلث نویمان
neural networks	شبکه‌های عصبی
neuter element	عنصر خنثی
neutral	خنثی، بی اثر
neutral element	عنصر خنثی، عضو خنثی، عضو بی اثر
neutral equilibrium	تعادل بی تفاوت

neutral flame	شعله خنثی
neutral geometry	هندسه خنثی
neutral surface	رویه خنثی
neutrality	بیطرفی عاری از تمايلات جانبدارانه
Neutrality of money	بی طرفی پول، خنثی بودن پول
Nevanlinna first fundamental theorem	اولین قضیه اصلی نوآنلینا
nevanlinna theory	نظریه نوآنلینا
never ending	بی پایان، لایتناهی
nevertheless	با وجود این، معهذا
New accounting period	دوره جدید حسابداری
new activity	یک فعالیت جدید
new activity adding	افزون فعالیت جدید

new better (worse) than used	نو بهتر (بدتر) از کهنه
new constraint	یک محدودیت جدید
new constraint activity	افزون محدودیت جدید
new coordinate system	دستگاه مختصات نوین، دستگاه همارای نوین
new product development time	زمان ایجاد محصول جدید
New York stock	بورس نیویورک
New York Stock Exchange	بورس سهام نیویورک
new york stock exchange (nyse) index	شاخص بورس سهام نیویورک
Newman-Keuls procedure	شیوه نیومن-کولز
news releases	نشریات خبری
Newton	نیوتن
newton cotes quadrature formulas	روابط انتگرال نیوتن-کوتر

Newton diagram	نمودار نیوتن
newton divided difference formula	فرمول تقاضای تقسیم شده نیوتن
newton identities	اتحاد های نیوتن
Newton iteration extensions	توسیعهای تکرار نیوتن
newton law of gravitation	قانون گرانش نیوتن
Newton method	روش نیوتن
newton three laws of motion	سه قانون حرکت نیوتن
Newton's identities	اتحاد های نیوتن
newton's identity	اتحاد نیوتن
Newton's interpolation formula	فرمول درونیابی نیوتن
newton's law of cooling	قانون تبرید
newton's law of gravitation	قانون جاذبه عمومی

newton's principle	اصل موضوع نیوتن
Newtonian capacity	گنجایش نیوتنی
Newton-Kantorovich theorem	قضیه نیوتون-کانتور وویچ
Newton-Raphson method	روش نیوتون-رافسون
Newton-Spurrell method	روش نیوتون-اسپورل
next	در مرحله بعد، بعد از، پس از آن، متعاقب، بعد
next audit notes	کاربرگ نکات حسابرسی
next branch	شاخه دیگر
next in first out	روش اولین صادره از وارده آتی
next state	حالت بعدی
next state function	تابع حالت بعدی
next to each other	با هم، کنار یکدیگر

next to last	قبل از آخرین
next to last step	قبل از آخرین مرحله
next to last vertex	رأس قبل از آخر
next we show that	حال نشان می دهیم که
next year	سال آینده
Next-In, First-Out	اولین صادره از وارده های آتی نایفو
Neyman accuracy	درستی نیمنی
Neyman allocation	تخصیص نیمنی
Neyman smooth test of fit	آزمون برازش هموار نیمن
Neyman structure	ساختار نیمن
Neyman's test	آزمون نیمن
Neyman's test for uniformity	آزمون نیمن برای یکنواختی

neyman's theorem	قضیه نیمن
Neyman-Pearson lemma	لم نیمن-پی‌یرسون
Neyman-Pearson theory	نظریه نیمن-پی‌یرسون
Neyman-Pearson-Wald approach	ر هیافت نیمن-پی‌یرسون-والد
Neyman-Wald assessment	ارزیابی نیمن-والد
NFA (National Future Association)	سازمان حمایت از معامله‌کنندگان در برابر قوانین داخلی آمریکا
nickel silver	ورشو
Night depository	صندوق امانت شبانه
Night Shift	شیفت شب
Nikodym derivative	مشتق نیکودیم
nil	پوچ، تهی
nil ideal	

	پوچ آرمان
nil paid shares	
	سهام بدون پرداخت
nilalgebra	
	پوچ جبر
nilpotence	
	پوچتوانی
nilpotent	
	پوچ توان، صفر توان
nilpotent element	
	عنصر پوچتوان
nilpotent group	
	گروه پوچتوان
nilpotent linear transformation	
	تبدیل خطی پوچ توان
nilpotent matrix	
	ماتریس پوچ توان
nilradical of a ring	
	پوچ-رادیکال حلقه
nine	
	نه، ۹
nine points circle	
	دایره نه نقطه
no at all	

	هیچ
no class theory	
	نظریه بی طبقه
no effect	
	بدون تأثیر
no growth model	
	مدل بدون رشد
no limit order	
	سفارش نامحدود
no par shares	
	سهام فاقد ارزش اسمی
nobound element	
	عضو غیر کران
nodal	
	گره ای
nodal line	
	خط گرهی
nodal surface	
	رویه گرهی
Node	
	شبکه توزیع- گره
node network	
	شبکه گرهی
node of a curve	

گره منحنی	
node of a linear graph	
رأس گراف خطی	
node point	
گره	
noether	
نویتتر	
Noether condition	
شرایط نوئتر	
noetherian	
نویتری، نوتری	
noetherian domain	
حوزه نویتری	
Noetherian module	
مدول نویتری	
noetherian ring	
حلقه نویتری	
noise	
نوفه	
nomial definition	
تعریف اسمی	
nomial measurement	
اندازه گیری اسمی	
nomial scale	

	مقیاس اسمی
nominal	
	اسمی، صوری
Nominal accounts	
	حسابهای اسمی
nominal capital, authorized capital, authorized capital stock	
	سرمایه اسمی (مجاز)، سرمایه ثبت شده
nominal cost	
	هزینه اسمی
nominal damages	
	خسارت صوری
nominal data	
	داده‌های اسمی
nominal definition	
	تعریف صوری
nominal dimension	
	اندازه اسمی
nominal dollar accounting	
	حسابداری بر اساس دلار اسمی
nominal dollar concept of capital maintenance	
	حفظ سرمایه بر اساس مفهوم دلار اسمی
nominal influence	
	نفوذ اسمی / غیر موثر

nominal interest rate	نرخ بهره اسمی، نرخ بهره اعلام شده
nominal interest, stated interest	بهره اسمی
nominal ledger (general ledger)	دفتر کل
nominal owner	مالک اسمی
nominal price	ارزش اسمی
nominal quotation	گرفتن مظنه قیمت
nominal rate (of interest) = coupon rate	نرخ بهره اسمی یا اعلام شده
nominal rate of interest	نرخ اسمی بهره
nominal return	بازده اسمی
nominal scale	مقیاس اسمی
nominal scale agreement	توافق مقیاس اسمی
nominal share capital	سرمایه ثبت شده

nominal value	ارزش اسمی
nomination of directors	کاندیدا شدن مدیران
nomination of inspectors	کاندیدا شدن بازرسان قانونی
nomination sampling	نمونه‌گیری نامزدانه
nomogram	دستورنگار
nomographer	دستورنگارنده
Non – collectable	وصول ناشدنی
Non – compulsory expenditure	خرج غیر اجباری
Non – confirmed credit	اعتبار تائید نشده
Non – marketable collateral	وثیقه غیر قابل فروش
Non – member bank	بانکهای غیر عضو
Non – negotiable	غیر قابل معامله

Non – operating income	درآمد غیر عملیاتی
Non – transferable	غیر قابل انتقال
non abelian	ناآبلی
non abelian group	گروه ناآبلی
non -acceptance	عدم قبولی برات
non additive model	مدل جمع ناپذیر
non archimedean	ناارشمیدسی
non archimedean ordered field	هیئت مرتب ناارشمیدسی
non archimedean valuation	ارزه ناارشمیدسی
non associative	غیر شرکت پذیر
non associativity	نانجمنی
non asymptotic	غیر مجانبی

non audit services	خدمات غیر حسابرسی
non cash asset	دارایی غیر نقد
non -cash items	اقلام غیر نقدی
non central distributions	توزیع های غیر مرکزی
non central f distribution	توزیع f غیر مرکزی
non central intervals	فواصل غیر مرکزی
non central quadratics	سطح درجه دوم متقارن غیر مرکزی
non central t2 distribution	توزیع t2 غیر مرکزی
non central t2 variate	متغیر t2 غیر مرکزی
non collinear points	نقاط غیر واقع بر یک خط راست
non -commercial establishment	موسسه غیر تجاری
non -commercial profit oriented establishment	موسسه غیر تجاری انتفاعی

non commutative	غیر جابجائی، ناجابجایی
non commutative matrices	ماتریس های غیر جابجایی
non commutativity	ویژگی ناجابجایی
non comparable	غیر قابل مقایسه
non comparable set	مجموعه غیر قابل مقایسه
non -compete agreement	توافق عدم رقابت
non conservative	غیر ابقایی
non constant	ناثابت، غیر ثابت
non constructive method	روش غیر سازنده
non controllable costs	هزینه های غیر قابل کنترل
non convertible preferred stock	سهام ممتاز غیر قابل تبدیل
non correlated	ناهمبسته

non cumulative preferred stock	سهام ممتاز بدون سود انباشته
non current liabilities	بدهی‌های غیر جاری
non decimal fraction	کسر غیر اعشاری
non decreasing	غیر نزولی
non decreasing function	تابع غیر کاهشی، تابع ناکاهشی، تابع افزایشی
non decreasing sequence	دنباله ناکاهشی، دنباله افزایشی
non degenerate	زوال ناپذیر
non degenerate bilinear form	فرم دو خطی ناتب‌گون
non degenerate conic	مخروط ناتب‌گون، مخروط سره
non degenerated	زوال ناپذیر
non deleted	نابسوده
non denumerable	شمارش ناپذیر، ناشمارا، غیر قابل شمارش

non denumerable set	مجموعه ناشمارا، مجموعه شمارش ناپذیر، مجموعه غیر قابل شمارش
non desarguesian geometry	هندسه نادزارگی
non destructive test	آزمایش غیر تخریبی، آزمایش غیر مخرب
non deterministic	نامتقن، غیر قطعی، نامعین
non empty	ناتهی، غیر تهی
non empty set	مجموعه ناتهی
non enumerable	شمارش ناپذیر
non enumerable set	مجموعه شمارش ناپذیر
non essential	ناگوهری، غیر ضروری، غیر اساسی
non euclidean	ناقلیدسی، غیر اقلیدسی
non euclidean geometry	هندسه ناقلیدسی
non euclidean space	

فضای نااقلیدسی	
non existent	ناموجود
non existent demand	تقاضای ناموجود
non expendable trust fund	حساب مستقل و جوه امانی غیر قابل مصرف
non heat treatable	عملیات حرارتی ناپذیر
non homogeneous	ناهمگن، غیر همگون، غیر همگن
non homogeneous equation	معادله غیر همگن
non homogeneous system	دستگاه غیر همگن
non increasing	غیر صعودی
non increasing function	تابع غیر افزایشی
non increasing monotonic function	تابع یکنوای غیر افزایشی
non increasing sequence	دنباله نافزایشی، دنباله کاهششی

non interest bearing loan, non – interest loan, interest free· loan, loaned flat	وام بدون بهره
non interest bearing note	سند بدون بهر
non interest bearing notes	اسناد بدون بهره
non irreducible element	عضو تحویل ناپذیر الحاقی
non isolated	ناتنها، غیر منفرد، غیر تنها
non isomorphic	غیر یکسان، غیر ایزومرف، نایکسان
non itegrability	انتگرال ناپذیری
non linear	غیر خطی
non linear dependence	بستگی غیر خطی
non linear model	مدل غیر خطی
non linear programming	برنامه ریزی غیر خطی
non linear system	

دستگاه غیر خطی	
non literalistic	
ناجازم	
non management fraud	
تقلب غیر مدیریتی	
non market risk	
ریسک غیر سیستماتیک ریسک قابل حذف	
non mathematical	
غیر ریاضی	
non meager	
چاق	
non measurable	
سنج ناپذیر، اندازه ناپذیر	
non measurable set	
مجموعه سنج ناپذیر، مجموعه اندازه ناپذیر	
non metric	
غیر طولی	
non metric geometry	
هندسه غیر طولی	
non negative	
نامنفی	
non negative form	
فرم غیر منفی	
non negative function	

تابع نامنفی	
non negative matrix	
ماتریس غیر منفی	
non nul	
ناصفر	
non operating income	
سود/ در آمد غیر عملیاتی	
non ordinary fraction	
کسر غیر معمولی	
non orientable surface	
رویه جهت ناپذیر	
non oriented plane	
هامن بدون جهت	
non overlapping	
بدون عضو مشترک، غیر قابل پوشش	
non par value	
به غیر بهای اسمی	
non parallel	
ناموازی، غیر موازی	
non parametric methods	
روش های غیر پارامتری	
non parametric statistics	
آمار غیر پارامتری	
non parametric test	

آزمایش غیر پارامتری
non pecuniary benefits
مزایای غیر مالی
non periodic
غیر متناوب، غیر تناوبی، نامتناوب
non periodic head
دوره غیر گردش
non positional
غیر موضعی
non positional notation
دستگاه عدد نویسی غیر موضعی
non positive numbers
اعداد غیر مثبت
Non profitable instruments
ابزارهای غیرانتفاعی
non radiative
غیر تشعشعی
non random
غیر تصادفی
non random sample
نمونه غیر تصادفی
non random type surveying
آمارگیری از نوع غیر تصادفی
non randomize

non randomized	ناتصادفی کردن
non real	ناتصادفی شده، نابختین
non real roots	غیر حقیقی
non realization	ریشه های غیر حقیقی
non rectifiable curve	عدم تحقق
non rectilinear function	خم غیر قابل اصلاح
non recurring items	تابع غیر خطی
non reflexive	اقلام غیر تکراری
non reflexive relation	غیر منعکس
non refundable	رابطه انعکاس ناپذیر
non regular	غیر قابل استرداد
non removable	بی قاعده، نامنظم

غیر قابل حذف، نابرداشتی	
non residue	نامانده
non reversing	یکطرفه، معکوس نشو
non sampling error	اشتباه غیر نمونه گیری
non sampling risk	ریسک غیر نمونه گیری
non simple closed curve	منحنی بسته غیر ساده
non simultaneous	غیر هم جنس
non singular	ناتکین، غیر تکین
non singular matrix	ماتریس غیر تکین
non singular transformation	تبدیل غیر تکین
non singular variety	چندگونای هموار، چندگونای ناتکین
non statistical sampling	نمونه گیری غیر آماری
non symmetrical	

	غیر متقارن
non tariff barriers	
	موانع غیر تعرفه‌ای
non terminating	
	بدون پایان، بدون انتها، بی پایان
non terminating decimal	
	عدد دهدهی بی پایان
non transitive	
	غیر متعدی
non trivial	
	غیر بدیهی، غیر مبتذل، نابدیهی
non trivial solution	
	جواب غیر بدیهی، جواب غیر صفر مبتذل
non uniformity	
	ناهمشکلی، غیر یکنواختی، ناهمگونی
non value added activities	
	فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده
non value added cost	
	مخارج فاقد ارزش افزوده
non value added operations	
	عملیات فاقد ارزش افزوده
non value added operations (activities)	
	عملیات فاقد ارزش افزوده
Non Value Adding	

ارزش نیفزا
Non Value Adding Activities
فعالیت‌های ارزش نیفزا
non void
غیر تهی، ناتهی
non volume related drivers
محرک‌های غیر مرتبط با حجم
non zero
مخالف صفر، غیر صفر
non zero sum game
بازی بدون مجموع صفر، بازی مجموع غیر صفر
nonabelian group
گروه غیر آبدلی
non-acceptance of bill
عدم قبولی برات
nonadditive probability
احتمال ناجمعی
nonadditivity
ناجمعی بودن
nonadjacent extreme point methods
روش‌های نقاط راسی نامجاور
non-adjusting event
رویداد غیر اصلاحی، وقایع غیر تعدیلی
nonagon

نه ضعلی	
nonassociative	
	شرکت ناپذیر
nonassociative algebra	
	جبر شرکت ناپذیر
nonassociative ring	
	حلقه شرکت ناپذیر
nonatomic boolean algebra	
	جبر بولی نااتمی
nonatomic measure space	
	فضای اندازه نااتمی
non-audit services	
	خدمات غیر حسابرسی
non-audited financial statements, unaudited statements	
	صورت‌های مالی حسابرسی نشده
nonbasic	
	غیر پایه
nonbasic definition	
	تعریف تابع هدف
nonbasic matrix	
	ماترسی غیر پایه
nonbasic variable	
	متغیر غیر پایه، متغیر غیر اساسی، متغیر غیر پایه ای

nonbasic variables	متغیر های غیر پایه
nonbinding constraint	محدودیت های نامقید
Non-Bom	Bom غیر
non-business day	روز غیر کاری
non-callable	غیر قابل باز خرید
noncancelable lease agreement	قرارداد اجاره غیر قابل فسخ
non-cancelable lease agreement	قرارداد اجاره غیر قابل فسخ
non-cash activities	فعالیت های غیر نقدی
noncash assets	دارایی های غیر نقد
noncash compensation	حقوق و مزایای غیر نقدی
non-cash contribution, contribution -in -kind	آورده غیر نقدی، سرمایه گذاری غیر نقدی
non-cash cost (expense, expenditure)	هزینه غیر نقدی

noncash expenses	هزینه های غیر نقدی
noncash transactions	مبادلات غیر نقدی
noncentral	غیر علی، غیر مرکزی، نامتمرکز شده، غیر متمرکز
noncentral beta distribution	توزیع بتای نامرکزی
noncentral chi square distribution	توزیع مربع خی نامرکزی
noncentral chi-square distribution	توزیع خی دوی نامرکزی
noncentral distribution	توزیع نامرکزی
noncentral F-distribution	توزیع F نامرکزی
noncentral matrix F-distribution	توزیع F ماتریسی نامرکزی
noncentral quadrics	رویه های درجه دوم نامرکزی
noncentral Studentized maximal distributions	توزیع های ماکسیمال استیودنتیته نامرکزی
noncentral t-distribution	توزیع t نامرکزی

noncentral Wishart distribution	توزیع ویشارت نامرکزی
noncommutative	تعویض ناپذیر
noncommutative ring	حلقه جابجا ناپذیر
noncomparable	غیر قابل مقایسه
noncomparable elements	عضو های غیر قابل مقایسه
noncomparable pair of element	دو عنصر غیر قابل مقایسه
noncompensatory plan	طرح غیر جبرانی
noncompliance	عدم رعایت عدم انطباق
nonconformity	ناهمگونی
nonconstant	ناپایا
nonconstant polynomial	چند جمله ای ناپایا
nonconstructive proof	اثبات غیر سازنده

Non-Consumable	غیر مصرفی
non-controllable costs (expenses)	مخارج غیر قابل کنترل
non-controllable inventory	موجودی انبار غیر قابل کنترل
noncontrollable variance	انحراف غیر قابل کنترل
nonconvertible preferred stock	سهام ممتاز غیر قابل تبدیل
nonconvex	نامحدب
noncost methods	روشهای غیر بهای تمام شده
noncounterbalancing errors	اشتباهات غیر متوازن
noncoverage	ناپوشا
non-cumulative dividend	سود سهام غیر انباشته
non-current asset	دارایی غیر جاری
noncurrent liability account	حساب بدهی غیر جاری

nondecreasing	ناکاهشی، ناکاهنده
nondecreasing function	تابع نانزولی، تابع یکنوای صعودی
nondefective	سالم
nondefective unit	واحد غیر معیوب
nondegeneracy	ناتباهیده، ناتباهیدگی، ناتباهی
nondegenerate	ناتباهیده، ناتبهگون، ناتباهنده
nondegenerate basic feasible solution	جواب شدنی پایه ناتباهیده
nondegenerate bounded variables	متغیر های کران دار ناتباهیده
nondegenerate divisor	مقسوم علیه ناتباهیده
nondegenerate iteration pivot	محور گیری تکرار ناتباهیده
nondegenerate quadratic form	صورت درجه دوم ناتباهیده
nondegenerate linear equation	معادله خطی غیر تبهگون

nondeleted limit	حد ناسوده
nondense set	مجموعه هیچ جا چگال، مجموعه ناچگال
nondenumerable	ناشمردنی، شمارش پذیر
nondenumerable set	مجموعه ناشمارا
non-depreciable assets	دارایی‌های استهلاک ناپذیر
nonderogatory matrix	ماتریس غیر تخفیف ناپذیر
nondiagonal element	عضو غیر قطر
nondimensional parameter	پارامتر غیر بعدی
nondirected graph	گراف غیر جهت دار
nondiscounting model	مدل غیر تنزیل
non-dissipative	نااتلافی
non-dissipative Markov chains	زنجیرهای مارکوف نااتلافی

non-distributable reserve	اندوخته غیر قابل توزیع (غیر قابل تقسیم)
nondistributive	پخش ناپذیر
Non-Durable goods	کالاهای ناپایدار
none	هیچ یک
none theless	با این حال، با وجود این
nonempty	نا تهی
nonempty finite set	مجموعه با پایان نا تهی
nonempty set	مجموعه نا تهی
nonempty subset	زیر مجموعه نا تهی
non-equity share	سهام با حقوق محدود
nonequivalent	نا هم ارز
nonequivalent proposition	گزاره نا هم ارز

non-essential loan	وام غیر ضروری
nonetheless	در هر صورت، به هر حال
Non-Exclusive	غیر انحصاری
nonexistence	عدم وجود
nonexperimental inference	استنباط ناآزمایشی
non-financial income	درآمد غیر مالی
nonformation	بی اطلاعی
non-Gaussian	ناگوسی
nongenerative	غیر تولیدی
nonhierarchical clustering	خوشه‌بندی ناسلسله‌مراتبی
nonhomogeneous	ناهمگن، غیر هموزن، غیر همگن
nonhomogeneous difference equation decreasing function	

تابع ناصعودی، تابع یکنوای نزولی
nonhomogeneous system
دستگاه غیر همگن
non-homogenous financial data
اطلاعات مالی ناهمگن
nonillion
نانیلیون، عدد ۱۰۳۰ در دستگاه آمریکایی و ۱۰۵۴ در دستگاه انگلیسی
nonincreasing
نافزایشی
nonincreasing function
تابع ناصعودی، تابع یکنوای نزولی
nonintegrable function
تابع انتگرال ناپذیر
Non-interest bearing Sukuk
اوراق قرض الحسنه
noninventoriable period costs
مخارج غیر قابل منتسب به موجودی کالا مخارج دوره
noninvertible matrix
ماتریس وارون ناپذیر
nonisomorphic
نایکسان
nonlabeled term
جمله بدون برچسب، جمله برچسب گذاری نشده

nonleaf	غیر برگ
nonlinear	غیر خطی، ناخطی
nonlinear correlation	همبستگی غیر خطی
nonlinear cost functions	توابع غیر خطی هزینه
nonlinear differential equation	معادله دیفرانسیل غیر خطی
nonlinear equation	معادله ناخطی
nonlinear fit	برازش غیر خطی
nonlinear models	مدلهای ناخطی
nonlinear programming	برنامهریزی ناخطی
nonlinear regression	رگرسیون ناخطی
nonlinear renewal theory	نظریه تجدید ناخطی
nonlinear time series	سریهای زمانی ناخطی

nonmeasurable	غیر قابل اندازه گیری، اندازه ناپذیر
nonmeasurable function	تابع اندازه پذیر
nonmetric data analysis	تحلیل داده‌های نامتری
nonmodular	غیر پیمانه ای، ناپیمانه ای
nonmonetary exchange	معاوضه غیر پولی
nonmonetary items	بدهی غیر پولی
nonmonetary items, non-monetary items	اقلام غیر پولی
nonmonetary liability	بدهی غیر پولی
nonmonetary transactions	معامله غیر پولی
nonmonetary transfer	مبادله غیر پولی
nonnegative	نامنفی
nonnegative function	تابع غیر منفی

nonnegative integer	عدد صحیح نامنفی
nonnegative integers	اعداد صحیح نامنفی
nonnegative linear transformation	تبدیل خطی نامنفی
nonnegative number	عدد نامنفی
nonnegative numbers	اعداد غیر منفی
nonnegative property	خاصیت نامنفی بودن
nonnegative semidefinite matrix	ماتریس نیمه‌نامنفی
nonnegative series	سری نامنفی
nonnegativity constraint	محدودیت نامنفی، محدودیت غیر منفی
nonnegligent performance	عملکرد/ اجرای غیر سهل انگارانه
nonobservable errors	خطاهای مشاهده نشدنی
non-operating	غیر عملیاتی

non-operating gain and loss	سود و زیان غیر عملیاتی
nonorientability	جهت ناپذیری
nonoverlapping	بدون عضو مشترک، غیر قابل پوشش
nonoverlapping intervals	بازه‌های نامتداخل
nonparametric	ناپارامتری، غیر پارامتری
nonparametric clustering techniques	فنهای خوشه‌بندی ناپارامتری
nonparametric confidence intervals	بازه‌های اطمینان ناپارامتری
nonparametric discrimination	تشخیص ناپارامتری
nonparametric estimation	برآورد ناپارامتری
nonparametric estimation under truncation	برآورد ناپارامتری تحت برش
nonparametric methods	روشهای ناپارامتری
nonparametric regression	رگرسیون ناپارامتری

nonparametric statistics	آمار ناپارامتری
nonparametric test	آزمون ناپارامتری
nonparametric tolerance limits	حدهای تحمل ناپارامتری
non-payment	عدم پرداخت
nonperiodic cubic spline	اسپلاین درجه سه نامتناوب
nonperiodic head	دوره غیر گردش
nonpermanent die	قالب غیر تولیدی
nonplanar	غیر مسطح
nonplanar graph	گراف غیر مسطح
nonpositive	نامثبت، غیر مثبت
nonpositive definitive matrix	ماتریس معین نامثبت
nonprime	غیر اول

nonprobability sample	نمونه غیر احتمالی
nonproduction costs	مخارج غیر مرتبط با تولید
nonproductive experiment	آزمایش غیر تصادفی
nonproductive labor	کار غیر تولیدی
nonprofit or not for profit entities	واحدهای غیرانتفاعی
non-profit organizations (company)	مؤسسات، سازمان‌های غیرانتفاعی
non-profitable, uneconomic	غیراقتصادی، غیر سودمند
nonproper point	نقطه غیر حقیقی
nonpublic companies	شرکتهای غیرسهامی عام
nonrandom experiment	آزمایش غیر تصادفی
nonrandomized decision function	تابع تصمیم ناتصادفیده
nonreal	ناحقیقی

nonreal root	ریشه غیر حقیقی
nonreciprocal transfer	انتقال غیر متقابل
nonrectangular coordinate system	دستگاه مختصات غیر قائم
nonrectifiable	با طول نامتناهی، با درازای نامتناهی
nonrectifiable curve	منحنی با طول متناهی، خم با درازای نامتناهی
nonrecurrent Markov chain	زنجیر مارکوف نابازگشتی
non-refundable	غیر قابل استرداد
nonremovable discontinuity	نابرداشتنی ناپیوستگی
nonrepeating decimal	اعشاری نامکرر
nonresidue	ناباقیمانده
nonrespondents	پاسخ‌نداده‌ها
nonresponse	بی‌پاسخی

nonresponse questionnaire	پرسشنامه بدون جواب
Non-restating firm	شرکت با عدم قابلیت تجدید ارائه
non-returnable containers	ظروف غیر قابل برگشت
non-revolving bank facility	اعتبار با دوره تنفس
nonroutine decisions	تصمیمات غیر روزمره
nonsampling error	خطای غیر نمونه‌گیری
nonsampling errors	اشتباهات غیر نمونه‌گیری
nonsampling risk	ریسک غیر نمونه‌گیری
nonsatiation	اشباع ناپذیری
nonsense correlation	همبستگی بی‌معنی
nonsimilar binary tree	درخت دودویی غیر متشابه
nonsimple path	مسیر غیر ساده

nonsingular	نا استثنائی
nonsingular linear transformation	تبدیل خطی ناتکین
nonsingular matrix	ماتریس ناتکین
nonsingular point of a variety	نقطه ساده چندگونا، نقطه ناتکین چندگونا
nonsingular transformation	تبدیل ناویژه، تبدیل ناستثنایی
nonsingular trianglular matrix	ماتریس مثلث ناویژه
nonsingular variety	چندگونای هموار، چندگونای ناتکین
nonsquare matrix	ماتریس غیر مربع
nonstandard multivariate test	آزمون چندمتغیره ناستاندارد
nonstandard natural number	عدد طبیعی نا استاندارد
nonstandard real number	عدد حقیقی ناستاندارد
nonstationary	ناایستا

nonstationary oscillation	نوسان نا مانا
nonstationary time series	سریهای زمانی نامانا
nonstatistical sampling	نمونه گیری غیر آماری
Non-Stock	غیر انباری
nonstrictly determined matrix	ماتریس کاملا غیر معین
nonsufficient fund (nsf) check	چک بلامحل
Non-Sufficient Funds check	چک بلامحل
nonsymmetric relation	رابطه نامتقارن
nontariff measures (NTMs)	اقدامات غیر تعرفه‌ای
nontariff trade barriers	موانع تجاری غیر تعرفه‌ای
non-taxable	غیر مشمول مالیات
nonterminal	ناپایانه، غیر انتهایی

nonterminating	نامختوم، بی انتها، بی پایان
nonterminating decimal	عدد ددهی نا مختوم
nontransitive relation	رابطه نا ترايا
nontrivial	نابديهی
nontrivial factorization	تجزیه نابديهی
nontrivial solution	جواب ناصفر
nontrivial subgroup	زیر گروه نابديهی
nontrivial subset	زیر مجموعه سره، زیر مجموعه نابديهی
nonuniqueness	نايکتايی
nonunit	غير يکه، نايکه
nonunit based activity cost drivers	محرکهای هزینه فعالیت مبتی بر غير واحد محصول
nonvalue added activities	فعاليتهای فاقد ارزش افزوده

nonvalue added costs	مخارج فاقد ارزش افزوده
nonvoting	فاقد حق رای
nonvoting shares	سهام فاقد حق رای
nonweighted 2 tree	درخت غیر وزندار -2
nonzero	نا صفر
Nonzero balance	مانده غیر صفر
nonzero column vector	بردار ستونی ناصفر
nonzero determinant	دترمینان غیر صفر ، دترمینان ناصفر
nonzero entry	درایه غیر صفر
nonzero vector	بردار ناصفر
nopar value stock	سهام بدون ارزش اسمی
norm	نُرم

norm of a functional	نرم تابعک
norm of a matrix	نرم ماتریس
norm of a vector	نرم بردار، طول بردار، قدر مطلق بردار، مقدار عددی بردار
norm of vector nonbasic	نرم یک بردار
norma	استاندارد، قاعده، مدل
normal	عادی
normal (wastage-spoilage), abnormal spoilage (wastage)	ضایعات غیر عادی
normal acceleration	شتاب قائم، شتاب عمودی
normal activity level	سطح فعالیت عادی
normal allowance	زمان بیکاری مجاز
normal approximation	تقریب نرمال
normal approximation to	

normal asymptotic distribution for binomial	تقریب نرمال برای توزیع مجانبی نرمال برای دو جمله ای
normal axis	محور قائم
Normal balance	مانده عادی
normal balance of account	مانده عادی حساب
normal basis	پایه نرمال
normal bi variate distribution	توزیع دو متغیری طبیعی
normal capacity = average capacity	ظرفیت اسمی، ظرفیت عادی
normal chain	زنجیر نرمال
normal closure	بسته نرمال
normal component	مولفه قائم
normal conditions	شرایط عادی
normal continued fraction	

normal coordinates	کسر مسلسل نرمال
normal costing	مختصات نرمال
normal costing system	هزینه یابی عادی
normal cruve	سیستم خهزینه یابی عادی
normal curvature	منحنی طبیعی، منحنی نرمال
normal curvature of a surface	خمیدگی قائم
normal density function	انحنای نرمال سطح
normal derivation	تابع چگالی نرمال
normal derivative	انحراف نرمال، انحراف طبیعی
normal distribution	مشتق نرمال
normal distribution curve	توزیع عادی
normal distribution function	منحنی توزیع نرمال

تابع توزیع نرمال	normal distribution in plane
توزیع نرمال در سطح، توزیع نرمال دو متغیره	normal distribution law
قانون توزیع نرمال	normal divisor
مقسوم علیه نرمال	normal equation
معادله نرمال، معادله متعارف	normal equation of a straight line
معادله متعارف خط راست	normal equations
معادله‌های نرمال	normal equivalent deviate
متغیر معادل با نرمال	normal extension
توسیع بهنجار	normal extremes
کرانگینهای نرمال	normal family
خانواده نرمال	normal financing principles
اصول معاملات دو جانبه (دو کشور)	normal force

	نیروی قائم
normal form	
	صورت متعارف
normal form of an equation	
	صورت متعارف یک معادله
normal form of differential equations	
	صورت نرمال معادله های دیفرانسیل
normal function	
	تابع نرمال شده، تابع نرمال
normal function of ordinal numbers	
	تابع نرمال عدد های ترتیبی
normal hours of work	
	ساعات عادی کار
normal idle times	
	اوقات بیکاری عادی
normal income	
	درآمد متعارف
normal inspection	
	بازرسی نرمال
normal labor hours, idle hours	
	ساعات بیکاری
normal level of activity	
	سطح عادی فعالیت
normal line	

خط نرمال (قائم)	
normal linear transformation	
تبدیل خطی بهنجار	
normal matrix	
ماتریس نرمال	
normal operating cycle	
چرخه عادی عملیات	
normal operating range	
دامنه عادی عملیاتی	
normal operator	
عملگر نرمال	
normal order	
ترتیب طبیعی	
normal plane	
صفحه قائم	
normal population	
جامعه نرمال	
normal probability curve	
خم احتمال نرمال	
normal probability density function	
تابع چگالی احتمال نرمال	
normal probability plot	
رسم احتمال نرمال	
normal profit margin	

سود ناخالص عادی
normal projection
تصویر قائم، تصویر متعامد
normal random variable
متغیر تصادفی نرمال
normal rate of return
نرخ بازده عادی
normal reaction
عکس العمل طبیعی، عکس العمل عادی
normal region
ناحیه نرمال (قائم)
normal scores test
آزمون نمره‌های نرمال
normal section
مقطع قائم
normal shrinkage (spoilage)
آبرفتگی عادی، ضایعات عادی
normal space
فضای نرمال
normal stock
موجودی طبیعی
normal stress
تلاش قائم
normal subgroup

	زیرگروه نرمال
normal time	
	زمان عادی، زمان معمولی
normal to a curve	
	قائم بر خم، قائم بر منحنی
normal to a plane	
	قائم بر صفحه
normal to a surface	
	قائم بر رویه، قائم بر یک سطح
normal to hyperplane	
	عمود بر ابرصفحه، نرمال به ابرصفحه
normal transformation	
	تبدیل نرمال
normal unit vector	
	بردار یکه قائم
normal utilization	
	بهره برداری عادی
normal variable	
	متغیر نرمال
normal variative	
	متغیر نرمال
normal vector	
	بردار عمودی، بردار قائم
normal vector bundle	

کلاف برداری نرمال	
normal waste	
ضایعات عادی	
normal-gamma density	
چگالی نرمال-گاما	
normalisation	
نرمال ساختن	
normality	
نرمال بودن، هنجار بودن	
normality condition	
شرط نرمال بودن	
normalization	
نرمال سازی	
normalization constant	
ثابت نرمالیدن	
normalize	
عادی کردن	
normalized	
هنجار یافته، نرمال شده، هنجار شده	
normalized deviation	
انحراف نرمال شده	
normalized equation of line	
معادله نرمال خط	
normalized function	

تابع نرمال شده، تابع نرمال
normalized function random variable
متغیر تصادفی نرمال شده، متغیر تصادفی نرمال
normalized random variable
متغیر تصادفی نرمالیده
normalized t scores
نمره‌های t نرمالیده
normalizer
بهنجارساز
normalizer of a subgroup
هنجارگر یک زیرگروه
normalizer of a subset of a group
نرمالگر زیرمجموعه گروه
normalizing
یکه سازی، طبیعی کردن، عادی کردن، نرم کردن، عادی سازی، بهنجار کردن، یکنواخت کردن، نرمالسازی
normalizing transformation
تبدیل نرمال‌ساز
normalize
بدست آوردن بردار یکه
normative
هنجاری، دستوری
normative supply function
تابع ارزشی عرضه

normative theories	تئوریهای هنجاری (دستوری)
normed	نرم دار، هنج دار، دارای نرم
normed linear space	فضای خطی نرم‌مدار
normed ring	حلقه نرم‌مدار
normed space	فضای نرم‌مدار
normed subgroup	زیرگروه نرمال
normed vector lattice	مشبکه برداری نرم دار
normed vector space	فضای برداری نرم دار، فضای برداری هنج دار
normit	متغیر معادل با نرمال
North American Free Trade Agreement	توافقنامه تجارت آزاد کشورهای آمریکای شمالی
north pole	قطب شمال
northwest corner method	روش گوشه چپ بالایی

northwest corner rule	قانون گوشه شمال غربی، قاعده گوشه شمال غربی
Nostro account	حساب ما
not	چنین نیست که، نه
not accrued	به دست نیامده
not applicable (na)	مورد ندارد
not charged, not accounted for	به حساب نیامده (به حساب منظور نشده)
not equal to	نامساوی با، مخالف با
not for profit organization	سازمان غیرانتفاعی
not for profit organizations	سازمانهای غیرانتفاعی
not function	تابع نفی
not matured debt	بدهی موعد نرسیده
not mutually exclusive event	پیشامد پیوستنی، پیشامد متداخل

not negotiable	غیر قابل انتقال
not on charge	به حساب نیامده
not p	چنین نیست که p، نه p
not rated	بدون درجه اعتبار
not stop	ادامه یافتن
not sufficient funds (nsf)	چکهای بالامحل چکهای لاوصول
notable	نشان دادن، نمایش دادن
notary public, registry	محضر، دفتر اسناد رسمی، دفترخانه
notation	نمادگذاری. نماد ۲. ۱.
notation of probability	مفهوم احتمال
notch	شکاف، شکاف دادن، گوشه
notching	گوشه بری، گوشه زنی، بریدن لبه ای

Note	یادداشت – یادداشت اداری توجه نمودن
Note – issuing privilege	امتیاز چاپ اسکناس
note payable	سند پرداختی
note receivable	سند دریافتی
note receivable discounted	سند دریافتی تنزیل شده
note that	توجه دارید که، متذکر شدن، یادآور شدن
notes of meetings	صور تجلسات
notes paid	اسناد پرداختی
notes payable	اسناد پرداختی، سفته های پرداختی
notes payable account	حساب اسناد پرداختی
notes payable, bills payable, documents payable	اسناد پرداختی
notes receivable	اسناد دریافتی

notes receivable account	حساب اسناد دریافتنی
notes receivable discounted	اسناد دریافتنی تنزیل شده
notes to financial statements	یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی
notes to the balance sheet	یادداشت‌های پیوست ترازنامه
notes to the financial statements	یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی
notes, securities, valuable bills	اوراق بهادار قابل معامله
nothing	هیچ، صفر
notice of change	یادداشت (نامه) تغییرات
notification	ابلاغ، اعلام، اختاریه
notification of intended return	برگشت کالا
notifying bank	بانک اعلام کننده (بانک کارگزار)
notion	مفهوم

notional profit	سود ظاهری
notional rent	مال الاجاره فرضی
notorious-ill named partner	شریک بدنام
nought	هیچ، خطا
novile	نُهک
nowhere dense	هیچ جا چگال
nowhere dense set	مجموعه هیچ جا چگال، مجموعه ناچگال
nozzle	پخش کن، مغزی، فواره، قسمت خروج، مجرای خروج
nozzle tip	نوک تزریق کننده
NP chart	نمودار NP
n-point method	روش n-نقطه
nth	
n	امین nام، n

nth coordinate	مختص n ام، مؤلفه n ام
nth derivative	مشتق مرتبه n ام، مشتق n ام
nth factor	عامل n ام
nth iterate	تکرار n ام
nth order differential equation	معادله دیفرانسیل مرتبه n ام
nth partial product	حاصل ضرب جزئی n ام
nth partial sum	مجموع جزئی n ام
nth power	توان n ام
nth root	ریشه n ام
nth root function	تابع ریشه n ام
nth root of unity	ریشه n ام واحد، ریشه n ام یک
nth term	جمله n ام

nth variation	
n	امین وردش n
nuclear	
	هسته، هسته ای
nuclear class	
	رده هسته ای
nuclear fission	
	انشقاق هسته ای
nuclear operator	
	عملگر هسته ای
nuclear reaction	
	فعل و انفعال هسته ای
nuclear space	
	فضای هسته ای
nucleolus of game	
	هسته بازی
nuisance parameter	
	پارامتر مزاحم
nuisance parameters	
	پارامترهای مزاحم
null	
	پوچ
null and void	
	کان لم یکن، بی اثر

null circle	دایره صفر، دایره ای با شعاع صفر
null class	مجموعه خالی
null element	عامل صفر، عنصر صفر، عنصر پوچ
null event	پیشامد پوچ، پیشامد تهی، پیشامد نشدنی، حادثه خنثی
null function	صفر تابع، تابع صفر
null graph	گراف تهی
null group	گروه صفر
null hypothesis	فرضیه صفر
null matrix	ماتریس صفر
null quantifier	کم صفر، سور صفر
null recurrent	برگشت پذیر تهی، بازگشتی-پوچ
null sequence	

صفر دنباله، هیچ رشته، دنباله صفر، دنباله ای که حد آن صفر است
null set
مجموعه تهی
null sets
مجموعه های خالی، مجموعه های تهی
null space
صفر فضا، فضای پوچ هسته
null string
رشته پوچ، رشته تهی
null tree
درخت پوچ
null vector
بردار صفر
nullary operation
عمل هیچتایی
nullity
درجه پوچی، بعد فضای پوچ، پوچی
nullity of a linear mapping
بعد هسته نگاشت خطی
nullity plus rank theorem
قضیه پوچی بعلاوه رتبه
number

تعداد، نمایش هندسی عدد مختلط، عدد، شمار، شماره، شماره گذاری کردن، نمایش هندسی یک عدد مختلط
number axis
محور اعداد
number field
میدان عددی، میدان اعداد، هیئت اعداد، هیأت اعداد
number line
خط اعداد، محور حقیقی
number of authorized shares
تعداد سهام مجاز برای انتشار
number of basic feasible solutions
تعداد جواب های شدنی پایه
number of basis
تعداد پایه
number of bounded variables
متغری های کران دار تعداد
number of days of sickness
تعداد روزهای بیماری (بیمه شده)
number of listed companies in
تعداد شرکتهای پذیرفته شده (عضو) در ...
number of renewals
تعداد تعویض
number of runs test
آزمون تعداد گردشها

number of solutions	تعداد جواب های
number of strata	تعداد طبقه بندیها
number of teeth	تعداد دندانها
number scale	محور اعداد
number sieve	غربال اعداد، غربال اراتستن
number system	دستگاه اعداد
number theoretic	نظریه اعداد، منسوب به نظریه اعداد
number theoretic functions	توابع حسابی، توابعی که مجموعه اعداد طبیعی را به توی خودش تصویر می کنند
number theory	نظریه اعداد
numberable	قابل شمارش، شمارش پذیر
numeral	عددی، عدد
numeral system	

دستگاه شمارش، دستگاه عددنویسی، دستگاه شمار
numberate
شمردن، حساب کردن، به شمار آوردن
numberation
شمار، شمارش، احتساب
numberator
صورت کسر
numerical
عددی
numerical analysis
آنالیز عددی، تجزیه و تحلیل عددی
numerical coefficients
ضرایب عددی
numerical determinant
دترمینان عددی
numerical methods
روش های عددی
numerical scale
مقیاس عددی
numerical sequence
دنباله عددی
numerical value
مقدار عددی
numerically

numbering	به طور عددی
numbering of favourable cases	شماره گذاری
numbering scale	تعداد حالات مساوی
numbering scale with base n	سیستم عددنویسی، پایه اعداد
numbering system	عدد نویسی به
numbering theoretic	دستگاه اعداد
numbering theoretical functions	نظریه اعداد
numbering theory	توابع نظریه اعداد
numbering with common factors	نظریه اعداد
numberless	عدد های مشترک
Numbers	بی شمار
numbers of times	شماره

	تعداد دفعات
number-theoretic method	
	روش نظریه اعدادی
numeracy	
	شمارفهمی
numeral	
	عددی، رقم، پیکر
numeral system	
	سیستم عدد نویسی، پایه اعداد
numeration	
	شمارش
numeration system	
	دستگاه شمارش
numerator	
	صورت کسر، مقسم
numerator function	
	تابع صورت کسر، تابع صورت
numerator of a fraction	
	صورت کسر
Numeric	
	عددی
numeric function	
	تابع عددی
numerical	

عددی، شماری	
numerical analysis	
آنالیز عددی	
numerical approach	
نگرش عددی، روش عد	
numerical arrangement	
ترتیب شماره ای	
numerical calculation	
محاسبه عددی (رقمی)	
numerical calculus	
حساب عددی	
numerical characteristic	
مشخصه عددی	
numerical check	
تحقیق عددی	
numerical component	
مؤلفه عددی	
numerical computation	
محاسبه عددی	
numerical control	
کنترل عددی	
numerical differentiation	
مشتق گیری عددی، دیفرانسیل گیری عددی	
numerical instability	

ناپایداری عددی	numerical integration
انتگرال گیری عددی	numerical line
خط عددی	numerical methods
روشهای عددی	numerical range
برد عددی	numerical scale point for importance
ضریب کمی اهمیت، ضریب مقداری اهمیت	numerical sequence
گزاره خبری، دنباله عددی	numerical series
سری عددی	numerical solution
حل عددی	numerical solution of algebraic equation
حل عددی معادله های جبری	numerical solution of algebraic equations
حل عددی معادله های جبری	numerical tables
حداول عددی	numerical value

	قدر مطلق
numerical value of a vector	
	نرم بردار، طول بردار، قدر مطلق بردار، مقدار عددی بردار
numering	
	نمره گذاری، عددنویسی
numerous	
	متعدد، زیاد، بی شمار
Numismatics	
	سکه شناسی
nut	
	مهره ضامن، مهره، مهره شاتون
nutaton	
	رقص محوری، ناوش
Nyquist frequency	
	فراوانی نای کوئیست
o	
	پانزدهمین حرف الفبای انگلیسی
o notation	
	نماد O
obelisk	
	چندوجهی مربع القاعده، هرم ناقص
obey	
	تبعیت کردن، پیروی کردن
object	

object (objective) statement	شیء، جسم، موضوع، هدف، مقصد، مقصود، چیز، شکل، منحنی
object classification of cost	صورت وضعیت موضوعی
object language	زبان موضوعی
object of experiment	هدف آزمایش
object program	برنامه مقصد، برنامه ریزی مقصد
object variable	متغیر شیء
objective	عینی، هدف، منظور، مقصود، برونی، عملی
objective classification	طبقه بندی عینی (هزینه‌ها)
objective contour	نمودار تابع هدف
objective criterion	معیار عینی، ضابطه عینی
objective function	تابع هدف

objective information	اطلاعات عینی
objective measurability	قابلیت اندازه گیری عینی
objective probability	احتمال ابژکتیو
objective professional judgement	قضاوت حرفه‌ای بی طرفانه
objective value	ارزش عینی، ارزش بازار
objectives of financial reporting	اهداف گزارشات مالی
objectives of financial statements	اهداف صورت‌های مالی
Object-Oriented	شی‌گرا
Object-Relational Database	پایگاه داده ارتباطی با رویکرد موضوعی
objects clause	اهداف صورت‌های مالی، بند مربوط به هدف تشکیل سازمان
objects of experiment	هدف های آزمایش
oblate	جمع شده

oblate ellipsoid	بیضیوار پخ
oblate spheroid	کره وار پخت
oblateness	ضریب فشردگی
Obligations	تعهدات
obligate	متعهد کردن، ملزم ساختن
obligation	تعهد، بدهی
Obligations	تعهدات
Obligations and duties	تعهدات و وظایف
obligations incurred	تعهدات انجام شده
obligations outstanding	تعهدات معوق
obligations under capital lease	تعهدات اجاره سرمایه‌ای
obligative-irrevocable contract	عقد لازم

obligatory	ضروری، الزامی
obligatory decrease of capital, obligatory event	کاهش اجباری سرمایه
obligatory event	رویداد تعهدآور
oblique	مورب، مایل، کج
oblique angle	زاویه ناقائمه، زاویه حاد یا منفرجه، زاویه غیر قائمه
oblique asymptote	مجانب مایل
oblique axonometry	محورسنجی مایل
oblique circular cone	مخروط مایل دوار، مخروط مستدیر مایل
oblique circular cylinder	استوانه مستدیر مایل
oblique cone	مخروط مایل
oblique coordinates	مختصات مایل
oblique cutting	برشکاری مورب

oblique cylinder	استوانه مایل، ستون کژ
oblique line	خط مایل
oblique parallelepiped	متوازی السطوح مایل
oblique plane	صفحه مایل
oblique prism	منشور مایل
oblique projection	تصویر مایل
oblique pyramid	هرم مایل
oblique triangle	مثلث نا قائمه
obliquely	به صورت مایل، به طور اریب یا مایل
obliqueness	کجی، تمایل
obliquity	میل، انحراف
oblong	مستطیل

oblong number	عدد غیر ی
oblongated	امتداد یافته
obovate	مقطع طولی تخم مرغ
obscure	پیچیده و مبهم
observability	قابلیت رؤیت
observable	چشمگیر، قابل ملاحظه
observable variate	متغیر مشاهده شدنی
observance evidence	شواهد مشاهده شده
observation	مشاهده
observation frequency	فراوانی مشاهده شده
observation outcomes	نتایج مشاهدات
observation test	آزمون مشاهدات

observational	مشاهده ای
observatory	رصد خانه
observe	حفظ کردن، مشاهده کردن، ملاحظه کردن، برقرار بودن، رعایت شدن، نگریستن
observe frequencies	فراوانی های آزمایشی، فراوانی های واقعی
observe frequency	فراوانی مشاهده شده
observe probits	جستجو های مشاهده شده
observe value	مقدار مشاهده شده
observed frequency	فراوانی مشاهده شده، فراوانی مشهود
observer	ناظر، شنونده، شاهد، راصد
obsolescence	قدیمی شدن، کهنگی و منسوخ شدن، کهنگی و فرسودگی
obsolescent technology	تکنولوژی ناباب
obstacle	

	سد، مانع
obtain	
	به دست آوردن، حاصل کردن، کسب کردن
obtain, to acquire	
	به دست آوردن (دارایی یا مال)
obtuse	
	منفرجه، منفرجه الزاویه، منفرج الزاویه
obtuse angle	
	زاویه منفرجه
obtuse angled triangle	
	مثلث منفرجه الزوایا
obtuse triangle	
	مثلث منفرجه، مثلث منفرجه الزاویه
obverse	
	طرف مقابل، معکوس، نقیض
obversion	
	استنتاج معکوس، عدول محمول
obvert	
	نقض کردن، نمای چیزی را عوض کردن
obverted contrapositive	
	عکس نقیض
obviate	
	رفع کردن، رفع نیاز کردن
obvious	

روشن، آشکار، معلوم، واضح، بدیهی	
obviously	
واضح است که، آشکارا، به طور آشکار	
occasion	
موقع، مورد، فرصت	
occupancy expense	
هزینه اشغال فضا	
occupancy problem	
مسأله اشغال کردن	
occupancy theory	
نظریه اشتغال	
Occupation	
حرفه- مقام- شغل	
occupation tax	
عوارض کسب	
occupational accidents	
حوادث شغلی، حوادث ناشی از کار	
occupational disease	
بیماری شغلی، بیماری ناشی از کار	
occupational hazards	
خطرات شغلی	
occupational pension scheme	
برنامه بازنشستگی کارکنان	
occupational safety	

حفاظت کار
Occupational Safety and Health Act
قانون بهداشت و ایمنی کار
occupational tax
مالیات پیشه وران و اصناف
occupied capacity
ظرفیت بکار گرفته شده (اشتغال)
occupy
فراگرفتن، اشغال کردن، قرارداد داشتن، اختیار کردن، تصرف کردن
occur
برخورد کردن، اتفاق افتادن، ظاهر شدن، پیش آمدن، واقع شدن، رخ دادن
occur on
فرد بودن
occur, take place
رخ دادن، اتفاق افتادن
occurrence
رخداد، رویداد
occurrence and existence
وقوع معامله و وجود مال
occurrence of an event
وقوع یک پیشامد، وقوع یک پدیده
octa

هشت، پیشوندی به معنای هشت	
octad	
هشت تائی، هشت	
octagon	
هشت ضلعی	
octagonal	
هشت ضلعی شکل، هشت گوشه ای	
octagonal group	
گروه هشت وجهی	
octagonal ingot	
شمش هشت ضلعی	
octahedral group	
گروه هشت وجهی	
octahedron	
هشت وجهی	
octal	
مربوط به هشت، هشت تائی	
octal number system	
دستگاه هشت هشتی اعداد	
octamerous	
هشت هشت، هشت جزئی، دارای ساختمانی با اجزاء هشت تائی	
octangular	
هشت گوشه	
octant	

	هشت یک، یک هشتم
octic	
	هشتمین
octic group	
	گروه هشتمین
octillion	
	اکتیلیون عدد ۱۰۲۷ در دستگاه آمریکایی و ۱۰۴۸ در دستگاه انگلیسی
octo	
	هشت
odd	
	فرد
odd function	
	تابع فرد
odd integer	
	عدد صحیح فرد
odd inversion	
	انعکاس فرد
Odd Lot	
	ته مانده کالا - ته انباری
odd number	
	عدد فرد، طاق
odd permutation	
	جایگشت فرد

odd polynomial	چندجمله ای فرد
oddness	فرد بودن
odds	بخت، شانس
odds ratio	کسر برتری
oddy odd	فردالفرد
of a through b	از a تا b
of characteristic	از مشخص
of class	از رده ی
of contract	پیمانکار عمومی (پیمانکار انواع پیمان‌ها)
of degree n	از درجه n
of finite characteristic	از مشخص متناهی
of goods manufactured	بهای تمام شده کالای ساخته شده (تولید شده)

of integration	انتگرالگیری
of linear transformations	تبدیل های خطی
of maximum length	با بیشترین طول
of order n	از مرتبه n
of pertaining to	در رابطه با، مربوط به
of price fluctuation	ترقی و تنزل قیمت (نوسان قیمت)
of relative cost	ضریب هزینه نسبی
of which	در حالتی که، در حالی که، حال آن که
of which n	تا از آنها n
of which two	که دو تای آنها
Off	تعطیل – مرخصی
off balance sheet items	اقلام زیر ترازنامه

off balance sheet risk	ریسک تأمین مالی خارج از ترازنامه
off centeredness	مرکزگریزی، خروج از مرکز، برون مرکزی
off line	بدون ارتباط مستقیم، خارج از خط، خط خاموش، قطع، برون خطی
off peak hour	ساعت عادی مصرف برق
off time	مرخصی، زمان توقف، زمان خاموشی، وقت آزاد
off-board	معاملات خارج از بورس
Offer	معامله گری که اقدام به فروش می کند.
offer and acceptance	ایجاب و قبول (در معاملات)
offer and demand	عرضه و تقاضا
offer commercial	پیشنهاد (تجارتی)
offer wanted	گرفتن مظنه قیمت خرید
offering circular	

اعلامیه فروش	offering date
تاریخ عرضه	Offest
بازکردن معامله دوم برای پوشش ضرر معامله اول	Office
دفتر – منصب	Office Automation Systems
سیستم‌های اتوماسیون اداری	Office equipment
اثاثه اداری	office furniture and fixtures
اثاثیه و لوازم اداری	Office Hours
ساعت اداری	office of departure
دفتر گمرکی مبدأ	office of destination
دفتر گمرکی مقصد	office of loading
دفتر گمرکی بارگیری	Office of Management and Budget
دایره مدیریت و بودجه	office of paying master

دفتر رئیس پرداخت	
office of unloading	
دفتر گمرکی تخلیه	
Office Practice	
کار اداری	
office supplies	
ملزومات اداری	
officers of a company	
مدیران و مقامات ارشد یک شرکت	
Official	
رسمی	
official discount rate	
نرخ رسمی تنزیل	
official document (paper)	
سند رسمی	
Official gold holdings	
موجودیهای طلای دولتی	
Official Letter	
نامه رسمی	
official list	
فهرست رسمی	
official receiver (OR)	
مسئول یا مأمور اداره امور ورشکستگی	
official structure	

ساختار اداری، ساختار رسمی، سازمان رسمی، ساخت سازمان رسمی
official, administrative
رسمیت اداری
officials, responsibilities
مسئولین، مقام‌های رسمی
offset
خارج از مرکز، خارج از خط، زانو، متنافر، خنثی کردن، متعادل ساختن، انحراف، جبران کردن
offset clearing
پایپای (تهاتر)
offset debt, reciprocal debt
بدهی متقابل (در مقابل طلب)
off-setting asset account
حساب کاهنده دارایی
offsetting asset accounts
حساب‌های کاهنده دارایی
Offsetting Collections
دریافتی‌های پایپای
offsetting entry, contra entry
ثبت متقابل (بدهکار در مقابل بستانکار)
offsetting errors, compensating errors
دو اشتباه که یکدیگر را خنثی کنند، اشتباهات متقابل
Offsetting Receipts

	رسیدهای پایاپای
offshore account	
	حساب برون مرزی
offshore banking	
	بانکداری برون مرزی
Offshore banking center	
	مرکز بانکی خارج از کشور
Offshore banking unit (O.B.U)	
	واحد بانکی خارج از کشور
offshore company	
	شرکت فراساحل
offshore contract	
	قرارداد در خارج از کشور
offspring	
	فرزند
Off-The -Shelf System	
	سیستم حاضر و آماده
oft recurring statement	
	گزاره دائما در حال تکرار
often	
	بیشتر، اغلب، بسیار اتفاق می افتد
ogives	
	نمودارهای اجابو
oil circulation system	

سیستم گردش روغن	oil cushion
بالشتک روغنی	old
قبلی	old age benefits
عواید ایام گیری	old age insurance
بیمه گیری، بیمه كهولت	old age pension
حقوق بازنشستگی سالخوردگی	old age pension fund
صندوق بیمه بازنشستگی	old age retirement
بازنشستگی ناشی از پیری	old age salary
حقوق دوران سالخوردگی	old coordinate system
دستگاه مختصات پیشین، دستگاه هم‌راه‌های پیشین	old, aged
كهنه (قدیمی)، كهنگی	oldness of asset, age of asset
قدمت دارائی	omission

omit	قلم افتادگی، حذف
on	حذف کردن
On – costs	روی
on a circle	هزینه های غیرمستقیم
on a keyboard	واقع روی یک دایره، روی یک دایره، بر یک دایره، واقع بر دایره
on a line	در یک صفحه کلید
On Account	در یک خط
on account (O/A)	علی الحساب
on account of	به طور علی الحساب
on account prior years	بابت
on account-current year	علی الحساب سنواتی
	علی الحساب جاری

on and off	متناوب، نوبتی، قطع و وصل
On approval	با شرط تأیید
on approval	به شرط
on behalf of	از طرف
on board / afloat	در کشتی / دو حرکت شناور
on board BIL	بارنامه روی کشتی
on call	آماده خدمت
on cash basis	نقداً
On Condition	مشروط
on cost labor (work), indirect labor	کار غیر مستقیم
on cost transfer pricing	قیمت گذاری انتقالات داخلی بر مبنای قیمت تمام شده
On credit	نسیه

on credit, on account, charge account	نسیه
on demand	عنداللزوم
on hand	موجود، در دست
on line	ارتباط مستقیم، با ارتباط مستقیم، در خط، در مدار، درون خطی، روی خط
on line terminal	پایانه پیوسته
on margin	خرید اعتباری اوراق بهادار
on my account	به حساب خود
On order	قابل سفارش
on passing to	درباره ی
on risk / hazard (exposure)	در معرض خطر / (در معرض) خطر، تصادف
on the basis of	با توجه به
on the contrary	

	برخلاف، برعکس
on the way	
	در سر راه
On time	
	مدت دار
on time (on sight, on demand)	
	مدت دار (به رؤیت، عنداللزوم)
once	
	زمانی که، یکبار، همین که
once again	
	مجدد، بار دیگر
ond limit	
	حد یکطرفی
ond sided vderivative	
	مشتق یکطرفی
ond surface	
	رویه یکجانبه
one	
	یک
one can	
	می توان
one dimension set	
	مجموعه یک بعدی
one dimensional	

یک بعدی	
one dimensional distribution law	قانون توزیع یک متغیره، قانون توزیع یک بعدی
one dimensional probability distribution	توزیع احتمال یک بعدی
one dimensional random variable	کمیت تصادفی یک بعدی
one dimensional space	فضای یک بعدی
one element	مجموعه تک عنصری
one element set	مجموعه یک یک عنصری
one hundred percent inspection	بازرسی صددرصد
one layout	آرایش یکطرفه
one line	روی خط
one man company	شرکت یک نفره
one many relation	نسبت یک به چند
one material problem	

مسأله تک محصولی	
one off production	
تولید تکی	
one one	
یک به یک	
one or more	
یک یا چند	
one parameter family	
خانواده یک پارامتری	
one parameter group	
گروه یک پارامتری	
one parameter subgroup	
زیرگروه یک پارامتری	
one point compactification	
فشرده سازی یک نقطه ای	
one point compactification	
فشرده سازی یک نقطه ای	
one point confidence set	
مجموعه اعتماد یک نقطه ای	
one possibility	
یک راه ممکن	
one sample problem	
مسأله یک نمونه ای	
one sample runs test	

one sample sign test	آزمون سری های یک نمونه ای
one sheet	آزمون علامت یک نمونه ای
one sheet hyperboloid	یک پارچه، یک پارچه ای
one shot	هذلولیوار یکپارچه
one shot sampling	یک باره ای
one sided	نمونه گیری یکباره ای
one sided bayesian interval	یک طرفه، یک پهلو، یک جانبه
one sided continuity	فاصله بیزی یکطرفه
one sided derivative	پیوستگی یکطرفه
one sided limit	مشتق یکطرفه
one sided limits	حد یکطرفه
one sided surface	حدود یکطرفه

سطح یکطرفه	one sided test
آزمون یکطرفه	one single strand machine
ماشین یک رشته ای	one space
فضای یک بعدی	one step
تک گام	one step method
روش تک گامی	one step transition matrix
ماتریس انتقال وضعیت یک مرحله ای	one tailed
یکطرفه، یک دامنه، یک دنبالی	one tailed test
آزمون یک دامنه ای،	one to one
یک به یک	one to one continuous function
تابع پیوسته یک به یک	one to one correspondence
تناظر یک به یک	one to one function

تابع یک به یک	
one to one mapping	
گسترش دوسویی، نگاشت یک به یک	
one to one onto	
دوسویی، یک به یک پوشا	
one to one relation	
رابطه دو سویی، رابطه یک به یک	
one to one transformation	
تبدیل دو سویی، تبدیل یک به یک	
one valued	
یک مقداری، یک ارزشی	
one valued function	
تابع تک مقداری، تابع یک مقداری، تابع یک ارزشی	
one way	
یکطرفه، یک راهه، یک جانبه، یکراهی	
one way analysis of variance	
تحلیل واریانس یک عاملی، تحلیل واریانس یکطرفه	
one way classification	
طبقه بندی یکطرفه	
One Way Fare	
کرایه یکطرفه	
one-line consolidation	
تلفیق تک سطری	
oneness	

	وحدانیت، یگانگی
onerous contracts	قرارداد تحمیلی، قرارداد زیان آور
ones	اینها، آنها
one-shift operations	عملیات یک نوبتی
one-side confidence interval	بازده اطمینان یک طرفه
one-to-one (injective)	یک به یک
one-transaction method	روش مبتنی بر یک رویداد مالی
one-variance approach	روش تک انحرافی
Ongoing operations	عملیات مداوم و مستمر
Online	پیوسته – درون خطی
on-line, real-time	پیوسته، بی‌درنگ
only if	فقط وقتی که، فقط اگر
onshore contract	

قرارداد در داخل کشور	
onstruction contracts	
قراردادهای پیمانکاری	
on-the-job training	
آموزش ضمن خدمت	
on-time performance	
عملکرد به موقع	
onto	
بر روی، پوشا	
onto function	
تابع پوشا، تابع به رو، تابع پوششی	
onto mapping	
نگاشت پوشا، نگاشت بروی	
onto transformation	
تبدیل پوشا	
on-voting share	
سهم بدون رأی	
opaque	
ناشفاف، تیره، کدر، مات	
operation table	
جدول عمل	
Opc Code	
کد مهندسی کالا	
opcode	

	کد عمل، عملیاتی
OPEC	
	سازمان صادر کننده نفت خام
open	
	باز
Open account	
	حساب باز
open ball	
	گوی باز
open base	
	پایه باز
Open check	
	چک باز
Open Cheque	
	چک سفید
open closed interval	
	بازه باز-بسته
open contract	
	قولنامه
open cover	
	پوشش باز
open covering	
	پوشش باز
open covering of a set	

	پوشش باز مجموعه
Open Credit	
	اعتبار نامحدود
open curve	
	خم باز، منحنی باز، منحنی غیر بسته
open disc	
	قرص باز
open discount market	
	بازار تنزیل آزاد
open end budget	
	بودجه نامحدود
open ended	
	راه به در
open ended questionnaire	
	پرسشنامه آزاد
open half space	
	نیم فضای باز
open interval	
	بازه باز
open loop	
	حلقه باز، مدار باز
open manifold	
	خمینه باز
open mapping	

نگاشت باز
open mapping theorem
قضیه نگاشت باز
Open market
بازار باز
open market operations
عملیات بازار آزاد
Open market policy
سیاست بازار باز
open market rate
نرخ بازار آزاد
open market value (OMV)
ارزش دارایی در بازار آزاد
open multi dimensional interval
سنگفرش باز
open neighborhood
همسایگی باز
Open Orders
درخواست های باز (خرید و فروش و دستور های کاری)
open region
ناحیه باز
open sentence
گزاره نما، گزاره باز
open sequence system

سیستم با توالی باز	
open set	
مجموعه باز	
open set of point	
مجموعه باز نقاط	
open simplex	
سادک باز	
open statement	
گزاره باز، گزاره نما	
open subgroup	
زیرگروه باز	
open system	
نظام باز، سیستم باز	
Open System Interconnection	
سیستم باز درون شبکه- سیستم باز متصل به هم	
Open Time	
زمان باز شدن معامله	
open train	
نورد یک رشته ای	
open traverse	
خط شکسته باز	
open treaty	
معاهده باز	
open unit interval	

بازه یکه باز
open-end company (or trust)
صندوق مشترک سرمایه گذاری
open-end investment company
شرکت سرمایه گذاری با سرمایه متغیر (نامحدود)
open-end mortgage
رهن آزاد (نامحدود)
open-ended mutual funds
یک صندوق مشترک سرمایه گذاری که تعداد سهام آن مشخص نیست
opening
فرجه
opening balance
مانده افتتاحیه، مانده اول دوره، مانده انتقالی به دوره بعد
opening balance sheet
ترازنامه افتتاحیه اختتامی، تراز آزمایشی پس از بستن حسابها و انجام ثبت‌های تعدیلی
opening bank
بانک بازکننده اعتبار
opening inventory
موجودی کالای ابتدای دوره
opening trial balance
تراز آزمایشی افتتاحیه
openning

	سوراخ
operable time	
	زمان آمادگی، زمان دسترسی
operand	
	عامل، کارگزار، عملوند
operate	
	عمل کردن
operate, practice	
	عمل کردن
operating	
	عملیاتی، فعالیت یک سازمان
operating (income-profit)	
	سود عملیاتی
operating (period-cycle), cycle of operations	
	دوره گردش عملیات
Operating account	
	حساب عملیاتی
operating activities	
	فعالیت‌های عملیاتی
operating activities, operational activities	
	فعالیت‌های عملیاتی
operating and financial review	
	بررسی وضع مالی و عملیاتی شرکت
operating asset	

دارایی فعال (مؤثر در بهره برداری)
Operating assets
دارایی های عملیاتی
operating capability
توان عملیاتی
operating capability maintenance
حفظ توان عملیاتی
operating cash inflows
جریان های وجه نقد ورودی حاصل از عملیات
operating characteristic
مشخصه عملکرد،
operating characteristic curve
خم مشخصه عملکرد، منحنی مشخصه عمل، منحنی مشخصه عملکرد، منحنی مشخصه عملیاتی
operating cost
هزینه بهره برداری، هزینه عملیاتی، هزینه راهبری
operating cycle
چرخه عملیات، دوره عملیاتی، گردش عملیات
Operating deficit
کسری عملیاتی
operating earnings
عایدات عملیاتی
operating effectiveness
سودمندی عملکرد درجه (عملیات)

operating efficiency	کارایی عملی (مؤثر)
operating expense	هزینه عملکرد، هزینه عملیات بهره برداری، هزینه عملیات
operating expense (cost)	هزینه عملیاتی
Operating expenses	هزینه های عملیاتی
operating function	تابع عمل کننده
operating income	درآمد عملکرد، درآمد عملیاتی
operating income (or profit)	سود عملیاتی
operating items	اقلام عملیاتی
operating lease	اجاره عملیاتی
operating leverage	اهرم عملیاتی
operating loss	زیان عملیاتی
operating managers	مدیران عملیاتی

operating manual	راهنمای عملیاتی
operating margin	سود نا ویژه
operating method	روش عملیاتی
operating performance	عملکرد، میزان مهارت و موقتی حاصل از هر نوع فعالیت
operating performance ratio(s)	نسبت‌های عملیاتی (عملکرد)
operating profit	سود عملکرد
operating ratio	نسبت عملیاتی
operating report	گزارش عملیاتی
operating reserve	ذخایر عملیاتی
operating result(s), results of operations	نتایج عملیات، سود یا زیان خالص
operating revenue	درآمد عملیاتی
operating risk	ریسک عملیاتی

operating segment	بخش (واحد) عملیاتی
operating statement	صورت عملکرد
Operating surplus	مازاد عملیاتی
operating system	سیستم عامل
Operating targets	اهداف عملیاتی
operating trend	روند عملیات
Operating twist	چرخش عملیاتی
operation	عملیات، عملکرد
Operation Analysis	تجزیه تحلیل عملیات
operation budget	بودجه عملیاتی
operation characteristic curve	منحنی مشخصه عمل
operation cost center	مرکز هزینه عملیات

operation costing	هزینه یابی عملیاتی
operation leverage	اهرم عملیاتی
operation of a group	عمل گروه
Operation Process Chart	چارت فرآیند عملیات
operation research	تحقیق در عملیات
operation sheet	برگه عملیات، فرم عملیات
operation symbol	علامت عمل، علامت رمز
operation test run period	دوره عملکرد آزمایشی
operation time	زمان مشغول به کار
operational	عملیاتی
operational accountability	پاسخگویی نسبت به عملیات، مسئولیت مقامات اجرایی
operational asset	دارایی عملیاتی

operational audit(ing)	حسابرس عملیاتی
operational calculus	حساب عملی، حساب عملگری
operational capacity, practical capacity, practical attainable capacity	ظرفیت عملی، قدرت عملیات
operational control information system	سیستم اطلاعاتی کنترل عملیات
operational control operating control	کنترل عملیاتی
operational expense	هزینه عملیاتی، هزینه عملیات عادی واجد تجاری
operational internal audit plan	طرح عملیاتی حسابرسی داخلی
Operational Level Systems	مدیران عملیاتی
Operational loan	وام عملیاتی
operational management	مدیریت عملیاتی
operational method	روش عملگری، روش عملی
operational method	

روش عملگری	
operational planning	
طرح ریزی عملیاتی، برنامه ریزی عملیات	
operational report	
گزارش عملیاتی	
operational research	
پژوهش عملیاتی، تحقیق عملیاتی، بررسی عملیات	
operational symbol	
نماد عملیاتی	
operational variances	
انحراف‌های عملیاتی، مغایرت‌های عملیاتی	
operations of arithmetic	
عملیات محاسباتی	
Operations Research	
پژوهش عملیاتی	
operations research (OR)	
تحقیق عملیاتی	
operations set	
مجموعه عملیات	
operations, transactions	
عملیات	
operative	
عملگر، عامل، عمل کننده، عملی، کارگر، مؤثر، فراونده	
operator	

	عملگر
operator algebra	
	جبر عملگر ها
operator of integration	
	عملگر انتگرال گیری
operator ring	
	حلقه عملگر ها
opinion paragraph (auditing)	
	بند اظهار نظر
opinion research	
	تحقیق آراء، تحقیق عقاید
opinion, attitude, view, award	
	نظرگاه، دیدگاه، رأی، عقیده، آراء، حکم
opisometer	
	وسیله اندازه گیری طول منحنی
opponent	
	حریف، همورد
opportunity cost	
	هزینه فرصت، هزینه فرصت از دست رفته
opportunity cost (allocation)	
	هزینه فرصت های از دست رفته
opportunity curve	
	منحنی فرصت
opportunity loss	

زیان غفلت، زیان از دست رفتن فرصت، فرصت از دست رفته، زیان فرصت
opportunity studies
شناسایی و بررسی امکانات
oppose
مخالفت کردن، ضدیت کردن، مقابله کردن
opposite
مقابل، متقابل، مخالف، روبرو
opposite angles
زاویه مقابل، زاویه های متقابل، زوایای روبرو، زوایای متقابل
opposite arrow
فلش متقابل، پیکان متقابل
opposite number
عدد مخالف
opposite of
مخالف
opposite orientation
سوی متقابل
opposite sense inequalities
نامساوی های مختلف جهت
opposite side of account
طرف مقابل حساب
opposite sides
اضلاع روبرو

opposite vector	بردار متقابل
oppositely	متقابلا
opposition	مقابلت، تقابل
optical	مربوط به چشم، چشمی
optical comparator	مقایسه گر نوری، کمپراتور نوری
optical property of conics	ویژگی اپتیکی مقطع های مخروطی، خاصیت نوری مقاطع مخروطی
optical property of conies	ویژگی اپتیکی مقطع های مخروطی
optics	اپتیک، نورشناسی، فیزیک نور، عمل نور، علم مناظر
Optimal	بهینه
optimal basic feasible solution	جواب شدنی پایه بهینه
optimal basis	پایه بهینه
optimal block design	

طرح بلوکی اپتیمال	
optimal bounded variables	
متغیر های کراندار بهینه	
optimal capital structure	
ساختار بهینه سرمایه	
optimal control	
کنترل اپتیمال	
optimal control problem	
مسأله کنترل بهینه	
optimal cost management system	
سیستم مدیریت (کنترل) بهینه هزینه	
optimal decision	
تصمیم اپتیمال	
optimal extreme point	
نقطه راسی بهینه	
optimal feasible solution	
جواب ممکن بهینه	
optimal frequency	
فرکانس بهینه، بسامد، تواتر بهینه	
optimal level	
سطح مطلوب	
optimal location problem nonbasic	
مسأله موقعیت بهینه	
optimal point	

نقطه مطلوب	
optimal policy	
سیاست بهینه	
optimal portfolios	
پرتفوی بهینه، مطلوب‌ترین مجموعه سرمایه‌گذاری	
optimal solution	
راه حل بهینه	
optimal strategy	
استراتژی بهینه	
optimal system	
دستگاه ایتیمال	
optimality	
ایتیم بودن، بهینگی	
optimality at	
بهینگی در	
optimality condition	
شرط بهینگی	
optimality conditions criterion nonbasic	
معیار/شرایط بهینگی، غیر پایه	
optimality criterion	
معیار بهینگی	
optimize	
به سطح مطلوب رسانیدن	
optimistic	

	خوشبینانه
optimistic estimate	
	تخمین خوشبینانه، برآورد خوشبینانه
optimistic time	
	زمان خوشبینی کامل، زمان خوشبینانه
Optimization	
	بهینه سازی
optimization problem	
	مساله بهینه سازی
optimization theory	
	نظریه اپتیم سازی، نظریه بهینه سازی
optimize	
	بهینه یافتن، بهینه ساختن، بهینه کردن
Optimized Product Technique	
	تکنیک تولید بهینه
optimizing	
	بهینه سازی
optimum	
	اپتیم، حداکثر، بهترین، مطلوب، بهینه، بهترین، حد بهینه، بهین، حد متناسب، دلخواه، وضع مطلوب، حد مطلوب، مناسب، به حد مطلوب
optimum (optimal) allocation method	
	روش تخصیص مطلوب
optimum allocation	

	تخصیص اپتیمم
optimum design	
	طراحی بهینه، طرح بهینه
optimum maintenance program	
	برنامه نگهداری بهینه
optimum output	
	بازده مطلوب
optimum performance	
	اجرای مطلوب (عملیات)
optimum plant size	
	اندازه بهینه واحد تولید
optimum point	
	نقطه بهینه
optimum policy	
	سیاست بهینه
optimum size of clusters	
	اندازه بهینه خوشه ها
optimum tariff	
	تعرفه بهینه
optimum trading range	
	دامنه مطلوب دادوستد، حد بهینه خرید و فروش
optimum work period	
	مناسبترین طول زمان کار، طول دوره کار مطلوب
option	

اختیار معامله، انتخاب معامله، خیار، شق، حق انتخاب، اختیار
option dealing
سفته بازی روی ترقی سهام، معامله اختیاری
Option market
بازاری که در آن کالا یا ارز یا اوراق بهادار در مدت معین و به قیمت مورد توافق خرید یا فروش می شود، بازار معاملات اختیاری
option sampling
نمونه گیری اختیاری
option spread
فرم سفارش
Optional
اختیاری
optional dividend
سود سهام اختیاری (نقدی یا مصرفی با سهام جایزه)
optional redemption
باز خرید اختیاری
optional sampling
نمونه گیری اختیاری
optional time
زمان اختیاری
Options
قراردادهای اختیار معامله
or

	یا
or else	
	یا به طریق دیگر، یا به طریقی دیگر
or equal to	
	یا مساوی
or function	
	تابع یا
or if	
	و اگر، و هرگاه
or simply	
	یا به صورت ساده تر
Oracle Financial	
	سیستم مالی اوراکل
Oracle Small Business Suite	
	بسته نرم افزاری کوچک اوراکل
Oral	
	شفاهی
orb	
	جسم کروی، گوی، بدور چیزی
orbed	
	کروی، گرد
orbicularity	
	به طور کروی، به طور مدور، کروی بودن، کیفیت گرد
orbiculate	

	کروی، گرد، مدور
orbit	
	دایره وار، حرکت کردن، بدور مداری گشتن، قلمرو، مدار، مسیر
orbit determination	
	تعیین مدار
orbit of x under g	
	مدار x بوسیله g
orbit space	
	فضای مداری
orbital	
	مداری، مدار، مسیر، مسیری
orbital elements	
	عنصر های مداری
orbital motion	
	حرکت مداری
orbital velocity	
	سرعت مداری
orbiting rocket	
	موشک مدار گرد
Order	
	سفارش
order axioms	
	اصول موضوع ترتیب، اصل های موضوع ترتیب

Order cheque	چک به حواله کرد
order confirmation	تأییدیه سفارش
order form	برگه سفارش، فرم سفارش، فرم سفارشدهی
order interval	فاصله سفارش
order mapping	نگاشت ترتیب
order of a branch point	مرتبه نقطه شاخه ای
order of a contact	مرتبه تماس
order of a cyclic group	مرتبه یک گروه دوره ای
order of a derivative	مرتبه مشتق
order of a determinant	مرتبه یک دترمینان
order of a differential equation	مرتبه معادله دیفرانسیل
order of a group	مرتبه گروه، مرتبه یک گروه، رتبه یک گروه

order of a lipschitz mapping	درجه یک نگاشت لیپ شیتز، قدرنسبت نگاشت لیپ شیتسی
order of a matrix	مرتبه ماتریس
order of a multiplicity	مرتبه تکرار
order of a pole	مرتبه قطب، مرتبه یک قطب
order of a polynomial	مرتبه چندجمله ای
order of a radical	مرتبه رادیکال، فرجه یک رادیکال
order of a root	مرتبه ریشه، مرتبه تکرار یک ریشه، رتبه یک ریشه
order of a subgroup	مرتبه یک زیرگروه
order of a zero	مرتبه یک صفر
order of an algebraic curve or surface	مرتبه منحنی یا سطح جبری
order of an element	مرتبه عنصر، دوره یک عنصر
order of an equation	درجه یک معادله

order of an infinitesimal	مرتبه یک بینهایت کوچک
order of an infinity	درجه یک بینهایت بزرگ
order of contact	مرتبه تماس
order of convergence	مرتبه همگرایی
Order of Element	مرتبه عضو
order of elements of a group	رتبه عناصر یک گروه
order of group	درجه گروه، مرتبه گروه
order of magnitude	درجه قدرت، درجه بزرگی، مرتبه بزرگی
order of matrix	مرتبه ماتریس
order of multiplicity	مرتبه تکرار
order of the number line	ترتیب روی محور اعداد
order point system	سیستم نقطه سفارش

order preserving	حافظ ترتیب
order preserving function	تابع حافظ ترتیب
order properties	ویژگی های ترتیب
order properties of the real numbers	خواص ترتیبی اعداد حقیقی
order Quantity in units	تعداد واحدهای سفارش
order relation	رابطه ترتیب، رابطه ترتیبی، ترتیب
order relative to	مرتبه نسبت به
order reversing	قلب کننده ترتیب، عکس ترتیب
order size	اندازه سفارش، مقدار سفارش
order statistic	آمار ترتیبی، آماره ترتیبی
order topology	توپولوژی ترتیبی، توپولوژی ترتیب
order type	نوع ترتیب

ordered	مرتب
ordered additive group	گروه جمعی مرتب
ordered basis	پایه مرتب
ordered couple	زوج مرتب
ordered element	عضو مرتب
ordered field	هیئت مرتب، میدان مرتب، هیأت مرتب
ordered group	گروه مرتب
ordered mapping	نگاشت مرتب
ordered n tuple	تایی مرتب n
ordered n tuples	تایی مرتب، n
ordered number	اعداد مرتب
ordered numbers	اعداد مرتب

ordered pair	جفت مرتب
ordered partition	افراز مرتب
ordered partitions	افراز های مرتب
ordered product	حاصلضرب مرتب شده
ordered quadruple	چارتایی مرتب، چهارتایی مرتب
ordered relation	رابطه ترتیب
ordered ring	حلقه مرتب
ordered rooted tree	درخت ریشه دار مرتب
ordered sample	نمونه مرتب
ordered samples	نمونه های مرتب
ordered set	دسته مرتب، مجموعه مرتب
ordered sets	مجموعه های مرتب

ordered subset	زیر مجموعه مرتب
ordered triple	سه تایی مرتب
ordered union	اجتماع ترتیبی
ordering	مرتب کردن، ترتیب، ترتیبی، مرتب سازی، رابطه ترتیبی
ordering axiom	اصل موضوع ترتیب
ordering cost	هزینه سفارش
ordering relation	رابطه ترتیبی، نسبت ترتیبی
ordering time	زمان سفارش
orderings	ترتیب ها
orderless	بی ترتیب، بی نظم
orderly	به طور مرتب، مرتبا
orderly marketing arrangement (OMA)	ترتیبات بازاریابی منظم ترتیبات / خودداری

orders in transit	سفارشات در راه
orders outstanding control account	حساب کنترل سفارشات معلق
ordinal	ترتیبی، عدد ترتیبی
ordinal measurement	اندازه گیری رتبه ای
ordinal nubmer	عدد ترتیبی
ordinal number	عدد ترتیبی
ordinal numbers	اعداد ترتیبی
ordinal product	حاصلضرب ترتیبی
ordinal scale	مقیاس رتبه ای
ordinal sum	حاصل جمع ترتیبی
ordinals arithmetics	حساب اعداد ترتیبی
ordinals product	ضرب اعداد ترتیبی

ordinals sum	حاصلجمع اعداد ترتیبی
ordinary	عادی
ordinary annuity	اقساط مساوی (قسط قابل پرداخت در آخر دوره)
ordinary case cycloid curve	خم چرخنا حالت معمولی
ordinary creditor	بستانکار عادی
ordinary debt	بدهی عادی (معمول)
ordinary depreciation	استهلاک عادی
ordinary derivative	مشتق معمولی
ordinary differential equation	معادله دیفرانسیل معمولی
ordinary differential equation of the first order	معادله دیفرانسیل معمولی مرتبه اول
ordinary differential operator	عملگر دیفرانسیل معمولی
ordinary discontinuity	ناپیوستگی جهشی

ordinary double point	گره، نقطه دوگانه معمولی
ordinary fraction	کسر معمولی، کسر متعارفی
ordinary general meeting, Annual General Meeting (AGM)	مجمع عمومی عادی
ordinary income	درآمد عادی
ordinary incremental budget	بودجه تفاضلی (فزاینده) عادی
ordinary interest	بهره عادی (ساده)
ordinary loss, normal loss	ضرر عادی ناشی از فعالیت‌های شرکت
ordinary negligence	سهل‌انگاری
ordinary point	نقطه معمولی
ordinary point of a curve	نقطه عادی یک منحنی، نقطه ساده خم، نقطه معمولی خم
ordinary point of an analytic set	نقطه ساده مجموعه تحلیلی
ordinary profit	

سود ناشی از فعالیت‌های شرکت
ordinary repair
تعمیر عادی
ordinary rooted tree
درخت ریشه دار معمولی
ordinary share
سهام عادی
ordinary shareholder's equity (ordinary shareholder's funds)
ارزش سهام عادی پس از کسر سهام ممتاز
ordinary shareholders
صاحبان سهام عادی
ordinary singularity
تکینی معمولی
ordinate
رست، عرض، عرض یک نقطه در صفحه مختصات
ordinate of a point
عرض نقطه
ordinate set
مجموعه عرضی، مجموعه عرض
ordination
طبقه بندی، دسته بندی
organic
آلی، حیاتی، مربوط به حیات

organization	سازمان
organization chart	نمودار سازمانی
organization controls	کنترل‌های سازمانی
organization for economic cooperation and development (OECD)	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی
Organization for European Economic Co-operation	سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا
organization for European economic cooperation (OEEC)	سازمان همکاری اقتصادی اروپا
organization level	رده سازمانی، سطح سازمانی، طبقه سازمانی
Organization of Petroleum Exporting Countries	کشورهای صادرکننده نفت
organization planning	طرح‌ریزی سازمانی
organization unit	واحد سازمانی
organization, body corporate, corporation	سازمان

organization's goal	هدف سازمان
Organizational	سازمانی – تشکیلاتی
Organizational Behavior	رفتار سازمانی
Organizational Behavior Management	مدیریت رفتار سازمانی
Organizational Chart	نمودار (چارت) سازمانی
organizational controls	کنترل‌های سازمانی
organizational goal	هدف سازمانی
organizational level	رده سازمانی، سطح سازمانی
organizational pyramid	هرم سازمانی
organizational relationships	روابط سازمانی
organizational status	موقعیت سازمانی
organizational structure	ساختار سازمانی

organizational unit	واحد سازمانی
organizations, institutions	مؤسسات
organize	تأسیس کردن، سازمان دهی کردن
Organized	سازمان یافته
organizer	مؤسسین
organizing	سازماندهی
orient	جهت یابی کردن، رسم شدن، جهت تعیین کردن، جهت انتخاب کردن
orientable	جهت پذیر، سو پذیر
orientable surface	رویه جهت پذیر
orientable topological manifold	خمینه توپولوژیک جهت پذیر
orientable trajectory	مسیر جهت پذیر
orientation	

	جهت
orientation of a topological manifold	جهت دهی خمینه توپولوژیک
orientation preserving	جهت نگهدار، حافظ جهت
orientation preserving mapping	نگاشت جهت برگردان، نگاشت جهت نگهدار
orientation reversing	جهت برگردان، حافظ جهت
orientation reversing mapping	نگاشت جهت برگردان
oriented	جهت دار، سو دار
oriented atlas	اطلس جهت دار
oriented curve	خم جهت دار
oriented manifold	خمینه جهت دار
oriented plane	هامن جهت دار
oriented simplex	سادک جهتدار
oriented surface	

oriented tangent line	رویه جهت دار
orienting	خط مماس جهت دار
orifice	جهت‌دهی، جهت دادن
origin	سوراخ، روزنه، دهانه، محل باز شدن، دریچه ورودی، مجرا، ورودی
origin of a ray	مبدأ
origin of a reference	مبدأ پرتو، مبدأ یک شعاع، مبدأ یک نیم خط
origin of cartesian coordinates	مبدأ یک چارچوب
origin of coordinates	مبدأ دستگاه مختصات دکارتی
origin of vector	مبدأ مختصات
origin orthocenter	مبدأ بردار
original	پیشوندی به معنای راست و مستقیم، محل برخورد سه ارتفاع مثلث

original assumption	اصلی، اولیه
original axiom	فرض اصلی
original capital	اصل موضوع اولیه
original copy	سرمايه اصلی
original cost	نسخه اصلی
original cost (expense, expenditure)	قیمت اصل، بهای اولیه
original cost standard	هزینه اصلی
original diagram	معیار هزینه اصلی
original documents	نمودار اولیه
original entry	مدارک اصلی
original entry error	ثبت اولیه، نقل به دفتر کل
original estimate	اشتباه نخستین ثبت

original goods	برآورد اولیه
original invoice	کالای اصلی و طبیعی
Original issue discount bond	صورتحساب اصلی
original issue of shares	اوراق قرضه تنزیلی دست اول
original markups	انتشار اولیه سهام
original matrix	افزایش اولیه قیمت فروش
original maturity	ماتری اصلی
original observations	تاریخ سررسید اولیه
original receipt	مشاهدات اصلی
original scores	رسید اصلی
original selling price	نمره های اصلی، نمره های خام
original set	قیمت اولیه فروش

original shareholder, shareholder of record	مجموعه اصلی
original statement	سهامدار اصلی
original tree	گزاره اصلی
original value	درخت اصلی، درخت اولیه
originally	ارزش اصلی
originate	در ابتدا، در آغاز
originator	نشأت گرفتن، سرچشمه گرفتن از
orthic triangle	ترتیب دهنده، تنظیم کننده
ortho complement	پادک، مثلث پادک
orthocenter	متمم قائم
orthodromie	نقطه تقاطع سه ارتفاع یک مثلث
orthogonal	ارتودرومی

	متعامد
orthogonal affinity	
	تبدیل آفین قائم
orthogonal axonometry	
	محور سنجی قائم
orthogonal basis	
	پایه متعامد
orthogonal circles	
	دوایر متعامد
orthogonal complement	
	متمم متعامد، متمم قائم، مکمل عمودی
orthogonal complement group	
	گروه مکمل متعامد
orthogonal complement group projection	
	تصویر گروه مکمل متعامد
orthogonal component	
	مؤلفه قائم
orthogonal contacts	
	مقایسه های متعامد
orthogonal coordinate system	
	دستگاه مختصات متعامد، دستگاه مختصات قائم
orthogonal coordinates	
	مختصات متعامد
orthogonal curves	

orthogonal curvilinear coordiantes	خم های بر هم عمود
orthogonal curvilinear coordinates	مختصات خمیده خطی متعامد
orthogonal cutting	بریدن متعامد، برشکاری متعامد
orthogonal decomposition theorem	قضیه تجزیه متعامد
orthogonal expansion	بسط متعامد
orthogonal functions	تابع های متعامد
orthogonal group	گروه متعامد
orthogonal latin squares	مربع های لاتین متعامد
orthogonal linear transformation	تبدیل خطی متعامد
orthogonal lines	خط های متعامد
orthogonal matrices	ماتریس های عمودی، ماتریس های قائم
orthogonal matrix	

ماتریس متعامد	
orthogonal polynomial	
چندجمله ای متعامد	
orthogonal polynomials	
چندجمله ای های متعامد	
orthogonal projection	
تصویر متعامد	
orthogonal series of functions	
سری متعامد تابع ها	
orthogonal set	
مجموعه متعامد	
orthogonal similarity	
تشابه متعامد	
orthogonal system	
دستگاه متعامد	
orthogonal system of curves on a surface	
دستگاه منحنی های متعامد روی یک سطح	
orthogonal system of functions	
دستگاه توابع متعامد	
orthogonal to	
عمود بر	
orthogonal trajectories	
مسیر های متعامد	
orthogonal trajectory	

مسیر قائم	
orthogonal transformation	
تبدیل عمودی	
orthogonal transformation group	
گروه متعامد	
orthogonal trihedron	
کنج سه قائمه، سه وجهی سه قائم	
orthogonal trajectories	
مسیر های عمودی، مسیر های قائم	
orthogonal vector	
بردار متعامد	
orthogonal vectors	
بردار های عمود بر هم، بردار های متعامد	
orthogonality	
تعامد	
orthogonality condition	
شرط متعامد بودن	
orthogonality relation	
رابطه تعامد	
orthogonality relations	
روابط تعامد	
orthogonalization	
تعامد سازی، عمود سازی، متعامد سازی	
orthogonalization process	

فرآیند عمودسازی، فرآیند متعامد سازی، پروسه متعامد سازی
orthogonalization theorem
قضیه عمود سازی، قضیه متعامد سازی
orthographic
دارای خطوط عمودی، دارای زوایای قائمه، قائم
orthographic projection
تصویر قائم
orthonormal
متعامد یکه، راست هنجار، متعامد
orthonormal basis
پایه متعامد یکه
orthonormal coordinates
مختصات یکامتعامد
orthonormal functions
تابع های یکامتعامد
orthonormal plane
صفحه مختصات قائم
orthonormal set
مجموعه متعامد یکه
orthonormal system
دستگاه متعامد بهنجار، دستگاه متعامد یکه، دستگاه یکامتعامد
orthonormal vectors
بردار های یکا متعامد
orthonormality

یکامتعامد بودن	
orthonormalization	
یکا متعامد سازی	
orthonormalize	
متعامد و یکه کردن، یکامتعامد سازی، متعامد سازی کردن	
orthonormalized eigenfunction	
ویژه تابع یکامتعامد شده	
orthotropic	
دارای محور اصلی کمابیش قائم	
oscillate	
نوسان کردن	
oscillate boundedly	
با دامنه محدود نوسان کردن، دارای نوسان محدود بودن	
oscillate unboundedly	
با دامنه نامحدود نوسان کردن، دارای نوسان نامحدود بودن	
oscillating	
نوسانی	
oscillating series	
سری نوسانی	
oscillation	
نوسان	
oscillation of a function	
نوسان تابع	
oscillation of a function at a point	

	نوسان تابع در یک نقطه
oscillator	
	نوسانساز، نوسانگر
oscillatory	
	نوسانی
oscillatory function	
	تابع نوسانی
oscillatory motion	
	حرکت نوسانی
oscillatory phenomenon	
	پدیده نوسانی
oscillation	
	حرکت نوسانی، ارزش، نوسان
oscillograph	
	نوسان نگار
oscilloscope	
	نوسان نما
osculate	
	بوسیدن
osculating	
	بوسان
osculating circle	
	دایره بوسان
osculating parabola	

osculating plane	سهمی بوسان
osculating sphere	صفحه بوسان
osculating sphere of a space curve at a point	کره بوسان
osculation	بوسیدن
osculation circle	دایره بوسان
osculation plane	صفحه بوسان
osculation point	نقطه بوسان
osculator	بوسان
osculatory	بوسان
ostrogradski theorem	قضیه انتگرادسکی
OTC	معاملات فرا بورسی، نوعی از معاملات است که به شبکه معامله کنندگانی که به صورت حضوری با یکدیگر ملاقات نمی

کنند، اطلاق می شود و از طریق کامپیوتر، تلفن با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.
other
آخر، دیگر، سایر
other accounts payable
سایر حساب های پرداختی
other assets
سایر دارایی ها
other information included in annual reports
سایر اطلاعات مندرج در گزارشات سالانه
other liabilities
سایر بدهی ها
other than
به غیر از، غیر از، متفاوت با، مخالف
other than itself
غیر از خودش
otherwise
روش دوم، روش دیگر، در غیر این صورت، خلاف آن
ounce
اونس، واحد وزن انگلیسی معادل یک شانزدهم
Outstanding debts
بدهی های سررسید رسیده
Outstanding expenses
هزینه های پرداخت شده

out	خارج، بیرون، از
out flow of capital	خروجی سرمایه
out for a bid	مزایده
Out Going Letters	نامه‌های ارسالی
out of bowl tooling	ابزاربندی برون کاسه ای
out of date, overdue	موعد گذشته، منقضی، منسوخ، کهنه
out of phase	خارج از فاز
out of pocket costs, actual expenditures	مخارج واقعی، هزینه‌های پرداخت فوری
out of station allowance	فوق‌العاده خارج از مرکز
out of stock	غیر موجود
Out Put	بازده- ستانده- محصول
Out Put Reports	گزارشات خروجی

Out Standing Accounts	حسابهای تسویه نشده
Out Standing Cheque	چک معوق- واریز نشده
Out Standing Reservation	کرایه یکسره
out ward documentary credits	اعتبارات اسنادی برای خارج
out ward manifest	اعلامیه خروج
outage	مدت عدم استفاده
outage cost	هزینه دوران عدم استفاده
outboard	بیرون از کشتی یا قایق
outcome	برآمد، پیشامد ساده، رویداد، پی آمد، نتیجه، حاصل، برآمد، رویداد
outcomes favourable to events	نتایج مساعد بر حادثه
outcomes of trials	نتایج آزمایش ها
outdegree	

	درجه خروجی
outer	
	خارجی
outer automorphism	
	خوددیسگی بیرونی، خودریختی بیرونی
outer composition	
	ترکیب خارجی
outer content	
	محتوای خارجی
outer harmonic measure	
	اندازه همساز بیرونی
outer jordan content	
	محتوای ژردان خارجی
outer measure	
	اندازه بیرونی، اندازه خارجی
outer operation	
	عمل خارجی
outer product	
	حاصل ضرب خارجی، حاصل ضرب برداری
outer product of two vectors	
	حاصل ضرب خارجی دو بردار، حاصل ضرب برداری دو بردار
outer region	
	ناحیه خارجی

outer sum	مجموع خارجی
Outflow	خروجی
outflow of cash	جریان خروج وجه نقد
Outflows of cash	جریان‌ات خروجی وجه نقد
outgoing	خروجی
outgoing partner	شرکت خارج شونده
outlay expiration	استهلاک، کاهش ارزش دارایی
outlet	دریچه خروجی، مجرای خروجی، خروجی، دررو
outlier	دور افتاده
outline	طرح، توضیح دادن، گرداگرد، شرح دادن، طرح کردن، پیرامون، رئوس مطالب، زمینه، مرز
Outlying	خارج از حد
out-of-date check	

	چک تاریخ گذشته
out-of-sample data	اطلاعات (داده‌های) خارج از نمونه
output	عدد خروجی، خروجی، بازده، ستاده، برون‌داد، محصول، گرفته شده، حاصل، توان خروجی، ظرفیت، صادره، نتیجه، به دست آمده، صادرات
output bit	بیت خروجی
output data	اطلاعات خروجی
output level overhead variance	انحراف سربار در سطح محصول
output report	گزارش خروجی، گزارش خارج شده از سیستم
output scanning	بررسی گزارش‌های خروجی
outright exportation	صادرات یکسره / قطعی
outside	بیرون، بیرونی، خارج، خارج از...، بیرون از...
outside caliper	پرگار خارج، پرگار خارجی، اندازه گیر خارجی، اندازه گیر قسمت خارجی، قطر سنج خارجی
outside shareholder	

سهامدار اقلیت
Outstanding
بدهی تسویه نشده
outstanding capital
سرمایه معوق (وصول نشده)
outstanding check
چک دریافت نشده، چک معوق
outstanding commitments
تعهدات معوق (وصول نشده)
outstanding debts
دیون معوق (پرداخت نشده)
outstanding deposit
سپرده‌های بین راهی
outstanding orders
سفارشات معوق، سفارش‌های تکمیل نشده
outstanding premium
حق بیمه معوق
outstanding share
سهام معوق
outstanding, pending, accrue
معوق
outward
برونسو، خارجی، به طرف خارج، ظاهری، بیرونی، برون‌گرا
outward documentary credit

اعتبار اسنادی برای خارج	
outward manifest	
اعلامیه خروج کالا	
outward processing	
عمل آوردن در خارج	
outward vector	
بردار برونگرا	
oval	
خاگی، تخم مرغی، بادامی	
oval of cassini	
مرغانه کاسینی	
ovally	
به شکل تخم مرغ	
ovaloid	
تخم مرغی	
ovals of cassini	
منحنی تخم مرغی شکل	
over	
روی، در، بالا، بالائی، رویی، زیل، به پایان رساندن	
over a	
در a، روی a	
over a set a	
روی مجموعه a	
over absorb	

جذب بیش از حد	
over absorbed, over applied	
اضافه جذب شده	
over absorption (overall feasibility)	
اضافه جذب	
over absorption of fixed cost	
اضافه جذب سربار ثابت	
over all	
کل، سطح، همه	
over and short cash account	
حساب کسری یا اضافات صندوق	
over capacity	
بالتر از ظرفیت	
over come	
بر طرف کردن	
over critical damping	
میرائی فوق بحرانی	
Over Draft	
حواله بیش از اعتبار	
Over Draw	
بیش از اعتبار حواله کردن	
Over Due	
سر رسید گذشته	
over flow	

	سرریز
Over Heads	
	هزینه‌های سر بار
over loading	
	سربار گذاری
over par value	
	مازاد بر ارزش اسمی
over pay	
	بیش از استحقاق مزد دادن
over payment	
	پرداخت زائد (بیش از حد)
over purchase	
	خرید به قیمت بالا
over relaxation	
	فوق رهایی
over ring	
	حلقه فراگیر
over shoot	
	جهش
over step	
	بر پله
over stimate	
	کران بالا
Over Time	

	اضافه کار
Over Time Premium	
	حقوق اضافه کاری
Over Weight	
	اضافه وزن
over which	
	که در آن
over write	
	پاک شدن
Over-absorbed indirect (overhead) costs	
	اضافه جذب هزینه‌های سربار
over-absorbed overhead	
	اضافه جذب (هزینه) سربار
Over-absorption	
	مازاد جذب سربار
overage	
	اضافی انبار
overage and shortage	
	اضافی و کسری انبار
Overage loan	
	وام اضافی
overall control	
	کنترل سراسری
overall	

روی هم، جامع، سرتاسر، کل، همه سطح کل	
overall development plan	
	برنامه کلی توسعه
overall efficiency	
	افزایش کارایی، کاهش هزینه
overall feasibility	
	امکان پذیری (از لحاظ کلی)
overall productivity	
	بهره‌وری کامل (جامع)
overall reasonableness test	
	آزمون کامل
overall review	
	بررسی کلی
overall risk	
	خطر کلی، ریسک کلی
overall risk assessment	
	برآورد کلی خطر
Over-allocated indirect (overhead) costs”	
	اضافه تخصیص هزینه‌های سربار
over-and-short	
	کسر و اضافه
Over-applied (overhead) cost	
	مازاد هزینه جذب شده
over-applied overhead	

اضافه جذب (هزینه) سر بار	
over-audit	
رسیدگی بیش از اندازه	
overcharge	
هزینه اضافی	
Overcredit	
بیش از حد اعتبار دادن	
overcritical damping	
میرایی فوق بحرانی	
overdamped	
فوق میرائی، میرائی زیاد	
overdamped oscillation	
نوسان فوق میرا	
overdamping	
میرائی شدید	
Overdebit	
بیش از حد برداشت کردن	
overdelivery	
اضافه تحویل، تحویل بیش از اندازه	
overdetermined system	
دستگاه فرامعین	
Overdraft cash / cash overdraft	
اضافه برداشت نقدی (از حساب بانک)	
Overdraft facilities	

overdraft, overdue account	تسهیلات اضافه برداشت
overdraw	اضافه برداشت
overdraw a check	اضافه برداشت کردن
Overdraw on account	چک پرداخت شده
overdue (drafts)	بی محل کردن حساب
Overdue bill	(برات) سررسید گذشته
Overdue cheque	برات سررسید شده
overdue debt, past due debt	چک رسید شده
Overdue draft	بدهی سررسید گذشته، مطالبات معوق
Overdue payment	برات سررسید شده
overestimate	پرداخت معوق
Over-Estimate	اضافه برآورد کردن

برآورد زیاد
over-estimation
برآورد بیش از حد
overfield
زبر هیأت
overflow
تجاوز از حد، هزینه عمومی، سرریز، هزینه غیر تولیدی
overhaul
پیاده کردن دستگاه، تعویض دوره ای، تعمیر دوره ای، تعمیر کلی، امتحان کردن، تعمیر کردن، تعمیرات اساسی
overhead
سرانه
overhead (overhead cost)
سربار، هزینه سربار
overhead absorb
اضافه جذب
overhead absorption, over-applied overhead
جذب (هزینه) سربار
overhead adjustment account
حساب تعدیل سربار
overhead analysis sheet (overhead distribution summary)
سرشکن کردن سربار، کارت تجزیه تحلیل هزینه سربار
overhead appropriation

overhead capacity variance	تسهیم، سرشکن کردن، تقسیم کردن
overhead charge	مغایرت ظرفیت سربار
overhead control account	هزینه بالاسری
overhead cost	حساب کنترل سربار
overhead cost variance	هزینه سربار
overhead crane	مغایرت هزینه سربار
overhead efficiency variance (productivity variance; overhead productivity variance)	جرثقیل سقفی (بالاسری)
overhead expenses	انحراف کارایی سربار
overhead per unit	هزینه‌های سربار (بالاسری)
overhead price variance	نرخ واحدی سربار
overhead tool block	مغایرت قیمت سربار ، انحراف قیمت سربار
	قلمگیر بالاسری، کشوی ابزار بالاسر

overhead usage, overhead spending	مصرف سر بار
overheads	هزینه‌های بالا سری ، هزینه‌های سر بار
overheated	حالت تورمی
overheating	حرارت دادن بیش از حد
overlap	تداخل کردن
overlapping	پوشاندن، رویهم ریخته، روی هم افتادگی، همپوشی، تداخل، همپوشانی، سر رفتن
overlapping circles	دوایر متقاطع
overlapping intervals	بازه های متداخل
overlapping loop	حلقه روی هم افتاده
overlapping network	شبکه همپوش
overlapping sets	مجموعه های متقاطع
overloading	

	اضافه بارگیری
overly	
	كاملا
Overnight funds	
	وجوه يك شبه
overnight loan	
	وام يك شبه ، وام فوري
Overnight repurchase	
	توافق بازخريد يك روزه
overpaid	
	پرداخت بیش از حد (بیش از حق)
overqualified	
	بالتر از شرایط احراز
overrate	
	بیش از ارزش واقعی ارزیابی کردن
override	
	پاک کردن
overseas	
	ماوراء بحر، خارجه
overseas company	
	شرکت ماورای بحار
overseas-income taxation	
	مالیات بر درآمدهای خارج از کشور
overshadow	

	تحت الشعاع قرار دادن
overspread	
	پوشاندن، گسترده، سراسری
overstaffing	
	مازاد کارکنان
Overstate	
	بیش از واقع بیان کردن
overstate, overstatement	
	ارائه بیش از واقع
overstated earnings	
	عایدات بیش ارزیابی شده
overstatement	
	زیاد نشان دادن، ارائه مبالغ به بیش از میزان واقعی
overstatement of revenue	
	بزرگنمایی، یا افزون نمایی درآمد
Over-The-Counter	
	بورس سازمان نیافته – بورس خیابانی
over-the-counter market	
	بازار خارج از بورس، بازار فرا بورس
over-the-counter sale	
	فروش اوراق بهادار پذیرفته نشده (در بورس)
overthwart	
	به طور متقاطع، متقاطع، در عرض، عرضی
overtime	

اضافه کاری، ساعت فوق العاده، کار اضافی، اضافه کار	
overtime allowance, overtime pay	
فوق العاده اضافه کار	
overtime pay	
مزد اضافه کاری	
overtime premium	
فوق العاده اضافه کاری	
overtrading	
گسترش بیش از حد دادوستد	
overvaluation of stock	
اضافه ارزیابی موجودی	
overvalue (overvaluation)	
ارزیابی بیش از واقعی	
ovoid	
خاکوار	
Owe	
بدهکار بودن	
owelty	
برابری	
Owing	
پرداختنی	
Owner	
دارنده- صاحب	
owner withdrawals	

برداشت‌های مالک	
Owner's capital	
سرمایه مالک	
Owner's equity	
حقوق مالک	
Ownership	
مالکیت	
ownership card	
کارت مالکیت	
ownership claims	
مطالبات مالکیت	
Ownership interest	
حق مالکیت	
ownership of assets	
مالکیت دارایی	
ownership right, right of possession, property right, proprietary right	
حق مالکیت	
p	
حرف شانزدهم الفبای انگلیسی	
p adic	
ای p-p	
p adic integer	
عدد صحیح p ای	

p adic number	عدد p ای
p approximation	تقریب p-
p chart	نمودار درصد ضایعات
p closure	بستار p-
p fold exterior power	توان خارجی p تایی
p group	گروه p-
p relation	رابطه p-
p series	سری p
p sylow subgroup	زیرگروه p سیلو
p th power mean	میانگین توانی p ام
p.m.	بعد از ظهر
P/L (Profit/Loss)	نسبت سود به ضرر، سود ناخالص

Pace	گام برداشتن، به جهش قیمت و حرکت آن در نمودار قیمت گفته می شود.
Pacific Stock Exchange	بورس سهام پاسیفیک
Pacioli, Luca (1445-1514)	پاچیولی، لوکا (۱۴۴۵، ۱۵۱۷ میلادی) یک راهب فرانسویسن و نخستین کسی که توانست دفترداری ثبت دو طرفه ارائه کند.
pack	دسته کردن، بسته بندی، دسته بندی، دسته، بسته، عدلبندی
Package	بسته – بسته بندی
package deal	معامله کلیدی ، چکی (بدون توجه به مسائل جزئی معامله)
package pay	مزد بسته بندی یا عدل بندی
packaged program	برنامه آماده
packaging	بسته بندی
packaging cost	هزینه بسته بندی
packet, small package	بسته کوچک
Packing	

	بسته بندی
packing and distribution	
	بسته بندی و توزیع
packing and loading expense	
	هزینه بسته بندی و بارگیری
packing and shipping	
	بسته بندی و ارسال
packing expense (charge)	
	هزینه بسته بندی
packing list	
	صورت بسته بندی یا عدل بندی؛ صورت کالاهای بسته بندی شده
packing note	
	یادداشت محتویات بسته
packing, packaging	
	بسته بندی و توزیع
pad	
	صفحه، معبر، جاده، ضربه گیر، زیردستی، لایی، روبنده، زیرسری، کفشک، بالشتک
padding	
	پرکننده، لایه گذاشتن، لایه گذاری، لایی، بالشتک
padding expenses	
	فزون نمایی هزینه‌ها
pade approximation	

تقریب پاده
page
صفحه
paging
فرایند انتقال داده‌ها و اطلاعات از حافظه اصلی به حافظه‌های فرعی (رایانه)
paid
پرداخت شده، نقد
Paid – up capital
سرمایه پرداخت شده
paid check
چک پرداختی
paid in (up) capital, contributed capital
سرمایه پرداخت شده
paid in capital
سرمایه پرداخت شده
paid in capital for treasury stock
صرف سهام خزانه
paid in capital from retirement of treasury stock
سرمایه پرداخت شده از ابطال سهام خزانه
paid in capital in excess of par
سرمایه پرداخت شده مازاد بر ارزش اسمی صرف سهام
paid in cash share
سهام نقداً پرداخت شده

paid in excess of par value	پرداخت مازاد بر ارزش اسمی
paid in kind	پرداخت غیر نقدی
paid invoice	صورتحساب پرداخت شده
paid on account	پرداختی علی الحساب
paid on charge	پرداختی به عنوان مساعده
paid on credit	پرداختی نسبه (قرضی)
paid sick leave, sickness benefit	پرداخت دستمزد ایام بیماری
Paid up	پرداخت شده
paid up capital share	سرمایه تمام پرداخت شده
paid up insurance	بیمه پرداخت شده
paid up policy	بیمه نامه‌ای که حق بیمه آن پرداخت شده
paid up share (stock)	سهام پرداخت شده

paid-in	پرداخت شده
paid-in capital	سرمایه پرداخت شده
paid-in capital in excess of par	صرف سهام
paid-in capital surplus	صرف سهام
paid-in surplus	صرف سهام
paid-up capital	سرمایه پرداخت شده
paid-up insurance	بیمه پرداخت شده
paint	رنگ کردن
painting	رنگ آمیزی
painting the tape	ایجاد رونق مصنوعی در بورس
pair	جفت
pair of variables complementary	زوج متغیر های مکمل

pair off	جفت کردن، شریک کردن، دو به دو یکی گرفتن
paired	زوج شده، جفت شده
paired bar	میله ای زوج
paired comparison	مقایسه دو به دو، مقایسه زوجی
paired data	داده های زوج شده
paired difference	تفاضل زوجی، تفاوت جفت شده
paired observation	مشاهده جفت شده
paired sample sign test	آزمون علامت زوج نمونه ای
pairing	دو خطی
parity	دوتاییگی، زوجیت
pairwise	جفت جفت، دودو
pairwise coprime	دو به دو متباین

pairwise disjoint	دو به دو مجزا، جداگان، دو به دو از هم جدا
pairwise independent	دو به دو نوابسته
pairwise mutually exclusive events	حوادث دو به دو ناسازگار، پیشامد های دو به دو ناسازگار
Pallet	پالت- بسته
pallet loader conveyor	نقاله بارگیری پالت
Palm	پالم- کف دستی
panel	صفحه فرمان، تابلو کنترل، صفحه کنترل، صفحه کلید ها
panel method	روش گروهی
pangeometry	هندسه کامل
panning	جابجایی
pantograph	مشابه نگار، شبیه نگار
pantometer	ابزاری برای اندازه گیری کلیه زوایا

Paper	برگه بهادار، سند
paper assets	دارایی‌های مالی، اوراق بهادار
Paper currency	پول کاغذی
paper profit	سود تحقق نیافته، سود صوری
paper rate	نرخ غیر واقعی
paper tiger	سرمایه گذاری به ظاهر سودآور
Paper Work	کارهای کاغذی (تشکیل پرونده...) کسب و کار اداری به حالت سنتی
Pappus	پاپوس
Pappus configuration	ترکیب پاپوس
pappus's theorem	قضیه پاپوس
par	برابری، تساوی، بهای رمی اسناد و ضمانت‌نامه‌ها
par bond	

اوراق قرضه‌ای که به ارزش اسمی فروخته شود
par clearing, par payment
پرداخت اصلی (اسمی)
Par collection
وصول با قیمت اسمی
par exchange rate, exchange parity, foreign exchange rate
نرخ برابری ارز
par of exchange
نسبت واحد پول یک کشور به واحد پول کشور دیگر
Par price
قیمت اسمی
par rate of exchange, official exchange rate
نرخ رسمی ارز
par value
ارزش اسمی
par value method
روش ارزش اسمی
par value of bond
ارزش اسمی اوراق قرضه
par value of currency
نرخ اسمی ارز
par value of securities
قیمت اسمی اوراق بهادار

par value of shares	قیمت اسمی سهام
par value of stock	ارزش اسمی سهام
par value of stocks, face value of shares, stated value of share, stock par value	ارزش اسمی سهام
par value per share	ارزش اسمی هر سهم
par value per stock	ارزش اسمی هر سهم
par value theory	تئوری ارزش اسمی
parable	مقایسه، قیاس، تمثیل
paraboize	سهمی کردن، سهمی کردن، به طور تمثیل، بیان کردن
parabola	سهمی
parabola of safety	سهمی اطمینان
parabolic	سهمی، شلجمی، سهمی گون، سهمی شکل، شلجمی شکل، سهمی

parabolic coordinates	مختصات سهموی
parabolic cylinder	استوانه سهموی، رویه استوانه سهمی گون، استوانه ای سهموی، سطح استوانه ای با مقطع قائم سهمی
parabolic cylindrical surface	استوانه سهموی، رویه استوانه ای سهموی
parabolic geometry	هندسه سهموی
parabolic motion	حرکت روی مسیر سهمی
parabolic partial differential equation	معادله دیفرانسیل جزئی سهموی
parabolic point	نقطه سهموی
parabolic reflector	آینه سهموی، آینه شلجمی
parabolic segment	قطعه سهموی
parabolic spiral	مارپیچ شلجمی، منحنی نمایش تابع، مارپیچ سهموی، مارپیچ فرما
parabolically	به طور سهمی، به طور شلجمی، تمثیلا
paraboloid	

paraboloid of revolution	سهمی گون
paraboloidal	سهمیوار دوار
paraboloidal reflector	سهمیوار، سهموی شکل، مربوط به سهموی
parachute	بازتابنده سهمی وار
paracompact space	چتر نجات
paracompacty	فضای پیرافشرده
paradigm	فشرده گون
Paradox	الگوی فکری، پارادایم
paradox of de mere	گفته‌های متناقض
paradox of russel	پارادوکس دومره
paradoxes of zeno	تناقض راسل
paradoxial	پارادوکس های زنون

	متناقض
paradoxical	
	متناقض
paradoxical	
	متناقض
paragraph	
	یک قسمت از یک ماده یا تبصره، بند
parallax	
	اختلاف نظر
parallax second parsec	
	اختلاف نظر
parallel	
	متوازی، موازی، فضا دهنده، همگام، موازی کردن
parallel arc	
	یال موازی
parallel arcs	
	یال های موازی
parallel array	
	آرایه موازی
parallel axes theorem	
	قضیه محور های موازی
parallel axiom	
	اصل توازی
parallel axis	

محور موازی	
parallel axis theorem	
قضیه محور موازی	
parallel computations	
محاسبات موازی	
parallel configuration	
تشکیل موازی	
parallel coordinates	
مختصات موازی	
parallel displacement	
جنبش همرو، تغییر مکان موازی	
Parallel financing	
تأمین منابع موازی	
parallel hedge	
پوشش ریسک از طریق خرید ارزهای متفاوت	
parallel line	
خط متوازی	
parallel lines	
خطوط موازی	
parallel loop	
حلقه موازی	
parallel operation	
عملیات موازی، عملکرد موازی	
parallel planes	

صفحات متوازی، صفحه های موازی
parallel plate
با صفحات موازی
parallel plate capacitor
خازن با صفحات موازی
parallel profile
مقطع عمودی
parallel projection
تصویر موازی
parallel run
اجرای موازی
parallel samples
نمونه های همتا، نمونه های موازی
parallel simulation
شبیه سازی موازی
parallel surface
رویه متوازی
parallel surfaces
سطوح متوازی، رویه های موازی
parallel systems
سیستم های موازی، نظام های موازی
parallel testing
آزمون موازی
parallel vectors

	بردار های موازی
parallelelism	
	توازی
parallelepiped	
	متوازی السطوح
parallelepipedon	
	متوازی السطوح
parallelism	
	موازات، توازی، موازی بودن
parallelism in large sense	
	موازی بودن به معنای دقیق
parallelize	
	موازی کردن
parallelogram	
	متوازی الاضلاع
parallelogram law	
	قانون متوازی الاضلاع
parallelogram of forces	
	متوازی الاضلاع نیروها
parallelogram of vectors	
	متوازی الاضلاع بردارها
parallels	
	مدارات
paralogism	

استدلال غلط، قیاس نادرست	
parameter	
عامل ثابت، پارامتر، مؤلفه	
parameter domain	
قلمرو پارامتری	
parameter interval	
بازه پارامتری	
parameter space	
فضای پارامتر، فضای پارامتری	
parameter space for a probability distribution	
فضای پارامترهای توزیع احتمال	
parameterless void function	
تابع بدون پارامتر	
Parameters	
پارامترها	
parametric	
پارامتری	
parametric analysis	
آنالیز پارامتری	
parametric analysis of cost vector	
آنالیز پارامتری بردار هزینه	
parametric analysis of right hand side vector	
آنالیز پارامتری بردار سمت راست	
parametric coordinates	

	مختصات پارامتری
parametric curve	
	منحنی پارامتری
parametric equation	
	معادله پارامتری
parametric equation of a hyperbola	
	معادلات پارامتری یک هذلولی
parametric equations	
	معادله های پارامتری
parametric form	
	صورت پارامتری، فرم پارامتری
parametric interval	
	فاصله پارامتری، بازه پارامتری
parametric methods	
	بازده پارامتری
parametric problems	
	مسأله های پارامتری
parametric programming	
	برنامه ریزی پارامتری
parametric representation	
	نمایش پارامتری
parametric representation of a curve	
	نمایش پارامتری خم
parametric representation of a surface	

	نمایش پارامتری رویه
parametric statistics	
	آمار پارامتری، آمار معمولی
parametric test	
	آزمون پارامتر، پارامتر سنجی
parametrically	
	با معادله پارامتری
parametrization	
	پارامتری کردن، پارامتری سازی، پارامتر سازی
parametrize	
	پارامتر کردن
parametrized	
	پارامتری
paramount	
	برتر، بزرگ تر
paranthesis	
	پرانتز، کمانک ها، ابرو
paranthesize	
	پرانتز گذاردن، یک عبارت را بین پرانتز نوشتن
parapoxe	
	نمود غیر متعارف
parasite	
	اغتشاش، طفیلی
Parcel	

	بسته
parcel of bills	
	بسته بروات
parcel post	
	بسته پستی
parcel post receipt	
	قبض امانات پستی
par-clearance	
	واریز (پرداخت) اسمی
par-clearing	
	واریز اصل سند (مبلغ اسمی سند)
parent	
	واحد تجاری اصلی، شرکت مادر
parent – subsidiary relationship	
	رابطه اصلی، فرعی
parent company	
	شرکت مادر، واحد تجاری اصلی یا شرکتی که واحدهای فرعی را کنترل می‌کند.
parent company auditor	
	حسابرس شرکت مادر
parent company concept	
	مفهوم/ تئوری شرکت اصلی
parent company statements	
	صورت‌های مالی جداگانه «واحدهای تجاری اصلی»

parent company theory	تئوری شرکت مادر / اصلی
parent company's percentage of ownership	درصد مالکیت شرکت اصلی
parent enterprise (corporation)	موسسه مادر
parent subsidiary relationship	رابطه اصلی فرعی
Parent Supplier	فروشنده اصلی – تامین کننده اصلی
parent's percent of ownership	درصد مالکیت شرکت اصلی
parentheses	پرانتز های باز و بسته، ()
parenthesis-free notation	یادداشت بدون پرانتز
parenthetical information	ارائه اطلاعات در داخل پرانتز
parenthetical note	یادداشت بدون پرانتز
pareto	پاریتو
pareto analysis	تجزیه و تحلیل اصل پارتو

pareto diagram	نمودار پارتو
pareto optimal solution	جواب بهینه پارتو
pareto optimum situation	وضع بهینه پارتو
pareto principle	اصل پارتو ، قانون بیست هشتاد
pari passu clause	شرط برابر بودن وام‌ها
paried observations	مشاهدات جفت شده
parint	تفکیک کردن، جدا سازنده، قطعه سازی، جداسازی، قطع کردن، جداکننده، جداشونده
parity	برابری، نسبت
parity of a function	جفتی یک تابع
parity price	قیمت همانند یا یکسان
parol	قول شفاهی، قرارداد شفاهی
parole agreement	

قولنامه (قرارداد شفاهی)
parole evidence rule
قاعده حاکمیت متن نوشته بر نقل قول شفاهی در قراردادها
parse tree
درخت تجزیه
parsec
پارسک، واحد اندازه گیری طول معادل $3.08567758 \times 10^{16}$ متر، برابر شعاع مدار زمین، 3.26 سال نوری، $19/2$ تریلیون مایل
Parseval equality
برابری پارسوال
Parseval equation
اتحاد پارسوال، معادله پارسوال، رابطه پارسوال
Parseval formula
دستور پارسوال، فرمول پارسوال
Parseval identity
اتحاد پارسوال، معادله پارسوال، رابطه پارسوال
Parseval relation
اتحاد پارسوال، معادله پارسوال، رابطه پارسوال
Parseval theorem
قضیه پارسوال
Parseval's equality
فرمول پارسوال، تساوی پارسوال، برابری پارسوال
Parseval's formula
فرمول پارسوال، تساوی پارسوال

parseval's identity	اتحاد پارسوال، تساوی پارسوال، فرمول پارسوال
parseval's theorem	قضیه پارسوال
part	قسمت، جزء، بخش، قطعه، قطعه کار، پاره
part correlation	همبستگی جزئی
part number	شماره قطعه، شماره جنس
part of a set	قسمت یک مجموعه
part paid	قسمت پرداخت شده
part palacing mechanism	مکانیسم قطعه گذاری
Part Payment	پرداخت مرحله‌ای
part print	نقشه کار
part shipment	حمل قسمتی از کالا
part time	پاره وقت، نیمه وقت

parted	مجزاء، تقسیم شده، دو پارچه ای
partial	جزئی، قسمتی
partial association	پیوند جزئی
partial autocorrelation	خودهمبستگی جزئی
partial confounding	اختلاط جزئی
partial correlation	همبستگی جزئی
partial correlation coefficient	ضریب همبستگی جزئی
partial correlation coefficient estimate	برآورد ضریب همبستگی جزئی
partial costing	هزینه یابی جزئی
partial damage	خسارت جزئی
partial derivation with respect to	مشتق گیری جزئی نسبت به ...
partial derivative	مشتق جزئی، مشتق پاره ای، مشتق نسبی

partial derivative symbol	علامت مشتق جزئی، علامت مشتق نسبی
partial derivative with respect to	مشتق جزئی نسبت به
partial derivatives of higher order	مشتق های جزئی مراتب بالاتر
partial differential	دیفرانسیل پاره ای، دیفرانسیل جزئی
partial differential coefficients	ضرائب دیفرانسیل پاره ای، مشتقات پاره ای
partial differential equation	معادله دیفرانسیل جزئی
partial differential operator	عملگر دیفرانسیل جزئی
partial differentiation	مشتق گیری جزئی
partial disability	از کار افتادگی جزئی
partial distribution	مشتق گیری پاره ای، مشتق گیری نسبی، مشتق گیری جزئی
partial fraction	کسر جزئی
partial fraction decomposition	تجزیه به کسر های جزئی

partial fraction expansion	بسط کسر جزئی
partial fractions	کسر های ساده، کسر های جزئی، کسر ساده تر، کسر جزء
partial fractions decomposition	تجزیه به کسر های جزئی
partial function	تابع جزئی
partial function form	صورت تابع جزئی
partial integral	انتگرال نسبی، انتگرال جزئی
partial integration	انتگرال گیری جزء به جزء
partial mapping of a mapping	تحدید نگاشت، نگاشت جزئی یک نگاشت
partial order	ترتیب جزئی
partial ordering	ترتیب جزئی
partial ordering relation	نسبت ترتیبی جزئی، رابطه ترتیب جزئی
partial out	حذف کردن

partial payment	پرداخت به‌دفعات
partial pricing	قیمت جزئی
partial product	حاصل ضرب جزئی
partial productivity	بهره‌وری ناقص
partial productivity measurement	اندازه‌گیری بهره‌وری ناقص / نسبی
partial range	حوزه جزئی
partial recognition	شناسایی ناقص / نسبی
partial regression	رگرسیون جزئی
partial reliance	اعتماد نسبی
partial relief	بخشودگی جزئی
partial shipment, shipment by instalment	حمل به‌دفعات ، حمل بخشی از کالا
partial sum	

مجموع جزئی، جمع، مجموع، جمع، جمع کردن، حاصلجمع، جامع، حاصل، روی هم
partial summation
جمع بندی جزئی
partial summation formula
دستور جمع بندی جزئی
partial work related disability
از کار افتادگی جزئی ناشی از کار
partial year
بخشی از سال
partially
بگونه پاره ای، جزئی، جزئاً
partially balanced
به طور جزئی متعادل
partially balanced incomplete block design
طرح بلوکی ناکامل جزئاً متعادل
partially differentiable function
تابع جزئاً مشتق پذیر
partially mapping
نگاشت نسبی
partially ordered set
مجموعه جزئاً مرتب
partially paid
قسمت پرداخت شده

partially paid capital	سرمایه به‌دفعات پرداخت شده
partially paid shares	سهام به‌دفعات پرداخت شده
partially participating	مشارکت جزئی
partially participating preferred stock	سهام ممتاز با مشارکت جزئی در سود باقی مانده
partially participation	مشارکت جزئی
partibility	بخش پذیری، قابلیت تفکیک
partible	بخش پذیر، قابل تفکیک
Participant	شریک شدن
participate	مشارکت کردن
participating	مشارکتی
Participating annuity	اقساط مستمر شراکتی
participating bonds	اوراق قرضه با حق مشارکت در سود

participating budgeting	بودجه بندی مشارکتی
participating capital stock	سهام ممتاز با حق سهام شدن در مازاد سود
participating certificate	گواهی مشارکت
participating clause	شرط حق مشارکت در سود اضافی
participating dividend	سود پرداختی به دارندگان سهام ممتاز علاوه بر سود تعیین شده در برگ سهم.
participating in interests	سهیم در منافع
participating insurance	بیمه سهم (در منافع)
participating preference share	سهام ممتاز که دارندة آن سود تقسیمی ثابتی دریافت می‌کند و پس از این که سهامداران عادی درصد مشخصی از سود دریافت کردند، وی در بقیه سود سهام می‌شود.
participating share	سهام ممتاز با حق مشارکت در سود
participating stock	سهام مشارکت کننده در سود
participation certificate	ورقه یا برگ مشارکت

participation charges	مخارج شرکت
participation credit	اعتبار مشارکتی
Participation fee	کار مزد مشارکت
participation funds	وجوه مشارکتی
participation loan	وام مشارکتی
participation, corporate, joint venture, partnership, cooperation	مشارکت
participation, partnership	شراکت، همیاری
participative management	مدیریت مشارکتی
participatory budget	بودجه مشارکتی
particle	ذره، جسم، نقطه مادی
particular	عمومی
particular average	

particular balance sheet accounts	میانگین خاص
particular expense	حساب‌های خاص ترازنامه
particular format of accounting books	هزینه خاص
particular forms of cost functions	شکل خاص دفاتر حساب
particular integral	اشکال خاص توابع هزینه
particular integral of a differential equation	انتگرال خصوصی
particular judgement	انتگرال خصوصی معادله دیفرانسیل
particular operating cost	حکم جزئی
particular partnership	هزینه خاص عملکرد (عملیات)
particular profit and loss expense	مشارکت مخصوص
particular proposition	هزینه خاص سود و زیان
particular root	گزاره جزئی

	ریشه خصوصی
particular sentence	
	گزاره جزئی
particular solution	
	جواب خاص، جواب خصوصی، جواب ویژه، حل خصوصی، حل ویژه
particular statement	
	گزاره جزئی
particular(s)	
	مشخصات، مشخص، معین
particularity	
	ویژگی، به ویژه، خصوصیات برجسته، جزئیات
particularization	
	ذکر جزئیات
particularization the law of	
	قانون تجرید
particularly	
	به ویژه
parties to bill	
	اشخاص ذینفع در برات
parties to contract	
	طرفین قرارداد
partile	
	پارک

parting	تقسیم، جداسازی، تفکیک
parting dust	پودر جدایش، گرد فاصل
parting program	برنامه ساخت قطعه
partition	افراز
partition induced by statistic	افراز القا شده توسط آمار
partition of a positive integer	افراز عدد صحیح مثبت
partition of a set	افراز مجموعه، افراز یک مجموعه، تجزیه مجموعه
partition of an interval	افراز یک فاصله، پارش یک فاصله
partition of matrix	قسمت بندی ماتریس
partition or unity	افراز واحد
partitioned	افراز شده
Partitioned Database	پایگاه داده تقسیم شده

partitioned matrix	ماتریس افراز شده
partitioning	افراز کردن، پارش کردن
partitive	جداکننده، قسمی
partly finished	تا اندازه‌های ساخته شده، نیمه ساخته
partly finished goods, semi finished goods	کالای نیمه ساخته
partly finished stock	موجودی کالای تا اندازه‌های تمام
partly finished store	انبار کالای نیمه ساخته
partly paid shares	سهامی که هنوز تمام مبلغ اسمی آن پرداخت نشده باشد.
partly paid, semi-paid	نیمه پرداخت
partly secured	تا اندازه‌های تضمین شده
partly secured credit	اعتبار نیمه تضمین شده
partly secured loan	وام با قسمتی تضمین

partner	شریک بودن، یار بودن، همکار
partner drawing accounts	حسابهای برداشت شرکا
partner in joint account	شریک با حساب مشترک
partner participant	شریک
partners	شرکا
partners of the company	شرکا شرکت
partners' current account	حساب جاری شرکا
partners' drawing account	حساب برداشت شرکا
partners' interest	حقوق شرکا (منافع شرکا)
partnership	شرکت تضامنی
partnership accounting	حسابداری شرکتهای تضامنی
partnership agreement	موافقتنامه شرکت تضامنی

partnership agreement, joint venture agreement	قرارداد بین شرکای یک شرکت تضامنی
partnership capital	سرمایه شراکت
partnership dissolution	انحلال شرکت تضامنی
partnership dissolution partnership liquidation	انحلال شرکت تضامنی
partnership financial statement	صورت‌های مالی شرکت تضامنی
partnership financial statements	صورت‌های مالی شرکت تضامنی
partnership liquidation	انحلال شرکت‌های غیر سهامی
partnership profit	سود شرکت غیر سهامی
part-paid invoice, part paid statement	صورت‌حساب جزئاً پرداخت شده
part-payment	پرداخت قسمتی
parts	جزء به جزء
parts list	صورت مواد، صورت اجزا

part-time worker, casual worker	کارگر موقت، کارگر نیمه وقت
party	طرف معامله
party concerned, party interested	ذینفع (طرف ذی نفع)
par-value capital stock	تعیین ارزش اسمی هر سهم بر اساس اساسنامه شرکت
Pascal configuration	پیکربندی پاسکال
pascal distribution	بخش پاسکال، توزیع پاسکال
pascal law	قانون پاسکال
pascal theorem	قضیه پاسکال
pascal triangel	مثلث خیام-پاسکال
Pascal triangle	مثلث خیام-پاسکال
pascal's theorem	قضیه پاسکال
pascal's triangle	مثلث پاسکال

pass	از قلم افتاده، تصویب، کلمه رمز، گذاشتن، عبور کردن، تصویب کردن قانون
pass band	ناحیه عبور
pass through	از ... گذشتن، گذرنده از، از میان ... گذشتن، مارّ بر، گذشتن از
passage	حق عبور
passage of title	انتقال مالکیت
passage to the limit	مرور به حد
passbook	دفتر حساب (پس انداز) بانک
pass-book	دفتر حساب جاری بانکی مشتری
passed	رد شده
passed dividend	سود سهام اعلام نشده
passenger manifest	صورت مسافران، مانیفست مسافران
passive	

	مجهول
passive asset	
	دارایی راکد
passive bond	
	قرض الحسنه، اوراق قرضه بدون بهره
passive debt	
	بدهی بی بهره
passive investment	
	سرمایه گذاری غیر فعال
passive management	
	مدیریت غیر فعال
passive repair time	
	زمان غیر فعال تعمیراتی
passport	
	گذرنامه
password	
	اسم رمز، کلمه عبور
password control	
	کنترل با اسم رمز
password pawn	
	کلمه رمز، اسم رمز
past	
	بعد از
past due	

تأخیر در پرداخت و رعایت نکردن در زمان تعیین شده (مورد توافق)	
past due bill, overdue bill	برات سررسید گذشته
past service (pension) cost	هزینه خدمات قبلی
past, due, overdue	سررسید گذشته (مهلت منقضی شده)
patent	حق اختراع
patent office	اداره ثبت اختراع
patent right, patent, royalty	حق الاختراع
patent, pervasive	اختراع ثبت شده، حق ثبت اختراع، حق بهره برداری
patentee	صاحب اختراع ثبت شده
path	راه، گذر، مسیر، گذار، کانال
path connected set	مجموعه مسیری همبند، مجموعه قوسی همبند
path curves	منحنی های مسیر

path goal theory	نظریه مسیر-هدف، تئوری مسیر-هدف
path length	طول مسیر
path tracing	ردیابی مسیر
pathwise	راهی، گذری
pathwise connected set	مجموعه همبند گذروار، مجموعه مسیری همبند، مجموعه قوسی همبند
pathwise connectedness	همبندی گذروار
patial inspection	بازرسی سیار، بازرسی گشت
patrimony	دارایی موروثی (ترکه)
pattern	الگو
pattern matching	الگوی تطبیق
pattern move	حرکت نمونه
pattern of 0s	

	الگوی از ۰ ها، ۰ ها
pattern of cost allocation	
	الگوی تخصیص هزینه
pattern recognition	
	شناسایی طرح، طرح شناسی
patternmaker	
	الگوساز
pavilion	
	غرفه، سالن
pawl	
	ضامن، ضامن چرخ دنده، زبانه، گیره
pawl pin	
	خار ضامن
pawl transfer	
	انتقال ضامن دار
pawn	
	وثیقه
Pawn bank	
	بانک کارگشایی
pawn broker	
	دلال گرو (رهن)
pawn setter	
	رهن گذار (راهن)
pawn, pledge, mortgage	

گرو (رهن)، گرو گذاشتن	
Pawne	
	گیرنده رهن
pawner	
	راهن، گرو گذار
Pay	
	پرداخت کردن
pay a draft at sight	
	پرداخت برات دیداری
pay as you earn (PAYE)	
	پرداخت تدریجی بدهی، پرداخت تدریجی بدهی بر اساس تحصیل درآمد
pay back method	
	روش مقایسه بازده (سرمایه گذاری ها ، طرح ها)
Pay back period	
	دوره بازپرداخت
pay bill, payment voucher, voucher	
	سند پرداخت
pay by check	
	با چک پرداختن
pay clerk	
	متصدی پرداخت
pay day	
	روز پرداخت

pay in advance	پول پیش دادن
pay in installments	به اقساط پرداختن
pay increase	اضافه حقوق، اضافه دستمزد
pay interest	بهره پرداختن
pay interest in current account	به حساب جاری بهره دادن
pay master	مأمور پرداخت
pay master pay plan, paymaster	مأمور پرداخت
pay off	دریافتی، بازده، تسویه حساب کردن
pay off matrix	ماتریس عایدات (بازده ها)
pay office	اداره پرداخت
pay officer, pay master	متصدی پرداخت
pay on credit	به صورت نسبه پرداختن

pay out ratio	نسبت پرداخت سود سهام
pay plan	طرح حقوق، سیستم حقوق و مزایا
pay raise, increase in salary	افزایش حقوق
pay rate	پایه حقوق
pay rool	لیست دستمزد، لیست حقوق، سیاهه پرداخت حقوق، سیاهه دستمزد، سیاهه حقوق
pay scale	مقیاس حقوق، اشل حقوق
pay sheet, salary roll, pay roll	لیست حقوق، لیست حقوق و دستمزد
pay slip, pay receipt	بیجک (برگ رسید دستمزد)
Pay Slips	برگ پرداخت (مانند فیش حقوق)
pay up	پرداخت وجه اضافی
pay, reimburse, disburse, settle	پرداخت کردن
payability	

	قابلیت پرداخت
payable	بدهی‌های پرداختی، قابل پرداخت
payable (on) demand	قابل پرداخت در صورت مطالبه
payable at destination	قابل پرداخت در مقصد
payable at maturity	قابل پرداخت در سررسید
payable at par	قابل پرداخت به ارزش اسمی
payable at sight	قابل پرداخت به رؤیت
payable in advance	قابل پیش پرداخت
Payable in arrears	قابل پرداخت در سررسید
payable in bearer	قابل پرداخت در جه حامل
payable long-term inter-company	بدهی بلند مدت فی ما بین شرکت‌های وابسته
Payable on demand	قابل پرداخت عندالمطالبه
payable to bearer	

قابل پرداخت به حامل
payable to bearer of bill bearer bill
برات در وجه حامل
payable to order
قابل پرداخت به حواله کرد
Payables
حساب‌های پرداختی
payables turnover period
دوره واریز بستانکاران
payables, accounts payable
حساب‌های پرداختی (بدهی‌ها, بستانکاران)
pay-as-you -earn
پرداخت به‌قدر عایدی، پرداخت در برابر خدمت
pay-as-you-go
پرداخت تدریجی بدهی، ثبت هنگام پرداخت
payback
بازپرداخت، استرداد چه کردن
payback (or payout) period method
روش دوره بازیافت سرمایه
payback method
روش (محاسبه) بازیابی سرمایه، روش محاسبه برگشت سرمایه
payback period
دوره برگشت سرمایه، دوره بازیافت سرمایه گذاری

payback period method	روش مبتنی بر دوره بازیافت
payback period reciprocal	معکوس دره بازیافت
payback reciprocal	دوره بازیابی
Pay-cheque	چک حقوقی
paydown	بازپرداخت وام (بازپرداخت اصل و بهره وام)
payee	گیرنده
payee of the check, receiver of check	گیرنده چک
payee of the note	دریافت کننده وجه سند، گیرنده سند
payer	پرداخت کننده، دهنده وجه
Payer of a bill	پرداخت کننده برات
paying agent	نماینده پرداخت
paying back	استرداد، بازپرداخت

paying bank, reimbursing bank	بانک پرداخت کننده
paying credit	حواله پرداخت
paying out profit	سود پرداخت کردنی (قابل تقسیم)
paying slip	برگ پرداخت وجه
paying up, clearance	برائت (دین، بدهی)
paying-in slip	فرم بستانکار، فیش بستانکار
payment	پرداخت
payment against a draft	پیش پرداخت در مقابل برات
payment agreement	موافقت نامه پرداخت
Payment arrears	پرداختهای معوق
payment authorization	دستور (مجوز) پرداخت
payment bill	برات پرداختی

payment bond	ضمانت‌نامه پیش پرداخت
payment by instalments	پرداخت به اقساط
payment by results	پرداخت بر اساس نتایج کار
payment by the insured	پیش پرداخت توسط بیمه شده
Payment Clerk	کارمند پرداخت حقوقی
payment date	تاریخ پرداخت
payment in advance, payment on account, disbursement	پرداخت علی‌الحساب، پیش پرداخت
payment in dollars	پرداخت به دلار
payment in due	پرداخت در سررسید
payment in foreign currency	پرداخت به ارز خارجی
payment of a debt, discharge	پرداخت بدهی، ایفای تعهد، برائت‌نامه، پرداخت بدهی به اعتبار

payment of claim	پرداخت ادعا، پرداخت خسارت
payment of wage	پرداخت دستمزد
payment on account	(پرداخت) علی الحساب
payment on behalf of	پرداخت از طرف
payment on open account	پرداخت در حساب جاری
payment order	حواله ارزی
Payment period	دوره اقساط
Payment restrictions	محدودیت های پرداخت
payment summary	خلاصه پرداخت
payment supra protest	پرداخت پس از واخواهی
payment system	سیستم پرداخت ها
payment term, terms of payment	شرایط پرداخت

Payment Terms	شرایط پرداخت
payment under a guarantee	پرداخت تحت ضمانت نامه
payment under reserve	پرداخت تحت تضمین
Payment Versus Delivery	پرداخت در مقابل تحویل - پرداخت در زمان تحویل
payment voucher, pay bill	سند پرداخت
payment, disbursement	پرداخت
payoff	بازدهی (برگشت وجه)
payoff = pay-off	نتیجه، حاصل، قسط نهایی بدهی
payoff matrix	ماتریس های مبلغ دریافتی-پرداختی
payoff period = pay-off period	دوره بازبازی سرمایه
pay-off period of asset	دوره بازدهی دارایی
pay-off period of investment	دوره پرداخت سرمایه گذاری

payoff table	جدول عایدات
payoffs	عایدات بازده ها
payout rate	(سرمایه ، سهام) نرخ پرداخت سود
payout ratio	نسبت پرداخت سود سهام
payout ratio, dividend payout, long-run dividend payout ratio, payout time	نسبت پرداخت سود سهام
payout time	دوره (زمان) بازیابی سرمایه
Payroll	حقوق و دستمزد
payroll accounting	حسابداری حقوق و دستمزد
payroll and personnel cycle	چرخه حقوق و دستمزد کارکنان
payroll card	کارت مشخصات حقوق
payroll computations	محاسبات حقوق و دستمزد
payroll cost	

هزینه حقوق و دستمزد	
payroll cycle	
چرخه حقوق و دستمزد	
payroll deductions	
کسورات حقوق و دستمزد	
payroll entries	
ثبتهای حقوق و دستمزد	
Payroll List	
لیست مواجب بگیران	
payroll master file	
پرونده اصلی حقوق و دستمزد	
payroll records	
اوراق و اسناد حقوق و دستمزد	
payroll register	
دفتر ثبت حقوق و دستمزد	
payroll system	
سیستم حقوق و دستمزد	
payroll tax	
مالیات حقوق و دستمزد	
payroll tax rate	
نرخ مالیات حقوق و دستمزد	
Payroll taxes payable	
مالیات حقوق و دستمزد پرداختنی	
payroll, wages and salaries	

	حقوق و دستمزد
pay-through bonds	
	اوراق قرضه دارای پشتوانه
peak	
	منتها درجه، حداکثر، نقطه اوج
peak efficiency	
	حداکثر کارایی
peak hour	
	ساعت اوج مصرف برق
Peak Hours	
	ساعات پیک (اوج)
peak load	
	بار حداکثر، حداکثر بار
peak point	
	نقطه قله ای
peak sales	
	نقطه اوج فروش
peak season	
	فصل پرکار
peak set	
	مجموعه قله ای
peaked	
	دارای قله، نوک تیز، کشیده
peaked function	

	تابع قله ای
peakedness	
	کشیدگی، تیزی
peakedness coefficient	
	ضریب کشیدگی
peakeness coefficient	
	ضریب کشیدگی
peano axioms	
	اصول موضوع پئانو
peano continuum	
	پیوستار پئانو
peano curves	
	خم های پئانو
peano postulates	
	اصول موضوع پئانو
peano space	
	فضای پئانو
peano's five axioms	
	پنج اصل پئانو، اصول موضوعه پئانو درباره اعداد طبیعی
peanut butter costing	
	هزینه یابی یکنواخت
pear shaped	
	گلابی شکل
pearson distribution	

	توزیع پیرسن
pecking order	
	به ترتیب اولویت
peculator, embezzler	
	مختلس (دزدی کننده) ، اختلاس کننده
peculiar	
	خالص، مستقل، خاص، ویژه، عجیب
peculiarity	
	به طور خاص، به خصوص، به طور مجزا، غیر معمول، به طور مستقل، انفراداً، خصوصیات، ویژگی، حالت ویژگی، غرابت، کیفیت عجیب غریب بودن
pecuniary benefit	
	خالص وجوه نقد یا معادل پول حال از یک معامله، پس از کم کردن هزینه‌های مربوطه
pecuniary difficulties	
	مشکلات پولی
pecuniary punishment	
	مجازات نقدی
pedal	
	پایی، جا پایی، رکاب، پادک، پادکی
pedal circle	
	دایره پایی، دایره محیطی مثلث پایی
pedal curve	
	منحنی پایی، خم پادکی
pedal line	

خط پائی	
pedal triangle	
مثلث پادکی	
peel	
پوشش، پوسته، پوستکن شدن	
peer	
جفت، قرین، همتا، برابر بودن با، برابر کردن، هم درجه کردن	
peer review	
بررسی همپیشگان	
Peg	
تثبیت نرخ ارز	
pegged rates	
نرخ ارز ثابت یا نسبت مبادله ارز پول دو کشور	
Pegging	
تثبیت	
pegging, market price fixing	
تثبیت قیمت بازار	
pelf, unlawful (illegal) property	
مال نامشروع	
pell's equation	
معادله پل	
pellet	
ساجمه، گلوله، قرص نازک، گندله، حبه	
pen poltter	

	رسام قلمی
Penal interest	
	بهره تأخیر تأدیه
penal provisions	
	مقررات جزائی
penal records	
	سوابق کیفری
penal responsibility	
	مسئولیت جزائی
penalty	
	کیفر، مجازات، جریمه
penalty agreed beforehand	
	غرامت مقطوع
penalty rate	
	نرخ جریمه
pencil	
	دسته
pencil of circles	
	دسته دایره
pencil of lines	
	دسته خطوط، اشعه خطوط
pencil of lines through a point	
	دسته خطوط گذرنده از یک نقطه، اشعه خطوط
pencil of parallel lines	

دسته خطوط موازی	
pencil of plane algebraic curves	
دسته منحنی های جبری مسطحه	
pencil of planes	
دسته صفحه، دسته صفحات	
pencil of spheres	
دسته کره	
pendant	
آویخته، نامعلوم، معلق، لنگه، قرین	
pendant to each other	
قرینه یکدیگر	
Pending	
معلق- تحت بررسی	
pending accounts	
حساب های معلق	
pending expenses, suspense cost, deferred expense, accrued expense	
هزینه معوق	
pending lawsuits	
دعاوی حقوق در شرف طرح، دعاوی حقوقی در جریان	
pending litigation	
دعاوی معوقه	
pendulum	
پاندول	

pendulum bob	وزنه آونگ
pendulum property of a cycloid	خاصیت آونگی چرخنما
penetration	عمق جوش، تأثیر، نفوذ
penetration pricing	قیمت گذاری زیرکانه
pennant difference	تفاوت همیشگی
pennant diminution in value	کاهش دائمی ارزش
pennant income	درآمد مستمر (ثابت)
pennant investment	سرمایه گذاری دائمی (ثابت ، طویل‌المدت)
pennant ownership right	حق تملک دائم
pennant tariff committee	کمیته دائمی تعرفه
pennutation, time-period principle	مفهوم دوره‌ای، مفهوم دوره محاسباتی
penny shares	اوراق بهادار کم بها

penny stocks	سهام کم ارزش سهام کم بنیه
Pension	مستمری- حقوق بازنشستگی
pension and saving department	اداره بازنشستگی و پس انداز
pension and saving fund	صندوق پس انداز و بازنشستگی
pension and savings	پس انداز و بازنشستگی
pension costs and retirement plans	هزینه‌های و طرح‌های بازنشستگی
pension fund	صندوق بازنشستگی
pension gains and losses	سود و زیانهای صندوق بازنشستگی
pension lapse	قطع مستمری
pension liability	بدهی بازنشستگی
pension payment	پرداخت مستمری
pension plan	طرح وجوه بازنشستگی

pension plan fund	صندوق طرح بازنشستگی
pensionable	به سن بازنشستگی رسیده
pensionary	حقوق بگیر بازنشسته
pent	پنج، پیشوندی به معنای پنج
penta	پنج، پیشوندی به معنای پنج
pentad	مدت پنج روزه، دسته پنج تایی، یک عنصر
pentadecagon	پانزده ضلعی
pentagon	پنج ضلعی
pentagonal	پنج ضلعی، پنج گوش، مخمسی
pentagonal number	عدد مخمسی
pentagram	ستاره پنج پر
pentagram of pythagoras	ستاره پنج پر فیثاغورث

pentahedral	پنج وجهی، پنج رویه
pentahedron	جسم پنج وجهی
pentangle	ستاره پنج پر حاصل از تقاطع اضلاع یک پنج ضلعی منتظم
pentangular	پنج ضلعی
penult	قبل از آخر، ماقبل آخر
penultimate	قبل از آخر، ماقبل آخر
people oriented	مردم محور
per	در هر، برای هر، از طریق، در جهت
per annum	سالانه
per annum (per, ann.), annual(ly), yearly	سالیانه، در سال
per capita	سرانه
Per capita debt	بدهی سرانه

per capita income	درآمد پولی سرانه
per capita income = income per head	درآمد سرانه
per capital tax, capitation tax	مالیات سرانه
per cent = percentage	درصد
per contra	برعکس، از طرف دیگر
per contra account balances	مانده‌های حساب با طرف مقابل پایاپای
per contra item	مانده موازنه با طرف دیگر حساب
perambulate	گردش کردن، دور زدن، پیمودن
perambulation	گردش، پیمایش
perannum	سالی، در سال، سالیانه
Percent	درصد
percent defective	درصد ضایعات

percent error	خطای درصد
percent of sales method	روش درصد فروش
percentage	(نسبت) درصد
percentage bonds	اوراق قرضه درصدی (بهره)
percentage change in (ebit)	درصد تغییر در سود قبل از کسر بهره و مالیات
percentage computation	درصد یابی
percentage distribution	توزیع درصدی، توزیع درصد
percentage error	خطای درصدی، درصد خطا
percentage expression	درصد نمائی
percentage interest	بهره درصد
percentage mark up on cost	درصدی افزایش به بهای تمام شده
percentage method	روش درصدی

percentage of completion	درصد تکمیل
percentage of completion method	روش تعیین درصد تکمیل کار
percentage of credit sales	درصد فروش‌های نسیه
percentage of debtors to turnover	درصد بدهکاران به حجم فروش
percentage of ending accounts receivable	درصد حسابهای دریافتنی پایان دوره
percentage of gross profit to sales	درصد سود نا ویژه به فروش
percentage of gross profit to turnover	درصد سود نا ویژه به حجم فروش
percentage of net sales	درصد فروش خالص
percentage of receivables	درصد وصولی‌ها
percentage of the time	درصد دفعات
percentage on prime cost	درصد «هزینه‌های اولیه»
percentage point	یک صدم

percentage profit	سود درصدی
percentage sales change	درصد تغییر فروش
percentage statutory depletion	درصد(قانونی) استهلاک/ تهی شدن منابع طبیعی
percentile	در صدک، صدک، صده، چندک، صدم، صد یک، درصدی، صدکی
percentile norm	نورم درصدی
percentile point	نقطه درصدی
percentile rank	رتبه درصدی
perception	ادراک، اندریافتن، ضربه، برداشت های ذهنی
percussion press	پرس تصادمی
perfect	کامل
perfect capital market	بازار کامل سرمایه
perfect code	

	کد تام
perfect competition	
	رقابت کامل
perfect competition equilibrium	
	قیمت تعادل رقابتی
perfect cube	
	مکعب کامل
perfect field	
	هیأت تام
perfect graph	
	گراف تام
perfect group	
	گروه تام، گروه کامل
perfect markets	
	بازارهای کامل / کارا
perfect markets school	
	مکتب بازارهای کامل
perfect n th power	
	توان n ام کامل
perfect negative correlation	
	همبستگی منفی کامل
perfect number	
	عدد کامل، عدد تام
perfect positive correlation	

	همبستگی مثبت کامل
perfect power	
	توان کامل، قوه کامل
perfect set	
	مجموعه کامل، مجموعه تام
perfect square	
	مجذور کامل، مربع کامل
perfection	
	کمال
perfection standard	
	استاندارد کامل (ایده آل)
perfectly	
	کاملاً، تماماً
perfectly competitive market	
	بازار رقابت کامل
perfectly divisible commodity	
	کالای کاملاً بخش پذیر / قابل تفکیک
perfectly positively correlated	
	همبستگی کاملاً مثبت
perforated check (cheque)	
	چک منگنه شده (باطل شده)
perforating	
	مشبک کاری
perforator	

سوراخکن، منگنه، منگنه زن، دستگاه منگنه
perform
عمل کردن، انجام دادن، نمایش دادن، اجرا کردن
perform customs formalities
انجام دادن تشریفات گمرکی
performance
عملکرد
performance accounting, constant money accounting
حسابداری بر حسب کارکرد
performance appraisal, performance evaluation
ارزیابی عملکرد
performance audit
حسابرسی عملکرد
performance bond
ضمانتنامه انجام تعهدات
performance bond (letter of) guarantee
سند تضمین اجرای کار
performance bond guarantee (P .B.G)
تضمین نامه حسن انجام کار
performance bond letter of guarantee
تضمین نامه اجرای کار
performance bond, performance guarantee, surety bond

performance budget	ضمانت‌نامه حسن انجام کار، تضمین عملکرد
performance budget expenditure	بودجه عملکرد (محصول)
performance budget funds	مخارج بودجه عملیاتی
performance budget period	اعتبارات بودجه عملیاتی
performance budgeting	دوره بودجه عملیاتی
performance data	بودجه بندی عملیاتی (دولتی)
performance evaluation	مجموعه اطلاعات اجرایی
performance gap	ارزیابی عملکرد
performance goals	شکاف عملکرد
performance guarantee	هدف‌های عملیاتی
performance guarantee insurance	ضمانت حسن انجام کار
performance indicators	بیمه ضمانت عمل ، بیمه ضمانت اجرایی

شاخص‌های عملکرد
performance measurement
معیار سنجش / اندازه‌گیری عملکرد
performance measures
سنجش عملکرد
Performance Noting
نرخ سنجی (سنجش عملکرد)
performance of audit work
اجرای عملیات حسابرسی (داخلی)
performance of work
اجرای عملیات
performance options
گزینه‌های اجرا / عملکرد
performance quarantee
ضمانت اجرا، مقیاس، سنجش عملیات، مقیاس سنج عملیات
performance rating
ضریب عملکرد، ارزیابی کار
performance ratio
نسبت اجرای عملیات
performance report
گزارش عملکرد
performance reports
گزارشات عملکرد
performance standard

performance test	استاندارد عملکرد
performance withhokiing	آزمون عملکرد
performance withholdings	سپرده حسن انجام کار، کسور وجه‌الضمان
pericenter	فرامرکز
pericycloid	نوعی هیپوسیکلوئید
perigee	حضيض
perigon	۲ رادیان، زاویه چهار قائمه، زاویه تمام یک دوران کامل، دوران ۳۶۰ درجه، ؟ صفحه
perihelion	حضيض خورشیدی
perimeter	طول محیط
perimeter of a polygon	محیط چندضلعی، مجموع طول اضلاع یک چندضلعی
perinelion	نقطه مرجع

period	تناوب، دوره، گردش، مدت یک نوسان، دوره تناوب
period budget	بودجه دوره ای
period cost	هزینه دوره مخارج جاری
period curve	خم دوره ای، خم تناوبی
period for acceptance of tenders, tender acceptance period	مدت قبول پیشنهادات شرکت در مناقصه
period for remedying defects	دوره رفع نواقص
period in arithmetic	تناوب در حساب
period in astronomy	زمان لازم برای یک مدار گردش
period interval	فاصله تناوب، بازه تناوب
period of a function	دوره تناوب یک تابع
period of a repeating decimal	دوره کسر دهدهی دوره ای
period of account	

هزینه‌های دوره‌ای، هزینه دوره محاسباتی	
period of an element	
مرتبه یک عنصر، پریود یک عنصر	
period of credit allowed	
دوره مجاز اعتبار (طلب)	
period of guarantee, warranty period	
دوره تضمین	
period of insurance	
مدت بیمه	
period of military service	
مدت خدمت سرباری	
period of oscillation	
دوره تناوب نوسان، مدت زمان لازم برای یک نوسان کامل	
period of payment, grace period	
مهلت پرداخت، دوره پرداخت	
period parallelogram	
متوازی الاضلاع دوره ها	
period to date	
مدت تا این تاریخ	
period, phase, cycle, time, age, course, term	
دوره	
periodic	
دوره ای	
periodic audit program	

برنامه حسابرسی متناوب	periodic audit, repeated audit
حسابرسی دوره‌ای (مکرر)	periodic behaviour
رفتار تناوبی	periodic compensation
حقوق و مزایای ادواری	periodic constant
ثابت متناوب	periodic continued fraction
کسر مسلسل دوره‌ای	periodic costs
مخارج ادواری / هزینه‌های دوره	periodic decimal
دوره گردش، عدد اعشاری	periodic decimal fraction
کسر دهمی دوره‌ای	periodic decimals
دوره گردش	periodic function
کسر متناوب، تابع دوره‌ای، تابع تناوبی، تابع متناوب	periodic function of a complex variable
تابع تناوبی با متغیر مختلط	periodic function of a real variable

تابع تناوبی با متغیر حقیقی
periodic inspection
بازدید دوره ای، بازرسی ادواری
periodic internal audit reports
گزارش‌های دوره‌ای حسابرسی داخلی
periodic inventory method
روش ادواری موجود کالا
periodic inventory system
سیستم ثبت ادواری موجودیها
periodic inventory taking
صورت برداری دوره‌ای از موجودی انبار
periodic inventory valuation
ارزیابی ادواری موجودی انبار
periodic motion
حرکت متناوب، حرکت دوره ای، حرکت تناوبی
periodic number
عدد متناوب
periodic payment accumulating to (A)
سرمایه (A) قسط السنین برای تشکیل
periodic payment
پرداخت متناوب
periodic payment plan
طرح خرید سهام دوره‌ای
periodic payment with present value of 1

پرداخت اقساط با ارزش فعلی یک	
Periodic preparation of reports	
	تهیه ادواری گزارشات
Periodic reports	
	گزارشهای ادواری
periodic review system	
	سیستم دوره سفارش
periodic simple average	
	معدل ساده دوره‌ای
periodic stock taking	
	موجودی گیری دوره‌ای
periodic weighted average	
	متوسط وزنی دوره‌ای
periodical	
	تناوبی، متناوب
periodical profits	
	سودهای متناوب
periodicity	
	فرض دوره مالی
periodicity assumption	
	فرض دوره مالی
periodicity of a function	
	دوره ای بودن تابع، تناوب تابع
periodicity periodicity assumption	

فرض دوره مالی
periodogram
دوره نگار، دوره نما
Periods of rapid inflation
دوره های تورم سریع
Periods of stable prices
دوره های قیمت‌های ثابت
period-to-period change method
روش تغییر دوره به دوره
period-to-period comparisons
مقایسه‌های دوره به دوره
periority rules
قوانین اولویت
peripheral
پیرامونی، محیطی، جنبی
peripheral device
دستگاه جانبی
peripheral equipment
تجهیزات برونی
peripheral or incidental transactions
رویدادها و عملیات جنبی یا تصادفی
peripheral speed
سرعت دستگاه جنبی
peripheric

	پیرامونی، محیطی، جنبی
periphery	
	محیط، پیرامون
periphery of a circle	
	محیط یک دایره، محیط پایداری، دوام
perishability	
	فساد پذیری
perishable	
	فاسد شدنی، ضایع شدنی
Perishable Goods	
	کالای فساد پذیر – فاسد شدنی
perishable goods (stock)	
	کالای فاسد شدنی
perks	
	مزایای جانبی
permanence	
	پایداری، دوام
permanence of forms	
	پایداری صور
permanence of functional relations	
	بقاء همبستگی های تابعی، بقاء تابعی
permanent	
	پایدار، دائمی، دائم، مداوم، پایا، ثابت
permanent account	

حساب دائمی	
Permanent accounting records	
مدارک دائمی حسابداری	
permanent accounts	
حسابهای دائمی	
permanent annuity	
مستمری دائمی	
permanent asset	
دارایی سرمایه‌ای، دارایی همیشگی (زمین)	
permanent audit file, permanent file of auditing	
پرونده دائمی حسابرسی	
permanent capital	
سرمایه دائمی	
permanent capital company	
شرکت با سرمایه دائم	
permanent decline	
کاهش دائمی و همیشگی	
permanent decline in value of investment	
کاهش دائمی در ارزش سرمایه گذاری	
permanent file	
پرونده دائمی	
permanent interest bearing share (PIBS)	
اوراق بهادار یا بهره ثابت	
permanent mold	

قالب دائمی، قالب فلزی، قالب مورد استفاده دائمی
permanent motion
حرکت مداومی
permanent saving
پس انداز ثابت (مستمر)
permanent storage
انبار کردن دائمی، انباشت دائمی، انباره دائمی، انبارش دائمی
permanently
به طور پایدار، به طور ثابت، دائما
Permanents accounts
حسابهای دائمی
permanent-total disability
از کار افتادگی کلی دائم
permeability
نفوذپذیری، نفوذپذیری مغناطیسی
permitted
مجاز
permissible
مجاز، بلامانع
permissible capital payment (PCP)
پرداخت (برداشت) مجاز از سرمایه
permissible value
مقدار مجاز
Permit

Permitted	اجازه
permittivity	مجاز
permutability	ترخص، ثابت دی الکتریک
permutable	تبدیل پذیری
permutable element	گردش پذیر
permutation	عنصر تبدیل پذیر
permutation group	جایگشت
permutation group matrix	گروه جایگشتی
permutation group representation	ماتریس گروه جایگشتی
permutation matrix	نمایش گروه جایگشتی
permutation representation	ماتریس جایگشت
permutation tensor	نمایش جایگشتی

تانسور جایگشت
permutation with repetition
منظومه با تکرار، جایگشت با تکرار
permute
گردش پذیرفتن، جابجا کردن، پس و پیش کردن، تغییر ترتیب دادن
peroration
تسهیم به نسبت کردن
perpendicular
قائم، عمودی، متعامد، خط عمود، عمود، عمود بر هم
perpendicular bisector
عمود منصف
perpendicular curves
خم های متعامد
perpendicular line
خط عمود، خط قائم
perpendicular lines
خط های متعامد
perpendicular plane
صفحه قائم، صفحه عمود
perpendicular planes
صفحه های متعامد
perpendicular spread
شکاف عمودی

perpendicular to	قائم، خط عمود بر ...
perpendicularity	تعامد، عمود بودن
perpendicularity condition	شرط تعامد
perpendicularly	به طور عمود، عمودا
Perpetual	واقعی - مستمر
perpetual annuity	قسط مادام العمر
perpetual arrant	برگ اختیار خرید دائمی سهام
perpetual audit	رسیدگی مداوم به موجودی کالا
perpetual bond	اوراق قرضه مادام العمر
perpetual calender	تقویم ابدی
perpetual debt	وام مادام العمر
perpetual entry	ثبت دائمی

perpetual insurance	بیمه مستمر، بیمه دائمی
perpetual inventory	ثبت دائمی موجودی کالا
perpetual inventory control	کنترل دائمی موجودی انبار
perpetual inventory master file	پرونده اصلی ثبت دائمی موجودی کالا
perpetual inventory method	روش دائمی موجودی گیری
perpetual inventory posting system, perpetual inventory system	سیستم ثبت دائمی موجودی ها
perpetual inventory system	سیستم ثبت دائمی موجودیها
perpetual inventory valuation system	روش ارزیابی دائمی موجودی
perpetual inventory, pennant inventory	موجودی گیری دائمی از انبار
perpetual method	روش دائمی موجودی گیری
perpetual motion	حرکت بی آسایش، جنبش پیوسته
perpetual, permanent	

همیشگی	perpetual, permanent, constant
دائمی	perpetuity
دوام	perquisites
مزایای جانبی	persistent
پایا، پا بر جا، دیر پا، پایدار، دیر پای، ماندگار	personal
سرفصل حساب‌های شخصی (در دفاتر کل)	personal (check -cheque)
چک شخصی (غیر بانکی)	personal account
حساب شخصی	personal account of partner
حساب‌های شخصی شرکا (در دفاتر کل)	personal agenda
امور پرسنلی	personal allowances
مقرری دائمی، مستمری عمرانه، عمری	personal and nominal accounts
حساب‌های شخصی و اسمی	Personal Assistant

معاون پرسنلی
personal chattel
دارایی منقول، اموال منقول
Personal Computer
کامپیوتر شخصی
personal consumption
مصرف شخصی
personal credit
اعتبار شخصی
personal debt (liability)
بدهی شخصی (شخص حقیقی)
personal department
دایره کارگزینی
personal effects
لوازم شخصی
personal estate
ماترک شخصی
personal financial planning
برنامه ریزی مالی شخصی
personal financial statement
صورت‌های مالی فردی/انفرادی
personal financial statements
صورت‌های مالی فردی / انفرادی
personal financing

personal income tax	تأمین مال شخصی
personal interest	مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی
personal investment	منافع شخصی
personal liability	سرمایه گذاری شخصی
personal loan	بدهی شخصی
Personal loan institutions	وام شخصی
personal observation of auditor	مؤسسات وام شخصی
personal ownership	مشاهدات شخصی حسابرس
personal pension schemes	مالکیت شخصی
personal probability	برنامه‌های بازنشستگی شخصی
personal property	احتمال شخصی
personal property tax	دارایی منقول، دارایی شخصی

مالیات بر اموال شخصی	personal property, personal asset
دارایی شخصی	personal related benefit
مزایای پرسنلی کارکنان	personal relief
معافیت مالیاتی شخصی	personal representative
مدیر ترکه، امین ترکه	personal representative (PR)
نماینده شخصی، امین ترکه، نمایندگی	personal responsibility
مسئولیت شخصی (فردی)	personal saving
پس انداز شخصی	Personal security
تضمین شخصی	personal staff
ستاد شخصی، کارمندان شخصی	personal tax exemption
بخشودگی مالیاتی اشخاص حقیقی	Personnel
پرسنل - - نیروی انسانی	personnel & administration function

امور (فعالیت) اداری و پرسنلی	
personnel and human resource system	
سیستم‌های کارگزینی و منابع انسانی	
personnel chart	
نمودار کارگزینی، نمودار کارمندان	
personnel information system	
سیستم اطلاعاتی کارکنان	
Personnel Manager	
مدیر کارگزینی	
personnel records	
سوابق کارکنان	
personnel review	
ارزیابی کارمندان	
personnel secondments	
مأموریت کارکنان	
personnel training	
آموزش کارکنان، آموزش کارمندان	
personnel training problem	
مسأله آموزش پرسنل	
personnel, staff, workers	
کارکنان	
personnel's salary and related benefits	
حقوق و مزایای کارکنان	
personnel's transfer expense	

persons authorized	هزینه انتقال کارکنان
persons authorized to endorse	اشخاص مجاز
perspective	اشخاص مجاز جهت ظهر نویسی
perspective image	منظر، پرسپکتیو
perspective mapping	تصویر منظری
perspective projection	نگاشت منظری
persuasive criterion	تصویر منظری
persuasiveness	معیار متقاعدکننده
persuasiveness of evidence	متقاعد کنندگی
perthousand	متقاعدکننده بودن شواهد
pertinent internal control procedure	در هزار
perturbation	روش کنترل داخلی مطلوب

	اختلال
perturbation function	
	تابع اختلال
perturbation method	
	روش آشفتگی
perturbation of cost vector	
	آشفتگی بردار هزینه
perturbation of linear operators	
	اختلال عملگر های خطی
perturbation of right hand side vector	
	آشفتگی بردار سمت راست
perturbation theory	
	نظریه اختلال
perturbed proportion	
	نسبت مساوات مضطرب، نسبت مساوات ناهموار
pervasive constraint	
	محدودیت فراگیر
pervasive network	
	شبکه فراگیر
pervasive principles	
	اصول فراگیر
pessimist auditor	
	حسابرس بدبین
pessimistic	

	بدبینانه، بدبینی
pessimistic estimate	
	برآورد بدبینانه، تخمین بدبینانه
pessimistic time	
	زمان بدبینانه
pesudo inverse	
	شبه معکوس
petitio principii	
	مصادره بر مطلوب
petition de principe	
	مصادره بر مطلوب
Petrobond	
	سند قرضه نفتی
Petrodollars	
	دلارهای نفتی
petroleum revenue tax (PR T)	
	مالیات بر سود حاصل از استخراج نفت
Petty Cash	
	نقدینگی برای پرداختهای جزئی – تنخواه گردان
petty cash book (PCB)	
	دفتر تنخواه گردان
petty cash fund	
	حساب مستقل تنخواه گردان
petty charges (expenses)	

	مخارج جزئی
petty landowner	
	خرده مالک
pffafian	
	فافی، پفافی
pffafian differential equation	
	معادله دیفرانسیل پفافی
phantom income	
	درآمد وصل نشده
phantom profit	
	سود موقت
phantom stock plan	
	طرح پاداش مدیران اجرایی
phase	
	پایه، دوره، فاز
phase angle	
	اختلاف فاز، زاویه فاز
phase difference	
	اختلاف فاز
phase I problem	
	مسأله فاز I
phase II problem	
	مسأله فاز II
phase of a complex number	

phase of cosinusoidal oscillation	آرگومان یک عدد مختلط
phase of simple harmonic motion	فاز نوسان کسینوس گون
phase out period	فاز حرکت همساز ساده
phase plane	دوره توقف تدریجی دوره گذر
phase plate	صفحه فاز
phase portrait	صفحه تغییر فاز
phase space	رخساره فاز
phase velocity	فضای فاز
phased project	سرعت فاز، سرعت موج
phase-out period	پروژه مرحله ای، پروژه مرحله بندی شده
phases of the audit process	دوره توقف تدریجی، دوره گذر
phasing	مراحل مختلف فرآیند حسابرسی

تقسیم دوره مالی یا سال بودجه به مدت‌های کوتاه‌تر به‌منظور کنترل بهتر	
phenomen	پدیده، رخ داد
phenomenon	پدیده، رخداد، نمود
Philadelphia Stock Exchange	بورس سهام فیلادلفیا
philadelphia stock exchange (pse)	بورس سهام فیلادلفیا
Philips curve	منحنی فیلیپس
philosophy of auditing	فلسفه حسابرسی
phonetic	صوتی
phosphorescence	شب تابی
photo plotter	رسام عکسی
photoelectric tape reader	نوار خوان فتوالکتریکی
photoelectricity	فتوالکتریسیته، الکتریسیته نوری

photoluminescence	پرتو افشانی بر اثر تحریک، نوری مرئی یا نامرئی
phrase structure grammar	دستور زبان ساختار جمله ای
phrasing	بدنی، جسمانی، فیزیکی
Physical	فیزیکی
physical ability	توانایی جسمی
physical asset = tangible asset	دارایی مشهود
Physical assets	دارایی های فیزیکی
physical capacity, practical capacity	ظرفیت عملی
physical capital maintenance concept	مفهوم حفظ سرمایه فیزیکی
physical characteristics	خصوصیات جسمی
physical checking	رسیدگی عملی
physical commodity	کالای واقعی

physical control	کنترل عینی (عملی)
physical count(ing)	شمارش عینی (موجودی‌ها)
physical deterioration	خسارت فیزیکی، فرسودگی
physical distribution	توزیع مادی (سود، سرمایه، بهره)
physical evidence	شواهد (مدارک) عینی
physical examination	بررسی عینی، آزمون مشاهده فیزیکی
physical exams	آزمایش‌های فیزیکی
Physical Factory	کارخانه پیدا
physical flow	گردش فیزیکی
physical flow of inventory	گردش فیزیکی موجودی‌ها
physical flow schedule	جدول گردش موجودی‌ها
physical inventory	موجودی فیزیکی، صورت برداری فیزیکی (عمل عینی)

physical inventory count	شمارش فیزیکی موجودی کالا، انبارگردانی
physical life	عمر خدمت
physical measure method	روش اندازه گیری فیزیکی
physical measurement allocation	تخصیص بر مبنای اندازه گیری فیزیکی
physical mechanics	مکانیک فیزیکی
physical motivation	انگیزه فیزیکی
physical observation, physical check	مشاهده عینی
physical representation of population	وجود عینی جامعه آماری
physical representative of population	معرف فیزیکی جامعه
physical stock	موجودی فیزیکی کالا (عملی عینی)
physical stock count, actual stock count	شمارش عملی (واقعی) موجودی کالا
physical stocktaking	موجودی گیری فیزیکی (عملی، عینی)

physical unit sampling	نمونه گیری واحد فیزیکی
physical units method	روش آحاد فیزیکی
Physical View	رویت فیزیکی
physics	علم طبیعت، فیزیک، علم فیزیک
physiological needs	نیاز های فیزیولوژیکی
pi	؟، پی، عدد پی
pic chart	نمودار کلوچه ای
picard's method	قضیه پیکار، روش پیکارد، روش تکراری برای حل معادلات دیفرانسیل
pice work	کار قطعه ای، کار مقاطعه ای، پاره کاری، کار مقاطعه، مقاطعه کاری
pick and place mechanism	مکانیسم بردار و بگذار
pick up reel	حلقه خالی
pickup and delivery	

	بارگیری و تحویل
pico	
	پیشوندی به معنی ۱۰۱۲
pictogram	
	نمودار تصویری، نمودار ترسیمی
pictorial	
	تصویری، مصور
pictorial device	
	وسیله تصویری، ابزار تصویری
pictorial representation	
	نمایش تصویری
pictorial surface	
	سطح تصویری
pictorial view	
	نمای تصویری، نمای پرسپکتیو
pictorially	
	به طور تصویری
picture	
	پیکر، به تصویر کشیدن، نمایش دادن، نشان دادن، تصویر
picturing relation	
	رابطه تصویری
pie chart	
	نمودار کلوچه ای، نمودار دایره ای
pie chart, piece rate, circular chart	

	نمودار دایره‌ای
piece work wages rate	
	نرخ کارمزدی دستمزد
piecemeal acquisition	
	تحصیل تدریجی تحصیل گام به گام
piecemeal opinion	
	اظهار نظر ناقص
piece-rate	
	نرخ دانه‌ای (عددی)، قطعه‌ای
piecewise	
	تکه ای، قطعه به قطعه
piecewise constant	
	قطعه قطعه ثابت، قطعه به قطعه ثابت
piecewise continuity	
	پیوستگی تکه ای
piecewise continuous	
	قطعه به قطعه پیوسته، پاره پاره پیوسته، قطعه قطعه پیوسته
piecewise continuous function	
	تابع قطعه قطعه پیوسته
piecewise differentiable	
	جزء جزء مشتق پذیر، قطعه به قطعه مشتق پذیر
piecewise linear	
	خطی جزء به جزء، خطی منفصل، قطعه به قطعه خطی، تابع خطی قطعه وار

piecewise linear and concave	تابع هدف خطی تیکه ای و مقعر
piecewise linear function	تابع قطعه قطعه خطی
piecewise linear manifold	خمینه تکه ای خطی
piecewise linear mapping	نگاشت تکه ای-خطی
piecewise monotone	قطعه قطعه یکنوا، قطعه به قطعه یکنواخت
piecewise smooth	قطعه به قطعه هموار، خم هموار قطعه وار
piecewise smooth curve	خم تکه ای هموار، خم هموار قطعه وار، منحنی قطعه قطعه هموار
piecewise smooth path	گذر هموار قطعه وار، مسیر قطعه به قطعه هموار
piecewise smooth surface	سطح قطعه قطعه هموار
piecewise surface	سطح قطعه قطعه
piecewise two sided surface	سطح دو طرفه هموار
piechart	

نمودار تکه ای، نمودار کلوجه ای
piecing
سوراخ کردن، شکافتن، نفوذ کردن، سوراخزنی
pig point wage, base wage
مزد پایه
pigeonhole
لانه کبوتری
pigeonhole principle
اصل حجره ها
pigment
ماده رنگی، رنگدانه، رنگریزه
pile
گروه اعداد
Pilot
راهنما – نمونه
pilot nut
مهره راهنما
pilot program
برنامه راهنمایی
pilot project
طرح نمونه، پروژه راهنما، طرح آزمایشی
pilot sample
نمونه مقدماتی
pilot sampling

	نمونه گیری اولیه (پیش قدم)
pilot study	مطالعه مقدماتی
pilot survey	بررسی مقدماتی
pilot testing	آزمون محدود/ مقدماتی
pin	خار، انگشتی، میله، ثابت کردن، پرچ کردن، رزوه نر، نرینه
pin location	موضعهی با پین
pinch off	لب به لب کردن
pinion stand	تکیه گاه چرخ دنده، قفسه چرخ دنده
pint	پاینت، واحد حجم معادل یک هشتم گالن
PIP (Point)	کوچکترین واحد شمارش نوسان قیمت
pipe	لوله، لوله ای، کانال، مجرا
Pipeline credit	اعتبار در دست مذاکره
pit	

	حفره، فرورفتگی، گودال، چاله، نوک
pitch	
	پا، گام، فاصله، پای، تقسیم، ارتفاع، گام پیچ
pitch circle	
	دایره گام
pitch diameter	
	قطر میانه، قطر گام، قطر متوسط، قطر دایره اصلی، قطر دایره گام، قطر متوسط پیچ
pitch of helix	
	پای مارپیچ
pitch of screw	
	گام پیچ، پای پیچ
pitch of the circular helix	
	پای مارپیچ استوانه ای
pitch of the helix	
	پای مارپیچ
pitting corrosion	
	خوردگی حفره ای
pivot	
	محور، لولا، پاشنه، مفصل، نقطه آویز، نقطه اتکا، چرخیدن، مدار، روی پاشنه چرخیدن، چرخاندن، محورگیری
pivot column	
	ستون لولا
pivot definition	

	تعریف محورگیری
pivot element	عنصر محوری، عنصر محورگیری، عنصر لولا
pivot entry	درایه پاشنه ای
pivot row	سطر محوری
pivotal	گرداندنی، لولایی، محوری، مداری، مدار، محور
pivotal coefficient	ضریب محوری
pivotal condensation	انقباض محوری
pivotal value	مقدار لولایی
pivotal variable	متغیر اساسی
pivoting	پاشنه گردی، محوریابی
pivoting set	محورگیری روش سیمپلکس
pixel	سلول تصویری
place	

قرار دادن، وضع، وضعیت، جا، محل، موضع	
place and date of issue	
محل و تاریخ صدور	
place holder	
جانگهدار، نمادی در یک گزاره	
place of delivery	
محل تحویل	
place of discharge / place of unloading	
محل تخلیه	
place of loading	
محل بارگیری	
place of receipt	
محل دریافت، محل رسید	
place value	
ارزش مکانی، جا ارز	
placed deal	
عرضه کل اوراق بهادار یا اوراق قرضه به وسیله یک بانک یا گروهی از بانکها	
placeholder	
جایبان	
placement	
عمده فروشی اوراق بهادار	
placement decision	
تصمیم جایابی، تصمیم گیری در خصوص محل انعکاس	

placing	فروش سهام یک شرکت به گروهی از افراد یا مؤسسات
placing at disposal	در دسترس گذاردن
placing power	قدرت فروش
plaid	پیچازی
plaid square	مربع پیچازی
plaid square design	طرح مربع پیچازی
plain	تصویر افقی، هموار، ساده، پهن، مسطح، نقشه، برنامه
plain center	مرغک ساده
plain indexing	تقسیم ساده
plain mandrel	سمبه ساده، ماندرل عادی
plain rod depth gage	عمق سنج میله دار ساده
plaintiff	شاکی

plan	برنامه ریزی کردن، طرح (برنامه)
plan and budget	برنامه و بودجه
plan and budget organization	سازمان برنامه و بودجه
plan and control	برنامه ریزی و کنترل
plan expansion reserve	اندوخته توسعه کارخانه
plan sponsor	مجری طرح متولی طرح حامی طرح
plan view	نمای مقطع
plan, project, design, layout	طرح
planar	مسطح، واقع بر یک صفحه، مستوی، مسطح
planar graph	گراف هامنی
planar point of a surface	نقطه مسطح یک سطح
plance	صفحه، هامن

plane	صفحه
plane angle	زاویه مسطحه فرجه، زاویه مسطحه
plane coordinates	مختصات صفحه، مختصات مسطح، مختصات مستوی
plane curve	خم مسطح، خم هامنی، منحنی مسطح
plane figure	شکل مسطح
plane figures	اشکال مسطحه، اشکال مستوی
plane geometry	هندسه مسطحه
plane motion	حرکت در صفحه
plane number	عدد مسطح
plane of rational numbers	صفحه عدد های گویا
plane of reflection	صفحه تقارن
plane of symmetry	صفحه تقارن

plane polygon	چندضلعی مسطح
plane quadrilateral	چهار ضلعی مسطح
plane region	ناحیه مسطح، ناحیه هامنی
plane surface	سطح مستوی، صفحه، مسطحه
plane trigonometry	مثلثات مسطحه، مثلثات هامنی، مثلثات خطی
plane wave	موج صفحه ای، موج تخت
planet	سیاره
planetary	سیارات، سیاره ای، سیاره وار، نجومی
planetary gear	دنده خارجی، چرخ دنده خورشیدی
planetary motion	حرکت نجومی، حرکت سیارات
planetary roll	غلتک اقماری
planetoid	جرم سماوی

planetology	سیاره شناسی
planimeter	پهنه سنج، سطح پیما، مساحت سنج، صفحه سنج، مساح، زمین پیما
planimetry	اندازه گیری سطوح، هندسه مسطحه
planish	صاف و محکم کردن
planishing roll	غلتک پرداختی
planned	طرح ریزی شده
planned budget	بودجه مطابق برنامه
planned cost	هزینه طبق برنامه (یا بودجه)
planned detection risk	ریسک برنامه ریزی شده عدم کشف
planned direct hours of work	ساعات کار مستقیم طبق برنامه
planned economy	اقتصاد برنامه‌ای
planned investment	

سرمايه گذارى برنامه‌اى (طبق برنامه)
planned liquidity
نقدینگی برنامه ریزی شده
planned maintenance
تعمیرات برنامه ریزی شده، تعمیرات منظم ادواری
planned outage
مدت برنامه ریزی شده عدم استفاده (از ماشین)
planned price
قیمت برنامه‌اى (بودجه‌اى)
planned production volume
حجم برنامه ریزی شده تولید
planned results
نتایج برنامه‌اى
planned shut down
تعطیلی برنامه ریزی شده (کارخانه، کار، ماشین)
planned unit purchase price
قیمت برنامه‌اى خرید هر واحد
planned unit sale price
قیمت برنامه‌اى فروش هر واحد
Planning
طرح ریزی - برنامه‌ریزی
planning and control
برنامه ریزی و کنترل
planning and supervision

برنامه ریزی و نظارت	planning audit
برنامه ریزی حسابرسی	planning audit work
برنامه ریزی عملیات حسابرسی	planning budgeting system
سیستم برنامه ریزی و بودجه بندی	planning calendar
جدول زمانی فعالیت‌های برنامه ریزی شده	planning department budget
بودجه اداره برنامه ریزی	planning horizon
افق برنامه ریزی	planning materiality
برنامه ریزی اهمیت در حسابرسی	planning memorandum
کار برگ برنامه ریزی	planning model
الگوی برنامه ریزی	planning principles
اصول برنامه ریزی	planning risk
احتمال خطر برنامه ریزی	planning, programming

برنامه ریزی، طرح ریزی
planning, programming, budgeting system (PPBS)
سیستم طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی
plant
تجهیزات، ماشین آلات
plant and equipment
اثاثه و تجهیزات
plant and machinery
ماشین آلات و تجهیزات
plant asset
اموال کارخانه
plant assets
داراییهای ثابت فیزیکی داراییهای ساکن
plant capacity
حداکثر ظرفیت تولیدی یک واحد تولیدی
plant cost budget
بودجه هزینه کارخانه
plant depreciation
استهلاک کارخانه
plant expansion and replacement funds
وجوه جایگزینی و توسعه داراییها
plant expansion budget
بودجه توسعه کارخانه

plant expansion fund	وجوه برای گسترش کارخانه
plant hard cost	ارزش سخت افزار کارخانه
plant layout	ساختار کارخانه
plant location	تعیین محل کارخانه
plant operation work	کار درونی کارخانه ، کار عملیاتی کارخانه
plant physical capacity	ظرفیت عملی کارخانه
plant protection cost	هزینه حفاظت از کارخانه
plant rearrangement	جابجایی ماشین آلات
plant utilization budget	بودجه استفاده از ماشین آلات و تجهیزات
plasma arc	قوس پلاسما
plastic deformation	تغییر شکل پلاستیکی، تغییر شکل خمیری، تغییر شکل دائمی، تغییر شکل
plastic foam	

متخلخل، کف پلاستیکی، اسفنج
plasticizer
نرمساز، نرمکن، نرم کننده
plasticizing
نرم کردن
plate
تنکه، رویه هموار، صفحه، ورقه، روکش کردن، متورق کردن، لوح، آبکاری، اندودن، صفحه
plate jig
الگوی کار صفحه ای، جیگ صفحه ای
plate mill
نورد صفحه، دستگاه نورد صفحه
plateau problem
مسأله پلاتو
Platform
بستر- زیر ساختار
platform hand truck
چرخ دستی
platform truck
تراک صفحه دار
platonic solids
اجسام افلاطونی
platy kurtie
منحنی پهن

plausible	محتمل، باور کردنی، پذیرفتنی
play	بازی کردن، بازی
play a role	ایفای نقش کردن
play board	تخته سیمبندی
play booty, collude	تبانی کردن
player	بازیکن
pledge	گروگذاری
pledge, surety, security, gage	وثیقه گذاشتن، گرو، وثیقه رهن
pledged asset	دارایی گرو گذارده شده
pledged share, pledged stock	سهم در گرو
pledging	گروگذاری رهن گذاشتن
pledging accounts receivable	گرو گذاشتن حسابهای دریافتنی

pledging of receivables	گرو گذاری مطالبات
plinth numbers	عدد های لبنی
plot	ترسیم، رسم کردن، نقشه کشیدن، ترسیمه، نمودار، کرت، نمودار، پیدا کردن نقطه، نقشه کشیدن، طرح ریزی کردن، نقشه، طرح، قطعه، نقطه، موقعیت
plotter	رسام، دستگاه رسم کننده، نمودار نگار
plotting	ترسیم
plotting a curve	رسم یک منحنی
plotting the data	ترسیم داده‌ها بر روی نمودار
plough back	سرمایه گذاری مجدد
plough back earnings	عواید نگهداری جهت سرمایه گذاری
plough back policy	سیاست انباشتن منافع
ploughing	شکافتن

plowback	سرمایه گذاری مجدد سود
plucker coordinates of a line	مختصات خطی برداری
plucker line coordinates	مختصات پلوکری خط
plug	دو شاخه برق، درپوش، توپی، میله کف بند، روزنه بند، توپک
plug gage	قطر داخلی، سنجیده توپی، شابلون توپی، شابلون سوراخ، کالیبر داخلی، سنجه توپی
plugging back reserve	اندوخته سرمایه گذاری مجدد
plumb	به طور عمودی، عمودی، شاقول
plung cut	سنگزنی فرورفتنی
plural	جمع
plural description	شرح جمعی، توصیف جمعی
pluriharmonic distribution	توزیع همساز چندگانه
plurisubharmonic function	

	تابع زیر همساز چندگانه
plus	
	جمع
plus infinity	
	بینهایت مثبت، بعلاوه بی نهایت، باضافه بینهایت
plus label arrow	
	پیکان با برچسب مثبت
plus sign	
	علامت بعلاوه، علامت جمع (+)
pneumatic	
	بادی، هوایی
pneumatic conveyer	
	نقاله بادی، نقاله کمپرسی، نقاله هوای فشرده
poincare birkoff fixed point theorem	
	قضیه نقطه ثابت پوانکاره-بیرکوف
poincare conjecture	
	حدس پوانکاره
poincare duality theorem	
	قضیه دوگانی پوانکاره
poincare group	
	گروه پوانکاره
point	
	نقطه
point (s) of subdivision	

	نقطه تقسیم
point and figure chart (pfc)	
	نمودار نقطه و شکل
point at infinity	
	نقطه بی نهایت
point by point plotting of a curve	
	رسم خط با نقطه یابی، رسم نقطه به نقطه یک منحنی
point by point plotting of a function	
	رسم نقطه به نقطه یک تابع
point dappui	
	پایه، نقطه اتکا
point estimate	
	برآورد نقطه‌ای
point estimation	
	برآورد کردن نقطه‌ای
point foreword	
	کاربرگ نکات حسابرسی
point form	
	نقطه نما
point function	
	تابع نقطه‌ای
point grading system	
	سیستم درجه بندی امتیازی
point of a set	

	نقطه مجموعه
point of application	
	نقطه اثر
point of contact	
	نقطه اتصال، نقطه تماس
point of contrary flexure	
	نقطه عطف
point of control	
	نقطه کنترل
point of departure	
	نقطه آغاز
point of discontinuity	
	نقطه ناپیوستگی، نقطه انفصال
point of discontinuity of a function	
	نقطه ناپیوستگی یک تابع، نقطه انفصال یک تابع
point of inflection	
	نقطه عطف، نقطه انعطاف
point of intersection	
	نقطه تلاقی، نقطه تقاطع
point of osculation	
	نقطه بوسش، تیزه دوگانه
Point of Sale	
	نقطه فروش
point of separation of product	

نقطه تفکیک سازی کالا	
point of subdivision	نقطه تقسیم
point of symmetry	نقطه تقارن
point of tangency	نقطه تماس
point of view	نقطه نظر دیدگاه
point out	خاطر نشان کردن، تذکر دادن، توجه کردن
point set topology	توپولوژی مجموعه های نقطه ای
point slope	نقطه – شیب
point slope equation	معادله نقطه -شیب
point slope form	نقطه نما، شیب نما
point space	فضای نقطه ای
point spectrum	طیف نقطه ای
point to point control	

کنترل نقطه به نقطه	
point transformation	
تبدیل نقطه ای	
point valued function	
تابع برداری	
pointer	
عقربه، نشانگر، اشاره گر	
pointer variable	
متغیر اشاره گر	
points forward, next audit notes	
کار برگ نکات حسابرسی	
points of subdivision	
نقطه های تقسیم	
pointwise	
نقطه ای، نقطه به نقطه	
pointwise bounded	
نقطه به نقطه کراندار	
pointwise bounded sequence	
دنباله نقطه به نقطه کراندار	
pointwise convergence	
همگرایی نقطه به نقطه	
pointwise convergence sequence	
دنباله همگرایی نقطه وار	
pointwise convergent	

همگرای نقطه به نقطه، همگرای نقطه ای
pointwise convergent sequence
دنباله همگرای نقطه ای همگرا، دنباله نقطه به نقطه، دنباله همگرای نقطه ای
pointwise limit
حد نقطه ای
poise
ثبات، توازن، آونگ، وزنه ساعت
poisson's integral formulas
روابط انتگرال پواسن
poisson
پواسن، پواسن
poisson asymptotic distribution
توزیع مجانبی پواسن
poisson distribution
توزیع پواسن، پخش پواسن، توزیع پویسان، توزیع پواسون
poisson equation
معادله پواسون
poisson flow
سیل پواسون
poisson form
به صورت پواسن
poisson formula
فرمول پواسون

poisson index of dispersion	شاخص پراکندگی پواسون
poisson integral	انتگرال پواسون
poisson integral formula	دستور انتگرال پواسون
poisson integral transform	تبدیل انتگرال پواسون
Poisson kernel	هسته پواسن
poisson law	قانون پواسون
poisson paper	کاغذ پواسون
poisson probability distribution	توزیع احتمال پواسون
Poisson process	فرآیند پواسن
poisson random process	فراروند تصادفی پواسون، فرآیند تصادفی پواسون
poisson ration	ثابت پواسون، ضریب پواسون، نسبت پواسون
poisson scheme	شمای پواسن

poisson summation formula	فرمول مجموعیابی پواسون، دستور جمع بندی پواسن
Poisson transform	تبدیل پواسن
poisson's equation	معادله پواسون
poisson's theorem	قضیه پواسون
poker	پوکر
poker hand	دسته ورق
polar	قطبی
polar angle	زاویه قطبی
polar axis	محور قطبی
polar coordinate	مختص قطبی
polar coordinate system	دستگاه مختصات قطبی
polar coordinates	مختصات قطبی

polar curve	منحنی قطبی
polar equation	معادله قطبی
polar form	شکل قطبی
polar form of a complex number	صورت قطبی عدد مختلط
polar form of complex number	صورت قطبی عدد مختلط
polar moment of inertia	گشتاور قطبی ماند، گشتاور لختی قطبی
polar of a point	قطبی نقطه
polar of a quadratic form	قطبی صورت درجه دوم
polar parametric	پارامتری قطبی
polar parametric equation	معادله پارامتری قطبی
polar plane	صفحه قطبی
polar transformation	تبدیل قطبی

polar triangle	مثلث قطبی
polar vectorial angle	زاویه قطبی
polarity	قطبیت
polarization	قطبی کردن، قطبی سازی، قطبش
polarization abelian variety	چندگونای آبلی قطبیده
polarization identity	اتحاد قطبی
polarization of light	قطبش نور
polarization on an Abelian variety	قطبی سازی چندگونای آبلی
polarized abelian variety	چندگونای آبلی قطبیده
polarized light	نور قطبیده
pole	قطب
pole and polar	قطب و قطبی

pole of a conic section	قطب مقطع مخروطی
pole of a function	قطب تابع
Policy	سیاست، تصمیمات در مورد رویه اقتصادی آینده یک شرکت یا بانک
policy depreciation	روش مستهلک کردن دارایی‌های ثابت
policy making body	نهاد سیاست‌گذار
polish notation	نمادگذاری لهستانی
political costs	مخارج سیاسی
political credit risk	ریسک اعتبارات دولت خارجی
political insurance	بیمه سیاسی
political risk	ریسک سیاسی
politicalimtion of standard setting	جریان سیاسی تدوین استانداردها
politicalization of standard setting	

جریان سیاسی تدوین استانداردها	
poll tax, head tax	
مالیات سرانه، مالیات سرشماری	
poly	چند ...
poly serial	پلی سریال
polya	پولیا
polyadic relation	نسبت چندتایی
polydisk	چندقرصی
polygon	چندضلعی، چندبر
polygon probability distribution	توزیع احتمال چندگوش
polygonal	چندجمله ای
polygonal arc	کمان چندضلعی
polygonal curve	خم چندبری
polygonal line	

	خط شکسته
polygonal number	
	عدد کثیر الاضلاعی
polygonal path	
	گذر چندضلعی
polygonally connected	
	چندضلعی وار همبند
polyharmonic function	
	تابع چند همساز
polyhartnonic function	
	تابع چند همساز
polyhedral	
	چندوجهی
polyhedral algorithm	
	الگوریتم چندوجهی
polyhedral angle	
	کنج، زاویه چندوجهی
polyhedral cone	
	مخروط چندوجهی
polyhedral set	
	مجموعه چندوجهی
polyhedron	
	چندوجهی
polymodal	

	چندنمایی
polynomial	
	چند جمله ای
polynomial approximation	
	تقریب چندجمله ای
polynomial characteristic	
	مشخص چندجمله ای
Polynomial congruence	
	هم نهشتی چند جمله ای
polynomial congruence equation	
	معادله همنهشتی چندجمله ای
polynomial derivative	
	مشتق چندجمله ای
polynomial distribution	
	توزیع چندجمله ای
polynomial equation	
	معادله چندجمله ای
polynomial expression	
	عبارت چندجمله ای
polynomial fit	
	برازش چندجمله ای
polynomial function	
	تابع چندجمله ای
polynomial ideal	

polynomial identity	ایده آل چندجمله ای
polynomial in n variables	اتحاد چندجمله ای
polynomial in two variables	چندجمله ای از n متغیر
polynomial inequality	چندجمله ای دو متغیره
polynomial regression	نامساوی چندجمله ای
polynomial ring	رگرسیون چندجمله ای
polynomial time polyhedral	حلقه چندجمله ای
polynomial trend	چندجمله ای-زمانی
polysyllogism	روند چندجمله ای
polytope	قیاس مرکب موصول النتائج
polytope approach	چند سقفی
pons asinorum	رهیافت چند سقفی

	پل حمار
Pontryagin duality theorem	قضیه دوگانی پونتریاگین
pontryagin numbers	اعداد پونتریاگین
pool	ادغام کردن
pool rate	نرخ مرکز هزینه
pooled	ادغام شده
pooled approach	روش اتحاد منافع روش یگانه روش متمرکز
pooled error mean square	میانگین ادغام شده توان دوم خطا
pooled estimate	برآورد ادغام شده
pooled estimate of variance	برآورد ادغام شده واریانس
pooled estimator	برآورد کننده ادغام شده
pooled investments	سرمایه گذاریهای متمرکز
Pooled loan	

وام ترکیبی	
pooled sum of squares	
	مجموع مربعات ادغام شده
pooled variance	
	واریانس وزنی
pooling	
	ادغام کردن
pooling of error	
	ادغام خطاها
pooling of interest method, pooled approach	
	روش اتحاد منافع، روش متمرکز
pooling of interests method	
	روش اتحاد منافع
pooling variance	
	واریانس وزنی
poor decision	
	تصمیم سست
poor management	
	مدیریت ضعیف
poorly paid clerk	
	کارمند کم حقوق
pop rivet	
	پرچ میخی
population	

جامعه (آماري)	
population correlation coefficient	ضريب همبستگي جامعه اي
population covariance	کواریانس جامعه اي
population critical size	اندازه بحراني جمعيت
population distribution	توزيع جامعه، توزيع جامعه اي
population drain	افت جمعيت
population explosion	انفجار جمعيت
population growth	رشد جامعه
population limiting size	اندازه حدي جمعيت
population logistic growth	رشد لژستیک جمعيت
population mean	میانگین جامعه، میانگین جامعه اي
population of analysis	جامعه تجزيه و تحليل
population of interest	

جامعه آماری مورد نظر	
population proportion	
	نسبت جامعه
population size	
	اندازه جمعیت
population standard deviation	
	انحراف معیار عمومی
population variance	
	واریانس جامعه ای، واریانس جامعه
porata liability clause	
	شرایط مسئولیت متناسب (در قرارداد)
porosity	
	پوکی، وجود حفره، خلل و فرج، تخلخل
porous	
	متخلخل
Port	
	بندر
port charge	
	عوارض بندری
Port Charges	
	هزینه‌های بندری
port of discharge	
	بندر تخلیه (کالا)
port of lading	

بندر بارگیری	
port risk insurance	
	بیمه خطر کالا در بندر
Portability	
	قابلیت حمل
Portable	
	قابل حمل
portable elevator	
	بالا بر چرخدار قابل حمل
portable pension	
	بازنشستگی قابل انتقال
portage, portering	
	حمل، مخارج باربری
Portal	
	پرتال
Portfolio	
	پرتفوی – مجموعه دارایی
portfolio balancing (diversification) .	
	متنوع ساختن سرمایه گذاری‌ها
Portfolio balance approach	
	روش موجودی پرتفوی
portfolio construction	
	تشکیل پرتفوی ایجاد مجموعه سرمایه گذاری
portfolio insurance (portfolio protection)	

بیمه کردن پرتفوی اوراق بهادار
portfolio management
مدیریت پرتفولیو
portfolio manager
مدیر پرتفوی
portfolio performance evaluation
ارزیابی عملکرد مجموعه سرمایه گذاری
portfolio return
بازده پرتفوی (مجموعه سرمایه گذاری)
portfolio revision
بازنگری در پرتفوی
portfolio theory
تئوری پرتفوی نظریه مجموعه سرمایه گذاری
portfolio turnover rate
ضریب گردش مجموعه سرمایه گذاری
portion
بخش، قسمت، جزء، بهره
portrait
رخساره
ports and warehouses office
اداره بنادر و انبارها
posit
فرض کردن، ثابت کردن، قرار دادن، فرض
Position

	معامله
position allowance, differential bonus	
	فوق العاده شغل
position classification	
	طبقه بندی مشاغل
position description	
	شرح شغل
position function	
	تابع مکان
position sensor	
	حساسه موقعیتی
position system	
	دستگاه عدد نویسی مکانی
position trader	
	معامله گر کوتاه مدت
position vector	
	بردار موضع
position, status, case, situation	
	وضع (وضعیت)
positional	
	وضعی، موضعی
positional notation	
	دستگاه عددنویسی مکانی
positional numeral	

	رقم نهشی
positioner	
	گیره تنظیم وضعیت، مستقر کننده، وضعیت دهنده
positioning	
	جایگذاری، موقعیابی، وضعیتدهی
positioning for size	
	محل بر حسب اندازه
positive semidefinite matrix	
	ماتریس نیمه معین نا منفی
positive	
	مثبت
positive accounting research	
	تحقیقات توصیفی / اثباتی حسابداری
positive accounting theory	
	تئوری اثباتی حسابداری
positive and finite condition	
	شرط مثبت و محدود بودن
positive angle	
	زاویه مثبت
positive approach	
	روش مثبت
positive balance, active balance	
	مانده مثبت، موازنه مثبت
positive carry	

positive cash flow	اھرم مالی مطلوب
positive confirmation	جریان های نقدی مثبت
positive contribution margin	تأییدیه مثبت (تأیید صریح)
positive correlation	حاشیه فروش مثبت
positive curvature	همبستگی مثبت
positive definite	خمیدگی مثبت
positive definite bilinear form	همیشه مثبت، معین مثبت
positive definite form	فرم دوخطی معین مثبت
positive definite linear operator	فرم معین مثبت، فرم همیشه مثبت
positive definite linear transformation	عملگر خطی معین مثبت
positive definite matrix	تبدیل خطی معین مثبت
positive definite quadratic form	ماتریس معین مثبت، ماتریس همیشه مثبت

فرم درجه دوم همیشه مثبت	
positive dependence	وابستگی مثبت
positive dependency of events	وابستگی مثبت حوادث
positive deviation form mean	انحراف مثبت از میانگین
positive definite linear operator	عملگر خطی معین مثبت
positive direction	سوی مثبت
positive divisor	مقسوم علیه مثبت
positive error	خطای مثبت
positive exponent	نماینده مثبت
positive feedback	واخوراند مثبت، انعکاس برگشتی مثبت، بازخورد مثبت، عکس العمل مثبت، پس خور مثبت
positive infinity	بعلاوه بی نهایت
positive integer	عدد صحیح مثبت

positive integer power function	تابع توانی با توان صحیح مثبت، تابع توانی با توان عدد صحیح مثبت
positive integers	اعداد صحیح مثبت
positive linear functional	تابع خطی مثبت
positive linear transformation	تبدیل خطی مثبت
positive number	عدد مثبت
positive operator	عملگر مثبت
positive orientation	جهت مثبت
positive part	جزء مثبت، قسمت مثبت
positive part of a function	جزء مثبت تابع، جزء مثبت یک تابع
positive quantity	کمیت مثبت
positive rational integers	اعداد صحیح گویای مثبت
positive real function	

positive recurrent	تابع حقیقی مثبت
positive recurrent point	بازگشتی مثبت
positive scalar multiple	نقطه بازگشتی مثبت
positive semi definite matrix	مضرب اسکالر مثبت
positive semidefinite	ماتریس نیمه معین مثبت
positive semidefinite linear operator	نیم معین مثبت
positive semidefinite matrix	عملگر خطی نیمه معین مثبت
positive sense	ماتریس نیمه معین نامنفی، ماتریس نیمه معین مثبت
positive sign	جهت مثبت
positive signal	علامت بعلاوه
positive skewness	علامت / پیغام مثبت
positive square root	کجی مثبت، اریبی مثبت، چاولگی مثبت، کشیدگی مثبت

positive stop	ریشه دوم مثبت، جذر مثبت
positive term	توقف سریع
positive theories	حد مثبت
positive variation	تئوری های اثباتی (توصیفی)
positive variation function	تغییر مثبت
positive verification	تابع تغییرات مثبت
positive x axis	وردش مثبت نگاشت
positive y axis	تاییده مثبت
positively	اثبات مثبت (صریح) دارایی
positively oriented path	قسمت مثبت محور X
	قسمت مثبت محور y
	به طور مثبت، مثبتا

مسیر با جهت مثبت، گذر جهت دار با جهت مثبت	
positively skewed	
	کجی مثبت
positiveness	
	کیفیت مثبت بودن، مثبت بودن
possess	
	باشد، دارا بودن، متصرف بودن، متصرف شدن، دارا شدن، داشتن
possession	
	مالکیت، دارائی، ثروت، تصرف
possessor	
	مالک، دارا، متصرف
possibilities	
	حالت ها
possibility	
	عام، حالت ممکن، احتمال، امکان، وضعیت
possibility of occurrence of event	
	امکان وقوع حادثه
possible	
	شدنی، میسر، مقدور، ممکن
possible construction problem	
	مساله ترسیم ممکن
possible error	
	خطای ممکن

possible event	پیشامد ممکن
possible exception	احتمالا به استثناء
possible outcome	نتیجه ممکن
possible outcomes	نتیاج ممکن
possible states of nature	حالات ممکن طبیعت
possible values	مقادیر ممکن
possibly	شاید
post	میله، ایستگاه، دیرک
post a cheque	چک و عده دار کشیدن
post audit	حسابرسی حین اجرای طرح، حسابرسی عملیاتی پروژه‌ها
post audit review	بررسی پس از انجام رسیدگی
post audit reviews	بررسی‌های پس از انجام حسابرسی

post balance sheet date events	وقایع پس از تاریخ ترازنامه
post balance sheet disclosures	افشای رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه
post balance sheet events	رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه
post -balance sheet events, subsequent events	وقایع بعد از تاریخ ترازنامه
post balance sheet period	دوره بعد از تاریخ ترازنامه
post balance-sheet review	بررسی وقایع پس از تاریخ ترازنامه توسط حسابرس
post censal	پس از سرشماری
post closing trial balance	تراز آزمایشی اختتامی (پس از تعدیلات حسابرسی) تراز آزمایشی بعد از بستن حسابها
post -closing trial balance	تراز آزمایشی بعد از بستن حسابها
post data predictive probability	احتمال پیش بینی بعد از مشاهده
Post Date Cheque	چک تاریخ دار
post dated	

دارای تاریخ دیر از واقعی
post dated checks
چک مدات دار
post dated cheque
چک و عده دار
post dated document
سند با تاریخ موخر
post dating
تاریخ گذاری موخر
post deduct costing
هزینه یابی تأخیری هزینه یابی معکوس هزینه یابی دیر هنگام
post eternity
ابد، جاوید، ازل
post implementation costs
مخارج بعد از اجرا (پیاده سازی)
post investment audit
حسابرسی بعد از سرمایه گذاری
post manufacturing costs
هزینه های بعد از تولید
post multiplication
پس ضرب، ضرب تأخیری
post office order, post order, mail order
حواله پستی
post optimality analysis

آنالیز پس بهینگی، آنالیز حساسیت	
post purchase costs	هزینه بعد از خرید
post service liability	بدهی خدمات قبلی
post statement events	وقایع بعد از تاریخ صورتحساب‌های (مالی)
postage	پول (هزینه) پست
postage (post) and telephone expense	هزینه پست و تلفن
postage function	تابع پستی
postal	پستی
postal cheque	چک پستی
postal code	کد پستی
postal items	اقلام پستی
Postal money order	حواله پستی
postal order (PO)	

	حواله پستی
postal parcel	
	بسته‌های پستی
postal receipt	
	رسید پستی
Postal savings bank	
	بانک پس انداز پستی
postaudit	
	حسابرسی پس از رویداد مالی
post-balance sheet period	
	دوره ترازنامه پس از تاریخ
post-balance-sheet events	
	رویداد پس از تاریخ ترازنامه
post-cessation receipts	
	دریافت‌های پس از متوقف ساختن دادوستد
Post-closing trial balance	
	تراز آزمایشی اختتامی
postdate	
	از تاریخ واقعی بیشتر تاریخ گذاشتن
post-date	
	به تاریخ آینده
post-dated check	
	چک عده دار (مدت دار)
postdated checks (cheque)	

چک‌های مدت دار	
postdictive probability	
احتمال پست دیکتیو	
postdictively	
به طور پست دیکتیو	
postency	
توانائی، قدرت	
posterior	
پسین، بعد از، عقبی، عقب تر، پسی، خلفی، دیر تر	
posterior distribution	
توزیع پسین	
posterior marginal distribution	
توزیع حاشیه ای پسین	
posterior probabilities	
احتمالات پسین	
posterior probability	
احتمال پسین، احتمال ثانویه	
posterior probability of parameters	
احتمال پسین پارامترها	
posting	
نقل از دفتر روزنامه به دفتر کل	
posting media (medium)	
دلیل ثبت دفتر، (دفتر ثبت اولیه)	
Posting reference column	

ستون عطف	
posting to accounts, entry in accounts	
ثبت حساب‌ها	
posting to T -account	
ثبت حساب به شکل T	
postmultiplied	
پس‌ضرب	
postoptimality analysis	
آنالیز پس بهینگی، تحلیل پس‌بهینگی	
postoptimality sensitivity analysis	
آنالیز پس بهینگی تحلیل حساسیت	
postorder	
پس ترتیب	
post-paid	
پول با پست پرداخت شده است	
Postpone	
به تأخیر انداختن	
postponement	
تعویق	
postulate	
امر بدیهی، قضیه حقیقی، اصل عمومی، قاعده کلی	
postulates of euclid	
اصول موضوع اقلیدس	
postulation	

اصل موضوع	
postulatum	
اصل موضوع	
potency	
قدرت، توانائی، توان	
potency of a set	
توان یک مجموعه	
potential	
بالقوه	
potential ability to pay	
توانایی بالقوه در پرداخت	
potential barrier	
سد پتانسیل	
potential benefits	
منافع بالقوه	
potential conflict of interest	
تضاد منافع بالقوه	
potential difference	
اختلاف پتانسیل	
potential dilution	
تقلیل بالقوه	
potential drop	
افت پتانسیل	
potential energy	

انرژی پتانسیل، انرژی ضمنی	
potential for fluid flow	
پتانسیل جریان سیال	
potential force	
نیروی بالقوه	
potential function	
تابع پتانسیل	
potential future benefits	
منافع بالقوه آتی	
potential interest	
بهره بالقوه، منافع بالقوه	
potential investor	
سرمایه گذار بالقوه	
potential investors	
سرمایه گذاران بالقوه	
potential liability	
بدهی بالقوه	
potential risk, inherent risk	
خطر بالقوه، خطر ذاتی	
potential substitution	
جانشینی بالقوه	
potential theory	
نظریه پتانسیل	
potentially	

	به صورت کارا
potentially dilutive securities	
	اوراق بهادار بالقوه تقلیل دهنده
potentially exempt transfer	
	انتقال دارایی مادام‌العمر به دیگری
poundage	
	وزن به پوند
power	
	توان، قوت، نما، قوه
power and root	
	قوت و طول
power curve	
	منحنی توان
power curve of a test	
	خم توان آزمون
power down feed	
	تغذیه به پایین، پیشروی خودکار به طرف پایین
power feed	
	جعبه دنده قدرت، بار دادن خودکار، پیشروی خودکار، جعبه دنده بار
power function	
	تابع توان
power method	
	روش توانی

power of a continuum	توان پیوستار
power of a point	قوت نقطه
power of a set	قوت یک مجموعه
power of a test	قدرت یک آزمون
power of attorney	وکالت نامه
Power of attorney Sukuk	وراق وکالت
power of sale	اختیار فروش ، قدرت فروش
Power of test	توان آزمون
power of the continuum	قوت متصله، توان پیوستار
power residue	مانده توانی
power saw	ماشین اره
power series	سلسله توانی، سری توانی، رشته توانی

power series expansion	بسط به صورت سری توانی، بسط به صورت رشته توانی
power series expansion of a function	بسط سری یک تابع به صورت سری توانی، بسط یک تابع به سری توانی
power set	مجموعه توانی، مجموعه زیرمجموعه های یک مجموعه
power sets	مجموعه های توانی
power to terminate	اختیار فسخ
powerful	نیرومند، توانا
powers and duties of auditing	اختیارات و وظایف حسابرسی
powers and duties of board of directors	اختیارات و وظایف هیئت مدیره
powers and duties of legal inspector	اختیار و وظایف بازرس قانونی
powers of complex number	توان های عدد مختلط
powers of x	توان های x
powers stated	

اختیارات اعطائی	
powers stated in articles of association	
اختیارات اعطائی اساسنامه	
powers stated in contract	
اختیارات داده شده در قرارداد	
powers stated in memorandum	
اختیارات اعطائی در شرکت نامه	
poyroll tax	
مالیات حقوق	
practicability	
عملی بودن	
practical	
عملی (قابل اجرا)	
practical activity level	
سطح فعالیت عملی	
practical capacity	
ظرفیت علمی	
practical capacity, work capacity, available capacity	
ظرفیت در دسترس	
practical insolvency	
ناتوانی عملی در پرداخت دیون، در ماندگی	
practical prevention rule	
قاعده عملی ممانعت از	

practical pricing	قیمت گذاری عملی (قابل اجرا)
practical project	پروژه عملی (قابل اجرا)
practical purpose	کاربرد عملی
practical standards	استانداردهای عملی / کاربردی
practicality	قابلیت کاربرد ، عملی بودن
practically certain events	حوادث عملاً یقین
practically impossible events	حوادث عملاً غیر ممکن
practice	حرفه (مشارکت حرفه‌ای)
practice bulletins	خبرنامه‌های کاربردی
practice inspection, practice review	بررسی کار حسابرس به‌منظور کنترل کیفیت
practice notices	اعلامیه اجرایی
practice office	مؤسس (دفتر) حسابرسی

practice set	مجموعه‌ای عملی یا کاربردی
practitioner	حرفه‌ای
pragmatic	تئوریهای عملگرا تئوریهای کاربردی
pragmatic theories	تئوری عملگرا، تئوری کاربردی
pre audit	حسابرسی قبلی، نظارت قبل از خرج
pre audit procedure	روش عمل حسابرسی قبل از (انجام، پرداخت)
pre control	پیش کنترل
pre data predictive probability	احتمال پیش بینی قبل از مشاهده
pre multiplication	پیش ضرب، ضرب تقدیمی
Pre Payment	پیش پرداخت
pre-acquisition	قبل از تحصیل
preacquisition dividends	سود سهام قبل از تحصیل

Pre-acquisition dividends	سود سهام قبل از تحصیل
preacquisition earnings	ذخیره های احتیاطی
Pre-acquisition earnings	سود قبل از تحصیل
pre-acquisition profits	سودهای پیش از خرید
Pre-Assemble	پیش مونتاژ
Pre-audit	پیش از حسابرسی
pre-audit, pre-auditing	حسابرسی قبل از عملیات
Pre-Authorized Check	چک از پیش تایید شده
precalculus	پیش حساب
precarious employment	کار زیان آور
precaution, conservatism, prudence	احتیاط در حسابداری، اصل احتیاط
Precautionary demand for money	تقاضای احتیاطی پول

precautionary motive	انگیزه احتیاطی
precautionary requirement	ذخیره‌های احتیاطی
precede	مقدم بودن، جلو بودن، قبل از، پیش از، قبل از ... قراردادن
precedence	مقدم بودن، تقدم داشتن، پیش نیاز، وابستگی، پی آیندی، تقدم، برتری
precedence diagramming	نمایش دیاگرامی تقدم-تأخر
precedence network	شبکه پیش نیازی
precedent	رویه قضایی
precedes	قبل از ... است
preceding	آلی، پیشین، قبلی، فوق، قبلی
preceding costs	هزینه های قبلی
preceding element	عضو قبلی اش
preceding term	

	جمله قبلی
preceding year accounts	
	حساب‌های سال پیش
preceding year basis (PYB)	
	مبنای سال قبل
preceding-year basis	
	مبنای سال قبل
precession	
	تسریع، تعجیل، انحراف مسیری، تقدم، سبقت، حرکت تقدیمی
precious metals	
	فلزات با ارزش / گرانبها / قیمتی
precise	
	دقیق، راست، درست
precisely	
	دقیقا، صریحا، جامعا
precision	
	دقت، صراحت، درستی
precision and reliability	
	دقت و قابلیت اعتماد
precision and reliability of auditor	
	دقت و قابلیت اعتماد حسابرس
precision factor	
	ضریب دقت
precision interval	

	فاصله دقت
precision of accountant work	
	درجه دقت کار حسابدار
precision of audit work	
	درجه دقت کار حسابرسی
precleaning	
	تمیزکاری ابتدایی، تمیزکاری مقدماتی
pre-closing balance sheet	
	ترازنامه ما قبل نهایی
pre-closing the accounts	
	بستن ما قبل نهایی حسابها
preclosing trial balance	
	تراز آزمایشی پیش از بستن دفاتر
pre-closing trial balance	
	تراز آزمایشی ماقبل نهایی
precondition	
	پیش شرط، قبلا شرط کردن، پیش نیاز
precompact	
	پیش فشرده
precompact set	
	مجموعه کلا کراندار، مجموعه پیش فشرده
precondition	
	پیشینه شرط
pre-contract costs	

مخارج قبل از انعقاد قرارداد	
predate = antedate	
تاریخ پیش از وقوع	
predatory pricing	
قیمت گذاری آمرانه	
predecessor	
ما قبل، مقدم، ریشه قبلی، گره قبلی، قبلی، اسبق، سابق	
predecessor auditor	
حسابرس قبلی	
predecessor set	
مجموعه مقدم	
predetermine	
تعیین کردن، مشخص کردن	
predetermined motion time standards	
زمان های از پیش تعیین شده برای حرکات	
predetermined overhead application rate	
نرخ از پیش تعیین شده جذب سربار	
predetermined overhead rate	
نرخ سربار از پیش تعیین شده	
predetermined rate	
نرخ از پیش تعیین شده	
predicate	
محمول	
predicate calculus	

حساب محمولات	
predicate calculus of first order	
حساب محمولات مرتبه اول	
predicate calculus of higher order	
حساب محمولات مراتب بالاتر	
predicate letters	
حروف حمل شده، الفاظ حکم شده	
predicate logic	
منطق محمولات	
predicate variable	
متغیر محمولی	
predication	
اعلام، حمل	
predicative	
حملی	
predicative probability	
احتمال پیش بینی	
predicative relation	
رابطه حملی	
predict	
پیش گوئی کردن، پیش بینی کردن، معین کردن	
predictability	
قابلیت پیش بینی	
predictable	

قابل پیش بینی	
prediction	
پیشگویی	
prediction equation	
معادله پیش بینی	
prediction measures	
معیارهای پیش بینی	
prediction theory	
نظریه پیشگویی	
predictive forecast	
پیشگویی	
predictive value	
ارزش پیش بینی	
predictor	
عامل پیش بینی	
predictor corrector	
پیشگو-اصلاح گر	
predictor corrector method	
روش پیشگو-مصحح	
predictor modifier corrector	
پیشگو-تعدیل کننده-تصحیح کننده	
preemptive priority	
اولویت از پیش تعیین شده	
preemptive priority queueing	

صف بندی با حق تقدم ویژه	
preemptive right	
حق تقدم در خرید حق تقدم خرید سهام	
prefabricated	
پیش ساخته	
preface	
پیش گفتار ، مقدمه	
prefect	
کامل	
prefered action	
عمل مرجح	
Preference	
رجحان	
preference (stock-share), gilt-edged shares	
سهام ممتاز	
preference analysis	
تجزیه ترجیح	
preference as to assets in the event of liquidation	
انحلال شرکت	
preference as to dividends	
اولویت در دریافت سود سهام	
preference in liquidation	
اولویت در باز یافت مبلغ اسمی سهام هنگام تصفیه	
preference right in liquidation	

	حق اولویت در تصفیه
preference share	
	سهام ممتاز
preference share capital	
	آن بخش از سرمایه که از سهام ممتاز تشکیل شده باشد
preference share dividend	
	سود سهمی ممتاز
preference shareholder equity	
	حقوق صاحبان سهام ممتاز
preference shares certificate	
	گواهینامه سهام ممتاز
preference shares dividend, preferred dividends	
	سود سهام ممتاز
Preferences	
	ترجیحات
preferential	
	برخوردار از حقوق ممتاز
preferential claim	
	طلب ممتاز (طلب مقدم)
preferential creditor	
	بستانکار با اولویت
preferential creditors	
	طلبکاران مقدم (ممتاز)
preferential debt, senior debt	

	بدهی مقدم (ممتاز)
preferential discount rate	
	نرخ ممتاز تنزیل (یا تخفیف)
preferential dividend, preferred dividend	
	سود سهام مقدم (ممتاز)
preferential duty	
	حقوق و عوارض گمرکی ترجیحی
preferential exchange rate	
	نرخ ترجیحی ارز
preferential rate	
	نرخ ترجیحی (امتیازی)
preferential tariff	
	تعرفه ممتاز (ترجیحی)
preferential timeseter	
	حق تقدم (یا اولویت) در پرداخت
preferential trade agreement	
	موافقت‌نامه تجاری ترجیحی دو جانبه تجاری
preferred (stock – shares)	
	سهام ممتاز
preferred capital stock	
	سهام ممتاز
preferred dividends coverage	
	نسبت پوشش سود سهام ممتاز
preferred habitat theory	

تئوری زیستگاه ممتاز	
preferred ordinary shares	سهام عادی مقدم
preferred portfolio	مجموعه سرمایه گذاری ارجح پور تفوی ارجح سبد سرمایه گذاری ارجح/ ممتاز
Preferred share	سهام ممتاز
preferred shareholders	صاحبان سهام ممتاز
preferred shareholders' interest	منافع صاحبان سهام ممتاز
preferred stock	سهام ممتاز
Preferred Stock Dividend	سود سهام ممتاز
preferred stock ratio	نسبت سهام ممتاز
prefix	پیشوند
prefix notation	علامت پیشوند (عملیات چهارگانه حساب)
prehilbertian	تقریباً هیلبرتی

preimage	پیشنکاره، پیشنقش، پیش تصویر
preimagine	از پیش تصور کردن، پیش انگاشتن
pre-incorporation expense	هزینه قبل از تشکیل (ثبت) شرکت
pre-incorporation income	درآمد قبل از تشکیل شرکت
pre-incorporation loss	زیان قبل از تشکیل شرکت
pre-incorporation profit	سود قبل از تشکیل شرکت
prejudice	پیشدآوری
prejudicial	زیان آور (لطمه زن)
preliminaries	مقدمات
preliminary	ابتدائی
preliminary announcement	پیش بینی سود
preliminary audit	حسابرسی اولیه

preliminary balance sheet	ترازنامه مقدماتی
preliminary budget	بودجه مقدماتی
preliminary budget forecast	پیش بینی مقدماتی بودجه
preliminary computer system examination	رسیدگی مقدماتی به سیستمهای کامپیوتری
preliminary control evaluation	ارزیابی مقدماتی سیستم کنترل داخلی
preliminary definition	تعریف مقدماتی
preliminary evaluation	ارزیابی اولیه
preliminary expense of project	هزینه‌های مقدماتی طرح
preliminary expense, prime cost, primary cost	هزینه اولیه (مقدماتی)
preliminary expenses (cost) of production	هزینه‌های مقدماتی تولید
preliminary judgment about materiality	قضاوت اولیه درباره سطح اهمیت
preliminary phase of review	مرحله مقدماتی بررسی

preliminary planning procedures	روش‌های برنامه ریزی اولیه / مقدماتی
preliminary prospectus	پیش آگهی پذیره نویسی
preliminary stage costs	مخارج مرحله مقدماتی
preliminary statement	صورتحساب مقدماتی
preliminary study	مطالعه مقدماتی
preliminary system examination	رسیدگی مقدماتی به سیستم
preliminary trial balance	تراز آزمایشی مقدماتی
preliminary views	دیدگاه‌ها / نقطه نظرات اولیه
preliminary work	کار مقدماتی
preliminary yield	محصول اولیه
preload double nut	مهره دابل پیش بار دار
preloading	پیش باری

premature distribution	پرداخت قبل از موقع
premise	فرض، مقدمه، مفروضات، فرض مقدم، صغری و کبری قیاس
premises	مقدمات، مفروضات
premiss	فرض مقدم، مقدمه
Premium	حق بیمه- اجرت- پرداخت
Premium bond	اوراق قرضه جایزه دار
premium loan	وام در مقابل جایزه (یا حق بیمه)
premium on capital stock	صرف سهام سرمایه
premium on common stock	صرف سهام عادی
premium on debenture account	حساب صرف اوراق قرضه
Premium on foreign exchange	جایزه معامله ارزی
premium on ordinary shares, premium on common stock	

premium on preferred shares	صرف سهام عادی
premium prize, reward, bonus	صرف سهام ممتاز
premium rate	جایزه، انعام
premium statement	نرخ صرف
premium value	صورت اضافه ارزش سهام
premium value of bonds	ارزش با صرف
premultiplied	ارزش اوراق قرضه با صرف
pre-operating costs	پیش ضرب
pre-operating loss	مخارج قبل از بهره برداری
pre-operation earnings	زیان قبل از بهره برداری
pre-operation profit	عواید قبل از بهره برداری
pre-operational expenditure	سود قبل از بهره برداری

preoperational expense	هزینه‌های قبل از بهره برداری
preoperational expense (cost)	هزینه قبل از بهره برداری
preorder	هزینه قبل از شروع عملیات
preordering	پیش ترتیب
preordering relation	شبه ترتیب
prepaid	رابطه شبه ترتیبی
prepaid asset = prepaid expense	پیش پرداخت
prepaid expense	پیش پرداخت هزینه
Prepaid expenses	پیش پرداخت هزینه
prepaid insurance	پیش پرداخت هزینه‌ها
prepaid interest	پیش پرداخت بیمه
prepaid items	بهره پیش داده (پیش پرداخت شده)

پیش پرداخت‌ها، اقلام پیش پرداخت	
prepaid rent	
پیش پرداخت اجاره	
prepaid tax	
مالیات پیش پرداخت شده	
prepaid taxes	
پیش پرداخت مالیات	
preparation	
آماده سازی، آمادگی، تدارک	
preparation time	
زمان آمادگی، زمان فراهم آوردن مقدمات تولید سفارش	
prepare	
تهیه کردن	
prepare a declaration	
تهیه و تنظیم کردن اظهارنامه	
preparing and issuing report	
تهیه و انتشار گزارش	
prepay	
از قبل پرداخت کردن، پیش پرداخت کردن	
prepay, pay in advance	
پیش پرداخت کردن	
prepayment	
پیش پرداخت	
prepayment (payment in advance)	

	پیش پرداخت
prepayment advance payment	
	پیش پرداخت
prepayment current year	
	پیش پرداخت سال جاری
prepayment of income tax	
	پیش پرداخت مالیات بر درآمد
prepayment of tax, prepaid taxes, taxes paid in advances	
	پیش پرداخت مالیات
prepayment prior years	
	پیش پرداخت سنواتی
prepayment-current year	
	پیش پرداخت سال جاری
prepayment-prior years	
	پیش پرداخت سنواتی
perpendicular	
	عمودی، قائم
preponderance	
	برتری
pre-preferential debt	
	دین فوق ممتاز، بدهی فوق ممتاز
pre-production expenses (charges)	
	مخارج قبل از تولدی

prerequisite	پیشنیاز
perihelion	حضیض
prerogative	امتیاز ویژه (حق ویژه)
prescribed	مقدر، مشخص شده
prescribed values	مقادیر مقرر
prescription (= time bar)	مرور زمان (= محدودیت زمانی)
prescriptive approach	روش تجویزی
Prescriptive right	حق تصرف
presence	حضور، وجود
present	موجود
present a cheque for payment	چکی را برای وصول ارائه کردن
present audit, current audit	حسابرس فعلی

present capital value	ارزش حال سرمایه
present fairly	مطلوبیت ارائه
present fiscal (financial year)	سال مالی فعلی
present of financial statement	ارائه صورت‌های مالی
present production capacity	ظرفیت جاری تولید
present value	ارزش روز
present value (discounted value)	ارزش فعلی
present value (pv)	ارزش فعلی
present value amortization	روش استهلاک ارزش فعلی
present value factor	فاکتور ارزش فعلی
present value index	شاخص ارزش فعلی
present value interest factor (PVIF)	عامل بهره ارزش فعلی

Present Value Interest Factor for a single amount discounted at k percent for n periods	ارزش فعلی عامل بهره برای یک مبلغ واحد که به نرخ "ک" درصد برای "ان" دوره تنزیل شده است
present value method	روش ارزش فعلی
present value of 1	ارزش فعلی یک که در پایان هر یک از دوره‌های بعد به دست آید
present value of a single amount	ارزش فعلی مبلغ واحد
present value of an ordinary annuity	ارزش فعلی اقساط مساوی قابل دریافت یا پرداخت در پایان دوره
present value of asset	ارزش روز دارایی
present value of deferred annuity	ارزش فعلی اقساط مساوی انتقالی به دوره‌های آتی
present value of expected cash flows	ارزش فعلی جریان‌های نقدی مورد انتظار
present value of investment, present value of a single amount	ارزش فعلی مبلغ واحد
present value table	جدول تبدیل به ارزش فعلی
present value table of 1 Rial	

جدول ارزش فعلی یک ریال	
present value table of an annuity of 1 Rial	
جدول ارزش فعلی اقساط عادی یک ریال	
present value table of an annuity of 1 rial at beginning of period	
جدول ارزش فعلی اقساط اول دوره یک ریال	
present worth = present value	
ارزش فعلی	
presentation	
ارائه، نحوه ارائه	
presentation and disclosure	
نحوه ارائه و افشا	
presentation copy	
نسخه تقدیمی	
presentation faithful	
ارائه درست	
presentation for acceptance	
ارائه برای قبولی (برات)	
presentation for payment	
ارائه برای پرداخت (برات)	
presentation of financial statements	
نحوه ارائه صورت حساب های مالی	
presentation of invoice	
ارائه صورت حساب	

presentation of the budget	نحوه ارائه بودجه
presentation report	گزارش تقدیمی
presentation statement	صورتحساب تقدیمی
presents fairly	به نحو مطلوب نشان می‌دهد
presents fairly concept	مفهوم به نحو مطلوب نشان می‌دهد
Present-Value of an n-years Annuity	ارزش فعلی یک سالواره در "ان" سال
pre-separation point cost	هزینه (قیمت تمام شده) قبل از نقطه تفکیک
pre-separation point wastage	ضایعات قبل از نقطه تفکیک
preservation	نمایش، پایداری، نگهداشتن، باقی ماندن، حفظ کردن
presetting	پیش نشانیدن، پیش تنظیمی
presheaf	پیشس بافته
president	مدیر عامل

presque partout	تقریباً همه جا
pressure	فشار
presumption income tax	مالیات بر درآمد از روی قرائن
presumption of fact	استنباط مبتنی بر امارات و شواهد
presumption of fraud	احتمال تقلب
presumption of law	استنباط قانونی
presuppose	فرض کردن، از پیش فرض کردن، پیش فرض
presupposed	آلی
presuppositions	فروض قبلی، پیشینه فرض ها
pretax accounting income	سود حسابداری قبل از کسر مالیات
pretax cash inflow	جریان ورود پول از قبل از مالیات
pre-tax income	سودد قبل از کسر مالیات

pretax rate of return	نرخ بازده پیش از کسر مالیات
pretax yield	بازده قبل از کسر مالیات
pretest	پیش آزمون
pre-trading expenditures	هزینه‌های قبل از آغاز کار
prevail	رواج داشتن، غالب شدن، حاکم بودن
prevailing accounting ratios, accounting fashionable ratios	نسبت‌های متداول حسابداری
prevention costs	هزینه‌های پیشگیری
prevention rule	قاعده ممانعت از
preventive actions	اقدامات پیشگیرانه
preventive controls	کنترل‌های پیشگیر
preventive costs	هزینه‌های پیشگیری
preventive group replacement	

تعویض پیشگیرانه گروهی	
preventive inspection	
بازرسی پیشگیری	
preventive maintenance	
برنامه نگهداری، نگهداری پیشگیرانه، تعمیرات پیشگیر، سرویس پیشگیرانه، تعمیرات پیشگیرانه، نگهداشت پیشگیرانه	
preventive maintenance (PM)	
سرویس، سرویس پیشگیرانه	
preventive repairs	
تعمیرات پیشگیرانه	
preventive replacement	
تعویض پیشگیرانه	
previous	
پیشین، قبلی	
previous audit	
حسابرس قبلی	
previous audit file	
پرنده حسابرسی قبلی	
previous audit program	
برنامه حسابرسی قبلی	
previous audit report	
گزارش حسابرسی قبلی (گزارش قبلی حسابرسی)	
previous auditor	
حسابرس قبلی	

previous department cost	بهای تمام شده دایره قبلی
previous year's accounts, last year accounts	حساب‌های سال قبل
previous year's audit	حسابرسی سال قبل
previous year's books	دفاتر سال قبل
previous year's expense	هزینه سال قبل
previous year's inventory	موجودی گیری سال قبل
previously recognized	قبلاً شناسایی شده
prevision	پیش بینی
Price	قیمت - بهاء
price (rate) variance	انحراف قیمت (نرخ)
price / earnings multiple approach	روش ضریب قیمت به سود
price adjustment	تعدیل قیمت

price contract	قرارداد به قیمت مطلوب
price determination	تعیین قیمت
price discrimination	تمایز قیمت
Price Dividend Ratio	نسبت قیمت به سود سهام پرداختی
price earning ratio (pe) ratio	نسبت قیمت بازار هر سهم به سود هر سهم
price earnings multiple approach	روش ضریب قیمت به سود
price earnings ratio	نسبت قیمت در آمد
price earnings ratio (PE ratio)	نسبت قیمت به سود
price elasticity of demand	کشش پذیری قیمت تقاضا
price equalization	تبادل قیمت (تساوی قیمت)
price equalization point	نقطه تبادل قیمت
price fixing	تثبیت قیمت

price fixing agreement	موافقت نامه تثبیت قیمت
price fixing, price stabilization	تثبیت قیمت، قیمت گذاری انحصاری همراه با تبانی محدود کردن عرضه
price floor	حد پایین قیمت قیمت کف
price fluctuation risk	ریسک ناشی از نوسان قیمت
price fluctuations	نوسان قیمت
price gap	شکاف قیمت
price gauging	سنجش قیمت، تخمین قیمت
price impact	اثر قیمت
price increase	ترقی قیمت
price index	شاخص قیمت
price index increase	افزایش شاخص قیمت
price index number of current cost accounting	

شاخص عددی قیمت برای حسابداری به ارزش جاری، شاخص محاسبه ارزش جاری
Price indexes
شاخصهای قیمت
Price level
سطح قیمت
price level adjustment
تعدیل سطح قیمت
price level fluctuations
نوسانات سطح قیمت
Price List
لیست قیمت
price making
قیمت بندی
price method of valuing
در ارزش گذاری (مواد) ساده
Price predicting
پیش بینی قیمت
price protection
مصونیت قیمتی
price quotation
مظنه قیمت
price range
دامنه قیمت ، محدوده قیمت

price relative	قیمت نسبی
price sale ratio	نسبت قیمت به فروش
price spread	شکاف قیمت
price standard	استاندارد قیمت
price tag	برچسب قیمت
price taker	قیمت پذیر
price talk	بحث قیمت
price undertaking	تعهد قیمت
Price value of asset	قیمت ارزش دارایی
price variance	انحراف (مغایرت) قیمت
price variance analysis	تجزیه و تحلیل انحراف قیمت
price volume variance	انحراف حجم قیمت

price weighted market index	شاخص مبتنی بر میانگین موزون قیمت اوراق بهادار
price, cost, finished cost, value worth	بها
price, value	قیمت، ارزش پولی، قیمت گذاری کردن
price-dividend ratio (PDR-PID ratio)	نسبت سود به قیمت
price-earning ratio	نسبت قیمت به درآمد سهم
price-level accounting	حسابداری بر مبنای تغییر در سطح قیمت
price-level adjusted cost	بهای تمام شده تعدیل شده بر مبنای سطح قیمت‌ها
price-level changes, changes in the price level	تغییر سطح قیمت‌ها
price-rate system of wages	سیستم نرخ مقداری (تولید) دستمزد
price-sensitive information	اطلاعات درباره تغییر قیمت سهام شرکت
price-weighted market index	شاخص مبتنی بر میانگین موزون قیمت اوراق بهادار
pricing	قیمت گذاری

pricing based on return on capital	قیمت گذاری بر مبنای بازده سرمایه
pricing on bargain	قیمت گذاری بر اساس چانه زدن
pricing strategy	استراتژی قیمت گذاری
pricing the inventory	ارزیابی موجودی، تقویم موجودی
prima	نخست، مقدم، پیش از همه، نخستین
prima facie	در نظر اول، در بادی امر، قابل قبول (در نظر اول)
prima facie evidence	قرائن ظاهری
primage	اضافه کرایه، پاداش ناخدای کشتی
primal	ابتدائی، اساسی، اولیه، آغازی، جدول سیمپلکس اولیه
primal dual	یکان-دوگان
primal dual algorithm	الگوریتم اولیه-دوگان، روش مزدوج-اولیه
primal dual method	روش اولیه-دوگان

primal dual method convergence	همگرایی روش اولیه-دوگان
primal dual set	روش سیمپلکس اولیه-دوگان
primal dual simplex algorithm	الگوریتم سیمپلکس اولیه-دوگان
primal dual tableau	جدول اولیه-دوگان
primal feasibility	شدنی اولیه
primal feasible	قابل قبول اولیه
primal model	مدل اصلی
primal problem	مسأله اولیه
primal simplex method	روش سیمپلکس اولیه
primary	اصلی، اولیه، عمده، مقدماتی
primary (best) evidence	بهترین شواهد
primary account	

حساب ثبت اولیه، حسابی که رویدادهای مالی خارجی نخست به آن منتقل می‌شوند.
primary agreement
قولنامه (قرارداد اولیه)
primary audit objective
هدف اصلی / اولیه حسابرسی
primary audit objective (VFM)
(اولیه) حسابرسی هدف اصلی
primary auditor
حسابرسی که واحد تجاری اصلی را حسابرسی می‌نماید. حسابرسی مسئول اظهار نظر صورت‌های تلفیقی
primary bank reserve
اندوخته اولیه بانک
primary beneficiary
ذینفع اول (نخست)
primary books
دفاتر اولیه (مقدماتی)
primary classification
طبقه بندی اولیه
primary component
مؤلفه ابتدایی
primary concept
مفهوم اولیه
primary cost material

	مواد به بهای اولیه
primary dealer	
	معامله گر اصلی
primary decomposition	
	تجزیه اولیه
primary departmentation	
	تقسیم وظایف ابتدایی
primary deposit	
	سپرده اولیه (اصلی)
primary documents	
	مدارک اولیه
primary elements	
	عوامل اولیه
primary financial statements	
	صورت‌های مالی اساسی
primary functions	
	وظایف اولیه
primary ideal	
	ایده آل ابتدایی، ایده آل اولیه
primary infinitesimal	
	بینهایت کوچک اصلی
primary integrals	
	جامعه های اولیه
primary issue	

	انتشار سهام اوليه
primary liability	
	بدهی اوليه، مديون اوليه
primary market	
	بازار اوليه
primary market transactions	
	مبادلات بازار اوليه
primary module	
	مدول اوليه
primary movement	
	تغيير شديد اوليه
primary notion	
	مفهوم اوليه
primary objective	
	هدف اوليه
primary obligation	
	تعهدات اوليه و اصلي
primary offering	
	عرضه اوليه اوراق بهادار
primary premisses	
	مقدمات اولی، اوليات
primary production	
	توليد اوليه
primary quality	

کیفیت اولیه ویژگی کیفی اولیه	
primary relatives	بستگان درجه اول
primary reserve fund	وجوه اندوخته اولیه
primary reserves	ذخایر (اندوخته‌های) اولیه
primary ring	حلقه ابتدایی
primary sampling unit	اولیه واحد نمونه گیری
primary submodule	زیرمدول ابتدایی
primary user groups	گروه های اولیه استفاده کننده
prime	اول، اولیه
prime bank bill	برات بانکی ممتاز
prime bill of exchange	برات اسنادی ممتاز
prime cost percentage	درصد بهای اولیه
prime cost principal	

هزینه‌های اولیه هزینه‌های اولیه، هزینه‌های تأسیس	
prime cost, original cost, direct expenses	
بهای اولیه، هزینه‌های اولیه (مستقیم)	
prime costs	
	هزینه‌های اولیه
prime direction	
	محور آغازین
prime divisor	
	مقسوم علیه اول
prime element	
	عنصر اول
prime element of a ring	
	عنصر اول حلقه
prime factor	
	عامل اول
prime field	
	هیأت اول
prime ideal	
	ایده آل اول
prime implicant	
	الزام آور اول، انتخاب اول، انتخاب اولیه
prime integer	
	عدد صحیح اول
prime interest rate	

prime model, primal model	نرخ بهره اولیه
prime number	مدل اصلی
prime number function	عدد صحیح اول
prime number theorem	تابع اعداد اول
prime polynomial	قضیه اعداد اول
prime power group	چندجمله ای اول
prime rate	گروه توان اول
prime rate of interest	نرخ بهترین (ممتاز)، نرخ اولیه
prime root	نرخ بهره ممتاز
primeness	ریشه اولیه
Primes number	کیفیت اول بودن، اولیت
primeter	اعداد اول

	محیط
primitive	ابتدائی، اولیه، عمومی
primitive element	عنصر اولیه
primitive function	تابع اولیه
primitive group	گروه ابتدایی
primitive idempotent element	عنصر خود توان اولیه
primitive mapping	نگاشت اولیه
primitive nth root of unity	ریشه n ام اولیه
primitive period	دوره اولیه
primitive polynomial	چندجمله ای اولیه
primitive polynomials	چندجمله ای های اولیه
primitive principle	اصل اولیه
primitive proposition	

گزاره ابتدایی	
primitive recursive function	
تابع بازگشتی اولیه	
primitive ring	
حلقه اولیه	
primitive root	
ریشه ابتدایی	
primitive roots of unity	
ریشه های اولیه یک	
primitive statement	
احکام اولیه، گفتار اولیه، عبارت اولیه	
primitive statements	
احکام اولیه	
primitive terms	
حدود اولیه	
prismatic surface	
سطح منشوری	
principal	
اصل	
principal agent relationship	
رابطه مالک و مدیر رابطه ارباب و رعیت رابطه نمایندگی	
principal amount	
مبلغ اصلی	
principal amount, principal sum	

Principal and interest	مبلغ اصلی
principal angle	اصل و بهره
principal argument	زاویه اصلی
principal auditor	آرگومان اصلی، شناسه عمده
principal automorphism	حسابرس اصلی
principal axes of quadric surface	خودریختی اصلی
principal axis	محور های اصلی رویه درجه دو
principal axis of a conic	محور اصلی
principal books	محور اصلی مقطع مخروطی
principal branch	دفاتر اصلی
principal branch of a function	شاخه اصلی
principal budget factor	شاخه اصلی تابع

عامل کلیدی (اصلی) بودجه	
principal component analysis	تحلیل مؤلفه های اصلی
principal component method	روش تجزیه به عامل اصلی
principal creditor	طلبکار اصلی (عمده)
principal curvation	انحناء اصلی
principal curvature	خمیدگی اصلی
principal debtor	بدهکار اصلی (عمده)
principal diagonal	قطر اصلی
principal diagonal of a matrix	قطر اصلی، قطر اصلی ماتریس
principal direction	امتداد اصلی
principal directions of a surface	امتداد های اصلی رویه
principal divisor	مقسوم علیه اصلی
principal fiber bundle	

	کلاف تاری اصلی
principal ideal	
	ایده آل عمده
principal ideal domain	
	حوزه ایده آل اصلی، حلقه اصلی
principal ideal ring	
	حلقه ایده آلی عمده
principal ideals	
	ایده آل های اصلی
principal infinitely small	
	بینهایت کوچک اصلی
principal logarithm	
	لگاریتم عمده
principal matrix	
	ماتریس اصلی
principal minor	
	کهاد اصلی، کھین اصلی
principal normal	
	قائم اصلی
principal office of the partnership	
	مرکز اصلی مشارکت
principal part	
	جزء اصلی
principal part of a triangle	

principal part of function	اجزاء اصلی مثلث
principal period	قسمت اصلی تابع
principal planes of a quadric surface	دوره تناوب اصلی، پریود اصلی
principal point	صفحات اصلی یک سطح درجه دوم
principal prime	نقطه اصلی
principal products	اول عمده
principal remainder	محصولات اصلی
principal root	باقیمانده اصلی
principal root of a number	ریشه اصلی
principal sections	ریشه اصلی یک عدد
principal square root	مقاطع اصلی
principal subspace	ریشه دوم اصلی، جذر اصلی

زیرفضای اصلی، ویژه فضای تعمیم یافته	
principal term	جمله اصلی
principal unit normal	قائم یکه اصلی
principal unknowns	مجهولات اصلی
principal value	مقدار اصلی
principal value of an integral	مقدار اصلی یک انتگرال
principal value of argument	مقدار اصلی آرگومان
principal value of integral	مقدار اصلی انتگرال
principal value of logarithm	مقدار اصلی لگاریتم
principal value of $\log z$	مقدار اصلی $\log z$
principal-agent relationship	رابطه مالک و مدیر، رابطه ارباب و رعیت، رابطه نمایندگی
principia	اصول
principle	

اصل، قاعده کلی	principle of choice
اصل انتخاب	principle of completeness
شرط کامل بودن	principle of conditionality
اصل مشروط بودن	principle of conservation
اصل محافظه کاری	principle of conservation of energy
اصل پایداری انرژی	principle of consistency for comparison
اصل ثبات رویه جهت	principle of consolidating statements
اصل تلفیق کردن صورت‌های مالی	principle of counting
اصل شمارش	principle of deformation
اصل تغییر شکل	principle of detailed balance
اصل تعادل جزء به جزء	principle of diminishing returns
اصل بازده نزولی	principle of duality

اصل دوگانگی، اصل دوگانگی
principle of duality in a spherical triangle
اصل دوگانگی در مثلث کروی
principle of economy
شرط اختصار
principle of equivalence
اصل هم ارزی
principle of extension
اصل توسیع، اصل گسترش
principle of first difference
اصل اولین اختلاف
principle of generalization
اصل تعمیم
principle of inclusion and exclusion
اصل رد و قبول، اصل شمول و عدم شمول
principle of induction
اصل استقراء، اصل استقرا
principle of insufficient reason
اصل دلیل غیر کافی، اصل عدم کفایت دلیل
principle of least action
اصل کمترین عمل
principle of likelihood
اصل درست نمایی
principle of mathematical induction

اصل استقراء ریاضی	
principle of nested intervals	
اصل بازه های تو در تو	
principle of non contradiction	
شرط عدم تناقض	
principle of optimality	
اصل بهینه بودن، اصل بهینگی	
principle of smallest integer	
اصل کوچکترین عدد صحیح	
principle of specification	
اصل تشخیص، اصل تجرید	
principle of sufficiency	
اصل کفایت	
principle of superposition	
اصل برهمه‌نی	
principle of the first difference	
اصل اولین اختلاف	
principle of the maximum	
اصل ماکسیمم	
principle of the minimum	
اصل مینیمم	
Principle of usefulness	
اصل سودمندی	
principles	

اصول	
principles of accounting	
اصول حسابداری	
principles of auditing	
اصول حسابرسی	
principles of consolidating financial statements	
اصول تلفیق کردن	
principles of consolidation	
اصول تلفیق	
principles of cost accounting	
اصول حسابداری قیمت تمام شده	
principles of double entry accounting	
اصول حسابداری دو طرفه	
principles of managerial finance	
اصول مدیریت مالی	
print out	
خروجی	
print	
نوشتن	
printed circuit	
مدار چاپی	
prior	
قبل، پیشین، اولیه، پیش، از پیش	
prior deduction	

	استنتاج یا قیاس قبلی
prior distribution	
	توزیع پیشین
prior information	
	اطلاعات قبلی
prior period adjustment	
	اصلاح سنوات قبل، تعدیلات دوره قبل
prior period's accounts	
	حساب‌های دوره قبل
Prior periods	
	دوره های قبل
prior probabilities	
	احتمالات پیشین
prior probability	
	احتمال پیشین، احتمال اولیه، تخمین ابتدایی
prior probability distribution	
	احتمالات برآوردی
prior probability of parameters	
	احتمال پیشین پارامترها
prior probability of sample	
	احتمال پیشین نمونه

In the name of God

۳۴۰۰۰ واژه انگلیسی به فارسی (حسابداری جلد شش)

(English-Persian)

Collector: Rohollah Yousefi Ramandi

Email: rohollah.13631984@gmail.com

TEL: +98-09100429554-09383171534

This text is dedicated to the one I love: Hamid Yousefi
Ramandi

prior service cost	هزینه خدمت سنوات قبل
prior shares	سهام مقدم
prior to	مقدم بر، پیش از، قبل از
prior year	سال قبل
prior year profit	سود سال های قبل
prior year's adjustments	تعدیلات سال قبل
prior years loss(es)	زیان سنواتی
prior, financial period adjustments	اصطلاحات دوره مالی قبل
prior-charge capital	مبنای اولیه بودجه، سرمایه ممتاز، سرمایه دارای اولویت
priority	حق تقدم، تقدم، اولویت، پیشی

priority incremental budget	بودجه تفاضلی اولویت ها
priority percentages	(فهرست) نسبت‌های تقدم
priority queue	صف اولویت
prism	منشور
prismatoid	منشور گون
prismoid	منشور گون، منشور وار
prismoid formula	دستور منشورگان
private	خصوصی، شخصی
private accountant	حسابدار خصوصی
private accounting	حسابداری خصوصی
private bank	بانک خصوصی
private bodies	نهادهای خصوصی

private company, private corporation	شرکت خصوصی، شرکت سهامی خاص
private contract, private agreement	قرارداد خصوصی
private contracting	انعقاد قراردادهای خاص
private costs	هزینه‌های خصوصی
private debt	بدهی خصوصی (شخصی)
private deed	سند خصوصی
private financing	تأمین مالی خصوصی
private health insurance	بیمه درمان خصوصی
private joint stock company	شرکت سهامی خاص
private ledger (PL)	دفتر خصوصی
private ledgers	دفاتر خصوصی
private limited company	شرکت سهامی خاص

private offering	عرضه خصوصی
private ownership, private property	مالکیت خصوصی
private papers	اسناد خصوصی
private placement	عرضه خصوصی سهام
private property	اموال خصوصی
private sector	بخش خصوصی
private securities litigation reform act	قابل اصلاحیه پیگرد قانونی اوراق بهادار بخش خصوصی
private treaty	معامله خصوصی
private treaty pro-forma invoice	معامله اشخاص وابسته، معامله داخلی، معامله خصوصی
private warehouse	انبار اختصاصی
privately owned corporations	شرکتهای سهامی خاص
privatization	خصوصی سازی

privilege	امتیاز
privileged communication	رابطه خاص بین وکیل و موکل، پزشک و بیمار، حسابرس و صاحبکار
privileged information	اطلاعات ممتاز
privileges, benefits, advantages, rewards	مزایا
privity	رابطه حقوقی
privity of contract	مسئولیت طرفین قرارداد
Pro forma	پیش سیاهه
pro forma amounts	مبالغ پیش بین شده
pro forma data	اطلاعات (داده‌های) فرضی / پیش بینی شده
pro forma effects of retroactive application	آثار فرضی بکارگیری مبتنی بر تسری به دوره های قبل
pro forma invoice	صورتحساب موقت پیش فاکتور
pro forma statements	

صورت‌های مالی پیش بینی شده (فرضی)	pro formats
صورت‌های مالی فرضی (یا پیش بینی شده)	pro rata
متناسب (در مورد سرشکن کردن هزینه‌ها، به کار می‌برند)	pro rata allocation
تخصیص متناسب	pro rata distribution
توزیع متناسب (هزینه، درآمد، وجوه)	pro rata liability clause
ماده مسئولیت متناسب (در قرارداد)	proactive
پیشگیرانه، قبل از وقوع، پیش هنگام	problem delineation
تشریح و بیان موضوع (مسئله)	probabilistic
احتمالی، محتمل	probabilistic forecasting
پیش بینی مبتنی بر احتمالات	probabilistic method
روش احتمالاتی	probabilistic model
مدل احتمالی	probabilistic sample selection

انتخاب نمونه بر اساس احتمالات آماری	
probabilistic time	زمان احتمالی
probabilistically	به طور احتمالی
Probabilities	احتمالات
probability	احتمال، ضریب احتمال
probability axis	محور احتمال
probability calculus	حساب احتمالات
probability concept	مفهوم احتمال
probability critical method	روش احتمال بحرانی
probability cruve	منحنی احتمال
probability density	چگالی احتمالی
probability density dimension	بعد چگالی احتمال
Probability density distribution	

تابع چگالی احتمال	
probability density function	
تابع چگالی احتمال، تابع توزیع احتمال	
probability distribution	
توزیع احتمالات	
probability distribution law	
قانون توزیع احتمال	
probability element	
عنصر احتمال	
probability frequency function	
یک تابع ریاضی که نشان دهنده احتمال رخداد رویدادهای تصادفی در یک سیستم مبتنی بر رویدادهای تصادفی است	
probability function	
تابع احتمال، تابع احتمالی	
probability generating function	
تابع مولد احتمال	
probability histogram	
بافتنمای احتمال	
probability integral	
انتگرال احتمالی	
probability interval	
فاصله احتمالی	
probability limits function	
تابع حدود احتمالی	

probability limits of estimate	حدود احتمالی برآورد
probability mass	جرم احتمال
probability measure	اندازه احتمال
probability of bankruptcy	احتمال ورشکستگی
probability of causes	احتمال علت ها
probability of deviation	احتمال انحراف
probability of event	احتمال حادثه
probability of happening	احتمال وقوع
probability of hypotheses	احتمال فرضیه ها
probability of loss	احتمال ضرر و زیان
probability of loss, likelihood of loss (income)	احتمال ضرر (درآمد)
probability of obtaining loan	احتمال اخذ وام

probability of proportional to size	احتمال متناسب با بزرگی
probability of success	احتمال موفقیت
probability paper	کاغذ احتمال
probability postdictive interpretation	تفسیر پس بینی احتمال
probability proportion to size sample selection (pps)	انتخاب نمونه به روش احتمال متناسب با اندازه
probability proportionate to size (PPS) sampling	نمونه گیری رویدادهای احتمالی متناسب با «اندازه یا بزرگی» نمونه
probability ratio test	آزمون نسبت احتمال
probability sample	نمونه احتمالی
probability sampling	نمونه گیری احتمال
probability scale	مقیاس احتمال
probability space	فضای احتمال

probability theory	نظریه احتمال، نظریه احتمالات
probability triangle	مثل احتمال
probability vector	بردار احتمال
probability-proportion-to-size sample selection (PPS)	انتخاب نمونه به روش احتمال متناسب با اندازه
probable	محتمل
probable error	اشتباه محتمل، خطای محتمل
probable event	یک رویداد آتی که رخداد آن محتمل است
probable life	عمر احتمالی
probable life of asset	عمر احتمالی دارایی
probable life of machinery	عمر احتمالی ماشین آلات
probable limits	حدود محتمل
probable value	

ارزش احتمالی	
probablity space	
فضای احتمال	
probate value	
ارزش همه اموال متوفی، هنگام فوت	
Probation	
آزمایش حسن رفتار	
probe	
کاوش، جستجو کردن، جستجو، کاوشگر، تجسس، کاوش کردن، بازرسی، میله، میل، اکتشاف، گمانه زنی، گمانه، میل بازرسی، گودی سنج، میل	
probit	
جستجو، آزمایش	
probity audit	
حسابرسی صحت	
problem	
مسأله	
problem delineation	
تشریح و بیان موضوع (مسأله)	
problem error cause, problems, errors, mistakes	
اشتباهات	
problem of satisfiability	
مسأله صدق	
problem set	

	مجموعه مسائل
problem statement	
	صورت مسأله
problematic judgement	
	حکم احتمالی
probleme des recontres	
	مسأله برخورد
procedural (executional) activities	
	فعالیت‌های اجرایی
procedural audit (or review)	
	بررسی کنترل‌های داخلی و سایر روش‌های مورد استفاده سازمان به‌وسیله یک حسابرس خارجی
procedural to obtain an understanding	
	روش‌های کسب شناخت
procedural to obtain an understanding of internal control	
	روش‌های کسب شناخت از کنترل‌های داخلی
Procedure	
	دستور کار
procedure library	
	بایگانی دستورالعمل‌های اجرایی
procedure on checking accounts	
	طرز عمل رسیدگی به حساب‌ها
procedure on stocktaking	

دستورالعمل صورت برداری از انبار
procedures to obtain an understanding
روش‌های کسب شناخت
procedures to obtain an understanding of internal control
روش‌های شناخت از کنترل‌های داخلی
proceed
انجام شدن، عمل کردن، اقدام کردن، حاصل شدن، پیش رفتن، رفتار کردن
proceed down
به طرف پائین پیش بروید
proceed up
به بالا پیش رفتن
proceeding
با توجه به، پس از، جریان، عمل، اقدام
proceeding as
عمل کردن به صورت
proceeding form
طبق، با استفاده از
proceeds
درآمد، محصول، عواید
proceeds amount, proceeds
مبلغ حاصل از فروش
proceeds from... ..

... عایدات حاصل از...
proceeds of sale, sales revenue
عواید فروش، وجوه حاصل از فروش
Process
فرآیند
process audit
فرآیند حسابرسی
process average
متوسط فرآیند
process benchmarking
الگو گزینی فرآیند، مقایسه فرآیند با الگوی برگزیده
process capability
قابلیت فرآیند
process chart
نمودار جریان
process control
کنترل فرآیند، کنترل پروسه، بررسی فرآیند
Process Control Systems
سیستم‌های کنترل فرآیند
process cost account
حساب هزینه مرحله عمل
process cost accounting
حسابداری هزینه یابی مراحل عمل
process cost accounting method

روش حسابداری قیمت تمام شده مرحله‌ای	
process cost systems	
سیستمهای هزینه یابی مرحله ای	
process costing	
هزینه یابی مرحله ای	
process costing principles	
اصول هزینه یابی مرحله ای	
process costing system	
سیستم هزینه یابی مرحله ای	
process improvement	
بهبود فرایند	
process innovation	
نوسازی فرایند	
process layout	
آرایش فرآیند، استقرار عملکردی، استقرار وابسته به نوع عملیات، طرح بر اساس پروسه تولید	
process map	
تصویر فرایند ، نقشه فرایند	
process material	
مواد در جریان ساخت	
Process of earning revenue	
فرآیند کسب درآمد	
process of financial reporting	
فرایند گزارشگری مالی	

Process of generating revenue	فرآیند ایجاد درآمد
Process Or Continuous Manufacturing	سیستم‌های فرآیندی یا پیوسته
Process Owner	صاحب پروسه
process payment, stage payment	پرداخت مرحله‌ای
process productivity	بهره‌وری فرآیند
process productivity analysis	تجزیه تحلیل بهره‌وری فرآیند
process quality audit	ممیزی کیفیت فرآیند
process quality yield	بازده کیفیت فرآیند
process specification	مشخصات فرآیند
process symbol	نماد فرآیند
process technology	تکنولوژی مرحله‌ای، تکنولوژی تبدیلی
process under control	فرآیند تحت کنترل

process value analysis	تجزیه و تحلیل ارزش فرایند
process variables	متغیر های فرآیند
processes, stages	مراحل
processing controls	کنترل‌های پردازشی
processing departments	دوایر ساخت
processing flow-chart	نمودار جریان پردازش اطلاعات در برنامه
processing information	اطلاعات در حال پردازش
processing time	زمان پردازش
processor	اجرا کننده، فرآیندگر، پردازنده، پردازشگر، وسیله اجرا
procontract works	کارهای قبل از قرارداد
procurament fee	حق العمل تحصیل وام (قرضه)
procurament subrogation	وکالت

procurator, agent	وکیل، نماینده
Procurement	خرید
procurement fraud	تقلب تدارکاتی
procurement lead time	مدت زمان تدارک (کالا)
Procurement Management	مدیریت تدارکات پشتیبانی
procurement time	زمان تدارک
Proccyclical	دوره ای
Produce	تولید کردن
produce a line	امتداد دادن یک خط
produce advance	پیش پرداخت خرید محصولات
Producer	تولید کننده
producer advertising	تبلیغ توسط سازنده، تبلیغ محصولات

producer and consumer risk	خط برای تولید کننده و مصرف کننده
Producer price index	شاخص قیمت تولید
producer(s) capital	کالای سرمایه‌ای
producer's risk	ریسک تولید کننده
producing department	دایره تولیدی نام دیگر دایره عملیاتی
Product	محصول
product acceptance	پذیرش محصول
product analysis	تجزیه و تحلیل محصول (بر حسب محصول)
product assurance	اصمینان محصول
product audit	ممیزی محصول
product bundle	کلاف حاصل ضرب
product capabilities	خواص (قابلیت) محصول

product category	رسته حاصل ضرب
product complexity	پیچیدگی محصول
product contribution margin	حاشیه فروش محصول
product cost	بهای تمام شده محصول
product cost cross subsidization	یارانه دهی به هزینه محصول
product costing	هزینه یابی محصول
product costing methods	روشهای هزینه یابی محصول
product design	طراحی محصول
product diversity	تنوع محصول
product event	حادثه حاصل ضرب
product financing arrangement	قرارداد تأمین مالی محصول
product flow	گردش محصول

product formulas	روابط حاصلضرب
product from of inverse	شکل ضربی معکوس
product function	تابع مرکب، تابع تولید
product launch	جا انداختن محصول در بازار
product layout	استقرار وابسته به نوع محصول، استقرار محصولی
product level drivers	محرکهای سطح محصول
product level sustaining activities	فعالیت‌های نگهداری سطح محصول
product liability	مسئولیت در قبال کالا
product liability insurance	بیمه مسئولیت کیفی تولید
product life cycle	چرخه حیات محصول دوره عمر محصول
product life expectancy	عمر مورد انتظار محصول
product line	خط تولید

product line margin	حاشیه فروش خط تولید
product master	محصول اصلی
product measure	اندازه حاصلضرب
product metric space	فضای متری حاصلضرب
product mix	ترکیب تولید
product moment	گشتاور حاصل ضربی
product moment correlation	ضریب همبستگی گشتاوری
product notation	نماد ضرب
product of a family	حاصلضرب یک خانواده
product of cardinal numbers	ضرب اعداد اصلی، حاصل ضرب اعداد اصلی
product of events	حاصلضرب پیشامد ها
product of inertia	حاصلضرب ماند

product of integers modulo p	ضرب اعداد
product of matrices	ضرب ماتریس ها، حاصل ضرب ماتریس ها
product of metric spaces	حاصل ضرب فضا های متریک، حاصل ضرب فضا های متری
product of ordinal nubmers	حاصل ضرب اعداد ترتیبی
product of ordinal numbers	حاصل ضرب اعداد ترتیبی
product of sets	حاصل ضرب مجموعه ها
product of sums form	شکل حاصل ضرب مجموع ها
product of topological spaces	حاصل ضرب فضا های توپولوژیک
product of two mappings	ترکیب دو گسترش
product of two more mappings	گسترش مرکب، ترکیب دو گسترش
product of two rational integers	ضرب اعداد صحیح گویا، حاصل ضرب اعداد صحیح گویا
product of two roots	

product of two sequences	حاصل ضرب دو ریشه
product of two sets	حاصل ضرب دو دنباله
product of two vector spaces	ضرب دو مجموعه
product or process level cost	حاصل ضرب دو فضای برداری
product order	هزینه سطح محصول یا فرایند
product overcosting	ترتیب حاصل ضرب
product quality control	هزینه یابی بیش از واقع محصول
product rule	کنترل کیفی تولید
product rule principle	قاعده حاصل ضرب
product set	اصل قاعده ضرب
product sets	حاصل ضرب مجموعه ها، مجموعه حاصل ضرب
product sign	حاصل ضرب مجموعه ها

علامت ضرب	
product space	
فضای حاصل ضرب	
product theorem	
قضیه حاصلضرب	
product topological space	
فضای توپولوژیک حاصل ضرب	
product topology	
توپولوژی حاصل ضرب	
product undercosting	
هزینه یابی کمتر از واقع محصول	
product usage rate	
میزان مصرف محصل	
product variance	
واریانس حاصل ضرب	
product variety	
تنوع محصول	
product variety, product diversity	
تنوع محصل	
product warranty	
تضمین فرآورده (تولید)	
product warranty expense	
هزینه ضمانت تولید	
productibility	

تولید پذیری، قابلیت تولید
Production
تولید- محصول
production basis of revenue recognition
شناسایی درآمد بر مبنای تولید
production budget
بودجه تولید
production budget (operating budget)
بودجه تولید، بودجه عملیاتی
production capacity
ظرفیت تولید
production center method
روش هسته مرکزی، روش تولید مرکزی، روش مرکز تولید
production control
کنترل تولید
production cost
هزینه تولید
production denominator level
سطح فعالیت تولید
production denominator volume
حجم فعالیت تولید
Production department
واحد تولید
production design

طراحی تولید	
production function	
تابع تولید	
production line	
خط تولید، زنجیر تولید	
production line rearrangement costs	
مخارج تجدید آرایش (جابجایی) خط تولید	
production management	
مدیریت تولید	
production or use method	
روش تولید یا مصرف	
production orientation	
تولیدگرایی، جهت گیری تولید	
production overhead	
سربار تولید	
Production Planning	
برنامهریزی تولید	
production possibility curve	
منحنی امکانات تولید	
production process design	
طراحی فرآیند تولید، طراحی فرآیند محصول	
production quotas	
سهمیه بندی تولید	
production report	

گزارش تولید
production sales price
قیمت فروش تولیدات
production scheduling
زمانبندی تولید تهیه جدول زمانی تولید
production scheduling problem
مسأله برنامه ریزی تولید
production statement
صورت وضعیت تولید، خلاصه‌ای از عوامل تشکیل دهنده محصول تولیدی
production unit method of application
روش واحد تولید در تسهیم سربار
production unit method of depreciation
استهلاک بر اساس روش واحد تولید
production volume variance
انحراف حجم تولیدی
production wastage
ضایعات تولید
production-unit method (units of production method) of depreciation
روش استهلاک مبتنی بر آحاد تولید
production-volume ratio (PV ratio)
نسبت حجم تولید، نسبت فعالیت
Productive

productive asset	بهره وری- تولیدی- قابلیت تولید
productive capacity	دارایی مولد
productive capital	ظرفیت مولد، ظرفیت تولیدی
productive labor (or wages)	سرمایه مولد
productive material	دستمزد مستقیم
productive output	مواد مولد، مواد مورد نیاز تولید
productive overhead, production overhead	آحاد تولید
productive processing time	سربار تولیدی
productive work (labor)	زمان پردازش تولید
productivity	کار مولد
productivity measurement	بهره وری
productivity of capital	اندازه گیری / سنجش بهره وری

product-level (sustaining) activities	بهره‌وری سرمایه
profession	فعالیت‌های نگهداری سطح محصول
profession's position	حرفه
professional accountant	جایگاه حرفه موقعیت حرفه
professional accountant's society	حسابداری حرفه‌ای، حسابدار رسمی، حسابرس قسم خورده
professional auditor	انجمن حسابداران حرفه‌ای
professional bodies	حسابرس حرفه‌ای
professional checking	نهادهای حرفه‌ای
professional checking on accounts	رسیدگی حرفه‌ای
professional constituencies	رسیدگی حرفه‌ای به حساب‌ها
professional control (inspection)	تشکیلات حرفه‌ای، نهادهای حرفه‌ای
professional corporation	نظارت حرفه‌ای

شرکت سهامی حرفه ای (تخصصی)
professional engagement
قرارداد حسابرسی
professional equipment
لوازم حرفه‌ای
professional ethics
اخلاق حرفه‌ای، آیین رفتار حرفه‌ای
professional expertise
تخصص حرفه‌ای
professional influence
نفوذ حرفه‌ای
professional investors
سرمایه‌گذاری حرفه‌ای
professional judgement
قضات حرفه‌ای و تخصصی
professional liability insurance
بیمه تعهدات حرفه‌ای
professional misconduct
اشتباه حرفه‌ای
professional money manager
مدیریت حرفه‌ای پول
professional obligation, professional duty
وظیفه حرفه‌ای
professional opinion

عقیده حرفه‌ای	
professional proficiency	
صلاحیت و مهارت تخصصی و حرفه‌ای	
professional reputation	
شهرت حرفه‌ای	
professional responsibilities	
مسئولیت‌های حرفه‌ای	
professional responsibility	
مسئولیت حرفه‌ای	
professional silence	
رازداری حرفه‌ای، سکوت حرفه‌ای	
professional skepticism	
تردید حرفه‌ای	
professional skill	
مهارت حرفه‌ای	
professional speculator	
سفته باز حرفه‌ای	
professional standards	
استاندارد حرفه‌ای	
professional, practitioner	
حرفه‌ای، متخصص	
professionalism	
حرفه‌گرایی	
professionally qualified	

صلاحیت حرفه‌ای	
profile	
	نیمرخ، برش قائم نیمرخ، نمودار
profile line	
	خط نیمرخ
profile measurement	
	سنجش وضعیت موجود
Profit	
	منفعت - سود
profit & loss statement	
	صورت سود و زیان
profit (earning) after interest and tax(EAIT)	
	سود پس از مالیات و بهره
profit (earning) before interest and tax(EBIT)	
	سود قبل از مالیات و بهره
profit (making-taking)	
	سوددهی (سودآوری)
profit after all expenses	
	سود پس از کسر کلیه هزینه‌ها
Profit and Loss	
	سود و زیان
profit and loss (p and l)	
	سود و زیان
profit and loss account	

حساب سود و زیان
profit and loss account (P&L account)
حساب سود و زیان
profit and loss account for the year
حساب سود و زیان سال
profit and loss account format
شکل صورت سود و زیان
profit and loss account, income statement
حساب خلاصه سود و زیان، صورت سود و زیان
profit and loss appropriation account
حساب تقسیم سود و زیان
profit and loss budget
بودجه سود و زیان
profit and loss ratios
نسبت‌های سود و زیان
profit and loss retained
سود یا زیان انباشته
profit and loss sharing ratios
نسبت‌های تقسیم سود و زیان
Profit and Loss Statement
صورت سود و زیان
profit and loss statement, income statement
صورت حساب درآمد، صورت سود و زیان
profit and loss summary

خلاصه سود و زیان
profit and loss summary account
حساب خلاصه سود و زیان
profit and loss variance
انحراف سود و زیان
profit appropriation account, appropriation account
حساب تقسیم سود
profit available for appropriation
سود قابل تخصیص
profit available for distribution
سود قابل تقسیم
profit available for distribution, distributable profits
سود قابل تقسیم
profit before tax
سود قبل از مالیات
profit before tax deduction
سود قبل از کسر (مالیات)
profit cannibalism
افراط در تخفیف و ارزان
profit center
مرکز سود
profit directed activity

	فعالیت انتفاعی
profit forecast	
	پیش بینی سود
profit function	
	تابع سود
profit goal	
	حد سود
profit linked productivity measurement	
	اندازه گیری بهره وری وابسته به سود
profit making	
	کسب سود، تحصیل سود
profit margin	
	حاشیه سود، نسبت سود به فروش
profit margin on sales	
	حاشیه فروش
profit margin percentage	
	درصد سود روی قیمت
profit margin, profit on price	
	سود روی قیمت، حاشیه سود خالص
profit margins on individual products	
	سود نهایی هر محصول
profit maximization	
	حداکثر سازی سود
profit on completed contract	

profit on instalment sale	سود مقاطعه (پیمان)
profit on sale	سود تحقق یافته فروش اقساطی
profit on sale of asset	سود فروش
profit on uncompleted contract	سود فروش دارایی
profit on under completion contract	سود پیمان ناتمام
profit or loss on change of asset	سود مقاطعه (پیمان) در حال انجام
profit organization	سود یا زیان در تعویض دارایی
profit oriented enterprises	سازمان غیرانتفاعی
profit oriented organization	واحدهای تجاری انتفاعی
profit overstated	سازمان انتفاعی (با هدف سود)
profit overstated to obtain higher commission	سود اغراق آمیز
profit path	سود اغراق آمیز (بیش از واقع) جهت دریافت کمیسیون بیشتر

	مسیر سود
profit per share	
	سود هر سهم
profit planning	
	برنامه ریزی سود
profit prior to consolidation	
	سود قبل از تلفیق شرکت
profit prior to incorporation	
	سود قبل از تأسیس
profit prior to operation	
	سود قبل از عملیات (سود غیر عملیاتی)
profit restraints	
	موانع سود
profit seeking	
	سودطلبی انتفاعی
profit seeking enterprises firms	
	واحدهای اقتصادی انتفاعی
profit sharing	
	تسهیم سود
profit sharing bond	
	سند قرضه سهام در سود
profit sharing employees	
	سود کارکنان در منافع شرکت
profit sharing plan	

طرح سهم کردن کارکنان در منافع
profit sharing ratio
نسبت تسهیم سود
profit standards
معیارهای سود
profit tax
مالیات بر سود
profit to turnover ratio
نسبت سود به فروش
profit variance
انحراف سود و زیان
profit volume graph
نمودار رابطه سود و حجم
profit volume ratio
نسبت حجمی سود (سود نا ویژه به حجم فروش)
profit, gain, income, earnings
سود، درآمد
profitability
سود آوری، سوددهی، سودمندی
profitability accounting
حسابداری سنجش مسئولیت
profitability analysis
تجزیه و تحلیل سوددهی
profitability comparison

profitability comparison of projects	مقایسه سودمندی
profitability comparison, profit center, income center, profit center	مقایسه سودمندی طرح‌ها
profitability index	مرکز سود
profitability index (PI)	شاخص سودمندی
profitability of alternative projects	شاخص سودآوری
profitability of investment	سودمندی پروژه‌های جایگزین
profitability of production	سودمندی (کفایت) سرمایه‌گذاری
profitability of projects	سودآوری محصول
profitability ratios	سودمندی طرح‌ها
profitability restraints	نسبت‌های سودآوری
profitability standards	موانع سوددهی
	معیارهای سوددهی

profitability yield	حاصل (بازده) سودآوری
Profitable	سودآور
profitable instruments	ابزارهای انتفاعی
Profitable instruments with expected rate of return	ابزارهای انتفاعی با بازدهی انتظاری
Profitable instruments with specified rate of return	ابزارهای انتفاعی با بازدهی معین
profitable, gainful, profitable	پرسود (سودمند)، پر فایده، سودبخش
Profit-making businesses	شرکتهای انتفاعی
Profits Before Depreciation and Taxes in year t	سود قبل از کسر استهلاک مالیات در سال تی
profit-sharing plan, income sharing plan	طرح تقسیم سود
profit-sharing scheme	طرح سهام کردن کارکنان در سود
Profit-Volume chart	نمودار سود-حجم

proforma	پیش نویس، سیاهه
proforma amount	مبلغ فرضی
proforma balance sheet	ترازنامه پیش بینی شده
proforma budget	بودجه پیش نویس
pro-forma financial statements	صورت‌های مالی پیش بینی شده
proforma income statement	صورتحساب فرضی درآمد (پیش نویس)
proforma invoice	سیاهه مقدماتی، پیش فاکتور
pro-forma invoice	پیش فاکتور، پروفرما، صورتحساب موقت
proforma source and application of funds	صورت وضعیت پیش بینی منابع و مصارف وجوه
proforma statement	صورت وضعیت تخمینی (برآوردی)
progeny	زاده
program	برنامه

program accounting	حسابداری برنامه
program analysis techniques	تکنیک‌های تجزیه و تحلیل برنامه
program audit	حسابرسی برنامه
program audit(ing)	حسابرسی برنامه
program budget	بودجه برنامه ای
program budgeting	بودجه بندی برنامه ای
program evaluation & review techniques (PERT)	تکنیک‌های ارزیابی و بررسی برنامه
program evaluation and review rechnique	فن بازنگری ارزیابی برنامه
program evaluation and review technique	روش ارزشیابی و تجدیدنظر در پروژه، روش مسیر بحرانی
program evaluation and review technique (PERT)	روش مسیر بحرانی، فنون ارزیابی و تجدیدنظر در پروژه
program flowchart	نمودگار برنامه، نمودار گردش کار برنامه
program me analysis techniques	فنون تجزیه و تحلیل برنامه

program me audit	حسابرسی اثربخشی برنامه
program me compilation	تدوین برنامه
program payment	پرداخت در ازای درصد پیشرفت کار
program planning budgeting system (PPBS)	سیستم برنامه ریز و بودجه بندی
program trading	داد و ستد بر اساس برنامه
programme	برنامه
programmed contro5, standing data file controls	کنترل های برنامه ریزی شده
programmed cost	هزینه برنامه ای (طبق برنامه)
programmed delivery dates	برنامه زمان بندی شده تحویل محصول به مشتریان
programmed fixed cost	هزینه ثابت برنامه ریزی شده
programming	برنامه سازی، برنامه نویسی، برنامه ریزی
programming problem	مسأله برنامه ریزی

programming sheet	ورقه برنامه
Program-Planning and Budgeting System	سیستم طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی
progress	پیشرفت، پیشرفت کردن
progress payment	پرداخت در ازای پیشرفت کار، دریافت بابت صورت وضعیت
progression	تصاعد
progressional	به طور تصاعدی
progressive	تصاعدی، پیشرو، متصاعد
progressive average	معدل تصاعدی
progressive broach	خانکشی تدریجی
progressive die	قالب چند مرحله ای، قالب مرحله ای
progressive gage	سنجه مرحله ای
progressive reducing rate	نرخ تصاعدی نزولی

progressive salary	حقوق تصاعدی (پله کانی)
progressive tax, gradual tax	مالیات تصاعدی
progressive taxation	مالیات بندی تصاعدی
progressive wage	مزد تصاعدی (بالا رونده)
progressively	به طور پیشرو، به طور تصاعدی، تدریجا
prohibited article, prohibited goods	کالای ممنوعه (قدغن)
prohibitive tariff	تعرفه بازدارنده (ورود یا صدور کالا)
prohibitive tax	مالیات گزافی که صدور یا ورود کالا را غیرممکن می‌سازد ، مالیات بازدارنده
Project	پروژه
project account	حساب پروژه
project administration cost	هزینه اداری پروژه
project audit	

حسابرسی پروژه	project classification
طبقه بندی پروژهها	project control
کنترل پروژه	project cost ledger summary
خلاصه دفتر هزینه طرح	Project Costing
هزینه یابی پروژه	project evaluation and review technique
فن بازرنگری و ارزشیابی برنامه	project management
مدیریت پروژه	project operation
بهره برداری از پروژه	project performance cost variance
انحراف هزینه عملکرد/ اجرای پروژه	project schedule
جدول زمانبندی شده اجرای پروژه	project selection problem
مسأله انتخاب پروژه	Project Status Review
بررسی (مرور) وضعیت پروژه	project target date

تاریخ معین برای انجام پروژه	
projected annual income	
سود/ درآمد برآورده شده یا لانه	
projected balance sheet	
ترازنامه پیش بینی شده	
projected benefit obligation (pbo)	
بدهی مزایای پیش بینی شده	
projected error	
خطای تعمیم یافته	
projected misstatement	
تحریف پیش بینی شده/ تعمیم یافته	
projected policy	
سیاست پیش بینی شده	
projectile	
پرتابه (گلوله)	
projecting	
عمل تصویر کردن	
projecting plane	
صفحه مصوّر	
projecting plane of a line in space	
صفحه تصویر یک خط در فضا	
Projection	
پیش بینی قیمت	
projection financial	

گزارشهای مالی فرضی	
projection function	تابع تصویر
projection map	نگاشت تصویر
projection mapping	نگاشت تصویر
projection of a fiber bundle	تصویر کلاف تار
projection of x along y	تصویر x در امتداد y
projection operator	عملگر تصویر
projection operator technique	روش عملگر تصویر
projection plane	صفحه تصویر
projections	پیش بینی ها
projective	تصویری، افلکشی
projective class	طبقه تصویری
projective class group	

projective completion	گروه رده های تصویری
projective coordinates	مکمل تصویری
projective differential geometry	مختصات تصویری
projective geometry	هندسه دیفرانسیل تصویری
projective group	هندسه تصویری
projective limit group	گروه تصویری
projective limit space	گروه حدی تصویری
projective line	فضای حدی تصویری
projective mapping	خط تصویری
projective module	نگاشت تصویری
projective object	مدول تصویری
projective plane	شیء تصویری

projective point	صفحه تصویری
projective space	نقطه تصویری
projective special linear group	فضای تصویری
projective topology	گروه خطی تصویری خاص
projective transformation	توپولوژی تصویری
projector	تبدیل تصویری
prolate	تصویرگر
prolate cycloid	کشیده
prolate ellipsoid	چرخزاد کشیده
prolate spheroid	بیضوی کشیده
prolong	کره وار کشیده
prolong a line	امتداد دادن

	امتداد دادن یک خط
Prolongation	
	تمدید
promised yield to maturity	
	بازده و عده داده شده تا تاریخ سر رسید
promising investment opportunities	
	فرصتهای نویدبخش سرمایه گذاری
promissory note	
	سفته برات
promote	
	تبلیغ کردن ترفیع کردن
promoter	
	موسس بنیانگذار
Promotion	
	ترفیع
promotion costs	
	مخارج هزینه های تبلیغات
proof	
	برهان
proof and refutation	
	برهان و بطلان
proof by accuracy	
	امتحان
proof by cases	

proof by contradiction	دلیل به طریقه حالات، برهان به روش حالت ها
proof by descent	اثبات با استفاده از تناقض، برهان خلف
proof by exhibiting a model	دلیل به طریقه نزول
proof by induction	اثبات به وسیله ارائه نمونه
proof by interpretation	اثبات استقرایی، استدلال به استقرا
proof by reduction ad absurdum	اثبات به وسیله ارائه نمونه
proof of accuracy	برهان خلف
proof of cash	اثبات صحت
proof of cash receipts	صورت مغایرت بانکی چهار ستونی
proof of existence	صورت مغایرت دریافتهای نقدی
proof of uniqueness	اثبات وجود، برهان وجود
proof theory	دلیل یکتایی، برهان یکتایی، اثبات یکتایی

	نظریه برهان ها
propagate	منتشر کردن، وسعت دادن
propagation	انتشار، تکثیر، افزایش، توسعه
propagation of error	تکثیر خطا، تکرار خطا
propagation of errors	انتشار خطا ها
propagation velocity	سرعت انتشار
propagation	انتشار
proper	حقیقی
proper amount	درست به اندازه مورد نیاز
proper class	رده سره
proper conic	مخروط سره، مخروط ناتبهاگون
proper direction	امتداد خاص
proper disjunctive proposition	

	قضیه شرطیه منفصله حقیقه
proper divisor of zero	
	مقسوم علیه واقعی صفر
proper face	
	وجه سره
proper factor	
	عامل سره
proper fraction	
	کسر سره
proper frequency	
	فرکانس خاص
proper inclusion	
	جزئیت ویژه، جزئیت حقیقی، جزئیت واقعی
proper quadric surface	
	رویه درجه دوی سره
proper rational function	
	تابع گویای حقیقی
proper set	
	مجموعه سره
proper subclass	
	جزء حقیقی یک مجموعه
proper subgroup	
	زیرگروه بدیهی، زیرگروه سره
proper subset	

زیر مجموعه محض، زیر مجموعه سره، مجموعه حقیقی، جزء حقیقی	
proper time interval	فاصله زمانی ویژه
proper transform	مبدل سره
proper value	مقدار حاصل، مقدار ویژه
proper vector	ویژه بردار، بردار مشخصه
properly	به طور کامل، خاصیت
properly contained in	به طور کامل در ... قرار دارد
properly discontinuous transformation group	گروه تبدیل های سره-نا پیوسته
properly divergent	به طور ویژه واگرا، متباعد خاص
properly divergent sequence	دنباله سره واگرا
properly divergent series	سری سره واگرا
properpoint	نقطه حقیقی

Properties (total)	مجموع اموال و دارایی ها
properties of characteristic function	خواص تابع مشخصه
properties of probability	ویژگی احتمال
Property	خصوصیت - ویژگی
property dividend	سود سهام غیر نقدی
property dividends payable	سود سهام پرداختی غیر نقدی
property of additivity	ویژگی جمعی
property of commutativity	ویژگی جابجایی
property rights approach	روش حقوق مالکیت
property tax	مالیات بر اموال
Property, plant and equipment	اموال، ماشین آلات و تجهیزات
property, plant and equipment (ppe)	اموال، ماشین آلات و تجهیزات

propitious	مساعد
proponents	طرفداران حامیان
proportion	تناسب
proportion by inordinate equality	نسبت مساوات مضطرب، نسبت مساوات ناهموار
proportion of two quantities	نسبت دو کمیت
proportionable	متناسب
proportionably	به طور متناسب، متناسبا
proportional	گزاره ای، متناسب
proportional allocation	تخصیص متناسب
proportional calculus	حساب گزاره ها
proportional form	صورت گزاره
proportional formula	فرمول گزاره ای

proportional function	گزاره نما، تابع گزاره نما
proportional limit	حد تناسب، حد الاستیسیته
proportional magnitudes	مقدار های متناسب
proportional method	روش نسبی
proportional numbers	اعداد متناسب، مقادیر متناسب
proportional parts	جزء های متناسب
proportional performance method	روش عملکرد نسبی
proportional quantities	کمیت های متناسب
proportional sampling	نمونه گیری متناسب
proportional to	متناسب با
proportional to size	متناسب با اندازه
proportional variable	متغیر گزاره ای

proportionality	تناسب، متناسب بودن
proportionality assumption	فرض متناسب بودن
proportionality constant	ضریب تناسب
proportionate	متناسب کردن، متناسب، درخور
proportionate ...	متناسب با...
proportionate or prorate consolidation	تلفیق نسبی
proportionately	به طور متناسب، به تناسب، متناسباً
proportionately to	بمتناسب
proportionless	بی تقارن، بی تناسب
proportionment	متناسب سازی
Proposal	پیشنهاد
Proposed System	سیستم پیشنهادی

proposition	گزاره
proposition calculus	جبر گزاره ها
proposition connective	رابط گزاره ای
propositional	گزاره ای
propositional calculus	حساب گزاره ها
propositional connectives	رابط های گزاره ای
propositional formula	فرمول گزاره ای
propositional function	تابع گزاره ای
propositional logic	منطق گزاره ها
propositional variable	متغیر گزاره ای
proprietary accounts	حسابهای سرمایه ای
proprietary funds	حسابهای مستقل وجود سرمایه ای

proprietary theory	تئوری مالکیت انفرادی
Proprietary interest	نفع مالکانه
proprietorship	واحد اقتصادی تک مالکی مالکیت انفرادی موسسه تک مالکی
pro-rata rate	نرخ نسبی (نرخ تسهیم به نسبت)
prorate	به نسبت تقسیم کردن، سرشکن کردن
pro-ration of costs	تسهیم بندی هزینه (به دوایر ، به آحاد)
pro-ration of joint costs	تسهیم بندی هزینه مشترک (به دوایر ، به آحاد تولید)
pros and cons	نقاط قوت و ضعف/ جنبه های مثبت و منفی
prospect	نمود
prospect theory	تئوری چشم انداز تئوری مشتری احتمالی
prospective approach	روش تسری به دوره های آینده
prospective basis	تسری به دوره های آینده

prospective financial information	اطلاعات مالی برآوردی
prospective financial statements	صورت‌های مالی برآوردی
prospectus	آگهی پذیره نویسی
protasis	مقدم
protection	حفاظت، محافظت، نگهداری، حمایت، حفاظ، روپوش حفاظ
protection level	سطح حفاظت
protective role	نقش حفاظتی
protector depth gage	عمق سنج نقاله ای
Protest	واخواست
Protest charges	هزینه های واخواست
protest fee	حق الزحمه واخواست/ اعتراض
Protested bill	برات واخواستی

prototype	نمونه اولیه، نخستین نمونه، نمونه، مدل، دستگاہ اولیه، مسطوره، مدل واحد صنعتی، الگو
prototype drawing	نقشه نمونه
protract	دراز کردن، امتداد دادن، طول دادن
protraction	امتداد
protractor	زاویه کش، اندازه گیر زاویه، نقاله، زاویه سنج، گونیا
provable	قابل اثبات، ثابت شدنی
prove	ثابت کردن، اثبات نمودن
prove that	ثابت کنید، نشان دهید
provide	به دست دادن، فراهم ساختن، تأمین کردن
provided	به شرط این که، وقتی که، هر گاه، به شرطی که
Provident fund	صندوق احتیاجی
providing we let	

	اگر فرض کنیم
provision	
	ذخیره شرط
provision for accrued expenses	
	ذخیره هزینه های معوق
provision for bad debts	
	ذخیره مطالبات مشکوک الوصول
provision for foreseeable losses	
	ذخیره زیانهای قابل پیش بینی
provision for loan losses	
	ذخیره زیان های وام
provision for staff termination benefits	
	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان
provision for vested benefits	
	ذخیره مزایای قطعی
Provisional account	
	حساب موقت
provisional hand over	
	تحویل موقت
provisional monthly statement	
	صورت وضعیت موقت ماهانه
provisional take over acceptance	
	تحویل موقت
proximate cause	

	علت مستقیم
proximity	
	نزدیکی، مجاورت، همسایگی
proximity function	
	تابع نزدیکی
proxy	
	وکالتنامه جایگزین
proxy fight	
	جمع آوری وکالتنامه
proxy statements	
	برگه های درخواست وکالتنامه (جهت انتخاب اعضای هیأت مدیره)
proxy variables	
	متغیرهای جایگزین
prudence	
	دوراندیشی احتیاط
prudent person concept	
	مفهوم شخص دوراندیش و محتاط
pruning	
	قطع کردن
pruning algorithm	
	الگوریتم هرس
pseudoinverse	
	شبه معکوس

pseudo	شبهه، کاذب، بدلی، وار
pseudo force	شبهه نیرو
pseudo optimal	بهینه نما
pseudo ordering	ترتیب نما
pseudo ordering relation	رابطه ترتیب نما
pseudo orthogonal group	گروه شبه متعامد
pseudo participation	مشارکت کاذب
pseudo random number	عدد شبه تصادفی
pseudo real	شبهه حقیقی
pseudo riemannian metric	متریک شبه ریمانی
pseudo scalar	شبهه عددوار
pseudo vector	شبهه بردار

pseudoanalytic function	تابع تحلیلی نما
pseudocompact space	فضای فشرده نما
pseudodistance function	تابع متریک نما
pseudoforce	شبه نیرو
pseudofunction	تابع نما
pseudograph	گراف نما
pseudomanifold	خمینه نما
pseudometric	تابع متریک نما
pseudometric space	فضای متریک نما
pseudonorm	نرم نما
pseudoordering relation	رابطه شبه ترتیبی
pseudoplane	شبه صفحه

pseudorandom numbers	اعداد تصادفی نما، اعداد شبه تصادفی
pseudoscience	شبه علم، علم وار، علم گون
pseudosphere	کره کاذب، کره نما، شبه کره
pseudotensor	تانسور نما
pseudotensorial form	صورت تانسوری نما
pseudovector	بردار نما
pseudopordering relation	رابطه شبه ترتیبی
psychic motivation	انگیزه روانی
psychometrics	روانسنجی
pth root	ریشه رتبه p
ptolemaic	بطلمیوسی
Ptolemaic system	هیات بطلمیوسی

public	عامه جامعه دولتی
Public account	حساب دولت
Public Accountant	حسابدار مستقل- حسابدار عمومی
public accounting	حسابداری حرفه ای
public borrowing	استقراض عمومی، استقراض دولتی
public company	شرکت سهامی عام
Public credit	اعتبار دولتی
Public funds	وجوه دولتی
public good	کالای عمومی
public information	اطلاعات در دسترس عموم اطلاعات عمومی
public oversight board (pob)	هیأت ناظر بر فعالتهای شرکتهای سهامی عام
public trust fund	حساب مستقل وجوه امانی عمومی

public utility companies	شرکتهای عام المنفعه شرکتهای تولیدکننده/ ارائه دهنده/ کالا یا خدمات عمومی
Publicity	تبلیغ- انتشار
publicity and attention	کسب و شهرت و جلب افکار عمومی
publicly available information	اطلاعات عمومی اطلاعات قابل دسترسی برای عموم
publicly held corporation	شرکت سهامی عام
Publishing	عملکرد منتشر کردن
puck	نشانه گذار
pull	کشش
pull aside	منحرف کردن
pull back	برگشتن
pull pin	بین بیرونکش
pull system	

	سیستم کششی
Pull Systems	
	سیستم‌های کششی
pulley	
	قرقره، چرخ، چرخ محرک، طوقه، گردونه، فلکه تسمه، فلکه
pulsating current	
	جریان تپنده
pulse	
	ضربان، تپه، ضربه، نبضه، تکانه، پالس
pulsed spray	
	پاشش ضربانی
pulvinate	
	محدب
pumping	
	اعمال نیرو
punch	
	منگنه، سوراخ کردن، سوراخکن، منگنه کردن، سنبه
punch card	
	کارت منگنه، کارت منگنه شده
punch card machine	
	ماشین منگنه زنی
punch tape	
	نوار منگنه
punched card	

	کارت منگنه، کارت پانچ
punching	
	منگنه کاری، سوراخ کردن، سمبه کاری
punctual	
	نقطه ای
punctual plane	
	صفحه نقطه ای
punctual transformation	
	تبدیل نقطه ای
punctured	
	سفته
punctured neighbourhood	
	همسایگی سفته، همسایگی محذوف
Purchase	
	خرید
Purchase (r)	
	خرید(خریدار)
purchase allowance	
	تخفیف خرید
purchase commitment losses	
	زیان های ناشی از تعهدات خرید کالا
purchase commitments	
	تعهدات خرید
purchase costs	

	هزینه های خرید
purchase cutoff test	
	آزمون انقطاع زمانی خرید
purchase discount	
	تخفیف از خرید، تخفیف خرید، تخفیف نقدی خرید
purchase discounts	
	تخفیفات خرید
purchase discounts not taken	
	تخفیفات استفاده نشده خرید
Purchase Journal	
	دفتر روزنامه خرید
Purchase Order	
	سفارش خرید
purchase order lead time	
	زمان تحویل سفارش خرید
Purchase Request	
	درخواست خرید
purchase requisition	
	درخواست خرید
Purchase Return	
	برگشت خرید
purchase returns	
	برگشتی خرید، برگشت از خرید
purchase returns and allowances	

	برگشتیها و تخفیفات خرید
Purchase Value	
	ارزش خرید
purchased goodwill	
	سرقفلی خریداری شده
purchased preacquisition earnings	
	سود خریداری شده قبل از تحصیل
Purchaser Supplied Product	
	محصول تامین شده از سوی خریدار
purchasing cost	
	بهای تمام شده خرید
purchasing department	
	دایره خرید
Purchasing Power	
	قدرت خرید
purchasing power gains and losses	
	سود و زیانهای ناشی از قدرت خرید
purchasing power loss	
	زیان ناشی از کاهش قدرت خرید پول
purchasing power risk	
	ریسک ناشی از قدرت خرید
pure	
	ناب، محض، خالص
pure birth process	

	فرآیند زاد خالص
Pure Competition	
	رقابت خالص – کامل
pure context sensitive grammar	
	دستور زبان وابسته به متن خالص
pure death process	
	فرآیند مرگ خالص
pure discount security	
	اوراق بهادار با تخفیف هنگامت
pure geometry	
	هندسه محض
pure ideal	
	ایده آل ناآمیخته، ایده آل خالص
pure imaginary number	
	موهومی محض، مطلقاً موهومی، عدد انگاری محض، عدد موهومی محض
pure mathematics	
	ریاضیات محض، ریاضی محض
pure numbers	
	اعداد مطلق
pure periodic fraction	
	کسر متناوب بسیط
pure perprojective geometry	
	هندسه تصویری محض

pure projective geometry	هندسه تصویری محض
pure quadratic surd	عدد اصم مربعی محض
pure rate of discount	نرخ مطلق تنزیل
pure recurrent	متناوب بسیط
pure recurrent fraction	کسر متناوب بسیط، کسر متناوب ساده
pure recurring continued fraction	کسر مسلسل بازگشتی خالص
pure strategy	نوع حاصل استراتژی، استراتژی خالص، راهبرد خالص
purely periodic	متناوب ساده
purepurpose	هدف، منظور
purity	خالص بودن، خلوص، صافی، درجه خلوص
purpose	هدف، تصمیم، عزم، منظور، مقصود، قصد
purposive	قصدی

purposive sample	نمونه وضعی
purposive sampling	نمونه گیری با هدف و منظور خاص
purposive selection	گزینش با هدف
pursuit	تعقیب
pursuit curve	منحنی تعقیب
pursuit problem	مسأله تعقیب
pururbate	پریشیدن
pururbation	پریشنده، پریشیدگی
push	قرار دادن، اضافه کردن
push and guide placing mechanism	مکانیزم قطعه گذاری هادی و فشارنده
push down accounting	حسابداری تعدیل ارزش دفتری شرکت فرعی
Push System	سیستم های فشاری

pusher bar conveyor	نقاله میله ای با نیروی کار
put	فرض کردن، قرار دادن
put call parity	دوگانگی حق / اختیار فروش و خرید اوراق بهادار
put into	تبدیل کردن، تبدیل کردن به، فرض کردن، قرار دادن
put on	نوشتن
Put Option	خيار فروشنده
putative mathematical proof	اثبات فرضی ریاضی
putting	گذاشتن
pv chart	نمودار رابطه بین سود و حجم
pyramid	هرم
pyramid numbers	اعداد هرمی
pyramidal	هرمی

pyramidal number	عدد هرمی
pyramidal surface	رویه هرمی
pyramidal	هرمی
pyramidically	به طور هرمی، هرم وار
pyramiding	هرم بندی
pythagoras theorem	قضیه فیثاغورث
pythagorean	فیثاغورثی، مربوط به فیثاغورث
Pythagorean closure	بستار فیثاغورسی
pythagorean extension	توسیع فیثاغورسی
pythagorean field	هیأت فیثاغورسی
Pythagorean identities	اتحاد های فیثاغورسی
pythagorean identity	اتحاد فیثاغورس

pythagorean number triple	عدد سه گانه فیثاغورثی
Pythagorean numbers	اعداد فیثاغورسی
pythagorean relation	رابطه فیثاغورسی
pythagorean theorem	قضیه فیثاغورسی
pythagorean triangle	مثلث فیثاغورث
pythagorean triplet	سه تایی فیثاغورسی
pythagoreans	فیثاغوریان، فیثاغورثیان، پیروان مکتب فیثاغورث
q	هفدهمین حرف الفبای انگلیسی
q.e.d	این همان بود که می خواستیم ثابت کنیم، این همان است که باید ثابت می شد
q.e.d.	همان است که باید ثابت می شد
qua x	اکس فی نفسه (x بما هو x)
quad	

quadrangle	چهارقلو، سیم چهارلا
quadrangular	چهارگوش، چهارضلعی، چهارزاویه
quadrant	چهارگوش
quadrant angle	چارک، ربعی، ربع، ربع دایره، چهار یک، ربع صفحه
quadrant fluid flow in	جریان سیال در ربع صفحه
quadrant of a circle	ربع دایره
quadrant of circle	ربع دایره
quadrant of plane	ربع صفحه
quadrant relations	رابطه های ربعی
quadrantal	تربیی، ربعی
quadrantal angles	زوایای قائمه
quadrate	

مربعی، مربعی شکل، مربع کردن، به توان دو رساندن، مجذور کردن
quadratic
معادله درجه دوم، مرتبه دوم، مربعی، از درجه دوم، تربیعی
quadratic congruence
همنهشتی درجه دوم
quadratic convergence
همگرایی مرتبه دوم، همگرایی مرتبه دو همگرایی، درجه دو
quadratic equation
معادله درجه دو
quadratic equation formula
فرمول معادله درجه دوم
quadratic extension
توسعه درجه دوم
quadratic factor
عامل درجه دو
quadratic field
هیأت درجه دوم
quadratic form
فرم درجه دوم
quadratic formula
فرمول درجه دو، فرمول معادله درجه دوم، فرمول حل معادله درجه دوم، فرمول درجه دوم
quadratic function

	تابع درجه دو
quadratic group	
	گروه درجه دوم، چهار-گروه
quadratic inequality	
	نامساوی درجه دو
quadratic interpolation	
	درونیابی درجه دوم
quadratic irreducible polynomial	
	چندجمله ای تحویل ناپذیر درجه دو
quadratic loss	
	زیان درجه دوم
quadratic loss function	
	تابع زیان درجه دوم
quadratic mean	
	میانگین درجه دوم، میانگین درجه دو، میانگین مربع
quadratic non residue	
	غیر باقیمانده تربیعی
quadratic nonresidue	
	غیر باقیمانده تربیعی
quadratic nonresidue modulo m	
	نامانده درجه دوم به پیمانۀ m
quadratic of the circle	
	تربیع دایره
quadratic polynomial	

چندجمله ای درجه دوم
quadratic programming
برنامه ریزی کوادراتیک
quadratic reciprocity
تقابل مربعی
quadratic reciprocity law
قانون تقابل مربعی، قانون تقابل درجه دوم
quadratic regret
تأسف درجه دوم
quadratic residue
باقیمانده تربیعی، مانده مجزوری، مانده مربعی
quadratic residue modulo m
مانده درجه دوم به پیمانانه m
quadratic surd
اصم، گنگ، عدد اصم مربعی
quadratic surface
رویه درجه دوم
quadratic term
جمله درجه دوم
quadratic utility function
تابع مطلوبیت از نوع درجه دو
quadrature
تربیع، انتگرال گیری، کوادراتور، جامعه بدیهی
quadrature of a circle

quadrature of circle	تربیع دایره
quadrature of the circle	تربیع دایره
quadric	تربیع دایره
quadric cone	منحنی یا رویه درجه دوم، از درجه دوم، درجه دو، سطح درجه دوم، صورت درجه دوم
quadric conical surface	رویه مخروطی درجه دو، مخروط درجه دو
quadric curve	رویه مخروطی درجه دو، مخروط درجه دو
quadric cylinder	منحنی درجه دوم
quadric degenerate surface	استوانه درجه دو
quadric surface	سطح تپاه شده درجه دو
quadric surface of revolution	رویه های درجه دو، سطح از درجه دوم، رویه درجه دوم
quadric surfaces	سطح درجه دو دوار
	رویه های درجه دو

Quadratics	رویه های درجه دو
quadridual	همتای چهارم
quadrilateral	چهارپهلوی، چهارضلعی
quadrilateral distribution	توزیع چهار جمله ای
quadrilateral figures	چهارسو ها
quadrinomial distribution	توزیع چهار جمله ای
quadruple	چهار برابر کردن، چهارگانه، چهار برابر، از رتبه چهارم چهارگانه، چهارتائی
quadruple point	نقطه مکرر از رتبه چهارم
quadruple vector product	حاصلضرب چهار برداری
quadruplet	چهار قلو، چهار تایی، چارگان
quadruplicate	چهار برابر کردن، چهار نسخه ای، چهار برابر، چهار تائی
quadruplication	

عمل چهار برابر کردن	
quadruplicity	
کیفیت چهار برابری	
qual rule	
قانون نفسه	
Qualification	
شرایط و مشخصات مورد انتظار	
Qualified	
واجد شرایط	
qualified accountant	
حسابدار خبره	
Qualified endorsement	
پشت نویسی مشروط	
qualified opinion	
نظر مشروط	
qualifying assets	
داراییهای واجد شرایط	
qualifying language	
عبارت شرطی بند شرط گذاری حسابرسی	
qualimetry	
کیفیت سنجی	
qualitative	
کیفی	
qualitative analysis	

تجزیه و تحلیل کیفی	
qualitative characteristics	
خواص کیفی	
qualitative data	
داده های کیفی	
qualitative factor analysis	
تحلیل کیفی عوامل	
qualitative factors	
عوامل کیفی	
qualitative forecast	
پیش بینی کیفی	
qualitative observations	
مشاهدات کیفی	
qualitative properties	
ویژگی های کیفی	
qualitative theory	
نظریه کیفی	
quality	
کیفیت	
Quality and Contents Unknown	
بدون اطلاع از محتوا و کیفیت	
Quality Assurance	
تضمین کیفیت	
quality audit	

حسابرسی با کیفیت	
quality characteristic	
مشخصه کیفیتی	
Quality Control	
کنترل کیفیت	
quality control circles	
حلقه های کنترل کیفیت	
Quality Control Standards	
استانداردهای کنترل کیفیت	
quality cost	
هزینه کیفیت	
quality engineering	
مهندسی کیفیت	
quality factors	
عوامل کمی	
quality goals	
اهداف کیفیت	
quality history	
سوابق کیفیت	
quality improvement	
بهبود کیفیت، اصلاح کیفیت	
quality index	
شاخص کیفیت	
quality information equipment	

	تجهيزات اطلاعات کیفیت
quality inspection	
	بازرسی کیفیت
quality loop	
	حلقه کیفیت
quality management	
	مدیریت کیفیت
quality measure	
	معیار کیفیت
quality objectives	
	اهداف کیفیتی
quality of accounting income	
	کیفیت سود حسابداری
quality of conformance	
	کیفیت انطباق
quality of design	
	کیفیت طراحی
quality of earnings	
	کیفیت سود
quality parameter	
	پارامتر کیفیت
quality planning	
	برنامه ریزی کیفیت
quality policy	

	سیاست کیفیت
quality product service	
	کحصول / خدمت با کیفیت
quality protection	
	تشخیص کیفیت، حمایت کیفی
quality report	
	گزارش کیفیتی
quality review	
	بررسی کیفیت
quality spiral	
	مارپیچ کیفیت
quality standard	
	استاندارد کیفیت
quality statistic	
	شاخص کیفیت
quality system	
	سیستم کیفیت
quality variance	
	انحراف کیفیت
quant	
	پیمانہ، کوانتم
quanta	
	پیمانہ
quantifiability	

قابلیت سنجش / اندازه گیری
quantification
تسویر
quantified
سور دار، مسور، کمی شده
quantified expression
گزاره های دارای سور، عبارت سور دار
quantified formula
فرمول مسور
quantified proposition
گزاره مسور، قضیه محصوره
quantified sentence
گزاره مسور
quantified statement
گزاره مسور
quantifier
سور
quantifier existential
سور وجودی
quantify
تعیین کیفیت کردن
quantifying symbol
نماد سور
quantile

چندک، پارک	
quantile of pth order	
چندک مرتبه p ام	
quantitative	
کمی، مقداری	
quantitative data	
داده های کمی	
quantitative evidential interpretation	
تفسیر های مقرون بدلیل کیفی	
quantitative forecast	
پیش بینی کمی	
Quantitative information	
اطلاعات مقداری	
quantitative method	
روش کمی، روش مقداری	
quantitative observations	
مشاهدات کمی	
Quantity	
کمیت- تعداد	
quantity discount	
تخفیف در خرید کلی، تخفیف در سفارش، تخفیف کمیت، تخفیف در خرید های عمده	
quantity schedule	
جدول مقداری تولی	

Quantity Surveyor	بازرس کمی
Quantity theory of money	نظریه مقداری پول
Quantity-Qty	تعداد- کمیت
quantization	کوانتس، کوانتومی کردن
quantized energy level	تراز انرژی کوانتیده
quantized field	میدان کوانتیده
quantum	کوانتم، پیمانه
quantum field theory	نظریه کوانتومی میدان
quantum mechanics	مکانیک کوانتمی
quantum statistical mechanics	مکانیک آماری کوانتومی
quantum statistics	آمار کوانتومی
Quarantine	قرنطینه

quart	کوارت، پیمانه ای در حدود یک لیتر
quarter	ربع مربع، یک چهارم، ربع، چارک، چهاریک
Quarter Day	اولین روز فصل
Quarterly	فصلی – سه ماه یکبار
quarterly financial statements	صورت‌های مالی سه ماهه/ فصلی
quarternion	چهارگان
quartic	از درجه چهارم، چهارمین، چهارین، درجه چهارم، منحنی درجه چهارم، درجه چهارم
quartic curve	خم درجه چهارم، منحنی درجه چهارم
quartic equation	معادله درجه چهارم
quartic polynomial	چندجمله ای درجه چهارم
quartic symmetry	تقارن چهار محوری
quartile	

ربع، چہاریک، چارک	
quartile coefficient	
ضریب چارک	
quartile coefficient of variation	
ضریب تغیرات چارکی	
quartile deviation	
انحراف چارک، انحراف ربعی، انحراف چارکی	
quartum non datur	
طردشق چہارم	
quasi	
وار، شبہ، گون، شبہ مانا	
Quasi – Money	
شبہ پول	
quasi cylinder	
شبہ استوانہ	
quasi euclidean	
اقلیدسی وار، شبہ اقلیدسی	
quasi experimental	
شبہ تجربی / نیمہ تجربی	
quasi frequency	
شبہ فرکانس	
quasi invariant measure	
اندازہ شبہ ناوردا	
quasi inverse element	

عنصر شبه وارون	quasi invertible element
عنصر شبه وارون پذیر	quasi latin square
شبه مربع لاتین	quasi linear
شبه خطی	quasi newton method
روش شبه نیوتن	quasi order
شبه ترتیب	quasi ordering
شبه ترتیب	quasi period
شبه دوره تناوب	quasi power series
سری شبه توانی	quasi recursive
نیمه تراجعی، شبه تراجعی	quasi rent
شبه بهره	quasi reorganization
شبه تجدید سازمان	quasi tax effect

اثر شبه مالیاتی	
quasianalytic function	
تابع شبه تحلیلی	
quasibounded harmonic function	
تابع همساز شبه کراندار	
quasiconformal mapping	
نگاشت شبه همدیس	
quasicontinuous function	
تابع شبه پیوسته	
quasidual space	
فضای شبه دوگان	
quasigroup	
شبه گروه	
quasilinear operator	
عملگر شبه خطی	
quasinorm of a vector	
شبه نرم بردار	
quasinormal family of analytic functions	
خانواده شبه نرمال تابع های تحلیلی	
quasinormal linear space	
فضای خطی شبه نرمال	
quasinormed linear space	
فضای فرشه، فضای خطی شبه نرمال	
quasiordering	

شبه ترتیب، ترتیب وار	
quasiperiodic motion	
حرکت شبه دوره ای	
quasiperiodic solution	
جواب شبه دوره ای	
quasirandom sampling	
نمونه گیری شبه تصادفی	
quasiregular element	
عنصر شبه وارون پذیر	
quasistable distribution	
توزیع شبه پایدار	
quasratic approximation	
تقریب درجه دوم	
quaterly	
سه ماهه، سه ماه یکبار	
quaterly review	
فصل نامه	
quaternary	
چهار تایی، چهار واحدی، چهارتائی، چهار عضوی	
quaternary relation	
رابطه چهارتایی، نسبت چهارتای	
quaternion	
عدد چهار برگی، چهارگانه، چهارمقداری، چهارگان، چهار عنصری	

quaternion algebra	جبر چهارگانی
quaternion group	گروه چهارگانی
quaternion unit	یکه کوترنیونی
quaternion units	یکه های چهار گانه
quaternion vector bundle	کلاف برداری چهارگانی
quaternionic	چهارگانی
quaternions	مجموعه چهارتائی، اعداد چهار تائی، چهار واحدی
Quay	اسکله
quenching	تبرید سرد، سریع سرد کردن، سرمادهی، آبدهی
quenching range	محدوده حرارتی سخت کردن
Query	جستجو بر اساس مدل مشخص
Query Languages	زبانهای استعلامی

Question	سؤال
questionable transactions	معاملات / مبادلات مشکوک / سوال برانگیز
questioned costs	هزینه های مشکوک
Questionnaire	پرسشنامه
questionnaire sampling	نمونه گیری پرسشنامه ای، نمونه برداری پرسشنامه ای
queuing markov chain	زنجیر مارکف صفی
queuing with balking	صف بندی با انصراف، صف بندی با طرد
queue	صف
queue discipline	نظم صف
queueing	صف بندی
queueing model	مدل صف
queueing theory	

نظریه صف، تئوری صف، تئوری صف انتظار، تئوری ردیف بندی، نظریه صف انتظار، تئوری صف بندی
queuing discipline
نظام صف بندی
queuing model
مدل صف بندی
queuing theory
نظریه صفبندی، نظریه صف
Quick assets
دارایی های سیال
quick or acid test ratio
نسبت سریع (آنی)
quick ratio
نسبت سریع، نسبت نقدینگی، نسبت آنی
quill
محور تو خالی، ماسوره
quinary
پنج تائی، پنج به پنج، از مرتبه پنج دستگاه شمار در مبنای پنج
quindecagon
پانزده ضلعی
quindecillion
در آمریکا ۱۰۴۸ و در انگلیس ۱۰۹۰
quinque
پیشوندی به معنی پنج و به پنج قسمت

quintic	
از مرتبه پنج، از درجه پنج، پنجمین، درجه پنجم، از درجه پنجم	
quintic curve	
	خم درجه پنج
quintic equation	
	معادله درجه پنجم
quintillion	
	در آمریکا ۱۰ ^{۱۸} و در انگلیس ۱۰ ^{۳۰}
quintuple	
	پنج برابر، پنج برابر شدن، پنج تائی، پنج برابر کردن، از درجه پنجم، پنجگان، از مرتبه پنجم
quintuplet	
	پنج تائی، پنجگان
quit	
	ترک کردن، ترک خدمت
quite sufficient	
	کافی است، کافی
quiz	
	آزمون کوتاه خودآزمایی
quod erat demonstrandum	
	این همان بود که می خواستیم ثابت کنیم، این همان است که باید ثابت می شد
quod erat demostrandum	
	همان است که باید ثابت می شد
quoin	

	گوشه، زاویه
Quorum	
	حد نصاب- نصاب
Quota	
	سقف ، سهمیه
quotasampling	
	نمونه گیری سهمیه ای، نمونه برداری سهمی
Quotation	
	اعلام قیمت – جواب استعلام
Quote	
	نقل کردن- قیمت دادن
Quote Not Firm	
	قیمت غیر قطعی
Quoted Company	
	شرکت عرضه شده در بورس
Quoted Price	
	مظنه- قیمت
quotient	
	خارج قسمت
quotient algebra	
	جبر خارج قسمت ها، جبر رده ای مانده ای
quotient bundle	
	کلاف خارج قسمت ها
quotient construction	

quotient field	ساختمان خارج قسمتی
quotient group	هیأت خارج قسمت ها
quotient ideal	گروه خارج قسمتی
quotient module	ایده آل خارج قسمتی، حلقه خارج قسمت ها
quotient ring	مدول خارج قسمت
quotient rule	حلقه خارج قسمت ها، حلقه رده های مانده ای
quotient set	قاعده خارج قسمت
quotient space	مجموعه خارج قسمت ها
quotient structure	فضای خارج قسمت
quotient system	ساختمان خارج قسمتی
quotient topological space	دستگاه خارج قسمتی، دستگاه خارج قسمت ها
quotient topology	فضای توپولوژی خارج قسمت

	توپولوژی خارج قسمت
quotient vector space	
	فضای برداری خارج قسمت
r	
	هجدهمین حرف الفبای انگلیسی، علامت مجموعه اعداد حقیقی
r betti group	
	گروه r -بتی
r chain group	
	گروه r -زنجیری
r chart	
	نمودار دامنه تغییرات، نمودار
r closable	
	بسته شونده r -بسته پذیر، r -
r- dimensional homology group	
	گروه r بعدی مانستگی
r homology group	
	گروه r -مانستگی
R homomorphism	
	همسانی R -
R module	
	مدول R -
R module ring	
	حلقه R - مدول
r shuffle	

r – بر	
r squared	
	آر به توان دو
r times	
	بار r
R/O Swap Interest Rate	
سود بانکی که مبنای محاسبه آن به نوع معامله، قرار داد و خرید یا فروش آن بستگی دارد که در هنگام خرید این سود به حساب معامله گر واریز و در هنگام فروش از حسابش کسر می شود.	
raabe and duhamel's rule	
	قاعده رآب و دو هامل
raabe converence test	
	آزمون همگرایی رابه
Raabe convergence test	
	آزمون همگرایی رابه
rabatting	
	تسطیح
race course	
	مسابقه
racecourse paradox	
	پارادوکس مسابقه
raceway	
	لوله کابل، کانال، کابل

rack	قفسه، طبقه، دنده شاخه ای، میله دنده دار، میله مدرج، دنده یکطرفه
Rademacher function	تابع رادهماخه
radial	شعاعی
radial acceleration	شتاب شعاعی
radial component	مولفه شعاعی
radial coordinate	مختص شعاعی
radial distance	فاصله شعاعی
radial distribution function	تابع توزیع شعاعی
radial error	خطای شعاعی
radial set	مجموعه شعاعی
radial tangential	شعاعی – مماسی
radial tangential angle	

radial vector	زاویه شعاعی مماسی
radially	بردار شعاعی
radially simple	به طور شعاعی
radially simple region	به طور شعاعی ساده
radian	رادیان
radian measure	اندازه رادیان
radiant center	مرکز تابش
radiate	تشعشع کردن
radiating element	عنصر تابان
radiation	پرتو افکنی، تابش، تشعشع
radiation condition	شرط تابش
radiator	

radical	تابشگر
radical axis	رادیکال
radical axis of two circles	محور اصلی دو دایره
radical center	مرکز اصلی
radical expression	عبارت رادیکالی، عبارت ریشه گیری
radical ideal	ایده آل رادیکال
radical of a ring	رادیکال حلقه
radical of an ideal	ریشگی یک ایده آل، رادیکال ایده آل
radical plane	صفحه اصلی
radical plane of two spheres	صفحه اصلی دو کره
radical sign	نماد رادیکال، علامت ؟، علامت رادیکال
radicand	

زیر رادیکال، عبارت زیر رادیکال، مقدار زیر رادیکال	
radico-normal distribution	
	توزیع جذری نرمال
radii	
	اشعه، شعاع ها
radiluminescence	
	پرتو افشانی رادیو اکتیو
radioactive	
	پرتو زاء، تابش دار، رادیو اکتیو، پرتو افشان
radioactive decay	
	تحلیل رادیو اکتیو
radioactive fall out	
	تجزیه رادیو اکتیو
radioactive tracer	
	ردیاب رادیو اکتیو
radiocarbon	
	رادیو کربن
radiocarbon dating	
	تاریخ گذاری رادیو کربن
radius	
	شعاع
radius gage	
	قوس سنج، انحنا سنج، سنجه انحناء
radius of a circle	

شعاع دایره	radius of a sphere
شعاع کره	radius of convergence
شعاع همگرایی	radius of convergence of a power series
شعاع همگرایی سری توانی	radius of curvature
شعاع انحناء، شعاع خمیدگی، شعاع چرخش، شعاع ژیراسیون	radius of gyration
شعاع چرخش	radius of torsion
شعاع تاب	radius of torsion of a space curve
شعاع پیچش یک منحنی فضایی	radius vector
شعاع بردار	radix
پایه، ریشه، پایگاه دستگاہ عددی، مبنای شمارش	radix point
ممیز	Radon measure
اندازه رادون	Radon Nikodym derivative

Radon Nikodym theorem	مشتق رادون-نیکودیم
Radon transformation	قضیه رادون-نیکودیم
Radon-Nikodym derivative	تبدیل رادون
Radon-Nikodym theorem	مشتق رادون-نیکودیم
rae of cooling	قضیه رادون-نیکودیم
Rai and Van Ryzin dose-response model	درجه تبرید
raider	مدل دُز-پاسخ رای و وان رایزین
Rail Way	متهاجم
railroad car	راه آهن
Raise	واگن ریلی
Raise a Loan	به دست آوردن منابع
raise a number to power	وام گرفتن

	به توان رساندن
Raise a protest	
	اعتراض به وخواست
Raised cheque	
	چک دست خورده
raising a number to a power	
	عددی را به توان رساندن
rake angle	
	زاویه گام مته، زاویه تراش
raked (adjusted) kappa	
	کاپای چنگک زده (تعدیل شده)
raker set	
	چپ و راست دو در میان
raking procedure	
	شیوه چنگک زنی
ram travel	
	کورس ضربه زدن
ramanujan conjecture	
	حدس رامنوجان
ramanujan graph	
	گراف رامنوجان.
ramification	
	انشعاب
ramification index	

شاخص انشعاب	
ramification point	
نقطه انشعاب	
ramified element	
عنصر منشعب	
ramp	
نرده، شیب، راهرو شیبدار	
Ramsey's prior	
پیشین رمزی	
Random	
تصادفی- بی قاعده	
random access	
دسترسی تصادفی	
random access memory	
حافظه با دسترسی اتفاقی، حافظه با دسترسی درهم، حافظه با دسترسی بی ترتیب	
random aspects	
جنبه های تصادفی	
random balance design	
طرح متعادل تصادفی	
random causes of variation	
علل تصادفی تغییرات	
random censoring	
سانسور تصادفی	

random coefficient regression	رگرسیون با ضریب تصادفی
random current	جریان تصادفی
random determinant	دترمینان تصادفی
random digit	رقم تصادفی
random digits table	جدول اعداد تصادفی
random distribution	توزیع تصادفی
random diversification	متنوع ساختن تصادفی
random draw	قرعه‌کشی
random effects model	مدل با اثرهای تصادفی
random error	خطای تصادفی
random error term	خطای تصادفی
random event	پیشامد تصادفی

random experiment	آزمایش تصادفی
random field	میدان تصادفی
random function	تابع تصادفی
random graph	گراف تصادفی
random manner	روش تصادفی
random matrix	ماتریس تصادفی
random model	مدل تصادفی
random noise	نوفه تصادفی
random number	عدد تصادفی
random number generation	تولید عدد تصادفی
random number generator	مولد عدد تصادفی
random number table	جدول اعداد تصادفی

random numbers	ارقام تصادفی، اعداد تصادفی
random order	ترتیب تصادفی
random ordered sample	نمونه مرتب تصادفی
random process	فرایند تصادفی
random prospect	نمود تصادفی
random sample	نمونه تصادفی
random sampling	نمونه گیری تصادفی
random sampling procedure	شیوه نمونه گیری تصادفی
random selection	انتخاب تصادفی
random sequence	دنباله تصادفی
random sets of points	مجموعه های تصادفی نقاط
random sum distribution	توزیع مجموع تصادفی

random tessellation	سنگفرش تصادفی
random type surveying	آمارگیری از نوع تصادفی
random utility model	مدل مطلوبیت تصادفی
random value	مقدار تصادفی، مقدار اتفاقی
random variable	متغیر تصادفی
random variable generation	تولید متغیر تصادفی
random vector	بردار تصادفی
random walk	قدم زدن تصادفی
random walk model	مدل قدم زدن تصادفی
random walk or random walk model	گردش تصادفی (مدل تغییرات تصادفی قیمت اوراق بهادار)
random-digit dialing	تلفن زدن تصادفی
random-digit dialing sampling method	روش نمونه‌گیری با شماره تلفن تصادفی

randomization	تصادفی کردن، انتخاب تصادفی
randomization test	آزمون تصادفیدن
randomize	تصادفی کردن، بختی کردن
randomized	تصادفی شده، تصادفی
randomized block design	طرح بلوکی تصادفیده
randomized blocks	بلوکهای تصادفیده
randomized complete blocks	بلوکهای کامل تصادفیده
randomized consent design	طرح رضایت تصادفیده
randomized gamma distribution	توزیع گامای تصادفیده
randomized model	مدل تصادفیده
randomized stopped-sum distribution	توزیع مجموع متوقف تصادفیده
randomized test	آزمون تصادفیده

randomly	به طور تصادفی بختانه، بطور تصادفی، به طور اتفاقی
randomness	تصادفی
range	دامنه تغییرات
Range (Price)	محدوده نوسان قیمت در یک دوره زمانی مشخص
range finder	مسافت یاب
range finding	یافتن برد
range limits	حدود دامنه
range method	روش دامنه تغییرات، روش های کمی نمونه گیری
range of a correspondence	برد تناظر
range of a function	برد تابع، برد یک تابع
range of a linear transformation	برد یک تبدیل خطی
range of a variable	برد متغیر

range of function	برد یک تابع، تابع برد تابع، ناحیه مقادیر
range of mapping	برد یک نگاشت
range of relation	برد یک رابطه، برد یک نسبت، ناحیه مقادیر، حوزه مقدار رابطه
range of variable	دامنه تغییرات، برد یک متغیر
range of variations	دامنه تغییرات
range-preserving estimator	برآوردگر حافظ دامنه تغییرات
ranging	مسافت یابی
rank	رتبه
rank analysis	تحلیل رتبه‌ای
rank analysis of covariance	تحلیل رتبه‌ای کوواریانس
rank biserial	رتبه‌ای دو دسته‌ای
rank biserial correlation	

همبستگی رتبه ای دو دسته ای	rank correlation
همبستگی رتبه ای	rank correlation coefficient
ضریب همبستگی رتبه ای، ضریب همبستگی رتبه	rank difference correlation coefficient
ضریب همبستگی تفاوت-رتبه ای، ضریب همبستگی اختلاف-رتبه ای	rank differences chi square
کای دو اختلاف رتبه	rank estimator
برآوردگر رتبه‌ای	rank interaction
اثر متقابل رتبه‌ای	rank likelihood
درست‌نمایی رتبه‌ای	rank of a abelian group
رتبه گروه آبلین	rank of a family of linear forms
رتبه یک خانواده از صورت های خطی	rank of a homomorphism
رتبه یک همسانی	rank of a linear mapping
رتبه نگاشت خطی	

rank of a matrix	رتبه یک ماتریس
rank of a quadric form	رتبه صورت درجه دو
rank of a system of equations	رتبه یک دستگاه از معادلات
rank of an observation	رتبه مشاهده
rank of linear transformation	رتبه تبدیل خطی
rank of matrix	رتبه ماتریس
rank of system of linear equations	رتبه دستگاه معادلات خطی
rank order statistics	آماره‌های ترتیبی رتبه‌ای
rank sum test	آزمون مجموع رتبه‌ها
rank test	آزمون رتبه‌ای
ranked	رتبه بندی شده
ranked data	داده های رتبه بندی شده

ranked set	مجموعه رتبه‌دار
ranked set sampling	نمونه‌گیری مجموعه رتبه‌دار
ranking	رتبه بندی
ranking approach	روش رتبه بندی
ranking extreme points	نقاط رأسی رتبه بندی
ranking method	روش دسته بندی، روش اولویت، روش اعطای رتبه، روش رتبه بندی، روش درجه بندی
ranking procedure	شیوه رتبه‌بندی
ranking scale	مقیاس درجه بندی
ranking system	سیستم رتبه ای، سیستم رتبه دادن، روش رتبه بندی ترتیبی
ranking techniques	روش رتبه بندی
rankit	رنکیت
Rao and Scott test	

آزمون رائو و اسکات	
Rao distance	فاصله رائو
Rao scoring test	آزمون امتیازبندی رائو
Rao's axiomatization of diversity measures	اصل موضوعی سازی رائو برای معیارهای چندگونگی
Rao-Blackwell theorem	قضیه رائو-بلکول
Rao-Blackwellization	رائو-بلکول سازی
rap allowance	ضریب لقی
rapid	سریع، تند
rapidly decreasing distribution	توزیع سریعا نزولی
rare	نادر، ندرتا
rare set	مجموعه نادر
rare test	مجموعه نادر
rare-event risk analysis	

	تحليل مخاطره پيشامد نادر
rarefaction curve	
	خم تُتک‌سازی
rarly finish date	
	زودترین تاریخ پایان
ratchet gearing	
	چرخ دنده ضامن دار
ratchet polygons	
	کثیرالاضلاع های چرخ دنده
Rate	
	نرخ
rate of	
	میزان، آهنگ، نرخ
rate of change	
	آهنگ تغییر
rate of charge	
	آهنگ تغییر، نسبت تغییر، میزان تغییر، نرخ متغیر، میزان متغیر، نسبت تغییرات، نرخ تغییرات
rate of convergence	
	نرخ همگرایی، سرعت همگرایی
Rate of duty	
	نرخ تعرفه
Rate of Exchange	
	نرخ ارز

rate of growth	آهنگ رشد، نرخ رشد، نسبت رشد، میزان رشد
rate of increase	نمو
Rate of Interest	نرخ بهره
rate of return	نرخ بازده
rate of return on common stockholder's equity	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام
rate of return on net sales	نرخ بازده فروش خالص
rate of return on plant assets	نرخ بازده داراییهای ثابت
rate of return on total assets	نرخ بازده مجموع داراییها
Rate of Sale	نرخ فروش
rated	متزاید
rated speed	تندی متزاید
rather	نسبتا

rather than	و نه، نه مانند، نه با، به جای
rather than q	نه با q
rating	ضریب عملکرد
rating system	سیستم تعرفه بندی، سیستم ارزشیابی، سیستم نرخ بندی
Ratio	نسبت
ratio analysis	تجزیه و تحلیل نسبتهای مالی
ratio control method	روش کنترل نسبتی
ratio correlation	همبستگی نسبتها
ratio diagram	نمودار نسبت
ratio estimate	برآورد نسبت، برآورد نسبی
ratio estimation	برآورد نرخ (نسبت / نسبی)
ratio estimator	برآوردگر نسبتی

ratio ex aequali	نسبت مساوات منظم، نسبت مساوات هموار
ratio examination	بررسی نسبت / نرخ
ratio measurment	اندازه گیری نسبی
ratio of a geometric series	قدر نسبت یک سری هندسی
ratio of a section	نسبت مقطع
ratio of bivariate normal variables	نسبت متغیرهای نرمال دو متغیره
ratio of dilation	نسبت یک انبساط
Ratio of Exchange	نرخ برابری
ratio of homothty	نسبت تجانس
ratio of proportionality	نسبت تناسب
ratio of similarity	نسبت تشابه
ratio of similitude	نسبت تجانس

ratio scale	مقایس نسبی
ratio test	آزمون نسبت
ratiocinate	استدلال کردن
ratiocinative	استدلالی
ration	دریدن
rational	گویا
rational algebraic function	کسر جبری گویا، تابع جبری منطق
rational and surd roots	جذر اصم و جذر منطق
rational canonical form	فرم متعارف گویا
rational curve	خم گویا
rational cut	بریدگی گویا
rational economic behavior	رفتار عقلانی (معقول) اقتصادی

Rational expectations	انتظارات منطقی
rational expression	عبارت گویا
rational form	فرم گویا
rational fraction	کسر گویا، کسر منطق
rational function	تابع گویا، تابع منطق
rational homothety	نسبت تجانس
rational insight	بینش عقلی
rational integers	اعداد صحیح گویا
rational integral function	تابع صحیح منطق
rational Laplace transform	تبدیل لاپلاس گویا
rational line	خط گویا، خط منطق
rational mechanics	مکانیک استدلالی

rational number	عدد منطق، عدد گویا، شمار گویا
rational number system	دستگاه عدد های گویا
rational operation	عمل گویا
rational operations	اعمال گویا
rational part	قسمت گویا
rational plane	صفحه گویا
rational point	نقطه گویا
rational points	نقاط گویا
rational power	توان گویا
rational proper	حقیقی گویا
rational proportionality	نسبت تناسب
rational root theorem	قضیه ریشه گویا

rational sequence	دنباله گویا، رشته گویا
rational subgroup	زیرگروه گویا
rationalism	عقل گرایی
rationalists	اصحاب عقل
rationality criterion	ملاک خردپذیری
rationalization	گویا کردن، عمل از زیر رادیکال درآوردن
rationalize	گویا کردن، منطق کردن
rationalizing	گویا کننده
rationalizing a denominator	عمل گویا کردن مخرج
rationalizing substitution	تعویض متغیر گویا کننده
rationalizing the denominator of a fraction	گویا کردن مخرج کسر
raveled	پیچاندن

raw	خام، نارس
raw and in process (rip) inventory account	حساب موجودی مواد خام و در جریان ساخت
raw data	داده های خام
raw datum	داده خام، داده آماری خام
Raw Material	ماده خام
raw materials inventory	موجودی مواد خام (اولیه)
raw score	نمره خام
ray	اشعه، نیم خط، پرتو، شعاع، خط شعاعی
ray center	مرکز، شعاعی
rayleigh	ریلی
Rayleigh distribution	توزیع ریلی
Rayleigh principle	اصل ریلی

Rayleigh quotient	خارج قسمت ریلی
rayleigh ritz method	روش ریلی-ریتس
R-chart	آر (R)-نمودار
Re- evaluation	ارزیابی مجدد – ارزش گذاری مجدد
Re- Export	صادر کردن کالای وارداتی
Re- Exportation	صدور مجدد
Re Planning	برنامهریزی منابع تولید
reach	دراز کردن دست، دسترس، رفتن
reachable	قابل دسترس، قابل دسترسی
reachable state	حالت قابل دسترس
reacquisition	تحصیل مجدد باز خرید
Reaction	واکنش

reactive	واکنش‌پذیر، فعال، واکنشی، عکس‌العملی، انفعالی
read	مدرج بودن، به دست آوردن، قرائت کردن
read off	خواندن
read only memory	حافظه فقط خواندنی
read out	دستگاه بازده اطلاعات، اندازه خوان، بازخوانی، نتیجه
readily	به آسانی، به سهولت، به دلخواه، زود
reading in management accounting	مجموعه مقالات حسابداری مدیریت (خواندنیهای حسابداری مدیریت)
real	حقیقی، واقعی
Real accounts	حسابهای حقیقی - حسابهای دائمی - حسابهای واقعی
real after tax return	بازده واقعی پس از مالیات
real analysis	آنالیز حقیقی
real analytic function	

	تابع تحلیلی حقیقی
Real and monetary sectors	
	بخشهای واقع و پولی
real assets	
	دارایی های واقعی / فیزیکی / مشهود
real axis	
	محور حقیقی
real Banach space	
	فضای باناخ حقیقی
Real capital	
	سرمایه واقعی
Real Costs	
	هزینه های واقعی
real estate	
	اموال غیر منقول، املاک، دارایی غیر منقول، مستغلات
Real estate credit	
	اعتبار ملکی
real estate investment trust (reit)	
	صندوق سرمایه گذاری در املاک و مستغلات
real exponent	
	قوه حقیقی، توان حقیقی
real exponential function	
	تابع نمایی حقیقی
real field	

	میدان حقیقی
real function	
	تابع حقیقی، تابع راستین
real integral	
	انتگرال حقیقی
Real interest rate	
	نرخ واقعی بهره
real intergral	
	انتگرال حقیقی
real investment	
	سرمایه گذاری واقعی سرمایه گذاری در دارایی های مشهود
real life	
	زندگی واقعی
real line	
	خط حقیقی
real linear space	
	فضای خطی حقیقی
real number	
	عدد حقیقی
real number axis	
	محور اعداد حقیقی
real number field	
	هیأت اعداد حقیقی
real number system	

real numbers	دستگاه اعداد حقیقی
real orthogonal group	اعداد حقیقی
real part	گروه متعامد حقیقی
real part of a complex number	قسمت حقیقی، جزء حقیقی، بخش حقیقی
real part of complex number	جزء حقیقی یک عدد مختلط
real plane	قسمت حقیقی عدد مختلط
real polynomial function	صفحه حقیقی
real power	تابع چندجمله ای حقیقی
real power series	قوه حقیقی
real quadratic form	سری توانی حقیقی
real quaternion	فرم درجه دوم حقیقی
real rate of return	کوترنیون حقیقی

	نرخ بازده واقعی
real return	
	بازده واقعی
real root	
	ریشه حقیقی
real roots	
	ریشه های حقیقی
real sequence	
	دنباله حقیقی
real spectral measure	
	اندازه طیفی حقیقی
Real State Investment Trust	
	تراست سرمایه گذاری در اموال منقول
real subset	
	زیر مجموعه واقعی
Real Time	
	هوشیار و بهنگام
real unimodular group	
	گروه تک مدولی حقیقی
Real value	
	ارزش ذاتی
real valued	
	حقیقی مقدار
real valued function	

تابع حقیقی	
real valued function of a real variable	
تابع حقیقی از یک متغیر حقیقی	
real valued functions	
تابع های حقیقی، توابع حقیقی مقدار	
real valued sequence	
دنباله حقیقی، رشته حقیقی	
real variable	
متغیر حقیقی	
real vector bundle	
کلاف برداری حقیقی	
real vector space	
فضای برداری حقیقی	
real wage	
مزد واقعی	
realism	
واقعگرایی	
realistic	
راستین گرا، واقع گرایانه	
realizable value of accounts receivable	
ارزش بازیافتی (قابل تحقق) حسابهای دریافتی	
realization	
تحقق درآمد قابلیت تبدیل به وجه نقد	
Realization principle	

اصل تحقق - اصل شناخت	
realization time	
	زمان ادراک
realized	
	تحقق یافتن، پیاده کردن
realized capital gain or loss	
	سود یا زیان تحقق یافته سرمایه
realized gross profit	
	سود ناخالص تحقق یافته
realized or realizable	
	تحقق یافته یا قابل تحقق
realized value	
	ارزش بازیافتی
realized value approach	
	روش ارزش تحقق یافته
reallocation	
	اختصاص مجدد
reallotment	
	اختصاص مجدد
Realty	
	مال غیرمنقول
Reappraisal	
	افزایش قیمت
rear	

	پشت، عقب
rearrange	
	تغییر دادن
rearrangement	
	تغییر نظم، تجدید آرایش، باز آرایش، تغییر منظم، ترتیب مجدد
rearrangement and relocation costs	
	مخارج تجدید آرایش و جابجائی
rearrangement of series	
	تجدید آرایش سری ها
rearrangement of the terms in a series	
	تجدید آرایش جمله‌های سری
rearrangement theorem	
	قضیه تجدید آرایش
rearranging	
	تجدید آرایش
Reason	
	دلیل- برهان
reasonable	
	روا، معقول، عاقلانه
reasonable assurance	
	اطمینان معقل (منطقی)
Reasonable price	
	قیمت منطقی
reasonably possible	

	ممکن منطقی
reasoning	
	استدلال، تعقل، استنتاج
reasoning by resemblance	
	استدلال تمثیلی
reassemble	
	دوباره سوار کردن، باز همگذار دن، دوباره مونتاژ
Rebate	
	تخفیف
Rebate of interest	
	تخفیف بهره
recall	
	احضار کننده، در نظر گرفتن
rebound	
	اعاده
recall that	
	به خاطر بیاورید، در نظر بگیرید، یادآوری می کنیم که
Recapitalization	
	تغییر میزان سرمایه
Receipt	
	رسید
Receipt Of Goods	
	رسید کالا
receivable from affiliates	

مطالبات از واحدهای فرعی وابسته
receivable turnover ratio
نسبت گردش مطالبات
Receivables
دریافتی ها
receive
قبول کردن
Received
دریافت شده
Receiver
دریافت کننده
receiver gauge
شابلون چند کاره
receivership
مقام امانت، امانت دادگاه
receiving inspection
بازرسی دریافت
receiving report
گزارش دریافت
receiving reports
گزارش های دریافت
recentralization
تمرکز مجدد
recessing

Recession	شیار در آوردن، گود کردن
recession cone	مخروط دور شونده
recession direction	جهت دور شونده
recessionary periods	دوره های رکود اقتصادی
recessive	ناچیز، بازگشتی، مایل به بازگشت، ارتجاعی، پس رفتی
Recipient	دریافت کننده
reciproc	متقابل
reciproca	عکس (یک عدد)
reciprocal	دو سو، دو طرفه، رفت و برگشتی، معکوس، متقابل، وارونه، عکس، وارون، متعکس، معکوس، متناسب معکوس، متقابل
reciprocal agreement	قرارداد دو جانبه
reciprocal allocation method	

روش تخصیص متقابل (نام دیگر روش تخصیص ریاضی یا جبری)	
reciprocal averaging	متوسطگیری معکوس
reciprocal cone	مخروط متقابل
reciprocal curve of a curve	خم عکس خم
reciprocal differences	تفاضلهای معکوس
reciprocal distribution	توزیع معکوس
reciprocal element	عنصر معکوس
reciprocal equation	معادله معکوسه
reciprocal image	تصویر معکوس
reciprocal method	روش متقابل
reciprocal method allocation	روش سرشکن کردن دو طرفه
reciprocal model	مدل معکوس

reciprocal of a fraction	معکوس یک کسر، عکس یک کسر، کسر معکوس
reciprocal of a number	عکس یک عدد، معکوس یک عدد
reciprocal of a ratio	نسبت معکوس
reciprocal relation	رابطه معکوس
reciprocal spiral	مارپیچ وارون
reciprocal theorem	قضیه دوگان
reciprocally	به طور معکوس
reciprocity	تقابل، متقابلیت
reciprocity law	قانون تقابل
reckon	به حساب آوردن، محاسبه کردن، تخمین زدن، شمردن
reckon with	به حساب آوردن
reckoning	محاسبه، تصفیه حساب

Reclaim	مطالبه کردن
reclassification entry	ثبت تجدید طبقه بندی اصطلاحات طبقه بندی
recognition	شناخت (شناسائی)
Recognition issue	بحث شناخت درآمد
recognition realization	شتاسایی درآمد (تحقق درآمد فروش)
Recognition rule	قاعده شناخت
recognize	شناسایی کردن، شناسایی، تشخیص دادن، شناختن
recognizer	تشخیص دهنده
recoil	عقب نشینی
recombinant	باز ترکیب
recombination	باز ترکیبی
recommendation	مشخصه ای

Recommended	توصیه شده
Recommended Retail Price	قیمت خرده فروشی توصیه شده
Recommended Retail Selling Price	قیمت خرده فروشی توصیه شده – قیمت تعیین شده برای خرده فروشی
Reconciliation	اصلاح و تعدیلات
reconciliation method	روش مغایرت
reconciliation of consolidated net income to operating cash flows	مغایرت گیری (تطبیق) خالص تلفیقی با جریانهای نقدی حاصل از سود عملیات
Reconciliation statement	صورت تطبیق
reconsider	تجدید نظر
Reconstruction	باز سازی
Record	ثبت – سابقه
record linkage and matching system	نظام جور سازی و اتصال داده ها

Recorded data	اطلاعات ثبت شده
recording	حفظ و نگهداری اطلاعات، ثبت اطلاعات، ثبت کردن
records management	مدیریت اسناد
recoup	دوباره بدست آوردن، جبران کردن، تلافی کردن
Recourses	منابع
recovery	آزاد سازی، بازیافت، بهبودی، ترمیم، بازیابی
recovery of interblock information	بازیابی اطلاعات بین بلوکی
recreate	از نو ایجاد کردن
Recruit	کارمند یابی – استخدام کردن
recrystallization	تبلور مجدد، تبلور دوباره
rectangle	مستطیل
rectangular	

مستطیلی، مستطیل شکل، قائم الزاویه، راست گوشه، متعامد، مستطیل
rectangular array
آرایش مستطیلی، آرایه مستطیلی، ماتریس
rectangular Cartesian coordinates
مختصات دکارتی قائم
rectangular coordinate
مختص قائم
rectangular coordinate system
دستگاه مختصات قائم
rectangular coordinates
مختصات قائم
rectangular distribution
توزیع مستطیلی
rectangular distribution in plane
توزیع مستطیلی در سطح، توزیع یکنواخت دو بعدی
rectangular frequency polygon
چندبَر فراوانی مستطیلی
rectangular game
بازی مستطیلی
rectangular hyperbola
هذلولی قائم الزاویه، هذلولی قائم، هذلولی متساوی الساقین، هذلولی دو پهلو برابر
rectangular hyperbolic coordinates

rectangular matrix

ماتریس مستطیل شکل، ماتریس مستطیلی، ماتریس مستطیل

rectangular number

عدد مستطیل

rectangular parallelepiped

متوازی السطوح قائم، متوازی السطوح قائم الزاویه، مکعب مستطیل

rectangular pluse

تپه مستطیلی

rectangular right prism

مکعب مستطیل، منشور قائم القاعده

rectangular rule

دستور مستطیلی، دستور راست گوشه

rectangular slot

شیار مستطیل

rectangular solid

مکعب مستطیل

rectangular term

جمله مستطیل

rectangularly

تعامد، به شکل راست گوشه، به شکل مستطیل

recti linear generators

مولد های راست خط، مولد های مستقیم الخط

rectifiable	با درازای متناهی، راستی پذیر، راست شدنی، راستا شدنی، مستقیم شدنی، اندازه پذیر
rectifiable curve	منحنی با طول متناهی
rectifiable path	مسیر راست شدنی، مسیر با طول متناهی
rectification	راستش، راستا بخشی، عمل راست کردن، یافتن طول منحنی با روش راست کردن آن
rectification of an arc	محاسبه طول قوس
rectified index number	عدد شاخص اصلاح شده
rectifier	یکسو ساز، اصلاح کننده، یکسو کننده، راستگر
rectify	راست کردن، یک سو کردن، راستا کردن، راستیدن، اصلاح کردن
rectifying	راستگر، مقوم
rectifying inspection	بازرسی غربالی
rectifying plane	صفحه راستگر، صفحه راست کننده (یکسو ساز)

rectilinear	راست خطی
rectilinear angle	زاویه دو خطی
rectilinear coordinates	مختصات مستقیم
rectilinear distance	مسافت مستقیم
rectilinear generators	مولد های راستخط، مولد های مستقیم الخط
rectilinear motion	حرکت راست خط، حرکت مستقیم الخط
rectilinear trend	روند راست خطی
rectilinear displacement	راستای جابجایی
recuperate	بهبودی یافتن، جبران کردن
recur	بازگشتن، باز رخ دادن، تکرار شدن
recurrence	تراجع، بازگشت، بازگشتی، تسلسل، تکراری
recurrence criterion	ملاک بازگشتی

recurrence decimals	اعشار متناوب
recurrence formula	فرمول بازگشتی
recurrence relation	رابطه برگشتی، رابطه تراجعی
recurrent	بازگشتی، بازگردنده، رکوران، برگشتی، متناوب، تراجعی
recurrent event	پیشامد بازگردنده
recurrent fraction	کسر متناوب
recurrent Markov chain	زنجیر مارکوف بازگشتی
recurrent sequence	دنباله بازگشتی
recurrent state	وضعیت بازگردنده
recurring	متناوب، مکرر
recurring decimal	اعشاری متناوب
recurring series	

سری بازگشتی، سلسله تراجعی، سری برگشتی، سلسله برگشتی، سری تراجعی
recursion
بازگشتی
recursion formula
فرمول بازگشتی
recursive
بازگشتی، برگشتی، تراجعی
recursive definition
تعریف بازگشتی
recursive distribution
توزیع بازگشتی
recursive formula
فرمول بازگشتی
recursive function
تابع بازگشتی
recursive loop
حلقه بازگشتی
recursive partitioning
افراز بازگشتی
recursive procedure
روند تراجعی
recursive programming
برنامه ریزی بازگشتی

recursively	به طور بازگشتی، به طور تراجعی
recursively defined sequence	دنباله به طور بازگشتی تعریف شده
Recycle	بازیافت
recycling	بازیابی، بازگردانی، واگردانی، دوباره سازی
Redeemable loan	وام قابل بازخرید
Redemption	بازخرید
redesign	از نو طراحی کردن
redial	شعاعی
redial acceleration	شتاب شعاعی
redial component	مولفه شعاعی
redial distance	فاصله شعاعی
redially	به طور شعاعی، شعاع وار

redian	
	رادیان، پرتو افکنی، واحد اندازه گیری زاویه معادل $29/57$ درجه، زاویه مقابل به قوسی از دایره برابر شعاع همان دایره
Rediscount	
	تنزیل مجدد
Rediscount celing	
	حد تنزیل مجدد
redistributed cost	
	هزینه تخصیص داده شده دوباره
redouble	
	دو چندان کردن، دوباره تکرار کردن، دو چندان شدن
Redraft	
	برات مجدد
reduce	
	ساده کردن، تحویل انجامیدن، رد و ارجاع، تجزیه
reduce to	
	تبدیل کردن، تبدیل شدن، خلاصه گردیدن، منجر شدن، کاهش دادن، تقلیل دادن، تقسیم کردن
reduced	
	تقلیل داده شده، کاهش یافته، ساده شده، مخفف، تقلیل یافته
reduced character	
	مشخصه تحویل یافته، اثر تحویل یافته
reduced characteristic equation	
	معادله مشخصه تقلیل یافته
reduced clifford group	

گروه تحویل یافته کلیفرد	
reduced cost coefficients	
ضرایب هزینه تقلیل یافته	
reduced cubic equation	
معادله درجه سه ناقص	
reduced equation	
معادله کاهش یافته، معادله تقلیل یافته	
reduced form	
صورت تحویل یافته	
reduced fraction	
کسر ساده شده	
reduced inspection	
بازرسی کاهش یافته	
reduced length	
طول مقصوره	
reduced mass	
جرم کاهش یافته	
reduced matrix method	
روش کاهش عناصر ماتریس	
reduced model	
مدل فروکاسته	
reduced norm	
نرم تحویل یافته	
reduced polynomial	

چندجمله ای کاهش یافته
reduced profit method
روش تقلیل سود
reduced representation
نمایش تحویل یافته
reduced residue system
دستگاه تقلیل یافته مانده ها
reduced residue system modulo m
دستگاه تقلیل یافته مانده ها به پیمانۀ m
reduced sample space
فضای نمونه، تقلیل یافته
reduced set of residues
مجموعه کاهش یافته باقیمانده ها
reduced trace
مشخصه تحویل یافته، اثر تحویل یافته
reduced word
واژه تحویل یافته، واژه ساده شده، کلمه تقلیل یافته
reducibility
تحویل پذیری، ویژگی ساده شدن، تجزیه پذیری
reducible
قابل تبدیل، تبدیل پذیر، تحویل پذیر، ساده شدن، کاهش پذیر، تجزیه پذیر
reducible algebraic equation
معادله جبری تحویل پذیر

reducible algebraic equation	معادله جبری تحویل پذیر
reducible chain	زنجیر فروکاستنی
reducible continuous geometry	هندسه پیوسته تحویل پذیر
reducible fraction	کسر تحویل پذیر
reducible linear representation	نمایش خطی تحویل پذیر
reducible polynomial	چندجمله ای تحویل پذیر
reducible transformation	تبدیل تحویل پذیر
reducible variety	چندگونای تحویل پذیر
reducing balance method	روش مانده نزولی
reducing charge method	روش کاهش پذیر، روش نزولی
reducing flame	شعله احیا کننده
reducing invariant subspace	زیرفضای ناوردای تحویل گر

reducing invariant subspace	زیر فضای ناورداء تحویلگر
reductio ad absurdum	برهان خلف، قیاس خلف، احیاء، کسور، کسورات، تخفیف، کاستن، تحویل، کاهش، تقلیل، تبدیل، ساده کردن، کم کردن، کاهش، تقلیل، تلخیص
Reduction	کاهش
reduction ad absurdum	برهان خلف
reduction ad absurdum method	روش برهان خلف
reduction formula	دستور تحویل
reduction of a fraction to its lowest term	تحویل کسر به ساده ترین صورت
Reduction of Capital	کاهش سرمایه
reduction of data	فروکاست داده‌ها
reduction of order	کاهش مرتبه
reduction of respondent burden	کم کردن زحمت پاسخگو

reduction theorem	قضیه تحویل
reduction to common denominator	مخرج مشترک گرفتن
reduction to lowest terms	نوردیدن عدد
reductive group	گروه تحویلی
reductive Lie algebra	جبر لی تحویلی
reductive stabilizer	پایدار ساز تحویلی
redundancy	فزونگی
redundancy analysis	تحلیل فزونگی
redundant	زیادی
redundant algebraically	به طور جبری زائد
redundant constraint	محدودیت اضافی، قید زائد
redundant constraints	محدودیت های زائد

redundant equation	معادله فزونه
redundant geometrically	به طور هندسی زائد
redundant in parametrization	زیاده روی در پارامتری کردن
redundant number	عدد فزونه، عدد زائد
redundant system	سیستم یدک، سیستم مازاد
reduplicate	مضاعف کردن
reel	حلقه، چرخ، پیچ، حلقه نوار، قرقره
reentrant angle	زاویه مقعر
Re-exchange	تعدیل بابت تغییر نرخ ارز
Refer	ارجاع دادن
Refer to	ارجاع به
referable	قابل مراجعه، مراجعه پذیر

refere	تعیین محل کردن
referred to the axes	نسبت به محور ها، تعیین شده به کمک محور ها
Reference	مرجع
reference angle	زاویه مرجع
reference frame	دستگاه مختصات مرجع، دستگاه مرجع
reference point	نقطه مرجع
reference polynomial	چندجمله ای مرجع
reference set	مجموعه مرجع
reference system	سه وجهی مقایسه
reference transaction	معامله/مبادله مورد اشاره مبادله اولیه
referent power	قدرت مرجعیت
referential	مرجعی، ارجاعی

referred to as	با توجه به، مطابق
Refinancing	تأمین مجدد منابع
refine	تظریف کردن، نظریف، دقیق کردن، ظریف کردن، ریز کردن
refine model	مدل پالاییده
refinement	تظریف
refinement of a covering	تظریف پوشش
refinement of a normal chain in a group	تظریف زنجیر نرمال در گروه
refinement of a partition	تظریف افراز
reflect	بازتابیدن، نشان دادن، منعکس کردن، بازتابتن
reflected	منعکس شده، بازتابته
reflected image	تصویر بازتابته
reflected ray	پرتو بازتابیده

reflecting	انعکاس
reflecting state	وضعیت بازتابنده
reflecting telescope	تلسکوپ انعکاسی
reflection	بازتابی
reflection coefficient	ضریب بازتاب
reflection in a line	تقارن نسبت به خط
reflection in a plane	تقارن نسبت به صفحه
reflection in the origin	تقارن نسبت به مبدا
reflection law	قانون بازتاب
reflection principle	اصل بازتاب
reflection property	خاصیت انعکاس (انعکاسی)
reflective	انعکاسی

reflectivity	بازتابندگی
reflector	آینه، بازتابنده
Reflex	بازتاب
reflex angle	زاویه مقعر
reflex quadrilateral	چهارضلعی پروانه ای
reflexion	بازتاب، انعکاس
reflexive	بازتابی، انعکاسی، منعکس، بازگشت پذیر، انعکاس پذیر
reflexive Banach space	فضای باناخ بازتابی، فضای باناخ منظم
reflexive inverse	معکوس انعکاسی
reflexive law	قانون بازتابی
reflexive locally convex space	فضای موضعا محدب بازتابی
reflexive property	خاصیت انعکاسی

reflexive property of equivalence relation	خاصیت انعکاسی رابطه هم ارزی
reflexive relation	رابطه انعکاسی، رابطه بازتابی، رابطه انعکاس پذیر، نسبت بازتابی
reflexivity	انعکاسی
reflexivity property	نسبت بازتابی، رابطه انعکاسی
Reflexivity relation	رابطه بازتابی
Reform	اصلاح – بهسازی
refract	تجزیه کردن، شکستن
refraction	انکسار، شکست، تجزیه، شکستگی
refrigeration	سرماایش، تبرید، سردسازی، انجماد
Refund	باز پرداخت
Refundable	قابل استرداد
refundable deposits	

سپرده‌های قابل استرداد	refunding
دوباره تأمین مالی کردن جایگزین کردن تأمین مالی	Refunding bond
اوراق قرضه استرداد	Refundment
بازپرداخت	refusal rate
نرخ امتناع	refusal to accept the work
خودداری از پذیرش کار	Refuse
رد کردن - نپذیرفتن	regard
در نظر گرفتن، مورد توجه قرار دادن، با توجه به این که	regenerative process
فرایند نوپیدایشی	Region
منطقه	region of acceptance
ناحیه قبول	region of integration
ناحیه انتگرال گیری	region of rejection

region selection	ناحیه رد
regional brokerage firm	منطقه گزینی، انتخاب منطقه
regional competitive market-marker	موسس کارگزاری منطقه ای
regionalism	بازار ساز رقابتی منطقه ای
regions of complex plane	توسعه و عمران منطقه ای
Register	نواحی صفحه مختلط
register transfer statement	ثبت کردن
registration	عبارت انتقال ثبات
registration fee	ثبت
registered agent	حق ثبت سفارش
Registered coupon bonds	بورس منطقه ای
registrar	کوپن اسناد قرضه ثبت شده

Registrar of Companies	دفتر ثبت سهام
registration analysis	رئیس اداره ثبت شرکت ها
registration fees	جزیه و تحلیل شرایط (تقاضای) پذیرش
registration statement	هزینه‌های ثبت
reglee	تقاضای پذیرش در
regression	خط کشی
regression analysis	برگشت
regression coefficient	تحلیل رگرسیونی
regression coefficients	ضریب رگرسیونی
regression curve	ضرایب رگرسیون
regression depth	خم رگرسیون
regression diagnostics	ژرفای رگرسیون

	مباحث تشخیصی رگرسیون
regression equation	
	رابطه رگرسیون، معادله رگرسیون
regression estimate	
	برآورد رگرسیونی
regression estimator	
	برآوردگر رگرسیونی
regression line	
	خط رگرسیون
regression model	
	مدل برگشت
Regression Models	
	مدل های برگشت پذیر - مدل هایی برای تعمیم روندهای داده ها
regression models for spherical data	
	مدلهای رگرسیونی برای داده‌های کروی
regression of several variables	
	رگرسیون چند متغیر بر حسب چند متغیر
regression quantile	
	چندک رگرسیون
regression surface	
	سطح رگرسیون
regression to the mean	
	رگرسیون (برگشت) به میانگین
regressive	

	پسرو
regressogram	
	رگرسنگار
regressor	
	رگرسور
regret	
	تأسف
regret criterion	
	معیار تأسف
regret function	
	تابع تأسف
regrouping	
	دسته بندی مجدد
regualr tetrahedron	
	چهاروجهی منتظم
regula	
	دستور، قاعده
regula duorum falsorum	
	جایگاه غلط، قاعده خطأین
regula falsi	
	نابجا، جایگاه نا درست، قاعده خطا و تصحیح
regulaing	
	حرارت دادن مجدد
regular	

	منتظم، موزون
regular Banach space	
	فضای باناخ بازتابی، فضای باناخ منظم
regular decagon	
	ده ضلعی منتظم
regular dilatation	
	انبساط منظم
regular element	
	عنصر عادی، عنصر وارون پذیر، جزء عادی، عنصر با قاعده
regular element of Lie algebra	
	عنصر عادی جبر لی
regular embedding	
	نشاندن منظم
regular exponential family	
	خانواده نمایی منظم
regular expression	
	عبارت منظم
regular figure	
	شکل منتظم
regular function	
	تابع منظم
regular graph	
	گراف منتظم
regular graph design	

طرح گراف منظم	
regular heptagon	
هفت ضلعی منتظم	
regular hexagon	
شش ضلعی منتظم	
regular hexagonal group	
گروه شش ضلعی منتظم	
regular icosahedron	
بیست وجهی منتظم	
regular ideal	
ایدال منظم	
regular language	
زبان منظم	
regular linear mapping	
نگاشت خطی منظم	
regular linear transformation	
تبدیل خطی موزون	
regular matrix	
ماتریس منظم، ماترسی انعکاس پذیر، ماتریس عادی، ماتریس ناتکین، ماتریس وارون پذیر، ماتریس غیر منفرد	
regular part	
قسمت موزون	
regular percentage	
درصد معمولی	

regular pentagon	پنج ضلعی منتظم
regular permutation	جایگشت منظم، منظم، جانشینی تبدیل با قاعده
regular point of a surface	نقطه غیر منفرد سطح، نقطه عادی سطح
regular point of an analytic set	نقطه ساده مجموعه تحلیلی، نقطه معمولی مجموعه تحلیلی، نقطه عادی مجموعه تحلیلی
regular polygon	کثیرالاضلاع منتظم، چندضلعی منتظم، چندضلعی منظم
regular polyhedral group	گروه چندوجهی منتظم
regular polyhedron	چندوجهی منتظم
regular presentation	نمایش با قاعده
regular region	ناحیه منظم
regular representation	نمایش با قاعده، نمایش عادی
regular septagon	هفت ضلعی منتظم
regular sequence	

	دنباله منظم
regular set	
	مجموعه منظم
regular sets substitution	
	جایگزینی مجموعه های منظم
regular singular	
	منظم منفرد
regular singular point	
	نقطه تکین عادی
regular singularity	
	انفراد عادی
regular solid	
	چندوجهی منتظم
regular solids	
	اجسام منتظم
regular space	
	فضای منظم
regular tetrahedron	
	چهاروجهی منتظم
regular transformation	
	تبدیل منظم
regular value	
	مقدار عادی
regularity	

منظم بودن، نظم، گنارش، ترتیب، دستور	
regularity audit	
حسابرسی رعایت قوانین و مقررات موضوعه	
regularization	
منظم سازی، تنظیم	
regularize	
تنظیم کردن، مرتب کردن	
regularly	
به طور مرتب، به ترتیب، به طور منظم	
regulate	
تنظیم کردن	
regulated economy	
اقتصاد تحت کنترل اقتصاد تحت نظارت	
regulated markets	
بازارهای تحت نظارت (کنترل شده)	
regulated plane	
صفحه تنظیم شده	
Regulation	
آیین نامه	
regulations	
مقررات	
regulator	
ناظم، تنظیم کننده	
regulatory agencies	

regulatory authorities	مراجع/نهادهای نظارتی
reheating	مراجع (نهادهای) نظارتی
Reimbursement	حرارت دادن مجدد
reimman stieltjes integral	باز پرداخت
reinforced	انتگرال ریمان-استیل یس
reinforced incomplete block design	تقویت شده
Reinvestment	طرح بلوکهای ناقص تقویت شده
reinvestment assumption	سرمایه گذاری مجدد
reinvestment of fund	فرض سرمایه گذاری مجدد
reinvestment rate risk	سرمایه گذاری مجدد وجوه
Reject	ریسک نرخ سرمایه‌گذاری مجدد
reject gate	رد کردن - نپذیرفتن

در ب مردودی ها، دریچه خروج	rejectable process level
سطح رد کردنی فرایند	rejectable quality level
سطح کیفیت قابل رد کردن	rejecting state
حالت غیر قابل قبول	rejection
رانش، رد، صرف نظر، حذف، رد کردن، دفع، عدم پذیرش، طرد، رد، پس زدن، پس دادن، دور افکندن، عدم قبول، وازنی، دور انداختن	rejection number
عدد ردی	rejection of hypothesis
رد فرض	rejection procedure
شیوه رد کردن	rejection rate
نرخ رد شدن	rejection region
ناحیه رد	rejective sampling
نمونه‌گیری رد کردنی	relabel

	برچسب مجدد
relabeling	
	برچسب گذاری مجدد
relate	
	منسوب، مربوط بودن، مربوط کردن، نسبت داشتن، نسبت دادن
related	
	مرتبط
related angle	
	زاویه مربوط
related angle of an angle	
	زاویه وابسته به یک زاویه
related fields	
	زمینه‌های / رشته‌های وابسته
related party	
	اشخاص (شخص) وابسته
related party transaction	
	معامله با اشخاص وابسته
related rate	
	نسبت وابسته، میزان مربوطه نرخ منسوب
related rates	
	میزان های وابسته، میزان های مربوط
related services	
	خدمات مرتبط (وابسته)
related variables	

	متغیر های وابسته
Relation	
	ارتباط
relation companion	
	هم رابطه
relation group	
	گروه رابطه
relation of equivalence of events	
	رابطه هم ارزی حوادث
Relational	
	ارتباطی
Relational Data Base Management System	
	سیستم مدیریت پایگاه داده رابطه ای
relational structure	
	ساختار نسبی
relations between moments and characteristic function	
	رابطه گشتاور ها با تابع مشخصه
relations of events	
	روابط بین حوادث، روابط حوادث
relationship	
	رابطه
relationship to	
	در ارتباط با

relationship to cycling	رابطه دوری
relationship to extreme points	مرتبط به نقاط راسی
relationships	روابط
relationships of matrix	زائد ماتریس
relationships of vector	زائد بردار
relationships primal vs dual problems	زائد مسائل اولیه و دوگان
relative	نسبی، وابسته، بسته، محلی، رابطه، مربوط
relative asymptotic variance	واریانس مجانبی نسبی
relative betting odds	بخت شرط بندی نسبی
relative closed set	مجموعه بسته نسبی
relative complement	متمم نسبی
relative complement of two sets	متمم نسبی دو مجموعه

relative consistency	سازگاری نسبی
relative cumulative frequency	فراوانی تجمعی نسبی
relative curvature	خمیدگی نسبی
relative density	چگالی نسبی، گرانی ویژه
relative deviation	انحراف نسبی
relative discriminant	مبین نسبی
relative dispersion	پراکندگی نسبی
relative distance	فاصله نسبی
relative efficiency	کارایی نسبی
relative enlargement	بزرگ نمایی نسبی
relative error	خطای نسبی
relative error of an approximation	خطای نسبی یک تقریب

relative extremum	اکسترمم نسبی، فرینه نسبی
relative extremum of a function	اکسترمم نسبی تابع
relative frequency	فراوانی نسبی
relative frequency histogram	هیستوگرام تواتر نسبی
relative frequency of event	فراوانی نسبی حادثه
Relative importance	اهمیت نسبی
relative information	اطلاع نسبی
relative maximum	ماکسیمم نسبی
relative metric induced by	متر نسبی القا شده به وسیله ...، متریک نسبی القاء شده به وسیله ...
relative metrix induced by	متر نسبی القا شده به وسیله ...، متریک نسبی القاء شده به وسیله ...
relative minimum	مینیمم نسبی
relative neighborhood	

relative number	همسایگی نسبی
relative open set	عدد جبری
relative position	مجموعه باز نسبی
relative precision	وضع نسبی، موقعیت نسبی، وضعیت نسبی
relative predicate	ارزش نسبی
relative price	محمول اضافی
relative product	قیمت نسبی
Relative Purchasing Power Parity	حاصلضرب نسبی
relative reduction	برابری قدرت خرید
relative risk	کاهش نسبی
relative risk aversion	ریسک نسبی
relative sales value method	ریسک گریزی نسبی

روش ارزش نسبی فروشی	
relative skewness	
	چاولگی نسبی
relative standard deviation	
	انحراف معیار نسبی، انحراف استاندارد نسبی
relative strength	
	قدرت نسبی
relative to	
	نسبت به
relative topology	
	توپولوژی نسبی
relative uniformity	
	یکنواختی نسبی
relative variance	
	واریانس نسبی
relative velocity	
	سرعت نسبی
relatively	
	به طور نسبی، تا حدی
relatively compact set	
	مجموعه نسبی، فشرده
relatively open	
	به طور نسبی باز، باز نسبی
relatively open set	

relatively prime	مجموعه نسبتاً باز
relatively prime numbers	نسبت به هم اول
relativistic	اعداد نسبت به هم اول، اعداد متباین
relativistic effect	نسبیتی
relativistic mass equation	اثر نسبیت
relativity	معادله جرم
relativization	نسبیت
relativization of a topology	نسبی سازی
relavant	نسبی سازی توپولوژی
Release	مربوط
released dates	شاخصهای اقتصادی اعلام شده در تاریخ مشخص
released questions	تاریخهای انتشار

	سئوالات منتشر شده
relevance	
	مربوط بودن تناسب
relevance of evidence	
	مربوط بودن شواهد
relevant costing	
	هزینه‌یابی مربوط
relevant costs	
	مخارج مربوط
Relevant data	
	اطلاعات مربوط
relevant information	
	اطلاعات مربوط
relevant range	
	دامنه مربوط
relevant revenues	
	درآمدهای مربوط
relevation	
	آسودگی
Reliability	
	قابلیت اعتماد
reliability coefficient	
	ضریب قابلیت اعتماد
reliability of evidence	

reliability of financial reporting	قابل اتکاء بودن شواهد
reliability period	دوره قابلیت اتکا
reliability strategy	استراتژی اتکا
reliability theory	تئوری قابلیت اطمینان
reliability	قابلیت اتکا (قابل اعتماد بودن)
Reliable	قابل اعتماد
relief	آزادی، تیز کردن ابزار، کاستن فشار، خلاص کردن، رهایی، خلاصی
Relieve	تخفیف
released	ارائه شدن
relocate	جا به جا کردن
reluctance	تخالف، مقاومت مغناطیسی

relvariance	واریانس نسبی
remain	باقی ماندن، سایر
remain at rest	حال سکون باقی می ماند
remainder	باقی مانده، مانده
remainder formula	فرمول باقیمانده
remainder function	تابع باقیمانده
remainder in taylor's formula	باقیمانده در دستور تیلور
remainder in taylor's theorem	باقیمانده در قضیه تیلور
remainder least absolute	کوچکترین باقیمانده مطلق
remainder of a series	باقیمانده یک سری
remainder of an infinite series	باقیمانده یک سری نامحدود
remainder principal	باقیمانده اصلی، مانده

remainder term	جمله باقیمانده، جمله متمم
remainder theorem	قضیه باقیمانده
remaining duration	مدت باقیمانده
remaining service life	عمر مفید باقی مانده
remains unchanged	تغییر نمی کند
remanufacturing costs	مخارج / هزینه های قبل از تولی
remark	تذکر، نکته، ملاحظه، یادداشت، تبصره
Remarks	جزئیات- توضیحات
remarks for	نکاتی در مورد
remedian	بازمیانه
Remez algorithm	الگوریتم ریمز
remit	ارسال وجه

Remittance	وجه ارسالی
Remote Connection	ارتباط راه دور
remote likely	احتمالاً بعید
remote sensing	سنجش از دور
remoteness	دور افتادگی (عدم دسترسی مستقیم)
removable	برداشتنی
removable discontinuity	ناپیوستگی قابل رفع، ناپیوستگی رفع شدنی، ناپیوستگی برداشتنی
removable plate mold	قالب با صفحات متحرک
removable singular point	نقطه منفرد قابل رفع، نقطه استثنایی رفع
removable singularity	تکینگی برداشتنی
removal	حذف، رفع، انتقال، جابجائی
removal of a term of an equation	

حذف یک جمله از یک معادله	
removal of the site installations	
	برچیدن کارگاه
Remove	
	حذف کردن
rendering of services	
	ارائه خدمات
renderring	
	ارائه دادن
Renegotiable	
	قابل انتقال مجدد
Renew	
	تجدید کردن
renewal	
	تجدید
renewal function	
	تابع تعویض
renewal theorem	
	قضیه تجدید
renewal theory	
	نظریه تجدید
renormalization method	
	روش باز نرمالیدن
Rent	

	اجاره کردن – کرایه
Rent expense	
	هزینه اجاره
rent of office building	
	اجاره ساختمان اداری
Rent Rebate	
	حق مسکن
rent receivable	
	اجاره دریافتی
Rental	
	کرایه‌ای
rental revenue	
	درآمد اجاره
rent-free	
	بی اجاره
renumber	
	تجدید شماره گذاری
renumbering	
	تجدید شماره گذاری
Renyi-Anscombe theorem	
	قضیه ری-انسکامب
Renyi-type distribution	
	توزیع ری‌نی‌گونه
reorder interval	

فاصله زمانی بین دو سفارش، زمان بین دو سفارش	
reorder interval system	
سیستم سفارش مقدار ثابت	
reorder point	
نقطه تجدید سفارش	
reorganization	
سازماندهی مجدد، تجدید سازمان، تجدید نظر	
reorganization plan	
طرح تجدید سازمان	
reorientation	
جهت دهی مجدد	
Repair	
تعمیر - اصلاح کردن	
repair and maintenance costs	
مخارج تعمیر و نگهداری	
repair center	
تعمیرگاه	
repair cycle	
سیکل تعمیر، دوره تعمیر	
repair shop	
تعمیرگاه	
repairability	
تعمیرپذیری	
repairable	

	تعمیر شدنی
reparametrization	
	بازپارامتریدن
repartition	
	بخش، پراکندگی، پخش توزیع
repartition function	
	تابع توزیع
repayment	
	بازپرداخت، پرداخت
Repayment guarantee	
	تضمین بازپرداخت
repeal	
	لغو کردن
repeat	
	تکرار کردن
repeatability	
	تکرارپذیری
repeated	
	مکرر، متوالی، چندگانه
repeated bisections	
	تنصیف مکرر، نیمسازی پی در پی، تنصیفات متوالی، تنصیفات مکرر
repeated block of a repeating decimal	
	جزء تکراری کسر دهمی دوره ای

repeated block of a repeating decimal	جزء تکراری کسر دهمی دوره ای
repeated chi-square testing	آزمون خی دوی مکرر
repeated confidence interval	بازه اطمینان مکرر
repeated decimal	کسر دهمی دوره ای، عدد اعشاری متناوب، عدد دهمی تکراری
repeated integral	انتگرال مکرر
repeated limit	حد مکرر
repeated measurement	اندازه گیری مکرر
repeated measurements model	مدل اندازه گیری های مکرر
repeated median line method	روش خط میانه مکرر
repeated median line method regression	رگرسیون با روش خط میانه مکرر
repeated permutations	جایگشت های تکراری
repeated root	

ریشه مرتبه ی، ریشه مکرر	
repeated series	
سری مکرر	
repeated significance test	
آزمون معنی داری مکرر	
repeated sum	
مجموع مکرر	
repeated trials	
آزمایش های تکراری	
Repeater loan	
وام مکمل	
repeating decimal	
اعشاری مکرر	
repeatition	
تکرار	
repelling force	
نیروی دافعه	
reperformance	
اجرای (انجام) مجدد	
reperformance checks	
کنترل های مربوط به اجرای مجدد	
repetition	
تکرار	
replace	

به جای خود قرار گرفتن، جایگزین کردن، عوض کردن، جانشین کردن، جابجا کردن
replace x by y
می شود y جایگزین x
Replacement
جایگزین
replacement cost
مخارج جایگزینی (تعویض) هزینه تعویض یا جایگزینی
replacement cost accounting
حسابداری بهای جایگزینی
replacement cost information
اطلاعات بهای جایگزینی
replacement cost method
روش بهای جایگزینی
replacement policy
مشی تعویض
replacement time
مهلت تعویض، مهلت تدارک مجدد
replacement value
ارزش جایگزینی
replacing
تعویض
replacing vector in the basis
بردار جایگزینی در پایه

replenishment level	سطح حداکثر موجودی
replica	رونوشت، برگردان، کپی
replicated	تکرار شده
Replicated Database	پایگاه داده کپی شده
replicated experiment	آزمایش تکراری
replication	تکرار
replication of an experiment	تکرار آزمایش
Reply	پاسخ جواب
Report	گزارش
report auditor's	گزارش حسابرسی مستقل
report deficiencies	نارسائی های گزارش
report format	شکل (ساختار) گزارش

Report format of the balance sheet	ترازنامه بشکل گزارش
reportable	قابل گزارش
reportable earnings	سود قابل گزارش
reportable operating segment	بخش عملیاتی قابل گزارش
reportable segment	بخش قابل گزارش
reported value	ارزش گزارش شده
reporting comprehensive income	گزارشگری سود جامع
reporting conventions	قواعد گزارشگری مالی
reporting currency	واحد پول گزارشگری
reporting deadline	مهلت ارسال گزارش
Reporting period	دوره مورد گزارش
reporting requirements	الزامات گزارشگری

Repository	منبع ذخیره داده‌ها
represent	نشان دادن، نمایش دادن، معرف، عبارت است از
representable	قابل نمایش
representable functor	تابعگون نمایش پذیر
representant	نماینده
representation	نمایش
representation curve of a function	منحنی نمایش تغییرات تابع
representation decimal	نمایش اعشاری
representation letter	تأییدیه (گواهینامه) مدیران
representation of a curve	نمایش خم
representation of a functional	نمایش تابعک
representation of a group	نمایش گروه

representation of nonbasic vector	نمایش بردار غیر پایه
representation tabular	نمایش جدولی
representation theorem	قضیه نمایش
representation theory	نظریه نمایش ها
representational faithfulness	انعکاس واقعیت (صداقت در ارائه)
Representative	نماینده- کار گزار
representative function	تابع نماینده
representative ring	حلقه نماینده ها
representative sample	نمونه معرف جامعه
representative sampling	نمونه‌گیری نمایانگر
reproduce	دوباره ایجاد کردن، تکثیر کردن
reproducibility	قابلیت تکثیر

reproducing kernel	تابع هسته
reproducing kernel Hilbert space	فضای هیلبرت با هسته باز آفرین
reproduction	تکثیر
reproduction rate	نرخ تکثیر
reproductive	تکثیری، قابل تکثیر
reproductive model	مدل تکثیری
reproductive properties of distribution	ویژگیهای تکثیری توزیع
reproductive property	خاصیت تکثیری، خاصیت دوباره به وجود آورندگی
repulsion	دفع
repulsive	رانشی، وازنشی، دافع، پس زدن
repulsive force	نیروی دافعه
repurchase agreement	قرارداد باز خرید

repurchase offer	پیشنهاد باز خرید
reputation	اعتبار، شهرت
repute	حساب کردن
Request	درخواست کردن
request for direct payment	درخواست پرداخت فوری (مستقیم)
Request For Proposal	درخواست پیشنهاد
Requested	درخواست شده
require	پرسیدن، مطلوب است محاسبه ...، منجر شدن، لازم بودن، لازم داشتن، ایجاب کردن
required	الزامی مطلوب است
required earning rate	نرخ مقرر تحصیل درآمد
required rate of return (rrr)	نرخ بازده مطلوب / مورد مطالبه
Required reserves	

	ذخیره قانونی
requirement	
	مورد نیاز، شرط، ایجاب، الزام، نیازمندی، اقتضا، لزوم، احتیاج، لازم، موازین، مقررات، شرایط لازم
requirement space	
	فضای احتیاج
requirements	
	کل تأمین مالی مورد نیاز
requires	
	دارد، مستلزم ... است
requisite	
	لازم، لازمه
Requisition	
	فرم درخواست کالا از انبار
requisition statement	
	تقاضای پذیرش
rerandomization	
	بازتصادفیدن
rerandomization test	
	آزمون بازتصادفیدن
resale price method	
	روش قیمت فروش مجدد
Resale value	
	ارزش فروش مجدد

resampling	باز نمونه‌گیری
resampling procedures	شیوه‌های باز نمونه‌گیری
rescaled range analysis	تحلیل دامنه باز مقیاس‌یافته
rescaling	باز مقیاس‌بندی
Rescheduling of debts	تجدید قسط بندی بدهیها
Rescriptions	اسناد خزانه دولت
Research	تحقیق
Research & Development	تحقیق و توسعه
Research and Development	تحقیق و توسعه
research and development (r&d)	تحقیق و توسعه
research and development costs	مخارج تحقیق و توسعه
research and development expense budget	بودجه مخارج تحقیق و توسعه

research approaches	روشهای تحقیق
research design	طرح تحقیق
Research Development	گسترش از طریق تحقیق توسعه
research findings	یافته‌های تحقیق
research hypothesis	فرضیه تحقیق
research limitations	محدودیت‌های تحقیق
research method	روش تحقیق
research methodology	روش شناسی تحقیق
research process	جریان بررسی
research staff	ستاد تحقیقاتی کارکنان واحد پژوهش اندوخته تعهدات قطعی نشده سنواتی
Reservation	ذخیره
Reserve	

ذخیره کردن
reserve accounts
حساب های ذخیره
Reserve currency
پول ذخیره
reserve for bad debts
اندوخته مطالبات مشکوک الوصول
reserve for depreciation
حساب اندوخته استهلاک، ذخیره استهلاک
reserve for inventory
ذخیره موجودی کالا
reserve for uncollected taxes
ذخیره
Reserve funds
وجوه ذخیره شده
Reserve ratio
نسبت ذخیره
reserve recognition accounting
مالیتهای وصول نشده حسابداری شناسائی ذخایر
Reserve requirement
ذخیره اجباری (قانونی)
Reserves Recognition Accounting
حسابداری شناخت ذخایر
reservoir

مخزن آب
reset
تنظیم مجدد، سکون، ساکت، از ابتدا شروع کردن
resident engineer
مهندس فنی مقیم
residual
مانده
residual beneficiaries
ذینفعان نهائی (باقیمانده)
residual change
تغییر مانده
residual charge
بار باقیمانده
Residual claim
ادعا (حق مالی) باقیمانده
residual class
کلاس مانده ای، طبقه مانده ای
residual concentration
غلظت مانده ای
residual correction method
روش تصحیح باقیمانده
residual effects
اثر باقیمانده ها
residual entry

ارزش دفتری مستهلک شده
residual equity
حقوق باقیمانده
residual equity theory
تئوری حقوق باقی مانده / نهایی / مازاد
residual flush
فی پس مانده
residual income
سود باقیمانده / نهایی
residual interest
منافع باقیمانده / نهایی
residual owners
مالکان نهایی
residual relationship
ارتباط مازاد
residual salvage value
ارزش باقی مانده ارزش اقساط
residual scores
نمره های مازاد
residual set
مجموعه مانده
residual spectrum
طیف مانده ای
residual standard deviation

residual stress	انحراف معیار باقیمانده
residual sum of squares	تنش پس مانده، بازمانده، تنش باقیمانده، تنش مانده
residual term	مجموع توانهای دوم مانده‌ها
residual theory of dividends	خطای باقیمانده
residual value	تئوری سود سهام باقیمانده
residual variance	ارزش باقیمانده
residual waiting time	واریانس باقیمانده ها
residuation	زمان انتظار باقی مانده
residue	مانده‌یابی
residue calculus	مانده، باقیمانده
residue class	حساب باقیمانده
residue class algebra	رده مانده ها

جبر خارج قسمت ها، حلقه رده های مانده ای	
residue class ring	
حلقه خارج قسمت ها، حلقه رده های مانده ای	
residue of an analytic function	
باقیمانده تابع تحلیلی	
residue system	
دستگاه مانده ها	
residue system modulo m	
دستگاه مانده ها به پیمانۀ m	
residue theorem	
قضیه مانده	
resignation	
استعفا	
Resistance	
مقاومت	
resistant techniques	
فناهای مقاوم	
resistive force	
نیروی مقاومت	
resistivity	
مقاومت مخصوص، واحد مقاومت	
resistor	
مقاومت	
Resolution	

تصمیم- قطعنامه – رای	
resolution into factors	
	تجزیه به عوامل
resolution of a vector	
	تجزیه بردار
resolution theorem	
	قضیه تجزیه
resolvable	
	تجزیه‌پذیر
resolvable design	
	طرح تجزیه‌پذیر
resolve	
	حل کردن، تجزیه کردن
resolve into factor	
	تجزیه کردن به عوامل
resolvent	
	حلال، واگشا
resolvent equation	
	معادله حلال
resolvent kernel	
	هسته حلال
resolvent of a matrix	
	معادله حلال ماتریس
resolving	

	تجزیه
reson	
	قرارداد
resonance	
	تشدید
resonance frequency	
	فرکانس تشدید
resonance theorem	
	قضیه کرانداری یکنواخت
resonant	
	باز آوا، تشدید، تشدید
resonant frequency	
	فرکانس تشدید
resonator	
	تشدید کننده، مشدد
resort	
	در نظر گرفتن، متوسل شدن
resource	
	منبع، امکان، دارایی
resource allocation	
	تخصیص منابع، تخصیص منبع
Resource Capacity	
	ظرفیت منابع
Resource Capacity Planning	

resource drivers	برنامه‌ریزی ظرفیت منابع
resource improvement coefficient	محرک‌های منابع
resource leveling	ضریب اصلاح منبع
Resource Planning	تسطیح منابع
resource rate	برنامه‌ریزی منابع
resource spending	نرخ بهره‌وری منبع
resource usage	مصرف منابع
resource utilization rate	مصرف منابع
Resources	نرخ بهره‌وری منبع
resources allocation	منابع
resources supplied	اختصاص منابع، تخصیص منابع
resources supplied in advance of usage	منابع تأمین شده

	منابع تأمین شده قبل از مصرف
respect	
	نسبت، رجوع کردن، در مورد، رجوع، رابطه
respective	
	مربوط، مربوطه، منسوب، خود
respective position	
	وضع نسبی
respective position of two circles	
	وضع دو دایره نسبت به هم، وضع نسبی دو دایره، وضعیت دو دایره نسبت به هم
respective relation	
	رابطه مربوطه
respectively	
	به ترتیب، به تناظر، در پی یکدیگر
respondent	
	پاسخگو
response	
	پاسخ، عکس العمل، جواب
response analysis	
	تحلیل پاسخ
response bias	
	اریبی پاسخ
response error	
	خطای پاسخ

response model	مدل پاسخ
response surface	رویه پاسخ
response surface design	طرح رویه پاسخ
response variable	متغیر پاسخ
Responsibility	مسئولیت
responsibility accounting	حسابداری
responsibility accounting system	سنگش مسئولیت سیستم حسابداری سنگش مسئولیت
responsibility center	مرکز مسئولیت
responsibility report	گزارش مسئولیت
responsible party	طرف مسئول / پاسخگو
resemblance	شبهت
rest	باقیمانده، مانده، سکون تفاضل، بقیه، باقیمانده آن

restart	از سرگیری، از ابتدا شروع کردن
restated earnings	سودهای تجدید ارائه شده، عایدات تجدید ارائه شده
restatement	تجدید ارائه
restatement of financial statement	تجدید ارائه صورت‌های مالی
restating firm	شرکت با قابلیت تجدید ارائه
restoration	بازیافت استرداد ترمیم
restoring	بازیابی، برگشت دهنده
restoring force	نیروی بازگرداننده
restraint	بازدارنده، محدودیت، مهار، فاکتور ممانعت، اجبار، قید
restrict	تحدید، محدود شدن، منحصر کردن، محدود کردن، مقید کردن
restricted	محدود شده
restricted cash	وجه نقد محدود شده

Restricted credit	اعتبار محدود
restricted functional calculus	حساب محمولات مرتبه اول
restricted fund	حساب مستقل (وجوه) محدود شده
restricted Lie algebra	جبر لی محدود
restricted maximum likelihood	ماکسیمم درستنمایی مقید
restricted predicate calculus	حساب محمولات مرتبه اول
restricted primal problem	مسأله اولیه محدود شده
restricted quantifier	سور مقید
restricted randomization	تصادفیدن مقید
restricted retained earnings	سود انباشته محدود شده
restricted runner	سیستم راهگاہ محدود شونده
restricted stock	سهم غیر قابل معامله

restricted to	محدود به، مقید به
restriction	قید
restriction error	خطای قید
restriction of a mapping	تحدید نگاشت، تحدید یک تابع، تخصیص یک تابع، نگاشت جزئی یک نگاشت
Restriction on tarounser	محدودیت های انتقال
restriction operator	عملگر تحدید
restrictive covenants	شرایط محدود کننده
restructuring charges	مخارج تجدید ساختار
resubmitted lot	محموله برای بازبینی دوباره
resubstitution method	روش بازجانشینی
result	یافته، برآیند، پی آمد، نتیجه، جواب، منتج شدن، نتیجه دادن، حل شدن
resultant	

	برایند
resultant moment	
	برایند آهنگ ها، گشتاور منته، گشتاور حاصل
resultant of forces	
	برایند نیرو ها
resultant of several equations	
	برایند چند معادله
resultant of two forces	
	برایند دو نیرو
resultant of two or more vectors	
	برایند دو یا چند بردار
resultant of two vectors	
	برایند دو بردار
resultant of vectors	
	برایند بردار ها
resulting digraph	
	گراف جهت دار حاصل
resume	
	خلاصه، سابقه کار، از سر گرفتن، ادامه یافتن، دوباره به دست
retail credit	
	اعتبار خرده فروشی
retail inventory method	
	روش خرده فروشی موجودی کالا
retail method	

	روش خرده فروشی
Retail Price	
	قیمت خرده فروشی
Retail Price Index	
	شاخص قیمت خرده فروشی
Retail Trade	
	خرده فروشی
Retailer	
	خرده فروش
retain	
	ثابت باقی ماندن، داشتن
retained earning	
	سود تقسیم نشده، سود انباشته
retained earnings	
	سود انباشته
retained earnings appropriations	
	تخصیص سود انباشته
Retained earnings statement	
	صورت سود انباشته
retained slag practice	
	باقی گذاردن سرباره
retainer	
	ضامن، حکم نگاهداری و ضبط
retaining plug	

	تویی نگاهدارنده
retard motion	
	حرکت کند شونده، حرکت تأخیری، جنبش درنگی
retardation	
	کندی، تأخیر
retarded fall	
	سقوط تأخیری
retarded motion	
	حرکت تأخیری، جنبش درنگی
retarding action	
	عمل کند کننده
retarted	
	پس افتاده
Retention money	
	پول تضمینی
retention money (performance withholding)	
	سپرده حسن انجام کار
retention period	
	دوره نگهداری
retention ratio	
	نسبت اندوخته کردن سود
reticular density	
	چگالی مشبکه ای
Retirement	

	بازنشستگی
retirement benefits	
	مزایای بازنشستگی
retirement fund	
	ندوق بازنشستگی
retirement of treasury stock	
	خزانه ابطال سهام
retirement plan	
	مستمری بازنشستگی
Retirement savings account	
	حساب پس انداز بازنشستگی
retract	
	درون بر
retracted distribution	
	توزیع تَرنجیده
retraction	
	درون بری
retrench	
	کسر کردن
retrieval expenditure	
	مخارج بازیابی
retrieve	
	بازیابی، بازیافتن
Retroactive	

قابل عطف بماسبق
retroactive approach
به دوره‌های گذشته روش عطف بماسبق روش / رویکرد تسری
retroactive basis
بر مبنای تسری به دوره‌های قبل
retroactive effect type accounting change
تغییر حسابداری از نوع اثر انباشته (تسری به دوره‌های قبل)
Retrocession
واگذاری
retrodiction
بازپس‌گویی
retrograde
پس رو، وارون، معکوس
retrograde sense
جهت وارون، جهت معکوس
retrospective
گذشته‌نگر
retrospective studies (including case-control)
مطالعات گذشته‌نگر (شامل مطالعات مورد-شاهد)
return
برگشتن، برگشتی، برگشت، برگرد، حاصل، کالای برگشتی، بازگشت، بازده
return date

تاریخی که بر طبق آن بازده سالانه شرکت باید به رئیس اداره ثبت شرکت ها گزارش شود
return generating process
فرآیند ایجاد بازده
Return of Capital
بدست سرمایه- بازگشت سرمایه
Return On Assets
بازده داراییها
return on capital
بازده سرمایه
Return On Capital Employed
بازده سرمایه بکار گرفته شده
Return On Equity
بازده حقوق صاحبان سهام
return on equity (roe)
بازده ارزش ویژه (بازده حقوق صاحبان سهام)
Return On Investment
برگشت سرمایه
return on investment (roi)
بازده سرمایه گذاری
return on total assets (roa)
بازده مجموع دارائیها
return period
دوره بازگشت

return ratio	نسبت بازده
return state	وضعیت بازگشتی
returnable deposits	سپرده‌های/ودایع قابل استرداد/ برگشت
Returned cheque	چک برگشتی
Returned Goods	کالای برگشتی
returns and allowances	برگشتیها و تخفیفات
revaluation	تجدید ارزیابی
Revenue	درآمد عایدی
Revenue – anticipation note (R.A.N)	برگه وام درآمد
Revenue account	حساب درآمد
revenue bond	اوراق قرضه مبتنی بر درآمدهای خاص
revenue center	مرکز درآمد

revenue driver	عامل ایجاد درآمد
revenue expenditure	مخارج جاری
revenue from sales	درآمد حاصل از فروش
revenue generating activities	فعالیت‌های درآمدزا
revenue principle	اصل شناسایی درآمد
revenue producing life	مدت زمان درآمدزایی
revenue realization	اصل تحقق درآمد
revenue recognition	شناسایی درآمد
revenue recognition alternatives	روشهای مختلف شناسایی درآمد
revenue tax	مالیات بر درآمد
revenues	درآمدها
revenues collected in advance	پیش دریافت درآمد

Revering entries	ثبتهای معکوس
reversal	برگشت
reversal cost method	روش هزینه یابی معکوس
reversal design	طرح برگشتی
reversal test (for index numbers)	آزمون برگشتی (برای اعداد شاخص)
reverse	بر عکس کردن، وارونه، معکوس کردن، معکوس، عوض کردن، وارون کردن، واژگون کردن، پشت و رو کردن، وارون، منعکس
reverse curve	خم S شکل
reverse lexicographical	فرهنگ لغتی معکوس
reverse lexicographical order	ترتیب قاموسی وارونه، ترتیب ضد فرهنگ لغتی، ترتیب قاموسی معکوس
reverse martingale	مارتینگال معکوس
reverse order	ترتیب عکس، ترتیب معکوس

reverse process	فرایند معکوس ۲. فرایند برگشت 1.
reverse stock split	تجزیه معکوس سهام
reverse the arrows	جهت پیکان را عوض کردن
reverse to back to	ترتیب عکس به y برگشتن
reversed sequence	دنباله وارون شده
reversely	به عکس، بالعکس
reversible	برگشت پذیر، قابل برگشت، وارونه پذیر، وارون پذیر، وارونی پذیر
reversibility	برگشت پذیری، قابلیت برگشت
reversibility principle	اصل برگشت پذیری
reversible	وارونه پذیر
reversible embrittlement	تردی برگشت پذیر
reversible engine	

ماشین برگشت پذیر
reversing entry
ثبت معکوس
reversion
ارجاع، عکس، عود، انعکاس، تبدیل، تبدیل واحد، تحویل
revert
برگرداندن، برگشت، برگشتن، تبدیل کردن، تحویل کردن، عکس کردن
reverting a series
معکوس کردن سری
Revesz estimator of regression function
برآوردگر رهوز تابع رگرسیون
review
بررسی مرور
review for subsequent events
بررسی رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه
review of financial statement
بررسی صورتهای مالی
review of historical financial statement
بررسی صورتهای مالی تاریخی
review of working papers
بررسی کالابریگهای حسابرسی
review services
خدمات بررسی صورتهای مالی

revise simplex method	روش سیمپلکس تجدید نظر شده، روش سیمپلکس اصلاح شده
Revised	بازنگری شده- اصلاح شده
revised contract price	قیمت تجدیدنظر شده قرارداد
revised judgment about materiality	قضایوت دوباره درباره سطح اهمیت
revised simplex	جدول سیمپلکس اصلاح شده
revised simplex algorithm	الگوریتم سیمپلکس اصلاح شده
revision	بازبینی، رسیدگی، تجدید نظر
revivify	احیاء کردن
Revocable credit	اعتبار برگشت پذیر
Revoke	لغو کردن
revolution	دوار، دوران، گردش
revolution in corporate finance	انقلاب در مدیریت مالی شرکتهای سهامی

revolution in financial reporting	انقلاب در گزارشگری مالی
revolve	گرداندن، دوران کردن
Revolving credit	اعتبار گردان
revolving fund	ساب مستقل اعتبارات جاری حساب تنخواه گردان وجوه در گردش
reward	تنبیه، جایزه، تشویق، پاداش
reward to variability ratio	نسبت بازده به ریسک
reward to variability ratio trynor ratio	نسبت بازده به ریسک (نسبت ترینور)
reweighted	بازموزون
Rework	کار مجدد
reworked unites	واحدهای دوباره کاری شده
rewriting	دوباره نویسی، نوشتن، بازنویسی
rhomb	

لوزی	
rhombic	
لوزی شکل	
rhombohedron	
متوازی السطوح متساوی الاضلاع، متوازی السطوحی لوزی	
rhomboid	
لوزی شکل، لوزی وار، متوازی الاضلاع	
rhombus	
لوزی	
rhomboidal	
متوازی الاضلاع شکل	
rib	
پره، رگه، آج، دنده، شیار	
riccati equation	
معادله ریکاتی	
riccati's differential equation	
معادله دیفرانسیل ریکاتی	
ricci tensor	
تانسور ریچی	
Rice distribution	
توزیع رایس	
Richards family of growth curves	
خانواده ریچاردز خمهای رشد	
richness of species	

	کثرت گونه‌ها
ridge	راندن
ridge regression	رگرسیون ستیخی
Ridit analysis	تحلیل ریدیت
Riedwyl one sample test	آزمون یک‌نمونه‌ای ریڈویل
Riemann Christoffel tensor	تانسور ریمان-کریستوفل
riemann condition	شرط ریمان
Riemann continuation theorem	قضیه ادامه ریمان
riemann function of the cauchy pro	تابع ریمان مسأله کوشی
Riemann function of the Cauchy problem	تابع ریمان مسأله کوشی
Riemann hypothesis	فرض ریمان
riemann integrable	دارای انتگرال ریمانی، انتگرال ریمان دار
riemann integral	

riemann lebesgue lemma	انتگرال ریمن، انتگرال ریمانی، انتگرال ریمان
Riemann- Liouville definition	لم ریمان – لبگ
riemann mapping theorem	تعریف ریمان – لیویل
riemann non euclidean geometry	قضیه نگاشت ریمان
Riemann Roch theorem	هندسه نااقلیدسی ریمان
riemann space	قضیه ریمان-روخ
riemann sphere	فضای ریمان
Riemann Stieltjes integral	کره ریمان، کره مختلط
riemann sum	انتگرال ریمان-استیلتیس
Riemann surface	مجموع ریمان
riemann surfaces	رویه ریمان
riemann theorem	سطوح ریمان

	قضیه ریمان
riemann theta function	
	تابع تتای ریمان
riemann zeta function	
	تابع زتای ریمان
riemann's theorem	
	قضیه ریمان
riemannian christoffel tensor	
	تانسور ریمانی – کریستوفل
riemannian geometry	
	هندسه ریمانی، هندسه ریمان
Riemannian manifold	
	خمینه ریمانی
riemannian metric	
	متریک ریمانی
riemanninan manifold	
	خمینه ریمانی
Riemann-Stieltjes integral	
	انتگرال ریمان-استیلتیس
riesz fischer theorem	
	قضیه ریس – فیشر
riesz space	
	فضای ریس
Riesz-Fischer theorem	

	قضیه ریس-فیشر
Right	
	حق و حقوق
right adjoint linear mapping	
	نگاشت خطی الحاقی راست
right angle	
	زاویه قائمه، گوشه راست
right angle trapezoid	
	دوزنقه قائم الزاویه
right angled triangle	
	مثلث قائم الزاویه
right annihilator	
	پوچ ساز راست
right ascension	
	بعد، قوس استوایی ما بین اعتدال
right body	
	جسم صلب، جسم سخت
right censored	
	راست‌سانسوریده
right censoring	
	سانسور از راست
right circular	
	مستدیر قائم
right circular cone	

مخروط مستدیر قائم، مخروط قائم دوار
right circular cylinder
استوانه مستدیر قائم، استوانه قائم دوار
right congruence
قانون حذف از راست، همنهشتی راست
right conoid
مخروط گون قائم
right continuity
پیوستگی سمت راست
right continuous function
تابع راست-پیوسته
right coordinate system
دستگاه مختصات دست راستی
right coset
هم مجموعه راست، هم‌رده راست، طبقه راست، هم‌دسته راست
right coset space
فضای خارج قسمت راست، فضای هم مجموعه های راست
right cylinder
استوانه راست
right cylindrical solid
جسم استوانه ای قائم
right derivative
مشتق راست، مشتق دست راست
right descendant

	نسل راست
right differentiable function	
	تابع راست، مشتق پذیر
right dihedral angle	
	زاویه دو وجهی قائمه
right distributive	
	بخش پذیر از راست
right distributive law	
	قانون پخش پذیری از راست
right distributivity	
	پخش پذیری از راست
right down	
	گرد کردن نقصانی
right downward	
	از راست به پایین
right downward slanted line	
	خط متمایل به سمت راست متمایل به سمت پایین
right endpoint	
	نقطه انتها
right factor	
	مقسوم علیه راست، عامل راست
right Haar measure	
	اندازه هار راست
right half open	

	نیمساز راست
right half plane	
	نیم صفحه راست، نیمه راست صفحه
right hand	
	راست
right hand continuity	
	پیوستگی راست، اتصال از راست
right hand derivative	
	مشتق راست
right hand limit	
	حد راست
right hand rule	
	قانون دست راست
right hand shadow price	
	قیمت سایه راست
right hand side	
	سمت راست، طرف راست
right hand side column	
	ستون سمت راست
right hand side vector	
	بردار سمت راست
right hand tangent	
	مماس راست
right hand tangent line	

خط مماس راست	
right hand tool	
ابزار راستبر، قلم راستبر	
right handed	
راست گرد	
right handed cartesian frame	
دستگاه مختصاتی دکارتی راست گرد	
right handed circular helix	
مارپیچ استوانه ای راستگرد	
right handed coordinate	
مختص (ات) راست دست	
right handed coordinate system	
دستگاه مختصات راست دست	
right handed curve	
منحنی راست گرد	
right handed helix	
مارپیچ راست دست	
right handed trihedral	
کنج سه وجهی راست گرد	
right helicoid	
سطح مارپیچی قائم	
right hereditary ring	
حلقه موروثی راست	
right ideal	

ایده آل راست	
right identity	
همانی راست	
right invariant tensor field	
میدان تانسوری راست-ناوردا	
right inverse	
وارون راست، معکوس راست	
right inverse element	
عنصر وارون راست	
right invertible	
معکوسپذیر راست	
right invertible linear transformation	
تبدیل خطی معکوسپذیر راست	
right invertible matrix	
ماتریس معکوسپذیر راست	
right k module	
مدول راست k-	
right limit	
حد راست	
right linear grammar	
دستور خطی راست	
right lipschitz condition	
شرط لیپ شیتس دست راستی	
right lower derivative	

	مشتق پایین راست
right motion	
	حرکت مقید، حرکت جسم صلب
right multiplication	
	ضرب از راست
right on	
	با حق تقدم
right open interval	
	بازه نیم باز از راست
right parallelepiped	
	متوازی السطوح قائم
right prism	
	منشور قائم
right quotient space	
	فضای خارج قسمت راست، فضای هم مجموعه های راست
right reflection	
	قرینه راست
right ring	
	حلقه راست
right rule	
	قاعده سمت راست
right section	
	مقطع قائم، مقطع مسطح
right semihereditary ring	

حلقه نیم موروثی راست	
right side	
	سمت راست
right sign	
	علامت درست، علامت خاص
right singular vector	
	بردار منفرد راست
right space	
	فضای صلب
right subtree	
	زیردرخت راست
right successor	
	تالی راست
right tangent	
	مماس راست
right topology	
	توپولوژی راست
right translation	
	انتقال راست
right triangle	
	مثلث قائمه، مثلث قاوم الزاویه
right truncated prism	
	منشور ناقص قائم
right unit element	

right upper derivative	عنصر یکه راست
righthanded	مشتق بالای راست
rightmost derivation	راستگرد
rights and obligation	اشتقاق از راست
rights offering	حقوق مالکانه و تعهدات
rigid	عرضه گواهینامه حق تقدم خرید سهام
rigid body	جامد، صلب
rigid motion	جسم صلب
rigid space	حرکت صلب
rigid uniformity	فضای صلب
rigidity	یکنواختی مطلق
	صلبیت، سختی، استحکام، سختی، مقاومت، محکمگی، عدم نرمش، عدم انعطاف

rigidity of a sphere	سختی کره
rim	حاشیه، حاشیه دار کردن، طوقه، لبه
rim area	سطح دیواره، سطح جداره
rimming	اکسیدزدایی
ring	حلقه (ها)
ring compound	دوری، سیکلیک
ring homomorphism	همریختی حلقه ها، هم ریختی حلقه ای
ring isomorphism	یک ریختی حلقه ای، یگریختی حلقه ها
ring jig	الگوی کار حلقوی
ring mappings of a set into a ring	حلقه نگاشت های یک مجموعه در یک حلقه
ring network	شبکه حلقه ای
ring of endomorphisms	حلقه درون ریختی ها، حلقه درسانی ها

ring of gaussian integers	حلقه عدد های صحیح گاوسی
ring of integers	حلقه عدد های صحیح
ring of integers mod p	حلقه اعداد صحیح با کالبد p
ring of integers modulo p	حلقه اعداد صحیح به سنج p
ring of linear transformations	حلقه تبدیل های خطی
ring of matrices of order n	حلقه ماتریس های مرتبه n
ring of polynomials	حلقه چندجمله ای ها
ring of rational integers	حلقه اعداد صحیح گویا
ring of real quaternions	حلقه کوترنیون های حقیقی
ring permutation	جایگشت حلقه ای
ring theory	نظریه حلقه، نظریه حلقه ها
ring with identity element	حلقه یگانی، حلقه با عنصر خنثی

ring with unit element	حلقه با عنصر یکه
ring with unity	حلقه واحد دار
ring-width index	شاخص حلقه‌پهنا
Riordan identity	اتحاد ریوردان
rise	بالا رفتن، برخاست، نمو، افزودن، افزایش، صعود، نشیب، خیز، فرورفتگی
rise per teeth	برجستگی در هر دندان، اختلاف ارتفاع
rise to run	پرش به دوش
rise to run ratio	نسبت پرش به دوش
riser	تغذیه کننده، بالا برنده
Risk	خطر – احتمال زیان
risk adjusted return	بازده تعدیل شده ریسک
risk analysis	

	تجزیه و تحلیل ریسک
risk appetite	
	ریسک پذیری
risk assessment	
	برآورد/ارزیابی ریسک
risk averse investor	
	سرمایه گذار ریسک پذیر
Risk averter	
	ریسک گریز
risk avertor	
	ریسک گریز
risk avoider	
	ریسک ناپذیر، محافظه کار، ریسک ناطلب
risk focused approach	
	روش مبتنی بر ریسک
risk free borrowing	
	استقراض بدون ریسک
risk free lending	
	وام دهی بدون ریسک
risk free rate	
	نرخ بهره بدون ریسک
risk free rate interest	
	نرخ بهره بدون ریسک
risk function	

	تابع مخاطره
risk index	
	شاخص ریسک
risk indicators	
	شاخصهای ریسک نشانگرهای ریسک
risk indifferent	
	بی تفاوت به ریسک
risk loving investor	
	سرمایه گذار بی تفاوت
risk of assessing control risk too high	
	ریسک برآورد ریسک کنترل در سطحی بسیار بالا
risk of assessing control risk too low	
	ریسک برآورد ریسک کنترل در سطحی بسیار پایین
risk of error	
	مخاطره اشتباه
risk of incorrect acceptance	
	ریسک پذیرش نادرست
risk of incorrect acceptance beta risk	
	ریسک پذیرش نادرست نام دیگر ریسک بتا
risk of incorrect rejection alpha risk	
	ریسک رد نادرست
risk of overreliance	
	ریسک اتکای بیشتر از واقع
risk of underreliance	

ریسک اتکای کمتر از واقع	
risk premium	
	صرف ریسک
risk ratio	
	نسبت ریسک
risk return trade off	
	توازن بین ریسک و بازده
risk seeking investor	
	سرمایه گذار ریسک پذیر/سرمایه گذار ریسک طلب
risk structure	
	ساختار ریسک
Risk structure of interest	
	ساختار مخاطره آمیز نرخهای بهره
risk structure of interest rates	
	ساختار ریسک نرخهای بهره
risk theory	
	نظریه مخاطره
risk tolerance	
	قدرت تحمل ریسک توان ریسک پذیری
Risk-Adjusted Discount Rate	
	نرخ تنزیل تعدیل شده
Risk-free rate of interest	
	نرخ بهره بدون ریسک
riskless portfolio	

مجموعه سرمایه گذاری بدون ریسک پرتفوی بدون ریسک
risktaker
ریسک پذیر
Ritz method
روش ریتس
rival hypotheses
فرضیه‌های رقیب
rivalry
رقابت
riveting
پرچکاری
Road
جاده
Robbins-Monro procedure
شیوه رابینز-مونرو
robot
آدم مصنوعی، آدم مکانیکی، آدم آهنی، آدم ماشینی، ربات، دستگاه خودکار، آدمک آهنی
robust
نیرومند، قوی
robust distance
فاصله استوار
robust estimation
برآورد استوار

robust estimation of multivariate location and scatter	برآورد استوار مکان و پراکنش چندمتغیره
robust inspection sampling plan	طرح نمونه‌گیری استوار برای بازرسی
robust regression	رگرسیون استوار
robust smoothing	هموارسازی استوار
robust substitute	جانشین استوار
robust test	آزمون استوار
robust test for change-point model	آزمون استوار برای مدل نقطه تغییر
robustification	استوارسازی
robustness	استواری
robustness in experimental design	استواری در طرح آزمایش
robust-resistant Line	خط استوار-مقاوم
rocket	

موشک	
rocket launching problem	
	مسأله تغذیه موشک، مسأله تغذیه راکت
rockwell hardness test	
	ضریب سختی راکول، آزمایش راکول، آزمایش سختی راکول
rod	
	میل، شاخص، مفتول، میله، میله مدرج، میل گرد
Rodrigues' formula	
	فرمول رودریگز
rodrigues's formula	
	فرمول رودریگز
Role	
	نقش و وظیفه
role playing	
	نقش بازی کردن، آزمایش و تمرین، ایفای نقش
roll	
	نورد کردن، غلتک، نورد، غلتک کاری کردن، نورد کاری، نوردیدن
Roll – over credit	
	اعتبار گردان
roll barrel	
	استوانه غلتک
roll bearing	
	یاتاقان غلتکی

roll conveyor	نقاله قرقره ای، نقاله غلتکی
rolle theorem	قضیه رول
rolle's theorem	قضیه رل
rolling	غلطان، نورد کاری، غلتک کاری، نورد، عملیات نورد، غلتزنی، غلتکزنی
rolling body	جسم غلطان
rolling budget	بودجه چرخشی بودجه مستمر
rolling mill	دستگاه نورد، ماشین نورد، نورد ورق، کارخانه نورد، کارگاه نورد
rolling motion	حرکت غلتشی
Rollover	تامین منابع جدید
rolls	سنگ شکن، غلتکی، جفت غلتک، ماشین کلوخه سازی
rollver jig	حرکت غلتشی
roman numbers	

اعداد رومی، دستگاه عدد نویسی رومی
roman numerals
ارقام رومی
Romanovskii R-test
آزمون R رومانوفسکی
Room's squares
مربعهای روم
root
ریشه
root bend
خمش ریشه ای
root circle
دایره بن دندان، دایره ریشه، دایره پایه
root diameter
قطر هسته، قطر مغزی، قطر پایه
root field
هیات ریشه ها
root mean square
ریشه میانگین توانهای دوم
root mean square deviation
ریشه میانگین توان دوم انحراف
root of a number
ریشه عدد، ریشه یک عدد
root of a polynomial

ریشه چندجمله ای	
root of an equation	
ریشه یک معادله	
root of an equation test	
آزمون ریشه یک معادله	
root of equation	
ریشه های معادله	
root test	
آزمون ریشه	
root tree	
درخت ریشه ها	
root tree diagram	
نمودار درختی ریشه دار	
rootagon	
ریشه ضلعی	
rootistic distribution	
توزیع ریشه ای	
rootogram	
ریشه نگار	
roots of unity	
ریشه ها یک	
rosace	
گلبرگ، گلگونه، چند برگی، گلبرگ گونه، خوشه ای، انشعاب	
rose diagram	

	نمودار گل سرخی
Rosenthal's moment inequality	
	نابرابری گشتاوری روزنتال
rosette pattern	
	توزیع گل رزی
roster	
	نوبتی
roster notation	
	نماد گذاری نوبتی
rotary	
	دورانی، گردان، دوار، گردنده، چرخشی
rotary indexing fixture	
	کارگیر گردان، بست گردان تقسیم شو، شاخصدار
rotary shear	
	قیچی گردان
rotatability index	
	شاخص دوران پذیری
rotatable	
	دوران پذیر
rotatable design	
	طرح دوران پذیر
rotating panel	
	پانل چرخشی
Rotation	

	چرخش
rotation angle	
	زاویه دوران
rotation equation	
	معادله دوران
rotation group	
	گروه دوران
rotation group bias	
	اریبی چرخش گروه
rotation invariance	
	پایای دوران
rotation of a vector	
	دوران بردار
rotation of axes	
	دوران محور ها
rotation of fluid	
	دوران سیال
rotation sampling	
	نمونه‌گیری چرخشی
rotation technique	
	فن دوران
rotational	
	چرخشی، دورانی
rotational coordinates	

	مختصات دورانی
rotational tests	
	آزمون چرخه‌ای
rotationed	
	دوران یافته
rotor	
	دستگاه چرخنده
rouche theorem	
	قضیه روشه
rouche's theorem	
	قضیه روشه
rouge	
	گرد صیقل
rough	
	ناهموار
Rough-Cut Capacity Planning	
	مجموعه برنامه‌ریزی تخمینی ظرفیت‌ها
roughest	
	تقریبی‌ترین
roughing cut	
	برش خشن، زبربری
roughing mill	
	دستگاه پیش‌نورد
roughly speaking	

	صرف نظر از جزئیات، تقریباً
roughness	ناهمواری
roughness penalty	تاوان ناهمواری
roulette	چرخک
round	میل گرد، گرد کردن، سرراست کردن، رُند کردن، گرد
round angle	زاویه تمام صفحه
round bracket	پرانتز
round error	خطای ناشی از گرد شدن، خطای سرراست کردن
round file	سوهان دم موشی، سوهان گرد
round lot	معاملات صد سهمی
round nose chisel	قلم نوک گرد
round number	عدد گرد شده، عدد بی خرده، عدد صحیح
round off	

گرد کردن	
round off error	
خطای گرد کردن	
round off error of an approximation	
خطای گرد کردن یک تقریب	
round robin tournaments	
دوره‌بازیهای دوره‌ای	
round runner	
داهگاه با مقطع گرد	
round sheet	
ورقه مسیر کار، برگه عملیاتی	
round trip	
یک دور رفت و برگشت، گرد کردن اضافی	
rounded distribution	
توزیع گرد شده	
rounding	
گرد کردن، عمل گرد کردن، سراسر کردن	
rounding down	
گرد کردن نقصانی	
rounding error	
خطای گرد کردن	
rounding off	
روند کردن	
rounding rule	

قاعده گرد کردن	
rounding up	
گرد کردن اضافی	
round-off error	
خطای گرد کردن	
Route	
مسیر	
route sampling	
نمونه‌گیری مسیری	
routing	
راه در آری، گاه در آری	
routing sheet	
ورقه تعیین مسیر کار	
Routings	
روشها	
row	
سطر	
row and column design	
طرح سطری و ستونی	
row canonical form	
صورت متعارف نظری، صورت متعارف سطری	
row echelon form	
صورت پلکانی سطری	
row equivalence	

هم ارز سطری	
row equivalent	
هم ارزی سطری	
row equivalent matrices	
ماتریس های هم ارز سطری	
row matrix	
ماتریس سطری	
row nullity of a matrix	
سطر، پوچی ماتریس	
row of a matrix	
سطر ماتریس	
row of determinant	
سطر دترمینان	
row of matrix	
سطر ماتریس	
row operation	
عمل سطری	
row operations	
عمل های سطری	
row operators relationships	
عملیات سطری	
row player	
بازیکن سطری	
row rank	

	رتبه سطری، مرتبه سطری
row reduced	
	تحویل شده سطری
row reduced echelon	
	تحویل شده سطری پلکانی
row space	
	فضای سطری
row vector	
	بردار سطری
row zero	
	سطر صفر
Roy's characteristic root statistic	
	آماره ویژه مقدار روی
royalty	
	حق امتیاز
royalty agreement	
	قرارداد حق الامتیاز
royalty free	
	حق امتیاز
rtrihedron	
	سه وجهی مقایسه
rubber	
	کائوچو، لاستیک
rugged	

	مقاوم، مستحکم، خشن
ruin	
	ورشکستگی
ruin probability	
	احتمال نابودی
Rule	
	قانون
rule depth gage	
	خط کش عمق سنج، عمق سنج خط کش دار
rule of addition	
	قانون جمع
rule of calculation	
	دستور محاسبه
rule of compound probabilities	
	قانون احتمال های مرکب
rule of conduct	
	آیین رفتار حرفه‌ای
rule of description	
	قانون ترسیم
rule of detachment	
	قاعده انتزاع
rule of exponents	
	قاعده نماها
rule of false position	

قاعده امتحان و تصحيح	
rule of inference	
قاعده استنتاج	
rule of multiplication	
قانون ضرب	
rule of multiplication of sings	
قاعده ضرب علائم	
rule of sign	
قاعده علامت، قاعده نشان	
rule of signs	
قاعده علامات	
rule of sum	
قاعده مجموع	
rule of three	
تبدیل به واحد	
rule of two errors	
حساب خطاين	
rule space	
فضای قاعده‌ها	
ruled	
خط کشی، خط دار	
ruled surface	
رویه خط دار	
ruled surfaces	

	سطوح خط دار
ruler	
	خط کش مدرج، خط کش
ruler function	
	تابع خط کش
Rules and regulations	
	قواعد و مقررات
Rules of banking	
	اصول بانکداری
rules of debit and credit	
	قواعد بدهکار و بستانکار
rules of multiplication of signs	
	قاعده ضرب علامت ها
ruling	
	خط دار
ruling of the cylinder	
	یال های استوانه
rulings of the cone	
	یال های مخروط
Rumor	
	شایعه
Run	
	چرخه عملیاتی – اداره کردن- اجرا
run for	

	تقلا کردن، کوشش کردن
run from	
	پیموده شدن
run into	
	وارد کردن
run length	
	مدت اجرا
run out	
	خارج کردن
run over	
	به خود گرفتن
run through	
	گذشتن، عبور کردن، از میان گذشتن، از ... گذشتن
run time	
	زمان اجرا
run to run control	
	کنترل مرحله به مرحله، کنترل قدم به قدم
runge kutta method	
	روش رونگ-کوتا
Runge theorem	
	قضیه رونگه
runner	
	مجرای اصلی، پای راهگاه
running fit	

خوراندن رونده، انطباق روان، انطباق رونده
running median
میانه روان
running time
زمان اجرا
runs test
آزمون تغییر قیمت
runs test for symmetry
آزمون گردش برای تقارن
runs-up-and-down test
آزمون گردشهای بالا و پایین
rupture strength
استحکام پارگی، استحکام شکست، بار کششی، مقاومت در برابر پارگی
Russell definition of finiteness
تعریف راسل از تناهی
russell definition of fitness
تعریف راسل از تناهی
Russell paradox
پارادوکس راسل
russell's paradox
تناقض راسل، باطل نمای راسل
Ryan's multiple comparisons procedure
شیوه مقایسه‌های چندگانه رایان

s	حرف نوزدهم الفبای انگلیسی
s algebra	جبر s-
s curve	خم s شکل
s field	میدان s
s perpendicular	قائم بر s
s space	فضای شوارتس، s- فضا
saddle	زین، خرک، مقره، زینی
saddle point	نقطه زینی، نقطه زین مانند، نقطه زین اسبی
saddle point method	روش نقطه زینی
saddle point theorem	قضیه نقطه زینی
saddle region	ناحیه زینی
saddle shaped	زینی شکل

saddlepoint	نقطه زیننی، نقطه اتکاء، نقطه زین اسبی، نقطه تعادل
Safe – deposit box	صندوق امانت
safeguarding of assets	نگهداری / محافظت از داراییها
Safety	امنیت- ایمنی
safety factor	عامل استحفاظی، عامل اطمینان، ضریب اطمینان
safety latches	چفت ایمنی، بست اطمینان
safety stock	ذخیره احتیاطی
safety training	آموزش ایمنی
safety valve	دریچه اطمینان، شیر اطمینان، سوپاپ اطمینان
sag	خمیدگی، نوک بلندی، خمش، تاب برداشتن، شکم برداشتن
sagging bending moment	گشتاور خمشی خیز دار
sagitta	سهام

Salam Sukuk	اوراق سلف
Salaries Payable	حقوق پرداختی
Salary	مزد- حقوق- اجرت
Salary account	حساب جاری حقوق
Salary Administration	مدیریت حقوق و دستمزد
Salary Range	دامنه حقوق
Salary System	سیستم حقوق
sale	فروش، حراج
sale discount	تخفیف از فروش، تخفیف نقدی از فروش
sale leaseback	فروش و اجاره مجدد
sale policy	سیاست فروش
Sale Price	قیمت فروش

saled forecasting	پیش بینی فروش
Sales	فروش
sales agency	نماینده‌گی فروش
Sales Agent	عامل فروش
sales and collection cycle	چرخه فروش و وصولیهای نقدی
sales budget	بودجه فروش
sales commissions	کمیسیون فروش کارمزد فروش
Sales Department	دایره فروش
sales discount	تخفیف فروش
sales discounts	تخفیفات فروش
sales force	نیروی فروش
Sales forecast	پیش بینی فروش

sales journal	دفتر روزنامه فروش
Sales Manager	مدیر فروش
sales mix	ترکیب فروش
sales mix variance	انحراف ترکیب فروش
sales on account	فروش نسبه
sales on approval	فروش از طریق تأیید یا تصویب
Sales Order	سفارش فروش
Sales Plan	برنامه فروش
sales price variance	انحراف قیمت فروش
sales Quantity in units	تعداد واحدهای فروش
Sales Return	برگشت از فروش
sales return and allowance	برگشت از فروش و تخفیفات

sales revenue	درآمد فروش
sales rype lease	روش نسبت فروش به تولید
Sales System	سیستم فروش
sales to production ratio method	روش درآمد و فروش
sales value at split off allocation	تخصیص بر مبنای ارزش فروش در نقطه تفکیک
sales value at split off method	روش ارزش فروش در نقطه تفکیک
sales volume	حجم فروش
sales volume variance	انحراف حجم فروش
sales with recourse	روش با حق مراجعه
Salesman	فروشنده
salianon	سرداب نمک، سالینون
salient	برجسته، تیز

salient angle	زاویه محدب
salient point	نقطه توقف، نقطه تیز
salt bath furnace	کوره حمام نمک
saltus	جهش، قطع پیوستگی، حذف مرحله لازم اثباتی در منطق
saltus of a function	جهش یک تابع
salvage value	ارزش اسقاطی، قیمت قدیمی شدن، قیمت حراج، بازیافتی، ارزش اسقاط
same	همان، همانند، همسان، یکسان
same length	هم طول
same parity	هم افزار
same sense inequalities	نامساوی های متحدالجهت
same subject	هم موضوع
same thing	

همان عملیات
sameness
تشابه، یکسانی، همسانی
Sample
نمونه
sample correlation coefficient
ضریب همبستگی نمونه ای، ضریب همبستگی نمونه
sample covariance
کواریانس نمونه ای
sample design
طرح نمونه ای، طرح نمونه
sample distribution
توزیع نمونه ای
sample exam
آزمون نمونه نمونه آزمون
sample examinations
آزمون های نمونه نمونه امتحانات
sample function
تابع نمونه ای
sample mean
میانگین نمونه
sample mean distribution
توزیع نمونه ای
sample mean vector

	بردار میانگین نمونه ای
sample median	
	میانه نمونه، میانه نمونه ای
sample number	
	تعداد نمونه
sample of size n	
	نمونه n تایی
sample path	
	مسیر نمونه ای
sample place	
	فضای نمونه، فضای نمونه ای
sample point	
	نقطه نمونه، پیشامد ساده، پیشامد مقدماتی، نقطه نمونه ای
sample problem	
	مسأله نمونه
sample range	
	وسعت نمونه، طیف نمونه، حدود نمونه
sample size	
	اندازه نمونه، طیف نمونه، حدود نمونه
sample space	
	فضای نمونه ای
sample standard deviation	
	انحراف معیار نمونه
sample survey	

	بررسی نمونه ای
sample unit	
	واحد نمونه
sample value	
	مقدار نمونه
sample values	
	مقادیر نمونه ای
sample variability	
	تغییر پذیری/پراکندگی نمونه
sample variance	
	واریانس نمونه
sample variance covariance matrix	
	ماتریس واریانس کوواریانس نمونه ای
sample vector	
	بردار نمونه
sampled	
	نمونه گیری شده
sampling	
	نمونه گیری، نمونه برداری
sampling approach	
	شیوه نمونه برداری، روش نمونه برداری
sampling by attributes	
	نمونه گیری وصفی
sampling by variables	

نمونه گیری کمی	
sampling design	
طرح نمونه برداری	
sampling distribution	
توزیع نمونه گیری	
sampling distribution mean	
میانگین توزیع نمونه ای	
sampling error	
خطای نمونه گیری	
sampling fluctuation	
تغییرات نمونه گیری	
sampling fraction	
کسر نمونه گیری	
sampling inspection	
بازرسی نمونه ای، بررسی نمونه ای	
sampling interval	
فاصله نمونه گیری	
sampling moments	
گشتاور های نمونه گیری	
sampling on several occasions	
نمونه گیری پی در پی	
sampling plan	
برنامه نمونه گیری	
sampling plans	

طرح‌های نمونه‌گیری	sampling procedure
شیوه نمونه‌گیری	sampling ratio
نسبت نمونه‌گیری	sampling risk
ریسک نمونه‌گیری	sampling size
میزان نمونه برداری، اندازه نمونه‌گیری	sampling survey
آمارگیری نمونه‌ای	sampling technique
فن نمونه برداری، شیوه نمونه برداری	sampling theorem
قضیه نمونه‌گیری	sampling theory
تئوری نمونه‌گیری، نظریه نمونه‌گیری، واحد نمونه‌گیری	sampling unit
واحد نمونه‌گیری	sampling variance
واریانس نمونه‌گیری	sampling with replacement
نمونه‌گیری با جایگذاری	sampling with replacement scheme

شماری نمونه گیری بازگردان	
sampling without replacement	
نمونه گیری بی جایگذاری، نمونه گیری بدون جایگذاری	
sampling without replacement scheme	
شمای نمونه گیری بدون بازگردان	
Sarbanes-Oxley act	
قانون ساربینز – اکسلی	
sarrus rule	
قاعده ساروس	
satandard error	
خطای استاندارد، خطای استانده، خطای پایه، خطای معیار	
satellite	
ماهواره، قمر مصنوعی	
satisfaction	
رضایت، رضا	
satisfactory	
رضایتبخش	
satisfiability	
صدق پذیری	
satisfiable formula	
فرمول صدق پذیر	
satisfiable forumula	
فرمول صدق پذیری	
satisfy	

ارضاء کردن، صدق کردن در، صدق کردن، برآردن	
saturated	
اشباع شده، اشباع	
saturated solution	
محلول اشباع شده	
saturation	
اشباع	
save	
پس انداز کردن، ذخیره کردن	
Save As You Earn	
پس انداز تدریجی به هنگام دریافت درآمد	
Save marginal propensily	
میل نهائی به پس انداز	
Saving	
پس انداز	
saving and loans	
موسسات	
saving deficit economic units	
واحدهای اقتصادی دارای کمبود پس انداز	
Saving function	
تابع پس انداز	
saving surplus economic units	
واحدهای اقتصادی دارای مازاد پس انداز واحدهای اقتصادی دارای پس انداز اضافی	

savings	پس اندزارها صرفه جویی ها
Savings – deposit	حساب سپرده پس انداز
Savings account	حساب پس انداز
Savings and loan association	شرکت پس انداز و وام
Savings bank	بانک پس انداز
Savings bonds	سند قرضه پس انداز
Savings book	دفترچه پس انداز
saw toothed	دندانه اره ای
sawtooth function	تابع دندانه اره ای
say	مثلا
scaffolding	داربست گذاری، داربست، قلاب شدن کوره
Scalable	مقیاس پذیری نامحدود

scalar	اسکالر
scalar capacity	ظرفیت عددوار، ظرفیت عددی
scalar curvature	خمیدگی اسکالر
scalar density	جرم مخصوص عددوار
scalar equation	معادله اسکالر، معادله عددی
scalar field	میدان عددی، میدان اسکالر، هیأت اسکالر ها
scalar function	تابع اسکالر
scalar matrix	ماتریس اسکالر
scalar multiplication	ضریب اسکالر، ضرب نردکی، ضرب اسکالر، ضرب عددی، ضرب نرده ای
scalar multiple	ضرب اسکالر، مضرب اسکالر، مضرب عددی
scalar multiplication	ضرب اسکالر
scalar polynomial	

چندجمله ای اسکالر	
scalar product	
ضرب اسکالر	
scalar product of two vectors	
حاصل ضرب اسکالر دو بردار، حاصلضرب داخلی	
scalar quantity	
کمیت اسکالر، کمیت عددی، کمیت نرده ای	
scalar triple	
سه گانه اسکالر	
scalar triple product	
حاصل ضرب سه گانه اسکالر	
scale	
مقیاس	
scale change	
تعویض سنجه	
scale diagram	
نموداغر پراکنش	
scale factor	
ضرب مقایسه	
scale factor of conformal transformation	
ضریب مقایسه تبدیل همدیس	
scale parameter	
پارامتر مقیاس	
scale unit	

به اندازه ... واحد، واحد
scalene
مختلف الاضلاع
scalene numbers
عدد های لوحی
scalene of measurement
مقیاس اندازه گیری
scalene triangle
مثلث غیر مشخص، مثلث مختلف الاضلاع، مثلث نه راست پهلو
scalene value
اندازه
scaling
نسبت دادن مقیاس، مقیاس
scaling method
روش مقیاس بندی
scaling type saw tooth
دنده اره حلزونی، دندانه اره نوع حلزونی
Scalper
معامله گرانی که در بازار فارکس با حجم بالا به قصد دریافت چند پیپ معامله می کنند.
scan
جستجو کردن، پویندن، حساب رسی اجمالی، ردگیری، معاینه پی در پی، خواندن
scanner

قلم نورانی
scanning
آزمایش، واریسی، رگزی، خط زنی، مطالعه، تحقیق، پویش
scant curve
منحنی سکانت
scapegoat
سپر بلا
scarce
کمبود، کمیاب
scarce resources
منابع کمیاب
scatter
پراکنش
scatter diagram
نمودار پراکنش
scattered
پراکنده
scattered sheaf
بافه پراکنده
scattergraph
نمودار پراکندگی
scattering
پراکندگی
scattering operator

عملگر پراکندگی	
scatterplot method	
روش ترسیم نمودار پراکندگی	
Schedule	
برنامه (زمانی)	
schedule of prices	
چداول فهرست قیمت‌ها	
scheduling	
برنامه بندی زمانی، برنامه ریزی زمانی، برنامه زمان بندی، تنظیم برنامه زمان بندی شده، زمان بندی	
scheduling problems	
مسائل زمان بندی	
schein problem	
مسائل مجازی	
schema	
شکل، نمودار، طرح	
schematic	
الگووار، خلاصه، طرح، طرحواره، ترسیمی	
schematic diagram	
نمودار کلی	
scheme	
طرح	
schlafli integral	
انتگرال شلفلی	

schlicht	یک ارزشی، تک ارزشی
schlicht function	تابع (تحلیلی) تک ارز، تابع ساده
school of thought	مکتب فکری
schroder bernstein theorem	قضیه شرویدر-برنشتین
Schur lemma	لم شور
schur theorem	قضیه شور
Schwartz Christoffel formula	فرمول شوارتس-کریستوفل
schwartz christoffel transformation	تبدیل شوارتس-کریستوفل
schwartz inequality	نامساوی شوارتز
Schwartz space	فضای شوارتس، S -فضا
Schwarz	شوارتز
schwarz christoffel transformation	تبدیل شوارتس کریستوفل

Schwarz inequality	نابرابری شوارتس
schwarz integral formula	فرمول انتگرال شوارتس
Schwarz theorem	قضیه شوارتس
schwarz's inequality	نابرابری شوارتس
schwarz's lemma	لم شوارتز
schwarzian derivative	مشتق شوارتزی، مشتق شوارتسی
science	علم، دانش
scientific	علمی
scientific management	مدیریت علمی
scientific method	روش علمی
scientific method of inquiry	روش علمی تحقیق کاوش به روش علمی
scientific notation	نماد علمی

scientific revolution in accounting	انقلاب علمی در حسابداری
scientifically	به طور علمی
scope	دامنه رسیدگی
scope limitation	محدودیت در دامنه رسیدگی
scope paragraph	بند دامنه رسیدگی
score	برد، حدود، وسعت، دامنه، حوزه، دامنه فعالیت، میدان عمل، محدوده ی، میدان، قلمر، حوزه، هدف، منظور، طرح نهایی، حوصله، اندازه، نمره، حساب کردن، به حساب آوردن، امتیاز آوردن، ثبت کردن، حساب، امتیاز، خش، شیار، شکاف، خط انداختن
score class	کلاس نمره، طبقه نمره
score it under	زیر آن خط بکشید
scrap	مواد قراضه ضایعات مواد
scrap material	مواد قراضه ضایعات مواد
scrap strip	

نوار زاید، تسمه دور ریز
scrap value
ارزش اسقاط
scratch
خراشیدن، خش، خط انداختن، سایش، ساییدن، خراشیدگی
screen
الک کردن، غربال کردن، سرند کردن، سرند، صافی فلزی، صافی
screening inspection
بازرسی غربالی
screw
پیچ دادن، پیچاندن، پیچ، سفت کردن
screw conveyor
نقاله حلزونی، نوار نقاله پیچی، نقاله پیچی
screw dislocation
نابجایی پیچشی
screw line
پیچ، مارپیچ، حلزونی، منحنی
screw thread
راه پیچ، پای پیچ، رزوه خارجی پیچ، رزوه پیچ، نخ پیچ
scriber
خط انداز، سوزن خط کش، سوزن خط کشی، قلم حکاکی، سوزن خط انداز
scrip dividend

	سود تعهد شده سهام
scrip issue	
	انتشار سود سهمی
sdidus	
	مرز جامد، خط کسری
seaf of ideals	
	بافه ایده آل ها
seal	
	آب بندی، چسب، محکم کردن، واشر آب بندی، درز بند، درز بندی، مهره
sealing ring	
	حلقه آب بندی
seam	
	شکاف، درز گرفتن، درز گیری کردن، درزی، شیار، درز
seaming	
	درزکاری، درز بندی
seamless	
	بدون خط اتصال، بی درز، بدون درز، یک تکه
Search	
	جستجو
search light	
	نور افکن
seasonal	
	فصلی

Seasonal credit	وام فصلی
seasonal demand	تقاضای فصلی
seasonal effect	اثر فصلی
seasonal markets	بازارهای فصلی
seasonal variation	تغییرات فصلی
Seasonality Formulas	فرمول های فصلی
seat	عضو بورس
sec	سکانت، عکس کسینوس
sec independence rules	مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادر در خصوص استقلال حسابرسان
secant	سکانت، قاطع، قطر ظل، متقاطع، خط وتر، قاطع، خط قاطع، متقاطع
secant figure	شکل قطاع، قطاع
secant function	

	تابع سکانت
secant line	
	خط متقاطع، قاطع، خط قاطع
secant method	
	روش قاطع، روش وتری
sech	
	سکانت هیپربولیک، سکانت هذلولی
second	
	دو (دوم)
second best optimization	
	بهینه سازی ثانویه، بهینه سازی دوم
second boundary value problem	
	دومین مسأله مقدار مرز
second coordinate	
	مختص دوم
second curvature	
	انحنای کلی
second degree	
	درجه دوم
second degree curve	
	منحنی درجه دوم
second degree equation	
	معادله درجه دوم
second derivative	

second derivative test	مشتق مرتبه دوم
second diagonal	آزمون مشتق دوم
second dual	قطر فرعی
second fundamental form of a hypersurface	دوگان فرعی
second fundamental form of a hypersurface	دومین صورت بنیادی ابر رویه
second fundamental form of a hypersurface	دومین صورت بنیادی ابر رویه
second isomorphism theorem	دومین قضیه یکرختی
second kind	نوع دوم
second law of cosines	قانون دوم کسینوس ها
second mean value theorem	دومین قضیه مقدار میانگین
second number class	طبقه دوم اعداد
second of a finite group	بخش گروه متناهی
second of a polyhedral angle	

second order	مقطع کنج
second order derivative	مرتبه دوم
second order derivatives	مشتق مرتبه دوم، مشتق رتبه دوم
second order differential	مشتقات مرتبه دوم
second order differential equation	ديفرانسیل مرتبه دوم
second order equation	معادله ديفرانسیل مرتبه دوم
second order fundamental magnitude	معادله مرتبه دوم
second order polynomial function	دومین شکل اساسی
second partial	تابع چندجمله ای درجه دوم
second partial test	جزئی دوم
second permutation representation	آزمون جزئی دوم
second principl line	نمایش دوم جایگشتی

خط جبهی	second projection
تصویر دوم	second projection line
خط منتصب	second quadrant
ربع دوم	second quarter
سه ماهه دوم فصل دوم	second sample
نمونه دوم	second side
طرف ثانی	second side of equality
طرف راست تساوی	second side of the equality
طرف دوم معادله، طرف راست معادله	second state injection
تزریق در مرحله دوم	secondary
دومی، کمکی، فرعی، ثانوی	secondary audit objective
هدف ثانویه حسابرسی	secondary availability curve

منحنی موجودی کمکی	
secondary constraints	
	قیود ثانوی
secondary cooling	
	سردکاری ثانویه، مرحله دوم سرد کردن
secondary distribution	
	توزیع ثانویه
secondary market	
	بازار ثانویه
secondary offering	
	عرضه ثانویه اوراق بهادر
secondary qualities	
	ویژگی های کیفی ثانویه
secondary relations	
	روابط درجه دوم، روابط غیر اصلی
secondary reserve	
	اندوخته های پنهان
Secondary reserves	
	ذخایر درجه دوم
secondary storage	
	حافظه ثانویه، انباره ثانویه
secondly	
	ثانیا، دوم اینکه
second order interactions	

	اثرات متقابل مرتبه دوم
Secret	
	سری- محرمانه
Secretariat	
	دبیرخانه
Section	
	بخش- قسمت
section of a finite group	
	بخش گروه متناهی
section of a polyhedral angle	
	مقطع کنج
sectional	
	مقطعی، قطعه ای
sectionally	
	به طور مقطعی، به طور قطعه ای
sectionally continuous function	
	تابع قطعه ای پیوسته
sectionally smooth	
	قطعه قطعه هموار
sector	
	بخش
sector of a circle	
	قطاع دایره
sector plan	

	برنامه بخشی
sector selection	
	انتخاب بخش مورد نظر
sector target	
	هدف کمی بخش
secular equation	
	معادله عام
secular trend	
	روند دیرپای
Secure loan	
	کسب کردن وام
Secured credit	
	اعتبار تأمینی
secured creditors	
	بستانکار وثیقه دار
secures borrowing	
	استقرار اض مطمئن تامین مالی تضمین شده
Securities	
	اوراق بهادار
securities and commodities trading	
	تجارت/معامله اوراق بهادار و کالا
Securities and Exchange Commission	
	کمیسیون بورس و اوراق بهادار – این کمیسیون در سال ۱۹۳۴ به وجود آمد

securities and exchange commission (sec)	کمیسیون بورس و اوراق بهادار
securities exchange	بورس اوراق بهادار
securities exchange act of 1934	۱۹۳۴ قانون بورس اوراق بهادار سال
securities investor protection corporation (sipc)	شرکت حمایت از سرمایه بهادار (SIPC)
securitizations	داراییهای تبدیل به اوراق بهادار شده
security	ورقه بهادار ایمنی
security analysis	تجزیه و تحلیل اوراق بهادار
security analyst	تحلیل گر اوراق بهادار
security dealers	معامله گران اوراق بهادار
Security deposit	سپرده تضمینی
security market	بازار اوراق بهادار
Security Market Line	خط بازار اوراق بهادار

security market line (sml)	خط بازار اوراق بهادار
security selection	انتخاب اوراق بهادار گزینش سهم
see	ر . ک . (رجوع کنید به)
seek	با جستجو پیدا کردن، تعیین کردن، به جستجو پرداختن، پیدا کردن، در نظر گرفتن، جستجو کردن
segment	قطعه- بخش
segment in an ordered set	قطعه مجموعه مرتب
segment information	اطلاعات مربوط به قسمت‌ها/بخش
segment margin	حاشیه فروش بخش تجاری
segment of a circle	قطعه دایره
segment of a curve	پاره خم
segment of a line	پاره خط
segment of a sphere	

segment of the business	قطعه کرده
segmental	بخشی از واحد تجاری
segmentary	قطعه ای
segmentation	عمل قطعه قطعه کردن
segmented chip	تراشه شکست
segnificance level	سطح معنی دار بودن
segnificance probability	احتمال معنی دار
segnificance test	آزمون معنی دار بودن، آزمون معنی دار
Segregate	مجزا - تک - جدا
Segregated account	حساب تفکیکی
segregated goods	کالاهای متمایز
segregation	

تجمع ناخالصی ها، جدایش، قطعه بندی، انفکاک، تفرق
Select
انتخاب کردن
selected financial data
اطلاعات مالی منتخب
selecting accounting principle
انتخاب اصول حسابداری
selecting reportable segments
انتخاب بخشهای قابل گزارش
Selection
انتخاب – گزینش
selection factor
عامل گزینش، فاکتور انتخاب
selection option
اختیار انتخاب
selection statistic
آماره گزینش
selection with replacement
انتخاب با جایگزاری
selection without replacement
انتخاب بدون جایگزاری
selective
انتخابی، برگزیده، گزینشی، مبنی بر انتخاب، انتخاب کننده، دارای حسن انتخاب

selective assembly	جفت کردن انتخابی، جفت کردن قطعات
selective heating	گرم کردن موضعی
selective quenching	سخت کردن موضعی، سرد کردن منطقه ای، آب دادن موضعی
selectivity	قابلیت انتخاب
selector	انتخاب کننده، جداساز، گزیننده
self actualization	خودشکوفایی
self adapting system	سیستم خود وفق، سیستم خودتطبیق
self adjoint	خودالحاق، خودبروسته، خودالحاقی، خودهمال
self adjoint algebra	جبر خود الحاقی
self adjoint form	فرم هرمیتی
self adjoint matrix	ماتریس ارمیتی
self adjoint operator	عملگر خود الحاقی

self adjoint transformation	تبدیل خودالحاقی، تبدیل ارمیتی
self adjusting	خود تنظیمی
self adjustment	خود تطبیقی
self centering chuck	نظام خود مرکز کن
self checking number	عدد خودآزما
self conjugate	خود مزدوج، خود همیوغ
self conjugate element	عنصر خود-مزدوج
self consistent	خود سازگار
self consistent field	میدان خود سازگار
self constructed assets	داراییهای
self contained	همه چیز سر خود، خود شمول، بی نیاز
self correcting lu procedure	روش lu تصحیح خودبخود

self correction	خود کنترل، خود نظارتی
self dual algorithm	الگوریتم خود-دوگان
self dual analysis	آنالیز خود-دوگان
self dual linear space	فضای خطی خود دوگان
self esteem	عزت نفس
self evaluation	خود ارزیابی
self evident	بدیهی، خودپدیده، خود پیدا
self expenses	هزینه های فروش
self induced transparency	شفافیت خود القابیده
self inductance	خودالقائی، خود القاء
self induction	خود القا، خود القائی
self liquidating cycle	چرخه گردش وجوه نقد دوره تبدیل داراییهای جاری به وجه نقد

self maintaining structure	ساخت خود نگهدارنده
self orthogonal	برخود عمود، خود متعامد
self polar tetrahedron	چهاروجهی خود قطبی
self preparing system	سیستم خود مرمت کننده
self realization needs	نیاز های مربوط به شناخت شخصیت خویش
self regulating system	دستگاه تنظیم کننده خودکار، سیستم خود به خود تنظیم شونده، تنظیم شونده خودکار، سیستم خودفرمان، نظام خود بازیابی، سیستم خودکنترل، نظام خود نظمی، نظم خودکاری
self regulation	نظارت برخود خود نظارتی
self selection bias	اریبی خودگزینی
self service or teller assisted transactions	تراکنش هایی که توسط خود شخص یا به کمک تحویلدار انجام می شوند
self shielding	خود محافظ
self subgroup	زیرگروه خود مزوج، زیرگروه ثابت

self sufficient	خودکفا
self test problems	مسائل خود آزمایی
self testquestions	سوالات خود آزمایی
self weighting	خود وزنی
Sell	فروش
Sell – down	واگذاری اعتبار
sell at best	فروش به بالا رفتن (مطلوب ترین) قیمت ممکن
sell or process further	فروش یا پردازش بیشتر
seller lessee	فروشنده اجاره کننده
selling division	بخش/دایره فروشنده
selling group	گروه فروشنده
Selt – liquidation credit	اعتبار خودکفا

semantic	لغوی، معنائی
semantic content	محتوای معنایی
semantic interpretation	تفسیر محتوایی معنایی
semantic rules	قوانین لغوی، قوانین معنائی
semantical	لغوی، معنوی، معنائی
semantical level	در سطح معانی (ارتباط با واقعیت های اقتصادی)
semester	نیمسال تحصیلی
semi	پیشوند:، نیم، نیمه، نصف [semicircle]، پیشوندی بمعنی : نیم، نصف شده، تقریباً نصف، تاحدی
semi automatic mold	قالب نیمه اتوماتیک، قالب شبه خودکار
semi circle	نیم دایره
semi circular	نیمدایره ای، نیمه مستدیر
semi conductor	

نیم هادی، نیم رسانا، نیمه هادی، نیمه رسانا
semi continuous
نیمه متصل، نیمه پیوسته
semi convergent
نیم همگرا، نیمه همگرا، نیمه متقارب
semi cubic
نیمه مکعبی
semi cubical
نیم مکعبی
semi cubical parabola
سهمی نیم مکعبی
semi definite
نیم معین، نیمه معین
semi elliptic
نیم بیضوی
semi finished goods
کالا(های) نیمه تکمیل
Semi- Finished Goods
کالاهای نیمه تمام
semi function
تابع نیمه متصل
semi group
نیم گروه
semi infinite

نیمه نامتناهی، نیم بی پایان، نیم نامتناهی
semi interquartile
دامنه چارکی متوسط، چارک متوسط
semi interval
نیم فاصله
semi invariant
نا پایا، نیم استوار
Semi Knocked Down
قطعات نیمه منفصله
semi lie algebra
جبر لی نیم ساده
semi major axis
نیم قطر مهین
semi parabola
سهمی نیمه مکعبی
semi perimeter
نصف محیط
semi positive definite matrix
ماتریس معین نیمه مثبت
semi positive form
فرم نیمه مثبت
semi segment
نیم قطعه
semi series

سری نیم همگرا، سلسله نیمه متقارب
semi simple operator
عملگر نیم ساده
semi strip fluid flow in
جریان سیال در نوار نیمه نامتناهی
semiannual compounding
انباشت/محاسبه بهره بصورت هر شش ماه یکبار
semiaxis
نیم قطر
semicircle
نیم دایره
semicircular
نیمدایره ای
semiclassic
نیمه کلاسیک
semiclosed interval
بازه نیم بسته
semiconductor
نیمه هادی، نیمه رسانا
semicontinuity
نیم پیوستگی
semicontinuous
نیمه پیوسته، نیمه متصل
semicontinuous function

	تابع نیمپیوسته
semicylinder	
	نیم استوانه
semidefinite	
	نیم مطلق
semidefinite negative	
	منفی نیم مطلق
semidirect product of groups	
	حاصلضرب نیم مستقیم گروه ها
semiempirical	
	نیمه تجربی
semifinished good	
	کالای نیمه ساخته
semifinishing tooth	
	دندان نیمه پرداخت
semigroup	
	نیم گروه
semigroup algebra	
	جبر نیمگروهی
semigroup homomorphism	
	هم ریختی نیم گروهی
semigroup theory	
	نظریه نیم گروه ها
semihereditary ring	

حلقه نیمه موروثی	
semikilled worker	
کارگر نیمه ماهر، نیروی کار نیمه ماهر	
semilinear transformation	
تبدیل نیم خطی	
semilinear mapping	
نگاشت نیم خطی	
semilinear transformation	
تبدیل نیمخطی	
semilogarithmic paper	
کاغذ نیم لگاریتمی	
semimajor	
نیمه اطول	
semimajor axis	
محور نیمه اطول	
semimetric space	
فضای نیمه متری	
semiminor	
نیمه اقصر	
semiminor axis	
نیم قطر اقصر، نیم قطر کھین	
seminoching	
ریزه بری	
seminorm	

	نیم نرم
seminterquartile range	
	نصف دامنه تغییر بین دو ربع، نیمه دامنه میان چارکی
semiopen interval	
	بازه نیمباز
semiordered set	
	مجموعه نیمه مرتب
semiotic	
	ماورای منطق
semipath	
	نیم مسیر
semiperimeter	
	نصف محیط، نیم محیط
semipolar	
	نیمه قطبی
semipositive mold	
	قالب نیمه مثبت
semiprimary ring	
	حلقه نیم ابتدایی
semiprime ideal	
	ایدال نیمه اول
semiprimitive ring	
	حلقه نیم ابتدایی
semi-reduced form	

semireflexive locally convex space

فضای موضعا محدب نیمه بازتابی

semiregular transformation

تبدیل نیمه منظم

semisimple A module

مدول نیمساده-A

semisimple algebra

جبر نیم ساده

semisimple Lie algebra

جبر نیمساده

semisimple Lie group

گروه لی نیمساده

semisimple matrix

ماتریس نیم ساده

semisimple path

نیم مسیر ساده

semisimple ring

حلقه نیمساده

semisphere

نیم کره

semistable distribution

توزیع نیمپایدار

semistrong form market efficiency

شکل نیمه قوس کارآیی بازار	
semitrail	نیم گذر
semivariable cost	هزینه نیمه متغیر
senary	شش تائی، شش
Send	فرستادن
Sender	فرستنده
senior claims	ادعاهای اولویت دار
sense	جهت، سو، مفهوم، معنی
sense of a line	جهت یک خط
sense of an angle	جهت زاویه
sense of an inequality	جهت نابرابری، جهت نامساوی
sense of variation	جهت تغییرات تابع
sensed	

	توجیه شده، هدایت شده، جهت دار، راستا دار
sensible	
	محسوس
sensitive	
	حساس، اثر پذیر
sensitivity	
	حساسیت
sensitivity analysis	
	تجزیه و تحلیل حساسیت
sensitivity device	
	ابزار حسی
sensor	
	حس کننده، اندازه گیر سمتی، حساسه
sentence	
	جمله، گزاره، حکم
sentential calculus	
	حساب گزاره ها
sentential	
	جمله ای، گزاره ای
sentential caculus	
	حساب گزاره ای، حساب گزاره ها، حساب احکام
sentential connective	
	رابطه گزاره ای
sentential letters	

حروف جمله ای
Sentiment
تمایلات
separability
تفکیک پذیری
separable
جدا شونده، تفکیک پذیر، تفکیک کننده، جدایی پذیر
separable algebra
جبر تفکیک پذیر
separable convex programming
برنامه ریزی محدب تفکیک پذیر
separable costs
هزینه های قابل تفکیک
separable differential
دیفرانسیل جدایی پذیر
separable differential equation
معادله دیفرانسیل تفکیک پذیر
separable element
عنصر تفکیک پذیر
separable equation
معادله تفکیک پذیر، معادله جدایی پذیر، معادله جدائی پذیر
separable extension
توسیع جدایی پذیر
separable function

	تابع تفکیک پذیر
separable metric space	
	فضای تفکیک پذیر، فضای مجزا، فضای جدائی پذیر، فضای جداشونده
separable polynomial	
	چندجمله ای تفکیک پذیری
separable ring	
	حلقه تفکیک پذیر
separable space	
	فضای تفکیک پذیر، فضای مجزا، فضای جدائی پذیر، فضای جداشونده
separate	
	منفک، جدا، مفروز کردن، مفروز شدن، مجزا کردن، جدا کردن، تفکیک کردن، تجزیه کردن، تقسیم کردن
separate legal entity	
	شخصیت حقوقی جداگانه
separate numbers	
	عدد های متباین
separated	
	مجزا، جدا شده
separated kernel	
	هسته تفکیک شده
separated set	
	مجموعه از هم جداشده
separated sets	

مجموعه های جدا شده، مجموعه های منفک	
separated variables	
متغیر های جدا شده، مجموعه های منفک	
separately	
	تنها
separately continuous bilinear mapping	
	نگاشت دو خطی منفک پیوسته
separating	
	جدا شونده
separating family	
	خانواده تفکیک کننده
separating mixed costs	
	تفکیک هزینه های مختلط
separating vector	
	بردار جداکننده
separation	
	جداسازی
separation axiom	
	اصل موضوع تفکیک
separation constant	
	ثابت جداسازی
separation of a set	
	تفکیک مجموعه
separation of ratio	

	تفصیل نسبت
separation of variables	
	تفکیک متغیر ها
separation perspective	
	رویکرد/دیدگاه تفکیک
separation theorem	
	قضیه تفکیک
septagon	
	هفت ضلعی
septenary	
	هفت تائی، مربوط به هفت
septilateral	
	هفت سال یک بار، هفت ضلعی، هفت بر
septillion	
	۱۰۲۴ در آمریکا، ۱۰۴۲ در انگلیس
septimal	
	در مبنای هفت، هفت هفتی
septinary number	
	عدد هفت رقمی
septuple	
	هفت تائی، هفت برابر
sequence	
	دنباله
sequence control	

کنترل مرحله ای
sequence of connected
دنباله همبند
sequence of function
دنباله تابع ها
sequence of functions
دنباله تابع ها
sequence of numbers
دنباله اعداد
sequence of partial sums
دنباله مجموع های جزئی
sequence of random variables
دنباله کمیت های تصادفی
sequence of sets
دنباله مجموعه ها
sequence of working paper entries
توالی ثبتهای کاربرگها
sequence step
گام توالی
sequencing
ترتیب گذاری، ترتیب دهی، توالی
sequential
دنباله ای
sequential allocation method

روش تخصیص متوالی یا مرحله ای
sequential analysis
تحلیل دنباله ای
sequential circuit
مدار ترتیبی
sequential compactness
فشردگی دنباله ای
sequential compactness
فشردگی دنباله ای
sequential integration
انتگرال گیری دنباله ای
sequential likelihood ratio test
آزمون نسبت درست نمایی دنباله ای
sequential or step method
روش متوالی یا مرحله ای
sequential procedure
شیوه دنباله ای
sequential representation
نمایش ترتیبی
sequential sampling
نمونه گیری دنباله ای / متوالی
sequential sampling for acceptance
نمونه گیری پی در پی برای رد یا قبول، نمونه گیری پی در پی برای پذیرش

sequential sampling inspection	بازرسی نمونه گیری دنباله ای
sequential sampling plan	طرح نمونه گیری پی در پی
sequential test	آزمون دنباله ای
sequential tests	آزمون های دنباله ای
sequential tracking	ردیابی متوالی یا مرحله ای
sequential trials	امتحان های دنباله ای
sequentially compact space	فضای دنباله ای فشرده
sequentially complete locally convex linear topological space	فضای توپولوژیک خطی موضعا محدب دنباله ای کامل
sequentially indexed	اندیس گذاشته شده دنباله ای، متعاقبا اندیس گذاشته شده
Sequestered account	حساب توقیف شده
serial	پیاپی
serial bond	

اوراق قرضه سریال	
serial bonds or notes	
اوراق قرضه یا اسناد سریال	
serial correlation	
همبستگی پیاپی	
serial correlation in return	
همبستگی متوالی (پیاپی و مستمر) بازده ها	
serial independence	
استقلال پیاپی	
Serial loans	
وامهای متواتر	
serie	
سری، رشته	
series	
سری	
series circuit	
مدار سری	
series of distributions of random variable	
سری توزیع های کمیت تصادفی	
series of functions	
سلسله توابع، رشته توابع، سری توابع	
series of nonnegative terms	
سری با جمله های منفی	
series of positive terms	

series systems	سری با جمله های مثبت
series with positive terms	سیستم های سری
seriousness classification	سری با جملات مثبت
serpentine	دسته بندی اهمیت
serrate	مارپیچ
serum	دندانه دار، اره ای
Serve	پیماب
server	خدمت کردن
Service	خدمت دهنده، سرویس دهنده
service center	خدمات - خدمت
service charge	مرکز خدمات
service company	هزینه خدمت، کارمزد، مخارج سرویس

شرکت خدماتی	
service cost	
هزینه خدمات	
service department	
دایره خدماتی	
service department costs allocation	
تخصیص هزینه دواير خدماتی	
Service fees	
حق الزحمه خدمات	
service in random order	
نظام خدمت بر اساس شانس	
service industries	
صنایع خدماتی	
service pattern	
الگوی خدمت دهی	
service period	
دوره سرویس	
service rate	
میزان سرویس	
service revenue	
درآمد خدمات	
service sector companies	
فعالیت خدماتی	
service sustaining costs	

	مخارج حفظ و نگهداری خدمات
service time	
	زمان/دوره انتفاع رسانی عمر مفید کارکرد دوره خدمات
service transactions	
	مبادلات خدماتی
Services received	
	خدمات دریافتی
Services rendered	
	خدمات ارائه شده
servomechanism	
	مکانیسم فرمان یار، سرو مکانیسم، سیستم خودکار، ساز و کار خود تنظیم، دستگاه تنظیم خودکار
sesqui linear	
	یک و نیم خطی
sesqui linear form	
	فرم یک و نیم خطی
sesquilinear	
	دو خطی
sesquilinear form	
	صورت یک و نیم خطی
sesquilinear form	
	صورت یک و نیم خطی
set	
	مجموعه

set algebra	جبر مجموعه ها، جبر مجموعه ای، جبر مجموع ها
set builder	سازنده مجموعه
set covering	پوشش مجموعه
set covering problem	مساله پوشش مجموعه
set definition	تعریف مجموعه
set dimension	بعد مجموعه
set expression	عبارت مجموعه ای
set function	تابع مجموعه ای
set of all complex numbers	مجموعه اعداد مختلط
set of all inegers	مجموعه اعداد صحیح
set of all irrational numbers	مجموعه اعداد اصم
set of all real numbers	مجموعه اعداد حقیقی

set of all sets	مجموعه همه مجموعه ها
set of all subsets	مجموعه مجموعه عکان
set of complex number	مجموعه اعداد مختلط، مجموعه عدد های مختلط
set of conditions	مجموعه شرط ها
set of definition	مجموعه تعریف
set of elementary events	مجموعه حوادث ساده
set of estimator	مجموعه برآورد کننده
Set of exchange	یک دسته برات ارزی
set of generators of a group	مجموعه مولد های یک گروه
set of generators of a module	مجموعه مولد های یک مدول
set of integers	مجموعه عدد های صحیح
set of mappings	مجموعه نگاشت ها

set of mathematical functions	مجموعه مولد های یک مدول
set of measure zero	مجموعه با اندازه صفر
set of operations	عملیات روی مجموعه ها
set of points	مجموعه نقطه ها
set of rational numbers	مجموعه اعداد گویا، مجموعه عدد های گویا
set of real numbers	مجموعه اعداد حقیقی، مجموعه عدد های حقیقی
set of sets	مجموعه مجموعه ها
set of simple events	مجموعه حوادث ساده
set of subsets	مجموعه زیرمجموعه ها
set of subsets of x	مجموعه زیرمجموعه های x
set of the first category	مجموعه رسته اول
set of the second category	مجموعه رسته دوم

set of two elements	مجموعه دو عنصری
set of uniqueness	مجموعه یکتایی، -U
set of values	مجموعه مقادیر
set region dimension	بعد مجموعه (ناحیه)
set screw	پیچ ضامن، پیچ مغزی، پیچ میزان، پیچ تنظیم
set square	گونیا کردن، گونیا، نوعی گونیا، گونیای قابل تنظیم
set theoretic	مربوط به نظریه مجموعه ها
Set theoretic identity	اتحاد نظریه مجموعه ای
set theoretic notations	نماد های نظریه مجموعه ها
set theory	نظریه مجموعه ها، تئوری مجموعه ها
set up	نصب، مدل، نمونه، طرح کردن، ساختن، برپا کردن، تنظیم اولیه، آماده ساختن، پیدا کردن، محاسبه کردن، بدست آوردن، تشکیل دادن

set up cost	هزینه راه اندازی
set up time	زمان تنظیم، زمان کارگذاری
set with n elements	مجموعه n عنصری
set with one element	مجموعه یک عنصری
setting	تنظیم، جایگذاری، جور کردن، ردیف کردن، سوار کردن، تنظیم
setting accounting police	تدوین سیاستهای حسابداری
setting cost	هزینه های آمادگی
Settle	تسویه
settle or settlement price	قیمت تصفیه
Settlement	تسویه
Settlement account	حساب تسویه
settlement date	

	تاریخ حل و فصل/تصفیه
settling	جاافتادگی
setup costs	هزینه های تنظیم و راه اندازی
seven	هفت
seventeenth	هفدهم، یک هفدهم
seventh	هفتم، یک هفتم
seventieth	هفتادم، یک هفتادم
seventy	هفتاد
several	چند، متعدد
several inputs	چند ورودی
severance	جداسازی، تفکیک، تجزیه
severe impact	ضربه شدید
severity of inspection	

	شدت بازرسی
sexagesimal	
	شصتی، شصت تایی
sexagesimal division	
	تقسیمات شصت تایی
sexagesimal fraction	
	کسر شستگانی، کسر شصتی
sexagesimal system	
	دستگاه شصت تایی
sexagesimal system of numbers	
	دستگاه شصت شصتی اعداد، دستگاه ستینی اعداد
sexagesimal system of numeration	
	دستگاه شمار در مبنای شصت
sextant	
	یک ششم دایره
sextic	
	ششین، درجه ششم
sextic curve	
	خم درجه شش
sextillion	
	در آمریکا ۱۰۲۱، در انگلستان ۱۰۳۶
sextuple	
	شش تایی
sextuplet	

شش تایی، شش گان
shade
سایه زدن، هاشور زدن، سایه
shaded area
ناحیه سایه دار شده
shadow cost
هزینه سایه ای، هزینه سایه
shadow price
قیمت سایه
shaft furnace
کوره استوانه ای، کوره استوانه ای عمودی، کوره میله ای
shallow drawing
سخت کردن پوسته ای، آب دادن سطحی
shape
اندام، دیس، شکل دادن، قالب دادن، قالب، شکل، مدل ساختن
shaped
شکل، به شکل
shaping
صفحه تراشی
Share
سهام - تسهیم کردن
share certificate
گواهینامه مالکیت سهام ورقه سهم
share dividend

	سود سهم
share focus	
	نکته های باریک
share indicess	
	شاخص های سهم
share issue	
	انتشار سهام
share premium	
	صرف سهام
share the wealth agreement	
	توافق/قرار داد سهام شدن در ثروت
Share-crop system Sukuk	
	اوراق مساقات
shared opinion	
	اظهار نظر مشترک
shareholders capital stock master file	
	پرونده اصلی تعداد سهام صاحبان سام
Shares of stock	
	اوراق سهام
Sharing	
	به اشتراک درآوردن
sharp corner	
	گوشه تیز
sharp focus	

	نکته های باریک
sharp v thread	
	پیچ مثلثی نوک تیز
sharpe ratio	
	نسب شارپ
sharpness	
	تیزی
sheaf	
	بافه
sheaf of ideals	
	بافه ایدال ها
sheaf of planes	
	بافه صفحه، دسته صفحات
shear	
	چینش، برش، بریدن، قیچی کردن، قیچی کردن، قیچی، پارگی
shear deformation	
	تغییر شکل برشی
shear forming	
	شکل دادن با تغییر شکل برشی، فرم دهی برشی، شکل دادن برشی بران
shearing stress	
	تلاش بُرینشی
sheet	

sheet of a hyperboloid	بافته، دسته، پارچه، صفحه، برگه، برگ، لایه، ورقه ورقه کردن، ورقه، ورق نازک، ورق
Sheet of planes	پارچه یک هذلولی گون
shelf	بافه صفحه
shell drawing	برگ رویه ریمان
shell molding	قفسه، طاقچه
shell cutter	پوسته، لایه، گلوله
shell drawing	پوکه سازی
shell molding	قالب گیری پوسته ای
Shell System	سیستم پوسته ای
shellcutter	قلم پوسته بر، پوسته بر
sheme	برنامه، نقشه، طرح، طرح کردن، کروکی، پروژه تهیه کردن، پروژه، شکل
sheppard correction	

sheppard's correction	تصحیح شپرد
shewhart control charts	نمودار های کنترل شوارت
shield	سپر، غلاف، روکش، پوشش، آب بند، محافظ، حفاظ
shift	انتقال
Shift of short – term funds	انتقال منابع کوتاه مدت
shift transformation	تبدیل تغییر جا
shift work	کار نوبتی، نوبت کاری
Shiftability theory	نظریه انتقال پذیری
shifting	انتقال، جابجایی، عوض کردن
shifting formula	دستور انتقالی
shifting graph	نمودار انتقال
shifting theorem	

Shipment	قضیه تغییر جا
Shipment Advice	حمل کالا
shipments from home office	برگه حمل
shipments to branch	کالاهای دریافتی از مرکز کالاهای ارسالی از اداره مرکزی
shipping	کالاهای ارسالی به شعبه
Shipping documents	کشتیرانی، حمل و نقل
shirking	اسناد حمل
shock	شانه خالی کردن از مسئولیت
shock wave	ضربه، تکان، کوب
shooting method	موج ضربه ای
shop	روش پرتابی
Shop Floor	خرید کردن، تعمیرگاه، مغازه، کارگاه

صحن کارخانه
Shop Flow Control
کنترل کارگاه
shopping for principles
دنبال حسابرس مورد دلخواه گشتن دنبال اصول مناسب حسابداری گشتن
shopping problem
مسأله خرید
shore sale
فروش استقراضی
Short
فروش
Short – term bill
برات کوتاه مدت
Short – term liabilities
بدهی های کوتاه مدت
short exact sequence
دنباله کامل کوتاه، دنباله دقیق کوتاه
short form auditors report
گزارش کوتاه حسابرسی
Short loan
وام کوتاه مدت
short notice
اضطراری، کوتاه مدت

short out	خاموش بودن
short presentation	ارائه کوتاه گزارش کوتاه
short range	کوتاه مدت
short run	کوتاه مدت
short run equilibrium	تعادل کوتاه مدت
Short term	کوتاه مدت
short term auditors report	گزارش حسابرسی کوتاه
short term bank debt	بدهی کوتاه مدت بانکی
short term financing	تأمین مالی از محل منابع کوتاه مدت تأمین مالی کوتاه مدت
short term investments	سرمایه گذاریهای کوتاه مدت
short term liquidity	نقدینگی کوتاه مدت
short term notes payable	اسناد پرداختنی کوتاه مدت

Shortage	کمبود
shortage cost	هزینه کمبود
shorten	کوتاه کردن
shortene	کوتاهتر کردن
shorter	کوتاهتر، اقصر
shorter of the short size	کوتاه ترین هر دو فرد، اقصر الاقصرین
shortest	کوتاهترین
shortest confidence interval	کوتاه ترین بازه اطمینان
shortest ladder	کوتاهترین نردبان
shortest ladder problem	مساله کوتاهترین نردبان
shortest path model	مدل کوتاه ترین مسیر
shortest path problem	مساله کوتاهترین مسیر

shortest route problem	مسأله کوتاهترین مسیر
shortline	پاره خط
short-selling / short selling	فروش کوتاه
show	نشان دادن، نمایاندن، صریح کردن، نمایش دادن
show that	ثابت کنید، نشان دهید
shrink fit	جافتادگی انقباضی، سوار کردن انقباضی، انطباق انقباضی
shrink forming	شکل دادن انقباضی
shrink rule	خط کش نسبت، خط کشی نمونه ساز، خط کش انقباضی
shrinkage	کاهش فرایند محصول تولید بدلیل آبرفتگی تبخیر انقباض و ...
shrinkage allowance	ضریب انقباض، انقباض مجاز
shuffle	بُر زدن، آمیختن
shuffled sequence	دنباله، آمیخته

shut down costs	مخارج توقف عملیات
sibling	بردار، همدیف
sickness benefit	دستمزد ایام بیماری
side	یال، ضلع، طرف، ضلع، جانب، جنب، پهلو، بر
side condition	شرط جنبی
side conditions	شرایط جنبی
side core	ماهیچه جانبی، ماهیچه بغل
side of a polygon	ضلع چندضلعی
side of an angle	ضلع زاویه
side restriction	قید جنبی
side view	نمای جانبی، نیمرخ، نمای پهلو، نمای بغل
sided	جانبی

sidereal day	روز نجومی
sidereal hour	ساعت نجومی
sidereal month	ماه نجومی
sidereal time	زمان نجومی
sidereal year	سال نجومی
sides of a triangle	ضلع های مثلث
sides of an angle	اضلاع یک زاویه
sidon set	مجموعه زیدن
siegl modular group	گروه مدولی سیگل
siegl upper half space	نیم فضای بالای سیگل
sieve	غربال
sieve of eratorsthenes	غربال اراتستن

sieve of Eratosthenes	غربال اراتستن
Sight assets	دارایی های دیداری
sight bill	برات دیداری
Sight letter of credit	اعتبار نامه دیداری
sight partner	شریک غیر فعال
sigma	? یا سیگما، حرف هیجدهم الفبای یونانی، نماد ?
sigma field	سیگما هیأت، سیگما جبر
sigma notation	نماد سیگما
sigma score	نمره سیگمایی
sigma unit	واحد سیگمایی
sigmicant assumptions	مفروضات
sign	علامت

sign of equality	علامت تساوی
sign of membership	علامت تعلق
sign of permutation	علامت جایگشت
Sign off	اتمام- تایید نهایی
sign preserving property	خاصیت محفوظ ماندن علامت
sign test	آزمون علامت، علامت، آزمایش علامت، تست علامت
signal	علامت، نشان، اخطار، راهنما، خبر دادن، با اشاره رساندن
signal flow	جریان سیگنال
signal wave	موج سیگنالی
signaling theory hypothesis	تئوری/فرضیه اطلاع رسانی
Signature	امضاء
signature card	کارت امضا

signature of a permutation	نشانه یک جایگشت
signed	نشاندار، علامت دار
signed magnitude	مقدار علامت دار
signed measure	اندازه علامت دار
signed number	عدد علامت دار، عدد جبری
signed rank	رتبه علامت دار
signed rank statistics	آماره های رتبه علامت دار
signed rank test	آزمون رتبه علامت دار
significance	معنی دار بودن، مفهوم، معنی، اعتبار، معنی دار، اهمیت
significance level	سطح معنی دار بودن
significance level of a test	سطح معنی دار بودن آزمون
significance probability	احتمال معنی دار بودن

significant	عمده قابل توجه معنی دار
significant difference	مهم ترین تفاوت
significant digit	رقم معنی دار، رقم با معنی
significant digits	ارقام با معنی، اعشار
significant figure	رقم با معنی، رقم معنی دار
significant figures	ارقام با معنی، رقم اعشار
significant influence	نفوذ قابل توجه
significant noncash transactions	معاملات/مبادلات عمده غیر نقدی
significant probability	احتمال معنی دار بودن
significant variance	انحراف عمده/قابل توجه
signification	دلالت، معنی
signify that	به این معنا است که

signt bill	برات دیداری
signum	علامت
signum function	تابع علامت، تابع نشانه
silicon chips	ورقه های سیلیکان
similar	متشابه، متجانس، مشابه، همانند، شبیه، مانا
similar arcs	قوس های متشابه
similar assets	داراییهای مشابه
similar figure	مجانس
similar figures	شکل های متشابه
similar fractions	کسر های متشابه
similar matrices	ماتریس های متشابه، ماتریس های همانند، ماتریس های مشابه
similar matrix	ماتریس متشابه

similar ordered sets	مجموعه های مرتب متشابه
similar permutations	تبدیلات متشابه، تبدیلات مزدوج
similar polygons	چند ضلعی های متشابه
similar polyhedrons	چندوجهی های متشابه
similar set	مجموعه متشابه
similar sets	مجموعه های همانند، مجموعه های متشابه
similar solids	جسم های متشابه
similar surfaces	رویه های متشابه
similar terms	جل متشابه، جملات متشابه، جمله های متشابه
similar tests	آزمون های متشابه
similar to	مشابه با...، ... با ... متشابه بودن
similar transformations	تبدیلات متشابه

similar triangles	مثالت های متشابه
similar well ordered set	مجموعه خوش ترتیب متشابه
similarity	همسانی، همانندی، شباهت، مانندی، تشابه
similarity class	رده تشابه
similarity function	تابع مشابهت
similarity mapping	تصویر همانند
similarity relation	نسبت هم قوه بودن
similarity transformation	تبدیل تشابهی
similitude	تشابه، همسانی، همانند، تجانس، تشابه
simple	ساده، مختصر، بسیط
simple analytic function	تابع تحلیلی تک ارز
simple arc	کمان ساده، قوس ساده، کمان جردن، کمان ژوردان

simple arithmetic mean	میانگین حسابی ساده
simple arrangement	ترتیب ساده
simple capital structure	ساختار ساده سرمایه
simple character	کاراکتر ساده
simple closed	ساده بسته
simple closed contour	مرز ساده بسته
simple closed curve	منحنی ساده بسته
simple combination	ترکیب ساده
simple component	مؤلفه ساده
simple condition	شرط ساده
simple connected region	حوزه همبند ساده، ناحیه یک پارچه، ناحیه همبند ساده، ناحیه مرتبط ساده، ناحیه هموسته ساده
simple connectivity	

پیوستگی ساده، همبندی ساده	
simple convergence topology	
توپولوژی همگرایی ساده	
simple converse	
عکس ساده	
simple correlation	
همبستگی ساده	
simple curve	
منحنی ساده	
simple cusp	
بازگشت ساده	
simple discontinuity	
ناپیوستگی ساده	
Simple entry	
ثبت ساده	
simple equation	
معادله ساده	
simple equations	
مفردات برابر یکدیگر، معادلات ساده	
simple event	
پیشامد ساده، حادثه ساده، برآمد ساده	
simple extension of a field	
توسیع ساده هیات	
simple flow	

سیل ساده	
simple form	
شکل ساده	
simple function	
تابع تک ارز، تابع ساده	
simple group	
گروه ساده	
Simple guarantee	
تضمین عادی	
simple harmonic	
توافقی ساده	
simple harmonic motion	
حرکت توافقی ساده	
simple hexagon	
شش ضلعی ساده	
simple hypothesis	
فرض ساده	
simple interest	
بهره ساده	
simple iteration	
تکرار ساده	
simple iteration method	
روش تکرار ساده	
simple k module	

مدول ساده-k	
simple Lie group	
گروه لی ساده	
simple linear	
خطی ساده	
simple linear equations	
معادلات خطی ساده	
simple linear regression	
رگرسیون خطی ساده	
simple loss function	
تابع زیان ساده	
simple motion	
حرکت ساده	
simple multivariate regression	
رگرسیون چندمتغیر ساده	
simple open arc	
کمان ساده باز	
simple order	
ترتیب ساده	
simple order relation	
نسبت ترتیبی ساده	
simple ordering relation	
رابطه ترتیبی ساده	
simple path	

مسیر ساده
simple pendulum
پاندول ساده
simple point of a curve
نقطه ساده یک منحنی، نقطه ساده خم، نقطه معمولی خم
simple point of a variety
نقطه ساده چند گونا، نقطه ناتکین چندگونا
simple point of an analytic set
نقطه ساده مجموعه تحلیلی، نقطه معمولی مجموعه تحلیلی، نقطه عادی مجموعه تحلیلی
simple pole
قطب ساده
simple polyhedron
چندوجهی ساده
simple proposition
تناسب ساده، گزاره بسیط، قضیه مطلقه، گزاره ساده
simple quadrangle
چهارگوش ساده
simple random sample
نمونه تصادفی ساده
simple random sampling
نمونه گیری تصادفی ساده
simple random variable
متغیر تصادفی ساده

simple region	ناحیه ساده
simple regression	رگرسیون ساده
simple ring	حلقه ساده
simple root	ریشه ساده
simple sampling	نمونه برداری ساده، نمونه گیری ساده
simple sentence	گزاره بسیط
simple shear transformation	تبدیل بُرینشی ساده
simple statement	گزاره بسیط
simple zero	ریشه ساده، صفر ساده
simplex	سادک
simplex algorithm	الگوریتم سیمپلکس
simplex method	روش سیمپلکس

simplex method convergence	همگرایی روش سیمپلکس
simplex multipliers	مضارب سیمپلکس
simplex multipliers set	ضرایب سیمپلکس
simplex path	مسیر سیمپلکس
simplex set	مجموعه سیمپلکس
simplex tableau	جدول سیمپلکس
simplicial	سادگی
simplicial approximation	تقریب سادگی
simplicial approximation theorem	قضیه تقریب سادگی
simplicial complex	مجتمع سادگی
simplicial homology	مانستگی سادگی
simplicial mapping	نگاشت سادگی

simplicial scheme	طرح بسیط گونه
simplicity	سادگی، سهولت، تسهیل
simplifiable element	عضو ساده شدنی
simplification	ساده کردن، ساده سازی، مختصر سازی، ساده گردانی
simplified	ساده شده، ساده نشدنی، تحویل ناپذیر
simplified expression	عبارت ساده شده
simplified fraction	کسر ساده شده، کسر تحویل ناپذیر
simplified gant chart	نمودار ساده شده گانت
simplify	ساده کردن، مختصر کردن
Simply	ساده، به طور ساده، به اختصار، کافی است، در حقیقت، فقط
simply connected	همبند ساده
simply connected domain	حوزه همبند ساده

simply connected group	گروه ساده همبند
simply connected set	مجموعه ساده-همبند
simply connected space	فضای ساده- همبند
simply connectedness	همبندی ساده
simply ordered set	مجموعه ساده مرتب، مجموعه مرتب به ترتیب ساده
simply periodic function	تابع ساده دوره ای
simpson	سیمسون
simpson distribution law	قانون توزیع سیمسون
simpson rule	قاعده سیمپسون
simpson's rule	دستور سیمپسون
simulation	شبیه سازی
simulation language	زبان شبیه سازی

simultaneous	به طور همزمان، با هم، همزمان، با هم، مقارن، هم جنس، توأم، هر دو، دو
simultaneous diagonalization	قطری سازی همزمان
simultaneous differential equation	معادله دیفرانسیل توأم
simultaneous distribution	توزیع همزمان
simultaneous engineering	مهندسی همزمان
simultaneous equations	معادلات همزمان، دستگاه معادله ها، معادلات توأم، دستگاه معادلات
simultaneous fiducial distribution	توزیع فیدوسیال مشترک
simultaneous inequalities	نامساوی های همزمان، دستگاه نامعادلات، نامعادلات توأم
simultaneous linear equations	معادلات خطی همزمان، معادلات خطی توأم، دستگاه معادلات خطی
simultaneous triangulation	مثالث بندی همزمان
simultaneously	

توأمًا، با هم، هم زمان، تقارن، مقارن، معاصر، به طور هم زمان
sine
سینوس، جیب
sine bar
خط کش سینوسی، زاویه سنج سینوسی، میله سینوسی
sine curve
خم سینوس
sine function
تابع سینوس، تابع جیب
sine integral
انتگرال سینوسی
sine of an angle
سینوس زاویه
sine series
سری سینوسی
sine wave
موج سینوسی
single
منحصر به فرد، یگانه، تک، یک، منفرد
single artificial constraint technique
روش تک محدودیت مصنوعی
single artificial variable technique
روش تک متغیر مصنوعی

single broach	خانکش ساده
single channel queue	صف یک کانالی
single constraint artificial technique	روش مصنوعی تک محدودیت
single element event	پیشامد تک عضوی، مجموعه تک عضوی
single element set	مجموعه یک عضوی
single entry bookkeeping	دفترداری یک طرفه، دفتر داری ساده
single episode model	مدل فصلی
single facility location	استقرار وسایل و تجهیزات انفرادی، استقرار امکانات تکی
single factor	تک عاملی
single integral	انتگرال ساده
single map	نگاشت تنها، یک نگاشت
single matrix	ماتریس تنها

single member event	پیشامد تک عضوی
single number	عدد واحد
single proecision	دقت ساده
Single proprietorship	موسسه انفرادی
single purpose	یک منظوره
single rate method	روش تک نرخ
single response	تک پاسخی
single sampling	تک نمونه گیری
single sampling plan	نقشه نمونه گیری یکباری، طرح یک نمونه ای
single specification limit	حد مشخصه فنی یک طرفه
single step format	شکل تک مرحله ای
single step income statement	صورت سود و زیان تک مرحله ای

single step method	روش تک گامی
single terminal	تنها یک پایانه
single value	تک مقدار
single valued	تک مقدار، یک مقداری، یک ارزشی، یک مقداره، تک مقداری، تک ارزشی
single valued function	تابع تک مقداری
single variable artificial technique	روش مصنوعی تک متغیر
singleton	مجموعه یک عضوی، مجموعه تک عنصری، مجموعه تک عضوی، منفرد
singleton set	مجموعه یک عضوی
singly asymptotic triangle	مثلث تک جانبی
singular	تکین، منفرد، ویژه، خصوصی، مخصوص، استثنایی، ممتاز
singular chain complex	مجتمع زنجیری تکین
singular cohomology	

همانستگی تکین	
singular complex	
مجتمع تکین	
singular curve of a surface	
خم تکین رویه	
singular homology group	
گروه همانستگی تکین	
singular integral	
جامعه ممتاز	
singular integral equation	
معادله انتگرالی تکین	
singular integral of a differential equation	
انتگرال تکین معادله دیفرانسیل	
singular interval	
فاصله ویژه	
singular judgement	
حکم شخصی	
singular limits	
حدود ویژه	
singular linear transformation	
تبدیل خطی تکین	
singular locus of a variety	
مجموعه نقاط تکین چندگونا	
singular matrix	

ماتریس منفرد، ماتریس یکه، ماتریس غیر عادی، ماتریس نامنظم، ماتریس انعکاس ناپذیر، ماتریس ویژه، ماتریس خصوصی، ماتریس استثنایی، ماتریس تکین

singular n simplex

سادک تکین-n

singular normal distribution

توزیع نرمال ویژه

singular part

جزء تکین

singular point

نقطه منفرد، نقطه ویژه، نقطه تکین، نقطه مخصوص

singular point of a surface

نقطه منفرد یک سطح

singular point of an analytic function

نقطه منفرد یک تابع تحلیلی

singular points

نقاط تکین

singular proposition

گزاره شخصی، قضیه شخصیه

singular root

ریشه ممتاز

singular sentence

گزاره شخصی

singular solution

جواب ممتاز، جواب تکا، جواب تکین، جواب منفرد	
singular solution of a differential equation	
جواب منفرد یک معادله دیفرانسیل، جواب تکین یک معادله دیفرانسیل	
singular solutions	
جواب های منفرد	
singular statement	
گزاره شخصی	
singular support	
محمل تکین	
singular transformation	
تبدیل منفرد	
singular value	
مقدار ویژه	
singular values of a matrix	
مقدار های تکین ماتریس	
singularities	
نقاط منفرد	
singularity	
تکینی	
singularity connective	
ادات یک طرفی، رابط یک طرفی	
singularity of a complex function	
تکینی تابع مختلط	

singularity of an analytic function	تکیننی تابع تحلیلی
sinh	سینوس هیپربولیک، سینوس هذلولی
sink	چاه، چاهک، زیراب
Sink a debt	مستهلک کردن یک بدهی
sink of a field	چاهک میدان
sinking fund	حساب مستقل بازپرداخت اوراق قرضه وجوه استهلاکی
sinking funds	وجوه استهلاکی
sinter	کلوخه، بازپخت، کلوخه شدن، کلوخه کردن
sintering strand	میز کلوخه سازی
sinusoid	منحنی سینوسی، سینوس وار، جیب نما، جیبی، خم سینوسی
sinusoidal	سینوس گون
sinusoidal function	تابع سینوسی، تابع سینوس واری

sinusoidal oscillation	نوسان سینوس وارگون
sinusoidal wave	موج سینوسی
sinusoidal wave	موج سینوسی
site preparation	تدارک کارگاه تجهیز کارگاه
site selection	انتخاب محل
site supervision	سرپرستی کارگاه
situate	جادادن، قرار گرفتن، تعیین محل کردن، معلوم کردن
situation	وضعیت، صورت وضعیت، وضع، مورد، حالت، موقعیت
situational theory	تئوری وضعیت
six	شش
six 8 element subalgebra	شش زیر جبر ۸ عضوی
six angled	شش گوش

six high mill	دستگاه نورد شش غلتکی
six sides	شش جهت
sixteen	شانزده
sixthly	سادسا
sixtieth	یک شصت، شصتم، شصتمین
size	اندازه، بزرگی، مرتبه، حجم
size distribution	توزیع اندازه (ذرات)
size effect	اثر اندازه شرکت
size hypothesis	نظریه (فرضیه) اندازه شرکت
size of a block	اندازه بلوک
size of a population	اندازه جامعه، حجم جامعه
size of a test	اندازه آزمون، اندازه یک آزمون

size of critical region	اندازه ناحیه بحرانی
size of experiment	حجم آزمایش
size of sample	بزرگی نمونه
sizing	تصحیح اندازه، به اندازه آری، اندازه در آری، اندازه سازی، تنظیم، دانه بندی، دسته بندی، درجه بندی
sizing die	قالب اندازه کردن، قالب اندازه در آور
sizing mill	نورد اندازه ساز
sizing roll	غلتک تنظیم قطر
skeleton	استخوانبندی
Skeptical	تردید و شک در هنگام معامله
sketch	رسم کردن، طرح، طرح کردن، نقشه کشیدن، نقشه
sketching curve	رسم منحنی
skew	

کج، اریب، چپ، بر هم افتاده، از هم گذشته، مورب، متناظر، منحرف، چپ
skew coefficient
ضریب چولگی، ضریب کجی
skew curve
خم فضایی، خم نامسطح، خم چپ، منحنی فضایی، منحنی معوج
skew distribution
توزیع چولگی، توزیع چاوله، توزیع چوله، توزیع ناهنجار
skew field
هیأت چاوله، s هیأت، حلقه تقسیم، میدان اریب، هیأت کج
skew hermitian matrix
ماتریس ارمیتی چاوله، ماتریس شبه هرمیتی
skew lines
خط های متنافر، خطوط متنافر، خط های از هم گریز
skew matrix
ماتریس متقارن چوله، ماتریس متقارن
skew product of measure preserving transformations
حاصل ضرب چاوله تبدیل های حافظ اندازه
skew quadrilateral
چهارضلعی معوج، چهارضلعی صلیبی، چهارضلعی خاجی
skew surface
رویه چاوله
skew symmetric

شبه تقارن، متقارن چپ، ماتریس مربع، متقارن کج، متقارن اریب، قرینه چپ، ضد متقارن
skew symmetric bilinear form
فرم دوخطی متقارن کج
skew symmetric determinant
دترمینان پادمتقارن
skew symmetric matrix
ماتریس شبه متقارن، ماتریس متقارن کج
skew symmetric multilinear mapping
نگاشت چندخطی شبه متقارن
skew symmetry
شبه متقارن، شبیه متقارن
skew to the right
چوله به راست،
skewed
چوله، کج، منحرف، اریب
skewed to the left
چولگی به سمت چپ
skewed to the right
چولگی به سمت راست
skewness
کشیدگی، چولگی، تنافر، کجی، اریبی، چولگی، چاولگی، عدم تناظر، عدم تقارن، بی قرینگی، کجکی، بی تفاوتی
skewness negative

	چولگی منفی
skewness of two lines	
	از هم گریزی دو خط
skewness positive	
	چولگی مثبت
skidding	
	سریدن، لغزیدن، لغزش، سر خوردن، لیز خوردن
skip	
	حذف کردن
skip hoist	
	بالابر سطلی چرخدار
skip lots sampling plan	
	طرح نمونه گیری انباشته های جهشی
slab	
	قاب
slack	
	فرصت، کند کاری، سست، نا پایا، کمکی
slack time	
	زمان آزاد، زمان کندکاری
slack variable	
	متغیر مجازی/مصنوعی
slackness	
	قضیه مکمل زائد ضعیف
slackness conditions complementary	

شرایط زائد مکمل	
slackness theorem complementary	
قضیه زائد مکمل	
slag	
روباره، پس مانده، کف، سرباره	
slag pocket	
مخزن سرباره	
slag post	
حفره های سرباره	
slagging	
سرباره زدایی، سرباره کشی، عمل سرباره کشی	
Slam-dunk or Phased Approach	
رویکرد ورود مرحله ای	
slant	
شیب، کج کردن، اریب، مایل	
slant height	
مولد مخروط، سهم هرم	
slant line	
خط کسری، خط مورب	
slant product	
حاصلضرب مورب	
slanting fraction line	
خط کسری مایل	
slanting upward	

	متمایل به سمت بالا
slantwise	
	به طور مورب، به طور مایل
slash	
	خط کج، /
slat conveyor	
	نقاله تخت، نقاله زنجیری
slat elevator	
	بالابر تخت
steepest slope	
	حداکثر ترقی
Sleeping partnership Sukuk	
	اوراق مضاربه
slice	
	لغزش، لغزیدن، لغزنده، لغزاندن، ورقه، ورقه ورقه کردن، تراشه، برش، قاچ
Slide down	
	نزول و کاهش قیمت
slide picture	
	بست کشویی، کارگیر کشویی
slide fit	
	انطباق لغزشی
slide frame saw	
	کمان اره تاشو، اره کشویی

slide rule	خطکش محاسبه
slide valve	دریچه کشویی، دریچه متحرک، سوپاپ لغزنده، شیر کشویی
slider	قطعه کشویی، لغزنده، کشویی
sliding	لغزش
sliding bar	میله ای افقی
sliding vector	بردار لغزان، بردار لغزنده، بردار سران
slightly	تغیر اندک، کمی
Slip	swoop
slip gauge	تکه اندازه گیری، درجه، منشور
slip pance	سطح لغزش، صفحه لغزش
slipline gage	سنجه زبانه ای
slit	شکافتن، باریکه، شکاف

slit domain	حوزه شکافدار
slitter	صفحه تراش، شیار ساز، شکاف تراش
slitting	شکافتن
slitting attachment	دستگاه الحاقی شیار ساز
slobbovian integral	انتگرال اسلوبووی
slope	ضریب زاویه شیب
slope angle	زاویه شیب
slope coefficient	ضریب زاویه شیب خط
slope intercept	شیب - قطع
slope intercept equation	معادله شیب - قطع
slope intercept form	صورت شیب عرض از مبدأ
slope method	روش ضریب زاویه

slope of a curve at a point	شیب منحنی در یک نقطه
slope of a line	شیب یک خط، ضریب زاویه یک خط
slopes	به طور مایل، به طور مورب
sloping	سراشیب، مایل، مورب
slot	روزنه، چاک، چاک دادن، شکاف دادن، سوراخ، شیار
slot die	قالب شیار
slot down	کند کردن
slow down	کمک کاری، کم کردن سرعت، آهسته کاری، کاهش سرعت
slow moving inventory	عامل ضریب زاویه
slowing down density	پایین آوردن غلظت
slowing down of neutrons	کاهش سرعت نوترون ها
slowly increasing function	تابع آهسته صعودی

slug	اسلاگ
smaller topology	توپولوژی ضعیفتر
small category	دسته کوچک، رسته کوچک
small circle	دایره صغیره
small error	خطای ناچیز
small firm effect	رسیدگی/پی جویی محدود
small lot production	تولید ناانبوه، تولید متوسط
small sample	نمونه کوچک
small span	پیمای کوچک
small span theorem	قضیه پیمای کوچک
small stock dividend	سود سهمی کم/اندک
smallarity correspondence	تناظر تشابهی، تشابه نظیر به نظیر

smaller	کوچکتر، پایینی، زیرین، کمتر
smaller & smaller	رفته رفته کوچکتر
smaller and smaller	رفته رفته کوچکتر
smaller area	سطح کوچکتر، قطعه کمتر از نیم
smaller than	کوچکتر از
smallest	کمترین، کوچکترین، حداقل، کمترین، اقل
smallest element	کوچکترین عنصر، عنصر کمینه، عنصر حداقل، عضو کمینه، عنصر اقل
smallest member	کوچکترین عضو
smallest number	کوچکترین عدد، عدد اقل
smallness	کوچک، خرد، بینهایت کوچک
Smirnov theorem	قضیه اسمیرنوف
smooth	

	هموار
smooth arc	
	قوس هموار
smooth continuous curve	
	خم هموار، منحنی هموار
smooth curve	
	منحنی هموار
smooth file	
	سوهان نرم
smooth function	
	تابع هموار
smooth hyper surface	
	ابر سطح هموار، فوق سطح هموار
smooth manifold	
	خمینه هموار
smooth morphism	
	ریختی هموار
smooth point of a variety	
	نقطه ساده چند گونا، نقطه ناتکین چندگونا
smooth surface	
	سطح هموار
smooth variety	
	چندگونای هموار، چندگونای ناتکین
smoothed value	

مقدار هموار	
smoothing	
هموار، هموار کردن	
smoothing hypothesis	
نظریه (فرضیه) هموار سازی سود	
smple random sampling	
نمونه گیری تصادفی ساده	
Snap Shot	
تصویر آنی	
snapshot	
عکس تصویر فوری/لحظه ای	
Snell's law of refraction	
قانون شکست اسنل	
so	
بنابراین، از این رو	
so as to	
برای، زیرا	
so called	
معروفند	
so far that	
تا آنجا که	
so long as	
مادامی که، به شرطی که	
so that	

بنابراین، طوری که، چنان که، تا، بطوری که، چنان که، چنین، تا اینکه، تا، برای اینکه	
so to speak	اصطلاحاً
sobolev space	فضای سوبولف
Social	اجتماعی
social audit	حسابرسی مسئولیتهای اجتماعی
social income	درآمد اجتماعی، درآمد ملی
social sciences	علوم اجتماعی
social security premium	حق بیمه سازمان تأمین اجتماعی
social security tax	مالیات تأمین اجتماعی
socializing process	فرآیند واگذاری صنایع و واحدهای دولتی به عموم
society of management of canada	انجمن حسابداران مدیریت کانادا
socio economic factors	عوامل اجتماعی و اقتصادی

sociology	جامعه شناسی
socket	فرورفتگی، حفره، گودال، بوش، پرز
softener	نرم کننده
Software	نرم افزار
software development	ایجاد برنامه های نرم افزاری
software module	واحد نرم افزاری
Software Package	برنامه های نرم افزاری
solar	خورشیدی، شمسی
solar day	روز شمسی
solar ocean tide	جزر و مد خورشیدی اقیانوس
solar system	منظومه شمسی
solar time	زمان خورشیدی، زمان شمسی

sole	تنها، فقط
Sole proprietor	مالک موسسه انفرادی
Sole proprietorship	موسسه انفرادی
sole proprietorships	موسسات تک مالکی و واحدهای تک مالکی
solenoid	سیملوله
solenoidal	سولنوئیدی
solenoidal field	میدان سولنوئیدی
solenoidal vector	بردار سولنوئیدی
solenoidal vector field	میدان برداری سیم لوله ای
solicitation	رایزنی روشهای جلب مشتری
solid	جسم صلیب، حجم، دج، سخت، جامد، جسم، سه بعدی، توپر، صلب، یک پارچه، مکعب
solid analytic geometry	

	هندسه تحلیلی فضائی
solid angle	
	زاویه فضایی
solid body	
	جسم سخت
solid center	
	مرغک ثابت
solid clamp	
	گیره یکپارچه
solid die	
	حدیده ثابت
solid figure	
	شکل فضایی
solid geometry	
	هندسه فضایی، هندسه مجسمه
solid jig	
	جیگ یکپارچه
solid line	
	خط پر
solid mandrel	
	سمبه ساده
solid modelling	
	مدلسازی توپر
solid numbers	

عدد های مجسم	
solid of revolution	
جسم دورانی	
solid region	
ناحیه جسم	
solid sphere	
کره توپر	
solid state	
حالت جامد	
solidification shrinkage	
انقباض در حال انجماد، انقباض انجمادی	
solidus	
خط کسری، خط کسری مایل	
soluble	
قابل حل، حل پذیر، حل شدنی	
soluble group	
گروه قابل حل	
solute	
حل شده	
Solution	
راه حل	
solution by radicals	
حل به وسیله رادیکال ها، حل به وسیله رادیکال، حل به وسیله ریشه گیری	

Solution Design	راه حل طراحی
solution of a differential equation	حل یک معادله دیفرانسیل
solution of an equation	جواب معادله، حل معادله
solution of an triangle	حل مثلث
solution set	مجموعه جواب، مجموعه جواب ها
solution space	فضای جواب
solution vector	بردار جواب
solutions manual	راهنمای حل مسائل
solvable	حل شدنی، قابل حل، حل پذیری
solvable group	گروه حل پذیر
solve	حل کردن، گشودن
solvency	قدرت پرداخت تعهدات

solvency ratios	نسبتهای سنجش قدرت پرداخت تعهدات/بدهیها
Solvent	قادر به پرداخت بدهی
Solvent debt	بدهی قابل پرداخت
solving	حل
some	بعضی، تعدادی، برخی، مشخص، کم و بیش
some color	هم رنگ
some of which	بعضی از آنها
some times	در بعضی موارد
somehow	به گونه ای
somewhere	در جایی دیگر
son	بچه، پسر
sondage	مراجعه به عده معدود

sonine polynomials	چندجمله ای های سونین
sort	ردیف، ردیف کردن، رده بندی، دسته کردن، نظم، ترتیب، تفکیک
Sorting	طبقه بندی
sought for	مجهول
sound	صدا
sound financial policy	سیاست مالی مناسب
sound source	منبع صوت
Source	منبع
source documents	مسنادات مرجع اسناد و مدارک اولیه
source of cash	منبع وجه نقد
source of energy	منبع انرژی
source of evidence	

منبع شواهد	
source of mapping	
مبدأ یک مطابقه	
Source Planning	
سیستمهای برنامه ریزی توزیع	
source set	
مجموعه مبدأ	
sources of cash	
منابع وجوه نقد	
sources of equity	
منابع تامین سرمایه منابع ارزش ویژه	
sources of financial information	
منابع اطلاعات مالی	
sources of resources	
ماخذ منابع محل تامین منابع	
sources of u.s.gaap	
منابع و ماخذ اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا	
south pole	
قطب جنوب	
sowing	
تاب، انحراف، لرزش، نوسان	
space	
فضای، جا، جاصلضرب پایاندار فضاهاى توپولوژیک، حافظه، فضا	

space and layout chart	نمودار تقسیم جا و مکان
space closed curve	منحنی بسته فضایی
space coordinates	مختصات فضایی
space curve	خم فضایی
space figure	شکل فضائی
space filling	فضا پر کن
space filling curve	منحنی فضا پر کن
space fillinig curve	خم فضا پر کن
space geometry	هندسه فضایی، هندسه مجسمه
space group	گروه فضایی
space like	فضا گون
space measure	اندازه فضا

space of elementary events	فضای حوادث ساده
space of freedom	فضای آزادی
space of simple events	فضای حوادث ساده
space out	فاصله داشتن
space polar coordinates	مختصات قطبی فضایی
space rectifiable curve	منحنی با طول متناهی فضایی
space shuttle	سفینه فضایی
space solution	فضای جواب
space time	فضای زمان
spacer	فاصله گیر، جداکننده، فاصله انداز، لایی فلزی، فاصله پر کن
spaces	حاصل ضرب بی پایان فضا های توپولوژیک
spacial	فضائی

spacing	فاصله گذاشتن، فاصله گذاری، مراعات فواصل
spade	پیک، گلابی
span	پیمای
span of control	حیطه کنترل، حیطه نظارت
spanned	پدید آمده، ارشیده، تنیده، پیموده شده، گسترش یافته
spanned by	پدید آمده توسط
spanning	پدید آورنده، پدید آرنده، مولد، گسترنده، تولید کردن، فراگیر
spanning semipath	نیم مسیر فراگیر
spanning set	مجموعه فراگیر، مجموعه پدید آرنده، مجموعه مولد، مجموعه گسترنده
spanning subgraph	زیرگراف فراگیر
spanning tree	درخت فراگیر
spare	

اضافی، یدکی، زاپاس	
sparking	
جرقه فلزی، شراره فلزی	
sparse	
تتک، خلوت	
spatial	
فضایی، مکانی، فاصله ای	
spatial polar coordinates	
مختصات قطبی فضایی	
spatio temporal world	
جهان فضا زمانی	
special	
خاص، ویژه	
Special account	
حساب ویژه	
special assessment fund	
حساب مستقل عوارض مخصوص	
special assessments	
عوارض مخصوص	
special assignments	
تکالیف مخصوص تسهیلات خاص	
special case	
حالت خاص	
special circumstances	

شرایط خاص (ویژه)	
special clifford group	گروه کلیرد فضایی
special committee on assurance services	کمیته ویژه خدمات اطمینان دهی
Special Drawing Right	حق برداشت ویژه
Special drawing rights (S.D.R)	حق پرداخت مخصوص
special functions	توابع خاص
special jordan algebra	جبر ژوردان خاص
special journal	دفتر روزنامه اختصاصی
Special letter of credit	اعتبارنامه ویژه
special linear group	گروه خطی خاص
special linear group in n variables	گروه خطی ویژه با n متغیر
special offering or bid	پیشنهاد مناقصه مزایده خاص
special order decision	

تصمیم‌گیری درباره سفارش خاص
special production issues
مباحث / موضوعات خاص تولید
special purpose
یک منظوره، تک منظوره، کاربرد ویژه، هدف مخصوص، تک کاره
special purpose funds
حسابهای مستقل خاص وجوه نگهداری شده برای اهداف خاص
special purpose report
گزارش ویژه
special relativity
نسبیت خاص
special revenue fund
حساب مستقل درآمدهای اختصاصی
special sales order
سفارش فروش خاص
special sequence
دنباله خاص
special situations
حالات / وضعیتهای خاص موارد خاص
special terms for sub contracts
شرایط خاص قراردادهای دست دوم
special terms of contact
شرایط خاص قرارداد / پیمان

special theorem of repeated trials	قضیه خاص آزمایش های تکراری
special theory	نظریه خصوصی
special theory of relativity	نظریه نسبیت خاص
special topics	موضوعات خاص مباحث ویژه
special types	انواع خاص
special unitary group	گروه یکانی خاص
Specialist	متخصص
specialization	تخصیص، تخصص
specialized accounting principles	اصول خاص حسابداری اصول حسابداری مختص صنایع خاص
specialized staff	ستاد تخصصی
Specie	مسکوک
species	

species of a set of points	نوع، قسم، گونه، انواع
specific	انواع مجموعه نقطه ها
specific authorization	اختصاصی، ویژه، خاص، معین
specific gravity	تصویب خاص
specific heat	چگالی نسبی، گرانی ویژه، وزن مخصوص
specific identification	گرمای ویژه
specific performance method	شناسایی ویژه
specific purpose financial statements	روش عملکرد معین
specific unit cost method	صورت‌های مالی تهیه شده برای مقاصد خاص
specification	روش بهای تمام شده هر واحد شخص
specification analysis	تشخیص، تصریح، مشخصه، مشخصات، مشخصات فنی، ویژگی ها
	تجزیه و تحلیل مشخصات

specification curvature	انحنای کلی
specification hypothesis	فرض مشخص
specification limit	حدود مشخصات فنی
specification the law of	قانون تخصیص
specifications	خصوصیات
specificity	میزان عدم اشتراک
specificity approach	رویکرد / دیدگاه / روش جزئی نگری
specify	مشخص کردن، تعیین کردن، تصریح کردن، تخصیص کردن، تصریح
specimen	نمونه، شخص، فرد، نمونه برای آزمایش، نمونه فرعی، قطعه آزمایشی
spectral	طیفی
spectral analysis	آنالیز طیفی
spectral density function	

تابع چگالی طیفی	
spectral distribution	
توزیع طیفی	
spectral factorization	
تجزیه طیفی	
spectral function	
تابع طیفی	
spectral mapping theorem	
قضیه نگاشت طیفی	
spectral measure	
اندازه طیفی	
spectral norm	
نرم طیفی	
spectral radius	
شعاع طیفی	
spectral representation	
نمایش طیفی	
spectral resolution	
تفکیک طیفی	
spectral sequence	
دنباله طیفی	
spectral theorem	
قضیه طیفی	
spectral value	

مقدار طیفی	
spectrographic analysis	
تجزیه و تحلیل طیفی، تحلیل طیف نگاری	
spectrometer	
بیناب سنج	
spectroscope	
طیف نما	
spectrum	
طیف	
spectrum of a transformation	
طیف تبدیل	
Speculate	
سفته بازی کردن	
Speculation	
سفته بازی	
speculative	
قماری، احتکار امیز	
speculative demand for money	
تقاضای سوداگرانه (برای) پول	
speculative grade bonds	
اوراق قرضه با ریسک بالا	
speculative motive	
انگیزه سفته بازی	
speculator	

	سفته باز
speed	
	اندازه تندى، تندى، سرعت، سترگى تندى
speed of light	
	سرعت نور
speed of sound	
	تندى صوت
speeding variance	
	انحراف هزينه
Spend	
	خرج كردن
sphere	
	كره
sphere geometry	
	هندسه كره ها
sphere shaped	
	كروى، كره گون
spheric	
	كروى شكل، كروى
spherical	
	كروى
spherical angle	
	زاويه كروى
spherical astronomy	

سجوم کروی	
spherical Bessel function	
تابع بسل کروی	
spherical cap	
عرقچین کروی، عرقچین کره ای	
spherical coordinate	
مختص کروی	
spherical coordinate system	
دستگاه مختصات کروی	
spherical coordinates	
مختصات کروی	
spherical curvature	
انحنای کروی	
spherical curve	
خم کروی	
spherical cyclic curve	
خم دوری کروی	
spherical distance	
فاصله کروی	
spherical excess	
فزوننی مثلث کروی، میزان فزوننی، فزوننی کروی، فضل کروی	
spherical harmonic	
همساز کروی	
spherical harmonic function	

spherical helix	تابع همساز کروی
spherical image	مارپیچ کروی
spherical indicatrix	نگاره کروی
spherical polygon	منحنی مشخصه کروی
spherical porosity	چندضلعی کروی
spherical sector	تخلخل کروی
spherical segment	قطاع کروی، عرقچین کروی
spherical solid	قطعه کروی
spherical surface	کره جامد
spherical symmetry	رویہ کروی
spherical triangle	تقارن کروی
spherical trigonometry	مثالث کروی

مثلاثات كروي
spherical wedge
گوه كروي
spherical zone
منطقه كروي
sphericity
كرويت

spherics
هندسه كروي
spheriod oblate
جمع شده كره گون
spheroid
كره گون
spheroidal harmonics
همسازه هاي كروي
spikes
دست انداز
spin
اسپين، گردش، چرخاندن، چرخيدن، چرخش
spin mapping

نگاشت اسپین	
spin matrices	
	ماتریس های تنش
spin matrix	
	ماتریس اسپین
spin off	
	تقسیم سهام شرکت فرعی بین سهامداران شرکت اصلی
spindle	
	دوکی، دوک، هرز گرد، محور دوران، سگدست، محور حرکت، کشوی ریزسنج، محور چرخ، محور، محور اصلی، محور چرخنده، هرزه گرد
spinning	
	چرخان، شکل دهی چرخشی، چرخیدن، چرخاندن، شکل دادن، چرخش سریع، قوطی سازی
spinode	
	تیزه، نقطه بازگشت، نقطه برگشت
spinor	
	اسپینور
spinor group	
	گروه اسپینور
spinors	
	تننده ها
spiral	
	مارپیچ
spiral bevel gear	

سیستم چرخ دنده حلزونی، چرخ دنده مخروط مارپیچ
spiral conveyer
نقاله حلزونی، نقاله مارپیچی، نقاله پیچکی، نوار نقاله پیچی، برنده مارپیچ
spiral curve
منحنی حلزونی
spiral elevator
بالابر مارپیچ
spiral of archimedes
مارپیچ ارشمیدس
spiral plane curves
خم های مسطح مارپیچی
spirally
به طور مارپیچ
spire
مارپیچ
spitting ring
حلقه شکافنده
spline
محور خارخور، هزار خار، خارجو
split
شکاف
split core box
جعبه ماهیچه دو تکه
split die

	حدیده شکاف دار، حدیده متغیر
split extension	
	گسترش شکافنده، توسیع مقطع
split nut	
	مه‌ره دو تکه
split off point	
	نقطه تفکیک
split plot	
	کرت های شکافته شده
split rate	
	ضریب تجزیه
split split design	
	طرح کرت های خرد شده
split split plot	
	کرت های دو بار شکافته شده
split split plot design	
	طرح کرت های دوبار خرد شده
split upo into partial fractions	
	تجزیه کردن به مجموع کسر های ساده
splitting	
	تفکیک، تجزیه، تجزیه کننده
splitting field	
	هیات شکافنده
splitting ring	

	حلقه شکافنده
spoilage	
	ضایعات
spoiled units	
	واحدهای ضایع شده
spoke gate	
	مدخل پره ای
spontaneous	
	فوری، خودبخود، بی اختیار
spontaneous financing	
	تامین مالی بدون برنامه ریزی قبلی
spontaneous process	
	فرآیند خود به خود
spool mold	
	قالب تولید قرقره
Spot	
	نقدی، معاملات نقدی
Spot exchange rate	
	نرخ لحظه ای تبدیل ارز
spot exchange transaction	
	معامله تحویل فوری ارز (در یک روز)
spot facing	
	پرداخت سطح
spot market	

	بازار نقد بازار فوری
Spot metals	
	فلزات مورد معامله نقدی و تحویل فوری
spot price	
	قیمت روز
spot rate	
	نرخ روز
Spot Welding	
	جوش نقطه‌ای
potential ability of borrower to repay	
	توانایی بالقوه وام گیرنده در بازپرداخت
spray chamber	
	محفظه پخش، محفظه پاشش، اتاق پاشیدن
spray head	
	سر رنگ پاش
spray painting	
	رنگ پاشی
Spread	
	کارمزد دریافتی کارگزار، اختلاف بین نرخ ASK و BID
spreadsheet	
	صفحه گسترده
spring	
	میله، گیره فنری، خار، فنر
spring balance	

ترازوی فنری	
spring caliper	
پرگار آهنی	
spring loaded	
بافنر بارگذاری شده	
spring problem	
مساله فنر	
sprue cutter	
شیار بر	
sprue hole	
مذاب رو، راهگاه، سوراخ راهگاه	
spur	
اثر	
spur of a matrix	
اثر ماتریس، مجموع قطری ماتریس	
spurious coefficient of correlation	
ضریب همبستگی ساختگی	
spurious correlation	
همبستگی بدلی	
square	
مربع	
square bracket	
کروشه	
square factor	

	سازه مربع
square free	
	بدون توان دوم، بدون مجذور
square grid method	
	روش تور مربعی
square group	
	گروه مربع
square head	
	اتصال گونیایی
square integrable function	
	تابعی مربعی انتگرال پذیر
square inverse	
	عکس (معکوس) مجذور
square inverse law	
	قانون عکس (معکوس) مجذور
square matrix	
	ماتریس مربعی
square meter	
	متر مربع
square number	
	عدد مربعی، عدد مربع، عدد مربع کامل
square numbers	
	اعداد مربعی، عدد های مربع متوالی
square of a nubmer	

مال، مربع یک عدد، مجذور یک عدد
square of modes
مربع امتداد ها
square of opposition
مربع تباینات
square root
ریشه دو، جذر، ریشه جذر
square root function
تابع ریشه دوم
square root law
قانون ریشه دوم
square root transformation
تبدیل جذری
square term
جمله مربع
square thread
دنده مستطیلی، پیچ مربعی، رزوه تخت، رزوه چهارگوش
squared
بتوان دو، بقوه دو
squareness
چهارگوشی
squaring
به توان دو رساندن، تربیع
squaring of circle

	تربیع دایره
squaring shear	
	گونیا بر، راست بر، قیچی راست بر
squaring the circle	
	تربیع دایره
squeeze	
	فشردن
squeezing	
	فشردن، فشار
squeezing forecasting	
	پیش بینی فروش
squeezing principle	
	اصل فشار
Stability	
	پایداری – استوار
stability group	
	گروه پاینده، گروه پایداری، گروه یکروندی
stability of a system	
	پایداری دستگاه
stability of frequencies	
	ثبات فراوانی ها
Stability of the measurement unit	
	ثبات واحد اندازه گیری
stability subgroup	

زیرگروه پایداری، زیرگروه یک روندی
stabilization
پایدار سازی
stabilizer
پایدار ساز
stabilizer subgroup
زیرگروه پاینده
stabilizing treatment
عملیات حرارتی
Stable
باثبات
stable class
کلاس پایدار
stable distribution
توزیع پایدار
stable equilibrium
تعادل پایدار
stable homeomorphism conjecture
حدس همسان ریختی پایدار
stable process
فرآیند پایدار
stable subset
زیرمجموعه ماندگار، بخش پایدار
stable system

	دستگاه پایدار
stable vector bundle	
	بافه برداری پایدار
stably equivalent vector bundles	
	بافه های برداری پایدار هم ارز
Staff	
	پرسنل - کادر اداری
staff and line	
	صف و ستاد
staff departments	
	دوایر ستادی
staff functions	
	توابع ستادی
staff management	
	مدیریت کارکنان مدیریت ستادی
Staff Manager	
	رئیس کارگزینی
staff managers	
	مدیران ستادی
Staffing	
	کارگزینی - بکار گماردن
stage	
	گام، مرحله، گامه، سکو، فاز
stage of completion	

	مرحله تکمیل
stage payments	
	پرداختهای مرحله ای
stage space	
	مرحله
stagflation	
	رکود اقتصادی توام با تورم
staggered mill	
	نورد صلیبی
stagnation	
	توقف
stagnation point	
	نقطه رکود، نقطه توقف
staircase function	
	تابع پلکانی، تابع پله ای
stake	
	محکم کردن، قائم کردن
stakeholders	
	ذینفعان
Stale cheque	
	چک از مهلت گذشته
stalk	
	ساقه
stalk of a sheaf	

ساقه بافه
stalling
ایست
stalling definition
تعریف ایست
Stamp
مهر - تمبر
stamping
مهر زنی، ماتریس کاری، فشار کاری، پرس کاری، گرم کوبی
stand alone common cost allocation method
روش تخصیص مستقل هزینه ای مشترک
stand alone risk
ریسک منحصر بفرد ریسک مستقل
stand by equipment
تجهیزات آماده استفاده تجهیزات ذخیره تجهیزات آماده بهره برداری
stand for
قرار دادن به جای
Standard
استاندارد
standard & poor's 500 composite average
متوسط شاخص پانصد شرکت برتر
standard bank confirmation form
شکل استاندارد تاییدیه بانک
standard basis

	پایه متعارف
standard bill of materials	
	فرم استاندارد درخواست مواد
standard complex	
	مجمع استاندارد
standard conditions	
	شرایط متعارفی
Standard Cost	
	هزینه معیار
standard cost card	
	کارت هزینه استاندارد
standard cost records	
	کارتهای / سوابق هزینه استاندارد
standard cost sheet	
	برگ هزینه استاندارد
standard cost system	
	سیستم هزینه یابی استاندارد
standard cost system journal entries	
	ثبتهای دفتر روزنامه سیستم هزینه یابی استاندارد
standard costing	
	هزینه یابی استاندارد
standard data	
	داده های استاندارد
Standard Deviation	

انحراف معیار - انحراف استاندارد
standard deviation of the random error term
انحراف معیار خطای تصادفی
standard error
خطای معیار، خطای استاندارد
standard error of alpha
خطای استاندارد ضریب آلفا
standard error of beta
خطای استاندارد ضریب بتا
standard error of estimate
خطای استاندارد برآورد
standard error of the estimate
خطای استاندارد برآورد
standard error of the estimated coefficient
خطای استاندارد ضریب برآوردی
standard error of the estimation
خطای معیار تخمین
standard error of the mean
خطای معیار میانگین، خطای استاندارد میانگین
Standard Flow Chart
نمودار استاندارد
Standard Form
فرم استاندارد - شکل استاندارد
standard form of an equation

شکل متعارف معادله، شکل استاندارد یک معادله
standard form of dual
شکل استاندارد دوگان
standard form of linear program
شکل استاندارد برنامه خطی
standard gravitational acceleration
شتاب ثقل در استوا، شتاب ثقل نمونه
standard hours allowed
ساعات مجاز استاندارد
standard industrial classification manual
راهنمای طبقه بندی استاندارد صنایع
standard input
ورودی / داده استاندارد
standard normal distribution
توزیع نرمال استاندارد
Standard Operating Procedures
روشهای عملیاتی استاندارد
standard opinion
اظهار نظر استاندارد
standard overhead application rate
نرخ استاندارد جذب سربار
standard presentation
نمایش متعارف
standard quantity allowed

مقدار استاندارد مجاز	standard quantity of materials allowed
مقدار استاندارد مواد مجاز	Standard Rate
نرخ معیار - نرخ متعارف	standard region
ناحیه استانده	standard report
گزارش استاندارد	standard resolution
تفکیک استاندارد	standard score
نمره معیار، نمره استاندارد	standard setting process
فرایند تدوین استاندارد	standard simplex
ساده متعارف	standard time
زمان استاندارد	standard unqualified audit report
گزارش حسابرسی مقبول استاندارد	standardization
استاندارد شدن، استاندارد کردن، برسنجش	standardize

استانده کردن، برسنجیدن، استاندارد کردن
standardized
برسنجیده، استاندارد شده
standardized normal variates
متغیر های نرمال استاندارد شده
standardized random variable
متغیر تصادفی استاندارد شده
standardized test statistic
آماره آزمون استاندارد شده
standardized unexpected earnings
سود استاندارد غیر مورد انتظار
standardized units
واحد های استاندارد شده
standardized variable
متغیر استاندارد شده
standardized variate
متغیر استاندارد شده
standards for accreditation
استانداردهای اعتبار سنجی
standards revision
بازنگری در استانداردها تجدید نظر در استانداردها
standby agreement
قرارداد تضمین فروش محصول
standing

	قائم
standing order	
	دستور پرداخت دائمی
standing wave	
	موج ایستاده
star	
	ستاره
star graph	
	گراف ستاره
star like	
	ستاره گون
star network	
	شبکه ستاره ای
star of a set	
	ستاره مجموعه
star of a subset	
	ستاره زیرمجموعه
star refinement	
	تظریف ستاره ای
star region	
	ناحیه ستاره ای
star shaped	
	ستاره گون
star shaped set	

	مجموعه ستاره گون
staring value	
	مقدار آغازین
start	
	شروع کردن، شروع، آغاز کردن، آغاز، آغازیدن
start state	
	حالت اولیه، حالت شروع
start symbol	
	علامت شروع، نماد شروع
start up costs	
	هزینه های بهره برداری
start variable	
	متغیر شروع
start with	
	شروع کردن
starting	
	آغازین، اولیه، آغازی، آغاز
starting basic solution	
	جواب پایه ای آغازین
starting capital	
	سرمایه اولیه
starting up	
	کار اولیه
starting value	

مقدار آغازین	
starting variable	
متغیر شروع	
state	
وضعیت، سطح، فاز، حالت، وضع، موقعیت، منزل، شرح دادن، توضیح دادن، گفتن، چگونگی، حالت	
State – owned bank	
بانک دولتی	
state diagram	
نمودار حالت	
State of Market	
وضعیت بازار	
state of nature	
حالت طبیعی	
state of reduction	
کاهش حالت	
state of regularity	
انتظام حالت	
state sequence	
دنباله حالت ها	
state space	
فضای حالت، فضای حالت ها	
state table	
جدول حالت	

state transformation	تبدیل وضعیت
state transition	تبدیل حالت
state transition diagram	نمودار تبدیل حالت
state transition table	جدول تبدیل حالت
state variable	متغیر وضعیت، متغیر حالت
stated fraction	نسبت معین / تعریف شده
stated interest rate	نرخ بهره معین / تعریف شده
stated value	ارزش اعلام شده / تعریف شده
stated value method	روش ارزش اعلام شده / تعریف شده
Statement	صورت - وضعیت - اظهار - حکم - بیان - صورت حساب
statement calculus	حساب گزاره ها
statement form	قالب

statement heading	عنوان صورتحساب
Statement of Account	صورتحساب
Statement of Auditing Standards	بیانیه استانداردهای حسابرسی
statement of cash flows	صورتحساب جریانهای نقدی
statement of changes in equity	صورتحساب تغییرات در حقوق صاحبان سهام
Statement of changes in financial position	صورتحساب تغییرات در وضعیت مالی
statement of changes in net assets	صورتحساب تغییرات در خالص داراییها
statement of changes in owner's equity	صورتحساب تغییرات در حقوق مالکان
statement of concepts	بیانیه مفاهیم
statement of earnings	صورتحساب عایدات / سود
Statement of equity	صورتحساب سرمایه
statement of financial accounting concepts (sfac)	بیانیه مفاهیم حسابداری مالی

statement of financial position	صورت وضعیت مالی نام دیگر ترازنامه
statement of owner's equity	صورت حقوق مالکانه
statement of results of operations	صورت نتایج عملکرد صورت نتایج عملیات
statement of retained earnings	صورت سود (زیان) انباشته
Statement of source and use of funds	صورت منبع و مصرف وجوه
statement of stockholder's equity	صورت حقوق صاحبان سهام
Statement on Accounting Theory and Theory Acceptance	بیانیه ای در مورد تئوری حسابداری و پذیرش تئوری
Statement on Auditing Procedures	بیانیه رویه های حسابرسی
statement on management accounting standards (smas)	بیانیه استانداردهای حسابداری مدیریت
statement variable	متغیر گزاره ای
Statements Of Financial Accounting Concepts	بیانیه های مفاهیم حسابداری مالی
Statements Of Financial Accounting Standards	

بیانیه های استانداردهای حسابداری مالی
Statements Of Position
صورت وضعیت – بیانیه های مواضع
Statements of Standard Accounting Practice
بیانیه های رویه عمل استاندارد در حسابداری انگلیس
statements on auditing standards (sass)
بیانیه های استانداردهای حسابرسی
statements on standards for accounting and review service (ssars)
بیانیه های ایستادهای خدمات حسابداری و بررسی صورتهای مالی
statements on standards of attestation engagements (ssaes)
بیانیه های استانداردهای خدمات اعتباردهی
states
وضعیتها حالات
states of nature
وضعیتها حالات
static
سکونی، ایستایی، استاتیک، ایستا، ساکن، ایست
static analysis
تحلیل ایستایی
static balance
تعادل ایستایی، تعادل سکونی، توازن ایستا
static budget
بودجه ثابت

static equilibrium	تعدادل استاتیک
static friction	اصطکاک ایستایی
static model	مدل ایستایی
static product layout	استقرار استاتیکی محصول
static system	دستگاه ایستا
statics	استاتیک، ایستایی، ایستاشناسی، علم استاتیک، علم السکون، ایستایی شناسی، منزل
Station	ایستگاه
stationarity	مانایی
stationary	پابرجا، در محل مانده، ثابت، ایستا، ساکن، ایستی، تعدادل، مانا، حالت نرمال، بدون تغییر، پایا، مانایی، ساکن
stationary channel	کانال مانا
stationary distribution	توزیع ساکن

stationary increment	رشد ثابت
stationary motion	حرکت پایا
stationary observer	ناظر ساکن
stationary phase	فاز مانا
stationary point	نقطه سکون، نقطه مانا، نقطه متوقف، نقطه ساکن، نقطه ایستا، نقطه ایستی
stationary process	فرایند مانا
stationary sequence	دنباله ایستی، دنباله ایستا، دنباله توقفی
stationary values	مقادیر توقف، مقادیر ایستا
Statistic	آمار
statistical	آماري
statistical analysis	تجزیه و تحلیل آماری
statistical approach	

رویکرد آماری	
statistical correlation	
همبستگی آماری	
Statistical Data	
داده های آماری	
statistical decision function	
تابع تصمیم آماری	
statistical definition of probability	
تعریف آماری احتمال	
statistical distribution	
توزیع آماری	
statistical equilibrium	
تبادل آماری	
statistical estimation	
برآورد آماری، تخمین آماری	
statistical evidence	
مدرك آماری	
statistical games	
بازی های آماری	
statistical hypothesis	
فرضیه آماری، فرض آماری	
statistical inference	
استنباط آماری	
statistical inferences	

	استنباطهای آماری
statistical measure	
	معیار آماری
statistical mechanics	
	مکانیک آماری
statistical model	
	مدل آماری
statistical population	
	جامعه آماری
statistical probability	
	احتمال آماری
Statistical Process Control	
	کنترل فرایند آماری
statistical process control (spc)	
	کنترل آماری فرآیند
statistical psychology	
	روانشناسی آماری
Statistical Quality Control	
	کنترل کیفیت آماری
statistical quality control procedures	
	روشهای کنترل کیفیت آماری
Statistical query co-occurrence analysis	
	تحلیل آماری هم رخدادی
statistical sampling	

statistical test	نمونه گیری آماری
statistical theory	آزمون آماری
statistical thermodynamics	نظریه آماری
statistically	ترمودینامیک آماری
statistician	به طور آماری
statistics	آمار گر، آمارشناس
statuary	آمار
Status	نقش
status quo	وضعیت
Statutory	وضع موجود
statutory audit	طبق قانون
statutory deductions	حسابرسی قانونی

	كسورات قانونى
Statutory reserves	
	ذخاير قانونى
steady	
	پايا
steady current	
	شدت جريان حالت پايدار
steady discharge	
	تخليه دائم
steady distribution	
	توزيع پايا، توزيع تعادلى
steady flow	
	جريان يكنواخت
steady flow of heat	
	جريان ماندگار گرما
steady rest	
	تكيه گاه ساكن
steady state	
	حالت پابرجا، حالت يكنواختى، وضعيت ثابت، حالت دايم، حالت پايا، حالت پايدار، حالت يكنواخت، يكسان، حالت مانا
steady state flow	
	جريان يكنواخت
steady state phase	
	مرحله ثبات / پايدارى

steady temperature	
	دمای پایا
steady value	
	مقدار وضع ثابت
steel casting	
	فولادریزی
steel rule	
	خط کش اندازه گیری
steepest ascent	
	بزرگترین شیب صعودی
steepest descent	
	نزول سریع، تندترین کاهش، حداکثر کاهش
steepest descent method	
	روش تندترین کاهش، روش کندترین نزول
steepest edge selection	
	انتخاب تندترین یال
steepness	
	شیب
steering	
	تحقیق
steering committee	
	کمیته ناظر و هدایت کننده
stefan boltzmann law	
	قانون اشتفان-بولتسمان

Stein manifold	خمینه اشتاین
Steiner problem	مساله اشتاینر
stellar	ستاره ای (ستاره)
stellar energy	انرژی ستاره ای
stellar magnitude	اندازه ستاره ای
stellate polygon	کثیرالاضلاع کواکبی، کثیرالاضلاع کوکبی
step	پله ای
step allocation method	روش تخصیص پله ای
step by step	مرحله به مرحله
step by step acquisition	تحصیل گام به گام تحصیل تدریجی
step by step run	قدم به قدم، اجرای مرحله به مرحله
step cost function	تابع هزینه پله ای

step costs	هزینه های پله ای
step down allocation method	روش تخصیص پله ای نزولی
step drill	مته پله ای
step fixed	ثابت پله ای
step fixed cost	هزینه ثابت پله ای
step function	تابع پله ای
step gauge	شابلون پله ای
step length	طول گام
step method	روش پله ای
step method allocation	روش سرشکن کردن یک طرفه
step region	ناحیه پله ای
step size	اندازه گام

step type budget	بودجه مرحله ای
step variable	هزینه متغیر پله ای
step variable cost	هزینه متغیر پله ای
stepfluid flow over	جریان سیال بر پله
steplike	پله ای، پله مانند
Stepped – rate bond	سند قرضه با نرخ بهره مرحله ای
stepped fixed costs	هزینه های ثابت پله ای
stepwisc method	روش تک گامی
stepwise	گام به گام، قدم به قدم، مرحله به مرحله، تدریجاً
stepwise continuation	تمدید تدریجی
steradian	استرادیان، مقیاسی زاویه فضایی، زاویه فضایی
stere	یک متر مکعب

stereo	سه بعدی
stereographic	گنج نگاری
stereographic image	تصویر استروگرافیک
stereographic projection	تصویر گنج نگاشتی، تصویر استریوگرافیک، تصویر گنج نگاری
stereography	گنج نگاری
stereoscopic photos	تصاویر سه بعدی
Sterilized	عقیم
Sterilized exchange rate intervention	دخالت عقیم شده نرخ ارز
Sterling	پوند انگلستان
steward	نماینده مباشر
stewardship function	وظیفه مباشرتی / سرپرستی
stick	

چسبیدن	اهرم، چسب، شمش، ماده چسبناک، میله، گیر کردن، چسباندن،
چسباندن چند نگاشت	sticking together some mappings
انتگرال استیلتیس	Stieltjes integral
مسأله گشتاور استیلتیس	stieltjes moment problem
مجموع استیلجس، مجموع استیلیس	stieltjes sum
سخت	stiff
سختی	stiffness
ثابت سفتی	stiffness constant
ضریب شقی	stiffness factor
ماتریس سفتی	stiffness matrix
فرمول استرلینگ	stirling formula
ولی باز، باز هم، همچنان، ولی، باز	still

stimulated	
	تهییج شده
stimulated emission	
	گسیل القایی
stimulus	
	انگیزه، محرک
stipper plate	
	صفحه ماسه نگهدار، صفحه جدا کن، صفحه آزاد کننده
stipple	
	نقطه چین خورده
Stipulation	
	پیمان
stirling formula	
	فرمول استرلینگ
stirling number	
	عدد استرلینگ
stirling's formula	
	رابطه استرلینگ، فرمول استرلینگ
stirring	
	به هم زدن
stochastic	
	تصادفی، احتمالی، بختی، نامعین، شانسی
stochastic calculus	
	حساب دیفرانسیل و انتگرال تصادفی

stochastic chain rule	قاعده زنجیری تصادفی
stochastic convergence	همگرایی تصادفی
stochastic differential equation	معادله دیفرانسیل تصادفی
stochastic equation	معادله تصادفی
stochastic independence	استقلال تصادفی
stochastic integral	انتگرال تصادفی
stochastic matrix	ماتریس تصادفی، ماتریس نامعین
stochastic model	مدل تصادفی
stochastic problems	مساله های تصادفی
stochastic process	رفتار احتمالی، فرآیند تصادفی، فرآیند نامعین
stochastic process risk	ریسک فرایند تصادفی
stochastic system	دستگاه تصادفی، دستگاه نامعین

stochastic variable	
	متغیر تصادفی
stochastically	
	بختانه، تصادفا، به طور تصادفی
stochastically larger random variable	
	متغیر تصادفی تصادفا بزرگتر
Stock	
	انبار
Stock Adjustment	
	تعدیل و اصلاح موجودی
Stock Control	
	کنترل موجودی انبار
stock dividend	
	سود سهام، سود سهام
Stock dividends	
	سود سهمی
Stock Exchange	
	بورس
Stock Exchange Quotation	
	قیمت های بورسی
Stock Holder	
	سهامدار
Stock in Hand	
	موجودی کالا

Stock Market	
	بازار بورس
stock on hand	
	کالای موجود، موجودی
Stock Option	
	خرید سهام
stock out	
	بدون موجودی
stock out cost	
	هزینه کسری، هزینه کمبود کالا
Stock Purchase	
	خرید سهام
Stock Taking	
	صورت برداری از موجودی
Stock yield	
	بازده سهام
stockes line	
	خط استوکس
Stockholder	
	سهامدار
Stockholder's equity	
	حقوق صاحبان سهام
stockholders equity	
	حقوق صاحبان سهام

stockkeeper	انبار دار، متصدی انبار
stockman	انباردار، متصدی انبار
Stocks	سهام
stockyard	انبار مواد اولیه، بخش انبار مواد اولیه
Stokes line	خط استوکس
stokes phenomenon	پدیده استوکس
stokes theorem	قضیه استوکس
stone cech compactification	فشرده سازی استون-چخ
stone theorem	قضیه استون
stone weierstrass theorem	قضیه استون-وایراشتراس
Stoner	انبار - انبار کردن
Stoner Keeping	اداره امور انبار

Stop – out price	کمترین قیمت پیشنهاد خرید
Stop a Cheque	جلوگیری از پرداخت چک
Stop loss	حد ضرر
Stop order	نوعی سفارش خرید یا فروش در هنگام افزایش قیمت از حدود بالا و پایین
stop point	نقطه توقف
stop watch studies	زمان سنجی با کروномتر
stopping	توقف
stopping criterion	معیار توقف
stopping rule	قاعده توقف
stopping time	زمان ایست
Storage	انبار – انبارداری
storage cost	

	هزینه انبار داری، هزینه انبار
storage space	
	حافظه
storage unit	
	واحد ذخیره، واحد حافظه
Store	
	انبار کردن - مغازه
store accounting	
	حسابداری موجودی انبار
store room	
	انبار، انبار کالا، مخزن
store's stock	
	موجودی انبار
storekeeper	
	انباردار
storekeeping	
	اداره امور انبار، انبارداری
Storing	
	انبار نمودن
storing expense	
	هزینه انبارداری
straight	
	قائم، نیم صفحه، نیم فضا، مستقیم الاضلاع، مستقیم، راست
straight angle	

	زاویه دو قائمه، زاویه نیمصفحه
straight forward	
	آسان، ساده
Straight letter of credit	
	اعتبارنامه مستقیم
straight line	
	خط مستقیم
straight line depreciation	
	استهلاک مستقیم
straight line method	
	طریقه مستقیم، روش خط مستقیم، روش مستقیم
straight lines	
	خط های مستقیم
straight oblique line	
	خط مایل مستقیم
straight oblique lines	
	خط های مایل مستقیم
straight parallel lines	
	خط های موازی مستقیم
straight perpendicular lines	
	خط های عمود بر هم مستقیم
Straight Salary	
	مزایای دستمزد براساس حقوق مستقیم
straightedge	

	ستاره
straighten	
	راست کردن، درست کردن
straightening	
	تابگیری
Straight-line method	
	روش خط مستقیم
straightness	
	استقامت
strain	
	دگروشی، گرنش
strand	
	ردیف، رشته
strata	
	طبقه
Strategic	
	راهبردی
strategic control point	
	نقطه کنترل اساسی، نقطه کنترل حساس و اساسی، نقطه کنترل استراتژیک
strategic decisions	
	تصمیمات استراتژیک
Strategic Management	
	مدیریت استراتژیک

strategic variable	متغیر استراتژیک
strategy	استراتژی، خط مشی
strategy for a game	استراتژی بازی
strategy space	فضای استراتژی ها
stratified sampling	نمونه گیری طبقه بندی شده، نمونه گیری از راه طبقه بندی، نمونه برداری طبقه ای، نمونه گیری خوشه ای
stratification	طبقه بندی
stratified	طبقه بندی شده، مطبق، طبقه
stratified cluster sampling	نمونه برداری طبقه ای، نمونه گیری با طبقه بندی
stratified random sampling	نمونه گیری از راه طبقه بندی
stratified sample	نمونه طبقه ای
stratified sampling	نمونه برداری طبقه ای، نمونه گیری با طبقه بندی
stratify	

	طبقه، طبقه بندی، طبقه بندی کردن
stratum	
	طبقه
stream	
	جریان
stream function	
	تابع جریان
stream line	
	خط جریان
streamline	
	خط روان، خط سیلان، خط جریان
strength	
	قدرت، مقاومت، قوی، سنگ، نیرومندی، شدت
strength of an interaction	
	قدرت بر هم کنش
strength of and interaction	
	قدرت بر هم کنش
strength of materials	
	مقاومت مصالح
Strengthen	
	تقویت شدن
stress	
	بار، فشار، تلاش، تنش
stress relief	

	رها کردن تنش، عملیات تنش زدایی
stress relief annealing	
	تاباندن برای رفع تنش
stress relieving	
	آزاد کردن تنش، رفع تنش، تنش گیری
stretch	
	امتداد دادن، کشیدن، یازیدن، یازه
stretch forming	
	شکل دهی انبساطی، شکل دهی کششی
stretch press die	
	قالب انبساطی
stretch wrap forming	
	شکل دان انبساطی پوششی
stretched ellipsoid	
	بیضیوار کشیده
stretched ellipsoid	
	بیضیوار کشیده
stretching	
	انبساط، کشش، شکل دهی انبساطی، شکل دهی کششی، منبسط کردن
strict	
	دقیق، اکید، صرف، موکد، خاص، محض، محدود
strict convex combination	
	ترکیب محدب اکید
strict functional calculus	

	حساب اکید تابعی
strict implication	
	استلزام اکید
strict inequality	
	نامساوی اکید، نابرابری سره، نابرابری اکید
strict maximum	
	بیشینه نسبی سره، بیشینه سره
strict maximum minimum	
	کمینه نسبی سره
strict monotony	
	یکنواختی محض، یکنواختی اکید
strict order	
	ترتیب به معنای دقیق
strict relative extremum	
	قرینه نسبی سره
strictly	
	دقیقا، اکیدا، به طور محض، کاملا
strictly axiomatic approach	
	طریقه کاملا اصولی
strictly convex function	
	تابع کاملا محدب
strictly convex space	
	فضای اکیدا محدب
strictly decreasing	

اکیدا نزولی، کاملاً کاهشی، دقیقاً نزولی، نزولی اکید
strictly decreasing function
تابع اکیدا نزولی، تابع نزولی اکید
strictly decreasing sequence
دنباله اکیدا نزولی
strictly determined
کاملاً معین
strictly greater than
اکیدا بزرگتر از
strictly increasing
اکیدا صعودی، کاملاً صعودی، کاملاً افزایشی، دقیقاً صعودی، صعودی اکید
strictly increasing function
تابع اکیدا صعودی
strictly increasing sequence
دنباله اکیدا صعودی
strictly inductive limit
حد اکیدا استقرایی
strictly less
اکیدا کمتر از
strictly monotone decreasing function
تابع اکیدا یکنوای نزولی
strictly monotone function
تابع اکیدا یکنوا
strictly monotone increasing function

تابع اکیدا یکنوای صعودی
strictly monotonic
اکیدا یکنواخت، کاملاً یکنوا، اکیدا یکنوا
strictly monotonic function
تابع یکنوای اکید، تابع اکیدا یکنواخت
strictly negative real number
عدد حقیقی اکیدا منفی
strictly ordered mapping
نگاشت مرتب سره
strictly unilateral
اکیدا یک طرفه
strictly weak
اکیدا ضعیف
strightforward
ساده، روان
strike
برخورد کردن، روبرو شدن
strike off rule
خط کش صاف کن
strike out
حذف کردن
string
ریسمان، تار، سیم، نوار، رشته، فنر
string diagram

	نمودار نخ‌ی، نقشه نخ‌ی
strip	
	نوار، نوار کار، ورقه کردن، لخت کردن، باریکه
Strip of maturities	
	مقدار اقساطی
stripping bay	
	بخش قالب کشی
stroke	
	خط، ضربه، برخورد، کوبه
strong	
	قوی، پرتوان، شدید، نیرومند
strong back	
	نگهدارنده قوی، حمایت قوی، پشت بند قوی
strong convergence	
	همگرایی قوی
strong converse theorem	
	عکس قوی قضیه
strong deformation retract	
	درون بر تغییر شکل قوی
strong duality	
	دوگانی قوی، دوگان قوی
strong induction	
	استقراء قوی، استقرای قوی، استقرای پرتوان
strong interaction	

strong law of large numbers	بر هم کنش قوی
strong markov property	قانون قوی اعداد بزرگ
strong operator relation	خاصیت پرتوان مارکف
strong operator topology	رابطه ترتیبی قوی
strong order relation	توپولوژی قوی عملگرها
strong relation	نسبت ترتیبی قوی
strong topology	نسبت قوی
stronger	توپولوژی پرتوان، توپولوژی قوی
stronger topology	قوی تر
strongly connected	توپولوژی قوی تر
Strongly Connected graph	همبند قوی
strongly continuous mapping	قویا همبند

نگاشت قوی پیوسته
strongly continuous representation
نمایش قوی پیوسته
strongly feasible basic partition
افراز پایه به طور قوی شدنی
strongly measurable function
تابع قوی اندازه پذیر
strongly normal extension field
هیأت توسیع قوی نرمال
strongly order preserving
حافظ ترتیب قوی
strongly ordered
به طور قوی مرتب، قویا مرتب
strongly paracompact space
فضای قوی پیرافشرده
strophoid
استروفویید، چرخ تیز نما، چرخک نما، چرخ نما
structural
ساختاری
structural constant
ثابت ساختاری
Structural inflation
تورم ساختاری
structural relationship

	رابطه ساختاری
structural stability	
	پایداری ساختاری
structure	
	ساختار
structure sheaf	
	بافه ساختاری
structured flowchant	
	نمودار گردش ساخت یافته
structured programming	
	برنامه ریزی ساخت یافته
Structured Query Language	
	زبانهای استعلامی ساخت یافته
stud	
	روباز
Student distribution	
	توزیع استیودنت
student variable	
	متغیر استیودنت
student's integral table	
	جدول استیودنت
studentization	
	استودنتی کردن
studentize	

studentized	نمودن t
studentized statistic	استیودنت شده
study	آمار استودنتی شده
Stuff	مطالعه، مطالعه کردن، واریسی کردن، بررسی کردن، بررسی
stuffer	کالا - جنس - ماده
Sturm comparison theorem	پر کننده ($T =$ - هادی)
Sturm Liouville operator	قضیه مقایسه استورم
sturm liovile defferential equations	عملگر استورم - لیوویل
sturm liuvile operator	معادلات دیفراسیل استورم - لیوویل
sturm method	عملگر استورم لیوویل
Sturm separation theorem	روش استورم
sturm sequence	قضیه مجزا کننده استورم

	دنباله استورم
style	
	روش، شیوه، سبک، نمونه
suan pan	
	چرتکه چینی
sub	
	زیر، فرعی، پیشوندی به معنی تحت، زیر، کوچک
Sub – participation	
	شراکت فرعی
sub annulus	
	زیر حلقه
Sub graph	
	زیر گراف
subadditive	
	زیر جمع‌پذیر
subadditive function	
	تابع زیر جمع‌پذیر
subadditivity	
	ویژگی زیر جمع‌پذیری
subalgebra	
	زیر جبر، جبرک
subaltern	
	متداخل
subarc	

	زیر قوس
subarea	
	زیر ناحیه، زیر پهنه
subassembly	
	قسمت فرعی، گروه فرعی، زیر مجموعه
subbase	
	زیر پایه
subcategory	
	زیر کاتگوری، زیر رسته
subclass	
	زیر رده
subcollection	
	زیر مجموعه، زیر دسته، زیر گردایه
subcomplex	
	زیر مجتمع
subcontrary	
	داخل تحت تضاد، داخل در تحت تضاد
subcover	
	زیر پوشش
subcritical	
	زیر بحرانی
subdeterminant	
	مینور
subdiagonal	

	زیرقطری
subdirectory	
	فهرست نامه فرعی، زیردایرکتوری
subdivide	
	تقسیم به جزء کردن، به اجزاء تقسیم کردن، تقسیم کردن
subdivided column	
	ستون های تقسیم شده
subdivided surface	
	سطح تقسیم شده
subdivision	
	زیربخش، زیردامنه، زیرتقسیم، جزء، بخش
subdivision ring	
	حلقه زیربخشی
subdomain	
	زیرمیدان، زیردامنه، زیرحوزه
subevent	
	زیرپیشامد
subexpression	
	زیرعبارت
subfactorial	
	زیرفاکتوریل، تحت فاکتوریل
subfamily	
	زیرخانواده
subfield	

زیرمیدان، میدانک، زیرهیئت، زیرحوزه، حوزه فرعی، زیرهیأت
subgraph
زیرگراف
subgraph homeomorphic
زیرگراف همسان ریخت با
subgraph isomorphic to
زیرگراف یک ریخت با
subgroup
زیرگروه
subgroup of g generated by x
زیرگروه g تولید شده توسط x
subharmonic function
تابع زیر همساز
subinterval
زیرفاصله، فاصله کوچک، زیربازه
subinvariant measure
اندازه زیر ناورد
subject
ذهنی، نهشتی، نهادی
subject predicate of sentence
گزاره حملی
subject to
تحت، وارد شدن، موکول به، با توجه به، مشروط به، به شرط این که
subjective

	ذهنی، نهشتی، نهادی
subjective definition of probability	
	تعریف ذهنی احتمال
subjective probability	
	احتمال ذهنی
subjective probability theory	
	نظریه ذهنی احتمال
sublattice	
	زیر شبکه، زیر مشبکه
subledger	
	دفتر معین
sublet	
	اجاره فرعی دادن، حق اجاره بمستاجر فرعی دادن
Subloan	
	وام فرعی
submanifold	
	زیر خمینه، زیر چندگونا، زیر بسلا
submatrix	
	زیر ماتریس، تحت ماتریس، زیر آرایه
submenu	
	زیر فهرست
submerge	
	غوطه ور بودن
Submit	

	ارائه دادن - پیشنهاد کردن
submodule	
	زیرمدول
submultiple	
	مقسوم علیه، مقیاس مشترک دو پاره خط
subnet	
	زیرشبکه
subnormal	
	تحت نرمال، زیرقائم، تحت قائم
subnormal subgroup	
	زیرگروه زیرنرمال
subject	
	زیرشیء
suboptimal	
	زیربهینه، زیربهینه
suboptimization	
	زیربهینگی
Subordinate	
	مرئوس
subordinate form	
	فرم فرعی
subpath	
	زیرمسیر
subpopulation	

	زیرجامعه
subproject	
	جزء پروژه، زیر طرح
subregion	
	زیر ناحیه
subregular	
	زیر منظم
subring	
	زیر حلقه
subroutine	
	زیر روال، زیر برنامه، رویه فرعی
subsampling	
	زیر نمونه، نمونه گیری از نمونه، زیر نمونه گیری
subscript	
	زیر نویس، شاخص پایینی، اندیس پایین، زیروند، شاخص زیر، زیر نویس، اندیس، اندیس زیرین، اندیس زیری
Subscription	
	آبونمان اشتراک
subscription contract	
	قرار داد پذیره نویسی
subscription receivable	
	سهام پذیره نویسی شده دریافتنی
subsection	
	زیر بخش، زیر بند

subsemigroup	زیر نیم گروه
subsequence	زیر دنباله
subsequent	در سایر متعاقب، بعدی، لاحق
subsequent events	رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه
subsequent letter	حرف بعدی
subsequent period	دوره بعد از تاریخ ترازنامه
subsequential	زیر دنباله ای
subsequential limit	حد زیر دنباله ای
subsequently	در نتیجه
subseries	زیر سلسله، زیر رشته
subset	زیر مجموعه (از sub بعنوان زیر ساختار استفاده می شود مانند subgroup که به معنای زیر گروه است و ...)
subset defined by	

	زیرمجموعه تعریف شده به وسیله ی
Subsidiary	
	شرکت تابعه
subsidiary equation	
	معادله کمکی
subsidiary ledger	
	دفتر معین
Subsidiary loan	
	وام فرعی
Subsidies	
	سوبسید
Subsidize	
	کمک هزینه
subsidize / subsidise	
	کمک هزینه دادن، کمک خرج دادن
subsidy	
	اعانه، کمک هزینه، کمک مالی، سوبسید
subsisting	
	قائم، واقف، ایستاده، ایستادن
subspace	
	زیرفضا، فضاهاک
subspace affine	
	زیرفضای آفین
subspace of a topological space	

زیرفضای یک فضای توپولوژیک
substance
گوهر، جسم، ماده موجود
substance over from
رجحان محتوا بر شکل
substantial
واقعی، اساسی، مهم
substantial completion
تکمیل عمده
substantial doubt
تردید اساسی
substantially all test
آزمون اکثریت
substantiate
اثبات کردن
Substantive Agreement
موافقت اصولی
substantive analytical procedures
بررسیهای / روشهای تحلیل محتوایی
substantive approach
روش / رویکرد محتوایی
substantive error
اشتباه / خطای محتوایی
substantive evidence

	شواهد محتوایی
substantive procedures	
	روشهای محتوایی
substantive strategy	
	راهبرد محتوایی
substantive tests	
	آزمونهای محتوا
substantive tests of transactions	
	آزمون محتوای معاملات
substatement	
	زیرگزاره
substitute	
	جانشین، بدل، جانشینی، جابجا کردن، عوض کردن، جانشین کردن، منظور نمودن، برقرار کردن
substitute good	
	کالای جانشین/ جایگزین
Substitute Goods	
	کالاهای جانشین - کالاهای بدل
Substitution	
	جانشین سازی
substitution method	
	روش جایگزین
substitution method of solving equations	
	حل دستگاه معادلات از طریق حذف تبدیلی

Substitution of debt	جایگزینی بدهی
substitution property	خاصیت جانشانی
substitution process	فرآیند جانشین سازی
substrata	زیرطبقه، طبقات فرعی
substring	زیررشته
Subsystem	سیستم جزء سیستم فرعی - زیر مجموعه
subtangent	زیر مماس، تحت مماس، تفریق کردن، کم کردن، کاستن
subtend	رؤیت کردن، قرار گرفتن، روبرو واقع شدن، مقابل بودن
subtended angle	زاویه مقابل
subterranean	زیرزمینی، نهانی، تحت الارضی
substitute	تعویض کردن، عوض، جانشین کردن، جانشین، جابجا کردن، بدل
subtract	منها

subtraction	
	تفریق
subtraction of events	
	تفاضل بردارها
subtraction sign	
	علامت تفریق، منها
subtractive	
	مفروق، کاهش، کاهشی، کاهنده، تفریقی
subtrahend	
	مفروق
subtree rooted	
	زیردرخت ریشه دار
subvariety	
	زیرچندگونا
subvention	
	اعانه نقدی دولت به بنگاه عام المنفعه، کمک مالی، تخصیص اعانه، کمک هزینه
subword	
	زیرکلمه
succeed	
	موفق بودن، بعد از ... بودن
succeed one another	
	بدنبال آمدن، به طور توالی قرار گرفتن
succeeding element	

	عضو بعد از آن
succeeding term	
	جمله بعدی
successor	
	تالی، مؤخر
success	
	پیروزی، کامیابی، موفقیت، برد، موفق، پیروزی
successful auditor	
	حسابرس جانشین
successful completion	
	موفقیت کامل
successful efforts concept	
	مفهوم
successfully funded referrals	
	افراد ارجاعی که موفق به وام گرفتن شده اند
succession	
	توالی
successive	
	متوالی
successive approximation	
	تقریب پی در پی، تقریب پیاپی
successive approximation method	
	روش تقریب های متوالی
successive approximations	

تقریبات متوالی	
successive bisection method	
روش تنصیف متوالی	
successive derivatives	
متشق های متوالی	
successive differentiation	
مشتق گیری متوالی	
successive linear approximation	
تقریب خطی متوالی	
successive overrelaxation method	
روش فوق تخفیف متوالی	
successive transformations	
تبدیلات متوالی	
successively	
متوالیا، ترتیب، متوالی، پشت سر هم، پیایی	
successor	
گره فرزند، تالی، فرزند، گروه بعدی	
successor list	
لیست تالی	
successor of an integer	
تالی یک عدد صحیح	
such a graph	
چنین گرافی، چنین گراف	
such a matrix	

	این ماتریس، چنین ماتریسی
such as	
	مانند
such determinants	
	این گونه دترمینان ها
such that	
	چنان، که، به قسمی که، طوری که
suffer	
	دارد، داشتن، است
suffice	
	کافی بودن
sufficiency	
	کفایت، بسندگی، به اندازه کافی
sufficiency of evidence	
	کفایت / کافی بودن شواهد
sufficient	
	کافی
sufficient condition	
	شرط کافی
sufficient condition of law of large numbers	
	شرط کافی قانون اعداد بزرگ
sufficient estimate	
	برآورد کافی
sufficient statistic	

sufficient ststistic	آماره کافی، آماره بسنده، آمار کافی
sufficiently	آماره بسنده
sufficiently large	به طور کافی، به طور بسنده، به اندازه کافی
suffix	به قدر کافی بزرگ
suggest	اندیس، پسوند
Suggestion	مبین این است، پیشنهاد کردن، توصیه کردن، اظهار نظر کردن
suit	پیشنهاد
suitable	ردیف، مورد قبول بودن، قابل قبول، مناسب بودن، مناسب، شایان بودن، دنباله
subjective forecasting	مناسب، قابل قبول، دلخواه، مفید
Sum	پیش بین نظری
sum event	جمع - مجموع
	حادثه حاصلجمع

sum function	تابع مجموع
sum of an infinite series	مجموع سری نامتناهی
Sum of annuity	ارزش آتی اقساط مساوی
sum of cardinal numbers	مجموع اعداد اصلی
sum of events	مجموع پیشامد ها
sum of horizontal components	مجموع مؤلفه های افقی
sum of matrices	مجموع ماتریس ها
sum of product form	صورتِ مجموعِ حاصلضرب ها
sum of products form	شکل مجموع حاصل ضرب ها
sum of random variables	حاصل جمع کمیت های تصادفی
sum of sequences	مجموع دنباله ها
sum of series	مجموع سری

sum of sets	مجموع مجموعه ها
sum of squared derivations	مجموع مجذور انحراف ها
sum of submodules	مجموع زیرمدول ها
sum of subspaces	مجموع زیرفضا ها
sum of the year's digits	مجموع ارقام سالانه
sum of the years digits	مجموع ارقام سنوات
sum of topologies	حاصل جمع توپولوژی ها
sum of two ideals	مجموع دو ایده آل
sum of two rational integers	مجموع دو عدد صحیح گویا
sum of two sequences	مجموع دو دنباله
sum of vectors	مجموع بردار ها
sum of years digits method	روش مجموع سنوات

sum or difference	جمع یا تفاضل
sum rule principle	اصل قاعده جمع
sum square	مجموع مجذورات
sum topology	توپولوژی حاصل جمع
sum variance	پراکندگی حاصل جمع، واریانس حاصل جمع
sum vector	جمع برداری
summability	مجموع پذیری، جمع پذیری، جمع پذیری
summable	مجموع پذیر
summable series	سری مجموع پذیر
summand	سری جمع پذیر، سری مجموع پذیر
Summarize	خلاصه کردن
summarized financial statements	صورت‌های مالی خلاصه شده

Summary	خلاصه
summary and conclusion	خلاصه و نتیجه گیری
summary network	شبکه فشرده
summation	مجموع یابی، جمع، مجموع یابی، جمع بندی، جمع، جمع زنی
summation by parts	جمع بندی جزء به جزء
summation convention	قرارداد مجموع یابی، قرارداد جمع بندی
summation formula	فرمول مجموعیابی
summation notation	علامت ؟، نماد مجموع، علامت جمع، نماد جمع بندی
summation of convention	قرارداد جمع بندی، قرارداد مجموع یابی
summation of part	مجموع جزء به جزء
summation process	فرآیند جمع بندی، فرآیند جمع زنی
summation sign	علامت جمع بندی

summation symbol	نماد محاسبه مجموع
summend	جمله دوم مجموع دو عدد
summetric matrix	ماتریس متقارن
summing up	از جمع، از مجموع
summit	تارک، قله، اوج، رأس
Sum-of-the-Year's-Digits	مجموع ارقام سنوات
Sun rule principle	اصل قاعده جمع
synchronic difference	تفاضل متقارن، اختلاف متقارن، اختلاف هزینه ای
synchronic distribution	توزیع متقارن
synchronic elements	اجزای متقارن
synchronic form	صورت متقارن، فرم متقارن، فرم تقارنی
synchronic function	تابع متقارن، تابع زوج

synchronic graph	نگار متقارن، گراف متقارن
synchronic group on n group	گروه متقارن با n متغیر
synchronic limit	حد تقارنی
synchronic matrix	ماتریس متقارن
synchronic neighborhood	همسایگی متقارن
synchronic polynomial	بسجمله متقارن
synchronic property of experiment	خاصیت قرینگی آزمایش
synchronic relation	رابطه تقارنی، رابطه تقارن، رابطه قرینه
synchronic simple binary experiments	آزمایش های دو تایی ساده متقارن
synchronic square matrix	ماتریس مربع متقارن
sundries	اقلام متفرقه
sundry	متفرقه

sundry debtors	بدهکاران متفرقه
sunk cost	هزینه از دست رفته هزینه غیر قابل بازیافت
sunrise industry	صنعت روبه رشد
sunset industry	صنعت روبه افول/زوال
super	پر قدرت، زبر، آبر
super finishing	فوق پرداخت، پرداخت کاری فوق العاده
super hardness	فوق سختی
super highspeed press	پرس فوق العاده سریع
super micrometer	فوق ریزسنج
super plane	سطح مافوق
super population	زبر جامعه، ابر جامعه
super system	سیستم بسیار عظیم، سوپر سیستم، ابر سیستم، فرا سیستم

superadditive function	تابع زبر جمعی
superaditive function	تابع زبر جمعی
superelevation	اَبر ارتفاع
superfluous	زاید
superharmonic function	تابع زیر همساز
superimpose	روی هم گذاشتن، بر هم منطبق کردن
superior	اعلی، زبرین، بالایی، بزرگتر، بالاتر، خارجی، بیرونی، عالی
superior information	اطلاعات برتر
superior limit	حد زبرین، حد اعلی
superior triangular matrix	ماتریس مثلثی زبرین
supermartingale	زبر مارتینگل
superparallel	ابر موازی

superpopulation	زبر جامعه
superposable configurations	پیکربندی های قابل انطباق
superpose	روی هم گذاشتن، بر هم منطبق کردن
superposition	انطباق، استقراء، بر هم نهی، ترکیب، انطباق، استقرار، روی هم جمعی، بر همنش
superposition coefficients	ضریب های بر هم نهی
superscript	اندیس بالا، زبروند، شاخص بالا، اندیس فوقانی، اندیس زبرین، اندیس بالایی، زبرنویس
superset	ابرمجموعه، فوق مجموعه
supersolvable group	گروه زبر حل پذیر
supervision	سرپرستی، نظارت
Supervisor	ناظر - پیوست
supervisor's principle	اصل ناظر

supervisory body	نهاد نظارتی
supervisory index	ضریب همبستگی
supervisory responsibilities	مسئولیت‌های نظارتی / سرپرستی
supnorm	هنج سوپرنرم
supplement	مکمل، تکمیل کردن، تمام کردن
supplemental	مکمل، تکمیلی
supplemental appropriation	اعتبارات مصوب اضافی اعتبار مکمل
supplemental schedule	جدول مکمل
supplementary	متمم، مکمل، افزون
supplementary angle	زاویه مکمل، زاویه مجانب
supplementary angles	زاویه های مکمل
supplementary data	اطلاعات مکمل

Supplementary finance	تامین منابع مکمل
supplementary information	اطلاعات مکمل
supplementary number	عدد متمم
supplementary of an angle	مکمل زاویه
supplementary trigonometric function	تابع مثلثاتی مکمل
Supplier	تامین کننده - فروشنده - عرضه کننده
Supplier Evaluation	ارزیابی تامین کنندگان
Suppliers	فروشندهگان - عرضه کنندگان
Suppliers credit	اعتبار فروشندهگان
suppliers of funds	تامین کنندگان وجوه
supplies	ملزومات مصرفی
supplies inventory	موجودی ملزومات مصرفی

Supplies on hand	ملزومات موجود - موجودی ملزومات
Supply	تامین کردن - عرضه
Supply and Demand	عرضه و تقاضا
Supply Chain	زنجیره تامین
Supply Chain Management	مدیریت تامین کنندگان (فروش - خرید - تدارکات - انبار)
supply chain management (scm)	مدیریت زنجیره عرضه
supply curve	منحنی تولید
supply to sell schedule	جدول تدارکات فروش
Support	پشتیبانی
Support Activities	فعالیت های حمایتی
support department	دایره پشتیبانی نام دیگر دایره خدماتی
support of a differential form	محمل صورت دیفرانسیل

support of a distribution	محمل تابع تعمیم یافته
support of a function	محمل تابع
support of distribution	محمل تابع تعمیم یافته
Support Price	قیمت حمایتی
supporting documents	اسناد و مدارک پشتوانه
supporting hyperplane	ابر صفحه حائل
supporting linkage	اهرم بندی نگاه دارنده
supporting schedule	جدول پشتوانه
supporting schedule working papers	کاربرگهای جدول پشتوانه
suppose	فرض کنید، فرض کردن، گرفتن، پنداشتن، قبول کردن، اگر، انگاشتن
supposedly	فرضا، به طور فرضی
suppositio formalis	اطلاق وضعی

suppositio materialis	اطلاق عینی
supposition	فرض
supremum	سوپریمم
supremum norm	نرم سوپریمم
supremum theorem	قضیه سوپریمم
surd	عدد اصم
surd number	عدد اصم
surd plane	صفحه گنگ
surd quantity	مقدار اصم، کمیت گنگ
sure	مطمئن، محقق، مسلم، قطعی، واثق
sure event	پیشامد حتمی
Surety credit	اعتبار تضمین شده

surface	سطح
surface adhesion	چسبندگی سطحی
surface area	مساحت رویه، مساحت سطح
surface broach	خانکش مسطح
surface coating	پوشش سطحی، روکش کاری
surface cutting	رو تراشی
surface defects	عیوب سطحی، معایب سطحی
surface gage	سوزن خط کش پایه دار، خط کش پایه دار
surface integral	انتگرال سطح
surface integral of revolution	انتگرال سطح دوار
surface of contact	رویه تماس
surface of enneper	رویه نپر

surface of revolution	رویه دورانی، سطح دوار، رویه دوار، رویه چرخشی
surface of sphere	سطح یک کره
surface of zero	رویه هموار
surfaces	پوش دسته ای از سطوح یک پارامتری
surfaces of the second order	رویه های درجه دو
surfacing	سخت گردانی سطحی، سخت کردن سطحی
surfacing cut	صفحه تراشی، رو تراشی، عملیات سطحی
surjection	تابع پوششی، پوشا، تابع پوشا، برون گستری، برافکنی، پوشایی، نگاشت پوشا
surjective	به رو، پوششی، پوشا، برون گستر، گسترش پوششی
Surjective Function	تابع پوشا
surjective mapping	پوشایی، نگاشت پوشا، گسترش برافکن
surpass	

	بزرگتر بودن، تجاوز
Surplus	
	مازاد - اندوخته
surplus receipts	
	مازاد دریافتها دریافتنیهای مازاد
Surplus reserves	
	ذخایر مازاد
Surplus spending unit	
	واحد دارای درآمد اضافی
Surplus Value	
	ارزش افزوده
surplus variable	
	متغیر مازاد
surprising	
	شگفت انگیز
Surrender of document	
	واگذاری سند
surrogate	
	جایگزین متغیر جایگزین
surround	
	احاطه کردن، محاصره کردن، در بر گرفتن
surrounding	
	دو طرف آن، محیط، فراگیرنده، کناری
Surtax	

	اضافه مالیات
surveillance	
	ارزیابی فنی
Survey	
	بررسی کردن - زمینه یابی
survey planning	
	برنامه ریزی برای بررسی
survey research	
	تحقیقات پیمایشی
surveying	
	نقشه برداری
surveying by correspondence	
	آمارگیری به وسیله مکاتبه
surveying by direct observation	
	آمارگیری به وسیله مشاهده مستقیم
surveying by interviewing	
	آمارگیری با مصاحبه
surveying by mail	
	آمارگیری به وسیله پست
surveying by registration of current events	
	آمارگیری به وسیله ثبت وقایع جاری
surveyor	
	مسّاح، نقشه بردار، کارشناس، ممیز، بازبین، ارزیاب، بررسی کننده، آمارگیر

survival function	تابع بقا
surviving company	شرکت باقیمانده/واحد اقتصادی ذی حیات
survivorship bias	مبنای بازماندگی
survivorship principle	اصل بقا
Suslin theorem	قضیه سوسلین
suspend	آویزان شدن، ایستادن
suspense account	حساب معلق
suspension	معلق
suspension bridge	پل معلق
suspension point	نقطه آویز
sustainable earnings	سود پایدار
sustainable growth rate	نرخ رشد پایدار

Swap	
	قراردادهای معاوضه
Swap rate	
	نرخ معاوضه
Swaps	
	معاوضه
swarf	
	تراشه
sweep	
	شابلون
sweeping method	
	روش جارو کردن
sweetener	
	عامل جذب کننده سرک
SWIFT (Society World Wide Interbank financial Telecommunication)	
	شبکه جهانی تبادل اطلاعات و قیمت محصولات تجاری بین بانکی (شبکه سوئیفت)
switch	
	کلید
switching	
	کلیدی، کلید دار
switching circuit	
	مدار راه‌گزین، مدار کلیدی، مدار کلید دار
switching rules	

	قوانین تغییر سطوح بازرسی
syllogism	
	مقایسه ظاهری، قیاس صوری، قیاس، قیاس منطقی، قیاس منتج
syllogism by absurd	
	قیاس خلف
syllogism of why	
	قیاس لمی
Sylow	
	سیلو
syLOW group	
	گروه سیلو
Sylow subgroup	
	زیرگروه سیلو
syLOW theorem	
	قضیه سیلو
syLOW's theorem	
	قضیه سیلو
Sylvester	
	سیلوستر
sylvester criterion	
	آزمون سیلوستر
Sylvester law	
	قانون سیلوستر
sylvester's theorem	

	قضیه سیلوستر
symbol	
	نماد، نشان دادن، نشانه، علامت
symbol of a pseudodifferential operator	
	ماد عملگر دیفرانسیل نما
symbolic	
	رمزی، نمادی، اختصاری، نمادین
symbolic designation	
	نمایش نمادی
symbolic form	
	صورت نمادی
symbolic formual	
	رابطه اختصاری
symbolic language	
	زبان نمادی
symbolic logic	
	منطق علامتی، منطق صوری، منطق نمادی، منطق ریاضی
symbolicly	
	به طور سمبلیک
symchronic	
	هم زمان، هم دوره
Symmetric	
	دو طرفه
symmetric about the origin	

	متقارن نسبت به مبدأ
symmetric algebra	
	جبر متقارن
symmetric bilinear form	
	صورت دوخطی متقارن
symmetric configuration	
	پیکر بندی متقارن
symmetric coordinates	
	مختصات متقارن
symmetric difference	
	تفاضل متقارن
symmetric distribution	
	توزیع متقارن
symmetric equation	
	معادله تقارنی
symmetric form	
	صورت متقارن
symmetric function	
	تابع متقارن
symmetric group	
	گروه متقارن
symmetric group of degree n	
	گروه متقارن از درجه n
symmetric law	

	قانون متقارن
symmetric matrix	
	ماتریس متقارن
symmetric neighbourhood	
	همسایگی متقارن
symmetric points	
	نقاط قرینه
symmetric polynomial	
	چند جمله ای متقارن
symmetric quadratic form	
	صورت درجه دوم متقارن
symmetric random walk	
	قدم زدن تصادفی متقارن
symmetric rational	
	گویای متقارن
symmetric rational function	
	تابع گویای متقارن
symmetric relation	
	رابطه متقارن
symmetric Riemannian space	
	فضای ریمانی متقارن
symmetric root	
	ریشه متقارن
symmetric space	

	فضای متقارن
symmetric tensor	
	تانسور متقارن
symmetric transformation	
	تبدیل متقارن
symmetrical	
	متقارن، همال
symmetrical coordinates	
	مختصات متقارن
symmetrical difference	
	تفاضل متقارن
Symmetrical distribution	
	توزیع متقارن
symmetrical figures	
	اشکال متقارن
symmetrical matrix	
	ماتریس متقارن
symmetrical test	
	آزمون متقارن
symmetrically	
	به طور متقارن
symmetrically congruent	
	متساوی معکوس
symmetrisation	

	قرینه پذیر کردن، متقارن شده
symmetrisation theorem	
	قضیه مقارنت
symmetrised	
	مقارن شده
symmetrization	
	مقارن سازی
symmetrizer	
	مقارن ساز
symmetry	
	تقارن
symmetry axis	
	محور تقارن
symmetry center	
	مرکز تقارن
symmetry group	
	گروه تقارن ها
symmetry plane	
	صفحه تقارن
symmetry principle	
	اصل تقارن
symmetry test	
	آزمون تقارن
synchronic	

	همزمان
synchronization	
	همزمان سازی
Synchronize	
	همزمان سازی
synchronous	
	همگرد، هماهنگ، همزمانی، همزمان، همگم، هم سرعت
synchronous management	
	مدیریت همزمان
synchronous tracking	
	ردیابی همزمان
Syndicate	
	فعالیت‌های پشتیبانی - سندیکا - اتحادیه صنفی
synonym	
	مترادف
syntactical	
	نحوی
syntactical level	
	در سطح ساختاری (قواعد و تعاریف)
syntax	
	دستوری
syntax error	
	اشتباه دستوری، خطای دستوری
synthesis	

	ترکیب
synthesize	
	ترکیب کردن، آمیختن
synthetic	
	ساختنی، ترکیبی
synthetic budget	
	بودجه تلفیقی
synthetic division	
	تقسیم ترکیبی، تصمیم ترکیبی
synthetic division method	
	روش تقسیم ترکیبی
synthetic geometry	
	هندسه ترکیبی
synthetic judgement	
	حکم ترکیبی
synthetic method	
	روش ترکیب
synthetic proof	
	اثبات ترکیبی
system	
	سیستم نظام
system accounting	
	حسابداری سیستم
System Analysis	

تحلیل سیستم
system analyst
تحلیلگر سیستم
system and program amendment controls
کنترل‌های اصلاح برنامه و سیستم
System Application Products
تولید سیستم های نرم افزاری
system audit
حسابرسی سیستم
system based audit
حسابرسی مبتنی بر سیستم کنترل‌های داخلی
system clearing house model
مدل تهاتری سیستم
system control objectives
اهداف کنترل سیستم
system discipline
نظم سیستم
System Engineering
مهندسی سیستم
system of axioms
دستگاه بنداشت ها، دستگاه اصول
system of axioms of conditional probability
دستگاه اصول احتمال شرطی
system of circles

system of coordinates	دستگاه دواير، دسته دواير
system of equations	دستگاه مختصات
system of generators of a module	دستگاه مولد های یک مدول
system of inequalities	دستگاه نامعادله ها
system of linear equations	دستگاه معادله های خطی
System of National Account	سیستم حساب تراز ملی
system of notation	دستگاه نمادگذاری
system of open sets	دستگاه مجموعه های باز
system of random variables	دستگاه کمیت های تصادفی
system of simultaneous differential equation	دستگاه معادله دیفرانسیل همزمان
system of simultaneous differential equations	دستگاه معادله های دیفرانسیل (همزمان)
system testing controls	

کنترل‌های آزمون سیستمها
system testing techniques
تکنیک های آزمون سیستم
Systematic
منظم - نظام یافته
systematic and rational allocation
تخصیص سیستماتیک / منظم
systematic difference
تفاوت سیستماتیک
systematic error
خطای غیر تصادفی
systematic procedure
فرآیند نظام گرا، رویه منظم
systematic risk
ریسک سیستماتیک نام دیگر ریسک غیر قابل حذف / نام دیگر ریسک بازار
systematic sample selection
انتخاب نمونه به صورت سیستماتیک / منظم
systematic sampling
نمونه گیری سیستماتیک / منظم
systematic uncertainty
ابهام / عدم قطعیت منظم ریسک سیستماتیک
systemic risk
خطر نظام دار

Systems Administration

مدیریت سیستم

systems analysis

تجزیه و تحلیل سیستم ها، تجزیه و تحلیل نظام ها

systems approach

طرز تفکر و برخورد سیستمی، نگرش سیستمی، جهان بینی سیستمی

systems audit

ممیزی سیستم ها

systems control evaluation

ارزیابی کنترل سیستمها

systems development

ایجاد و شکل گیری سیستمها توسعه سیستمها

systems development control

کنترلهای مربوط به ایجاد/توسعه سیستمها

systems evaluation

ارزیابی سیستمها

systems implementation

اجرا و پیاده سازی سیستمها

systems records

اسناد و مدارک سیستمها

systems review

بررسی سیستمها

t

بیستمین حرف الفبای انگلیسی

t account t	
	حساب تی (حساب به شکل)
T conductor	
	هادی - T
t designs	
	طرحهای t
t distribution	
	توزیع t
t equivalence of distances	
	هم ارزی دوری ها
t flow	
	طرح توسعه t شکل
t joint	
	اتصال t شکل، اتصال سپری
t of student	
	استودنت t
t score	
	نمره t
t test	
	آزمون t
T_1-class of distributions	
	رده توزیعهای T_1
t2 of hoteling	
	هتلینگ T2

t2 space	
	فضای T2
t2 test	
	آزمون t2
tab	
	دریچه، تکه، بند، باریکه، خار، باریکه ای از فلز
tab gate	
	مدخل نوع برگه ای
table	
	جدول
table of distribution	
	جدول توزیع
table of distribution of random variables	
	جدول توزیع کمیت های تصادفی
table of distribution two dimensional random variables	
	جدول توزیع کمیت های تصادفی دو بعدی
table of logarithms	
	جدول لگاریتم
table of random numbers	
	جدول اعداد تصادفی
table of the area under normal curve	
	جدول سطح زیر منحنی نرمال
table of the normal integral	
	جدول سطح زیر نرمال

tableau	جدول
tableau and charts	جداول و منحنی ها، جداول و کارت ها
tables format	چارچوب جدول
tablet	لوح
tabular	جدولی، جدول، ردیفی
tabular difference	اختلاف جدولی
tabular form of set	بیان مجموعه از طریق جدول
tabular interpolation	درون یابی جدولی
tabular representation	نمایش جدولی
tabulate	در جدول، جدول بندی کردن، فهرست کردن
tabulation	جدول بندی
Tacit Agreement	توافق ضمنی برای بالا بردن قیمت

tacnode	
	نقطه بوس، نقطه تماس دو شاخه یک منحنی
tactic	
	تدبیر اجرایی ساده و کوتاه، تدبیر، تاکتیک
tactical cost analysis	
	تجزیه و تحلیل تاکتیکی هزینه
tactical decision making	
	تصمیم گیری تاکتیکی
tactical planning	
	برنامه ریزی تاکتیکی
taft hartly act	
	عمل تافت-هارتلی
tag	
	برچسب
tag number	
	عدد نشانه
tagging	
	برچسب زنی
tagging and tracing	
	الصاق برچسب و ردیابی
Taguchi method for off-line quality control	
	روش تاگوچی برای کنترل کیفیت خارج از خط تولید
Taha test	
	آزمون طاها

tail	دُم ۲. دُم‌وار 1.
tail event	رویداد پایان
tail of stochastic process	دُم فرایند تصادفی
tail ordering	مرتب کردن دُم‌وار
tail probability	احتمال دُمی
tail recursion	بازگشتی از انتها
tail risk	ریسک دنباله ای
tail stock	پس دستگاه، ته دستگاه
tailing	در انتها
taylor made	سفارشی
tainting	ناخالصی
Takacs process	فرایند تاکاش

take	اختیار کردن، فرض کردن، گرفتن، پیدا کردن، پنداشتن، برداشتن، اختیار شدن
take a value	قبول کردن یک مقدار، مقدار پذیرفتن
take advantage of	استفاده کردن از
take advantage	استفاده کردن
take as	در نظر گرفتن
take effect	اجرا شدن، انجام گرفتن
take for	در نظر گرفتن، اختیار کردن
take home pay	حقوق خالص دریافتی
take in the following form	به شکل ... درآوردن، به صورت ... نوشتن
take into account	گرفتن، با استفاده از، با توجه به
take into consideration	با توجه به، به، بخاطر داشته باشید، با در نظر گرفتن، با ملاحظه اینکه
take off	

	راه اندازی، خیزش، خیز، جهش
take on	
	پذیرفتن، قبول کردن، داشتن، حاصل شدن، اختیار کردن
take out of	
	جدا کردن
take out the factor x	
	از X فاکتور گرفتن، عامل مشترک قرار دادن X
take over	
	انجام شدن
take place	
	انجام گرفتن، انجام شدن
Take profit	
	سقف سود
taken all at a time	
	تمام اشیاء در یک زمان انتخاب شده
taken as a whole	
	به عنوان یک مجموعه واحد
taken r at a time	
	در یک زمان r به r
takeover	
	تصاحب / قبضه / تسلط
tall organization	
	سازمان بلند، سازمان توسعه یافته در طول
tall type organization	

	سازمان مرتفع
tally	
	تطبيق کردن، حساب، چوب خط، علامت گذاری، شمردن
tally chart	
	خط نشانی
Talwar-Gentle scale test	
	آزمون مقیاس تالوار-جنتل
tame	
	منظم
tandem	
	پشت سر هم
tander scheduling	
	زمان بندی تانکره
tang	
	زبانہ، دُم ابزار
tangency	
	تماس
tangent	
	تانژانت، مماس
tangent bundle	
	کلاف مماس ها
tangent circles	
	دوایر مماس
tangent cone	

	مخروط مماس
tangent curve	
	خم تانژانت، خم مماس
tangent curves	
	منحنی های مماس
tangent externally	
	مماس خارج
tangent formulas in spherical trigonometry	
	روابط تانژانت در مثلثات کروی
tangent function	
	تابع تانژانت، تابع ظل
tangent graph	
	نمودار تابع تانژانت
tangent inflectional line	
	خط عطفی مماس
tangent internally	
	مماس داخل
tangent inverse	
	عکس (معکوس) تانژانت
tangent law	
	قانون تانژانت ها
tangent line	
	خط مماس
tangent of an angle	

	تانژانت یک زاویه
tangent plane	
	صفحه مماس، هامن مماس
tangent plane approximation	
	تقریب صفحه مماس
tangent rule	
	قاعده تانژانت
tangent space	
	فضای بردار های مماس، فضای مماس ها
tangent surface	
	رویه مماس ها
tangent surfaces	
	سطوح مماس
tangent to	
	مماس بر
tangent unit vector	
	بردار یکه مماس
tangent vector	
	بردار مماس
tangent vector bundle	
	کلاف بردار های مماس
tangent vector space	
	فضای بردار های مماس، فضای مماس ها
tangential	

	مماسی
tangential acceleration	
	شتاب مماسی
tangential component	
	مؤلفه مماسی، هم‌نه مماسی
tangential component of acceleration	
	مؤلفه مماسی شتاب
tangential coordinates of a surface	
	مختصات مماسی یک سطح
tangential stress	
	تلاش مماسی
tangential vector	
	بردار مماس، بردار مماسی
tangentoid	
	منحنی تانژانسی
tangibility	
	مماس پذیری
tangible	
	قابل دسترس
Tangible Assets	
	دارایی‌های ملموس – اموال عینی
tangible fixed assets	
	دارایی ثابت مشهود
tangible products	

	محصولات مشهود
tangible property	
	دارایی ملموس، دارایی مرئی
Tango index	
	شاخص تانگو
tanh (= hyperbolic tangent)	
	تانژانت هذلولوی
tank	
	جعبه فلزی، مخزن
Tankan	
	موسسه ارائه دهنده شاخصهای اقتصادی وضعیت اقتصادی کشور ژاپن
tanker scheduling problem tableau	
	مسأله زمان بندی تانکر
tannode	
	نقطه بوسش، تیزه دوگانه
tantology	
	گزاره همیشه درست
tape expression	
	عبارت نواری
tape plug gage	
	سنجه توپی شیبدار، شابلون مخروط سنج
tape set	
	مجموعه نوار
taper	

	باریک‌ساز
taper shank	
	ساقه مخروطی، تنه مخروطی
taper valve	
	شیر مخروطی
tapped hole	
	سوراخ رزوه شده
Target	
	هدف
target capital structure	
	ساختار سرمایه هدف ساختار مطلوب سرمایه
target cost	
	هزینه هدف بهای تمام شده مدنظر
target coverage	
	هدف پوشانی
target firm	
	شرکت هدف
target net income	
	سود خالص هدف / مورد توقع
target population	
	جامعه هدف
target price	
	قیمت هدف
target return on investment	

	بازده سرمایه گذاری هدف / مورد توقع
target set	
	مجموعه فرجام، مجموعه مقصد
Tariff	
	تعرفه
Tariff Agreement	
	موافقتنامه در مورد تعرفه‌ها
Tariff regulations	
	مقررات تعرفه
Task	
	وظیفه – تکلیف
task oriented network	
	شبکه فعالیت مدار
task structure	
	ساخت وظایف، ساختار وظیفه
taste testing	
	آزمون کردن طعم، آزمودن طعم
tauber theorem	
	قضیه تاوبر
tauberian	
	تاوبری
Tauberian theorem	
	قضیه تاوبری
tauberian theorems	

	قضایای تابر
Tauswerthe method	
	روش تاوسورث
taut	
	محکم بسته، کشیده، محکم کشیده
tautochrone	
	خم همزمانی
tautochrone problem	
	مساله همزمانی
Tautology	
	بدیهه
Tax	
	مالیات
tax accounting	
	حسابداری مالیاتی
tax advantages	
	مزایای مالیاتی
tax authorities	
	مراجع / مقامات مالیاتی
tax avoidance	
	احتراز از مالیات
Tax Base	
	ماخذ مالیات
tax benefit of depreciation	

	منافع مزایای مالیاتی استهلاک
Tax Collector	
	تحصیل‌دار مالیاتی
tax court	
	دادگاه مالیاتی
Tax debts	
	دیون مالیاتی
tax deductions	
	کسورات مالیاتی
tax deductible expenses	
	هزینه‌های قابل قبول مالیاتی
tax deferred income	
	سود / درآمد مشمول مالیات انتقالی به دوره‌های آتی
Tax Equity and Fiscal Responsibility act of 1982	
	قانون عدالت مالیاتی و مسئولیت مالی سال ۱۹۸۲
tax evasion	
	فرار از مالیات
tax exempt bond	
	اوراق برضه معاف از مالیات
tax exempt income	
	سود معاف از مالیات
tax free	
	معاف از مالیات / بدون مالیات
tax free economy	

	اقتصاد بدون مالیات
Tax Limit	
	سقف مالیاتی
tax loopholes	
	راههای گریز از مالیات
tax loss carryback	
	مالیات زیان انتقالی به دوره های گذشته
tax loss carryforward	
	مالیات زیان انتقالی به دوره های آتی
Tax planning and preparation	
	برنامه ریزی و انجام امور مالیاتی
tax planning strategies	
	راهبردهای برنامه ریزی مالیاتی
tax ramifications	
	بازتابهای مالیاتی
tax rate	
	نرخ مالیاتی
tax rate changes	
	تغییرات نرخ مالیات
Tax Relief	
	بخشودگی مالیاتی
tax saving	
	صرفه جویی مالیاتی
Tax services	

	خدمات مالیاتی
tax shield of depreciation	
	سپر مالیاتی استهلاک
tax subsidy	
	یارانه مالیاتی
tax treatment	
	روش مالیاتی
Tax value	
	ارزش شمول مالیات
Taxable	
	مشمول مالیات
Taxable Income	
	درآمد مشمول مالیات
taxable municipal bond	
	اوراق قرضه مشمول مالیات شهرداری
Taxable profits	
	سود مشمول مالیات
Taxation	
	مالیات بندری - وضع عوارض
taxation brackets	
	طبقات مالیاتی
Tax-Deductible	
	مشمول در مالیات
taxes collected in advance	

پیش دریافت مالیات	
taxes paid in advance	
پیش پرداخت مالیات	
taxes payable	
مالیاتهای پرداختنی	
taxes receivable current	
مالیاتهای دریافتنی جاری	
taxes receivable delinquent	
مالیاتهای دریافتنی معوق	
Taxes, as a saving leakage	
مالیاتها، به عنوان برداشت از پس انداز	
Tax-Free	
معاف از مالیات	
taxi problem	
مسئله تاکسی	
taxpayer	
مودی مالیاتی	
Taylor	
تیلور	
Taylor expansion	
بسط تیلور	
Taylor formula	
فرمول تیلور	
Taylor series	

	سری تیلور
Taylor theorem	
	قضیه تیلور
taylor young's formula	
	دستور تیلور یانگ
taylor's expansion	
	بسط تیلور
taylor's formula	
	دستور تیلور، رابطه تیلور
taylor's formula with remainder	
	دستور تیلور با باقیمانده
Team Action	
	اقدام گروهی
teamwork	
	کار دسته جمعی، کار تیمی، کار گروهی
technic	
	فن، تکنیک، صنعت
technical	
	فنی، صنعتی
Technical Analysis	
	تحلیل تکنیکی، تحلیل نمودار ارز یا سهام یا کالا با استفاده از ابزارهای ریاضی
technical bulletins	
	خبرنامه های فنی

technical coefficient	ضریب فنی
technical consultant	مشاور فنی
technical contracts	قراردادهای تخصصی / فنی
technical description	توضیح فنی
technical efficiency	کارایی فنی
technical know how	دانش فنی
technical knowhow	دانش فنی
technical knowledge	معلومات فنی
technical management	مدیریت فنی
technical specifications	مشخصات فنی
technical staff	افراد فنی، ستاد فنی، پرسنل فنی، گروه فنی
technical supervision	نظارت تخصصی، نظارت فنی، سرپرستی تخصصی

technically	
	از لحاظ فنی، به طور فنی
technician	
	صنعت گر، کارگر فنی، مهندسی ساز، تکنیسین
Technieal overdraft	
	اضافه برداشت فنی
Technique	
	فن - تکنیک
technological	
	فنی، صنعتی
technological coefficients	
	ضرایب فنی
Technological Forecasts	
	پیش بینی های فناورانه
Technology	
	تکنولوژی - صنعت
Technology Management	
	مدیریت تکنولوژی
Technology Transfer	
	انتقال تکنولوژی
teeming and lading	
	کلاه به کلاه کرن
Tele Fax	
	لیست تصویری

telegraph equation	معادله تلگراف
Telephone	تلفن
Telephone Call	مکالمات تلفنی
Telephone Directory	راهنمای تلفنی
Telephone Number	شماره تلفن
Telephone Operator	تلفنچی
telephone survey	آمارگیری تلفنی
telescope	ادغام، تلسکوپ، توی هم توی
telescoping	دورنزدآوری
telescoping property	خاصیت ادغام، خاصیت توی هم روی
telescoping series	سلسله ادغامی، سری توی هم رو، رشته توی هم رونده
telescoping sum	مجموع ادغامی

Telex	تلکس
tell us that	بیان می کند که
Teller	تحویلدار
temper	بازگشت، نرم کردن، تمیز کردن، بازپخت، آبگیری
temper mill	نورد صاف کننده، دستگاه آبگیری فلز
temperature	دما، درجه حرارت، درجه گرما
temperature gradient	شیب حرارتی، گرادیان حرارتی، گرادیان دما
tempered distribution	توزیع ملایم شده
Template	تمپلت - فرم اطلاعاتی
temporal	زمانی
temporal method	روش موقت
Temporary	موقتی

temporary accounts	حسابهای موقت
Temporary annuity	اقساط موقت
temporary difference	اختلاف / تفاوت موقت
temporary storage	انبار کردن موقت
ten	ده
tenancy advisor	مشاور اجاره داری
Tenant	مستاجر
tenary relation	رابطه سه تایی
tend	میل کردن، گرائیدن
tend to	میل کردن به
tendency	تمایل، استعداد، گرایش، توجه، میل
Tender	مناقصه - مزایده

tender acceptance period	
	دوره قبول پیشنهادات شرکت در مناقصه
tender conditions	
	شرایط مناقصه
tender documents	
	اسناد مناقصه
tender offer	
	پیشنهاد خرید پیشنهاد شرکت در مناقصه
tenfold	
	ده برابر
tenon	
	برجستگی، زبانه
Tenor of a bill	
	مدت برات
tens digit	
	رقم دهگان
tensile strength	
	قدرت کششی، استحکام کششی، توان کششی، تاب کششی، مقاومت کششی
tension	
	کشش
tensor	
	تانسور
tensor algebra	

	جبر تانسوری
tensor analysis	
	آنالیز تانسوری، حساب تانسوری
tensor calculus	
	آنالیز تانسوری، حساب تانسوری
tensor contraction	
	ادغام تانسوری
tensor density	
	چگالی تانسوری
tensor differentiation	
	مشتق گیری تانسوری
tensor field	
	میدان تانسوری
tensor form	
	صورت تانسوری
tensor of type	
	تانسور نوع
tensor product	
	حاصل ضرب تانسوری، ضرب تانسوری
tensor quantity	
	کمیت تانسوری
tensor space	
	فضای تانسوری
tensorial form	

	صورت تانسوری
tensorial set	
	مجموعه تانسوری
tentative	
	تجربی، آزمایشی
tenth	
	دهم، یکدهم
Terasvirta-Mellin model selection test	
	آزمون مدل‌گزینی تراس‌ویرتا-ملین
Term	
	مدت
term bonds	
	اوراق قرضه بلند مدت
term bonds or notes	
	اوراق قرضه یا اسناد بلند مدت
term by term	
	جمله به جمله
term by term integrating	
	انتگرال‌گیری جمله به جمله
term by term integration	
	انتگرال‌گیری جمله به جمله
term credit	
	اعتبار مدت دار
term documentary credit	

	اعتبار اسنادی مدت دار
Term Loan	
	وام مدت دار – وام میان مدت
term loan agreement	
	قرارداد وام بلند مدت
term of a sequence	
	جمله یک دنباله
term structure	
	ساختار زمانی
term structure of interest rates	
	ساختار زمانی نرخهای بهره
term to maturity	
	مدت زمان تا تاریخ سر رسید
terminable	
	پایان دار، پایان یافتنی، کرانه دار، محدود
Terminal	
	ترمینال – پایانه
terminal cash flow	
	جریانهای نقدی نهایی
terminal decision	
	تصمیم پایانی
terminal decision rule	
	قاعده‌ی تصمیم پایانی، قاعده تصمیم نهایی
terminal node	

	گره پایانی
terminal picture	
	تصویر پایانه
terminal point	
	نقطه پایانی، نقطه انتهایی، نقطه منتهی
terminal point of a vector	
	نقطه پایانی بردار، انتهای بردار
terminal salvage value	
	ارزش اسقاطی نهایی
terminal set	
	مجموعه پایانی، مجموعه پایانه
terminal velocity	
	سرعت نهایی
terminal vertice	
	رأس انتها
terminal wealth	
	ثروت نهائی
terminally	
	در انتها، در پایان، نهایتاً
terminalpoint	
	نقطه منتهی
terminate	
	به پایان رسیدن، منتهی شدن
terminating	

	پایاندار، محدود، مختوم
terminating continued fraction	
	کسر مسلسل مختوم
terminating decimal	
	کسر اعشاری مختوم، عدد دهدهی با پایان، عدد اعشاری مختوم، عدد دهدهی مختوم
termination	
	پایان، انقضاء، انفصال، خاتمه، ختم، فسخ
termination criterion	
	معیار توقف
terminology	
	اطلاعات علمی یا فنی، اصطلاحات، اصطلاح، مجموعه اصطلاحات
terminus	
	ایستگاه نهائی، پایانه
Terms	
	شرایط - مدت اعتبار
terms of a problem	
	صورت مسأله
terms of contract	
	شرایط قرارداد
terms of delivery	
	شرایط تحویل
Terms of payment	
	چگونگی پرداخت

terms of reference	حیطه اختیارات
terms of sale	شرایط فروش
terms of trade	شرایط داد و ستد
termwise	جمله ای، جمله به جمله
termwise differentiation	مشتق گیری جمله به جمله
termwise integration	انتگرال گیری جمله به جمله
tern	دسته سه تائی، شیئی سه تایی
ternary	سه جائی، سه تایی، سه سه ئی، سه گانه، بر مبنای سه
ternary expansion	بسط سه سه ای
ternary notation	نماد گذاری سه سه ای
ternary number system	دستگاه سه سه ای اعداد
ternary numberation	شمارش بر مبنای سه

ternary operation	عمل سه تایی، عمل سه جایی
ternary relation	نسبت سه تایی، رابطه سه تایی
Terry-Hoeffding test	آزمون تری-هوفدینگ
tesselation	خانه بندی، کاشه کاری
tessellation	سنگفرش
Test	آزمون - تست
test administrator	آزماینده
test approach	روش آزمون
test based on empirical probability measures	آزمون مبتنی بر اندازه‌های احتمال تجربی
test check	رسیدگی آزمایشی
test data	اطلاعات آزمایشی / فرضی
test data approach	روش آزمون اطلاعات

test deck	اطلاعات فرضی
test factor stratification	طبقه‌بندی عامل‌های آزمون
test for censoring	آزمون برای سانسور کردن
test for convergence	معیار همگرا بودن
test for departures from normality	آزمون برای دوریها از نرمال بودن
test for misspecification	آزمون برای بدمشخص‌سازی
test for ordered alternative	آزمون برای فرض مقابل مرتب
test for parallelism	آزمون برای توازی
test for shift	آزمون برای انتقال
test for trend in count data	آزمون برای روند در داده‌های شمارشی
test for trend in proportions	آزمون برای روند در نسبتها
test for trimmed and Winsorized means	آزمون برای میانگینهای پیراسته و وینزوریده

test function	تابع آزمون
test of details risk (tdr)	ریسک آزمون جزئیات (مانده حسابها)
test of goodness of fit	آزمون نیکویی برازاندن
test of homogeneity	آزمون فرض همگنی، آزمون فرض یکنواختی
test of hypothesis	آزمون فرض
test of normality	آزمون نرمال بودن
test of randomness	آزمون تصادفی بودن
test of run lengths	آزمون طول گردش
test of significance	آزمون معنی دار بودن
test of sphericity	آزمون کروی بودن
test of unidimensionality	آزمون تک بُعدی بودن
test of uniformity	آزمون یکنواختی

test ratio	نسبت آزمونی
test statistic	آماره آزمون
test with Neyman structure	آزمون با ساختار نیمن
testimand	مورد آزمون
testimator	آزماورد
testing	آزمون ۱. آزمون سازی ۲.
testing for multivariate normality	آزمون برای نرمال چندمتغیره بودن
testing for symmetry	آزمون برای تقارن
testing of hypothesis	آزمون فرض
testing procedures	شیوه‌های آزمون
testing theory	نظریه آزمون سازی
tests for convergence	آزمون های همگرایی

tests of controls	آزمون روشهای کنترلی آزمون (های) کنترلها
tests of details of balances	آزمون (های) جزئیات مانده حسابها
tetr	دارای چهار قسمت، پیشوندی به معنای چهار
tetra	دارای چهار قسمت، پیشوندی به معنای چهار، چهار ...
tetrachoric coefficient	ضریب تتراکوریک
tetrachoric correlation coefficient	ضریب همبستگی چهارخانه‌ای
tetracuspoid	ستاره گون، سیارک نما، ستاره وار، شیارک نما، دارای چهار نقطه بازگشت
tetrad	چهارتائی، چهار ارزشی، چهار
tetragon	چهار گوش، چهار ضلعی
tetragonal system	دستگاه چهار گوشه ای
tetrahedral	چهاروجهی، مربوط به چهاروجهی
tetrahedral angle	کنج چهاروجهی

tetrahedral group	
	گروه چهاروجهی
tetrahedron	
	چهار وجهی
tetrahexahedron	
	بیست و چهار وجهی
tetranomial distribution	
	توزیع چهار جمله‌ای
Text	
	متن - نوشتار
text editor	
	ویرایشگر متن
Textile	
	منسوجات - بافت
th	
	م
than	
	نسبت به، از
that is why	
	زیرا، آنگاه، به این جهت
the accounting review	
	بررسی‌های حسابداری نام یکی از مجله‌های علمی و پژوهشی حسابداری در آمریکا
the activity approach to income measurement	

رویکرد فعالیت در اندازه گیری سود
the age of stagnation
عصر رکود اقتصادی
the capital market approach
رویکرد / دیدگاه بازار سرمایه
the constraining theory
تئوری محدودیت (ها)
the contractual approach view of income
سود از دیدگاه رویکرد قراردادی
the converse
عکس قضیه
the dual aspect principle
اصل تساوی دارایی با بدهی و سرمایه
the equation of a general circle
معادله عمومی یک دایره
the event that
در صورتی که
the fact that
بر این اساس که
the following theorem
قضیه زیر
the founder of portfolio theory
بنیانگذار نظریه مجموعه سرمایه گذاری
the infinite space

فضای لایتناهی	
the international scene	
عرصه بین المللی	
the job of	
عمل	
the law of gravitation	
قانون جاذبه	
the mathematics of finance	
ریاضیات (مدیریت) مالی	
the most likely outcome	
محتمل ترین نتیجه	
the occasion of	
به مناسبت	
the only	
منحصر به فرد	
the part of	
نقش	
the problem is to write	
مسأله نوشتن ... است.	
the question	
بحث مربوط به، درباره ی	
the rise and fall of management accounting	
ظهور و سقوط حسابداری مدیریت	
the same as	

	شبيهه، همان
the same color	
	هم رنگ
the search for principles	
	در جستجوی اصول
the sponsoring organizations	
	سازمانهای حامی
the sum	
	محاسبه مجموع
the sums	
	مجموع
the three dimensions	
	ابعاد سه گانه
the unity	
	عدد یک
the value added concept of income	
	مفهوم ارزش افزوده سود
the worst case	
	بدترین حالت / مورد
Theil estimator of slope	
	برآوردگر شیب تیل
Theil test of slope	
	آزمون شیب تیل
then	

در نتیجه آن، به این ترتیب، در این صورت، در نتیجه، چنانچه، از این پس
theodolite
دوربین مهندسی، زاویه سنج طول یاب، تئودولیت
theology of jumping the gun
نگرش انجام زودتر از موعد اقدامات پیشگیرانه
theorem
قضیه
theorem about the average probability
قضیه مربوط به احتمال متوسط
theorem about the probability of hypotheses
قضیه مربوط به احتمال فرضیه ها
theorem of addition of probabilities
قضیه حاصل جمع احتمال ها
theorem of bolzano weierstrass
قضیه بلتزانو-وایرشراس
theorem of completeness
قضیه کمال، قضیه تمامیت
theorem of pascal
قضیه پاسکال
theorem of weierstrass
قضیه وایرشراس
theorems of the alternative
قضایای دگرین
theorems on dispersion

قضایای مربوط به پراکندگی
theorems on expectation
قضایای راجع به امید ریاضی
theorems on variance
قضایا راجع به واریانس
theoretical
نظری، کلی، فرضی، نظریه، نگرش، تئوریک، نگره ای
theoretical activity level
سطح فعالیت تئوریکی (اسمی)
theoretical capacity
ظرفیت اسمی (تئوریکی)
theoretical formula
فرمول نظری
theoretical framework
چارچوب نظری
theoretical frequencies
فراوانی های نظری
theoretical frequency
فراوانی نظری
theoretical inferential
نظری استنباطی
theoretical population
جامعه نظری
theoretical structure

	ساختار تئوریک (نظری)
theoric	
	نظری
theoretical	
	نظری، نگره ای
Theoretical Value of a Warrant	
	ارزش اسمی یک گواهی نامه حق خرید
Theory	
	تئوری - نظریه
theory of approximation	
	نظریه تقریب
theory of automata	
	نظریه اتوماتا
theory of classical probability	
	تئوری احتمال کلاسیک
Theory of Constraints	
	بیان تئوری قیدها
theory of duality	
	نظریه دوگانگی
theory of equations	
	نظریه معادله ها
theory of errors	
	نظریه خطاها
theory of estimating equations	

theory of function	نظریه معادله‌های برآوردگر
theory of games	نظریه تابع‌ها
theory of geometric probability	تئوری بازی‌ها، نظریه بازی‌ها
theory of groups	تئوری احتمال‌های مهندسی
theory of information	نظریه گروه‌ها
theory of limit distributions	نظریه اطلاعات
theory of limits	تئوری توزیع‌های حدی
theory of magnetism	نظریه حدود
theory of meaning	نظریه مغناطیس
theory of numbers	نظریه معناشناسی
theory of probability	تئوری اعداد، نظریه اعداد
theory of sets	تئوری احتمال

theory of statistical inference	نظریه مجموعه ها
theory of the aggregates	نظریه استنباط آماری
theory of the firm	نظریه مجموعه ها
theory of types	نظریه واحد اقتصادی تئوری بنگاه
theory verification	تئوری طبقات
there by	تبیین تئوری (نظریه)
there exist	در نتیجه، به موجب آن
there is an x such that	وجود دارد
there of	یک X وجود دارد که
therefore	از آنها
thermal balance	بنابراین
thermal conductivity	بالانس حرارتی، تعادل حرارتی

گرما رسانایی، هدایت حرارتی، قابلیت هدایت حرارتی، ضریب هدایت گرمایی
thermal diffusivity
نفوذ پذیری حرارتی
thermal stress
تنش حرارتی، تنش گرمایی
thermodynamic
دما پویا، ترمودینامیک
thermoforming
شکل پذیری حرارتی، فرم دهی گرمایی
thermoluminescence
گرماتابی، خاصیت نور افشانی مواد
thermometry
دماسنجی
thermosprary
گرم پاشی
these enable us to
به کمک اینها می توانیم
thesis
برنهاد، پایان نامه، فرض، رساله، تز
theta
تتا، هشتمین حرف الفبای یونانی ؟، ؟
theta function
تابع تتا

thick	
	ضخیم، ستبر
thickness	
	ضخامت، ستبر، خشن، ضخامت جداره
Thiele's interpolation formula	
	فرمول درون‌یابی تیل
thimble	
	چرخ دستی ظریفه، بوش متحرکت، انگشتی، دسته ریز سنج، دسته
thin	
	باریک، نازک
thing	
	امر، شیء، چیز، نکته
thing language	
	زبان شیء
things	
	اشیاء
think of	
	پیدا کردن، فکر کردن، در نظر گرفتن، ثالث
third	
	یک سوم، سومین، سوم، ثلث
third boundary value problem	
	سومین مساله مقدار مرزی
third degree	
	درجه سوم

third derivative	مشتق سوم
third derivative test	آزمون مشتق سوم
third fundamental form	سومین صورت اصلی
third market	بازار دست سوم
third order derivative	مشتق رتبه سوم
third part	ثلث، ثالث
Third Party	شخص ثالث
third party beneficiary	ذینفع ثالث شخص ثالث ذینفع
third party guarantor	تضمین کننده شخص ثالث
Third Party Insurance	بیمه شخص ثالث
third quadrant	ربع سوم
third quartile	ربع سوم

thirteen	
	سیزده
thirteenth	
	سیزدهم، یک سیزدهم
thirty	
	سی
this	
	به این ترتیب
this defines a variable	
	به این ترتیب یک متغیر تعریف می شود که
this is equivalent	
	به بیان دیگر، به عبارت دیگر
this is needed	
	این عمل بایستی انجام شود
this is the case	
	چنین است
this leads us to	
	این منجر می شد به این که
this leaves	
	در نتیجه
this makes	
	به این ترتیب
this means that	
	این بدان معنی است که، معنی این مطلب این است که، به بیان دیگر

this shows that	که نشان می دهد
Thoman-Bain test	آزمون تومان-بِین
Thomas distribution	توزیع توماس
Thomas-Fiering model	مدل توماس-فایرینگ
Thompson's criterion	ملاک تامپسون
thoroughly	به طور کامل
though	در حالی که، با این که، اگرچه، گرچه
thousand	هزار
thousandth	هزارم، یک هزارم
thread	قطعه نخ، پیچ، دنده، رزوه کردن، رزوه، نخ پیچ
thread angle	زاویه دندانه
threats and opportunities	تهدیدها و فرصتها

three	سه
three column expansion	سه بسط ستونی
three dimensional	سه بعدی
three dimensional geometry	هندسه سه بعدی، هندسه فضایی
three dimensional space	فضای سه بعدی
three high mill	نورد سه گانه
three input	به سه ورودی
three jaw chuck	سه نظام، گیره سه نظام
three leaved curve	خم سه گلبرگی
three leaved rose	گل سه پر
three or more elements	سه عضو یا بیشتر
three plate mold	قالب سه صفحه ای

three point clamp	گیره سه شاخه
three point integration	انتگرال گیری سه نقطه ای
three point problem	مسأله سه نقطه
three R	R سه
three space	فضای سه بعدی
Three Tier	سه لایه (سه سطح)
three variable karnuagh map	نقشه سه متغیره کارنو
three variable map	نگاشت سه متغیره
three variance approach	روش (رویکرد) سه انحرافی
three vector	سه برداره
three way	سه راهی
three word sequences	دنباله های سه کلمه ای

three-eighths rule	قاعده سه‌هشتم
three-mode analysis	تحلیل سه‌مُدی
three-series theorem	قضیه سه‌سری
three-sigma limits	حدهای سه‌سیگما
three-sigma rule	قاعده سه‌سیگما
Threshold	آستانه
threshold for recognition	مرز شناسایی آستانه شناسایی
threshold model	مدل آستانه‌ای
threshold of hearing	آستانه شنوایی
threshold of pain	آستانه درد
threshold parameter	پارامتر آستانه‌ای
thrice	سه بار

throat	
	تنگنا، دهانه، گلو، گلویی، گلوگاه، گردنه
Through	
	بارنامه حمل سراسری
through hardening	
	سخت کردن سرتاسری، آب دادن عمیق، سخت کردن عمقی
Through rate	
	نرخ کامل
throughout	
	سراسر، تماما، بکلی
throughput	
	مایه التفاوت درآمد حاصل از فروش و هزینه های مواد کالای فروش رفته
throughput time	
	زمان عملکرد
throw up	
	پرتاب شدن
throwback	
	پس بُرد
thrust	
	نیروی پیشران، نیروی کشش
Thurstone's theory of comparative judgment	
	نظریه داوری مقایسه‌ای ترستون
thus	
	به این ترتیب، بنابراین، به این معنی که، پس، مثلا

thus obtained	حاصل
tic tac toe	تیک تک تو، دوز بازی
tick mark	علامت تیک
Ticket	شماره رسیدگی یک معامله
tide tidal	جزر و مد، جزر و مدی
tie	همرتبه، برابر، مساوی، شرط
tie breaking rule	قاعده شکستن گره
tie line	خط درجه حرارت ثابت، تاي لاین
tied observations	مشاهدات همرتبه
tied ranks	رتبه های پیوسته
tied-down Brownian motion	حرکت براونی پابند
tierce	تیرس، سوم

ties	هم‌رتبه‌ها
Tietze extension theorem	قضیه توسیع تیتسه
tight budget	بودجه سخت
tight constraint	محدودیت تنگ
Tight credit policy	سیاست تحدید اعتبار
tightened inspection	بازرسی با سختگیری بیشتر، بازرسی سختگیرانه
Tightening of credit	محدود سازی اعتبار
tilde	مَد، تیلدا، موج، کلاه
tilling theorem	قضیه آجر فرش
tilt	یکسوییگی
tilting	شیبدار کردن، منحرف کردن، انحرافی، کج کردن
tilting hearth	بوته گردان

tilting table	میز انحرافی، میز متحرک
time	ضرب در، زمان، هنگام، دوران، وقت، موقع، لحظه، مرحله
time adjusted rate of return	نرخ بازده تعدیل شده (برحسب زمان)
time analysis	تجزیه و تحلیل زمانی
time and motion study	مطالعه زمان و حرکت
Time bill	برات مدت دار
Time Bucket	ظرف زمانی
time budget	بودجه زمانی
time budget pressure	فشار بودجه زمانی
time constant	ثابت زمانی
time consuming	وقت گیر زمان بر
time delay	تاخیر زمانی

time deposit	سپرده بلند مدت
time depreciation	استهلاک زمانی
time diagram	نمودار (سیر) زمان
time dilation	اتساع زمان
time domain	محدوده زمانی
time driver	محرك زمان
time efficiency	کارایی زمانی
time estimate	برآورد زمانی
time horizon	افق زمانی
time interval	بازه زمان، فاصله زمانی
time keeping	گاشماری، وقت پایی، ثبت اوقات
time lag	زمان تلف شده

time line	خط زمان خط سیر زمان
time period concept	مفهوم دوره زمانی
time series	سریهای زمانی
time sharing	اشتراک وقت، اشتراک زمانی، سیستم اشتراک زمانی
time study	بررسی زمانی، زمان سنجی
time study analyst	کارشناس زمان سنجی
Time Table	جدول زمانبندی
time temperature transformation	زمان-درجه حرارت-استحاله
time ticket	برگه اوقات کارکد
time value	ارزش زمان (زمانی)
time value of money	ارزش زمانی پول
time value time premium	ارزش زمانی (صرف زمان)

time variable	متغیر زمانی
time wage	مزد زمانی
time weighted return	بازده مبتنی بر زمان
time zone	منطقه زمانی
Time-Adjusted Rate of Return	نرخ بازده تعدیل شده زمانی
timecard	کارت اوقات کار
timeless	بی زمان
timeline	خط زمان
timeliness	بموقع (بودن)
timeliness timely	بموقع (بودن)
timely information	اطلاعات به موقع (بهنگام)
time-reversal test	آزمون زمان برگشتی

times	ضرب در
times interest earned ratio	نسبت تعداد دفعات تحقق بهره
time-sequential inference	استنباط زمان دنباله‌ای
time-series analysis	تحلیل سریهای زمانی
Times-Interest-Earned ratio	نسبت دفعات پوشش هزینه بهره
timetable	جدول زمانبندی شده جدول زمانی
Timing	زمان بندی
timing difference	اختلاف زمانی
timing errors	اشتباهات زمانی
Tin's ratio estimator	برآوردگر نسبتی تین
tiny	کوچک
Tip	انعام

Tippett's and Wilkinson's combination of tests	
	ترکیب آزمونهای تیپت و ویلکینسون
Title	
	عنوان
Title Deed	
	سند مالکیت
title of table	
	عنوان جدول
Title of the account	
	عنوان حساب
to	
	در مقابل
To Act	
	اقدام کردن
to approach	
	میل کردن، گراییدن
to be amount of	
	برابر است با
to be available	
	در دسترس قرار گرفتن، در دسترس بودن
to be consistent with	
	سازگار بودن با
to be contained in	
	مشمول شدن در

to be contrary to	مخالفت کردن، مخالف بودن
to be include	در نظر گرفتن
to buy sell leads	خریدن/فروختن (لیست) اسامی مشتری های احتمالی
to characterize	مشخص ساختن
to make sure that	برای حصول اطمینان از این که
to matter what	هر مقدار دلخواه
to tend	میل کردن، گراییدن
to tend, to approach	گراییدن
To the order of	به حواله کرد
to void confusion	برای پرهیز از ابهام
to which	که به آن
to whithin	که بدین طریق، که از میان آنها

Tobin,James	
	جیمز توین
Toeplitz lemma	
	لم تاپلیتس
Toeplitz matrix	
	ماتریس تاپلیتس
together with	
	همراه با، و
toggle off	
	خاموش بودن
toggle on	
	روشن بودن
Token coin	
	سکه اعتباری
Token payment	
	پرداخت جزئی
tolerable error	
	خطای قابل تحمل اشتباه قابل اغماض
tolerable exception rate (ter)	
	ضریب استثنای قابل تحمل / قابل اغماض
tolerable misstatement	
	تعریف قابل تحمل (قابل اغماض)
tolerable rate	
	ضریب قابل تحمل

Tolerance	
	حدود فنی - حد مجاز - تolerانس
tolerance approach	
	رهیافت تحمل پذیری
tolerance distribution	
	توزیع تحمل
tolerance factor	
	ضریب حدود مجاز
tolerance interval	
	بازه تحمل
tolerance limit	
	حد خطا
tolerance limits	
	حدهای تحمل
tolerance sensitivity approach	
	رهیافت حساسیت تحمل پذیری
tolerate	
	شکبیدن
ton	
	تن، ۱۰۰۰ کیلوگرم
Tong estimator	
	برآوردگر تانگ
Tonnage	
	تناژ

Tool	
	ابزار
tool bit	
	نوک ابزار، نوک قلم
tool block	
	کشوی ابزار، بلوکه ابزار
tool crib	
	قفسه ابزار، جعبه ابزار
tool holder	
	قلم گیر، ابزار گیر
tool lifter	
	قلم بلند کن، ابزار بلند کن
tool post	
	تکیه گاه قلم، رنده بند، ابزار گاه، تیغه بند، پایه ابزار
tool rest	
	ابزار گاه، تکیه گاه ابزار
tool room	
	کارگاه ابزار سازی، انبار ابزار
tool strength	
	مقاومت ابزار، استحکام ابزار
toolhead	
	مکانیزم جا به جا کردن ابزار، مکانیزم جابجایی قلم
toolhead assembly	
	مجموعه ابزار گاه، مجموعه ابزار گیر، مجموعه قلم گیر

tooth space	
	فضای دندان
tooth thickness	
	ضخامت دندان
toothed	
	دندانه دار، اره ای
top	
	تارک، رأس، سر، نوک، اوج، قله
Top – rated bond	
	سند قرضه ممتاز
top down	
	بالا به پایین
top down forecasting	
	پیش بینی از سطح بالا به پایین
top edge	
	یال بالایی
top ejection	
	بیرون اندازی قطعه از بالا، پران به بالا
top flight training program	
	برنامه آموزشی درجه یک
Top Management	
	مدیریت عالی
topic	
	جدول، بحث، موضوع، عنوان، مبحث

topologic	توپولوژیک
topological	مربوط به توپولوژی، مکان شناسی، توپولوژی، توپولوژیک، از لحاظ توپولوژی
topological cylinder	استوانه توپولوژیک
topological embedding	نشاننده توپولوژیک
topological equivalence	هم ارزی توپولوژیک
topological generator	مولد توپولوژیک
topological group	گروه توپولوژیک
topological image	نقش توپولوژیک
topological immersion	فروبری توپولوژیک
topological index	شاخص توپولوژیک
topological invariant	ناوردای توپولوژیک
topological isomorphism	

یکسانی توپولوژیک، ایزومورفیسم توپولوژیک
topological linear space
فضای خطی توپولوژیک، فضای برداری توپولوژیک
topological manifold
خمینه توپولوژیک
topological mapping
نگاشت توپولوژیک، همانریختی، همانسانی
topological n cell
حجره توپولوژیک، همانریختی، همانسانی n
topological product
حاصلضرب توپولوژیک
topological property
ویژگی توپولوژیک
topological space
فضای توپولوژیک
topological sphere
فضای توپولوژیک، کره توپولوژیکی
topological structure
ساختار توپولوژیک
topological subspace
کره توپولوژیک، زیرفضای توپولوژیک
topological transformation
تبدیل توپولوژیک
topological vector space

فضای خطی توپولوژیک، فضای برداری توپولوژیک
topologically equivalent figures
شکل های توپولوژیک-هم ارز
topological spaces
حاصلضرب پایان دار فضاهای توپولوژیک
topology
توپولوژی
topology associated to a total order
توپولوژی وابسته به یک ترتیب تام
topology of a metric space
توپولوژیک فضای متریک
topology of pointwise convergence
توپولوژی همگرایی نقطه به نقطه
topology of segments
توپولوژی پاره خط ها
topology of uniform convergence
توپولوژی همگرایی یکنواخت
tore
چنبره، تر
torisonal
پیچشی
torisonal strength
استحکام پیچشی
Tornquist index

	شاخص تورن کوئیسٹ
Tornquist-Theil approximation	
	تقریب تورن کوئیسٹ-تیل
toroidal coordinates	
	مختصات چنبره ای
torque	
	گشتاور دورانی، پیچش، گشتاور، جفت نیرو، گشتاور زاویه ای، گشتاور پیچی، گشتاور پیچشی
torsion	
	تاب
torsion coefficients	
	ضریب های تاب
torsion element	
	عنصر تاب
torsion free	
	بدون تاب، بی تاب، بی پیچش، غیر دورانی
torsion free a module	
	مدول بی تاب a-
torsion free group	
	گروه بی تاب
torsion group	
	گروه تابدار
torsion of a curve	
	تاب خم

torsion of a space curve at a point	
	تاب یک منحنی فضائی در یک نقطه
torsion subgroup	
	زیرگروه تابدار
torsion submodule	
	زیرمدول پیچشی
torsional angle	
	زاویه تاب
tort	
	صدمه آسیب ضرر و زیان
tort law	
	قوانین شبه جرم
torus	
	چنبره، طاق، حلقه
toss	
	پرتاب کردن، بالا انداختن، ریختن
toss a coin	
	پرتاب سکه، پرتاب کردن سکه، شیر و خط کردن سکه، ریختن سکه
tot	
	جمع زدن، جمع
Total	
	کل - کلی - جمع
total area	
	سطح کل

total area shaded	
	ناحیه کل سایه زده شده
Total Assets Turnover	
	گردش مجموع دارایی‌ها
total balance	
	تبادل کل
total boundedness	
	محدودیت
total budget variance	
	انحراف کل بودجه
total contribution margin	
	حاشیه فروش کل
Total Cost	
	هزینه کل
total costs accounted for	
	کل هزینه های تخصیص یافته
total costs to account for	
	کل هزینه های قابل تخصیص
Total Credit Facility	
	کل اعتبار اختصاص داده شده به یک حساب
total curvature	
	انحنای کل، انحنای کلی
total degree	
	درجه کلی

Total Demand	
	کل تقاضا
total derivative	
	مشتق کل، مشتق تام، مشتق کلی
total differential	
	دیفرانسیل کل
total direct labor mix variance	
	انحراف کل ترکیب دستمزد مستقیم
total direct labor yield variance	
	انحراف کل بازده دستمزد مستقیم
total direct materials mix variance	
	انحراف کل ترکیب مواد مستقیم
total direct materials yield variance	
	انحراف کل بازده مواد مستقیم
total energy	
	انرژی کل
total expectation	
	امید ریاضی کل
total expected value for a project	
	کل ارزش مورد انتظار (پروژه)
total float	
	شناوی تجمعی، شناوی کل، مجموع تأخیر
total graph	
	گراف کلی

total least squares	کمترین توانهای دوم کل
total leverage	اهرم کل
total materials variance	انحراف کل مواد
total normal curvature	انحنای نرمال کلی
total order	ترتیب کلی
total order relation	رابطه ترتیبی تام
total ordering	ترتیب کلی
total ordering relation	نسبت ترتیبی کلی
total overall sales variance	انحراف کل فروش
total overhead variance	انحراف کل سربار
total portfolio risk	کل ریسک مجموعه سرمایه گذاری ریسک کل پرتفوی
total positivity	مثبت بودن تام

total preventive maintenance	کل تعمیرات پیشگیرنده
total prime costs	کل / جمع هزینه های اولیه
total probability	احتمال کل
total probability theorem	قضیه احتمال کل
total product	کل محصول / تولید
total productive efficiency	کل کارآیی تولید
total productivity measurement	اندازه گیری (سنجش) بهره وری کل
total profit	سود کل
total project approach	روش (رویکرد) کل پروژه
total quality control	کنترل کیفیت جامع
total quality management	مدیریت کیفیت کل
total quality management (tqm)	مدیریت کیفیت جامع

total revenue	کل درآمد، درآمد کل
total risk	کل ریسک ریسک کل
total sales mix variance	انحراف کل ترکیب فروش
total sales quantity variance	انحراف کل مقدار فروش
total space	فضای کلی
total stockholders equity	جمع (کل) حقوق صاحبان سهام
total sum of sequence	مجموع توان دوم های کل، مجموع مجذورات کل
total time on test plot	نمودار زمان کل آزمون
total time on test transform	تبدیل زمان کل آزمون
total transform	مبدل کلی
total units to account for	کل آحاد قابل محاسبه
total utility	مطلوب کل

Total Value	ارزش کل
total variance	انحراف کل
total variation function	تابع تغییرات کل
total variation of a mapping	وردش کلی نگاشت
totality	کلیه، تمامیت، کلیت، مجموع
totalization	جمع بندی، جمع زنی
totalize	جمع بستن، جمع زدن
total order	ترتیب کلی، ترتیب تمام، ترتیب صحیح، ترتیب کامل
total ordering	ترتیب کلی، نسبت ترتیبی کلی
totally	کلی، تماما، کاملا، به طور کلی
totally additive ring of sets	حلقه کلا جمعی مجموعه ها
totally bounded	کلا محدود، تماما محدود، کاملا کراندار

totally bounded set	مجموعه کلا کراندار
totally bounded uniform space	فضای یکنواخت کلا کراندار
totally diagonal latin squares	مربعهای لاتین کلاً قطری
totally differentiable function	تابع کلا مشتق پذیر
totally disconnected metric space	فضای متریک کلا ناهمبند
totally imaginary field	هیأت کلا انگاری
totally independent	تماما مستقل، رویهم نوابسته
totally isotropic subspace	زیرفضای کلا یکروند
totally linearly ordered	مرتب خطی کلی
totally ordered group	گروه کلا مرتب
totally ordered set	مجموعه کلا مرتب
totally ordered subset	زیرمجموعه تماما مرتب

totally real field	
	هیأت کلا حقیقی
totient	
	نشانگر
Totient function	
	تابع کامل
toughness	
	سفتی، استحکام، دوام، سختی
tourism problem	
	مسأله گردش گری
Tourist Trade	
	صنعت جهانگردی
tournament	
	دوره بازی
tow	
	یدک کردن، یدک
towards	
	به جهت، به سمت
Tox exemption	
	معافیت مالیاتی
Tox on exchange dealings	
	مالیات بر معاملات ارزی
Toxic Waste	
	زباله سمی

trace	اثر
trace correlation	همبستگی اثری
trace of a matrix	اثر ماتریس، مجموع قطری ماتریس
trace of a surface	اثر رویه
trace of an element	اثر عنصر
trace of an endomorphism	اثر یک درسانی
trace of linear transformation	رد تبدیل خطی
trace of matrix	رد ماتریس، اثر ماتریس
trace out	رسم کردن
traceability	قابلیت ردیابی
traceline (trace line, trace-line)	ردنگاشت
tracer	طراح، ردیاب، نقشه کش، رسام، پیرو، تعقیب کننده، پی جو

Tracing	ردیابی
track	شیار، مسیر
tracking	ردیابی
tractability	قابلیت ردیابی
tractrix	کشاننده
tractrix curve	منحنی کشاننده
Trade	تجارت
Trade acceptance	پذیرش تجاری
trade accounts payable	حسابهای پرداختی تجاری
trade accounts receivable	حسابهای دریافتی تجاری
Trade Balance	تراز تجاری
Trade bill	برات تجاری

trade credit	اعتبار تجاری
Trade Cycle	سیکل تجاری
Trade Discount	تخفیف بازرگانی - تجارتي
trade discounts	تخفیفات مقداری تخفیفات تجاری
Trade Fair	نمایشگاه تجاری
Trade Gap	خلاء تجاری
trade in value	ارزش معاوضه ای
trade ins valuation	تعیین ارزش معاوضه
trade mark	علامت تجاری، علامت کارخانه، مارک تجارتي، مارک کارخانه، علامت تجاری
Trade Marks	علائم تجاری
Trade Name	نام تجاری
trade notes payable	

	اسناد پرداختنی تجاری
trade off theory	
	تئوری (نظریه) توازن
Trade P/L	
	سود یا ضرر قطعی
Trade Price	
	قیمت تجاری
trade receivables	
	مطالبات (دریافتنی های) تجاری
Trade Union	
	اتحادیه بازرگانی
trade volume	
	حجم داد و ستد گردش معاملات
trademark trade name	
	علامت تجاری (نام تجاری)
trademarks, trade names, or brand	
	علائم تجاری، نامهای تجاری، یا نشان تجاری
Trading account	
	حساب تجارت
Trading Capital	
	سرمایه در گردش - (تجاری)
Trading Enterprises	
	مؤسسات بازرگانی
trading on the equity	

trading securities	اھرم کردن سرمایه بهره آوری روی سرمایه
tradition	اوراق بهادار معاملاتی
Traditional	عادت
traditional approach	سنتی
traditional budget	روش (رویکرد) سنتی
Traditional Business	بودجه سنتی
traditional cost system	کسب و کار سنتی سازمان
traditional costing systems	سیستم هزینه یابی سنتی
traditional flowchart	سیستم های هزینه یابی سنتی
traditional logic	نمودار گردش مرسوم
traditional operation control system	منطق کلاسیک
traditional performance measures	سیستم سنتی کنترل عملیات

معیارهای سنتی سنجش عملکرد	traditional production systems
سیستم های سنتی تولید	traditional responsibility accounting
حسابداری سنتی سنجش مسئولیت	traditions and innovations
روشهای سنتی و روشهای نوین	traffic assignment problem
مسأله تخصیص ترافیک	traffic flow problem
مسئله جریان ترافیک	traffic intensity
شدت ترافیک	trailing
مؤخر، در انتها، انتهائی	trailing submatrix
زیرماتریس مؤخر	Train
آموزش دادن	Trainer
مربی	Training Employee
آموزش ضمن خدمت	Training Schedule

	برنامه آموزش – کار آموزی
training set	
	مجموعه آموزشی
training within industry	
	کارآموزی صنعتی
trajectory	
	مسیر، خط سیر
trammels	
	بیضی کش، هر وسیله برای رسم بیضی
Tranche	
	سهمیه
tranlatory motion	
	حرکت انتقالی
transaction	
	مبادله تجاری معامله
transaction costs	
	هزینه های داد و ستد هزینه های انجام معامله
Transaction demand for money	
	تقاضای معاملاتی برای پول
Transaction deposits	
	سپرده های جاری
transaction flow	
	جریان مبادله / معامله
transaction related audit objectives	

اهداف حسابرسی مربوط به مبادلات / معاملات
transaction risk
ریسک مبادله (معامله)
transaction stream
جریان (عبور) مبادله (معامله)
transaction trail
زنجیره عطف / مسیر معامله
Transaction Turnover
داد و ستد - معامله - عملیات - واقعه مالی مرادده - تبادل - گردش معاملات
transaction walk through
درونکاوی معامله آزمون شیوه انجام معامله
Transaction(s)
داد و ستد - معامله - عملیات - واقعه مالی مرادده - تبادل - رویدادهای مالی
transactional approach
روش (رویکرد) معاملاتی
transactions approach
معاملاتی (روش (رویکرد) معاملات)
transactions approach to income measurement
رویکرد معاملاتی در اندازه گیری سود
transactions cycle
چرخه معاملات
transactions demand for money

تقاضای معاملاتی (برای) پول
transactions in foreign currency
معاملات / مبادلات ارزی
transactions walk through
آزمون درونکاوی معاملات / مبادلات آزمون شناخت مبادلات
transcendental
متعالی (غیر جبری)
transcendental curve
خم متعالی
transcendental curves
منحنی های متعالی، منحنی های توابع غیر جبری
transcendental element
عنصر متعالی
transcendental equation
معادله متعالی
transcendental extension
توسیع متعالی
transcendental function
تابع غیر جبری، تابع متعالی
transcendental geometry
هندسه عالی
transcendental logarithmic function
تابع لگاریتمی متعالی
transcendental number

عدد متعالی، عدد غیر جبری	
transcendental numbers	
اعداد غیر جبری، اعداد متعالی	
transcendental operation	
عمل متعالی	
transducer	
مترجم، مبدل، مبدل انرژی	
transect method	
روش برشی	
transection	
مقطع عرضی	
transendent number	
عدد غیر جبری	
Transfer	
انتقال - واگذاری	
transfer control	
انتقال کنترل	
Transfer Deed	
سند انتقال	
transfer function	
تابع انتقال	
transfer function model	
مدل تابع انتقال	
Transfer In	

	انتقال به داخل
transfer measuring	
	اندازه گیری انتقالی
transfer molding	
	قالب گیری انتقالی
transfer of ownership test	
	آزمون انتقال مالکیت
transfer orbit	
	مدار انتقال
Transfer out	
	انتقال به خارج
transfer press	
	پرس انتقالی
transfer price	
	قیمت انتقال
transfer pricing	
	قیمت گذاری انتقالی
transfer pricing dilemma	
	معضل قیمت گذاری انتقالی
transfer pricing problem	
	مشکل تعیین قیمت انتقالی مساله قیمت گذاری انتقالی
transfer ram	
	ضربه زدن انتقالی، کوبه انتقالی
transfer time	

Transferable	زمان انتقال
Transferable credit	قابل انتقال
Transferable securities	اعتبار قابل انتقال
transferred in cost	اوراق بهادار قابل انتقال
transferred in costs	هزینه انتقالی از دایره قبل هزینه انتقالی به دایره
transfers agent	هزینه های انتقالی از دایره قبل هزینه های انتقالی به دایره
transfers of financial assets	نماینده (مسئول) نقل و انتقال مالکیت سهام
transfinite	نقل و انتقالات دارایی های مالی
transfinite cardinal number	ماوراء متناهی، تراباپایان، تراپایان، فوق محدود، فرانهایبی، ماورای نهایت
transfinite induction	عدد اصلی ترانسفینی، عدد اصلی ترامتناهی، عدد اصلی تراباپایا
transfinite number	استقرای ترامتناهی، استقراء با پایان، استقراء تراباپایان، استقرای ترانسفینی، استقرای ترانسفینیت

عدد ترابا پایان، عدد ترامتناهی، عدد فوق محدود، عدد کران گذر، عدد فرانهایی
transform
تبدیل ۲. تبدیل یافته ۱.
transform into
تبدیل کردن به
transform of a line
تبدیل یک خط
transform of a matrix
مبدل ماتریس
transform of a point
تبدیل یک نقطه
transform of an element
مبدل عنصر
transformation
تبدیل
transformation formula
دستور تبدیل
transformation group
گروه تبدیلهها
transformation matrix
ماتریس تبدیل
transformation of boundary conditions
تبدیل شرایط کرانه ای

transformation of coordinates	تبدیل مختصات
transformation of multidimensional variable	تبدیل کمیت تصادفی چند بعدی
transformation of one random variable	تبدیل یک متغیر تصادفی
transformation of similitude	تبدیل تجانسی
transformation of two dimensional variable	تبدیل دو کمیت تصادفی
transformation range	محدوده حرارتی استحاله
transformation variable	متغیر تبدیل
transformed	مبدل، تبدیل شده، گردانده
transformed figure	شکل تبدیل شده، شکل مبدل، شکل حاصل، تصویر
transformed scores	نمره های تبدیل شده
transforming element	عنصر تغییر دهنده
transgranular	میان دانه ای

transient	
	گذرنده، تغییر پذیر، لحظه ای، گذرا، ناپایدار، موقتی
transient current	
	شدت جریان گذرا
transient process	
	فرایند گذرا
transient state	
	وضعیت گذرا
transistor	
	تراینده
Transit	
	عبور - ترانزیت
Transit bill	
	برات عبوری
transit rate	
	نرخ عبور
Transition	
	گذار / انتقال
transition curve	
	منحنی تبدیل
transition diagram	
	نمودار انتقال، نمودار گذار ها، گذارنما
transition function	
	تابع تغییر وضعیت

transition matrix	
	ماتریس تغییر وضعیت
transition probabilities	
	احتمالات انتقال
transition probability	
	احتمال تغییر وضعیت
transition rate matrix	
	ماتریس آهنگ گذار، ماتریس آهنگ انتقال
transitional	
	انتقالی
transitive	
	تراگذار، متعدی، انتقالی، انتقال پذیر، سرایت پذیر، ترایا، تراگذری
transitive closure	
	بستار متعدی
transitive group	
	گروه ترایا
transitive law	
	قانون تعدی
transitive permutation group	
	گروه جایگشتی ترایا
transitive permutations	
	تبدیلات انتقالی پذیر
transitive relation	
	رابطه ترایا

transitivity	ترایایی
transitivity of inequalities	تعدی نامساوی ها
transitivity of subspaces	تعدی زیرفضا ها
transitivity paradox	پارادوکس ترایایی
translate	تبدیل کردن، انتقال دادن
Translation	ترجمه
translation adjustment	تعدیل ناشی از تسعیر ارز
translation equation	معادله انتقال
translation equivariant	از لحاظ انتقال هم واریانس
translation function	تابع ترجمه
translation gains and losses	سود و زیانهای ناشی از تسعیر ارز
translation invariance	پایای انتقال

translation model	مدل انتقال
translation of axes	انتقال محور ها
translation of origin	تغییر مبدأ، انتقال مبدأ
translation operator	عملگر انتقال
Translation Processing Systems	سیستم های پردازش عملیات (رویدادها)
translation surface	رویه انتقال
transmission	ارسال، جعبه دنده، انتقال، عبور
Transmission mechanism	مکانیزم انتقال
Transport	حمل و نقل - ترابری
transportation	ترابری، حمل و نقل، توزیع، انتقال، ارسال
transportation costs	مخارج حمل
transportation in	حمل به داخل

transportation in costs	
	مخارج حمل به داخل هزینه های حمل کالای خریداری شده
transportation model	
	مدل ترابری، مدل حمل و نقل
transportation problem	
	مساله ترابری
transportation theory	
	نظریه حمل و نقل، فرضیه توزیع
transporter	
	فرابر
transpose	
	ترانهاده
transpose matrix	
	ماتریس ترانهاده، ماتریس وارونه
transpose of a homomorphism	
	ترانهاده یک همسانی
transpose of a matrix	
	ترانهاده ماتریس
transpose of a vector	
	برگردان بردار
transposed	
	ترانهاده، جابجا شده، پس و پیش، مقلوب، جابجا شده، برگردان، منتقل کردن
transposed matrix	

ماتریس ترانهاده	
transposed row vector	
ترانهاده بردار قطری	
transposition	
ترانهش	
transposition of matrix	
ماتریس حمل و نقل	
transposition problem	
مسأله حمل و نقل	
transposition problem definition	
تعریف مسأله حمل و نقل	
transshipment	
تبادل، ترابری	
transshipment problem	
مسأله حمل و نقل مرکب	
transversable	
قابل پیمایش، قابل عبور	
transversable trail	
گذر قابل پیمایش	
transversal	
خط قاطع، خط مورب	
transversal intersection	
اشتراک متقاطع	
transversality condition	

	شرط تراگردی
transverse	
	عرضی، پیمودن، متقاطع
transverse axis	
	محور قاطع، محور کانونی، محور متقاطع، قطر برا، قطر قاطع
transverse axis of a hyperbola	
	محور کانونی هذلولی، محور قاطع هذلولی
transverse component	
	مؤلفه متقاطع
transverse weld	
	جوش عرضی
trapezium	
	چهار پهلو، دوزنقه، منحرف
trapezoid	
	دوزنقه
trapezoid rule	
	قاعده دوزنقه ای، دستور دوزنقه
trapezoidal	
	دوزنقه
trapezoidal distribution	
	توزیع دوزنقه‌ای
trapezoidal prism	
	منشور دوزنقه القاعده، منشور با قاعده دوزنقه
trapezoidal rule	

قاعده دوزنقه‌ای
trapezoidal rule for integration
قاعده دوزنقه ای برای انتگرال گیری
trapezoidal runner
راهگاه با مقطع دوزنقه ای، راهگاه دوزنقه ای
traphics tablet
لوح طراحی
travel
پیمودن، طی کردن، حرکت کردن، پیش رفتن
Travel Agent
آژانس مسافرتی
traveling
پیمودن، پیمایش
traveling salesman problem
مسئله فروشنده دوره‌گرد
traveling wave
موج سیار
traversal
پیمایش
traverse
حرکت عرضی، عبور کردن عرضی، عبور کردن، عرضی، پیمایش کردن، طی کردن، پیمودن، خط قاطع، قطع کردن
traversing binary tree
پیمایش درخت دودویی

Treasure	خزانه
treasurer	مسئول خزانه (داری) دار
Treasury	خزانه داری
Treasury – note	اسناد خزانه متوسط مدت
treasury bill	اسناد خزانه
treasury bond	اوراق قرضه خزانه
treasury note	سند خزانه
treasury officer	مسئول خزانه داری مدیر خزانه
treasury shares	سهام خزانه
treasury stock	سهام خزانه
treasury stock approach	روش (رویکرد) سهام خزانه
treasury stock method	روش سهام خزانه

treasury stock transactions	
	معاملات / مبادلات سهام خزانه
Treasury Zero Certificates	
	اسناد خزانه بدون بهره
treat	
	رفتار کردن، بحث کردن، مربوط بودن به، بررسی کردن، مورد بررسی قرار دادن، تفسیر کردن، تعبیر کردن
treatment	
	تیمار
treble	
	سه برابر، سه برابر کردن، سه برابر، سه لا کردن، سه لا
trebly asymptotic tiangle	
	مثلث سه مجانبی
tree	
	درخت
tree diagram	
	نمودار شجری، نمودار درختی
tree experiment	
	آزمایش درختی
tree graph	
	گراف درختی
tree of the game	
	درخت بازی
treed regression	

	رگرسیون درختی شده
Trench matrix	
	ماتریس ترنچ
Trend	
	روند
trend analysis	
	تجزیه و تحلیل روندی
trend test	
	آزمون روند
trend-free block design	
	طرح بلوکی آزادروند
trepanning cutter	
	دایره بر، واشر بر، قلم گرد بری، سوراخ بر
tri	
	سه ...
triad	
	سه گانه، سه تائی، ثلاثی، سه وجهی
triadic	
	سه تائی
triadic extension	
	گسترش سه سه ئی
triadic relation	
	نسبت سه تایی
trial	

	آزمایه
trial and error	
	آزمون و خطا
trial and error method	
	روش آزمون (آزمایش) و خطا
Trial Balance	
	بیان آزمایش - تراز آزمایشی
Trial balance columns	
	ستونهای تراز آزمایشی
trial equation	
	معادله آزمایشی
trial order	
	سفارش آزمایشی
triangle	
	مثلث
triangle inequality	
	نابرابری مثلثی، نامساوی مثلث، نامساوی مثلثی
triangle test	
	آزمون مثلث
triangulable	
	قابل مثلثی، مثلثی شونده
triangular	
	مثلثی شکل
triangular array	

	آرایش مثلثی
triangular canonical form	
	شکل متعارف مثلثی
triangular contingency table	
	جدول پیشابندی مثلثی
triangular coordinates	
	مختصات مثلثی
triangular decomposition	
	تجزیه مثلثی
triangular density function	
	تابع احتمال مثلثی
triangular distribution	
	توزیع مثلثی
triangular factorization	
	تجزیه مثلثی
triangular form	
	شکل مثلثی
triangular inequality	
	نابرابری مثلثی
triangular matrix	
	ماتریس مثلثی، ماتریس مثلث، ماتریس سه بری
triangular number	
	عدد مثلثی، عدد مثلث
triangular numbers	

	اعداد مثلثی
triangular plot	
	نمودار مثلثی
triangular pyramid	
	هرم مثلثی، هرم مثلث القاعده
triangular region	
	ناحیه مثلثی، ناحیه مثلثی شکل
triangular right prism	
	منشور قائم مثلث القاعده، سه گوش کردن، سه گوش
triangular system	
	دستگاه مثلثی
triangularity of in networks basis	
	پایه مثلثی در شبکه ها
triangularization	
	مثلث بندی، مثلثی کردن
triangularization transposition problem	
	مثلثی کردن مسأله انتقال
triangulate	
	به صورت ماتریس مثلثی در آوردن، مثلث بندی کردن، به صورت مثلث در آوردن
triangulation	
	انجام یک تحقیق از زوایای مختلف
triangulation of a square matrix	

مثلثی کردن یک ماتریس مربع، تبدیل یک ماتریس مربع به یک ماتریس مثلثی
triangulation problem
مسأله مثلث بندی
tribology
اصطکاک سنجی
triboluminescence
تابش بر اثر اصطکاک، اصطکاک تابی
trichotomy
تثلیث، سه حالتی، تقسیم به سه بخش، تثلیث، سه گانگی
trichotomy law
قانون تثلیث، قانون سه حالتی
trichotomy property
ویژگی سه حالتی
tricuspid
هیپوسیکلوئید با سه نقطه بازگشت
trident
منحنی سه شاخه ای، سه شاخه، سه دندانه، منحنی نمایش تابع درجه سه
tridiagonal
سه قطری
tridiagonal matrix
ماتریس سه قطری
tridimensional profiles
نیم رخ های سه بعدی

tridual	
	همتای سوم
trieder	
	کنج
triefficiency	
	سه کار آیی
trigamma function	
	تابع سه گاما
trigger	
	ضامن، چاشنی، ماشه
trigger points	
	نقاط آمادگی
trigon	
	مثلث
trigonal	
	مثلثاتی
trigonal lattice	
	مشبکه مثلث
trigonometric	
	مثلثاتی
trigonometric cofunction	
	تابع مثلثاتی متمم
trigonometric confunction	
	تابع مثلثاتی متمم

trigonometric equation	معادله مثلثاتی
trigonometric form	صورت مثلثاتی
trigonometric formulas	فرمول های مثلثاتی
trigonometric function	تابع مثلثاتی، تابع دایره ای
trigonometric function inverse	عکس (معکوس) تابع مثلثاتی
trigonometric functions	توابع مثلثاتی، تابع های مثلثاتی، تابع های مستدیر
trigonometric identity	اتحاد مثلثاتی
trigonometric inequality	نامساوی مثلثاتی
trigonometric integral	انتگرال مثلثاتی
trigonometric inverse	عکس (معکوس) مثلثاتی
trigonometric inverse function	تابع معکوس مثلثاتی
trigonometric moments	گشتاورهای مثلثاتی

trigonometric polynomial	چند جمله ای مثلثاتی
trigonometric sense	جهت مثلثاتی
trigonometric series	سری مثلثاتی
trigonometric substitution	جانمایی مثلثاتی
trigonometric survey	مساحی مثلثاتی
trigonometrical	مثلثاتی، وابسته به مثلثات
trigonometrical ratios	نسبت های مثلثاتی
trigonometry	مثلثات
trihedral	کنج سه وجهی، سه وجهی
trihedral angle	کنج سه وجهی
trihedron	سه وجهی، کنج سه وجهی، سه روی
trilateral	مثلث، سه طرفی، سه وجهی، سه جانبی، سه سطحی

trilinear	سه خطی، سه بر
trilinear coordinates	مختصات سه خطی
trillion	تریلیون، ۱۰۱۲ در آمریکا، ۱۰۱۸ در انگلستان
trim	تنظیم
trim array	آرایه پیراسته
trim loss	ضایعات برش
trimean	سه میانگین
trimetric skew axonometry	محور سنجی کج سه واحدی
triming	اصلاح، صاف کردن، چیدن، تمیز کاری، تراشیدن
trim-loss problem	مسئله پیراسته‌زیان
trimmed	پیراسته
trimmed mean	میانگین پیراسته

trimming and Winsorization	
	پیرایش و وینزوریدن
trimodal	
	سه نمایی
trimodale	
	سه نمایی
trinar	
	سه تایی، سه جایی
trinar operation	
	عمل سه تایی، عمل سه جایی
trinary	
	سه تائی، سه برابر
trinary operation	
	عمل سه تایی
trine	
	سه یک
trinomial	
	سه جمله ای
trinomial distribution	
	توزیع سه جمله ای
trip	
	مسافت، راه، فاصله، مسیر
triple	
	سه تایی، سه گانه، سه برابر، از درجه سوم، سه برابر کردن

triple asymptote	مجانب سه گانه
triple integral	انتگرال سه گانه
triple point	نقطه سه گانه، نقطه مکرر از درجه سوم
triple prime	تیرس
triple product	حاصلضرب سه گانه
triple root	ریشه سه گانه
triple root an equation	ریشه سه گانه یک معادله
triple scalar product	حاصلضرب سه گانه عددی، ضرب عددی سه گانه، حاصل ضرب مختلط
triple scatter plot	نمودار پراکنش سه گانه
triple vector product	ضرب برداری سه گانه
triplet	دسته سه تایی، سه تایی، سه برابر، سه گانه، سه گانی
triplicate	سه برابر کردن

triplicate ratio	
	نسبت مثلثه بالتکریر، نسبت به قوه سه
triplication	
	سه برابر سازی
tripoint	
	سه نقطه
tripotent matrix	
	ماتریس سه توان
triquetrum	
	سه گوشه ای
trirectangular	
	سه قائمه
trisect	
	سه بخش کردن، به سه قسمت مساوی تقسیم کردن، تثلیث نمودن
trisection	
	تثلیث
trisection of an angle	
	تثلیث زاویه
trisection of angle	
	تثلیث زاویه
trisectrix	
	سه بخشی
trisectrix of maclaurin	
	ترایسکتریکس مکلاورن، منحنی

triserial	تری سریال
tristate logic	منطق سه حالتی
trivariate probability density	چگالی احتمال سه متغیره
trivial	بدیهی، بیمایه، واضح، مبتذل، عادی، معمولی، صفر
trivial bundle	بافه بدیهی
trivial graph	گرافی بدیهی
trivial mapping	گسترش عادی
trivial production	قاعده تولید دستور زبان بدیهی
trivial representation	نمایش بدیهی
trivial ring	حلقه بدیهی
trivial solution	جواب صفر
trivial subsets	زیرمجموعه های بدیهی

trivial topology	توپولوژی بدیهی، توپولوژی ناگسسته
trivialisation	بدیهیت
trochoid	چرخه زاد
trojan square	مربع همه کاره
trolley conveyor	نقاله قرقره ای
truncate pyramid	هرم ناقص
truncating	برش، کوتاه سازی
truncation	برش، کوتاه سازی، قطع
truncation error	خطای برشی، خطای سر بریدن
truncation method	روش برشی
Truck	کامیون
Trucking	حمل با کامیون

true difference	تفاوت واقعی
true false questions	سوالات درست غلط
true horizon	افق حقیقی
true linear regression equation	معادله رگرسیون خطی حقیقی
true maximum	ماکزیمم حقیقی
true mean	میانگین واقعی
true minimum	مینیمم حقیقی
true no par stock	سهام فاقد ارزش اسمی
true prior	پیشین واقعی
true proposition	گزاره درست
true representation	نمایش صادق
true stratification	طبقه بندی درست

true value of the parameter	
	مقدار واقعی پارامتر
truing	
	صحیح کردن، تصحیح، درست کردن
truncate	
	بریده شدن، ریختن اضافات، کوتاه کردن، بریدن، قطع کردن
truncated	
	بریده، قطع شده، ناقص، شکسته
truncated cone	
	مخروط بریده
truncated data	
	داده‌های بُریده
truncated distribution	
	توزیع بُریده
truncated normal distribution	
	توزیع نرمال بریده شده
truncated sampling	
	نمونه‌گیری بُریده
truncating	
	قطع
truncation	
	بُرش
truncation error	
	خطای بُرش، خطای سر بریدن

truncation method	
	روش بُرشی
truncation point	
	نقطه برش
trunk	
	بدن، قسمت اصلی، بدنه، تنه
Trust	
	تراست
Trust bank	
	بانک امانی
Trust Company	
	موسسه امانی
Trust Deed	
	سند وثیقه
Trust Fund	
	وجه امانی – سپرده
Trust funds	
	منابع امانی
trustee	
	موسسه امین امانتدار
trusteeship	
	امانت، امانت داری
truth	
	حقیقت

truth function	تابع ارزش، تابع راستی
truth functional compound	ترکیب ارزشی
truth set	مجموعه درستی، مجموعه صدق
truth sets	مجموعه های صدق
truth table	جدول صحت، جدول درستی، جدول راستی، جدول ارزش
truth value	ارزش راستی
try and error = trial and error	آزمون و خطا
try to find	آیا می توان ... به دست آورد، جستجو کردن
Tschuprow's coefficient T	ضریب Tی چوپروف
T-square sampling	نمونه گیری T دو
t-statistic	تی (t) - آماره
TTT-plot	نمودار TTT

TTT-transform	تبدیل TTT
tube	لوله
Tukey's confidence interval for location	بازه اطمینان توکی برای مکان
Tukey's g- and h-distributions	توزیعهای g و h توکی
Tukey's hanging rootogram	ریشه‌نگار آویزان توکی
Tukey's inequality for optimal weights	نابرابری توکی برای وزنهای بهینه
Tukey's line	خط توکی
Tukey's median polish	پرداخت زدن میانه توکی
Tukey's quick test	آزمون فوری توکی
Tukey's simultaneous comparison procedure	شیوه مقایسه همزمان توکی
Tukey's test for nonadditivity	آزمون توکی برای ناجمع‌بودن
Tukey's test for ordered alternatives	آزمون توکی برای فرضهای مقابل مرتب

Tukey-Kramer interval	بازه توکی-کرامر
tunningfork	دیاپازون، دو شاخه
tuple	ردیف، سطر، چندتائی، تایی، گانه
tuple ordered	تایی مرتب
turing machine	ماشین تورینگ
turn	نوبت، پیچ، چرخش، تبدیل کردن، برگرداندن، گردش، گردیدن، پیچاندن، چرخیدن، چرخه، پیچ، برگردانیدن، گردانیدن، تراش دادن، خراطی کردن، گردیدن، گام پیچ، چرخاندن
turn key	تحويل کامل، کلید به دست
turn of the month effect	اثر تعویق ماه
turn out	معلوم شدن، ثابت کردن، نتیجه دادن
turn over jig	جیگ وارونه
turn up	پیش آمدن

turning over	برگرداندن، وارو کردن، برگردانی
turning point	نقطه برگشت
Turnover	گردش معاملات – کل فروش یک واحد اقتصادی
turret head	کله گی چند قلمه، سر چند ابزاره
Tversky's model of choice	مدل انتخاب چهورسکی
twelve	دوازده
twelve sided polygon	دوازده ضلعی منتظم
twenty	بیست
twice	دو بار، دو برابر، دو مرتبه، دو دفعه
Twice Action	عمل دوتایی
twicing	دوباریدن
twin	توأم کردن، دو قلو، چند قلو، جفت، زوج، توأم، دو

twin numbers	اعداد توأمان
twisted	پیچیده، تابیده
twisted curve	خم نامسطح، خم چپ
twisting	جفت کردن، پیچش
two	دو
Two – tier exchange rate	نرخ دوگانه ارز
Two – tier loan	وام دو نرخ
two 3 regular graph	دو گراف ۳-منتظم
two applications	دو بار استفاده از
two bin card system	سیستم دو کارت مشخصات
two bin system	سیستم دوکارتی
two by two rectangle	مستطیل دو در دو

two decimal places	دو رقم اعشار
two decision problem	مسأله دو تصمیمی
two different ways	دو روش مختلف
two dimensional	دو بعدی
two dimensional cartesian system	دستگاه مختصات دکارتی دو بعدی
two dimensional distribution law	قانون توزیع دو متغیره، قانون توزیع دو بعدی
two dimensional geometry	هندسه مسطحه، هندسه دو بعدی
two dimensional normal distribution	توزیع نرمال دو بعدی، توزیع نرمال در سطح
two dimensional probability density function	تابع چگالی احتمال دو بعدی
two dimensional random variable	کمیت تصادفی دو بعدی
two dimensional uniform distribution	توزیع یکنواخت دو بعدی، توزیع مستطیلی در سطح
two dimensional variable	متغیر دو بعدی، کمیت دو بعدی

two fold	دو تایی، دو لا، دو لایه
two high mill	نورد دو غلتکی
two ideal	ایده آل دو طرفه
two intercept	دو قطعی
two intercept equation	معادله دو قطعی
two jaw chuck	دو نظام
two leaved rose curve	خم گلببرگ دو برگی
two level design	طرح دو سطحی
two more	دو ... دیگر
two person zero sum game	بازی دو نفره با مجموع صفر
two phase method	روش دو فازی، روش دو فاز، روش دو مرحله ای
two phase method analysis	آنالیز روش دو فازی

two phase method description	توصیف دو فازی
two phase sampling	نمونه گیری دو مرحله ای
two phase tableau	جدول دو فازی
two plate mold	قالب دو صفحه ای
two point	دو نقطه ای
two point clamp	گیره دو شاخه
two point distribution	توزیع دو جمله ای
two point equation	معادله دو نقطه ای
two point form of the equation of a line	صورت دو نقطه ای معادله خط
two point integration	انتگرال گیری دو نقطه ای
two point sample space	فضای نمونه ای دو نقطه ای
two points distribution	توزیع دو نقطه ای

two quarter	دو ربع مربع
two railed	دو طرفه
two sided	دو طرفه، دو طرفی
two sided bayesian interval	فاصله بییزی دو طرفه
two sided generator	مولد دو طرفه
two sided ideal	ایده آل دو طرفه
two sided inverse element	عنصر وارون دو طرفه، عنصر معکوس دو طرفه
two sided test	آزمون دو طرفه، آزمون دو طرفی
two sided unit element	عنصر یکه دو طرفه
two space	فضای دو بعدی
two stage	دو مرحله ای
two stage assignment process	فرایند تسهیم دو مرحله ای

two stage cluster sample	
	نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای
two stage design	
	طرح دو مرحله ای
two stage experiment	
	آزمایش دو مرحله ای
two stage sample	
	نمونه دو مرحله ای
two stage sampling	
	نمونه گیری دو مرحله ای
two tail test	
	آزمون دو دنبالی
two tailed	
	دو دنبالی
two tailed test	
	آزمون دو دامنه ای، آزمون دو گوشه ای، آزمون دو دامنه، آزمون دو دومی
two theorem	
	قضیه دو طرفه
two things	
	دو نکته
two valued	
	دو ارزشی
two valued function	
	تابع دو مقداری

two valued variable	متغیر دو مقداری
two variance approach	روش (رویکرد) دو انحرافی
two variate distribution law	قانون توزیع دو متغیره، قانون توزیع دو بعدی
two way	دو طرفه، دو راهی، دو راهه
two way analysis of variance	تحلیل واریانس دو طرفه
two way clamp	گیره دو طرفه
two way classification	رده بندی دو طرفه
two-armed bandit problem	مسئله ماشین قمار دوبازو
two-by-two (2*2) table	جدول دو در دو (۲*۲)
twofold	دو برابر، دو قسمتی، دو جنبه ای
twoing index	شاخص دوپاره سازی
two-sample problem	مسئله دونمونه ای

two-series theorem	قضیه دوسری‌یی
two-sex problem	مسئله دوجنسی
two-sided test	آزمون دوطرفه
two-stage design	طرح دومرحله‌ای
two-stage least squares	کمترین توانهای دوم دومرحله‌ای
Two-tailed	دو طرفه
Two-tailed test	آزمون دو طرفه
two-way classification	رده‌بندی دوطرفه
tychonoff topology	توپولوژی تیخونوف
Tychonov space	فضای تیخونوف
tychonov theorem	قضیه تیخونوف
Type	نوع - تایپ

type 2 frequency distribution	توزیع فراوانی نوع ۲
type bias	اریبی نوع
type casting	تغییر موقت نوع
type I and type II variables	متغیرهای گونه I و گونه II (= متغیرهای نوع اول و نوع دوم)
type I error	خطای گونه I (= خطای نوع اول)
type I error probability	احتمال خطای نوع اول
type II error	خطای گونه II (= خطای نوع دوم)
type II error probability	احتمال خطای نوع دوم
type III and type IV errors	خطاهای گونه III و گونه IV (= خطاهای نوع سوم و نوع چهارم)
type of opinion	نوع اظهار نظر
type problem	مساله نوع
type s of evidence	نوع (انواع) شواهد

type theory	نظریه انواع
types of bonds	انواع اوراق قرضه
types of market efficiency	انواع کارایی بازار سرمایه
types of regression models	انواع مدل‌های رگرسیونی
types of services	انواع خدمات
types of stock	انواع سهم
types of test	انواع آزمون‌ها
typical	نوعی، نمونه ای
typical value	مقدار نوعی
typical values	ارزش های نمونه
typically	نوعا
typology	گونه‌شناسی

u	
	بیست و یکمین حرف الفبای انگلیسی
u chart	
	نمودار U
u curve	
	خم-U
u flow	
	طرح توسعه U شکل، جریان U
U set	
	مجموعه مجموعه یکتایی، -U
u test	
	آزمایش U
U.S Treasury Bill	
	اوراق قرضه منتشره دولت آمریکا همراه با تخفیف در فروش، مدت اعتبار این اوراق کمتر از یکسال می باشد.
U.S Treasury Note	
	اوراق قرضه منتشره به صورت کوپن بهادار، خریدار در صورت تحویل این کوپن پس از مدتی از یک تا ده سال سود مشخصی دریافت خواهد کرد.
ufd	
	حوزه تجزیه یکتا
ultimate	
	ماکزیمم، محدود، نهایی، غایی، واپسین
ultimate administrative authority	
	عالی ترین مرجع اداری

ultimate authority	
	اختیار نهایی
Ultimate balance	
	تراز نهایی
ultimate cluster	
	خوشه نهایی
ultimate departmentation	
	تقسیم وظایف نهایی
ultimate maximizer	
	حداکثر کننده نهایی
ultimate responsibility	
	مسئولیت نهایی
ultimate risk	
	ریسک نهایی
ultimate sampling unit	
	آخرین واحد نمونه گیری
ultimately	
	نهایتاً، سرانجام، نهایی، غایی، بالاخره، دوترین، مآلاً
Ultra	
	ماوراء
ultra ideal	
	فراآرمانی
ultra parallel	
	فراموازی

ultra vires	
	خارج از اختیارات قانونی
ultrafilter	
	فراپالایه، فراصافی
ultrainfinite point	
	نقطه فرابینهایت
ultrametric	
	فراامتری، فراامتری
ultrasonic	
	مافوق صوت، فراصوتی، آبر صوت، مافوق سرعت صوت
ultrasonic testing	
	عیب یابی با امواج ماوراء صوت، آزمایش فراصوتی، عیب یابی فراصوتی
ultraviolet	
	ماوراء بنفش، فرابنفش
umbilic	
	نافی، نقطه نافی
umbilic point	
	نقطه نافی
umbilical point	
	نقطه نافی
umbilicus	
	ناف
un	
	پیشوندی به معنی بدون، نه، غیر

un favorable	
	نامطلوب
unabsorbed cost	
	هزینه (بهای تمام شده) جذب نشده
unacceptable	
	ناپذیرفتنی، غیر قابل قبول
unacceptable quality level	
	سطح کیفیت غیر قابل پذیرش
unaccomodate	
	ناهمساز
unaccomodation	
	ناهمسازی
unadaptation	
	عدم انطباق
unadapted	
	انطباق نیافته، نامنطبق
unadjusted	
	تعدیل نشده اصلاح نشده
Unadjusted liabilities	
	بدهی های تعدیل نشده
unadjusted misstatement worksheet	
	کاربرگ تحریفات اصلاح نشده
unadjusted trial balance	
	تعدیل نشده (تراز آزمایشی اصلاح نشده)

unadjustment	ناسازگاری
unaligned	ناهمخط، نا هم تراز
unallocated appropriations	اعتبارات مصوب تخصیصی نیافته
unallotted appropriation	اعتبار تخصیص نیافته
unallotted share	سهام منتشر نشده، سهام توزیع نشده
unambiguous	بدون ابهام
unambiguously	آشکارا، به طور بدون ابهام
unamortized debt discount	کسر منقضی (مستهلک) نشده اوراق بدهی / اوراق قرضه
unamortized premium on bonds payable	صرف منقضی نشده اوراق قرضه پرداختی
unanimity principle	اصل یگانگی آراء و عقاید اصل وحدت نظر
Unapplied funds	وجوه آزاد
unappropriated surplus	مازاد تخصیص نیافته

unary	یکتایی، یک جایی
unary connective	ادات یک طرفی
unary operation	عمل یگانی، عمل یکتایی، عمل یک جایی
unary operator	عملگر یکتایی
unasserted claims	دعاوی احتمالی
unassignable cause	عامل غیر قابل شناسایی
unaudited	حسابرسی نشده
unaugmented histogram	نمودار پله ای نافزوده
Unauthorized	غیر مجاز
unauthorized absence	غیبت غیر موجه، غیبت غیر مجاز
unavailability	عدم قابلیت استفاده
unavoidable hazard	خطر اجتناب ناپذیر

unavoid able delay	
	تأخیر اجتناب ناپذیر
unbalanced	
	غیر متعادل، نامتعادل، نامیزان، غیر متقارن، نامتوازن
Unbalanced budget	
	بودجه نامتعادل
unbalanced transportation model	
	مدل حمل و نقل ناموزون
unbias	
	نااریب
unbiased	
	نااریبی، بی نظرانه، بی پیشقدر، نااریب، درست، بی اریب
unbiased estimate	
	برآورد نااریب، برآورد بی غرض
unbiased estimator	
	برآورد کننده نااریب
unbiased expectations theory	
	تئوری (نظریه) انتظارات نااوریب
unbiased sample	
	نمونه مستقیم
unbiased test	
	آزمون نااریب
unbiasedness	
	بیطرفی عدم داشتن تمایلات جانبدارانه عدم سوگیری / سودار بودن

unbound	بی کران
unbounded	بیکران
unbounded above	از بالا بی کران
unbounded from above	از بالا نامحدود، از بالا بی کران
unbounded function	تابع بی کران
unbounded interval	بازه بی کران، فاصله نامحدود، فاصله بی کران
unbounded manifold	خمینه بیکران
unbounded optimal solution	جواب بهینه بیکران
unbounded optimal value	مقدار بهینه بی کران
unbounded polyhedral set	مجموعه چندوجهی بی کران
unbounded sequence	دنباله بی کران
unbounded set	مجموعه بیکران

unbounded sets	مجموعه های بی کران
unbounded subset	زیرمجموعه بی کران، بخش بی کران
unboundedly	به طور بی کران، به طور نامحدود
unboundedness	نامتناهی بودن، بی کرانی، نامحدودی
unboundedly	به طور نامتناهی
unbroken interval	فاصله یکپارچه
unbroken service	خدمت بلاانقطاع، سابقه
Unbundling	جدا کردن اجزا مربوط به یک محصول می باشد
Uncalled Capital	سرمایه ذخیره
uncertain	نایقین، ناآورین، نامشخص، نامعلوم، غیر حتمی، نامعین
uncertainties	ابهامات
uncertainty	عدم قطعیت عدم اطمینان ابهام

uncertainty condition	شرط عدم اطمینان
uncertainty principle	اصل ابهام
unchangeable	تغییر ناپذیر، پایدار، ثابت
unchanged	بدون تغییر
unchecked	بدون بررسی
uncia	یک دوازدهم
unclaimed	مطالبه نشده
unclaimed balance	مانده مطالبه نشده
unclaimed wage	دستمزد مطالبه نشده
unconfirmed	تأیید نشده
Uncollectable	غیرقابل وصول
uncollectable cash items	اقلام نقدی وصول نشدنی

uncollectible account expense	هزینه حسابهای غیر قابل وصول
uncollectible accounts allowance	ذخیره حسابهای لاوصول ذخیره مطالبات غیر قابل وصول
uncomplemented	بدون متمم
uncomplemented variable	متغیر بدون متمم
unconditional	بدون شرط، بی شرط، بلا شرط، غیر شرطی، غیر مشروط
unconditional convergence	همگرایی غیر شرطی، همگرایی نامشروط
unconditional frequency	فراوانی غیر شرطی
unconditional inequality	نابرابری نامشروط، نامساوی غیر شرطی
Unconditional Performance Bank Guaranty	ضمانت نامه بدون قید و شرط
unconditional probability	احتمال غیر شرطی
unconditional receivable payable	دریافتنی / پرداختنی غیر مشروط
unconditional relative frequency	فراوانی غیر شرطی نسبی

unconditional relative frequency of event	فراوانی نسبی غیر شرطی حادثه
unconditionally	بدون هیچ شرطی
Unconfirmed credit	اعتبار تأیید نشده
unconfirmed letter of credit	اعتبار نامه تأیید نشده
unconnected	ناهمبند، غیر یکپارچه، ناهمبسته، ناهموسسته
unconstrained	بدون محدودیت
unconstrained optimization	بهینه سازی نامقید
uncorrelated infinity	بی پایان، شمارش پذیری
uncorrelated random numbers	اعداد تصادفی ناهمبسته
uncorrelated random variables	متغیر های تصادفی نا همبسته
uncorrelated samples	نمونه های نا همبسته
uncorrelated variables	متغیر های ناهمبسته

uncountability	شمارش ناپذیری
uncountable	تعریف ناپذیر، شمارش ناپذیر، ناشمارا
uncountable set	مجموعه نا شمارا
uncoupled system	دستگاه غیر زوج (غیر جفت)
Uncovered cheque	چک بدون موجودی
Uncredited	واریز نشده
unctional statement	شرح وظایف
undamped	نامیرا
undamped oscillation	نوسان غیر میرا
undamped wave	موج نامیرا
undate period	دوره بهنگام کردن
Undated Bond	قرضه بدون تاریخ

Undated Debenture	
	ضمانت بدون تاریخ
undefinable	
	تعریف ناپذیر، غیر قابل تعریف
undefined	
	تعریف نشده
undefined concept	
	مفهوم تعریف نشده
undefined term	
	جمله تعریف نشده، اصطلاح تعریف نشده
undefined terms	
	حدود تعریف نشده
under	
	نسبت به
under applied overhead	
	کسر جذب سربار
under damping	
	کند میرایی
Under Estimate	
	برآورد کم
under flow	
	پاریز
under go	
	مذکور

under investigation	
	مورد بحث
Under Paid	
	بی موازنه - عدم موازن
under the action	
	تحت تأثیر
under the action of	
	تحت تأثیر
Under Value	
	کمتر از ارزش واقعی تخمین زدن
Under Writer	
	صادر کننده بیمه نامه خریدار سهام باقیمانده - پشت نویسی چک ، سفته و ...
underabsorbed indirect over head costs	
	سربار) کسر جذب هزینه های غیر مستقیم (
underallocated indirect overhead costs	
	سربار) کسر جذب هزینه های غیر مستقیم (
underapplied indirect overhead costs	
	سربار) کسر جذب هزینه های غیر مستقیم (
underapplied overhead	
	کسر جذب سربار
underaudit	
	کمتر از حد نصاب رسیدگی (حسابرسی) کردن
undercharge	

کم حساب کردن، کم مطالبه کردن از، کم
undercritical damping
میرایی تحت بحرانی
undercut face tooth
دندانه نوع زیر خالی
undercut section
مقطع با تو رفتگی جنبی
underdamped
میرای کم، میرائی خفیف
underdamped oscillation
تحت میرا
underdetermined system
دستگاه فرو معین
underemployed economy
اقتصاد کم اشتغال
underestimate
کمتر از واقع برآورد نمودن
underevaluation
ارزیابی کم، برآورد کم، ارزشیابی کم
underfills
کمتر از حد معمولی
underline cracking
ترک زیر لایه ای
underlying

underlying accounting data	اصولی، اساسی، زیربنا، زمینه، اصلی
underlying assumptions	اطلاعات اولیه حسابداری
underlying group	مفروضات بنیادی (اساسی) مفروضات زیربنا
underlying mapping of a function	گروه زیربنا
underlying normal distribution	نگاشت زیربنای تابع
underlying ordered set	توزیع بنیادی نرمال
underlying set	مجموعه مرتب زیربنا
undermonopoly	مجموعه زیربنا
underpriced security	وضعیت انحصاری
understand	اوراق بهادار (سهام) کمتر از واقع قیمت گذاری شده
understandability	درک کردن، فهمیدن
understanding	قابل فهم بودن قابلیت درک داشتن قابلیت فهم

استنباط، درک
Understand-Simplify
ساده سازی
Understate
کمتر از واقع بیان کردن
understatement
گزارش کمتر از واقع ارائه کمتر از واقع
understatement of ending inventory
ارائه (گزارش) کمتر از واقع موجودی پایان دوره
underestimate
کران پائین
understood
معلوم
Undertake
تقبل کردن - تعهد دادن - متعهد شدن - به عهده گرفتن
undertaker
صاحبکار، متعهد
Undertaking
تعهد
undervalued security
اوراق بهادار کمتر از واقع ارزشگذاری شده
undervaluing
ارزش گذاری کمتر از اندازه، کم ارزش دادن
underwater

	مغبون
underwriter	
	تعهد کننده فروش اوراق بهادار
underwriting	
	تعهد خرید
underwriting syndicate	
	اتحادیه تضمین کننده فروش اوراق بهادار
undeterminable	
	غیر قابل تعیین، مشکوک، تعیین نشدنی، تصمیم ناپذیر
undetermined	
	نامعین، مبهم، غیر مشخص، نامعلوم
undetermined coefficient method	
	روش ضرایب نامعین
undetermined coefficients	
	ضریب های نامعین، ضرایب مبهم، ضرائب نامعلوم، ضرائب نامعین
Undeveloped Countries	
	کشورهای توسعه نیافته
undeveloped land	
	زمین بایر
undirect flow	
	جریان غیر مستقیم
undirected graph	
	گراف بیسو، گراف غیر جهت دار
Undisclosed reserves	

	ذخایر اعلام نشده
undiscountable bill	
	برات غیر قابل تنزیل
undistributed	
	غیر منبسط
undistributed investee earnings	
	سود توزیع شده نشده واحد سرمایه پذیر
Undistributed Profits	
	سودهای تقسیم نشده
undo	
	خنثی کردن، بی اثر کردن
Undrawn balance	
	مانده برداشت نشده
unearned income	
	پیش دریافت
unearned interest revenue	
	درآمد تحقق نیافته بهره
unearned items	
	اقلام تحصیل نشده / تحقق نیافته
unearned revenue	
	درآمد تحصیل نشده / تحقق نیافته
Unearned revenues	
	درآمدهای تحقق نیافته (کسب نشده)
Uneconomic	

	غیراقتصادی
unemployable	
	غیر قابل استخدام
Unemployed	
	بیکار
Unemployed capital	
	سرمایه بیکار
Unemployment	
	بیکاری
unemployment benefit	
	مستمری بیکاری، اعانه بیکاری، غرامت بیکاری
unemployment compensation	
	مستمری بیکاری
unemployment fund	
	صندوق بیمه بیکاری
Unemployment rate	
	نرخ بیکاری
unencumbered allotment	
	اعتبار تخصیص یافته تعهد نشده
unencumbered appropriation	
	اعتبار مصوب تعهد نشده
unequal	
	نا برابر، نامساوی، غیر مساوی
unequal precision	

	دقت نابرابر
unequal probability	
	احتمال نامساوی
uneven	
	نامساوی
uneven cash flows	
	نامساوی یا غیر یکنواخت (جریانهای نقدی نابرابر)
unevenly even	
	زوج الفرد
unexcused absence	
	غیبت غیر موجه
unexpected allotment	
	اعتبار تخصیص یافته هزینه نشده
unexpected departure	
	حرکت غیر منتظره
unexpected quarterly earnings	
	سود فصلی غیر منتظره
unexpected rate of inflation	
	نرخ تورم غیر منتظره
unexpected transfer of wealth	
	انتقال غیر منتظره ثروت
unexpended appropriation	
	اندوخته مصرف نشده
unexpired cost	

	بهای منقضی نشده
Unexpired insurance	
	حق بیمه منقضی نشده
unexplained variation	
	تغییرات غیر قابل توضیح
unfavorable	
	نامساعد
unfavorable events	
	رویدادهای (حوادث یا رخدادهای) نامساعد / نامطلوب
unfavorable trade balance, adverse trade balance	
	موازنه نامساعد تجاری
unfavorable variance	
	انحراف نامطلوب (نامساعد)
unfavoral	
	نامساعد، نامطلوب
unfavourable	
	نامساعد
unguaranteed residual value	
	ارزش اسقاط / باقی مانده تضمین نشده
unharmonic	
	ناهمساز، ناهماهنگ
unharmonic ratio	
	نسبت ناهماهنگ
unharmony	

	ناهماهنگی، ناهمسازی
uni	
	پیشوندی به معنی یک، واحد، تنها، یک ...، یک تا
uniaxial force	
	نیروی تک محوری
unidentifiable	
	غیر قابل شناسایی
unidimensional	
	یک بعدی، یک مایشی
Unified	
	واحد - متحد شده
unified budget	
	بودجه واحد
unified terms	
	حدود تعریف نشده، حد، جمله
Uniform	
	یکپارچه
uniform acceleration	
	شتاب یکنواخت
uniform algebra	
	جبر یکنواخت
uniform bound	
	کران یکنواخت، کران یک شکل
uniform boundedness	

	کرانداری یکنواخت
uniform boundedness theorem	
	قضیه کرانداری یکنواخت، قضیه تشدید، قضیه باناخ-اشتینهاوس
uniform bandedness theorem	
	قضیه کرانداری یکنواخت، قضیه تشدید، قضیه باناخ
uniform calssification of accounts	
	طبقه بندی متحدالشکل حساب ها
uniform charge method	
	طریقه اقساط مساوی
uniform chiling	
	سردکاری یکنواخت، تبرید یکنواخت
uniform circular	
	مستدیر یکنواخت
uniform circular motion	
	حرکت مستدیر یکنواخت
uniform closure	
	بست یکنواخت
Uniform Commercial Code	
	کد متحدالشکل تجاری
uniform continuity	
	پیوستگی یکنواخت
uniform convergence	
	تقارب متشابه، هم گرایی یکنواخت، همگرایی یک شکل
uniform convergence of a series	

همگرایی یکنواخت سری، همگرایی یکنواخت یک سری
uniform convergent
یکنواخت - همگرا
uniform covering system
دستگاه پوششی یکنواخت
uniform cpa examination
آزمون سراسری حسابداران رسمی
uniform distribution
احتمال یکنواخت، توزیع یکسان، پخش یکنواخت، توزیع یکنواخت، توزیع مستطیلی
uniform field
میدان یکنواخت
uniform function
تابع منظم، تابع یکسان، تابع یکنواخت
uniform isomorphism
یکریختی یکنواخت
uniform lipschitz condition
شرط لیب شیتس یک شکل
uniform motion
حرکت یکنواخت
uniform neighborhood system
دستگاه همسایگی یکنواخت
uniform norm
نرم یکنواخت

uniform operator topology	توپولوژی عملگر یکنواخت
uniform probability	احتمال یکنواخت
uniform probability distribution	توزیع احتمالی یکنواخت
uniform resource rate	نرخ بهره وری یکنواخت منبع
uniform sampling procedure	شیوه نمونه گیری یکنواخت
uniform space	فضای یکنواخت
uniform structure	ساختار یکنواخت، یکنواختی
uniform subspace	زیرفضای یکنواخت
uniform topology	توپولوژی یکنواخت
uniform update	بهنگام کردن پیوسته
informative outcome	پیشآمد غیر آگاهی بخش
uniformity	هم شکلی، یکسانی، یکنواختی، یکرختی، متحد الشکلی

uniformizable	یکنواخت پذیر
uniformizable topological space	فضای توپولوژیک یکنواختی پذیر
uniformize	یکنواخت کردن
uniformly	به طور یکسان، یکنواخت، به طور یکنواخت، به طور منظم، به گونه یکنواخت
uniformly absolutely convergent series	سری مطلقاً یکنواخت همگرا
uniformly bounded	کراندار یک شکل
uniformly bounded sequence	دنباله کراندار یک شکل، دنباله کراندار یکنواخت
uniformly closed	به طور یکنواخت پیوسته
uniformly closed algebra	جبر به طور یکنواخت پیوسته
uniformly consistent test	آزمون یکنواخت سازگار
uniformly continuous	پیوسته یکنواخت، پیوسته منظم، پیوسته یک شکل
uniformly continuous function	

تابع یکنواخت-پیوسته
uniformly continuous mapping
نگاشت یکنواخت پیوسته
uniformly convergent
متقارب منظم
uniformly convergent sequence
دنباله یکنواخت همگرا
uniformly convergent series
سری متقارب منظم، سری یکنواخت همگرا
uniformly convex normed linear space
فضای خطی نرم دار یکنواخت-محدب
uniformly differentiable
به طور یکنواخت مشتقپذیر
uniformly distributed variable
متغیر با توزیع یکنواخت، متغیر با توزیع مستطیلی
uniformly locally compact space
فضای یکنواخت موضعا فشرده
uniformly minimum variance unbiased estimator
برآورد کننده ناریب با واریانس یکنواخت-مینیمم
uniformly most accurate
به طور یکنواخت درست ترین
uniformly most powerful
به طور یکنواخت توانا ترین
uniformly motion

	حرکت متشابه، جنبش یکسان
Unify	
	متحد کردن - یکی کردن
unifying ideas	
	مفاهیم وحدت بخش
unilateral	
	یک طرفه، یک جانبه، یک رویه
unilateral agreement	
	قرارداد یک جانبه
unilateral contract	
	انتقال یک طرفه
unilateral surface	
	رویه یک طرفه
unilateral transfer	
	انتقال یک طرفه
unilaterally connected	
	همبند یک طرفه
unimodal	
	یک نمایی، یک کوهانه، تک نمایی
unimodal distribution	
	توزیع تک مدی، توزیع یک نما، توزیع یک نمایی
unimodular	
	تک پیمانه ای، یک هنگ
unimodular group	

	گروه خطی خاص
unimodular matrix	
	ماتریس تک مدولی
Uninsured	
	بیمه نشده
uninterrupted	
	بی وقفه، نامعبر
uniomodal function	
	تابع یک کیفی
Union	
	اتحادیه - اشتراکی
union of a family of sets	
	اجتماع یک خانواده از مجموعه ها
union of events	
	اجتماع حوادث
union of intersections	
	اجتماع اشتراک ها
union of relations	
	اجتماع روابط
union of sets	
	اجتماع مجموعه ها
union of the family	
	اجتماع خانواده ها
union of two sets	

	اجتماع دو مجموعه
union steward	
	حوزه فعالیت اتحادیه
unipotent	
	تک توان
unipotent matrix	
	ماتریس تک توان
Unique	
	بی نظیر - بی مانند
unique element	
	عنصر یکتا، عنصر منحصر به فرد
unique existence theorem	
	قضیه وجود یکتا
unique factorization	
	یکتایی تجزیه
unique factorization domain	
	قلمرو یکتایی تجزیه
unique factorization theorem	
	قضیه تجزیه یکتا
unique finite optimal solution	
	جواب بهینه متناهی بی کران
unique immediate predecessor	
	مقدم بی واسطه یکتا
unique risk	

ریسک مختص شرکت نام دیگر ریسک غیر سیستماتیک نام دیگر ریسک قابل حذف
unique set of atoms
مجموعه ای یکتا از اتم ها
unique solution
جواب بی کران، جواب یکتا، جواب یگانه
uniquely
منحصرا، به طور یگانه، به صورت یکتا
uniquely define
به صورت یکتایی تعریف کردن
uniqueness
یکتایی
uniqueness condition
شرط یکتایی
uniqueness of complement
یکتایی متمم
uniqueness principle
اصل یکتایی
uniqueness proof
برهان یکتایی
uniqueness theorem
قضیه یکتایی، قضیه یگانگی
uniqueness theorem of analytic
قضیه یکتایی تحلیلی

uniqueness theorem of analytic continuation	قضیه یکتایی ادامه تحلیل
Unissued	صادر نشده
unissued debenture	سند قرضه نشر نشده
unissued share	سهام نشر نشده
Unit	واحد
unit ball	گوی واحد
unit based activity drivers	محركه‌های فعالیت مبتنی بر واحد محصول
unit cell	سلول واحد، حجره یکه، قرص واحد
unit circle	دایره واحد، دایره یکه، دایره یکانی
unit class	مجموعه یکانی
unit closed ball	گوی بسته یکه
unit coordinate vectors	بردارهای یکه مختصات، بردارهای مختصات یکه

Unit Cost	
	بهای واحد
unit cube	
	مکعب یکه
unit disc	
	قرص یکه
unit disk	
	قرص یکه، قرص واحد
unit distance	
	فاصله یکه
unit element	
	عنصر واحد، عضو واحد، واحد، عامل، واحد، عنصر یکه، عنصر یکانی، عنصر خنثی
unit fraction	
	کسر واحد
unit group	
	یکاگروه
unit hyperbola	
	هذلولی یکه، هذلولی یکانی
unit impulse function	
	تابع ضربه ای واحد
unit interval	
	بازه یکه
Unit Labor Cost	

	هزینه واحد کار
unit length	
	واحد طول
unit level activities	
	فعالیت‌های (مرتبط با) هر واحد محصول
unit level cost	
	هزینه (مرتبط با) هر واحد محصول
unit level drivers	
	محورک‌های (مرتبط با) هر واحد محصول
unit lifo	
	لایفوی واحدی روش اولین صادره از آخرین وارده مبتنی بر واحد
unit load	
	واحد بار، تک محموله، محموله واحد
unit matrix	
	ماتریس واحد، ماتریس یکه
unit normal	
	قائم واحد
unit normal curve	
	منحنی نرمال واحد
unit normal deviate	
	نمره انحرافی نرمال واحد
unit normal vector	
	بردار قائم یکه، بردار قائم واحد، بردار یکه قائم، بردار یکانی قائم
unit of account	

واحد محاسبه
Unit of currency
واحد پولی
unit of distance
واحد طول، واحد مسافت
unit of length
سنجه اندازه، واحد طول
Unit of Measurement
واحد سنجش و اندازه گیری
unit of value
واحد ارزش
unit of work
واحد کار
unit open ball
گوی باز یکه
unit operator
عملگر واحد، عملگر یکانی
unit point
نقطه واحد، نقطه یکه
Unit Price
قیمت واحد
unit set
مجموعه یکانی
unit sets

	مجموعه یکانی
unit sphere	
	کره واحد
unit square	
	مربع واحد، مربعی به ضلع واحد
unit step function	
	تابع پله ای یکه، تابع پله ای
unit tangent	
	مماس واحد
unit tangent vector	
	بردار یکه مماس
Unit value	
	ارزش هر واحد
unit variant	
	با یک درجه آزادی
unit vector	
	بردار یکه
unital	
	یکه دار
unital ring	
	حلقه یکه دار
unitarical	
	یکانی
unitary	

	یکانی
unitary A module	
	مدول یکه دار-A
unitary algebra	
	جبر یکه دار
unitary annulus	
	حلقه یگانی
unitary diagonalization	
	قطری کردن یکانی
unitary group	
	گروه یکانی
unitary matrix	
	ماتریس یکانی، ماتریس یکه
unitary operator	
	عملگر یکانی
unitary ring	
	حلقه یکه دار
unitary semigroup	
	نیمگروه یکه دار، تکواره
unitary similarity	
	تشابه یکانی
unitary space	
	فضای یکه ای
unitary transformation	

	تبدیل یکانی، تبدیل یکه، تبدیل همانی
unitary vector	
	بردار واحد
unite	
	متحد شدن، متحد کردن، متفق کردن
unitless	
	بی یکه
units digit	
	رقم یکان
units of output method	
	روش تعداد تولید
units of production activity method	
	روش آحاد تولید (فعالیت)
units of production uop depreciation method	
	روش استهلاک آحاد تولید
units of work performed method	
	روش آحاد کار انجام پذیرفته
units on hand	
	واحدهای در اختیار / موجود
units on order	
	مقدار در سفارش، تعداد در سفارش
units started and completed	
	آحاد اقام به تولید و تکمیل شده
Unity	

	وحدت
unity element	
	عضو یکه، عنصر یکه، عضو واحد
unity matrix	
	ماتریس واحد
unity of command	
	وحدت فرماندهی
unity of purpose	
	وحدت هدف
univalent	
	تک مقداری، تک ارزی
univalent analytic function	
	تابع تحلیلی تک ارز
univalent correspondence	
	تناظر تک ارز
univalent function	
	تابع تک ارز
univariate	
	یک متغیری، یک وردائی
univariate analysis	
	تحلیل یک متغیره
univariate distribution	
	توزیع یک متغیره
univariate distribution law	

	قانون توزیع یک متغیره، قانون توزیع یک بعدی
Universal	جهانی
universal address system	دستگاه آدرس دهی کلی
universal algebra	جبر عام
universal bevel	زاویه سنج جامع، نقاله عمومی
universal bundle	بافه عام
universal Chern class	رده چرن عام
universal class	مجموعه عمومی
universal covering group	گروه پوششی عام
universal covering space	فضای پوششی عام
universal covering surface	رویه پوششی عام
universal curve	خم عام
universal domain	

	حوزه عام
universal gas constant	
	ثابت گاز عمومی
universal gravitational constant	
	ثابت ثقلی عمومی
universal jig	
	الگوی کار همه کاره
universal judgement	
	حکم کلی
universal machine	
	ماشین همه کاره
universal net	
	تور عام
universal proposition	
	گزاره عام، گزاره کلی، قضیه کلیه، گزاره عمومی
universal quantifier	
	سور عمومی، کم کلی
universal quantifier symbol	
	علامت سور کلی
universal relation	
	رابطه مرجع، رابطه عام، رابطه عمومی، نسبت عمومی
universal sentence	
	گزاره کلی
universal set	

مجموعه عام، مجموعه مرجع، مجموعه جهانی، مجموعه عمومی، مجموعه کل، مجموعه جامع
universal sets
مجموعه عمومی
universal statement
گزاره کلی
universal time
زمان جهانی
universal truths
حقایق کلی
universal valid expression
عبارت همیشه معتبر
universality
جهانی بودن، کلیت، عمومیت، کلیت، جامعیت
universally valid
همیشه برقرار، عموماً برقرار
universally valid experssion
عبارت همیشه معتبر
universals
کلیات
universe
جهان، کیهان، کل، عالم، جامعه کل، کل جامعه، جامعه، حیظه، جامعه آماری
universe of discourse

universe of discussion	عالم سخن، جهان مباحثه
universe relation	جهان مباحثه
univocal	رابطه مرجع، رابطه عام
univocal correspondence	یک ارزشی، یکسو، یک مفهومی
univocal function	تناظر یکسویی
univocal mapping	تابع یک ارزشی
Unknown	گسترش یک ارزشی
unknown quantity	ناشناخته
unlabeled	کمیت مجهول
unleveled beta coefficient	بدون برچسب
unleveled firm	ضریب بتای شرکت بدون بدهی
unlike	شرکت بدون بدهی

مختلف، متفاوت، نابرابر، غیر مساوی، بی شباهت، برخلاف
unlikely
غیر محتمل، بعید
unlimited
نامحدود، لایتناهی، بدون نهایت
unlimited capital
سرمایه نامحدود
unlimited liability
مسئولیت نامحدود
unlimited life
عمر نامحدود
Unlimited period
دوره نامحدود
unlimited personal liability
مسئولیت تصامنی نامحدود مسئولیت شخصی نامحدود
unlimited resource allocation
تخصیص منابع نامحدود
Unlisted securities
اوراق بهادار پذیرفته نشده
Unload
تخلیه کردن
unloading
خالی کردن بار، بار اندازی، تخلیه
unloading fixture

	بست پیاده کردن، بست تخلیه کردن
unlocking	
	آزاد کردن، رها کردن
unmixed ideal	
	ایدآل نا آمیخته، ایدآل خالص
unmixedness theorem	
	قضیه نا آمیختگی
unnecessary	
	غیر ضروری، غیر لازم، نابایسته
Unofficial	
	غیر رسمی
unofficial employee	
	مستخدم غیر رسمی
unordered pair	
	زوج نامرتب
unordered partition	
	افزار نامرتب
unpack	
	از بسته بندی در آوردن، باز، غیر متراکم، نافشرده، باز کردن
Unpaid	
	پرداخت نشده
Unpaid obligations	
	تعهدات پرداخت نشده
unpainted	

رنگ نشده	
unparted	
یک پارچه	
unpredictable	
غیر قابل پیش بینی، پیشگویی ناپذیر	
Unproductive	
غیر مولد	
unproductive expenditure	
خرج غیر تولیدی	
Unprofitable	
بدون سود آوری	
unprofitable contract	
قرارداد (پیمان یا پروژه) غیر سودآور	
unprovable	
غیر قابل اثبات، اثبات نشدنی	
unproved	
اثبات نشده، ثابت نشده	
unqualified audit report with explanatory paragraph or modified wording	
گزارش مقبول با بند توضیحی یا گزارش تعدیل حسابرسی شده	
unqualified opinion	
اظہار نظر مقبول	
unqualified report	
گزارش حسابرسی مقبول	

unquoted securities	اوراق بهادار بدون قیمت مظنه بازار
unranked data	داده های غیر رتبه ای
unraveled	حل کردن، نوشتن
unreachable state	حالت غیر قابل دسترسی
unrealized capital	سرمایه تحقق نیافته
unrealized capital gain or loss	سود یا زیان تحقق نیافته تغییرات سرمایه
unrealized holding gains and losses	سود و زیانهای غیر عملیاتی تحقق نیافته حاصل از نگهداری
unrealized intercompany profit	سود تحقق نیافته فیما بین شرکتهای عضو گروه
unrecognized prior service cost	هزینه شناسایی نشده خدمات سنوات قبل
unrecorded cost	هزینه جبران نشده
Unrecorded expense	هزینه ثبت نشده
unrecorded expenses	هزینه های ثبت نشده

unrecorded liabilities	بدهیهای ثبت نشده
unrecorded revenue	درآمد ثبت نشده
unrecorded variable	متغیر آزاد، متغیر نامقید
unrelated	نابستگی، عدم همبستگی
unrelated industries	صنایع غیر مرتبط
unrelated variable	متغیر نابسته
unrestricted	غیر مقید
unrestricted fund	حساب مستقل نامحدود
unrestricted random sample	نمونه تصادفی نامقید
unrestricted variable	متغیر نامقید
unrestricted variables	متغیرهای نامقید
unseasoned offering	عرضه غیر معتبر اوراق بهادار

unsecured	بدون تضمین، بی وثیقه
Unsecured credit	اعتبار بدون وثیقه
unsecured loan	وام بی وثیقه
unsecured loans	وامهای تضمین نشده
unsettled	تسویه نشده
unshaded area	ناحیه سایه دار نشده
unsignificant	نامعتبر
unskilled labor	نیروی کار غیر ماهر، نیروی کار بدون تخصص
unskilled worker	کارگر غیر ماهر، کارگر ساده، کارگر بدون تخصص
unsolvability	حل ناپذیری
unsolvable	غیر قابل حل، حل نشدنی
unsolved problem	مسأله حل نشده

Unstable	
	بی ثبات
unstable equilibrium	
	تعادل نا پایدار
unstable solution of Hill equation	
	جواب نا پایدار معادله هیل
unstable state	
	حالت ناپایدار
unstressed	
	استفاده شدن، استفاده کردن از، کشیده نشده، عادی
unstretched	
	عادی، کشیده نشده
unsystematic risk	
	ریسک غیر سیستماتیک نام دیگر ریسک قابل حذف نام دیگر ریسک تنوع پذیر
unsystematic uncertainty	
	ابهام / عدم قطعیت نامنظم ریسک غیر سیستماتیک
untied	
	ناپیوسته
untied ranks	
	رتبه های ناپیوسته
until	
	تا آنجا، تا این که
Untransferable	

غیر قابل انتقال
unused capacity
ظرفیت بلا استفاده
unusual fluctuations
نوسانات غیر عادی
unusual in nature
عادی ماهیت غیر
unusual or infrequent items
اقلام غیر عادی یا غیر مکرر
unwinding
باز کردن، نامتقاطع
up
بالا
up and down
بالا و پایین
Up Front Selling
پیش فروش
up to
به تقریب، تا حد، حداکثر، متوالی، حداکثر تا، تا حدود، تا، به میزان
up to an isomorphism
در حد یک یکسانی، صرفنظر از یک یکسانی، با تقریب یک یکسانی، با تقریب یک ایزومرفیسم
Up to Date
به روز در آوردن - به هنگام کردن

update	
	به هنگام آوردن، به روز در آمدن، به تاریخ روز، به روز رساندن، بهنگام درآوردن، به روز درآوردن، بهنگام کردن، بموقع کردن، بوقت کردن، تازه کردن
updated	
	بهنگام، به روز
updated basis invector	
	معکوس پایه بهنگام
updated column vector	
	بردار ستونی بهنگام
updated tableau	
	جدول بهنگام
updated tree	
	درخت به روز درآمده
updating	
	به روز کردن روز آمد کردن
Up-Down Planning	
	برنامه ریزی از بالا به پایین
Upgrading	
	ارتقاء گروه - ارتقاء
upon	
	بر روی، بر، روی، برفراز، فوق
upper	
	بالایی

upper arm	
	بازوی بالایی
upper bainite	
	بینیت بالایی
upper bound	
	کران بالا
upper bound constraint	
	محدودیت حد فوقانی
upper boundary	
	مرز بالا
upper bounded variable	
	متغیر مشخص شده با حد بالا
upper boundes on variables updated	
	کران بالای متغیرها
upper cavity	
	محفظه فوقانی
upper central series	
	سری بالا مرکزی
upper class	
	رده بالا
upper control limit	
	حد بالایی کنترل، حد کنترل بالایی
upper derivative	
	مشتق بالا

upper envelope	پوش بالایی
upper error limit	حد بالای اشتباه
upper function	تابع بالایی، تابع فوقانی
upper half	نیمه سمت راست
upper half of poincare	نیم صفحه پوانکاره
upper half plane	نیمه بالایی صفحه، نیم صفحه فوقانی، نیم صفحه بالایی
upper integral	انتگرال بالا
upper left corner	بالا ترین گوشه سمت چپ
upper level management	مدیریت رده عالی
Upper Limit	حد بالایی
upper limit function	تابع حد بالا
upper limit of an integral	حد بالای انتگرال

upper limit of summation	حد بالایی جمع بندی
upper limit on misstatement	حد بالای تحریف
upper normal	قائم بالایی
upper number	عدد بالا
upper real limit	حد بالایی واقعی
upper riemann sum	مجموع ریمانی بالایی، مجموعه بالایی ریمان
upper right entry	درایه بالایی سمت راست
upper semicontinuous function	تابع بالا نیم پیوسته
upper semicontinuous partition	افراز بالا-نیمپیوسته
upper semilattice	نیم مشبکه بالا
upper specification limit	حد فنی بالایی، حد مشخصه بالا، حد قابل قبول بالایی، حد بالای مشخصه فنی
upper specification statistic	

	شاخص کیفیت بالایی
upper stieltjes sum	
	مجموع اشتیل یس بالایی، مجموعه بالایی استیلجس
upper sum	
	مجموع بالا
upper triangular	
	بالامثلثی
upper triangular matrix	
	ماتریس بالا مثلثی
upper triangularization	
	بالا مثلثی سازی
upper variation	
	وردش بالا
upright	
	راست، عمودی
upset	
	جا زدن، فرو بردن
upset butt	
	سر به سر جازده
upstream sale	
	فروش از واحدهای فرعی به شرکت مادر
upward	
	به بالا بردن، به سمت بالا، به بالا، رو به بالا، بالائی، به طرف بالا، رو به ترقی
upward bias	

	بالا اریبی
upward concave function	
	تابع مقعر رو به بالا
upward tendency	
	گرایش صعودی
Ural	
	آدرس اینترنتی
Urban	
	شهری
urban planning	
	برنامه ریزی شهری
urbanization	
	شهری شدن
Urgent	
	فوری
urn	
	ظرف، آوند، کیسه
urn model	
	شمای کیسه گلوله ها، شمای آوند
urn scheme	
	شماری آوند، شمای کیسه
uryson lemma	
	لم اوریسون
usability	

	قابلیت استفاده
usage	
	مصرف، کاربرد، استفاده
usage rate	
	ضریب مصرف
usage variance	
	انحراف مصرف
Usance	
	مهلت - پرداخت مدت دار
Usance bill	
	برات مهلت دار
usance credit	
	اعتبار مدت دار
Use	
	استفاده
use depreciation	
	استهلاک ناشی از استفاده
use factor	
	ضریب استفاده
use value	
	ارزش استعمال، ارزش استفاده
Useable	
	قابل استفاده
used	

useful economic life	متداول
Useful Life	عمر مفید اقتصادی
usefulness	عمر مفید
User	استفاده
User Acceptance Testing	کاربر
user guide	تست کردن پذیرش کاربر
user manual	راهنمای استفاده کننده
user needs	راهنمای استفاده کننده، راهنمای مصرف کننده
User of information	نیازهای استفاده کنندگان
user specific qualities	استفاده کننده اطلاعات
uses of resources	ویژگیهای کیفی مختص استفاده کننده
usual	مصارف منابع

	معمول، معمولی، متداول، مرسوم، عادی
usual distance	
	دوری معمولی، فاصله معمول
usual order	
	ترتیب معمولی
usual order relation	
	نسبت ترتیبی معمولی، رابطه ترتیب معمولی
usual ordering	
	ترتیب معمولی
usual product of integers	
	ضرب معمولی اعداد صحیح
usual product of natural numbers	
	ضرب معمولی اعداد طبیعی
usual product of rational numbers	
	ضرب معمولی اعداد گویا
usual product of real numbers	
	ضرب معمولی اعداد حقیقی
usual sum	
	جمع معمولی
usual sum of integers	
	جمع معمولی اعداد صحیح
usual sum of natural numbers	
	جمع معمولی اعداد طبیعی
usual sum of rational numbers	

	جمع معمولی اعداد گویا
usual terms	
	شرایط معمولی
usual topology	
	توپولوژی معمولی
usual way	
	روش معمولی
Usufructs Sukuk	
	اوراق منفعت
usury	
	ربا خواری
utilities	
	تأسیسات ضروری، برنامه های خدمات عمومی
utilities expense	
	هزینه آب و برق و تلفن
Utility	
	منفعت - سود
Utility Company	
	شرکت ارائه خدمات آب ، برق ، گاز و ...
utility cost	
	هزینه بهره برداری
utility function	
	تابع مطلوبیت
utility graph	

utility matrix	گراف سودمندی
utility model	ماتریس سودمندی
utility of wealth function	مدل بهره برداری
utility program	تابع مطلوبیت ثروت
utility programs	برنامه مطلوبیت
utility table	برنامه های خدمات عمومی
utilization	جدول سودمندی
utilization factor	تئوری مطلوبیت
utilize	استفاده، به کارگیری، کاربرد، بهره برداری
utilizing	ضریب بهره وری، ضریب بهره گیری، ضریب بهره برداری کردن، عامل بهره برداری
	به کارگرفتن، بهره برداری کردن، مورد استفاده قرار دادن، به کار بردن، استفاده کردن

	استفاده کردن
utmost	
	به حداکثر، بیشترین، حداکثر، دورترین
utter	
	کامل، تمام، مطلق، به اعلی درجه
v	
	بیست و دومین حرف الفبای انگلیسی
v belt	
	تسمه، تسمه دوزنقه ای
v curve	
	خم-V
v shape	
	ناودانی، V شکل
vacant	
	خالی
Vacation	
	مرخصی
vacation pay	
	حقوق ایام مرخصی
vacuous	
	تهی، خالی، پوچ، بی معنی
vacuous set	
	مجموعه تهی
vacuum	

	خلاء
vague	
	نامعلوم، مبہم
vagueness	
	نامعلومی، ابہام
vale of work certified	
	ارزش کار تأیید شدہ
valence	
	ظرفیت، ارزش
Valid	
	معتبر
valid argument	
	استدلال معتبر
validation	
	معتبر سازی
validation of prevention rules	
	اعتبار قواعد ممانعت از
Validity	
	اعتبار
validity check	
	بررسی اعتبار، مقابلہ اعتبار
validity coefficient	
	ضریب اعتبار
Validity of the credit	

	مدت اعتبار
valuability	
	ارزایی
Valuable	
	بالرزش
Valuation	
	ارزش گذاری - ارزیابی
valuation allowance	
	ذخیره ارزشیابی
valuation ideal	
	ایده آل ارزه
Valuation issue	
	بحث ارزشیابی
valuation methodology	
	روش شناسی تعیین ارزش روش ارزشگذاری
valuation model	
	مدل تعیین شده ارزش مدل ارزشگذاری
valuation or allocation	
	لرزشیابی یا تخصیص
valuation ring	
	حلقه ارزه
Value	
	ارزش کل
value added	

	ارزش افزوده
value added activity	
	فعالیت ارزش افزوده
Value Added Chain	
	جریان اطلاعات در زنجیره ارزش افزوده - زنجیره ارزش افزوده
value added costs	
	هزینه های ارزش افزوده
Value Added Networks	
	شبکه ارزش افزوده
value added standard	
	استاندارد ارزش افزوده
Value Added Tax	
	مالیات بر ارزش افزوده
value analysis	
	تحلیل مقداری، آنالیز ارزش، تحلیل کمی
value based management	
	مدیریت مبتنی بر ارزش
value chain	
	زنجیره ارزش
value chain analysis	
	تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش
value chart	
	نمودار ارزش
value date	

	سررسید، تاریخ اعتبار
value engineering (VE)	
	مهندسی ارزش
Value for collection	
	برگه بهادار وصولی
value for money audit	
	حسابرسی عملیاتی حسابرسی اثر بخشی، کارآیی و صرفه اقتصادی
value in exchange	
	ارزش مبادله / معاوضه
value judgment	
	قضاوت مبتنی بر ارزشهای اخلاقی
value line composite index	
	شاخص جامع ولیولاین
value of a fuction	
	مقدار یک تابع
value of a function	
	مقدار تابع
value of an expression	
	ارزش یک عبارت
value of function	
	مقدار تابع
value of ratio	
	مقدار نسبت، مقدار کسر
value relative	

ارزش نسبی	
value stock	
سهام ارزشی	
value weighted market index	
شاخص مبتنی بر میانگین موزون ارزش سهام	
Values, nominal and real	
ارزشهای اسمی و واقعی	
valuing securities	
تعیین ارزش اوراق بهادار	
valve	
دریچه، سوپاپ، سرپوش، شیر	
vander waerden x test	
آزمون X واندرواردن	
vandermonde determinant	
دترمینان واندرموند	
vandermonde's determinant	
دترمینان واندرموند	
vandermonde's theorem	
قضیه وان در موند	
vane	
پره	
vanish	
به صفر رسیدن، ناپدید شدن، صفر شدن، از بین رفتن	
vanishing flux	

شار صفر	
vanishing plane	
صفحه فرار	
vanishing point	
نقطه فرار	
vaque	
مبهم، نامعلوم	
variability	
تنوع، وردش، وردش پذیری، تغییر پذیری، قابلیت تغییر	
variability of returns	
تغییر پذیری بازدهها نوسان بازدهها	
Variable	
متنوع	
variable angle	
زاویه مجهول	
variable budget	
بودجه متغیر نام دیگر بودجه انعطاف پذیر	
variable coefficient	
ضرایب متغیر	
Variable Cost	
هزینه متغیر	
variable cost percentage	
درصد هزینه	
variable cost plus pricing	

قیمت گذاری بر مبنای هزینه متغیر با اضافه درصد معینی سود
variable cost ratio
نسبت هزینه
variable costing
هزینه یابی متغیر نام دیگر هزینه یابی مستقیم
variable costs
هزینه‌های متغیر
variable costs per unit
هزینه‌های متغیر هر واحد محصول
variable definition
تعریف متغیر
variable factory overhead costs
هزینه های سربار متغیر در کارخانه
variable growth model
مدل مبتنی بر رشد متغیر
variable income securities
اوراق بهادار با درآمد(سود) متغیر
Variable interest rate
نرخ بهره متغیر
variable metric method
روش متریک متغیر
variable of integration
متغیر انتگرالگیری
variable of interest

متغیرهای مورد نظر متغیرهای مورد مطالعه
variable of one random variable
پراکندگی یک کمیت تصادفی، پراش یک کمیت تصادفی
variable of random variable
پراش کمیت تصادفی، پراکندگی کمیت تصادفی
variable of sampling
پراش نمونه گیری
variable of the estimation of the mean
پراش بر آورد میانگین
variable of two random variables
پراش کمیت تصادفی
Variable operating Cost per unit
هزینه متغیر عملیاتی هر واحد
variable overhead efficiency variance
انحراف کارآیی سربار متغیر
variable overhead spending variance
انحراف مصرف (هزینه) سربار متغیر
variable overhead standard
استاندارد سربار متغیر
variable point
با ممیز متغیر
variable precision
رفت متغیر
variable pricing policy

	سیاست قیمت گذاری متغیر
variable quantity	
	کمیت متغیر
variable rate	
	ضریب متغیر نرخ متغیر
variable ratio	
	نسبت پراش ها، نسبت پراش
variable sampling	
	نمونه گیری بر اساس متغیرها
variable selling and administrative costs	
	هزینه‌های متغیرهای فروش و اداری
variable space nonbasic	
	متغیر-فضای غیر پایه
variable square root	
	جذر پراش
variable theory	
	نظریه متغیر های
variable upper bounding	
	متغیر کران بالا
variable vector	
	بردار متغیر
variable within samples	
	پراش داخل نمونه ها
variableness	

	قابلیت تغییر
variables	
	متغیر های، متغیر ها
variably	
	به طور متغیر
variance	
	واریانس انحراف مغایرت
Variance accounted for (VAF)	
	به حساب واریانس
Variance Analysis	
	آنالیز واریانس – تجزیه تحلیل انحرافات
variance between samples	
	پراش بین نمونه ها
variance component	
	مؤلفه پراش
variance confidence limits	
	حدود اعتماد پراش
variance covariance	
	پراش همپراش
variance covariance matrix	
	ماتریس واریانس کوواریانس
variance disposition	
	انحرافات (بستن (به صفر رساندن) انحراف)
variance equation	

	معادله پراش
variance function	
	تابع پراش
variance investigation	
	بررسی (تجزیه و تحلیل) انحرافات
variance matrix	
	ماتریس پراش
variance of a probability distribution	
	واریانس توزیع احتمال
variance of a random variable	
	واریانس متغیر تصادفی
variance of estimate	
	پراش برآورد
variance of frequency	
	پراش فراوانی
variance of function of more random variables	
	پراش تابعی از چند کمیت تصادفی، پراکندگی تابعی از چند کمیت تصادفی
variance of function of one random variable	
	پراش تابعی از یک کمیت تصادفی، پراکندگی تابعی از یک کمیت تصادفی
variance ratio distribution	
	توزیع نسبت واریانس
variance ratio test	
	آزمون نسبت واریانس

variant	مختلف، مغاير
variant process	پروسه متغير
variate	متغير تصادفي
variate value	مقدار صفت
Variation	تنوع
variation of a curve	وردش خم
variation of a first degree function	تغييرات تابع درجه اول
variation of a first degree linear function	تغييرات تابع خطي
variation of a second degree function	تغييرات تابع درجه دوم
variation of constants	وردش ثابت ها، وردش پارامتر ها
variation of parameter	تغيير پارامتر
variation of parameters	وردش ثابت ها، وردش پارامتر ها

variation of parameters method	
	روش تغییر پارامترها
variational	
	تغییر پذیر، متغیر
variational equation	
	معادله وردشی
variational problem	
	مساله وردشی
variational problems	
	مسائل تغییراتی
variations	
	تغییرات
variations of function	
	تغییرات توابع
variety	
	تنوع، گوناگونی، چندگونا
various	
	گوناگون، مختلف، چندین
various alternative	
	نحو دیگری
vary	
	تغییر کردن، فرق داشتن، تغییر دادن، وردیدن
Vault	
	گاو صندوق بانک

Vault cash	
	نقد صندوق
vavitation	
	ایجاد حفره، حفره سازی، خلاء زایی
vdu	
	واحد نمایش بصری
vector	
	بردار
vector addition	
	جمع برداری
vector algebra	
	جبر برداری
vector analysis	
	آنالیز برداری
vector basis	
	پایه بردار
vector bundle	
	کلاف برداری
vector calculus	
	حساب برداری
vector component	
	مولفه بردار
vector dimension	
	بعد بردار

vector equation	
	معادله برداری
vector field	
	میدان برداری
vector function	
	تابع برداری
vector interpolation	
	درونیابی برداری
vector operation	
	عملیات برداری
vector operations	
	عملیات برداری
vector potential	
	پتانسیل برداری
vector product	
	ضرب برداری، حاصل ضرب حاملی، حاصل ضرب خارجی، ضرب خارجی، حاصل ضرب برداری
vector projection	
	تصویر برداری
vector quantity	
	کمیت برداری
vector space	
	فضای خطی، فضای حاملی، فضای برداری
vector subspace	

	زیرفضای برداری، تحت فضای برداری
vector triple product	
	حاصل ضرب سه گانه بردار
vector valued	
	برداری، برداری مقدار، بردار ارز
vector valued function	
	تابع بردار مقدار، تابع برداری
vector with n components	
	بردار با n مؤلفه
vectorial	
	برداری
vectorial angle	
	زاویه قطبی
vectorial component	
	مؤلفه برداری
vectorial parametrical representation	
	نمایش پارامتری برداری
vectorial product	
	حاصل ضرب خارجی، حاصل ضرب برداری
vectorial space	
	فضای برداری
vectorial subspace	
	زیرفضای برداری
vectors	

	بردار ها، بردار های
vectors addition	
	جمع بردار ها
vectors dependence	
	وابستگی بردار ها
vectors in the same sense	
	بردار های هم جهت
vectors with opposite sense	
	بردار های مختلف جهت
vee location	
	موضع دهی V شکل
veer	
	تغییر مسیر، تغییر جهت دادن، انحراف، برگشت
velocity	
	سرعت، تندی
velocity average	
	متوسط سرعت
velocity field	
	میدان سرعت
velocity function	
	تابع سرعت
velocity of b relative to a	
	سرعت b نسبت به a
Velocity of circulation	

	سرعت گردش پول
velocity of fluid	
	سرعت سیال
velocity of light	
	سرعت نور
velocity of money	
	سرعت گردش پول
velocity parameter	
	پارامتر سرعت
velocity potential	
	پتانسیل سرعت
velocity vector	
	بردار سرعت
Vender	
	فروشنده
vendor	
	شرکت، فروشنده
vendors invoice	
	صورتحساب فروشنده فاکتور فروشنده
vendors statement	
	فاکتور فروشنده صورتحساب فروشنده
venn diagram	
	نمودار ون، تصویر ون، شکل ون
venn euler diagrams	

	نمودار های ون و اویلر
venus	
	زهرة
verbal assertion	
	بیان گفتاری
verge	
	در شرف، مشرف بر، لبه، حاشیه، کناره
verging	
	میل
verifiability	
	قابل حسابرسی بودن قابلیت تایید یارد قابلیت رسیدگی
verifiable	
	قابل تصدیق، قابل تحقیق
verifiable data	
	اطلاعات قابل رسیدگی (قابل حسابرسی)
verification	
	بررسی تبیین
verified	
	محقق شده، مسلم شده، سازگار، تحقیق شده
verified condition	
	شرط صادق
Verify	
	تصدیق کردن - اثبات کردن
vernier bevel protractor	

	نقاله دقیق
vernier caliper	
	کولیس اندازه گیر، کولیس، کولیس ورنیه
vernier height gage	
	کولیس ارتفاع سنج
vernier micrometer	
	میکرومتر ورنیه دار، ریزسنج ورنیه دار
versatile	
	شکیل، تطبیق نمودن، همه کاره، تطبیق پذیر
versed cosine	
	سمت جیب تمام
versed sine	
	جیب معکوس، سمت جیب، جیب باشگونه، سهم
version	
	گونه، مدل، روایت، ترجمه، نسخه، متن، تفسیر، شرح
Versus	
	در برابر، در مقابل
vertex	
	راس اوج
vertex array	
	آرایه رأسی
vertex coloring	
	رنگ آمیزی رأسی
Vertex degree	

	درجه راس
vertex file	
	فایل رأس
vertex in a simplicial complex	
	رأس مجتمع سادکی
vertex of a cone	
	راس مخروطی
vertex of a linear graph	
	رأس گراف خطی
vertex of a parabola	
	رأس سهمی
vertex of a solid angle	
	رأس زاویه فضایی
vertex of an angle	
	رأس زاویه
vertex of parabola	
	تارک سهمی
vertex of projection	
	تارک تصویری
vertex of ray	
	رأس شعاع
vertex of the cone	
	تارک مخروط
Vertical	

	عمودی
vertical analysis	
	تجزیه و تحلیل عمودی
vertical angles	
	زوایای متقابل، زوایای متقابل به رأس
vertical asymptote	
	مجانب قائم
vertical axis	
	محور قائم
vertical circle	
	دایره قائم
vertical communication	
	ارتباط عمودی
vertical direction	
	امتداد قائم
vertical distance	
	فاصله قائم
vertical expansion of a graph	
	بسط عمودی یک نگار
vertical growth	
	رشد عمودی
Vertical integration	
	الحاق عمودی
vertical line	

	خط قائم
vertical line property	
	خاصیت خط قائم
vertical merger	
	ادغام عمودی
vertical plane	
	صفحه قائم، صفحه عمودی، هامن قائم
vertical tangent	
	مماس قائم
vertical tangent line	
	خط مماس قائم
vertical trace	
	اثر قائم
vertical vector	
	بردار قائم
verticality	
	حالت عمودی، عمودیت، راستی، قائمی
verticall line	
	خط قائم عمودی
vertically	
	به طور قائم
vertically opposite angles	
	زوایای متقابل به رأس
vertically simple	

	به طور قائم ساده
vertically simple region	
	ناحیه به طور قائم ساده
vertice	
	رأس، تارک
Vertice Vertex	
	راس
vertices	
	رئوس، تارک ها، قتل
vertices of a graph	
	رأس های گراف
vertices of a hyperbola	
	رأس های هذلولی
vertices of a polygon	
	رأس های چندضلعی
vertices of a spherical triangle	
	رأس های مثلث کروی
vertices of a triangle	
	رأس های مثلث
vertices of ellipse	
	رأس های بیضی
vertices of polygon	
	رأس های چندضلعی
very significant	

	بسیار معتبر
vested	
	اعطا شده قطعی
vested interests	
	منافع / حقوق اعطایی / قطعی شده
VFM audit (Value for Money Audit)	
	حسابرسی عملیاتی
vibrate	
	ارتعاش کردن، ارتعاش داشتن
vibrating string	
	تار مرتعش
vibration	
	ارتعاش
vibration dampener	
	لرزه گیر، ضربه گیر، ارتعاش گیر
vibratory rail	
	ریل مرتعش
vibratory roller	
	غلتک لرزان
vice	
	دستگاه گیره، قید، گیره
vice chairman	
	نائب رئیس هیأت مدیره
vice president of finance	

	معاون / معاونت مالی معاون امور مالی
vice versa	
	برعکس
Vice-President	
	نایب رئیس
vicinity	
	همسایگی، مجاورت، نزدیکی، حومه
vicious circle	
	دور تسلسل، دور باطل، دور فاسد، دور
video	
	تصویری
video display	
	نمایش تصویری
vierergruppe	
	چهارگروه، گروه درجه دوم، چارگروه
viete relation	
	رابطه ویت
view	
	دید، نظریه، نظر، عقیده، قضاوت، بازنگری
view as	
	در نظر گرفتن، به صورت ... در نظر گرفتن
viewed as	
	به عنوان
viewpoint	

	نقطه دید، نقطه نظر، دیدگاه
vigesimal numeration system	
	دستگاه شمار در مبنای بیست
vinculum	
	خط
violate	
	تغییر کردن، نقض شدن
violation	
	تغییر، تخلف، تخطی، تجاوز
violation of laws and government regulations	
	نقض قوانین و مقررات دولتی
virtual	
	حقیقی، واقعی
virtual waiting time	
	زمان انتظار واقعی
Visa	
	ویزا
viscosity	
	چسبندگی
viscous	
	چسبیده، غلیظ، چسبنده، شکسته
visibility	
	وضوح، پدیداری
visible	

قابل رؤیت، پدیدار، مرئی، واضح، نمایان
visible spectrum
طیف مرئی
vision
پنداره بینش
vision statement
بیانیه پنداره‌ها
visit
ملاقات کردن
Visual -Display Unit
صفحه نمایش مانیتور
visual inspection
بازرسی رؤیتی، بازرسی ظاهری، بازرسی با دیدن
visual review system
سیستم بازدید عینی
visualization
تجسم
vital
اساسی، حیاتی، واجب
vital index
شاخص حیاتی
vital records
ثبت و نگهداری وقایع زندگی
vital statistics

	آمار وقایع زندگی
vitali covering theorem	
	قضیه پوشش ویتالی
viz	
	بدین قرار، به عبارت دیگر
vocal number	
	شماره مشخصات کالا
vocational training	
	آموزش حرفه‌ای
voice in management	
	نفوذ در هیأت مدیره
Void	
	باطل - بی‌اثر - بی اعتبار
void result	
	نتیجه باطل
void set	
	مجموعه پوچ، مجموعه تهی، مجموعه خالی
Volatility	
	جهش ناگهانی قیمت
Volatility Value	
	ارزش قرارداد اختیار معامله است که ارزش ذاتی آن صفر است و ندرت‌ادارای پتانسیل تغییر در قیمت اسناد اصلی که متضمن ارزش ذاتی قرارداد اختیار معامله در تاریخ عقبتر را داراست.
Vold	

	باطل
voltage peak	
	اوج ولتاژ
volterra's integral equations	
	معادلات انتگرال ولترا
Volum banking	
	خدمات عمومی بانکی
Volume	
	مجموع حجم معاملات انجام شده
volume discount	
	تخفیف حجمی، تخفیف برای حجم
volume element	
	جزء، حجم، عنصر حجم
volume function	
	تابع حجم
volume integral	
	انتگرال حجم
volume of shares traded	
	حجم سهام داد و ستد شده حجم معاملات سهام
volume of solid	
	حجم جسم
volume variance	
	انحراف حجم
voluminous	

	حجیم، گنجا
voluminous data information	
	اطاعات حجیم (زیاد)
voluntarism	
	اراده گرایی
Voluntary	
	داوطلبانه
voluntary disclosure	
	افشا (گری) اختیاری
voluntary motion	
	حرکت ارادی
Voluntary reserves	
	ذخایر اختیاری
von mises conception of probability	
	مفهوم احتمال بر طبق فون میزس
von neumann algebras	
	جبرهای فون نویمان
vortex	
	گرداب
vortex lines	
	خط های گرداب
vortex point	
	نقطه گردابی
vorticity	

	چرخش، گردابی
Vostro account	
	حساب شما
Vote	
	رای
voting bond	
	اوراق قرضه با حق رای
voting by proxy	
	رای دهی وکالتی اعطای حق رأی به مدیران
voting stock	
	سپه‌ام با حق رای سهام دارای حق رای
vouch	
	بررسی اسناد و مدارک اولیه سندرسی کردن
Voucher	
	سند (دفتر) هزینه
voucher register	
	سیستم سند هزینه
Voucher System	
	سیستم اسناد
Vouchers Payable	
	اسناد پرداختنی
vouching	
	سندرسی
voulgar fraction	

	کسر متعارفی
Voyage	
	سفر
w	
	بیست و سومین حرف الفبای انگلیسی
Wage	
	دستمزد
Wage Claim	
	طلب دستمزد
Wage Earner	
	مزد بگیر
wage policy	
	سیاست دستمزد
Wage Rate	
	نرخ دستمزد
Wage Restraint	
	جلوگیری یا منع دستمزدها
wage scale	
	پایه دستمزد، اشل دستمزد
Wage Stabilization Board	
	هیات تثبیت دستمزد
wage system	
	سیستم دستمزد
wager	

	روز مزد
Wages Agreement	
	توافق بر سر دستمزدها
Wages cheque	
	چک حقوقی
wages payable	
	دستمزدهای پرداختنی
waiting	
	انتظار
waiting line	
	صف، در صف گذاشتن، خط انتظار
waiting line analysis	
	تحلیل خط انتظار
waiting line model	
	مدل صف، مدل خط انتظار
Waiting List	
	لیست انتظار
waiting time	
	زمان انتظار
Waiver	
	فسخ - ابطال
walk	
	گذر، گشت و گذار، گام، راه
walk through test	

آزمون درونکاوی (سیستم) مبادلات / معاملات آزمون شناخت سیستم	
walking beam	شمش سیار
walkthrough method	روش گامی
wall	دیواره
Wall street	خیابانی مشهور در نیویورک که مرکز تجارت نیویورک نیز می باشد.
wall thickness	ضخامت دیواره
wallis formula	دستور والیس
wallis product	حاصل ضرب والیس
wallis's formula	فرمول والیس
Want Ads	آگهی استخدام
ware	جنس
Warehouse	انبار
warehouse receipt loans	

	وامهای رهنی (با گروه گرفتن موجودی کالا)
warehouseman	انباردار
	انباردار
warehousing	نگهداری در انبار، انبارداری
	نگهداری در انبار، انبارداری
waring's problem	مسأله وارینگ
	مسأله وارینگ
warning	علائم هشدار دهنده
	علائم هشدار دهنده
warning lines	خطوط هشدار، خطوط اعلام
	خطوط هشدار، خطوط اعلام
warpage	اعوجاج، تاب برداشتن، پیچیدگی، تاب برداشتنی
	اعوجاج، تاب برداشتن، پیچیدگی، تاب برداشتنی
Warrant	وسیله تضمین
	وسیله تضمین
warrants payable	حواله های پرداختی
	حواله های پرداختی
Warranty	تضمین کتبی
	تضمین کتبی
warranty cost allowance	ذخیره هزینه تضمین محصول
	ذخیره هزینه تضمین محصول
warranty expense	هزینه تضمین محصول
	هزینه تضمین محصول
warranty maintenance period	

	دوره تضمین (تعمیر و نگهداری)
warranty of quality	
	تضمین کیفیت
warranty works	
	کارهای تضمینی
Wastage	
	ضایعات - اتلاف
waste	
	تلف شدن اتلاف
Waste Products	
	ضایعات تولید
water shield plasma	
	پلازما با لایه پوششی آب
water volume	
	حجم آب
watered stock	
	سهام کم مایه سهام رقیق
watery body	
	شکل آبی
watson's lemma	
	لم واتسون
wave	
	موج
wave equation	

	معادله موج
wave function	
	تابع موج
wave length	
	طول موج
wave motion	
	حرکت موج، حرکت موجی
wave number	
	عدد موج، عکس طول موج، تعداد موج، تعداد موج در واحد طول
wave velocity	
	سرعت موج، سرعت فاز
waveform	
	موجی شکل
wavelength	
	طول موج
waviness	
	تموجی بودن، موجدار بودن، موجی بودن، تموج
way	
	راه، طریق
way bill	
	بارنامه زمینی، صورت بار، بارنامه
we are given that	
	در صورتی که بدانیم
we are though	

	مسأله تمام است، اثبات تمام است
we have found that	
	دیدیم که
we notice that	
	می بینیم که
weak	
	خفیف، ضعیف
weak compactness	
	فشردگی ضعیف
weak completeness	
	فشردگی ضعیف، کمال ضعیف، تمامیت ضعیف
weak convergence	
	همگرایی ضعیف، همگرایی خفیف
weak converse theorem	
	عکس ضعیف قضیه
weak currency	
	واحد پولی ضعیف ارز ضعیف
weak duality	
	دوگان ضعیف، ضعیف دوگانی
weak from market efficiency	
	شکل ضعیف کارایی بازار
weak induction	
	استقرای کم توان
weak integral	

weak interaction	انتگرال ضعیف
weak law of large numbers	بر هم کنش ضعیف
weak minimum	قانون خفیف اعداد بزرگ، قانون ضعیف اعداد بزرگ، قانون کم توان
weak operator topology	مینیمم ضعیف
weak order	توپولوژی ضعیف عملگرها
weak order relation	ترتیب ضعیف
weak relation	نسبت ترتیبی ضعیف، رابطه ترتیبی ضعیف
weak solution	نسبت ضعیف
weak topology	جواب ضعیف
weak* topology	توپولوژی ضعیف، توپولوژی کم توان
weaken	توپولوژی ضعیف ستاره، توپولوژی ضعیف*
weakened mood	سبک کردن

	ضرب ضعیف، استقرای ضعیف
weaker topology	
	توپولوژی ضعیفتر
weakly	
	به طور ضعیف
Weakly Connected graph	
	گراف ضعیفا همبند
weakly continuous representation	
	نمایش ضعیف پیوسته
weakly convergent sequence	
	دنباله ضعیف همگرا
weakly integrable function	
	تابع ضعیف-انتگرال پذیر
weakly measurable function	
	تابع ضعیف-اندازه پذیر
weakly order preserving	
	حافظ ترتیب ضعیف
weakly ordered	
	به طور ضعیف مرتب شده
weakly stationary process	
	فرآیند ضعیف مانا
weakly symmetric riemannian space	
	فضای ریمانی ضعیف متقارن
Wealth	

ثروت - دارایی
Wealth adjustment model
مدل تعدیل ثروت
wealth position
میزان ثروت
wealth producing activities
فعالیت‌های ایجاد کننده ثروت فعالیت در آمدزا
wear
فرسودگی، فرسایش، ساییدگی، خورده شدن، ساییده شدن، مستهلک شدن، فرسودن، سایش
wear and tear
فرسودگی (استهلاک)
wear out
فرسوده شدن، ساییده شدن، فرسایش، خورده شدن
wear resistance
مقاومت در برابر سایش، دیرسایی، سخت سایی، پایداری در برابر سایش
weather
هوا
weather map
نقشه هوا
Web
شبکه
Web Enabled
قابل اجرا در محیط Web

weber function	تابع وِبر، تابع وِبر
weber transform	تبدیل وِبر
weddle's rule	قاعده ودل
wedge	بیرون انداز، لبه، گاوِه، گوه، از هم جدا کردن، با گوه شکافتن
wedge clamp	گیره شیبدار، گیره گوه ای
wedge product	حاصل ضرب گوه ای
weekend effect	اثر پایان هفته
Weekly	هفتگی
weibull distribution	توزیع وایبال
weierstrass approximation theorem	قضیه تقریب وایراشتراس
weierstrass canonical product	حاصل ضرب متعارف وایرشراس
weierstrass elliptic functions	تابع های بیضوی وایرشراس

weierstrass m test	
	آزمون وایرشتراس، آزمون m وایرشتراس
weierstrass point	
	نقطه وایرشتراس
weierstrass stone theorem	
	قضیه وایرشتراس-استون
weierstrass test	
	آزمون وایرشتراس
Weierstrass theorem	
	قضیه وایرشتراس
weierstrass zeta function	
	تابع زتای وایرشتراس
Weigh	
	وزن کردن
weight	
	وزن
weight factor	
	عامل وزن معیار اهمیت
weight function	
	تابع وزن
Weight Gross	
	وزن ناخالص
Weight Note	
	برگ باسکول

weight of a code	وزن کد
Weight or Measurement	وزن یا اندازه
weighted	وزندار، وزین، سنگین، وزنه دار، موزون، وزن دار
weighted arithmetic mean	میانگین موزون حسابی، حسابی وزندار، میانگین حسابی وزنی
Weighted Average	میانگین موزون
weighted average contribution margin	میانگین موزون حاشیه فروش
Weighted Average Cost	هزینه میانگین موزون
weighted average cost method	روش موزون بهای تمام شده
Weighted Average Cost of Capital	هزینه میانگین موزون سرمایه
weighted average cost of capital (wacc)	میانگین موزون هزینه سرمایه
weighted average interest rate	میانگین موزون نرخ بهره
weighted average method	روش میانگین موزون

weighted average method of process costing	
	روش میانگین موزون هزینه یابی مرحله ای
weighted average number of shares of common stock outstanding	
	میانگین موزون تعداد سهام عادی در جریان (تملک صاحبان سهام)
weighted average process costing method	
	روش میانگین موزون هزینه یابی مرحله ای
Weighted Graph	
	گراف وزن دار
Weighted Marginal Cost of Capital	
	هزینه نهایی موزون سرمایه
weighted mean	
	متوسط وزنه دار، میانگین موزون، متوسط موزون، میانگین وزن دار، واسطه وزن دار
weighted mean value theorem	
	قضیه مقدار میانگین وزندار
Weighted Moving Average	
	میانگین موزون متحرک
weighted path length	
	طول مسیر وزن دار
weighting factor	
	عامل وزنه
weighting function	
	تابع چگالی
weightlessness	

	بی وزنی
weil conjecture	
	حدس وایل
weil domain	
	حوزه وایل
well behaved	
	خوش رفتار، خوش کردار
well behaved function	
	تابع خوش رفتار
well being	
	رفاه آسایش
well conditioned	
	خوش حالت، خوش طرح
well defined	
	خوش تعریف، خوب تعریف شده
well defined function	
	تابع خوش تعریف
well formed	
	خوش ساخت
well formed formula	
	فرمول خوش ساخت، دستور خوب ساخته
well known	
	آشنا
well order set	

	مجموعه خوشترتیب
well ordered	
	خوش ترتیب، نیکو مرتب، خوب مرتب شده
well ordered set	
	مجموعه خوش ترتیب
well ordering	
	خوش ترتیبی
well ordering principle	
	اصل خوش ترتیبی
well ordering property	
	ویژگی خوشترتیبی
well ordering theorem	
	قضیه خوشترتیبی
well paid	
	حقوق مکفی
well posed	
	خوش طرح
well principle	
	اصل خوش ترتیبی
well relation	
	نسبت ترتیبی نیکو
well set	
	مجموعه خوش ترتیب، مجموعه کاملاً مرتب
Westel Technology	

	فناوری وستل
weyl integral formula	
	فرمول انتگرال وایل
Weyl principle	
	اصل وایل
what happen	
	به چه صورتی در می آید
What If	
	چه اتفاقی می افتد اگر
what if analysis	
	تجزیه و تحلیل گر... آنگاه ...
whatever	
	بدون توجه به، اگر، هر چه باشد، هر چه، هر آنچه، اصلا، هر، دلخواه، هر قدر
whatever process	
	هر پردازشی
wheel	
	نقاله چرخ، چرخ
when	
	برای، به ازای، چه وقت
when need	
	در صورت لزوم
when possible	
	در صورت امکان

when we wish to	هنگامی که بخواهیم
whence	از آنجا، که از آن نتیجه می شود
whenever	هر جا، هر گاه، اگر
where	در کجا، کی
where by	که به وسیله آن
where the stone falls	پای ارتفاع مثلث
whereas	نظر به این که، از آنجا که، در حالی که
wherefore	به چه علت، چرا
wherefrom	که از آنجا
wherein	که در آن، در جایی که
whereof	از آنجائی که
wherever	جائی که، آنجا که، هر جا که

whether	آیا، چه، خواه
whether each of	کدامیک از
whether or not	در همه حال، به هر صورت، به هر حال
which	که، کدام، به طوری که
which is	یعنی
which means that	به معنای آن است که
which of	کدام یک از
whichever	هر کدام
whispering	نجوا
whistle blowers	رسوا کنندگان
white	سفید
white collar workers	کارمندان اداری

white dwarf	کوتوله سفید
white knight	شرکت ناجی شرکتی که شرکت دیگری را از خطر تصاحب یا بلعیده شدن توسط شرکتهای دیگر نجات می دهد
white noise	اغتشاش خالص
whitehead product	حاصل ضرب وایتهد
Whittaker differential equation	معادله دیفرانسیل ویتاگر
whittaker function	تابع های ویتاگر
Whittaker functions	تابع های ویتاگر
whoever x	هر چه باشد x ، به ازای تمام مقادیر x
whole	کامل، درست، تمام، سراسر، همه، سالم، بی خرده، صحیح، کل
whole life cost	هزینه مادام العمر
Whole number	عدد صحیح، عدد تام، عدد درست، عدد تمام، شمار درست
whole part	

	قسمت صحیح
Whole Sales	
	عمده فروش - بنکدار
Wholesale	
	عمده فروشی
wholesale markets	
	بازارهای عمده فروشی
Wholesale price	
	قیمت عمده فروشی
wholesale price index	
	شاخص قیمت عمده فروشی
Wholesale Trade	
	عمده فروشی
wide	
	پهن، گشاد، وسیع
wide area	
	فراگیر
wide area network (wans)	
	شبکه‌های گسترده
wide range	
	دامنه وسیع
widen	
	گستراندن، پهن کردن
width	

	عرض، پهنا، پهنه
width of a region	
	عرض یک ناحیه
widthwise	
	عرضی گون
wiener levy theorem	
	قضیه وینر-لوی
Wiener process	
	فرآیند وینر
wigger indicator	
	سنجه جنبان
wild function	
	تابع وحشی
wilding	
	پیچش، تاب دادن، چرخش، گشت
wilding number	
	عدد پیچش، عدد گردشی، شماره گشت، عدد چرخش
will	
	دلخواه، اختیاری
will be	
	می توان
wilson's theorem	
	قضیه ویلسون
wilsorized	

	وینسوریزه
wind up	
	منحل کردن / شدن
windfall gains	
	سودهای (غیر عملیاتی) بادآورده
winding	
	گردشی
winding number	
	عدد چرخش
winding up order	
	حکم انحلال
winding up petition	
	تقاضای / درخواست انحلال
window dressing	
	حساب آرایه کردن
winsorizing	
	وینزوریده سازی
wiper	
	برف پاک کن، جاروبک، بادامه
wiper blade	
	تیغه جاروب کن
wire	
	مفتول، کابل، سیم
wire drawing	

	کشش سیمی، مفتول کشی
wire frame modelling	
	مدل قاب سیمی، مدل سازی شبکه توری
wire rope	
	سیم رشته ای، کابل فولادی
Wire transfer	
	انتقال تلگرافی
wish	
	بخواهیم
wishart distribution	
	توزیع ویشارت
wit replacement	
	با جای گذاری
witch of agnesi	
	خم آنزا، خم اگنس
with	
	با استفاده از، با، بوسیله ی
with a number of examples	
	با چند مثال
with account take	
	با در نظر گرفتن
with different sign	
	نا همعلامت
with different signs	

with divided date	با علامت های مختلف
with recourse	تاریخ مشمول سود سهام
With Reference to	با حق رجوع /مراجعه با حق جبران غرامت / زیان
with regard to	عطف به
with respect	نسبت به، درباره ی، با رعایت، با ملاحظه
with respect to	نسبت به، در مورد
with the exception	نسبت به، بر حسب
with the same sign	به استثنای
with the same signs	هم علامت
Withdraw	هم علامت
Withdraw from circulation	برداشت کردن
Withdrawal	از گردش خارج کردن

برداشت از وجه حساب
withdrawal of a partner
خروج (کناره گیری) شریک
withheld income tax
مالیات بر درآمد تکلیفی
withholding tax
مالیات تکلیفی
within
در قرار دارد، درون، تو، داخل
within and on
دروبر
within loss
بدون انحصار
within replacement
بدون جایگزاری
without loss of generality
بدون از دست رفتن کلیت
Without Prejudice
بی طرفانه
without recourse
بدون حق رجوع مراجعه بدون حق جبران غرامت / زیان
without replacement
بدون جای گذاری
Witness

	شاهد - ناظر
wobble	
	لرزش، حرکت لرزشی
wold decomposition	
	تجزیه ولد
word	
	کلمه، واژه
word length	
	طول واژه
word problem	
	مسأله واژه
Word Processing	
	سیستم‌های تحریری
Work	
	کار - کار کردن
work breakdown schedule	
	جدول زمانی تقسیم کار
work certified	
	کار تأیید شده کار گواهی شده
Work Flow	
	گردش کار
Work Force	
	نیروی کار
work head	

کارگیر
Work Hours
ساعات کار
Work In Process
کار در جریان
work in process control account
حساب کنترل کالای در جریان ساخت
work in process file
پرونده‌های کالای در جریان ساخت
work in process inventory
موجودی کالای در جریان ساخت
Work in Progress
کار در حال پیشرفت
work in progress inventory
موجودی کالای در جریان ساخت
work integral
انتگرال کار
Work Load
حجم کار
work measurement
کار سنجی
work measurement method
روش کار سنجی
Work Modules

	واحد‌های کاری
Work on Hand	
	کار در دست اقدام
Work Order	
	سفارش کار
work orders	
	سفارشات کاری
work pachage	
	گروه کاری
work papers for consolidation	
	کاربرگ‌های تلفیق
Work Permit	
	اجازه اشتغال
Work Place	
	مکان کار
work priority system	
	سیستم کار با اولویت
work program	
	برنامه کار
work sampling	
	نمونه برداری از کار
Work Sheet	
	کاربرگ
Work Shop	

	کارگاه
work simplification	
	ساده کردن کار
work situation	
	محیط کار، وضعیت کار، موقعیت کار
work station	
	ایستگاه کاری
work stoppage	
	متوقف شدن کار، توقف کار
Work Study	
	بررسی فرآیند کار
work unit	
	واحد کار
work volume	
	فضای کاری
work zone	
	منطقه کاری
Worker	
	کارگر
workflow chart	
	نمودار مراحل کار، نمودار جریان کار
workhandling	
	جا به جا کردن قطعه کار
working capital	

	سرمایه در گردش
Working capital credit	
	اعتبار سرمایه در گردش
working capital cycle	
	چرخه سرمایه در گردش
Working capital loan	
	وام سرمایه در گردش
working capital management	
	مدیریت سرمایه در گردش
Working Conditions	
	شرایط کاری
Working Day	
	روز کاری
working days per year	
	روزهای کاری در هر سال
working files	
	پرونده‌های حسابرسی
working fund	
	تنخواه گردان
working hours method	
	روش میزان ساعات کارکرد، روش ساعات کارکرد
working life	
	دوره کارکرد، عمر کارکرد، دوره فعالیت، دوام
working origin	

	مبداء کارآمد
Working paper	
	کاربرگ – ورقه کار
working papers	
	کاربرگ‌های حسابرسی
working probits	
	آزمایش‌های عملی
working procedure	
	روش کار، رویه کار
working trial balance	
	کاربرگ نهایی
Work-In-Process	
	کار در جریان ساخت
workmanship	
	طرز کار، مهارت، استادی
workpiece	
	قطعه کار
workplace	
	منطقه کار، منطقه کاری، محل کار
works	
	کارخانه، عملیات، آثار، عمل کردن
worksheet	
	برگه کار، ورقه کار، کارگاه
World Area Network	

	شبکه جهانی
world series	
	سری های جهانی
World Trade Organization	
	سازمان تجارت جهانی
world trade organization (wto)	
	سازمان تجارت جهانی
worm	
	لوله مارپیچی حلزونی، پیچ حلزون
worm gear	
	چرخ دنده بی انتها، چرخ دنده حلزونی، دنده مارپیچی، دنده حلزونی
wormwheel	
	چرخ حلزون، چرخ دنده مارپیچی، چرخ حلزونی
worst case	
	بدترین حالت
wrench	
	چرخش، پیچش، پیچاندن، آچار
wring fit	
	انطباق چسبنده
wrinkled	
	چین دار
wrist pin	
	انگشتی پیستون، انگشتی
writ of entry	

حکم تملک مجدد
Write
حکم دادگاه - دستور قانونی
write down
پایین آوردن ارزش دفتری
write in the form
به شکل ... درآوردن، به صورت ... نوشتن
Write off a Debt
قلم زدن بدهی از دفتر
Write off a Loss
حذف زیان از دفتر
write off of bad debts
حذف مطالبات سوخت شده
Write Transfer
انتقال و حواله پول از شعب یک بانک به سایر بانکهای سراسر دنیا
write-off
مستهلك کردن
writing down allowance
ذخیره کاهش ارزش
written
کتبی مکتوب
written down value
ارزش تقلیل یافته
written narrative of the system

شرح نوشته سیستم کنترل‌های داخلی توضیح نوشتاری سیستم کنترل‌های داخلی
written promise
تعهد / وعده کتبی
written representations
اظهارات کتبی (مکتوب)
written request
در خواست کتبی (مکتوب)
Wrong
اشتباهاً - خطا - کار غلط
wronskian
دترمینان رانسکی، رانسکین، رونسکی، رانسکی
Wronskian determinant
دترمینان ورونسکی، ورونسکی
wronskin
رونسکینی، تابع رانسکین
wrought
ساختار فرم داده شده، نوردی
x
بیست و چهارمین حرف الفبای انگلیسی
x and or y
یا هر دو x یا y
x axis
محور افقی

X Chart	
	نمودار X
x component	
	مؤلفه X
x coordinate	
	مختص X
x intercept	
	طول از مبدأ، خفت از مبدأ برخوردگاه
x manifold of class	
	خمینه X از رده ی
x minimal function	
	تابع X-مینیمال
x punch	
	مگنه ایکس
x qua x	
	اکس فی نفسه (X بماهو X)
x ray	
	اشعه رونتگن، اشعه ایکس
X-Axis	
	محور ایکس
Xenelasia	
	دفع بیگانگان - اخراج بیگانگان
Xenophobe	
	بیگانه پرست

X-off	فرستنده – خاموش
X-on	فرستنده – روشن
X-rays	پرتوهای مجهول
X-Xerography	نسخه برداری با عکس
xy plane	صفحه xy ، همان xy
xz plane	صفحه xz ، همان xz
y	بیست و پنجمین حرف الفبای انگلیسی
y axis	محور عمودی
y coordinate	مختص y ، آراینده y ، همارای y
y intercept	عرض از مبدأ، رست از مبدأ، برخوردگاه
y replaced by x	شده است y جایگزین x
yankee bonds	اوراق قرضه بانکی / آمریکایی

yanoff list	لیست یانوف
yard	یارد، واحد مقیاس طول انگلیسی معادل ۰٫۹۱۴۴ متر، محوطه، میدان
yardstick	معیار سنجش مقیاس اندازه گیری
Yates correction	تصحیح یتس
yates's correction	تصحیح بیتس
yaw	انحراف، منحرف شدن
Year	سالانه
Year By Year	همه ساله - سال به سال
Year Digits	روش سالنمای اعشار
Year End Adjustment	تعدیل پایان دوره - تعدیل پایان سال مالی
year end adjustments	تعدیلات (اصطلاحات) پایان سال مالی
year end audit	حسابرسی پایان سال

Year Installments	اقساط سالیانه
year subsequent to acquisition	سال بعد از تحصیل
Year-End Profit	سود پایان سال - حسابرسی آخر سال
Yearly	سالیانه - همه ساله
Yearly Allowance	مقرری سالانه
yes state	حالت بله، حالت درست
yet neither	حتی، اگر، هیچ یک
yet we can't	حتی نمی توانیم
Yield	بازده
yield curve	منحنی (نرخ) بازده
yield gap	اختلاف بازده
yield of capital	حاصل سرمایه، بازده سرمایه

yield premium	صرف بازده
yield ratio	نسبت بازده
yield spread	اختلاف بازده
yield strength	تاو تسلیم، استحکام تسلیم
yield structure	ساختار بازده
Yield Tax	مالیات بازده
yield to call	بازده تا تاریخ باز خرید
yield to call (ytc)	بازده تا تاریخ باز خرید
yield to maturity	بازده تا تاریخ سر رسید
yield to redemption	بازده تا تاریخ باز خرید
Yield Variance	اختلاف بازده - تغییر پذیری بازده
Yield, holding perio (H.P.Y)	بازده مدت نگهداری

yields	نتیجه می گیریم، نتیجه می دهد، در می آید، می رسیم، خواهیم داشت، معین کردن
Yo -Yo-Stock	سهام متزلزل - سهام بی ثبات
yoke	بند، طوقه
young inequality	نابرابری یانگ
young's modulus	معیار یانگ
yo-yo stock	سهام متزلزل / ثبات
yule process	فرآیند یول
yz plane	صفحه yz ، همان yz
z	بیست و ششمین حرف الفبای انگلیسی
z axis	محور Z ها، محور ارتفاع در دستگاه مختصات سه بعدی
z coordinate	آراینده Z ، همارای Z ، مختص Z
z distribution	

z	توزیع Z
z intercept	
	ارتفاع از مبدأ
z plane	
	صفحه Z
z score	
	نمره Z، نمره معیار طبیعی
z transform	
	تبدیل Z
z transformation	
	تبدیل Z
zahl	
	عدد صحیح، عدد
zanith	
	اوج، بالاترین نقطه آسمان، سمت الرأس
zassenhaus	
	زاسن هاوس
zenith	
	سمت الرأس
zeno's paradox	
	تناقض زنو، پارادوکس زنو، باطل نمای زنو
zermelo	
	زرملو
zermelo axiom	

اصل موضوع تسرمولو
zermelo's theorem
قضیه زرمولو
zero
صفر، جواب، ریشه، هیچ
Zero balance
مانده صفر
zero balance account
حساب بدون مانده
Zero Base Budgeting
بودجه بندی بر مبنای صفر - روش بودجه ریزی از صفر
zero base gudgeting
بودجه بندی بر مبنای صفر
zero beta portfolio
پر تفوی دارای بتای صفر
zero cost
بدون بها رایگان
Zero coupon bonds
اسناد قرضه با کوپن صفر، اوراق قرضه بدون عایدی
zero coupon security bonds
اوراق قرضه تضمین شده بدون بهره
Zero Defect
بدون نقص
zero defects

	بدون عیب و نقص
zero derivative theorem	
	قضیه مشتق صفر
zero divisor	
	مقسوم علیه صفر
zero element	
	عضو صفر، عنصر صفر
zero entries	
	درایه های صفر
zero function	
	تابع صفر
zero growth	
	بدون رشد
zero growth model	
	مدل بدون رشد
zero growth stocks	
	سهام فاقد رشد
Zero Map	
	نگاشت صفر
zero matrix	
	ماتریس صفر
zero measure	
	اندازه صفر
zero of a function	

صفر تابع، صفر یک تابع
zero of a polynomial
صفر چند جمله ای
zero of multiplicity m
ریشه m گانه، صفر از مرتبه m ، صفر از تکرار m
zero one law
قانون صفر-یک
zero one problem
مسأله صفر-یک
zero point of coordinate system
نقطه صفر دستگاه مختصات، مبدا مختصات
zero polynomial
چند جمله ای صفر
zero position
نقطه مبنا، نقطه شروع
zero quantifier
سور صفر
zero ring
حلقه صفر
zero row
سطر صفر
zero set
مجموعه صفر
zero sum game

	بازی بدون برد و باخت
zero sum two person game	
	بازی دو نفری مجموع-صفر
zero time activity	
	فعالیت زمان-صفر
zero variable	
	بردار صفر، متغیر صفر
zero vector	
	بردار صفر
zero-defect policy	
	سیاست مبنی بر به صفر رساندن عیب و نقص
zeros of hyperbolic functions	
	صفر های توابع هذلولی گون
zeroth derivative	
	مشتق صفرم
zeta	
	ششمین حرف از الفبای یونانی، Z یا ؟
zeta function	
	تابع زتا
zigzag	
	دارای پیچ و خم، شکسته، منکسر
zigzag progress	
	ترقی زیگزاگ
Zip Code	

zonal harmonic	کد پستی
zonal harmonics	همساز های منطقه ای
Zone	ناحیه
Zone Free	منطقه آزاد
Zone Freight Rate	نرخ کرایه منطقه‌ای
zone of a surface of revolution	منطقه یک سطح دوار
zone of acceptability	حدود پذیرش
Zone of Acceptance	حیطه پذیرش
zone of one base	عرقچین کروی
zone of sphere	منطقه کروی
Zone Pricing	قیمت بندی ناحیه‌ای
Zoning	

	منطقه بندی - ناحیه بندی
zoom	
	اندازه نمایی
zorn	
	زرن
zorn lemma	
	لم زرن
zornify	
	زُرنی کردن